IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL **دیوان داوری دعاوی ایران – ایالات متحده**

PARTIAL AWARD
Cases Nos. A15 (II:A), A26 (IV) and B43
Full Tribunal
AWARD NO. 604-A15 (II:A)/A26 (IV)/B43-FT

پرونده های شمارهٔ الف-۱۵ (دو:الف)، الف-۲۶ (چهار) و ب-۴۳
هیئت عمومی دیوان
حکم شماره: ۶۰۴-الف۱۵ (دو:الف)/الف۲۶ (چهار)/ب۴۳-هیئت عمومی

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دیوان داوری دعاوی ایران ایالات متحده
CASE NO: A15 (II:A) پرونده شماره:
FILING DATE: 10 MAR 2020
DOCUMENT NO: 2350
تاریخ ثبت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰
شماره سند:

**جمهوری اسلامی ایران،**
خواهان،

و

**ایالات متحده آمریکا،**
خوانده.

## حکم جزئی

حاضران

برای خواهان: آقای محمدحسین زاهدین لباف،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر سیامک کرم‌زاده،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای سموئل ووردسوورث، کیو سی،
وکیل جمهوری اسلامی ایران،
آقای دیوید سلرز،
وکیل جمهوری اسلامی ایران،
آقای ویلیام توماس،
وکیل جمهوری اسلامی ایران،
پروفسور چستر براون،
وکیل جمهوری اسلامی ایران،

آقای دیوید دیویز،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

پروفسور آندرئاس زیمرمان،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

پروفسور کریستیان تامس،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

خانم ناتاشا هارینگتون،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

آقای گرگ فالکوف،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

خانم نیومی برایرکلیف،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

خانم ناتالی لیمباسان،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

اقای دیوید لیندسی،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

خانم لورا زیلنسکی،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

خانم الکساندرا کرجان،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

آقای دبلیو. پیدیاماه،

وکیل جمهوری اسلامی ایران،

خانم جیلیان فورسایث،

دستیار وکیل،

خانم م. نیکنژاد،

دستیار وکیل،

خانم فنی سارنل،

دستیار وکیل،

آقای علی مخبرالصفا،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای حسن بهروز مهدوی،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای مهدی سروش،

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای الف. اللهیاری،

نماینده خواهان،

آقای الف. اچ. عبدالحمید،

نماینده خواهان،

خانم س. منصوری،

نماینده خواهان،

آقای الف. آر. لهبی،

نماینده خواهان،

آقای م. ح. مهذب،

نماینده خواهان،

آقای امید غنمی،

نماینده خواهان،

آقای فرهاد دبیری،

نماینده خواهان،

آقای اسماعیل هادی تبار،

نماینده خواهان،

آقای ربیعا اسکینی،

نماینده خواهان،

آقای رضا فاضل،

نماینده خواهان،

آقای عبدالخلیل معظم‌زاده،

نماینده خواهان،

آقای علیرضا خان کرمی،

نماینده خواهان،

آقای محسن نجفی،

نماینده خواهان،

آقای مسعود نوری،

نماینده خواهان،

آقای الف. شرافت،

نماینده خواهان،

آقای علی‌اکبر مسعود پور،

نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

آقای ح. مافی،

نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

آقای مجید امیدوند چالی،

نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

آقای حسین عربنجفی،

نماینده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران،

آقای د. اشرافی،

نماینده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران،

آقای خسرو فخیم هاشمی،

نماینده شرکت شیشه همدان،

آقای م. ابراهیمی،

نماینده وزارت راه و ترابری،

آقای ب. قوامی،

نماینده وزارت راه و ترابری،

آقای غ. رفیعی،

نماینده خطوط هوایی ایران آسمان

آقای ع. خزایی،

ناظر،

آقای علی فهیم دانش،

ناظر،

خانم ز. تقی‌زاده،

ناظر.

برای خوانده: خانم کاثلین ای. ویلسون،

نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،

آقای پال اس. وایدنهایمر،

معاون نماینده رابط ایالات متحده،

خانم ماری مک‌لاود،

معاون ارشد مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم لیسا جی. گروش،

دستیار مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای جان دیلی،

معاون دستیار مشاور حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

سر دانیال بثلهم، کیو سی،

وکیل ایالات متحده آمریکا،

آقای تئودور کیل،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای دیوید ام. بیگی،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم لورا کان،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم نیکل ثورنتون،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای جوناس لرمن،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای جان بلنک،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای عباس روجانی،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم آن کیوسک،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم الیشا کیت،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای هاری بارنز،

مشاور-وکیل، وزارت امو رخارجه ایالات متحده،

خانم آنا ملامد،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای دیوید سالی،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای اودریوس کرولایتس،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم میگن گریمبال،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای جولیان سیمکاک،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم شارون سوینگل،

دستیار مدیر، وزارت دادگستری ایالات متحده،

آقای نیل برگمن،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم اِوا دانتسلر،

مشاور-وکیل، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم لانا اولریچ،

دستیار حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای جان کالوپیترو،

دستیار حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم ماریاما ییلا،

دستیار حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم تشیا فرگسون،

دستیار حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

آقای انجیل العقده،

دستیار حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم اَبی لونسبری،

دستیار حقوقی، وزارت امور خارجه ایالات متحده،

خانم کرستن دانلیوی،

سفارت ایالات متحده، لاهه،

خانم بریتانی ویلاریال،

سفارت ایالات متحده، لاهه،

آقای فلیپه عواد،

کارورز حقوقی، سفارت ایالات متحده، لاهه.

---

فهرست مطالب

صفحه

**یک - مقدمه** ..... ۲۱
**دو- پیشینه موضوعی** ..... ۲۴
**سوم – نخستین مرحله رسیدگی‌ها** ..... ۳۱
الف - مقدمه ..... ۳۱
ب - حکم شماره ۵۲۹ ..... ۳۳
۱- دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ ..... ۳۵
۲- مقررات خزانه‌داری صادره پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ..... ۳۷
*الف) اموالی که ایران مالک انحصاری آن‌ها نبوده است* ..... ۳۷
*ب) اموالی که ایران بر آن‌ها تملک داشته اما حق مالکیت محل اختلاف بوده* ..... ۳۷
*پ) اموالی که می‌توانست برای آن‌ها پروانه فروش صادر شود* ..... ۳۸
*ت) اموال مشمول قوانین کنترل صادرات ایالات متحده* ..... ۳۹
۳- ادامه رسیدگی‌ها ..... ۴۱
**چهار - مرحله دوم رسیدگی‌ها** ..... ۴۲
الف-آیین دادرسی ..... ۴۲
ب- ماهیت ..... ۵۰
۱- موضوعات کلی ..... ۵۰
*الف) مقدمه* ..... ۵۰
*ب) دامنهٔ تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹* ..... ۵۰
(۱) «اموال» در محدودهٔ بند ۹ ..... ۵۰
*(الف) مقدمه* ..... ۵۰
*(ب) اظهارات ایران* ..... ۵۰
*(یک) تفسیر درست اصطلاح «اموال ایران» در بیانیه‌های الجزایر* ..... ۵۱
*(دو) تعریف موسّع «اموال» در حقوق بین‌الملل* ..... ۵۶
*(سه) قابل اعمال نبودن قانون محل وقوع مال و بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل بر تفسیر عبارت «اموال ایران»* ..... ۵۷
*(چهار) تغییر اوضاع و احوال* ..... ۵۸

*(پنج) مرجع صالح* ..... ۵۹
*(پ) اظهارات ایالات متحده* ..... ۶۰
*(یک) معیارهای اموال جهت قرار گرفتن در شمول محدوده بند ۹* ..... ۶۰
*(دو ) «اموال ایران» تنها شامل آن دسته از اموال عینی است که ایران بر آن‌ها مالکیت بلامعارض و غیرمشروط داشته است* ..... ۶۰
*(سه) قانون محل وقوع مال، تعیین‌کننده انتقال حق مالکیت به ایران است* ..... ۶۲
*(چهارم) بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل به عنوان قاعده مرتبط برای انتقال حق مالکیت* ..... ۶۴
*(پنجم) مرجع صالح* ..... ۶۴
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۶۵
(یک) مسائل مطروح در پیش‌گاه دیوان ..... ۶۵
*(دو) دیوان اصطلاح «کلیه اموال ایران» را در حکم شماره ۵۲۹ به عنوان اموال «عینی» که «انحصاراً در مالکیت ایران» است تفسیر کرده است* ..... ۶۶
*(سه ) حق مالکیت حاکی از این است که اموال در «مالکیت انحصاری ایران» است* ..... ۸۴
*(چهار) تعیین این‌که آیا حق قانونی مالکیت مطابق اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی به ایران انتقال یافته است یا خیر* ..... ۸۹
*(پنج) اصول کلی حقوق بین‌المللی خصوصی* ..... ۹۵
(۲) تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر در خصوص اموال عینی ایران ..... ۱۱۱
*(الف) مقدمه* ..... ۱۱۱
(ب) تاریخ ایجاد تعهد ایالات متحده در بند ۹ ..... ۱۱۲
*(یک) اظهارات طرفین* ..... ۱۱۳
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۱۱۴
(پ) ماهیت تعهد ایالات متحده در بند ۹ ..... ۱۱۶
*(یک) اظهارات طرفین* ..... ۱۱۶
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۱۱۹
(۳) نقش انتسابی به ایران در بند ۹ ..... ۱۲۲
*(الف) اظهارات طرفین* ..... ۱۲۲
*(ب) تصمیم دیوان* ..... ۱۲۶
(۴) ادعای جایگزین ایران وفق بند ۸ بیانیه عمومی ..... ۱۳۰

*(الف) اظهارات طرفین* ..... ۱۳۰
*(ب) تصمیم دیوان* ..... ۱۳۴
(۵) ادعای جایگزین ایران بر مبنای اصل کلی الف بیانیه عمومی ..... ۱۳۸
*(الف) اظهارات طرفین* ..... ۱۳۹
*(ب) تصمیم دیوان* ..... ۱۴۱
۲- مسؤولیت ایالات متحده ..... ۱۴۵
*الف) مقدمه* ..... ۱۴۵
*ب) ادعاهای جداگانه* ..... ۱۴۶
(۱) ادعای ز-۱۵ (موزه هنرهای معاصر تهران/کلارک) ..... ۱۴۶
*(الف) مقدمه* ..... ۱۴۶
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۱۴۶
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۱۴۹
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۱۵۱
(۲) ادعای ز-۱۶ (موزه هنرهای معاصر تهران/آیزنمن) ..... ۱۵۴
*(الف) مقدمه* ..... ۱۵۴
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۱۵۴
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۱۵۶
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۱۶۰
(۳) ادعای ز-۱۸ (وزارت فرهنگ و هنر/فروغ) ..... ۱۶۱
*(الف) مقدمه* ..... ۱۶۱
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۱۶۲
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۱۶۵
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۱۶۸
(۴) ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) (رادیو و تلویوزیون ملّی ایران/ کامران و کلودیا مشایخی) ..... ۱۷۶
*(الف) مقدّمه* ..... ۱۷۶
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۱۷۷
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۱۸۴
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۱۸۸

*(یک) مسئله مقدماتی: موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک* ..... ۱۸۸
*(دو) باقی موضوعات: ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲): تجهیزات اداری و دو اتومبیل* ..... ۱۹۱
*(سه) باقی موضوعات: ادّعای تکمیلی ۱۲-(۲): سازها و آرشه‌های موسیقی* ..... ۱۹۲
*(چهار) نتیجه کلّی* ..... ۱۹۵
(۵) ادعای تکمیلی ۵-(۱) (شرکت شیشه همدان/هانری اِف تایکمن اینک.) ..... ۱۹۵
*(الف) مقدّمه* ..... ۱۹۵
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۱۹۶
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۲۰۱
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۲۰۳
(۶) ادعاهای راجع به وزارت راه و ترابری ایران (ادعاهای ز-۷، ز-۸ و ز-۱۳) ..... ۲۰۷
*(الف) مقدّمه کلّی* ..... ۲۰۷
(ب) پیشینه موضوعی مشترک بین ادعاهای ز-۷ و ز-۸ ..... ۲۰۸
(پ) ادعای ز-۷ (وزارت راه و ترابری/ بندر ونکوور) ..... ۲۱۲
*(یک) مقدّمه* ..... ۲۱۲
*(دو) پیشینه موضوعی* ..... ۲۱۲
*(سه) اظهارات طرفین* ..... ۲۱۹
*(چهار) تصمیم دیوان* ..... ۲۲۴
(ت) ادعای ز-۸ (وزارت راه و ترابری/گالف پورتس کریتینگ کو.) ..... ۲۳۰
*(یک) مقدّمه* ..... ۲۳۰
*(سه) اظهارات طرفین* ..... ۲۴۱
*(چهار) تصمیم دیوان* ..... ۲۴۴
(ث) ادعای ز-۱۳ (وزارت راه و ترابری/شیپ‌ساید پکینگ کو.) ..... ۲۵۱
*(یک) مقدّمه* ..... ۲۵۱
*(دو) پیشینه موضوعی* ..... ۲۵۲
*(سه) اظهارات طرفین* ..... ۲۵۷
*(چهار) تصمیم دیوان* ..... ۲۶۰
(۷) ادعای ز-۱۱ و ادعای تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر/ گمرک ایالات متّحده) ..... ۲۶۲
*(الف) مقدّمه* ..... ۲۶۲
*(ب) پیشنیه موضوعی* ..... ۲۶۳

*(پ) اظهارات طرفین*.....۲۶۴
*(ت) تصمیم دیوان* .....۲۶۷
(۸) ادعای ز-۱۳۱ (شرکت ایر تاکسی/پیدمونت اَوییشن اینک.).....۲۶۸
*(الف) مقدّمه* .....۲۶۸
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۲۶۸
*(پ) اظهارات طرفین*.....۲۷۴
*(ت) تصمیم دیوان* .....۲۷۷
(۹) ادعای ز-۱۴۶ (هواپیمایی آسمان/ایر کرفت گاورنر اینک.) .....۲۸۰
*( الف) مقدمه* .....۲۸۰
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۲۸۰
*(پ) اظهارات طرفین*.....۲۸۴
*(ت) تصمیم دیوان* .....۲۸۷
(۱۰) ادعای تکمیلی ۳ – (۱) (وزارت کشاورزی ایران/اروس/اریم).....۲۸۹
*(الف) مقدمه* .....۲۸۹
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۲۸۹
*(پ) اظهارات طرفین*.....۲۹۲
*(ت) تصمیم دیوان* .....۲۹۷
(۱۱) ادعاهای تکمیلی ۴۴-(۲) و ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ منیوفکچرینگ کو.) .....۳۰۱
*(الف) مقدمه* .....۳۰۱
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۰۲
*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۰۵
*(ت) تصمیم دیوان* .....۳۰۹
*(یک) مسئله مقدماتی: موافقت‌نامه حل و فصل بین ایران ایر و گرّت* .....۳۰۹
*(دو) ادعای تکمیلی ۴۴-(۲): اقلام خریداری شده* .....۳۱۰
*(سه) ادعای تکمیلی ۵۶-(۲): اقلام تعمیری* .....۳۱۲
*(چهار) نتیجه کلی*.....۳۱۴
(۱۲) ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) (ایران ایر/شرکت میدوِی الکترونیکس، اینک.) .....۳۱۵
*(الف) مقدمه* .....۳۱۵
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۱۵

*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۱۶
*(ت) تصمیم دیوان* .....۳۲۱
(۱۳) ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پِلسِی دینامیکس کورپ.).....۳۲۳
*(الف) مقدمه* .....۳۲۳
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۲۴
*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۲۵
*(ت) تصمیم دیوان* .....۳۲۶
(۱۴) ادعای تکمیلی ۶۴-(۲) (ایران ایر/اسکات اَوِییشن) .....۳۲۷
*(الف) مقدمه* .....۳۲۷
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۲۷
*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۳۱
*(ت) تصمیم دیوان* .....۳۳۴
*(یک) ادعای خسارات بابت عدم استرداد قطعات* .....۳۳۴
*(دو) ادعای پیش‌پرداخت* .....۳۳۷
*(سه) نتیجه کلی*.....۳۳۸
(۱۵) ادعای ز-۱۰۵ (اداره آب و برق خوزستان/اکساید کورپ.) .....۳۳۸
*(الف) مقدمه* .....۳۳۸
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۳۹
*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۴۲
*(ت) تصمیم دیوان* .....۳۴۷
(۱۶) ادعای ز-۱۰۹ (هلال احمر/شولِر اَند کو. اینک.).....۳۵۱
*(الف) مقدمه* .....۳۵۱
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۵۲
*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۵۴
*(ت) تصمیم دیوان* .....۳۵۶
(۱۷) ادعای ز-۱۱۱ (شرکت راه آهن شهری تهران و حومه/زوکور اینترنشنال لیمیتد).....۳۵۷
*(الف) مقدمه* .....۳۵۷
*(ب) پیشینه موضوعی* .....۳۵۸
*(پ) اظهارات طرفین*.....۳۶۲

*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۳۷۵
*(یک) مسائل مقدماتی: (۱) استرداد یا اعراض ادعایی از ادعای ز-۱۱۱؛ (۲) آثار موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]* ..... ۳۷۵
*(دو) «اموال ایران» در قلمرو قضایی ایالات متحده* ..... ۳۷۹
(۱۸) ادعای ز-۱۲۸ (صنایع چوب و کاغذ مازندران/استدلر هرتر لیمیتد) ..... ۳۸۶
*(الف) مقدمه* ..... ۳۸۶
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۳۸۶
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۳۹۶
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۴۰۰
(۱۹) ادعای ز-۳۱ (دانشگاه مازندران/والتر جِی جانسن اینک.) ..... ۴۰۷
*(الف) مقدمه* ..... ۴۰۷
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۴۰۸
*نشریات دوره‌ای* ..... ۴۰۹
*دائرةالمعارف* ..... ۴۱۰
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۴۱۱
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۴۱۴
(۲۰) ادعای ز-۳۲ (موزه ایران باستان/ مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو) ..... ۴۱۷
*(الف) مقدمه* ..... ۴۱۷
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۴۱۸
*(یک) حفاری مشترک و عاریه دادن آثار چغامیش* ..... ۴۱۸
*(دو) استرداد بخشی از آثار چغامیش* ..... ۴۲۰
*(سه) مکاتبات در خصوص عدم استرداد ادعایی آثار چغامیش و ثبت ادعای ز-۳۲* ..... ۴۲۰
*(چهار) اقدامات در همکاری با وزارت امور خارجه ایالات متحده* ..... ۴۲۳
*(پنج) دادرسی روبین* ..... ۴۲۵
*(شش) استرداد آثار چغامیش به ایران* ..... ۴۲۸
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۴۲۸
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۴۳۵
(۲۱) ادعای ز-۱۱۵ (موزه ملی تاریخ طبیعی/دکتر داگلاس لِی) ..... ۴۴۱
*(الف) مقدمه* ..... ۴۴۱

*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۴۴۱
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۴۴۸
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۴۵۱
(۲۲) ادعای ز-۱۶۲ (بانک صادرات ایران/نان-فروس متال اکسچنج) ..... ۴۵۷
*(الف) مقدمه* ..... ۴۵۷
*(ب) پیشینه موضوعی* ..... ۴۵۷
*(پ) اظهارات طرفین* ..... ۴۶۱
*(ت) تصمیم دیوان* ..... ۴۶۲
(۲۳) ادعاهای مربوط به شرکت پتروشیمی خارک ..... ۴۶۳
*(الف) مقدمه کلی* ..... ۴۶۳
*(ب) پیشینه موضوعی مشترک بین تمام ادعاهای مربوط به خارک* ..... ۴۶۳
*(پ) ادعاهای جداگانه مربوط به خارک* ..... ۴۶۹
*(یک) ادعای ز-۱۶۵ (خارک/گیرنج منیوفکچرینگ کو.)* ..... ۴۶۹
*(دو) ادعای ز-۱۶۶ (خارک/سِملِر ایندااستریز)* ..... ۴۷۵
*(سه) ادعای ز-۱۶۸ (خارک/جنرال تایِر اینترنشنال کو.)* ..... ۴۷۹
*(چهار) ادعای ز-۱۶۹ (خارک/فیشر کنترلز کو.)* ..... ۴۸۳
*(پنج) ادعای ز-۱۷۰ (خارک/فرانکلین اکسپرت کو.)* ..... ۴۸۸
*(شش) ادعای ز-۱۷۱ (خارک/سی.اس.سی. اینک.، که متعاقباً به شیکاگو والو اند پایپ کورپ. تغییر نام یافت)* ..... ۴۹۴
*(هفت) ادعای ز-۱۷۲ (ادعای ادغام شده با ادعای ز-۱۷۶) (خارک/میدلند پایپ اند سوپلای کو.)* ..... ۵۰۲
*(هشت) ادعای ز-۱۷۳ (خارک/فاکسبرو کو.)* ..... ۵۲۳
*(نه) ادعای ز-۱۷۴ (خارک/سیجبراش پایپلاین سوپلای کو. اند پروسس سیلز اینک.)* ..... ۵۲۷
*(ده) ادعای ز-۱۷۵ (خارک فیشر کنترلز کو.)* ..... ۵۳۸
*(یازده) ادعای ز-۱۷۷ (خارک/بیگ تری ایندااستریز، اینک.)* ..... ۵۴۲
*(دوازده) ادعای ز-۱۷۸ (خارک/آرنسن سوپلای کورپ.)* ..... ۵۴۷
*(سیزده) ادعای ز-۱۷۹ (خارک/ بار سوندرز اینک.)* ..... ۵۵۳
*(چهارده) ادعای ز-۱۸۰ (خارک/پنل‌فب اینترنشنال کورپ.)* ..... ۵۶۰
*(پانزده) ادعای ز-۱۸۱ (خارک/رپید ایندااستریال کورپ.)* ..... ۵۶۴

*(شانزده) ادعای ز-۱۸۲ (خارک/انگلوود الکتریک سوپلای)* ..... ۵۶۷
*(هفده) ادعای ز-۱۸۳ (خارک/هارکو کورپ.)* ..... ۵۷۳
*(هجده) ادعای ز-۱۸۴ (خارک/ویلسون ایندااستریز، اینک.)* ..... ۵۷۷
*(نوزده) ادعای ز-۱۸۵ (خارک/فالک کورپ.)* ..... ۵۸۰
*(بیست) ادعای ز-۱۸۶ [خارک/آر.جیِ. دروز اند سانز، اینک.)* ..... ۵۸۴
*(بیست و یک) ادعای ز-۱۸۷ (خارک/کریت کامپنی)* ..... ۵۹۳
*(بیست و دو) ادعای ز-۱۸۸ (خارک/الکترو وایر اینک.)* ..... ۵۹۷
*(بیست و سه) ادعای ز-۱۸۹ (خارک/پاورز ایندااستریز، اینک.)* ..... ۶۰۰
*(بیست و چهار) ادعای ز-۱۹۰ (خارک/آمریکن سوسایتی آو مکانیکال انجنیرز)* ..... ۶۰۵
*(بیست و پنج) ادعای ۱۹۹۶-الف (خارک/کوپر انرژی سرویسز)* ..... ۶۰۷
*(بیست و شش) ادعای ۱۹۹۶-ب (خارک/دالاس اینسترومنتس، اینک.)* ..... ۶۱۴
*(بیست و هفت) ادعای ۱۹۹۶-ج (خارک/اینگرسال رَند اکوئیپمنت کورپ.)* ..... ۶۱۷
*(بیست و هشت) ادعای ۱۹۹۶-د (خارک/ساینتیفیک انرژی سیستمز کورپ.)* ..... ۶۱۹
*(بیست و نه) ادعای ۱۹۹۶-ث/ج (خارک/ویلسون ایندااستریز اینک.)* ..... ۶۲۲
۳. جبران خسارات ..... ۶۵۲
*الف) مقدمه* ..... ۶۵۲
*ب) سببّیت* ..... ۶۵۵
*پ) تقلیل خسارات* ..... ۶۵۸
*ت) ملاک‌های ادلهٔ اثبات ادعا* ..... ۶۶۱
*ث) ادعاهای جداگانه* ..... ۶۶۶
(۱) ادعای ز-۱۸ (وزارت فرهنگ و هنر/فروغ) ..... ۶۶۶
*(الف) مقدمه* ..... ۶۶۶
*(ب) سببیت* ..... ۶۶۷
*یک) اظهارات طرفین* ..... ۶۶۷
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۶۶۸
*(ج) ارزیابی* ..... ۶۶۹
*(یک) اظهارات طرفین* ..... ۶۶۹
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۶۸۱
(۲) ادعای تکمیلی ۱۲- (۲) (رادیو و تلویزیون ملی ایران/ کامران مشایخی) ..... ۶۹۴

*(الف) مقدمه* ..... ۶۹۴
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۶۹۵
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۶۹۵
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۷۰۳
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۷۰۶
*(یک) استرداد چهار سازگالیانو و دو آرشه* ..... ۷۰۶
*(دو) روش ارزیابی: ارزش منصفانه بازار* ..... ۷۰۸
*(سه) ارزیابی چهار ساز گالیانو* ..... ۷۱۱
*(چهار) ارزیابی دو آرشه* ..... ۷۱۳
*(پنج) نتیجه‌گیری* ..... ۷۱۵
(۳) ادعای ز-۸ (وزارت راه و ترابری/گالف پورتس کریتینگ کو.) ..... ۷۱۶
*(الف) سببیت* ..... ۷۱۶
*(یک) اظهارات طرفین* ..... ۷۱۶
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۷۲۱
*(ب) ارزیابی* ..... ۷۲۴
*(یک) اظهارات طرفین* ..... ۷۲۴
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۷۴۷
(۴) ادعای ز-۷ (وزارت راه و ترابری/بندر ونکوور) ..... ۷۷۵
*(الف) سببیت* ..... ۷۷۵
*(ب) ارزیابی* ..... ۷۷۷
*(یک) اظهارات طرفین* ..... ۷۷۷
*(دو) تصمیم دیوان* ..... ۷۹۲
(۵) ادعای ز-۱۳ (وزارت راه و ترابری/شیپ ساید پکینگ کو.) ..... ۸۰۴
*(الف) مقدمه* ..... ۸۰۴
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۰۴
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۰۴
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۰۷
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۸۰۹
*(یک) ادعای محرومیت از استفاده* ..... ۸۰۹

*دو) ادعاهای «مخارج اضافی»* ..... ۸۱۱
*سه) تقلیل خسارات* ..... ۸۱۴
*چهار) مجموع حکم دیوان در ادعای ز-۱۳* ..... ۸۱۵
(۶) اظهارات طرفین و ادله و مدارک شاهد کارشناس مشترک در ادعاهای
راجع به قطعات هواپیما ..... ۸۱۶
*(الف) مقدمه* ..... ۸۱۶
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۱۷
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۱۷
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۲۲
(۷) ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پلسی دینامیکس کورپ.) ..... ۸۲۵
*(الف) مقدمه* ..... ۸۲۵
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۲۷
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۲۷
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۳۰
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۸۳۲
*نتیجه‌گیری* ..... ۸۳۶
(۸) ادعاهای ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر/گمرک ایالات متحده) ..... ۸۳۶
*(الف) مقدمه* ..... ۸۳۶
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۳۷
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۳۷
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۴۰
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۸۴۴
*(یک) ارزش جایگزینی* ..... ۸۴۴
*(دو) ارزش منصفانه بازار* ..... ۸۴۶
*(سه) نتیجه‌گیری* ..... ۸۵۰
(۹) ادعای ز-۱۳۱ (ایرتاکسی/پیدمونت اَوییشن اینک.) ..... ۸۵۰
*(الف) مقدمه* ..... ۸۵۰
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۵۱
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۵۱

*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۵۵
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۸۵۷
*(یک) ارزش منصفانه بازار* ..... ۸۵۷
*(دو) محرومیت از استفاده* ..... ۸۶۰
*(سه) نتیجه گیری* ..... ۸۶۲
(۱۰) ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ منیوفکچرینگ کو.) ..... ۸۶۲
*(الف) مقدمه* ..... ۸۶۲
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۶۳
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۶۳
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۶۵
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۸۶۷
(۱۱) ادعای ز-۱۰۵ (سازمان آب و برق خوزستان/اکساید کورپ.) ..... ۸۷۰
*(الف) مقدمه* ..... ۸۷۰
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۷۰
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۷۰
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۷۴
*(سه) تصمیم دیوان* ..... ۸۷۶
(۱۲) ادعای ز-۳۲ (موزه ایران باستان/مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو) ..... ۸۷۸
*(الف) مقدمه* ..... ۸۷۸
*(ب) اظهارات طرفین* ..... ۸۷۹
*(یک) اظهارات ایران* ..... ۸۷۹
*(دو) اظهارات ایالات متحده* ..... ۸۹۰
*(پ) تصمیم دیوان* ..... ۹۰۱
*(یک) استرداد آثار چغامیش* ..... ۹۰۱
*(دو) محرومیت از استفاده* ..... ۹۰۱
*(سه) حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی* ..... ۹۰۸
*(چهار) نتیجه گیری کلی* ..... ۹۱۱
(۱۳) ادعای ز-۱۱۵ (موزهٔ تاریخ طبیعی ایران/دکتر داگلاس لی) ..... ۹۱۲
*(الف) مقدمه* ..... ۹۱۲

*(ب) اظهارات طرفین*.....۹۱۳
*(پ) تصمیم دیوان* .....۹۱۳
(۱۴) ادعای ز-۱۷۲ (خارک/میدلند پایپ اَند سوپلای کو.).....۹۱۴
*(الف) مقدمه* .....۹۱۴
*(ب) اظهارات طرفین*.....۹۱۵
*(یک) اظهارات ایران* .....۹۱۵
*(دو) اظهارات ایالات متحده* .....۹۱۸
*(پ) تصمیم دیوان* .....۹۱۹
(۱۵) ادعای ز-۱۷۴ (خارک/سیجبراش پایپلاین سوپلای کو. اند پروسس سیلز اینک.) .....۹۳۱
*(الف) مقدمه* .....۹۳۱
*(ب) اظهارات طرفین*.....۹۳۲
*(یک) اظهارات ایران* .....۹۳۲
*(دو) اظهارات ایالات متحده* .....۹۳۳
*(پ) تصمیم دیوان* .....۹۳۴
(۱۶) ادعای ۱۹۹۶-ث/ج (خارک/ویلسون ایندااستریز اینک.) .....۹۳۹
*(الف) مقدمه* .....۹۳۹
*(ب) اظهارات طرفین*.....۹۴۱
*(یک) اظهارات ایران* .....۹۴۱
*(دو) اظهارات ایالات متحده* .....۹۴۳
*(پ) تصمیم دیوان* .....۹۴۳
**پنج - بهره** .....**۹۵۱**
الف- ایران استحقاق دریافت بهرهٔ پیش و پس از صدور حکم را دارد .....۹۵۱
ب. محاسبه بهره پیش از صدور حکم .....۹۵۳
۱- ادعای ز-۱۸ (وزارت فرهنگ و هنر/فروغ) .....۹۵۳
۲- ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) (رادیو تلویزیون ملی ایران/کامران مشایخی).....۹۵۳
۳- ادعای ز-۸ (وزارت راه و ترابری/گالف پورتس کریتنیگ کو.).....۹۵۵
*(الف) ادعای کاهش ارزش اموال به دلیل آسیب‌دیدگی*.....۹۵۵
(۱) واحد خانه‌های پورتا-کمپ .....۹۵۵
(۲) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن.....۹۵۵

*(ب) ادعاهای «مخارج اضافی»* ..... ۹۵۶
(۱) مخارج انبارداری و بسته‌بندی مجدد و مخارج دور ریختن واحد خانه‌های غیرقابل مرمت پورتا-کمپ ..... ۹۵۶
(۲) هزینه‌های سفر وزارت راه و ترابری ..... ۹۵۶
(۳) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده ..... ۹۵۷
(۴) مخارج تمدید اجارهٔ انبارها ..... ۹۵۸
(۵) مخارج نگهبانی انبار ..... ۹۵۹
(۴) ادعای ز-۷ (وزارت راه و ترابری/بندر ونکوور) ..... ۹۶۰
*الف) ادعای کاهش ارزش ناشی از آسیب دیدگی* ..... ۹۶۰
(۱) واحد خانه‌های ترانس ورلد ..... ۹۶۰
(۲) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن ..... ۹۶۰
*ب) ادعاهای «مخارج اضافی»* ..... ۹۶۱
(۱) مخارج انبارداری ..... ۹۶۱
(۲) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده ..... ۹۶۱
۵- ادعای ز-۱۳ (وزارت راه و ترابری/شیپ ساید پکینگ کو.) ..... ۹۶۲
*الف) ادعای مخارج انبارداری* ..... ۹۶۲
*ب) ادعای مخارج بسته‌بندی مجدد* ..... ۹۶۳
۶- ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پلسی دینامیکس کورپ.) ..... ۹۶۴
۷- ادعاهای ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر/گمرک ایالات متحده) ..... ۹۶۴
۸- ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ منیوفکچرینگ کو.) ..... ۹۶۴
۹- ادعای ز-۱۰۵ (اداره آب و برق خوزستان/اکساید کورپ.) ..... ۹۶۵
۱۰- ادعای ز-۳۲ (موزه ایران باستان/مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو) ..... ۹۶۵
۱۱- ادعای ز-۱۷۲ (خارک/میدلند پایپ اَند سوپلای کو.) ..... ۹۶۷
۱۲- ادعای ز-۱۷۴ (خارک/سِیجبراش پایپ لاین سوپلای کو. اند پروسس سیلز اینک.) ..... ۹۶۷
۱۳- ادعای ۱۹۹۶-ث/ج (خارک/ویلسون ایندااستریز اینک.) ..... ۹۶۸
۱۴- نتیجه‌گیری کلی در خصوص بهرهٔ پیش از صدور حکم ..... ۹۶۸
**شش- هزینه‌ها** ..... ۹۶۹
**هفت - مجموع مبلغ مورد حکم** ..... ۹۶۹
**هشت - حکم** ..... ۹۷۰

## یک - مقدمه

۱ - موضوع پرونده‌های حاضر ادعاهای طرح شده توسط جمهوری اسلامی ایران («ایران») علیه ایالات متحده آمریکا («ایالات متحده») مبنی بر نقض تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر دائر بر فراهم آوردن ترتیبات انتقال آن دسته از اموال ایران به این کشور که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، در زمان لازم‌الإجرا شدن بیانیه‌های الجزایر[۱]، در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار داشته، و بازگرداندن وضعیت مالی ایران به حالت موجود قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] می‌باشد.[۲] (به ایران و ایالات متحده از این پس متفقاً تحت عنوان «طرفین» نیز اشاره خواهد شد.) اموالی که موضوع اصلی اختلاف در پرونده‌های حاضر هستند («اموال اختلافی») اموال عینی با ماهیتی غیرنظامی می‌باشند که ایران آن‌ها را در رشته‌ای از ادعای منفرد شناسایی کرده است («ادعاهای جداگانه»).[۳]

---

[۱] بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانیه عمومی)، ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۳، و بیانیهٔ دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر دربارهٔ حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (بیانیه حل و فصل دعاوی)، ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۹ (متفقاً، «بیانیه‌های الجزایر»).

[۲] رئیس جمهور ایالات متحده در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ را صادر کرد که به موجب آن، «کلیه اموال و علایق دولت ایران و سازمانها و مؤسسات تحت کنترل آن دولت و بانک مرکزی ایران که در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار دارد یا قرار گیرد و یا در ید یا کنترل اشخاص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده بوده یا در آید»، مسدود شد. *بنگرید به* بند ۸ زیر.

[۳] اموال عینی با ماهیت نظامی در پرونده ب-۱ (ادعاهای ۲ و ۳) و در پرونده‌های الف-۳، الف-۸، الف-۹، الف-۱۴، و ب-۶۱ مورد بحث هستند (از این به بعد «پرونده شماره ب-۶۱»). پرونده ب-۱ (ادعاهای ۲ و ۳) به خرید مستقیم اقلام نظامی از ایالات متحده توسط ایران از طریق برنامه فروش‌های نظامی خارجی آن کشور مربوط می‌شود. پرونده ب-۶۱ از جمله مربوط می‌شود به ادعاهای ایران علیه ایالات متحده بابت جبران خسارات ناشی از خودداری ایالات متحده از صادر کردن پروانه صدور اموال عینی معینی که ایران ادعا می‌کرد در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک آن بود و در ایالات متحده قرار داشت یا به نحوی دیگر مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده بود. در *جمهوری اسلامی ایران* و *ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۶۰۱-الف۳/الف۸/الف۹/الف۱۴/ب/۶۱-هیئت عمومی (۲۶ تیر ۱۳۸۸ [۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۱۹۷، دیوان بخش‌هائی از پرونده شماره ب-۶۱ را رد کرد.

۲ - بیشتر اموال اختلافی مشمول قوانین کنترل صادرات ایالات متحده نبوده است. دیوان، در حکم جزئی صادره در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲] در این پرونده‌ها[۴] مقرر داشت که مقررات خزانه‌داری صادره توسط ایالات متحده در اواخر ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] با تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر مغایر بوده است. ایران مدعی است که این مقررات خزانه‌داری مانع بازگرداندن برخی اموال خارج از شمول کنترل صادرات به ایران شده که ایران نسبت به آن‌ها ادعای مالکیت داشته، و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یا در ایالات متحده یا در قلمرو قضائی آن کشور قرار داشته‌اند. در میان اموال متنازع فیه و خارج از شمول کنترل صادرات، از جمله، آثار هنری، سازهای موسیقی عتیقه، ابزار و اقلام گوناگون برای استفاده در پروژه‌های عظیم در ایران، تجهیزات الکترونیکی، قطعات هواپیما، آثار باستانی و فسیل، و نشریات دانشگاهی قرار دارد.

۳ - ایران درخواست می‌کند که دیوان به ایالات متحده دستور دهد که تمام خسارات متحمله آن کشور ناشی از قصور ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموال خارج از شمول کنترل صادرات مورد بحث را جبران کند. ایران همچنین درخواست می‌کند که دیوان به ایالات متحده دستور فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی از آن اموال را بدهد یا، به نحو جایگزین، بابت آن‌ها غرامت پرداخت کند.

۴ - در میان پرونده‌های حاضر، ادعاهائی در خصوص تعداد کوچکی از اموال مشمول قوانین کنترل صادرات ایالات متحده توسط ایران نیز مطرح شده که مطابق ادعا در مالکیت ایران و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در ایالات متحده بوده یا به نحو دیگری تحت شمول قلمرو قضائی آن کشور قرار داشته است. این ادعاها از جمله مربوط به دستگاه‌های سیار نظارت بر طیف رادیویی، سوخت رآکتور اتمی، یک سیستم کامپیوتری، و تجهیزات پردازش تصاویر ماهواره‌ای است. ایران در این ادعاها در پی دریافت غرامت از ایالات متحده بابت خساراتی است

---

[۴] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-الف۱۵-۵۲۹ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۱۲. یافته‌های دیوان در حکم شماره دیوان عمومی-الف۱۵-۵۲۹ که با این پرونده‌ها مرتبط است در زیر به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

که ادعا می‌کند از جمله در نتیجه خودداری ایالات متحده از صدور پروانه برای آن اموال مشمول کنترل صادرات متحمل شده است.

۵- ایران قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] در مورد بسیاری از اموال مورد اختلاف، موافقت‌نامه‌های خریدی با فروشندگان خصوصی امضا کرده بوده است. اموال مورد اختلاف مشتمل بر اقلام جدیدی است که هرگز به ایران تحویل داده نشده و نیز اقلامی که ایران یا برای تعمیر و بازگرداندن یا به منظور مطالعات علمی و سایر مقاصد به ایالات متحده فرستاده بوده است.

۶- ایران مطابق آخرین دادخواهی‌ها و به عنوان حداکثر خواسته نقدی، خواهان بیش از ۳۹ میلیون دلار آمریکا و بیش از ۲۸۵،۰۰۰ یورو علی الادعا به عنوان ارزش اموال مورد اختلاف، و بیش از ۷۹ میلیون دلار آمریکا بابت سایر خسارات می‌باشد. ایران خواهان بهرهٔ همه مبالغ ادعائی نیز می‌باشد.

۷- ایران در تأیید ادعاهای خود اساساً به اصل کلی الف و بند ۹ بیانیه ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت دموکراتیک و مردمی الجزایر («بیانیه عمومی») استناد می‌کند، که مقرر می‌دارد:

> *اصل کلی الف*
>
> در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیهٔ دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، ایالات متحده حتی‌الامکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) باز خواهد گرداند. در این چهارچوب ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیهٔ دارائی‌های ایران موجود در قلمرو قضائی خود را به شرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تأمین نماید.[۵]
>
> *بند ۹*
>
> با پذیرش این بیانیه و بیانیهٔ حل و فصل ادعاها منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و با صدور گواهی مشروح در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده بر اساس مفاد مقررات

[۵] بیانیه عمومی، اصل کلی الف، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۳.

قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد.[۶]

## دو- پیشینه موضوعی

۸- رئیس جمهور ایالات متحده به دنبال تصرّف سفارت ایالات متحده در تهران، در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ (که از این پس از آن تحت عنوان «دستور انسداد» نیز یاد می‌شود) را صادر کرد که به موجب آن انتقال «کلیه اموال و علایق دولت ایران و سازمانها و مؤسسات تحت کنترل آن دولت و بانک مرکزی ایران که در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار دارد یا قرار گیرد و یا در ید یا کنترل اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده بوده یا درآید» ممنوع گردید.[۷]

۹- وزارت خزانه‌داری ایالات متحده متعاقباً در اجرای دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ سلسله مقرراتی تحت عنوان «مقررات کنترل دارائی‌های ایران» صادر کرد («مقررات انسداد»)[۸]. این مقررات کلیه اموالی را که ایران «به هر نحو در آن‌ها منفعتی داشت» مسدود کرد. بخش ۲۰۱-۵۳۵ مقررات انسداد مقرر داشت که «انتقال، پرداخت، صدور به خارج، برداشت و هر اقدام مربوط به چنین اموالی مگر در مواردی که اجازه داده شده باشد» ممنوع است. اموال و منافع مالی ایران در بخش ۳۱۱-۵۳۵ مقررات انسداد به تفصیل تعریف شده‌اند.[۹] اموال مشمول انسداد

---

[۶] بیانیه عمومی، بند ۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۶.

[۷] دستور اجرائی ۱۲۱۷۰، ۴۴ دفتر فدرالی ۶۵۷۲۹.

[۸] *بنگرید به* عنوان ۳۱ مجموعه مقررات فدرالی، بخش ۵۳۵. بیشتر مقررات خزانه‌داری ایالات متحده، نقل شده در حکم حاضر را می‌توان در اثر زیر یافت:

3 A. LOWENFELD, TRADE CONTROLS FOR POLITICAL ENDS (2nd ed., 1983), DS-735 *et seq.*

[۹] پیرو بخش ۳۱۱-۵۳۵، مفهوم «مال» و «منافع مالی» شامل موارد زیر بود:

پول نقد، چک، برات، شمش، سپرده‌های بانکی، حساب‌های پس‌انداز، بدهی‌ها، بدهکاری، تعهدها، اسکناس‌ها، اوراق قرضه بدون تضمین، سهام، اوراق قرضه، کوپن‌ها، هر اوراق بهادار دیگر، پذیرش بانک‌دارها، رهن، گرو، حق حبس مال یا سایر حقوق از نوع تضمینی، رسید انبار، بارنامه، رسید امانتی، بیع‌نامه، هر مدرک حق مالکیت، مالکیت، یا بدهکاری دیگر، وکالتنامه، کالا، جنس‌های فروشی، مال التجاره، مال منقول، ذخیره موجود، کشتی، کالا در کشتی، رهن مستغلات

شامل تعداد زیادی اموال عینی می‌شد که ایران مالک آن‌ها بوده یا نوعی منفعت مالی در آن‌ها داشته، از جمله اموالی که آن دولت از فروشندگان آمریکایی خریداری کرده بود و اموالی که برای تعمیر به ایالات متحده فرستاده بود.

۱۰ - ایالات متحده در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] از اموال مسدود شدهٔ ایران آمارگیری کرد. وزارت خزانه‌داری در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ [نهم آوریل ۱۹۸۰] بخش ۶۱۵-۵۳۵ مقررات مذکور را صادر کرد، که اشخاص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده را ملزم می‌کرد گزارشی را در فرم TFR-۶۱۵ در ارتباط با اموال مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده که از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تا ۱۱ فروردین ۱۳۵۹ [۳۱ مارس ۱۹۸۰] تحت «تصرف یا کنترل» آن‌ها قرار داشته و «ایران یا هر مؤسسه ایرانی هر منفعت مستقیم یا غیرمستقیم در آن‌ها داشته باشد» به ثبت برسانند. مهلت تسلیم گزارش‌ها در فرم TFR-۶۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ [۱۵ مه ۱۹۸۰] بود. تسلیم گزارش وفق بخش ۶۱۵-۵۳۵ الزامی بود. در این خصوص، در دستورالعمل کلی مندرج در بخش ۶۱۵-۵۳۵ خاطر نشان شده بود که قصور در متابعت از الزامات گزارش مستوجب مجازات خواهد بود.[۱۰]

---

و هر گونه منافع مربوط به آن، ملک اجاره‌ای، اجاره بهای زمینی، خیار، سند قابل انتقال، برات مدت‌دار فروش، حق‌الامتیاز، حساب دفتری، حساب پرداختنی، مبلغ مورد حکم دادگاه، پروانه بهره‌برداری انحصاری، علامت تجارتی یا حق چاپ، بیمه‌نامه، صندوق امانات و محتوای آن، مقرری سالیانه، موافقتنامه یک کاسه کردن حق رأی سهام‌داران، قرارداد از هر نوع؛ و هر مال غیرمنقول، شخصی، مختلط، عینی یا غیرعینی دیگر یا منفعت یا منافع کنونی، آتی، یا احتمالی مربوط به آن.

[۱۰] در این رابطه، دستورالعمل کلی به بخش ۲۰۶ قانون اختیارات اقتصادی اضطراری، که در آن زمان لازم الإجرا بود، اشاره می‌کرد که مقرر می‌داشت:

(الف) جریمه مدنی‌ای که بالاتر از ۱۰،۰۰۰ دلار نباشد را می‌توان بر هر کسی که هر مجوز، دستور، یا مقرره صادره تحت این عنوان را نقض کند، تحمیل نمود.

(ب) هرکس که عالماً هر مجوز، دستور، یا مقرره صادره تحت این عنوان را نقض کند، بعد از محکومیت، تا ۵۰،۰۰۰ دلار جریمه خواهد شد یا، اگر شخصی حقیقی باشد، می‌تواند تا حداکثر ۱۰ سال زندانی شود، یا هر دو؛ و هر مقام مسئول، مدیر، یا مأمور هر شرکتی که عالماً مرتکب چنین نقضی شود را می‌توان با جریمه، زندان، یا هر دو مجازات کرد.

عنوان ۵۰ کد ایالات متحده آمریکا، بخش ۱۷۰۵ (به نحوی که در آوریل ۱۹۸۰ لازم الإجرا بود).

۱۱ - رئیس جمهور ایالات متحده در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] هم‌زمان با پیوستن دو دولت به بیانیه‌های الجزایر دستورهای اجرائی شماره ۱۲۲۷۹، ۱۲۲۸۰ و ۱۲۲۸۱ را صادر کرد که بلافاصله لازم‌الاجرا بود و به موجب آن‌ها دستور انتقال دارائی‌های دولت ایران داده شد. دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ راجع به «اموال غیر از وجوه و اوراق بهادار متعلق به ایران یا مؤسسات، سازمان‌ها یا نهادهای تحت کنترل آن» بود. به موجب بند ۱۰۱-۱ این دستور، کلیه اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده که چنین اموالی را در تصرف یا کنترل داشتند «مجاز، مختار، ملزم و مجبور بودند که آن اموال را به ترتیبی که دولت ایران از طریق نماینده مجاز خود پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این دستور تعیین می‌کند، انتقال دهند». در ادامه بند ۱۰۱-۱ دستور مذکور مقرر شده است که: «به استثنای موارد مشخصاً ذکر شده، این اجازه، اختیار و اجبار اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده را از الزامات قانونی موجود، به جز الزامات مبتنی بر قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی، معاف نمی‌نماید». دستور اجرایی مزبور مضافاً در بند ۱۰۲-۱ اشعار داشت که «کلیه اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده از تحصیل یا اعمال هر گونه حق، اختیار یا امتیاز راجع به اموال ایران، خواه به موجب دستور دادگاه و خواه به صور دیگر ممنوع هستند». دستور اجرائی مزبور، همچنین کلیه قرارهای توقیف و منع و غیر آن را که توسط دادگاه‌ها صادر و بعد از تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تحصیل گردیده، از جمله قرارهایی را که منشأ صدور آن‌ها دستور و مقررات انسداد مربوط به اموال ایران بود، ابطال کرد.

۱۲ - وزارت خزانه‌داری در تاریخ هفتم اسفند ماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] در اجرای دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱، مقرراتی وضع کرد که به موجب آن، مقررات انسداد مصوب ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] فسخ و دستورالعمل انتقال اموال ایران را به طور مشخص‌تری تعیین نمود. بخش ۲۱۵-۵۳۵ آن مقررات، با عنوان «دستورالعمل در خصوص سایر اموالی که ایران یا مؤسسه‌ای ایرانی نسبت به آن ذی‌نفع باشد که در تصرف هر شخصی مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده است»، دستورالعمل انتقال مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ را تکرار کرد و آن دستورالعمل

را به اموال موصوف در بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات قابل‌اعمال نمود. اموال مشمول دستور انتقال در بخش فرعی (الف) از بخش اخیر چنین تعریف شده است: «کلیه تعهدات و منافع مالی بلامعارض و بلاشرط دولت ایران و سازمان‌ها و مؤسسات تابعه و نهادهای تحت کنترل، از جمله دیون آن دولت». بخش فرعی (ج) اشعار می‌داشت که «تعهدات و منافع مالی در صورتی مورد نزاع محسوب خواهند شد که دارنده آن‌ها به نحوی معقول معتقد باشد که دادگاه وی را تحت قانون حاکم ملزم نخواهد کرد مال را به استناد دفاع، ادعای متقابل، تهاتر یا دلیل مشابه انتقال دهد». طبق بخش فرعی (ب)، اموال «مادام که کلیه تعهدات، هزینه‌ها و عوارض لازم مربوط به آن اموال ایفاء نشده و از آن‌ها رفع حبس به عمل نیامده باشد (سوای قرارهای توقیف، منع و نظایر آن) اموال ایران یا تملک شده توسط ایران محسوب نخواهد شد».

۱۳ - بخش ۲۱۵-۵۳۵ همچنین عبارت بند ۱۰۱-۱ دستور اجرائی ۱۲۲۸۱ را تکرار کرد دایر بر این‌که «به استثنای مواردی که تصریح شده، این اجازه، اختیار و اجبار، اشخاص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده را از الزامات قانونی موجود، به جز الزامات مبتنی بر قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی، معاف نمی‌نماید».[۱۱] در این سیاق، بخش ۴۳۷-۵۳۵ مقررات که آن هم در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] صادر شد مقرر می‌دارد که انتقال اموال پیرو مقررات مذکور، مشمول کنترل صادرات وفق حقوق ایالات متحده، از جمله صدور پروانهٔ صادرات برای تجهیزات نظامی باقی می‌ماند.[۱۲]

---

[۱۱] *بنگرید به* بند ۱۱، بالا.

[۱۲] بخش ۴۳۷-۵۳۵ به نحو کامل مقرر می‌دارد:

> هیچ چیز در این بخش هیچ کس را که تحت شمول قلمرو قضایی ایالات متحده باشد به هیچ نحوی از تحصیل پروانه‌ها یا سایر مجوزهای لازم از وزیر امور خارجه، وزیر تجارت، یا هر آژانس ذی‌ربط دیگر قبل از اجرای معاملاتی که به موجب این بخش تجویز یا تکلیف شده باشد، معاف نمی‌کند. این امر شامل معاملات مربوط به تجهیزات نظامی می‌باشد.

۱۴ - ایالات متحده در اول مهر ۱۳۶۰ [۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱] یادداشتی دیپلماتیک به سفارت الجزایر در واشینگتن دی سی (که به عنوان میانجی بین دو دولت عمل می‌کرد) در خصوص اموال نظامی ایران که در تصرف اشخاص خصوصی که مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده بودند، فرستاد. ایالات متحده در یادداشت دیپلماتیک مذکور موضع خود را تکرار کرد که «قادر به اعطای مجوز صدور تدارکات و تجهیزات نظامی متعلق به ایران که در حال حاضر در ایالات متحده است، نمی‌باشد». ایالات متحده مدعی شد که از آن‌جا که صدور کالا و تجهیزات نظامی به ایران با ملاک‌های صدور پروانه وفق حقوق ایالات متحده قابل اعمال قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] مطابقت ندارد، به تعویق افتادن انتقال این اموال به ایران «با تعهدات ایالات متحده وفق بند ۹ کاملاً سازگار بوده است».

۱۵ - افزون بر این، ایالات متحده خاطرنشان کرد که شماری از طرف‌های خصوصی که «اموال نظامی متعلق به ایران» را در اختیار داشتند اطلاع داده‌اند که اقلام تحت تصرف آن‌ها در حال خراب‌شدن و افت قیمت بوده است. ایالات متحده سپس متذکر شد که آن طرف‌های خصوصی از آن دولت درخواست کرده‌اند که برای احتراز از افت قیمت بیشتر با فروش این اموال موافقت کند. ایالات متحده با اذعان به این باور که حفظ ارزش اموال ایران به نفع هر دوی ایران و ایالات متحده است، پیش‌نهاد کرد که پروانه فروش اموال را صادر کند و دستور لازم را برای نگه‌داری ثمن حاصل از فروش در حساب بهره‌دار به نام نهاد ذی‌ربط دولتی ایران صادر نماید تا زمانی که دارندگان اموال و ایران ادعاهای خود را از طریق مذاکره یا داوری حل و فصل نمایند؛ سپس مانده حساب به ایران انتقال یابد. ایالات متحده در پیوستی به این یادداشت دیپلماتیک، نمونه‌هایی از چنین اموالی را فهرست کرد، که علی‌الادعا شامل اموالی می‌شد که ایران خریداری کرده بود اما هرگز متصرفین خصوصی، آن‌ها را به ایران تحویل نداده بودند.

۱۶ - ایالات متحده در سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] دومین آمارگیری اموال انسدادی ایران را به عمل آورد. وزارت خزانه‌داری در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ [مه ۱۹۸۲] بخش ۶۲۵-۵۳۵ مقررات را صادر کرد که اشخاص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده را ملزم می‌نمود گزارشی را در فرم TFR-۶۲۵ در ارتباط با «تمام اموال عینی مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده» که در تاریخی بین ۲۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ الی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به آن ذی‌نفع بوده و یا در «اختیار یا کنترل» آن‌ها بوده است و در آن، «ایران یا نهادی ایرانی هر گونه نفع مستقیم یا غیرمستقیم یا ادعای منفعت» دارند به ثبت برسانند. مهلت تسلیم گزارش در فرم TFR-۶۲۵ ۱۰ تیر ۱۳۶۱ [اول ژوئیه ۱۹۸۲] بود. ارائه گزارش وفق بخش ۶۲۵-۵۳۵ الزامی بود.[۱۳] در این راستا دستورالعمل‌های کلی مندرج در بخش ۶۲۵-۵۳۵ حاکی از آن بود که در قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی، هم جریمه مدنی و هم کیفری مقرر شده بوده است. فزون بر این، وزارت خزانه‌داری در مقدمه دستورالعمل‌های کلی و مشخص برای گزارش دادن در فرم T-۶۲۵ اظهار داشت:

> اگرچه از گزارشگران درخواست می‌شود راجع به اموال عینی که ایران در آن‌ها در دوره زمانی مشخص‌شده هر منفعتی داشت یا ادعای داشتن منافعی می‌کرد گزارش دهند، به نظر وزارت خزانه‌داری وجود «منافع» ایران در اموال، الزاماً اموال مزبور را «مال ایران» در راستای مقررات مذکور نمی‌کند. به عبارت دیگر، «منافع» ایران در مال که برای احراز قابلیت اجرای مقرره انسداد (بخش ۲۰۱-۵۳۵ مقررات) طی دوره تحریم‌های اقتصادی علیه ایران کافی باشد، در هر مورد معادل مالکیت حقوقی یا واقعی نیست که کافی باشد آن را مشمول دستور انتقال مربوط (بخش ۲۱۵-۵۳۵) در اجرای مقررات بیانیه‌های الجزایر کند. بر این اساس، وزارت خزانه‌داری اظهارات مندرج در فرم TFR-۶۲۵ را به خودی خود تعیین‌کنندهٔ حقوق مالکیت مربوط به اموال مورد گزارش محسوب نمی‌کند.

۱۷ - وزارت خزانه‌داری در ۳۱ تیر ۱۳۶۱ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۲] بخش ۵۴۰-۵۳۵ مقررات را صادر کرد که اجازه فروش از طریق فروش عمومی برخی از اموال عینی ایران را می‌دهد که مطابق تعریف بخش‌های ۳۳۳-۵۳۵،

---

[۱۳] عنوان ۵۰ کد ایالات متحده آمریکا، بخش ۱۷۰۱ به بعد. *بنگرید به* پانوشت ۱۰، بالا.

بخش‌های فرعی (ب) و (پ) «وثیقه یا مورد نزاع» است و «به دلیل این‌که توسط بخش ۲۰۱-۵۳۵ مسدود است، فروش یا انتقال آن بدون مجوز خاص ممنوع می‌باشد».[۱۴] پیرو بخش ۵۴۰-۵۳۵، پروانه فروش از طریق فروش عمومی برای اموال عینی ایران می‌توانست صادر شود مشروط بر این‌که متصرف مال (۱) گواهی کند که تلاش‌های با حسن نیت در مدت زمانی معقول برای گرفتن مبالغی که ایران مدیون است با موفقیت توأم نبوده؛ (۲) (عموماً از طریق نظریه مشاور حقوقی) اثبات کند که مطابق حقوق قابل اعمال ایالات متحده پیش از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] حق فروش اموال را با روش‌هایی بدون نیاز به فرآیندهای قضائی داشته است؛ (۳) تضمین کند که فروش از طریق مزایده عمومی با حسن نیت و به شیوهٔ معقول تجاری صورت می‌گیرد؛ و (۴) موافقت کند که به ایران اخطاری حداقل ۳۰ روزه مبنی بر فروش اموال و همچنین اخطاری ۳۰ روزه به دیوان در صورتی که دارنده مال، دعوای خود را نزد دیوان ثبت کرده باشد، بدهد. مبلغ حاصل از فروش (منهای مخارج معقول فروش) می‌تواند (۱) به نام صاحب پروانه در حساب مسدود سپرده شود؛ (۲) از مبلغ یاد شده مطابق قانون قابل اعمال ایالات متحده قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بهره‌مند شود، که چنین بهره‌مندی‌ای می‌تواند استفاده نامحدود از مبلغ یاد شده باشد، مشروط بر این که صاحب پروانه ضمانت‌نامه‌ای معادل بهای فروش به نفع دولت ایالات متحده بسپارد. بخش ۵۴۰-۵۳۵ مقرر می‌دارد که «عواید چنین فروشی به عنوان مال مشمول ماده ۲۱۵-۵۳۵ این بخش محسوب خواهد شد»،[۱۵] و «هر مقدار از عواید فروش که وفق مقررات ماده ۲۱۵-۵۳۵ مال ایران محسوب شده و باید به ایران انتقال یابد، طبق مفاد همان ماده منتقل خواهد شد».

۱۸ - وزارت خزانه‌داری در سوم مرداد ۱۳۸۰ [۲۵ ژوئیه ۲۰۰۱] از جمله بخش‌های فرعی (ب) و (پ) بخش ۵۳۵-۳۳۳ مقررات مذکور را به نحو زیر اصلاح کرد:

---

[۱۴] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

[۱۵] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

(ب) شمول اموال تحت تعریف بند (الف)، بالا، صرفاً به دلیل وجود تعهدات پرداخت نشده، هزینه‌ها، یا کارمزدها نسبت به این اموال یا حق حبس‌های مرتفع نشدهٔ چنین اموالی، منتفی نمی‌شود.

(پ) تعهدات و منافع مالی دولت ایران و سازمان‌ها و مؤسسات تابعه و نهادهای تحت کنترل فقط در صورتی می‌تواند متنازع فیه محسوب گردد که متصرف آن‌ها به نحو معقول معتقد باشد که ایران حق مالکیت ندارد یا نسبت به دارایی مذکور فقط مالکیت جزئی دارد. بعد از اول آبان ۱۳۸۰ [۲۳ اکتبر ۲۰۰۱]، چنین اعتقادی فقط در صورتی می‌تواند منطقی محسوب شود که وفق نظرِ همراه با حسن نیت و مکتوب یک وکیل دارای مجوز فعالیت در ایالات متحده مبنی بر این‌که ایران یا حق مالکیت ندارد یا فقط مالکیت جزئی نسبت به دارایی مذکور دارد، باشد. اصطلاح متصرف وفق اهداف این بند شامل هر شخصی است که بر مال تصرف داشته، یا اگر هم تصرف عینی بر مال ندارد، به موجب قرارداد یا به صورتی دیگر، بر شخص ثالثی که در واقع تصرف عینی بر مال داشته، کنترل دارد. شخص به استناد ذی‌نفع بودن نسبت به قرار توقیف مال، قرار منع، یا دستور مشابه، متصرف محسوب نمی‌شود.

## سوم – نخستین مرحله رسیدگی‌ها

*الف – مقدمه*

۱۹ - ایران در سوم آبان ۱۳۶۱ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۲] دادخواست خود در پروندهٔ الف-۱۵ (دو:الف) را ارائه و ادعا کرد که ایالات متحده «اقدامات لازم جهت انتقال فوری کلیه دارایی‌های غیرمالی ایران، واقع در ایالات متحده را به ایران به عمل نیاورده است». ایران در دادخواست خود به بند ۹ بیانیه عمومی («بند ۹») استناد کرد و اظهار داشت که این ماده ایالات متحده را ملزم کرده که «ترتیب انتقال فوری اموال فیزیکی دولت ایران» را بدهد.

۲۰ - هر یک از طرفین پیرو دستورهای دیوان در مرحله نخست این رسیدگی‌ها، افزون بر لوایح حقوقی، گزارش‌هایی تقدیم کردند که دربرگیرنده اطلاعات وسیعی در خصوص اموال ادعایی ایران در ایالات متحده همانند توصیف اقلام اموال و قرائنی در خصوص متصرفین، مالک، و محل قرارگیری آن‌ها می‌باشد.[۱۶]

[۱۶] ایالات متحده گزارشی در ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] تسلیم کرد؛ ایران، به نوبهٔ خود، گزارشی در ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] و یک گزارش تکمیلی در ۲۶ تیر ۱۳۶۴ [۱۷ ژوئیه ۱۹۸۵] تسلیم کرد. متعاقباً، وفق دستور ۱۳ شهریور ۱۳۶۴ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۵] دیوان، که در آن، دیوان درخواست کرد که طرفین اطلاعاتی را که پیشاپیش راجع به اموال مربوطه ارائه کرده بودند

۲۱ - ایران طی مرحله نخست این رسیدگی‌ها به دفعات از دیوان درخواست کرد که به ایالات متحده دستور دهد تصویر گزارش‌های آماری ثبت شده در سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱ [۱۹۸۰ و ۱۹۸۲] در پاسخ، به ترتیب، به بخش‌های ۶۱۵-۵۳۵ و ۶۲۵-۵۳۵ مقررات[۱۷] و نیز هر گونه خلاصه اطلاعات تهیه شده توسط ایالات متحده بر اساس داده‌های مندرج در این گزارش‌ها را ارائه کند. ایالات متحده در پاسخ اعتراض کرد و از جمله اظهار داشت که گزارش‌های آماری اموال برای مسائل تفسیری ناشی از ادعاهای ایران در پرونده‌های حاضر موضوعیتی ندارد، چرا که درصد عمده‌ای از این گزارش‌های آماری اموال اساساً فاقد اطلاعات در خصوص اموال عینی است؛ و فزون بر این، ایالات متحده در موقعیتی نیست که گزارش‌های آماری را ارائه کند زیرا آن گزارش‌ها مصون و محرمانه می‌باشند و حاوی اطلاعات حساس تجاری و بعضاً مربوط به ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران نزد دیوان هستند. دیوان درخواست‌های ایران برای ارائه گزارش‌های آماری را نپذیرفت.

۲۲ - دیوان طی دستور مورخ ۲۰ آبان ۱۳۶۲ [۱۱ نوامبر ۱۹۸۳] (متن فارسی مورخ ۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۳])، از ایالات متحده درخواست کرد که فهرستی بر مبنای گزارش‌های آماری که در پاسخ به بخش‌های ۶۱۵-۵۳۵ و ۶۲۵-۵۳۵ مقررات نزد آن دولت به ثبت رسیده را ارائه کند و «هرگونه دارائی ملموس غیرنظامی ایران واقع در ایالات متحده را که دولت ایالات متحده از وجود آن‌ها مطلع، ولی در اسناد و مدارکی که تابه‌حال جمهوری اسلامی ایران تسلیم نموده، شناسائی نشده است، مشخص نماید». ایالات متحده در ۱۵ آذر ۱۳۶۲ [ششم

---

در قامتی منسجم و به‌روزشده ارائه نمایند، ایالات متحده گزارشی منسجم در هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] تسلیم کرد، که در ۲۹ بهمن ۱۳۶۴ [۱۸ فوریه ۱۹۸۶] تکمیل شد، و ایران گزارشی منسجم در ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] تسلیم کرد. ایران و ایالات متحده با لوایح خود در مرحله نخست رسیدگی‌ها، به ترتیب، گزارش‌های ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] و ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] را تسلیم کردند. ایالات متحده با لایحهٔ ۱۲ بهمن ۱۳۶۹ [اول فوریه ۱۹۹۱] خود گزارش دیگری ارائه کرد.

[۱۷] *بنگرید به* بندهای ۱۰ و ۱۶ بالا.

دسامبر ۱۹۸۳] در تبعیت از دستور دیوان فهرستی ارائه کرد که در آن هفت فقره اموال عینی ایران در ایالات متحده شناسایی شده بود که تا آن زمان در مدارک ثبت شده توسط ایران در پرونده‌های حاضر نیامده بودند.

۲۳ - بخش نخست این رسیدگی‌ها در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲] به صدور یک حکم جزئی منتج شد، که دیوان در آن شماری از تصمیمات را که به مرحلهٔ حاضر از رسیدگی‌های مذکور مربوط می‌شود اتخاذ کرد. *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-الف۱۵-۵۲۹ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲]) («حکم شماره ۵۲۹»).[۱۸] وقایع عمدهٔ گردش کار مرحله نخست رسیدگی‌ها در حکم شماره ۵۲۹[۱۹] بازگو شده است.

۲۴ - دیوان ذیلاً به تصمیماتی می‌پردازد که در حکم شماره ۵۲۹ اتخاذ کرده و در مرحله دوم این رسیدگی‌ها مؤثر است.

*ب – حکم شماره ۵۲۹*

۲۵ - ایران به گونه‌ای که در حکم ۵۲۹ آمده، در دادخواهی‌های مرحله نخست خود در پرونده شمارهٔ الف-۱۵ (دو:الف) استدلال کرد که ایالات متحده با قصور در فراهم آوردن موجبات انتقال فوری کلیه اموال عینی ایران واقع در قلمرو قضایی خود به ایران یا، در غیر این صورت، با عدم پرداخت غرامت به ایران بابت امتناع از فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموال، تعهدات خود در بیانیه‌های الجزایر را نقض کرده است. ایران معروض داشت که منشاء این تعهد، اصل کلی الف و بند ۹ بیانیه عمومی است. ایران ادعا کرد که ایالات متحده با صدور دستورات اجرایی و وضع مقررات خزانه‌داری، انتقال اموال عینی ایران را در مواردی که هزینه‌های انبارداری و نظایر آن پرداخت نشده، مال در قبال مالیات و هزینه انبارداری مشمول حق حبس بوده، مال به ایران تعلق نداشته، یا مشمول

---

[۱۸] *بنگرید به* پانوشت ۴، بالا.

[۱۹] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بندهای ۸-۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ص ۱۱۷-۱۱۴.

مقررات کنترل صادرات ایالات متحده بوده، الزامی نکرده و بدان وسیله مانع استرداد اموال عینی ایران شده است. ایالات متحده با وضع مقررات خزانه‌داری، صدور پروانه برای فروش اموال ایران را اجازه داده، و تعدادی از این قبیل پروانه‌ها را اعطا کرده است. ایران ادعا کرد که در نتیجهٔ دستورات اجرایی متعدد و مقررات خزانه‌داری، متحمل خساراتی بابت ادامه هزینه‌های انبارداری، محرومیت از استفاده از اموال، تقلیل ارزش اموال، حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی، و خسارات دیگری شده است.

۲۶ - در نتیجه، ایران خواهان حکمی شد که اعلام نماید که ایالات متحده بیانیه‌های الجزایر را نقض کرده است، و ایالات متحده را مکلّف به فراهم آوردن ترتیبات لازم برای انتقال آن دسته از اموال ایران کند که تا آن زمان منتقل نشده بوده است، و به ایالات متحده دستور دهد که کلیه خسارات مستقیم و غیرمستقیمی که ایران حسب ادعا از این نقض متحمل گردیده را جبران نماید، که مبلغ این خسارات در مراحل بعدی رسیدگی‌ها تعیین خواهد شد. ایران همچنین از دیوان درخواست کرد به ایالات متحده دستور دهد که بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات مذکور و همچنین دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ را در محدوده‌ای که اموال ایران را تعریف می‌کند لغو کند، و اصطلاح اموال در ارتباط با بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقررات را بدین نحو باز تعریف نماید: «اموالی که دولت ایران در آن دارای منفعت است». شماری از تصمیمات دیوان در حکم شماره ۵۲۹ که در مرحله دوم رسیدگی‌ها موثر است ذیلاً مورد بحث قرار گرفته است.

۱- دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱

۲۷ - دیوان در بند ۴۰ حکم شماره ۵۲۹ در تحلیل این که آیا دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ مورخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱][۲۰] با بیانیه‌های الجزایر مطابقت دارد یا خیر، به عنوان امری مقدماتی دامنه تعهدات ایالات متحده ذیل بیانیه‌های الجزایر در ارتباط با اموال عینی ایران را چنین تشریح کرده است:

> از اشاره‌ای که در بند ۹ بیانیه عمومی به اموال «ایران» شده، روشن است که تعهد ایالات متحده نسبت به اموال عینی، محدود به اموالی بوده که، به شرح مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱، متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران یا «مؤسسات، تشکیلات یا واحدهای تحت کنترل» آن بوده است. همان‌طور که در بند ۹ اشعار گردیده، این تعهد کلیه این‌گونه اموال را در بر می‌گیرد اعم از اینکه در ایالات متحده واقع باشند یا در خارج آن. این حدود و ثغور جغرافیایی و نیز اصطلاحات «تحرک» و «انتقال آزاد» مندرج در اصل کلی (الف) و اشاره بند ۹ به مقررات قانونی موجود قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ [ایالات متحده]، دلالت بر آن دارند که ایالات متحده متعهد بود که اولاً کلیه محدودیت‌هائی را که در فاصله ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به تحرک و آزادی انتقال اموال عینی ایران برقرار کرده بود رفع کند و ثانیاً اشخاص مشمول قلمرو قضایی خود را که اموال ایران را در تصرف داشتند، ملزم نماید آن اموال را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند، انتقال دهند. به علاوه، گرچه تعهد به دادن «ترتیبات لازم» برای انتقال اموال، شامل این تعهد نمی‌شد که ایالات متحده رأساً اموال ایران را به ایران بفرستد، اما ایالات متحده متعهد بود اقداماتی به عمل آورد تا اطمینان حاصل شود که دارندگان اموال آن‌ها را به ترتیبی که ایران تعیین می‌کند به ایران انتقال خواهند داد.[۲۱]

---

[۲۰] *بنگرید به* بند ۱۱، بالا.

[۲۱] بند ۴۰، حکم شماره ۵۲۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۵-۱۲۶. دیوان این یافته را در بخش اجرایی حکم شماره ۵۲۹ به شرح زیر تکرار کرد:

تعهدات ایالات متحده طبق بیانیه عمومی مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به اموال عینی ایران، اولاً این بود که محدودیتهایی را که آن دولت طی دوره ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به تحرک و آزادی انتقال آن اموال برقرار کرده بود، رفع کند و دارندگان آن اموال را که مشمول قلمرو قضایی آن دولت بودند ملزم نماید اموال مزبور را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند انتقال دهند و ثانیاً اقداماتی به عمل آورد تا مطمئناً طبق الزام مزبور عمل شود.
همانجا، بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

۲۸ - سپس دیوان حکم نمود، و طرفین توافق کردند، که صدور دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ توسط رئیس جمهور ایالات متحده هیچ‌یک از تعهدات مزبور ایالات متحده را نقض نکرده است. در رسیدن به این نتیجه‌گیری، دیوان اظهار داشت:

> [دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱] خطاب به کلیه اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده بود که اموال عینی ایران را در ید یا اختیار داشتند. طبق آن دستور، این افراد ملزم و مجبور بودند که این‌گونه اموال را به ترتیبی که ایران تعیین می‌کند، انتقال دهند و بدان‌وسیله ترتیباتی داده شد تا اموال قطعاً به محلی که ایران انتخاب می‌کند منتقل گردد. برای رفع موانع موجود بر سر راه انتقال اموال ایران و جلوگیری از ایجاد موانع جدید، در دستور اجرایی همچنین مقرر گردید که: (۱) کلیه مجوزهای قبلی برای تحصیل یا اعمال هر گونه حق، اختیار یا امتیاز نسبت به اموال ملغی اعلام می‌شود، (۲) کلیه حقوق، اختیارات و امتیازات مربوط به اموال و نیز کلیه حقوق ناشی از قرارهای توقیف، منع و غیر آن در هر دعوایی در تاریخ ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] یا بعد از آن تاریخ کأن لم یکن اعلام می‌شود و (۳) کلیه اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده از تحصیل یا اعمال هر گونه حق، اختیار یا امتیاز نسبت به اموال ایران، خواه به موجب دستور دادگاه، خواه به صور دیگر ممنوع هستند. این دستورات و ممنوعیت‌های مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ با تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر مبنی بر فراهم آوردن موجبات انتقال اموال عینی ایران منطبق بوده است.[۲۲]

۲۹ - از آن‌جا که هر دو طرف دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ را مطابق بیانیه‌های الجزایر تلقی می‌کردند، دیوان نتیجه گرفت که دستور اجرائی «به شرح مقرر در بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، از لحاظ تفسیر معاهده [الجزایر]، بخشی از «رویه» معاهده محسوب می‌شود».[۲۳]

---

[۲۲] همانجا، بند ۴۱، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۶. همچنین بنگرید به بند ۷۷ (ب) (بخش اجرایی)؛ گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۴۰ («دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی سازگار بوده است.»).

[۲۳] همانجا، بند ۴۸، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۹.

۲- مقررات خزانه‌داری صادره پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]

۳۰- سپس، دیوان به بررسی این مطلب پرداخت که آیا مقررات خزانه‌داری صادره توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده پس از دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] با تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر سازگار است یا خیر. دیوان برای این کار به بررسی مفاد آن مقررات به ترتیبی که بر دسته‌های گوناگون اموال ایران اعمال شده بود، پرداخت.

*الف) اموالی که ایران مالک انحصاری آن‌ها نبوده است*

۳۱- دیوان متذکر شد که «هم دیوان و هم طرفین توافق دارند که ایران استحقاق تصرف اموالی را که دیگران مالک آن هستند، یا مالکیتش جزئی یا مشروط است نداشته است».[۲۴] بدین‌قرار، دیوان مقرر داشت که «مقررات خزانه‌داری ایالات متحده دایر بر معافیت انتقال [دستور اجرائی شمارهٔ ۱۲۲۸۱] اموالی که ایران به طور مشروط یا بعضاً مالک آن بوده، با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی سازگار بوده است».[۲۵] دیوان توضیح داد که این امر «شامل اموالی می‌شود که مالکیت ایران نسبت به آن‌ها مشروط و منوط به ایفای پاره‌ای تعهدات قراردادی بوده است».[۲۶]

*ب) اموالی که ایران بر آن‌ها تملک داشته اما حق مالکیت محل اختلاف بوده*

۳۲- دیوان ملاحظه کرد که در اثر بخش فرعی (الف) (تا حدی که به تعریف «اموال» موضوع دستور انتقال به عنوان کلیه اموال «بلامعارض» معطوف است) و بخش‌های فرعی (ب) و (پ)،[۲۷] از بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات مذکور، هر متصرف اموال ایران که به نحوی معقول باور داشت که ایران بابت انبارداری، حق تعمیر، نقض قرارداد،

---

[۲۴] همانجا، بند ۴۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۷.

[۲۵] همانجا، بند ۷۷ (ج)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۲۶] همانجا، بند ۴۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۷.

[۲۷] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

سلب مالکیت، یا به هر دلیل دیگر به وی مدیون است، ملزم به بازگرداندن اموال به ایران نبوده است. دیوان با اظهار این‌که «با توجه به حدود و شمول بند ۹ بیانیه عمومی که «تمام اموال ایران» را در بر می‌گیرد، قابل توجیه نیست که در تعریف اموال، دسته‌ای که حسب اذعان تنها به ایران تعلق دارد، مستثنی شود»[۲۸] پس از ارائه دلایل مبسوط،[۲۹] مقرر داشت که:

> مقررات خزانه‌داری ایالات متحده دایر بر معافیت انتقال اموالی که تنها به ایران تعلق داشته اما دارندگان آن به استناد هر گونه حق حبس، دفاع، ادعای تقابل، تهاتر یا دلیل مشابه، به حق ایران نسبت به تصرف اموال معترض بوده‌اند، با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی مغایرت داشته است. دیوان بر اساس سوابق موجود نمی‌تواند حقایق مربوط به هر قلم معین از اموال را احراز کند.[۳۰]

از پاره‌هایی از بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات که دیوان آن‌ها را با تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر ناسازگار یافته از این پس به عنوان «مقررات غیرقانونی خزانه‌داری» یاد خواهد شد.

*پ) اموالی که می‌توانست برای آن‌ها پروانه فروش صادر شود*

**۳۳-** بخش ۵۴۰-۵۳۵ مقررات مذکور اجازه فروش دارایی‌های عینی ایران توسط متصرف آن اموال را تحت شرایطی و پس از گرفتن پروانه از وزارت خزانه‌داری مجاز می‌شمارد.[۳۱]

**۳۴-** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ خاطرنشان کرد که اگر هر متصرف اموال ایران که پروانه‌ای برای فروش اموال طبق بخش ۵۴۰-۵۳۵ مزبور دریافت کرده، آن اموال را به استناد یکی از موارد معافیت از تعهد انتقال، مندرج در سایر قسمت‌های مقررات مذکور، در اختیار داشته اگر معافیت اعطایی ناقض تعهدات ایالات متحده طبق اصل کلی الف و بند ۹ محسوب شود، در آن صورت مسؤولیت، پیشاپیش محقق بوده است؛ بدین ترتیب، صدور پروانه

---

[۲۸] همانجا، بند ۴۷، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۸.

[۲۹] دلایل ابرازی دیوان در این زمینه، تا حد لازم در زیر در ارتباط با ماهیت ادعاهای حاضر ایران مورد بحث قرار خواهد گرفت.

[۳۰] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (د)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۳۱] *بنگرید به* بند ۱۷، بالا.

برای فروش اموال نمی‌توانست تأثیری بر آن مسؤولیت بگذارد.[۳۲] دیوان در ادامه افزود که از سوی دیگر، چنان‌چه معافیت اعطایی با تعهدات ایالات متحده منطبق باشد، مشکل بتوان صدور پروانه برای فروش مالی که به استناد آن معافیت نگه‌داشته شده را موجب مسؤولیت ایالات متحده دانست.[۳۳] بدین قرار، دیوان نتیجه گرفت که:

> مقررات خزانه‌داری ایالات متحده که اجازه می‌دهد اموال ایران توسط دارندگان آن‌ها تحت شرایط معین و به شرط صدور مجوز خزانه‌داری به فروش رسد، فی‌نفسه با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی مغایرت ندارد، اما دیوان در حال حاضر نمی‌تواند راجع به این موضوع تصمیم گیرد که آیا هیچ‌یک از پروانه‌های فروش صادره بر اساس آن مقررات، با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی منطبق بوده است یا مغایر با آن‌ها.[۳۴]

*ت) اموال مشمول قوانین کنترل صادرات ایالات متحده*

**۳۵-** همان‌گونه که اشاره شد، بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقررات مذکور که عبارات بند ۱۰۱-۱ دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ را تکرار می‌کند، مقرر می‌دارد: «به استثنای مواردی که مشخصاً تصریح گردیده، این اجازه، اختیار و اجبار، اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده را از الزامات قانونی موجود به جز الزامات مبتنی بر قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی، معاف نمی‌نماید».[۳۵] دیوان در حکم شماره ۵۲۹ با استناد به رویه مندرج در حکم جزئی *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۳۸۲-ب/۱-هیئت عمومی دیوان (نهم شهریور ۱۳۶۷ [۳۱ اوت ۱۹۸۸]) («حکم شماره ۳۸۲»)،[۳۶] مقرر داشت که بخش ۲۱۵-۵۳۵ نمایان‌گر اجرای

---

[۳۲] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۵۸، گزارش اراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۳.

[۳۳] *بنگرید به* همانجا.

[۳۴] همانجا. بند ۷۷ (هـ)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۳۵] *بنگرید به* بند ۱۳، بالا.

[۳۶] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۳۸۲-ب/۱-هیئت عمومی دیوان، بند ۴۶ (نهم شهریور ۱۳۶۷ [۳۱ اوت ۱۹۹۸])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۹، ص ص ۲۷۳، ۲۸۷.

«شرط قانون آمریکا»[۳۷] مندرج در بند ۹ بیانیه عمومی است. در نتیجه، دیوان وفق رویه خود در حکم شماره ۳۸۲ مقرر داشت:[۳۸]

> مقررات خزانه‌داری ایالات متحده که به آن دولت اجازه می‌دهد از اعطای پروانه صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات قبل از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] ایالات متحده بوده امتناع کند و نیز امتناع ایالات متحده به موجب آن قوانین، از اعطای اجازه صدور این قبیل اموال، با تعهدات آن دولت در بیانیه عمومی سازگار بوده است.[۳۹]

منظور دیوان از استناد به قوانین کنترل صادرات ایالات متحده، قوانینی بود که رئیس جمهور ایالات متحده را مجاز می‌دارد که صادرات را به دلایل امنیت ملی منع کند. این قوانین شامل قانون کنترل صادرات اسلحه ایالات متحده، قانون انرژی اتمی ۱۹۵۴، قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۷۸، و قانون ادارهٔ امور صادرات ۱۹۷۹ می‌باشد.[۴۰]

**۳۶-** دیوان در ادامه با استناد بیشتر به رویه مندرج در حکم شماره ۳۸۲[۴۱] مقرر داشت که ایالات متحده «تعهدی ضمنی طبق بیانیه عمومی بر عهده دارد تا بابت زیان‌های متحمله توسط ایران در اثر امتناع ایالات متحده از اعطای

---

[۳۷] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۵۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۳۳-۱۳۴. بند ۹ مقرر می‌دارد که «ایالات متحده *بر اساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور*، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد» (تأکید افزوده شده است). بند ۹ در بند ۷، بالا، به طور کامل نقل شده است.

[۳۸] *بنگرید به* حکم شماره ۳۸۲، بند ۶۲، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۹، ص ص ۲۹۲-۲۹۳.

[۳۹] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (و)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۴۰-۱۴۱؛ *همچنین بنگرید به* همانجا، بند ۵۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۴.

[۴۰] *بنگرید به* همانجا، بند ۶۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۴.

[۴۱] *بنگرید به* حکم شماره ۳۸۲، بندهای ۶۵-۶۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۹، ص ص ۲۹۳-۲۹۴ (که مقرر می‌دارد که اگرچه در بند ۹ بیانیه کلی صراحتاً ذکر نشده است که در صورت عدم استرداد بعضی اقلام، به دلیل مقررات حقوق ایالات متحده حاکم قبل از تاریخ ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، ایالات متحده متعهد به پرداخت غرامت به ایران خواهد بود، چنین تعهدی در آن بند مستتر است).

اجازه صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات قبل از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بوده، به ایران غرامت بپردازد».[۴۲]

۳- ادامه رسیدگی‌ها

۳۷- دیوان در حکم شماره ۵۲۹ هر گونه تعیین تکلیف در خصوص اموال مشخص و خسارات احتمالی را به مرحله دوم رسیدگی‌ها در پرونده‌های حاضر موکول کرد. دیوان اظهار داشت:

> ۷۱- در مرحله فعلی رسیدگی و براساس سوابق موجود، دیوان بررسی موضوع اموال مشخص یا زیان‌های احتمالی متحمله توسط ایران بابت آن اموال را عملی نمی‌داند بلکه با صدور دستور جداگانه‌ای از طرفین خواهد خواست که لوایح و مدارک بیش‌تری به ثبت رسانند و بدنبال آن، تاریخی برای جلسه استماع تعیین خواهد کرد.
>
> ۷۲- راجع به حدود مسؤولیت و خسارات احتمالی، نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد:
>
> ۷۳- اولاً در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسؤولیت ایالات متحده محقق است.
>
> ۷۴- ثانیاً هر یک از طرفین عهده‌دار اثبات واقعیات مورد استناد در تأیید ادعا یا دفاع راجع به غرامت مورد بحث است.
>
> ۷۵- ثالثاً در تعیین میزان غرامت، دیوان ادله خسارت وارده به ایران در مورد هر یک از اموال، وضعیت ایران در مورد آن مال به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و نیز ترتیبات قراردادی و سایر اوضاع و احوال مرتبط با معاملات مربوط به آن مال را مورد توجه قرار خواهد داد.
>
> ۷۶- رابعاً راجع به آن دسته از اموال ایران که به دلیل قصور ایالات متحده در ایفای تعهدات خود در بیانیه عمومی، بر خلاف الزام بیانیه، منتقل نشده است، استرداد ادعای ایران علیه دارنده مال یا حل و فصل چنین ادعایی بین ایران و دارنده مال بعد از هفتم اسفند ماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]

---

[۴۲] همانجا، بند ۷۷ (ز)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۱. همچنین *بنگرید به* بندهای ۶۱-۶۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۳۴-۱۳۷.

فی‌نفسه ایالات متحده را از مسؤولیت در قبال ایران بابت خسارات ناشی از عدم انتقال آن مال، مبرا نمی‌کند.[۴۳]

۳۸- بدین‌قرار دیوان در بخش اجرایی حکم مقرر داشت که «برنامه رسیدگی‌ها و تبادل لوایح بعدی راجع به بخش دو-الف، من‌جمله موضوعات مربوط به اموال جداگانه و تعیین میزان غرامت و بهره، با صدور دستور جداگانه تشریح و تعیین خواهد شد».[۴۴]

## چهار - مرحله دوم رسیدگی‌ها

*الف-آیین دادرسی*

۳۹- دیوان طی دستور مورخ نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] جدول زمانی خواهان برای تسلیم «لایحه توجیهی و ادله و مدارک خود را در سایر موضوعاتی که قرار است بدان‌ها رسیدگی شود از جمله موضوعات مربوط به اموال جداگانه و تعیین میزان غرامت و بهره» و جدول زمانی خوانده برای تسلیم لایحه توجیهی و ادله و مدارک خود در پاسخ را تعیین کرد.

۴۰- دیوان طی دستور مورخ هفتم اسفند ۱۳۷۱ [۲۶ فوریه ۱۹۹۳] با احراز این‌که به نظر می‌رسد اموال موضوع پرونده شماره ب-۴۳ در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) نیز مطرح باشد، دو پرونده را برای ادامه رسیدگی‌ها و تصمیم‌گیری ادغام کرد. دیوان همچنین مقرر داشت که هر دو پروندهٔ ادغام شده تابع دستور مورخ نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] پروندهٔ شماره الف-۱۵ (دو:الف) خواهند بود.

۴۱- دیوان طی دستور مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۷۲ [دوم ژوئن ۱۹۹۳] در پرونده‌های شماره الف-۱۵ (یک:الف)، (یک:ب)، (یک:ج)، الف-۱۵ (دو:الف)، الف-۲۶ و ب-۴۳، پرونده شماره الف-۲۶ (چهار) را با پرونده‌های از

---

[۴۳] همانجا، بندهای ۷۱-۷۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۴۴] همانجا، بند ۷۷ (ی)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

پیش ادغام شدهٔ شماره الف-۱۵ (دو:الف) و ب-۴۳ ادغام کرد. دیوان مضافاً مقرر داشت که رسیدگی‌ها در پرونده‌های شماره الف-۱۵ (دو:الف)، الف-۲۶ (چهار) و ب-۴۳ تابع دستور مورخ نهم تیر ۱۳۷۲ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] در پروندهٔ شماره الف-۱۵ (دو:الف) باقی می‌ماند.

۴۲- ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۷۴، ۱۴ مهر ۱۳۷۴ و پنجم دی ۱۳۷۴ [۲۲ سپتامبر ۱۹۹۵، ششم اکتبر ۱۹۹۵، و ۲۶ دسامبر ۱۹۹۵] و در ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] لایحه و ادله خود در خصوص کلیه موضوعات باقی‌مانده جهت تصمیم‌گیری در این پرونده‌ها را تسلیم کرد.

۴۳- ایالات متحده در چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] پاسخ خود به لایحه و ادله ایران تسلیم کرد.

۴۴- ایران در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ [۱۷ مه ۲۰۰۶] لایحه و ادله معارض خود را تسلیم کرد.

۴۵- ایالات متحده در ۲۹ تیر ۱۳۸۹ [۲۰ ژوئیه ۲۰۱۰] از دیوان تقاضا کرد که همه مهلت‌های ثبت تعیین شده در پرونده‌های حاضر تا زمان حل موضوعات دارای همپوشانی در پرونده‌های الف-۳، الف-۸، الف-۹، الف-۱۴ و ب-۶۱ («پرونده شماره ب-۶۱») به حالت تعلیق درآید («درخواست تعلیق»). ایالات متحده استدلال کرد که همپوشانی پرونده‌های حاضر و پرونده شماره ب-۶۱ در پی حکم شماره ۶۰۱-الف۳/الف۸/الف۹/الف۱۴/ب/۶۱-هیئت عمومی دیوان در پرونده شمارهٔ ب-۶۱ («حکم شمارهٔ ب-۶۰۱») «شدت» یافته است.[۴۵]

---

[۴۵] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۶۰۱-الف۳/الف۸/الف۹/الف۱۴/ب/۶۱-هیئت عمومی (۲۶ تیر ۱۳۸۸ [۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۱۹۷. در حکم شماره ۶۰۱، دیوان ملاحظه کرد که بعضی از اموال مشمول کنترل صادرات در پرونده‌های حاضر باقی ماندند، و بعضی اموال غیر مشمول کنترل صادرات در پرونده شماره ب-۶۱ باقی ماندند. *بنگرید به* حکم شماره ۶۰۱، بندهای ۲۱ و ۱۸۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ص ۲۱۱، ۲۶۶. دیوان همچنین نظر داد که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری (*بنگرید به* بند ۳۲، بالا) در پرونده شماره ب-۶۱ نیز غیرقانونی بوده و هم شامل اموال غیرمشمول کنترل صادرات متعلق به ایران و هم شامل اموال مشمول کنترل صادرات متعلق به ایران می‌شد. *بنگرید به* حکم

۴۶- به ویژه، ایالات متحده ملاحظه کرد که ادعاهای ایران در پرونده‌های حاضر به قصور ادعایی ایالات متحده هم در انتقال اموال غیر مشمول کنترل صادرات و هم اموال مشمول کنترل صادرات مربوط می‌شود به نحوی که هر نتیجه‌ای که دیوان در پرونده ب-۶۱ بگیرد ناگزیر بر اموال مشمول کنترل صادرات و اموال غیرمشمول کنترل صادرات مطروح در پرونده‌های حاضر اعمال خواهد شد. بدین‌قرار، طبق اظهار ایالات متحده، حل و فصل در پرونده ب-۶۱ بر موضوعاتی که برای حل و فصل در پرونده‌های حاضر اساسی می‌باشد، تأثیر عمده‌ای خواهد داشت. ایالات متحده مضافاً استدلال کرد که الزام آن دولت به تسلیم جوابیه نهائی خود راجع به موضوعات دارای همپوشانی در پرونده‌های حاضر بدون بهره‌گیری از لوایح اولیه ایران در خصوص موضوعات دارای همپوشانی و دست آخر، تصمیم دیوان دربارهٔ آن موضوعات در پرونده شماره ب-۶۱، اساساً غیرمنصفانه است.

۴۷- دیوان طی دستور مورخ ۱۶ مهر ۱۳۸۹ [هشتم اکتبر ۲۰۱۰] درخواست تعلیق ایالات متحده را رد کرد. دیوان در دستور خود مضافاً به شرح زیر مقرر کرد:

> خوانده می‌تواند لایحه و ادله معارض خود در پرونده های شماره الف-۱۵ (دو:الف)، الف-۲۶ (چهار) و ب-۴۳ را محدود کرده، هر گونه بحث درباره موضوعات راجع به مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را، تا آن‌جا که به اموال مشمول کنترل صادرات متعلق به ایران مربوط می‌شود که در پرونده‌های شماره الف-۱۵ (دو:الف)، الف-۲۶ و ب-۴۳ مورد اختلاف است، از جمله این مسئله را که آیا آن مقررات موجب خساراتی در مورد اموال مزبور شده‌اند یا خیر، و ماهیت و میزان آن خسارات چه بوده، از لایحه و ادله معارض خود مستثنی نماید. این محدودیت هیچ تأثیری بر مواضع طرفین نخواهد گذاشت.

---

شماره ۶۰۱، بندهای ۱۷۶-۱۷۴ و ۱۸۳ (خ)، گزارش آراء دیوان داوری، ص ص ۲۶۴-۲۶۵، ۲۶۷. دیوان طی دستور مورخ ۲۶ تیر ۱۳۸۸ [۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹] در پرونده ب-۶۱ مبنی بر تعیین برنامه رسیدگی‌های بیشتر در آن پرونده، از جمله دستور داد که ایران لایحه توجیهی و ادله خود «در خصوص کلیه موضوعات راجع به مقررات خزانه‌داری غیرقانونی» در پرونده ب-۶۱ «از جمله، راجع به این موضوع که آیا خساراتی در اثر مقررات مزبور وارد آمده، و ماهیت و میزان این گونه خسارات» را ارائه نماید. پرونده شماره ب-۶۱، دستور مورخ ۲۶ تیر ۱۳۸۸ [۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹].

۴۸ - ایالات متحده در ۲۷ دی ۱۳۸۹ [۱۷ ژانویه ۲۰۱۱] لایحه و ادله معارض خود را در رد لایحه و ادله معارض ایران در این پرونده‌ها تسلیم کرد. ایالات متحده مطابق دستور مورخ ۱۶ مهر ۱۳۸۹ [هشتم اکتبر ۲۰۱۰] دیوان، هر گونه بحث در خصوص این که «آیا معافیت مشخصی در [مقررات غیرقانونی خزانه‌داری] «موجب خساراتی شده‌اند یا خیر، و اگر شده‌اند، به چه میزان» در ارتباط با اموال مشمول کنترل صادرات ایران» را از لایحه معارض کنار گذاشت.

۴۹ - دیوان طی دستور مورخ هشتم فروردین ۱۳۹۱ [۲۷ مارس ۲۰۱۲] از طرفین دعوت کرد که نظرات خود را در خصوص مرتبط‌بودن حکم شماره ۶۰۱ در پرونده ب-۶۱ به پرونده‌های حاضر ابراز کنند. ایران و ایالات متحده به ترتیب در سوم شهریور ۱۳۹۱ [۲۴ اوت ۲۰۱۲] و ۱۸ دی ۱۳۹۱ [هفتم ژانویه ۲۰۱۳] لوایح خود را در این خصوص تسلیم کردند. ایران سپس در ۱۷ اسفند ۱۳۹۱ [هفتم مارس ۲۰۱۳] پاسخ خود را به لایحه ایالات متحده تسلیم کرد و ایالات متحده در ۲۴ تیر ۱۳۹۲ [۱۵ ژوئیه ۲۰۱۳] جوابیه خود را به پاسخ ایران تسلیم کرد.

۵۰ - دیوان طی نامه مورخ ۱۵ شهریور ۱۳۹۲ [ششم سپتامبر ۲۰۱۳] از جمله درخواست کرد که در تمهید جلسات استماع در مرحله دوم رسیدگی‌ها در پرونده‌های حاضر، «طرفین ... فهرست کلیه ادعاهائی که باید تصمیم‌گیری شود را تسلیم کنند». دیوان همچنین اظهار داشت که «ادعاهائی که در زمرهٔ این پرونده‌هاست» ولی در برنامه جلسات استماع مرحلهٔ دوم این رسیدگی‌ها گنجانده نشده «توسط دیوان بر اساس مدارکی که در اختیار دارد تصمیم‌گیری خواهد شد». ایران طی نامه ثبت‌شده در ۲۵ شهریور ۱۳۹۲ [۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳] پاسخ داد و «فهرستی از دعاوی مطروح در این پرونده که باید مورد رسیدگی و تصمیم قرار گیرد» را ضمیمه کرد. ایالات متحده طی نامه ثبت‌شده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۲ [۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳] پاسخ داد و طی آن اظهار داشت که «از زمان طرح دعوی مورد الف/15 (دو:الف) در سال 1982 ایران تقریبا سیصد شکایت را در این مورد مطرح کرده است» [کذا] و استدلال کرد که با تسلیم فهرست فقط ۱۰۳ ادعا یا نامه مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۲ [۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳] خود،

«ایران اذعان میکند که تقریبا دویست شکایتی که علیه ایالات متحده مطرح کرده است دیگر از "موارد معلقه" نیستند و در نتیجه باید مردود شده و مورد بررسی قرار نگیرد» [کذا]. ایالات متحده مضافاً تقاضا کرد که «[حکم دیوان] در این مورد باید تمام شکایاتی را که در فهرست ضمیمه نامه ایران مورخ شانزدهم سپتامبر سال 2013 ... آورده و یا مشخص نشده‌اند مردود اعلام [نمایند]» [کذا].

۵۱- جلسه استماع مرحله دوم رسیدگی‌ها در این پرونده‌ها طی چهل و نه روز بین ۱۵ مهر ۱۳۹۲ [هفتم اکتبر ۲۰۱۳] و ۳۰ دی ۱۳۹۳ [۲۰ ژانویه ۲۰۱۵] در لاهه، خیابان پارک وخ ۱۳ برگزار شد. جلسه استماع به نُه گروه تقسیم شده بود. گروه نخست به موضوعات کلی این پرونده‌ها اختصاص داده و در ۱۵ الی ۱۹ مهر ۱۳۹۲ [هفتم الی ۱۱ اکتبر ۲۰۱۳] استماع شد. هشت گروه باقی‌مانده به ادعاهای جداگانه اختصاص یافت که شامل این گروه‌ها بود: (یک) ادعاهای موزه هنرهای معاصر تهران، وزارت ارشاد اسلامی ایران، و رادیو تلویزیون ملی ایران که از ۲۲ الی ۲۶ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ الی ۱۸ اکتبر ۲۰۱۳] استماع شد و شامل آثار هنری، سازهای موسیقی عتیقه، و تجهیزات گوناگون دیگر بود؛ (دو) ادعای طرح‌شده توسط شرکت شیشه همدان که در یکم الی چهارم بهمن ۱۳۹۲ [۲۱ الی ۲۴ ژانویه ۲۰۱۴] استماع شد و شامل ابزارها و تجهیزات گوناگون بود؛ (سه) ادعاهای وزارت راه و ترابری ایران که در ۲۳ الی ۲۶ اردیبهشت [۱۳ الی ۱۶ مه] و ۲۹ الی ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ [۱۹ تا ۲۰ مه ۲۰۱۴] استماع شد و شامل واحدهای خانه پیش‌ساخته، تجهیزات سنگ‌شکن، جرثقیل، و سایر تجهیزات راه سازی بود؛ (چهار) ادعاهای طرح‌شده توسط ایران ایر، ایران آسمان، و وزارت کشاورزی ایران که در دوم الی سوم تیر [۲۳ تا ۲۴ ژوئن]، پنجم تا ششم تیر [۲۶ تا ۲۷ ژوئن]، نهم تا ۱۰ تیر ۱۳۹۳ [۳۰ ژوئن و یکم ژوئیه ۲۰۱۴] استماع شد و از جمله شامل قطعات هواپیما ارسالی برای تعمیر به ایالات متحده به علاوهٔ تجهیزات مختلف هواپیما بود؛ (پنج) ادعاهای سازمان آب و برق خوزستان، انجمن هلال احمر ایران، متروی تهران، و صنایع چوب و کاغذ مازندان، که در ۱-۴ مهر [ ۲۶-۲۳ سپتامبر] و ۷-۸ مهر ۱۳۹۳ [۳۰-۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴] استماع شد و از جمله شامل باتری

ایگزاید، شارژ باتری، نوارهای ارتجاعی اورتپدی، تجهیزات حفاری تونل، و یک دیگ مولّد بخار بود؛ (شش) ادعاهای طرح‌شده توسط دانشگاه مازندان، موزه ایران باستان، و موزه تاریخ طبیعی ایران، که در ۱۹–۲۳ آبان ۱۳۹۳ [۱۰–۱۴ نوامبر ۲۰۱۴] استماع شد و از جمله شامل نشریات دانشگاهی، آثار باستانی چغامیش موجود در اختیار مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، و فسیل‌های گوناگون بود؛ (هفت) شرکت با مسؤولیت محدود پتروشیمی خارک که در ۲۴–۲۸ آذر ۱۳۹۳ [۱۹–۱۵ دسامبر ۲۰۱۴] استماع شد و از جمله شامل پرداخت نقدی مطابق اعتبار اَسنادی، ابزارها و تجهیزات گوناگون، قطعات مسکونی پیش‌ساخته، و یک سامانه کمپرسور با موتور گازسوز بود؛ و سرانجام (هشت) ادعاهای طرح‌شده توسط وزارت پست و تلگراف و تلفن ایران، سازمان انرژی اتمی ایران، سازمان برنامه و بودجه ایران، و ایران ایر که در ۲۲–۲۶ دی [۱۲–۱۶ ژانویه] و ۲۹–۳۰ دی ۱۳۹۳ [۲۰–۱۹ ژانویه ۲۰۱۵] استماع شد و شامل اموال مشمول کنترل صادرات یعنی، واحدهای سیار کنترل طیف، سوخت هسته‌ای تریگا، یک رایانه، تجهیزات پردازش تصاویر ماهواره‌ای، و گاری تست هیدرولیک بود.

۵۲- خواهان بین ۲۹ فروردین ۱۳۹۲ [۱۸ آوریل ۲۰۱۳] و ۲۳ آبان ۱۳۹۳ [۱۴ نوامبر ۲۰۱۴] هشت نامه به دیوان ارسال داشت و طی آن‌ها به اطلاع دیوان رساند که تصمیم گرفته که ۲۶ پرونده زیر را مسترد کند و درخواست کرد که دیوان به رسیدگی‌های داوری مذکور تا حدی که به پرونده‌های آتی مربوط می‌شود خاتمه دهد: ز–۲۰، ز–۲۳، ز–۲۵، ز–۳۳، ز–۳۴، ز–۱۰۴، ز–۱۰۸، ز–۱۱۰، ز–۱۱۴، ز–۱۱۹، ز–۱۲۹، ز–۱۳۰، ز–۱۳۳، ز–۱۴۷، ز–۱۵۲، ز–۱۵۵، ز–۱۵۷، تکمیلی ۶–(۱)، تکمیلی ۱۰–(۲)، تکمیلی ۲۰–(۲)، تکمیلی ۲۱–(۲)، تکمیلی ۳۳–(۲)، تکمیلی ۴۱–(۲)، تکمیلی ۴۲–(۲)، تکمیلی ۵۴–(۲)، تکمیلی ۶۹–(۲) و تکمیلی ۱–(۳). دیوان به خوانده فرصت داد تا هر گونه دلایل موجّه اعتراض در مورد هر یک از درخواست‌ها را وفق ماده (۲)۳۴ قواعد رسیدگی دیوان («قواعد دیوان») مطرح کند.

۵۳- خوانده در خصوص ادعای ز-۱۱۴ درخواست کرد که دیوان طی دستور خود مبنی بر خاتمه دادن به رسیدگی‌های داوری، تا حدی که به این ادعا مربوط می‌شود حکم به پرداخت خسارات بابت هزینه‌ها دهد. دیوان بعد از تبادل لوایح، در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲ [۱۳ مه ۲۰۱۴] دستوری مبنی بر خاتمه‌دادن به رسیدگی‌های داوری تا حدی که به این ادعاها مربوط می‌شود و رد درخواست خوانده بابت حکم به پرداخت خسارات بابت هزینه‌ها صادر کرد.

۵۴- خوانده به نحو مشابه در مورد ادعای ز-۱۴۷ درخواست کرد که دیوان قبل از خاتمه‌دادن به رسیدگی‌های داوری در خصوص درخواست خود بابت حکم به پرداخت حق‌الزحمه‌های حقوقی و هزینه‌ها به خوانده تصمیم‌گیری کند. دیوان در دوم تیر ۱۳۹۳ [۲۳ ژوئن ۲۰۱۴] دستوری صادر کرد که طی آن اظهار داشت که در حکم حاضر در مورد درخواست حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی خوانده تصمیم‌گیری خواهد کرد. بعد از صدور دستور دیوان، تبادل لوایح توسط طرفین صورت گرفت. دیوان با توجه به آن لوایح مقرر می‌دارد که اوضاع و احوال مورد استناد خوانده ایجاب درخواست او برای حکم به پرداخت خسارت بابت هزینه‌ها را توجیه نمی‌کند. دیوان همچنین بدین‌وسیله رسیدگی‌های داوری در این پرونده‌ها را تا جایی که مربوط به ادعای ز-۱۴۷ می‌باشد وفق ماده (۲)۳۴ قواعد دیوان خاتمه می‌دهد.

۵۵- دیوان در مورد سایر ادعاهای فهرست‌شده در بند ۵۲ بالا، وفق ماده (۲)۳۴ قواعد دیوان، دستورهائی مورخ بین ۱۴ فروردین ۱۳۹۲ [سوم آوریل ۲۰۱۳] و ۲۳ آذر ۱۳۹۳ [۱۴ دسامبر ۲۰۱۴] مبنی بر خاتمه‌دادن به رسیدگی‌های داوری تا جایی که به آن ادعاها مربوط می‌شد صادر کرد.

۵۶- دیوان همچنین بعد از درخواست‌های متناظر مشترک طرفین وفق ماده (۱)۳۴ قواعد دیوان دستورهایی در تاریخ‌های ۲۳ دی ۱۳۹۴ [۱۳ ژانویه ۲۰۱۶] و ۲۸ بهمن ۱۳۹۴ [۱۷ فوریه ۲۰۱۶] مبنی بر خاتمه‌دادن به رسیدگی‌های داوری به ترتیب در محدودهٔ ادعاهای ز-۱۴ و ز-۱۷، و ادعای ز-۱۱۶ صادر کرد.

۵۷- ایران بنابر درخواست دیوان در جلسه استماع در ۱۳ اسفند ۱۳۹۳ [چهارم مارس ۲۰۱۵] «جدول خلاصه ادعاها» را که در آن، خواسته مورد مطالبه خود را در هر یک از ادعاهای جداگانه اعلام می‌کرد، تسلیم نمود.

۵۸- دیوان محض اثربخشی بیشتر، ادعاهای زیر را برای تصمیم‌گیری بعدی جدا می‌کند:

(الف) ادعاهای طرح‌شده توسط وزارت پست و تلگراف و تلفن ایران، سازمان انرژی اتمی ایران، سازمان برنامه و بودجهٔ ایران، و ایران ایر که شامل اموال مشمول کنترل صادرات می‌شود، یعنی ادعاهای تکمیلی ۳۸-(۲)، ز-۱۹، ز-۱۰۲، ز-۱۰۳، و ز-۱۱۲؛ و

(ب) هر ادعای در دست رسیدگی که «در برنامه جلسات استماع مرحلهٔ دوم این رسیدگی‌ها گنجانده نشده»[۴۶] و در حکم جزئی حاضر مورد رسیدگی واقع نشده باشد.

۵۹- کلیه مسایل مربوط به مقررات غیرقانونی خزانه‌داری تا جائی که به اموال مشمول کنترل صادرات ایران مطروحه در این پرونده‌ها مربوط می‌شود نیز در پرتو سوابق رسیدگی این پرونده‌ها[۴۷] و برای احتراز از تصمیم‌گیری متعارض بالقوه در این پرونده‌ها و پرونده ب-۶۱، برای تصمیم‌گیری آتی جدا می‌شود. دیوان در زمان مناسب دستوری راجع به اقدامات مربوط به آیین دادرسی لازم در این خصوص صادر خواهد کرد.

۶۰- بر این اساس، حکم جزئی حاضر فقط با ادعاهای مربوط به اموال خارج از شمول کنترل صادرات ایران در ارتباط است.

---

[۴۶] *بنگرید به* بند ۵۰، بالا.

[۴۷] *بنگرید به* بندهای ۴۵-۴۹ بالا.

*ب- ماهیت*

۱- موضوعات کلی

*الف) مقدمه*

۶۱- دیوان در این بخش تنها به موضوعات کلی عمده مطروح در این پرونده‌ها می‌پردازد: (یک) «اموال» مشمول محدودهٔ بند ۹؛ (دو) محدودهٔ زمانی که تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ طرح شده؛ (سه) ماهیت تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹؛ (چهار) نقشی که بند ۹ برای ایران قائل شده؛ (پنج) ادعای جایگزین ایران بر اساس بند ۸ بیانیه عمومی؛ و (شش) ادعای جایگزین ایران بر اساس اصل کلی الف. به سایر موضوعات در حد نیاز در ارتباط با بحث دیوان از ادعاهای جداگانه پرداخته خواهد شد.

*ب) دامنهٔ تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹*

(۱) «اموال» در محدودهٔ بند ۹

*(الف) مقدمه*

۶۲- بند ۹ مقرر می‌دارد که تعهد مندرج در این بند بر «تمام اموال ایران ... که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد»[۴۸] اعمال می‌شود.

*(ب) اظهارات ایران*

۶۳- مطابق اظهارات ایران، طرفین توافق دارند که کالاهایی که توسط ایران برای تعمیر به ایالات متحده حمل شده، به نهادهایی در ایالات متحده قرض داده شده، یا خریداری و به نمایندگان ایران در ایالات متحده تحویل داده شده، «اموال ایران» هستند. بنابراین، برای ایران، موضوع محوریِ پرونده‌های حاضر این است که آیا بند ۹

[۴۸] *بنگرید به* بند ۷، بالا.

«در مورد قلمی که توسط یک نهاد ایرانی به یک فروشنده آمریکائی سفارش شده بوده و تا ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] هنوز تحویل داده نشده بوده و تحت تأثیر انسداد دارایی‌ها توسط ایالات متحده واقع گردیده به نحوی که تحویل آن به ایران امکان‌پذیر نبوده قابل اعمال می‌باشد یا خیر».

۶۴- به نظر ایران، اموال مشمول بند ۹، شامل اموالی که تحویل داده نشده‌اند نیز می‌شود. بنابراین ایران ادعا می‌کند که عبارت «اموال ایران» در بند ۹ شامل

> هم اموال عینی‌ای است که ایران مالک آن‌ها بوده، و هم اموالی که ایران به سبب منافع خود در اموال حق انتقال مالکیت بر آن‌ها را داشته است. اموال ایران متضمن منافع مالکانه نیز می‌شود، و نفع در این معنا شامل حق بر مال یا حق در مال می‌باشد، و آن حق می‌تواند به عنوان مثال، ناشی از پرداختن یا مسؤول‌بودن بابت پرداخت قیمت خرید مربوطه باشد.
>
> در خاتمه، اموال همچنین شامل تعهداتی نسبت به ایران مانند پیش‌پرداخت‌ها توسط ایران، بدهی‌ها به ایران، و امثال آن می‌شود.

ایران در تایید نظر خود پنج استدلال زیر را عنوان کرده است.

*(یک) تفسیر درست اصطلاح «اموال ایران» در بیانیه‌های الجزایر*

۶۵- ایران معروض می‌دارد که معنی اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ باید «به عنوان امری در تفسیر معاهدات» مطابق حقوق بین‌الملل تعیین شود. ایران اظهار می‌دارد که در این خصوص احاله به حقوق داخلی موضوعیت ندارد زیرا تنظیم‌کنندگان بند ۹ می‌توانستند مشخصاً اظهار دارند که قانون داخلی حاکم باید تعیین کند که کدام اموال از آنِ «ایران» تلقی شوند، ولی چنین نکرده‌اند. ایران تأکید می‌کند که نه بیانیه عمومی، نه حکم شماره ۵۲۹ و نه حکم شماره ۶۰۱ در ارتباط با عبارت «اموال ایران» به حقوق داخلی ارجاع نمی‌دهند.

۶۶- ایران معروض می‌دارد که منظور از بند ۹ مشخصاً برای حل مسئله اموال موضوع دستور انسداد ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] است که نمی‌توانست به دلیل انسداد مذکور به ایران انتقال یابد.[۴۹] بنابراین، ایران مدعی است که دامنه اموال مندرج در بند ۹ باید به گستردگی منافعی باشد که مشمول دستور انسداد و مقررات اجرائی آن بوده است. ایران استدلال می‌کند که تفسیر موسع عبارت «اموال ایران» در بند ۹ وفق ماده (۱)۳۱ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات («کنوانسیون وین») با موضوع، هدف و سیاق بند ۹ هم‌سوئی دارد.[۵۰] مطابق اظهارات ایران، خوانش آن دولت از اصول کلی الف و ب بیانیه عمومی مؤید این خوانش از بند ۹ است. بنابر اظهارات ایران، اصل کلی الف[۵۱] دال بر تعهد ایالات متحده به جابه‌جائی مجدد اموال ایران است، و بنابراین هیچ تفکیکی بین اموالی که ایران برای تعمیر فرستاده بود و اموالی که خریداری کرده بود، یا بین قراردادهای فروشی که با تحویل رسمی همراه بوده و آن‌هائی که با تحویل توأم نبوده، نمی‌توان قائل شد. برای ایران، اصل کلی ب[۵۲] منعکس‌کنندهٔ این قصد است که کلیه رسیدگی‌های حقوقی بین ایران و اشخاص آمریکایی در پیش‌گاه دادگاه‌های داخلی پایان یابد. بدین‌قرار، ایران نتیجه می‌گیرد که خوانش بند ۹ به نحوی که مستلزم حل این اختلاف در دادگاه‌های ایالات متحده باشد که آیا اموال از «اموال ایران» تلقی می‌شود یا خیر، در تعارض با اصل کلی ب خواهد بود. فزون بر این، وفق اظهارات ایران، با لزوم ابطال قرارهای منع، در اصل کلی ب این درک مفروض

---

[۴۹] *بنگرید به* بند ۸، بالا.

[۵۰] کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، مفتوح برای امضاء دوم خرداد ۱۳۴۸ [۲۳ مه ۱۹۶۹]، (لازم الإجرا شده در هفتم بهمن ۱۳۵۸ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۰]).

[۵۱] *بنگرید به* بند ۷، بالا.

[۵۲] اصل کلی ب از جمله ایالات متحده را وادار می‌کند که از طریق ترتیبات مندرج در بیانیه حل و فصل دعاوی:

> به تمام اقدامات حقوقی در دادگاه‌های ایالات متحده که متضمن دعاوی اتباع و مؤسسات آمریکائی علیه ایران و مؤسسات دولتی آن است خاتمه داده، کلیهٔ احکام توقیف و احکام قضائی صادره را لغو، سایر دعاوی بر اساس چنین ادعاهائی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاهائی را، از طریق داوری لازم الاجرا فراهم نماید.

بیانیهٔ عمومی، اصل کلی ب، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۳.

است که اموال به معنی بسیار وسیع آن مدنظر بوده است، چرا که قرارهای منع در حقوق ایالات متحده در قبال اموال، منافع در اموال، دین، تعهدات، و مانند آن می‌تواند صادر شود.

۶۷- از این منظر، ایران معروض می‌دارد که تحویل نمی‌تواند به عنوان معیاری برای تشخیص «اموال ایران» تلقی شود، چرا که چنین برداشتی با هدف بند ۹ مغایرت دارد. از این لحاظ، ایران استدلال می‌کند که تحویل‌دادن به ایران را به عنوان لازمهٔ وصف «اموال ایران» تلقی‌کردنِ اموال موضوع پرونده‌های حاضر، هدف بند ۹ را بلااثر می‌کند چرا که، اگر اموال به طور فیزیکی به ایران تحویل داده شده بود، فراهم آوردن ترتیبات لازم برای انتقال آن‌ها بی‌وجه می‌شد؛ چون ایران اموال را در تصرف داشت و چیزی برای انتقال باقی نمی‌ماند.

۶۸- افزون بر این، وفق اظهارات ایران، در آن زمان و بلافاصله پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، تلقی طرفین از بند ۹ این بود که این بند حاوی تعریف موسعی از اموال است. ایران معروض می‌دارد که درک مشترک طرفین در این خصوص را می‌توان در بیانی که ایالات متحده در دستورهای اجرائی و مقررات خزانه‌داری در آن زمان به‌کار گرفته، در بیانی که در فرم‌هائی که برای آمارگیری اموال ایران در سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] استفاده شده، و همچنین در کارهای مقدماتی، یادداشت‌های دیپلماتیک، و مدارکی که در طی پرونده‌های حاضر به ثبت رسیده، مشاهده کرد.

۶۹- نخست، ایران در خصوص دستورهای اجرائی و مقررات خزانه‌داری، خاطرنشان می‌کند که دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱،[۵۳] که هم‌زمان با انعقاد بیانیه‌های الجزایر صادر شده، مؤید درک مشترک طرفین بود بدین معنی که مراد بند ۹ اموال به مفهوم وسیع آن است که شبیه کاربرد آن عبارت در دستور انسداد ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و بخش ۳۱۱-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری می‌باشد که برای اجرای آن صادر شد و بدان معنا شامل «هر

[۵۳] *بنگرید به* بند ۱۱، بالا.

منفعت قابل تصور در مال، به هر طریقی که باشد» همانند تعهدات در قبال ایران، و پیش‌پرداخت‌ها خواهد بود.[۵۴] ایران معروض می‌دارد که در بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری صادره در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] تأیید بیشتر بر این مدعای آن دولت را می‌توان یافت که عبارت‌پردازی «اموالی که ایران یا مؤسسهٔ ایرانی نسبت به آن ذی‌نفع باشد که در تصرف هر شخص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده باشد» را به کار گرفته است.[۵۵] وفق اظهارات ایران، روشن است که خود ایالات متحده در بخش‌های ۲۱۵-۵۳۵ و ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] با الزام اشخاص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده به انتقال کلیه «تعهدات» و منافع در اموال ایران از جمله «دیون» به ایران یا نهادهای تحت کنترل آن کشور، تعهد خود در بند ۹ را در چنین معنائی درک و اجرا کرده است.[۵۶]

---

[۵۴] بخش ۳۱۱-۵۳۵ (اموال؛ منافع مالی) به شرح زیر مقرر می‌دارد:

جز به نحوی که در بخش (ح)۲۰۳-۵۳۵ برای اهداف آن بخش تعریف شده، اصطلاح‌های «اموال» و «منفعت مالی» یا «منافع مالی» شامل اما نه محدود به موارد زیر می‌باشد: پول نقد، چک، برات، شمش، سپرده‌های بانکی، حساب‌های پس‌انداز، بدهی‌ها، بدهکاری، تعهدها، اسکناس‌ها، اوراق قرضه بدون تضمین، سهام، اوراق قرضه، کوپن، هر اوراق بهادار دیگر، پذیرش بانک، رهن، گرو، حق حبس مال یا سایر حقوق از نوع تضمینی، رسید انبار، بارنامه، رسید امانتی، بیع‌نامه، هر مدرک حق مالکیت، مالکیت، یا بدهکاری دیگر، وکالتنامه، کالا، جنس‌های فروشی، مال التجاره، مال منقول، ذخیره موجود، کشتی، کالا در کشتی، رهن مستغلات، امانت‌نامه، موافقتنامه فروش بایع، قرارداد زمین، مستغلات و هر گونه منافع مربوط به آن، ملک اجاره‌ای، اجاره بهای زمینی، خیار، سند قابل انتقال، برات مدت‌دار فروش، حق الامتیاز، حساب دفتری، حساب پرداختنی، مبلغ مورد حکم دادگاه، پروانه بهره‌برداری انحصاری، علامت تجارتی یا حق چاپ، بیمه‌نامه، صندوق امانات و محتوای آن، مقرری سالیانه، موافقتنامه یک کاسه کردن حق رأی سهام‌داران، قرارداد از هر نوع؛ و هر مال غیر منقول، شخصی، مختلط، عینی یا غیرعینی دیگر یا منعفت یا منافع کنونی، آتی، یا احتمالی مربوط به آن.

ماده ۳۱ مجموعه مقررات فدرالی، بخش ۳۱۱-۵۳۵. *بنگرید به* بند ۹ و پانوشت ۹ بالا.

[۵۵] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

[۵۶] بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری در بخش ذیربط مقرر می‌دارد:

(الف) عبارت «اموال» به نحوی که در بخش ۲۱۵-۵۳۵ به کار گرفته شده شامل کلیه تعهدات و منافع مالی بلامعارض وبلا شرط دولت ایران و سازمان‌ها و مؤسسات تابعه و واحدهای تحت کنترل، من جمله دیون آن دولت می‌باشد. این امر شامل سپرده‌های بانکی یا وجوه و اوراق بهادار نمی‌باشد.

۷۰- دوم، ایران به عنوان نمونه‌ای دیگر از درک مشترک طرفین در خصوص معنای موسع «اموال ایران» در بند ۹ متذکر می‌شود که فرم‌های مبنای آمارگیری اموال ایران در سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] انجام‌شده توسط ایالات متحده به مالکیت در منافع، و نیز اموالی اشاره دارد که ایران در آن‌ها نفعی داشته است.[۵۷] وفق اظهارات ایران، خوانش عبارت «اموال ایران» در بند ۹ به گونه‌ای که شامل اموالی باشد که ایران مالکیت منافع در آن‌ها دارد، همسو با رویه دیوان است.

۷۱- سوم، ایران معروض می‌دارد که برخی یادداشت‌ها و اسناد دیپلماتیک که طی رسیدگی به پرونده‌های حاضر به ثبت رسیده، وفق ماده (ب) (۳) ۳۱ کنوانسیون وین[۵۸] موجد ادله دال بر «رویه بعدی» و تأییدی بر تفسیر موسع عبارت «اموال ایران» در بند ۹ می‌باشد. ایران به ویژه به رشته‌ای از یادداشت‌های دیپلماتیک که بین طرفین در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ و ۱۳۶۰/۱۳۶۱ [۱۹۸۱ و ۱۹۸۲] مبادله شده اشاره می‌کند که مربوط به اقلام مختلفی است که تعبیر ایالات متحده در یادداشت‌های دیپلماتیک از آن «کالاهای نظامی متعلق به ایران» می‌باشد و تأمین‌کنندگان در ایالات متحده می‌خواستند آن‌ها را بفروشند چرا که به دلیل لزوم صدور پروانه صادرات قابل ارسال به ایران نبودند.[۵۹] ایران متذکر می‌شود که ایالات متحده آن اقلام را هر چند که به ایران تحویل داده نشده بود اموال ایران تلقی می‌کرد. ایران همچنین به شماری از گزارش‌هایی که ایالات متحده تقدیم دیوان کرده استناد می‌کند که اموال در آن تحت عنوان اموال «در تملک دولت ایران» فهرست شده است.[۶۰] مضافاً وفق اظهارات ایران، قصد تنظیم‌کنندگان بند ۹ این بوده که اطمینان حاصل کنند که از طیف وسیعی از اموال انسدادی رفع انسداد خواهد شد. ایران مدعی است که کارهای مقدماتی بیانیه‌های الجزایر به‌ویژه مصوبه آبان ۱۳۵۹ [نوامبر ۱۹۸۰] مجلس

---

[۵۷] *بنگرید به* بند ۱۶، بالا.

[۵۸] *بنگرید به* پانوشت ۵۰، بالا.

[۵۹] *بنگرید به* بند ۶۸، بالا.

[۶۰] *بنگرید به* بند ۲۰، بالا. در گزارش‌های مزبور، "GOI-owned" برای کوتاه سازی "Government of Iran-owned" به کار گرفته شد.

ایران («مصوبه مجلس»)[۶۱] چنین قصدی را به عنوان یکی از عمده‌ترین اصول مصالحه حاصله در بیانیه‌های الجزایر تأیید می‌کند.

۷۲- مضافاً، ایران استدلال می‌کند که تفسیر موسع «اموال ایران» در بند ۹، وفق ماده (۱)۳۱ کنوانسیون وین با سیاق آن بند و موضوع و هدف بیانیه عمومی سازگار است.[۶۲] ایران در این خصوص این ادعای خود را تکرار می‌کند که منظور این بوده که بند ۹ پیامد انسداد اموال توسط ایالات متحده بر اساس دستور انسداد ۲۴ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و مقررات خزانه‌داری ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] باشد.

۷۳- بنابراین، مطابق اظهارات ایران، تعریف «اموال ایران» در بند ۹ نه تنها شامل اموال و منافع مالی ایران، اعم از تحویل داده‌شده یا نشده می‌باشد، بلکه مطالبات ایران و پیش‌پرداخت‌هائی که ایران پرداخته است را نیز در برمی‌گیرد.

*(دو) تعریف موسّع «اموال» در حقوق بین‌الملل*

۷۴- وفق اظهارات ایران، حقوق بین‌الملل تفسیر موسعی از اصطلاح «اموال» دارد و آن را فقط محدود به اموال عینی یا مالکیت مبتنی بر حق قانونی مالکیت نمی‌داند. در تأیید این استدلال، ایران شماری از مثال‌ها را مطرح می‌کند، و مدعی است این مثال‌ها بازتاب «پذیرش عام» تفسیر موسع معنای متداول اصطلاح «اموال» در حقوق بین‌الملل و به نوبه خود، تفسیر بند ۹ می‌باشد. به علاوه، ایران معروض می‌دارد که حقوق بین‌الملل اصطلاح «اموال»

---

[۶۱] «مجلس» یعنی مجلس شورای اسلامی ایران، قوهٔ مقننهٔ ایران. *بنگرید به* مقدمه بیانیه عمومی، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۳.

[۶۲] *بنگرید به* پانوشت ۵۰، بالا.

را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که شامل منافع در اموال نیز می‌باشد.[۶۳] وفق اظهارات ایران حداقل برخی از این مثال‌ها «به خوبی شناخته شده‌اند» و «اغلب به عنوان منبع حقوق بین‌الملل عرفی تلقی شوند».

۷۵- ایران همچنین معروض می‌دارد که دیوان در تفسیر بیانیه‌های الجزایر از اصول کلی حقوق بین‌الملل بهره گرفته و خود را به اعمال تحلیل تعارض قوانین و اعمال حقوق داخلی محدود نکرده است.[۶۴] وفق اظهارات ایران، دیوان آزاد است بر اساس اهداف بیانیه‌های الجزایر، که به‌ویژه شامل قرار دادن ایران در وضعیت مالی قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و حصول اطمینان از تحرک و انتقال آزاد اموال ایران به آن کشور می‌باشد، مناسب‌ترین قانون را احراز کند.

*(سه) قابل اعمال نبودن قانون محل وقوع مال و بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل بر تفسیر عبارت «اموال ایران»*

۷۶- ایران استدلال می‌کند که در تعیین این‌که کدام اموال در چارچوب بند ۹ می‌گنجد، قانون محل وقوع مال *(lex rei sitae)* را قابل اعمال نمی‌داند. جدا از این استدلال که تفسیر عبارت «اموال ایران» باید بر اساس حقوق بین‌الملل باشد، ایران اعمال قانون محل وقوع مال را نادرست می‌داند، چرا که قاعدهٔ پیش‌فرض در حقوق ایالات متحده این است که مالکیت با تحویل مال مربوطه منتقل می‌شود. وفق اظهارات ایران، اعمال قاعده محل وقوع مال، هدف بند ۹ را از بین می‌برد، زیرا قانون محل وقوع مال در بسیاری از موارد مستلزم آن است که اموال

---

[۶۳] ایران از جمله به منابع زیر ارجاع می‌دهد: عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی، ایران-ایالات متحده، ۲۳ مرداد ۱۳۳۲ [۱۵ اوت ۱۹۵۵]، مجموعه معاهدات ملل متحد، ج ۲۸۴، ص ۹۳؛ و *آموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۵۶-۳۱۰، بند ۱۰۷ (۲۲ تیر ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷]) *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ص ۱۸۹، ۲۲۰.

[۶۴] به عنوان مثال، *بنگرید به هارنیشفگر کورپوریشن و وزارت راه و ترابری و دیگران*، حکم شماره ۳-۱۸۰-۱۷۵ (متن فارسی ۲۰ خرداد ۱۳۶۴ [۱۰ ژوئن ۱۹۸۵]، متن انگلیسی ششم اردیبهشت ۱۳۶۴ [۲۳ آوریل ۱۹۸۵]، نظر مخالف ریچارد ام. ماسک، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۸، ص ص ۱۱۹، ۱۴۰.

مورد بحث قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران تحویل داده شده باشد، که معنی‌اش این خواهد بود که اموال انگشت شماری موضوع تعهد بند ۹ بوده است.

۷۷- ایران معروض می‌دارد که بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل به چهار دلیل بر تفسیر عبارت «اموال ایران» در بند ۹ قابل اعمال نیست. نخست، ایران ادعا می‌کند که قانون تجارت متحدالشکل اساساً بند ۹ را برای ایران خالی از فایده می‌کند چرا که قانون مزبور «موردی از قانون داخلی است که با دقت محدود شده است» و محدود به موضوعات خصوصی بین خریدار و فروشنده می‌باشد. دوم، وفق اظهارات ایران، همان‌گونه که خود دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت،[۶۵] عبارت پردازی بند ۹ اِعمال حقوق ایالات متحده را به قوانین کنترل صادرات مربوطه محدود می‌کند. سوم، ایران معروض می‌دارد که حتی اگر حقوق داخلی ایالات متحده بر تفسیر بند ۹ حاکم باشد، بخش تجدیدنظر دادگاه بدوی نیویورک قائل بوده است که اصطلاح‌های «اموال» و «منافع در اموال» در مقررات اداری همانند مقررات دفتر نظارت بر اموال خارجی نمی‌تواند تنها به اموال واجد وصف مالکیت قانونی محدود شود. در پایان، ایران معروض می‌دارد که منظور از بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل قابلیت اعمال آن در زمینه حقوق عمومی نیست. به هر روی، مطابق اظهارات ایران، حتی اگر بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل قابلیت اعمال داشته باشد، این بخش در بردارنده چیزی بیش از یک قاعدهٔ پیش‌فرض برای انتقال مالکیت به محض تحویل نیست، و بنابراین دیوان باید هر قرارداد جداگانه در ادعاهای مختلف را بررسی کند تا دریابد توافق طرفین مربوطه در ارتباط با انتقال مالکیت به چه نحو بوده است.

*(چهار) تغییر اوضاع و احوال*

۷۸- ایران همچنین با استناد به ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی و یکی از تصمیمات پیشین دیوان، ادعا می‌کند که آموزه تغییر اوضاع و احوال با عنایت به حوادث رخ‌داده در ایران که به توقف بسیاری از ترتیبات

[۶۵] ایران به حکم شماره ۵۲۹، بند ۱ استناد می‌کند، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۰.

قراردادی پیش از انقلاب انجامید و نتیجه‌اش عدم تحویل اقلام توسط طرف قراردادهای آمریکائی بود باید مدنظر قرار گیرد.[۶۶] ایران همچنین معروض می‌دارد که ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی حکم می‌کند که تغییر اوضاع و احوال باید «همطراز و هم‌سطح «مقررات قرارداد»» تلقی شود.

۷۹- در همین ارتباط، ایران استدلال می‌کند که ضروری دانستن تحویل برای تعیین این اقلام به عنوان «اموال ایران» وفق اهداف بند ۹، هدف تعهد مبنی بر فراهم آوردن ترتیبات انتقال را سست می‌کند و مغایر حکم شماره ۶۰۱ است. وفق اظهارات ایران، از آن جا که تحویل به دلیل تحریم ایالات متحده علیه ایران غیرممکن شده بود، ایران حتی در مواردی که تحویل صورت نگرفته است باید مالک اموال مربوطه شناخته شود. بنابراین، ایران با استناد به بندهای ۱۵۱ و ۱۵۲ حکم شماره ۶۰۱، استدلال می‌کند که عناصری مانند شرط‌ها در قراردادهای مربوط به اموال مورد اختلاف، قانون حاکم بر آن قراردادها، یا این‌که آیا ایران بهای تمام یا برخی از اقلام ادعائی را داده بوده است یا خیر، می‌تواند به عنوان ادله ذی‌ربط برای تعیین مالکیت ایران بر چنین اموالی باشد، ولی در مورد آن مسئله حجت قاطع نیست.

*(پنج) مرجع صالح*

۸۰- ایران معروض می‌دارد که در صورت نزاع در مالکیت، در صورت مطرح بودن اختلاف بین ایالات متحده و ایران در این خصوص که آیا مال مشخصی در محدودهٔ عبارت «اموال ایران» در قالب بند ۹ می‌گنجد یا خیر، دیوان باید چنین اختلافی را حل و فصل نماید. ایران مشخصاً این گزاره را رد می‌کند که دادگاهی داخلی برای تعیین این‌که مالی در محدودهٔ «اموال ایران» می‌گنجد یا خیر، صلاحیت داشته باشد. موضع ایران بر دو دلیل استوار است. نخست، هر گونه تصمیم‌گیری در دادگاه داخلی، روابط حقوق خصوصی و بین‌المللی در پرونده‌های حاضر

---

[۶۶] ایران استناد می‌کند به *کوئستک اینکوروپوریتد* و *وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ (سوم مهر ۱۳۶۴ [۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۹، ص ص ۱۰۷، ۱۲۲-۱۲۳.

را دچار آشفتگی می‌کند. وفق اظهارات ایران، دیوان در تصمیم‌گیری در مورد تمام مسائل موضوعی و حکمی ناشی از ادعاهای ایران علیه ایالات متحده بابت نقض‌های بند ۹ دارای صلاحیت است. وفق اظهارات ایران، در غیر این‌صورت گویی عملاً دیوان بخشی اساسی از اشتغال خود را به دادگاه‌های مختلف داخلی تفویض کرده است. دوم، تلقی ایران این است که تجویز تفسیر بند ۹ توسط دادگاه‌های داخلی با اصل کلی ب که فیصله یافتن کلیه رسیدگی‌ها بین اتباع هر یک از دولت‌ها علیه دولت دیگر را مقرر می‌کند، ناسازگار است.[۶۷]

*(پ) اظهارات ایالات متحده*

*(یک) معیارهای اموال جهت قرار گرفتن در شمول محدوده بند ۹*

۸۱- ایالات متحده معروض می‌دارد که برای قرارگرفتن هر قلم مشخص در چارچوب بند ۹، ایران باید نشان دهد که: (یک) مال عینی، همچنان موجود بوده، و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است؛ (دو) نهاد ادعاکننده از تاریخ بیانیه‌های الجزایر تحت کنترل دولت ایران بوده؛ و (سه) ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا کنون مالک قانونی، بلامعارض و غیرمشروط مال بوده است.

*(دو) «اموال ایران» تنها شامل آن دسته از اموال عینی است که ایران بر آن‌ها مالکیت بلامعارض و غیرمشروط داشته است*

۸۲- وفق اظهارات ایالات متحده، اگرچه دیوان مقرر داشته است که تقریباً کلیهٔ جنبه‌های مقررات هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] خزانه‌داری ایالات متحده با تعهدات آن دولت ذیل بیانیه‌های الجزایر همخوان است، اما تعریف «اموال ایران» تنها نکته‌ای است که ناهمخوان اعلام گردید. ایالات متحده معروض می‌دارد که بند ۹ تنها ناظر بر اموال عینی است و شامل حقوق و منافعی غیرعینی بر آن فقره از اموال نخواهد بود. به علاوه، وفق اظهارات

---

[۶۷] *بنگرید به* پانوشت ۵۲، بالا.

ایالات متحده، هر تعهدی که آن دولت مطابق بند ۹ داشته باشد اجرایی نخواهد شد مگر این‌که مسئله مالکیت قانونی بر مال مورد نظر از نظر موضوعی و حکمی حل شده باشد.

۸۳- ایالات متحده ادعاهای ایران مبنی بر این‌که اصطلاح «اموال ایران» باید به نحو موسع تعریف شود تا شامل هرگونه منافع در اموال نیز باشد را رد می‌کند و متذکر می‌شود که بیانیه‌های الجزایر نمی‌توانست انتقال کل اموال عینی که ایران در آن‌ها نفعی داشته است را تجویز کند. به علاوه، مطابق اظهارات ایالات متحده، این که تعریف مورد استفادهٔ دفتر نظارت بر اموال خارجی از «اموال» وسیع‌تر از اموالی است که نسبت به آن‌ها مالکیت قانونی دارند کمکی به ایران نمی‌کند، زیرا مجموعه منافع دارایی‌های ایران که در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] مسدود شد به مراتب وسیع‌تر از مجموعه اموالی بود که ایران به واقع مالک آن‌ها بود.

۸۴- ایالات متحده ادعا می‌کند که چارچوب «اموال ایران» مندرج در بند ۹ نمی‌تواند به آن دسته از اموال تسری داده شود که اموال ایران موجود در ۲۲ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] در قلمرو قضائی ایالات متحده تلقی نمی‌شده است، زیرا بند ۹ موجد تعهد بر قراردادن ایران در وضعیتی بهتر از وضعیتی که آن کشور در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] داشته نیست. موضع ایالات متحده این است که تعهد آن دولت ذیل بند ۹ وقتی همراه با اصل کلی الف خوانده شود، شامل جبران آثار اقدامات مربوط به انسداد حاصل از دستور انسداد ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] نبوده است. در عوض، تعهد آن کشور، قرار دادن ایران در وضعیت قبل از انسداد دارائی‌هایش است.

۸۵- وفق اظهارات ایالات متحده، دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ که پیش‌نویس آن تهیه و طی مذاکره بیانیه‌های الجزایر با ایران در میان گذاشته شد، انعکاس «معنای روشن و پذیرفته شدهٔ» بیانیه‌ها می‌باشد. از سوی دیگر، دستور انسداد که در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] صادر شد چنین چیزی را انعکاس نمی‌داد. بنابراین برای ایالات متحده گستره دستور انسداد و بند ۹ یکسان نیست و بند اخیر تنها به بخش محدودی از «اموال ایران» اشاره دارد.

۸۶- تفسیر ایالات متحده از معنای اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ اموالی است که «ایران مالکیت قانونی بر آن‌ها دارد». ایالات متحده با استناد به تصمیم دیوان در حکم شماره ۵۲۹ معروض می‌دارد که در قبال اموالی که مالکیت آن‌ها محل اختلاف است مسؤولیتی ندارد، زیرا حکم شماره ۵۲۹ تعریف «اموال ایران» در بند ۹ را محدود به آن بخشی می‌کند که ایران مالک آن‌ها بوده و حق مالکیت ایران بلامعارض و غیرمشروط است. ایالات متحده منکر استناد به زبان استفاده شده در آمارگیری اموال انسدادی ایران در ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] و ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] است و ادعا می‌کند آمارگیری مذکور شامل اموالی نیز می‌شود که منافع ایران در آن جزئی و مشروط بوده و بنابراین، مشمول تعهدات ذیل بند ۹ نمی‌باشد. بنابراین، ایالات متحده معروض می‌دارد که مالکیت هر قلم از اموال پیامد حق مالکیت است.

*(سه) قانون محل وقوع مال، تعیین‌کننده انتقال حق مالکیت به ایران است*

۸۷- ایالات متحده استدلال می‌کند که دیوان در تعیین این‌که مالکیت مال به ایران انتقال یافته است یا خیر، از آن جا که حقوق بین‌الملل عمومی فاقد قواعدی برای تصمیم‌گیری درباره مالکیت مال است، مطابق روش سایر دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی، باید به تحلیل «احاله» دست یازد، یعنی دیوان باید در تصمیم‌گیری در پرونده‌های حاضر به حقوق داخلی متوسل شود.[۶۸] ایالات متحده ادعا می‌کند که حقوق بین‌الملل فاقد قواعد ماهوی راجع به حقوق اموال است و نمی‌تواند منبعی برای تعیین حق نسبت به اموال باشد، و بنابراین تعیین این‌که آیا حقی نسبت به مال وجود دارد یا خیر، محدودهٔ آن حق، و این‌که چنین حقی به چه کسی تعلق یافته، تابع حقوق داخلی دولت محل وقوع مال است.[۶۹]

---

[۶۸] ایالات متحده استناد می‌کند به

Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belg. v. Spain), Judgment, 1970 I.C.J. 3 (5 Feb.).

[۶۹] ایالات متحده استناد می‌کند به

۸۸- ایالات متحده ادعا می‌کند که قاعدهٔ قانون محل وقوع مال، تعیین‌کننده انتقال حق مالکیت اموال ادعایی در پرونده‌های حاضر است. ایالات متحده تأکید می‌کند که، در حالی که ماده ۳۳ قواعد دیوان حاکی از این است که دیوان قواعد حل تعارضی را که مناسب بداند اعمال خواهد کرد، در چارچوب انتقال مالکیت تقریباً توافقی عام وجود دارد که قانون محل وقوع مال، قاعده حل تعارضِ قابل اعمال می‌باشد. وفق اظهارات ایالات متحده، آثار مالکانه انتقال حق مالکیت به قانون محل وقوع مال بستگی دارد که تعیین خواهد کرد تحویل مال به خریدار برای انتقال مالکیت ضروری است یا مالکیت به صرف توافق انتقال می‌یابد. ایالات متحده در این چارچوب معروض می‌دارد که اگر ایران قراردادهایی را که مبنای این پرونده‌ها است ارائه کرده بود، اعمال شروط آن قراردادها در خصوص انتقال حق مالکیت می‌توانست مورد قبول باشد. با این حال، در نبود این قراردادها، ایالات متحده مدعی است که حقوق داخلی می‌تواند حتی بر اختلافاتی که تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل است نیز اعمال شود، به ویژه در مواردی که ادعایی مشخص در حقوق بین‌الملل مستلزم تعیین حقوق و تعهدات طرفین مطابق حقوق ملی باشد. ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که این موضع با رویه دیوان در موضوع مذکور همسو است.[۷۰]

۸۹- وفق اظهارات ایالات متحده، اعمال قانون محل وقوع مال برای تعیین این‌که حق مالکیت مال انتقال یافته است یا خیر با عنایت به «یک‌پارچگی غیرمعمول رویه دولت‌ها در اعمال قاعده قانون محل وقوع مال [و] شمار صاحب‌نظرانی که از آن به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی» دیرزمانی است که جا افتاده است.

---

Zachary Douglas, *The Hybrid Foundations of Investment Treaty Arbitration*, 74 Brit. Y.B. Int'l L. 151, 197-98 (2003) and Hege Elizabeth Kjos, Applicable Law in Investor-State Arbitration: The Interplay Between National and International Law 157-158 (2013).

[۷۰] ایالات متحده به پرونده‌های آتی استناد می‌کند: *جرج ئی. دیویدسون (همایونجاه) و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۴۵۷- ۵۸۵، بندهای ۶۹ و ۷۱ (۱۴ اسفند ۱۳۷۶ [پنجم مارس ۱۹۹۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۴، ص‌ص ۳، ۲۳-۲۲؛ و *فردریکا لینکلن ریاحی و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۴۸۵-۶۰۰، بندهای ۱۶۵-۱۷۲ (هشتم اسفند ۱۳۸۱ [۲۷ فوریه ۲۰۰۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۷، ص‌ص ۱۱، ۵۷-۵۹.

*(چهارم) بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل به عنوان قاعده مرتبط برای انتقال حق مالکیت*

۹۰- در نظر ایالات متحده، دیوان باید برای تصمیم‌گیری در خصوص این‌که آیا حق مالکیت بر فقرهٔ مشخصی از اموال به ایران انتقال یافته است یا خیر، به عنوان پیامد ناگزیر معیار اعمال قانون محل وقوع مال، بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل را به عنوان قاعده مرتبط اعمال کند.

۹۱- ایالات متحده در تأیید موضع خود مبنی بر این‌که بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل بر پرونده‌های حاضر قابل‌اعمال است ملاحظه می‌کند که ادعاهای ایران بابت بخش‌هایی از اموال مورد بحث مبتنی بر قراردادهایی است که با شهروندان خصوصی و شرکت‌های ایالات متحده منعقد کرده بوده که این قراردادها تابع حقوق داخلی و نه حقوق بین‌الملل می‌باشند. ایالات متحده ادعا می‌کند از آن‌جا که اختلافات مربوط به این قراردادها نه می‌تواند مستقیماً در دیوان و نه به نحو غیرمستقیم علیه ایالات متحده مطرح شوند، رسیدگی‌های حاضر به ایران این حق را نمی‌دهد که اختلافات خود با پیمان‌کاران خصوصی ایالات متحده را مطابق حقوق بین‌الملل حل و فصل کند.

*(پنجم) مرجع صالح*

۹۲- ایالات متحده معروض می‌دارد که در مواردی که مالکیت بر فقره‌ای از اموال ادعایی محل اختلاف است، ایران باید ادعای مربوط به حق مالکیت یا اجرای قرارداد را در ایالات متحده یا دادگاه‌های داخلی صالح پیگیری کند. ایالات متحده به طور مشخص‌تر به پیش‌نهاد ایران مبنی بر این‌که دیوان اختلاف در مورد حق مالکیت در سیاق پرونده‌های حاضر را حل و فصل کند به سه دلیل معترض است. نخست، وفق اظهارات ایالات متحده، چنین پیش‌نهادی عملی نیست و مبنایی در تاریخچه مذاکرات بیانیه‌های الجزایر در حمایت از آن وجود ندارد. دوم، وفق اظهارات ایالات متحده، ایران متعهد بوده با طرح دعوا در ایالات متحده حق مالکیت خود نسبت به

اموال متنازع‌فیه را احراز کند. سوم، ایالات متحده بر نگرانی‌های خود در خصوص طی مراحل و تشریفات قانونی در صورتی که دیوان اختلاف در مالکیت را در غیاب متصرفین خصوصی به عنوان طرف‌های چنین رسیدگی‌هایی حل و فصل کند تأکید می‌ورزد و ملاحظه می‌کند که آن اشخاص به لحاظ محدودیت‌های صلاحیتی دیوان نمی‌توانند طرف دعوا قرار گیرند.

*(ت) تصمیم دیوان*

*(یک) مسائل مطروح در پیش‌گاه دیوان*

**۹۳-** دیوان بررسی خود را با در نظر داشتن این نکته آغاز می‌کند که بند ۹ محدود است به «تمام اموال ایران [...] که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد».[۷۱] بدین‌قرار، سه ملاک وجود دارد که هر قلم از اموال برای قرار گرفتن در چارچوب بند ۹ باید واجد آن‌ها باشد: نخست، «کلیه» فقرات مال باید «اموال ایران» باشد؛ دوم، فقرات مذکور باید در ایالات متحده و در خارج موجود باشد؛ و سوم، فقرات مذکور نباید مشمول بندهای قبلی بیانیه عمومی باشد.

**۹۴-** دیوان خاطرنشان می‌کند که طرفین در خصوص ملاک دوم توافق کامل دارند، و نیز هر دو طرف در معنای این ملاک هم‌عقیده هستند که اقلام ادعایی از اموال در این پرونده‌ها باید در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار می‌داشته‌اند. با این حال، در بسیاری از موارد، طرفین در این خصوص اختلاف دارند که آیا اموال مورد ادعا در واقع در آن تاریخ در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند یا خیر.

**۹۵-** دیوان در مورد ملاک سوم عنایت دارد که به استثنای استدلال جایگزین مطرح‌شده توسط ایران در ارتباط با بند ۸، هیچ‌یک از طرفین، استدلالی مبنی بر این امر به عمل نیاورده‌اند که اقلام مورد ادعا در این پرونده‌ها

---

[۷۱] بند ۹، در پایان.

در چارچوب بندهای پیش از بند ۹ قرار می‌گیرد. دیوان ذیلاً به استدلال جایگزین ایران در رابطه با بند ۸ خواهد پرداخت.[۷۲]

۹۶- بنابراین تلقی دیوان، صرف‌نظر از ملاحظه مربوط به استدلال جایگزین ایران در مورد بند ۸ که ذیلاً می‌آید، این است که برای قرارگرفتن اقلامی از اموال در چارچوب بند ۹ از دیوان درخواست نشده تا به بررسی بیشتر ملاک‌های دوم و سوم بپردازد. بنابراین دیوان به بررسی ملاک نخست، یعنی این‌که آیا قلم مورد ادعا در محدودهٔ عبارت «کلیه اموال ایران» وفق اهداف بند ۹ قرار می‌گیرد یا خیر، می‌پردازد.

*(دو) دیوان اصطلاح «کلیه اموال ایران» را در حکم شماره ۵۲۹ به عنوان اموال «عینی» که «انحصاراً در مالکیت ایران» است تفسیر کرده است*

۹۷- دیوان یادآور می‌شود که تعهد ایالات متحده در بند ۹ محدود به فراهم آوردن ترتیبات انتقال «کلیه اموال ایران» مستقر در قلمرو قضائی ایالات متحده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «ایران حق تصرف اموال متعلق به دیگران یا اموالی را که ایران به طور مشروط یا بعضاً مالک آن بوده است، ندارد».[۷۳] بدین‌قرار پیرو تصمیم دیوان در حکم شماره ۵۲۹ برای این‌که فقره‌ای از اموال وفق بند ۹ در چارچوب معنی «اموال ایران» بگنجد، ایران باید انحصاراً در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک آن‌ها بوده باشد. دیوان در تصمیم خود در حکم شماره ۶۰۱ به یافته‌های خود در حکم شماره ۵۲۹ استناد کرد و اظهار داشت که پیرو شرط قانون آمریکا،

> تنها عاملی که برای تحقق تعهد انتقال لازم بود این بود که اموال «ایرانی» باشد، به این مفهوم که منحصراً متعلق به ایران بوده باشد. مادام که این وضعیت صادق بوده، علی‌الاصول بی‌ارتباط بود که آیا بهای اموال

---

[۷۲] بنگرید به بخش چهار-ب-۱-ب-۴ زیر.

[۷۳] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۷.

(کاملاً) پرداخت شده یا نشده بود، یا این که ایران احتمالاً قراردادهای خود با شرکت‌های خصوصی ایالات متحده را نقض کرده بوده است یا خیر.[۷۴] (تأکید افزوده شده است.)

**۹۸ -** بنابراین، تفسیر دیوان از «کلیه اموال ایران» مندرج در بند ۹ شامل اموالی است که «منحصراً متعلق به ایران بوده[اند]». بنابراین مالکیت انحصاری ایران نسبت به اموال مورد ادعا معیاری است برای تعیین این‌که آیا فقره‌ای از اموال مشمول بند ۹ قرار می‌گیرد یا خیر. این معنا در بند ۴۰ حکم جزئی شماره ۵۲۹ آمده، جایی که دیوان مقرر داشته است:

> از اشاره‌ای که در بند ۹ بیانیه عمومی به اموال «ایران» شده، روشن است که تعهد ایالات متحده نسبت به اموال عینی، محدود به اموالی بوده که، به شرح مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱، متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران یا «مؤسسات، تشکیلات یا واحدهای تحت کنترل» آن بوده است.[۷۵] (تأکید افزوده شده است.)

**۹۹ -** افزون بر این، دیوان چارچوب «اموال ایران» مندرج در بند ۹ را در حکم شماره ۵۲۹ انحصاراً به «اموال عینی»[۷۶] که مالکیت انحصاری آن امکان‌پذیر باشد محدود کرد. این دسته از «اموال» محدودتر از صِرفِ داشتن منافع در اموال است زیرا منافع در اموال نه عینی به حساب می‌آید (و در محدودهٔ بند ۹ نیاز به انتقال نداشته)، و نه کسی که در صدد اعمال حق بر آن‌ها است مالک انحصاری آن‌ها تلقی می‌شود.

**۱۰۰ -** تلقی دیوان این است که عبارت «اموال ایران» را در حکم شماره ۵۲۹ تعریف کرده است و از دیوان درخواست نشده است که در تصمیم خود در این مورد تجدیدنظر کند. با این حال، در پرتو استدلالات موسع و

---

[۷۴] حکم شماره ۶۰۱، بند ۱۵۲، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ص ۲۵۶-۲۵۷.

[۷۵] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۵-۱۲۶.

[۷۶] اشاره به «اموال عینی» به عنوان محدودهٔ اموال مندرج در بند ۹ در سرتاسر حکم شماره ۵۲۹، و به ویژه در بندهای ۶۹ و ۷۷ (الف)(بخش اجرایی حکم)، یافت می‌شود - گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۳۸ و ۱۴۰. چنین اشاره‌ای همچنین در حکم شماره ۶۰۱، بند ۱۴۱، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۲۵۲، یافت می‌شود. *همچنین بنگرید به* پانوشت ۸۲، زیر.

در مواردی جدید در خصوص درک مشترک طرفین از اصطلاح «اموال ایران» که طرفین و به ویژه ایران، ارائه کرده‌اند، دیوان طرح فشرده مطالب ارائه‌شده توسط طرفین را خالی از فایده نمی‌بیند.

۱۰۱ - به نحوی که در بالا تشریح شد، چکیدهٔ استدلال ایران این است که به اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹، به نظر ایران، هم‌سو با اصول حقوق بین‌الملل، باید معنای وسیعی داده شود چرا که درک مشترک طرفین از این عبارت چنین بود. ایران معروض می‌دارد که این درک مشترک طرفین را می‌توان در زبان استفاده‌شده توسط ایالات متحده در بخش‌های ۲۱۵-۵۳۵ و ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری وضع‌شده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] که برای اجرایی‌کردن دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱، و نیز در بیانی که در فرم‌های مورد استفاده برای سرشماری اموال ایران در سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] به کار رفته و همچنین در کارهای مقدماتی (*travaux préparatoires*)، یادداشت‌های دیپلماتیک، و مدارک ثبت‌شده در طول رسیدگی‌های پرونده‌های حاضر ملاحظه کرد.

۱۰۲ - دیوان به نحوی سازگار مقرر داشته است که بیانیه‌های الجزایر باید وفق کنوانسیون وین تفسیر شود.[۷۷] قاعده کلی تفسیر تنظیم‌شده در ماده ۳۱ کنوانسیون وین مقرر می‌دارد:

---

[۷۷] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، تصمیم شماره ۳۲ شعبه دیوان عمومی پرونده الف-۱۸ (۱۷ فروردین ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۵، ص ص ۲۵۱، ۲۵۹؛ *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول:ز) دیوان عمومی، بند ۱۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۵ [۲۰ اوت ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۴۰، ۴۶؛ *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، تصمیم شماره دی. ائی. سی.-۶۲-الف ۲۱-دیوان عمومی، بند ۸ (۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۶ [چهارم مه ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص ص ۳۲۴، ۳۲۸؛ *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-ب۱-۳۸۲، بند ۴۷ (نهم شهریور ۱۳۶۷ [۳۱ اوت ۱۹۸۸]) منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۹، ص ص ۲۷۳، ۲۸۷؛ *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-الف۲۴/الف۱۵ (IV) -۵۹۰، بند ۷۳ (هفتم دی ۱۳۷۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۴، ص ص ۱۰۵، ۱۲۹؛ *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-الف۱۱-۵۹۷، بند ۱۸۱ (۱۹ فروردین ۱۳۷۹ [هفتم آوریل ۲۰۰۰])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۶، ص ص ۸۴، ۱۲۸-۱۲۹؛ و *ایالات*

ماده ۳۱

قاعده کلی تفسیر

۱. معاهده باید با حسن نیت و منطبق با معنای متداول آن که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر شود.

۲. به منظور تفسیر معاهده، سیاق عبارت، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضمائم نیز می‌شود، مشتمل است بر:

الف. هر گونه توافق مربوط به معاهده که بین کلیه طرف‌های معاهده در ارتباط با انعقاد معاهده حاصل شده است؛

ب. هر سندی که توسط یک یا چند طرف در ارتباط با انعقاد معاهده تنظیم شده و توسط طرف‌های دیگر به عنوان سندی مربوط به معاهده پذیرفته شده است.

۳. همراه با سیاق عبارت، به موارد زیر نیز باید توجه شود:

الف. هر گونه توافق بعدی بین طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر معاهده یا اعمال مقررات آن؛

ب. هر رویه بعدی در اعمال معاهده که مؤید توافق طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر آن باشد؛

پ. هر قاعده مرتبط حقوق بین‌الملل قابل اعمال در روابط بین طرف‌ها.

۴. در صورتی که ثابت شود قصد طرف‌های معاهده معنای خاصی از یک اصطلاح بوده است، همان معنی به اصطلاح مزبور داده خواهد شد.[۷۸]

**۱۰۳ -** در «جست‌وجو از قصد واقعی طرفین متعاهدین هنگام به کارگیری شیوهٔ بیان مورد استفاده آن‌ها»[۷۹] با اعمال ماده ۳۱ کنوانسیون وین، نقطهٔ آغاز، متن معاهده است. در حالی که تفسیر باید بیش از همه مبتنی بر متن

---

*متحده آمریکا* و *جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره هیئت عمومی دیوان–الف ۲۸–۱۳۰ دی ای سی، بند ۵۳ (۲۹ آذر ۱۳۷۹ [۱۹ دسامبر ۲۰۰۰])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۶، ص ص ۵، ۲۱. (*بنگرید به* بند ۵۰، بالا.)

[۷۸] کنوانسیون وین، ماده ۳۱.

[79] LORD MCNAIR, THE LAW OF TREATIES 366 (1961).

معاهده باشد،[80] «پیش از آن که بتوان راجع به روشن‌بودن یک متن استنتاجی به عمل آورد، باید اصطلاحات به کار رفته در آن را در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر نمود».[81] به نحوی که ذیلاً بحث خواهد شد، بررسی «رویه بعدی» طرفین «در اعمال معاهده» وفق بند ب-۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین عامل مهمی برای این تفسیر است.

**۱۰۴ -** دیوان حکم می‌کند که متن بند ۹ روشن و بی‌ابهام است. استناد بند ۹ به «اموال ایران» با توجه به معنای متداول و طبیعی این عبارت، همان‌گونه که دیوان در حکم شماره ۵۲۹ به دفعات تکرار کرده است، به این نتیجه منجر می‌شود که تعهد ایالات متحده مربوط به اموال عینی است که ایران یا سازمان‌های ایرانی مالک آن بوده‌اند.[82]

**۱۰۵ -** دیوان در تأیید این نتیجه همچنین رویه طرفین را گواه درک مشترک آن‌ها از اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ محسوب می‌کند. در این رابطه، دیوان ملاحظه می‌کند که دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱[83] که توسط رئیس جمهور ایالات متحده برای اجرای تعهدات ایالات متحده ذیل بند ۹ صادر شد، طبق عبارات خود، فقط شامل

---

[80] دیوان در *ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره دی.ای.سی. ۳۷ الف-۱۷، بند سه-۹ (۲۸ خرداد ۱۳۶۴ [۱۸ ژوئن ۱۹۸۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۸، ص ص ۱۸۹، ۲۰۰-۲۰۱، ضمن بحث درباره ماده ۳۱ کنوانسیون وین، ملاحظه کرد که «'هدف و منظور' مبنائی برای تفسیر به دست نمی‌دهد، بلکه عواملی هستند که در تعیین 'معنایی که باید برای کلمات و اصطلاحات یک معاهده قایل شد بایستی مد نظر قرار گیرد.'» دیوان در ادامه ملاحظه کرد:

> در تجزیه و تحلیل متن، باید برای خود کلمات و اصطلاحات اهمیت اساسی قایل شد و در موردی نظیر مورد حاضر که بیانیه‌ها [ی الجزایر] نتیجه مذاکرات مستقیم بین دولتهای ایران و ایالات متحده نبوده، بلکه محصول مذاکرات غیرمستقیم از طریق یک دولت ثالث است، این امر بیشتر مصداق می‌یابد.

[81] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره هیئت عمومی دیوان-ب۱-۸۳ ا تی ال، بند ۸۴ (۱۹ شهریور ۱۳۸۳ [نهم سپتامبر ۲۰۰۴])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ص ۷۷، ۱۰۹. همچنین بنگرید به
RICHARD K. GARDINER, TREATY INTERPRETATION 161-62 (2008).

[82] اشاره به «اموال عینی» به عنوان گستره اموال مشمول بند ۹ در بندهای ۲، ۵، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۳۶، ۴۰، ۶۹، و ۷۷ (الف) (بخش اجرایی حکم) حکم شماره ۵۲۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۴۰ یافت می‌شود. اشارهٔ مزبور همچنین در بند ۱۴۱، متن همراه پانوشت ۱۱۹ حکم شماره ۶۰۱، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۲۵۲ (منتشره به عنوان پانوشت ۱۲۴) یافت می‌شود.

[83] *بنگرید به* بند ۱۱، بالا.

«اموال ... *متعلق به* ایران یا مؤسسات، سازمان‌ها یا نهادهای تحت کنترل آن» می‌شد.[۸۴] دیوان در حکم شماره ۵۲۹ ملاحظه کرد که هر دو طرف، دستور اجرایی مزبور را مطابق با بیانیه‌های الجزایر می‌دانستند.[۸۵] بر این اساس، دیوان مقرر داشت که به منظور تفسیر معاهده مطابق بند (۳) (ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین، دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ بخشی از رویه آن معاهده را تشکیل می‌دهد.[۸۶] رویه بعدی طرف‌های معاهده «می‌تواند عامل ذی‌ربطی در روشن‌کردن مقاصد اولیه طرفین باشد و دلیل متقنی بر تفاهم طرفین در خصوص مفهوم مفاد عهدنامه است».[۸۷] در واقع، رویه بعدی طرف‌ها «برای تفسیر آن بی‌نهایت مهم است.[۸۸] در این سیاق، کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح خود دربارهٔ متنی که متعاقباً بند (۳)(ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین شد ملاحظه کرد:

---

[۸۴] دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱، بند ۱۰۱-۱ (تأکید افزوده شده است). *بنگرید به* بند ۱۱، بالا.

[۸۵] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۸، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۹. *بنگرید به* بند ۲۹، بالا. ایران در پاسخ مورخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] خود به دفاعیه ایالات متحده تأیید کرد که دستورهای اجرائی صادره توسط رئیس جمهور ایالات متحده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «دلیل قانع کننده‌ای در مورد قصد واقعی ایالات متحده و ایران به دست می‌دهد.» ایران در مورد بند ۱۰۱-۱ دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱، به ویژه، مبنی بر انتقال «اموال متعلق به ایران» ملاحظه کرد که مقرره مزبور «انتقال *اموال متعلق به ایران* که در تصرف اشخاص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده را ... الزام» می‌کند (تأکید افزوده شده است).

[۸۶] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۸، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۹. *بنگرید به* بند ۲۹، بالا. بحثی نیست که طی مذاکرات بیانیه‌های الجزایر، هیئت نمایندگی ایالات متحده از راه میانجی‌های دولت الجزایر، پیش‌نویس دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ را به هیئت نمایندگی ایران تسلیم کرد، که نمایندگی ایران اعتراضی به آن مطرح نکرد. بر این اساس استدلال شده است که دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به مثابه «سندی که توسط یک یا چند طرف در ارتباط با انعقاد معاهده تنظیم شده و توسط طرف‌های دیگر به عنوان سندی مربوط به معاهده پذیرفته شده است» وفق بند ۲ (ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین می‌باشد؛ و به این ترتیب بخشی از سیاق عبارت بند ۹ را برای تفسیر آن تشکیل می‌دهد. دیوان پیش از این نظر داده است که دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به نحو مقرر در بند ۳ (ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین بخشی از رویه معاهده به منظور تفسیر را تشکیل می‌دهد. لذا، در این اوضاع و احوال ضروری نیست که دیوان، برای تفسیر بند ۹، در خصوص این‌که آیا دستور مزبور در حیطه بند ۲ (ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین باشد یا خیر تصمیم‌گیری کند.

[۸۷] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره هیئت عمومی دیوان-ب۱-۱۸۳ تی ال، بند ۱۱۲ (۱۹ شهریور ۱۳۸۳ [نهم سپتامبر ۲۰۰۴])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ص ۷۷، ۱۱۷-۱۱۸ (پانوشت حذف شده است).

[88] Oliver Dörr, *Article 31 of the Vienna Convention (Commentary), in* VIENNA CONVENTION ON THE LAW OF TREATIES – A COMMENTARY 554 (Oliver Dörr & Kirsten Schmalenbach eds., 2012).

اهمیت چنین رویه بعدی نسبت به اعمال معاهده، به عنوان عامل تفسیری، بدیهی است؛ زیرا که شواهد عینی بر تفاهم طرف‌ها نسبت به معنی معاهده را تشکیل می‌دهد. مراجعه به آن به عنوان ابزار تفسیری در رویه قضائی دیوان‌های بین‌المللی به خوبی تثبیت شده است.[۸۹]

۱۰۶ - سپس، دیوان به استدلال ایران مبنی بر شیوه بیان بخش‌های ۲۱۵-۵۳۵ و ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری در اجرای دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ می‌پردازد. همان‌طور که ملاحظه شد،[۹۰] وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در اجرای دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ در تاریخ هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] مقرراتی وضع کرد که به موجب آن، مقررات انسداد مصوب ۱۳۵۸ [۱۹۷۹][۹۱] فسخ و دستورالعمل انتقال اموال ایران را به طور مشخص‌تری تعیین نمود. بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقررات هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] با عنوان «دستورالعمل در خصوص سایر اموال در تصرف هر شخص مشمول قلمرو قضائی ایالات متحده که ایران یا نهادی ایرانی نسبت به آن‌های ذی‌نفع است» دستورالعمل انتقال مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ را تکرار کرده و آن دستور را به اموال موصوف در بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] تسری داده است. اموال مشمول دستور انتقال در بخش فرعی (الف) از بخش اخیر چنین تعریف شده است: «کلیه تعهدات و منافع مالی بلامعارض و بلاشرط دولت ایران و سازمان‌ها و مؤسسات تابعه و نهادهای تحت‌کنترل، شامل دیون آن دولت». بخش فرعی (ج) اشعار

---

[89] *Draft Articles on the Law of Treaties*, cmt to art. 27 (3)(b) in *Report of the International Law Commission on the work of its eighteenth session,* U.N. Doc. A/6309/Rev. 1 (1966), *reprinted in* [1966] 2 Y.B. INT'L L. COMM. 169, at 221-22, U.N. Doc. A/CN.4/SER.A/1966/Add.1,

نقل شده در *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شمارهٔ هیئت عمومی دیوان-ب۱-۸۳ ا تی ال، بند ۱۰۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۱۱۶. همچنین *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران*، قرار اعدادی شماره هیئت عمومی دیوان-ب۱-۸۳ ا تی ال، بندهای ۱۱۱-۱۱۲، گزارش آراء دیوان داوری ج ۳۸، ص‌ص ۱۱۷-۱۱۸ (با ذکر پرونده‌ها و مراجع)؛

Kasikili/Sedudu Island (Bots. v. Namib.), Judgment, paras. 49-50, 1999 I.C.J. 1045, 1075-76 (13 Dec.)

(با ذکر پرونده‌ها).

[۹۰] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا. همچنین *بنگرید به* بندهای ۴۴-۴۵ حکم شماره ۵۲۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۷-۱۲۸.

[۹۱] *بنگرید به* بند ۹، بالا.

می‌داشت که «تعهدات و منافع مالی در صورتی مورد نزاع محسوب خواهند شد که متصرف آن‌ها به نحوی معقول معتقد باشد که دادگاه وی را تحت قانون حاکم ملزم نخواهد کرد دارایی مذکور را به استناد دفاع، ادعای متقابل، تهاتر یا دلیل مشابه انتقال دهد». طبق بخش فرعی (ب)، اموال، «مادام که کلیه تعهدات، هزینه‌ها و عوارض لازم مربوط به آن‌ها ایفاء نشده و از آن‌ها رفع حبس به عمل نیامده باشد (سوای قرارهای توقیف، منع و نظایر آن) اموال ایران یا متعلق به ایران محسوب نخواهند شد».

۱۰۷ - دیوان سیاق پیچیده‌ای را که در آن، بیانیه‌های الجزایر مذاکره و منعقد گردید یادآور می‌شود و حکم می‌کند که مقررات خزانه‌داری هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] برای اجرای دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ نمی‌تواند به تفسیر اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ کمک معناداری کند. به نظر دیوان، برای این‌که مقررات مزبور در تفسیر بند ۹ مؤثر باشد، این مقررات یا باید موجد توافق بعدی طرفین در مورد تفسیر بیانیه‌های الجزایر باشد یا موجد رویه بعدی در اعمال بیانیه‌های مزبور باشد که وفق اهداف ماده ۳۱ کنوانسیون وین توافق طرفین در خصوص اعمال آن‌ها را تثبیت کند.[۹۲]

۱۰۸ - مقررات هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] خزانه‌داری، با توجه به اعتراض ایران به شیوه بیان ذی‌ربط و اعمال این اسناد، موجد هیچ‌یک از این موارد نیست: ایران از اولین فرصتی که در اختیار داشت بهره گرفت تا در مقابل دیوان به همین اَسناد اعتراض کند، این راهی بود که ایران برای تفسیر و اعمال بیانیه‌های الجزایر پیمود.

۱۰۹ - ایران در سوم آبان ۱۳۶۱ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۲] در دادخواست خود در پرونده الف-۱۵ از جمله ادعا کرد که ایالات متحده با «*عدم انتقال عمدی و ارادی اموال دولت ایران ... که از طریق دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ و*

[۹۲] ماده (۳)۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات. *بنگرید به* بند ۱۰۲، بالا.

*مقررات خزانه‌داری بخش‌های ۳۳۳-۵۳۵ و ۵۴۰-۵۳۵ اعمال شده»* تعهدات بین‌المللی خود در بیانیه‌های الجزایر، و به طور مشخص‌تر، بند ۹ بیانیه عمومی را نقض کرده است. (تأکید افزوده شده است.)

نظر ایران با استناد مشخص به بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری این بود که:

> دولت ایالات متحده با صدور دستورهای اجرائی و وضع مقررات خاص مانع بازگرداندن اموال فیزیکی دولت ایران شده است به نحوی که انتقال آن‌ها منوط به پرداخت هزینه‌های انبارداری و مالیاتها (با حق حبس و تصرف کالا) گردیده است. ... قصور و امتناع دولت ایالات متحده از چنین اقدامی، *نقض تعمدی و ارادی بند ۹* بیانیه کلی مبنی بر الزام دولت ایالات متحده جهت ترتیب انتقال فوری اموال فیزیکی دولت ایران *محسوب می‌گردد*. (تأکید افزوده شده است.)

۱۱۰ - بر این قرار، ایران در دادخواست خود از دیوان درخواست کرد به ایالات متحده دستور دهد بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات و دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ را در محدوده‌ای که اموال ایران را تعریف می‌کند لغو کند، و اصلاح اموال در ارتباط با بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقررات را به «اموالی که دولت ایران در آن به نحوی ذینفع است»[۹۳] بازتعریف کند. باید متذکر شد که ایالات متحده در دفاعیه مورخ اول فروردین ۱۳۶۲ [۲۱ مارس ۱۹۸۳] خود، با تعریف پیش‌نهادی ایران از «اموال ایران» مخالفت کرد و استدلال نمود که تعهد ایالات متحده وفق بند ۹ «تنها شامل 'اموال ایرانیست' و نه شامل اموالی که ایران در آن‌ها دارای منافع و علایق است».[۹۴] اعتراض ایران منجر به این تصمیم

---

[۹۳] *بنگرید به* بند ۲۶، بالا.

[۹۴] ایالات متحده در دفاعیه خود همچنین اظهار داشت:

> با اینکه آئین‌نامه‌های نوامبر ۱۹۷۹ بطور مشخص کلیه اموال و منافع در اموال را بلوکه کرده پاراگراف ۹ تنها به «اموال ایرانی» اشاره میکند و به تلویح منافع در اموال را از تعهد انتقال خارج میسازد.
>
> اصطلاح «اموال ایرانی» در پاراگراف ۹ بالنتیجه در مورد احوال ملموس که در آنها ایران تنها یک «منفعت» دارد ... قابل اجرا نمی‌باشد.

همچنین *بنگرید به* بند ۱۳۲، زیر.

دیوان در حکم شماره ۵۲۹ شد که تعریف «اموال ایران» طبق بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری، غیرقانونی است.[۹۵]

۱۱۱ - به عنوان امری مقدماتی، حتی با این فرض که ایران در مرحله اولیه رسیدگی‌های حاضر به الفاظ مندرج در بند فرعی (الف) بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری که به «منافع مالی ... دولت ایران و سازمان‌ها و مؤسسات تابعه و نهادهای تحت کنترل، منجمله دیون آن دولت» اشاره می‌دارد اعتراضی نکرده باشد، صرف نبود اعتراض، موجبات «توافق بعدی بین طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر» اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹، در اجرای ماده ۳۱ (۳)(الف) کنوانسیون وین را فراهم نمی‌سازد. در حالی‌که لازم نیست «توافق بعدی» در قالب معاهده باشد، این امر «باید به نحوی باشد که نشان دهد که منظور طرف‌ها این بوده که تفاهم‌شان مبنای تفسیر مورد توافق باشد».[۹۶] با این حال، دیوان حاضر نیست صرف عدم اعتراض ایران به عبارت منقول از بخش ۳۳۳-۵۳۵، بخش فرعی (الف) را به عنوان بروز «قصد روشن» طرفین[۹۷] در خصوص چگونگی درک عبارت «اموال ایران» یا موجد «توافق محکم»[۹۸] طرفین در خصوص معنای آن عبارت تفسیر نماید. بدین قرار، رویه طرفین در اوضاع و احوال موجود، موجبات اعمال ماده ۳۱ (۳)(الف) کنوانسیون وین را فراهم نمی‌کند.[۹۹]

۱۱۲ - ملاحظات مشابهی در مورد این سؤال قابل‌اعمال است که آیا مقررات خزانه‌داری تصویب‌شده توسط ایالات متحده برای اجرای دستور اجرایی ۱۲۲۸۱ موجد «رویه بعدی در اعمال معاهده که مؤید توافق طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر آن باشد» هست یا خیر. همان‌طور که سِر ایان سینکلر می‌نویسد «ارزش و اهمیت رویه

---

[۹۵] بند ۷۷ (د) حکم شماره ۵۲۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰. *بنگرید به* بند ۳۲، بالا.

[۹۶] گاردینر، پانوشت ۸۱ بالا، ص ۲۱۸.

[۹۷] همانجا، ص ۲۱۷.

[۹۸] همانجا.

[۹۹] همانجا، ص ص ۲۱۷-۲۱۹.

بعدی طبیعتاً بسته به این است که تا چه اندازه هماهنگ، مشترک، و پابرجا باشد»،[100] رویه، «توالی وقایع یا اعمال است و به طور کلی نمی‌تواند با یک واقعه یا عمل مجزا، یا حتی با چندین مورد اِعمال جداگانه محرز شود»؛[101] رویه باید برای «احراز یک الگوی قابل تشخیص رفتار» کافی باشد.[102] معیار احراز این‌که رویه طرف‌ها «توافقی» در خصوص تفسیر معاهده برقرار کرده، بالاست.[103] دیوان در پرتو رویه طرفین بعد از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، به خصوص اظهارات ایران به دیوان در مرحله اولیه این رسیدگی‌ها به علاوه موضعی که ایالات متحده بی‌درنگ در پاسخ در دفاعیه خود اتخاذ کرد،[104] حکم می‌کند که معیار مزبور در این‌جا برآورده نشده است. بنابراین، دیوان مقرر می‌دارد که مقررات خزانه‌داری نمی‌تواند وفق کنوانسیون وین «رویه بعدی» محسوب شود زیرا موجد توافقی بین طرفین در مورد تفسیر بیانیه‌های الجزایر نیست.

**۱۱۳** - استدلال ایران مبنی بر این‌که زبان استفاده‌شده در آمارگیری اموال ایران توسط ایالات متحده در سال‌های ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] و ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] نشانگر درک مشترک طرفین بوده نیز به نظر دیوان مطابق همان دلایل نادرست است. آمارگیری انجام‌شده در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] توسط ایالات متحده قبل از هر گونه مذاکراتی بوده که به بیانیه‌های الجزایر منتج شد و مطابق کنوانسیون وین، به تفسیر بیانیه‌ها کمکی نمی‌کند. دستورالعمل‌های وزارت خزانه‌داری برای دادن گزارش در آمارگیری سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] که ظاهراً توسط ایالات متحده انجام شد تا محدودهٔ اموالی که تعهدات آن دولت نسبت به آن‌ها جاری بود مشخص شود حاوی عبارات زیر بود:

---

[100] SIR IAN SINCLAIR, THE VIENNA CONVENTION ON THE LAW OF TREATIES 137 (2nd ed., 1984)

[101] همانجا.

[102] دور، پانوشت ۸۸ بالا، ص ۵۵۶.

[103] *بنگرید به*

Kasikili/Sedudu Island (Bots. v. Namib.), Judgment, paras. 50-63, 1999 I.C.J. 1045, 1076-87 (13 Dec.).

[104] *بنگرید به* بند ۱۱۰، بالا.

اگرچه از گزارشگران درخواست می‌شود راجع به اموال عینی که ایران در آن دوره زمانی مشخص‌شده هر منافعی داشت یا ادعای داشتن منافعی می‌کرد را گزارش کنند، امّا به نظر وزارت خزانه‌داری، *وجود منافع ایران در اموال، الزاماً اموال مزبور را مال ایران* وفق این مقررات نمی‌کند. به عبارت دیگر، منافع ایران در اموال که برای احراز قابلیت اجرای مقرره انسداد (بخش ۲۰۱-۵۳۵ مقررات) طی دوره تحریم‌های اقتصادی علیه ایران کافی باشد، *در هر مورد معادل مالکیت قانونی یا واقعی نیست که کافی باشد که آن را مشمول دستور انتقال مربوط (بخش ۲۱۵-۵۳۵) در اجرای مقررات بیانیه‌های الجزایر* کند. بر همان قرار، وزارت خزانه‌داری اظهارات مندرج در فرم ۶۲۵-TFR را به خودی خود تعیین‌کنندهٔ حقوق مالکانه مربوط به اموال مورد گزارش محسوب نمی‌کند. اظهارات مندرج در فرم ۶۲۵- TFR موجب تضییع حق گزارشگر نسبت به اقامه دعوا یا طرح اعتراض در مورد منافع در اموال گزارش‌شده، یا طرح دعوا نسبت به چنین اموالی در مرجع رسیدگی مناسب نمی‌باشد.[۱۰۵] (تأکید افزوده شده است.)

دیوان مبتنی بر خوانش سادهٔ اظهارات ایالات متحده در دستورالعمل‌های آمارگیری سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] استفاده کرده است، مبنایی برای این نتیجه‌گیری نمی‌یابد که ایالات متحده خوانش موسعی از «اموال ایران» داشته است.

**۱۱۴-** سرانجام، دیوان در ارتباط با کارهای مقدماتی، یادداشت‌های دیپلماتیک، و مدارکی که در طی رسیدگی‌های حاضر به ثبت رسیده است، باز هم خود را از قبول ادعای ایران مبنی بر این‌که این مدارک حاکی از درک مشترک طرفین در خصوص تعریف موسع «اموال ایران» است ناتوان می‌یابد. ایران به مصوبه مجلس به عنوان کارهای مقدماتی بیانیه‌های الجزایر استناد می‌کند و بنابراین آن را مطابق ماده ۳۲ کنوانسیون وین، از جمله، ابزارهای تکمیلی تفسیر به حساب می‌آورد.[۱۰۶] با این حال، دیوان نمی‌تواند نادیده بگیرد که مصوبه مذکور،

---

[۱۰۵] *بنگرید به* بند ۱۶، بالا.

[۱۰۶] ماده ۳۲ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات مقرر می‌دارد:

می‌توان به منظور تأیید معنای متخذ از اجرای ماده ۳۱، یا تعیین معنا به ابزارهای تکمیلی تفسیر، از جمله کارهای مقدماتی معاهده و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده متوسل شد، در صورتی که تفسیر طبق ماده ۳۱:

الف- معنای مبهم یا بی‌مفهومی القا کند؛ یا

ب- منجر به نتیجه‌ای شود که آشکارا بی‌مفهوم یا نامعقول باشد.

اعلامیه‌ای یک‌جانبه بوده که یکی از طرفین آن را صادر کرده، بی آن‌که طرف مقابل با آن موافقت داشته باشد، چرا که عبارات آن مصوبه در بیانیه‌های الجزایر انعکاس نیافته است.

۱۱۵ - مضافاً، یادداشت‌های دیپلماتیک مورد استناد ایران تنها به تمایل ایالات متحده برای حفظ ارزش اقلام اموالی که متعلق به ایران بود اشاره دارد.[۱۰۷] به طور خاص، هیچ ادله‌ای دال بر این امر تسلیم نشده است که فهرست نمونه‌هایی از «تدارکات و تجهیزات نظامی متعلق به ایران» که ایالات متحده به یادداشت دیپلماتیک اول مهر ۱۳۶۰ [۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱] خود ضمیمه کرده بود، بر چیزی بیش از مکاتبات متصرفینی مبتنی است که به ایالات متحده گفته‌اند که، به نظرشان، اقلام مذکور متعلق به ایران بوده است. این امر مبنای کافی برای نتیجه‌گیری‌های کلی راجع به درک ایالات متحده از معنای مقصود بند ۹ و تعهدات آن دولت ذیل آن مقرره ارائه نمی‌کند.

۱۱۶ - به علاوه، ایران به مدارک تسلیمی ایالات متحده در این پرونده‌ها مانند گزارش‌های تسلیمی ایالات متحده در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده («گزارش‌های ایالات متحده») اشاره می‌کند که در آن‌ها به برخی از اموال به عنوان «GOI-owned» (یا متعلق به دولت ایران) اشاره شده است.[۱۰۸] ایران استدلال کرده است که گزارش‌های ایالات متحده شواهدی دال بر این امر هستند که درک ایالات متحده از «اموال ایران» در بند ۹ در آن زمان شامل اموالی هم می‌شد که مبلغ آن‌ها تماماً توسط ایران پرداخت گردیده بود، ولی به آن کشور تحویل داده نشده بود.

۱۱۷ - وفق اظهارات ایران، این درک ایالات متحده در موضع متخذه آن دولت در لایحه‌اش در جلسه استماع مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] نیز منعکس شده است.[۱۰۹] به نظر ایران، ایالات متحده قبل از صدور حکم

---

[۱۰۷] *بنگرید به* بند ۱۵، بالا.

[۱۰۸] *بنگرید به* بند ۷۱، بالا.

[۱۰۹] ایالات متحده در تذکاریه استماع مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود اظهار داشت:

شماره ۵۲۹، در تعیین این که آیا اموال مربوط، مشمول «اموال ایران» است یا خیر، حق مالکیت ایران بر فقره‌ای از اموال وفق حقوق خصوصی را هرگز ذی‌ربط محسوب نمی‌کرد.

۱۱۸ - با این حال، دیوان ملاحظه می‌کند که قبل از صدور حکم شماره ۵۲۹، ایالات متحده در واقع بر مالکیت ایران بر فقره‌ای از اموال به عنوان ضابطه احراز این که آیا وفق بند ۹ فقره مزبور متعلق به «ایران» می‌باشد یا خیر، استناد کرده است. ایالات متحده در گزارش مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود، در توصیف «اموالی که مشمول بند ۹ نمی‌باشند»، از جمله به «اموالی ... که هنوز *حق مالکیت* آن‌ها به ایران تعلق پیدا نکرده است» و «اموالی ... که *حق مالکیت* آن‌ها متعلق به یک واحد ایرانی بوده که آن واحد تحت کنترل دولت ایران قرار نداشته است» اشاره داشت.[۱۱۰] ایالات متحده در ادامه، اموال ادعایی در پرونده‌های حاضر که به نظر وی «*متعلق به ایران*» نبود را ذیل طبقه «اموال خارج از مالکیت دولت ایران» فهرست کرد. بدین قرار، به عنوان مثال، ایالات متحده در ادعای ز-۱۹ مدعی شد که «چون *حق مالکیت* ایران نسبت به [مال عینی مورد بحث] هیچ‌گاه محرز نشد، ایالات متحده طبق بند ۹ بیانیه عمومی هیچ‌گونه تعهدی برای انتقال آن اموال نداشت».[۱۱۱] ارتباط حق مالکیت ایران بر

---

طبق قراردادی که برای فروش کالا منعقد شده باشد اگر ایران در پرداخت قیمت کالا قصور کند، اموال مزبور طبق بند ۹ بیانیه عمومی مشمول انتقال نخواهد بود زیرا آن اموال به ایران تعلق ندارد.

[۱۱۰] *بنگرید به* گزارش ایالات متحده: جدول تازه اموال عینی مورد ادعای ایران ص ص ۲۲-۲۳ [متن انگلیسی، ص ۲۰] (۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰]) (تأکید افزوده شده است). همچنین *بنگرید به* همانجا، ص ۵۵ [متن انگلیسی ص ۴۸] (که در خصوص تعدادی از ادعاها اظهار می‌دارد «برای اینکه نشان داده شود واحدهای دیگر ذکر شده در حال حاضر دارای سرمایه ایرانی هستند یا در گذشته دارای سرمایه ایرانی بوده‌اند در دعاوی ایران مدارک کافی دیده نمی‌شود».

[۱۱۱] *بنگرید به* تذکاریه ایالات متحده، ص ۶۶، پانوشت ۳۹ (۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰]) (تأکید افزوده شده است). همچنین *بنگرید*، به عنوان مثال، به همانجا، ص ۲۲ (ادعاهای ز-۲۵ و تکمیلی ۶۹-(۲))، ص‌ص ۲۳-۲۴ (ادعای ز-۳۱)، ص ۲۴ (ادعای ز-۱۴۶). همچنین *بنگرید به* گزارش ایالات متحده: جدول تازه اموال عینی مورد ادعای ایران، ص ۲۰ (۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰])، ص ۱۲ (ادعای تکمیلی ۳-(۱) («این ادعا باید پس گرفته شود زیرا ERIM اموالی که ایران مالک آن باشد در اختیار ندارد»)؛ همانجا، «نظرات دولت ایالات متحده – ۱۰ تیر ۱۳۶۹ [اول ژوئیه ۱۹۹۰])، ص ۲ (ادعا ز-۵) («اموال خارج از مالکیت دولت ایران» - مالکیت «به ایران انتقال نیافت»))، ص ۳۵ (ادعای ز-۱۰۷ («اموال خارج از مالکیت دولت ایران» - «ایران مدارکی دال بر مالکیت اموال ارائه نکرده است»))، ص ۴۵ (ادعاهای ز-۱۲۱ و ز-۱۲۴ («اموال خارج از مالکیت دولت ایران» - «مالکیت به ایران انتقال نیافت»)).

اموال عینی با درک ایالات متحده از تعهد خود ذیل بند ۹ در دادخواهی‌های پیشین ایالات متحده نیز منعکس شده است.[۱۱۲]

**۱۱۹** - از سوی دیگر، ایالات متحده علی رغم این که در گزارش‌های خود و همچنین در تذکاریه جلسه استماع مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰]،[۱۱۳] حق مالکیت ایران را به عنوان ضابطه تعیین این که آیا یک فقره از اموال «متعلق به ایران» می‌باشد یا خیر شناسائی کرده است، به نحو کمابیش ناهماهنگی، اموالی که مبالغ آن‌ها توسط ایران تماماً پرداخت شده اما به آن کشور تحویل نداده شده بود را به عنوان «اموال عینی متعلق به دولت ایران» طبقه بندی کرد؛[۱۱۴] عملی که با قانون ایالات متحده حاکم بر انتقال مالکیت اموال عینی مغایرت دارد.[۱۱۵]

---

[۱۱۲] به عنوان مثال، ایالات متحده در دفاعیه مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۲ [سوم مه ۱۹۸۳] خود [متن انگلیسی، اول فروردین ۱۳۶۲ [۲۱ مارس ۱۹۸۳]، در پاسخ به درخواست ایران در دادخواست خود مبنی بر این که دیوان به ایالات متحده دستور بدهد که ترتیب انتقال هرگونه اموالی «که دولت ایران در آن ذینفع است» بدهد، استدلال کرد که:

> معهذا تعهد انتقال بموجب پاراگراف ۹ یک هدف و مقصود محدودتری داشت – هدف این بود که *اموالی که ایران بلامنازع مالک آنها میباشد* بی‌آنکه به حقوق اشخاص دیگر در آن اموال صدمه و لطمه‌ای وارد گردد مثل حقوق گروگیری طبق قانون قابل اجرای امریکا *با ایران انتقال داده شود*. (تأکید افزوده شده است.)

همچنین *بنگرید به* جواب ایالات متحده به پاسخ ایران، ص ص ۱۶–۱۷ (هشتم اسفند ۱۳۶۳ [۲۷ فوریه ۱۹۸۴]) (ایالات متحده ضمن بحث «حقوق مالکانه ذاتی ایران»، «مالکیت» را مساوی «عنوان مالکیت» دانست.)؛ نظرات ایالات متحده، ص ۴ متن انگلیسی (۲۵ مرداد ۱۳۶۴ [۱۶ اوت ۱۹۸۵]) (با این اظهار که طبقه بندی «اموال خارج از مالکیت دولت ایران» شامل «اقلامی است که به نظر ایالات متحده *باید از ادعای دوبالف/دوب حذف شود ... زیرا که دارندهٔ آن ادعا می‌کند که مالکیت به ایران انتقال نیافته است...* .» (تأکید افزوده شده است).

[۱۱۳] *بنگرید به* بند ۱۱۸، بالا.

[۱۱۴] به عنوان مثال *بنگرید به* اموال مورد اختلاف در ادعاهای ز–۱۴ و ز–۱۷. همچنین *بنگرید به* تذکاریه ایالات متحده، ص ۸۳، پانوشت ۵۰ (۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰]) (که استدلال می‌کند که نظر به این که نگهدارنده مال عنوان مالکیت آن را داشت «زیرا ایران تمام پول اقلام مورد بحث را نپرداخت» (و طبق شرایط قرارداد، مالکیت مال فقط در زمان ارسال آن انتقال می‌یافت) مال مورد اختلاف متعلق به ایران نبود).

[۱۱۵] نظام حقوقی ایالات متحده به نحوی که ذیلاً به تفصیل بیشتر بحث خواهد شد، مبتنی بر تحویل است – یعنی به عنوان قاعده‌ای کلی، انتقال مالکیت، مشروط بر تحویل فقره مالی عینی خریداری شده است. بدین قرار، وفق بخش ۴۰۱–۲ قانون تجارت متحدالشکل، «حق مالکیت ... در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت» مگر این که طرف‌های قرارداد فروش «صراحتاً توافق دیگری» کرده باشند. (*بنگرید به* بند ۱۵۵، زیر.) در نتیجه،

۱۲۰ - به علاوه، ایالات متحده در آن گزارش‌ها، عبارت‌های زیادی مبنی بر انکار مسؤولیت درج کرده است. به عنوان مثال، ایالات متحده در گزارش مورخ ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] خود اظهار داشته است:

> غرض از این گزارش ادغام شده بحث کامل درباره مسائل مختلف حقوقی که اساس و پایه دعوی ایران را تشکیل میدهد نیست. علاوه بر این کلیه اطلاعاتی که در این گزارش عرضه شده بر اساس اظهارات و اطلاعاتی است که افراد و شرکتهای امریکائی و مجموعه اسنادی است که آن شرکتها در اختیار امریکا گذاشته‌اند و از مدارک تسلیمی ایران بدست آمده است. امریکا در هیچیک از این معاملات طرف معامله نبوده است[.] جستجوی شرکتها و جمع‌آوری اطلاعات از آنها درباره این ادعا خاصه این‌که مدت زمان درازی از زمان معاملات مربوطه گذشته است کار بسیار عظیم و دشوار بوده است. بجهات مذکور امریکا این حق را برای خود محفوظ نگاه می‌دارد که بعداً این گزارش خود را تکمیل کند و درباره هر یک از مسائل حقوقی توضیحات بیشتری بدهد.[۱۱۶]

۱۲۱ - یکی از اصول پذیرفته‌شدهٔ تفسیر معاهدات این است که، بسته به اوضاع و احوال در یک پروندهٔ خاص، برای رفتار یک‌جانبه دولت زمانی که به اجرای یک تعهد معاهده‌ای آن دولت مربوط می‌شود تا حدودی می‌توان ارزش اثباتی قائل شد؛ به عنوان یکی از عناصر تفسیر، چنین رفتار یک‌جانبه‌ای ممکن است در تاباندن نوری بر درک آن دولت از تعهدات معاهده‌ای خود کمک کند.[۱۱۷] با این حال، به نحوی که در بالا اشاره شد، گزارش‌های

---

طبق حقوق داخلی ایالات متحده، حق مالکیت تنها به مجرّد تحویل به واحد ایرانی انتقال خواهد یافت مگر این که طرف‌های قرارداد صریحاً توافق کرده باشند که عنوان مالکیت یک فقره از اموالی که به نهادی ایرانی فروخته می‌شود به مجرّد پرداخت جزئی یا کل قیمت خرید آن، انتقال یابد. بنابراین، به عنوان قاعده‌ای کلی، طبق حقوق ایالات متحده، پرداخت کامل قیمت خرید با انتقال حق مالکیت کالا بی‌ربط است.

[۱۱۶] گزارش تلفیقی ایالات متحده، ص ۴ (هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵]).

[۱۱۷] *بنگرید به*

*Draft Articles on the Law of Treaties, in Report of the International Law Commission covering the work of its sixteenth* session, U.N. GAOR 19th Sess., Supp. No. 9, U.N. Doc. A/5809 (1964), *reprinted in* [1964] 2 Y.B. INT'L L. COMM. 173, at 204; Yves Le Bouthillier, *Article 32 of the Vienna Convention (Commentary)*, *in* 1 THE VIENNA CONVENTION ON THE LAW OF TREATIES – A COMMENTARY 862 (Olivier Corten & Pierre Klein eds., 2011).

*همچنین بنگرید به* سینکلر، پانوشت ۱۰۰، بالا، ص ۱۳۸؛

Oliver Dörr, *Article 32 of the Vienna Convention (Commentary)*, *in* VIENNA CONVENTION ON THE LAW OF TREATIES – A COMMENTARY 581 (Oliver Dörr & Kirsten Schmalenbach eds., 2012).

ایالات متحده تا اندازه قابل توجهی ناهماهنگی دارند.[۱۱۸] به علاوه، مهم این است که انکار مسؤولیتی که ایالات متحده در گزارش ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] خود درج کرده روشن می‌سازد که غرض از گزارش‌ها «بحث کامل درباره مسائل مختلف حقوقی که اساس و پایه دعوی ایران را تشکیل می‌دهد نیست».[۱۱۹] دیوان در این اوضاع و احوال، حاضر نیست گزارش‌های ایالات متحده را دلیل کافی بر این امر محسوب نماید که درک آن زمان ایالات متحده این بوده است که اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ شامل اموالی نیز می‌باشد که مبالغ آن‌ها کاملاً توسط ایران پرداخت شده، ولی به آن کشور در زمانی که طبق قانون حاکم، حق مالکیت اموال مزبور نزد طرف ثالث، یعنی، فروشنده، باقی مانده، تحویل داده نشده است. گزارش‌های مزبور همچنین هیچ بنیان کافی به دست نمی‌دهد تا دیوان چارچوبی را فرض کند که از آن چنین استنباطی شود.

*اقرارهای ایالات متحده نسبت به مالکیت ایران بر قلم‌های خاصی از اموال عینی مورد اختلاف در ادعاهای جداگانه*

**۱۲۲** - دیوان به اقرار آتی توسط ایالات متحده طی لایحه ثبت‌شده در ۲۵ مرداد ۱۳۶۴ [۱۶ اوت ۱۹۸۵] عطف توجه می‌کند که در آن پیش‌نهاد شد که به جای گزارش مشترکی که دیوان بدواً درخواست کرده بود، هر یک از طرفین گزارشی تلفیقی تسلیم نماید:[۱۲۰]

> از این [گزارش‌های تلفیقی] وضع مالکیت بخوبی آشکار میگردد. ایران با اضافه کردن یک قلم مال در دعوی خود مالکیت دولت ایران را در مورد آن قلم ادعا میکند. *ایالات متحده با مالکیت ایران (ولی نه حق ایران در تصرف) در مورد کلیه اموالی که در طبقه فرعی الف تا د طبقه ۱ : «دولت ایران*

---

[۱۱۸] *بنگرید به* بند ۱۱۹، بالا.

[۱۱۹] *بنگرید به* بند ۱۲۰، بالا.

[۱۲۰] دیوان طی دستور مورخ ۲۵ آذر ۱۳۶۲ [۱۶ دسامبر ۱۹۸۳] از طرفین درخواست کرده بود که گزارش مشترکی مبنی بر شناسائی اموال ایران واقع در ایالات متحده که در پرونده‌های حاضر مورد اختلافند تسلیم نمایند. دیوان در پرتو نظرات دریافتی از طرفین طی دستور مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۴ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۵] نظر داد که دیگر تسلیم گزارش مشترک توسط طرفین را ضروری نمی‌داند؛ دیوان در عوض از هر یک از طرفین دعوت کرد گزارش تلفیقی جداگانه‌ای در خصوص اموال ایران در ایالات متحده تسلیم کند.

*در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ در ایالات متحده صاحب اموال عینی بوده است.»* موافق است [.]... در حقیقت ادعای مالکیت ایران در مورد طبقه ۲ الف از طرف ایالات متحده مورد اعتراض قرار گرفته است. در طبقه «اموال عینی که بدولت ایران تعلق ندارد» اقلامی ذکر شده که بعقیدهٔ ایالات متحده باید از دعوی ۲ الف/۲ ب حذف گردد زیرا باین علت که یا نگاهدارنده اموال مدعی است که مالکیت آنها هیچوقت به ایران انتقال نیافته و یا آنکه آن اقلام ظاهراً توسط سازمان دیگری غیر از دولت ایران ابتیاع شده است. اموالی که در سایر طبقات ذکر گردیده بعلل دیگری که ذکر شده بدرستی جزء دعوی ۲ الف/۲ ب نیستند.[۱۲۱]

**۱۲۳-** به عنوان یک امر مقدماتی، بین چِنگ در خصوص نتایج حقوقی اقرار می‌نویسد که بر خلاف اصل ممنوعیت انکار بعد از اقرار (استاپل)،

اقرار به طور قاطع مانع این نمی‌شود که یک طرف حقیقت را ابراز کند. در عوض، اقرار تأثیر پرداختن به من قال به جای ما قال (*argumentum ad hominem*) را دارد که حس سازگاری شخصی را هدف می‌گیرد، یا آن چه در منطق به طور پارادوکسیکال «اصل تناقض» نامیده می‌شود. اقرار ضرورتاً در مورد واقعیت‌های پذیرفته‌شده قاطع نیست. نیروی اقرار بسته به اوضاع و احوال می‌تواند متفاوت باشد.[۱۲۲]

در نتیجه، در حالی که اقرار تأثیر الزام‌آوری ندارد، «باز هم می‌تواند به عنوان دلیل برای تضعیف استدلال طرفی که اکنون اظهار یا اقراری ارائه می‌نماید، اقامه گردد».[۱۲۳]به گفته دِرِک بُووِت،

استاپل ادله‌ی واقعیت مورد اختلاف را کاملاً منتفی می‌کند، حال آن که اقرار، یا ادله را در صورتی که ادله دیگری در نقض اقرار مذکور وجود نداشته باشد زائد می‌نماید، یا در صورتی که چنین ادله نقضی وجود داشته باشد، ادله نقضی مذکور را – بسته به اهمیت نسبی اقرار و ادله مزبور، تضعیف یا شاید باطل خواهد ساخت.[۱۲۴]

---

[۱۲۱] نظرات ایالات متحده، ص ۴ (۲۵ مرداد ۱۳۶۴ [۱۶ اوت ۱۹۸۵]) (تأکید افزوده شده است).

[122] BIN CHENG, GENERAL PRINCIPLES OF LAW AS APPLIED BY INTERNATIONAL COURTS AND TRIBUNALS 143 (Grotius Publications 1987) (1953)

[123] Derek W. Bowett, *Estoppel Before International Tribunals and Its Relation to Acquiescence*, 33 BRIT. Y.B. (1975) INT'L L. 176, 196

[۱۲۴] همانجا، ص ۱۹۷.

۱۲۴ - دیوان به اقرارهای ایالات متحده در این رسیدگی‌ها نسبت به مالکیت ایران بر اقلام مشخصی از اموال عینی در ادعاهای جداگانه در پرتو اصول ترسیم‌شده در بالا خواهد پرداخت.

*(سه ) حق مالکیت حاکی از این است که اموال در «مالکیت انحصاری ایران» است*

۱۲۵ - دیوان در این مرحله از رسیدگی‌ها وظیفه اعمال تصمیم خود مندرج در حکم شمارهٔ ۵۲۹ را دارد. بدین ترتیب، دیوان تعیین خواهد کرد که آیا «ایران مالک انحصاری» اموال مورد ادعا بوده است یا خیر و بنابراین، این که آیا آن اموال، «اموال ایران» وفق بند ۹ می‌باشند یا خیر.

۱۲۶ - اختلافی نیست که برخی از اقلام اموال ادعایی ایران، «اموال ایران» محسوب می‌شوند، زیرا زمانی که ابتدا وارد قلمرو قضائی ایالات متحده شده‌اند، پیشاپیش در زمرهٔ این دسته از اموال قرار داشته‌اند و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به همان حالت باقی مانده‌اند. این دسته، شامل اموالی در ایالات متحده است که به امانت داده شده، یا اموالی که برای تعمیر به ایالات متحده ارسال شده بوده است. طرفین توافقی وسیع دارند که این دو دسته به اموالی مربوط هستند که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «در مالکیت انحصاری ایران» بوده و در محدودهٔ تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ قرار می‌گیرند. با این حال، دسته عمده‌ای از اقلام اساساً متشکل از اموالی است که موضوع توافقات مربوط به خرید بین ایران و فروشنده‌ای مستقر در قلمرو قضائی ایالات متحده بوده است. طرفین در خصوص آزمون معیار تعیین این‌که آیا اموال دسته سوم در «مالکیت انحصاری ایران» تلقی می‌شود یا خیر، یعنی آیا انتقال حق مالکیت بین طرف قرارداد ایالات متحده و نهاد ایرانی صورت گرفته است یا خیر، مواضعی صد در صد متضاد دارند.

**۱۲۷ -** نظر ایران این است که مالکیت اموال عینی که مشمول فروش می‌باشد مفهومی وسیع است که شامل «حق قراردادی مبنی بر تسلیم» آن اموال می‌شود. ایران بر این نکته تأکید می‌کند که نه بند **۹** و نه حکم‌های شماره **۵۲۹** و **۶۰۱** اشاره‌ای به «حق مالکیت» ندارند.

**۱۲۸ -** ایالات متحده مدعی است که مالکیت انحصاری، مستلزم غیرمشروط و بلامعارض بودن حق مالکیت بر اموال مورد نظر است. وفق اظهارات ایالات متحده، حقوق بین‌الملل عرفی فاقد قواعد ماهوی حقوق مالکیت است و دیوان باید قانون حاکم بر مالکیت در حقوق داخلی را اعمال کند.

**۱۲۹ -** به نظر دیوان، مبنای حقوقی مالکیت بر مال، حق مالکیت می‌باشد، که مستحکم‌ترین حقوق عینی قابل تصور است و حق مالکیت، حق یا دلیل مالکیت است.[۱۲۵] در واقع، در اغلب نظام‌های حقوقی متعلق به سنت حقوق نوشته، مالکیت به مفهوم «حق مالکیت» به طور کلی، به عنوان حق عینی (*in rem*) «کامل»، در تقابل با حقوق عینی «محدود» یا «ویژه» (مانند، به عنوان مثال، تصرف، حق عمری، گرو، و انواع گوناگون حق وثیقه، و مانند آن) توصیف می‌شود. مالکیت به عنوان حق عینی، به متصرف آن، حق مطلق و بلاواسطهٔ کنترل بر موضوع حق را می‌دهد. حق‌های مالکانه «مطلق»اند.[۱۲۶] چگونگی کسب مالکیت به قواعد پیچیده‌ای مربوط است که از یک نظام حقوقی به نظام حقوقی دیگر تفاوت دارد. در بعضی نظام‌های حقوقی، مانند نظام حقوقی ایران، کسب مالکیت با صِرف توافق (قراردادی)؛ در نظام‌های حقوقی دیگر، مانند نظام حقوقی ایالات متحده (به عنوان یک قاعده

---

[۱۲۵] از جمله، *بنگرید به*

*In re* Vancouver Improvement Company, [1893] 3 BCR 601 (Drake J.); Haw River Land & Timber Company, Inc. v. Lawyers Title Insurance Corporation, 152 F.3d 275 (1998).

[۱۲۶] *بنگرید به:*

Jacob H. Beekhuis, *Structural Variations in Property Law*, in 6 INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF COMPARATIVE LAW (Property and Trust) 8 (Frederick H. Lawson ed., 1975).

در خصوص حقوق فرانسه، *بنگرید به:*

FRANÇOIS TERRÉ & PHILIPPE SIMLER, DROIT CIVIL – LES BIENS 147 (Dalloz 9th ed. 2014).

پیش‌فرض)، با *titulus* (قرارداد) و *modus* (به عنوام مثال، تسلیم)، و در گروه سوم، آن چه که معروف به «*توافق واقعی*»، مجرد از توافق قراردادی اصلی، به علاوهٔ *modus* (مانند تسلیم یا هر یک از تعدادی از معادل‌های قانونی) است، صورت می‌گیرد. مراتب پیش‌گفته، مربوط به قانون ماهوی است. قانون ماهوی، طرح‌ریزی قواعد حل تعارض، به ویژه عامل ارتباط ذی‌ربط را، از پیش تعیین نمی‌کند.

۱۳۰ - همان‌طور که گفته شد، گروه معتنابهی از اقلام در پرونده‌های حاضر متشکل از اموالی است که موضوع موافقت‌نامه‌های خرید گوناگون بین ایران و فروشنده‌ای در قلمرو قضائی ایالات متحده بوده است. در این موارد، حق‌های مالکانه نه تنها بین فروشنده و خریدار، یعنی، طرف‌های قرارداد (*inter partes*)، بلکه همچنین نسبت به همگان (*erga omnes*) مؤثر است. روابط متقابل بین حقوق قراردادها و حقوق اموال، و نیز بین مالکیت بین الطرفینی (*inter partes*) و عام‌الشمول (*erga omnes*)، موضوع قواعد پیچیده‌ای است که در نظام‌های حقوقی متفاوت است. برای تحلیل بیشتر دیوان، حائز اهمیت است که ملاحظه شود که در این حکم جزئی، تمام موارد انتقال مالکیت از طریق خرید، این سؤال را فقط به صورت بین‌الطرفینی (*inter partes*) مطرح می‌کند و طرف‌های ثالث دارای ادعاهای متزاحم نسبت به اموال را درگیر نمی‌کند.

۱۳۱ - دیوان مضافاً ملاحظه می‌کند که در حقوق مالکیت هم در نظام حقوق عرفی و هم در نظام حقوق نوشته حق مالکیت در مال باید از ذی‌نفع بودن در مال تفکیک شود. نفع در یک فقره از اموال یا دارایی شامل هر گونه حقی است که متصرف ممکن است در آن داشته باشد. حق مالکیت نسبت به آن فقره از اموال، ملاک اندازه‌گیری شدت آن نفع است، و به متصرف، حق بلاواسطهٔ تصرف در آن مال یا دارایی را می‌دهد.[۱۲۷] بنابراین به نظر دیوان، حق مالکیت، وسیله عینی تعیین مسئله مالکیت بر مال مورد ادعا، و رسیدن به این نتیجه است که آیا اموال مذکور

---

[127] DUNCAN SHEEHAN, THE PRINCIPLES OF PERSONAL PROPERTY LAW 13 (Hart 2011).
*همچنین بنگرید به*
UGO MATTEI, BASIC PRINCIPLES OF PROPERTY LAW: A COMPARATIVE LEGAL AND ECONOMIC INTRODUCTION 86-91 & 99-122 (Praeger 2000).

مشمول بند ۹ می‌شود یا خیر. هر گونه نفع در فقره‌ای از اموال ادعایی که کم‌تر از حق مالکیت باشد برای نشان‌دادن این‌که آن فقره «انحصاراً در مالکیت ایران» بوده، ناکافی است. به نظر دیوان، معقول است که چنان‌چه شخص ثالثی حق قانونی مالکیت بر فقره‌ای از اموال داشته باشد، در حالی که ایران فقط نفعی در آن داشته باشد، فقره مال مزبور را نمی‌توان «انحصاراً در مالکیت ایران» محسوب کرد.

۱۳۲ - در این سیاق لازم به ذکر است که هر دو طرف طی دادخواهی‌های خود در مرحله اولیه رسیدگی‌ها موافقت کردند که تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ شامل اموالی نیست که ایران فقط نفع و نه حق قانونی مالکیت در آن‌ها داشته است. ایالات متحده در دفاعیه خود در دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] (متن فارسی، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۲ [سوم مه ۱۹۸۳]) ادعا کرد که تعهد آن دولت ذیل بند ۹ «تنها شامل 'اموال ایرانیست' و نه شامل اموالی که ایران در آنها دارای منافع و علایق است».[۱۲۸] به علاوه، همان‌طور که گفته شد، ایالات متحده تشخیص داده است که حق مالکیت ایران بر قلمی از اموال عینی، معیار اثبات این امر است که آیا آن قلم وفق بند ۹ «متعلق به ایران» می‌باشد یا خیر.[۱۲۹] ایران به سهم خود در جوابیه مورخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] (متن فارسی ۱۶ اسفند ۱۳۶۲ [ششم مارس ۱۹۸۴]) خود به دفاعیه ایالات متحده[۱۳۰] ادعا کرد:

---

[۱۲۸] ایالات متحده در دفاعیه خود همچنین اظهار داشت:

> با اینکه آئین‌نامه‌های نوامبر ۱۹۷۹ بطور مشخص کلیه اموال و منافع در اموال را بلوکه کرده پاراگراف ۹ تنها به "اموال ایرانی" اشاره میکند و به تلویح منافع در اموال را از تعهد انتقال خارج میسازد.
> اصطلاح "اموال ایرانی" در پاراگراف ۹ بالنتیجه در مورد اموال ملموسی که در آنها ایران تنها یک "منفعت" دارد از قبیل اموالی که ایران برای آنها پولی نپرداخته – اموالی که مالکیت آنها مورد منازعه است و در آن اشخاص دیگر دارای حقوق قانونی میباشند – مثل حق تصرف و گروگیری که مافوق و برتر از حقوق ایران است قابل اجرا نمی‌باشد. این یک تفسیر منطقی است زیرا انتقال صرف منافع در اموال نتایج نامعقول و غیرموجهی ببار خواهد آورد.

[۱۲۹] *بنگرید به* بند ۱۱۸، بالا.

[۱۳۰] در پاسخ به استدلال ایالات متحده منقول در بند ۱۳۲ و پانوشت ۱۲۸، بالا.

جالب اینجاست که آمریکا میکوشد با ارجاع به تعریفات اموال ایران مندرج در دستور اولیه آمریکا مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ که به منظور ممانعت از دستیابی به دارائیهایش تنظیم یافته بود، تعریف ناقص "اموال ایران" در بخش ... شماره ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری را توجیه کند... . مسلم است که آمریکا به منظور بحد اکثر رساندن تأثیر اقدامات اقتصادی که در سال ۱۹۷۹ بعمل آورد، وسیع‌ترین تعریف ممکن از "اموال ایران" را بکار میگرفت. بنابراین تعریف اموال نه تنها اموال *تماماً متعلق به* ایران بلکه اموال دیگران که ایران دارای "منافعی" در آنها بود را نیز در بر میگرفت. موضع ایران این است که آمریکا بموجب بند ۹ بیانیه کلی باید ترتیب استرداد اموالی را که ایران بموجب حقوق بین‌الملل و حقوق عمومی آمریکا مستحق آنهاست بدهد، که این امر با مفاد اصل کلی الف که قول میدهد وضع پیش از انسداد ایران را مجدداً برقرار سازد، سازگار است. *ایران از آمریکا نمیخواهد که ترتیب انتقال اموالی را بدهد که قانوناً متعلق به اشخاص ثالث است، صرفاً بخاطر این‌که ایران ممکن است دارای منافع حقوقی در آن اموال باشد.*[۱۳۱] (تأکید افزوده شده است.)

**۱۳۳** - دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که مالکیت در منافع بر فقره‌ای از اموال موجد مالکیت انحصاری به مفهوم داشتن حق مالکیت بر آن فقره نمی‌باشد. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که حتی اگر مالکیت در منافع نسبت به فقره‌ای از اموال ادعایی در این پرونده‌ها اثبات شود، چنین مالکیت در منافعی برای قرار دادن آن فقره در زمرهٔ اموال مشمول بند ۹ کفایت نمی‌کند.

**۱۳۴** - بر این اساس، دیوان برای اعمال تصمیم اتخاذ شدهٔ خود در حکم شماره ۵۲۹ مبنی بر این‌که اصطلاح «اموال ایران» ناظر به اموالی است که «انحصاراً در مالکیت ایران بود» باید در خصوص کالاهای فروخته‌شده تعیین کند که آیا حق مالکیت اموال ادعایی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران انتقال یافته بوده است یا خیر.

---

[۱۳۱] عنوان بخش نقل شدهٔ پاسخ مورخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] (متن فارسی ۱۶ اسفند ۱۳۶۲ [ششم مارس ۱۹۸۴]) ایران این است: «حدود وظیفه آمریکا به استرداد اموال ایران بموجب بند ۹ با تعریف اموال ایران در دستورات بلوکه کننده تعیین نمی‌شود».

*(چهار) تعیین این‌که آیا حق قانونی مالکیت مطابق اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی به ایران انتقال یافته است یا خیر*

**۱۳۵ -** دیوان اکنون به ملاکی می‌پردازد که مطابق آن تعیین کند آیا حق قانونی مالکیت نسبت به اموال در پرونده‌های حاضر که در اثر بیع در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران انتقال یافته بوده، تا بدان واسطه در چارچوب اصطلاح «اموال ایران» مندرج در بند ۹ قرار گیرد. این امر را باید از تفسیر بند ۹ که دیوان با اعمال قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل عام انجام داده است، متمایز کرد.[۱۳۲]

**۱۳۶ -** ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی («ماده ۵») مقرر می‌دارد:

> هیئت داوری اتخاذ تصمیم دربارهٔ تمام موارد را بر اساس رعایت قوانین انجام خواهد داد و مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل را به کار خواهد برد و در این مورد کاربردهای عرف بازرگانی، مفاد قرارداد و تغییرات اوضاع و احوال را در نظر خواهد گرفت.

بدین قرار، دیوان مطابق این ماده «اتخاذ تصمیم دربارهٔ تمام موارد را بر اساس رعایت قوانین انجام خواهد داد». بنابراین، در حالی که ماده ۵ تا حد زیادی انتخاب قانون حاکم برای تصمیم‌گیری در مورد پرونده‌ها را به صلاح‌دید دیوان واگذار می‌کند،[۱۳۳] این اقتدار یا اختیار را به دیوان نمی‌دهد که قواعدی به اختیار خود را برای تصمیم‌گیری

---

[۱۳۲] بنگرید به بندهای ۱۰۲-۱۲۱، بالا.

[۱۳۳] به عنوان مثال، *بنگرید به سی. ام. آی. اینترنشنال اینکورپوریتد و وزارت راه و ترابری و دیگران*، حکم شماره ۲-۲۴۵-۹۹، ص ۸ (۱۰ دی ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۴، ص ص ۲۶۳، ۲۶۷-۲۶۸، که در آن دیوان اشعار داشت:

> مشکل بتوان یک قید انتخاب قانون به تصور آورد که به دیوان آزادی عمل بیشتری جهت تعیین قانون حاکم بر موضوعات مطروحه نزد آن تفویض کرده باشد. این آزادی عمل منطبق با دامنه کارها و وظایف دیوان و بلکه ملازم با آنست، چه وظایف مزبور نه فقط شامل رسیدگی به ادعاهای ماهیتاً تجاری ... بلکه، همچنین ادعاهای مربوط به سلب مالکیتهای ادعائی یا سایر اقدامات دولت، ادعاهای فیمابین دو دولت، برخی دعاوی مؤسسات بانکی علیه یکدیگر و مسایل مربوط به تفسیر و اجرای بیانیه‌های الجزیره را نیز دربر می‌گیرد.

در این مورد که آیا ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیت فقره‌ای از اموال ادعایی در پرونده‌های حاضر را داشته است یا خیر، تدارک ببیند.

**۱۳۷** - دیوان از قواعد یا اصول حقوق بین‌الملل عمومی عام که حاکم بر انتقال مالکیت قانونی بر فقره‌ای از اموال عینی باشد آگاهی ندارد.[۱۳۴] جای تعجب نیست: قواعد حاکم بر انتقال مالکیت مشخصاً در قلمرو قضایی داخلی دولت‌هاست. بدین ترتیب، برای تعیین این که آیا حقی نسبت به مال عینی وجود دارد یا خیر، دیوان‌های بین‌المللی می‌توانند به حقوق داخلی مراجعه کنند.[۱۳۵] بر همان قرار، دیوان مقرر می‌دارد که برای تعیین این که آیا در مورد

---

همچنین *بنگرید به ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۲-۳۶ ب-۵۷۴، بند ۷۰ (۱۲ آذر ۱۳۷۵ [سوم دسامبر ۱۹۹۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۲، ص ص ۱۶۲، ۱۷۹؛ *آناکاندا-ایران اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، بند ۱۳۰ (۲۲ اسفند ۱۳۶۵ [۱۳ مارس ۱۹۸۷]) (متن انگلیسی ۱۹ آذر ۱۳۶۵ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ص ۱۹۹، ۲۳۲.

[۱۳۴] به عنوان مثال، *بنگرید به* داگلس، پانوشت ۶۹، بالا، ص ۱۹۷ («حقوق بین‌الملل عرفی حاوی هیچ قواعد ماهوی حقوق اموال نیست.»).

[۱۳۵] زاکری داگلس ضمن بحث این موضوع در چارچوب داوری مربوط به معاهدات سرمایه‌گذاری می‌نویسد:

> حقوق بین‌الملل عرفی حاوی هیچ‌گونه قواعد ماهوی در خصوص حقوق اموال نیست. این قواعد نمی‌توانند منبع حقوقی بر اموال باشند. قصد معاهدات سرمایه‌گذاری هم این نیست که قواعدی برای کسب حقوق نسبت به اموال عینی وضع نمایند که در سطح جهانی بی‌حد و حصر قابل اجرا باشد. بنابراین، حقوق داخلی دولت میزبان تعیین کنندهٔ این است که آیا حق معینی نسبت به مال وجود دارد یا خیر، محدودهٔ آن حق چیست، و چنین حقی به چه کسی تعلق یافته است.

داگلس، پانوشت ۱۳۴، بالا، ص ص ۱۹۷-۱۹۸ (پانوشتها حذف شده است). زاکری داگلس با دقت بیشتر و با ملاحظه این که معاهدات سرمایه‌گذاری معمولاً حاوی فهرستی، به صورت تعریفی، فهرستی از انواع سرمایه‌گذاری‌های مشمول می‌باشند، می‌نویسد:

> بنابراین، تعریف معاهداتی «عینی» به «سرمایه‌گذاری» اعطا می‌شود. اما این تعریف، به هیچ روی، این حق‌ها در اموال عینی را که مبنای آن سرمایه‌گذاری‌هاست را از آن حقوق داخلی منفک نمی‌کند که حق‌های مزبور را ایجاد و شناسایی می‌کند. معاهدات سرمایه‌گذاری حاوی قواعد ماهوی حقوق اموال نیستند. باید احاله‌ای به حقوق داخلی صورت گیرد. آن حقوق اموال، تا حدی که معاهدات سرمایه‌گذاری اقتضای پیوندی میان سرمایه‌گذاری و یکی از طرف‌های دولتی متعاهد دارد، حقوق داخلی دولتی است که سرمایه‌گذار ادعا می‌کند که در آن سرمایه‌گذاری دارد.

داگلس، پانوشت ۱۳۴، بالا، ص ۱۹۸.

خاصی، حق مالکیت قانونی فقره‌ای از اموال عینی به ایران انتقال یافته است یا خیر، در حالی که قابل تشخیص باشد، باید حقوق داخلی مربوط حاکم بر انتقال مالکیت را اعمال نماید.[۱۳۶] سپس، دیوان در تعیین این که آن حقوق داخلی چیست، قاعده مقرر در ماده ۵ را اعمال می‌کند. مقرره مزبور، دیوان را به اعمال تحلیل انتخاب قانون حاکم برای تعیین قانون ماهوی ذی‌ربط رهنمون می‌شود.

۱۳۸ - در این سیاق، دیوان مشخصاً «اصول کلی» حقوق بین‌الملل خصوصی را در تصمیمات خود اعمال کرده است. شعبه یک در *اکونومی فورمز کورپ. علیه ایران* حکم کرد که حقوق ایالات متحده در تعیین اعتبار قرارداد مورد اختلاف حاکم بود زیرا «مرکز ثقل این معاملات تجاری در ایالات متحده قرار داشته و به موجب اصول کلی تعارض قوانین معیار تشخیص قانون حاکم نیز همین است».[۱۳۷] همچنین دیوان در *هارنیشفگر کورپ علیه وزارت راه و ترابری* نتیجه گرفت:

> در قرارداد... اشاره‌ای به قانون حاکم نشده است، معهذا طبق اصولی [کذا] کلی انتخاب قانون، باید قوانین ایالات متحده را که معامله و طرفین، نزدیکترین ارتباط را با حوزه قضائی آن داشته‌اند حاکم بر این دعوای به خصوص دانست ...[۱۳۸]

---

[۱۳۶] تعیین این که آیا ایران دارای حق مالکیت یک قلم مال مورد ادعاست یا خیر را می‌توان تا حدی شبیه تعیین یک *«concept préjudiciel»* در حقوق بین الملل خصوصی دانست، که فرانسوا ریگو آن را به شرح زیر توصیف می‌کند:

*"Quand l'effet juridique réclamé au titre de question principale requiert la réalisation d'une condition, il se peut que celle-ci, exprimée dans une notion juridique appelée concept préjudiciel, doive être vérifiée selon une loi autre que la loi applicable à la question principale."* François Rigaux, *Les situations juridiques individuelles das un système de relativité générale : cours général de droit international privé*, *in* 213 RECUEIL DES COURS 166 (1989).

[۱۳۷] *ایکانامی فورمز کورپ. و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۱۶۵-۵۵، ص ۱۰ (متن انگلیسی، ۲۴ خرداد ۱۳۶۲ [۱۴ ژوئن ۱۹۸۳]، متن فارسی، سوم تیر ۱۳۶۲ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ص ۴۲، ۴۸.

[۱۳۸] *هارنیشفگر کورپوریشن و وزارت راه و ترابری و دیگران*، حکم شماره ۳-۱۸۰-۱۴۴ (۱۵ آذر ۱۳۶۲ [ششم دسامبر ۱۹۸۴]) (متن انگلیسی، ۲۲ تیر ۱۳۶۲ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۷، ص ص ۹۰، ۹۹.

دیوان در رسیدگی به قراردادی حاوی ماده صریح انتخاب قانون در پرونده *سی ام آی اینترنشنال اینک علیه ایران*[۱۳۹] درست مانند شعبه دو در تصمیم *ایسایاه علیه بانک ملت*، همین خط استدلالی را دنبال کرد.[۱۴۰]

**۱۳۹ -** دیوان مضافاً ملاحظه می‌کند که یک رشته از سوابق قضائی نشانگر اعمال اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی در دیوان‌های داوری بین المللی می‌باشد که سابقه آن به سوابق قضائی دیوان‌های مختلط داوری اوایل قرن بیستم میلادی بازمی‌گردد.[۱۴۱] به عنوان مثال، دیوان مختلط داوری بین فرانسه و آلمان در تصمیم نهم فروردین

---

[۱۳۹] *سی. ام. آی. اینترنشنال و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۲۴۵-۹۹، ص ص ۷-۸ (ششم دی ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۴، ص ص ۲۶۳، ۲۶۷-۲۶۸.

[۱۴۰] *بنجامین آر. ایسایاه و بانک ملت*، حکم شماره ۲-۲۱۹-۳۵، ص ص ۱۰-۱۱ (۱۰ فروردین ۱۳۶۲ [۳۰ مارس ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲، ص ص ۲۳۲، ۲۳۷.

[141] J.P. Niboyet, *Jurisprudence des tribunaux arbitraux mixtes*, 40 RECUEIL DES COURS 221 (1932).

*همچنین بنگرید به*

*Chausson v. The German State*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 7 Dec. 1921, 1 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 587; *B. Kitzinger v. A. Dann*, Anglo-German Mixed Arbitral Tribunal, 15 and 22 Feb. 1922, 1 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 847; *Canale Schuler v. Consorts Schuler*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 10 Mar. 1922, 1 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 899; *Bonnet-Dupeyron v. Ephraim Meyer*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 5 May 1922, 2 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 89; *Stevan Rajkovitch v. Maschinenfabrik u. Mühlenbauanstalt G. Luther A.G.*, and *Maschinenfabrik u. Mühlenbauanstalt G. Luther A.G. v. Stevan Rajkovitch*, Germano-Yugoslav Mixed Arbitral Tribunal, 2 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 641; *Vereinigte Schmirgel & Maschinenfabrik A.G. v. Perbal*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 28 Nov. 1922, 2 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 753; *Fiegel v. Guillot*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 8 Jan. 1923, 2 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 786; *Stoehr & Co. and Wulfing et Sohn v. Louis et Cie*, Germano-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 25 May 1923, 3 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 286; *Lévy et Cie v. Commerz und Diskontobank*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 9 Jan. 1923, 3 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 328; *Schwab and Sommer v. The German State*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 27 Mar. 1923, 3 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 340; *La Suédoise Grammont v. Roller*, Germano-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 16 Oct. 1923, 3 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 570; *1º Industrielle Foncière v. von Scharfenberg and Beutler*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 26 Nov. 1923, 3 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 872; *Goldschmiedt v. Marie Fremery et Co (in liquidation)*, Germano-Czechoslovak Mixed Arbitral Tribunal, 24 May 1923, 3 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 1020; *Ville de Neuf-Brisach v. The German State*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 3 Oct. 1923, 4 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 366; *Bleyfus v. The German State*, Franco-German Mixed Arbitral Tribunal,

۱۳۰۵ [۳۰ مارس ۱۹۲۶] خاطرنشان کرد که به عنوان نهادی بین‌المللی نمی‌باید صرفاً قواعد مندرج در قوانین ملی داخلی را به منظور حل موضوعات تعارض قوانین اعمال کند، زیرا آن قواعد تنها برای دادگاه‌های ملّی کشور مورد نظر الزام‌آور هستند. دیوان مذکور در عوض تصمیم گرفت که باید حل مسئله تعارض قوانین را در اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی بیابد.[۱۴۲] متأخرتر از این، داور پرونده *لیامکو* به اصول کلی تعارض قوانین استناد و حکم کرد که مسئله قانون حاکم باید از طریق «اصول کلی حاکم بر تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی» تعیین شود.[۱۴۳] دیوان داوری *تگزاکو علیه لیبی* همین روش را دنبال کرد.[۱۴۴]

---

16 Jun. 1924, 4 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 417; *Goldschmiedt v. Heesch Hinrichsen et Cie*, German-Czechoslovak Mixed Arbitral Tribunal, 4 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 530; *P. Negreanu et Fils v. Meyer et Fils,* Romano-German Mixed Arbitral Tribunal, 16 Jun. 1925, 5 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixte*s* 200; *Andelhof v. Friedrich Wilhelm L.V.A.G.*, Germano-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 3 Apr. 1925, 5 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 346; *R.T.S. Tolson v. August Paudler*, Anglo-German Mixed Arbitral Tribunal, 11 Mar., 9 Oct. and 3 Nov. 1925, 5 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 637; *Gutberlet et Cie v. Société Rémoise d'Imprimerie "Jeanne d'Arc,"* Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 13 Jul. 1925, 5 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 790; *E. Luttges and Co. v. Ormiston and Glass Limited*, Anglo-German Mixed Arbitral Tribunal, 28 and 30 Apr. and 15 Jul. 1926, 6 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 564; *The English and French States c. The Bulgarian State*, Anglo-Bulgarian Special Arbitral Tribunal, 10 Nov. 1926, 6 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 943; *Ditta Bochumer Verein v. Società Anonima Officine Ferroviarie Meridionali*, Germano-Italian Mixed Arbitral Tribunal, 28 May 1926, 7 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 221; *V. Tiedmann et al v. The Polish State*, Germano-Polish Mixed Arbitral Tribunal, 1 Nov. 1926, 7 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 702; *Bela Tass v. The Czechoslovak State*, Hungaro-Czechoslovak Mixed Arbitral Tribunal, 29 Jul. 1927, 7 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 881; and *Banque du Bruxelles v. The German State and Disconto Gas*, Germano-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 2 Aug. 1929, 9 Recueil des Décisions des Tribunaux Arbitraux Mixtes 302.

[142] *Zeppenfeld v. The German State,* Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 30 Mar. 1926, 6 RECUEIL DES DÉCISIONS DES TRIBUNAUX ARBITRAUX MIXTES INSTITUÉS PAR LES TRAITÉS DE PAIX 243.

[143] *Libyan American Oil Co. (LIAMCO) v. Government of the Libyan Arab Republic*, Award (12 Apr. 1977), 62 ILR 141, 171;

*همچنین بنگرید به*

*Saudi Arabia v. Arabian American Oil Co. (Aramco)* (23 Aug. 1958), 27 ILR 117, 154-56.

[144] *Texaco Overseas Petroleum Co. et al. v. Government of the Libyan Arab Republic*, Preliminary Award (12 Jan. 1977), 53 ILR 389, 442.

۱۴۰ - دیوان ملاحظه می‌کند که مثال‌های دیگری از تصمیمات داوری در اعمال صریح «اصول کلی حقوق» در ارتباط با حقوق بین‌الملل خصوصی وجود دارد. لُرد اسکویت در پرونده *شرکت توسعه نفت (ساحل متصالح) علیه شیخ ابوظبی* به «اعمال اصولی که ریشه در عقل سلیم و رویه مشترک عموم ملل متمدن دارد» استناد کرد.[۱۴۵] استناد به این اصول کلی توسط قاضی کاوین در پرونده *سفایر اینترنشنال پترولیوم، لیمتد علیه شرکت ملّی نفت ایران*[۱۴۶] و همچنین توسط دیوان داوری در پرونده *شرکت نفت انگلیس (لیبی) علیه لیبی*[۱۴۷] صورت گرفت. دادگاه‌های پژوهش در اتریش،[۱۴۸] انگلستان،[۱۴۹] فرانسه،[۱۵۰] ایتالیا[۱۵۱] و ایالات متحده آمریکا[۱۵۲] اعتبار آراء داوری مبنی بر «اصول کلی» حقوق بین‌الملل خصوصی را تأیید کرده‌اند.

۱۴۱ - رشته طویلی از رویه قضائی، که بازتاب رویه دیوان است، اعمال اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی در تعیین انتقال حق مالکیت را تأیید می‌کند. دیوان با اعمال چنین اصول کلی در پرونده‌های حاضر برای توصیف

---

[145] *Petroleum Development (Trucial Coast) Ltd. v. Sheikh of Abu Dhabi*, Award (12 Aug. 1951), 1 ICLQ 247, 250.

[146] *Sapphire International Petroleum Ltd. v. National Iranian Oil Co*., Award (15 Mar. 1963), 13 ICLQ 1011, 1015.

[147] *BP Exploration Co. (Libya) Ltd. v. Government of the Libyan Arab Republic* (10 Oct. 1973 & 1 Aug. 1974), 53 ILR 297.

[148] *SA Norsolor v. Pabalk TS*, Supreme Court, Austria, 18 Nov. 1982, IX Y.B. COM. ARB. 159 (1984).

[149] *Deutsche Schachtbau GmbH v. Ras Al Khaimah National Oil Co.*, [1987] 3 WLR 1023, 1035 (Donaldson MR)

(تذکار: این پرونده به دلایل دیگری توسط مجلس اعیان نقض شد.)؛

*Home and Overseas Insurance Co. Ltd v. Mentor Insurance Co. (UK) Ltd.,* [1990] 1 WLR 153, 166 (Lloyd J.); and *Channel Tunnel Group Ltd. v. Balfour Constructions Ltd*., [1993] AC 334 (Lord Mustill).

[150] *SA Norsolor v Pabalk TS*, Cour d'appel, Paris, DALLOZ 101 (1985).

[151] *Fratelli Damiano snc v. August Töpfer GmbH*, Corte di Cassazione, 8 Feb. 1982, (1982) Riv. dir. int. priv. proc. 829, *cited in* P. NYGH, AUTONOMY IN INTERNATIONAL CONTRACTS 195 n.111 (1999).

[152] *Ministry of Defense of the Islamic Republic of Iran v. Gould Inc.*, 887 F.2d. 1357 (9th Cir. 1989), at 1364-1365.

آزمون «مالکیت انحصاری» منصوص در حکم شماره ۵۲۹ برای تفسیر اصطلاح «اموال ایران» وفق بند ۹، خود را به هیچ روی منزوی نمی‌یابد.

*(پنج) اصول کلی حقوق بین‌المللی خصوصی*

**۱۴۲ -** از استدلال پیش‌گفته نتیجه می‌شود که دیوان باید مطابق اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی قواعد حقوقی را احراز کند که از طریق آن‌ها مشخص خواهد شد که آیا اموال ادعایی «انحصاراً در مالکیت ایران بوده»، بدین معنی که حق مالکیت چنین اموالی، که موضوع فروش به نهادی ایرانی بوده، در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران انتقال یافته باشد،[۱۵۳] و نتیجتاً این‌که آیا این اموال در محدوده اصطلاح «اموال ایران» به نحوی که موجد تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ باشد، قرار می‌گیرد یا خیر.

**۱۴۳ -** به نظر دیوان مستندات مؤید این اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی را در درجه اول می‌توان در رویه واقعی دولت‌ها به صورت قوانین موضوعه و رویه قضائی داخلی، و نیز در رویه قضائی دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی یافت که با چنین موضوعی روبه‌رو بوده‌اند.

**۱۴۴ -** قاعده اساسی که از قوانین موضوعهٔ داخلی و رویه قضائی ناشی می‌شود بی‌تردید این است که حق مالکیت اموال عینی پیرو قانون محل وقوع مال (*lex rei sitae*) یعنی قانون محل وقوع کالا در زمان انتقال آن می‌باشد.[۱۵۴] به عنوان مثال، ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد که مالکیت بر اموال عینی تابع قانون محل وقوع مال است.[۱۵۵] دادگاه‌های ایالات متحده، دست کم به طور سنتی، در اعمال قانون محل وقوع مال موضع

---

[۱۵۳] *بنگرید به* بند ۱۳۴، بالا.

[۱۵۴] به عنوان مثال، *بنگرید به*

Gian Carlo Venturini, *Property*, *in* 3 INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF COMPARATIVE LAW – PRIVATE INTERNATIONAL LAW, pt. 2, ch. 21, secs. 21-3, 21-7, 21-25, 21-26 (Kurt Lipstein ed.).

[۱۵۵] متن کامل ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران به شرح زیر است:

مشابهی اتخاذ می‌کنند.[۱۵۶] دیوان مضافاً خاطرنشان می‌کند که مطابق ماده ۳ قانون مدنی فرانسه، قانون محل وقوع مال به طور همه جانبه بر وضعیت واقعی مال (*le statut réel*) حاکم است.[۱۵۷] بند ۱ ماده ۸۷ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی بلژیک، ماده ۵۱ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ایتالیا (شماره ۲۱۸)، ماده ۱۰ قانون مدنی اسپانیا، بند ۱ ماده ۲۱ قانون شماره ۵۷۱۸ حقوق بین‌الملل خصوصی ترکیه، و ماده ۱۲۷ باب دهم قانون مدنی هلند گویای همان موضع است. رویکرد آلمان به حقوق بین‌الملل خصوصی به گونه‌ای موجز در مواد ۳ و ۴۳ تا ۴۶ قانون مقدماتی بر قانون مدنی (*Einführungsgesetz zum Bürgerlichen Gesetzbuche*) آمده است که چنان‌چه توأماً قرائت شود، به همان منوال مقرر می‌دارد که منافع در اموال تحت حاکمیت قانون کشور محل وقوع مال است.[۱۵۸] دیوان ملاحظه می‌کند که همین رویکرد در ماده ۳۱ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی اتریش و مواد ۹۹

---

تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیا در آن جا واقع می‌باشند مع‌ذلک حمل و نقل شدن شیء منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیء نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی آورد.

قانون مدنی ایران، ماده ۹۶۶.

[۱۵۶] *بنگرید به* RESTATEMENT (FIRST) OF CONFLICT OF LAWS ¶¶ 255-310 (1934) (قاعده مطلق: عامل رابط، محل وقوع [situs] می‌باشد)؛ RESTATEMENT (SECOND) OF CONFLICT OF LAWS, § 244 (1)-(2) (1971)؛ (عامل رابط: وفق بخش ۲۴۴(۱)، «مهم‌ترین ارتباط»؛ وفق بخش ۲۴۴(۲)، به عنوان یک قاعده پیش فرض «محل وقوع مال منقول در زمان انتقال»)؛

ROGER C. CRAMTON, DAVID P. CURRIE & HERMA H. KAY, CONFLICT OF LAWS 35 (3rd ed., West Publishing Co. 1981); Symeon C. Symeonides, *National Monograph Relating to the United States of America*, *in* INTERNATIONAL ENCYCLOPAEDIA FOR PRIVATE INTERNATIONAL LAW, Suppl. 44, para. 558 (Wolters Kluwer 2018).

[۱۵۷] همچنین *بنگرید به:*

FRIEDRICH CARL VON SAVIGNY, A TREATISE ON THE CONFLICT OF LAWS AND THE LIMITS OF their OPERATION IN RESPECT OF PLACE AND TIME 139 para. 367 (W. Guthrie trans., Stevens & Sons 1869); BERNARD AUDIT & LOUIS D'ABOUT, DROIT INTERNATIONAL PRIVE ¶ 212 *et seq.* (7th ed., Economica 2013); and MARIE-CHRISTINE MEYZEAUD-GARAUD, DROIT INTERNATIONAL PRIVE 134 (Bréal 2008);

نمونه‌ای از اعمال این قاعده توسط یک دادگاه فرانسوی در تصمیم مندرج در مأخذ زیر یافت می‌شود:

Civ. 1er, 8 Jul. 1969, BULL. 1969, n. 268.

[158] CHRISTIAN VON BAR, INTERNATIONALES PRIVATRECHT, BAND II: BESONDERER TEIL 545 (Beck 1991); BRAM AKKERMANS, THE PRINCIPLE OF *NUMERUS CLAUSUS* IN EUROPEAN

و ۱۰۰ قانون فدرال سوئیس در باب حقوق بین‌الملل خصوصی نیز وجود دارد. دیوان مضافاً ملاحظه می‌کند که رشته طویلی از رویه قضائی در انگلیس از این نتیجه‌گیری پشتیبانی می‌کند که حق‌های مالکانه بر اموال منقول، تابع قانون محل وقوع مال هستند.[۱۵۹]

**۱۴۵ -** فزون بر این، رویه قضائی دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی وجود دارد که قانون محل وقوع مال را در تعیین مالکیت اموال منقول اعمال کرده است. به عنوان مثال، دیوان داوری مختلط فرانسه-آلمان در رویارویی با مسئله اعمال قانون فرانسه یا آلمان برای تعیین انتقال حق مالکیت در بیع کالا صراحتاً قانون محل وقوع مال یعنی قانون فرانسه را اعمال کرد، هر چند اعمال قانون فرانسه و آلمان هر دو به نتیجه واحدی منتهی می‌شد.[۱۶۰]

---

PROPERTY LAW 163-165 (Intersentia 2008); THOMAS RAUSCHER, INTERNATIONALES PRIVATRECHT: MIT INTERNATIONALEM UND EUROPÄISCHEM VERFAHRENSRECHT 318-319 (3rd ed., Beck 2009).

دیوان آگاه است که در ارتباط با قانون مالکیت بر اموال منقول عینی (*Mobiliarsachenrecht*) به نفع رویکردی ملایم‌تر استدلال شده است. *بنگرید به*

J. KROPHOLLER, INTERNATIONALES PRIVATRECHT 558 (6th ed., Mohr Siebeck 2006).

به ویژه در ارتباط با کالاها و منافع رهنی راجع به کالای فروخته شده در معاملات فرامرزی و در کالاهایی که در صف صادرات است، *بنگرید به*

Ulrich Drobnig & Herbert Kronke, *Die Anerkennung ausländischer Mobiliarsicherungsrechte nach deutschem Internationalen Privatrecht*, *in* DEUTSCHE ZIVIL-, KOLLISIONS- UND WIRTSCHAFTSRECHTLICHE BEITRÄGE ZUM X. INTERNATIONALEN KONGREß FÜR RECHTSVERGLEICHUNG IN BUDAPEST 1978 91 (Mohr Siebeck 1978)

تا آزادی قراردادی بین طرفین گسترده‌تر باشد، البته در محدوده‌ای که منافع مشروع اشخاص ثالث محفوظ بماند. اما قابل توجه است که این استدلال‌ها در زمانی که پارلمان آلمان در ۱۹۹۹ در مورد مواد ۴۳ و ۴۶ *Einführungsgesetz* تجدیدنظر و عبارتبندی مجدد کرد، پشتیبانی تقنینی نیافت.

[159] CHRIS M.V. CLARKSON & JONATHAN HILL, THE CONFLICT OF LAWS 475 (4th ed., Oxford University Press 2011); 2 DICEY, MORRIS AND COLLINS ON THE CONFLICT OF LAWS 1337 (Lord Collins of Mapesbury, et al. eds., 15th ed. 2015) (به نقل از *Air Foyle Ltd. v. Center Capital Ltd.* [2002] EWHC 2535 (Comm.), [2003] 2 Lloyd's Rep. 753)

(«این گزاره که قانون محل وقوع مال بر حقوق نسبت به اموال منقول حاکم است توسط دادگاه‌ها به عنوان «امر مختوم خدشه‌ناپذیر از دیر باز» توصیف شده است، که اکنون برای تمام اهداف عملی قطعاً چنین است»). *همچنین بنگرید به*

*Cammell v. Sewell* (1860) 5 H&N 728, 744 (Crompton J.).

[160] *Schreider v. Metenett,* Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 26 Jul. 1922, 2 RECUEIL DES DECISIONS DES TRIBUNAUX ARBITRAUX MIXTES INSTITUES PAR LES TRAITES DE PAIX 334.

۱۴۶ - با این‌حال، اگرچه این اصل که حق‌های مالکانه تابع قانون محل وقوع مال است به طور کلی پذیرفته شده است، نحوهٔ اجرای آن بسته به جزئیات پرونده و نظام حقوقی مربوط ممکن است متفاوت باشد. علاوه بر این، محدوده قانون محل وقوع مال، و بدین ترتیب، حدود حاکمیت قانون محل وقوع مال بر انتقال واقعی حق مالکیت بین فروشنده و خریدار، «می‌تواند تا حد زیادی میان دولت‌ها متفاوت باشد».[۱۶۱]

۱۴۷ - یکی از عناصری که بر محدوده قانون محل وقوع مال برای تعیین این که آیا حق مالکیت از فروشنده به خریدار انتقال یافته است تأثیر دارد، این واقعیت اجتناب ناپذیر است که منشأ چنین انتقالی در قراردادهای فروش است. نویسندگان فرانسوی به طور ویژه این مطلب را با اشاره به «قانون منشأ»[۱۶۲] (در انتقال حق مالکیت) بیان می‌کنند. همچنین، در خصوص نقطه آغازین تحلیل، نویسندگان آمریکایی را عقیده بر آن است که، در حالی‌که رابطه بین قرارداد و جنبه‌های حق مالکیت در بیع آن‌چنان نزدیک است که قانون تجارت متحدالشکل تا حد زیادی تفکیک مذکور را در پرونده‌های بین ایالتی کم‌رنگ ساخته است، هنگامی‌که هیچ وحدتی در قانون ماهوی وجود ندارد و سیاست‌های بازاریِ بالقوه متنوع قلمروهای قضائی مربوطه ایفای نقش می‌کنند، قاعدهٔ مستقل و قابل اعمال محل وقوع (*situs*) واجد اهمیت بیشتری می‌باشد.[۱۶۳] برخی از نظام‌های تعارض قوانین داخلی کوشیده‌اند قانون حاکم بر مبنای قراردادی انتقال حق مالکیت بین اطراف قرارداد (*inter partes*) را با تأثیر انتقال مزبور بر اشخاص

---

تصمیم ذی‌ربطِ دیگر این است:

*Weil Cyriaque v. The German State,* Franco-German Mixed Arbitral Tribunal, 30 Oct. 1928, 9 RECUEIL DES DECISIONS DES TRIBUNAUX ARBITRAUX MIXTES INSTITUES PAR LES TRAITES DE PAIX 525,

در خصوص انتخاب بین قانون فرانسه و روسیه. *همچنین بنگرید به*

Jean-Paulin Niboyet, *Jurisprudence des tribunaux arbitraux mixtes*, 40 RECUEIL DES COURS 221, 224 (1932).

[161] Louis d'Avout, *Property and Proprietary Rights*, *in* 2 ENCYCLOPEDIA OF PRIVATE INTERNATIONAL LAW 1430 (Jürgen Basedow, et al. eds., 2017).

[162] *[L]oi de la source*.

*بنگرید به* برنارد آدیت و لوئیس داووت، پانوشت ۲۷۹، بالا، بند ۸۴۱

[163] PETER HAY, PATRICK J. BORCHERS, SYMEON C. SYMEONIDES, CONFLICT OF LAWS 1217-1222 (6th ed., West Publishing Co. 2018).

ثالث (*erga omnes*)، مانند بستانکارها، مقامات مالیاتی، و مدیران تصفیه ورشکستگی، که ممکن است خود منافعی در مال داشته باشند، یا افرادی که در صدد کسب مال هستند یا مال را کسب کرده‌اند، همساز کنند. دیگر نظام‌ها، مانند نظام تعارض قوانین آلمان به عنوان مثال از منشاء قراردادی چشم‌پوشی می‌کنند: حتی موقعی که قرارداد فروش باطل محسوب شود، خریدار می‌تواند، اگر بر اساس اصول «تفکیک» و «تجرید» محل وقوع مال آلمان یا قلمرو قضایی دیگری باشد، حق مالکیت را پیرو قانون محل وقوع مال کسب کند.

**۱۴۸** - با این حال، در تعداد زیادی از نظام‌های تعارض قوانین، به نظر می‌رسد که برای انتقال حق مالکیت، نیروی الزام‌آور قرارداد شرطی مقدم می‌باشد. در بعضی از نظام‌های تعارض قوانین، مانند نظام‌های فرانسه[۱۶۴] و بلژیک،[۱۶۵] قانون حاکم بر قرارداد فروش (*lex contractus*) بر انتقال حق مالکیت بین فروشنده و خریدار (*inter partes*) در اصل[۱۶۶] حاکم است؛ حال آن که این سؤال که آیا حق مالکیت نسبت به همه (*erga omnes*)، یعنی،

---

[۱۶۴] *بنگرید به* برنارد داووت و لوئیس آدیت، پانوشت ۱۵۷، بالا، بند ۸۴۵ (در صورتی‌که منافع طرف‌های ثالث در کار نباشد، قانون محل تنظیم قرارداد باید حاکم باشد)؛

DOMINIQUE BUREAU & HORATIA MUIR WATT, 2 DROIT INTERNATIONAL PRIVE ¶¶ 668-69 (4th ed. 2017); PIERRE MAYER & VINCENT HEUZE, DROIT INTERNATIONAL PRIVE ¶ 675 (11th ed. 2014).

[۱۶۵] در حالی‌که این راه‌حل که کسب حق مالکیت (ولی نه مضمون و نه اجرای آن حق عینی) تحت تأثیر قانون حاکم بر قرارداد اصلی، و در نتیجه، بر اصل اختیار طرفین داوری در انتخاب قواعد آئین داوری، قرار می‌گیرد، *در مقرره ذی‌ربط* (ماده ۸۷) منعکس *نیست* و توسط مفسران نیز بیان نشده است، مثال‌های توضیحی که در کارهای مقدماتی (*travaux préparatoires*) پارلمانی آمده تلویحاً حاکی از آن راه حل می‌باشند. در خصوص مورد اول، *بنگرید به*

MARC FALLON & FRANÇOIS RIGAUX, DROIT INTERNATIONAL PRIVÉ 673-675 (3rd ed. 2005); JOHAN ERAUW & HENRI STORME, BEGINSELEN VAN BELGISCH PRIVAATRECHT XVII, INTERNATIONAAL PRIVAATRECHT, paras. 550-551 (2009); Caroline Clijmans, Article 87 – Recht toepasselijk op zakelijke rechten 448-454, in JOHAN ERAUW, MARC FALLON, ERNA GULDIX, JOHAN MEEUSEN, MARTA PERTEGÁS SENDER, HANS VAN HOUTTE, NADINE WATTÉ, PATRICK WAUTELET, HET WETBOEK INTERNATIONAAL PRIVATRECHT BECOMMENTARIEËRD – LE CODE DE DROIT INTERNATIONAL PRIVÉ COMMENTÉ (2006)

در خصوص مورد دوم، *بنگرید به*

Sénat de Belgique, Session extraordinaire de 2003, 7 juillet 2003, Proposition de loi portant le Code de droit international privé, 3-27/1 at 114, 115.

[۱۶۶] *ولی همچنین بنگرید به* بند ۱۵۱، زیر.

با توجه به اشخاص ثالث دارای منافع یا با ادعاهای رقیب بابت همان اموال، انتقال یافته است یا خیر، تابع محل وقوع مال است.

۱۴۹ - دیوان، در این رابطه، ملاحظه می‌کند که ایالات متحده طی سال‌های متمادی روند داوری حاضر استدلال کرده بود که در تعیین این که آیا ایران حق مالکیت مال معینی را کسب کرده یا خیر، و بدین ترتیب این که آیا مال مزبور به منظور بند ۹ «متعلق به ایران» است یا خیر، مرجع اولیه باید قیود قرارداد اصلی بین فروشنده و خریدار ایرانی باشد. طبق اظهارات ایالات متحده، دیوان باید فقط در مواردی که قرارداد به موضوع حق مالکیت نمی‌پردازد یا تکلیف آن را روشن نمی‌کند به قانون حاکم بر قرارداد فروش (*lex contractus*) دست یازی کند. با این حال، ایالات متحده در جلسات استماع پرونده‌های حاضر بالأخره استدلال کرد که قانون داخلی دولتی که کالا در آن واقع می‌باشد (*lex situs*) است که تعیین می‌کند که آیا حق عینی معینی وجود دارد یا خیر، حدود آن حق چیست، و به چه کسانی تعلق می‌گیرد.

۱۵۰ - دیوان ملاحظه می‌کند که دیوان داوری مختلط بلژیک-آلمان طی تصمیم مورخ نهم اردیبهشت ۱۳۰۲ [۳۰ آوریل ۱۹۲۳] صراحتاً بین حق مالکیت نسبت به همگان (*erga omnes*) و بین طرفین (*inter partes*) تمایز گذاشته است:

> دیوان به اتفاق آراء بر این نظر است که قانون کشوری که مال، خواه منقول خواه غیرمنقول، در آن موجود است (*lex rei sitae*) *حداقل نسبت به طرف‌های ثالث* تنها قانونی است که بر انتقال حق مالکیت حاکم است ... گذشته از تأثیرات قراردادی که طرف‌ها منعقد کرده‌اند، یعنی با توجه به کسب حق مالکیت نسبت به طرف‌های ثالث – تنها مسأله موجود در این پرونده – متخصصان تعارض قوانین از کشورهای بسیار متنوعی – بلژیک، المان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، اتریش، یونان، سوئیس و غیره – قانون محل وقوع مال (*lex rei sitae*) را پذیرفته‌اند .... (ترجمه از اصل فرانسه)[۱۶۷]

[167] *Bartelous v. The German State,* German-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 30 Apr. 1923, 3 RECUEIL DES DECISIONS DES TRIBUNAUX ARBITRAUX MIXTES INSTITUES PAR LES TRAITES DE PIX 274, 277 (emphasis added). ("[L]e Tribunal estime que le droit en vigueur dans le pays où

۱۵۱- در حالی که تصمیم مزبور تأکید می‌کند که معیار تعیین‌کننده برای قاعده حل تعارض که به طور کلی قابل قبول باشد اثربخشی آن نسبت به طرف‌های ثالث است، اما شامل هیچ بیانی در این مورد نیست که دیوان، اگر سؤال مطروح این بود که آیا طرف دیگر قرارداد حق مالکیت را کسب کرده یا نه، باید چه معیاری را به کار می‌بست. به هر صورت، به نظر این دیوان، به نظر می‌رسد که جملات زیر از تصمیم حائز بیشترین اهمیت است:

> تنها آن [قاعده محل وقوع مال] می‌تواند به بلاتکلیفی‌هایی که در عمل پیش می‌آید پایان دهد، به خصوص نسبت به قراردادهایی که با مکاتبه منعقد شده‌اند، با نظریه‌ای که کسب مال را تابع تعیین قانونی می‌کند که خودِ فروش تابع آن است.[۱۶۸] (ترجمه از اصل فرانسه)

و بار دیگر حتماً برای مقاصد ما حائز اهمیت:

> این که حداکثر این قاعده، در پرتو *اصول کلی* حقوق، زمانی می‌تواند اصلاح شود که، مثل اینجا، مربوط به حذف یک شرط قانونی برای انتقال مال نباشد، بلکه برعکس مربوط به اضافه کردن شرط قراردادی به شرایط حقوق باشد، برای مثال وقتی که شیء در بلژیک قرار دارد و کسانی که در آلمان قرارداد منعقد می‌کنند توافق می‌کنند که حق مالکیت قبل از تحویل به خریدار صورت نخواهد پذیرفت.[۱۶۹] (ترجمه از اصل فرانسه، تأکید افزوده شده است.)

---

se trouve la chose (*lex rei sitae*) est le seul applicable au transfert de la propriété, *tout au moins à l'égard des tiers*. . . . Qu'abstraction faite des effets du contrat entre les parties, c'est, en ce qui concerne l'acquisition de la propriété à l'égard des tiers, seule en question en l'espèce, à l'unaminité que la *lex rei sitae* a été admise par les spécialistes du droit international privé, appartenant aux pays les plus divers – Belgique, Allemagne, France, Italie, Espagne, Autriche, Grèce, Suisse etc. . . . réunis à Madrid en 1911.").

[168] *Bartelous v. The German State*, German-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 30 Apr. 1923, 3 RECUEIL DES DECISIONS DES TRIBUNAUX ARBITRAUX MIXTES INSTITUES PAR LES TRAITES DE PAIX 274, 277 ("Qu'elle [the situs rule] seule peut mettre fin aux incertitudes que soulève en practique, notamment pour les contrats conclus par correspondence, la théorie qui fait dépendre l'acquisition de la proprieté de la determination du droit auquel est soumise la vente elle-même.").

[169] *Bartelous v. The German State*, German-Belgian Mixed Arbitral Tribunal, 30 Apr. 1923, 3 RECUEIL DES DECISIONS DES TRIBUNAUX ARBITRAUX MIXTES INSTITUES PAR LES TRAITES DE PAIX 274, 278 ("Que tout au plus cette règle peut-elle, en vertu de principes généraux du droit, recevoir un tempérament lorsqu'il s'agit, non pas comme ici, de supprimer une condition légale du transfert de propriété, mais au contraire d'ajouter une condition conventionelle aux conditions légales, quand par example, la chose se trouvant en Belgique, ceux qui contractent

به عبارت دیگر، دیوان بر این نظر بود که برای این‌که قاعده، یک اصل کلی تلقی شود، باید تصور کرد که طرف‌های قرارداد فروش اصلی می‌توانند شرایطی را که فقط قانون محل تنظیم قرارداد آن‌ها را می‌شناسد به نحو قراردادی *به* استلزامات حقوقی کسب حق مالکیت مندرج در قانون محل وقوع مال *اضافه کنند*. باز هم به عبارت دیگر، طرف‌ها می‌توانستند با توافق بر قابلیت اعمال اضافی استلزامات قانون محل وقوع مال و قانون محل تنظیم قرارداد، کسب حق مالکیت را دشوارتر کنند.

**۱۵۲** - در اکثر موارد، این واقعیت که برخی جنبه‌های فروش و انتقال حق مالکیت اموال تحت تأثیر قرارداد و قانون محل تنظیم قرارداد قرار می‌گیرد و جنبه‌های دیگر، تحت تأثیر قانون محل وقوع مال می‌باشد، تأثیر عملی ندارد، زیرا که در اکثر موارد، همان قانون داخلی به عنوان قانون محل تنظیم قرارداد و قانون محل وقوع مال قابل اعمال خواهد بود. با این‌حال، هر موقع که قانون محل تنظیم قرارداد و قانون محل وقوع مال یکسان نباشد، ممکن است لحظهٔ انتقال حق مالکیت به موجب قانون محل تنظیم قرارداد و لحظه انتقال به موجب محل وقوع مال متفاوت باشد.

**۱۵۳** - دیوان در این سیاق و با توجه مختصر به موضع *قانون ماهوی* نظام‌های حقوقی داخلی، ملاحظه می‌کند که دو رویکرد بر انتقال مالکیت اموال منقول حاکم است: یکی مبتنی بر تراضی و دیگری مبتنی بر تحویل. در نظام‌های «مبتنی بر تراضی»، حق مالکیت مال به عنوان یک قاعده تنها طبق موافقت‌نامه فروش منتقل می‌شود. هیچ نیازی به عناصر اضافی، مانند تسلیم، وجود ندارد تا انتقال حق مالکیت مؤثر باشد. نظام‌های حقوقی ایران[۱۷۰]،

---

en Allemagne conviennent que la propriété ne sera transmise à l'acheteur qu'à partir de la tradition.").

[۱۷۰] ماده ۳۳۹، بند ۱ ماده ۳۶۲، و ماده ۳۶۵ قانون مدنی ایران. *همچنین بنگرید به*:

SAYED HASSAN AMIN, COMMERCIAL LAW OF IRAN 50-53 (1986).

بلژیک[۱۷۱]، بلغارستان، قبرس، انگلیس و ولز[۱۷۲]، فرانسه[۱۷۳]، ایتالیا[۱۷۴]، مالت، لهستان، پرتقال[۱۷۵]، و اسکاتلند «مبتنی بر تراضی» می‌باشند.[۱۷۶]

**۱۵۴ -** دیوان به منظور تشریح حقوق ایران ملاحظه می‌کند که مطابق بخش جلد اول، کتاب دوم، قسمت دوم، باب سوم، فصل اول از قانون مدنی ایران، به عنوان یک قاعدهٔ کلی، حق مالکیت به محض انعقاد قرارداد فروش انتقال می‌یابد. تسلیم (جز برای ابطال قرارداد فروش (و انتقال حق مالکیت) در مواردی که کالاهای معینی نمی‌تواند تسلیم شود) تأثیری بر انتقال حق مالکیت ندارد. در حقوق قراردادهای ایران، ماده ۳۶۲-۱ قانون مدنی آن کشور مقرر می‌دارد که مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق نمایند «*به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک بیع* و بایع مالک ثمن *می‌شود*».[۱۷۷] مالکیت دارایی‌هایی که در زمان انعقاد قرارداد هنوز وجود ندارد به مجرد تولید و قابل شناسایی شدن انتقال می‌یابد.[۱۷۸]

**۱۵۵ -** به عنوان یک قاعده کلی، نظام حقوقی ایالات متحده و همچنین نظام‌های حقوقی اتریش، چین، جمهوری چک، استونی، آلمان، یونان، مجارستان، ژاپن، کره، لاتویا، لیتوانی، هلند، اسلوواکی، اسلوونی، اسپانیا، و سوئیس تسلیم یا یک به اصطلاح جایگزین «عینی» برای تحویل را برای انتقال حق مالکیت لازم می‌دانند. در ادعاهای

---

[۱۷۱] ماده ۱۱۳۸ قانون مدنی بلژیک.

[172] English Sale of Goods Act, 1979, s. 17; Rawlinson v. Mort (1905) 93 LT 555.
*همچنین بنگرید به*
Robert Stevens, *Party Autonomy and Property Rights*, *in* PARTY AUTONOMY IN INTERNATIONAL PROPERTY LAW 83, 94-95 (Roel Westrik & Jeroen van der Weide eds., 2011).

[173] Brigitta Lurger et al., *Acquisition and Loss of Ownership of Goods*, *in* 9 PRINCIPLES OF EUROPEAN LAW 488-509 (Sellier/Stämpfli 2011).

[۱۷۴] ماده ۱۳۷۶ قانون مدنی ایتالیا.

[۱۷۵] ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی پرتقال.

[۱۷۶] بریگیتا لورگر و دیگران، پانوشت شماره ۱۷۳، بالا، ص ص ۴۸۸-۵۰۹.

[۱۷۷] قانون مدنی ایران، ماده ۳۶۲-۱ (تأکید افزوده شده است).

[۱۷۸] *بنگرید به* ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (۱)، عقود معیّن، ص‌ص ۱۲۶-۱۲۷.

جداگانه مورد اختلاف در پرونده‌های حاضر، جایی که تحویل لازم است، این تحویل لازم نیست به خود ایران باشد. به عنوان مثال، ممکن است که حق مالکیت مالی وفق توافق طرفین هنگام تسلیم اموال به کارگزار حمل و نقل به ایران انتقال یابد.

۱۵۶ - دیوان مضافاً ملاحظه می‌کند که در تعدادی از نظام‌های «مبتنی بر تحویل» و نظام‌های «مبتنی بر تراضی»، طرفین مختارند از طریق قرارداد در مورد زمان انتقال حق مالکیت توافق کنند.[۱۷۹] به عنوان نمونه، در ایالات متحده، آزادی قرارداد به طرفین اجازه می‌دهد دربارهٔ لحظهٔ انتقال حق مالکیت مال تصمیم بگیرند.[۱۸۰] بخش‌های ۲-۴۰۱ (۱)-(۳) قانون تجارت متحدالشکل پیش و بیش از هر چیز مقرر می‌دارد که «حق مالکیت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد». حق مالکیت در مواردی که چنین توافقی صورت نگرفته باشد، با «تحویل فیزیکی کالا» انتقال می‌یابد. بدین ترتیب، وفق قانون تجارت متحدالشکل، طرفین آزادند صراحتاً توافق کنند که حق مالکیت در زمانی غیر از زمان تحویل انتقال یابد.[۱۸۱]

۱۵۷ - ایران استدلال کرده است که چنان‌چه دیوان قانون محل وقوع مال را اعمال کند، الزاماً حکم خواهد کرد که تحویل در ارتباط با اموال کسب‌شده که در ایالات متحده قرار دارد ملاک اساسی انتقال حق مالکیت می‌باشد. به نظر ایران، نتیجهٔ به کار بستن ملاک تحویل، مستثنی‌کردن اموال تحویل‌داده نشده از تعهد ایالات متحده خواهد

---

[179] Brigitta Lurger et al., supra note 173, at 467-88 & 567-80.

[۱۸۰] قانون تجارت متحدالشکل، بخش‌های ۲-۴۰۱ (۱)-(۳).

[۱۸۱] *همچنین بنگرید به*

*Sherman County Bank v. Kalhoff*, (1980) 288 N.W.2d 24, 205 Neb. 392; *Northwestern Flyers, Inc. v. Olson Brothers Manufacturing Co., Inc.*, C.A. Iowa (1982), 679 F.2d 1264.

بود، یعنی دقیقاً همان دسته از اموال که استردادشان به ایران منظور بوده است. بنابراین ایران ادعا می‌کند که چنین رویکردی، هدف تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ در خصوص انتقال کلیه اموال ایران را از میان می‌بَرد.

۱۵۸ - دیوان نمی‌تواند مدعیات ایران را بپذیرد. به نحوی که تحلیل دیوان در بالا نشان می‌دهد، این واقعیت که اموال خریداری‌شده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که در سرزمین ایالات متحده قرار داشته است ضرورتاً مستلزم این نتیجه‌گیری نیست که کلیه این اموال برای انتقال حق مالکیت به ایران باید عملاً به ایران تحویل داده می‌شد.

۱۵۹ - دیوان در این‌جا لحاظ‌کردن استدلال ایران در خصوص تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر تعیین محدودهٔ «اموال ایران» را سودمند می‌یابد. ایران استدلال کرده است که حوادث ناشی از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] و تغییر اوضاع و احوال که به عدم تحویل اقلام توسط طرف‌های آمریکایی قراردادها منتج شده، باید در تصمیم‌گیری دیوان در خصوص پرونده‌های حاضر، در مواردی که وفق قانون حاکم، تحویل موجب انتقال حق مالکیت می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. دیوان استدلال‌های ایران را قانع‌کننده نمی‌یابد. قابلیت اعمال اصل تغییر اوضاع و احوال به این بستگی خواهد داشت که آیا چنین اصلی مطابق قانون حاکم ذی‌ربط تلقی می‌شود یا خیر. دیوان در این خصوص خاطرنشان می‌کند که چنین استثنائی در نظام‌های حقوقی‌ای که تحویل را شرط انتقال حق مالکیت می‌شناسند، نیافته است.

۱۶۰ - دیوان در بازگشت به هدف خود مبنی بر شناسایی یک اصل کلی *حقوق بین‌الملل خصوصی*، و منطق آن، ملاحظه می‌کند هرچند که تحلیل تعارض قوانین مربوطه و تحلیل موضع مطابق با قانون ماهوی حاکم علی‌الأصول باید از یک‌دیگر تفکیک شود،[۱۸۲] اما این دو به هر حال به هم مرتبطند. دلیل آن عمدتاً این است که،

---

[۱۸۲] *بنگرید به* بند ۱۲۹، بالا.

همان‌طور که تأکید شده است، مالکیت یا حق مالکیت، به عنوان یک حق عینی، «مطلق» است.[۱۸۳] بر خلاف تعهدات یا حق‌های علیه اشخاص (*in personam*)، که حق‌های «نسبی» می‌باشند و متعهد آن‌ها را به متعهد له مدیون می‌باشد، مالکیت به متصرف، حق کنترل فوری و مطلق بر دارایی را، نه تنها نسبت به طرف دیگر معامله، مثلاً در قرارداد فروش (*inter partes*)، بلکه نسبت به هر شخص دیگری (*erga omnes*) می‌دهد.[۱۸۴] به لحاظ این خصیصه است که، همان‌گونه که در تمام نظام‌های حقوقی شناسایی شده است، در امور حقوق مالکیت نیاز خاصی بر امنیت حقوقی وجود دارد.

۱۶۱- در سطح تعارض قوانین، نیاز خاص بر امنیت حقوقی، با ترجیح قاطعانه‌ای برای محل وقوع مال ابراز گردیده است، یعنی، محلی که مال منقولی در نقطه زمانی ذی‌ربط در آن به عنوان عامل رابط موجود است. این ترجیح، ثبات مطلوبی را به ارمغان می‌آورد و بر اساس اختیار طرفین داوری، که اساس مرجحی است برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی، دستخوش دستکاری طرف‌های معامله قرار نمی‌گیرد. به همین خاطر است که اکثریت قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی، شامل حقوق ایران[۱۸۵]و حداقل به طور سنتی، تنفیح قوانین دوم ایالات متحده در خصوص تعارض قوانین،[۱۸۶] قاعده‌ای را انتخاب کرده‌اند که بر اساس آن، موضوعات مرتبط با حقوق

---

[۱۸۳] *بنگرید به* همانجا.

[۱۸٤] *بنگرید به* بند ۱۳۰، بالا.

[۱۸۵] *بنگرید به* بند ۱۴۴، بالا.

[۱۸۶] *بنگرید به* همانجا. در زمان‌های اخیر، محاکم ایالات متحده به ندرت، اگر اساساً چنین کنند، به قاعدهٔ قانون محل وقوع مال ارجاع داده‌اند؛ با این‌حال، این امر نتیجهٔ این است که هم انتقال حق مالکیت به واسطهٔ فروش و هم گرفتن تضمین در اموال منقول تحت حاکمیت بخش ۲ و ۹ قانون تجارت متحدالشکل، که در بسیاری ایالات پذیرفته شده‌اند، قرار دارد، و چون محاکم در پرونده‌های بین‌المللی در دورهٔ پسا انقلاب تعارض قوانین به اِعمال قانون محل دادگاه یا توسل به نوعی تحلیل نفع دولت تمایل دارند. بنگرید به تنقیح قوانین (دوم) از تعارض قوانین، بخش ۹ (اموال، موضوع ۳ (اموال منقول)، یادداشت گزارش‌گر، یادداشت مقدماتی و تیتر الف (واگذاری)، تعلیق‌های پ، ث (که به بخش ۶ (مهم‌ترین ارتباط) و، به ویژه، اهمیت «ارزش قطعیت، پیش‌بینی‌پذیری و وحدت در نتیجه» تأکید می‌کند) (۱۹۷۱؛ به روز شده در ژوئن ۲۰۱۸). برای دیدن موارد بسیار معدود پرونده‌های اخیر که در آن‌ها قاعدهٔ قانون محل وقوع بی‌درنگ اعمال شده است، *بنگرید به*

مالکیت و به ویژه، کسب حق مالکیت بر اموال منقول، تحت حاکمیت قانون محل وقوع مال می‌باشد.[۱۸۷] استدلالات پشتیبان آزادی قراردادیِ بیشتر – مخصوصاً در ارتباط با ایجاد و شناسایی حق وثیقه و حفظ حق مالکیت در معاملات فرامرزی جاهایی که با ثبت در دفاتر در معرض اطلاع عموم قرار می‌گیرد – که توسط بعضی مفسران در دهه ۱۹۷۰ [۱۳۴۸–۱۳۵۸] ارائه شده، مورد تأیید قانون‌گذارانی که عهده‌دار بررسی و طرح‌ریزی مجدد چنین شرط‌هایی بوده‌اند قرار نگرفته است.[۱۸۸] آن مواردی که مقننین حدی از آزادی را اعطا کرده‌اند، مثلاً در ماده ۱۰۴ (۱) قانون فدرال سوئیس در خصوص حقوق بین‌الملل خصوصی، دامنه آن محدود است: وفق مادهٔ ۱۱۶ (۲) انتخاب طرف‌ها باید صریح یا به نحو دیگر خالی از شبه باشد، و باید روشن شده باشد که منظور از انتخاب نه تنها تعیین قانون حاکم بر قرارداد بلکه همچنین جهات مالکانهٔ معامله است.[۱۸۹] همان‌گونه که خاطرنشان شده است،

---

Chih Shen Chen v. Inteplast Group Ltd., 11 F. Supp. 3d 824, 837 (S.D. Tex. 2014) and Schoeps v. Museum for Modern Art, 594 F. 2d 461, 468 (S.D.N.Y. 2009).

در پرونده *شوپس*، محکمه، در حالی که شناسایی کرد که، در شرایط عادی امور، قانون سوئیس به عنوان قانون محل وقوع انتقال باید اعمال شود، قانون نیویورک را اعمال کرد زیرا نقاشی مربوطه فوراً به نیویورک حمل و مبلغ آن با چک به بانکی نیویورکی پرداخت شده بود و بیش از ۷۰ سال در تصرف یک نهاد فرهنگی بزرگ نیویورکی قرار داشت. برای بررسی مختصر رویکردهای «قانون انسب» و «تحلیل منفعت» *بنگرید به*

David F. Cavers, *The Conditional Seller's Remedies and the Choice-of-Law Process – Some Notes on Shanahan*, 35 N.Y.U. L. Rev. 1126 (1960)

(که (در ص ۱۱۴۱) علیه «depeçage»، یعنی داشتن آثار بین طرفین قرارداد و آثار در مقابل اشخاص ثالث تحت حاکمیت قوانین متفاوت، هشدار می‌دهد.

[۱۸۷] *بنگرید به* بند ۱۴۴، بالا.

[۱۸۸] برای دیدن بحث و دلایل رد درخواست‌ها بر استقلال بیش‌تر طرف قرارداد، بنگرید به

Einführungsgesetz zum Bürgerlichen Gesetzbuche/IPR Arts. 43-46 (Internationales Sachenrecht), Article 43 nos. 14, 19 *et seq.*, *in* HEINZ-PETER MANSEL, JULIUS VON STAUDINGERS KOMMENTAR ZUM BÜRGERLICHEN GESETZBUCH MIT EINFÜHRUNGSGESETZ UND NEBENGESETZEN (Sellier-de Gruyter 2015); BERND VON HOFFMANN & KARSTEN THORN, INTERNATIONALES PRIVATRECHT § 12 nos. 1-12 (Beck, 9th ed. 2007).

[189] Bundesgericht [BGer] [Federal Supreme Court] 26 Jul. 2006, 6P.28/2006 (Switz.), at E.7.3; Anton Heini, Article 104 nos. 5, 9, *in* DANIEL GIRSBERGER, ANTON HEINI, MAX KELLER, JOLANTA KREN KOSTKIEWICZ, KURT SIEHR, FRANK FISCHER, PAUL VOLKEN, ZÜRCHER KOMMENTAR ZUM IPRG (Schulthess, 2d ed., 2004); Pius Fisch, Article 104 nos. 8, 13-18, *in* HEINRICH HONSELL, NEDIM PETER VOGT, ANTON K. SCHNYDER, STEPHEN V. BERTI, BASLER KOMMENTAR INTERNATIONALES PRIVATRECHT (Helbing & Lichtenhahn, 3rd ed. 2013).

تمایز بین رابطهٔ بین‌الطرفین (*inter partes*) و اثرات نسبت به همگان (*erga omnes*) منعکس‌کنندهٔ مصالحهٔ غیر مقتضی پذیرفته‌شده کنوانسیون ۱۹۵۸ [۱۳۳۶/۱۳۳۷] لاهه در خصوص قانون حاکم بر انتقال حق مالکیت در فروش‌های بین‌المللی اموال منقول است.[۱۹۰] هدف آن مصالحه پیوند دادن چهار شکاف بود: نخست، در سطح مذاکرات انواع حق هر دوی فروشنده و خریدار، و همچنین اشخاص ثالث که نیازمند این بود که مورد توجه قرار گیرد، ابتدائاً محل نزاع قرار گرفت. دوم، کسب حق مالکیت از شخص غیرمالک و قواعد مربوطه متنوع و مهم در قانون ماهوی نظام‌های حقوقی نیازمند بررسی بود. سوم، این مسئله بود که آیا وضعیت‌های ورشکستگی باید مدنظر قرار گیرد یا خیر. چهارم و از همه اساسی‌تر، این که کنوانسیون مذکور باید اساساً روابط بین طرفین (*inter partes*) را مدنظر قرار دهد یا خیر، مسئله‌ای که توسط کشورهای اروپای شمالی که حقوق ماهوی‌شان، که مبتنی بر میراث حقوق روم نیست و با هیچ مشکلی که در این خصوص شایان تنظیم باشد روبه‌رو نمی‌شود، رد شد.[۱۹۱] این سند صرفاً توسط یک دولت تصویب و به طور کلی برای نیازهای تجاری امروزی ناکافی در نظر گرفته می‌شود.[۱۹۲] شایان ذکر است که، از میان حوزه‌های قضایی بسیاری که حقوق بین‌الملل خصوصی در جریان دهه‌های میانی مورد تدوین قرار گرفته، به نظر می‌رسد تنها بلژیک از آن مثال پیروی کرده است.[۱۹۳]

---

[190] Convention sur la loi applicable au transfert de la propriété en cas de vente à caractère international d'objets mobiliers corporel (15 Apr. 1958).

[191] *Rapport de la Commission Spéciale présenté par M. G. van Hecke, in* CONFERENCE DE LA HAYE DE DROIT INTERNATIONAL PRIVE, DOCUMENTS RELATIFS A LA HUITIEME SESSION 3 AU 24 OCTOBRE 1956 6 *et seq.* (ed. Bureau Permanent de la Conférence, La Haye, 1957); ACTES DE LA HUITIEME SESSION, 3 AU 24 OCTOBRE 1956 p. 21-94 (at 24, 76 and *passim*) (éd. Bureau Permanent de la Conférence, La Haye, 1957) (*see* the Delegate Alten (Norway): "… *le transfert de propriété entre parties ne présente aucun intérêt*").

[۱۹۲] فیش، پانوشت ۱۸۹، بالا در یادداشت ۱۵. تنها دولتی که کنوانسیون لاهه ۱۹۵۸ را تصویب کرد (ایتالیا) قواعد آن را در اساس‌نامهٔ حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۹۵ خود اجرا نکرد، *بنگرید به* بند ۱۴۴، بالا.

[۱۹۳] *بنگرید به* پانوشت ۱۶۵، بالا.

۱۶۲ - دلیل اصلی عدم پیروی از نمونهٔ فرانسه و بلژیک، به وضوح، این است که آن نمونه با تصمیم دیوان مبنی بر این‌که باید یک اصلی *کلّی* حقوق بین‌الملل خصوصی را شناسایی و اعمال کند، ناسازگار است. صرف تعداد نظام‌های تعارض قوانینی که پیرو قاعدهٔ قانون محل وقوع مال هستند،[۱۹۴] گویای امر می‌باشد. به علاوه، و تقریباً به همان اندازه مهم، حتی آموزهٔ فرانسوی مسائل جدی‌ای دربارهٔ این رویکرد مطرح می‌کند که نمی‌توان به آن‌ها به روشی رضایت‌مندانه پاسخ گفت. به نحوی قابل ملاحظه، وفق دیدگاه نویسندگان صاحب‌نظر، قاعده‌ای که تفوق را با توجه به رابطهٔ بین طرفین به قانون محل انعقاد قرارداد می‌دهد در جایی اعمال نمی‌شود که قانون محل وقوع مال به نوبهٔ خود چنان تفکیکی نکرده باشد.[۱۹۵] دوم، به نظر می‌رسد که نویسندگان فرانسوی، هر جا مناسب ببینند، اعمال قواعد قانون محل وقوع مال را در لباس قوانین آمره «*lois de police*»، یا قواعد مداخله‌گر، در قبال قانون قراردادی انتخاب شده عنوان می‌کنند.[۱۹۶] سوم، این قاعده که قانون حاکم بر قرارداد می‌تواند بین طرفین بر انتقال حق مالکیت نیز حاکم باشد، موکول به این شرط است که هیچ شخص ثالثی وجود ندارد که نفعی در این داشته باشد که توانسته باشد وضعیت حقوقی را به آسانی با تأیید سادهٔ مبتنی بر ظواهر احراز نماید.[۱۹۷] گروه‌هایی از اشخاص ثالث که به نحو مرسوم در این سیاق ذکر شده‌اند طلبکاران، مدیران ورشکستگی، اشخاص خواهان کسب نفع در مال، و مقامات مالیاتی هستند. معروض داشته شده است که سایر مقامات عمومی که مال منقولی را وفق مجوزی که ریشه در حقوق عمومی دارد ضبط کرده‌اند یا خواهان ضبط آن هستند نیز باید در قبال مخاطرات ارزیابی بر مبنای ظواهر گم‌راه‌کننده مورد حمایت قرار گیرند. طرفین در مورد هیچ یک از این مسائل بحث‌انگیز و بسیار ظریف استدلال نکرده یا به مراجعی استناد ننموده‌اند.

---

[۱۹۴] *بنگرید به* بند ۱۴۴، بالا.

[۱۹۵] *بنگرید به* پییر مایر و وینسنت هوزه، پانوشت ۱۶۴، بالا، یادداشت ۶۷۷.

[۱۹۶] *بنگرید به* همانجا، یادداشت‌های ۶۷۰، ۶۷۵.

[۱۹۷] *بنگرید به* همانجا، یادداشت‌های ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۷۶.

**۱۶۳ -** تمرکز مختصر و مجدد بر اصول و قواعد حل تعارض ایالات متحده و ایران به نظر می‌رسد که سخن نهایی را چنین رقم می‌زند: ایالات متحده، در حالی که *به طور کلّی* اصل قانون محل وقوع مال را به عنوان راه‌حل قانون تکمیلی در فرض عدم انتخاب مؤثر قانون توسط طرفین می‌پذیرد (بخش ۲۴۴ (۲) تنقیح قوانین[۱۹۸])، به طور خاص در ارتباط با کسب حق مالکیت بر مبنای *قرارداد فروش*، با قانون تجارت متحدالشکل هم‌سو است که در بخش ۴۰۱-۲ (۲) مقرر می‌دارد که، *جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد*، حق مالکیت در زمان و مکانی به خریدار منتقل می‌شود که فروشنده تعهد خود را با تسلیم فیزیکی کالا کامل کند. به تعبیر دیگر، انتخاب مؤثر (و صریح) بر اصل تکمیلی قابلیت اعمال قانون محل وقوع مال غلبه می‌یابد. در مقابل قواعد حل تعارض ایران[۱۹۹]به نظر بیش‌تر «کلاسیک» و «محافظه‌کارانه» است، زیرا ماده **۹۶۶** قانون مدنی ایران، بر خلاف سایر قواعد حل تعارض،[۲۰۰]برای موارد تعارض‌های متحرک (*conflits mobiles*) یا مواردی که در آن‌ها استلزامات کسب حق مالکیت ممکن است از قلمروهای قضایی متفاوتی، یکی پس از دیگری، حاصل آیند،[۲۰۱] راه حلی ارائه نمی‌کند و در عوض بر صِرفِ قابلیت اعمال قانون محل وقوع اولیه تأکید می‌کند.

---

[۱۹۸] بخش ۲۴۴ تنقیح (اعتبار و اثر واگذاری نفع در مال منقول) مقرر می‌دارد:

(۱) اعتبار و اثر انتقال نفع در مال منقول میان طرفین انتقال به واسطهٔ قانون محلی ایالتی تعیین می‌شود که، در خصوص آن مورد خاص، ذیل اصول مذکور در بخش ۶، مهم‌ترین رابطه را با طرفین، مال منقول مذکور و انتقال دارد.

(۲) در نبود قانون مؤثر انتخابی توسط طرفین، در تعیین ایالت قانون حاکم، معمولاً اهمیت بیش‌تر به مکان مال منقول، یا گروه اموال منقول، در زمان انتقال داده می‌شود تا سایر ارتباطات.

[۱۹۹] *بنگرید به* بند ۱۴۴، بالا، پانوشت ۱۵۵.

[۲۰۰] Loi portant le Code de droit internationale privé [قانون حاوی کد حقوق بین‌الملل خصوصی] مورخ ۲۶ تیر ۱۳۸۳ [۱۶ ژوئیه ۲۰۰۴]، ماده ۸۷، بخش ۱ (بلژیک) (به صورت ضمنی)؛ Einführungsgesetz zum Bürgerlichen Gesetzbuch [قانون اعلام قانون مدنی]، ماده ۴۳ (۲) و (۳) (آلمان)؛ Burgerlijk Wetboek [قانون مدنی] مواد ۱۰:۱۲۷ (۵) و ۱۰:۱۳۰ (هلند).

[۲۰۱] Einführungsgesetz zum Bürgerlichen Gesetzbuch [قانون اعلام قانون مدنی]، ماده (۳) ۴۳ (آلمان).

۱۶۴ - در پرتو مراتب پیش‌گفته، دیوان تصمیم می‌گیرد که قانون محل وقوع مال، یک اصل جهان‌شمول یا کلی حقوق بین‌الملل خصوصی است، و قانون ماهوی حاکم بر انتقال حق مالکیت باید وفق آن اصل احراز شود.

(۲) تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر در خصوص اموال عینی ایران

*(الف) مقدمه*

۱۶۵ - بند ۹ بیانیه عمومی مقرر می‌دارد:

> با پذیرش این بیانیه و بیانیهٔ حل و فصل ادعاها منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و با صدور گواهی مشروح در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده بر اساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد.

۱۶۶ - ایران در تأیید ادعاهای خود در این پرونده‌ها همچنین به اصل کلی الف بیانیه عمومی استناد می‌کند که به نوبه خود مقرر می‌دارد:

> درچهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیهٔ دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، ایالات متحده حتی‌الامکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) باز خواهد گرداند. در این چهارچوب ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیهٔ دارائی‌های ایران موجود در قلمرو قضائی خود را به شرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تأمین نماید.

۱۶۷ - دیوان در بند ۷۷ (الف) (بخش اجرائی) حکم شماره ۵۲۹ تعهد بند ۹ ایالات متحده را به شرح آتی تشریح می‌کند:

> تعهدات ایالات متحده طبق بیانیه عمومی مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به اموال عینی ایران، اولاً این بود که محدودیت‌هایی را که آن دولت طی دوره ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به تحرک و آزادی انتقال آن اموال

برقرار کرده بود، رفع کند و دارندگان آن اموال را که مشمول قلمرو قضایی آن دولت بودند ملزم نماید اموال مزبور را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند انتقال دهند و ثانیاً اقداماتی به عمل آورد تا مطمئناً طبق الزام مزبور عمل شود.[۲۰۲]

۱۶۸ - نتیجه‌گیری فوق در ادامهٔ یافته دیوان در بند ۴۰ همان حکم، جایی که دیوان مقرر داشت تعهد ایالات متحده در بند ۹ سه مشکل دارد به شرح زیر است:

ایالات متحده متعهد بود که اولاً کلیه محدودیت‌هائی را که در فاصله ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به تحرک و آزادی انتقال اموال عینی ایران برقرار کرده بود رفع کند و ثانیاً اشخاص مشمول قلمرو قضایی خود را که اموال ایران را در تصرف داشتند، ملزم نماید آن اموال را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند، انتقال دهند. به علاوه، گرچه تعهد به دادن «ترتیبات لازم» برای انتقال اموال، شامل این تعهد نمی‌شد که ایالات متحده رأساً اموال ایران را به ایران بفرستد، اما ایالات متحده متعهد بود اقداماتی به عمل آورد تا اطمینان حاصل شود که دارندگان اموال آن‌ها را به ترتیبی که ایران تعیین می‌کند به ایران انتقال خواهند داد.[۲۰۳]

۱۶۹ - بنابراین مطابق تفسیر دیوان، بند ۹ سه شاخه دارد: نخست، رفع محدودیت‌هایی که در طی دوران انسداد بر تحرک و انتقال آزاد اموال منقول ایران تحمیل کرده بود؛ دوم، صدور دستور برای متصرفین اموال که اموال را مطابق دستورالعمل به ایران انتقال دهند؛ سوم، با دریافت رهنمود از ایران برای حصول اطمینان از این‌که متصرفین اموال آن‌ها را به ایران انتقال می‌دهند اقداماتی معمول دارد. بدین‌قرار، دیوان تفسیر بند ۹ را بر هر یک از ادعاهای جداگانه اعمال خواهد کرد.

*(ب) تاریخ ایجاد تعهد ایالات متحده در بند ۹*

۱۷۰ - اکنون دیوان به زمان‌سنجی ایالات متحده در بند ۹، یعنی مسئله زمان ایجاد آن تعهد می‌پردازد.

---

[۲۰۲] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۲۰۳] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۵-۱۲۶.

*(یک) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۱ - ایران استدلال می‌کند که در پرتو جمله‌بندی بند ۹ و نیز با مقایسه جمله‌بندی بند ۲ تا ۸ بیانیه عمومی، تعهدات ایالات متحده ذیل بند ۹ با الحاق ایران و ایالات متحده به بیانیه‌های الجزایر و تأیید خروج امن ۵۲ تبعه ایالات متحده از ایران که در سفارت ایالات متحده در تهران بازداشت شده بودند توسط دولت الجزایر، وفق بند ۳ بیانیه عمومی کلید خورد. بنابراین تعهد مذکور با لازم‌الاجرا شدن بیانیه‌های الجزایر، یعنی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به وجود آمد. ایران همچنین استدلال می‌کند که طرفین هرگز توافقی برای اعطای مهلت اضافه به ایالات متحده برای ایفای تعهدش در بند ۹ به عمل نیاوردند. به نظر ایران، مؤیّد این امر این واقعیت است که ایالات متحده ایفای تعهد خود را با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ با اثر آنی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] آغاز کرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۲ - ایالات متحده مدعی است که تاریخ هرگونه نقض تعهد بند ۹ در هر ادعا متفاوت و «تاریخی است که ایران تمام قدمهای لازم را جهت انجام اقدامات آمریکا برداشته باشد... و بعد از آن آمریکا مهلت کافی برای انجام تعهدات خود داشته و آنها را انجام [نـ] داده». ایالات متحده استدلال می‌کند که مضافاً، از هیچ‌یک از طرفین توقع نمی‌رفت که بی‌درنگ مبادرت به اقدام کنند؛ بدین‌قرار دیوان، همان‌گونه که در تصمیمات پیشین خود در نظر داشته، باید حداقل قائل باشد که به نحو معقول دوره‌ی زمانی کوتاهی دوره‌ی مجاز و لازم بوده تا ایالات متحده تعهد خود را پس از ایجاد آن تعهد برای انجام اقدامات بیشتر جهت فراهم کردن ترتیب انتقال هر یک از اموال

ایفا کند.[۲۰۴] وفق اظهارات ایالات متحده «شش ماه پس از تاریخی که ایران موجبات اقدامات ایالات متحده را فراهم آورد کوتاه‌ترین دوره زمانی معقولی است که می‌شد از ایالات متحده توقع اقدامی داشت».

*(دو) تصمیم دیوان*

۱۷۳ - دیوان خاطرنشان می‌کند که جمله مقدماتی بند ۹ این مطلب را روشن می‌کند که تعهد ایالات متحده برای فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموال ایران «با پذیرش [بیانیه‌های الجزایر] توسط ایران و ایالات متحده، و با صدور گواهی مشروح در بند ۳... توسط دولت الجزایر [آغاز می‌شد]». بنابراین دیوان مقرر می‌دارد که تعهد ایالات متحده در بند ۹ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ایجاد شده است.

۱۷۴ - ایالات متحده در آن تاریخ در موضع آغاز ایفای تعهداتش بود و در واقع دو بخش از تعهداتش در بیانیهٔ عمومی در ارتباط با اموال عینی ایران، یعنی برداشتن کلیه محدودیت‌هایی که بر تحرک و انتقال آزاد آن اموال در دورهٔ انسداد تحمیل کرده بود و دادن دستورالعمل به متصرفین چنین اموالی مبنی بر انتقال آن‌ها به ایران وفق دستورالعمل دولت ایران را ایفا کرده بود. ایالات متحده مشخصاً با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ با اثر اجرایی آنی، به تعهد خود عمل کرد. دستور اجرایی، به متصرفین اموال ایران دستور می‌داد و آن‌ها را ملزم می‌کرد که اموال را وفق دستورالعمل ایران انتقال دهند، و موانع موجود در آن زمان برای انتقال چنین اموالی را مرتفع سازند.[۲۰۵] مطابق یافته‌های دیوان در حکم شماره ۵۲۹،[۲۰۶] نه تنها دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ بیانیه‌های الجزایر را

---

[۲۰۴] ایالات متحده به حکم شمارهٔ ۵۹۰، بندهای ۱۰۷، ۱۰۹، و ۱۱۰، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص‌ص ۱۳۹–۱۴۰ ارجاع می‌دهد.

[۲۰۵] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۱، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۶.

[۲۰۶] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۱، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۶.

نقض نکرده، بلکه در واقع این دستور مستند اجرای بخش‌های نخست و دوم تعهدات ایالات متحده در بند ۹ است. این تعهد متعاقباً در نتیجه صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری نقض شد.

۱۷۵ - با این حال، این نتیجه‌گیری که ایالات متحده همچنین متعهد بوده که ترتیباتی اتخاذ کند تا اطمینان حاصل کند که متصرفین اموال ایران چنین اموالی را ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران انتقال دهند، نامعقول به نظر می‌رسد. خوانش سادهٔ بند ۹ یا اصل کلی الف از چنین نتیجه‌گیری پشتیبانی نمی‌کند. یافته‌های مندرج در حکم شماره ۵۲۹ که ایران را ملزم به دادن دستورالعمل به متصرفین اموال و همچنین مطلع کردن ایالات متحده از نیاز به مساعدت می‌داند نیز مؤید برداشت فوق نیست.

۱۷۶ - از آن‌جا که بند ۹ به زمانی که ایالات متحده می‌بایست اقدامات بیشتر را به عمل آورد، اشاره‌ای نکرده است، دیوان از اصل کلی حسن نیت در تفسیر مدد می‌گیرد، که مستلزم این نتیجه‌گیری است که، در مواردی که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری به عنوان علت عدم انتقال تلقی نمی‌شود، دیوان برای تعیین این‌که در چه زمانی ایالات متحده می‌بایست در پرتو اوضاع و احوال مشخص هر یک از ادعاهای جداگانه اقدامات اضافی را به عمل می‌آورد، به تحلیل یک به یک ادعاها خواهد پرداخت. دیوان متقاعد نشده است که بشود «مهلت اضافیِ» از پیش مشخصی را در پرونده‌های حاضر معین کرد.

۱۷۷ - بر این اساس، این سؤال که ایالات متحده دقیقاً در کدام برهه زمانی در موضع ایفای بخش سوم تعهد بند ۹ قرار گرفته – یعنی با دادن اطلاع توسط ایران اقداماتی به عمل آورد تا اطمینان حاصل کند که دارندگان اموال ایران آن اموال را به ایران انتقال خواهند داد – به گونه‌ای انتزاعی قابل پاسخ‌گویی نیست و وابسته به اوضاع و احوال خاص هر یک از ادعاهای جداگانه می‌باشد.

*(پ) ماهیت تعهد ایالات متحده در بند ۹*

۱۷۸ - دیوان اکنون به تحلیل ماهیت تعهد بند ۹ می‌پردازد. طرفین در خصوص ماهیت ویژه تعهد، یعنی این که آیا تعهد مذکور «فراهم آوردن ترتیبات ... برای انتقال» تعهد به نتیجه است یا تعهد به فعل، اختلاف نظر دارند. دیوان استدلالات اصلی طرفین را ذیلاً بیان می‌کند.

*(یک) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۹ - ایران مدعی است که تعهد بند ۹ ایالات متحده تعهد به نتیجه است. در واقع، ایران ادعا می‌کند که دیوان قبلاً تعهد یاد شده را به این صورت توصیف کرده است. ایران با استناد به یافته‌های حکم شماره ۵۲۹ اعتقاد دارد که کافی نبود که ایالات متحده فقط با وضع قانون دستور انتقال را بدهد، بلکه باید اقداماتی به عمل می‌آورد تا اطمینان حاصل کند که انتقال در واقع صورت گرفته است. ایران در پاسخ استدلال‌های ایالات متحده[۲۰۷] ادعا می‌کند که کاربرد اصطلاح «اقداماتی به عمل آورد» توسط دیوان در حکم شماره ۵۲۹ بدین معنی نیست که دیوان قصد داشته تعهد بند ۹ ایالات متحده را به تعهد به فعل، یعنی برداشتن گام‌های معقول «تقلیل دهد».

۱۸۰ - ایران بر این موضع است که ساخت بند ۹ برداشت ایالات متحده از تعهد بند ۹ به عنوان تعهد به فعل را تأیید نمی‌کند، زیرا این بند به اقدامات معقول یا حداکثر تلاش اشاره نمی‌کند. مطابق اظهارات ایران، اگر قصد طرفین در بند ۹ محدود کردن تعهد به حداکثر تلاش بود، آن‌ها زبان مناسبی برای حصول این منظور به کار می‌بردند.

---

[۲۰۷] *بنگرید به* بند ۱۸۴، زیر.

۱۸۱ - مضافاً وفق اظهارات ایران، این واقعیت که در توان دولت فدرال ایالات متحده بود که دستور انتقال اموال ایران به آن کشور را بدهد و از انجام آن انتقال، اطمینان حاصل کند، درست مانند اختیار دولت که قبلاً برای انسداد اموال ایران اعمال شده بود، حاکی از تعهد به نتیجه است تا تعهد به فعل. ایران در تأیید نظر خود به متن دستور اجرایی ۱۲۲۸۱[۲۰۸] استناد می‌کند که به نظر ایران دقیقاً بر همان شالوده استوار است.

۱۸۲ - ایران به علاوه در تأیید نظر خود به اصل کلی الف به عنوان تعهد به نتیجه از جانب ایالات متحده استناد می‌کند. ایران اصل کلی الف را اضافه بر تعهدات اختصاصی خود، به عنوان تشکیل دهندهٔ بخش مهمی از زمینه بند ۹ می‌داند. در همین راستا ایران استدلال می‌کند که حکم دیوان در پرونده الف-۱۱ («حکم شماره ۵۹۷»)[۲۰۹] همچنین حاکی از آن است که تعهد بند ۹ ایالات متحده تعهد به نتیجه است. در این ارتباط، ایران مواد دوم و سوم بیانیه عمومی که فراگیر بند ۹ است را به واسطهٔ توصیف دیوان از آن مواد در حکم شماره ۵۹۷ در مقابل مادهٔ چهارم بیانیه عمومی قرار می‌دهد. دیوان در عبارات مورد استناد ایران از آن حکم خاطرنشان می‌کند که طرفین از جمله در ارتباط با مواد دو و سه «مکانیزم دقیقی برقرار کردند که از طریق آن، ایالات متحده ترتیبات یا موجبات بازگرداندن دارایی‌های مزبور را به ایران فراهم نماید».[۲۱۰] دیوان در حکم شماره ۵۹۷ همچنین خاطرنشان کرد که،

> در حالی که در مواد دو و سه، ایالات متحده عهده‌دار تعهدی به نتیجه شد – یعنی، تعهد کرد که موجبات یا ترتیبات بازگرداندن پاره‌ای دارایی‌های مشخص متعلق به ایران را به ایران فراهم آورد – در ماده چهار، ایالات متحده عهده‌دار تعهدی به عمل یا وسیله شد – یعنی تعهد کرد که در دعاوی مربوط به دارایی‌های خانواده پهلوی به نحو مذکور در بندهای ۱۲ تا ۱۵ بیانیه عمومی، به ایران مساعدت کند.[۲۱۱]

---

[۲۰۸] *بنگرید به* بند ۱۱، بالا.

[۲۰۹] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-الف۱۱-۵۹۷ (۱۹ فروردین ۱۳۷۹ [هفتم آوریل ۲۰۰۰])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۶، ص ۸۴.

[۲۱۰] حکم شماره ۵۹۷، بند ۱۹۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۶، ص ۱۳۳.

[۲۱۱] حکم شماره ۵۹۷، بند ۱۹۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۶، ص ۱۳۳.

**۱۸۳ -** ایالات متحده به نوبه خود توصیف ایران از تعهد بند ۹ ایالات متحده به عنوان تعهد به نتیجه را به دلایل مختلف، از جمله دلایل آتی، مورد اعتراض قرار می‌دهد. نخست، ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که حکم شماره ۵۲۹ بیان مشخصی به شرح آتی دارد: «تعهد به دادن «ترتیبات لازم» برای انتقال اموال، شامل این تعهد نمی‌شد که ایالات متحده رأساً اموال ایران را به ایران بفرستد».[۲۱۲] چنین یافته‌ای به نظر ایالات متحده مغایر توصیف تعهد بند ۹ ایالات متحده به عنوان تعهد به نتیجه می‌باشد.

**۱۸۴ -** دوم، ایالات متحده در بند ۴۰ حکم شماره ۵۲۹ که به تشریح تعهدات بند ۹ پرداخته، رد شدن چنین توصیفی را به روشنی مشاهده می‌کند. مطابق اظهارات ایالات متحده، در دو شاخهٔ نخست آن تعهد، چنان که دیوان شناسایی کرده – یعنی «کلیه محدودیت‌هائی را که در فاصله ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به تحرک و آزادی انتقال اموال عینی ایران برقرار کرده بود رفع کند» و «اشخاص مشمول قلمرو قضایی خود را که اموال ایران را در تصرف داشتند، ملزم نماید آن اموال را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند، انتقال دهند»،[۲۱۳] به نظر دیوان، با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مورد متابعت ایالات متحده قرار گرفته است. بدین لحاظ ایالات متحده استدلال می‌کند که تنها تعهدی که بر دوش ایالات متحده باقی مانده بوده، به بیان حکم یاد شده عبارت بود از این‌که ایالات متحده «اقداماتی به عمل آورد تا اطمینان حاصل شود که دارندگان اموال آن‌ها را به ترتیبی که ایران تعیین می‌کند به ایران انتقال خواهند داد».[۲۱۴] وفق اظهارات ایالات متحده ماهیت تعهد «اقداماتی به عمل آورد» به روشنی تعهد به فعل است نه نتیجه.

---

[۲۱۲] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۶.

[۲۱۳] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، صص ۱۲۵–۱۲۶. *بنگرید به* بند ۲۷، بالا.

[۲۱۴] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۵. *بنگرید به* بند ۲۷، بالا.

۱۸۵ - ایالات متحده مضافاً به ادعای ایران در خصوص ذی‌ربط بودن حکم شماره ۵۹۷ در این سیاق اعتراض دارد. از دیدگاه ایالات متحده، تحلیل دیوان از تعهدات آن دولت ذیل مواد دوم و سوم، انجام شده به منظور مقایسه آن تعهدات با تعهدات مندرج در ماده چهار، مشخصاً مربوط به تعهد بند ۹ نمی‌باشد و نتیجتاً امکان هر گونه استنباطی در خصوص ماهیت تعهد را منتفی می‌کند.

۱۸۶ - ایالات متحده مضافاً خاطرنشان می‌کند که متن اصل کلی الف و به ویژه بیان اصطلاحِ «در حدی که امکان داشته باشد» مندرج در آن، شاخصه‌ای مهم به عنوان مبنایی برای این نتیجه‌گیری می‌باشد که تعهد از نوع «تلاش معقول» بوده است.

۱۸۷ - به طور خلاصه، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که توصیف تعهد ایالات متحده در بند ۹ به عنوان تعهد به نتیجه ماهیتاً نادرست است و به هر تقدیر در این پرونده‌ها خالی از فایده عملی است.

*(دو) تصمیم دیوان*

۱۸۸ - دیوان تمایل به موافقت با اظهارات اخیر ایالات متحده دارد. در واقع، تفکیک بین تعهد به نتیجه و تعهد به فعل در نظام‌های سنت حقوق نوشته ریشه‌دار است و بدواً بیش از همه توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل به حقوق مسؤولیت دولت‌ها در ارتباط با اَعمال متخلفانه بین‌المللی تسری یافته بوده است.[۲۱۵] گاه توصیف برخی تعهدات

---

[۲۱۵] *Obligation de résultat/obligation de moyens* در زبان فرانسه؛ *Erfolgspflicht/Verhaltenspflicht* در زبان آلمانی؛

*Draft Articles on State Responsibility, arts. 20, 21 and 23 (provisionally adopted on first reading), in Report of the International Law Commission on the Work of its Forty-Eighth Session,* U.N. GAOR, 51st Sess., Supp. No. 10, U.N. Doc. A/51/10 (1996), *reprinted in* [1996] 2(2) Y.B. INT'L L. COMM. 1, 60-61.

برای انتقاد از به کارگیری تفکیک مزبور در حقوق مسؤولیت دولت، *بنگرید به*

Pierre-Marie Dupuy, *Reviewing the Difficulties of Codification: On Ago's Classification of Obligations of Means and Obligations of Result in Relation with State Responsibility*, 10 (2) EUR. J. INT'L L. 371 (1999).

ممکن است در رسیدن به نتیجه در نقض تعهد خاصی به دیوان مدد برساند. در موضوع تعهد به نتیجه، تعهد مستلزم نتیجهٔ مشخصی است و نقض تعهد صرف‌نظر از تلاش‌ها و اقدامات انجام شده، با عدم حصول آن نتیجه خاص احراز می‌شود. در موضوع تعهد به فعل، نقض تعهد با انجام ندادن فعل مندرج در تعهد توسط دولت، صرف‌نظر از نتیجه مشخص احراز می‌شود.

**۱۸۹** - با این حال، طبقه بندی تعهدات به تعهد به نتیجه و تعهد به فعل در مواد راجع به مسؤولیت دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی کمیسیون حقوق بین‌الملل، که در خوانش دوم در سال ۱۳۸۰ [۲۰۰۱] پذیرفته شده است، به منظور تسهیل امر تدوین کنار گذاشته شد.[۲۱۶] به این مطلب علی‌الخصوص توجه شد که در حقوق مسؤولیت دولت‌ها، آثار خاصی بر تفکیک نقض تعهد خواه به فعل یا به نتیجه بار نمی‌شود.[۲۱۷] بنابراین، این تفکیک درچارچوب مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل فاقد فایدهٔ عملی تلقی شد، به ویژه این‌که تفکیک قاطع بین این دو تعهد در چارچوب حقوق بین‌الملل که تعهدات مختلط یا با ماهیت پیچیده را مورد توجه قرار می‌دهد، مشکل‌ساز است. هر چند دیوان‌های بین‌المللی از جمله این دیوان در مواردی بین تعهد به فعل و تعهد به نتیجه قائل به تفکیک شده‌اند،[۲۱۸] در چارچوب خاص پرونده‌های حاضر، طبقه بندی یاد شده در ارزیابی نقض ادعایی بند ۹ توسط ایالات متحده بی‌ثمر است. به گونه‌ای که ذیلاً ملاحظه خواهد شد، احراز نقض تعهد ایالات متحده در بند ۹

---

[۲۱۶] *بنگرید به*

*Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, in Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-Third Session*, U.N. GAOR, 56th Sess., Supp. No. 10, U.N. Doc. A/56/10, *reprinted in* [2001] 2(2) Y.B. INT'L L. COMM. 1 at 26-143 (with commentaries thereto).

همچنین *بنگرید به* پیوست قطعنامه ۵۶/۸۳ مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ مجمع عمومی، تصحیح شده توسط مدرک زیر:

A/56/49 (Vol. I/Corr.4).

[۲۱۷] بر خلاف حقوق فرانسه، که در آن ماهیت تعهد تعیین‌کنندهٔ برخی از قواعد مربوط به بار اثبات و ادله می‌باشد.

[۲۱۸] *به عنوان مثال، بنگرید به* حکم شماره ۵۹۰، بند ۹۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۱۳۶. همچنین *بنگرید به*

Request for Interpretation of the Judgment of 31 March 2004 in the Case concerning Avena and Other Mexican Nationals (Mex. v. U.S.), Judgment, 2009 I.C.J. 12, para. 27 (19 Jan.).

بیش‌تر به اوضاع و احوال هر یک از ادعاهای مشخص بستگی دارد و نمی‌توان قاعدهٔ کلی برای آن وضع کرد. در مواردی، عدم انتقال برخی از اموال می‌تواند منتج به یافتهٔ نقض تعهد ایالات متحده نباشد، حال آن‌که در موارد دیگر ممکن است نقض تعهد ایالات متحده در بند ۹ احراز شود حتی در مورد اموالی که سرانجام به ایران انتقال یافته‌اند.

**۱۹۰ -** پس از ملاحظه استدلالات موسع طرفین، تلقی دیوان این است که عبارات «ترتیبات لازم ... برای انتقال ... خواهد داد» بار معنایی حقوقی مشخصی ندارد؛ به ویژه، این عبارت به دیوان اجازه نمی‌دهد که نتیجه بگیرد که تعهد مندرج در بند ۹ تعهد به فعل یا به نتیجه است. به نظر دیوان، مفروض است که طرفین تا جایی که به تعهدات ایالات متحده مربوط می‌شود بیش‌تر عبارات کلی و منعطفی را برگزیده‌اند. هر چند شایان توجه است که اصطلاح «ترتیبات لازم را دادن» در مفهوم عرفی آن «سامان دادن»، «حصول اطمینان از این‌که (چیزی) انجام یا تأمین شود» است، در سیاق مشخص پرونده‌های حاضر، این تعریف‌ها به خودی خود به دیوان اجازهٔ تعیین محتوای ملموس تعهد مربوطه در معانی حقوقی را با قاطعیت کافی نمی‌دهد.

**۱۹۱ -** براین اساس، دیوان در قالب پرونده‌های حاضر مناسب تشخیص نمی‌دهد که با چنین کلیتی اتخاذ تصمیم کند؛ به همین منوال دیوان مقرر نمی‌کند که تصمیمات دیوان در احکام پیشین لزوماً حکمی کلی در تأیید یا ردّ مسئله تحمیل می‌کند. به گونه‌ای که ذیلاً ملاحظه خواهد شد در پرتو نتایج حاصله در تک تک ادعاها، دیوان نظر می‌دهد که محتوای عینی تعهد بند ۹ ایالات متحده به اوضاع و احوال خاص حاکم بر هر ادعای جداگانه محدود شده است.

(۳) نقش انتسابی به ایران در بند ۹

*(الف) اظهارات طرفین*

**۱۹۲ -** دیوان در خصوص نقش منتسب به ایران در بند ۹ کار خود را با بازگو کردن اظهارات ایالات متحده آغاز می‌کند زیرا بسیاری از اظهارات ایران در پاسخ به نکات مطروحه توسط ایالات متحده عنوان شده است.

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۹۳ -** ایالات متحده با تکیه بر بندهای ۷۷ (الف) و ۴۰ حکم شماره ۵۲۹ [۲۱۹] ادعا می‌کند که تعهدش در بند ۹ منوط به انجام دو اقدام از جانب ایران است. نخست، ایران باید دستورالعمل لازم را به دارندهٔ هر فقره از اموال خود در ایالات متحده می‌داده تا وی اموال را به ایران انتقال دهد؛ و دوم، فقط در صورتی که مشخص می‌شد دادن دستورالعمل تأثیری نداشته، متعاقباً ایران باید مراتب را به اطلاع ایالات متحده می‌رساند تا آن دولت اقداماتی برای حصول اطمینان از انتقال مال مورد نظر معمول دارد. وفق اظهارات ایالات متحده چنین «دستورالعمل» و چنین «به اطلاع رساندنی» موجد تعهدی برای ایران است، و ایران به عنوان خواهان، بار اثبات صدور دستورالعمل به دارندگان مال و مطلع کردن ایالات متحده را بردوش دارد.

**۱۹۴ -** ایالات متحده تصدیق می‌کند که وفق بندهای ۷۷ (الف) و ۴۰ حکم شماره ۵۲۹ مسؤولیت داشته که اقداماتی جهت حصول اطمینان از این‌که دارندگان اموال ایران آن‌ها را به ایران انتقال دهند به عمل آورد.[۲۲۰] با این حال، این تعهد فقط زمانی به وجود می‌آمد که ایران دستورالعمل را به دارندگان اموال و اطلاع را به ایالات متحده داده باشد و هر دوی این اقدامات در واقع اقدامات ضروری مبتنی بر حسن نیت است تا امکان انتقال اموال

---

[۲۱۹] حکم شماره ۵۲۹، بندهای ۴۰ و ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۵–۱۲۶ و ۱۴۰. *بنگرید به* بندهای ۲۷ و ۱۶۷ بالا.

[۲۲۰] *بنگرید به* بندهای ۱۰ و ۱۶، بالا.

به ایران فراهم آید. ایالات متحده اظهار می‌دارد که هیچ‌گونه تعهدی برای تحقیق و شناسایی همه اموال ایران در قلمرو قضائی خود که می‌توانسته مشمول بند ۹ باشد، ندارد.

**۱۹۵ -** به نظر ایالات متحده، دستورالعمل ایران به دارندگان اموال آن کشور شامل هر گونه اقدامی می‌شد که برای فراهم آوردن امکان انتقال آن اموال، از جمله اعلام هویت و آدرس حمل دریافت‌کننده دولتی آن اموال و در موارد لزوم پرداخت هزینه حمل آن‌ها، ضرورت داشته است. ایالات متحده ادعا می‌کند که نه تنها دادن دستورالعمل ایران به دارندگان اموال، پیش‌شرط ضروری تعهدات دیگر ایالات متحده در بند ۹ بوده، بلکه به عنوان یک موضوع عملی ضروری هم بوده است. فزون بر این، ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که نه تنها حکم شماره ۵۲۹، بلکه دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ نیز مشخصاً متذکر این نکته می‌شود که ایران مکلف به دادن دستورالعمل به دارندگان اموال بوده است. بدین‌قرار ایران پیشاپیش در زمان مذاکره بیانیه‌های الجزایر می‌دانست که قبل از استناد به تعهد ایالات متحده در بند ۹ لازم بوده چنین اقدامی را معمول دارد.

**۱۹۶ -** ایالات متحده همچنین مدعی است که اگر دادن دستورالعمل به متصرف توسط ایران به انتقال اموال آن کشور نمی‌انجامید، ایران وفق بند ۹ مکلف بود مراتب را به اطلاع ایالات متحده برساند که باید اقداماتی برای حصول اطمینان از انتقال اموال معمول دارد؛ تنها در آن زمان تعهد ایالات متحده «برای به عمل آوردن اقدامات» حال می‌شد. ایالات متحده در پشتیبانی از نظر خود به بند ۴۰ حکم شماره ۵۲۹ استناد می‌کند که طی آن دیوان مقرر داشته که «ایالات متحده متعهد بود اقداماتی به عمل آورد تا اطمینان حاصل شود که دارندگان اموال، آن‌ها را به ترتیبی که ایران تعیین می‌کند به ایران انتقال خواهند داد».[۲۲۱] وفق اظهارات ایالات متحده، چنین اطلاع

[۲۲۱] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۵-۱۲۶.

رسانی‌ای توسط ایران عملاً ضرورت داشت چرا که ایالات متحده یا نمی‌دانست کدام اموال ایران در قلمرو قضائی آن کشور قرار داشته، یا نمی‌دانست چه اموالی نیازمند اقدامات بیشتر برای نهایی‌کردن انتقال بوده است.

**۱۹۷** - ایالات متحده در پاسخ به استدلال‌های ایران[۲۲۲] منکر آن است که از طریق آمارگیری اموال انسدادی ایران که در ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] و ۱۳۶۱ [۱۹۸۲][۲۲۳] انجام شد، نسبت به کلیه اموال ایران واقع در ایالات متحده آگاهی یافته است. ایالات متحده تا جایی که گزارش‌های آماری باعث شناسایی اموال ایران شد، این اطلاعات را در اختیار ایران قرار داد.[۲۲۴] با این حال، هدف از آمارگیری، شناسایی اموال عینی ایران در قلمرو قضائی ایالات متحده نبود؛ بدین‌قرار گزارش‌های آماری نمی‌توانست اطلاعات جامعی در این خصوص در اختیار قرار دهد. ایالات متحده ادامه می‌دهد که در عوض، هدف از آمارگیری به دست آوردن اطلاعاتی دربارهٔ طرف‌های قراردادی ایران و منافع مالی درگیر در آن قراردادها بود تا بدین‌وسیله بینشی دربارهٔ ادعاهای احتمالی ایران حاصل شود. علاوه بر این، آمارگیری نمی‌توانست و نتوانست شامل همه اموال ایران در قلمرو قضائی ایالات متحده باشد، زیرا آمارگیری مزبور به گرفتن اطلاعات دقیق از افراد خصوصی متکی بود. بر اساس اظهارات ایالات متحده، این واقعیت که در سال ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] آن دولت نسبت به بیش از ۸۰ درصد از اموالی که در ادعاهای پرونده‌های حاضر توسط ایران مشخص شده بی‌اطلاع بود، ادعای فوق را مدلل می‌سازد.

*اظهارات ایران*

**۱۹۸** - ایران منکر هر گونه پیش‌شرط برای ایفای تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ است و به ویژه، منکر این است که ایران برای فعال شدن آن تعهد باید اقداماتی را معمول می‌داشت. ایران با نقل قول بند ۱۵۲ حکم شماره ۶۰۱

---

[۲۲۲] *بنگرید به* بند ۱۹۹، زیر.

[۲۲۳] *بنگرید به* بندهای ۱۰ و ۱۶، بالا.

[۲۲۴] *بنگرید به* بند ۲۲، بالا.

ادعا می‌کند که «تنها عاملی که برای تحقق تعهد انتقال لازم بود این بود که اموال «ایرانی» باشد، به این مفهوم که منحصراً متعلق به ایران بوده باشد».[۲۲۵] تعهد اصلی بر دوش ایالات متحده بود که محدودیت‌ها را از کلیه اموال ایران رفع کند، به متصرفین دستور انتقال آن‌ها را بدهد، و اطمینان حاصل کند که متصرفین از این دستورالعمل‌ها متابعت می‌کنند.

**۱۹۹** - فزون بر این، ایران مدعی است که ایالات متحده در خصوص اموال ایران در قلمرو قضائی‌اش از طریق دستور انسداد اموال ایران مورخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] آگاهی یافت.[۲۲۶] مضافاً، ایران استدلال می‌کند که برای دیوان باید مفروض باشد که ایالات متحده از طریق آمارگیری ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] و ۱۳۶۱ [۱۹۸۲] از وجود آن اموال آگاهی یافته بود.[۲۲۷] بدین‌قرار، ایران بر این موضع است که عملاً هیچ گونه نیاز عملی به انجام اقدامی از جانب ایران برای شروع روند انتقال به ویژه دادن اطلاع به ایالات متحده وجود نداشت.

**۲۰۰** - ایران همچنین ادعا می‌کند که با توجه به این‌که ایالات متحده، همان‌طور که خود پذیرفته، مرتب با خواهان‌ها و طرف قراردادهای ایالات متحده در تماس بوده، کاملاً قادر بوده تعهد بند ۹ خود را ایفا کند. به علاوه، با قبول چنین تعهدی در بیانیه‌های الجزایر، باید مفروض باشد که ایالات متحده توان اجرای آن و همچنین توان شناسایی اموال ایران و فراهم آوردن ترتیب انتقال آن‌ها به ایران را داشته است.

**۲۰۱** - از این رو، ایران مدعی است که وفق بند ۷۷ (الف) حکم شماره **۵۲۹**، ایران در دادن نوعی دستورالعمل به متصرفین اموال ایران در خصوص انتقال، صرفاً نقش محدودی داشته است. ایران بر این موضع است که در واقع، در موارد زیادی، قراردادهای موردی که با متصرفین اموال منعقد کرده بوده حاوی دستورالعمل‌های لازم

---

[۲۲۵] حکم شماره ۶۰۱، بند ۱۵۲، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۲۵۷.

[۲۲۶] *بنگرید به* بندهای ۸–۹، بالا.

[۲۲۷] *بنگرید به* بندهای ۱۰ و ۱۶، بالا.

بوده است. مع‌هذا اگر متصرفین اموال به اطلاعات اجرایی دربارهٔ حمل نیاز داشتند، ایالات متحده باید آن‌ها را از ایران درخواست و کسب می‌نمود.

**۲۰۲ -** مضافاً، ایران استدلال می‌کند که به هر تقدیر مقررات غیرقانونی خزانه‌داری مورخ هفتم اسفند **۱۳۵۹** [**۲۶** فوریه **۱۹۸۱**] انتقال اموال ایران را به ایران بسیار سخت و چه بسا غیرممکن کرد؛ از این رو، دادن دستورالعمل به متصرفین اموال ایران بیهوده بود.

*(ب) تصمیم دیوان*

**۲۰۳ -** دیوان در بند **۴۰** حکم شماره **۵۲۹** مقرر داشت که بند **۹** ایالات متحده را ملزم می‌کند که «اشخاص مشمول قلمرو قضایی خود را که اموال ایران را در تصرف داشتند، ملزم نماید آن اموال را *به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند، انتقال دهند*» و «اقداماتی به عمل آورد تا اطمینان حاصل شود که متصرفین اموال آن‌ها را *به ترتیبی که ایران تعیین می‌کند* به ایران انتقال خواهند داد»[۲۲۸] (تأکید افزوده شده است). باید خاطرنشان کرد که دستور اجرایی شماره **۱۲۲۸۱** در خصوص دستورالعمل ایران به متصرفین اموال ایران کمابیش زبانی یکسان دارد: دستور یاد شده متصرفین اموال ایران را ملزم به انتقال آن‌ها «به ترتیبی که دولت ایران ... پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این دستور تعیین می‌کند» می‌ساخت.[۲۲۹] دیوان در حکم شماره **۵۲۹** با ملاحظه این‌که هر دو طرف دستور اجرایی شماره **۱۲۲۸۱** را در مطابقت با بیانیه‌های الجزایر می‌دانند، نتیجه گرفت که دستور اجرایی «به شرح مقرر

---

[۲۲۸] حکم شماره **۵۲۹**، بند **۴۰**، گزارش آراء دیوان داوری، ج **۲۸**، ص ص **۱۲۵**–**۱۲۶**. همچنین بنگرید به بند **۷۷** (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج **۲۸**، ص **۱۴۰** و بند **۲۷** و پانوشت **۲۱**، بالا.

[۲۲۹] *بنگرید به* بند **۱۱**، بالا.

در بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، از لحاظ تفسیر معاهده، بخشی از «رویه» معاهده محسوب می‌شود».[۲۳۰]

**۲۰۴ -** دیوان پیش‌تر در این حکم جزئی مقرر داشت که تعهد مندرج در بند ۹ ایالات متحده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] *به وجود آمد*، بی‌آن که آن را به هیچ‌گونه اقدامی از سوی ایران منوط کند.[۲۳۱] نقل قول پیش‌گفته از بند ۴۰ حکم شماره ۵۲۹ این نتیجه را به ارمغان می‌آورد که، با در نظر گرفتن برخی استثنائات،[۲۳۲] این‌که آیا ایالات متحده تعهد مشخص خود در انجام اقداماتی برای حصول اطمینان از این‌که متصرفین اموال ایران در قلمرو قضائی آن دولت آن اموال را به ایران انتقال می‌دهند[۲۳۳] *ایفا* کرده است یا خیر بستگی دارد به (یک) این‌که آیا ایران اطلاعات لازم را برای انجام انتقال در اختیار متصرفین اموال قرار داده بوده یا خیر و (دو) این‌که آیا ایران به ایالات متحده اطلاع داده بوده که متصرفین از انتقال اموالی به ایران خودداری می‌کنند که وفق دستورالعمل انتقال مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ باید منتقل می‌شدند.

**۲۰۵ -** به نظر دیوان دادن دستورالعمل به متصرفین اموال و اطلاع به دولت ایالات متحده تعهدات حقوقی لازم‌الاجرای ایران ذیل بند ۹ تلقی نمی‌شود، زیرا تنها متعهد ذیل این مقرره ایالات متحده است. به بیان دقیق، دادن دستورالعمل و اطلاع باری بر دوش ایران برای حفظ منافع خود بود، به این معنی که، در نبود چنین عمل کردی، اصولاً، مسؤولیت ایالات متحده برای انجام اقدامات جهت حصول اطمینان از این‌که متصرفین، اموال ایران را به ایران انتقال دهند، به وجود نمی‌آید.[۲۳۴] به نحو اساسی‌تر، دستورالعمل و اطلاع به عنوان امری عملی

---

[۲۳۰] حکم شماره ۵۲۹، بند ۴۸، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۹. همچنین *بنگرید به* بند ۲۹، بالا.

[۲۳۱] *بنگرید به* بند ۱۷۳، بالا.

[۲۳۲] *بنگرید به* بندهای ۲۰۷-۲۰۸، زیر.

[۲۳۳] *بنگرید به* بند ۲۷، بالا.

[۲۳۴] در این معنی، دادن دستورالعمل و آگهی شبیه مفهوم حقوقی تعهد ناقص (*Obliegenheit*) در، به عنوان مثال، حقوق خصوصی سوئیس و آلمان است، یعنی الزامی بر این که متعهدله آن چه را که برای میسر ساختن ایفای تعهد توسط متعهد لازم است، انجام

ضرورت دارد. به عنوان مثال، بدون داشتن دستورالعمل از ایران، نمی‌شد از متصرف مال انتظار داشت که بداند هر بخش از اموال را برای چه کسی و به کدام نشانی بفرستد. به لحاظ تغییرات بعد از انقلاب اسلامی، از متصرفین اموال به نحو معقول انتظار نمی‌رفت که به دستورالعمل‌هایی که قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] دریافت کرده بودند اتکا کنند.

۲۰۶ - مضافاً، در نبود اطلاع از جانب ایران، اصولاً، ایالات متحده نمی‌توانست از وجود اموال مشخصی در قلمرو قضائی خود مطلع شود و بداند که متصرفین، آن‌ها را مطابق دستورالعمل دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به ایران انتقال نداده‌اند. در واقع، ایالات متحده فقط در صورتی می‌توانست با انجام اقداماتی در جهت حصول اطمینان از انجام انتقال توسط متصرفین تعهد خود را ایفا کند که در واقع از وجود چنین اموالی اطلاع می‌داشت. در این ارتباط، به نحو معقول نمی‌شد از ایالات متحده توقع داشت که اموال ایران در قلمرو قضائی خود که متصرفین مطابق دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ آن را انتقال نداده بودند را جست‌وجو و شناسایی کند.

۲۰۷ - دیوان تأیید می‌کند که در شرایطی که صدور دستورالعمل به متصرفین مال یا دادن اطلاع به ایالات متحده غیرضروری یا بیهوده بوده، به نحو معقول از ایران انتظار نمی‌رفته که آن اقدامات را معمول دارد. برای مثال، دستورالعمل به متصرف مال در مواردی که دارنده می‌دانسته مال باید برای چه کسی و به چه نشانی حمل شود، غیر ضروری بوده است. به همین منوال، در مواردی که ایالات متحده از منابع دیگر مطلع شده بود – برای نمونه،

---

دهد. به عنوان مثال، تحت یک قرارداد بیمه، در صورت بروز یک واقعه بیمه شده، بیمه‌گر متعهد است از بیمه‌گذار جبران خسارت کند. با این حال، برای ایفای این تعهد، بیمه‌گر نیازمند همکاری بیمه‌گذار در گزارش واقعه بیمه شده می‌باشد؛ بدون چنین همکاری، بیمه‌گر نمی‌تواند تعهد خود را ایفا نماید. به عنوان مثال *بنگرید به*

ANDREAS VON TUHR & HANS PETER, 1 ALLGEMEINER TEIL DES SCHWEIZERISCHEN OBLIGATIONENRECHTS 12-13 (1979) .

توسط خودِ متصرفین اموال یا از طریق رسیدگی‌ها در دیوان – که علی‌رغم دستورالعمل ایران به یکی از متصرفین اموال، اموال خاصی که متعلق به ایران است حمل نشده، دادن اطلاع توسط ایران غیرضروری تلقی می‌شد.

**۲۰۸ -** فزون بر این، در مواردی که اموال ایران در قلمرو قضائی ایالات متحده توسط متصرفین اموال بر مبنای بخش **۳۳۳–۵۳۵** مقررات غیرقانونی خزانه‌داری توقیف شده بود، دادن دستورالعمل به متصرفین اموال و اطلاع به ایالات متحده توسط ایران بیهوده می‌بود. همان‌گونه که خاطرنشان شد، بخش یاد شده از مقررات خزانه‌داری به متصرفین اموال ایران اجازه داد که بر اساس هر گونه حق حبس، دفاع، ادعای تقابل، تهاتر یا دلایل مشابه، حق تصرف ایران را مورد معارضه قرار دهند.[۲۳۵] ایالات متحده با وضع بخش **۳۳۳–۵۳۵** و حفظ آن آشکار ساخت که اموالی که در آن‌ها حق تصرف ایران به این‌صورت از جانب متصرف مال مورد معارضه بوده از دستور انتقال دستور اجرایی شماره **۱۲۲۸۱** مستثنی شده بود. بدین‌قرار حتی اگر ایران به متصرفین چنین اموالی دستورالعمل و به ایالات متحده اطلاع می‌داد، ایالات متحده ترتیب انتقال آن مال به ایران را نمی‌داد. از این رو، در صدور دستورالعمل و دادن اطلاع توسط ایران در خصوص اموال مورد تعارض چشم اندازی برای توفیق وجود نداشت.

**۲۰۹ -** ضروری یا بیهوده بودن یا نبودنِ دادن دستورالعمل ایران به متصرف مال یا اطلاع به ایالات متحده باید در هر ادعای جداگانه با عنایت به ادله عرضه‌شده تعیین شود.

**۲۱۰ -** فزون بر این، دیوان نمی‌تواند استدلال ایران بر اساس گزارش‌های آماری **۱۳۵۹** [**۱۹۸۰**] و **۱۳۶۱** [**۱۹۸۲**] را بپذیرد.[۲۳۶] گزارش‌های آماری در زمرهٔ ادله موجود در این پرونده‌ها نیست. هر چند دیوان با درخواست‌های ایران بابت الزام به دادن مدارک گزارش‌های آماری در مرحله نخست این رسیدگی‌ها موافقت نکرد، هیچ چیز مانع ایران در ارائه درخواستی تازه بابت دادن آن‌ها در مرحلهٔ دوم، زمانی‌که ملاحظات مغایر با دادن مدارک در

---

[۲۳۵] *بنگرید به* بند **۳۲**، بالا.

[۲۳۶] *بنگرید به* بند **۱۹۹**، بالا.

ابتداری امر دیگر وجود نداشت، نبود.[۲۳۷] با این حال ایران تصمیم گرفت چنین درخواستی نکند. در این اوضاع و احوال، دیوان حاضر نیست در خصوص تهیه کننده و محتوای گزارش‌های آماری به ظن و گمان دست یازد.

**۲۱۱ -** دیوان در عالم انتزاع به توصیف این‌که چه چیزی دستورالعمل کافی توسط ایران به متصرفین، یا چه چیزی دادن اطلاع توسط ایران به ایالات متحده تلقی می‌شود، نخواهد پرداخت. به همین منوال دیوان برای تشریح روشی که ایالات متحده مطابق آن باید «ترتیبات ... برای انتقال» اموال به ایران را می‌داد، تلاش نخواهد کرد. در عوض، دیوان در سیاق مشخص اوضاع و احوال هر ادعای جداگانه این مسائل را تعیین خواهد کرد. در این راستا، دیوان در هر ادعای جداگانه به این سؤال خواهد پرداخت که آیا ایالات متحده هر چه به نحو معقول در توان داشته را در ایفای تعهد مندرج در بند ۹ مبنی بر اقداماتی جهت حصول اطمینان از انتقال اموال ایران به ایران، با لحاظ اطلاعاتی که ایالات متحده دربارهٔ اموال موضوع ادعای ایران در اختیار داشت، انجام داده است یا خیر.[۲۳۸]

*(۴) ادعای جایگزین ایران وفق بند ۸ بیانیه عمومی*

*(الف) اظهارات طرفین*

**۲۱۲ -** دیوان استدلال ایران مبنی بر این‌که اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ شامل طلب‌ها از جمله وجوه نقد و دیون قابل پرداخت توسط طرف‌های قراردادی خصوصی به ایران نیز می‌باشد را رد کرده است.[۲۳۹] ایران به نحو جایگزین استدلال کرده است که اگر وجوه نقدی پرداخت‌شده به این افراد مشمول بند ۹ نباشند، در این صورت، در هر حال، باید مشمول تعهدات ایالات متحده در بند ۸ بیانیه عمومی («بند ۸») باشند. بند ۸ در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد:

---

[۲۳۷] *بنگرید به* بند ۲۱، بالا.

[۲۳۸] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

[۲۳۹] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا. همچنین *بنگرید به* بندهای ۸۲۸–۸۲۹ و پانوشت ۴۷۵، زیر.

با پذیرش این بیانیه و بیانیهٔ حل و فصل ادعاها ... توسط ایران و ایالات متحده، و به دنبال پایان یافتن ترتیبات مربوط به گشایش حساب تضمینی ...، ایالات متحده علاوه بر دارائی‌هائی که در بندهای ۵ و ۶ بالا [۲۴۰] به آن‌ها اشاره گردید، در مورد انتقال تمام اموال ایران (یعنی وجوه و اوراق بهادار) که در ایالات متحده و در خارج از آن کشور موجود است، به بانک مرکزی [یعنی بانک انگلستان[۲۴۱]] اقدام خواهد کرد؛ تا زمانی که انتقال و یا برگشت آن طبق بند ۳ بالا الزام‌آور گردد.

بند ۳ بیانیه عمومی به نوبه خود در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد:

چنانچه دولت الجزایر نزد بانک مرکزی گواهی خروج ایمن ۵۲ تبعهٔ ایالات متحده را از ایران صادر نماید، بانک مرکزی الجزایر بر اساس آن به بانک مرکزی دستور خواهد داد فوراً تمام وجوه و دیگر دارائی‌های موجود در حساب امانی نزد بانک مرکزی را بر اساس این بیانیه منتقل نماید ...

**۲۱۳** - ایران ادعای جایگزین خود بر اساس بند ۸ را برای نخستین بار در لایحه و ادله معارض مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ [۱۷ مه ۲۰۰۶] خود مطرح و در جلسه استماع پیگیری کرد.

*ایرادهای شکلی*

**۲۱۴** - ایالات متحده به قابلیت استماع ادعای بند ۸ ایران، از جمله، با این استدلال ایراد کرده است که این ادّعا ادعای غیرمجاز جدیدی است که مغایر ماده ۲۰ قواعد دیوان است. وفق اظهارات ایالات متحده، تأخیر غیرمعقول ایران در پیگیری این ادعا ایالات متحده را در موضع زیان قرار داده است. در نتیجه، ایالات متحده بر این موضع است که ادعای مبتنی بر بند ۸ ایران با تأخیر ثبت شده و باید مردود اعلام شود.

---

[۲۴۰] بندهای ۵ و ۶ بیانیه عمومی به ترتیب مربوط می‌شود به «دارائیهای نزد شعب خارجی بانکهای امریکائی» و «دارائیهای نزد شعب بانکهای امریکائی در امریکا».

[۲۴۱] *بنگرید به* تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۳؛ موافقت‌نامه امانی، ۳۰ دی ۱۳۵۹ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۱]، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۶.

۲۱۵ - در پاسخ، ایران منکر جدید بودن ادعای بند ۸ یا با تأخیر ثبت شدن آن می‌باشد. در مقابل، این ادعا ادعایی جایگزین مبتنی بر نظریه حقوقی متفاوتی می‌باشد. فزون بر این، طرفین در دادخواهی‌های کتبی و شفاهی خود به طور موسع به بحث پرداخته‌اند؛ بنابراین ایالات متحده فرصت کافی داشته که به این موضوع بپردازد. ایران ادعا می‌کند که نتیجتاً، از استناد ایران به بند ۸ زیانی متوجه ایالات متحده نشده است.

*اظهارات ایران*

۲۱۶ - ایران در مورد ماهیت ادعای بند ۸ خود استدلال می‌کند که مبالغ نقدی که برای خرید اموال به طرف‌های قراردادهای خصوصی پرداخت «دارایی‌های مالی ایران» به مفهوم بند ۸ هستند، چرا که چنین وجوهی مشمول بندهای ۵ و ۶ بیانیه عمومی («بندهای ۵ و ۶») نبوده و در ایالات متحده نگه داشته شده‌اند. از این رو، ایران اظهار می‌دارد که ایالات متحده مکلف است وفق بند ۸ ترتیب انتقال این مبالغ نقدی به ایران را بدهد.

۲۱۷ - ایران ادعا می‌کند که همان‌گونه که ایالات متحده مدعی است، هدف اصلی بند ۸ می‌تواند این باشد که سپرده‌ها و اوراق بهادار که در بانک‌های خارجی خواه در شعب مستقر در ایالات متحده یا خارج آن نگه‌داری شده را پوشش دهد.[۲۴۲] ایران بر این موضع است که مع‌هذا وجوه نقدی که ایران به طرف‌های قراردادی آمریکایی به عنوان پیش پرداخت پرداخته است «دارایی‌های مالی ایران» به حساب می‌آید، هر چند که در بانک‌های ایالات متحده «در حساب‌هایی به نام طرف‌های قراردادی است». وفق اظهارات ایران، چنین وجوه نقدی که در بانک‌های ایالات متحده است هر چند که «به نام ایران نیست»، دینی به نفع ایران است که در نتیجه به عنوان دارایی مالی ایران به مفهوم بند ۸ تلقی می‌شود.

*اظهارات ایالات متحده*

---

[۲۴۲] *بنگرید به* بند ۲۲۰، زیر.

۲۱۸ - ایالات متحده منکر این است که وجوه نقدی که ایران به طرف‌های قراردادی خصوصی پرداخته است «دارایی مالی ایران» به مفهوم بند ۸ تلقی شود. در تأیید این نظر، ایالات متحده چندین دلیل می‌آورد. نخست، ایالات متحده استدلال می‌کند که چنین وجوه نقدی مطابق آن‌چه بند ۸ لازم دانسته در مالکیت ایران نیست.

۲۱۹ - دوم، حتی اگر فرضاً این مالکیت مشکلی نداشت، از نظر حقوقی امکان انتقال آن وجوه به بانک انگلستان و نگه‌داری در حساب امانی نبود؛[۲۴۳] از این رو، این وجوه نمی‌توانست در چارچوب بند ۸ قرار گیرد. وفق اظهارات ایالات متحده، دلیل چنین استنباطی این است که طرف‌های تجاری ایران نمی‌توانستند به جای ایفای تعهدات قراردادی خود در قبال ایران (که ممکن بود شامل تحویل اموال عینی مشخص شده در قرارداد باشد)، به طور یک‌جانبه، قراردادهای خود با ایران را فسخ کنند و هرگونه پیش‌پرداخت دریافت شده ذیل قراردادها را به بانک انگلستان انتقال دهند.

۲۲۰ - فزون بر این، ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که بند ۸ سپرده‌ها و اوراق بهادار نگه‌داری شده در شعب خارجی و داخلی بانک‌های ایالات متحدهٔ ایران را صراحتاً از چارچوب خود مستثنی می‌کند؛ این سپرده‌ها و اوراق بهادار، در عوض به ترتیب، تحت پوشش بندهای ۵ و ۶ قرار دارند.[۲۴۴] بدین‌قرار، وفق اظهارات ایالات متحده، تفسیری مبتنی بر سیاق نشان می‌دهد که هدف بند ۸ انتقال کلیه مبالغ و اوراق بهادار موجود در بانک‌های خارجی اعم از شعب داخل و خارج ایالات متحده به بانک انگلستان مشروط به قرار داشتن چنین مبالغ یا اوراق بهاداری در قلمرو قضایی ایالات متحده بود.

---

[۲۴۳] *بنگرید به* بند ۲۱۲، بالا.

[۲۴۴] *بنگرید به* پانوشت ۲۴۱، بالا.

*(ب) تصمیم دیوان*

**۲۲۱ -** در بدو امر، دیوان باید در خصوص قابلیت استماع ادعای بند ۸ ایران تعیین تکلیف کند. ماده ۲۰ قواعد دیوان در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد:

> در طول جریان داوری هر یک از طرف‌ها می‌تواند دادخواست ... خود را اصلاح یا تکمیل نماید مگر آن‌که دیوان داوری این‌گونه اصلاحات را به علت تأخیر در انجام آن و یا تبعیض نسبت به طرف دیگر یا به علت هر گونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر مصلحت نداند.

ماده ۲۰ قواعد دیوان انعطاف زیادی برای طرفی قائل است که قصد اصلاح یا تکمیل ادعای خود دارد، و رویه دیوان با این رویکرد منعطف هم‌خوانی دارد.[۲۴۵] دیوان در تعیین این‌که ادعایی را که جدیداً افزوده یا اصلاح شده است قبول کند یا خیر «باید توجه نماید که آیا اصلاحیه پیش‌نهادی موجب بی‌عدالتی نسبت به طرف دیگر می‌شود، آیا طرف دیگر فرصت پاسخ‌گویی به دعاوی جدید یا اصلاح شده را داشته و آیا اصلاحیه پیش‌نهادی به نحو غیر لازمی موجب اختلال یا تاخیر در جریان داوری خواهد شد یا نه».[۲۴۶]

**۲۲۲ -** دیوان بعد از تحلیل حکم می‌کند که گرچه ادعای جایگزین بند ۸ برای نخستین بار در لایحه و ادله معارض ایران در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ [۱۷ مه ۲۰۰۶] مطرح شده، طرح این ادعا باعث وقفه یا تأخیر در جریان رسیدگی‌ها نشده است. مضافاً، ایالات متحده فرصت پاسخ‌گویی داشته و در واقع به مسائل حقوقی و موضوعی طرح شده در ادعا هم در لایحه معارض ۲۷ دی ۱۳۸۹ [۱۷ ژانویه ۲۰۱۱] خود و هم در جلسه استماع پاسخ گفته است. از این رو، ایالات متحده همان‌گونه که ماده ۱۵ قواعد دیوان لازم دانسته فرصت کامل برای ارائه مدعیات

---

[۲۴۵] بنگرید به *اینترنشنال اسکولز سرویسز اینکورپوریتد* و *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، قرار اعدادی شماره ۱-۱۲۳-۵۷ (۱۰ بهمن ۱۳۶۴ [۳۰ ژآنویه ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۰، ص ص ۶، ۱۲.

[۲۴۶] *هریس اینترنشنال تله کامیونیکیشنز، اینک* و *جمهوری اسلامی ایران، و دیگران*، حکم شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، بند ۸۵ (۱۱ آبان ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۷، ص ص ۳۱، ۵۶.

خود داشته است. پذیرش ادعای جایگزین ایران در چنین اوضاع و احوالی به ایالات متحده لطمه‌ای وارد نمی‌کند. بنابراین، دیوان مقرر می‌دارد که ادعای بند ۸ ایران وفق ماده ۲۰ قواعد دیوان قابل استماع است.

**۲۲۳** - اکنون دیوان به ماهیت ادعای مزبور می‌پردازد. دیوان در تحلیل اصطلاح «اموال ایران» [مطابق متن انگلیسی: «دارایی‌های مالی ایران»] مندرج در بند ۸، بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین را اعمال می‌کند. مطابق این قاعده «معاهده با حسن نیت و مطابق معنای متداول عبارات معاهده در سیاق آن‌ها و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر خواهد شد».[۲۴۷]

**۲۲۴** - دیوان در تفسیر اصطلاح «اموال ایران» مندرج در بند ۸ با عنایت به سیاق آن، دو مقررهٔ دیگر بیانیه عمومی، یعنی بندهای ۵ و ۶، که با دارایی‌های مالی ایران سر و کار دارند را تحلیل می‌کند.

**۲۲۵** - بند ۵ مقرر می‌دارد:

*دارائی‌های نزد شعب خارجی بانک‌های آمریکائی*

> ۵. به محض انجام ترتیبات ضروری مربوط به حساب امانی نزد بانک مرکزی، ایالات متحده تمام سپرده‌ها و اوراق بها داری را که در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یا پس از آن در دفاتر شعب خارجی بانک‌های امریکائی ثبت شده است، به همراه بهرهٔ متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰، به بانک مرکزی، حساب بانک مرکزی الجزایر، منتقل خواهد کرد که نزد بانک مرکزی در حساب بانک مرکزی الجزایر خواهد ماند؛ تا زمانی که برگشت یا انتقال آن‌ها طبق بند ۳ مذکور در فوق الزام‌آور گردد.

**۲۲۶** - بند ۶ مقرر می‌دارد:

*دارائی‌های نزد شعب بانک‌های آمریکائی در آمریکا*

---

[۲۴۷] *بنگرید به* بند ۱۰۲، بالا.

۶. با پذیرش این بیانیه و بیانیهٔ حل و فصل ادعاها منضم به آن توسط ایران و ایالات متحده و به دنبال پایان یافتن ترتیبات مربوط به گشایش حساب تضمینی بهره‌دار نزد بانک مرکزی که در بیانیهٔ اخیر و بند ۷ زیر مشخص شده است، و ترتیبات آن طی ۳۰ روز از تاریخ این بیانیه داده خواهد شد، ایالات متحده در ظرف ۶ ماه از آن تاریخ جهت انتقال تمام سپرده‌ها و اوراق بهادار ایران نزد مؤسسات بانکی در آمریکا به اضافهٔ بهرهٔ متعلقه به بانک مرکزی عمل خواهد کرد که به صورت حساب مشروط نزد بانک مرکزی باقی خواهد ماند؛ تا زمانی که انتقال و یا برگشت آن‌ها طبق بند ۳ بالا الزام‌آور گردد.

**۲۲۷ -** فزون بر این، دیوان موافقت‌نامه امانی مورخ ۳۰ دی ۱۳۵۹ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۱][۲۴۸] را به عنوان سند اجرایی بیانیه‌های الجزایر برای درک اصطلاح «اموال ایران» مندرج در بند ۸ ذی‌ربط به حساب می‌آورد. ماده ۲ آن موافقت‌نامه مقرر می‌دارد:

برطبق تعهدات مندرجه در بندهای ۵ و ۶ و ۸ بیانیه، دولت ایالات متحدهٔ آمریکا دستور انتقال سپرده‌ها و اوراق بهادار متعلق به ایران را که در شعبات و ادارات خارجی بانک‌های آمریکا است و نیز سپرده‌ها و اوراق بهادار متعلق به ایران را که در شعبات و ادارات داخلی بانک‌های آمریکا می‌باشد و همچنین کلیهٔ موجودی‌های ایران (وجوه و اوراق بهادار) را که در اختیار افراد و مؤسسات تابع مقررات و قوانین آمریکا باشد، صادر خواهد نمود تا به فدرال رزرو و بعنوان نمایندهٔ مالی آمریکا منتقل و سپس توسط فدرال رزرو به عنوان نمایندهٔ مالی آمریکا منتقل و سپس توسط فدرال رزرو به بانک انگلیس انتقال یابد تا وجوه مزبور جهت بستانکاری به حسابی که در دفاتر بانک مزبور به نام بانک مرکزی الجزایر به عنوان نمایندهٔ امانی بر طبق این موافقتنامه باز می‌شود، منظور گردد. (کلیهٔ اوراق بهادار و وجوه نقد و شمش طلا متعلق به ایران مندرج در بند ۱ بالا و نیز سپرده‌ها و اوراق بهادار و سایر وجوه متذکره در این بند ۲ کلاً و جمعاً به نام «دارائی‌های ایران» خوانده می‌شود.)

**۲۲۸ -** دیوان با لحاظ بندهای ۵ و ۶ و ۸ و همچنین بند ۲ موافقت‌نامه امانی، در تفسیر بند ۸ به دو نتیجه می‌رسد. نخست این‌که این سه بند، دارایی‌های مالی همگون یعنی سرمایه‌ها، سپرده‌ها، و اوراق بهادار را پوشش می‌دهد.

---

[۲۴۸] *بنگرید به* پانوشت ۲۴۰، بالا.

آن‌چه باعث تفاوت مفاد این بندها می‌شود، محل نگه‌داری این دارایی‌های مالی، یعنی: شعب خارجی بانک‌های ایالات متحده (بند ۵)؛ شعب بانک‌های ایالات متحده در آن کشور (بند ۶)؛ و سایر بانک‌ها و مؤسسات (بند ۸) است. در مقابل، نقطه اشتراک دارایی‌های مالی ایران در بندهای ۵، ۶ و ۸ این بود که همه این دارایی‌ها باید به بانک فدرال رزرو نیویورک انتقال می‌یافت، و از آن‌جا به بانک انگلستان منتقل می‌شد که در حساب امانی باقی بماند تا این‌که دولت الجزایر به بانک مرکزی الجزایر گواهی کند که ۵۲ نفر اتباع ایالات متحده که در سفارت آن کشور در تهران نگه داشته بوده‌اند ایران را در امن و امان ترک کرده‌اند. کلیه آن دارایی‌های مالی ایران به محض صدور آن گواهی می‌بایست مطابق الزامات بند ۳ (و با جزئیات مشروح‌تر در بند ۴ (الف) موافقتنامه حساب امانی) انتقال یابد.[۲۴۹]

**۲۲۹ -** نتیجه‌گیری دوم این است که بندهای ۵، ۶ و ۸ با ارجاع به سپرده‌ها و اوراق بهادار «ایران» (در بندهای ۵ و ۶) و دارایی‌های مالی (به مفهوم سرمایه‌ها و اوراق بهادار) «ایران» (در بند ۸)، تعهدات انتقال ایالات متحده را به دارائی‌های مالی که در حساب‌هائی نگه‌داری می‌شد که ایران ذی‌نفع آن‌ها بود محدود کرده است.

**۲۳۰ -** همان‌گونه که ایران خاطرنشان کرده، مبالغ نقدی که ایران به طرف‌های تجاری خود وفق قراردادهای موجود پرداخته، نوعاً در حساب‌های بانک به نام طرف‌های تجاری ایران و نه خود ایران نگه‌داری می‌شد. بدین‌قرار، ایران ذی‌نفع این حساب‌ها نبوده و ادعایی علیه بانک‌ها در ارتباط با پول‌های سپرده در آن نداشته است.

---

[۲۴۹] ماده ۴ (الف) موافقتنامه امانی در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد:

> به مجرد اینکه دولت الجزایر کتباً به بانک مرکزی الجزایر اطلاع دهد که کلیهٔ ۵۲ نفر اتباع آمریکائی ... که ... در حال حاضر در ایران نگاهداری می‌شوند بطور سالم از ایران عزیمت نموده‌اند، بانک مرکزی الجزایر بفوریت دستوراتی را که مخصوصاً در مفاد بیانیه و در تعهدات دولت ایالات متحدهٔ آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیهٔ دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر قید گردیده و قسمتی از مفاد این موافقتنامه را تشکیل می‌دهد، به بانک انگلیس صادر خواهد نمود. ...

ایران حداکثر، بسته به شرایط مندرج در قراردادهای مبنا، می‌توانست مالک ادعاهای قراردادی علیه طرف‌های تجاری خود، از جمله ادعاهائی مربوط به استرداد وجوهی باشد که به عنوان پیش پرداخت داده بود.

**۲۳۱** - افزون بر این، برای ایران و ایالات متحده نه معقول و نه عملی بود که قبل از خروج ۵۲ تبعه ایالات متحده دارایی‌های سپرده در حساب‌هایی را که اشخاص ثالث ذی‌نفع آن‌ها بودند را در زمرهٔ دارایی‌هایی به حساب آورند که باید به فدرال رزرو و سپس بانک انگلستان انتقال یابد. اوضاع و احوال عاجل غالب در زمان امضای بیانیه‌های الجزایر ضرورتاً حکم می‌کرد که دارائی‌های مالی باید سریعاً به حساب امانی در بانک انگلستان انتقال یابد و از این قرار باید به فوریت به عنوان اموال «ایران» شناسائی شوند. دارایی‌های سپرده در حساب‌های بانکی که طرف‌هایی غیر از ایران ذی‌نفع آن‌ها بودند و ممکن بود این طرف‌ها نسبت به آن‌ها ادعاهایی داشته باشند، در این مقوله نمی‌گنجید.

**۲۳۲** - بر این اساس، دیوان ادعای بند ۸ ایران را در ماهیت رد می‌کند.

*(۵) ادعای جایگزین ایران بر مبنای اصل کلی الف بیانیه عمومی*

**۲۳۳** - دیوان مقرر داشته است که پرداخت‌های نقدی ایران به طرف‌های قرارداد خصوصی در مقولهٔ تعهد بند ۹ ایالات متحده مبنی بر فراهم آوردن ترتیبات انتقال به ایران نمی‌گنجد.[۲۵۰] به همین منوال، دیوان ادعای جایگزین بند ۸ ایران را بابت چنین پرداخت‌های نقدی رد کرده است.[۲۵۱] اکنون دیوان به استدلال ایران در ادعای جایگزین دیگر مبنی بر این‌که، در هر حال، چنین پرداخت‌های نقدی در زمرهٔ تعهد ایالات متحده ذیل اصل کلی الف می‌گنجد، می‌پردازد.

---

[۲۵۰] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا. *همچنین بنگرید به* بندهای ۸۲۸–۸۲۹ و پانوشت ۴۷۵، زیر.

[۲۵۱] *بنگرید به* بندهای ۲۲۳–۲۳۲، بالا.

**۲۳۴ -** همان‌گونه که گفته شد، اصل کلی الف مقرر می‌دارد که

> در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیهٔ دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، ایالات متحده حتی‌الامکان وضعیت مالی ایران را بصورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) باز خواهد گرداند. در این چهارچوب ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیهٔ دارائیهای ایران موجود در قلمرو قضائی خود را بشرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تأمین نماید.

*(الف) اظهارات طرفین*

*ایرادات شکلی*

**۲۳۵ -** ایالات متحده ایرادی شکلی شبیه آن مورد که در ارتباط با ادعای بند ۸ ایران مطرح کرده بود در رابطه با اصل کلی الف عنوان می‌کند.[۲۵۲] ایالات متحده مدعی است که چون ادعای ایران ذیل اصل کلی الف بیانیه عمومی به «شیوه‌ای متفرق» استدلال شده است، دیوان باید آن را رد کند.

**۲۳۶ -** ایران در پاسخ ادعا می‌کند که ادعای مبتنی بر اصل کلی الف صرفاً ادعایی با سرفصل جایگزین و مبتنی بر یک نظریه حقوقی متفاوت است. این امر مضافاً در دادخواهی‌های کتبی و شفاهی طرفین به طور مشروح مورد بحث قرار گرفته است. بدین‌قرار، ایران ادعا می‌کند که ایالات متحده از هر گونه فرصت برای پرداختن به این موضوع بهره‌مند بوده است.

*اظهارات ایران*

**۲۳۷ -** ایران در ماهیت استدلال می‌کند که چنانچه دیوان در مورد استرداد وجوه نقدی پرداخت‌شده توسط ایران بر خلاف موضع نخستین ایران به نتیجه برسد که ادعای مذکور نمی‌تواند بر شالوده بند ۹ استوار باشد، چنین

---

[۲۵۲] *بنگرید به* بند ۲۱۴، بالا.

ادعایی می‌تواند بر پایه اصل کلی الف پذیرفته شود. ایران مدعی است که اصل کلی الف نه تنها موجد بخش بسیار مهمی از سیاق بند ۹ است، بلکه خود تعهد مستقلی را نیز دربردارد. ایران تأکید می‌کند که دیوان بارها به ویژه، در دو قرار اعدادی که در سال‌های ۱۳۶۵ [۱۹۸۶] و ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] صادر کرد به نقض‌های جداگانه اصل کلی الف توسط ایالات متحده حکم کرده است.[۲۵۳]

**۲۳۸** - ایران در پاسخ به استدلال‌های ایالات متحده استدلال می‌کند که تصمیم دیوان در حکم شماره ۵۲۹، مبنی بر رد ادعای دو:ب در پرونده الف-۱۵، استنباط دیوان را از این‌که اصل کلی الف دارای ماهیتی مستقل است وارونه نمی‌کند.[۲۵۴] در عوض، وفق اظهارات ایران، دیوان به سادگی تأیید می‌کند که اصل کلی الف نباید در خلاء و جدا از سایر مفاد بیانیهٔ عمومی مدنظر قرار گیرد.

*اظهارات ایالات متحده*

**۲۳۹** - ایالات متحده مدعی است که دیوان در سه مورد در خصوص ادعاهای مطروحه بر پایه اصل کلی الف حکم داده است. وفق اظهارات ایالات متحده، دیوان به موارد زیر حکم نموده است. نخست، دیوان در پرونده شماره الف-۱۵ (یک:ز) مقرر داشت که تعهدات خاص مندرج در بندهای اجرایی بیانیه عمومی، تعهدات موسّع مندرج در اصل کلی الف را محدود می‌کند.[۲۵۵] علاوه بر این، دیوان مقرر داشت که اصل کلی الف، طرفین را مکلف می‌کند که با حسن نیت در خصوص اجرای آن مذاکره کنند. دوم، دیوان در پرونده شماره الف-۱۵

---

[۲۵۳] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول: ز) دیوان عمومی (۲۹ مرداد ۱۳۶۵ [۲۰ اوت ۱۹۸۶])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ۴۰؛ *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی – الف۱۵ (1:C) ۷۸ آی. تی. ال. (۲۱ آبان ۱۳۶۹ [۱۲ نوامبر ۱۹۹۰])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری،ج ۲۵، ص ۲۴۷.

[۲۵۴] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بندهای ۶۸-۷۰، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۳۸-۱۳۹.

[۲۵۵] با اشاره به *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول: ز) دیوان عمومی، بند ۱۹ (۲۹ مرداد ۱۳۶۵ [۲۰ اوت ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۴۷-۴۸.

(یک:ج) مقرر داشت که ایالات متحده از ایفای تعهداتش ذیل اصل کلی الف قصور ورزیده و مجدداً طرفین را ملزم دانست که با حسن نیت برای حل اختلافات مذاکره کنند.[۲۵۶] سوم، دیوان در سال ۱۳۷۱ [۱۹۹۲] در حکم شماره ۵۲۹، پرونده شماره الف-۱۵ (دو:ب) را بر این اساس رد کرد که اصل کلی الف نمی‌تواند به تنهایی وافی به مقصود باشد.[۲۵۷]

**۲۴۰ -** بر این اساس، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که نظر مؤخّر دیوان در این خصوص این بوده که اصل کلی الف نمی‌تواند به تنهایی وافی به مقصود تلقی شود. در هر حال، ایالات متحده معروض می‌دارد که حتی اگر دیوان یافته خود در حکم شماره ۵۲۹ را وارونه کند هم «مبنایی برای احراز نقض اصل کلی الف وجود ندارد و ایران چنین مبنایی را ترسیم نکرده است». ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که وقتی ایالات متحده کلیه دستورهای انسداد را در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] لغو کرد، وضعیت مالی ایران در ارتباط با کلیه حقوق عینی تا حد امکان به حال سابق بازگردانده شد. پس از آن تاریخ، وضعیت ایران در کلیه حقوقی که در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] منجمد شده بود به ایران بازگردانده شد.

*(ب) تصمیم دیوان*

**۲۴۱ -** به عنوان موضوعی مقدماتی و تا حدی که ایالات متحده ایراد شکلی علیه ادعای جایگزین ایران بر پایه اصل کلی الف مطرح کرده است، به همان دلایلی که در رابطه با ایرادات ایالات متحده علیه ادعای بند ۸ ایران مذکور افتاد،[۲۵۸] دیوان مقرر می‌دارد که ادعای ایران مبتنی بر اصل کلی الف قابل استماع است.

---

[۲۵۶] با اشاره به *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره دیوان عمومی-الف۱۵ (1:C) ۷۸ آی.تی.ال (۲۱ آبان ۱۳۶۹ [۱۲ نوامبر ۱۹۹۰])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۵، ص ۲۴۷.

[۲۵۷] با اشاره به حکم شماره ۵۲۹، بند ۶۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۸.

[۲۵۸] *بنگرید به* بندهای ۲۲۱-۲۲۲، بالا.

**۲۴۲ -** سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا ادعاهای ایران بابت استرداد وجوه نقد پرداختی به طرف‌های قراردادی می‌تواند انحصاراً بر پایه اصل کلی الف استوار باشد یا خیر. نقطه آغاز تحلیل دیوان، عبارت‌پردازی اصل کلی الف می‌باشد.

**۲۴۳ -** بیانیه عمومی بلافاصله پس از مقدمه مقرر می‌دارد:

> تعهدات مشروحه در این بیانیه بر مبنای اصول کلی زیر است:
>
> الف. در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیهٔ دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر، ایالات متحده حتی‌الامکان وضعیت مالی ایران را بصورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) باز خواهد گرداند. در این چهارچوب ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیهٔ دارائیهای ایران موجود در قلمرو قضائی خود را بشرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تأمین نماید.
>
> [...]

**۲۴۴ -** دیوان در شماری از احکام پیشین خود اهمیت حقوقی و نقش اصل کلی الف در بیانیه عمومی را بررسی کرده است. دیوان در قرار اعدادی خود در پرونده شماره الف-۱۵ (یک:ز) («قرار اعدادی شماره ۶۳») اظهار داشته است که اصول کلی الف و ب «صرفاً بیان کننده هدف و منظور نیست» بلکه «این اصول صریحاً توسط طرفین به عنوان مبنای حقوقی تعهداتشان توصیف شده است».[۲۵۹] دیوان افزود که اصول کلی را «باید مبین تعهدات حقوقی وسیع طرفین دانست که نحوه ایفای آنها به تفصیل در قسمتهای بعدی بیانیه عمومی شرح داده شده است.»[۲۶۰] دیوان با عنایت خاص بر اصل کلی الف، در همان قرار اعدادی نتیجه گرفت که «مفاد دو بیانیه نه فقط

---

[۲۵۹] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول: ز) دیوان عمومی، بند ۱۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۵ [۲۰ اوت ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۴۰، ۴۶.

[۲۶۰] *جمهوری اسلامی ایران*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول: ز) دیوان عمومی، بند ۱۷، ۲۹ مرداد ۱۳۶۵ [۲۰ اوت ۱۹۸۶])، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ۴۷.

اقدامات ویژه‌ای را که ایالات متحده برای اجرای تعهد وسیع مشروح در اصل کلی (الف) مکلف به انجام آنست بیان و تشریح نموده، بلکه همچنین تعهدات ناشی از این الزام را محدود می‌سازد».[۲۶۱] دیوان در قرار اعدادی بعدی خود در پرونده شماره الف-۱۵ (یک:ج) («قرار اعدادی شماره ۷۸»)[۲۶۲] یافته خود در قرار اعدادی شماره ۶۳ را تأیید کرد. دیوان توجه دارد که یافته‌های مربوط به تعهدات ایالات متحده در قرار اعدادی شماره ۶۳ و قرار اعدادی شماره ۷۸ انحصاراً بر اصل کلی الف مبتنی بود.[۲۶۳]

**۲۴۵ -** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ برای تصمیم‌گیری در پرونده الف/۱۵ (دو-ب) هم به نقش و اهمیت حقوقی اصل کلی الف پرداخت. ایران در آن پرونده، انحصاراً بر اساس اصل کلی الف، ادعائی برای جبران خسارت ناشی از هزینه انبارداری، خرابی و سایر خسارات متحمله در ارتباط با اموال ایران از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مطرح کرد. دیوان ضمن رد ادعای ایران متذکر شد:

> گرچه دیوان نظر داده است که اصل کلی (الف) می‌تواند رهنمود مفیدی در تفسیر مقررات بیانیه عمومی بدست دهد، اما *به تنهایی وافی به مقصود نیست*. ... مقررات آن منحصراً ناظر بر استرداد

---

[۲۶۱] *جمهوری اسلامی ایران*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول: ز) دیوان عمومی، بند ۱۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج۱۲، ص ص ۴۷-۴۸.

[۲۶۲] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره دیوان عمومی-الف۱۵ (1:C)۷۸ آی.تی.ال. (۲۱ آبان ۱۳۶۹ [۱۲ نوامبر ۱۹۹۰])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۵، ص ۲۴۷.

[۲۶۳] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران*، قرار اعدادی شماره ۶۳-الف/۱۵ (بخش اول:ز) دیوان عمومی، بند ۵۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ۵۸ («بدیهی است اگر داراییهای ایران که قبلاً طبق بیانیه عمومی به حساب امانی منتقل شده بود، پس از منتفی شدن مورد استفاده آنها به منظور تضمین پرداخت یا پرداخت دیونی که ایران در بند ۲(الف) سند تعهدات قول پرداخت آنها را داده بود، به ایران برگردانده نشود، وضعیت مالی ایران "در حدی که مقدور باشد" اعاده نمی‌گردد. ایالات متحده مادام که موجبات استرداد آن داراییها را فراهم نساخته، تعهدات خویش را به طور کامل ایفاء ننموده است.»)؛ *جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره دیوان عمومی -الف۱۵ (1:C)۷۸ آی.تی.ال.، بند ۳۹ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۵، ص ۲۶۳ («ایالات متحده با ابقای مقررات [وزارت] خزانه‌داری دایر بر اجازه افتتاح حسابهای مسدود در دفاتر طرفهای حساب امریکایی به نفع بانکهای ایران بابت اعتبارات اسنادی اتکایی به استثنای اعتبارات اسنادی اتکایی [برخی از بانک‌های مشخص شده ایران] به تعهد خود در اصل کلی (الف) بیانیه عمومی مبنی بر اعاده وضع مالی ایران حتی‌الامکان به وضعیت موجود قبل از ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، عمل نکرده است.»).

اموال مسدود شده ایران است. بند ۹ بیانیه که به اموال عینی ایران مربوط می‌شود، ایالات متحده را ملزم می‌سازد که تنها ترتیب انتقال اموال را بدهد و هیچ اشاره‌ای به وظیفه پرداخت غرامت به ایران بابت هزینه‌های انبارداری یا ضایع شدن اموال طی دوره انسداد، در آن وجود ندارد. (تأکید افزوده شده است.) [۲۶۴]

[...]

دیوان نمی‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد که اصل کلی (الف) تعهد ایالات متحده را با اصطلاح «در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه» مشروط و مقید کرده است. دیوان نیز در آن چهارچوب و با توجه به آن شرایط، معتقد است که بیانیه ایالات متحده را مکلف نمی‌کند که بابت هزینه‌های انبارداری، ضایع شدن اموال و سایر زیانهای وارده به اموال ایران قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران غرامت بپردازد.[۲۶۵]

۲۴۶ - فزون بر این دیوان در حکم شماره ۶۰۱ مقرر داشت:

... اصل کلی الف، و به خصوص تعهد بازگرداندن وضعیت مالی که در آن مندرج است، نباید به صورت انتزاعی، بلکه باید در چهارچوب بیانیه‌های الجزایر تفسیر گردد. به ویژه، بندهای ۴ و ۹ بیانیه عمومی چگونگی بازگرداندن وضعیت مالی ایران به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] را مشخص کرده‌اند. طرفین پیش‌بینی کردند که اعاده وضعیت مالی ایران از طریق بازگرداندن طلاهای متعلق به ایران، سپرده‌ها و اوراق بهادار و سایر دارائی‌های مالی (یعنی وجوه و اوراق بهادار) و همچنین اموال عینی صورت پذیرد.[۲۶۶]

۲۴۷ - در پرونده‌های حاضر، دیوان نتیجه می‌گیرد که، حتی اگر قرار بود اصل کلی الف را به عنوان تنها منبع حقوق و تعهدات تلقی کند، ادعای جایگزین ایران برای استرداد پرداخت‌های نقدی بر اساس این اصل مردود اعلام می‌شد. وجوه نقدی که ایران به عنوان پیش پرداخت به طرف‌های قرارداد پرداخت نمود بخش تشکیل‌دهندهٔ وضعیت مالی ایران پیش از۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] محسوب می‌شد. ایالات متحده با مرتفع‌کردن همه

---

[۲۶۴] حکم شماره ۵۲۹، بند ۶۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۸.

[۲۶۵] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۲۶۶] حکم شماره ۶۰۱، بند ۱۴۱، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۸، ص ۲۵۲ (پانوشت‌ها حذف شده است).

محدودیت‌های تحمیل‌شده در فاصله ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر حرکت و انتقال آزاد همه این دارایی‌ها با دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به تعهدات خود در اصل کلی الف عمل کرد. بدین‌قرار ایران در ۲۲ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] از طریق نهادهای خود مالک ادعاهای قراردادی علیه طرف‌های قراردادی خود بابت استرداد هر گونه وجوه پرداخت شده وفق قراردادهای موجود بود. مالکیت ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر آن ادعاها همچنان ادامه داشت. ایران چنانچه تمایل داشت از همان تاریخ می‌توانست ادعاهای خود را علیه آن طرف‌های تجاری مطرح کند؛ از این رو ایران خود را در همان وضعیت مالی می‌دید که در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] داشت. در چنین اوضاع و احوالی، تلقی دیوان این است که تصمیم گیری مبنی بر این‌که ایالات متحده ملزم به حصول اطمینان از بازگشت وجوه نقدی به ایران بود، به جای قرار دادن ایران در همان وضعیت مالی، باعث ارتقاء آن وضعیت خواهد شد. بدین قرار، در پرتو مراتب بالا، دیوان ادعای ایران مبتنی بر اصل کلی الف را رد می‌کند.

۲- مسؤولیت ایالات متحده

*الف) مقدمه*

۲۴۸ - دیوان در این بخش، مسئله مسؤولیت ایالات متحده در هر یک از ادعاهای جداگانه را تعیین خواهد کرد. دیوان در انجام این‌کار، از جمله، اصولی را که در بخش موضوعات کلی این حکم جزئی شناسایی کرد، اعمال خواهد نمود. دیوان فقط مسائل موضوعی بنیادین و استدلال‌های اساسی طرفین را مطرح می‌کند.

*ب) ادعاهای جداگانه*

(۱) ادعای ز-۱۵ (موزه هنرهای معاصر تهران/کلارک)

*(الف) مقدمه*

**۲۴۹ -** ایران در ادعای ز-۱۵، در صدد استرداد یک تابلو نقاشی به نام «علف زرد» است که آقای پیر کلارک آن را کشیده است. ایران به نحو جایگزین خسارتی به مبلغ ۶،۰۰۰ دلار آمریکا به عنوان ارزش تخمینی نقاشی مذکور در سال ۱۳۸۱/۱۳۸۲ [۲۰۰۳] (یا ۳،۰۰۰ دلار آمریکا، بهای سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] آن) را مطالبه می‌کند. به علاوه، ایران خواهان سایر خسارات (به ویژه ۵،۹۷۵ دلار آمریکا بابت هزینه‌های حقوقی) است که ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات لازم برای انتقال تابلو نقاشی مذکور به ایران می‌باشد. ایران همچنین بابت هر مبلغی که حکم داده شود از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یا به نحو جایگزین از سال ۱۳۸۱/۱۳۸۲ [۲۰۰۳] بهره مطالبه می‌کند.

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۲۵۰ -** موزه هنرهای معاصر تهران («موزه») در اسفند ۱۳۵۶/فروردین ۱۳۵۷ [مارس ۱۹۷۸] در مدتی که آقای کلارک در ایران بود، برای خرید یک نقاشی با رنگ آکریلیک روی بوم نقاشی به نام «علف زرد» («علف زرد» یا «تابلوی نقاشی») ابراز تمایل کرد. موزه به محض بازگشت آقای کلارک به نیویورک تصمیم گرفت تابلو نقاشی را به مبلغ ۳،۰۰۰ دلار آمریکا خریداری کند. آقای کلارک در اردیبهشت ۱۳۵۷ [آوریل ۱۹۷۸] صورت‌حساب خود را به موزه ارسال داشت و موزه متعاقباً مبلغ توافقی ۳،۰۰۰ دلار آمریکا را پرداخت نمود. مدیر بخش معماری موزه، خانم نسرین فقیه، در شهادت‌نامه‌اش تأیید کرد که موزه، مبلغ توافقی را پرداخت و این که از آقای کلارک انتظار می‌رفت که هر چه سریع‌تر تابلو نقاشی را به موزه بفرستد.

**۲۵۱ -** آقای کلارک در شهادت‌نامه‌اش گفته است که تلاش وی برای تماس با موزه در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] برای ارسال تابلو نقاشی بی‌نتیجه ماند. موزه طی نامه مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۵۸ [نهم ژوئن ۱۹۷۹] به آقای کلارک خاطرنشان کرد که هنوز تابلو نقاشی را دریافت نکرده و از آقای کلارک تقاضا کرد که «هر چه زودتر ... در ارسال تابلو تسریع کند».

**۲۵۲ -** آقای کلارک طی نامه ۱۵ تیر ۱۳۵۸ [ششم ژوئیه ۱۹۷۹] تمایل خود به ارسال تابلو را ابراز داشت و هزینه ارسال شرکت حمل و نقل محلی را ۴۲۷ دلار ایالات متحده اعلام نمود. آقای کلارک از موزه تقاضا کرد که اگر تمایل دارند که وی از طریق آن شرکت حمل و نقل نسبت به ارسال اقدام کند چکی به آن مبلغ برایش ارسال دارند، در غیر این‌صورت، دستورالعمل دیگری بدهند.

**۲۵۳ -** موزه در ششم شهریور ۱۳۵۸ [۲۸ اوت ۱۹۷۹] به آقای کلارک اطلاع داد که به دلیل کنترل سختی که بر ارز اعمال می‌شود، پرداخت هزینه حمل بدون ارائه صورت‌حساب حمل هوایی مقدور نیست. موزه از آقای کلارک خواست که از طریق سفارت ایران ترتیب حمل را بدهد. وفق اظهارات آقای کلارک، وی با کنسول‌گری ایران در نیویورک تماس گرفت که او را راهنمایی کردند که با وابسته فرهنگی در واشینگتن دی سی تماس بگیرد، و وابسته یاد شده هم از او خواست مستقیماً با موزه تماس بگیرد. از آن‌جا که هیچ‌کس اطلاعی در مورد تابلو یا تمایل به پرداخت هزینه حمل نداشت، آقای کلارک از تلاش برای ارسال تابلوی «علف زرد» دست برداشت و موکول به اطلاع ثانوی در مورد ترتیباتی که باید انجام شود، آن را نگه داشت.

**۲۵۴ -** آقای کلارک در شهادت‌نامه کتبی و شهادت شفاهی خود در جلسه استماع توضیح داد که، در نیمه دوم ۱۳۵۸ [اواخر ۱۹۷۹ یا اوایل ۱۹۸۰]، شخصی از کنسولگری ایران از طریق تلفن به وی اطلاع داد که دو کارمند ایرانی «علف زرد» را تحویل خواهند گرفت. او مضافاً توضیح داد که دو مرد کت و شلوار به تن ظرف یک ساعت، تابلو را تحویل گرفتند و رسیدی به آقای کلارک دادند که وی متعاقباً آن را گم کرده است. آقای

کلارک شهادت داد که هیچ شکی نداشت که آن دو مرد، کارگزاران ایران بوده‌اند، زیرا در غیر آن صورت، اطلاعاتی از تابلو نقاشی نمی‌داشتند. طبق اظهار آقای کلارک، پس از آن، از جانب هیچ سازمان ایرانی با وی تماس گرفته نشد.

**۲۵۵ -** ایران، نظر به قصور ادعایی آقای کلارک در تحویل دادن «علف زرد»، در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] برای پس گرفتن تابلوی نقاشی با مؤسسه حقوقی آمریکایی اودوایر و برنستاین (O'Dwyer & Bernstein) تماس گرفت. ایران اصرار داشت که موزه از تحویل ادعایی «علف زرد» اطلاعی نداشته و مدرکی در تأیید این مدعا نداشته است. مؤسسه حقوقی مذکور پس از تماس با آقای کلارک طی یادداشتی مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ [۱۳ آوریل ۱۹۸۲] به موزه اطلاع داد که تابلو نقاشی به منظور حمل در دسترس نیست، و این که آقای کلارک گفته بوده که «علف زرد» را به نمایندگان ایران تحویل داده است، اما نمی‌تواند رسید آن را پیدا کند.

**۲۵۶ -** موزه بین سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۳ [۱۹۸۱ و ۱۹۸۴] با تبادل شماری از مکاتبات با مؤسسه حقوقی مذکور در خصوص صحت اظهارات آقای کلارک در مورد تحویل تابلو استعلام کرد. این مؤسسه حقوقی در تیر ۱۳۶۱ [ژوئن ۱۹۸۲] پیش‌نهاد کرد که تنها راهِ پس گرفتن تابلو، طرح دعوا علیه آقای کلارک است. مؤسسه حقوقی مذکور پس از ثبت ادعای حاضر در پیش‌گاه دیوان در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] با نامه مورخ ۲۵ آذر ۱۳۶۲ [۱۶ دسامبر ۱۹۸۳] به دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشینگتن دی. سی. اطلاع داد که دریافته است که آقای کلارک «*تقریباً مُعسر*» («virtually judgment-proof») است و توصیه نمود که اقامه دعوا علیه او بابت استرداد نقاشی مذکور به صرفه نیست.

**۲۵۷ -** موزه پیرو پیش‌نهاد ایالات متحده در ۲۸ خرداد ۱۳۶۳ [۱۸ ژوئن ۱۹۸۴] یک‌بار دیگر با آقای کلارک تماس گرفت و از او خواست که تابلو نقاشی را هر چه سریع‌تر ارسال دارد. پاکتی در سوابق پرونده وجود دارد

که توسط موزه به آقای کلارک ارسال شده که روی آن نوشته شده است «نشانی شناخته نشد» که حاکی از عدم دریافت نامهٔ خرداد ۱۳۶۳ [ژوئن ۱۹۸۴] توسط آقای کلارک است.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۲۵۸** - ایران استدلال می‌کند که متعاقب خرید تابلو نقاشی از آقای کلارک و پرداخت کامل بهای آن توسط موزه، بدون هیچ شک و اختلاف نظری، موزه مالک تابلو بوده است. ایران بر این نظر است که بر خلاف اظهارات ایالات متحده، موزه در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تحت کنترل دولت ایران بوده است. ایران به «مصوبه شورای وزیران ایران» استناد می‌کند که مؤید اجلاسی در اول آبان ۱۳۵۸ [۲۳ اکتبر ۱۹۷۹] در دفتر نخست وزیر ایران برگزار شده که طی آن تصمیم گرفته شد که برخی از نهادهای فرهنگی، علمی، و «فلسفی» (از جمله موزهٔ مذکور) «در اختیار وزارت فرهنگ و آموزش عالی [ایران] قرار می‌گیرد». ایران نتیجه‌گیری می‌کند که بدین‌قرار، موزه در زمان امضای بیانیه‌های الجزایر تحت کنترل دولت ایران بوده است.

**۲۵۹** - ایران مضافاً مدعی است که «علف زرد» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. افزون بر این، ایران بر این نظر است که اظهارات آقای کلارک در خصوص تحویل تابلوی نقاشی به نمایندگان ایران مبهم، کلی و بی‌مبنا است. مطابق نظر ایران، ایالات متحده هیچ مدرکی (غیر از شهادت‌نامه آقای کلارک) دال بر تحویل تابلو به نمایندگان ایران ارائه نکرده است.

**۲۶۰** - ایران در ارتباط با لزوم دادن دستورالعمل به متصرف مال ادعا می‌کند که موزه از سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] برای آقای کلارک روشن نموده که از وی می‌خواهد «علف زرد» را به ایران ارسال کند. ایران مضافاً استدلال می‌کند که هزینه بسته‌بندی و حمل در قیمت تابلو لحاظ شده بوده است.

۲۶۱ - ایران منکر هر گونه تعهدی مبنی بر تسهیل ایفای تعهد ایالات متحده مندرج در بند ۹ است. ایران همچنین استدلال می‌کند که ایالات متحده از هر گونه برای حصول اطمینان از حمل تابلوی نقاشی به ایران قصور ورزیده و تعهد خود مندرج در بند ۹ را نقض کرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۲۶۲ - ایالات متحده اظهار می‌دارد که ایران نتوانسته اثبات کند که «علف زرد» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. ایالات متحده استدلال می‌کند که گفته آقای کلارک مبنی بر این که تابلو را در نیمه دوم ۱۳۵۸ [اواخر ۱۹۷۹ یا اوایل ۱۹۸۰] به مقامات ایران تحویل داده، کاملاً با مدارک موجود در پرونده سازگار است. طبق اظهار ایالات متحده، ایران ادله‌ای خلاف اظهارات آقای کلارک ارائه نکرده است. حتی اگر تابلوی نقاشی به مقامات ایرانی تحویل داده نشده بود، که ایالات متحده در این مورد شک دارد؛ چون هیچ‌کس نمی‌توانسته از خرید آن آگاه باشد، ایران نتوانسته نشان دهد که «علف زرد» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. ایالات متحده استدلال می‌کند که اگر تابلو به مقامات ایرانی تحویل داده نشده، در این صورت، ایران نسبت به آن حق مالکیت ندارد، زیرا حق مالکیت مطابق قانون تجارت متحدالشکل به نحوی که ایالات نیویورک آن را پذیرفته است، به محض تسلیم انتقال می‌یابد، حال آن‌که تسلیم صورت نگرفته بوده است. مطابق نظر ایالات متحده، ایران فقط می‌توانسته حقی قراردادی مبنی بر درخواست ایفای آن داشته باشد. ایالات متحده اظهار می‌دارد که حقوق قراردادی در زمرهٔ «اموال ایران» به مفهوم مندرج در بند ۹ به حساب نمی‌آید.

۲۶۳ - ایالات متحده بر این موضع است که حتی اگر دیوان به این نتیجه برسد که تابلو نقاشی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است، باز هم ایران نتوانسته اثبات کند که دستورالعمل حمل را پس از آن تاریخ در اختیار آقای کلارک قرار داده است.

۲۶۴ - ایالات متحده مضافاً اظهار می‌دارد که بحثی نیست که ایران هرگز ترتیبات پرداخت هزینه حمل اعلام شده توسط آقای کلارک را نداده است. قصور ایران در تماس با آقای کلارک و دادن دستورالعمل حمل و پرداخت هزینه حمل، ایالات متحده را از هر گونه مسؤولیت مبرا می‌کند.

۲۶۵ - سرانجام، ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نتوانسته اثبات کند که ایالات متحده به نحو معقول چه اقدامات بیش‌تری می‌توانسته به عمل آورد: وقتی تابلو نقاشی در اختیار نمایندگان ایران بوده، ایالات متحده تعهد دیگری ذیل بند ۹ بر عهده نداشته است. به علاوه، ایالات متحده ملاحظه می‌کند که هیچ دلیلی نداشته که این دولت در اظهارات آقای کلارک مبنی بر تحویل تابلو نقاشی تردید کند.

*(ت) تصمیم دیوان*

۲۶۶ - موضوعات بدوی این ادعا عبارت‌اند از: (یک) این‌که آیا تابلو نقاشی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته؛ و اگر داشته، (دو) آیا تابلو نقاشی در چارچوب اصطلاح «اموال ایران» وفق بند ۹ قرار می‌گیرد یا خیر.

۲۶۷ - دیوان در این‌که برای تابلو نقاشی پس از پرداخت بها توسط موزه در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۸ [۱۹۸۰-۱۹۷۹] دقیقاً چه اتفاقی افتاده و این‌که آیا «علف زرد» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] هنوز در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار داشته یا خیر، با کم‌بود ادله مواجه است. ایران استدلال می‌کند که موزه هرگز تابلو را دریافت نکرده و دلیلی در تأیید شهادت آقای کلارک دال بر اثبات خلاف این واقعیت وجود ندارد. از سوی دیگر، ایالات متحده به نوبه خود، با تکیه بر شهادت آقای کلارک بر این نظر است که تابلو نقاشی در نیمه دوم ۱۳۵۸ [اواخر ۱۹۷۹ یا اوایل ۱۹۸۰] به مقامات ایران تحویل داده شده است. بدین‌قرار، طبق اظهار ایالات متحده، تعهد بند ۹ آن کشور بر «علف زرد» قابل اعمال نیست. در عین حال که ایالات متحده نتوانسته رسید دریافتی ادعایی آقای کلارک از مقامات ایرانی که تابلو را تحویل گرفتند، تسلیم کند، دیوان دلیلی برای تردید در شهادت آقای

کلارک مبنی بر تحویل آن به مقامات ایران ندارد. برای دیوان دشوار است باور کند که کسی جز نمایندگان ایران از خرید «علف زرد» در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] مطلع بوده باشند و بدانند که تابلو یک سال بعد هنوز در کارگاه آقای کلارک بوده است.

۲۶۸ - دیوان با سنجش ادله هر دو طرف، به این نتیجه می‌رسد که دلایلی عرضه نشده است که با یقین کافی اثبات کند که «علف زرد» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. بار اثبات این واقعیت به دوش ایران است، که خواهان می‌باشد. با این حال، ایران از عهده آن برنیامده است. لذا، ادعای ز-۱۵ باید مردود اعلام شود.

۲۶۹ - حتی اگر دیوان نتیجه می‌گرفت که «علف زرد» هنوز در تصرف آقای کلارک و از این‌رو در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است، ادعای ز-۱۵ به دلایل آتی رد می‌شد، و تابلوی نقاشی در چارچوب اصطلاح «اموال ایران» مندرج در بند ۹ قرار نمی‌گرفت. وفق یافته‌های دیوان در بخش موضوعات کلی این حکم جزئی،[۲۶۷] دیوان باید تعیین کند که آیا مطابق قانون قابل اعمال محل وقوع مال، حق مالکیت بر تابلوی نقاشی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران انتقال یافته بوده است یا خیر. چنانچه تابلوی نقاشی در کارگاه آقای کلارک در نیویورک باقی مانده بود، قانون قابل اعمال محل وقوع مال، قانون ایالت نیویورک می‌بود.

۲۷۰ - قانون تجارت متحدالشکل به گونه‌ای که در تیتر ۲ قانون تجارت نیویورک پذیرفته شده، بر بیع کالا در ایالت نیویورک حاکم است. به ویژه بخش ۴۰۱-۲ بر انتقال حق مالکیت کالای فروخته شده حاکم است و در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد:

---

[۲۶۷] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

(۱) ... حق مالکیت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد.

(۲) حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، علی‌رغم محفوظ بودن حق وثیقه و اگر چه قرار باشد سند مالکیت در زمان یا محل دیگری تحویل داده شود... .[۲۶۸]

**۲۷۱ -** دلیلی حاکی از حصول توافق صریح بین موزه و آقای کلارک در خصوص انتقال مالکیت «علف زرد» وجود ندارد. بدین ترتیب، مطابق قاعده تکمیلی بخش ۴۰۱- ۲ (۲) مجموعه قوانین نیویورک، حق مالکیت بر تابلو با تحویل فیزیکی آن به موزه انتقال می‌یابد. در ادعای حاضر، اگر دیوان نتیجه بگیرد که آقای کلارک هرگز تابلو نقاشی را به مقامات ایران تحویل نداده، و بدین ترتیب، این ادعای ایران را بپذیرد که هرگز تابلو را دریافت نکرده است، در این صورت، حق مالکیت «علف زرد» هرگز به موزه منتقل نشده است. برعکس، اگر همان‌طور که آقای کلارک اظهار می‌دارد تابلو نقاشی در نیمه دوم ۱۳۵۸ [اواخر ۱۹۷۹ یا اوایل ۱۹۸۰] به مقامات ایرانی تحویل داده شده بود، مسئله تعهد ایالات متحده مندرج در بند ۹ نسبت به تابلو نقاشی مطرح نمی‌شد.

**۲۷۲ -** از آن جایی که دیوان حکم کرده است که مدارکی وجود ندارد که به قدر کافی اثبات کند که «علف زرد» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضائی ایالات متحده بوده است، دیوان نیازی به عنوان کردن سایر استدلالات ارائه‌شده توسط طرفین، از جمله این‌که آیا موزه، نهادی متعلق به «ایران» مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل هست یا خیر نمی‌بیند.

**۲۷۳ -** بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۵ را مردود اعلام می‌کند.

---

[۲۶۸] مجموعه قوانین ایالت نیویورک، حقوق عرفی، بخش ۴۰۱- ۲.

(۲) ادعای ز-۱۶ (موزه هنرهای معاصر تهران/آیزنمن)

*(الف) مقدمه*

۲۷۴ - ایران در ادعای ز-۱۶ خواهان استرداد هشت طرح و کلاژ (جمعاً «کلاژها») اثر آقای پیتر آیزنمن یک معمار تبعهٔ ایالات متحده که توسط موزه خریداری شده، یا مبلغ ۶۵،۰۰۰ دلار آمریکا ارزش ادعایی کلاژها در سال ۱۳۸۲ [۲۰۰۳] به اضافه بهره می‌باشد. ایران به نحو جایگزین مبلغ ۱۳،۰۰۰ دلار آمریکا، یعنی ارزش ادعایی کلاژها در سال ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] را به اضافه بهره مطالبه می‌کند. مضافاً، ایران بازپرداخت هزینه‌های حقوقی بالغ بر ۵،۹۷۵ دلار آمریکا به عنوان خسارت تبعی را مطالبه می‌کند که مطابق ادعا در نتیجه قصور ادعایی ایالات متحده بابت فراهم آوردن مقدمات انتقال کلاژها به ایران متحمل شده است.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۲۷۵ - خانم نسرین فقیه، مدیر بخش معماری موزه، در اردیبهشت ۱۳۵۷ [مه ۱۹۷۸] با آقای آیزنمن تماس گرفت تا در خصوص امکان خرید برخی از آثار وی پرسش کند. آقای آیزنمن در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ [پنجم ژوئن ۱۹۷۸] مشخصات و قیمت «خانه ده» «خانه چهار» از آثار هنری دست‌سازی که «آماده فروش» بود را به پیوست نامه‌ای خطاب به خانم فقیه ارسال داشت و یادآور شد که بدون دریافت قبلی وجه، چیزی نخواهد فرستاد.

۲۷۶ - موزه در خرداد/تیر ۱۳۵۷ [ژوئن ۱۹۷۸] کلاژهایی به نام «جعبه‌های خانه ده» با قیمت فروش ۱۳،۰۰۰ دلار آمریکا را سفارش داد و بهای آن را پرداخت. با این حال، آقای آیزنمن هرگز این اقلام را به موزه تحویل نداد.

۲۷۷ - ادلهٔ تقدیمی ایران حاکی از آن است که ایران و موزه گام‌های زیادی در جهت تلاش برای جمع‌آوری کلاژها برداشته‌اند. ایران و موزه در آذر/ذی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] ظاهراً مشترکاً از دادگاه بدوی ایالت نیویورک تقاضای قرار منع مقدماتی کرده‌اند تا مانع جابه‌جایی، انتقال، فروش یا واگذاری کلاژها شوند. تأییدیهٔ وکیل آن‌ها

که به نظر می‌رسد در تأیید درخواست آن‌ها ثبت شده است نشان دهندهٔ چندین تلاش است که به منظور تحصیل تحویل کلاژها از آقای آیزنمن صورت گرفته است. تأییدیهٔ وکیل همچنین اشعار می‌داشت که آقای آیزنمن از جمله اعلام کرده بود که (یک) «ترجیح می‌دهد [کلاژها] را آتش بزند تا این که آن‌ها را در اختیار رژیم فعلی [در ایران] قرار دهد»؛ و (دو) خود را در عدم تحویل آثار هنری خریداری شده توسط موزه ذی‌حق می‌دانست؛ چون شریک او بابت کارهای انجام شده برای رژیم شاه طلب‌کار بود، و توقع نمی‌رفت که رژیم جدید آن دیون را بپردازد.

۲۷۸ - ایران و موزه مشترکاً در ۲۹ تیر ۱۳۶۱ [۲۰ ژوئیه ۱۹۸۲] شکوائیه‌ای در پیش‌گاه دادگاه بدوی ایالت نیویورک به ثبت رساندند. آن‌ها در شکوائیه خود ادعا کردند که آقای آیزنمن عمداً از تحویل دادن آثار هنری که قیمت آن را دریافت کرده بود خودداری کرده است و خساراتی به مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه کردند.

۲۷۹ - آقای آیزنمن در ششم مرداد ۱۳۶۱ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۲] یا آن حوالی ظاهراً با قرار منع موقتی معارضه کرد که مانع او در فروش یا واگذاری این اثر به نحوی دیگر می‌شد و نتیجهٔ دادرسی را معلق کرد.

۲۸۰ - آقای آیزنمن در پاسخ خود به شکوائیه که در ۱۵ بهمن ۱۳۶۱ [چهارم فوریه ۱۹۸۳] به ثبت رسید از جمله اظهار داشت که «قرارداد ادعایی» با موزه، مطابق قانون اساسی ایالات متحده و قانون اساسی ایالت نیویورک باطل است، زیرا خوانده را که یهودی است، ملزم به تحویل آثار هنری به خواهان‌هایی می‌کند که بخشی از دولتی با اعتقادات ضدیهودی هستند، و این ناقض آزادی مذهب است.

۲۸۱ - مدیر موزه در ۲۸ خرداد ۱۳۶۳ [۱۸ ژوئن ۱۹۸۴] با استناد به گزارش اموال عینی ایران که ایالات متحده در چهارم خرداد ۱۳۶۳ [۲۵ مه ۱۹۸۴] در رسیدگی‌های حاضر نزد دیوان ثبت کرد، نامه‌ای به آقای آیزنمن نوشت

و از وی دعوت به عمل آورد که هشت تابلو مندرج در نامه خود را تحویل دهد. ایران هم‌زمان از ادامه رسیدگی‌ها در دادگاه بدوی نیویورک صرف‌نظر کرد و ادعای ز-۱۶ را در پرونده‌های حاضر مطرح نمود.

**۲۸۲** - مطابق شهادت‌نامه آقای آیزنمن، مدیر موزه برخی از مجموعهٔ «جعبه‌های خانه ده» و «کلاژهای خانه ده» او را در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] دیده بوده، و علاقه‌مند به خرید نمونه‌های آن شده است. از آن جا که ساختن هیچ‌یک از نمونه‌ها برای موزه شروع نشده بود، وی به موزه اطلاع داد که قیمت تهیه اثر چه‌قدر است، و در نتیجه از موزه خواستار پیش پرداخت شد. آقای آیزنمن هم‌چنین اظهار داشت که کار زیادی روی کلاژها تا زمان سقوط شاه انجام نداده بوده، و پس از آن هیچ کار اضافی انجام نداده است. وی مدعی است که هیچ یک از کلاژها هرگز تمام نشد و قطعات مختلفی که به منظور درست کردن کلاژها برش خورده بود طی بیست سال گذشته گم یا خراب شده است.

**۲۸۳** - خانم فقیه در شهادت‌نامه خود بر خلاف اظهارات آقای آیزنمن اظهار داشت که از مجموعه موجود کلاژهای آقای آیزنمن تحت عنوان «جعبه‌های خانه»، هشت کولاژ را انتخاب و خریداری کرده است. مطابق اظهار خانم فقیه، کلاژها «موجود» بوده و این گفتهٔ آقای آیزنمن که موزه فقط کلاژها را سفارش داده بوده، نادرست است. وی اظهار داشت که به خاطر می‌آورد که کلاژها را به عنوان کارِ تمام شده، دیده است. خانم فقیه مضافاً به خاطر آورد که «اصولاً سیاست موزه هنرهای معاصر این بود که آثاری را سفارش ندهد و فقط آثار موجود را خریداری نماید».

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۲۸۴ -** طبق اظهار ایران، ادله موجود نشان می‌دهد که کلاژها موجود بوده و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است. به نظر ایران، این اظهار آقای آیزنمن در شهادت‌نامه خود مبنی بر این که کار بر روی هیچ یک از کلاژها تمام نشد[۲۶۹] با مدارک هم‌زمان، به ویژه با نامه مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ [پنجم ژوئن ۱۹۷۸] او تعارض دارد که طی آن به وی اطلاع داده شد که «ذیلاً توصیف و قیمت‌های خانه ده و خانه چهار، که به نحوی که قبلاً بحث شد، برای فروش در دسترس است، می‌آید».[۲۷۰] ایران متذکر می‌شود که در نامه مزبور، آقای آیزنمن چیزی دربارهٔ ساخت این اقلام در آینده نگفته است. به علاوه، شهادت‌نامه آقای آیزنمن با شهادت‌نامه خانم فقیه در تعارض است، و خانم فقیه در آن اظهار داشت که کلاژها در زمانی که موزه آن‌ها را سفارش داد، موجود بوده چون «اصولاً» سیاست موزه هنرهای معاصر این بود که آثاری را سفارش ندهند و فقط آثار موجود را خریداری کند.[۲۷۱]

**۲۸۵ -** در همین راستا، ایران استدلال می‌کند که در جریان دادرسی که ایران در دادگاه بدوی نیویورک آغاز کرد، هیچ یک از طرفین در خصوص موجود نبودن اقلام موضوع اختلاف مطلبی عنوان نکردند. به ویژه، ایران تأکید می‌کند که تنها دفاع آقای آیزنمن در آن رسیدگی‌ها خودداری از ارسال کلاژها به دلایل شخصی بوده و وی موجود نبودن آثار را در آن زمان عنوان نکرده است. ایران متذکر می‌شود که تنها دلیلی که آقای آیزنمن به خاطر آن، آثار را به ایران انتقال نداده این بوده که آقای آیزنمن به عنوان یک یهودی، مایل نبوده است با ایرانِ پس از انقلاب در ارتباط باشد. به نظر ایران، قبول قرار منع صادره از دادگاه بدوی نیویورک مبنی بر ممانعت از فروش یا واگذاری آثار توسط آقای آیزنمن، شاهد دیگری بر موجود بودن کلاژها می‌باشد.[۲۷۲]

---

[۲۶۹] *بنگرید به* بند ۲۸۲، بالا.

[۲۷۰] *بنگرید به* بند ۲۷۵، بالا.

[۲۷۱] *بنگرید به* بند ۲۸۳، بالا.

[۲۷۲] *بنگرید به* بند ۲۷۹، بالا.

۲۸۶ - ایران در خصوص انتقال حق مالکیت خاطرنشان می‌کند که آقای آیزنمن هرگز متعرض انتقال حق مالکیت کلاژها به ایران نشده است؛ در عوض، آقای آیزنمن استدلال کرده که رژیم سابقِ شاه، مالک آثار هنری بوده است. ایران استدلال می‌کند که حتی اگر فرض شود که مالکیت با انعقاد موافقت‌نامه فروش انتقال نیافته است، ایران باز هم مطابق اصل مالکیت بر منافع، بر کلاژها حق مالکیت دارد، چرا که موزه ثمن کلاژها را پرداخت کرده است.

۲۸۷ - ایران ادعا می‌کند که ایالات متحده همان‌گونه که دیوان در حکم جزئی شماره ۵۲۹ مقرر داشت ملزم به رفع تمام محدودیت‌های مربوط به تحرک و انتقال آزاد اموال ایران جاری بین ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و دادن دستور به متصرفین برای انتقال آن‌ها به ایران بوده است.

۲۸۸ - بدین‌قرار، ایران استدلال می‌کند که ایالات متحده باید نشان دهد که اقدامات مشخصی در اجرای تعهد بند ۹ مبنی بر انتقال کلاژها معمول داشته است. به نظر ایران، ایالات متحده از چنین تعهدی در ارتباط با کلاژها قصور ورزیده است. ایران خاطرنشان می‌کند که ایالات متحده مدرکی حاکی از الزام آقای آیزنمن به تحویل اموال ایران ارائه نکرده است. ایران استدلال می‌کند که در واقع، ایالات متحده در مسیر سیاست خود نسبت به دولت جدید ایران، آقای آیزنمن را در خودداری از تحویل آثار هنری به ایران تشویق کرده است.

۲۸۹ - مضافاً، ایران استدلال می‌کند که با توجه به این که ایران تعهدی بابت فراهم آوردن امکان ایفای تعهد ایالات متحده نداشته است صرف نگه‌داری اموال توسط آقای آیزنمن، دلیل قاطع نقض تعهد توسط ایالات متحده است.

*اظهارات ایالات متحده*

**۲۹۰ -** ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که تمام کلاژها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به طور فیزیکی وجود داشته‌اند و از این رو، نتوانسته اثبات کند که آن‌ها در آن زمان در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند. از دید ایالات متحده، شهادت‌نامه ارائه‌شده توسط آقای آیزنمن که مطابق آن، هیچ یک از کلاژها در زمان فروش موجود نبوده‌اند، با مدارک هم‌زمان در تعارض نیست. ایالات متحده متذکر می‌شود که مضافاً تنها مدرک اثبات سیاست ادعایی موزه دائر بر سفارش ندادن آثار هنری و فقط خرید آثار موجود، شهادت‌نامه خانم فقیه است. طبق اظهار ایالات متحده، این شهادت با هیچ گونه ادله دیگری اثبات نشده است.

**۲۹۱ -** ایالات متحده اظهار می‌دارد که، به هر تقدیر، موزه نتوانسته اثبات کند که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیت بلامعارض و غیرمشروط نسبت به کلاژها داشته است. ایالات متحده استدلال می‌کند که حتی با فرض موجود بودن آثار هنری، در نبود توافق طرفین بر خلاف، قانون ایالت نیویورک بر معامله حاکم است. با این حال، مطابق قانون نیویورک، حق مالکیت تا زمان تحویل اقلام، که طرفین در واقع نشدن آن اختلافی ندارند، انتقال نمی‌یابد. بنابراین، در حالی که موزه بر ایفای قرارداد توسط طرف مقابل ذی‌حق بوده، نسبت به کلاژها حق مالکیت نداشته است.

**۲۹۲ -** وفق اظهارات به زعم ایالات متحده، حق مالکیت بر طرح‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محل اختلاف بود. با این حال، همان‌گونه که دیوان تأیید کرده است، فقط اموالی که «انحصاراً ایران در مالکیت بود» باید انتقال می‌یافته، نه اموالی که مالکیت آن‌ها محل اختلاف بوده است. ایالات متحده متذکر می‌شود که آقای آیزنمن در دادگاه بدوی نیویورک انعقاد قرارداد بیع با ایران را محل تردید قرار داده و متعرض ادعای مالکیت ایران شده است. ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که درست نیست که گفته شود آقای آیزنمن حق مالکیت ایران را به چالش نکشیده بود.

**۲۹۳ -** ایالات متحده مضافاً منکر این است که موزه مالکیت منافع هشت کلاژ را کسب کرده بوده است.

**۲۹۴ -** به زعم ایالات متحده، مطابق یافته دیوان در حکم شماره ۵۲۹، ایران متعهد بود دستورالعمل‌ها را در اختیار متصرفین اموال قرار دهد. به علاوه، ایران باید ثابت کند که ضرورت انجام اقدامات بیش‌تر برای انتقال کلاژها را به ایالات متحده اطلاع داده است. در ادعای حاضر، ایران چنین اطلاع‌رسانی‌ای ارائه نکرده است.

*(ت) تصمیم دیوان*

**۲۹۵ -** سؤال آغازین در این ادعا این است که آیا کلاژها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تولید شده بوده و در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است یا خیر.

**۲۹۶ -** دیوان ادله، از جمله شهادت‌نامه‌های آقای آیزنمن و خانم فقیه، را به دقت مرور کرده است. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که در خصوص موجود بودن کلاژها در قلمرو قضایی ایالات متحده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با ادلهٔ آشتی‌ناپذیری روبه‌روست. در این زمینه، دیوان شهادت مغایر آقای آیزنمن و خانم فقیه را مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه شد، آقای آیزنمن اظهار داشت که هیچ یک از کلاژها تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تولید نشده بوده است.[۲۷۳] خانم فقیه به نوبه خود اظهار داشت که به یاد می‌آورد که کلاژها را به عنوان آثار تماماً ساخته شده، دیده است و این که اصولاً، سیاست «دیکته شده» موزه این بود که فقط آثار موجود را خریداری کند.[۲۷۴]

**۲۹۷ -** ایران به عنوان خواهان بار اثبات دلیل در موضوعاتی که به آن‌ها استناد می‌کند، یعنی در این ادعا، موجود بودن کلاژها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را عهده‌دار است. با این حال، ایران چنین نکرده است. بنابراین، ادعای ز-۱۶ ایران باید مردود اعلام شود.

---

[۲۷۳] *بنگرید به* بند ۲۸۲، بالا.

[۲۷۴] *بنگرید به* بند ۲۸۳، بالا.

**۲۹۸ -** دیوان ملاحظه می‌کند که حتی اگر من باب بحث فرض شود که کلاژها واقعاً در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند، ادعای ز-۱۶ باز هم مردود اعلام می‌شد؛ زیرا اقلام مزبور، «اموال ایران» در معنای بند ۹ محسوب نمی‌شد. در این زمینه، همان عواملی که دیوان نسبت به ادعای ز-۱۵ مشخص کرده با اعمال تغییرات لازم در مورد ادعای ز-۱۶ قابل اعمال است.[۲۷۵] ادله‌ای مبنی بر این وجود ندارد که موزه و آقای آیزنمن در مورد انتقال حق مالکیت کلاژها به توافق صریحی رسیده باشند. بنابراین، وفق قانون محل وقوع مال، یعنی بخش (۲)۴۰۱-۲ مجموعه قوانین نیویورک،[۲۷۶] حق مالکیت کلاژها تنها زمانی به موزه انتقال می‌یافت که به طور فیزیکی به موزه تحویل داده می‌شد. با این حال، بحثی نیست که چنین تحویلی هرگز صورت نپذیرفته است. بنابراین، حق مالکیت کلاژها حتی با فرض وجود آن‌ها در ایالات متحده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به موزه انتقال نمی‌یافت، و بنابراین، «اموال ایران» محسوب نمی‌شد.

**۲۹۹ -** دیوان در پرتو نتیجه‌گیری‌های خود در بالا، نیازی نمی‌بیند در خصوص این که آیا موزه وفق بند ۳، ماده ۸ بیانیه حل و فصل در تعریف «ایران» می‌گنجد یا خیر، تصمیم‌گیری کند.

**۳۰۰ -** نظر به مراتب فوق، ادعای ز-۱۶ رد می‌شود.

(۳) ادعای ز-۱۸ (وزارت فرهنگ و هنر/فروغ)

*(الف) مقدمه*

**۳۰۱ -** ایران در ادعای ز-۱۸ خواهان استرداد ویولنی است که ساختهٔ آنتونیو استرادیواری کرمونا در سال ۱۷۱۸ میلادی، مشهور به «اکس-ویلموت» («استرادیواریوس») می‌باشد. به نحو جایگزین، ایران بهای تخمینی استرادیواریوس در سال ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] را به مبلغ ۶ میلیون دلار آمریکا به اضافهٔ خسارات عدم استفاده

---

[۲۷۵] *بنگرید به* بندهای ۲۶۹-۲۷۱، بالا.

[۲۷۶] *بنگرید به* بند ۲۷۰، بالا.

(۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا برای هر سال از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حاصل از قصور ادعایی ایالات متحده در دادن ترتیبات انتقال ساز به ایران مطالبه می‌کند. ایران بابت هر مبلغی که حکم داده شود مطالبه بهره نیز می‌نماید.

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۳۰۲-** ویولنیست ایرانی، آقای علی فروغ که در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۲ [۱۹۸۴] به تابعیت ایالات متحده درآمد، در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ [۱۹۷۵ و ۱۹۷۶] جستجوی خود برای یافتن و خرید ویولنی با کیفیت بالا برای خود را آغاز کرد. وفق اظهارات آقای فروغ، وی در زمان نامعلومی در سال ۱۳۵۵/۱۳۵۴ [۱۹۷۶] ساز مناسبی در لندن یافت: ویولن «اکس-ویلموت» استرادیواریوس موضوع ادعای حاضر. ابتدا قصد این بود که از محل دارایی خانواده بهای استرادیواریوس پرداخت شود. وزارت فرهنگ و هنر ایران («وزارت‌خانه») و بعداً شاه با اطلاع یافتن از این‌که آقای فروغ در جست و جوی ساز است، داوطلب پرداخت بهای آن شدند. مطابق شهادت‌نامه آقای فروغ، شاه و وزارت‌خانه تصمیم گرفتند که ساز را به عنوان هدیه‌ای محدود به دوران حیات او به وی بدهند تا انتقاداتی که برای استفاده از مبالغ مالی عمومی برای خرید هدیه‌ای مستقیم برای فروغ مطرح شده بود را فرونشانند.

**۳۰۳-** در این چارچوب، شاه در ۲۱ شهریور ۱۳۵۵ [۱۲ سپتامبر ۱۹۷۶]، دستوری لازم الإجرا صادر کرد و طی آن ظاهراً دستور خرید استرادیواریوس را با پیش‌شرط‌های زیر داد:

> اول نسبت به اصالت آن مطمئن شوید بعداً اگر خریداری شد نباید در اختیار شخص معینی باشد بلکه باید در تالار رودکی نگه داری شود و در مواقع مناسب در اختیار تک نوازان معروف خارجی و ایرانی برای اجرای برنامه‌های [ویژه گذاشته شود.]*

**۳۰۴-** استرادیواریوس زمانی در سال ۱۳۵۵/۱۳۵۴ [۱۹۷۶] برای تعمیر از پاریس به لندن فرستاده شد. دکتر هاکوپیان در نیمه دوم سال ۱۳۵۵ [اواخر سال ۱۹۷۶] از تالار رودکی به نمایندگی از وزارتخانه برای خرید

*در لایحه تسلیمی خواهان، پایان این جمله در متن فارسی درج نشده است.

استرادیواریوس به پاریس سفر کرد.[۲۷۷] آقای فروغ نیز به پاریس فرستاده شد تا در مذاکرات بین دکتر هاکوپیان و نماینده فروشنده در آن جا شرکت کند. چنان‌که از صورت حساب صادره توسط وورلتسر-بروک [Wurlitzer-Bruck] در ۳۱ شهریور ۱۳۵۵ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۶] برمی‌آید، آن مذاکرات به خرید استرادیواریوس توسط وزارتخانه به مبلغ ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا انجامید. آقای فروغ این مطلب را در جلسه استماع پذیرفت و تأیید کرد که پرداخت‌کنندهٔ کامل بابت بهای ساز «ایران» بوده است.

**۳۰۵-** آقای فروغ در ۲۰ مهر ۱۳۵۵ [۱۲ اکتبر ۱۹۷۶] (یعنی، کمی پس از خرید مذکور) اعلامیه‌ای را که وزارت‌خانه تهیه کرده بود امضا کرد و طی آن اذعان کرد که (یک) استرادیواریوس توسط وزارت‌خانه خریداری شده؛ (دو) ساز برای مدت اولیه یک ماه «به عنوان امانت [به او] داده شده است»؛ و (سه) تجدید قرارداد امانی متعاقب انقضای یک ماه مذکور باید با توافق وزارتخانه صورت می‌گرفت. آقای فروغ در ۲۱ آذر ۱۳۵۵ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۶] تصدیق و تعهدنامهٔ دیگری تهیه‌شده توسط وزارت‌خانه را امضا کرد که قرارداد مذکور را برای یک سال، یعنی تا ۲۱ آذر ۱۳۵۶ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۷] تجدید کند. قرارداد مذکور در اول خرداد ۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹] (تا ۲۲ آذر ۱۳۵۸ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۹]) و در ۲۲ دی ۱۳۵۸ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۰] (تا ۲۲ آذر ۱۳۵۹ [۱۳ دسامبر ۱۹۸۰]) مجدداً تجدید شد.

**۳۰۶-** تالار رودکی و وزارت‌خانه در اواخر ۱۳۵۸ [اوایل ۱۹۸۰] نامه‌هایی در مورد خرید استرادیواریوس و یک ویولن دیگر، دست‌ساز گوادانی‌نی، که وزارت‌خانه به دست آورده و در اختیار آقای بیژن خادم میثاق قرار داده بود، مبادله کردند. وزارت‌خانه سرانجام به تالار رودکی دستور داد که هم با آقای فروغ و هم آقای خادم میثاق تماس بگیرد و از آن‌ها بخواهد یا سازها را برگردانند یا آن‌ها را از مقامات ایرانی بخرند.

---

[۲۷۷] تالار رودکی، یک مجتمع هنرهای نمایشی در تهران و وابسته به وزارت‌خانه مذکور است.

۳۰۷- مطابق شهادت آقای فروغ، وی از این درخواست متعجب شد، زیرا استنباط او این بود که استرادیواریوس توسط شاه به او هدیه شده بوده است. با این حال، وفق اظهارات آقای فروغ، وی تصمیم گرفت نامی از هدیه به میان نیاورد و در عوض تنها طی نامه اول تیر ۱۳۵۹ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۰] پیش‌نهاد کرد آن را بخرد. بخش ذی‌ربط نامه به شرح زیر است:

> تقاضا دارم با بذل عنایت نظر اولیاء محترم آن وزارت را جلب فرمایید که موافقت فرمایند که ویولن همچنان در اختیار اینجانب به طور امانت باقی بماند و در صورتی که این تقاضا مورد قبول نبود خواهشمندم با توجه به امکانات بسیار محدود مالی اینجانب برای خریدن آن در فرصتی مناسب و در مدتی طولانی ترتیبی انجام و پیش‌نهاد فرمایند که پرداختن قیمت آن برای اینجانب مقدور باشد.

۳۰۸- وزیر در ۲۸ تیر ۱۳۵۹ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۰] هر دو پیش‌نهاد آقای فروغ از جمله پیش‌نهاد خرید استرادیواریوس را رد کرد. این تصمیم طی نامه مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ [نهم اوت ۱۹۸۰] به اطلاع آقای فروغ رسید، و از نامبرده درخواست شد که استرادیواریوس را ظرف ۱۵ روز به سفارت ایران تحویل دهد. آقای فروغ و پدر وی، آقای مهدی فروغ، تعدادی نامه به تالار رودکی و وزارت‌خانه ارسال داشتند و ضمن اشاره به تمهیدات امانی مذکور در بالا، درخواست مبنی بر خرید استرادیواریوس از ایران را تکرار نمودند.[۲۷۸] همزمان، تالار رودکی و وزارتخانه با شماری از مقامات از جمله دفتر حفاظت منافع ایران در سفارت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در واشینگتن دی سی («دفتر حفاظت منافع ایران») تماس گرفتند، و از آن‌ها برای حصول اطمینان از استرداد استرادیواریوس یاری جستند.

۳۰۹- آقای فروغ در ۲۲ آذر ۱۳۵۹ [۱۳ دسامبر ۱۹۸۰] به ابتکار خود با بهره گرفتن از عبارات اعلامیه‌ها و تعهدات سابق مشروحه در بالا، سندی جدید مبنی بر تجدید توافق راجع به استرادیواریوس آماده کرد. آقای فروغ طی نامه مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] متن [قرارداد] را به وزارت‌خانه ارسال کرد. وی در این نامه

---

[۲۷۸] *بنگرید به* بند ۳۰۵، بالا.

تأکید کرد که «ویولن ... از تاریخ ۲۲-۹-۵۵ [۳۰ نوامبر ۱۹۷۶] به امانت به من سپرد[ه]» شد و «از آن تاریخ ببعد هم هر سال امانت نامهٔ ماشین شده‌ای ... فرستاده می‌شد و من آنرا امضا می‌کردم و پس می‌فرستادم». وی در ادامه اظهار داشت که وی پیوسته استرادیواریوس را «[متعلق به] تالار رودکی و ملت ایران» تلقی کرده است و «در این باب هرگز تردیدی به خود راه نداده» بوده است. با این حال، دفتر حفاظت منافع ایران طی سال ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] چند نامه به آقای فروغ نوشت، و از وی خواست که استرادیواریوس را بازگرداند. این درخواست‌ها هرگز اجابت نشد.

۳۱۰- آقای خادم میثاق در مرداد ۱۳۶۰ [اوت ۱۹۸۱] ویولن گوادانی‌نی را به سفارت ایران در وین تحویل داد. مقامات ایران در فاصله شهریور ۱۳۶۰ [سپتامبر ۱۹۸۱] و اردیبهشت ۱۳۶۳ [مه ۱۹۸۴] به منظور تلاش برای یافتن محل اقامت آقای فروغ و برای باز پس‌گیری استرادیواریوس با شماری از مؤسسات حقوقی و بازرسان خصوصی کار کردند. با این حال، ایران آقای فروغ را در ایالات متحده یا جای دیگری برای استرداد استرادیواریوس مورد تعقیب قرار نداد. آقای فروغ در شهادت‌نامه‌اش اظهار کرده است که وزارت امور خارجه ایالات متحده از اوایل دههٔ ۱۹۸۰ در ارتباط با ادعای ایران با وی در تماس بوده است اما پس از ثبت ادعای ز-۱۸ در دیوان در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] هیچ مقام ایرانی هرگز با وی تماس نگرفت.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۳۱۱- ایران اظهار می‌دارد که از آن جا که بهای کامل ویولن با استفاده از منابع مالی دولت ایران پرداخت شد، وزارت‌خانه بلا تردید مالک قانونی استرادیواریوس بوده است، و این ساز تنها به صورت امانی در اختیار آقای فروغ قرار داده شده بود. به زعم ایران، آقای فروغ پس از انقضای موافقت‌نامه‌ها میان آقای فروغ و وزارت‌خانه در دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] قانوناً حق نگه داری استرادیواریوس را نداشته است. ایران مدعی است که موضع

آقای فروغ مبنی بر این‌که استرادیواریوس برای تمام عمر به او هدیه شده بود، مغایر ادله موجود در پرونده است و تنها شهادت‌نامهٔ خود آقای فروغ مؤید آن است.

**۳۱۲-** ایران همچنین استدلال می‌کند که بر خلاف ادعاهای ایالات متحده، در پرتو اصل کلی ب،[۲۷۹] ایران تعهدی به اثبات حق مالکیت خود بر استرادیواریوس در پیش‌گاه دادگاه‌های ایالات متحده نداشته است. به زعم ایران، پیش‌شرط ادعایی ایالات متحده مبنی بر ضرورت اثبات حق مالکیت ایران در پیش‌گاه دادگاه‌های ایالات متحده توسط ایالات متحده و به منظور گریز از مسؤولیت ابداع شده است. مضافاً، ایران بر این موضع است که این، ادعایی ناشی از نقض تعهد معاهده‌ای امضا شده بین دو دولت است؛ بنابراین، دیوان در مورد مالکیت استرادیواریوس برای تصمیم‌گیری صالح است هر چند که آقای فروغ طرف این رسیدگی‌ها نباشد. به هر تقدیر، مطابق اظهارات ایران، حضور آقای فروغ به عنوان طرف دعوا در رسیدگی‌های حاضر هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کرد، چرا که ایالات متحده دفاع خود را بر پایه موضع و درک آقای فروغ ارائه کرده است. ایران مدعی است که ایالات متحده بند ۹ را با قصور در انجام ترتیبات انتقال استرادیواریوس نقض کرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

**۳۱۳-** ایالات متحده ادعا می‌کند که اختلافی در خصوص حق مالکیت استرادیواریوس بین ایران و آقای فروغ وجود داشته — و هنوز وجود دارد — که مانع از آن شده است که ایالات متحده ترتیبات انتقال استرادیواریوس را وفق بند ۹ بدهد. به زعم ایالات متحده، اولین موضوع حقوقی در پیش‌گاه دیوان، ماهیت تعارض مالکیت نیست بلکه فقط این است که آیا حق مالکیت، معارض بوده است یا خیر. ایالات متحده استدلال می‌کند که چون طرف معامله‌ای که مبنای ادعا و حوادثی که موجب اختلاف در خصوص مالکیت استرادیواریوس شده، نبوده است،

---

[۲۷۹] *بنگرید به* پانوشت ۵۲، بالا.

نمی‌توانسته به بررسی صحت و سقم ادعاهای ایران و آقای فروغ در خصوص مالکیت بپردازد. بنابراین، ایالات متحده گزینه‌ای جز اطمینان کردن به شهادت آقای فروغ نداشته است.

**۳۱۴-** ایالات متحده بر این موضع است که قبل از این‌که تعهدش در بند ۹ بتواند کلید بخورد، ایران باید اختلاف در حق مالکیت را با آقای فروغ در دادگاه‌های ایالات متحده حل کند. ایالات متحده توضیح می‌دهد که مطابق قانون اساسی‌اش نمی‌تواند متصرف آمریکایی مال را بدون طی تشریفات قانونی، از آن مال محروم کند و اظهار می‌دارد که طی چنین تشریفات قانونی می‌توانست فقط با طرح دعوا توسط ایران علیه آقای فروغ در یکی از دادگاه‌های ایالات متحده امکان پذیر باشد.

**۳۱۵-** ایالات متحده ملاحظه می‌کند که دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که مستثنی شدن اموال در مواردی که مالکیت مورد پذیرش واقع شده است، اما حق تصرف مال محل اختلاف است، با بند ۹ ناسازگار است. با این حال، ایالات متحده اظهار می‌دارد که دیوان به موضوع مستثنی شدن اموال در مواردی که حق مالکیت ایران – در مقابل حق تصرف – محل اختلاف می‌باشد، نپرداخته است. بدین ترتیب، به زعم ایالات متحده، آن کشور هیچ مسؤولیتی بابت انتقال استرادیواریوس نداشت.

**۳۱۶-** ایالات متحده به علاوه معروض می‌دارد که استدلال ایران مبنی بر این‌که نباید حق مالکیت خود بر استرادیواریوس را در دادگاه‌های ایالات متحده به اثبات می‌رساند،[۲۸۰] بر تفسیری غلط از اصل کلی ب مبتنی است. ایالات متحده استدلال می‌کند که اصل کلی ب مستلزم خاتمه یافتن رسیدگی‌های راجع به ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران می‌باشد که محتملاً در محدودهٔ صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد. به زعم ایالات متحده، آقای فروغ نمی‌توانست برای حل مسئله حق مالکیت به دیوان متوسل شود، چرا که او تبعه ایالات متحده نبود.

---

[۲۸۰] *بنگرید به* بند ۳۱۲، بالا.

۳۱۷- به علاوه، ایالات متحده مدعی است که، حتی اگر دیوان به این نتیجه برسد که برای حل اختلاف مالکیتی بین ایران و آقای فروغ واجد صلاحیت است، ادله، حاکی از این است که ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر استرادیواریوس حق مالکیت نداشت، چرا که ساز مذکور بلافاصله بعد از خریداری، به عنوان هدیه‌ای برای تمام عمر به آقای فروغ داده شده بود. ایالات متحده استدلال می‌کند که، اگر دیوان نتیجه بگیرد که استرادیواریوس در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در زمره اموال ایران بود، در این صورت، ایران در آن تاریخ در همان موقعیت مالی در ارتباط با استرادیواریوس قرار می‌گیرد که قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] قرار داشت. بدین ترتیب، به زعم ایالات متحده، اگر ایالات متحده قدم پیش گذاشته بود و استرادیواریوس را به ایران می‌کرد، ایران در موقعیت اقتصادی بهتری نسبت به قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] قرار می‌گرفت.

۳۱۸- به هر تقدیر، ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران در زمانی که سعی می‌کرد محل استقرار آقای فروغ را با استخدام کارآگاهان خصوصی و وکلا در ایالات متحده بیابد، از ایالات متحده کمک نخواست. ایالات متحده مدعی است که نخستین بار وقتی ایران ادعای ز-۱۸ را در شهریور ۱۳۶۲ [اوت ۱۹۸۳] تسلیم کرد، از این اختلاف آگاه شد، و از آن زمان، به تناوب با آقای فروغ در تماس بوده است.

*(ت) تصمیم دیوان*

۳۱۹- دیوان مطابق بند ۱۷ بیانیه عمومی،[۲۸۱] صلاحیت حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای مفاد بیانیه عمومی را دارد. در ادعای حاضر، سؤال آغازین این است که آیا استرادیواریوس در چارچوب «اموال ایران» به مفهوم مندرج در بند ۹ می‌گنجد یا خیر.

[۲۸۱] بند ۱۷ بیانیه عمومی مقرر می‌دارد: «چنانچه اختلافات دیگری دربارهٔ تفسیر یا نحوهٔ اجرای هر یک از مقررات این بیانیه بین طرفین بروز نماید، هر یک از طرفین می‌تواند اختلاف را به هیئت داوری که بر اساس بیانیهٔ حل و فصل ادعاها و مطابق شرایط مقرر در آن

۳۲۰- دیوان حکم می‌کند که این امر که ادعای متصرف مال مبنی بر این‌که وی، و نه ایران، مالک فقره‌ای از اموال در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بوده، نافی صلاحیت دیوان در رسیدگی به این امر نیست که آیا ایالات متحده به تعهدات خود ذیل بند ۹ و به نحو کلّی‌تر ذیل بیانیه‌های الجزایر عمل کرده است یا خیر - تا بدین ترتیب تصمیم بگیرد که، در مواقع لزوم، آیا قلمی از اموال در معنای بند ۹ متعلّق به «ایران» می‌باشد یا خیر.[۲۸۲] آن جا که ایالات متحده موضع متصرف مال در خصوص مالکیت قلم مورد نظر را لحاظ کرده و از این رو تصمیم گرفته است که ترتیب انتقال آن را مطابق بند ۹ ندهد، ایالات متحده این خطر را پذیرفته است که دیوان پس از لحاظ کلیه ادله ارائه شده، از جمله شهادت مفصل آقای فروغ[۲۸۳] سرانجام نتیجه بگیرد که مال مطابق بند ۹ «متعلق به ایران» بوده، و در نتیجه به این یافته برسد که ایالات متحده مسؤول نقض آن بند است. بدین قرار، دیوان نظر می‌دهد که برای تعیین این‌که چه کسی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به ویولن حق مالکیت داشته، واجد صلاحیت است.

۳۲۱- اکنون دیوان به این مسئله می‌پردازد که آیا ویولن در چارچوب اصطلاح «اموال ایران» به مفهومی که در بند ۹ آمده قرار می‌گیرد یا خیر. اختلافی نیست که ویولن در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار داشت. به همین منوال، اختلافی نیست که وزارت‌خانه در تعریف «ایران» مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می‌گنجد.

---

تشکیل گردیده است و رأی آن لازم الاجرا خواهد بود، ارجاع نماید ....». بیانیه عمومی، بند ۱۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۸

[۲۸۲] بعد از این که مسئله‌ای مشمول صلاحیت دیوان در پیش‌گاه آن مطرح شود، دیوان صلاحیت کامل برای تصمیم‌گیری در مورد آن مسئله را دارد.

[۲۸۳] ایالات متحده دو شهادت‌نامه کتبی از آقای فروغ تسلیم کرده و او را در جلسه استماع به عنوان شاهد احضار کرده است. آقای فروغ موسعاً مورد سؤال قرارگرفت.

**۳۲۲-** دیوان باید تعیین کند که آیا در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] وفق قانون محل وقوع مال حق مالکیت استرادیواریوس به ایران تعلق گرفته است یا خیر. اختلافی میان طرفین وجود ندارد که خرید استرادیواریوس در پاریس (فرانسه) واقع شد، و این که وزارت‌خانه مذکور مبلغ استرادیواریوس را پرداخت و حق مالکیت آن را در نیمه دوم ۱۳۵۵ [اواخر ۱۹۷۶] یعنی زمانی به دست آورد که دکتر هاکوپیان از تالار رودکی، به نمایندگی از وزارت‌خانه مذکور، و همچنین نماینده فروشنده، قرارداد فروش استرادیواریوس را منعقد کردند.[۲۸۴] مطابق حقوق فرانسه، تمام اموال عینی – منقول یا غیر منقول – مشمول قانون محل وقوع است.[۲۸۵] خرید توسط وزارت‌خانه مذکور، از جمله، با صورت‌حساب مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۵ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۶][۲۸۶] صادره توسط وورلیتزر-بروک احراز می‌شود که در آن ذکر گردید که استرادیواریوس توسط وزارت‌خانه مذکور مورد پرداخت و خرید واقع شد. این امر توسط خودِ آقای فروغ نیز که در جلسه استماع شهادت داد که «مسلماً [ایران] پول ساز مذکور را پرداخت» تصدیق شد. بدین ترتیب، مطابق حقوق فرانسه، حق مالکیت استرادیواریوس به محض خرید آن در پاریس در نیمه دوم ۱۳۵۵ [اواخر ۱۹۷۶] به ایران منتقل شده است.

**۳۲۳-** در خصوص شروطی که آقای فروغ مطابق آن ویولن استرادیواریوس را به محض خرید توسط وزارت خانه دریافت کرد، دیوان ادلّه مستند و فراوانی در اختیار دارد که نشان می‌دهد ویولن استرادیواریوس تا تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۵۹ [۱۳ دسامبر ۱۹۸۰] به‌واسطه موافقت‌نامه‌های متوالی به عنوان نوعی امانت به آقای فروغ داده شده است. نه تنها آقای فروغ چهار اعلامیه و تعهد را که وزارت‌خانه به او ارائه کرده بود، امضاء کرده، بلکه زمانی که مقامات

---

[۲۸۴] *بنگرید به* بند ۳۰۴، بالا.

[۲۸۵] بند ۲ ماده ۳ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد که «اموال غیرمنقول مشمول قانون فرانسه است حتی اگر متعلق به اتباع بیگانه باشد». دامنه مقرره مزبور به نحو اشتقاقی به اموال منقول گسترش پیدا کرده است. به عنوان مثال، *بنگرید به*
P. MAYER & V. HEUZÉ, DROIT INTERNATIONAL PRIVÉ 476 (11th ed., LGDJ 2014); B. AUDIT, DROIT INTERNATIONAL PRIVÉ 762-763 (6th ed., Economica 2010).

[۲۸۶] *بنگرید به* بند ۳۰۴، بالا.

ایران از او درخواست کردند که ویولن استرادیواریوس را بازگردانَد، وی هیچ اشاره‌ای به وجود «هبه مادام العمر» نکرد. به جای آن، وی بر نگه‌داشتن ویولن استرادیواریوس به واسطه قرارداد پافشاری کرده و پیش‌نهاد خرید آن را به وزارت خانه داده است. ادلّه برای این نتیجه‌گیری در مدارک زیر یافت می‌شود:

(الف) نامه‌ای از آقای فروغ به مدیرعامل تالار رودکی مورّخ ۱ تیر ۱۳۵۹ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۰] که در آن، وی از وزارت‌خانه، درخواست کرد که با تمدید قرارداد امانت یا در صورت عدم قبول این امر، با فروش ویولن استرادیواریوس به وی موافقت نماید؛

(ب) نامهٔ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ [پنجم مه ۱۹۸۱] از آقای فروغ به وزیر فرهنگ و آموزش عالی در تهران که طی آن آقای فروغ بار دیگر تأیید کرد که «پس از انجام یافتن معامله وزارت ... ویولن را از تاریخ ۲۲-۹-۵۵ [۳۰ نوامبر ۱۹۷۶] به امانت به من سپرد. از آن تاریخ به بعد هم هر سال امانت نامهٔ ماشین شده‌ای از طرف ... تالار رودکی فرستاده می‌شد و من آن را امضا می‌کردم و پس می‌فرستادم» مضافاً وی تکرار کرد که «تعلق ویولن [استرادیواریوس] به تالار رودکی و ملّت ایران همیشه مرکوز ذهن من بود» و این که «در این بابت هرگز تردیدی به خود راه نداده‌ام»؛

(پ) نامه‌ای از آقای مهدی فروغ، پدر آقای فروغ به دفتر حفاظت منافع ایران مورّخ چهارم تیر ۱۳۶۰ [۲۵ ژوئن ۱۹۸۱] با این بیان که فرزندش نامه‌ای متضمن درخواست تمدید امانت ویولن استرادیواریوس ارسال کرده بود. آقای مهدی فروغ همچنین اشاره کرده است که فرزند وی در انتظار پاسخ تهران در خصوص درخواستش بود که کماکان ویولن استرادیواریوس را در امانت نگه دارد، یا به نحو جایگزین، آن را بخرد؛

(ت) نامهٔ مورّخ سوم شهریور ۱۳۶۰ [۲۵ اوت ۱۹۸۱] آقای فروغ به دفتر حفاظت منافع ایران مبنی بر یادآوری پیش‌نهاد خود برای خرید استرادیواریوس در صورتی که تمدید موافقت نامه امانی مورد قبول

نباشد، ضمن تأکید بر نگه‌داری خوب وی از استرادیواریوس طی سال‌هایی که در تصرف وی بوده است و اذعان به این که استرادیواریوس «نزد من امانت است».

**۳۲۴-** آقای فروغ در شهادت خود در جلسه استماع اظهار داشت که کراراً به وی گفته شد که موافقت‌نامه‌ها با وزارت‌خانه «صرفاً امری صوری» بوده است و این که ویولن استرادیواریوس مال او بوده و وی می‌توانسته با آن «تا پایان عمرش» بنوازد. بر اساس شهادت آقای فروغ، این موافقت‌نامه‌ها «برای راضی کردن کسانی تهیه شد که مخالف داشتن آن آلت موسیقی، توسّط من بودند».

**۳۲۵-** دیوان حکم می‌کند که حجم زیادی از ادله، ادعای آقای فروغ را مبنی بر وجود ادعاییِ «هبه مادام العمرِ» استرادیواریوس تأیید نمی‌کند. نخست، ادلهٔ مستند هم‌زمان موجود در سوابق نشان‌گر آن است که آقای فروغ استرادیواریوس را به واسطه نوعی امانت دریافت کرده است. اظهارات خود آقای فروغ در مکاتباتش با مقامات ایرانی، و این واقعیت که زمانی که موافقت‌نامه مذکور تمدید نشد، وی پیش‌نهاد و اصرار کرد که استرادیواریوس را بخرد، مؤیّد این مطلب است. دوم، ادعاهای آقای فروغ مبنی بر وجود هبهٔ مادام العمر تنها در گزارش ایالات متحده در اموال عینی ایران در هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] مطرح شد. مضافاً، در اصل، وجود هبه مادام العمر را انحصاراً شهادت‌نامه و گواهی جلسه استماع آقای فروغ تأیید می‌کند. دیوان در تحلیل خود از نامهٔ ۲۷ مهر ۱۳۶۴ [۱۹ اکتبر ۱۹۸۵] ارسالی آقای آدرین سان شاین به آقای فروغ آگاه است و آن را مدنظر دارد که طی آن، خاطرهٔ آقای سان شاین از واقعیات زمان خرید استرادیواریوس بازگو شده و اظهار شده است که برداشت او این بوده است که استرادیواریوس «هبهٔ بی‌قید و شرط برای استفادهٔ دایمی و انحصاری شما» بود. با این حال، دیوان در پرتو کلیه ادله موجود در پرونده، با باز گفتن خاطره آقای سان شاین در ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] از وقایعی که تقریباً ۱۰ سال پیش رخ داده بود، مجاب نشده است.

**۳۲۶-** در پرونده‌ی حاضر، بحثی نیست که از مرداد ۱۳۵۹ [اوت ۱۹۸۰] که آقای فروغ از ردّ پیش‌نهاد خود در خصوص خرید ویولن استرادیواریوس مطّلع شد، ایران دستورات مکرّری به متصرف مال، آقای فروغ، به منظور بازگرداندن ساز داد. علی‌الخصوص، برای روشن شدن بحث، نامه‌ی ارسالی دفتر حفاظت منافع ایران به آقای فروغ مورّخ ۱ تیر ۱۳۶۰ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۱] ذی ربط است که بیان می‌دارد:

> به اطّلاع می‌رساند که با منقضی شدن مهلت ۱۰ روزه شما و به دنبال بی‌نتیجه ماندن کوشش‌های این دفتر که طی تماس‌های مکرّر خود با شما سعی در حلّ مسئله به طریق مسالمت‌آمیز داشت که متأسّفانه با بی‌توجّهی‌ها و اظهارات و قول‌های خلاف واقع شما مواجه گردید، بدین‌وسیله به شما اخطار می‌شود که *حدّاکثر تا ۷ روز پس از رؤیت این اخطاریّه* که با پست سفارشی به شما ابلاغ می‌شود، *ویولن گران‌بهای متعلّق به ملّت ایران را که به امانت گرفته‌اید، به این دفتر عودت دهید* (تأکید اضافه شده است).

**۳۲۷-** مطلب دیگری در میان موضوعاتی که به مطرح شدن این ادعا منجر می‌شود وجود دارد: اکنون استرادیواریوس احتمالاً در ایالت ایندیانا است، و بنابراین قانون محل وقوع مال، قانون ایندیانا می‌باشد. این، نمونه ممتازی است از آن چه که در نظریه تعارض‌ها «تعارض متحرّک» («*conflit mobile*») نامیده می‌شود. هر چند قواعد حل تعارض تدوین شدهٔ جدید در خصوص حقوق مربوط به اموال، به حق وثیقه به طور خاص می‌پردازند و فقط به وضعیتی نظر دارند که یا مال منقول از کشور ثالث به حوزه قضایی صالح منتقل می‌شود، یا بر عکس، از حوزه قضایی صالح به حوزه قضایی دیگری انتقال می‌یابد، قواعد حل تعارض در سه حوزه قضایی اعمال می‌شود (ایران، هلند، و ایالات متحده به گونه‌ای که در تنقیح قوانین (دوم) آن کشور در خصوص تعارض قوانین آمده) راه حل فراخ‌تر و انتزاعی‌تری ارائه می‌کند.[۲۸۷] از آن‌جا که معاملات (بعدی) استرادیواریوس بر دیوان معلوم نیست،

---

[۲۸۷] ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد:

> تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیا در آن جا واقع می‌باشند مع ذلک حمل و نقل شدن شیء منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیء نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی آورد.

می‌شود استنباط کرد که هر سه حوزه قضایی این نظر را تأیید می‌کنند که مالکیت کسب شدهٔ ایران قبل از انتقال ویولن به ایالات متحده پس از انتقال نیز استصحاب می‌شود. دیوان می‌پذیرد که در اوضاع و احوال حاضر، این راه حل مناسبی است.

**۳۲۸-** در پرتو مراتب فوق، دیوان معتقد است که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] وزارت‌خانه، مالک ویولن استرادیواریوس بوده است. از این رو، ویولن استرادیواریوس در محدوده‌ی «اموال ایران» در معنای بند ۹ قرار می‌گیرد.

**۳۲۹-** اکنون، دیوان به مسئله‌ی مسؤولیّت ایالات متّحده می‌پردازد. ایالات متّحده برای نخستین بار در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]، زمانی که ایران پاسخ خود را به دفاعیّه‌ی ایالات متّحده ارائه کرد، آگاه شد که ویولن استرادیواریوس در اختیار آقای فروغ است و در ایالات متّحده قرار دارد. بدین ترتیب، سؤال ذی‌ربط این است که آیا از آن زمان، ایالات متّحده، برای ایفای تعهّد خود مندرج در بند ۹ در خصوص برداشتن گام‌هایی

---

ماده ۱۰: ۱۳۰ قانون مدنی هلند مقرر می‌دارد:

*حقوق در اموال غیرمنقول در اشیائی که به دولت دیگری منتقل می‌شود*

حقوق در اموال غیرمنقول نسبت به شیءای که در مطابقت با بخش حاضر (بخش ۱۰،۱۰) کسب یا ایجاد شده است، اگر هم آن شیء به دولت دیگری منتقل شود، متعلق به آن شیء باقی می‌ماند. این حقوق در اموال غیرمنقول نمی‌تواند به نحوی اعمال شود که با حقوق دولتی که آن شیء در زمان اعمال حقوق مزبور در سرزمین آن واقع شده است ناسازگار باشد.

بخش ۲۴۷ تنفیح قوانین (دوم) در خصوص تعارض قوانین مقرر می‌دارد:

بخش ۲۴۷ *انتقال مال منقول به ایالت دیگر: تأثیر بر مالکیت*

منافع نسبت به مال منقول با صرف انتقال مال مزبور به کشور دیگر متأثر نمی‌شود. با این حال، چنین منافعی ممکن است توسط معاملاتی با مال مزبور در کشور دیگر متأثر شود.

RESTATEMENT (SECOND) OF CONFLICT OF LAWS, § 247 (1971).

برای تضمین انتقال ویولن استرادیواریوس که در اختیار آقای فروغ بود، به ایران کلیه اقدامات معقول را معمول داشته است یا خیر.[۲۸۸]

**۳۳۰-** مطابق شهادت‌نامهٔ آقای فروغ، پس از آن‌که ایالات متّحده از طریق ایران مطلع شد که آقای فروغ متصرف مال مورد مطالبه است، «از تاریخ اوایل ۱۹۸۰ [اواخر ۱۳۵۸] تا کنون وزارت امور خارجه آمریکا چندین بار با من تماس گرفته و پرسش‌هائی در مورد ادعای ایران برای ویولن نموده است». ایالات متّحده در گزارش مورّخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که «ویولن [مذکور] هبه‌ای به آقای فروغ برای استفاده در طول عمر وی بوده است» و پیش‌نهاد کرد که ایران مستقیماً با آقای فروغ تماس بگیرد و مسئله را حل کند. ایران در گزارش مورّخ ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت که «علی فروغ هیچ حقّی نسبت به ویولن یاد شده ندارد». ایالات متّحده در گزارش به‌روزشده‌ی خود در سال ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] تصدیق کرد که ایران ویولن استرادیواریوس را خریده است، امّا تأکید کرد که آن، برای استفاده شخصی به آقای فروغ داده شده است و ازآن‌جا که آقای فروغ پیش‌نهاد کرده که ویولن استرادیواریوس را بخرد، پیش‌نهاد می‌شود ایران مستقیماً با آقای فروغ در خصوص پیش‌نهاد وی در خصوص خرید آن ساز ارتباط برقرار کند. مدارک منضم به آن گزارش نشان می‌دهد که ایران کراراً درخواست بازگرداندن ویولن استرادیواریوس را داشته و پیش‌نهاد خرید آقای فروغ را رد کرده است. با وجود مراتب فوق و مدارک بعدیِ ارائه‌شده توسّط طرفین، ایالات متّحده، موضع خود را تغییر نداده و بر شهادت آقای فروغ تکیه کرده است.

**۳۳۱-** با درنظرگرفتن اوضاع و احوال پیش گفته، دیوان حکم می‌کند که به محض اطلاع ایالات متحده از استرادیواریوس، این کشور باید ترتیبات انتقال آن را فراهم می‌آورد. این مطلب که شاید وزارت‌خانه، ویولن

---

[۲۸۸] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

استرادیواریوس را به آقای فروغ به عنوان نوعی امانت برای استفاده‌ی شخصی داده باشد، نامربوط است؛ زیرا زمانی که ایران به آقای فروغ دستور بازگرداندن آن را داد، وی باید از این درخواست متابعت می‌نمود. ایالات متّحده هیچ‌گاه با این امر مخالفت نکرده که وزارت‌خانه، ویولن استرادیواریوس را خریده است و در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] جزو «اموال ایران» به شمار می‌آمده است؛ با این حال، ایالات متّحده متعاقب آگاهی از وجود آن و تلاش‌های ایران برای بازگرداندنش، از انجام تمام اقدامات معقول برای تضمین انتقال ویولن استرادیواریوس توسّط آقای فروغ به ایران سر باز زده است. از لحظه‌ای که ایالات متّحده از ادّعای ایران آگاهی یافت، به نحوی معقول، از آن دولت انتظار می‌رفت که موضوع را از آقای فروغ پیگیری کند، و مهم‌تر آن‌که از وی درخواست نماید که ادلّه مؤید ادّعای خود مبنی بر این که او ویولن استرادیواریوس را به عنوان هبه دریافت نموده است را ارائه کند. با این حال، ایالات متّحده چنین نکرد. بنابراین، ایالات متّحده هیچ اقدامی برای حصول اطمینان از بازگرداندن ویولن استرادیواریوس به ایران به عمل نیاورد.

**۳۳۲-** بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متّحده نسبت به ادعای ز-۱۸، از تاریخ ۹ شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] ناقض تعهّد مندرج در بند ۹ خود می‌باشد.

(۴) ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) (رادیو و تلویوزیون ملّی ایران/ کامران و کلودیا مشایخی)

*(الف) مقدّمه*

**۳۳۳-** ایران در ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) خواهان بازگرداندن برخی سازهای موسیقی و سایر اموال به شرح آتی، یا حداکثر معادل ۹۹۰،۶۲۵ دلار آمریکا، به اضافه‌ی بهره به عنوان خسارات ادّعاییِ وارده در نتیجه قصور ادّعایی ایالات متّحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموالی می‌باشد که توسّط یکی از کارکنان سابق رادیو و تلویزیون ملی ایران خریداری شده بود و علی‌الإدّعا در حوزه قضایی ایالات متّحده قرار داشت.

**۳۳۴-** ادعای تکمیلی ۱۱-(۲) مربوط به ادعای بازگرداندن برخی تجهیزات اداری و دو وسیله‌ی نقلیه یا پرداخت غرامت بابت آن می‌باشد. تجهیزات اداری شامل دو میز کار، یک میز جلسه، صندلی‌ها، یک دستگاه تلویزیون سیاه و سفید، یک دستگاه تلویزیون رنگی، دو ضبط صوت سونی، سه رادیوی پاناسونیک، یک میز اداری، کابینت پرونده‌ها، یک مبل راحتی، یک میز پذیرایی، دو دوربین فیلم برداری سی‌پی-۱۶، و یک ماشین تحریر برقی می‌باشد. به گونه‌ای که ذیلاً بحث خواهد شد، در حالی که ایران طی دادخواهی‌های خود خواهان خواستهٔ مشروح در بالا شده، آن دولت در جدول اختصاری دعاوی، خواسته‌ای بابت ادعای تکمیلی ۱۱-(۲) درج نکرده است.[۲۸۹]

**۳۳۵-** خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) استرداد شماری ساز و لوازم جانبی موسیقی یا پرداخت غرامت بابت آن‌ها است. این موارد، شامل ویولن ساخت نیکولو گالیانو در سال ۱۷۳۸، ویولن ساخت جوزپه گالیانو در سال ۱۷۸۰، ویولای ساخت یوئنس گالیانو در سال ۱۸۰۴، ویولن‌سل ساخت نیکولو گالیانو در سال ۱۷۷۴، آرشهٔ ویولن هیل، و آرشهٔ ویولن‌سلِ دُد می‌باشد. سایر ابزارهای موسیقی، آرشه‌ها، کیف‌ها و جعبه‌ها نیز در ادعای اصلی ایران وجود داشت، اما ایران در جدول اختصاری دعاوی، ادعای خود را به چهار ساز و دو آرشهٔ مذکور محدود کرد. ایران به نحو جایگزین، در صورت عدم بازگرداندن این اموال به ایران، مجموعاً ۶۲۵،۹۹۰ دلار آمریکا، به علاوهٔ بهره به عنوان خسارات متحمّل‌شده ناشی از عدم‌بازگرداندنِ آن‌ها را مطالبه می‌کند.

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۳۳۶-** کامران مشایخی، تبعهٔ ایران، در زمان‌های ذی‌ربط، رئیس دفتر رادیو و تلویزیون ملّی ایران در واشینگتن دی.سی. بود که تحت عنوان صدا و سیمای ایران نیز شهرت داشت. وی بدواً در ۱۴ تیر ۱۳۵۰ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۱]

---

[۲۸۹] *بنگرید به* بند ۵۷، بالا.

با سازمان رادیو و تلویزیون ایران در لندن در بریتانیای کبیر مبادرت به انعقاد قرارداد خرید خدمات برای اَتباع محلی نمود. این قرارداد در نهم اردیبهشت ۱۳۵۱ [۲۹ آوریل ۱۹۷۲]، و مجدداً در ۱۹ آذر ۱۳۵۳ [۱۰ دسامبر ۱۹۷۴] تمدید شد. کامران مشایخی در زمانی پس از سال ۱۹۷۴ میلادی به واشینگتن دی سی انتقال یافت.

**۳۳۷-** کلودیا مشایخی، همسر کامران مشایخی و تبعهٔ ایالات متّحده، از خرداد ۱۳۵۰ [ژوئن ۱۹۷۱] تا اسفند ۱۳۵۷ [مارس ۱۹۷۹] به عنوان خبرنویس برای رادیو و تلویزیون ملّی ایران در دفتر واشینگتن دی.سی. کار می کرد.

**۳۳۸-** رادیو و تلویزیون ملّی ایران در سال ۱۳۵۳/۱۳۵۴ [۱۹۷۵] از کامران مشایخی خواست تا دربارهٔ خرید برخی سازهای موسیقی استعلام به عمل آورد. بدین ترتیب، کامران مشایخی در سال ۱۳۵۶ [۱۹۷۸] فهرستی شامل ۲۰ ساز موسیقی و سایر اقلام را به رادیو و تلویزیون ملّی ایران ارسال نمود. از قرار معلوم کامران مشایخی دستورالعمل خرید را دریافت کرد و در اول فروردین ۱۳۵۷ [۲۱ مارس ۱۹۷۸] فروشنده‌ای که وی یافته بود، ژاک فرانسه (Jacques Français) صورت‌حساب خرید اقلام زیر را برای رادیو و تلویزیون ملّی ایران صادر کرد که مهلت پرداخت آن‌ها سه هفته بود: (یک) سه ویولن، یک ویولا، و یک ویولن‌سِل؛ (دو) چهار آرشه ویولن، یک آرشه ویولن سِل، و یک آرشه ویولا؛ و (سه) سه جعبه تکی ویولن، یک جعبه دوتایی ویولن، یک جعبه ویولن سِل، و شش جعبهٔ آرشه. سازمان رادیو و تلویزیون ملّی ایران به بانک اینترنشنال ایران دستور انتقال وجه لازم برای خرید را در وجه آقای کامران مشایخی در ششم یا هفتم فروردین ۱۳۵۷ [۲۶ یا ۲۷ مارس ۱۹۷۸] صادر کرد. در ۱۶ فروردین ۱۳۵۷ [پنجم آوریل ۱۹۷۸] بیمه‌ای برای رادیو و تلویزیون ملّی ایران از شرکت بیمه فدرال (چاب اینترنشنال) («چاب») به مبلغ ۴۶۵،۸۰۰ دلار آمریکا بابت سازها، آرشه‌ها و جعبه‌ها از طریق دلال بیمه داویس، دورلند اند کو خریداری شد.

**۳۳۹-** دفتر رادیو و تلویزیون ملّی ایران در واشینگتن دی.سی. در تیر ۱۳۵۷ [ژوئیه ۱۹۷۸] به مکان جدیدی در خیابان ویسکانسین منتقل شد. کامران مشایخی به دلیل محدود بودن فضا در ملک جدید، تکه‌های مختلف اثاثیهٔ

دفتری (شامل دو میزتحریر اداری، یک میز کنفرانس و تعدادی صندلی) را که متعلّق به رادیو و تلویوزیون ملّی ایران بود، در انبار آرکو («آرکو») گذاشت. اثاثیه‌ی انبارشده متعاقباً برای پوشش هزینه‌های انبارداری، به حراج گذاشته شد. سایر اثاثیه دفتر و تعدادی تجهیزات (دو تلویزیون، دو ضبط صوت سونی، سه رادیو، یک میزتحریر اداری، یک قفسه‌ی پرونده، تعدادی صندلی، یک صندلی دسته‌دار و یک میز قهوه) به دفتر جدید در خیابان ویسکانسین منتقل شد. دو دوربین فیلم برداری سی‌پی-۱۶ به علاوه‌ی چهار ساز موسیقی موضوع این ادعا، در خانهٔ کامران مشایخی ماند.

**۳۴۰-** کامران مشایخی در آذر یا دی ۱۳۵۷ [دسامبر ۱۹۷۸ یا ژانویه ۱۹۷۹] دو اتومبیل (یک ماشین استیشن واگون بوئیک و یک شورولت وگا مدل ۱۹۷۴) را در آرکو گذاشت. این موارد نیز توسّط آرکو در اوایل یا اواسط اسفند ۱۳۵۷ [پایان فوریه یا اوایل مارس ۱۹۷۹] برای تأمین مخارج انبارداریِ پرداخت نشده به حراج گذاشته شد. کامران مشایخی مدّتی پس از اسفند ۱۳۵۷ [مارس ۱۹۷۹] تجهیزات دفتر و دوربین‌های فیلم‌برداری سی‌پی-۱۶ را برای فروش گذاشت.

**۳۴۱-** سفارت ایران در واشینگتن دی.سی. در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ [سوم آوریل ۱۹۷۹] برای نخستین بار از ناپدید شدن سازهای موسیقی مذکور آگاه شد. همان روز، رادیو و تلویوزیون ملّی ایران دعوایی را برای جبران خسارت به طرفیّت شرکت چاپ «بابت ناپدیدشدن ابزارآلات موسیقی و اموال مربوط» ثبت کرد.

**۳۴۲-** سفارت ایران در ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ [چهارم آوریل ۱۹۷۹] توسّط کارگزار بیمه شرکت داویس دورلند و شرکا مطّلع شد که کامران مشایخی شمول بیمه‌نامهٔ رادیو تلویزیون ملی ایران را به چهار سازی که جزء ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) می‌باشد محدود کرده است (یعنی ویولن ۱۷۳۸ نیکولو گالیانو، ویولن ۱۷۸۰ جوزپه گالیانو، ویولای ۱۸۰۴ یوآنس گالیانو و ویولن‌سل ۱۷۷۴ نیکولو گالیانو)، و این که این سازها در تصرف کامران مشایخی

بوده است. چاب این اطلاعات و همچنین ارزش بیمه‌شدهٔ این سازهای موسیقی (۱۶۰،۰۰۰ دلار آمریکا) را طی نامه مورخ ششم اردیبهشت ۱۳۵۸ [۲۶ آوریل ۱۹۷۹] تأیید کرد.

**۳۴۳-** سفارت ایران در ۲۰ تیر ۱۳۵۸ [۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹] و نهم مرداد ۱۳۵۸ [۳۱ ژوئیه ۱۹۷۹] تلاش کرد از طریق وکلایش با کامران مشایخی در آدرس‌های گوناگون در واشینگتن دی.سی و لس آنجلس در کالیفرنیا از طریق نامه ارتباط برقرار کند. تمام نامه‌های وکیل تحویل‌ناشده بازگردانده شد.

**۳۴۴-** وکیل ایران در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] این موضوع را به اطلاع اداره تحقیقات فدرال و پلیس متروپولیتن ناحیّه کلمبیا رساند.

**۳۴۵-** کامران و کلودیا مشایخی در ۱۱ مرداد ۱۳۵۸ [دوم اوت ۱۹۷۹] دعوایی را علیه ایران و رادیو و تلویزیون ملّی ایران در دادگاه ناحیه‌ای برای ناحیه‌ی کلمبیا (دعوای مدنی شماره‌ی ۲۰۳۹-۷۹) اقامه و ادّعا کردند که آن‌ها مبلغ ۳۱۵،۳۰۰ دلار آمریکا بابت درآمدهای پرداخت نشده، کسورات بازنشستگی و حق مسکن، و پیش پرداخت‌های نقدی از جانب خواندگان طلبکار هستند. متعاقباً کامران و کلودیا مشایخی در پیش‌گاه همان دادگاه همچنین درخواستی برای قرار منع به ثبت رساندند.

**۳۴۶-** وکیل ایران در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ [سوم اوت ۱۹۷۹] خطاب به دفتر تحقیقات فدرال و پلیس متروپولیتن ناحیّه کلمبیا در خصوص موضوع چهار ساز نوشت و متذکر شد که کامران مشایخی طیّ نامه‌ی مورّخ ۱۵ آذر ۱۳۵۷ [ششم دسامبر ۱۹۷۸] به بیمه‌گران، تصدیق کرده است که سازهای مذکور را در اختیار دارد.

**۳۴۷-** ایران در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ [پنجم نوامبر ۱۹۷۹] در دادگاه ناحیه‌ای یادداشت خود را در مخالفت با درخواست کامران و کلودیا مشایخی برای صدور قرار منع ثبت نمود. ایران در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ [سوم دسامبر ۱۹۷۹] در دادگاه ناحیه‌ای پاسخ خود را به شکایت کامران و کلودیا مشایخی و همچنین، سه ادعای متقابل مبنی بر غصب،

نقض قرارداد، و دارا شدن بلاجهت به ثبت رساند؛ ایران در ادعاهای متقابل خود خسارتی بالغ بر ۵۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا، بازگرداندن فوری «سازهای کم‌یاب، سوابق و تجهیزات» و صدور قرار منع انتقال یا از بین بردن آن‌ها و مخارج دادرسی مطالبه کرد.

**۳۴۸-** وکیل ایران در ۲۲ مرداد ۱۳۵۹ [۱۳ اوت ۱۹۸۰] از کامران مشایخی در ارتباط با دعوای مدنی شماره ۲۰۳۹ -۷۹ شهادت کتبی اخذ کرد. وی طی این شهادت کتبی شهادت داد که آن چهار ساز موسیقی و دو آرشه در تصرف وی بوده است.

**۳۴۹-** در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دعوای ثبت‌شده توسّط کلودیا مشایخی، به عنوان یکی از خواهان‌ها در دعوای مدنی شماره ۲۰۳۹-۷۹، از آن‌جا که تبعهٔ ایالات متحده بود مشمول مقرّرات بیانیه‌های الجزایر قرار گرفت. دعوای وی در دوم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۲ آوریل ۱۹۸۱] در دعوای مدنی شماره ۲۰۳۹-۷۹ از دعوای شوهرش جدا شد.

**۳۵۰-** شکایت کامران مشایخی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ [۱۰ ژوئن ۱۹۸۱] توسّط دادگاه ناحیه‌ای ناحیّه‌ی کلمبیا بر اساس مصونیت دولت رد شد. رأی دادگاه ناحیه‌ای حاکی از این است که «دعوای متقابل تأمین ایران در خصوص استرداد سازهای موسیقی» مسترد شد زیرا که وکیل ایران و رادیو و تلویزیون ملّی ایران در جلسهٔ شفاهی اظهار داشته بود که اگر ادعای کامران مشایخی مردود اعلام شود، ادعای متقابل پیگیری نخواهد شد. در همان روز وکیل ایران به وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نوشت که ایران وفق بخش (الف) ۲۱۵-۵۳۵ مقرّرات خزانه‌داری درخواست می‌کند که اموال ایران، از جمله چهار ابزارآلات موسیقی، و آرشه‌ها که موضوع ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) است، به ایران مسترد شود.

**۳۵۱-** وکیل ایران در ۱۵ مرداد ۱۳۶۰ [ششم اوت ۱۹۸۱] دوباره به وزارت خزانه‌داری نوشت و درخواست کرد که ایالات متّحده، «تمام گام‌های لازم» را برای تضمین بازگرداندن اموال مذکور به ایران بردارد.

**۳۵۲-** دفتر نظارت بر اموال خارجی با مکالمه‌ای تلفنی در ۲۷ شهریور ۱۳۶۰ [۱۸ سپتامبر ۱۹۸۱] وکیل ایران را از موضع وزارت خزانه‌داری در خصوص درخواست ایران مبنی بر استرداد اموال مطلع کرد. روایت ایران از این مکالمه این است که موضع وزارت خزانه‌داری این بود که منافع ایران در اموال در معنای بخش **۳۳۳-۵۳۵** (پ) مقررات غیرقانونی خزانه‌داری «محل اختلاف» است، با این نتیجه که کامران مشایخی می‌تواند اموال را همچنان در تصرف خود نگه دارد، زیرا در نظر وزارت خزانه‌داری، او دارای یک ادعای متقابل علیه ایران است.

**۳۵۳-** وکیل ایران در هفتم مهر ۱۳۶۰ [۲۹ سپتامبر ۱۹۸۱] طی نامه‌ای به وزارت خزانه‌داری به موضع اتخاذی آن وزارت‌خانه در خصوص درخواست استرداد اموال ایران اعتراض کرد. وکیل ایران از جمله نوشت:

> آقای مشایخی ادعایی جهت طرح در پیش‌گاه دیوان داوری ندارد زیرا تبعه ایالات متحده نیست. خانم مشایخی، که تبعه ایالات متحده می‌باشد، می‌تواند ادعایی جزئی نزد دیوان مطرح کند. با این حال، اگر فرض شود که [رادیو و تلویزیون ملی ایران] ادعای متقابلی علیه خانم مشایخی اقامه نماید، تصرف بر سازهای موسیقی مشترک نیست و، به هر حال، ارزش آن‌ها دست کم ده برابر مبلغ مندرج در جدیدترین دادخواست خانم مشایخی می‌باشد. معلوم است که خود [رادیو و تلویزیون ملی ایران] نمی‌تواند ادعایی در پیش‌گاه دیوان داوری اقامه کند زیرا دیوان بر ادعاهای نهادهای دولتی ایران علیه اتباع آمریکایی یا غیرآمریکایی صلاحیت ندارد. [رادیو و تلویزیون ملی ایران] ادعایی علیه خانم مشایخی در دادگاه‌های ایالات متحده اقامه نخواهد کرد به این دلیل ساده که ثبت چنین ادایی منجر به اعراض از مصونیت خود در قبال ادعای متقابلی به مبلغی که فراتر از ارزش سازها نشود، خواهد شد.
>
> [...]
>
> [دفتر نظارت بر اموال خارجی] به این اداره اطلاع داد که متعهد می‌شود شفاهاً به وکیل آقای مشایخی اطلاع دهد که سازها، دارایی‌های مسدود ایران است. امیدواریم که این دستورالعمل اطلاع

داده شده باشد و وزارت خزانه‌داری تمام گام‌های لازم را برای جلوگیری از فروش سازها برداشته باشد.

**۳۵۴-** ایالات متّحده در ۳۰ دی ۱۳۶۰ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۲] ادعایی را از طرف کلودیا مشایخی علیه ایران و رادیو و تلویزیون ملّی ایران بابت دستمزد پرداخت‌نشده و مزایای شغلی به مبلغ ۶۷،۵۸۰ دلار آمریکا تسلیم دیوان نمود.

**۳۵۵-** وکیل ایران در ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ [نهم اوت ۱۹۸۲] قبل از درخواست پروانه فروش اموال کامران مشایخی مجدداً به وزارت خزانه‌داری نامه‌ای نوشت و موضع خود را مبنی بر این که چرا شرایط اعطای چنین پروانه‌ای برآورده نشده، اعلام کرد.

**۳۵۶-** ایالات متحده در دفاعیهٔ مورخ دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] خود در پرونده‌های حاضر اظهار داشت که کامران مشایخی هنوز سازها را در کالیفرنیا در اختیار دارد.

**۳۵۷-** ایالات متحده در گزارش مورخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده اظهار داشت که «کامران مشایخی جز یک ویولن، مال دیگری در اختیار ندارد».

**۳۵۸-** ایران و ایالات متّحده در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۷ مه ۱۹۹۰] به انعقاد «موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، پرونده شماره ۸۶ و پرونده شماره ب-۳۸» پرداختند. بدین قرار، دیوان در اول تیر ۱۳۶۹ [۲۲ ژوئن ۱۹۹۰] حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین برای «دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار» و پرونده‌های شماره ۸۶، ب-۳۸، ب-۷۶ و ب-۷۷ را صادر کرد.[۲۹۰] سپس، ایالات متّحده، ادعای کلودیا مشایخی را در کمیسیون حلّ و فصل دعاوی خارجی ایالات متحده به شماره آی‌آر-۰۶۶۶ مطرح نمود.

---

[۲۹۰] *ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۴۸۳ -دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار*/۸۶/ب-۳۸/ب/۷۶/ب-۷۷-دیوان عمومی (اول تیر ۱۳۶۹ [۲۲ ژوئن ۱۹۹۰])، موافقتنامه حل و فصل دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار، پرونده شماره ۸۶ و پرونده شماره ب-۳۸، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۵، ص‌ص ۳۲۷، ۳۳۱.

**۳۵۹-** کمیسیون حلّ و فصل دعاوی خارجی در چهارم شهریور ۱۳۷۱ [۲۶ اوت ۱۹۹۲] دعوای کلودیا مشایخی را به علّت فقدان دلیل رد کرد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*مسئله مقدّماتی: موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک*

**۳۶۰-** ایالات متّحده استدلال می‌کند که ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) باید رد شود؛ زیرا «موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، پرونده شماره ۸۶ و پرونده شماره ب-۳۸» (موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک) مانع طرح آن است.[۲۹۱] مطابق اظهارات ایالات متّحده، هر دو ادعای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲)، به‌علاوه ادعای کوچک سابقِ کلودیا مشایخی در پیش‌گاه دیوان، با مسائل مشابهی متّصل و مرتبط است. ایالات متّحده در این خصوص ادّعا می‌کند که یکی از سه دعوای متقابل ایران در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده برای ناحیه‌ی کلمبیا علیه مشایخی‌ها بابت «نقض ... همان قرارداد استخدامی بود که خانم مشایخی، ادّعای خود را بر اساس آن مبتنی کرد» لذا واجد لسانِ به کار برده شده در موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک بود. ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که موضع ایران، که مطابق روایت وکیل ایالات متحده مبنی بر این بود که «ارتباطی بین ادعای کوچک خانم مشایخی و ادعاهای ایران برای سازها وجود نداشت» در تعارض با اظهارات وکیل ایران در مقابل دادگاه ناحیه‌ای است که «نخستین گزینه‌ای که [ایران] در ارتباط با ادعای متقابل دنبال خواهد کرد، طرح آن در پیش‌گاه [دیوان] است».

**۳۶۱-** ایالات متّحده استدلال می‌کند که هم کامران و هم کلودیا مشایخی و نه فقط کامران مشایخی، سازهای مذکور را در امانت و کنترل خود داشته‌اند. ایالات متّحده همچنین متذکّر می‌شود که ایران ادعاهای متقابل خود

---

[۲۹۱] *بنگرید به* بند ۳۵۸، بالا.

را در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده علیه هر دوی مشایخی‌ها و نه فقط علیه کامران مشایخی ثبت کرده است. مضافاً، درخواست ایران در رد پرونده به دلایل مصونیّت حاکمیّتی همچنین متضمن این اظهار بود که هر دوی مشایخی‌ها سازهای مذکور را در اختیار داشته‌اند. ایالات متّحده خاطرنشان می‌کند که وکیل ایران به علاوه به دادگاه ناحیه‌ای گفته است که «ادعای متقابل ... صحیحاً به عنوان ادعای متقابل در دادرسی کلودیا مشایخی در پیش‌گاه [دیوان داوری] حفظ شده است».

**۳۶۲-** ایالات متّحده متذکّر می‌شود که موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک شامل اعراض از مسؤولیّت توسّط ایران، نه علیه مشایخی‌ها، بلکه علیه ایالات متّحده است. به علاوه، بر اساس نظر ایالات متّحده، غرضِ واژگان اعراض با این واقعیت حاصل می‌شود که «ادعاهای ایران با موضوعاتی مرتبط است که خودِ آن موضوعات با ادعای کوچک خانم مشایخی ارتباط دارد». بدین ترتیب، به نظر ایالات متّحده، ایران بر اساس موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک، متعهّد به عدم ادامه‌ی ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) بوده است.

**۳۶۳-** ایران استدلال می‌کند که موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک، ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) را فیصله نداد. به نظر ایران، ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) به اموالی از ایران مربوط می‌شود که کامران مشایخی از آن‌ها نگه‌داری می‌کرده یا می‌کند، و ربطی به کلودیا مشایخی یا دعوای استخدامی او ندارد. ایران مدعی است که ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) در موارد آتی نمی‌توانست قابل طرح باشد: (یک) به عنوان دعوایی متقابل در مقابل دعوای اقامه‌شده توسّط کلودیا مشایخی، یا (دو) در ارتباط با موضوعات مندرج در، مرتبط با، ناشی از، یا با امکان ناشی شدن از ادعای مطروحه توسط کلودیا مشایخی. ایران معروض می‌دارد که ادّعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) ذیل موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک قرار نگرفته بود، که فقط مربوط به ادعاهای ثبت‌شده توسط ایالات متحده از جانب اتباع خود بود، و مضافاً مربوط به ادعاهای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا بود. ایران همچنین معروض می‌دارد که کامران مشایخی و نه کلودیا مشایخی، در دفتر رادیو و

تلویزیون ملی ایران «مسؤول» اموال مورد ادعا در ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) بود که در «ید امانی» وی بود. ایران همچنین خاطرنشان می‌کند که ایالات متحده در دفاعیه مورخ دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] خود مدعی شد که تنها کامران مشایخی در قبال سازهای موسیقی ادعای حق حبس کرده بود.

**۳۶۴-** ایران همچنین استدلال می‌کند که رفتار بعدی هر دوی طرفین نشان می‌دهد که ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) با دعوای کلودیا مشایخی مرتبط نیست. ایران متذکّر می‌شود که ادعای مدنی اقامه‌شده توسّط کامران مشایخی علیه ایران در دادگاه ناحیه‌ای (و متعاقباً ادعای متقابل اقامه‌شده توسّط ایران علیه کامران مشایخی برای بازگرداندن اموال) علی‌رغم منفک‌شدن ادعای کلودیا مشایخی ادامه پیدا کرده است. ایران ملاحظه می‌کند که آن دولت همچنین از طریق وکلایش اقداماتی برای استرداد اموال با دولت ایالات متّحده به عمل آورده است. ایران مضافاً متذکر می‌شود که ایالات متّحده یکسره در پاسخ به درخواست انتقال اموال ایران بر این موضع بوده است که انتقال اموال مذکور به دلیل ادعای حق حبس بر آن اموال نمی‌تواند صورت بگیرد. ایران همچنین به گزارش‌هایی که بعد از انعقاد موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک توسط ایالات متحده در خصوص اموال عینی ایران تسلیم شد، اشاره می‌کند که ایالات متّحده در آن هیچ‌گونه ارتباطی را میان ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) و موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک متذکّر نشده است.

*باقی موضوعات: اظهارات ایران*

**۳۶۵-** وفق اظهارات ایران، بین طرفین هیچ اختلافی در خصوص این موضوع وجود ندارد که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، ایران حق مالکیت بر اموال مورد اختلاف را داشته و آن اموال در آن تاریخ در قلمرو قضائی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

۳۶۶- ایران مدعی است که ایالات متحده با قصور در تضمین این که اموال مورد اختلاف به ایران منتقل شود، تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است.

۳۶۷- ایران در این ارتباط معروض می‌دارد که ایالات متّحده آگاه بوده است که کامران مشایخی اموال ایران را در اختیار دارد؛ زیرا وکلای ایران مکاتبات مفصلی با وزارت خزانه‌داری و دفتر نظارت بر اموال خارجی در این خصوص به عمل آورده بودند. ایران همچنین متذکر می‌شود که علی‌رغم مکاتبات مکرّر ایران با ایالات متّحده، میان سال‌های ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] و ۱۳۶۴ [۱۹۸۵]، از قرار معلوم سه عدد از سازهای مذکور فروخته شده است. ایران همچنین معروض می‌دارد که موضع ایالات متحده که ذیلاً عنوان می‌شود مبنی بر این که سازها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود نبوده قابل دفاع نیست؛ زیرا ایالات متحده در دفاعیه دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] خود گزارش داد که «آقای مشایخی متصرف ۴ ابزارآلات موسیقی است که سابقاً به رادیو و تلویزیون ملّی ایران تعلّق داشته است».

*باقی موضوعات: اظهارات ایالات متحده*

۳۶۸- ایالات متّحده اظهار می‌دارد حتّی اگر من باب بحث فرض شود که موافقت‌نامه‌ی حلّ و فصل دعاوی کوچک مانع ادّعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) نباشد، باز هم ایران نتوانسته اثبات نماید که ایالات متحده تعهّد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است.

۳۶۹- ایالات متحده در ارتباط با ادعای تکمیلی ۱۱-(۲) مدعی است که در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] پیرو دستورالعمل‌های ایران، از تجهیزات اداری و سایر اموال مورد اختلاف خلاصی حاصل شده است و بنابراین، آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیّت ایران نبوده‌اند. به هر روی، ایالات متّحده بر این موضع است که فهرست اقلام مورد اختلاف در ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲) آن‌طور که ایران ارائه کرده، شامل اقلامی است که ایران

هیچ مدارک اثباتی‌ای برای آن‌ها ارائه نکرده است، و افزود که توصیفات ایران برای آن‌ها بی‌معنا است. علاوه بر این، ایالات متّحده مدعی است که ایران هیچ‌گاه دستورالعملی به متصرف مال، کامران مشایخی، به منظور انتقال آن تجهیزات اداری و سایر اموال به ایران نداده است. ایران همچنین به ایالات متّحده هیچ اطلاعی نداده است تا آن دولت را قادر سازد که اقداماتی برای انتقال آن اموال به عمل آورد.

**۳۷۰-** ایالات متّحده در ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) مخالفتی با این که سازها و آرشه‌های موسیقی مورد ادعا در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اموال ایران در حوزه قضایی ایالات متّحده بوده، ندارد. ایالات متّحده با این حال به اذعان ایران در لایحه و ادله معارض مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ [۱۷ مه ۲۰۰۶] خود مبنی بر این که کامران مشایخی چهار آرشه را به رادیو و تلویزیون ملّی ایران در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۷ مه ۱۹۷۸] تحویل داده است، اشاره می‌کند که بدین معناست که کامران مشایخی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تنها دو آرشه در تصرف خود داشته است.

*(ت) تصمیم دیوان*

*(یک) مسئله مقدماتی: موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک*

**۳۷۱-** دیوان، نخست، به این نکته می‌پردازد که آیا ادّعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) توسّط موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کوچک متوقّف شده است یا خیر.

**۳۷۲-** ماده دو (۱) موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کوچک به قرار زیر است:

حدود و موضوع موافقتنامه حاضر عبارت است از:

(۱)- حل و فصل و رد و ختم قطعی و همیشگی کلیه اختلافات، مناقشات، ادعاها و ادعاهای متقابل و موضوعاتی که مستقیماً یا من غیر مستقیم، از روابط، قراردادها، معاملات، رویدادها، تعهّدات،

حقوق و علایق مندرج در، ناشی از یا مرتبط با دعاوی کمتر از ۲۵۰.۰۰۰ دلار، پرونده شماره ۸۶ و پرونده شماره ب ۳۸ ناشی شده یا محتمل‌الوقوع باشند.

۳۷۳- بدین منظور، ماده شش (۲) این موافقت‌نامه مقرّر می‌دارد:

(۲)- به مجرد صدور حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین توسط دیوان، و با ملحوظ داشتن پرداخت مبلغ مصالحه، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده را برای همیشه و به طور قطعی از یکایک و کلیه ادعاها، اسباب دعاوی، حقوق، علایق و مطالبات عینی یا شخصی، اعم از قبلی، فعلی یا آتی که در ارتباط با اختلافات، مناقشات، ادعاها، ادعاهای متقابل و موضوعات مندرج در، مربوط به، ناشی از یا احتمالاً قابل طرح به سبب دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار و یا پرونده شماره ۸۶ و یا پرونده شماره ب ۳۸، مطرح شده یا قابل طرح بوده، یا در آینده بتواند طرح شود، مبرا و بری‌الذمه خواهد کرد.

۳۷۴- ماده یک (الف) موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک روشن می‌کند که «اصطلاح "دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار" به معنی یکایک و کلیه ادعاهایی است که خواسته هر یک از آنها کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار بوده و توسط ایالات متحده بنمایندگی از طرف اتباع آمریکا ... در دیوان به ثبت رسیده» است.

۳۷۵- موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک، معاهده‌ای میان ایران و ایالات متحده است. به این ترتیب، دیوان معتقد است که این موافقت‌نامه بر اساس مادّه ۳۱ کنوانسیون وین باید «با حسن نیّت منطبق با معنای متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آن‌ها داده شده است و در پرتو موضوع و هدف آن» تفسیر گردد. خوانش ساده‌ای از سه مادّه موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک که در بالا نقل شد، نشان می‌دهد که اِعراض مورد قبول ایران در خصوص تمام اَعمال مربوط به «ادعاها، اسباب دعاوی، حقوق، علایق و مطالبات» کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا می‌باشد که توسّط ایالات متّحده به نمایندگی از اتباع ایالات متّحده به دیوان تسلیم شده است. بنابراین، دامنهٔ اعراض ایران محدود به «ادعاها، اسباب دعاوی، حقوق، علایق و مطالبا[تی]» بود که شاید در ارتباط با «اختلافات، مناقشات، ادعاها، ادعاهای متقابل و موضوعات» آورده شده توسط طرف‌های اصلی ذی‌ربط (برای مثال کلودیا مشایخی)، مطرح شده یا می‌توانست مطرح شود. بنابراین، اعراض ایران در موافقت‌نامه حل و فصل

دعاوی کوچک شامل ادعاها علیه افرادی نبود که طرف دادرسی اصلی ذی‌ربط نبودند (و نمی‌توانستند باشند) (برای مثال کامران مشایخی).

۳۷۶- به نظر دیوان، صرف این که کامران و کلودیا مشایخی، زن و شوهر بوده‌اند، برای ایجاد پیوندی بین قراردادهای کاری آن‌ها با رادیو و تلویزیون ملی ایران به گونه‌ای که ایالات متحده طرح می‌کند کافی نیست، زیرا هر یک از آن‌ها جداگانه و مستقل از دیگری وجود داشته است. دیوان همچنین نتیجه می‌گیرد که این واقعیت که کامران و کلودیا مشایخی با یک‌دیگر زندگی می‌کرده‌اند و بنابراین نسبت به برخی از اموالی که مشمول ادعای متقابل (بالقوهٔ) ایران علیه کلودیا مشایخی می‌شد، مالکیت مشترک داشته‌اند، باعث نمی‌شود که قرارداد استخدامی جداگانه کامران و کلودیا مشایخی به سادگی چنان پیوندی با یک‌دیگر پیدا کند.

۳۷۷- دیوان این واقعیت را مؤید نتیجه‌گیری‌های خود می‌داند که اگرچه دعوای کلودیا مشایخی علیه ایران از دعوای کامران مشایخی در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده به دلیل وجود بیانیّه‌های الجزایر تفکیک و مسترد شد، دعوای کامران مشایخی علیه ایران ادامه پیدا کرد، حداقل تا این که با امکان طرح مجدد دعوا به دلیل مصونیّت دولت رد شد. اقدامات ایران در شرکت در دعوا و اقدامات ایالات متحده در تفکیک پروندهٔ کامران مشایخی و متعاقباً ادامه آن در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده، هر دو نشان‌گر آن است که تلقی طرفین نیز این بوده که علی‌رغم طرح دعوای مشترک، دعاوی کامران مشایخی و کلودیا مشایخی از یک‌دیگر جدا بوده‌اند.

۳۷۸- در چنین بستری، دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که ادعای کلودیا مشایخی در پیش‌گاه دیوان تنها بابت ۶۷،۵۸۰ دلار آمریکا بود، حال آن که دعوای مشترک کامران و کلودیا مشایخی علیه ایران و در پیش‌گاه دادگاه ناحیه‌ای با خواستهٔ ۳۱۵،۳۰۰ دلار آمریکا طرح شده بود؛ مضافاً در آن دعوا، در صورت عدم عودت اموال ایران، خواسته دعاوی متقابل ایران ۵۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا بود (که ۴۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا از آن بابت سازهای موسیقی بود).

**۳۷۹-** دیوان مضافاً ملاحظه می‌کند که ایالات متحده مدت‌ها پس از رد با امکان طرح مجدد دعوا علیه کامران مشایخی توسط دادگاه ناحیه‌ای در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ [۱۰ ژوئه ۱۹۸۱]، در دفاعیه مورخ دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] خود مدعی شد که اموال، در اختیار کامران مشایخی است (یعنی مشترکاً و در اختیار کلودیا مشایخی نیست) که با شهادت همراه با سوگند وی در زمان ارائه اطلاعات در دعوای مدنی شماره ۲۰۳۹-۷۹ هم‌خوانی دارد. بین این اظهارات ایالات متحده و استدلال آن دولت مبنی بر این‌که همان اموال می‌توانسته موضوع ادعای متقابل علیه کلودیا مشایخی باشد (آن هم با این پیامد که از هر گونه ادعایی از سوی ایران در قبال آن اموال در نتیجه موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک اعراض شده بود)، تنش و شاید حتی ناهم‌خوانی وجود دارد.

**۳۸۰-** دیوان به دلایل فوق حکم می‌کند که در موادّ دو و شش موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کوچک، ایران با اعراض و اسقاط هرگونه ادعا در ارتباط با کلودیا مشایخی موافقت کرده است. دیوان با این حال حکم می‌کند که ایران از هرگونه ادعا در ارتباط با کامران مشایخی به واسطه موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کوچک اعراض یا اسقاط نکرده است. بدین ترتیب، دیوان مقرر می‌دارد که موافقت‌نامه حلّ و فصل دعاوی کوچک، مانع اقامه ادعاهای تکمیلی ۱۱-(۲) و ۱۲-(۲) ایران در مقابل دیوان نیست.

*(دو) باقی موضوعات: ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲): تجهیزات اداری و دو اتومبیل*

**۳۸۱-** دیوان اکنون به ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲) بابت تجهیزات و وسایل اداری و دو اتومبیل می‌پردازد.

**۳۸۲-** به عنوان امری مقدّماتی، در این که رادیو و تلویزیون ملّی ایران مشمول تعریف «ایران» در بند ۳ مادّه ۷ بیانیّه حلّ و فصل دعاوی است، بین طرفین هیچ اختلافی وجود ندارد.

۳۸۳- اگرچه ایران در دادخواهی‌های کتبی خود و در طول رسیدگی‌های شفاهی، خواهان بازگرداندن اقلام مورد ادعا و در غیر این صورت، پرداخت غرامت در ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲) شد، امّا در جدول اختصاری دعاوی، خواهانِ چنین خواسته‌ای نشد. دیوان علی رغم این تصمیم آشکار ایران مبنی بر عدم ادامه دادن به این ادعا، متذکّر می‌شود که کامران مشایخی طیّ رسیدگی‌های دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده شهادت داد که تجهیزات اداری و دو اتومبیل تا اسفند ۱۳۵۷ [مارس ۱۹۷۹] فروخته یا به مزایده گذاشته شدند. از سوی ایران هیچ دلیل معارضی ارائه نشده که نشان دهد اقلام مورد ادعا در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] هنوز موجود بوده و در قلمرو قضایی ایالات متّحده قرار داشته است. بدین ترتیب، دیوان مقرر می‌دارد که ایران نتوانسته ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲) را به اندازهٔ کافی اثبات کند و نتوانسته بار اثبات دعوای خود را به دوش بکشد.

۳۸۴- بدین ترتیب، دیوان ادّعای تکمیلی ۱۱-(۲) را در حدی که تا کنون توسط ایران مسترد نشده است، رد می‌کند.

*(سه) باقی موضوعات: ادّعای تکمیلی ۱۲-(۲): سازها و آرشه‌های موسیقی*

۳۸۵- دیوان اکنون به ادّعای تکمیلی ۱۲-(۲) بابت سازها و آرشه‌های موسیقی در می‌پردازد.

۳۸۶- دیوان متذکّر می‌شود که گرچه ادّعای ایران ابتدائاً بابت چهار دستگاه موسیقی، شش آرشه و تعدادی جعبه‌ی ساز بود، ایران پذیرفت که کامران مشایخی چهار آرشه را در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۷ مه ۱۹۷۸] به رادیو و تلویزیون ملّی ایران تحویل داده است، یعنی پس از آن تاریخ، فقط دو عدد از شش آرشه در اختیار وی بوده است. دیوان همچنین متذکّر می‌شود که ایران در جدول اختصاری دعاوی، دیگر ادّعایی بر جعبه‌های ساز ندارد و در عوض، صرفاً مدعی چهار سازگالیانو و دو آرشه هیل و دُد است.

۳۸۷- همان‌طور که گفته شد، در این که رادیو و تلویزیون ملّی ایران تحت شمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ از مادّه ۷ بیانیه حلّ و فصل ادعاها قرار دارد اختلافی نیست.[۲۹۲] همچنین اختلافی نیست که چهار ساز موسیقی و دو آرشه در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متّحده قرار داشت و نیز در آن تاریخ ایران مالک انحصاری آن‌ها بود. در واقع، ایالات متّحده در لایحه دفاعی مورّخ دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] خود معروض داشت که کامران مشایخی سازهای مذکور را در کالیفرنیا مستمراً در اختیار داشته است.

۳۸۸- همچنین بحثی نیست که ایران خواهان بازگرداندن سازهای موسیقی و آرشه‌های مذکور بوده است و در واقع به کامران مشایخی به عنوان متصرف اموال، دستور بازگرداندن اقلام مذکور به ایران را داده است. ایران در پاسخ به دادخواست ثبت‌شدهٔ کامران و کلودیا مشایخی در پیش‌گاه دادگاه ناحیه‌ای ناحیه کلمبیا، در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۵۸ [۳ دسامبر ۱۹۷۹] جوابیه و ادعای متقابل خود را ثبت کرد و تقاضای بازگرداندن فوری اموال مذکور را نمود.

۳۸۹- همچنین، ایران در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ [۱۰ ژوئن ۱۹۸۱] به وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده نامه‌ای نوشت و اطلاع داد که بر اساس بخش (الف) ۲۱۵-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری، دستورالعمل انتقال چهار ساز موسیقی، شش آرشه و شش جعبه را داده است. ایران در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۶۰ [ششم اوت ۱۹۸۱] مجدّداً درخواست کرد که ایالات متّحده برای عملی شدن بازگرداندن سازها، آرشه‌ها و جعبه‌ها به ایران تمامی گام‌های لازم را بردارد.

۳۹۰- با این حال، در ۲۷ شهریور ۱۳۶۰ [۱۸ سپتامبر ۱۹۸۱] دفتر نظارت بر اموال خارجی به اطّلاع ایران رساند که ایالات متّحده مکلف نبود کامران مشایخی را به بازگرداندن سازها الزام کند؛ زیرا مطابق تفسیر دفتر نظارت

---

[۲۹۲] *بنگرید به* بند ۳۸۲، بالا.

بر اموال خارجی از بخش (ج) ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری نسبت به منافع مالکانه متنازع فیه، کامران مشایخی می‌توانست سازهای موسیقی را که ادعای متقابلی علیه ایران بابت آن‌ها داشته، همچنان نگه دارد. ایران طی نامه‌ای به تاریخ هفتم مهر ۱۳۶۰ [۲۹ سپتامبر ۱۹۸۱] به این مکاتبه اعتراض کرد. به‌علاوه، ایران که این نگرانی را داشت که سازها فروخته شود، در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۶۱ [نهم اوت ۱۹۸۲] مجدّداً به وزارت‌خانه خزانه‌داری نامه‌ای نوشت تا مخالفت خود را با صدور هرگونه پروانه فروش سازها به کامران مشایخی در سوابق ضبط کند.

**۳۹۱-** علی‌رغم اقدامات ایران، به نظر می‌رسد که در زمانی میان دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] که ایالات متّحده گزارش داد که کامران مشایخی اموال مذکور را در اختیار دارد، و هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵]، کامران مشایخی اکثر سازهای موسیقی را به فروش رسانده است. کامران مشایخی در هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] در لوس‌آنجلس در کالیفرنیا جز یک ویولن هیچ مال دیگری در اختیار نداشت.

**۳۹۲-** دیوان بر اساس ادّله ارائه‌شده حکم می‌کند که کامران مشایخی چهار ساز موسیقی و دو آرشه موجود در ایالات متّحده را در اِعمال حق حبس خود بابت عدم‌پرداخت حقوق او و سایر مبالغ ادّعایی در اختیار خود نگه داشته است. نتیجه این‌که سازهای موسیقی و آرشه‌ها در واقع از شمول دستور انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به حکم بخش ۳۳۳-۵۳۵ از مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری مستثنا بوده‌اند.

**۳۹۳-** در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی نسبت به اموال عینی ایران را نقض کرده است، و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت محقق است. امتناع ایالات متّحده از فراهم آوردن ترتیبات انتقال سازهای موسیقی و آرشه‌ها به ایران نهایتاً منجر به فروش اکثر سازهای مذکور توسط کامران مشایخی شد.

**۳۹۴-** دیوان نتیجه می‌گیرد که تاریخ نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] است؛ یعنی تاریخی که وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۲۹۳]

*(چهار) نتیجه کلّی*

**۳۹۵-** بنابر مراتب بالا، دیوان به شرح آتی تصمیم می‌گیرد:

(یک) ادعای تکمیلی ۱۱-(۲) در محدوده‌ای که تا کنون توسط ایران مسترد نشده است رد شود؛ و

(دو) ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) نسبت به چهار ساز گالیانو و دو آرشه هیل و داد تأیید می‌شود.

(۵) ادعای تکمیلی ۵-(۱) (شرکت شیشه همدان/هانری اِف تایکمن اینک.)

*(الف) مقدّمه*

**۳۹۶-** خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۵-(۱) حداکثر مبلغ بالغ بر بیش از ۲۷۷،۰۰۰ یورو و بالغ بر بیش از ۳/۹ میلیون دلار آمریکا بابت خسارات ادعایی است که در نتیجه قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی تجهیزات مشخص برای ساخت یک کارخانه شیشه که باید از بالتیمور، مریلند به ایران حمل می‌شد، وارد شده است. ایران همچنین، بهره مبالغ مورد حکم از تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را مطالبه می‌کند.

---

[۲۹۳] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۳۹۷-** نهادی ایرانی به نام شرکت شیشه همدان («همدان») و شرکتی آمریکایی به نام شرکت هنری اف. تایکمن («تایکمن») در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۷] قراردادی برای تأمین مواد، تجهیزات و ماشین‌آلات لازم برای ساخت یک کارخانه کامل ظروف شیشه‌ای در همدان ایران («قرارداد») منعقد کردند.[۲۹۴]

**۳۹۸-** تایکمن بر اساس قرارداد متعهّد بود «تمام مواد، تجهیزات و ماشین‌آلات لازم را برای یک کارخانه کامل ظروف شیشه‌ای تأمین نماید و اقلام مذکور را به محل کارخانه در ایران در ازای ۲۲،۱۸۸،۵۳۷ دلار آمریکا تحویل دهد.

**۳۹۹-** تایکمن در آبان ۱۳۵۶ [نوامبر ۱۹۷۷] شروع به حمل تجهیزات و مواد به ایران کرد. تا پاییز ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] ازدحام بندرگاه به دلیل انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] مانع حمل محموله‌های تایکمن به ایران شد. تایکمن در ۱۶ آبان ۱۳۵۷ [هفتم نوامبر ۱۹۷۸] بر اساس شرط قوّه قاهره تصمیم به فسخ قرارداد گرفت. طرفین در نیمه نخست ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] مباحثاتی در جهت تلاش برای فیصله مشکلات به عمل آوردند. در این میان، دو محموله آخر تجهیزات که تایکمن قادر بود مطابق قرارداد تسلیم کند به ترتیب در شارجه امارات و رأس‌الخیمه و عمان تخلیه شد.

---

[۲۹۴] *بنگرید به هنری اف. تایکمن، اینکورپوریتد، و دیگران و شرکت شیشه همدان*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بندهای ۱، ۱۲ (۲۱ آبان ۱۳۶۵ [۱۲ نوامبر ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ص ۱۲۴، ۱۲۴-۱۲۵. همدان در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۷] قرارداد جداگانه‌ای برای کارهای مهندسی مربوط به پروژه مزبور با کارنگی فاوندری اند ماشین کامپنی منعقد کرد. بنگرید به *هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بند ۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۶.

۴۰۰- با این حال، تجهیزات و موادّی که تایکمن در محموله‌های پیشین به همدان تحویل نداده بود همچنان در انبار بالتیمور باقی بود («موادّ بالتیمور»). موادّ بالتیمور که موضوع ادعای تکمیلی ۵-(۱) است شامل صفحه کنترل کوره اصلی کارخانه، مراکز کنترل موتور و سیستم احتراق کوره بود.

۴۰۱- حمل موادّ بالتیمور پس از گرفتن سفارت ایالات متّحده در تهران در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] غیرممکن شد.[۲۹۵] تایکمن در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ [۱۵ نوامبر ۱۹۷۹] از طریق تلکس به آگاهی همدان رساند که در تلاش خود برای حمل آن اقلام با لغو سفر کشتی و تأخیرهای پی‌درپی حمل مواجه شده است و بنابراین تایکمن تا زمانی که حمل و نقل عادّی از سر گرفته شود اقلام مذکور را به انبار بازمی‌گرداند.

۴۰۲- تایکمن با تلکس مورّخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ [۱۵ مه ۱۹۸۰] به همدان، قرارداد را فسخ کرد. تایکمن در میان دلایل فسخ، به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] و «تأثیرات سیاسی» آن که تکمیل پروژه را غیرممکن کرده بود، و قصور همدان در پرداخت صورت‌حساب‌های پرداخت‌نشده مجموعاً بالغ بر بیش از ۹۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا استناد کرد.[۲۹۶]

۴۰۳- تایکمن با نامه مورخ ۲۷ مرداد ۱۳۵۹ [۱۸ اوت ۱۹۸۰] به همدان، جزئیات «کلیهٔ هزینه‌ها»ی مربوط به قرارداد را تشریح کرد. تایکمن به آگاهی همدان رساند که مطابق قرارداد ۱۹،۱۲۴،۸۹۱/۰۵ دلار آمریکا همدان را مدیون کرده است. تایکمن مضافاً اطلاع داد که بابت مواد و تجهیزات (تحت عنوان «مواد و حمل دریایی») که وفق قرارداد تأمین کرده است، تایکمن مبلغ ۱۴،۷۹۷،۰۸۳ دلار آمریکا صورت‌حساب داده و همدان به طور کامل پرداخت کرده است. تایکمن همچنین اطلاع داد که بابت کارهای ساختمانی برای همدان به مبلغ ۱،۰۴۲،۳۷۳

---

[۲۹۵] *بنگرید به هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بند ۱۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۷.

[۲۹۶] *بنگرید به هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بند ۱۲، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۸.

دلار آمریکا صورت‌حساب صادر کرده است. آن شرکت همچنین متذکّر شد که «بابت برخی اقلام متفرقه هنوز صورت‌حسابی صادر نشده است» به عنوان نمونه بابت هزینه‌های انبارداری «اموال شما در بالتیمور».

۴۰۴- متعاقب نامه تایکمن مورّخ ۲۷ مرداد ۱۳۵۹ [۱۸ اوت ۱۹۸۰] مکاتباتی میان طرفین مبادله شد که به طور خلاصه شامل موارد زیر است:

(الف) تلکس مورّخ ۱۱ شهریور ۱۳۵۹ [دوم سپتامبر ۱۹۸۰] از همدان به تایکمن مبنی بر درخواست اطّلاعات و مدارک بیش‌تر، از جمله مستندات مربوط به موادّ بالتیمور؛

(ب) تلکس مورّخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰] از تایکمن به همدان با این اظهار که تایکمن قبلاً شروط همدان در خصوص مدارک را اجابت کرده است و همچنان به پرداخت هزینه انبارداری برای «اموال شما» ادامه می‌دهد؛

(پ) تلکس مورّخ ۱۷ مهر ۱۳۵۹ [نهم اکتبر ۱۹۸۰] از تایکمن به همدان مبنی بر این که به علّت وضعیّت حاکم بر ایران که جلوی تایکمن را برای مشارکت بیش‌تر در قرارداد در آینده قابل پیش‌بینی گرفته است، تایکمن در حال انجام اقدامات برای فروش موادّ بالتیمور است و عواید فروش را برای حساب صورت‌حساب‌های پرداخت نشدهٔ همدان منظور خواهد داشت؛

(ت) تلکس مورّخ نهم مهر ۱۳۵۹ [۱۱ اکتبر ۱۹۸۰] از همدان به تایکمن مبنی بر این که موادّ بالتیمور، اموال همدان است و مبالغ آن به طور کامل پرداخت شده ولی تحویل داده نشده است و تقاضا کرده است که تایکمن از هر گونه اقدامی برای فروش «اموال ما در بالتیمور» خودداری کند؛

(ث) تلکس مورّخ هفتم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۷ آوریل ۱۹۸۱] از تایکمن به همدان مبنی بر این که تایکمن «خشنود است که می‌شنود» همدان اساساً با «حل و فصل» «مواد بالتیمور و ماندهٔ حساب» موافق است، و اطلاع داد که تایکمن در حال آماده کردن فاکتورهای مواد بالتیمور است.

(ج) تلکس مورّخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۷ مه ۱۹۸۱] از همدان به تایکمن مبنی بر اعتراض به آماده کردن فاکتورهای تایکمن بابت مواد بالتیمور که حسب ادّعای همدان «مطابق قانون و قرارداد»، «اموال» همدان بوده و بهای آن را همدان پرداخته است؛ همدان اظهار داشت حاضر نیست کالاهایی را که «مال خودمان» است بخرد.

**۴۰۵-** تایکمن و کارِنگی فاوندری اند ماشین کامپنی («کارنگی») در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۶۰ [۱۴ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی را علیه همدان در پیش‌گاه دیوان به خواستهٔ مبلغ ۱،۷۳۹،۴۳۵/۰۵ دلار آمریکا بابت بدهی ادّعایی مندرج در قرارداد طرح کردند.[۲۹۷] ادعای مذکور به عنوان پرونده شماره ۲۶۴ طبقه‌بندی شد. تایکمن در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۶۱ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۲] موادّ بالتیمور را در حراج فروخت که تایکمن از آن طریق مبلغ خالص ۳۹،۹۷۴/۴۳ دلار آمریکا را کسب کرد. تایکمن هیچ ادعایی را در مقابل دیوان بابت موادّ بالتیمور اقامه نکرد. تایکمن در جلسه استماع مقدماتی موضع خود را در این خصوص این‌گونه توضیح داد که:«در واقع بابت اجناس نه صورتحسابی ارسال، و نه وجهی دریافت شده بود و نه هرگز مالکیت آنها انتقال یافته بود، لذا بعد از آنکه تایکمن کالاهای مزبور را در حراج فروخت، عوائد حاصل از آن فروش را برای خود نگاه داشت».[۲۹۸] همدان، به نوبه خود، ادعای متقابلی طرح کرد و در میان سایر خواسته‌ها مدعی طلبی معادل ارزش تخمینی موادّ بالتیمور حسب ادّعا به مبلغ ۳۶۳،۰۰۰ دلار آمریکا شد، بر این مبنا که بابت آن اقلام پرداخت انجام داده است و تایکمن آن را

---

[۲۹۷] *بنگرید به هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بند ۱، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۴، ۱۲۵.

[۲۹۸] *هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بند ۶۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۴۰-۱۴۱.

تحویل نداده است.[۲۹۹] دیوان در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۶۵ [۱۲ نوامبر ۱۹۸۶] حکم خود را در پرونده شماره ۲۶۴ («حکم شماره ۲۶۴») صادر کرد.[۳۰۰] دیوان به عنوان امری صلاحیّتی حکم داد که همدان شخصیتی تحت کنترل دولت ایران است.[۳۰۱]

**۴۰۶-** دیوان با توجّه به دعوای متقابل همدان بابت طلب موادّ بالتیمور و پس از تجزیه و تحلیل طولانی نتیجه گرفت که «بی‌آنکه تعیین این امر که آیا شیشه همدان بابت [مواد] بالتیمور وجه علیحده‌ای پرداخته یا خیر، ضرورتی داشته باشد، نتیجه نهائی این است که تایکمن تا اتمام رسیدگی حاضر مبلغی تقریباً معادل مبلغ قرارداد ... را دریافت می‌کرد. فرض باید بر این باشد که در این رقم عنصر مربوط به [مواد] بالتیمور منظور گردیده است».[۳۰۲] دیوان ادامه می‌دهد:

> بر مبنای این تحلیل، شیشه همدان حداقل از لحاظ نظری، بهای اجناس را پرداخته و آنها را دریافت نکرده بود و تایکمن هم به سهم خود کالا را تولید یا تهیه و کوشش کرده بود که آنها را به ایران حمل کند. ولی شرایطی که در حکم فورس ماژور بود، مانع این کار شد. در چنین حالتی، دیوان در رابطه بین طرفین این اصل را اعمال می‌کند که زیان باید جائی که وارد شده، بماند و در این مورد زیان را متوجه شیشه همدان می‌داند. پس از آنکه معلوم شد که صدور کالا امکان ندارد، فروش مجدد کالا توسط تایکمن برای محدود ساختن زیانهای وارده، موجه بود. بنابراین تایکمن قرارداد را نقض نکرده بود که ملزم باشد مبلغ ۳۶۳،۰۰۰ دلار، معادل بهای کالاهای بالتیمور، به شیشه همدان بپردازد. ولی، شیشه همدان حق دارد مبلغ ۳۹،۹۷۴/۴۳ دلار عواید حاصل از فروش مجدد کالا را که تایکمن دریافت کرده، وصول کند... .[۳۰۳]

---

[۲۹۹] *هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، بند ۵۸، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۴۰.

[۳۰۰] *هنری اف. تایکمن، اینک.*، حکم شماره ۱-۲۶۴-۲۶۴، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۴.

[۳۰۱] حکم شماره ۲۶۴، بند ۲۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۳۲.

[۳۰۲] حکم شماره ۲۶۴، بند ۶۲، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص‌ص ۱۴۱-۱۴۲.

[۳۰۳] حکم شماره ۲۶۴، بند ۶۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۴۲.

بدین ترتیب دیوان مبلغ ۳۹،۹۷۴/۴۳ دلار آمریکا را از کلّ مبلغ مورد حکم برای تایکمن، یعنی ۱،۶۶۰،۱۷۹/۰۵ دلار آمریکا کسر کرد، که به این ترتیب، باقی‌مانده مبلغ خالص حکم به نفع تایکمن ۱،۶۲۰،۲۰۴/۶۲ دلار آمریکا شد.[۳۰۴]

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۴۰۷** - ایران اظهار می‌دارد که موادّ بالتیمور مشمول «اموال ایران» در مفهوم مندرج در بند ۹ است؛ زیرا حتّی اگر این اموال به همدان تحویل نشده باشد، شرکت مزبور مبالغ بابت آن را به طور کامل پرداخته است. به علاوه، ایران تصدیق می‌کند که تایکمن و همدان، هر دو، پذیرفتند که موادّ بالتیمور چنان‌که به عنوان نمونه در نامه تایکمن و تلکس تایکمن به همدان به ترتیب، مورّخ ۲۷ مرداد [۱۸ اوت] و ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰] منعکس شده است اموال همدان محسوب می‌شد.[۳۰۵] ایران معتقد است که در هر صورت، دیوان با صدور حکم شماره ۲۶۴ مبنی بر این که جریان فروش موادّ بالتیمور مورّخ تیر/مرداد ۱۳۶۱ [ژوئیه ۱۹۸۲] به همدان تعلّق دارد، شناسایی کرده است که همدان «مالک واقعی» آن اقلام است.

**۴۰۸** - ایران در عوض، استدلال می‌کند که اگر دیوان بپذیرد که قرارداد و قانون حاکم بر آن در این تصمیم که آیا موادّ بالتیمور «اموال ایران» هستند یا خیر مربوط می‌باشد، در آن صورت، دیوان در رسیدن به این تصمیم باید، مطابق مادّه ۵ اعلامیّه حلّ و فصل دعاوی، «تغییر اوضاع و احوال» را نیز مدّنظر قرار دهد. این تغییر واضاع و احوال شامل تأثیر وقایع مرتبط با انقلاب اسلامی و پاسخ ایالات متّحده به آن (شامل مسدودکردن اموال ایران) می‌باشد که از حمل و نقل موادّ بالتیمور به ایران جلوگیری می‌کند. بنابراین مطابق نظر ایران اگر تحویل برای

---

[۳۰۴] حکم شماره ۲۶۴، بند ۶۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۴۲.

[۳۰۵] *بنگرید به* بندهای ۴۰۳ و ۴۰۴ (ب)، بالا.

انتقال مالکیّت به همدان ضروری باشد و تنها دلیل این که تحویل انجام نشده، تغییر اوضاع و احوال باشد، در نتیجه، دیوان محدود به اعمال مقتضای فنّی تحویل نیست. بر این اساس، دیوان باید اعلام کند که موادّ بالتیمور مشمول «اموال ایران» است.

**۴۰۹-** ایران، به نحو جایگزین، ادّعا می‌کند که همدان مالک منافع موادّ بالتیمور است.

*اظهارات ایالات متّحده*

**۴۱۰-** ایالات متّحده ادّعا می‌کند که ایران نتوانسته ثابت کند که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک بلامعارض و بلاشرط موادّ بالتیمور بوده است تا آن مواد در محدوده بند ۹ قرار گیرند.

**۴۱۱-** بر اساس نظر ایالات متّحده، قانون محل وقوع بر انتقال مالکیّت موادّ بالتیمور حاکم است. بر اساس قاعده قانون محل وقوع، چون زمانی که تایکمن خواست برای آن‌ها صورت‌حساب صادر کند و پرداخت را وصول کند کالاها در بالتیمور قرار داشتند حقوق مریلند حاکم است. ایالات متّحده مدّعی است که بر اساس مادّه ۲-۴۰۱ (۲) قانون تجارت متحدالشکل که حاکم بر قرارداد است مالکیّت هیچ‌گاه به همدان منتقل نشده است زیرا موادّ بالتیمور هیچ‌گاه به همدان تحویل داده نشدند.

**۴۱۲-** همچنین ایالات متّحده انکار می‌کند که همدان مالکیّت منافع موادّ بالتیمور را کسب کرده یا این که تغییر اوضاع و احوال تأثیری در ادعای تکمیلی (۱)-۵ داشته است.

*(ت) تصمیم دیوان*

**۴۱۳** - در این امر اختلافی نیست و دیوان در حکم شماره ۲۶۴ حکم کرده است[۳۰۶] که همدان داخل در تعریف «ایران» ذیل بند ۳ مادّه ۷ اعلامیّه حلّ و فصل دعاوی می‌باشد.

**۴۱۴** - دیوان به عنوان یک امر مقدماتی باید تعیین کند که حق مالکیت مواد بالتیمور وفق قانون محل وقوع مال در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران انتقال یافته بود، یا خیر.[۳۰۷]

**۴۱۵** - اختلافی نیست که موادّ بالتیمور هیچ‌گاه به ایران حمل نشدند و در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و در تمام زمان‌های ذی‌ربط قبل از آن تاریخ در انبار بالتیمور در مریلند قرار داشتند. بر این اساس دیوان با اعمال قانون محل وقوع مقرر می‌دارد که حقوق ایالت مریلند بر انتقال مالکیّت موادّ بالتیمور حاکم است.

**۴۱۶** - دیوان به منظور تعیین قانون مشخصِ مریلند که حاکم بر انتقال مالکیّت موادّ بالتیمور است نخست باید ماهیّت حقوقی قرارداد را تعیین کند. دیوان در تحلیل قرارداد متذکّر می‌شود که آن قرارداد شامل دو سند است که هر دو در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ [۱۹ ژوئن ۱۹۷۷] توسّط تایکمن و همدان امضا شده‌اند. عنوان سند نخست «قرارداد بابت تأمین مواد و تجهیزات برای یک کارخانه ظروف شیشه ۱۸۷ تُنی روزانه برای شرکت شیشه همدان در شهر همدان ایران» است و علی‌الظاهر نمایانگر یک قرارداد فروش تمام‌عیار است. سند دوم شامل پیش‌نهاد ۷۶ صفحه‌ای تایکمن به همدان است که در قرارداد گنجانده شد. پیش‌نهاد شامل «شرط کلید در دست» («Turnkey Clause») بود که بر اساس آن، طرفین موافقت کردند که «پروژه آماده بهره‌برداری آن‌چنان که در این پیش‌نهاد مشخّص و توصیف شده است» به همدان ارائه می‌شود. طرفین، این پروژه آماده بهره‌برداری را چنین فهمیدند که «به معنای یک مجموعه واحد و لاینفک شامل طرّاحی، خرید، تحویل، ساخت و راه‌اندازی یک

---

[۳۰۶] *بنگرید به* بند ۴۰۵، بالا.

[۳۰۷] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

کارخانه ظروف شیشه‌ای کامل با توانایی تولید ظروف شیشه‌ای ۱۸۷ تُنی به ازای روز ۲۴ ساعته است» و این که «تمام عناصر این قرارداد آماده بهره‌برداری جدایی‌ناپذیر و لاینفک قلمداد می‌شود». کلّ مبلغ قرارداد ۲۲.۱۸۸.۵۳۷ دلار آمریکا بود.

۴۱۷- شعبه یک در حکم شماره ۲۶۴، قرارداد مذکور را قراردادی برای «تهیه مواد، تجهیزات و ماشین‌آلات لازم برای یک کارخانه کامل شیشه سازی و احداث آن ... طبق مشخصات معین»[۳۰۸] توصیف می‌کند و آن را یک «قرارداد کامل آماده برای بهره‌برداری *اصلاح شده*»[۳۰۹] می‌داند (تأکید اضافه شده است). دیوان این توصیفِ شعبهٔ یک را بازتاب این واقعیّت می‌داند که بخش فروش، جزء اصلی قرارداد بوده است: از مبلغی حدود ۱۹ میلیون دلار آمریکا که تایکمن بر اساس قرارداد برای همدان صورت‌حساب صادر کرده است ۱۴،۷۹۷،۰۸۳ دلار آمریکا برای موادّ و حمل و نقل دریایی بود حال آن که فقط ۱،۰۴۲،۰۰۳ دلار آمریکا بابت کار ساخت و ساز در ایران بود.[۳۱۰] در این ارتباط باید متذکّر شد که کار مهندسی روی طرح کارخانه شیشه توسّط کارنگی مطابق قرارداد مستقل دیگری انجام شده است.[۳۱۱]

۴۱۸- دیوان بر اساس آن‌چه گفته شد، با توجّه به این که اجرای قرارداد توسّط تایکمن اساساً با تدارک کالا مرتبط بود، در تعیین این که چه کسی مالک موادّ بالتیمور بود، به حقوق ایالت مریلند نظر خواهد کرد که بر فروش کالا حاکم است.

---

[۳۰۸] حکم شماره ۲۶۴، بند ۴، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۵.

[۳۰۹] حکم شماره ۲۶۴، بند ۴، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۶.

[۳۱۰] *بنگرید به* بند ۴۰۳، بالا.

[۳۱۱] حکم شماره ۲۶۴، بند ۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۳، ص ۱۲۶. *بنگرید به* پانوشت ۲۹۴، بالا.

**۴۱۹ -** قانون تجارت متحدالشکل، به نحوی که قانون مریلند در تیتر ۲ آن را پذیرفته، بر فروش کالاها در ایالت مریلند حاکم است. بخش ۲-۴۰۱ قانون مریلند به ویژه بر انتقال مالکیّت کالاهای فروخته‌شده حاکم است و در بخش ذی‌ربط مقرّر می‌دارد:

> (۱) ... حق مالکیّت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد.
>
> (۲) حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، علی‌رغم محفوظ بودن حق وثیقه و اگر چه قرار باشد سند مالکیت در زمان یا محل دیگری تحویل داده شود، و به ویژه و علی‌رغم هر گونه حفظ حق وثیقه با بارنامه
>
> (الف) اگر قرارداد، فروشنده را ملزم یا مخیّر کند که کالا را برای خریدار ارسال کند امّا وی را ملزم نکند که آن‌ها را در مقصد تحویل دهد مالکیّت به خریدار در زمان و مکان حمل منتقل می‌شود؛ امّا
>
> (ب) اگر قرارداد، تحویل در مقصد را الزامی کند مالکیّت با اقباض در آن‌جا منتقل می‌شود.[۳۱۲]

**۴۲۰ -** به عنوان موضوعی ابتدایی، هیچ دلیلی حاکی از این امر وجود ندارد که تایکمن و همدان توافق کرده باشند یا این که تایکمن این را به رسمیّت شناخته باشد که همدان مالک موادّ بالتیمور است. به دلایل آتی استدلالات ایران بر خلاف این امر قانع‌کننده نیست.[۳۱۳] نخست این که تایکمن در نامه مورّخ ۲۷ مرداد ۱۳۵۹ [۱۸ اوت ۱۹۸۰] و تلکس مورّخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰] خود به همدان به موادّ بالتیمور به عنوان «موادّ شما»[۳۱۴] اشاره کرده است، بدون مدارک بیشتر، متضمّن این نتیجه نیست که تایکمن مالکیّت همدان بر آن اقلام

---

[۳۱۲] مجموعه قوانین مریلند، قانون تجارت، بخش ۴۰۱- ۲.

[۳۱۳] *بنگرید به* بند ۴۰۷، بالا.

[۳۱۴] *بنگرید به* بندهای ۴۰۳ و ۴۰۴ (ب)، بالا.

را شناسایی کرده است. هیچ قرینه‌ای حاکی از این که مراد تایکمن از استفاده از این لغات، چیزی بیش از خرید مواد مطابق قرارداد توسّط همدان بوده است، وجود ندارد.

**۴۲۱-** دوم، دیوان حاضر نیست نبودِ ظاهریِ پاسخ فوری و آشکار تایکمن به تلکس‌های مورّخ **۱۹ مهر ۱۳۵۹** [۱۱ اکتبر ۱۹۸۰] و ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۷ مه ۱۹۸۱] همدان مبنی بر این که موادّ بالتیمور «مال»[۳۱۵] همدان است را به منزله پذیرش مالکیّت همدان بر موادّ بالتیمور از سوی تایکمن تفسیر کند. در واقع، چنین نتیجه‌گیری‌ای با رفتار آن زمان تایکمن مغایر خواهد بود. همان‌طور که گفته شد تایکمن در تلکس مورّخ هفتم اردیبهشت ۱۳۶۰ [۲۷ آوریل ۱۹۸۱] به همدان توصیه کرد که در حال آماده کردن فاکتورها برای موادّ بالتیمور است.[۳۱۶] تایکمن از قرار معلوم فاکتورها را برای اقلامی که معتقد بوده در مالکیّت همدان است، آماده نمی‌کرد.

**۴۲۲-** تایکمن و همدان چه در قرارداد و چه در جای دیگری در مورد «روش» یا «شرایط» انتقال مالکیت کالاهای تهیه‌شده توسّط تایکمن، از تایکمن به همدان وفق بخش ۲-۴۰۱ (۱) مجموعه قوانین مریلند به نحو دیگری توافق نکردند. قرارداد تایکمن را ملزم می‌کرد «تجهیزات، ماشین‌آلات و موادّ» فراهم‌شده را به «سایت کارخانه در همدان ایران» حمل کند؛[۳۱۷] بنابراین، این امر مستلزم «تحویل در مقصد»[۳۱۸] است. بر این اساس، قاعده تکمیلی ذیل بخش ۲-۴۰۱ (۲) مجموعه قوانین مریلند اعمال می‌شود که مطابق آن، مالکیّت کالای فروخته شده «در زمان و مکانی منتقل می‌شود که فروشنده عمل خود را در خصوص تحویل فیزیکی کالا کامل کند».[۳۱۹]

---

[۳۱۵] *بنگرید به* بند ۴۰۴ (ت) و (ج)، بالا.

[۳۱۶] *بنگرید به* همانجا.

[۳۱۷] *بنگرید به* بند ج [C] قرارداد.

[۳۱۸] مجموعه قوانین مریلند، بخش ۴۰۱-۲ (۲) (ب).

[۳۱۹] *همچنین بنگرید به* همانجا («اگر قرارداد مستلزم تحویل در مقصد باشد، حق مالکیت در زمان تقدیم در آنجا انتقال می‌یابد»).

اختلافی نیست که موادّ بالتیمور هیچ‌گاه به سایت کارخانه شیشه در همدان حمل نشد. بدین ترتیب، از آن‌جا که موادّ بالتیمور هیچ‌گاه به همدان تحویل داده نشد، مالکیّت آن نیز هیچ‌گاه به همدان انتقال نیافت.

**۴۲۳** - به علاوه، به دلایلی که در بالا، در بخش مسائل کلّی این حکم جزئی آمد، استدلالات ایران مبنی بر تغییر اوضاع و احوال و مالکیّت بر منافع منتفی است.[۳۲۰]

**۴۲۴** - به همین منوال، دیوان استدلال ایران مبنی بر این که دیوان با منظور داشتن و کاستن ثمن فروش مواد بالتیمور از کل مبلغ حکم به نفع تایکمن[۳۲۱] در حکم شماره ۲۶۴، مالکیت واقعی همدان بر آن اقلام را تأیید کرده است را رد می‌کند.[۳۲۲] دیوان با منظور داشتن ثمن به حساب همدان، تصریحاً یا تلویحاً، تصمیمی در خصوص این‌که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] چه کسی مالک اموال بالتیمور بوده، اتخاذ نکرده است.

**۴۲۵** - دیوان بر اساس آن‌چه گفته شد ادعای تکمیلی ۵-(۱) را رد می‌کند.

(۶) ادعاهای راجع به وزارت راه و ترابری ایران (ادعاهای ز-۷، ز-۸ و ز-۱۳)

*(الف) مقدّمه کلّی*

**۴۲۶** - این سه ادعا ادعاهایی راجع به وزارت راه و ترابری ایران[۳۲۳] است. تمام این ادعاها با یک‌دیگر مرتبط و مربوط به تجهیزات راه‌سازی و واحد خانه‌های قابل حمل هستند که توسّط وزارت راه و ترابری در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی خریداری و از نیمه اول ۱۳۵۸ [اواسط ۱۹۷۹] در ایالات متّحده انبار شده است.

---

[۳۲۰] *بنگرید به* بندهای ۱۳۳ و ۱۵۹، بالا.

[۳۲۱] *بنگرید به* بند ۴۰۶، بالا.

[۳۲۲] *بنگرید به* بند ۴۰۷، بالا.

[۳۲۳] در مدارک انگلیسی زبان هم‌زمان، وزارت راه و ترابری ایران MORT و همچنین MRTR نامیده شده است.

۴۲۷- وزارت راه و ترابری در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ پیمان‌کاران بالقوّه را به مناقصه برای پروژه ساخت یک بزرگ‌راه شش‌خطّه از تهران به خلیج فارس («پروژه») دعوت کرد. برنده مناقصه، کنسرسیومی بود که توسّط یک شرکت آمریکایی به نام موریسون-کنودسن پاسیفیک لیمیتد (موریسون-کنودسن) و شرکتی فرانسوی به نام کفراران اس. آ. آر. ال ایجاد شده بود (جمعاً «کنسرسیوم»). کنسریوم سه قرارداد با وزارت راه و ترابری در تاریخ ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ [۱۹۷۶ و ۱۹۷۷] (قرارداد شماره ۸۱ برای خدمات مهندسی برای طراحی بزرگ‌راه؛ قرارداد شماره ۸۷ برای تهیّه تجهیزات و امکانات؛ و قرارداد شماره ۸۸ تجهیز و خدمات ساختمان) منعقد کرد.

۴۲۸- کنسرسیوم بر اساس قرارداد شماره ۸۷ تجهیزات راه‌سازی را به نمایندگی از وزارت راه و ترابری برای اجرای پروژه خریداری کرد. به علاوه، موریسون-کنودسن به عنوان کارگزار حمل وزارت راه و ترابری در ایالات متّحده حمل می‌کرد.

۴۲۹- کنسرسیوم در زمینه‌ای که ذیلاً توضیح داده خواهد شد با اطّلاعیّه ۲۵ روزه، قرارداد شماره ۸۷ را خاتمه داد. اموال وزارت راه و ترابری در مناطق مختلف ایالات متّحده به دلایل متعدّدی قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران حمل نشد.

۴۳۰- نتیجتاً اختلافات متعدّدی بین وزارت راه و ترابری و برخی شرکت‌های آمریکایی طرح شد که به پروژه مذکور مربوط بود. اختلافات راجع به هزینه‌های پرداخت‌نشده برای انبار اقلام مربوط نیز مطرح گردید.

*(ب) پیشینه موضوعی مشترک بین ادعاهای ز-۷ و ز-۸*

۴۳۱- کنسرسیوم در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به نمایندگی از وزارت راه و ترابری قراردادهایی را با شرکت‌های متعدّدی به قرار زیر منعقد کرد:

(الف) کنسرسیوم در تیر/مرداد ۱۳۵۷ [ژوئیه ۱۹۷۸] قراردادی را با شرکت ترنس ورلد هاوزینگ («ترانس ورلد») برای خرید واحد خانه‌های قابل حمل («ترانس ورلد هاوزینگ») منعقد کرد؛

(ب) کنسرسیوم در هفتم مرداد ۱۳۵۷ [۲۹ ژوئیه ۱۹۷۸] قراردادی را با اونان میدل ایست لیمیتد برای خرید ژنراتور و پروژکتور برق («کارخانه‌های روشنایی») منعقد کرد؛

(ج) کنسرسیوم در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ [اول اوت ۱۹۷۸] قراردادی را با شرکت تولیدی پورتا-کمپ («پورتا-کمپ») برای خرید واحد خانه‌های قابل حمل («واحد خانه‌های پورتا-کمپ») منعقد کرد؛ و

(د) کنسرسیوم در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۷ [دوم اوت ۱۹۷۸] قراردادی را با شرکت تجهیزات مورگن («مورگن») برای خرید تجهیزات سنگ‌شکن («تجهیزات سنگ‌شکن مورگن») منعقد کرد.

**۴۳۲** - واحد خانه‌های ترانس ورلد و بخشی از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به بندر ونکوور در ایالت واشینگتن در مجموعه‌ای از حمل و نقل‌ها در فاصله زمانی میان مهر و اسفند ۱۳۵۷ [اکتبر ۱۹۷۸ و فوریه ۱۹۷۹] تحویل داده شد. این اقلام برای حمل و نقل فوری بسته‌بندی و در بندر ونکوور در انتظار حمل انبار شدند. این موارد موضوع ادعای ز-۷ می‌باشند.

**۴۳۳** - موریسون کنودسن در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] قراردادی را با شرکت گالف پورتس کریتینگ («گالف پورتس») به منظور فراهم آوردن خدمات تحویل صادرات برای حمل بخش باقی‌مانده تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، واحد خانه‌های پورتا-کمپ و کارخانه‌های روشنایی به ایران منعقد کرد. بدین ترتیب، تجهیزات سنگ‌شکن و کارخانه‌های روشنایی مذکور در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس در محلّ ذخیره‌سازی در نیواورلئان لوئیزیانا تحویل داده شد حال آن که واحد خانه‌های پورتا-کمپ به گالف پورتس

در هیوستون تگزاس تحویل داده شد. گالف پورتس تمام آن مواد را در انتظار دستورالعمل‌های وزارت راه و ترابری نگه داشت. اقلامی که در انبار گالف پورتس بودند موضوع ادعای ز-۸ می‌باشند.

**۴۳۴-** چنان‌که در زیر بحث خواهد شد، به دلایل متعدد، نه اموال وزارت راه و ترابری در بندر ونکوور و نه اموال موجود در گالف پورتس در هیوستون و نیواورلئان قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران حمل نشدند. اموال نخست نهایتاً در اواسط ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] به ایران حمل شدند در حالی که اموال اخیر در بهمن/اسفند ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] حمل شدند.

**۴۳۵-** مورگن در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۱ مه ۱۹۸۱] نامه‌ای به دفتر نظارت بر اموال خارجی نوشت و از جمله موارد زیر را توصیه کرد:

> در حال حاضر ماشین‌آلات سنگ خردکنی در انبار بندر وان کوور در ایالت واشینگتن و شرکت گالف پورتز کرتینگ در نیواورلئانز که برای پروژه جاده سازی توسط مرگان ساخته شده و به قیمت حدود ۸/۹ ملیون دلار به MORT فروخته شده بوده، وجود دارد. حدود ۵/۵ ملیون دلار از ماشین آلات در انبار وان کوور و ۳/۴ ملیون دلار در انبار نیواورلئانز انبار شده است.

به علاوه مورگن در نامه خود اطلاع داد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که در ونکوور و نیواورلئان قرار دارد «به طور قابل ملاحظه‌ای آسیب دیده است» زیرا «به مدّت حدود دو سال و نیم در فضای باز انبار شده است».

**۴۳۶-** وزارت راه و ترابری در تاریخ چهارم مرداد ۱۳۶۰ [۲۶ ژوئیه ۱۹۸۱] از طریق تلکس با شرکت با مسؤولیت محدود هوارد نیدلز تامن اند برگندوف-ایران ارتباط برقرار کرد که وزارت راه و ترابری با آن شرکت در سال ۱۳۵۵/۱۳۵۴ [۱۹۷۶] قراردادی را به منظور نظارت و کنترل بر طرّاحی و ساخت بزرگ‌راه قم-بندر شاه‌پور با وزارت راه و ترابری بسته بود.[۳۲۴] وزارت راه و ترابری در تلکس خود از هوارد نیدلز تامن اند برگندوف-ایران

---

[۳۲۴] *بنگرید به هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۶۸-۲۴۴، بندهای ۱۱-۱۲ (۱۷ مرداد ۱۳۶۵ [هشتم اوت ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۱، ص ص ۳۰۲، ۳۰۵.

درخواست کرد که اطلاعات مربوط به تماس، شامل آدرس «انبارها و مناطق ذخیره‌سازی» تجهیزات و «واحد خانه‌های پیش‌ساخته» که کنسرسیوم به نمایندگی از وزارت راه و ترابری در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] خریده است را در اختیار قرار دهد. هوارد نیدلز تامن اند برگندوف-ایران در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ [۱۷ اوت ۱۹۸۱] از طریق تلکس وزارت راه و ترابری را از جمله مطّلع کرد که: (یک) ۶۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۷ [دوم اوت ۱۹۷۸] خریداری شد[۳۲۵] و کارخانه‌های روشنایی که در تاریخ چهارم مرداد ۱۳۵۷ [۲۶ ژوئن ۱۹۷۸] خریداری شد[۳۲۶] نزد گالف پورتس واقع در نیواورلئان انبار شده است؛ (دو) واحد خانه‌های پورتا-کمپ که در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ [اول اوت ۱۹۷۸] خریداری شد[۳۲۷] در گالف پورتس در هیوستون انبار شده است؛ و (سه) واحد خانه‌های ترانس‌ورلد که در تیر/مرداد ۱۳۵۷ [ژوئیه ۱۹۷۸][۳۲۸] خریداری شد و باقی ۴۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در بندر ونکوور انبار شده است.

**۴۳۷** - وزارت راه و ترابری و چندین شرکت و شخصیت حقوقی آمریکایی شامل بندر ونکوور و گالف پورتس در حدود آبان ماه ۱۳۶۰ [اواخر اکتبر یا اوایل/اواسط نوامبر ۱۹۸۱] به دعوت وزارت راه و ترابری به منظور مذاکره جهت پیدا کردن راه حلّ اختلاف‌های خود در وین دیدار کردند.

**۴۳۸** - مذاکرات، از جمله، به انعقاد موافقت‌نامه‌هایی بین وزارت راه و ترابری و بندر ونکوور و گالف پورتس منجر شد. از این موافقت‌نامه‌ها تا حدّ لزوم در ارتباط با دعاوی وزارت راه و ترابری در زیر بحث خواهد شد.

---

[۳۲۵] *بنگرید به* بند ۴۳۱، بالا.

[۳۲۶] *بنگرید به* همانجا.

[۳۲۷] *بنگرید به* همانجا.

[۳۲۸] *بنگرید به* همانجا.

*(پ) ادعای ز-۷ (وزارت راه و ترابری/ بندر ونکوور)*

*(یک) مقدّمه*

**۴۳۹** - حداکثر خواستهٔ ایران در ادعای ز-۷ مبلغ ۱۳،۱۰۳،۶۸۹ دلار آمریکا به اضافه بهره به عنوان خسارات ناشی از قصور ادعایی در انجام ترتیبات انتقال اقلام خریداری‌شده توسّط وزارت راه و ترابری در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به ایران است که در بندر ونکوور واشینگتن انبار شده بود.

*(دو) پیشینه موضوعی*

**۴۴۰** - اقلام خریداری شده توسّط وزارت راه و ترابری در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] که به این ادعا ربط پیدا می‌کند به قرار زیر است:

(الف) واحد خانه‌های ترانس ورلد شامل ۳۰۱ واحد خانه‌های پیش‌ساخته و مبلمان مربوط به آن، که در تاریخ چهارم مرداد ۱۳۵۷ [۲۶ ژوئیه ۱۹۷۸] از ترانس ورلد به مبلغ ۹،۴۶۹،۸۵۰ دلار آمریکا که طی سفارش خرید شماره ۱-۵۰۰۰۱-۲۳۱-۸۸ خریداری شد؛[۳۲۹]

(ب) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن شامل ۶۸۳ قطعه که در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۷ [دوم اوت ۱۹۷۸] از مورگن به مبلغ ۸،۸۱۹،۵۰۸ دلار آمریکا مطابق سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ خریداری شد.[۳۳۰] بخشی از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که در ادعای ز-۷ مطالبه شده است نشان دهنده ۴۰ درصد سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ (۳،۵۲۷،۸۰۳ دلار آمریکا از کلّ مبلغ خرید ۸،۸۱۹،۵۰۸ دلار آمریکا) می‌باشد.

---

[۳۲۹] *بنگرید به* بند ۴۳۱ (ب)، بالا.

[۳۳۰] *بنگرید به* بند ۴۳۱ (ت)، بالا.

۴۴۱- چنان‌که گفته شد،[۳۳۱] واحد خانه‌های ترانس ورلد و بخشی از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن (که از این به بعد از آن‌ها روی‌هم‌رفته، تحت عنوان «موادّ ز-۷» نام برده خواهد شد) طی چندین فقره حمل بین ۱۴ مهر ۱۳۵۷ [ششم اکتبر ۱۹۷۸] و هشتم اسفند ۱۳۵۷ [۲۷ فوریه ۱۹۷۹] به بندر ونکوور در ایالت واشینگتن تحویل داده شد.

۴۴۲- موریسون-کنودسن به نمایندگی از وزارت راه و ترابری هزینه‌های انبارداری در بندر ونکوور تا تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۵۸ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۰] را پرداخت کرد و پس از آن، پرداخت‌ها را متوقّف کرد. همان‌طور که اشاره شد کنسرسیوم در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ [پنجم مارس ۱۹۸۰] قرارداد شماره ۸۷ را فسخ کرد.[۳۳۲]

۴۴۳- مورگن در تاریخ سوم اسفند ۱۳۵۸ [۲۲ فوریه ۱۹۷۹] علیه وزارت راه و ترابری در مقابل دادگاه عالی شهرستان کلارک در واشینگتن دعوایی اقامه و ادّعا کرد که وزارت راه و ترابری از پرداخت کامل بابت سفارش خرید خود به شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ به مورگن خودداری کرده است. در آن قرارداد پرداخت باید از طریق ۱۷ حواله انجام می‌گرفت. ده حواله نخست بین آذر و بهمن ۱۳۵۷ [دسامبر ۱۹۷۸ و ژانویه ۱۹۷۹] پرداخت شده بود؛ امّا حواله‌های ۱۱ و ۱۲ در زمان توافق‌شده دریافت نشد. مورگن با دریافت وجه پرداختی اندکی پس از شروع دادخواهی در دادگاه عالی شهرستان کلاک دعوای خود را اصلاح کرد و خواستار مخارج مرتبط با تأخیر در پرداخت شد.[۳۳۳] همچنین مورگن بابت تأمین اجرای حکم تقاضای توقیف اموال کرد.

۴۴۴- دادگاه عالی شهرستان کلارک در واشینگتن در بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] مطابق درخواست مورگن طی صدور قرار توقیف اموال انبارشده در بندر ونکوور را داد، و توقیف در تیر/مرداد ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹]

---

[۳۳۱] *بنگرید به* بند ۴۳۲، بالا.

[۳۳۲] *بنگرید به* بند ۴۲۹، بالا.

[۳۳۳] *بنگرید به مورگن ایکویپمنت کامپنی و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۲-۲۸۰-۱۰۰ (ششم دی ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۴، ص ۲۷۲.

واقع شد.[۳۳۴] وزارت راه و ترابری رفع توقیف را مطالبه کرد امّا دادگاه شهرستان کلارک در دی/بهمن ۱۳۵۸ [ژانویه ۱۹۸۰] این درخواست را رد کرد.[۳۳۵]

۴۴۵- متعاقب صدور دستور انسداد در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] اقلام در بندر ونکوور باقی ماند. مأمور ارزیابی شهرستان کلارک در سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] بر مواد ز-۷ انبار شده در بندر مذکور مالیات بر اموال شخصی وضع کرد. بندر نیز با عدم دریافت ماهانه ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا هزینه انبارداری از تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۵۸ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۰] مدعی حق حبس انباردار شد. بندر طی نامه‌ای به تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۵۹ [نهم سپتامبر ۱۹۸۰] به دفتر نظارت بر اموال خارجی پروانه فروش مواد ز-۷ را که به مدتی بیش از یک سال در محوطهٔ بندر باقی‌مانده بود، همراه با بالا رفتن هزینهٔ انبارداری، استهلاک، و آسیب‌دیدگی درخواست کرد.

۴۴۶- بنا بر درخواست وزارت راه و ترابری در آذر/دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] وزارت دادگستری در رسیدگی‌های دادگاه واشینگتن ورود کرد و رسیدگی‌ها را تا تاریخ ۳۰ دی ۱۳۵۹ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۱] به حالت تعلیق درآورد.

۴۴۷- دولت ایالات متّحده بعد از انعقاد بیانیّه‌های الجزایر در تاریخ هشتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۷ فوریه ۱۹۸۱] اظهاریه ذینفعی در دعوای مورگن در دادگاه واشینگتن ثبت و از دادگاه درخواست کرد: (یک) که چون ادعا علیه وزارت راه و ترابری مسلّماً در صلاحیّت دیوان قرار دارد رسیدگی‌ها را متوقف کند؛ و (دو) همچنین دستورهای توقیف را ابطال کند.

۴۴۸- همان‌طور که خاطرنشان شد در حدود آبان ماه ۱۳۶۰ [اواخر اکتبر یا اوایل/اواسط نوامبر ۱۹۸۱] چندین شخصیت حقوقی آمریکایی از جمله بندر ونکوور به ابتکار وزارت راه و ترابری مذاکراتی را با وزارت راه و

---

[۳۳۴] *مورگن ایکویپمنت کامپنی*، حکم شماره ۲-۲۸۰-۱۰۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۴، ص ۲۷۷.

[۳۳۵] *مورگن ایکویپمنت کامپنی*، حکم شماره ۲-۲۸۰-۱۰۰، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۴، ص ۲۷۷.

ترابری آغاز کردند.[۳۳۶] در این سیاق، وکیل بندر ونکوور در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۶۰ [نهم اکتبر ۱۹۸۱] نامه‌ای به وکیل مورگن نوشت و به او اجازه داد که در مذاکرات با وزارت راه و ترابری از بند ونکوور نمایندگی کند «تا در مورد حمل و/یا فروش تجهیزات سنگ‌شکن و واحد خانه‌های مدولی به توافق برسد که همچنین شامل بازیافت هزینه‌های انبارداری از طرف بندر ونکوور باشد».

**۴۴۹** - وزارت راه و ترابری و بندر ونکوور در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۶۰ [۱۸ نوامبر ۱۹۸۱] موافقت‌نامه حلّ و فصلی («موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۰ [۱۹۸۱]») را امضا کردند. طرفین در آن موافقت‌نامه توافق کردند که وزارت راه و ترابری باید مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا «برای حل و فصل کامل و نهایی مخارج انبارداری تجهیزات و واحد خانه‌هائی که تا آن تاریخ حادث شده و تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [۳۱ مارس ۱۹۸۲] یعنی تاریخی که ایران قصد بردن اموال را دارد، حادث می‌شود» را پرداخت نماید. این امر مورد توافق قرار گرفت که حلّ و فصل باید برای پرداخت از حساب تضمینی که مطابق بند ۷ بیانیه عمومی ایجاد شده است به این دیوان ارجاع شود.

**۴۵۰** - موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] همچنین شامل شرط عدم اعراض بود که مطابق آن، حلّ و فصل مذکور، موجبات اعراض هر یک از وزارت راه و ترابری یا بندر مذکور از هر ادعایی که هر یک از طرفین می‌توانست علیه اشخاص ثالث در ارتباط با موضوع موافقت‌نامه داشته باشد را فراهم نمی‌آورد. با این حال موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] هیچ‌گاه اجرایی نشد.

**۴۵۱** - وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۱] به مورگن و بندر ونکوور مجوّز فروش اعطا کرد و به آن‌ها اجازه داد که موادّ ز-۷ را به این دلیل بفروشند که بندر ونکوور و مورگن ادعاهای وصول‌نشده‌ای علیه ایران دارند.

---

[۳۳۶] *بنگرید به* بند ۴۳۷، بالا.

**۴۵۲-** وکیلی که برای ایران کار می‌کرد در تاریخ هفتم دی ۱۳۶۰ [۲۸ دسامبر ۱۹۸۱] طی نامه‌ای به وزارت دادگستری ایالات متحده خواستار مساعدت آن وزارت‌خانه برای جلوگیری از فروش اموالی شد که در دست بندر ونکوور قرار داشت. وکیل مذکور در نهم دی ۱۳۶۰ [۳۰ دسامبر ۱۹۸۱] طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایالات متحده درخواست کرد در دادرسی‌های مربوط به شهرستان کلارک برای پیش‌گیری از تحمیل مالیات بر اموال شخصی در خصوص اقلام مذکور مداخله کند.[۳۳۷] وکیل مذکور مطّلع شد که شهرستان کلارک تا تیر/مرداد ۱۳۶۰ [ژوئیه ۱۹۸۱] مبلغ ۲۷۰،۲۰۳/۳۹ دلار آمریکا بابت واحد خانه‌های ترانس ورلد و مبلغ ۱۵۹،۷۲۰/۰۹ دلار آمریکا بابت تجهیزات سنگ‌شکن مورگن مالیات وضع کرده است.

**۴۵۳-** ایران در خصوص وقایع متعاقب موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] شهادت‌نامه‌های آقایان اکبر مسافر رحمتی و محمدعلی لطفعلیان صارمی را ارائه کرد، که هر دو در زمان‌های ذی‌ربط به موضوع در مقام مشاور حقوقی وزارت راه و ترابری عمل می‌کردند. همچنین هر دو فرد در جلسه استماع از سوی ایران به عنوان شاهد فراخوانده شدند. آقای رحمتی و آقای صارمی، هر دو، اظهار کردند که نمایندگان وزارت راه و ترابری در آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] به منظور بازرسی و فراهم آوردن ترتیبات حمل موادّ ز-۷ به ایران، به ایالات متّحده سفر کردند. آقای رحمتی اظهار داشت که نمایندگان وزارت راه و ترابری آن زمان از ارزیابی مالیات‌ها توسط مأمور ارزیابی شهرستان کلارک بر واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگنِ وزارت راه و ترابری انبار شده در بند ونکوور آگاه شدند. به علاوه آقای رحمتی اظهار داشت که وزارت راه و ترابری آگاه شد که مورگن و بندر ونکوور در ۲۷ آذر ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۱] مجوز فروش واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ شکن مورگن را که مورگن و بندر ونکوور بر آن‌ها دارای حق حبس بودند، از دفتر نظارت بر اموال خارجی گرفته‌اند. آقای صارمی در شهادت‌نامه خود اظهار داشت که مجموع این اوضاع و احوال به این

---

[۳۳۷] *بنگرید به* بند ۴۴۵، بالا.

امر انجامید که وزارت راه و ترابری «دیگر با خوش‌بینی به مسئله تحویل گرفتن اموال نگاه [نکند] و بسیار محتاط [باشد]».

**۴۵۴-** آقای رحمتی به علاوه در جلسه استماع شهادت داد که وی پس از آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] به ایالات متّحده (به ونکوور، بالتیمور، هیوستون و نیواورلئان) سالی سه بار سفر کرده است تا اموال انبارشده وزارت راه و ترابری را در سه مکان، به عینه ببیند و آن‌ها را برای حمل آماده کند. آقای رحمتی اظهار داشت که آخرین آن بازدیدها در شهریور یا آبان ۱۳۶۲ [سپتامبر یا اکتبر ۱۹۸۳] اتّفاق افتاد. آقای رحمتی گفت که او در زمان بازدید از اماکن انبار در بندر ونکوور نصف یک روز کامل را صرف نگاه کردن به برخی واحد خانه‌ها و تجهیزات سنگ‌شکن کرده است؛ وی دید که «برخی واحدها برپا و برخی از واحدها ... در جعبه بسته‌بندی شده‌اند». آقای رحمتی پذیرفت که او جعبه‌ها را باز نکرده است زیرا می‌شد واحدها را از بیرون مشاهده کرد. بر اساس شهادت آقای رحمتی «آن‌ها با کارتون پوشیده شده بودند و باران زیادی آن‌جا باریده بود». آقای رحمتی در خصوص تجهیزات سنگ‌شگن اظهار داشت که آن تجهیزات در بسته‌بندی قرار داشت و برای جدا نگه‌داشتن آن‌ها از اموال سایرین در یک‌جا نگه داشته شده بود. او همچنین ادّعا کرد که وی تنها در آخرین بازبینی خود در سال ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] یادداشت‌برداری و عکس‌برداری کرد زیرا «وضعیّت اموال واقعاً بد [بود]».

**۴۵۵-** وزارت راه و ترابری در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ادعایی علیه بندر ونکوور به دیوان تقدیم کرد. این ادعا تحت عنوان پرونده شماره ب-۶۷ طبقه‌بندی گردید. بر اساس دادخواست وزارت راه و ترابری در آن پرونده، بندر نه تنها هیچ حقّی برای مطالبهٔ هزینه‌های انبارداری نداشت بلکه باید خسارات وارده بابت عدم النّفع آتی، ضررهای ناشی از استهلاک و پوسیدگی کالاها در انبار، خسارات مادّی و سایر خسارات را نیز متحمل می‌شد. خسارات مورد مطالبه وزارت راه و ترابری در پرونده شماره ب-۶۷ مجموعاً به ۱۵،۳۴۴،۱۶۸ دلار آمریکا بالغ گردید.

۴۵۶- وزارت راه و ترابری در نهم تیر ۱۳۶۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۲] درخواستی برای صدور دستور موقّت توسّط دیوان به منظور جلوگیری از فروش موادّ ز-۷ توسّط بندر ونکوور تسلیم کرد.

۴۵۷- ایران در تاریخ سوم آبان ۱۳۶۱ [۲۵ اکتبر ۱۹۸۲] در حالی که پرونده شماره ب-۶۷ هنوز در دست رسیدگی بود دادخواست خود را در پرونده شماره الف-۱۵ ارائه داد. ایران در این دادخواست موادّ ز-۷ در تصرف بندر ونکوور را به عنوان اموال ایران که بعد از انعقاد بیانیه‌های الجزایر منتقل نشده بود فهرست کرد.

۴۵۸- وزارت راه و ترابری و بندر ونکوور در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۰ مه ۱۹۸۳] موافقت‌نامه حلّ و فصل جدیدی («موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳]») منعقد کردند. در این موافقت‌نامه وزارت راه و ترابری پذیرفت که مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا برای هزینه‌های انبارداری به بندر ونکوور بپردازد و طرفین توافق کردند که در انتقال اموال از بندر به ایران همکاری کنند. طرفین توافق کردند که سریعاً تمام رسیدگی‌ها و دعاوی علیه یک‌دیگر را در مقابل هر دادگاه، نهاد داوری یا قضایی یا نهاد غیرقضایی مسترد کنند و، زمانی که قیود و شرایط موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] به نحو کامل انجام شد، فوراً در قبال یک‌دیگر بری‌الذّمه گردند. به علاوه در موافقت‌نامه آمده بود که این موافقت‌نامه نباید توسّط هیچ کس جز بندر و وزارت راه و ترابری به عنوان اعراض از هرگونه حقّ هر یک از طرفین علیه شخص ثالث نسبت به آن موافقت‌نامه تفسیر گردد.

۴۵۹- طرفین با موافقت‌نامه‌ای متمّم مبنی بر الزام بندر ونکوور به اخذ پروانه صادرات ضروری برای صادرات موادّ ز-۷ به ایران و همچنین اخذ برائت بابت مالیات بر اموال شخصی از شهرستان کلارک واشینگتن در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۶۲ [۱۸ اوت ۱۹۸۳] موافقت‌نامه ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] را تکمیل کردند.

۴۶۰- دیوان در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۶۲ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳] موافقت‌نامه حلّ و فصل مذکور را به عنوان حکمی مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین به ثبت رساند و متذکر شد که مدارک حقوقی اعراض از توقیف مورگن را دریافت کرده است. نهایتاً کلیهٔ اموال مورد بحث در آبان و آذر ۱۳۶۲ [نوامبر و دسامبر ۱۹۸۳] به ایران حمل شدند.[۳۳۸]

*(سه) اظهارات طرفین*

*مسئله مقدّماتی: آثار موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳]*

۴۶۱- ایالات متحده استدلال می‌کند که چون اموال ز-۷ موضوع پرونده ب-۶۷ بود که با موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] توسط طرفین مصالحه شد، دیوان باید ادعای حاضر را مردود اعلام کند. دیوان موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] را پذیرفت و در ۲۱ شهریور ۱۳۶۲ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳] به عنوان حکمی مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین در پرونده شماره ب-۶۷ ثبت کرد.[۳۳۹] ایالات متحده ادعا می‌کند که، با حل و فصل پرونده شماره ب-۶۷، ایران مصالحه کرد و ایالات متحده را از همین ادعاهای مطروح در ادعای ز-۷ فارغ دانست. به اعتقاد ایالات متحده، ایران از طرح ادعای ز-۷ در چارچوب پرونده‌های حاضر ممنوع است چرا که ادعای ز-۷ و پرونده شماره ب-۶۷ مربوط به همان اموال و همان تعهدات حقوقی است.

۴۶۲- ایالات متّحده آن‌چه را که جبران خسارت مضاعف تلقی می‌کند مطرح می‌نماید و متذکر می‌شود که وزارت راه و ترابری خواستار همان نوع خسارتی در پرونده شماره ب-۶۷ بود که اکنون در ادعای ز-۷ مطالبه می‌کند، یعنی خسارات ناشی از «عیب و نقص فرسودگی و پوسیدگی و تورق و انکسار حاصله و غیره که بعلت عدم تحویل عین کالاها[یی]» که در بندر ونکوور انبارداری می‌شد وارد شده است. ایالات متحده تأکید می‌کند

---

[۳۳۸] *بنگرید به: وزارت راه و ترابری و بندر ونکوور، واشینگتن*، حکم شماره ۲-۶۷ب-۷۹ (۲۱ شهریور ۱۳۶۲ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ۳۳۸.

[۳۳۹] *بنگرید به: وزارت راه و ترابری*، حکم شماره ۲-۶۷ب-۷۹ (۲۱ شهریور ۱۳۶۲ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳])، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ۳۳۸.

که طرفین در موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] در پرونده شماره ب-۶۷ موافقت کردند که «از کلیه ادعا[ها]ی خود علیه یکدیگر خواه نزد دیوان، دادگاه‌های قانونی یا نزد هر نوع مقامات قضایی و غیر قضایی صرف نظر نمایند» و «بلافاصله ... سند برائت متقابل به نفع یکدیگر صادر [نمایند]». به علاوه، ایالات متحده ادعا می‌کند که دیوان در حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین خود مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۶۲ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳] اشاره دارد که پرونده شماره ب-۶۷ را پرونده‌ای علیه ایالات متحده تلقی می‌کند و توضیح داد که «متقاعد شده که به موجب شرایط [بیانیه حل و فصل دعاوی] جهت رسیدگی به این مسئله صلاحیت دارد».[۳۴۰]

**۴۶۳-** ایران تصدیق می‌کند که اموال مورد بحث در پروندهٔ ب-۶۷ و ادعای ز-۷ یکسان هستند امّا مخالف این است که موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] به نحوی مؤثّر مانع بررسی ادعای ز-۷ توسط دیوان می‌باشد. به ویژه، ایران در مورد وحدت فرضی طرفین و تعهّدات حقوقی مورد اختلاف در پرونده شماره ب-۶۷ و ادعای ز-۷ نظر دیگری دارد. به علاوه ایران متذکّر می‌شود که هیچ نشانه‌ای در موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] دال بر این وجود ندارد که ایالات متّحده از مسؤولیّت مندرج در بند ۹ در ارتباط با ادعای ز-۷ رهیده باشد.

**۴۶۴-** ایران متذکّر می‌شود که یافته دیوان بر این اساس که بندر ونکوور نهادی متعلّق به دولت ایالات متّحده است محدود به این مسئله صلاحیّتی بود که آیا بندر ونکوور ذیل تعریف «ایالات متّحده» در بند ۴ مادّه هفت بیانیه حلّ و فصل دعاوی قرار می‌گرفت یا خیر.

**۴۶۵-** ایران همچنین اشاره می‌کند که موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] در پرونده ب-۶۷ هزینه‌های انبارداری بارآمده تا قبل از ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] را نیز حل و فصل کرد. به نظر ایران، این واقعیت نشان می‌دهد که پروندهٔ شماره ب-۶۷ بر خلاف ادعای ز-۷ اختلاف مربوط به تفسیر و اجرای بیانیه‌های الجزایر وفق بند ۱۷ بیانیهٔ عمومی نبود؛ چنین اختلافاتی تنها به تعهدات دولت‌های طرف که پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حادث

---

[۳۴۰] *وزارت راه و ترابری*، حکم شماره ۲-۶۷ب-۷۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ۳۳۸.

شده باشد، مربوط می‌شود. در عوض، پرونده ب-۶۷ وفق بند ۲ ماده دو بیانیهٔ حل و فصل دعاوی به عنوان ادعای رسمی ناشی از ترتیبات قراردادی در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات بین ایران و ایالات متحده، مطرح شد.[۳۴۱] ایران در این راستا خاطرنشان می‌کند که، در همان تاریخی که وزارت راه و ترابری ادعای خود در پروندهٔ شماره ب-۶۷ را تسلیم کرد، ادعایی هم در پرونده شماره ب-۶۲ ثبت کرد که طی آن متعرض مسؤولیت خود در قبال هزینه‌های انبارداری ادعایی بندر ونکوور، گالف پورتس، و شیپ ساید شد؛ در پروندهٔ شمارهٔ ب-۶۲ وزارت راه و ترابری استدلال کرد که مطالبهٔ هزینه‌ها نقض بیانیه‌های الجزایر است. ایران ادعا می‌کند که پروندهٔ شماره ب-۶۲ متعاقباً توسط دیوان به عنوان ادعایی مربوط به تفسیر و اجرای بیانیه‌های الجزایر تحت بند ۱۷ بیانیه عمومی مجدداً طبقه‌بندی شد،[۳۴۲] حال آن‌که پرونده شماره ب-۶۷ وفق بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی به عنوان یک ادعای رسمی باقی ماند.

**۴۶۶-** سرانجام، ایران ادعا می‌کند که وزارت راه و ترابری وفق موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] مخارج انبارداری را که اکنون به عنوان خسارات خود در ادعای ز-۷ مطالبه می‌کند به بندر ونکوور پرداخته است؛ از این رو موضوع جبران خسارت مضاعف مطرح نیست.

*باقی موضوعات: اظهارات ایران*

**۴۶۷-** ایران ادعا می‌کند که تمام موادّ ز-۷ که «اموال ایران» است، مشمول حق حبس ادعایی بندر ونکوور بود چرا که متصدی حمل، پرداخت هزینه‌های انبار را متوقّف کرده بود.

---

[۳۴۱] بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد:

هیئت داوری همچنین دربارهٔ ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای فیمابین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات، صلاحیت داوری خواهد داشت.

[۳۴۲] پرونده شماره ب-۶۲ طی دستور مورخ ۲۹ مهر ۱۳۷۷ [۲۱ اکتبر ۱۹۹۸] در پرونده شماره ب-۶۲ به عنوان پرونده شماره الف-۳۱ مجدداً طبقه‌بندی گردید.

**۴۶۸** - بدین ترتیب ایران استدلال می‌کند که بازتعریف «اموال ایران» متأثّر از بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری که اموال متنازع‌فیه و اموال موضوع حقّ حبس را از دستورالعمل انتقال در بخش **۲۱۵-۵۳۵** مستثنی کرد،[۳۴۳] باعث شد تا موادّ ز-۷ از آن دستورالعمل مستثنی شود و بندر ونکوور را قادر سازد که موادّ ز-۷ را تا زمان حلّ و فصل دعوای قراردادی خود نگه دارد. ایران استدلال می‌کند که عملاً، مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری مبنای امتناع بندر ونکوور برای حمل اموال به ایران بود و حبس کالا نیز به همان میزان غیرقانونی بود و بدین ترتیب ایالات متّحده باید مسؤول پرداخت غرامت به وزارت راه و ترابری بابت ضررهای وارده به واسطه امتناع از تحویل قلمداد شود.

**۴۶۹** - وفق اظهارات ایران، دستور توقیف صادره از دادگاه عالی شهرستان کلارک، که سابق بر صدور دستور انسداد مورّخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بوده، مانع این نمی‌شد که ایالات متّحده تعهّد خود مبنی بر فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموال نگه‌داری‌شده توسّط بندر ونکوور را ایفا کند. ایران اظهار می‌دارد که توقیف مذکور می‌توانست به سهولت پس از حلّ و فصل دعاوی مربوط رفع شود. ایران متذکّر می‌گردد که به جای مورد مذکور، این حبس ادعایی بندر ونکوور و مالیات‌های تحمیلی مقامات مالیاتی محلّی بوده که مانع حمل اموال شده است. هر دوی این موارد پس از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] رخ داده است و ایالات متّحده زمانی که وکیل ایران در نامه مورّخ نهم دی ۱۳۶۰ [۳۰ دسامبر ۱۹۸۱] خود، وزارت امور خارجه ایالات متحده را مطّلع کرد و برای حل مسئله از آن کمک خواست، عملی انجام نداد.[۳۴۴]

*باقی موضوعات: اظهارات ایالات متّحده*

---

[۳۴۳] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا. همچنین *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۵۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۱.

[۳۴۴] *بنگرید به* بند ۴۵۲، بالا.

۴۷۰- ایالات متّحده مدعی است که ایران مشخصاً نتوانسته است نشان دهد که کدام قسمت‌ها از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که با دستور خرید ۱-۲۱۰۱-۸۷ سفارش داده شده بود واقعاً در بندر ونکوور انبار شده بود. وفق اظهارات ایالات متّحده، هیچ سند قاطعی وجود ندارد که تجهیزات سنگ‌شکن واقعاً به بندر ونکوور تحویل داده شده بود.

۴۷۱- به علاوه ایالات متّحده ادعا می‌کند که اموال مذکور پیشاپیش قبل از آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] توقیف شد، یعنی توسط مورگن درخواست و دادگاه عالی شهرستان کلارک آن را در تیر/مرداد ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹] اعطا کرده بود. طبق اظهارات ایالات متّحده، تعهّد ذیل اصل کلی ب آن دولت مبنی بر ابطال تمام توقیف‌ها را باید صرفاً تعهدی برای رفع توقیف‌ها تا جایی دانست که وضعیّت مالی ایران به وضعیّت موجود قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بازگردد. بنابراین ایالات متّحده معتقد است که توقیف‌های موجود قبل از آن تاریخ مشمول محدوده بیانیه عمومی نمی‌شود.

۴۷۲- به علاوه، ایالات متّحده ادعا می‌کند که ایران نتوانسته ثابت کند اقداماتی وجود داشت که از ایالات متّحده به نحو معقول انتظار می‌رفت انجام دهد. ایالات متّحده مدّعی است که تمام اقدامات معقول در ثبت تذکاریه ذی‌نفعی در دادرسی مربوط به نقض قرارداد مورگن علیه وزارت راه و ترابری در مقابل دادگاه واشینگتن به منظور توقّف دادرسی و برداشتن موانع محدود کنندهٔ انتقال که پس از آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] ایجاد شده بود را معمول داشته است.

۴۷۳- ایالات متّحده همچنین ادّعا می‌کند که به هر تقدیر، ایران نشان نداده است که زیان ادعایی واقعاً به واسطه نقض تعهّد ایالات متّحده ذیل بند ۹ وارد آمده است. در واقع تأخیر در انتقال اموال مورد بحث ایران حاصل قرار توقیفی معتبر در دادرسی مورگن قبل از آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] بوده و نتیجهٔ اعمال مقرّرات غیرقانونی خزانه-داری نبوده است.

۴۷۴- ایالات متّحده استدلال می‌کند که ایران باید اثبات کند که مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری و نه عملکرد خودِ وزارت راه و ترابری سبب واقعی تأخیر در انتقال مواد ز-۷ به ایران بوده است. طبق اظهارات ایالات متّحده، حدّاقل بخشی از سبب خسارت ناشی از ترک فعل ایران بوده است که به خصوص، وزارت راه و ترابری ترتیبات حمل را فراهم نیاورده بود. ایالات متّحده مدعی است که برای ایران کافی نیست ثابت کند که مقرّرات خزانه‌داری در ورود خسارت نقش داشت، بلکه ایران باید اثبات کند که اگر مقرّرات خزانه‌داری اعمال نمی‌شد خسارتی نیز وارد نمی‌آمد.

*(چهار) تصمیم دیوان*

*مسئله مقدماتی: آثار موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳]*

۴۷۵- دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدّماتی این مسئله را بررسی می‌کند که آیا چون دیوان طی حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین ۲۱ شهریور ۱۳۶۲ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳] حلّ و فصل دعاوی در پرونده شماره ب-۶۷ بین بندر ونکوور و وزارت راه و ترابری را تأیید کرد باید ادعای ز-۷ رد شود یا خیر.[۳۴۵]

۴۷۶- طرفین موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] بندر ونکوور و وزارت راه و ترابری بودند. دیوان در حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین خود اظهار داشت که در مورد صلاحیت خود مجاب شده است.[۳۴۶] بدین وسیله دیوان تلویحاً بندر ونکوور را به منظور احراز صلاحیت خود وفق بند ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، «شخصیت حقوقی» موجود در ایالات متحده تلقی کرد. با این حال، چنین یافته‌ای در ارتباط با صلاحیت دیوان به این مسئله که آیا موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] بر ادعاهای مطروح ایران علیه ایالات متحده در خصوص

---

[۳۴۵] *بنگرید به* بندهای ۴۶۱-۴۶۶.

[۳۴۶] *بنگرید به* بند ۴۶۲، بالا.

نقض‌های ادعایی تعهد معاهداتی خود ذیل بند ۹ بیانیه عمومی اعمال و باعث اسقاط آن‌ها می‌شود یا خیر، لطمه‌ای نمی‌زند.

۴۷۷- بندر ونکوور و وزارت راه و ترابری در مقدمهٔ موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] توافق کردند که به محض این‌که بندر مواد ز-۷ را تحویل داد و دیوان پرداخت مقرر در موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] را جمعاً به مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا تجویز کرد، «از کلیه ادعا[ها]ی خود علیه یکدیگر... صرفنظر نمایند». مضافاً ماده یازده موافقت‌نامه حل و فصل در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد که «در هیچ موردی توسط شخصی بغیر از وزارت راه و بندر، بعنوان، اسقاط هر نوع حق هر یک از طرفین قابل استناد نخواهد بود». خوانش ساده این مواد قویاً حکایت از آن دارد که طرفین در خصوص اسقاط ادعای ز-۷ ایران در خصوص نقض ادعایی معاهده توسط ایالات متحده، که خود، طرف موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] نبود، توافقی به عمل نیاوردند.

۴۷۸- در این مقطع باید بین تعهدات قراردادی بند ونکوور و تعهدات معاهداتی ایالات متحده در بند ۹ بیانیه‌های الجزایر قائل به تفکیک شد. دیوان این نکته را مدّ نظر قرار می‌دهد که موافقت‌نامه حل و فصل بند ونکوور و وزارت راه و ترابری در واقع کلیه ادعاهای قراردادی موجود بین بندر ونکوور و وزارت راه و ترابری را حل و فصل کرد. با این حال، موافقت‌نامه حل و فصل نقض‌های ادعایی تعهد معاهداتی ایالات متحده در بند ۹، یعنی قصور ادعایی در صدور دستورالعمل به بندر برای انتقال مواد ز-۷ به ایران، و مسؤولیت ایالات متحده که در صورت احراز نقض بند ۹ به وجود می‌آمد را حل و فصل نکرد.

۴۷۹- این واقعیت که وزارت راه و ترابری در دادخواست خود در پرونده شماره ب-۶۷ به بند ۹ استناد کرده و این که مقدمه موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] متذکر می‌شود که ادعای اقامه شده توسط وزارت راه و ترابری بر اساس «بندهای ۲ و ۳ ماده ۹ مقررات بیانیه عمومی دولت جمهوری دمکراتیک الجزایر» اقامه شده، نتیجه‌گیری دیوان مبنی بر این که موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] محدود به رابطه قراردادی بین وزارت

راه و ترابری و بندر ونکوور می‌شود را تغییر نمی‌دهد. در واقع، اختلافی که مبنای موافقت‌نامه حل و فصل را تشکیل می‌داد به هزینه‌های قراردادی انبارداری مربوط می‌شد که به بندر ونکوور حق حبس اموال را می‌داد.

۴۸۰- سرانجام، دیوان یادآور می‌شود که در حکم شماره ۵۲۹، دیوان مقرر داشت:

> در موارد اموالی که بر خلاف الزام بیانیه عمومی، به علت قصور ایالات متحده در ایفای تعهدات خود در بیانیه، منتقل نشده، استرداد ادعای ایران علیه دارنده آن مال یا حل و فصل چنین ادعایی بین ایران و دارنده مال بعد از تاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، فی‌نفسه ایالات متحده را از مسئولیت در قبال ایران بابت خسارات ناشی از عدم انتقال آن مال مبرا نمی‌کند.[۳۴۷]

۴۸۱- دیوان در پرتو مراتب پیش گفته و در راستای نظر خود در حکم شماره ۵۲۹ نتیجه می‌گیرد که، حتی اگر بندر ونکوور وفق اهداف صلاحیتی در پرونده شماره ب-۶۷ یک مؤسسه تحت کنترل دولت ایالات متحده می‌بود، موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] در ادعای حاضر باعث اسقاط ادعای ز-۷ نمی‌شد. بنابراین، دیوان استدلال ایالات متّحده بر پایه موافقت‌نامه حلّ و فصل ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] در پرونده ب-۶۷ را رد می‌کند.

*«اموال ایران»*

۴۸۲- اختلافی نیست که وزارت راه و ترابری مشمول تعریف «ایران» مندرج در بند ۳ مادّه هفت از بیانیه حلّ و فصل دعاوی می‌باشد. به همین نحو اختلافی نیست که موادّ ز-۷ در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متّحده قرار داشت و آن اموال در آن تاریخ صرفاً در مالکیّت ایران بود. در نتیجه، موادّ ز-۷ وفق بند ۹ واجد وصف «اموال ایران» است.

*شناسایی اقلام مورد اختلاف*

---

[۳۴۷] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (ح)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

۴۸۳- ایالات متّحده ادّعا می‌کند که ایران نتوانسته ثابت کند که کدام بخش از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که با سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷[۳۴۸] توسط وزارت راه و ترابری خریداری شده واقعاً به بندر ونکوور تحویل و در آن‌جا انبار شده است.

۴۸۴- اختلافی نیست که بخشی از آن تجهیزات در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس و بخشی از آن بین مهر/آبان ۱۳۵۷ [اکتبر ۱۹۷۸] و بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] به بندر ونکوور تحویل داده شد. با این حال، طرفین در مورد افراز تجهیزات بین این دو مکان اختلاف دارند. بنا بر نظر ایران، ۶۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به گالف پورتس و ۴۰ درصد به بندر ونکوور تحویل داده شده است. اسناد و مدارک موجود در این خصوص متعارض است. تلکس هوارد نیدلز تامن اند برگندوف-ایران مورّخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ [۱۷ اوت ۱۹۸۱] به وزارت راه و ترابری موضع ایران را تقویت می‌کند.[۳۴۹] درست برعکس، نامه مورگن مورّخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۱ مه ۱۹۸۱] به دفتر نظارت بر اموال خارجی ظاهراً نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در بندر ونکوور انبار شده بود، حال آن که حدود ۴۰ درصد آن در انبار گالف پورتس در نیواورلئان قرار داشت.[۳۵۰] دیوان با توجّه به این که تمام تجهیزات سنگ‌شکن مورگن شامل سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ موضوع ادعاهای ایران در پرونده‌های حاضر می‌باشد، مقرّر می‌دارد که نسبت افراز واقعی آن تجهیزات بین بندر ونکوور در ایالت واشینگتن و گالف پورتس در نیواورلئان فاقد اهمّیّت است. بر این اساس دیوان در ادعای حاضر فرض خواهد کرد که ۴۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن شامل سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸/اوایل ۱۹۷۹] به بندر ونکوور تحویل داده شده است.

---

[۳۴۸] *بنگرید به* بند ۴۴۰ (ب)، بالا.

[۳۴۹] *بنگرید به* بند ۴۳۶، بالا.

[۳۵۰] *بنگرید به* بند ۴۳۵، بالا.

۴۸۵- دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا ایالات متّحده به تعهّد خود ذیل بند ۹ در خصوص موادّ ز-۷ عمل کرده است یا خیر. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که مقررات خزانه‌داری که اموالی را که انحصاراً مال ایران بود، اما توسط متصرفین آن‌ها بر اساس هر گونه حق حبس، دفاع، دعاوی متقابل، تهاتر، یا دلایل مشابه، حق تصرف ایران در آن مورد معارضه قرار گرفت را از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنی کرد با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی مغایرت دارد.[۳۵۱] دیوان بر اساس مدارکی که در زمان صدور حکم شماره ۵۲۹ در اختیار داشت در موقعیّتی نبود که بتواند وقایع مربوط به هر مال خاص را تعیین کند. دیوان اکنون در ارتباط با مواد ز-۷ تصمیم‌گیری می‌کند.

۴۸۶- در این امر اختلاف جدی وجود ندارد که بندر ونکوور نمی‌خواست تا پیش از دریافت هزینه‌های پرداخت نشدهٔ انبارداری مربوط به این مواد از وزارت راه و ترابری، مواد ز-۷ را به وزارت راه و ترابری تحویل دهد. موارد زیر با این بحث مشخصاً مرتبط است:

(الف) نامه وکیل بندر ونکوور مورّخ ۱۷ مهر ۱۳۶۰ [۹ اکتبر ۱۹۸۱] به مورگن مبنی بر دادن اجازه به وکیل آن شرکت که در مذاکرات با وزارت راه و ترابری «تا در مورد حمل و/یا فروش تجهیزات سنگ‌شکن و واحد خانه‌های مدولی به توافق برسد که همچنین شامل بازیافت هزینه‌های انبارداری از طرف بندر ونکوور باشد»؛[۳۵۲]

---

[۳۵۱] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (د)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۳۵۲] *بنگرید به* بند ۴۴۸، بالا.

(ب) بندر ونکوور و وزارت راه و ترابری در مقدّمه موافقت‌نامه حلّ و فصل مورّخ ۲۷ آبان ۱۳۶۰ [۱۸ نوامبر ۱۹۸۱][۳۵۳] متذکّر شده‌اند که هزینه‌های انبارداری از بهمن/اسفند ۱۳۵۸ [فوریه ۱۹۸۰] تا مهر/آبان [اکتبر ۱۹۸۱] برای تجهیزات سنگ‌شکن و واحد خانه‌های مدولی تعلّق گرفته و همچنان تعلّق می‌گرفت؛ به علاوه آن‌ها متعرض تمایل طرفین به مصالحه ادعاها و مصالحه و پرداخت آن مخارج شدند؛

(پ) پروانه فروش دفتر نظارت بر اموال خارجی صادره در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۱] برای اموالی که در حبس بندر ونکوور و مورگن بود به این دلیل که بندر ونکوور و مورگن ادعاهای وصول‌نشده‌ای علیه ایران داشتند به آن‌ها اجازه داد که مواد ز-۷ را بفروشند؛[۳۵۴]

(ت) طرفین در مقدّمه موافقت‌نامه حلّ و فصل مورّخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۰ مه ۱۹۸۳][۳۵۵] صراحتاً اظهار داشتند که مطابق قوانین ایالت واشینگتن و مقرّرات صادره از وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده بندر مذکور تا زمانی که دیوان موافقت‌نامه حلّ و فصل را بپذیرد و حکمی به نفع بندر مذکور بابت هزینه‌های انبارداری و نقل و انتقال صادر کند تجهیزات متعلق به وزارت راه و ترابری را نگه‌داری خواهد کرد.

۴۸۷- دیوان بر اساس مدارک ارائه‌شده حکم می‌کند که بندر ونکوور به خاطر وجود بدهی‌های پرداخت نشده، موادّ ز-۷ را در ایالات متّحده نگه داشت و نتیجتاً، آن اقلام در واقع به خاطر بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثناء شده بود. در نتیجه، ایالات متّحده تعهّد خود ذیل بیانیه عمومی در خصوص اموال عینی ایران را نقض کرده است و مسؤولیت بین‌المللی دارد.

---

[۳۵۳] *بنگرید به* بند ۴۴۹، بالا.

[۳۵۴] *بنگرید به* بند ۴۵۱، بالا.

[۳۵۵] *بنگرید به* بند ۴۵۸، بالا.

۴۸۸- به علاوه دیوان معتقد است که تاریخ نقض ایالات متّحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۳۵۶]

۴۸۹- دیوان به دلایل بالا ادعای ز-۷ را تأیید می‌کند.

*(ت) ادعای ز-۸ (وزارت راه و ترابری/گالف پورتس کریتینگ کو.)*

*(یک) مقدّمه*

۴۹۰- در ادعای ز-۸، خواستهٔ ایران حداکثر مبلغ ۱۵،۲۷۳،۶۵۶ دلار آمریکا به علاوه بهره بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متّحده در فراهم آوردن امکان انتقال اموالی به ایران بود که توسّط وزارت راه و ترابری در سال ۱۳۵۶ [۱۹۷۸] خریداری‌شده و در گالف پورتس انبار شده بود.

*(دو) پیشینه موضوعی*

۴۹۱- اموال خریداری‌شده توسّط وزارت راه و ترابری در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] که به این ادعا مربوط می‌شود به قرار زیر است:

(الف) نیروگاه‌های روشنایی: واحدهای روشنایی قابل حمل متشکل از ۱۲۹ ژنراتور و پروژکتور برقی خریداری شده در تاریخ هفتم مرداد ۱۳۵۷ [۲۹ ژوئیه ۱۹۷۸] از اونان به مبلغ ۸۵۴،۱۶۹ دلار آمریکا مطابق دستور خرید شماره ۱-۲۱۰۵-۸۷؛

[۳۵۶] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

(ب) واحد خانه‌های پورتا-کمپ: واحد خانه‌های قابل حمل پیش‌ساخته خریداری شده در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ [اول اوت ۱۹۷۸] از پورتا-کمپ مطابق دستور خرید شماره ۵۰۲۱۲-۸۸؛[۳۵۷] و

(پ) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن: تجهیزات سنگ‌شکن، شامل قطعه‌های مورد نیاز برای سرهم کردن پنج دستگاه سنگ‌شکن خریداری‌شده در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۵۷ [دوم اوت ۱۹۷۸] از مورگن به مبلغ ۸،۸۱۹،۵۰۸ دلار آمریکا ذیل دستور خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷.[۳۵۸]

**۴۹۲ -** بخشی از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن و در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس در محلّ انبار در نیواورلئان تحویل داده شد[۳۵۹] و همان‌گونه که خاطرنشان شد، الباقی تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸/اوایل ۱۹۷۹] به بندر ونکوور تحویل داده شد.[۳۶۰] واحدهای روشنایی هم در ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس در نیواورلئان تحویل داده شد. در همان تاریخ، واحد خانه‌های پورتا-کمپ به محوطهٔ انبار گالف پورتس در هیوستون تحویل داده شد. تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در انبار گالف پورتس، در نیولورلئان، واحدهای روشنائی و واحد خانه‌های پورتا-کمپ (نیز از این پس مجموعاً به عنوان «مواد ز-۸» یاد می‌شود) موضوع ادعای ز-۸ می‌باشد. طرفین چنان‌که ذیلاً بحث خواهد شد، در این که کدام بخش از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به گالف پورتس در نیواورلئان و کدام بخش به بندر ونکوور تحویل داده شده و انبار شده است، اختلاف دارند.

---

[۳۵۷] ایران مدعی است که، در حالی که سفارش خرید برای ۴۰۰ واحد خانه‌های قابل حمل برای مجموعاً ۱۱،۹۰۶،۲۴۵ دلار آمریکا بود، پس از «حذف مرحله سوم» به صرفاً ۲۳۸ واحد مونتاژ شده و مونتاژ نشده، به مبلغ ۷،۳۰۹،۹۹۵ دلار آمریکا کاهش یافت. ایران مدعی است که نمی‌توانست تغییر سفارش که سفارش خرید ۵۰۲۱۲-۸۸ را تقلیل داده بود پیدا کند، اما می‌داند که این امر محقق شده است، و بنابراین، تنها در مورد ۲۳۸ واحد ادعا دارد.

[۳۵۸] *بنگرید به* بند ۴۳۱، بالا.

[۳۵۹] *بنگرید به* بند ۴۳۳، بالا.

[۳۶۰] *بنگرید به* بند ۴۳۲، بالا.

۴۹۳- گالف پورتس موادّ ز-۸ را بسته‌بندی کرد و آن‌را برای حمل در انتظار دستورالعمل‌های وزارت راه و ترابری برای حمل بعدی نگه داشت. واحد خانه‌های پورتا-کمپ به دلیل اندازه‌های بزرگ خود، در فضای باز انبار شدند.

۴۹۴- قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] یعنی زمانی که رئیس جمهور ایالات متّحده دستور انسداد را صادر کرد به دلیل شرایط موجود در ایران شامل ازدحام زیاد و بسته شدن بندرهای ایران هیچ گونه اقدامی به منظور حمل موادّ ز-۸ صورت نگرفت. بدین ترتیب، موادّ ز-۸ تحت نظر گالف پورتس در محل‌هایی که در هیوستون و نیواورلئان اجاره کرده بود باقی ماند. گالف پورتس کارکنانی را جهت نگهبانی از موادّ ز-۸ استخدام کرد.

۴۹۵- موریسون-کنودسن هزینه‌های انبار و هزینه‌های حفاظت از موادّ ز-۸ را به نمایندگی از وزارت راه و ترابری تا تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۸ [اول فوریه ۱۹۸۰] یا اردیبهشت/خرداد ۱۳۵۹ [مه ۱۹۸۰] پرداخت کرد و پس از آن، پرداخت را متوقف کرد. همان‌طور که اشاره شد کنسرسیوم در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ [پنجم مارس ۱۹۸۰] قرارداد شماره ۸۷ را فسخ کرد.

۴۹۶- گالف پورتس در سوم اسفند ۱۳۵۸ [۲۲ فوریه ۱۹۸۰] وزارت راه و ترابری را بابت عدم پرداخت هزینه‌های انبارداری و هزینه‌های حفاظت مربوط به واحد خانه‌های پورتا-کمپ در انبار هیوستون و درخواست قرار توقیف برای آن، در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده برای ناحیه جنوبی تگزاس تحت تعقیب قضایی قرار داد. دادگاه ناحیه‌ای در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۵۸ [۲۹ فوریه ۱۹۸۰] قرار توقیف را صادر کرد. ایالات متّحده در شهریور/مهر ۱۳۵۹ [سپتامبر ۱۹۸۰] در این مورد نظریه ذی‌نفعی ثبت کرد و درخواست توقف در رسیدگی نمود. در ۱۳ بهمن ۱۳۵۹ [دوم فوریه ۱۹۸۱] ایالات متحده اظهاریهٔ ذی‌نفعی و درخواست توقف در رسیدگی را به ثبت رساند که مورد قبول دادگاه ناحیه‌ای واقع شد. دادگاه ناحیه‌ای نهایتاً در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۶۰ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۱]

پس از رسیدگی‌های بیش‌تر قرار توقیف واحد خانه‌های پورتا-کمپ را نقض کرد و به طور نامحدود فرآیند رسیدگی را متوقف کرد، زیرا دعوای گالف پورتس علیه وزارت راه و ترابری قطعاً مشمول صلاحیّت دیوان بود. گالف پورتس از این تصمیم دادگاه ناحیه‌ای تقاضای تجدیدنظر کرد که رد شد.

**۴۹۷** - گالف پورتس در لایحه تجدیدنظر خود با استناد به بخش **۳۳۳-۵۳۵** (ب) مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری استدلال می‌کرد که واحد خانه‌های پورتا-کمپ «اموال ایران» یا اموالی «در مالکیّت ایران» نیست چرا که «کلیه تعهدات، هزینه و حق‌الزحمه‌های لازم مربوط به آن اموال» پرداخت نشده است.[۳۶۱]

**۴۹۸** - در این میان گالف پورتس، در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۵۹ [چهارم ژانویه ۱۹۸۱] صورت‌حسابی به مبلغ ۴۳۲،۰۰۰ دلار آمریکا بابت «هزینه‌های انبارداری برای دورهٔ ۴ ژانویه ۱۹۸۱ تا ۴ ژانویه ۱۹۸۳» به دفتر حفاظت منافع ایران ارسال کرد. گالف پورتس در این خصوص به «نامه ۳۱ مرداد ۱۳۵۹ [۲۲ اوت ۱۹۸۰]» استناد می‌کند که به دفتر حفاظت منافع ایران ارسال کرده بود که در مدارک موجود نیست. گالف پورتس در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۹ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۱] چند صورت‌حساب دیگر نیز به دفتر حفاظت منافع ایران به مبلغ مجموعاً ۷۰،۸۰۰ دلار آمریکا بابت خدمات انبارداری و نگهبانی واحد خانه‌های پورتا-کمپ که در هیوستون انبار شده بود ارسال کرد که شامل دوره زمانی مهر تا دی ۱۳۵۹ [اکتبر تا دسامبر ۱۹۸۰] می‌شد.

**۴۹۹** - همان‌طور که اشاره شد، وزارت راه و ترابری و نمایندگان گالف پورتس در حدود آبان ۱۳۶۰ [اواخر اکتبر یا اوایل نوامبر ۱۹۸۱] در وین به منظور مذاکره برای حل اختلاف خود دیدار کردند.[۳۶۲]

**۵۰۰** - گالف پورتس در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۶۰ [۱۲ نوامبر ۱۹۸۱] در پاسخ به تلکس استعلام وزارت راه و ترابری به آن وزارت اعلام کرد که: (یک) وزارت راه و ترابری از تاریخ نهم آذر ۱۳۶۰ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۱] بدهکار تمامی

---

[۳۶۱] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

[۳۶۲] *بنگرید به* بند ۴۳۷، بالا.

هزینه‌های انبارداری به مبلغ مجموعاً ۱،۱۴۳،۰۶۵/۳۷ دلار آمریکا می‌باشد؛ (دو) هزینه انبارداری ماهانه از تاریخ نهم آذر ۱۳۶۰ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۱] ۳۸.۴۰۰ دلار آمریکا می‌باشد؛ و (سه) هزینه انبارداری روزانه متعلّقه از تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۶۰ [اول دسامبر ۱۹۸۱] تا ۱۰ دی ۱۳۶۰ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۱] ۱،۲۶۲/۴۷ دلار آمریکا می‌باشد.

۵۰۱- گالف پورتس و وزارت راه و ترابری در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] به انعقاد یک موافقت‌نامه حلّ و فصل پرداختند. طرفین در مقدّمه آن موافقت‌نامه بیان داشتند که گالف پورتس در ارتباط با واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن مدعی حبس شده بود، و این که دعوایی در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده برای ناحیه جنوبی تگزاس برای ضبط مال حبس شده به دلیل عدم پرداخت هزینه‌ها در دست رسیدگی بوده است.[۳۶۳]

۵۰۲- گالف پورتس در موافقت‌نامه حلّ و فصل پذیرفت که از دعاوی خود علیه وزارت راه و ترابری بابت هزینه‌هایی که بابت انبارداری و نگه‌بانی بین آبان ۱۳۵۷ تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [نوامبر ۱۹۷۸ تا ۳۱ مارس ۱۹۸۲] متحمل شده اعراض کند و واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن را در ازای دریافت مبلغ ۸۸۶،۱۳۵ دلار آمریکا (از مبلغ ۱،۱۴۳،۰۶۵ دلار آمریکا بابت هزینه‌های انبارداری که متحمّل شده بود) از وزارت راه و ترابری، در اختیار وزارت راه و ترابری قرار دهد. وزارت راه و ترابری پس از پرداخت مبلغ مذکور، می‌توانست واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن را از هیوستون و نیواورلئان با هزینه خود خارج کند. در صورتی که اقلام مزبور تا تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [۳۱ مارس ۱۹۸۲] از محل‌های‌شان خارج نشده باشند، وزارت راه و ترابری بایستی هزینه‌های اضافی انبارداری و نگه‌بانی را می‌پرداخت.

---

[۳۶۳] *بنگرید به* بند ۴۹۶، بالا.

۵۰۳- گالف پورتس و وزارت راه و ترابری مضافاً تصریح کردند که در صورت نیاز به پذیرش موافقت‌نامه حلّ و فصل توسّط دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متّحده، وزارت راه و ترابری «متعهّد است مدارک لازم برای تأیید» موافقت‌نامه «توسط دیوان را تهیه و تسلیم کند».

۵۰۴- راجع به وقایع متعاقب موافقت‌نامه حل و فصل مورّخ ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] شهادت‌نامه‌ها و شهادت شفاهی آقایان اکبر مسافر رحمتی و محمدعلی لطفعلیان صارمی طی جلسات استماع که هر دو به عنوان مشاور حقوقی وزارت راه و ترابری در زمان ذی‌ربط فعّالیّت می‌کردند، موجود است.[۳۶۴] آقایان رحمتی و صارمی اظهار داشتند که نمایندگان وزارت راه و ترابری در آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] به منظور بازرسی از موادّ ز-۸ (و همچنین، اموال وزارت راه و ترابری مربوط به ادعای ز-۷ و ز-۱۳) و فراهم آوردن ترتیبات برای حمل آن به ایران، به ایالات متّحده سفر کردند.[۳۶۵]

۵۰۵- آقای رحمتی در جلسه استماع مضافاً شهادت داد که وی پس از آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] سالانه سه بار به ایالات متّحده (به ونکوور، بالتیمور، هیوستون و نیواورلئان) سفر می‌کرده است تا حضوراً از اموال انبارشدهٔ وزارت راه و ترابری در آن‌جا بازدید کند و آن‌ها را آمادهٔ حمل کند. آقای رحمتی اظهار داشت که آخرین این بازدیدها در شهریور یا آبان ۱۳۶۲ [سپتامبر یا اکتبر ۱۹۸۳] رخ داد.[۳۶۶]

۵۰۶- آقای رحمتی اظهار داشت که وی در زمان بازدید از گالف پورتس در هیوستون در سال ۱۳۶۰/۱۳۵۹ [۱۹۸۱] مشاهده کرده است که واحد خانه‌های پرتا-کمپ «در فضای باز... و بدون روپوش» انبار شده‌اند. آقای رحمتی مضافاً گفت که وی وارد واحد خانه‌های نصب‌شده نشده است و نمی‌دانسته داخل آن‌ها چیست، امّا به

---

[۳۶۴] *بنگرید به* بند ۴۵۳، بالا.

[۳۶۵] *بنگرید به* همانجا.

[۳۶۶] *بنگرید به* بند ۴۵۴، بالا.

طور کلّی، زمانی که از بیرون به آن‌ها نگاه می‌شد، «کالاها» «تماماً صحیح و سالم» و «در شرایط خوبی» بود. با این حال، آقای رحمتی همچنین شهادت داد که «چون شرایط آب و هوا خیلی گرم و مرطوب بود»، برخی از واحد خانه‌هایی «که نصب و بسته‌بندی شده بود... به نوعی متورّم شده بود». او اظهار داشت که هیچ‌گاه رطوبت موجود در واحد خانه‌ها موادّ را که او «متورم» توصیف کرد نسنجید.

۵۰۷- گالف پورتس در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی علیه وزارت راه و ترابری به مبلغی بالغ بر بیش از ۱/۱ میلیون دلار آمریکا بابت هزینه‌های تعلق گرفته به انبارداری و نگه‌بانی واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن انبارشده در هیوستون و نیواورلئان به دیوان تسلیم کرد. این ادعا به عنوان پرونده شماره ۳۰۷ طبقه‌بندی شد.

۵۰۸- وزارت راه و ترابری پس از ثبت دادخواست در پرونده شماره ۳۰۷ درخواست کرد که گالف پورتس در خصوص ضرب‌الأجل مورّخ ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [۳۱ مارس ۱۹۸۲] راجع به پرداخت مبلغ توافقی پیش‌بینی‌شده در موافقت‌نامه حلّ و فصل مورخ ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] مهلتی سه‌ماهه بدهد.[۳۶۷] بر این اساس، گالف پورتس آن ضرب‌الأجل را تا نهم تیر ۱۳۶۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۲] تمدید کرد.

۵۰۹- گالف پورتس در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ [۳۰ آوریل ۱۹۸۲] طی تلکسی از وزارت راه و ترابری درخواست کرد که موافقت‌نامه حلّ و فصل را اجرا کند و مبلغ مقرّرشده را پرداخت نماید.

۵۱۰- گالف پروتس در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۱ [پنجم مه ۱۹۸۲] به رئیس شعبه سه دیوان نامه نوشت و به وی اطّلاع داد که وزارت راه و ترابری هنوز موافقت‌نامه مورّخ ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] را اجرا نکرده است.

---

[۳۶۷] *بنگرید به* بند ۵۰۲، بالا.

۵۱۱- وزارت راه و ترابری در خرداد/تیر ۱۳۶۱ [ژوئن ۱۹۸۲] به گالف پورتس اطّلاع داد که نمی‌تواند موافقت‌نامه را تا نهم تیر [۳۰ ژوئن] به دلیل اختلافات با ایالات متّحده اجرا نماید و بر این اساس، برای پرداخت مبلغ مذکور درخواست مهلت دیگری تا ۱۰ دی ۱۳۶۱ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۲] نمود که گالف پورتس این درخواست را رد کرد.

۵۱۲- گالف پورتس در تاریخ هشتم مهر ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲] با استناد به بخش ۵۴۰-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری، و با ادّعای حق حبس انباردار، از دفتر نظارت بر اموال خارجی برای فروش واحد خانه‌های پورتا-کمپ در هیوستون و تجهیزات سنگ‌شکن در نیواورلئان درخواست کرد که پروانه فروش صادر کند. گالف پورتس در درخواست خود تأکید کرد که وزارت راه و ترابری بیش از ۲ میلیون دلار آمریکا بابت هزینه‌های پرداخت‌نشده به او بدهکار است. دفتر کنترل نظارت بر اموال خارجی در تاریخ اول بهمن ۱۳۶۱ [۲۱ ژانویه ۱۹۸۳] پروانهٔ فروش را صادر کرد.

۵۱۳- وزارت راه و ترابری در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۶۱ [۱۱ اکتبر ۱۹۸۲] دفاعیّه و ادعای متقابل خود در پرونده شماره ۳۰۷ را علیه گالف پورتس تسلیم کرد. وزارت راه و ترابری در ادعای متقابل خود از جمله در پی تحویل موادّ ز-۸ انبارشده توسّط گالف پورتس، مبلغ ۳،۳۶۳،۹۶۶ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از آسیب‌دیدگی و مبلغ ۱،۹۴۶،۰۸۶ دلار آمریکا عدم النفع مطالبه کرد.

۵۱۴- گالف پورتس با نامه مورّخ ۲۹ بهمن ۱۳۶۱ [۱۸ فوریه ۱۹۸۳] به وزارت راه و ترابری که در تاریخ نهم اسفند ۱۳۶۱ [۲۸ فوریه ۱۹۸۳] در دیوان ثبت شد به آن وزارت‌خانه اطّلاع داد که حقّ حبس انبارداری موادّ ز-۸ انبارشده در نیواورلئان (تحت عنوان «سیستم نقاله، موتور برق برای روشنایی و تأمین برق پنج (۵) کارخانه سنگ‌شکن») و در هیوستون (تحت عنوان «خانه‌های مسکونی، اثاثیه، تخت‌خواب، ملحفه و وسایل آشپزخانه») را دارد و از جمله متقاضی پرداخت هزینه‌های انبارداری برای آن اقلام به ترتیب، مجموعاً به مبلغ ۲۵۷،۴۰۰ و

۱،۲۴۵،۶۴۲ دلار آمریکا می‌باشد. به علاوه، گالف پورتس به وزارت راه و ترابری اطّلاع داد که در صورتی که آن وزارت‌خانه تا تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۶۱ [ششم مارس ۱۹۸۳] مبالغ مذکور را نپردازد موادّ ز-۸ در تاریخ هشتم فروردین ۱۳۶۲ [۲۸ مارس ۱۹۸۳] با مزایده عمومی به فروش خواهد رسید.

۵۱۵- گالف پورتس و وزارت راه و ترابری در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] موافقت‌نامه حلّ و فصل جدیدی منعقد کردند که مطابق آن، طرفین از ادعاهای خود علیه یک‌دیگر اعراض کردند. دیوان موافقت‌نامه حلّ و فصل مذکور را به عنوان حکمی مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳] ثبت کرد.[۳۶۸]

۵۱۶- وزارت راه و ترابری بر اساس موافقت‌نامه حلّ و فصل جدید پذیرفت که ۱،۶۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا در دو قسط به ترتیب، مبلغ ۶۰۰،۰۰۰ و ۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا به گالف پورتس پرداخت کند. گالف پورتس نیز تعهد کرد که تمام موادّ ز-۸ را به وزارت راه و ترابری تحویل دهد و با شرکت حمل و نقلی که آن وزارت تعیین کرده همکاری نماید؛ موادّ ز-۸ باید نهایتاً تا تاریخ نهم تیر ۱۳۶۲ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۳] از انبار نیواورلئان و هیوستون خارج می‌شد. گالف پورتس مضافاً پذیرفت که پروانه‌های صادرات مورد نیاز را بگیرد.

۵۱۷- مبلغ ۶۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا مستقیماً از حساب امانی به گالف پورتس پرداخت شد و گالف پورتس در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] ۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا باقی مانده را مطابق موافقت‌نامه حلّ و فصل از طریق اعتبار اسنادی که وجه آن از حساب امانی تأمین می‌شد دریافت کرد. مدیران گالف پورتس بلافاصله پس از دریافت مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا اعسار آن شرکت را اعلام و تمام کارکنانی را که مشغول حفظ و

---

[۳۶۸] *بنگرید به گالف پورتس کریتینگ کامپنی و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۳-۳۰۷-۲۸ (۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲، ص ۱۲۶.

نگه‌بانی از موادّ ز-۸ بودند اخراج کرد. گالف پورتس آن مبلغ دریافتی را به یکی از طلبکاران خود انتقال داد و فعّالیّت‌های تجاری خود را بدون اعلام ورشکستگی متوقّف نمود.

**۵۱۸-** بدین ترتیب، پس از تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] موادّ ز-۸ توسّط گالف پورتس بدون مراقبت در انبار رها شد. تعدادی از این اقلام در یکی از سه محلّ مذکور در هیوستون در تاریخ۲۳ تیر ۱۳۶۲ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۳] به سرقت رفت.

**۵۱۹-** قائم مقام نماینده رابط ایالات متّحده در دیوان در اوایل مرداد ۱۳۶۲ [اواخر ژوئیه ۱۹۸۳]، زمانی که ایالات متّحده از وضعیّت آگاه شد، نماینده رابط ایران را آگاه کرد. قائم مقام نماینده رابط به تمایل ایالات متّحده نسبت به آگاه کردن وکیل ایران در واشینگتن دی.سی. از این وضعیّت تصریح کرد تا ایران بتواند از منافع خود حراست کند. ایالات متّحده متعاقباً جزئیّات تماس با شرکتی را که در آن زمان موادّ ز-۸ را در تصرف داشت و شرکتی که تمایل به تصدّی مسؤولیّت بسته‌بندی گالف پورتس را به وکیل ایران داد.

**۵۲۰-** وزارت راه و ترابری در تاریخ اول شهریور ۱۳۶۲ [۲۳ اوت ۱۹۸۳] وکیلی آمریکایی گرفت. مأموران وزارت راه و ترابری در حدود مهر/آبان ۱۳۶۲ [اواخر سپتامبر یا اکتبر ۱۹۸۳] به منظور بازبینی موادّ ز-۸ و انجام تمهیدات برای بسته‌بندی و حمل آن به ایران به هیوستون و نیواورلئان سفر کردند.

**۵۲۱-** وزارت راه و ترابری برای تصرف بخشی از موادّ ز-۸ واقع‌شده در هیوستون در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۶۲ [پنجم اکتبر۱۹۸۳] موافقت‌نامه‌ای را با موجری که گالف پورتس محل‌های انبار را از او اجاره کرده بود منعقد کرد. موجر مطابق آن موافقت‌نامه، در ازای ۳۰،۵۰۰ دلار آمریکا حقّ انتقال واحد خانه‌های پورتا-کمپ از محل‌ها را تا تاریخ نهم آبان ۱۳۶۲ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۳] به وزارت راه و ترابری داد. وزارت راه و ترابری همچنین اجاره پرداخت‌نشده را پرداخت و موافقت‌نامه‌های اجاره بابت انبار موادّ ز-۸ در محل آن‌ها را تمدید کرد. به علاوه، وزارت راه و ترابری قراردادهایی را برای تأمین خدمات امنیتی و نگه‌بانی از آن‌ها منعقد نمود.

**۵۲۲-** نمایندگان وزارت راه و ترابری در اوایل آبان ۱۳۶۲ [اواخر اکتبر ۱۹۸۳] از تولیدکننده واحد خانه‌های پورتا-کمپ در هیوستون به منظور بررسی بازسازی و نوسازی واحدهای مذکور که در گالف پورتس انبارشده بود بازدید کردند. پورتا-کمپ در نامه پیگیری مورّخ ۱۰ آبان ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] به وزارت راه و ترابری اطّلاع داد که «هزینه نوسازی چنین واحدهایی اغلب به دلیل هزینه نیروی کار لازم معمولاً به هزینه واحدهای نو نزدیک می‌شود» و خاطرنشان کرد که هزینه نوسازی واحد خانه‌های خریداری‌شده توسّط وزارت راه و ترابری احتمالاً معادل ۶۰ تا ۷۵ درصد هزینه اصلی آن‌ها می‌تواند باشد. به علاوه، پورتا-کمپ اطلاع داد که هزینه اصلی این واحد خانه‌ها «تقریباً -/۱۱،۰۰۰ دلار برای هر واحد (که منظور، هر واحدِ منفرد است و نه به عنوان مثال، یک واحد کامل که از دو تا چهار واحد پیش ساخته متشکل است)» بود. پورتا-کمپ «روش به‌صرفه‌تری» پیش‌نهاد کرد و آن پیش‌نهاد، این بود که پورتا-کمپ «مدل‌های تولیدی کنونی» را به وزارت راه و ترابری بفروشد.

**۵۲۳-** وزارت راه و ترابری در آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳] قراردادی را با شرکت شیپ‌ساید کریتینگ بابت جعبه‌گذاری مجدّد، حمل به بندر، و بارگیری موادّ ز-۸ در کشتی منعقد کرد.

**۵۲۴-** نماینده رابط ایران در دیوان در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۶۲ [هفتم دسامبر ۱۹۸۳] نامه‌ای به نماینده رابط ایالات متّحده نوشت و درخواست کرد ایالات متّحده «اقدامات فوری جهت اجرای صحیح» حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفینی انجام دهد که دیوان در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳] در پرونده شماره ۳۰۷ صادر کرده است.[۳۶۹] نماینده رابط ایالات متّحده در پاسخ، در نامه مورّخ ۲۹ دی ۱۳۶۲ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۴] اطّلاع داد که ایالات متّحده در موقعیّتی نیست که موافقت‌نامه پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] که در حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین درج شده را اجرا کند یا اجرای آن توسّط هریک از طرفین را تضمین نماید. به علاوه، نماینده رابط ایالات متحده مساعدتی که ایالات متّحده قبلاً در اوایل مرداد ۱۳۶۲ [اواخر ژوئیه ۱۹۸۳] برای ایران فراهم

---

[۳۶۹] *بنگرید به* بند ۵۱۵، بالا.

کرده است تا آن دولت بتواند از منافع خود در موادّ ز-۸ حراست کند را بازگو کرد،[۳۷۰] و متذکّر شد که «بسیاری از موادّ انبارشده توسّط گالف پورتس» تا اوایل بهمن ۱۳۶۲ [پایان ژانویه ۱۹۸۴] «با کشتی به نام اُنّو» به ایران حمل خواهد شد. نماینده رابط ایالات متّحده اظهار داشت که «هیچ اقدام دیگری نیست که ما بتوانیم در این خصوص انجام دهیم».

**۵۲۵-** وزارت راه و ترابری در دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] بابت خلاص شدن از واحد خانه‌های غیرقابل تعمیر پورتا-کمپ، قراردادی را با شرکت شیپ‌ساید کریتینگ منعقد کرد.

**۵۲۶-** در نهایت، موادّ ز-۸ در بهمن/اسفند ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به ایران حمل شد.

*(سه) اظهارات طرفین*

*مسئله مقدّماتی: آثار موافقت‌نامه حل و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳]*

**۵۲۷-** ایالات متّحده به عنوان مسئله‌ای مقدّماتی استدلال می‌کند که «در مواردی که خودِ دیوان عهده‌دار رسیدگی به دعوای تصرّف بین ایران و گالف پورتس شده و برای حلّ آن حکمی صادر کرده است» نباید مطابق بند ۹ در این قضیه مسؤولیّتی به آن دولت تحمیل شود. ایالات متّحده ادعا می‌کند که آن دولت نباید برای خسارات ادّعایی وارده ناشی از تأخیر حمل مسؤول باشد زیرا دیوان به واسطه حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین خود در پرونده شماره ۳۰۷،[۳۷۱] حل و فصلی را که نهایتاً به انتقال مواد ز-۸ انجامیده مورد تأیید قرار داده است. بر این اساس، ایالات متّحده نتیجه می‌گیرد که ادعای ز-۸ باید رد شود.

---

[۳۷۰] *بنگرید به* بند ۵۱۹، بالا.

[۳۷۱] *گالف پورتس کریتینگ کامپنی و وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۳-۳۰۷-۲۸ (۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲، ص ۱۲۶. *بنگرید به* بند ۵۱۵، بالا.

**۵۲۸-** ایران در پاسخ به این که موافقت‌نامه حلّ و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] بین گالف پورتس و وزارت راه و ترابری مانع رسیدگی به ادعای ز-۸ باشد، معترض است. وفق اظهارات ایران، هر چند موافقت‌نامه، دعوای قراردادی گالف پورتس را حلّ و فصل کرد و آزاد شدن مواد ز-۸ را تجویز نمود، امّا ادعاهای معاهداتی ایران علیه ایالات متحده بابت نقض تعهد بند ۹ را حل و فصل یا محدود نکرد. ایران استدلال می‌کند که خود موافقت‌نامه حل و فصل عنصری از خسارات وارده به وزارت راه و ترابری ناشی از عدم انجام آن تعهّد توسّط ایالات متّحده است. ایران نتیجه می‌گیرد که موافقت‌نامه حلّ و فصل نمی‌بایست برای وزارت راه و ترابری جهت بازیافت موادّ ز-۸ ضرورت می‌یافت و وزارت راه و ترابری تعهّدی برای فیصله دادن دعاوی پیمانکاران خصوصی به منظور بازیافت اموالش نداشت.

*باقی مسائل: اظهارات ایران*

**۵۲۹-** ایران مدعی است که موادّ ز-۸ که «اموال ایران» بود، تماماً موضوع حق حبس‌های اعمال‌شده توسّط گالف پورتس بود که از اواخر ۱۳۵۸ [اوایل ۱۹۸۰] شروع شده و تا تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ادامه یافته است. به طور مشخص‌تر، ایران مدعی است که از زمانی که موریسن کندسون پرداخت مخارج انبارداری بابت اموال را از اواخر ۱۳۵۸ [اوایل ۱۹۸۰] متوقف کرد، گالف پورتس موادّ ز-۸ را در حبس خود گرفت.

**۵۳۰-** بدین ترتیب، ایران استدلال می‌کند که بازتعریف «اموال ایران» در بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری که اموال متنازع‌فیه و اموال موضوع حقّ حبس را از دستور انتقال بخش ۲۱۵-۵۳۵ مستثنا کرد[۳۷۲] باعث استثناء شدن موادّ ز-۸ از آن دستور شد. بنابراین موادّ ز-۸ مطابق بخش ۲۰۱-۵۳۵ مقرّرات مذکور مسدود باقی

[۳۷۲] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا. *همچنین بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۵۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۱.

ماند.[۳۷۳] ایران ادعا می‌کند که بدین ترتیب هیچ معامله، جابه‌جایی یا هر گونه معامله در خصوص موادّ ز-۸ بدون مجوّز ایالات متّحده نمی‌توانست صورت پذیرد.

**۵۳۱** - در نتیجه، ایران نتیجه می‌گیرد که ایالات متّحده با صدور بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری دو مورد از تعهّدات اصلی خود ذیل بیانیّه‌های الجزایر را در خصوص موادّ ز-۸ نقض کرده است: نخست، تعهّد به برداشتن کلیهٔ محدودیّت‌هایی که آن دولت در دوره زمانی **۲۳** آبان **۱۳۵۸** [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تا **۲۹** دی **۱۳۵۹** [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] راجع به قابلیّت حمل و انتقال آزاد اموال عینی ایران تحمیل کرده بود؛ و دوم، تعهّد به دادن دستور به متصرفین هرگونه اموال ایران که مشمول قلمرو قضایی ایالات متّحده قرار می‌گرفتند مبنی بر این که آن‌ها را مطابق دستورالعمل دولت ایران به ایران انتقال دهند.

*باقی مسائل: اظهارات ایالات متّحده*

**۵۳۲** - ایالات متّحده مدعی است که ایران نتوانسته است به طور مشخص اموال مربوط به ادعای ز-۸ را شناسایی کند. بنا بر نظر ایالات متّحده، ایران هیچ‌گاه اثبات نکرده است که کدام اجزاء تجهیزات سنگ‌شکن مورگن مطابق سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ [۳۷۴] سفارش داده شده است یا کدام واحد خانه‌های پورتا-کمپ ذیل سفارش خرید شماره ۵۰۲۱۲-۸۸[۳۷۵] به گالف پورتس تحویل داده شده و توسّط آن شرکت در انبار قرار گرفته است.

**۵۳۳** - ایالات متّحده مخالفتی ندارد که موادّ ز-۸ موضوع حق حبس انباردار به نفع گالف پورتس بوده است. با این حال، ایالات متّحده اصرار دارد که صرفاً به این دلیل که دیوان در حکم شماره **۵۲۹** حکم داده است که

---

[۳۷۳] *بنگرید به* بند ۹، بالا.

[۳۷۴] *بنگرید به* بند ۴۹۱، بالا.

[۳۷۵] *بنگرید به* همانجا.

بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری با تعهّد ایالات متّحده در بند ۹ مغایر است دلیل نمی‌شود که، همان‌طور که ایران پیش‌نهاد می‌کند، نمی‌توان فرض کرد که حق حبس مانع از حمل اموال ایران به ایران باشد. ایالات متّحده بر این موضع است که این بر عهده متصرف بود که تصمیم بگیرد اجزاء متشکّله «تعهّدات لازم، هزینه‌ها و حق‌الزحمه‌ها مربوط به چنین اموالی» در چارچوب مفهوم بخش ۳۳۳-۵۳۵ (ب) مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری چیست، و این که چه زمانی حق حبس پایان می‌یابد. بدین ترتیب، بنا بر اظهارات ایالات متّحده (یک) اموال صرفاً زمانی از دستور انتقال مندرج در بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری مستثنا می‌شدند که متصرف اموال مدعی حقّ خصوصی تصرف خود بر آن باشد، و (دو) آن اموال به محض متوقف شدن ادعای آن حق‌ها توسط متصرفین اموال، مشمول دستور انتقال می‌شد. ایالات متّحده مدعی است که از زمانی که متصرفین، دیگر چنین ادعاهایی [داشتن حق حبس] نمی‌کردند، متصرفین اموال نه تنها کاملاً برای حمل به ایران بدون هیچ گونه مجوّز یا سایر مداخله ایالات متّحده آزاد بودند بلکه در واقع مطابق بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقرّرات خزانه‌داری، آن‌ها مخاطب دستور و مجبور به چنین اقدامی بودند. ایالات متّحده ادعا می‌کند که هیچ تدبیر یا دستوری از سوی دولت ایالات متّحده برای رفع انسداد از آن اموال لازم نبود.

*(چهار) تصمیم دیوان*

*مسئله مقدماتی: آثار موافقت‌نامهٔ پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳]*

**۵۳۴-** دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدّماتی به این استدلال ایالات متّحده می‌پردازد که به دلیل این که دیوان طیّ حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین، حل و فصل ادعاهای مندرج در پرونده شماره ۳۰۷ بین گالف پورتس و وزارت راه و ترابری را پذیرفته است، این ادعا باید رد شود. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشته است:

> در مورد اموالی که بر خلاف الزام بیانیه عمومی، به علت قصور ایالات متحده در ایفای تعهدات خود در بیانیه، منتقل نشده، استرداد ادعای ایران علیه دارنده آن مال یا حل و فصل چنین ادعایی بین ایران

و دارنده مال بعد از تاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، فی نفسه ایالات متحده را از مسئولیت در قبال ایران بابت خسارات ناشی از عدم انتقال آن مال مبرا نمی‌کند.[۳۷۶]

بر این اساس، دیوان در راستای یافته خود در حکم شماره ۵۲۹ استدلال ایالات متّحده در خصوص موافقت‌نامه حلّ و فصل در پرونده شماره ۳۰۷ بین گالف پورتس و وزارت راه و ترابری را رد می‌کند.

*«اموال ایران»*

**۵۳۵-** اختلافی وجود ندارد که وزارت راه و ترابری مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ مادّه ۷ بیانیه حلّ و فصل دعاوی می‌باشد. همچنین اختلافی وجود ندارد که موادّ ز-۸ در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متّحده بود و در آن تاریخ در مالکیّت انحصاری ایران قرار داشت. در نتیجه، موادّ ز-۸ مطابق بند ۹ مشمول «اموال ایران» می‌باشد.

*شناسایی اقلام مورد اختلاف*

**۵۳۶-** ایالات متّحده مدعی است که ایران نتوانسته است (یک) مشخصاً تمام واحد خانه‌های پورتا-کمپ موضوع ادعای ز-۸ را شناسائی کند، و (دو) نشان دهد کدام اجزاء از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که توسّط وزارت راه و ترابری ذیل سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷[۳۷۷] خریداری شده به گالف پورتس در نیواورلئان تحویل داده و در آن‌جا توسط شرکت مزبور انبار شد. دیوان به این دو مسئله می‌پردازد.

واحد خانه‌های پورتا-کمپ

---

[۳۷۶] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (ح)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

[۳۷۷] *بنگرید به* بند ۴۹۱، بالا.

**۵۳۷-** محلّ اختلاف نیست، و هوارد نیدلز تامن اند برگندوف-ایران در تلکس خود به وزارت راه و ترابری در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ [۱۷ اوت ۱۹۸۱][۳۷۸] تأیید کرده است، که واحد خانه‌های پورتا-کمپ خریداری شده توسّط وزارت راه و ترابری ذیل سفارش خرید شماره ۵۰۲۱۲- ۸۸ («سفارش خرید شماره ۵۰۲۱۲- ۸۸»)[۳۷۹]، به گالف پورتس در هیوستون تحویل داده شده بود. به همین منوال، به نظر می‌رسد که طرفین موافقت دارند که سفارش خرید اوّلیّه به شماره ۵۰۲۱۲-۸۸، ۴۰۰ مورد از این واحد خانه‌ها را پوشش می‌داد. صرف‌نظر از تعداد واحدهای فروخته شدهٔ وفق «اصلاح سفارش شماره ۱» نسبت به سفارش خرید شماره ۵۰۲۱۲-۸۸ مورخ ۲۲ آبان ۱۳۵۷ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۸] واحدها به بهای ۱۱،۹۰۶،۲۴۵ دلار آمریکا خریداری شد. ایران ادعا می‌کند که نتیجه حذف متعاقبِ «مرحله سوم» سفارش مذکور این بود که آن سفارش خرید به ۲۳۸ واحد خانه پورتا-کمپ به مبلغ ۷،۳۰۹،۹۹۵ دلار آمریکا کاهش یافت. ایران بر این موضع است که نمی‌توانست سفارش اصلاحی مذکور را که از سفارش خرید اوّلیّه کاسته بود جایابی کند.[۳۸۰]

**۵۳۸-** اختلافی نیست که واحد خانه‌های پورتا-کمپ در بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس تحویل داده شد. بدین ترتیب، دیوان باید تلاش کند تا با بهره‌گیری از ادله موجود، تعداد واحد خانه‌های پورتا-کمپ تحویلی به گالف پورتس و مبلغ خرید آن‌ها را تعیین نماید.

**۵۳۹-** مدارک هم‌زمان موجود در ادله در خصوص تعداد واحد خانه‌های تحویلی پورتا-کمپ یا بهای خرید آن قطعیت ندارند.[۳۸۱] مؤخرترین آن مدارک، نامه مورخ ۱۰ آبان ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] پورتا-کمپ به وزارت

---

[۳۷۸] *بنگرید به* بند ۴۳۶، بالا.

[۳۷۹] *بنگرید به* بند ۴۹۱، بالا.

[۳۸۰] *بنگرید به* پانوشت ۳۵۷، بالا.

[۳۸۱] این ادله از این قرارند: (الف) نامه مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۵۹ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۰] از وکلای وزارت راه و ترابری در هیوستون به مؤسسه حقوقی ابورزق، شک و مندنهال، مشاور کل ایران در ایالات در آن زمان؛ ضمن اشاره به واحد خانه‌های پورتا-کمپ انبار شده نزد گالف پورتس در هیوستون، وکلای هیوستونی وزارت راه و ترابری توصیه کردند که «ما می‌دانیم که شصت (۶۰) سازه

راه و ترابری،[۳۸۲] که نه سفارش خرید است و نه صورت‌حساب، کمیت خانه‌ها، واحدها یا مدول‌ها را مشخص نمی‌کند، و وزارت راه و ترابری را تشویق می‌کند که، به جای بازسازی، محصولی جدید را با شرایطی مساعدتر خریداری نماید. این نامه مشکل دیگری را هم که دیوان در ادعای حاضر با آن روبه‌روست مورد تأکید قرار می‌دهد، و آن استفاده از واژگان متفاوت است: در نامه ذکر شده است که «واحدها»، «خانه‌ها»، «اجزاء تشکیل دهنده»، و «مدول‌ها» بی‌آن‌که توضیحی در مورد آن‌ها داده شود، جز این‌که یک «خانه کامل» از «دو تا چهار قطعه تشکیل می‌شود».

**۵۴۰** - اگرچه امکان اتکا به فروض در توضیح ارقام مختلف و ترکیب آن ارقام به نظریه‌ای که بین ارقام و ۲۳۸ واحد خانه‌های پورتا-کمپ که ایران ادعا می‌کند وجود دارد، اما انجام چنین کاری بر عهدهٔ دیوان نیست. خواهان باید سوابق کامل، روشن و واضحی در اختیار دیوان قرار می‌داد.

---

وجود دارد که با تمام لوازم جانبی، در حال انبار شدن هستند»؛ (ب) لایحه توجیهی پژوهش گالف پورتس مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۶۰ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۱]، تسلیم شده به دادگاه پژوهش ایالات متحده برای حوزه قضائی پنجم، بیان می‌دارد که «پورتاکمپ‌ها ابتدائاً در ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس تحویل داده شد» و اضافه می‌کند که «اموال مذکور شامل ۶۳۵ جعبه می‌باشد» اما بدون این‌که هیچ‌گونه جزئیاتی در خصوص محتوای هر جعبه درج شود؛ (پ) مقدمه موافقت‌نامه حل و فصل میان وزارت راه و ترابری و گالف‌پورتس مورخ پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] با اشاره به «۶۳۳ تکه ... که در مکان [مفرد] گالف پورتس در هیوستون» اما بدون اشاره به هر گونه از ماهیت آن تکه‌ها؛ در مقابل، همان مقرره ادامه می‌دهد و اشعار می‌دارد که «گالف‌پورتس اقلام فوق را وفق فهرست بسته‌بندی از مورسیون-کنودسن پاسیفیک، لیمتد، نماینده وزارت راه و شهرسازی در سال ۱۳۵۵-۱۳۵۶ [۱۹۷۷] [یعنی قبل از تاریخ تغییر سفارش شماره ۱ تا سفارش آماده‌سازی به شماره ۵۰۲۱۲-۸۸، بنگرید به بند ۵۳۷، بالا] دریافت کرده است، اما گالف پورتس اطلاعی از محتوای آن‌ها ندارد و هیچ نشانی از آن‌ها نمی‌دهد»؛ (ت) نامه مورخ چهارم آبان ۱۳۶۲ [۲۶ اکتبر ۱۹۸۳] از شرکت بسته‌بندی صادراتی موریس به وزارت راه و ترابری، که پیش‌نهادی بابت بسته‌بندی برای صدور و تحویل واحد خانه‌های پورتا-کمپ در لنگرگاه ارائه می‌کند و یادداشت مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۶۲ [۱۹ آوریل ۱۹۸۳] را ضمیمه می‌کند که به «۱۱۳ جعبه و ۴ تیرپایه»، «۲۹۳ واحد مونتاژ شده»، «۱۵۰ سازهٔ مونتاژ شده» و به اضافه، «۷۴ سازهٔ مونتاژ شده» اشاره دارد؛ (ث) نامه‌ای از پورتا-کمپ به وزارت راه و ترابری مورخ ۱۰ آبان ۱۳۶۲ [یکم نوامبر ۱۹۸۳] راجع به «بازسازی و اصلاح تسهیلات مسکونی»؛ این نامه در بند ۵۳۹، بالا مورد بحث واقع شده است.

[۳۸۲] *بنگرید به* بند ۵۲۲، بالا.

۵۴۱- کلیهٔ تلاش‌ها برای هم‌خوانی ارقام ادعایی با سوابق در کلیت خود ناچار در سایه ظن و گمان باقی می‌ماند. در پرتو وضعیت سوابق پرونده و نظر به ادعای ایران مبنی بر این‌که «مرحله سوم» سفارش خرید حذف شده است،[۳۸۳] دیوان نمی‌تواند فرضیهٔ دیگری را که به همان میزان ظن‌آلود است مبنی بر این‌که تغییراتی در آن سفارش داده شد که اکنون مفقود است، نادیده بگیرد. در چنین اوضاع و احوالی، شایسته است که دیوان بر محافظه‌کارانه‌ترین ارقام مندرج در اسناد و مدارک هم‌زمان موجود تکیه نماید. بنابراین، بر این اساس، دیوان حکم می‌کند که همان‌طور که وکلای وزارت راه و ترابری در هیوستون در نامه مورّخ ۲۸ شهریور ۱۳۵۹ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۰] خود به وکیل ارشد ایران در ایالات متّحده ذکر کردند، ۶۰ واحد خانه پورتا-کمپ در بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس در هیوستون تحویل داده شد.[۳۸۴]

۵۴۲- دیوان اکنون باید مبلغ خرید اوّلیّه آن ۶۰ واحد خانه پورتا-کمپ را معیّن نماید. دیوان با توجه به جمیع جهات حکم می‌کند که نامه مورخ ۱۰ آبان ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] پورتا-کمپ به عنوان تولیدکننده واحد خانه‌ها به وزارت راه و ترابری نشان‌دهنده بهترین مدرک موجود از چنین قیمت خریدی است.[۳۸۵] پورتا-کمپ در آن نامه اطّلاع می‌دهد که مبلغ اوّلیّه واحد خانه‌های خریداری‌شده توسّط وزارت راه و ترابری «تقریباً -/۱۱،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هر واحد (که منظور، هر واحد منفرد است و نه به عنوان مثال، یک واحد کامل که از دو تا چهار واحد تشکیل می‌شد)» بود. دیوان در نبود اطّلاعات دقیق‌تر، معقول می‌یابد که چنین فرض کند که هر واحد خانه کامل، به طور میانگین، شامل سه واحد به قیمت ۳۳،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هر واحد خانه کامل است. بر این اساس، دیوان بنا بر این روش، نتیجه می‌گیرد که بهای خرید اوّلیّه برای ۶۰ واحد خانه پورتا-کمپ ۱،۹۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است.

---

[۳۸۳] *بنگرید به* پانوشت ۳۵۷، بالا.

[۳۸۴] *بنگرید به* پانوشت ۳۸۱، بالا.

[۳۸۵] *بنگرید به* بند ۵۲۲، بالا.

تجهیزات سنگ‌شکن مورگن

**۵۴۳-** به علاوه، بنا به دلایلی که در بالا در خصوص ادعای ز-۷ ذکر شد،[۳۸۶] دیوان راجع به ادعای ز-۸ فرض خواهد کرد که ۶۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن مشمول سفارش خرید شماره ۸۷-۲۱۰۱-۱ در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ [هفتم فوریه ۱۹۷۹] به گالف پورتس در نیواورلئان تحویل داده شد.

*مسؤولّیت ایالات متّحده*

**۵۴۴-** دیوان اکنون به این مسئله باز می‌گردد که آیا ایالات متّحده در خصوص موادّ ز-۸ به تعهّد خود ذیل بند ۹ عمل کرده است یا خیر. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرّر داشت که مقرّرات خزانه‌داری ایالات متّحده که اموال تحت مالکیت انحصاری ایران را به دلیل معارض بودن حق تصرف ایران در آن اموال با ادعای حق مبتنی بر حبس، دفاع، تقابل، تهاتر، یا سایر دلایل مشابه از سوی متصرف مال، از شمول دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنا می‌کند، مغایر تعهدات ایالات متحده در بیانیهٔ عمومی است.[۳۸۷] دیوان در زمان صدور حکم شماره ۵۲۹ با توجه به محتویات سوابق موجود در پرونده در موقعیّتی نبود که موضوعات مرتبط با هر مال خاص را تعیین کند. دیوان اکنون با توجّه به موادّ ز-۸، این موارد را مشخّص می‌کند.

**۵۴۵-** در این خصوص اختلاف جدی وجود ندارد و ادله و مدارک مؤید این امر است که گالف پورتس تمایلی به این نداشت که قبل از پرداخت هزینه‌های پرداخت‌نشده انبارداری و حفاظت مربوط به آن اقلام توسط وزارت راه و ترابری مواد ز-۸ را به وزارت راه و ترابری تحویل دهد. موارد زیر در زمرهٔ اوضاع و احوالی است که با این چارچوب ارتباطی ویژه دارد:

---

[۳۸۶] *بنگرید به* بند ۴۸۴، بالا.

[۳۸۷] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (د)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

(الف) گالف پورتس در لایحه پژوهش خود از تصمیم دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده برای ناحیه جنوبی تگزاس مورّخ ۱۶ تیر ۱۳۶۱ [هفتم ژوئیه ۱۹۷۱] با استناد به بخش ۳۳۳-۵۳۵ (ب) مقرّرات خزانه‌داری، استدلال کرد که واحد خانه‌های پورتا-کمپ مشمول [تعریف] «اموال ایران» یا اموال «در مالکیّت ایران» نیست زیرا «کلیهٔ تعهّدات، هزینه‌ها و حق‌الزحمه مرتبط با این اموال» ایفا نشده است؛[۳۸۸]

(ب) گالف پورتس و وزارت راه و ترابری در مقدّمهٔ موافقت‌نامه حلّ و فصل مورّخ ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] متذکّر شدند که گالف پورتس مدّعی حقّ حبس واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن بوده و این که دعوایی در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متّحده برای ناحیه جنوبی تگزاس در خصوص ضبط مال حبس شده برای وصول هزینه‌های پرداخت‌نشده، مطرح بود.[۳۸۹]

(پ) گالف پورتس در تاریخ هشتم مهر ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲] با ادّعای حقّ حبس انباردار، از دفتر نظارت بر اموال خارجی پروانه فروش جهت تعیین تکلیف واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن انبارشده در نیواورلئان را درخواست نمود؛[۳۹۰] و

(ت) گالف پورتس طی نامهٔ مورخ ۲۹ بهمن ۱۳۶۱ [۱۸ فوریه ۱۹۸۳] به وزارت راه و ترابری اطّلاع داد که (یک) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن و واحدهای روشنایی انبارشده در نیواورلئان و واحد خانه‌های پورتا-کمپ انبارشده در هیوستون را در حبس خود دارد؛ و (دو) موادّ ز-۸ در صورت

---

[۳۸۸] *بنگرید به* بندهای ۴۹۶-۴۹۷، بالا.

[۳۸۹] *بنگرید به* بند ۵۰۱، بالا.

[۳۹۰] *بنگرید به* بند ۵۱۲، بالا.

عدم پرداخت هزینه‌های انبارداری توسّط وزارت راه و ترابری تا تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۶۱ [ششم مارس ۱۹۸۳] در مزایده عمومی در تاریخ هشتم فروردین ۱۳۶۲ [۲۸ مارس ۱۹۸۳] به فروش خواهد رسید.[۳۹۱]

۵۴۶- دیوان بر پایهٔ ادله و مدارک ارائه‌شده حکم می‌کند که گالف پورتس موادّ ز-۸ را در ایالات متّحده نگه داشت زیرا بدهی‌های پرداخت‌نشده وجود داشته و این که نتیجتاً این اقلام در واقع از دستورالعمل انتقال مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری مستثنی شده بود. در نتیجه، ایالات متّحده تعهّدات خود ذیل بیانیه عمومی در خصوص اموال عینی ایران را نقض کرده است و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت محقق است.

۵۴۷- دیوان مضافاً، حکم می‌کند که تاریخ نقض ایالات متّحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرد.[۳۹۲]

۵۴۸- دیوان بنا بر مراتب فوق، ادعای ز-۸ را تأیید می‌کند.

*(ث) ادعای ز-۱۳ (وزارت راه و ترابری/شیپ‌ساید پکینگ کو.)*

*(یک) مقدّمه*

۵۴۹- ایران در ادعای ز-۱۳ بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموال خریداری‌شده توسّط وزارت راه و ترابری در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] که در انبار شرکت شیپ‌ساید

---

[۳۹۱] *بنگرید به* بند ۵۱۴، بالا.

[۳۹۲] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

پکینگ («شیپ‌ساید»)، شرکتی که به خدمات انبارداری و بسته‌بندی برای موریسون-کنودسن مبادرت می‌کرده نگه‌داری می‌شد، به ایران، در جمع حداکثر مبلغ ۱،۵۱۱،۹۳۲ دلار آمریکا به اضافهٔ بهره به عنوان خواسته مطالبه می‌کند.

*(دو) پیشینه موضوعی*

**۵۵۰** - اموال خریداری‌شده توسّط وزارت راه و ترابری طی سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] که به این ادعا مربوط می‌باشد چنان‌که ایران در جلسات استماع خلاصه کرده، بدین قرار است:

(الف) یک بیل کششی خریداری‌شده از نورث‌وست اینجینیرینگ طیّ سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۸-۸۷ به مبلغ ۵۳۰،۰۰۰ دلار آمریکا؛

(ب) سه جرثقیل هیدرولیکی خریداری‌شده از شرکت گرو منیوفکچرینگ طیّ سفارش خرید شماره ۸۷-۲۱۱۰-۱ به مبلغ ۱۷۳،۳۹۷ دلار آمریکا؛

(پ) دو گریدر کترپیلار خریداری‌شده از افیوا اس. ای. طیّ سفارش خرید شماره ۱-۲۱۱۲-۸۷ به مبلغ ۳۰۱،۲۳۶ دلار آمریکا؛

(د) شش غلتک خریداری‌شده از شرکت رایگو طیّ سفارش خرید شماره ۸۷-۲۱۲۰-۱ به مبلغ ۲۵۳،۶۵۰ دلار آمریکا؛

(ث) یک دستگاه چاپ و تجهیزات نقشه‌کشی خریداری‌شده به مبلغ ۳۷۶،۰۴۷ دلار آمریکا.

**۵۵۱** - ادّعا شده است که اقلام بالا (مجموعاً «موادّ ز-۱۳») در اواسط ۱۳۵۷ [نیمه دوم سال ۱۹۷۸] به شیپ‌ساید در بالتیمور مریلند ارسال شده است. ادلهٔ موجود در سوابق نشان می‌دهد که حدّاقل بخشی از موادّ ز-۱۳ در سال

۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به تأسیسات شیپ‌ساید در بالتیمور تحویل داده شد. بعضی از اقلام تحویل داده شده در فضای بسته و برخی در فضای باز انبار شد.

**۵۵۲-** هیچ مدرکی دال بر این که اقداماتی به منظور انتقال موادّ ز-۱۳ به ایران به محض تحویل آن‌ها در محل‌های شیپ‌ساید قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] صورت گرفته باشد، در سوابق پرونده وجود ندارد. طرفین در خصوص دلایل این که چرا چنین ترتیباتی صورت نگرفت، اختلاف دارند.[۳۹۳]

**۵۵۳-** موریسون-کنودسن به نمایندگی از وزارت راه و ترابری هزینه‌های انبارداری بابت موادّ ز-۱۳ را تا اوایل اردیبهشت [پایان آوریل ۱۹۸۰] به شیپ‌ساید پرداخت کرد و از آن به بعد، پرداخت را متوقّف نمود. همان طور که گفته شد،[۳۹۴] کنسرسیوم در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ [پنجم مارس ۱۹۸۰] قرارداد شماره ۸۷ را فسخ کرد.

**۵۵۴-** آقای ویلیام سی. میلر، وکیل شرکت مادر شیپ‌ساید، در شهادت‌نامهٔ خود اظهار داشت که شیپ‌ساید تلاش کرد که در باب هزینه‌های متعلقهٔ انبارداری با وزارت راه و ترابری و نمایندگان ایران در واشینگتن دی. سی. تماس بگیرد، اما شیپ ساید تا مهر/آبان ۱۳۶۰ [اکتبر ۱۹۸۱] هیچ پاسخی دریافت نکرد. به علاوه، آقای میلر توضیح داد که شیپ‌ساید مرتب ماشین‌ها را استارت می‌زد تا ورود آسیب به آن‌ها را کاهش دهد که حق‌الزحمهٔ استارت زدن مبلغ ماهانه ۴۷۵ دلار آمریکا ارزیابی می‌شود.

---

[۳۹۳] ایالات متحده با اشاره به دفاعیه موریسون کنودسن به ادعای متقابل در پرونده شماره ۱۲۷، اظهار می‌دارد که وضع این طور بود «زیرا در ماه‌های آخری سال ۱۹۷۸ [اواسط ۱۳۵۷] مورت [وزارت راه و ترابری] کلیه فعالیت‌های خود را درباره خرید و حمل ماشین آلات مربوط به پروژه جاده سازی در ایران را [کذا] متوقف کرده بود». ایران به نوبه خود استدلال می‌کند که «قبل از حمل این ماشین آلات به ایران بحران در روابط ایران و ایالات متحده باعث انسداد اموال دولت ایران در قلمرو قضائی ایالات متحده شد».

[۳۹۴] *بنگرید به* بند ۴۲۹، بالا.

**۵۵۵-** هوارد نیدلز تامن اند برگندوف-ایران متعاقب درخواست اطّلاعات از وزارت راه و ترابری از طریق تلکس مورّخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ [۱۷ اوت ۱۹۸۱][۳۹۵] به وزارت راه و ترابری اطّلاع داد که موادّی که وزارت راه و ترابری طیّ سفارش‌های خرید شماره ۱-۲۱۰۸-۸۷، ۱-۲۱۱۰-۸۷، ۱-۲۱۱۲-۸۷، و ۱-۲۱۲۰-۸۷ خریداری کرده است در محوطه‌های مربوط به شیپ‌ساید در بالتیمور قرار دارد.

**۵۵۶-** نمایندگان وزارت راه و ترابری و شیپ‌ساید در تاریخ ۲۶ و ۲۷ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ و ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱] در وین با هدف تعیین تکلیف مبالغ بدهی‌های وزارت راه و ترابری به شیپ‌ساید بابت هزینه‌های انبارداری و مذاکره در مورد انتقال سریع موادّ ز-۱۳ به ایران ملاقات کردند. با این حال، طرفین به توافق نرسیدند. بنا بر اظهارات آقای صارمی،[۳۹۶] عدم رسیدن به توافق به این دلیل بود که «هزینه‌های مورد ادعای [شیپ‌ساید] را ... منصفانه ندیدیم». آقای میلر به نوبه خود در شهادت‌نامه خود توضیح داد که مذاکرات به این دلیل ناموفّق بود که وزارت راه و ترابری به پرداخت هزینه‌هایی که شیپ‌ساید بابت انبار موادّ ز-۱۳ از اردیبهشت/خرداد ۱۳۵۹ [مه ۱۹۸۰] تا آبان/آذر ۱۳۶۰ [نوامبر ۱۹۸۱] محاسبه کرده بود، تمایلی نداشت. قرینهٔ روشنی در سوابق در مورد مبالغ ادّعایی شیپ‌ساید وجود ندارد. با این حال، تلکس ارسالی شیپ‌ساید به وزارت راه و ترابری در تاریخ نهم آذر ۱۳۶۰ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۱] کمی بعد از مذاکرات ناموفق، به مبلغ ۸۴،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه‌های انبارداری، ۹،۵۰۰ دلار آمریکا بابت استارت‌زدن ماشین‌آلات، ۴،۵۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه‌های جابه‌جایی، ۱،۶۲۵ دلار آمریکا بابت حق‌الزحمه‌های حقوقی و ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه‌های مسافرت به وین، مجموعاً به مبلغ ۱۰۹،۶۲۵ دلار آمریکا اشاره می‌کند.

---

[۳۹۵] *بنگرید به* بند ۴۳۶، بالا.

[۳۹۶] *بنگرید به* بند ۴۵۳، بالا.

۵۵۷- طرفین نشست دیگری در تاریخ هشتم دی ۱۳۶۰ [۲۹ دسامبر ۱۹۸۱] در بالتیمور برگزار کردند، و در آن‌جا به توافقی غیرقطعی رسیدند.[۳۹۷]

۵۵۸- ایالات متّحده در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ادعایی را علیه وزارت راه و ترابری به نمایندگی از شیپ‌ساید با خواسته ۱۰۶،۳۶۱/۹۵ دلار آمریکا به دیوان تسلیم کرد. این ادعا به عنوان پرونده شماره ۱۱۸۷۵ طبقه‌بندی شد.

۵۵۹- وزارت راه و ترابری و شیپ‌ساید طی سال ۱۳۶۰/۱۳۶۱ [۱۹۸۲] و سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] به تلاش‌های خود برای رسیدن به حلّ و فصل ادامه دادند. سوابق پرونده نشان می‌دهد که وزارت راه و ترابری کراراً در دادن پاسخِ به موقع به مکاتبات شیپ‌ساید قصور ورزیده و لذا اجازه داده که ضرب الأجل‌های اولیهٔ مندرج در پیش‌نویس موافقت‌نامه حل و فصل منقضی شود.

۵۶۰- بنا بر شهادت‌نامهٔ آقای میلر، شیپ‌ساید در شهریور/مهر ۱۳۶۱ [سپتامبر ۱۹۸۲] از دفتر نظارت بر اموال خارجی درخواست پروانهٔ فروش نموده است که نهایتاً اعطا شد. به علاوه، آقای میلر اظهار داشت که شیپ‌ساید هیچ‌گاه موادّ ز-۱۳ را نفروخت.

۵۶۱- وزارت راه و ترابری مطابق ادعا در فروردین/اردیبهشت ۱۳۶۲ [آوریل ۱۹۸۳] مکاتبات با شیپ‌ساید را از نو آغاز کرد و طرفین نشستی را در اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۲ [مه ۱۹۸۳] در بالتیمور برگزار کردند. شیپ‌ساید در یکی از مکاتباتش با وزارت راه و ترابری در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] وضعیّت موادّ ز-۱۳ و پیش‌رفت مذاکرات را به اختصار توضیح می‌دهد. شیپ‌ساید همچنین وزارت راه و ترابری را آگاه کرد که آن

---

[۳۹۷] حسب شهادت آقای رحمتی، در مدت این مأموریت وی «کمتر از یک ساعت» از تجهیزات بالتیمور بازرسی کرد زیرا که «جای کوچکی بود و پشت نرده بودند و نگهبانی آنجا بود. بنابراین، بازرسی کلی انجام دادیم، تنها از این تأکید کردیم که اقلام موجود بودند».

شرکت از دفتر نظارت بر اموال خارجی درخواست پروانه فروش کرده و این که در صورت عدم انعقاد موافقت‌نامه، برای استفاده از آن تردیدی به خود راه نخواهد داد.

**۵۶۲-** وزارت راه و ترابری و شیپ‌ساید در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] موافقت‌نامه حلّ و فصلی را منعقد کردند، که دیوان آن را در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴] به عنوان حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین ثبت نمود.[۳۹۸] مقدّمه موافقت‌نامه در بخش ذی‌ربط اشعار می‌دارد:

> ... نظر به اینکه شیپ ساید مدعی است که استحقاق دریافت هزینه‌های انبار داری و هزینه‌های مربوط به اموال را طبق قوانین مریلند دارا می‌باشد و شیپ ساید ادعا می‌نماید که قصد دارد اموال مزبور را بر اساس قانون ایالات مریلند به منظور جبران هزینه‌های خود به فروش برساند.
>
> و نظر به اینکه شیپ‌ساید پیرو قانون ایالت مریلند و مقررات صادره از طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا «اموال» متعلق به وزارت راه را تا زمان تصویب موافقتنامه حل و فصل و صدور حکم پرداخت هزینه انبارداری و هزینه انبارداری و هزینه‌های مربوطه توسط دیوان داوری در توقیف خود نگه داشته است...

**۵۶۳-** وزارت راه و ترابری در موافقت‌نامه حلّ و فصل پذیرفت که مبلغ ۱۶۸،۰۰۰ دلار آمریکا «بابت هزینه‌های انبارداری و هزینه‌های مربوط تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳]» را به شیپ‌ساید پرداخت نماید. پرداخت نخست بابت مبلغ ۶۷،۲۰۰ دلار آمریکا باید فوراً بعد از امضای موافقت‌نامه پرداخت می‌شد. پرداخت باقی به مبلغ ۱۰۰،۸۰۰ دلار آمریکا باید زمانی صورت می‌گرفت که شیپ‌ساید تأییدیه تحویل موادّ ز-۱۳ به وزارت راه و ترابری را به دیوان ارائه می‌کرد. به علاوه، طرفین توافق کردند که تجهیزات باید هرچه سریع‌تر از محوطه‌های شیپ‌ساید خارج شوند.

---

[۳۹۸] *شیپ‌ساید پکینگ کامپنی اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۱۱۸۷۵-۱۰۲ (نسخه فارسی ۲۳ دی ۱۳۶۲ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۴]، نسخه انگلیسی ۲۲ دی ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۵، ص ۸۰.

۵۶۴- وزارت راه و ترابری و شیپ‌ساید در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۶۲ [اول فوریه ۱۹۸۴] به دیوان گواهی دادند که موادّ ز-۱۳ تماماً به ایران حمل و تعهّدات شیپ‌ساید ذیل موافقت‌نامه حلّ و فصل ایفا شده است.

*(سه) اظهارات طرفین*

*مسئله مقدّماتی: آثار موافقت‌نامه حل و فصل ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴]*

۵۶۵- ایالات متّحده به عنوان مسئله‌ای مقدّماتی استدلال می‌کند که این ادعا باید به دلیل وجود حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین در پرونده شماره ۱۱۸۷۵ توسّط ایران مسترد می‌شد. ایالات متّحده ادعا می‌کند که در این ادعا «... که دیوان داوری خود در میان اختلاف بین ایران و شرکت شیپ ساید قرار گرفته بود و بالاخره با صدور رای این مسئله را حل کرد» نباید مسؤولیّت مندرج در بند ۹ را بر عهده داشته باشد. دیوان در پرونده شماره ۱۱۸۷۵ به شیپ‌ساید دستور داد که از فروش موادّ ز-۱۳ به منظور رسیدن به حقّ خود بر مال، امتناع کند امّا هیچ‌گاه نتیجه نگرفت که نگه‌داری موادّ ز-۱۳ توسّط شیپ‌ساید نادرست بوده و به شیپ‌ساید دستور نداده که موادّ ز-۱۳ را به ایران منتقل کند. ایالات متحده ادامه می‌دهد که دیوان در عوض، موافقت‌نامه حلّ و فصل را تأیید کرد که مطابق آن، شیپ‌ساید تجهیزات را به ایران تحویل داد و ایران مبلغ مربوط به هزینه‌های انبارداری را پرداخت و به این صورت، تمام اختلافات آن‌ها فیصله پیدا کرد. ایالات متّحده استدلال می‌کند که در چنین اوضاع و احوالی، بر خلاف روال است که دیوان اکنون چنین نتیجه‌گیری کند که شیپ‌ساید می‌بایست فوراً تجهیزات را منتقل می‌کرد و این که طرفین هیچ‌گاه نباید پیِ حل و فصل مذاکره شده را می‌گرفتند.

۵۶۶- ایران در پاسخ استدلال می‌کند که موافقت‌نامه حلّ و فصل منعقده با شیپ‌ساید در پرونده شماره ۱۱۸۷۵، ادعای قراردادی شیپ‌ساید را فیصله داده است امّا به وضوح باعث فیصله یافتن یا محدودیت ادعای معاهده‌ای ایران علیه ایالات متّحده نشده است. بدین ترتیب، حلّ و فصل ادعای خصوصی وزارت راه و ترابری و شیپ‌ساید، مانع ادعای ایران علیه ایالات متّحده بابت نقض بیانیه‌های الجزایر نمی‌شود. ایران مدعی است که موافقت‌نامه حلّ

و فصل، خود یک بخش از خسارات وارده به وزارت راه و ترابری در نتیجهٔ عدم پیروی ایالات متّحده از تعهّدات خود ذیل بیانیه‌های الجزایر بود. بنا بر اظهارات ایران، موافقت‌نامه حلّ و فصل برای تحصیل موادّ ز-۱۳ توسّط وزارت راه و ترابری نباید ضروری می‌بود و وزارت راه و ترابری هیچ تعهّدی نداشت که به آن منظور تحصیل مواد مذکور ادعاهای پیمان‌کاران خصوصی را حل و فصل کند.

*باقی مسائل: اظهارات ایران*

**۵۶۷-** استدلالات ایران تقریباً مشابه همان استدلالاتی است که در خصوص ادعاهای ز-۷ و ز-۸ طرح کرده است. نخست، ایران استدلال می‌کند که مدارک موجود در این ادعا و همچنین مدارک ارائه شده در پرونده‌های شماره ب-۶۲، ب-۶۷، ۳۰۷ و ۱۱۸۷۵ در پیش‌گاه شعبه یک، نشان می‌دهد که اقلام مورد بحث در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضائی ایالات متّحده قرار داشته و به طور بی‌قید و شرط در مالکیّت ایران بود.

**۵۶۸-** دوم، ایران مدعی که موادّ ز-۱۳ مشمول حقّ حبس‌های شیپ‌ساید بود که از اواخر ۱۳۵۸ [اوایل ۱۹۸۰] تا تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به موقع اجرا گذاشته شد. به طور مشخص‌تر، شیپ‌ساید حقّ حبس بر موادّ ز-۱۳ را از زمانی اعمال کرد که موریسون-کنودسن از فروردین/اردیبهشت ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] از پرداخت هزینه‌های انبارداری برای آن خودداری نمود.

**۵۶۹-** ایران استدلال می‌کند که بازتعریف «اموال ایران» در بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری که اموال متنازع‌فیه و اموال مشمول حقّ حبس را از دستور انتقال بخش ۲۱۵-۵۳۵ مستثنی کرد،[۳۹۹] موادّ ز-۱۳ را از شمول آن دستور خارج کرد. بدین ترتیب، موادّ ز-۱۳ بر اساس بخش ۲۰۱-۵۳۵ مقرّرات مذکور مسدود باقی ماند.[۴۰۰] ایران نتیجه می‌گیرد که ایالات متّحده با صدور بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری دو تعهّد

[۳۹۹] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا. همچنین *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۵۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۱.

[۴۰۰] *بنگرید به* بند ۹، بالا.

اصلی خود ذیل بیانیه‌های الجزایر را نقض کرد: نخست، تعهّد به برداشتن تمام محدودیّت‌هایی که در دوره زمانی ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر۱۹۷۹] تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر تحرک و انتقال آزاد اموال عینی ایران تحمیل کرده بود؛ و دوم، تعهّد به دادن دستور به متصرفین هر نوع اموال ایران که مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده مبنی بر انتقال آن اموال به ایران مطابق دستورالعمل‌های دولت ایران قرار می‌گرفت.

*مسائل باقی‌مانده: اظهارات ایالات متّحده*

۵۷۰- ایالات متّحده مخالفتی ندارد که موادّ ز-۱۳ موضوع اعمال حق حبس به نفع شیپ‌ساید بود. با این حال، ایالات متحده استدلال می‌کند که نمی‌توان مطابق تلقی ایران فرض نمود که حقّ حبس، صرفاً به این دلیل که دیوان در حکم شماره ۵۲۹، حکم کرده است که بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری با تعهّد ایالات متّحده مندرج در بند ۹ ناسازگار است، مانع حمل اموال ایران به ایران می‌شود.

۵۷۱- ایالات متّحده بر این موضع است که بر عهدهٔ متصرف مال بود که هم تصمیم بگیرد که «تعهّدات، هزینه‌ها و مبالغ لازم راجع به این اموال» در معنای مندرج در بخش ۳۳۳-۵۳۵ (ب) مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری چه بوده و هم حقّ حبس چه زمانی منتفی می‌شد. بدین ترتیب، بنا بر اظهارات ایالات متّحده، (یک) اموال از دستور انتقال مندرج در بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقرّرات مذکور صرفاً زمانی مستثنا می‌شد که متصرف اموال، مدعی حق‌های تصرف خصوصی خود بر آن شده باشد، و (دو) آن اموال به محض توقّف ادعای آن حق‌ها توسط متصرف مال، مشمول دستورالعمل انتقال می‌شد. ایالات متّحده مدّعی است که به محض این که متصرفین، ادعای مذکور را متوقّف می‌کردند، آن‌ها نه تنها در حمل اموال به ایران بدون هیچ گونه مجوّز یا سایر مداخلات ایالات متّحده کاملاً آزاد بودند، بلکه مطابق بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقرّرات خزانه‌داری در واقع مشمول دستور و مکلّف بودند که این کار را انجام دهند. ایالات متّحده ادعا می‌کند که هیچ تدبیر یا دستوری از سوی دولت ایالات متّحده برای رفع انسداد آن اموال لازم نبود.

۵۷۲- ایالات متّحده مضافاً مدّعی است که ایران نتوانسته نشان دهد که برای فراهم آوردن امکان انجام تعهّد ذیل بند ۹ توسّط ایالات متّحده گام‌های لازم را برداشته است زیرا ایران قبل از آن که به شیپ‌ساید اطلاع دهد که همچنان خواهان اقلام مذکور است و قبل از این که به ایالات متّحده اطّلاع دهد که برای حصول استرداد اقلام ز-۱۳ نیازمند مساعدت آن دولت می‌باشد ماه‌ها صبر کرد. به علاوه، ایالات متّحده مدّعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که اقدامات دیگری نیز وجود داشته که ایالات متّحده به نحو معقول می‌بایست در دوره‌ای که طرفین مستقیماً در حال مذاکره بوده‌اند، برای انتقال اقلام معمول می‌داشت.

*(چهار) تصمیم دیوان*

۵۷۳- دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدّماتی به این استدلال ایالات متّحده می‌پردازد که ادعای ز-۱۳ باید رد شود چرا که دیوان طیّ حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطّرفین، موافقت‌نامه حلّ و فصل دعوای در پرونده شماره ۱۱۸۷۵ بین شیپ‌ساید و وزارت راه و ترابری را تأیید کرد. همان‌طور که در ارتباط با ادعای ز-۸ بحث شد،[۴۰۱] دیوان در راستای نتیجه‌گیری خود در بند ۷۷ (ح) حکم شماره ۵۲۹،[۴۰۲] استدلال ایالات متّحده مبتنی بر موافقت‌نامه حلّ و فصل در پرونده شماره ۱۱۸۷۵ بین شیپ‌ساید و وزارت راه و ترابری را رد می‌کند.

۵۷۴- اختلافی وجود ندارد که وزارت راه و ترابری مشمول تعریف «ایران» مندرج در بند ۳ مادّه ۷ بیانیّه حلّ و فصل می‌باشد. همچنین، در این که اقلام ز-۱۳ در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در حوزه قضایی ایالات متّحده قرار داشت، و این که آن اقلام در تاریخ یاد شده در مالکیّت انحصاری ایران قرار داشت. نتیجه این که اقلام ز-۱۳ مطابق بند ۹ جزو «اموال ایران» محسوب می‌شود.

---

[۴۰۱] *بنگرید به* بند ۵۳۴، بالا.

[۴۰۲] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (ح)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

۵۷۵- دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا ایالات متّحده در خصوص اقلام ز-۱۳ به تعهّد خود مندرج در بند ۹ عمل کرده است یا خیر. اختلاف جدّی وجود ندارد و اسناد و مدارک مؤید چنین نتیجه‌گیری‌ای است که شیپ‌ساید تا قبل از پرداخت هزینه‌های پرداخت‌نشده انبارداری و استارت‌زدن‌های مربوطه توسّط وزارت راه و ترابری، تمایلی به تحویل دادن اقلام ز-۱۳ به وزارت راه و ترابری را نداشت. اوضاع و احوال زیر، از جمله، مشخصاً با این بحث مرتبط است:

(الف) آقای میلر در مکاتبه ارسالی شیپ‌ساید به وزارت راه و ترابری مورّخ ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] اظهار داشت که «تنها دلیلی که [وزارت راه و ترابری] اموال خود را دریافت نکرده، امتناع شما از پرداخت مستقیم هزینه‌ها به ماست». آقای میلر اضافه می‌کند که «[شیپ‌ساید] از دولت ما درخواست پروانهٔ فروش کالاها کرده و آن را دریافت کرده است. ما در صورت عدم حصول توافق سریع، کالاهای مذکور را خواهیم فروخت»؛

(ب) شیپ‌ساید و وزارت راه و ترابری در مقدّمه موافقت‌نامه حل و فصل مورّخ ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] خود متذکّر شدند که شیپ‌ساید ادّعا کرده بود (یک) «که استحقاق دریافت هزینه‌های انبارداری و هزینه‌های مربوط به [موادّ ز-۱۳] ... را ... دارا می‌باشد» و (دو) این که آن شرکت قصد فروش اقلام ز-۱۳ به منظور جبران این هزینه‌ها را داشت؛[۴۰۳]

(پ) نماینده رابط ایالات متّحده در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۶۲ [۱۱ ژانویه ۱۹۸۴] نامه‌ای در پرونده شماره ۱۱۸۷۵ تسلیم کرد حاوی این توضیح که اقلام ز-۱۳ «بموجب قانون ایالت مریلند و همچنین بموجب مقررات رسیدهای انبار که توسط شیپ ساید صادر شده تابع حق گروگیری انباردار قانونی» بود.

---

[۴۰۳] *بنگرید به* بند ۵۶۲، بالا.

۵۷۶- دیوان بر اساس مدارک ارائه‌شده حکم می‌کند که شیپ‌ساید به دلیل وجود بدهی پرداخت نشده، تجهیزات مذکور را در ایالات متّحده نگه داشت و نتیجتاً آن اقلام در واقع توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری از دستور انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنا بود. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود در خصوص اموال عینی ایران ذیل بیانیه عمومی را نقض کرده و مسؤولیّت بین‌المللی آن دولت محقق است. به علاوه، دیوان حکم می‌کند که تاریخ نقض ایالات متّحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرد.[۴۰۴]

۵۷۷- با توجه به مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۳ را تأیید می‌کند.

(۷) ادعای ز-۱۱ و ادعای تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر/ گمرک ایالات متّحده)

*(الف) مقدّمه*

۵۷۸- خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۱ و ادعای تکمیلی ۶۷-(۲) حدّاکثر مبلغ ۷۹،۵۹۱ دلار آمریکا به علاوه بهره بابت قصور ادعایی ایالات متّحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال ۱۷ قطعه هواپیما ارسالی توسّط ایران ایر به ایالات متّحده برای تعمیر می‌باشد. دو قلم از قطعات هواپیما یعنی یک منبع تغذیه جریان سوخت و یک شیر فلکه به ترتیب از ترانس وورلد ایرلاینز («ترانس ورلد») و پان امریکن ورلد ایرویز («پان آمریکن») به ایران ایر عاریه داده شده بود.

[۴۰۴] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

*(ب) پیشنیه موضوعی*

**۵۷۹-** ایران ایر بین مهر و آبان ۱۳۵۸ [اکتبر و نوامبر ۱۹۷۹] ۱۷ قطعه هواپیما را جهت تعمیر به ایالات متّحده ارسال کرد. گمرک ایالات متّحده متعاقب صدور دستور انسداد مورّخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] پس از رسیدن هفده قطعه هواپیما به فرودگاه جان اف. کندی در نیویورک آن‌ها را نگه داشت.

**۵۸۰-** اقلام مذکور مطابق مقرّرات لازم‌الإجرای ایالات متّحده در آن زمان، در دو انبار در نیویورک نگه‌داری می‌شد. تعلق هزینه‌های انبارداری از آن زمان شروع شد.

**۵۸۱-** آقای توماس شک، وکیل ارشد ایران در ایالات متحده، در نیمه دوم ۱۳۶۰ [اواخر ۱۹۸۱ یا اوایل ۱۹۸۲] با دفتر نظارت بر اموال خارجی مکاتبه و درخواست کرد که آن دفتر به گمرک ایالات متّحده دستور دهد که از هزینه‌های انبارداری برای ۱۷ قلم مربوطه اعراض کند.

**۵۸۲-** دفتر نظارت بر اموال خارجی در تاریخ هفتم اسفند ۱۳۶۰ [۲۶ فوریه ۱۹۸۲] به آقای شک اطّلاع داد که بر اساس بخش ۳۳۳-۵۳۵ (ب) مقرّرات خزانه‌داری، آن ۱۷ قلم نمی‌توانند ترخیص شوند. بخش ذی‌ربط نامهٔ مذکور اشعار می‌دارد:

> چون گمرک این دارائیها را انبار کرده تا از ترخیص آنها طبق مقررات کنترل دارائیهای خارجی جلوگیری کند، ما با مشاور ارشد کنترل دارائیهای خارجی تماس گرفته و نظر او را خواستار شدیم. آنها توجه ما را به 31 CFR 535.215 که ترخیص بعضی از اموال ایران را که از نوامبر ۱۹۷۹ مسدود شده بودند مجاز میسازد جلب کردند. ... علاوه بر این، 31 CFR 535.333 «اموال» را در ارتباط با قسمت 535.215 توضیح میدهد. قسمت فرعی (b) 535.333 مقرر میدارد که هیچ چیزی را نمیتوان به مفهوم قسمت 215 متعلق به ایران دانست «مگر کلیه تعهدات لازم، عوارض و هزینه‌های مربوط به این قبیل اموال پرداخت شده و حق حبس اموال ... برطرف شده باشد».

دفتر نظارت بر اموال خارجی مضافاً اظهار داشت که نخست باید هزینه‌های انبارداری توسط ایران ایر پرداخت می‌شد تا گمرک ایالات متّحده بتواند ترتیب انتقال اموال به ایران را بدهد. به علاوه، دفتر نظارت بر اموال خارجی آقای شک را آگاه کرد که سیاست نظارت بر اموال خارجی این است که از چنین هزینه‌هایی اعراض نکند.

۵۸۳- ایران در گزارش مورخ ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] خود در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده به دیوان اظهار داشت که قطعات هواپیمای مورد اختلاف «توسّط گمرک ایالات متّحده به فروش رسیده است».

*(پ) اظهارات طرفین*

۵۸۴- در این مورد میان طرفین اتفاق نظر وجود دارد که ۱۵ فقره از ۱۷ قطعه هواپیمای مورد اختلاف در حکم اموال ایران در معنای مندرج در بند ۹ تلقّی گردید و آن ۱۵ قلم توسّط گمرک ایالات متّحده ترخیص نشد و نهایتاً در مزایده بر مبنای مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری فروخته شد. بر این اساس، ایالات متّحده مسؤولیّت خود را بابت نقض تعهد ذیل بند ۹ در این ادعا در ارتباط با آن ۱۵ قلم می‌پذیرد.

۵۸۵- با این حال، ایالات متّحده منکر هرگونه مسؤولیّت بابت دو فقره از ۱۷ قلم یعنی اقلامی می‌باشد که به صورت عاریه از پان امریکن و ترانس ورلد گرفته شده بود. ایالات متّحده استدلال می‌کند که آن دو قلم در شمول معنای اموال ایران ذیل بند ۹ قرار نمی‌گیرد و عدم انتقال آن‌ها نمی‌تواند نقض تعهّد آن دولت قلمداد گردد.

*اظهارات ایران*

۵۸۶- ایران معروض می‌دارد که دیوان باید دو قلم عاریه گرفته شده از پان امریکن و ترانس ورلد را در راستای اهداف بند ۹ «اموال ایران» تلقّی کند زیرا ایران ایر مسؤول آن‌ها بود و بایستی به ترانس ورلد و پان امریکن بابت از دست رفتن آن‌ها مبلغی پرداخت می‌کرد. ایران در تأیید این موضوع به شهادت آقای علی بخش احمدی در

جلسات استماع که در زمان‌های ذی‌ربط از کارمندان ایران ایر بوده، استناد می‌کند. آقای احمدی توضیح داد که پرداخت ایران ایر به ترانس ورلد و پان امریکن از طریق انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی (IATA) صورت می‌گرفت، که دارای سیستم تهاتر مطالبات در میان اعضای خود است. آقای احمدی در مورد خسارت، اظهار داشت که ترانس ورلد و پان امریکن طلبی به ارزش آن دو قلم مذکور را به اتاق تهاتر انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی (IATA Clearing House) تسلیم می‌کردند. اگر انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی تصمیم می‌گرفت که ادعای مذکور موجّه است مبالغ مستقیماً از حساب ایران ایر در انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی کسر می‌شد.

**۵۸۷** - ایران مضافاً استدلال می‌کند که ایالات متّحده نیز این دو قلم عاریه گرفته شده را به معنای «اموال ایران» مندرج در بند ۹ قلمداد کرده است، چنانچه اوضاع و احوال آتی نشان می‌دهد: (یک) گمرک ایالات متّحده تمام ۱۷ قلم را، به انضمام اقلام عاریه گرفته شده، نگه داشت زیرا آن‌ها را اموال ایران ذیل دستور انسداد مورّخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تلقّی می‌کرد؛ و (دو) گمرک ایالات متّحده پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دو قلم مذکور را مطابق بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری به عنوان اموال ایران مشمول هزینه‌ها نگه داشته است.

**۵۸۸** - بدین ترتیب، ایران نتیجه می‌گیرد که دو قلم عاریه گرفته شده باید در راستای اهداف بند ۹ به عنوان «اموال ایران» تلقّی شود.

*اظهارات ایالات متّحده*

**۵۸۹-** ایالات متّحده چنان که در بالا گفته شد[۴۰۵] می‌پذیرد که ۱۵ مورد از ۱۷ قطعه هواپیمای مورد اختلاف «اموال ایران» بود و، به گونه‌ای که در حکم شماره ۵۲۹ تفسیر شده، موضوع تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ برای فراهم آوردن ترتیبات چنین اموالی به ایران بوده است.[۴۰۶]

**۵۹۰-** با این حال، ایالات متّحده نسبت به دو قلم عاریه گرفته شده از ترانس ورلد و پان امریکن معروض می‌دارد که از آن‌جا که آن‌ها در واقع متعلق به آن دو شرکت بودند، در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اموال ایران محسوب نشده و در نتیجه، مشمول بند ۹ نبوده‌اند.

**۵۹۱-** مطابق اظهارات ایالات متّحده، ایران پذیرفته است که مالک آن دو قلم نبوده و استدلال ایران محدود به این ادّعا است که ایالات متحده متعهّد به بازگرداندن اقلام مذکور به ترانس ورلد و پان امریکن بوده است. با این حال، ایالات متّحده بر این موضع است که آن دولت مطابق بند ۹ صرفاً متعهّد به فراهم آوردن ترتیبات جهت انتقال اموال ایران بوده است؛ با توجّه به این که آن دو قلم اموال ایران نبود، ایالات متحده هیچ تعهّدی مبنی بر انتقال آن‌ها به ایران نداشته است.

**۵۹۲-** به علاوه، ایالات متّحده معروض می‌دارد که ایران نشان نداده است که در خصوص آن دو قلم عاریه گرفته شده واقعاً متحمل خسارت تبعی، برای مثال با وادار شدن به بازپرداخت به ترانس ورلد یا پان امریکن، شده باشد.

**۵۹۳-** ایالات متّحده ملاحظه می‌کند که فقدان اسناد و مدارک دال بر ورود هرگونه خسارات تبعی در هر صورت بی‌ربط است. برای ایالات متّحده، اگر بازپرداخت صورت گرفته بود، باعث انتقال حق مالکیت این دو فقره به ایران نمی‌شد.

---

[۴۰۵] *بنگرید به* بند ۵۸۴، بالا.

[۴۰۶] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

*(ت) تصمیم دیوان*

**۵۹۴-** اختلافی وجود ندارد و ادله و مدارک این امر را تأیید می‌کند که ایران ایر مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ مادّه ۷ بیانیه حلّ و فصل دعاوی می‌باشد.

**۵۹۵-** دیوان نمی‌تواند سیر استدلالی ایران در خصوص دو قلم عاریه گرفته شده را بپذیرد. به نحوی که دیوان مقرر داشته است منظور از اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ اموال عینی‌ای است که «منحصراً متعلق به ایران بوده» و حق مالکیت دلالت بر «منحصراً متعلق به ایران» بودنِ اموال دارد.[۴۰۷] حتی با فرض این‌که آن دو فقره در فرایند انجمن بین‌المللی حمل و نقل هوایی قرار گرفته است، فرایند مزبور نمی‌توانست مسبب انتقال حق مالکیّت آن دو قلم را به ایران ایر شود. همچنین، رفتار گمرک ایالات متّحده نسبت به آن دو قلم نیز نمی‌تواند توجیه‌کنندهٔ انحراف دیوان از تفسیر اصطلاح «اموال ایران» به گونه‌ای که در بالا توضیح داده شد، باشد. بدین ترتیب، دیوان مقرر می‌دارد که دو قلمِ به عاریه گرفته شده از ترانس ورلد و پان امریکن، که به عنوان یک منبع تغذیه جریان سوخت و یک شیر فلکه شناسایی شد، «اموال ایران» در معنای مندرج در بند ۹ نمی‌باشند.

**۵۹۶-** طرفین توافق دارند که ۱۵ قلم باقی‌مانده «اموال ایران» در معنای مندرج در بند ۹ می‌باشد. به علاوه، اختلافی نیست که اقلام هواپیما بر مبنای مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری، توسط گمرک ایالات متّحده نگه‌داری شده و متعاقباً به فروش رسیده است.

**۵۹۷-** بنا بر مراتب فوق، دیوان حکم می‌کند که گمرک ایالات متّحده اقلام مربوطه در ادعای ز-۱۱ و ادعای تکمیلی ۶۷-(۲) را به دلیل وجود هزینه‌های انبارداری پرداخت نشده، نگه داشته است و نتیجتاً این اقلام توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری از دستور انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنا شد. نتیجه

---

[۴۰۷] *بنگرید به* بندهای ۹۸ و ۱۳۴، بالا.

این که ایالات متّحده تعهّدات خود ذیل بیانیه عمومی نسبت به اموال عینی ایران را نقض کرده و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت محقق است.

**۵۹۸-** دیوان مضافاً حکم می‌کند که تاریخ نقض ایالات متّحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متّحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقرّرات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرد.[۴۰۸]

**۵۹۹-** در پرتو آن‌چه گفته شد، دیوان ادعای ز-۱۱ و ادعای تکمیلی ۶۷-(۲) به استثنای دو قلم عاریه گرفته شده را تأیید می‌کند.

(۸) ادعای ز-۱۳۱ (شرکت ایر تاکسی/پیدمونت اَوییشن اینک.)

*(الف) مقدّمه*

**۶۰۰-** حداکثر خواسته ایران در ادعای ز-۱۳۱ حداکثر مبلغ ۱۶۲،۷۷۶ دلار آمریکا، به علاوه بهره، به عنوان خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال ۱۴۸ قطعه هواپیمایی است که شرکت ایر تاکسی («ایر تاکسی»)، شرکت ایر سرویس («ایر سرویس») و پارس ایر قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] برای تعمیر به شرکت پیدمونت اَوِییشن («پیدمونت»)[۴۰۹] ارسال کرده بودند («اقلام ز-۱۳۱»).

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۶۰۱-** پیدمونت به طور منظّم قطعات هواپیما برای خطوط هواپیمایی در ایران، از جمله شامل ایر تاکسی، که در آن زمان شرکتی خصوصی بود، را در دهه ۱۳۴۹/۱۳۴۸ [۱۹۷۰] تعمیر می‌کرد. پیدمونت چندین سال دارای یک حساب مفتوح با ایر تاکسی بود، امّا فاقد حساب‌های باز با ایرسرویس و پارس ایر (که آن‌ها نیز در آن زمان

---

[۴۰۸] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

[۴۰۹] شرکتی به نام یو اس ایر در سال ۱۹۸۷ پیدمونت را خرید.

شرکت‌هایی خصوصی بودند) بود که اقلام خود را از طریق ایر تاکسی به پیدمونت به منظور تعمیر ارسال می‌کردند.

۶۰۲- پیدمونت در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ [۱۹۷۸ و ۱۹۷۹] بعضی قطعات هواپیما را برای ایرتاکسی، ایر سرویس و پارس ایر تعمیر کرد. پیدمونت برای این قطعات هواپیما، پرداخت را قبل از پس فرستادن آن‌ها درخواست کرد، و از آن‌جا که پرداختی دریافت نشد، آن‌ها را در انبار در وینستون-سِیلم کارولینای شمالی نگه داشت. طرفین توافق دارند که پیدمونت ۱۴۸ قطعه هواپیما را نتیجتاً در تصرف داشته است.

۶۰۳- پیدمونت در تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۵۹ [۲۶ آوریل ۱۹۸۰] تلکسی از مدیر تأمین ایر تاکسی دریافت کرد مبنی بر این که ایر تاکسی یک «سازمان دولتی نیست و متعلّق به بنیاد مستضعفان است». آقای اَلن اِشنایدر، وکیل شرکت پیدمونت، در نامه‌ای به دفتر نظارت بر اموال خارجی در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱]، اظهار داشت که تلکس اظهارات شفاهی ارائه شده توسط مدیر تأمین ایر تاکسی به آقای اِشنایدر مبنی بر این‌که ایرتاکسی در مالکیت خصوصی بود را تأیید کرده است. با این‌حال، آقای اشنایدر در نامهٔ خود همچنین متذکر شد که مأموران رسمی دفتر نظارت بر اموال خارجی، در چندین مورد، «گفته [بوده]اند که [دفتر نظارت بر اموال خارجی] اطلاعاتی [دارد] مبنی بر این‌که یکی از شرکت‌های [درگیر] ممکن است نهادی ایرانی باشد».

۶۰۴- شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] لایحه‌ای قانونی («لایحه پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰]») را که چندین خطّ هواپیمایی خصوصی را ملّی و آن‌ها را در شرکت جدیدی به نام شرکت خدمات هوایی کشور یا هواپیمایی آسمان («آسمان») ادغام می‌کرد تصویب نمود. مادّه ۱ لایحه پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] مقرّر می‌دارد:

به منظور ارائه خدمات هواپیمایی به هیأت دولت و کلیه وزارت‌خانه‌ها و مؤسّسات و شرکت‌های دولتی و نظامی و غیر نظامی و حمل بار و مسافر و اجاره هواپیما در خطوط منظم و نامنظم، از تاریخ تصویب این لایحه قانونی مؤسسات مشروحه زیر:

۱ - شرکت هواپیمایی ار تاکسی [کذا]

۲ - شرکت هواپیمایی پارس ایر

۳ - شرکت هواپیمایی ایر سرویس

۴ - شرکت هواپیمایی هور آسمان

۵ - شرکت هواپیمایی هلیکوپتر ایران

۶ - شرکت هواپیمایی هلیکوپتر سرویس

ملی اعلام می‌شود و با کلیه اموال و دارایی و تعهدات در یکدیگر ادغام و «شرکت خدمات هوایی کشور» (آسمان) تأسیس می‌گردد.

۶۰۵- ماده ۲ اعلام می‌داشت که آسمان «به صورت شرکت دولتی اداره خواهد شد و سهام آن کلاً متعلق به دولت» است. ماده ۴ مقرّر می‌داشت که، از جمله، کلیه هواپیماها، وسایل و قطعات یدکی متعلّق به شرکت‌های ملّی شده به آسمان انتقال می‌یابد.

۶۰۶- آقای علیرضا سراج شیرازی، شاهد ایران که معاون مدیر کل برای امور مالی ایر تاکسی در آن زمان بوده است شهادت داد که:

پیش از انقلاب، ایر تاکسی، ایر سرویس، هور آسمان و پارس ایر، همگی خصوصی بودند اما توسط برخی افراد وابسته به سلطنت قبل از انقلاب کنترل می‌شدند، اما پس از انقلاب برای دورهٔ کوتاهی تحت کنترل بنیاد مستضعفان قرار گرفتند، اما طی دورهٔ کوتاهی وقتی حکومت اسلامی مستقر شد، با صدور مصوبه کلیه این شرکت‌ها تحت کنترل دولت قرار گرفت. وزارت راه و ترابری، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و وزارت امور اقتصادی و سرمایه گذاری، سهامداران این شرکت‌ها شدند.

۶۰۷- به علاوه، آقای شیرازی، در جلسات استماع و در شهادت‌نامه‌اش شهادت داد که تمام شرکت‌هایی که با شرکت‌های هواپیمایی ملّی‌شده رابطهٔ کاری داشتند، از طریق بخش‌نامه تلکسی فوراً «از ملّی‌شدن هواپیمایی‌ها و

ادغام آن‌ها در آسمان» آگاه شدند. آقای شیرازی اظهار داشت که بخش‌نامه تلکسی مذکور برای پیدمونت نیز ارسال شده است (این تلکس در سابقه موجود نمی‌باشد). سابقه متضمن تلکس مورّخ ۱۲ آبان ۱۳۵۹ [سوم نوامبر ۱۹۸۰] ارسالی به شرکت دیگری به نام ایر گاورنر است که به آن شرکت از ادغام ایر تاکسی، ایر سرویس، پارس ایر، و شرکت هور آسمان و تأسیس آسمان خبر می‌دهد؛ با این‌حال، این تلکس اشاره‌ای به ملّی‌شدن آن‌ها یا این که آسمان، نهادی متعلق به دولت است نمی‌کند. ایران همچنین در ادعاهای ز-۱۳۳ و ز-۱۴۷ بخش‌نامه‌هایی، به ترتیب، مورّخ ۲۷ و ۲۸ تیر ۱۳۶۰ [۱۸ و ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۱] ارسال‌شده توسط آسمان به جِتکرفت سپلای کورپوریشن، و ایکس اِل آویونیکس اینک. ارائه کرده است که اعلام می‌دارد

> روند ادغام چهار شرکت خواهر، ایر تاکسی کو، ایر سرویس، پارس ایر و هور [آسمان]، در یک شرکت جدید حاصل ادغام به نام «هواپیمایی ایران [آسمان]» به انجام رسیده است. هواپیمائی ایران [آسمان] تحت حمایت کامل دولت ایران خواهد بود.
>
> مدیریت جدید و اعضای هیئت مدیره مستقیماً توسط دولت جمهوری اسلامی ایران منصوب شده‌اند.

۶۰۸- آقای اشنایدر در نامه‌اش به دفتر نظارت بر اموال خارجی به تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱][۴۱۰] اظهار داشت که ایر تاکسی بابت کارهای انجام‌شده در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ [۱۹۷۸ و ۱۹۷۹] ۳۹۵،۵۰۰ دلار آمریکا به پیدمونت بدهکار است. آقای اشنایدر همچنین اظهار داشت که مدیر تأمین ایر تاکسی طی مکالمه‌ای تلفنی در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ [۱۵ آوریل ۱۹۸۰] به تمایل ایر تاکسی برپرداخت مبلغ پرداخت‌نشده ظرف دو هفته اشاره کرده بود، امّا آقای اشنایدر اظهار داشت که ایر تاکسی چنین نکرد. آقای اشنایدر به علاوه اظهار داشت که پیدمونت در خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] پیش‌نهاد داد که قطعات هواپیمایی مورد اختلاف را بخرد و با منظور داشتن مبلغ در حساب ایر تاکسی، بخشی از مسئله را حل و فصل کند، امّا ایر تاکسی این پیش‌نهاد را در اواخر تیر ۱۳۵۹ [اواسط ژوئیه ۱۹۸۰] رد کرد.

---

[۴۱۰] *بنگرید به* بند ۶۰۳، بالا.

۶۰۹- آقای اشنایدر در ادامه اظهار داشت که متعاقباً پیدمونت در آبان/آذر ۱۳۵۹ [نوامبر ۱۹۸۰] شکایتی علیه ایر تاکسی، ایر سرویس، و پارس ایر را در دادگاه کارولینای شمالی ثبت کرد.

۶۱۰- آقای اشنایدر به علاوه در نامهٔ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱] خود به دفتر نظارت بر اموال خارجی اظهار داشت:

> خواهشمند است موافقت خود را مبنی بر این امر برای ما اعلام نمایید که ضرورتی ندارد که پیدمونت به منظور اجرای رأی علیه ایر تاکسی، ایرسرویس و پارس‌ایر مجوزی تحصیل نماید. به نظر اینجانب، مقررات [خزانه‌داری ایالات متحده] راجع به دارایی‌های ایران اعمال نمی‌شود، و نیازی نیست که پیدمونت مجوزی قبل از اجرا تحصیل نماید زیرا شرکت‌های مذکور نهادهایی ایرانی نیستند. پیدمونت پیش‌نهاد اجرای رأی به واسطهٔ یک فروش عمومی قطعاتی را می‌دهد که در تصرف خود دارد.

۶۱۱- پیدمونت در هفتم فروردین ۱۳۶۰ [۲۷ مارس ۱۹۸۱] رأیی در دادگاه کارولینای شمالی علیه ایر تاکسی، ایر سرویس، و پارس ایر به مبلغ ۴۲۰،۰۵۲/۵۸ دلار آمریکا، مبلغ ادعایی بابت صورت‌حساب‌های پرداخت‌نشده برای کار تعمیرات که انجام داده بود اخذ کرد. در همان تاریخ، دفتر کلانتری شهرستان فورسایث، وینستون-سِیلم، کارولینای شمالی، یک «درخواست اجرای پرداخت» با هدف اطلاع دادنِ، از جمله، مراتب آتی به ایرتاکسی، ایرسرویس، و ایرپارس صادر کرد: (یک) دفتر کلانتری «دارای یک اجرائیه برای برداشت یک رأی پولی علیه شما ... به مبلغ ۴۲۰،۰۵۲/۵۸ دلار آمریکا می‌باشد»؛ و (دو) رسیدگی‌ها به منظور فروش اموال شخصی خوانده «واقع در انبار هواپیمایی پیدمونت» در ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ [۱۴ آوریل ۱۹۸۱] آغاز شده بوده است. بر این اساس، دفتر کلانتری همچنین در هفتم فروردین ۱۳۶۰ [۲۷ مارس ۱۹۸۱] یک «اظهاریهٔ فروش اموال شخصی» برای ایرتاکسی، ایر سرویس، و پارس ایر صادر کرد و اظهار داشت که کلانتری مذکور قطعات هواپیما را «برای فروش به بالاترین پیش‌نهاد نقدی» در ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ [۱۴ آوریل ۱۹۸۱] به منظور تأمین اجرائیه پیش‌نهاد می‌کند.

۶۱۲- آسمان با نامهٔ مورّخ ۲۳ فروردین ۱۳۶۰ [۱۲ آوریل ۱۹۸۱] به پیدمونت، دریافت تلگرام را از دفتر کلانتری شهرستان فورسایث، که فروش عمومی پیش رو در مورد اقلام ز-۱۳۱ را اطلاع می‌داد تصدیق کرد. آسمان در نامهٔ خود اطلاع داد که ایرتاکسی، ایر سرویس، پارس ایر و هور آسمان «به تصرف دولت درآمده و با ایجاد شرکت جدیدی» به نام آسمان ادغام شده‌اند. آسمان در ادامه تصدیق کرد که، مطابق سوابق خود مبلغ ۲۷۳،۰۷۷/۱۰ دلار آمریکا به پیدمونت بدهکار است و خواستار زمان بیش‌تری «به منظور فیصلهٔ تمام مسائل پیدمونت» شد. بنابر شهادت آقای شیرازی در جلسات استماع، آسمان همچنین با پیدمونت تماس گرفت و تلکسی برای آن ارسال کرد و درخواست کرد که اموال مذکور فروخته نشود. این تلکس در سابقه موجود نیست.

۶۱۳- آقای اشنایدر در نامه‌ای به دفتر نظارت بر اموال خارجی مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۶۹ [۱۰ سپتامبر ۱۹۹۰] اظهار داشت که در آستانه فروش، به او تلفنی از شخصی از ایران شد که خود را وکیل خطوط هوایی مذکور معرفی کرد و درخواست نمود که فروش تا انجام ترتیباتی برای پرداخت مبالغ بدهی به پیدمونت به تعویق افتد. وفق اظهارات آقای اشنایدر، او پاسخ داد که این پیش‌نهاد پرداخت بیش از حد نامعیّن و غیرقطعی بود، و فروش ادامه پیدا می‌کند، و او اسامی اشخاصی را که می‌توانستند به عنوان نمایندگان وکیل به منظور پیش‌نهاد قیمت در فروش عمل کنند به وکیل ارائه می‌کند.

۶۱۴- سابقه نشان می‌دهد که فروش اقلام ز-۱۳۱ همان‌طور که برنامه‌ریزی شده بود برگزار شد. آقای اشنایدر با نامه مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۶۸ [دوم ژوئن ۱۹۸۹] به وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که، گرچه مزایده آگهی عمومی شده بود، و شرکت‌های ایرانی مطلع شده بودند، پیدمونت تنها پیش‌نهاد دهندهٔ قیمت بود، و اقلام ز-۱۳۱ پس از مزایده در موجودی انبار پیدمونت قرار داده شد.

۶۱۵- آقای اشنایدر با نامه مورّخ ۱۹ شهریور ۱۳۶۹ [۱۰ سپتامبر ۱۹۹۰] به دفتر نظارت بر اموال خارجی اطلاع داد که «ارزیابی اخیراً به عمل آمده، نشان می‌دهد که اموال مذکور در زمان فروش بابت معمول داشتن حق حبس تعمیر کار، متعلق به دولت نبوده است».

۶۱۶- ایالات متّحده در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] گزارش خود در خصوص اموال عینی ایران را تقدیم دیوان کرد و اعلام نمود که «اقلام ز-۱۳۱ مشمول حق حبس قانونی صنعت گران» است. این مسئله در گزارش مورّخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] تقدیمی آن دولت به دیوان در خصوص اموال عینی ایران بازگو شده است. ایالات متحده در گزارش تقدیمی خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] اظهار داست که «[پیدمونت] سرانجام حق حبس کارگران خود را اعمال و فروشی عمومی را در اواخر ۱۳۵۹ [اوایل ۱۹۸۱] برگزار نمود».

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۶۱۷- ایران مدعی است که اقلام ز-۱۳۱ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشت. ایران مضافاً استدلال می‌کند که آسمان به دلیل ملی‌شدن و ادغام ایر تاکسی، ایر سرویس، پارس ایر، و هور آسمان از تاریخ پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] مالک بلامنازع اقلام ز-۱۳۱ شد.

۶۱۸- ایران معروض می‌دارد که ملی‌شدن این چهار شرکت و تأسیس آسمان در پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] به طور هم‌زمان از طریق تلکس به تمام شرکای قراردادی خارجی، از جمله پیدمونت ابلاغ شد. ایران به نامه پیدمونت به دفتر نظارت بر اموال خارجی مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱] استناد می‌کند تا نشان دهد که پیدمونت و ایالات متحده هر دو به طور هم‌زمان از این موضوع آگاه بوده‌اند.

۶۱۹- ایران همچنین متذکر می‌شود که در حالی‌که ایالات متحده مخالفتی ندارد که آسمان در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نهادی در کنترل دولت بوده است، استدلال می‌کند که پیدمونت از این امر آگاه نبوده است. ایران معروض می‌دارد که این مسئله، ارتباطی با تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ ندارد. در هر حال، بنا بر اظهارات ایران، ادله و مدارک نشان می‌دهد که پیدمونت و ایالات متحده، هر دو، در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌دانسته‌اند که آسمان نهادی در کنترل دولت بوده است. ایران به شهادت آقای شیرازی استناد می‌کند که وی در آن اعلام می‌دارد که همهٔ شرکت‌هایی که با ایر تاکسی، ایر سرویس، و پارس ایر تجارت می‌کردند به وسیله یک بخش‌نامهٔ ارسالی از طریق تلکس قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] از ادغام مذکور آگاه شدند. ایران همچنین به تلکس ارسالی به ایر گاورنر در ۱۲ آبان ۱۳۵۹ [سوم نوامبر ۱۹۸۰] استناد می‌کند. به علاوه، ایران متذکر می‌شود که پیدمونت این نگرانی را داشت که ایر تاکسی، نهادی در کنترل دولت بوده و این نگرانی را چنان‌که در نامه مورّخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱] آن شرکت نمایان است با دفتر نظارت بر اموال خارجی در میان نهاده است.

۶۲۰- ایران به علاوه استدلال می‌کند که اقلام ز-۱۳۱ به این دلیل به ایران منتقل نشدند که چنان‌که، از جمله، در گزارش‌های ایالات متحده سال ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] و ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] در خصوص اموال عینی ایران آمده است، آن اقلام متنازع‌فیه و/یا مشمول حق حبس بوده‌اند.[۴۱۱]

*اظهارات ایالات متحده*

۶۲۱- ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نتوانسته ثابت کند که هیچ شخصیت حقوقی تحت کنترل دولت ایران مالک اقلام ز-۱۳۱ بوده است. به علاوه، ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته ثابت کند که آسمان: (یک) پیدمونت یا ایالات متحده را به موقع از این موضوع که نهادی در کنترل دولت می‌باشد آگاه کرده است؛

[۴۱۱] *بنگرید به* بند ۶۱۶، بالا.

(دو) دستورالعمل‌های کافی به پیدمونت برای انتقال اقلام ز-۱۳۱ به ایران داده است؛ یا (سه) وجوه لازم برای محقق کردن انتقال را فراهم کرده است. نتیجه این که ایالات متحده معروض می‌دارد که نمی‌توانسته انتقال اقلام ز-۱۳۱ را قبل از به مزایده گذاشتن آن‌ها در ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ [۱۴ آوریل ۱۹۸۱] سامان دهد و این که پس از مزایده مذکور، انتقال غیرممکن شده است.

**۶۲۲-** ایالات متحده همچنین مخالف این امر است که آسمان در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در کنترل ایران بوده است. ایالات متحده در استناد ایران به نامه ارسالی به ایرکرفت گاورنر در آبان/آذر ۱۳۵۹ [نوامبر ۱۹۸۰] مبنی بر این که آسمان، پیدمونت را از ملی شدن و ادغام آگاه کرده است تردید می‌کند چرا که ادله و مدارکی وجود ندارد که نشان دهد چنین مکاتبه‌ای اساساً برای پیدمونت ارسال شده بود. ایالات متحده استدلال می‌کند که تا زمان وصول نامه مورّخ ۲۳ فروردین ۱۳۶۰ [۱۲ آوریل ۱۹۸۱] که احتمالاً پس از ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ [۱۴ آوریل ۱۹۸۱] توسّط پیدمونت دریافت شد، ایران، پیدمونت را از وضعیت تحت کنترل دولت بودن آسمان آگاه نکرد. ایالات متحده همچنین متذکر می‌شود که پیدمونت در فروردین/اردیبهشت و تیر/مرداد ۱۳۵۹ [آوریل و ژوئیه ۱۹۸۰] اطمینان خاطر یافت که ایر تاکسی و ایر سرویس همچنان شرکت‌هایی خصوصی بوده‌اند. بنابراین، بنا بر اظهارات ایالات متحده، ادله و مدارکی مبنی بر این امر وجود ندارد که ایران پیدمونت را آگاه کرده باشد که اقلام ز-۱۳۱ مورد اختلاف، «اموال ایران» وفق اهداف بند ۹ است.

**۶۲۳-** ایالات متحده استدلال می‌کند که اگر محض ادامه بحث فرض شود که دیوان نتیجه بگیرد که اقلام ز-۱۳۱ در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت ایران بوده و پیدمونت از ملی شدن ایر تاکسی و وضعیت تحت کنترل دولت بودن آسمان آگاهی داشته است، هیچ یک از ادله و مدارک موجود در پرونده نشان نمی‌دهد که آسمان به پیدمونت دستورالعمل انتقال اقلام ز-۱۳۱ به ایران را داده یا وجوه کافی برای تحقق انتقال تأمین

کرده باشد. ایالات متحده معروض می‌دارد که بدون چنین دستورالعمل‌هایی، متصرف اموال تعهدی به انتقال اموال مذکور یا ایالات متحده تعهدی به فراهم آوردن ترتیبات انتقال نداشته است.

۶۲۴- بنا بر اظهارات ایالات متحده، ایران نتوانسته نشان دهد که آن دولت، ایالات متحده را از مشکلات مربوط به اقلام ز-۱۳۱ که در تصرف پیدمونت بوده، تا نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] یعنی زمانی که ایران ادعای خود را بیش از دو سال بعد از برگزاری مزایده قطعات مذکور در دیوان ثبت کرد، آگاه کرده باشد. ایالات متحده ملاحظه می‌کند که نه پیدمونت و نه ایالات متحده، با توجه به فقدان دستورالعمل‌های ایران، مبنایی برای در مالکیتِ دولت تلقی‌کردنِ این اقلام، یا فراهم آوردن ترتیبات برای انتقال آن‌ها به ایران نداشتند.

*(ت) تصمیم دیوان*

۶۲۵- اختلافی وجود ندارد که اقلام ز-۱۳۱ در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشت.

۶۲۶- نخستین مسئله برای تصمیم‌گیری دیوان، این است که آیا ایر تاکسی، ایر سرویس، و پارس ایر، که همگی در خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] در آسمان ادغام شدند، مشمول تعریف «ایران» مندرج در بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشند یا خیر. دیوان در پرتو اسناد و مدارک ارائه شده و به خصوص، لایحه قانونی پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] قانع شده است که ایر تاکسی، ایر سرویس و پارس ایر در آن تاریخ، توسّط ایران ملّی، و در آسمان به عنوان شرکتی تحت کنترل دولت ادغام شدند. بنابراین، آسمان مشمول تعریف «ایران» مندرج در بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

۶۲۷- بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان نتیجه می‌گیرد که اقلام ز-۱۳۱ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] انحصاراً در مالکیت ایران بوده است. در نتیجه، اقلام ز-۱۳۱ «اموال ایران» در محدودهٔ بند ۹ تلقی می‌شود.

**۶۲۸-** ایالات متحده استدلال کرده است که ایران وضعیت تحت کنترل دولت بودن آسمان قبل از تاریخ برگزاری مزایده اقلام ز-۱۳۱ را به پیدمونت و ایالات متحده اطلاع نداده است. دیوان پس از بررسی، مقرر می‌دارد که وزن ادله و مدارک بیش‌تر به سمت این یافته سنگینی می‌کند که پیدمونت متعاقب ادغام نهادهای ایرانی در آسمان، از این واقعه آگاهی یافته یا حداقل دلایلی داشته که باور داشته باشد که این اتفاق قبل از تاریخ مزایده رخ داده بود. دیوان برای رسیدن به این نتیجه، عوامل زیر را مدنظر قرار داده است. نخست، آقای شیرازی شهادت داده است که تمام شرکت‌هایی که با نهادهای ایرانی ملی و ادغام‌شده در آسمان ارتباط کاری داشتند، فوراً از ادغام ناشی از تصویب لایحه پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] آگاه گردیدند.[۴۱۲] دوم، سابقه حاوی مکاتبات ارسالی به سایر شرکای تجاری ایر تاکسی از ایالات متحده مبنی بر آگاه‌کردن آن‌ها از ملّی‌شدن و ادغام مذکور است؛ این امر قویاً به ذهن متبادر می‌کند که پیدمونت هم قاعدتاً باید مکاتبه مشابهی دریافت کرده باشد.[۴۱۳] سوم، و این دارای اهمیت کلیدی است، که نامه ارسالی پیدمونت به دفتر نظارت بر اموال خارجی مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱] نشان می‌دهد مقام‌های دفتر نظارت بر اموال خارجی به پیدمونت گفته‌اند که «یکی از شرکت‌ها ممکن است [یک] نهاد ایرانی باشد» و این که پیدمونت در خصوص مزایده اقلام ز-۱۳۱ نگرانی‌هایی داشته است.[۴۱۴] در پرتو مراتب بالا، تا اندازه‌ای که حتی به تصمیم در ادعای حاضر مربوط است، دیوان نتیجه می‌گیرد که پیدمونت آگاه بود که آسمان قبل از مزایدهٔ آن اقلام در کنترل دولت بوده است.

**۶۲۹-** دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا ایالات متحده در خصوص اقلام ز-۱۳۱ به تعهدات ذیل بند ۹ خود عمل کرده است یا خیر. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرّر داشته است که مقرّرات خزانه‌داری ایالات متّحده دایر بر معافیت اموالی از دستور انتقال مندرج در دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ که تنها به ایران تعلق داشته

---

[۴۱۲] *بنگرید به* بند ۶۰۷، بالا.

[۴۱۳] *بنگرید به* همانجا.

[۴۱۴] *بنگرید به* بند ۶۰۳، بالا.

اما متصرفین آن‌ها به استناد هر گونه حقّ حبس، دفاع، ادّعای تقابل، تهاتر یا دلیل مشابه، به حق ایران نسبت به تصرف اموال معترض بوده‌اند، با تعهّدات ایالات متّحده ذیل بیانیه عمومی ناسازگار است.[۴۱۵] دیوان با توجه به مدارک موجود در سوابق که در زمان صدور حکم شماره ۵۲۹ در اختیار داشت، در موقعیتی نبود که در خصوص واقعیات مربوط به هر مال خاص تعیین تکلیف کند. دیوان اکنون در خصوص اقلام ز-۱۳۱ تعیین تکلیف می‌کند.

**۶۳۰-** در این مورد اختلاف جدی وجود ندارد و ادله و مدارک، مؤید چنین نتیجه‌گیری‌ای می‌باشد که پیدمونت تا قبل از پرداخت هزینه‌های پرداخت‌نشده مربوط به انبارداری و نگه‌بانی اقلام ز-۱۳۱، تمایلی به تحویل اقلام ز-۱۳۱ به ایر تاکسی/آسمان نداشت. اوضاع و احوال زیر، از جمله در این چارچوب مشخصاً ذی‌ربط است:

(الف) نامه مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱] ارسال شده توسط پیدمونت به دفتر نظارت بر اموال خارجی روشن می‌سازد که دلیل این‌که چرا پیدمونت اقلام ز-۱۳۱ را نگه داشته، بدهکاری ادعایی ایر تاکسی، ایر سرویس و پارس ایر به پیدمونت به مبلغ ۳۹۵،۵۰۰ دلار آمریکا بوده است؛[۴۱۶]

(ب) پیدمونت در نامه مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۶۹ [۱۰ سپتامبر ۱۹۹۰] به دفتر نظارت بر اموال خارجی صراحتاً اظهار می‌دارد که اقلام ز-۱۳۱ «به منظور جبران حق حبس تعمیرکار» فروخته شده بوده است؛[۴۱۷]

(پ) به علاوه، ایالات متحده در گزارش‌های خود به دیوان در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ [۱۹۸۴ و ۱۹۸۵] در خصوص اموال عینی ایران اقلام ز-۱۳۱ را اموال متنازع‌فیه «مشمول حق حبس قانونی صنعت گران» تلقی می‌کند.[۴۱۸]

---

[۴۱۵] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (د)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۴۰.

[۴۱۶] *بنگرید به* بندهای ۶۰۸-۶۱۰، بالا.

[۴۱۷] *بنگرید به* بند ۶۱۵، بالا.

[۴۱۸] *بنگرید به* بند ۶۱۶، بالا.

۶۳۱- دیوان بنا بر ادله و مدارک ارائه‌شده حکم می‌کند که پیدمونت اقلام ز-۱۳۱ را به دلیل وجود بدهی‌های پرداخت‌نشده در ایالات متحده نگه داشته و متعاقباً آن‌ها را در مزایده فروخته است، و این‌که نتیجتاً آن اقلام در واقع به موجب بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستور انتقال دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنا شد. نتیجه این که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی در خصوص اموال عینی ایران را نقض کرده است، و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت محقق است.

۶۳۲- دیوان مضافاً حکم می‌کند که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۴۱۹]

(۹) ادعای ز-۱۴۶ (هواپیمایی آسمان/ایر کرفت گاورنر اینک.)

*( الف) مقدمه*

۶۳۳- خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۴۶ حداکثر جبران خسارت به مبلغ ۱۵۵،۵۱۹ دلار آمریکا به علاوه بهره بابت خسارات مستقیم علی‌الإدعا وارده ناشی از قصور ایالات متحده برای انجام ترتیبات انتقال برخی قطعات هواپیما است که برای تعمیر به ایالات متحده ارسال شده بود. ایران همچنین مدعی ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا برای خسارات تبعی ناشی از محرومیت از استفاده است.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۶۳۴- موضوع مورد اختلاف در این ادعا شش قطعهٔ هواپیما، یعنی پنج مجموعهٔ ملخ هواپیما، و یک فرستنده فشار سوخت («اقلام ز-۱۴۶») است که ایران مدعی است توسط ایر تاکسی و متعاقباً یک شرکت خصوصی به

[۴۱۹] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

نمایندگی از ایر سرویس، برای تعمیر به شرکتی آمریکایی به نام ایرکرفت گاورنر اینک. («ایرکرفت گاورنر») ارسال شده است.

**۶۳۵-** ایر تاکسی چندین قلم هواپیما را در اواخر دهه ۱۳۵۰ [۱۹۷۰] برای تعمیر به ایرکرفت گاورنر ارسال کرد.

**۶۳۶-** ایرکرفت گاورنر در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۶ [۱۰ مارس ۱۹۷۸] تلکسی را به ایر تاکسی فرستاد، از جمله، مبنی بر اعلام این‌که حمل قطعات در حال انجام است و درخواست کرد که ایر تاکسی مبلغ ۲۰،۰۰۰ دلار آمریکا را بابت جبران هزینه‌های حمل انتقال دهد.

**۶۳۷-** ایر تاکسی با تلکس مورخ اول خرداد ۱۳۵۷ [۲۲ مه ۱۹۷۸] از ایرکرفت گاورنر درخواست کرد که برخی سفارش‌های مرمت را پیگیری کند و «هر آن‌چه ممکن است را به منظور حمل فوری اقلام انجام دهد».

**۶۳۸-** ایرکرفت گاورنر در تاریخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] صورت‌حسابی به مبلغ ۱۸۴/۰۳ دلار آمریکا ارسال کرد، و اعلام نمود که فرستنده فشار سوخت «تعمیر و آزمایش» شده است. در مربع «تاریخ حمل» در صورت‌حساب ایرگاورنر تاریخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] ذکر شده است. سابقه همچنین حاوی یک سند حمل مورخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] با عنوان «دستورالعمل حمل‌کننده»، صادرشده توسط شرکت حمل، اینترکانتیننتال کاستم بروکرز اینک. («آی سی سی بی») پوشش‌دهندهٔ «۱ کارتون قطعات هواپیما» که اشعار می‌دارد که: (یک) «ارزش اعلام شدهٔ» اقلام برای گمرک ۱۸۴/۰۳ دلار آمریکا بوده است؛ (دو) ایرکرفت گاورنر حمل کننده بوده است؛ و (سه) ایر تاکسی گیرندهٔ نهایی بوده است.

**۶۳۹-** پرداخت‌های ایر تاکسی به ایرکرفت گاورنر در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] به تعویق افتاد. ایرکرفت گاورنر با تلکس مورخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ [اول اوت ۱۹۷۹] اخطاریه‌ای رسمی به ایر تاکسی ارسال کرد و اطلاع داد

که ایرکرفت گاورنر با توجه به عدم توانایی ایرتاکسی در تصفیه هزینه‌های ایرکرفت گاورنر «بیش از [تقریباً] یک سال» تمام مواد ایر تاکسی واقع در تأسیسات ایرکرفت گاورنر را به منظور جبران هزینه‌های خود تملک می‌کند.

**۶۴۰-** ایر تاکسی طی تلکس مورخ چهارم مهر ۱۳۵۸ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹] به ایرکرفت گاورنر اطلاع داد که ترتیباتی برای تصفیه تمام مبالغ پرداخت‌نشده ایرکرفت گاورنر «در آیندهٔ بسیار نزدیک» در حال انجام است.

**۶۴۱-** همان‌طور که در بالا ذکر شد،[۴۲۰] ایر تاکسی به همراه سایر شرکت‌های هواپیمایی در پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] توسط شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به واسطهٔ لایحه مورخ پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] ملی و در آسمان ادغام شدند.

**۶۴۲-** همان‌طور که گفته شد، آقای شیرازی، که قائم مقام مدیر کل امور مالی ایر تاکسی در آن دوران بود، در جلسات استماع شهادت داد که وزارت‌خانه‌های راه و ترابری، رفاه و تأمین اجتماعی، و امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری ایران سهام‌داران شرکت‌های هواپیمایی ملّی شده، شامل ایرتاکسی، شدند.[۴۲۱]

**۶۴۳-** آقای شیرازی مضافاً در جلسات استماع و در شهادت‌نامه‌اش شهادت داد که تمام شرکت‌هایی که با خطوط هواپیمایی ملی‌شده رابطهٔ کاری داشتند، فوراً از طریق بخش‌نامه تلکسی از ملی‌شدن خطوط هواپیمایی و ادغام آن‌ها در آسمان آگاه شدند.[۴۲۲]

**۶۴۴-** آسمان با تلکس مورخ ۱۲ آبان ۱۳۵۹ [سوم نوامبر ۱۹۸۰] ادغام ایر تاکسی، پارس ایر، ایر سرویس، و شرکت هور آسمان در خدمات هوایی آسمان را به ایرکرفت گاورنر اطلاع داد. آسمان مضافاً اظهار داشت که،

---

[۴۲۰] *بنگرید به* بند ۶۰۴، بالا.

[۴۲۱] *بنگرید به* بند ۶۰۶، بالا.

[۴۲۲] *بنگرید به* بند ۶۰۷، بالا.

به محض این‌که وضعیت ایجاد شده به واسطهٔ جنگ موجود آن زمان میان ایران و عراق تحت کنترل درآید، تمام بدهی‌های پرداخت نشده نسبت به ایرکرفت گاورنر را می‌پردازد.

۶۴۵- هیچ ادله‌ای حاکی از این که ایرکرفت گاورنر و آسمان بین نیمه دوم ۱۳۵۹ و ۱۳۶۵ [اواخر ۱۹۸۰ و ۱۹۸۶] در خصوص اقلام ز-۱۴۶ یا پرداخت‌های معوقه با یک‌دیگر مکاتبه‌ای کرده باشند، وجود ندارد. یک یادداشت داخلی وزارت امور خارجه ایالات متحده مورخ دوم مهر ۱۳۶۴ [۲۴ سپتامبر ۱۹۸۵] در مدارک مبنی بر گزارش جزئیات مکالمه‌ای تلفنی با ایرکرفت گاورنر اعلام می‌دارد که: (یک) ایرکرفت گاورنر در یافتن اسناد مربوط به اقلام ز-۱۴۶ مشکلاتی داشته است؛ (دو) ایرکرفت گاورنر دیگر دارای بخش تعمیرات نبوده است؛ (سه) اقلام مورد اختلاف برای تعمیرات «به اشخاص دیگری» داده شده بوده است؛ (چهار) ایرکرفت گاورنر بارهای متعددی اقلام موجود در انبار را به مکان‌های متفاوتی برده بوده؛ و (پنج) ایران در قبال ایرکرفت گاورنر صورت‌حساب‌های معوقه‌ای مجموعاً به مبلغ ۲۰،۰۰۰ – ۳۰،۰۰۰ دلار آمریکا داشته است.

۶۴۶- آسمان در تلکس مورخ اول آبان ۱۳۶۵ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۶] به ایرکرفت گاورنر اطلاع داد که سوابق ایر تاکسی سابق اعلام می‌داشت که «برخی قطعاتی که برای [تعمیر و بازبینی] در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ [۱۹۷۸-۱۹۷۷] به [ایرکرفت گاورنر] ارسال شد همچنان در [ایرکرفت گاورنر] باقی مانده است». آسمان درخواست کرد که ایرکرفت گاورنر به بررسی و اطلاع امر بپردازد. آسمان در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۶۵ [دوم دسامبر ۱۹۸۶] تلکس دیگری به ایرکرفت گاورنر ارسال کرد و درخواست خود مبنی بر به روز کردن وضعیت قطعات مذکور را تکرار نمود.

۶۴۷- ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که راجع به اقلام ز-۱۴۶ نیازمند اطلاعات بیش‌تری است. ایالات متحده در گزارش مورخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که آسمان مبلغ ۲۰،۰۰۰ – ۳۰،۰۰۰

دلار آمریکا بابت صورت‌حساب‌های معوقه به ایر کرفت گاورنر بدهکار است. ایالات متحده در گزارش مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت که ایرکرفت گاورنر به منظور تقلیل خسارات ناشی از عدم پرداخت ایران بابت حق حبس کارگران به مبلغ تقریبی ۲۴،۰۰۰ دلار آمریکا، برخی از قطعات یدکی را در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به ایران حمل، برخی سفارش‌ها را لغو، و سایر قطعات را اوراق کرده است.

۶۴۸- ایرکرفت گاورنر در اوایل دهه ۱۳۷۰ [۱۹۹۰] فعالیت کاری خود را متوقف کرد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۶۴۹- ایران بر این موضع است که آسمان به عنوان شرکتی دولتی در تاریخ پنجم تیر ۱۳۵۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۸۰] متعاقب ادغام چندین خطوط هوایی ایرانی شامل ایر تاکسی تأسیس شد. ایران مدعی است که ملی‌شدن خطوط هوایی مذکور هم‌زمان به تمام شرکای قراردادی خارجی شامل ایرکرفت گاورنر اطلاع داده شد. وفق اظهارات ایران، این مسئله که آیا ایرکرفت گاورنر در مورد ملی‌شدن مذکور آگاهی داشته است یا خیر ذی‌ربط نیست؛ زیرا در این ادعا مسؤولیت ایالات متحده در بند ۹ ارزیابی می‌شود، و ایالات متحده می‌دانسته و انکار نمی‌کند که آسمان در راستای اهداف بیانیه‌های الجزایر، شرکتی دولتی بوده است.

۶۵۰- ایران استدلال می‌کند که اثبات کرده است که اقلام ز-۱۴۶ در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] وجود داشته و در تصرف ایرکرفت گاورنر بوده است.

۶۵۱- وفق اظهارات ایران، ایالات متحده در گزارش‌های خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متعرّض وجود اقلام مذکور در قلمرو قضایی خود در آن تاریخ نشد، بلکه صرفاً متذکر شد که پرداخت‌های آسمان به ایرکرفت گاورنر معوقه بوده‌اند.

۶۵۲- ایران در خصوص فرستنده فشار سوخت اظهار می‌دارد که صورت‌حساب مورخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] ایرکرفت گاورنر حاکی از دلایل کافی برای اثبات این امر نیست که قلم مذکور واقعاً به ایر تاکسی حمل شده است.

۶۵۳- ایران در خصوص مجموعه‌های ملخ‌ها اظهار می‌دارد که با توجه به سایر مدارک موجود در سابقه، واضح است که ایر تاکسی همیشه در خصوص دریافت اقلام، رسیدی را به ایرکرفت گاورنر ارسال کرده است. ایران تأکید می‌کند از آن‌جا که چنین رسیدی در مورد مجموعهٔ ملخ‌ها یافت نمی‌شود، ثابت شده است که آن‌ها هیچ‌گاه بازگردانده نشده‌اند.

۶۵۴- برای ایران، دلیل این که چرا اقلام ز-۱۴۶ انتقال نیافت این بود که آن اقلام مشمول حق حبس به نفع ایرکرفت گاورنر بود.

۶۵۵- ایران منکر آن است که تعهدی برای تسهیل انجام تعهد ذیل بند ۹ ایالات متحده داشته است. ایران متذکر می‌گردد که به هر تقدیر، آسمان همواره استرداد اقلام مذکور را از ایرکرفت گاورنر درخواست کرده و بدین منظور به آن شرکت دستورالعمل داده است. در تأیید این سخن، ایران به مکاتبات متعددی استناد می‌کند که هم قبل و هم بعد از تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] انجام شده که طی آن‌ها از ایرکرفت گاورنر درخواست شده که اقلام مذکور را بازگرداند، و تمایل آن دولت به حل و فصل بدهی‌های معوقه ابراز شده است.

۶۵۶- در پرتو مراتب بالا، ایران مدعی است که ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ برای فراهم آوردن ترتیبات انتقال اقلام ز-۱۴۶ به ایران را نقض کرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۶۵۷- ایالات متحده استدلال می‌کند که آسمان در دادن اطلاعِ به موقع به ایرکرفت گاورنر مبنی بر این‌که ایرتاکسی در نهادی متعلق به دولت ایران ادغام شده، قصور کرده است.

۶۵۸- به علاوه، ایالات متحده همان‌گونه که صورت‌حساب ایرکرفت گاورنر مورّخ ۱۸ مهر ۱۳۵۸ [۱۰ اکتبر ۱۹۷۹] نشان می‌دهد، بازگردانده‌شدن فرستنده فشار سوخت را قبل از انعقاد بیانیه‌های الجزایر به ایران، اثبات‌شده تلقی می‌کند.

۶۵۹- ایالات متحده ادعا می‌کند که هیچ سندی راجع به دو فقره از پنج مجموعه ملخ مذکور وجود ندارد که اثبات کند آن دو ملخ به ایرکرفت گاورنر حمل شده است.

۶۶۰- نهایتاً، ایالات متحده با تکیه بر تلکس مورخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ [اول اوت ۱۹۷۹] از ایرکرفت گاورنر[۴۲۳] ادعا می‌کند که سه فقره از پنج مجموعه ملخ مذکور قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] به منظور تصفیه بدهی ایرتاکسی به ایرکرفت گاورنر فروخته شده است.

۶۶۱- ایالات متحده تأکید می‌کند که ایرکرفت گاورنر مطابق حقوق کالیفرنیا عمل کرده است و در نبود دستورالعمل و اعلام صحیح از سوی ایران، هیچ اقدام دیگری نمی‌توانست از سوی ایالات متحده متصور باشد.

---

[۴۲۳] *بنگرید به* بند ۶۳۹، بالا.

۶۶۲- در پرتو اوضاع و احوال مشروح در بالا، ایالات متحده ادعا می‌کند که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری نمی‌توانسته سبب هرگونه عدم انتقال اقلام ز-۱۴۶ به ایران باشد و در این ادعا ذی‌ربط نیست.

۶۶۳- وفق اظهارات ایالات متحده، این واقعیت که گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] این دولت به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شده است که آسمان مبلغ ۲۰،۰۰۰-۳۰،۰۰۰ دلار آمریکا به ایرکرفت گاورنر در خصوص صورت‌حساب‌های پرداخت‌نشده بدهکار است، بر خلاف استدلال‌های ایران، نشان نمی‌دهد که اقلام ز-۱۴۶ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان توسط ایرکرفت گاورنر نگه داشته شده‌اند. ایالات متحده در این ارتباط تکرار می‌کند که گزارش‌های این دولت در خصوص اموال عینی ایران اظهارات حقوقی قاطعی نیستند که، به ادعای ایالات متحده، در این‌جا روشن است زیرا ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود ملاحظه کرد که: «شرکت در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به منظور تقلیل خسارات ناشی از عدم پرداخت ایران چند قطعه یدکی را به ایران حمل کرد، سایر سفارش‌ها را لغو نمود و باقی قطعات را فروخت. ... نهادها در آن زمان تحت کنترل دولت نبودند».

*(ت) تصمیم دیوان*

۶۶۴- همان‌طور که ذکر شد،[۴۲۴] آسمان مشمول تعریف «ایران» در بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل می‌باشد.

۶۶۵- دیوان به این مسئله می‌پردازد که آیا اقلام ز-۱۴۶ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده وجود داشته‌اند یا خیر.

۶۶۶- دیوان راجع به فرستنده فشار سوخت متذکر می‌گردد که صورت‌حساب ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] ایرکرفت گاورنر بالغ بر ۱۸۴/۰۳ دلار آمریکا نشان می‌دهد که فرستنده فشار سوخت تا تاریخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰

[۴۲۴] *بنگرید به* بند ۶۲۶، بالا.

ژانویه ۱۹۷۹] تعمیر و آزمایش شده بود.[۴۲۵] صورت‌حساب مذکور همچنین نشان می‌دهد که فرستنده مذکور دقیقاً یا حدوداً در تاریخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] یعنی تاریخ صورت‌حساب، آمادهٔ ارسال به ایران بوده است. مضافاً، مدارک حمل صادر شده توسط آی‌سی‌سی‌بی قویاً القا می‌کند که فرستندهٔ فشار سوخت تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۰ ژانویه ۱۹۷۹] آمادهٔ حمل به ایر تاکسی بوده است.[۴۲۶]

۶۶۷- در پرتو این مدارک، دیوان نتیجه می‌گیرد که محتمل‌تر آن است که فرستندهٔ فشار سوخت بسیار قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران منتقل شده باشد. بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که این قلم در آن تاریخ در قلمرو قضایی ایالات متحده نبوده است.

۶۶۸- راجع به پنج مجموعه ملخ، با توجه به کمبود ادله و مدارک در سابقه، دیوان در وضعیتی نیست که با قطعیت تعیین کند که آیا آن‌ها در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند یا خیر. ادله صرفاً اثبات می‌کند که آن‌ها در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ [اول اوت ۱۹۷۹] یعنی تاریخ ارسال تلکس ایرکرفت گاورنر به ایر تاکسی، دال بر این که، به جهت ناتوانی ایرتاکسی در فیصلهٔ هزینه‌های ایرکرفت گاورنر، ایرکرفت گاورنر در حال تصرف تمام مواد ایرتاکسی به منظور جبران هزینه‌های ایرکرفت گاورنر می‌باشد،[۴۲۷] در اختیار ایرکرفت گاورنر بوده است. با این حال، این که مجموعه‌های ملخ در ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ [اول اوت ۱۹۷۹] در تصرف ایرکرفت گاورنر بوده، لزوماً بدین معنا نیست که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند، و دیوان، مطابق سابقهٔ موجود، آمادگی ندارد که فرض بگیرد

---

[۴۲۵] *بنگرید به* بند ۶۳۸، بالا.

[۴۲۶] *بنگرید به* همانجا.

[۴۲۷] *بنگرید به* بند ۶۳۹، بالا.

که چنین بوده‌اند. متحمل‌تر آن است که ایرکرفت گاورنر مجموعه‌های ملخ را بسیار قبل از آن تاریخ به منظور جبران هزینه‌های پرداخت‌نشده در بدهی ایرتاکسی فروخته باشد.

۶۶۹- دیوان با نظر به یافته‌های خود در بالا، نیازی نمی‌بیند که به این مسئله بپردازد که آیا ایر گاورنر از این مسئله آگاه بوده که آسمان در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نهادی در کنترل دولت بوده است یا خیر.

۶۷۰- بنا بر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۴۶ را رد می‌کند.

(۱۰) ادعای تکمیلی ۳ – (۱) (وزارت کشاورزی ایران/اروس/اریم)

*(الف) مقدمه*

۶۷۱- خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۳–(۱) مبلغ ۲،۰۸۰ دلار آمریکا به اضافه بهره بابت خسارات علی‌الإدعا وارده ناشی از قصور ایالات متحده در انتقال ۱۲ نوار مغناطیسی حاوی تصاویر ماهواره‌ای کشت‌زارها در شمال ایران می‌باشد که در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] توسط دفتر خدمات فنی وزارت کشاورزی ایران («وزارت‌خانه») از مرکز اطلاعات اروس، سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده («اروس»)، که بخشی از وزارت کشور ایالات متحده است، خریداری شد.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۶۷۲- وزارت‌خانه در تاریخ نهم شهریور ۱۳۵۷ [۳۱ اوت ۱۹۷۸] ۲۰ نوار مغناطیسی («نوارها») را به اروس سفارش داد که حاوی تصاویر ماهواره‌ای کشت‌زارها در شمال ایران بود. وزارت‌خانه مبلغ ۴،۰۰۰ دلار آمریکا را بابت این نوارها (یعنی به ازای هر نوار، ۲۰۰ دلار آمریکا) طی چک شماره ۵۱۳۶۷ مورخ ۱۶ آبان ۱۳۵۷ [هفتم سپتامبر ۱۹۷۸] پرداخت کرد.

۶۷۳- وزارت‌خانه در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ [۱۹ اوت ۱۹۷۸] یعنی کمی قبل از سفارش‌دادن ۲۰ نوار، قرارداد جداگانه‌ای با شرکت آمریکایی دیگری به نام مؤسسه تحقیقات محیط زیستی میشیگان («اریم») جهت تحلیل تصاویر مندرج در نوارها را به منظور افزایش تولید برنج در منطقه دریای خزر منعقد کرده بود. قرارداد مذکور ظاهراً مقرر می‌داشت که اریم باید کار خود را بین تاریخ‌های ۲۸ مرداد و نهم دی ۱۳۵۷ [۱۹ اوت و ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸] انجام دهد.

۶۷۴- وزارت‌خانه در زمان دادن سفارش در تاریخ نهم شهریور ۱۳۵۷ [۳۱ اوت ۱۹۷۸] بابت ۲۰ نوار درخواست نمود که اروس فوراً پنج فقره از نوارها را به اریم که متعاقباً نوارها را به صورت دستی به تهران حمل می‌کند تحویل دهد.

۶۷۵- اریم بر اساس لایحه تقدیمی ایالات متحده به نمایندگی از اریم در پرونده شماره ۱۰۰۰۹[۴۲۸] تا مهر ۱۳۵۷ [اکتبر ۱۹۷۸] نخستین مرحله قرارداد خود با آن وزارت‌خانه را انجام داد. با این حال، اریم اظهار داشت که وزارت‌خانه هیچ‌گاه این صورت‌حساب را پرداخت نکرد. در نتیجه، اریم در آبان ۱۳۵۷ [نوامبر ۱۹۷۸] کار را متوقف نمود.

۶۷۶- اروس با نامه مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] به وزارت‌خانه اطلاع داد که یکی از نوارها قابل پردازش به فرمت دیجیتال نیست. اروس پیش‌نهاد صدور تصاویر جایگزین را داد و اشاره کرد که در صورت عدم دریافت پاسخ از سوی وزارت‌خانه، اروس بازپرداخت را انجام می‌دهد. سابقه پرونده فاقد ادله و مدارک حاکی از پاسخی از سوی وزارت‌خانه می‌باشد.

---

[۴۲۸] *بنگرید به* بند ۶۷۹، زیر.

۶۷۷- دو رسید انبار از آن وزارت‌خانه به ترتیب، به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ و سوم فروردین ۱۳۵۹ [۲۰ مارس ۱۹۷۹ و ۲۳ مارس ۱۹۸۰] نشان می‌دهد که هشت نوار از اروس دریافت شده است. ایران مدعی است که تنها آن هشت نوار توسط وزارت‌خانه در ایران دریافت شده است، در حالی که ایالات متحده مدعی است که مجموع ۱۳ نوار دریافت شده است (یعنی هشت نواری که دریافت‌شان توسط رسیدهای انبار، اثبات شده و پنج نواری که وزارت‌خانه درخواست کرده که توسط اریم حمل شود).

۶۷۸- اروس با نامه مورخ ۲۴ مهر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۹] به وزارت‌خانه اطلاع داد که حساب وزارت‌خانه مذکور بیش از ۹۰ روز است که غیرفعال می‌باشد و مانده اعتبار آن ۱،۴۰۰ دلار آمریکا است. اروس از وزارت‌خانه خواست در صورتی که می‌خواهد حساب مذکور مفتوح بماند، مراتب را تأیید کند و اظهار کرد که در صورت عدم پاسخ، آن حساب بسته شده و مانده مذکور مسترد خواهد شد. مدرکی در پاسخ به این نامه در سابقه وجود ندارد.

۶۷۹- ایالات متحده در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی از جانب اریم در پرونده شماره ۱۰۰۰۹ ارائه کرد و ادعا نمود که وزارت‌خانه، قرارداد میان اریم و وزارت‌خانه را با قصور در پرداخت به اریم نقض کرده است.

۶۸۰- ایران در تاریخ پنجم مهر ۱۳۶۲ [۲۷ سپتامبر ۱۹۸۳] ادعای تکمیلی ۳-(۱) را به پرونده‌های حاضر اضافه نمود و «نقشه‌برداری زمین‌شناسی، مرکز اطلاعات اروس، در سو فالز داکوتای جنوبی» را به عنوان «متصرف/فروشنده» «۱۲ نوار کامپیوتری» در ایالات متحده معرفی کرد.

۶۸۱- ایالات متحده متعاقب ثبت این ادعاها در دیوان، راجع به، از جمله، ادله و مدارکی که نشان دهد پنج نوار مشروح در بالا به ایران حمل شده است با اریم به تبادل مکاتبه پرداخت. پرونده شماره ۱۰۰۰۹ در خرداد/تیر

۱۳۶۹ [ژوئن ۱۹۹۰] از طریق موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک منعقده میان ایران و ایالات متحده فیصله یافت.

*(پ) اظهارات طرفین*

*مسئله مقدماتی: موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک*

**۶۸۲-** ایالات متحده به عنوان مبانی مقدماتی برای رد ادعا استدلال می‌کند که ادعای تکمیلی ۳-(۱) باید رد شود زیرا مشمول موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک است.[۴۲۹] وفق اظهارات ایالات متحده، ایران مطابق ماده ۶ موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک «با اعراض از گسترهٔ وسیعی از ادعاها یا ادعاهای بالقوه علیه ایالات متحده موافقت کرده است». ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که این اعراض، چنان که ایران استدلال می‌کند، محدود به ادعاهای متقابلی نمی‌باشد که می‌توانست در رسیدگی به دعاوی کوچک مطرح شود، بلکه شامل اختلافات متصل یا مرتبط با ادعاهایی نیز می‌باشد که اقامه شده است، می‌توانسته اقامه شود یا در آینده امکان اقامه دارد، نیز می‌شود. بدین ترتیب، ایالات متحده استدلال می‌کند که چون ادعای تکمیلی ۳-(۱) بسیار به پرونده شماره ۱۰۰۰۹ نزدیک است موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک مانع اقامه این ادعا می‌باشد.

**۶۸۳-** ایالات متحده همچنین مدعی است که اریم قویاً در معامله اروس درگیر بوده و این امر، پیش‌شرطِ «مرتبط با» مقتضای موجود در موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک را برآورده می‌کند. بنا بر اظهارات ایالات متحده، معامله‌های میان وزارت‌خانه و اروس و اریم دقیقاً مرتبط‌اند، بنابراین، قرارداد وزارت‌خانه با اروس باید به عنوان امری «مرتبط با» حل و فصل کوچک اریم تلقی شود.

---

[۴۲۹] *بنگرید به* بند ۳۶۰، بالا.

۶۸۴- ایالات متحده مدعی است که استدلال ایران مبنی بر این که ایران در پرونده شماره ۱۰۰۰۹ نمی‌توانسته علیه اروس به عنوان ادعای متقابل طرح دعوا کند، نامربوط است زیرا ایران با اعراض در قبال ایالات متحده نه فقط بابت ادعاهای متقابل، بلکه بابت محدوده بسیار وسیع‌تری از «اختلافات، مناقشات، ادعاها ... و موضوعات ... مربوط به» دعاویِ فیصله‌یافته موافقت نموده است. موضع ایالات متحده این است که ادعای تکمیلی ۳-(۱) بر اساس رویه قضائی دیوان می‌توانسته در پرونده شماره ۱۰۰۰۹ به عنوان ادعای متقابل اقامه شود زیرا اختلاف مذکور حتی اگر از قرارداد مشابهی نشأت نگرفته بود بلکه از «معامله یا واقعهٔ» مشابهی ناشی شده بود.

۶۸۵- ایالات متحده در پاسخ به استدلال ایران مبنی بر این که این ادعا با موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک منع نمی‌شود، زیرا اروس فروشنده نوارهای مذکور بود، در حالی که پرونده شماره ۱۰۰۰۹ به نمایندگی از اریم اقامه شده بود، معروض می‌دارد که موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک مادامی که موضوعاتْ مرتبط‌اند، مستلزم آن نیست که طرفین اختلاف یکی باشند. به علاوه، ایالات متحده متذکر می‌شود که خودِ ایران مدعی است که برخی از نوارها در تصرف اریم است و این باعث می‌شود که آن مؤسسه طرف مربوط معامله باشد. ایالات متحده در پاسخ به استدلال ایران که موضوع معاملات با اروس و اریم متفاوت می‌باشد مدعی است که هر دوی آن معاملات به نوارها مربوط می‌شود و هر دو معامله به شدت در هم آمیخته‌اند.

۶۸۶- ایالات متحده در پاسخ به این استدلال ایران که موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک صرفاً دعاوی فهرست‌شده در موافقت‌نامه مذکور (یعنی فارغ از دعاوی الف) را فیصله داده، معروض می‌دارد که فهرست دعاوی فیصله‌یافته، ماده ۶ آن را محدود نکرده است. ایالات متحده همچنین متذکر می‌گردد که پذیرش ایران مبنی بر این که اروس ظاهراً پنج نوار را به اریم تحویل داده است، سند دیگری است مبنی بر این که این دعوا مشمول موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک می‌باشد.

۶۸۷- ایران به نوبه خود استدلال می‌کند که هیچ ارتباطی میان موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک، که پرونده شماره ۱۰۰۰۹ را فیصله داده و ادعای تکمیلی ۳-(۱) وجود ندارد و این دو ادعا به صورت جداگانه ثبت شده و رسیدگی‌های مربوط به خودشان داشته است. بنا بر اظهارات ایران، برای این که دعوا در راستای اهداف موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک ذی‌ربط تلقی شود باید وحدت خوانده، خواهان، موضوع و مبنای دعوا موجود باشد. با این حال، در این ادعا، طرفینِ هر یک از دعاوی، متفاوت هستند؛ پرونده شماره ۱۰۰۰۹ به نمایندگی از اریم ثبت شده در حالی که ادعای تکمیلی ۳-(۱) به نوارهایی مربوط است که از اروس خریداری شده است. به علاوه، ایران متذکر می‌گردد که در حالی که ادعای تکمیلی ۳-(۱) از قصور ایالات متحده در انجام اقدامات برای انتقال نوارها به ایران ناشی شده، پرونده شماره ۱۰۰۰۹ از قراردادی ناشی شده است که میان اریم و وزارت‌خانه برای خدمات متفاوتی منعقد گردیده بود. بدین ترتیب، مطابق اظهارات ایران، خرید ۲۰ نوار مذکور از اروس نمی‌تواند معامله‌ای مشابه قرارداد خدمات امضاشده با اریم قلمداد شود.

۶۸۸- ایران همچنین استدلال می‌کند که طرفین با امضای موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک قصد نداشته‌اند که هرگونه اختلاف موجود میان دو دولت راجع به تفسیر و اعمال بیانیه‌های الجزایر را فیصله دهند. طرفین فارغ از عبارات ماده ۶ موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک فهرستی از تمام پرونده‌های در دست رسیدگی برای حل و فصل را شمارش کرده‌اند. بنا بر اظهارات ایران، در آن فهرست، هیچ اشاره‌ای به هیچ یک از وجوه پرونده‌های حاضر نشده است.

*سایر موضوعات: اظهارات ایران*

۶۸۹- ایران تصدیق می‌کند که: (یک) پنج فقره از نوارها به اریم تحویل داده شده است؛ و (دو) هفت نوار باقی‌مانده نمی‌توانسته تحویل داده شود و بدین ترتیب، اروس بازپرداخت مبالغ را به وزارت‌خانه مدیون بود. با

این حال، ایران بر ادعای خود بابت خسارات پابرجاست زیرا آن وزارت‌خانه پنج نواری را که به اریم تحویل داده شد دریافت نکرد و مبلغ ۱،۴۰۰ دلار آمریکای بازپرداخت را از اروس دریافت ننمود.

**۶۹۰-** ایران استدلال می‌کند که به محض تحویل آن پنج نوار به اریم، حق مالکیت آن‌ها به ایران منتقل شده است. بنابراین، ایران معروض می‌دارد که با توجه به این که ایالات متحده، تحویل پنج نوار مذکور به اریم را تصدیق کرده است، مسئله حق مالکیت آن نوارها محل بحث نیست. ایران در پاسخ به استدلال ایالات متحده مبنی بر این که ایران ثابت نکرده است که پنج نوار را از اریم دریافت نکرده، استدلال می‌کند که نباید از ایران خواسته شود تا امری عدمی را اثبات کند، و اگر تحویل به واقع اتفاق افتاده بود ایالات متحده باید می‌توانست ادله‌ای در آن خصوص ارائه کند.

**۶۹۱-** ایران در خصوص هفت عدد از نوارهای باقی‌مانده استدلال می‌کند که هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد اروس مبلغ آن نوارها را به آن وزارت‌خانه مسترد کرده است. ایران مدعی است که نامه ارسالی اروس مورخ ۲۴ مهر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۹] که به امکان استرداد اشاره دارد ثابت نمی‌کند که استرداد مذکور واقعاً به وقوع پیوسته است.

**۶۹۲-** ایران به علاوه استدلال می‌کند که باید فرض شود که به جهت مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، ۱۲ نوار مذکور منتقل نشدند، زیرا آن‌ها متنازع‌فیه و/یا مشمول حق حبس بوده‌اند.

*موضوعات باقی‌مانده: اظهارات ایالات متحده*

**۶۹۳-** ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نشان نداده است که نوارهای مذکور در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. به ویژه، ایالات متحده بر اساس نامه مورخ نهم شهریور ۱۳۵۷ [۳۱ اوت ۱۹۷۸] که فوقاً توصیف شد، مدعی است که پنج نواری که به اریم دستور داده شده بود

به صورت دستی به ایران تحویل دهد به ایران تحویل داده شد. ایالات متحده معروض می‌دارد که ایران نشان نداده است که این تحویل رخ نداده یا این که هیچ گونه اعتراضی در آن زمان راجع به عدم تحویل شده باشد. ایالات متحده در خصوص هفت نوار باقی مانده مدعی است که ایران بازپرداخت کاملی دریافت کرده است و بدین ترتیب، هیچ ادعایی علیه اروس یا ایالات متحده ندارد. ایالات متحده بر این موضع است که ادله و مدارک نشان می‌دهند که آن نوارها نمی‌توانسته تولید شود، این که به وزارت‌خانه مذکور پیش‌نهاد استرداد وجه به مبلغ ۱،۴۰۰ دلار آمریکا شد، و این که هیچ ادله و مدارک هم‌زمانی مبنی بر این که استرداد وجه مذکور صورت نگرفته است وجود ندارد.

**۶۹۴-** ایالات متحده استدلال می‌کند که حتی اگر دیوان حکم کند که نوارها در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است، ایران نتوانسته اثبات نماید که وزارت‌خانه مذکور در آن تاریخ مالک نوارهای مذکور بوده است. بنا بر اظهارات ایالات متحده دیوان به منظور تصمیم‌گیری در موضوع حق مالکیت، در نبود شروط قراردادی در خصوص انتقال مالکیت، باید به حقوق میشیگان به عنوان محلی نظر کند که اریم به عنوان متصرف ادعاییِ پنج نوار مذکور در آن اقامت داشته است. از آن‌جا که ایران ادعا می‌کند که تحویل هیچ‌گاه صورت نگرفته است، پس حق مالکیت به وزارت‌خانه منتقل نشده و بدین ترتیب، پنج نوار مذکور، «اموال ایران» در راستای اهداف بند ۹ قلمداد نمی‌شود.

**۶۹۵-** به علاوه، ایالات متحده استدلال می‌کند که به هر تقدیر ایران نتوانسته نشان دهد که متعاقب بیانیه‌های الجزایر، دستور انتقال نوارها را به اروس و/یا اریم داده است. وفق اظهارات ایالات متحده، ایران همچنین نتوانسته نشان دهد که ایالات متحده را از نیاز خود به مساعدت در انتقال نوارهای مذکور قبل از لایحه نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] خود در پرونده‌های حاضر مطلع کرد.

۶۹۶- ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که ایران نشان نداده است که ایالات متحده باید چه گام‌های معقول دیگری برای تمهید انتقال نوارها برمی‌داشته است. ایالات متحده متذکر می‌گردد که زمانی که ادعای حاضر به ایالات متحده ابلاغ شد، آن دولت به موقع به منظور بررسی در مورد پنج نوار مذکور با اریم مکاتبه و در سال ۱۳۶۸ [۱۹۸۹] به منظور حصول اطمینان از این که ایالات متحده تمام اقدامات لازم برای انتقال آن‌ها را انجام داده است به مکاتبه با اریم ادامه داد.

*(ت) تصمیم دیوان*

۶۹۷- در پرتو موضع اخیر ایران در جلسات استماع، دو دسته جداگانه اقلام وجود دارد که دیوان باید در مورد آن‌ها تعیین تکلیف کند: (یک) پنج نوار که مسلماً به اریم تحویل داده شده است؛ و (دو) پیش‌پرداختی که وزارت‌خانه بابت هفت نوار باقی‌مانده انجام داده است.

*مسئله مقدماتی: موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک و ادعای خسارات ایران بابت عدم تحویل پنج نوار به ایران*

۶۹۸- نخست، دیوان بررسی می‌کند که آیا موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک، مانع ادعای تکمیلی ۳-(۱) ایران است یا خیر.

۶۹۹- همان‌طور که قبلاً ذکر شد،[۴۳۰] محدوده و موضوع موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک بر اساس ماده دو (یک) آن چنین است

> حل و فصل و رد و ختم قطعی و همیشگی کلیه اختلافات، مناقشات، ادعاها و ادعاهای متقابل و موضوعاتی که مستقیماً یا من غیرمستقیم، از روابط، قراردادها، معاملات، رویدادها، تعهدات، حقوق

[۴۳۰] *بنگرید به* بندهای ۳۷۲، بالا.

و علایق مندرج در، ناشی از یا مرتبط با دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، پرونده شماره ۸۶ و پرونده شماره ب ۳۸ ناشی شده یا محتمل‌الوقوع باشند.[۴۳۱]

۷۰۰- به علاوه، دیوان توافق بر ابراء مندرج در بند (دو) ماده شش از موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک را یادآور می‌شود که در آن، ایران، ایالات متحده را از موارد زیر بری‌الذمه کرده است

یکایک و کلیه ادعاها، اسباب دعاوی، حقوق، علایق و مطالبات عینی یا شخصی، اعم از قبلی، فعلی یا آتی که در ارتباط با اختلافات، مناقشات، ادعاها، ادعاهای متقابل و موضوعات مندرج در، مربوط به، ناشی از یا احتمالاً قابل طرح به سبب دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار ...[۴۳۲]

۷۰۱- در پرتو مراتب بالا، مسئله مقدماتی در پیش‌گاه دیوان این است که آیا ادعای تکمیلی ۳-(۱) تا جایی که با پنج نوار تحویل داده شده به اریم در ارتباط است، می‌توانسته از «روابط، قراردادها، معاملات، رویدادها، تعهدات، حقوق و علایق مندرج در، ناشی از یا مرتبط با» پرونده شماره ۱۰۰۰۹ ناشی باشد یا محتمل الوقوع باشد، یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد، موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک، تا جایی که در ارتباط با پنج نوار مذکور است، مانع ادعای ایران می‌باشد.

۷۰۲- از یک سو، پرونده شماره ۱۰۰۰۹ به نقض ادعایی وزارت‌خانه در قرارداد خود با اریم مربوط است. چنان‌که قبلاً ذکر شد[۴۳۳] قرارداد مذکور، اریم را موظف به تحلیل تصاویر ذخیره شده در نوارهایی کرده بود که وزارت‌خانه مذکور ذیل قرارداد جداگانه‌ای از اروس به دست آورده بود. از سوی دیگر، موضوع ادعای تکمیلی ۳-(۱) مربوط است به: (یک) پنج نواری که مطابق دستورالعمل‌های ارائه‌شده توسط وزارت‌خانه در مکاتبات

---

[۴۳۱] *ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۴۸۳ – دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار *۸۶/ب-۳۸/ب-۷۶/ب-۷۷-دیوان عمومی، «موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار، پروندهٔ شماره ۸۶ و پروندهٔ ب-۳۸»، ماده دو (یک) اول تیر ۱۳۶۹ [۲۲ ژوئن ۱۹۹۰]، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۵، ص ص ۳۲۷، ۳۳۳.

[۴۳۲] *بنگرید به* بندهای ۳۷۳، بالا.

[۴۳۳] *بنگرید به* بندهای ۶۷۳، بالا.

خود، در تاریخ نهم شهریور ۱۳۵۷ [۳۱ اوت ۱۹۷۸][۴۳۴] به اریم در میشیگان تحویل داده شد، که اریم به نوبه خود موظف به تحویل آن به وزارت‌خانه بوده است؛ و (دو) استرداد مبلغ ۱،۴۰۰ دلار آمریکا بابت هفت نواری بود که بی‌شک تولید نشده بود.

**۷۰۳-** دیوان تصدیق می‌کند که وزارت‌خانه مذکور دو قرارداد جداگانه با اروس و اریم، به ترتیب، برای خرید نوارها و برای تحلیل تصاویر ذخیره‌شده در نوارها داشته است. با این حال، دو اختلاف (پرونده شماره ۱۰۰۰۹ و ادعای تکمیلی ۳-(۱) به شدت به هم مرتبط‌اند و مسلماً به همان معامله یا رویداد راجع هستند. این امر، به ویژه، در مورد پنج نوار تحویلی به اریم پیرو دستورالعمل‌های آن وزارت‌خانه مصداق دارد. وزارت‌خانه با دادن دستورالعمل به اروس به منظور تحویل پنج نوار به اریم برای تحویل آن‌ها به ایران، و از آن‌جا که آن پنج نوار در واقع، چنان‌که ایران تصدیق می‌کند، به اریم تحویل شده بود، ارتباط محکم‌تری میان دو قرارداد برقرار کرده است. نه تنها هر دو قرارداد به همان نوارها (یکی برای خرید آن و دیگری برای تحلیل آن) مربوط بود، بلکه مطابق دستورالعمل‌های وزارت‌خانه، پنج فقره نوار توسط اروس به اریم برای حمل دستی به ایران تحویل داده شد. بنابراین، ایران می‌توانست انتخاب کند که ادعای خود بابت پنج نوار را در چارچوب پرونده شماره ۱۰۰۰۹ اقامه کند.

**۷۰۴-** موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک به منظور حل و فصل کلیه اختلافات، مناقشات، ادعاها و ادعاهای متقابل و موضوعات موجود یا محتمل‌الوقوع در رابطه با ادعاهای کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار، پرونده شماره ۸۶، و پرونده شماره ب-۳۸ برای همیشه و به طور قطعی در سال ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] منعقد شد.[۴۳۵] موافقت‌نامه

---

[۴۳۴] *بنگرید به* بندهای ۶۷۴، بالا.

[۴۳۵] *بنگرید به ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۴۸۳ – دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار*/۸۶/ب-۳۸/ب-۷۶/ب-۷۷-دیوان عمومی، «موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، پروندهٔ شماره ۸۶ و پروندهٔ ب-۳۸»، ماده دو (یک) اول تیر ۱۳۶۹ [۲۲ ژوئن ۱۹۹۰]، *منتشره در* گزارش آراء دیوان، ج ۲۵، ص ص ۳۲۷، ۳۳۳.

حل و فصل دعاوی کوچک با این هدف، حاوی موادی است که هر دوی ایران و ایالات متحده را ملزم می‌کند که یک‌دیگر را از «یکایک و کلیه ادعاها، اسباب دعاوی، حقوق، علایق و مطالبات» که مربوط به یک دعوای کوچک فیصله‌یافته و پرونده‌های شماره ۸۶ و ب-۳۸ است بری‌الذمه کنند.[۴۳۶]

۷۰۵- دیوان به دلایل بالا حکم می‌کند که مطابق مواد دو و شش موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک، ایران با ابراء و اعراض از هرگونه دعوا در رابطه با پنج نواری که مسلماً تحویل اریم شده، موافقت کرده است، زیرا آن ادعاها می‌توانست در ارتباط با پرونده شماره ۱۰۰۰۹ طرح شود. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کوچک، مانع طرح دعوای ایران بابت پنج نوار مذکور می‌باشد.

*ادعا بابت پیش‌پرداخت*

۷۰۶- ایران در جلسه استماع پذیرفت که باقی هفت نوار نمی‌توانسته تحویل داده شود و بدین ترتیب، ادّعا کرد که مستحق بازپرداخت ۱،۴۰۰ دلار آمریکا است.

۷۰۷- چنان‌که در بالا اشاره شد، دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که محدوده «اموال ایران» مندرج در بند ۹ منحصراً محدود به اموال عینی است که می‌تواند «انحصاراً تملک» شوند.[۴۳۷] داشتن تعهد دینی به ایران به وضوح، یک فقره عینی از مال تلقی نمی‌شود، بلکه در بهترین حالت، به معنای ذی‌نفع بودن در مال است. بدین ترتیب، این امر وفق بند ۹ در محدوده «اموال ایران» قرار نمی‌گیرد. نتیجه این که دیوان ادعای ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت مبتنی بر بند ۹ را رد می‌کند.

---

[۴۳۶] *بنگرید به ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۴۸۳ – دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار *۸۶/ب-۳۸/ب-۷۶/ب-۷۷-دیوان عمومی، «موافقت‌نامه حل و فصل دعاوی کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار، پروندهٔ شماره ۸۶ و پروندهٔ ب-۳۸»، ماده شش (یک)-(دو)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۵، ص ص ۳۳۵-۳۳۶.

[۴۳۷] *بنگرید به* بندهای ۹۹، بالا.

۷۰۸- دیوان، به دلایلی که پیش‌تر در این حکم جزئی ذکر شد، ادعاهای تخییری ایران مبتنی بر بند ۸ و اصل کلی الف بابت استرداد پیش‌پرداخت را نیز رد می‌کند.[۴۳۸]

*نتیجه کلی*

۷۰۹- بنابر مراتب فوق، دیوان ادعای تکمیلی ۳-(۱) را کلاً رد می‌کند.

(۱۱) ادعاهای تکمیلی ۴۴-(۲) و ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ منیوفکچرینگ کو.)

*(الف) مقدمه*

۷۱۰- ایران در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) خواهان حداکثر مبلغ ۳۸،۰۵۶ دلار آمریکا به عنوان خسارت مستقیم ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال چهار مبدّل گرما، چهار جداساز آب، هشت سوئیچ حرارتی، و ۳۰۰ واشر گرد خریداری‌شده توسط ایران ایر از ایرسرچ منیوفکچرینگ کامپنی («ایر سرچ») به ایران است؛ همچنین خواهان ۳،۶۵۵/۷۲ دلار آمریکا بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وارده بر ایران ایر است. به نحو جایگزین، اگر دیوان نتیجه بگیرد که اموال مورد اختلاف در این ادعا در ۲۹ دی ۱۳۹۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۷۹] در قلمرو قضائی ایالات متحده نبوده یا اموال ایران به شمار نمی‌آمده‌اند، ایران خواهان ۳۰،۹۸۲/۳۰ دلار آمریکا بابت پیش‌پرداخت‌هایی است که ایران ایر علی‌الإدعا به ایر سرچ صورت داده است. ایران مدعی تعلق بهره بر تمام مبالغ ادعایی می‌باشد.

۷۱۱- خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) حداکثر مبلغ ۴۶،۷۲۹ دلار آمریکا به عنوان خسارات مستقیم ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال یک عملگر دَوَرانی و دو مجموعهٔ پنکه ارسال‌شده

[۴۳۸] *بنگرید به* بندهای ۲۲۳-۲۳۲ و ۲۴۷، بالا.

توسط ایران ایر به ایرسرچ برای تعمیر می‌باشد. ایران به اضافه خواهان ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وارده به ایران ایر می‌باشد. ایران مدعی تعلق بهره بر تمام مبالغ ادعایی می‌باشد.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۷۱۲- ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) در ارتباط با برخی قطعات هواپیما است که ایران ایر از ایرسرچ، که اکنون شرکتی منحل شده است، ذیل سفارش‌های خرید شماره ۵۴۶۶۶، ۵۶۰۹۳، و ۵۷۶۴۰ سفارش داده بود.

۷۱۳- ایرسرچ نخستین مورد از این سفارش‌های خرید، یعنی سفارش خرید شماره ۵۴۶۶۶ را در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸] بابت خرید چهار مبدل حرارتی و چهار جداساز آب صادر کرد. ایرسرچ صورت‌حساب مربوط را به مبلغ ۲۵،۴۸۰ دلار آمریکا در پنجم مهر ۱۳۵۸ [۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹] صادر کرد. ایران ایر در ۲۵ مهر ۱۳۵۷ [۱۷ اکتبر ۱۹۷۹] چکی را برای ایرسرچ به این مبلغ صادر نمود؛ این چک به «PO 24658» ارجاع می‌دهد.

۷۱۴- ایرسرچ در ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ [۱۵ فوریه ۱۹۷۹] سفارش خرید ۵۷۶۴۰ حاوی «بسته‌بندی» را مجموعاً به مبلغ ۲۸۵/۰۰ دلار آمریکا صادر نمود. هیچ صورت‌حساب یا سند پرداخت مربوطی به این سفارش خرید در سوابق موجود نیست.

۷۱۵- ایران ایر در ۲۱ مرداد ۱۳۵۸ [۱۲ اوت ۱۹۷۹] چک شماره ۹۵۸۲ قابل پرداخت به ایرسرچ را به مبلغ ۵،۱۲۷/۳۰ دلار آمریکا صادر نمود. هیچ سفارش خرید یا صورت‌حساب مربوطی به این مبلغ در سوابق موجود نیست.

۷۱۶- ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) در ارتباط با برخی قطعات هواپیما است که ایران ایر میان ۱۲ بهمن ۱۳۵۶ و ۱۴ شهریور ۱۳۵۷ [اول فوریه و پنجم سپتامبر ۱۹۷۸] را برای تعمیر به ایرسرچ فرستاد. به طور خاص، ایران ایر موارد

آتی را ارسال کرد: در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۶ [اول فوریه ۱۹۷۸] تحت سفارش تعمیر شماره ۲۵۰۵۷ دو عدد عملگر دورانی؛ در تاریخ نهم مرداد ۱۳۵۷ [۳۱ ژوئیه ۱۹۷۸] بر اساس سفارش تعمیر شماره ۳۰۹۲۳ بخش‌هایی از یک سیستم تهویه هوا (که به نظر می‌رسد یک مجموعه پنکه بوده باشد)؛ و در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۵۷ [پنجم سپتامبر ۱۹۷۸] ذیل سفارش تعمیر شماره ۲۹۰۸۷ یک مجموعهٔ پنکهٔ دیگر. مجموع ارزش اعلام شدهٔ اقلام ارسالی به ایر سرچ برای تعمیر، چنان‌که در مدارک حمل مربوط به آن ذکر شده، ۱،۷۰۰ دلار آمریکا بود.

۷۱۷- سابقه حاوی تلکسی مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ [سوم مه ۱۹۸۰] با ارجاع به سفارش خرید شماره ۵۴۶۶۶ است که اظهار می‌دارد که ایرسرچ تأیید کرده بود که پرداختی به مبلغ ۲۵،۴۸۰ دلار آمریکا از ایر سرچ دریافت کرده بوده است امّا «با توجه به شرایط موجود، این سفارش خرید را [حمل نخواهند] کرد». فرستنده و گیرندهٔ این تکلس را به سادگی نمی‌توان از این متن تشخیص داد.

۷۱۸- ایران ایر (یا آسمان) در ۲۰ تیر ۱۳۶۲ [۱۱ ژوئیه ۱۹۸۳] نامه‌ای به ایر سرچ نوشت و در بخش مربوطه اظهار داشت:

۱- سفارش خرید ۵۴۶۶۶ بابت ۴ ... مبدّل گرما و ۴ ... جداساز آب برای شما صادر شد و مبلغ – /۲۵،۴۸۰ دلار آمریکا به شما پرداخت شد ... که رسیدنش را تأیید نمودید، امّا اقلام برای ما ارسال نشده است ... خواهشمند است اکنون در کار اقلام تسریع نمایید.

۲- سفارش خرید ۵۶۰۹۳ بابت ۱۰ قلم P/N 927214-1-1 برای شما صادر شد، که در آن مورد شما صرفاً ۲ قلم از قلم[ها] را برای ما تأمین کرده‌اید و ۸ قلم دیگر همچنان مانده است. ... خواهشمند است تأمین نمایید ما به شما ۵،۲۱۷/۳۰ دلار آمریکا پرداختیم [کذا] ... و بقیهٔ آن همچنان باقی می‌ماند.

۳- در خصوص سفارش خرید ۵۷۶۴۰، ما ۳۰۰ قلم بسته‌بندی P/N S9413-555 سفارش دادیم که آن‌ها را نیز دریافت نکرده‌ایم گرچه مبلغ آن به شما با چکی به مبلغ ۲۸۵/۰۰ دلار آمریکا پرداخت شده است. ما اکنون در انتظار این محموله‌ها هستیم.

۷۱۹- ایران در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۶۲ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۳] تکملهٔ دوم پاسخ خود به لایحه دفاعی ایالات متحده را در پرونده‌های حاضر تسلیم کرد. در این لایحه، ایران دو قلم در ارتباط با ایرسرچ را به عنوان «قطعات یدکی خریداری‌شده» به ارزش ۲۵۱/۵۲ دلار آمریکا و «قطعات یدکی ارسالی برای تعمیر» به ارزش ۶،۹۳۰ دلار آمریکا فهرست کرد.

۷۲۰- ایران در تاریخ هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] در پاسخ خود به دستور دیوان مبنی بر اجابت درخواست ایالات متحده بابت کسب اطلاعات بیش‌تر در خصوص اموال ایران در ایالات متحده، اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) را به عنوان «قطعات یدکی خریداری‌شده و پرداخت‌شده وفق نامه ضمیمه خطاب به تأمین کننده» توصیف کرد و اظهار داشت که ارزش مال مذکور «باید تعیین» شود. ایران در لایحهٔ ۲۲ مهر ۱۳۶۲ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۳] خود تکرار کرد که ارزش «قطعات یدکی ارسال شده برای تعمیر» مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲)، ۶،۹۳۰ دلار آمریکا بوده است.

۷۲۱- گرّت توربین انجین کامپنی («گرّت»)- شرکت خلف ایرسرچ - طی نامه ۲۵ تیر ۱۳۶۳ [۱۶ ژوئیه ۱۹۸۴] به وزارت امور خارجه ایالات متحده نامه نوشت و اطلاع داد که گرّت به برخی از نهادهای ایرانی شامل ایران ایر مبلغ ۲۱،۲۰۷/۵۹ دلار آمریکا طلبکار است.

۷۲۲- ایران ایر در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۶۴ [۱۵ اکتبر ۱۹۸۵] دعوایی علیه گرّت در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده برای ناحیه شرقی نیویورک اقامه کرد (پرونده شماره ۳۷۶۴-۸۵-CV). ایران ایر صدور حکم علیه گرّت به مبلغ ۳۰،۹۸۲/۳۰ دلار آمریکا را درخواست نمود، که مطابق مجموع قیمت‌های سفارش‌های خرید به شماره ۵۴۶۶۶، ۵۶۰۹۳، و ۵۷۶۴۰ می‌باشد.

۷۲۳- دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده برای ناحیه شرقی نیویورک در پنجم آبان ۱۳۶۵ [۲۷ اکتبر ۱۹۸۶] پرونده شماره ۳۷۶۴-۸۵-CV را بر این اساس که «به دادگاه چنین گزارش شده است که ... دعوا مصالحه شده»، رد کرد.

۷۲۴- ایران ایر و گرّت در اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] موافقت‌نامه حل و فصلی منعقد کردند که مطابق آن، ایران ایر «از هرگونه حقوق بر قطعات، وجه یا علاقهٔ ادعایی در ذمه» بابت سفارش‌های خرید شماره ۵۴۶۶۶، ۵۶۰۹۳، و ۵۷۶۴۰، و سفارش‌های تعمیر شماره ۲۵۰۵۷، ۲۹۰۸۷، و ۳۰۹۲۳ که علیه گرّت داشت اعراض کرد. در مقابل، گرت پذیرفت که ۵،۰۰۰ دلار آمریکا به ایران ایر بپردازد و از هرگونه حقوق بر وجه و بهره ادعایی در ذمه ایران اعراض نماید.

*(پ) اظهارات طرفین*

*مسئله مقدماتی – موافقت‌نامه حل و فصل میان ایران ایر و گرّت*

۷۲۵- ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) و ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) باید رد شود زیرا خسارت ایران پیشاپیش به واسطه موافقت‌نامه حل و فصل میان ایران ایر و گرت جبران شده است. ایالات متحده در این خصوص متذکر می‌شود که شش سفارش خرید و تعمیر فهرست‌شده در نخستین صفحه از موافقت‌نامه حل و فصل میان ایران ایر و گرّت با شش سفارش خرید و تعمیر مورد اختلاف در ادعاهای تکمیلی ۴۴-(۲) و تکمیلی ۵۶-(۲) مطابقت دارد. ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران با اعراضِ وسیع از کلیهٔ دعاوی در موافقت‌نامه حل و فصل، از هرگونه حق بر اموال مربوط در این ادعاها اعراض کرده است.

۷۲۶- ایران استدلال می‌کند که موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] میان ایران ایر و گرّت در ایالات متحده را از تعهد خود ذیل بند ۹ بری نمی‌کند زیرا طرفینِ پرونده در پیش‌گاه دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده برای ناحیهٔ شرقی نیویورک (پرونده شماره CV-۸۵-۳۷۶۴) از طرفین پرونده‌های حاضر در پیش‌گاه دیوان متفاوت هستند. ایران همچنین استدلال می‌کند که «هر مبلغی که ایران ایر از ایرسرچ در مصالحه‌ای مبتنی بر یک ادعای قراردادی دریافت کرده باشد، هیچ تأثیری بر یا ارتباطی با خساراتی ندارد که ایران» در پرونده‌های حاضر «مستحق دریافت آن است».

**۷۲۷-** ایران ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) را بر بند ۹ و به طور جایگزین، بر بند ۸ اصل کلی الف مبتنی می‌کند. موضع اصلی ایران این است که اموال مورد اختلاف، قطعات هواپیما هستند؛ به طور جایگزین، ایران خواهان استرداد پیش پرداخت‌هایی است که ایران ایر انجام داده، که مطابق استدلال ایران، مشمول تعریف «اموال ایران» در بند ۹ بیانیه عمومی می‌باشد. ایران همچنین استدلال می‌کند که اموال مذکور برای شمول در محدوده «اموال ایران» مندرج در بند ۹ نیازی نیست که ایران نسبت به آن‌ها حق مالکیت داشته باشد. وفق اظهارات ایران، این واقعیت که ایران ایر، مبالغ را تمام و کمال پرداخته است، به آن شرکت و بنابراین به ایران، مالکیت ذی‌نفعی در آن اموال می‌دهد که برای قرار گرفتن در محدوده بند ۹ کفایت می‌کند.

**۷۲۸-** ایران معروض می‌دارد که ایالات متحده، تعهد خود ذیل بند ۹ را با قصور در انجام ترتیبات انتقال اموال مورد اختلاف در ادعاهای تکمیلی ۴۴-(۲) و ۵۶-(۲) به ایران نقض کرده است. ایران مدعی است که ایرسرچ (متعاقباً گرت) به خاطر صورت‌حساب‌های معوقه پرداخت‌نشده، حق ایران ایر بر تصرف آن اموال را مورد معارضه قرار داده بودند؛ ایران استدلال می‌کند که بدین ترتیب، آن اموال به سبب بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری که ناقض تعهدات ایالات متحده ذیل بیانیه‌های الجزایر است به ایران منتقل نشده‌اند.

**۷۲۹-** به علاوه، ایران معروض می‌دارد که واضح است که ایالات متحده، علی‌رغم این که با ایرسرچ و گرت «به طور منظم در تماس» بوده، دستور انتقال اموال مورد اختلاف را به ایران نداده است. ایران در این‌جا به نامه مورخ ۲۵ تیر ۱۳۶۳ [۱۶ ژوئیه ۱۹۸۴] از گرّت به وزارت امور خارجه ایالات متحده به عنوان دلیل چنین تماسی اشاره می‌کند.

**۷۳۰-** ایران با این ادعای ایالات متحده مخالف است که ایران نتوانسته اثبات نماید که اموال مورد اختلاف در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضائی ایالات متحده بوده‌اند. در این زمینه، ایران راجع به ادعای تکمیلی

۴۴-(۲) به سفارش‌های خرید مورخ ۱۳۵۷ [بین ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹] استناد می‌کند که بنابر نظر این دولت «القاء می‌کند که اموال مذکور باید در واقع موجود و به احتمال زیاد آماده حمل بوده باشد». ایران همچنین مدعی است که از آن‌جا که ادله و مدارکی موجد مبنای علی‌الظاهری ارائه کرده است که اموال مذکور دریافت نشده بوده‌اند، بار اثبات خلاف امر بر دوش ایالات متحده است که ایالات متحده از عهدهٔ اثبات آن برنیامده است.

۷۳۱- ایران راجع به ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) معروض می‌دارد که ادعای ایالات متحده ذکر شده در بالا با اظهارات ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] آن دولت به دیوان در خصوص اموال عینی ایران مبنی بر این امر در تضاد است که «شرکت آمریکایی مخالف حقّ [ایران ایر] بر تصرف به جهت صورت‌حساب‌های پرداخت‌نشدهٔ ایران ایرکرفت ایندستریز، ایران هلیکوپتر ساپورت، و ایران ایرفورس است».

*اظهارات ایالات متحده*

۷۳۲- ایالات متحده راجع به ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) معروض می‌دارد که ایران نتوانسته اثبات کند که ایران ایر در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر اموال مورد اختلاف حق مالکیت بلامنازع و غیرمشروط داشته است. ایالات متحده استدلال می‌کند که مدارک تسلیمی ایران برای اثبات حق مالکیت کفایت نمی‌کند. ایالات متحده همچنین ادعا می‌کند که اموال مورد اختلاف در واقع، به ایران حمل شدند و متذکر می‌گردد که ایران ایر هیچ‌گاه شکایتی در همان زمان برای کسری اقلام یا عدم وصول نکرده است. ایالات متحده همچنین ملاحظه می‌کند که، اگر ادعای عدم تحویل ایران صحیح باشد، هیچ یک از قطعات در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) «اموال ایران» در معنای بند ۹ محسوب نمی‌شود؛ چرا که بر اساس رویکرد قانون محل وقوع مال، قوانین و مقررات ایالت آریزونا- که ایرسرچ در آن‌جا واقع بوده- باید اعمال شود، که مطابق آن، انتقال مالکیت مستلزم تحویل است.

۷۳۳- ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که ایران نتوانسته اثبات کند که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، سبب باقی ماندن اموال مورد اختلاف در ایالات متحده بوده است.

۷۳۴- ایالات متحده راجع به ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) به همین منوال استدلال می‌کند که ایران نتوانسته اثبات کند که اموال مورد اختلاف در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یا بعد از آن، در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده و بنابراین، مشمول تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ قرار می‌گرفته است. ایالات متحده معروض می‌دارد که بارنامه‌های هوایی و صورت‌حساب‌های حمل ارائه‌شده توسط ایران، که در اواخر ۱۳۵۶ تا اواسط ۱۳۵۷ [اوایل تا اواسط ۱۹۷۸] صادر شده است، اثبات نمی‌کند که اموال مذکور قبل از آبان/آذر ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] به ایران مسترد نشده است. ایالات متحده همچنین متذکر می‌گردد که ایران هیچ ادله و مدارکی مبنی بر این امر تسلیم نکرده است که ایران ایر شکایت‌های هم‌زمانی درباره قصور ایرسرچ در استرداد قطعات پس از تعمیر آن‌ها ارائه کرده باشد.

۷۳۵- ایالات متحده در خصوص هر دو ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) و ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) استدلال می‌کند که ایران نتوانسته نشان دهد که هیچ‌گاه نیازمند مساعدت آن دولت در خصوص تضمین انتقال اموال مذکور بوده، یا این که ایران اقدامات لازم برای ممکن‌کردن اقدامات ایالات متحده، مانند دادن دستورالعمل حمل به ایرسرچ (و متعاقباً به گرّت)، یا انجام ترتیبات پرداخت بابت هزینه‌های حمل اموال مذکور را انجام داده باشد. به علاوه، وفق اظهارات ایالات متحده، پس از ۱۳۶۵/۱۳۶۶ [۱۹۸۷]، عدم انتقال اموال مورد اختلاف در هر دو ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) و ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) به جهت اعراض ایران از حق مالکیت و تصرف ذیل موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] با گرّت بوده است.

۷۳۶- ایالات متحده راجع به استدلال ایران در مورد مالکیت بر منافع در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲)[۴۳۹] معروض می‌دارد که ایران، قانون حاکم بر مالکیت بر منافع را درست بیان نکرده است. به علاوه، ایالات متحده استدلال می‌کند که ادله و مدارک اثبات‌کننده این امر نیست که ایران واقعاً مبالغ مربوط به اموال مورد اختلاف را پرداخت

[۴۳۹] *بنگرید به* بند ۷۲۷، بالا.

کرده است، زیرا چک‌های موجود در مدارک ممکن است کاملاً به معاملات دیگری میان ایران ایر و ایرسرچ مربوط بوده و هیچ ارتباطی با اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) نداشته باشد.

۷۳۷- نهایتاً، ایالات متحده مخالف است که ایران مستحق پیش پرداخت‌های انجام‌شده توسط ایران ایر می‌باشد. وفق اظهارات ایالات متحده، عبارت «اموال ایران» در بند ۹ صرفاً اموال عینی را پوشش می‌دهد؛ مضافاً، در هر حال، ایران مالک پیش پرداخت‌ها نیست. ایالات متحده در پاسخ به استدلال ایران مبتنی بر اصل کلّی الف، مدعی است که وضعیت مالی ایران در خصوص تمام حقوق دینی تا حد ممکن در زمانی اعاده شد که ایالات متحده دستور انسداد را در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] لغو کرد.

*(ت) تصمیم دیوان*

*(یک) مسئله مقدماتی: موافقت‌نامه حل و فصل بین ایران ایر و گرّت*

۷۳۸- دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، این استدلال ایالات متحده را بررسی می‌نماید که ادعاهای تکمیلی ۴۴-(۲) و ۵۶-(۲) باید رد شود زیرا ایران ایر و گرّت ادعاهای مربوطهٔ خود را با موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] فیصله دادند. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت:

> در مورد اموالی که بر خلاف الزام بیانیه عمومی، به علت قصور ایالات متحده در ایفای تعهدات خود در بیانیه، منتقل نشده، استرداد ادعای ایران علیه دارنده آن مال یا حل و فصل چنین ادعایی بین ایران و دارنده مال بعد از تاریخ هفتم اسفند ماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، فی‌نفسه ایالات متحده را از مسؤولیت در قبال ایران بابت خسارات ناشی از عدم انتقال آن مال مبرا نمی‌کند.[۴۴۰]

۷۳۹- بر این اساس، دیوان هم‌راستا با یافته خود در حکم شماره ۵۲۹، استدلال ایالات متحده مبتنی بر موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] میان ایران ایر و گرت را رد می‌کند.

---

[۴۴۰] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (ح)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص‌ص ۱۱۲، ۱۴۱.

*(دو) ادعای تکمیلی ۴۴-(۲): اقلام خریداری شده*

۷۴۰- همان طور که گفته شد،[۴۴۱] آسمان، که در خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] در ایران ایر ادغام شد، مشمول تعریف «ایران» در بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

۷۴۱- مسئلهٔ مقدماتی در این ادعا این است که آیا اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) مشمول معنای «اموال ایران» در بند ۹ می‌باشد یا خیر. از آن‌جا که طرفین درباره این که چه کسی در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک آن اموال بوده است توافق ندارند، دیوان باید قانون حاکم در محل وقوع مال را که بر انتقال حق مالکیت اموال مذکور حاکم است تعیین کند.[۴۴۲]

۷۴۲- ادله و مدارک دیوان را متقاعد کرده‌اند که ایر سرچ هیچ‌گاه هیچ یک از اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) را به ایران ایر تحویل نداده است. این ادله و مدارک، به طور ویژه، حاوی موارد آتی است: (یک) تلکس ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ [سوم مه ۱۹۸۰] که اطلاع داد که ایرسرچ سفارش خرید شمارهٔ ۵۴۶۶۶ را «به جهت وضعیت کنونی» حمل نخواهد کرد؛ و (دو) نامهٔ ۲۰ تیر ۱۳۶۲ [۱۱ ژوئیه ۱۹۸۳] ایران ایر (یا آسمان) به ایرسرچ، که اطلاع داد که اموال مورد اختلاف، که تحت پوشش سفارش‌های خرید شمارهٔ ۵۴۶۶۶، ۵۶۰۹۳، و ۵۷۶۴۰ بودند، تحویل داده نشده بوداند. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که اموال در اماکن ایرسرچ در آریزونا باقی مانده است. بر این اساس، دیوان در اعمال قانون محل وقوع مال تعیین می‌کند که قانون ایالت آریزونا بر انتقال حق مالکیت اموال مورد اختلاف حاکم است. این اموال موضوع قراردادهای فروش میان ایرسرچ و ایران ایر بوده‌اند. در نتیجه، دیوان به قانون ایالت آریزونا نظر خواهد کرد که بر فروش کالاها حاکم است، که همان

---

[۴۴۱] *بنگرید به* بند ۶۲۶، بالا.

[۴۴۲] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

قانون محل وقوع مال باشد که بر این مسئله حاکم است که آیا حق مالکیت در نتیجهٔ قراردادهای فروش از ایرسرچ به ایران ایر منتقل شده است یا خیر.

۷۴۳- تیتر ۴۷ از قانون تجارت متحدالشکل به نحوی که در آریزونا پذیرفته شده، بر فروش کالاها حاکم است. بخش ۲۴۰۱-۴۷ قانون تجارت متحدالشکل، به طور ویژه، حاکم بر انتقال حق مالکیت کالاها است که در بخش مربوطه اشعار می‌دارد:

۱- حق مالکیت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد.

۲- حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، علی‌رغم محفوظ بودن حق وثیقه و اگر چه قرار باشد سند مالکیت در زمان یا محل دیگری تحویل داده شود... .[۴۴۳]

۷۴۴- هیچ ادله و مدارکی وجود ندارد که نشان دهد ایران ایر و ایرسرچ صراحتاً در خصوص «شیوه» و «شرایط» انتقال حق مالکیت اموال فروخته شده از ایرسرچ به ایران ایر توافق کرده‌اند. بر این اساس، قاعدهٔ تکمیلی ذیل بخش ۲۴۰۱-۴۷ (۲) قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در ایالت آریزونا پذیرفته شده، اعمال می‌شود، که مطابق آن، حق مالکیت کالاهای فروخته شده «در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت». بدین ترتیب، از آن جا که اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) هیچ‌گاه به ایران ایر منتقل نشده‌اند، حق مالکیت آن‌ها هیچ‌گاه به آن شرکت منتقل نشده است. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که آن اموال مشمول «اموال ایران» ذیل بند ۹ نمی‌باشند.

---

[۴۴۳] ایالت آریزونا، تیتر ۴۷، بخش ۲۴۰۱-۴۷.

۷۴۵- در خصوص ادعای ایران بر استرداد پیش‌پرداخت‌های انجام‌شده توسط ایران ایر دیوان متذکر می‌شود که در حکم شماره ۵۲۹ حکم داده است که محدوده «اموال ایران» مندرج در بند ۹ صرفاً محدود به اموال عینی است که امکان «مالکیت انحصاری» داشته است.[۴۴۴] تعهد در قبال ایران به روشنی یک فقره مال عینی نیست بلکه در بهترین حالت، نفع در مال است. بدین قرار، این امر مطابق بند ۹ مشمول محدوده «اموال ایران» نمی‌باشد. نتیجه این که دیوان ادعای ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت بر اساس بند ۹ را رد می‌کند.

۷۴۶- دیوان بنا به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی بیان شد،[۴۴۵] به همین ترتیب، ادعاهای ایران به نحو جایگزین بابت استرداد پیش‌پرداخت‌ها مبتنی بر بند ۸ و اصل کلی الف را رد می‌کند.

۷۴۷- به علاوه، بنا به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی بیان شد،[۴۴۶] دیوان استدلال ایران مبتنی بر مالکیت بر منافع را رد می‌کند.

۷۴۸- بنا بر مراتب فوق، دیوان ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) را رد می‌کند.

*(سه) ادعای تکمیلی ۵۶-(۲): اقلام تعمیری*

۷۴۹- اختلافی وجود ندارد که عملگر دَوَرانی و مجموعه‌های پنکه مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] انحصاراً در مالکیت ایران ایر بوده است که آن‌ها را به ایر سرچ برای تعمیر فرستاده بوده است. بدین ترتیب، آن اقلام در آن تاریخ نشان‌دهندهٔ «اموال ایران» در محدودهٔ بند ۹ بوده‌اند. بدین ترتیب، ایالات متحده بر اساس بند ۹ متعهد به فراهم آوردن ترتیبات انتقال آن‌ها به ایران بوده است. ایران ایر با انعقاد موافقت‌نامهٔ حل و فصل با گرت در اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] از کلیه حقوق مترتب

---

[۴۴۴] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا.

[۴۴۵] *بنگرید به* بند ۲۲۳-۲۳۲، بالا.

[۴۴۶] *بنگرید به* بند ۱۳۳، بالا.

بر اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) اعراض کرد. بر این اساس، این اموال از آن تاریخ دیگر «اموال ایران» نبود. بدین ترتیب، دیوان مقرر می‌دارد که هرگونه نقض بند ۹ توسط ایالات متحده در خصوص اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) از اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] پایان یافته است.

۷۵۰- دیوان به این مسئله روی می‌آورد که آیا ایالات متحده تعهدات خود ذیل بند ۹ در خصوص اموال مورد اختلاف را انجام داده است یا خیر.

۷۵۱- دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشته است که مقررات خزانه‌داری ایالات متحده که اموالی که در مالکیت انحصاری ایران بوده اما حق تصرف ایران در مورد آن‌ها به واسطهٔ متصرفین چنین اموالی بر مبنای هرگونه حق حبس، دفاع، ادعای متقابل، تهاتر، یا دلایل مشابه مورد اختلاف بوده است را از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ استثنا کرده با تعهدات ایالات متحده ذیل بیانیه عمومی ناسازگار بوده است.[۴۴۷] دیوان بر اساس سابقهٔ پیش روی خود در زمان صدور حکم شمارهٔ ۵۲۹ در موضعی نبود که وقایع مربوطه در خصوص اموال خاصی را تعیین نماید. دیوان آن تعیین را اکنون در خصوص اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) انجام می‌دهد.

۷۵۲- ایالات متحده در جلسات استماع ادعا کرد که «ادله و مدارکی مبنی بر این امر در سابقه وجود ندارد که ایرسرچ هرگونه اموال ایران را نگه داشته باشد، فارغ از این‌که او اموال را به واسطهٔ حق حبس یا به نحوی دیگری به منظور تضمین بدهی نگه داشته باشد». دیوان با این امر مخالف است. دیوان متذکر می‌شود که ایالات متحده در گزارش‌های ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ و هشتم آبان ۱۳۶۴ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ و ۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده اظهار داشت که گرّت مخالف «حق تصرف [اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) ایران ایر] به جهت صورت‌حساب‌های پرداخت نشده»ای بود که برای برخی نهادهای

---

[۴۴۷] *بنگرید به* حکم شمارهٔ ۵۲۹، بند ۷۷ (د)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

دولتی ایران که از ایران ایر متمایز بودند صادر شده بود.[۴۴۸] این اظهارات ایالات متحده در گزارش آن دولت به دیوان قویاً القا می‌کند که ایرسرچ/گرّت در حال امتناع از انتقال آن اموال بوده‌اند و آن‌ها را به عنوان تضمین بدهی‌های پرداخت‌نشده، گرچه از نهادهای دولتی ایران متفاوت از ایران ایر، نگه داشته بوده‌اند.

**۷۵۳-** بر این اساس، دیوان مطابق سابقهٔ پیش‌روی خود حکم می‌کند که ایرسرچ/گرّت اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) را به جهت بدهی پرداخت‌نشده نگه داشته‌اند، و در نتیجه، آن اموال در واقع از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به واسطهٔ بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری مستثنا بوده است. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص اموال عینی ایران نقض کرده، و مسؤولیت آن دولت محقق شده است. دیوان مضافاً حکم می‌کند که نقض ایالات متحده از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی شروع شده است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده،[۴۴۹] و به دلیل ذکر شده در بالا، از اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] پایان یافته است.

*(چهار) نتیجه کلی*

**۷۵۴-** به دلایل پیش‌گفته، دیوان به شرح زیر حکم می‌کند:

(یک) ادعای تکمیلی ۴۴-(۲) رد می‌شود؛

(ب) ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) تأیید می‌شود.

---

[۴۴۸] *همچنین بنگرید به* بند ۷۳۱، بالا.

[۴۴۹] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

(۱۲) ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) (ایران ایر/شرکت میدوِی الکترونیکس، اینک.)

*(الف) مقدمه*

۷۵۵- خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) حداکثر مبلغ ۱۵،۷۹۷ دلار آمریکا به اضافه بهره به عنوان خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی قطعات هواپیمایی خریداری‌شده توسط ایران ایر از شرکت میدوی الکترونیکس («میدوی») به ایران می‌باشد.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۷۵۶- ایران ایر در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ [اول مه ۱۹۸۳] نامه‌ای به میدوی ارسال و اظهار داشت که قطعات هواپیمایی خریداری‌شده ذیل سفارش‌های خرید شماره ۵۷۶۴۹، ۵۶۸۵۷، ۵۷۴۶۵، ۵۰۵۹۸، ۴۹۷۵۷، ۵۳۶۴۲، ۵۷۵۹۲، ۵۶۴۳۳، ۵۶۷۹۱، ۵۵۴۳۷، ۵۶۷۸۳، و ۵۷۰۵۵ را دریافت نکرده است. مجموع مبلغ خرید که ایران ایر ادعا می‌کند به میدوی پرداخته ۱۱،۰۲۸/۳۰ دلار آمریکا است. هیچ سفارش خرید یا مدارک دیگری توسط ایران ارائه نشده است.

۷۵۷- میدوی با تلگرام مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۲ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۳] به ایران ایر قول داد که به مسئله به منظور حصول رضایت همهٔ طرف‌های درگیر، پس از بازگشت رئیس خود از یک نشست خارجی، «پاسخ گوید و سامانش دهد». ایران ایر تلگرام مذکور را در تاریخ هفتم تیر ۱۳۶۲ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۳] دریافت نمود.

۷۵۸- ایران در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۶۲ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۳] ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) را به دیوان تسلیم کرد و ادعا نمود که ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ بابت قطعات هواپیمایی‌ای که ایران ایر از میدوی خریده بود را نقض کرده است. ایران در تاریخ هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] در پاسخ به درخواست ایالات متحده بابت اطلاعات بیش‌تر، نامه ایران ایر و تلگرام میدوی مذکور در بالا را ارائه نمود.

۷۵۹- ایران ایر در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۶۳ [۲۱ آوریل ۱۹۸۴] نامه‌ای به میدوی ارسال و درخواست کرد که مبلغ ۱۱،۹۵۴/۲۰ دلار آمریکا را بابت اقلام مورد اشاره در نامه‌اش به تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ [اول مه ۱۹۸۳] و سایر اقلام بازپرداخت نماید. ایران ایر اظهار داشت که خواهانِ تحویل گرفتن اقلام نمی‌باشد، و این که در این میان اقلام را از جای دیگری خریداری کرده است. میدوی متعاقباً ضمن اطلاع دادن این امر به ایالات متحده که ایران بابت اموال مورد اختلاف پرداخت کامل به عمل نیاورده است، تأکید کرد که ایران ایر مبلغ ۴،۳۱۱/۴۵ دلار آمریکا به میدوی بدهکار است.

۷۶۰- ایران ایر و میدوی با هدف حل و فصل مسئله، مذاکراتی را آغاز کردند اما نتوانستند به توافقی دست یابند.

۷۶۱- میدوی در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۶۸ [هفتم آوریل ۱۹۸۹] درخواست ورشکستگی خود را ثبت کرد. وزارت خزانه‌داری در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۶۸ [هشتم اوت ۱۹۸۹] از ورشکستگی میدوی مطلع شد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۷۶۲- ایران معروض می‌دارد که تمام مبلغ بابت اقلام موضوع ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) را پرداخت کرده بود و بنابراین، اقلام مذکور، در معنای بند ۹ «اموال ایران» است. ایران بر این موضع است که ایالات متحده نمی‌تواند در مالکیت ایران ایر بر مال مذکور تردید کند زیرا میدوی در مکاتبات هم‌زمان اذعان کرده است که ایران ایر مالک آن اموال بوده است و متعرض مالکیت نشده است. ایران در تأیید این سخن، به تلکس مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۶۲ [۱۷ ژوئن ۱۹۸۳] اشاره می‌کند که در آن، میدوی متعرض مالکیت ایران ایر نمی‌شود اما در عوض، قول می‌دهد که برای جلب رضایت کامل ایران ایر به مسئله رسیدگی کند. ایران مدعی است که میدوی با سکوت و

عدم فعالیت ایالات متحده مورد حمایت واقع شد و متعاقباً هم ورشکسته اعلام گردید. بدین ترتیب، ایران مدعی است که ایران ایر از قصور ایالات متحده در ایفای تعهدش ذیل بند ۹ خسارت دیده است.

۷۶۳- به علاوه، ایران ادعا می‌کند که اقلام مورد اختلاف در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشت و متذکر می‌شود که مدارک مستندی وجود دارد نه تنها دال بر این‌که اموال مربوطه تا سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] وجود داشته است، بلکه همچنین حاکی از این‌که هیچ ادعایی وجود نداشت که ایران ایر مالک آن‌ها نبوده باشد. به علاوه، بنا بر اظهار ایران، مدارک ایران ایر نشان می‌داد که اقلام مذکور تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ [اول مه ۱۹۸۳] دریافت نشده بود. ایران معروض می‌دارد که چون ایالات متحده با میدوی در تماس بود، در صورتی که اموال به ایران ایر تحویل داده شده بود، باید می‌توانست ادله و مدارکی که مؤید تحویل باشد را ارائه نماید.

۷۶۴- به علاوه، ایران معروض می‌دارد که مطابق بند ۹، برای این که اقلام مذکور مشمول محدوده «اموال ایران» محسوب شوند نیازی نبوده که حق مالکیت به ایران ایر انتقال یافته باشد. برای ایران، اصطلاح «اموال ایران» باید در مفهومی وسیع‌تر از صِرف اشتمال آن بر اموالی که ایران بر آن حق مالکیت داشته، درک شود.

۷۶۵- ایران مضافاً اظهار می‌دارد که ایران ایر بابت خرید اقلام ادعایی در ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) پرداخت کامل را انجام داده و این پرداخت کامل، به ایران حق مالکیت در منافع می‌بخشد که اقلام مذکور را مشمول محدوده بند ۹ قرار می‌دهد.

۷۶۶- ایران همچنین خواهان استرداد پیش‌پرداختی است که ایران ادعا می‌کند که ایران ایر به میدوی داده است. ایران ادعای حاضر را بر بند ۹ و به نحو جایگزین، بر بند ۸ و اصل کلی الف بنا کرده است. ایران مشخصاً با عنایت به بند ۹ استدلال می‌کند که اصطلاح «اموال ایران» در آن مقرره، تعهدات در قبال ایران، مبالغ نقدی و بدهی‌ها را نیز پوشش می‌دهد. وفق اظهارات ایران، پیش‌پرداخت ایران ایر به میدوی، نمودی از این تعهد است. به نظر ایران،

ایالات متحده، با صدور بخش‌های ۲۱۵-۵۳۵ و ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری که اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده را وادار می‌کرد تمام «تعهدات» و منافع در اموال ایران، از جمله «بدهی‌ها» را به ایران انتقال دهند، خود می‌دانست که تعهداتش ذیل بند ۹ شامل بدهی‌ها و تعهدات از جمله وجوه نقدی نیز می‌شود.

۷۶۷- ایران استدلال می‌کند که قبل از آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] ایران ایر قطعات هواپیما را خریده است که ارزش آن‌ها ۱۱،۹۵۴ دلار آمریکا می‌باشد. ایران متذکر می‌شود که ایالات متحده استدلال کرده است که یکی از دلایل انفعال ایالات متحده در فراهم آوردن تمهیدات بابت انتقال اقلام مذکور این بوده است که ایران ایر مبلغ ۴،۳۱۱/۴۵ دلار آمریکا به میدوی بدهکار بوده است. ایران با استناد به حکم شماره ۵۲۹ استدلال می‌کند که بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، ناقض تعهد ایالات متحده ذیل بیانیه‌های الجزایر است. ایران معروض می‌دارد یکی از تعهدات ایالات متحده، این بود که اشخاص متصرف اموال مورد اختلاف، که مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده بودند را وادار کند اموال مورد بحث را مطابق دستورالعمل ایران به ایران انتقال دهند. بنابراین، ایران بر این موضع است که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری که اموالی که حق تصرف ایران بر آن‌ها متنازع‌فیه بوده است را بر اساس حق حبس یا دلایل مشابه از دستور انتقال مستثنا کرده است، با تعهد ایالات متحده ذیل بیانیه عمومی ناسازگار بوده است.

۷۶۸- ایران منکر آن است که در شناسایی اقلام مورد اختلاف در این ادعا قصور ورزیده است. ایران استدلال می‌کند که هیچ اطلاعی از ماهیت دقیق قطعات موضوع بحث نداشته است، اما ایالات متحده اطلاعات مربوطه را داشته یا به راحتی می‌توانسته بر اساس فهرست شماره‌های سفارش خرید که ایران تسلیم کرده است اطلاعات را از میدوی درخواست نماید. بنا بر اظهارات ایران، قصور در انجام این کار از سوی ایالات متحده، به هیچ وجه، تقصیر ایران نیست.

*اظهارات ایالات متحده*

۷۶۹- ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران در این خصوص نه ادعایی عنوان کرده و نه ثابت کرده که کالاهای مشخصی در تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است. وفق اظهارات ایالات متحده، ایران اثبات نکرده است که در تاریخ مربوطه بهای اقلام مذکور واقعاً پرداخت شده، و این که اقلام مزبور به تولید رسیده و در ایالات متحده قرار داشته است. همچنین، بنا بر اظهارات ایالات متحده، ایران به واسطهٔ عدم شناسایی اقلام مورد اختلاف نتوانسته است حداقل ملاک‌های لازم برای دادخواهی نسبت به این ادعا را برآورده کند. وفق اظهارات ایالات متحده، دیوان مقرر داشته است که «خواهان، به منظور طرح صحیح ادّعا، باید حداقل مال مورد ادعا را مشخص کند».[۴۵۰] به نظر ایالات متحده، ایران توصیفی از آن‌چه اعتقاد دارد موضوع اختلاف است ارائه نکرده است و به جای آن، مدعی «قطعات یدکی یا قطعات هواپیما» می‌باشد و مسؤولیت خود برای طرح دقیق ادعای خود را ایفا نکرده است .

۷۷۰- ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که مال مربوطه در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود بوده است یا این که در آن تاریخ، در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که ایران نتوانسته حق مالکیت ایران ایر را در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر مال مورد ادعا اثبات کند و این که حتی اگر ایران می‌توانست وجود موافقت‌نامه‌ای برای خرید اموال با میدوی را به اثبات برساند، چنین امری باز برای اثبات مالکیت کفایت نمی‌کرد.

۷۷۱- ایالات متحده مدعی است که ایران هیچ‌گاه مالک قطعات مورد اختلاف نشده است زیرا حق مالکیت آن‌ها صرفاً با تحویل صورت می‌پذیرفته و از آن‌جا که تحویل واقع نشده است مطابق قانون محل وقوع مال (یعنی حقوق نیویورک به عنوان قلمرو قضایی اقامتگاهی که میدوی در آن بود) مالکیت به ایران منتقل نشده است؛

---

[۴۵۰] در این سیاق، ایالات متحده به این حکم اشاره می‌کند: *اسحاق صابونچیان و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۵۲۴-۳۱۳-۲، بند ۲۰ (۲۴ آبان ۱۳۷۰ [۱۵ نوامبر ۱۹۹۱])، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۷، ص ص ۲۴۸، ۲۵۴-۲۵۵.

حقوق ایالت نیویورک، دربرگیرندهٔ بخش ۲-۴۰۱ (۲) قانون تجارت متحدالشکل است که مقرر می‌دارد جز در مواردی که توافق دیگری صورت گرفته باشد، مالکیت کالا با تحویل منتقل می‌شود.

۷۷۲- طبق اظهار ایالات متحده، هیچ یک از ادله و مدارک موجود در سابقه اثبات نمی‌کند که بابت قطعات هواپیما پرداختی توسط ایران ایر صورت گرفته باشد، یا این که قطعات مذکور اساساً، واقعاً توسط میدوی تولید شده باشد. بنابراین، حتی اگر برفرض، چنین مالکیت در منافعی در این ادعا ذی‌ربط باشد، ایران بر منافع اموال مربوطه مالکیت بر منافع ندارد. ایالات متحده مضافاً استدلال می‌کند که اگر چنین می‌بود ایران ایر بابت پرداخت اضافه بدون راهکار باقی نمی‌ماند، زیرا ایران قاعدتاً باید حق درخواست اجرای قرارداد را می‌داشته، یا می‌توانسته دعوایی قراردادی در محاکم ایالات متحده به درخواست جبران خسارات مناسب اقامه نماید، همان‌گونه که ایران در سایر ادعاها در پرونده‌های حاضر کرده است.

۷۷۳- ایالات متحده تکرار می‌کند که ایران برای اثبات مسؤولیت ایالات متحده بر مبنای مقررات غیرقانونی خزانه‌داری باید نشان دهد که مقررات مذکور سبب ورود خساراتی است که از آن‌ها شکایت دارد (یعنی عدم انتقال اموال ایران در محدوده بند ۹). وفق اظهارات ایالات متحده، ایران نتواسته نشان دهد که یک فقره بدهی پرداخت نشده، سبب هرگونه عدم انتقال در این ادعا شده است زیرا مطلبی در سابقه موجود نیست که حاکی از آن باشد که ایران ایر پیش از آن که مشخصاً به میدوی بگوید که خواهان تحویل گرفتن اموال مذکور نیست، اساساً بدهی‌ای نسبت به میدوی داشته است.

۷۷۴- ایالات متحده معروض می‌دارد که ایران مطابق آن‌چه دیوان در حکم شماره ۵۲۹ ضروری به حساب آورده، دستورالعملی به میدوی و اطلاعی به ایالات متحده نداده است. ایالات متحده استدلال می‌کند که نه هیچ گونه ادله‌ای مبنی بر این‌که ایران به میدوی دستور داده باشد اموال ادعایی را انتقال دهد وجود دارد و نه ادله و مدارکی وجود دارد که ایران هیچ‌گونه اطلاعی به ایالات متحده در خصوص نیاز به برداشتن گام‌های بیش‌تر

بابت تضمین انتقال اموال مزبور داده باشد. به علاوه، ایالات متحده تأکید می‌کند که ایران هیچ‌گونه ترتیباتی برای پرداخت هزینه‌های حمل اموال ادعایی به عمل نیاورده است. بدین ترتیب، ایالات متحده هیچ تعهدی در ارتباط با برداشتن گام‌های معقول در خصوص آن اموال را نقض نکرده است.

۷۷۵- ایالات متحده معروض می‌دارد که ایران به جای دادن دستورالعمل به متصرف مال به منظور انتقال اموال ادعایی در ادعای تکمیلی ۴۹-(۲)، مشخصاً در سال ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] به میدوی گفته است که قطعات مذکور را به ایران ارسال نکند و به جای آن، خواهان بازپرداخت بوده است.

*(ت) تصمیم دیوان*

۷۷۶- چنان‌که ذکر آن رفت، آسمان، که ایران ایر در خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] در آن ادغام شد، مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.[۴۵۱]

۷۷۷- اولیه مسئله در این ادعا این است که آیا اموال ادعایی در ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) مشمول معنای «اموال ایران» مطابق بند ۹ می‌باشد یا خیر. از آن‌جا که طرفین بیانیه‌های الجزایر در مورد این که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] چه کسی مالک اموالی است که موضوع ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) است توافقی ندارند دیوان باید قانون محل وقوع مال را که بر انتقال مالکیت آن قلم حاکم است تعیین نماید.[۴۵۲]

۷۷۸- اختلافی نیست که میدوی هیچ‌گاه، هیچ یک از قطعات هواپیمایی موضوع ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) را تحویل نداده است. در واقع، ایران به نحوی سازگار ادعا کرده است که این دولت ادله و مدارکی مبنی بر این امر ارائه کرده است که آن اموال هیچ‌گاه دریافت نشده‌اند، ادعایی که با ادله و و مدارک تأیید شده است. در واقع، ایران ایر در اول اردیبهشت ۱۳۶۳ [۲۱ آوریل ۱۹۸۴] نامه‌ای به میدوی نوشت و خواهان استرداد پول‌های

---

[۴۵۱] *بنگرید به* بند ۶۲۶، بالا.

[۴۵۲] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

پرداخت‌شده گردید. بدین ترتیب، اموال مذکور در محوطهٔ میدوی در ایالت نیویورک باقی مانده است. بر این اساس، دیوان با اعمال قانون محل وقوع مال تعیین می‌نماید که حقوق ایالت نیویورک بر انتقال مالکیت اموال مذکور حاکم می‌باشد. این اموال موضوع قراردادهای فروش میان میدوی و ایران ایر بوده‌اند. در نتیجه، دیوان به قانون ایالت نیویورک نظر خواهد کرد که حاکم بر فروش کالاها، یعنی قانون حاکم بر محل وقوع مال می‌باشد، که حاکم بر این مسئله است که آیا حق مالکیت در نتیجه قراردادهای فروش از میدوی به ایران ایر منتقل شده است یا خیر.

۷۷۹- بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل که در ایالت نیویورک پذیرفته شده است در بخش مربوطه مقرر می‌دارد:

(۱) ... حق مالکیّت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد.

(۲) حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، علی‌رغم محفوظ بودن حق وثیقه و اگر چه قرار باشد سند مالکیت در زمان یا محل دیگری تحویل داده شود... .[۴۵۳]

۷۸۰- هیچ ادله و مدارکی وجود ندارد که نشان دهد ایران ایر و میدوی صراحتاً بر «شیوه» و «شرایط» انتقال حق مالکیت اموال فروخته‌شده از میدوی به ایران ایر توافق کرده باشند. بر این اساس، قاعدهٔ تکمیلی ذیل بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در ایالت نیویورک پذیرفته شده، اعمال می‌شود که مطابق آن، حق مالکیت کالاهای فروخته‌شده «در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت». بدین ترتیب، از آن‌جا که اموال مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) هیچ‌گاه به

[۴۵۳] نیویورک، قانون تجارت متحدالشکل، بخش ۴۰۱-۲.

ایران ایر تحویل داده نشده‌اند، حق مالکیت آن‌ها هیچ‌گاه به آن منتقل نشده است. بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که آن اموال مشمول «اموال ایران» ذیل بند ۹ نمی‌باشند.

۷۸۱- دیوان در خصوص ادعای ایران بر استرداد پیش‌پرداخت انجام‌شده توسط ایران ایر متذکر می‌شود که دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشته است که محدوده «اموال ایران» مندرج در بند ۹ صرفاً محدود به اموال عینی است که بتواند «انحصاراً تملک» شود.[۴۵۴] به وضوح، تعهد در قبال ایران، فقره‌ای از اموال عینی محسوب نمی‌شود، بلکه در بهترین حالت، مشمول نفع در مال است. بدین ترتیب، این امر در محدوده «اموال ایران» مطابق بند ۹ قرار نمی‌گیرد. نتیجه این که دیوان ادعای ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت بر اساس بند ۹ را رد می‌کند.

۷۸۲- دیوان به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی ذکر شد،[۴۵۵] ادعای جایگزین ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت بر اساس بند ۸ و اصل کلی الف را نیز رد می‌کند.

۷۸۳- به علاوه، دیوان استدلال ایران بر پایهٔ مالکیت در منافع نیز به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی[۴۵۶] ذکر شد را رد می‌کند.

۷۸۴- بنا بر مراتب فوق، دیوان ادعای تکمیلی ۴۹-(۲) را رد می‌کند.

(۱۳) ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پِلسِی دینامیکس کورپ.)

*(الف) مقدمه*

۷۸۵- خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) حداکثر به مبلغ ۶۶،۷۹۷ دلار آمریکا به علاوه بهره بابت خسارات وارده در نتیجهٔ قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات برای انتقال برخی تجهیزات است

---

[۴۵۴] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا.

[۴۵۵] *بنگرید به* بندهای ۲۲۳-۲۳۲، بالا.

[۴۵۶] *بنگرید به* بند ۱۳۳، بالا.

که ایران ایر قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] برای تعمیر به شرکتی آمریکایی به نام پلسی داینمیکس کرپریشن («پلسی») ارسال کرده بود.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۷۸۶- پلسی، یک شرکت تعمیرات قطعات هواپیما بود که در سال‌های قبل از شروع بحران در روابط میان ایران و ایالات متحده در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] با بسیاری از نهادهای ایرانی، از جمله ایران ایر و صنایع هواپیمایی ایران قرارداد منعقد کرده بود. ایران ایر در زمان‌هایی که این‌جا ذی‌ربط است یک شرکت هواپیمایی تجاری دولتی بود، حال آن که صنایع هواپیمایی ایران در حوزه نگه‌داری و تعمیرات اساسی هواپیماهای نظامی به عنوان نهاد تابعهٔ سازمان صنایع نظامی ایران فعالیت می‌کرد.

۷۸۷- پلسی قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] برخی قطعات تعمیرشده را به صنایع هواپیمایی ایران مسترد کرد که شرکت اخیر محموله را دریافت کرد اما بابت تعمیرات انجام‌شده به پلسی پرداختی به عمل نیاورد. مجموع ارزش سفارش‌های حمل شده ۱۹،۸۷۹ دلار آمریکا بود.

۷۸۸- در حالی که پلسی قطعات صنایع هواپیمایی ایران را تعمیر می‌کرد، پلسی با ایران ایر نیز بابت تعمیر سه فعال‌کنندهٔ تصفیهٔ سوخت («فعال‌کننده‌ها») قرارداد منعقد کرده بود.[۴۵۷] این اقلام که اموال ایران ایر بودند، قبل از تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] به ایالات متحده وارد شدند و مشمول دستور انسداد مورخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] واقع گردیدند.

۷۸۹- پلسی در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۶۱ [نهم سپتامبر ۱۹۸۲] به ایران ایر اطلاع داد که از آن‌جا که ایران ایر و صنایع هواپیمایی ایران، هردو نهادهای دولت ایران هستند، پلسی سه فعال‌کننده ایران ایر را به عنوان تضمین

---

[۴۵۷] عبارت بودند از فعال‌کنندهٔ ۱- ۱۵۴۹ آر (شمارهٔ سری ۶۱۲۲۷)؛ فعال‌کنندهٔ ۱- ۴۱۰۱ آر (شمارهٔ سری ۷۵۰۹۰۳)؛ و فعال‌کنندهٔ ۱- ۴۱۰۱ آر (شمارهٔ سری ۷۳۱۰۰۷).

۱۹،۸۷۹دلار آمریکا که صنایع هواپیمایی ایران بدهکار است نگه می‌دارد تا زمانی که دولت ایران آن مبلغ را به پلسی پرداخت نماید.

۷۹۰- پلسی طی تلکس مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۶۱ [اول مارس ۱۹۸۳] به ایران ایر تأیید کرد که آن شرکت سه فعال‌کننده را نگه داشته است و اطلاع داد، در حالی که یکی از فعال‌کننده‌ها تعمیر شده و در انتظار حمل شدن است، دو فعال‌کننده هنوز باید تعمیر شوند. پلسی هزینه تعمیر هر یک از سه فعال‌کننده را ذکر کرد، که مجموعاً بالغ بر ۹،۸۹۳/۴۵ دلار آمریکا گردید. پلسی همچنین اشاره کرد که از این مبلغ، ۸،۳۳۸/۹۵ دلار آمریکا مربوط به دو فعال‌کنندهٔ تعمیرنشده است.

۷۹۱- پلسی با ارسال نامه‌های مورخ ۲۱ دی ۱۳۶۶ و ۳۰ خرداد ۱۳۶۷ [۱۱ ژانویه و ۲۰ ژوئن ۱۹۸۸] به وزارت امور خارجه ایالات متحده تأیید کرد که آن شرکت سه فعال‌کننده را به عنوان تضمین ۱۹،۸۷۹ دلار آمریکا که صنایع هواپیمایی ایران بدهکار می‌باشد نگه داشته است.

۷۹۲- متعاقباً پلسی با نامه مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۸ [اول ژوئن ۱۹۸۹] به وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که آن شرکت در اِعمال حق خود برای تحدید خسارات، سه فعال‌کننده مذکور را «به شیوه تجارتیِ معقولی» به بهای ۹،۱۱۱ دلار آمریکا فروخته است.

*(پ) اظهارات طرفین*

۷۹۳- ایالات متحده در دادخواهی‌های خود پذیرفته است که نامه ارسالی پلسی به وزارت امور خارجه ایالات متحده مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۸ [اول ژوئن ۱۹۸۹] مبنی بر این که پلسی سه فعال‌کننده را به منظور تحصیل بخشی از طلب ۱۹،۸۷۹ دلاری خود فروخته است،[۴۵۸] «دلیل مثبته»ای تلقی می‌شود که نشان می‌دهد سه فعال‌کننده مذکور

[۴۵۸] *بنگرید به* بند ۷۹۲، بالا.

«در واقع، از دستور انتقال [دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱] به دلیل وجود بدهی پرداخت نشده، استثناء شده بود». بر این اساس، ایالات متحده معترف است که ایران اثبات کرده است که ایالات متحده در این ادعا تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است و این نقض منجر به ورود خسارت به ایران شده است.

*(ت) تصمیم دیوان*

**۷۹۴-** همان‌طور که گفته شد، آسمان، که ایران ایر در خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] در آن ادغام شد، مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد. مضافاً، اختلافی وجود ندارد که سه فعال‌کننده مذکور در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته یا این که آن اقلام در آن تاریخ منحصراً در مالکیت ایران بوده است. بر این اساس، آن اقلام مطابق بند ۹ تحت عنوان «اموال ایران» توصیف می‌شود.

**۷۹۵-** دیوان بر اساس ادله و مدارک ارائه‌شده حکم می‌کند که پلسی سه فعال‌کننده مذکور را به دلیل وجود بدهی پرداخت‌نشده در ایالات متحده نگه داشته است و نتیجتاً آن اقلام در واقع از دستور انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به واسطه بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری مستثنی بوده است. در نتیجه، ایالات متحده تعهد خود ذیل بیانیه عمومی را نقض کرده است و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت محقق است. ایالات متحده مسؤولیت بابت ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) را پذیرفته است.[۴۵۹] ایالات متحده همچنین پذیرفته است که نقض تعهدش مطابق بیانیه الجزایر منجر به ورود خسارت به ایران شده است.[۴۶۰]

---

[۴۵۹] *بنگرید به* بند ۷۹۳، بالا.

[۴۶۰] *بنگرید به* همانجا.

۷۹۶- دیوان مضافاً حکم می‌کند که تاریخ نقض ایالات متحده، هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرد.[۴۶۱]

۷۹۷- بنا بر مراتب فوق، دیوان ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) را می‌پذیرد.

(۱۴) ادعای تکمیلی ۶۴-(۲) (ایران ایر/اسکات اَوِییشن)

*(الف) مقدمه*

۷۹۸- خواستهٔ ایران در ادعای تکمیلی ۶۴-(۲) حداکثر مبلغ ۷۴،۵۷۷/۲۳ دلار آمریکا به علاوه بهره، بابت خسارات واردهٔ ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی تجهیزاتی است که ایران ایر قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] به منظور تعمیر به شرکت آمریکایی اسکات اوییشن («اسکات») ارسال کرده بود.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۷۹۹- ایران ایر در سال‌های ۱۳۵۶ [۱۹۷۸] و ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] تعدادی قطعات سیستم مکمّل اکسیژن («قطعات») برای به‌سازی و تعمیر به اسکات ارسال کرده بود.

۸۰۰- متعاقباً، اسکات وفق دستور انسداد مورخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] معاملات با ایران ایر را متوقف و محصولات مربوط به ایران ایر را از سایر موجودی‌ها جدا کرد.

---

[۴۶۱] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

۸۰۱- اسکات و ایران ایر بین آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] و فروردین/اردیبهشت ۱۳۶۲ [آوریل ۱۹۸۳] هیچ ارتباطی نداشتند. ایران ایر در فروردین/اردیبهشت ۱۳۶۲ [آوریل ۱۹۸۳] یا آن حوالی، به اسکات اطلاع داد که ۸۱ قطعه که سابقاً برای اسکات ارسال کرده بود دریافت نشده است. اسکات در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ [۱۳ آوریل ۱۹۸۳] فهرستی را برای ایران ایر ارسال کرد که نشان می‌داد ۴۳ قطعه در انبار اسکات در انتظار تعمیرات اساسی و مرمت هستند. پنج مورد از این ۴۳ قطعه تحت عنوان «پیش‌پرداخت شده توسط ایران ایر» فهرست شده بود.

۸۰۲- ایران ایر در خرداد/تیر ۱۳۶۲ [ژوئن ۱۹۸۳] طی تلکسی پاسخ داد و اظهار داشت که در اصل نه ۴۳، بلکه ۸۱ قطعه را به اسکات فرستاده است و راجع به قطعات گم‌شده سؤال کرد.

۸۰۳- اسکات با نامه مورخ ششم مهر ۱۳۶۲ [۲۸ سپتامبر ۱۹۸۳] به ایران ایر روشی برای حل موضوع پیش‌نهاد داد. به طور خلاصه، اسکات پیش‌نهاد کرد که تمام اقلام فهرست‌شده در نامه مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ [۱۳ آوریل ۱۹۸۳] خود را بر پایهٔ پیش‌پرداخت نقدی به مبلغ مجموعاً ۷،۵۱۱/۷۳ دلار آمریکا تعمیر کند. اسکات اشاره کرد که ایران ایر مبلغ ۱،۶۶۵/۲۳ دلار آمریکا بابت تعمیرات مذکور پیش‌پرداخت داده بود. اسکات مضافاً پیش‌نهاد کرد که «کلیهٔ قطعات و مجموعه‌هایی را که سوابق دفتری آن مفقود شده را» طی یک بارگیری فله‌ای «به مقصدی به انتخاب [«ایران ایر»] حمل کند، چون همه سوابق مربوط به تجهیزات از بین رفته [است]».

۸۰۴- ایران در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۶۲ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۳] ادعای تکمیلی ۶۴-(۲) را به خواستهٔ ۳۴،۲۲۸ دلار آمریکا بابت «قطعات یدکی ارسالی برای تعمیر» به پرونده‌های حاضر افزود.

۸۰۵- ایران ایر در تاریخ نهم آبان ۱۳۶۲ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۳] تلگرامی برای اسکات ارسال کرد و تکرار نمود که اسکات نه فقط ۴۳، بلکه ۸۱ قطعه را در تصرف دارد و درخواست کرد که اسکات در مورد وضعیت باقی قطعات

اطلاع رسانی کند. به علاوه، ایران پیش‌نهاد اسکات بابت حل و فصل موضوع را «مشروط به روشن شدن و شفاف‌سازی باقی واحدها» پذیرفت.

۸۰۶- اسکات با تلکس مورخ ۱۱ آبان ۱۳۶۲ [دوم نوامبر ۱۹۸۳] تکرار کرد که صرفاً ۴۳ «واحد کامل» را در اختیار دارد و «سایر افزارها صرفاً اجزاء تشکیل‌دهنده واحدهای کامل» هستند. بنا به اظهار اسکات، آن افزارها «بخشی از واحدهای گم شده» است. اسکات خاطرنشان کرد که «بی‌تردید برخی از سوابق دفتری مکتوبات جابه‌جا یا گم شده است» و تجهیزات در اسکات در طی دورهٔ سه ساله اخیر، بارها جابه‌جا شده است و شاید به مفقود شدن برخی واحدها منتج شده است. اسکات اظهار داشت که «پیدا کردن واحدهای گم‌شده غیرممکن به نظر می‌رسد» و توصیه کرد که ایران ایر پیش‌نهاد اسکات بابت حل و فصل مسئله را بپذیرد.

۸۰۷- ایران ایر در پاسخ، با تلگرام ارسالی در ۱۶ آبان ۱۳۶۲ [هفتم نوامبر ۱۹۸۳] یا آن حوالی، به اسکات اطلاع داد که قطعات «مسترد نشده» در واقع ۷۹ فقره است زیرا دو قطعه به اسکات تحویل داده نشده بلکه، در گمرک در شهر نیویورک نگه داشته شده است. بدین ترتیب، بنا بر اظهارات ایران ایر، با عنایت به ۴۳ قطعه‌ای که اسکات پذیرفته که در اختیار دارد، ۳۶ قطعه «گم‌شده» است. ایران ایر اضافه می‌کند که قبلاً دو صورت‌حساب از اسکات بابت ۲۱ مورد از ۳۶ قطعه گم‌شده دریافت کرده است.

۸۰۸- اسکات در نامه مورخ ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ [۱۳ فوریه ۱۹۸۴] تکرار می‌کند که سوابق دفتری و همچنین، افزارها با توجه به «قدیمی بودن این مسئله» و تغییر و جابجایی مکرر مواد، گم شده است. اسکات پیش‌نهاد خود بابت حل و فصل موضوع را تکرار کرد.[۴۶۲] به علاوه، اسکات عنوان کرد که تنها گزینه دیگر، حمل بدون تعمیر

---

[۴۶۲] *بنگرید به* بند ۸۰۳، بالا.

کلیه موادی که در اختیار دارد به مقصدی به انتخاب ایران ایر است. اسکات صراحتاً از ایران ایر تقاضای صدور «موافقت و دستورالعمل» کرد.

۸۰۹- اسکات در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۳ [دوم مه ۱۹۸۴] نامه دیگری به ایران ایر فرستاد و کپی آن را به وزارت امور خارجه ایالات متحده ارسال کرد که در آن به نامه‌های سابق اسکات مورخ ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ [۱۳ فوریه ۱۹۸۴]، نهم اسفند ۱۳۶۱ [۲۸ فوریه ۱۹۸۳] و ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ [۱۳ آوریل ۱۹۸۳] ارجاع داده است.

۸۱۰- اسکات مجدداً در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۶۴ [۱۸ آوریل ۱۹۸۵] به ایران ایر نامه نوشت و اظهار داشت:

> ما در چندین سال گذشته تلاش کرده‌ایم تا از طریق تلاش اداری زیاد، مقادیر، هزینه‌ها و ... را به منظور حل این معضل تعیین کنیم .... در هر مکاتبهٔ ایران ایر همواره به واحدهای «گم‌شده» در اسکات اشاره شده است. ما در نامهٔ ۲۵ بهمن ۱۳۶۲ [۱۳ فوریه ۱۹۸۴] خود متذکر شدیم که به دلیل قدیمی بودن مسئله، جابجایی مکرر مواد و غیره، سوابق اداری و خود افزارها پیدا نمی‌شود یا از بین رفته است. ما همچنین متذکر شدیم که با عنایت به شرایطی که به چنین مشکلی منتهی شده، اسکات نمی‌تواند مسئول خسارات وارده تلقی شود.
>
> بنابراین، ما باید پافشاری کنیم که ایران ایر بی‌درنگ نشانی گیرنده و مجوز حمل باقی مواد موجود نزد اسکات را ارائه دهد. ما مواد را به همان شکل موجود به نحو پس‌کرایه به مقصد متصدی حملی که انتخاب می‌کنید حمل خواهیم کرد.
>
> به باور ما امیدی برای تلاش جهت رتق و فتق آشفتگی آشکار اداری در ارتباط با این مشکل به شیوهٔ دیگری، وجود ندارد.
>
> در انتظار پاسخ سریع شما خواهیم بود.

اسکات کپی این نامه را به وزارت امور خارجه ایالات متحده ارسال کرد.

۸۱۱- وزارت امور خارجه ایالات متحده در تاریخ چهارم آبان ۱۳۷۹ [۲۵ اکتبر ۲۰۰۰] نامه‌ای به اسکات نوشت و درباره این موضوع سؤال کرد. اسکات با نامه مورخ ۲۱ آذر ۱۳۷۹ [۱۱ دسامبر ۲۰۰۰] پاسخ داد و شهادت‌نامه آقای جیمز اِی. رش، مدیر قراردادها و فروش اسکات در زمان‌های مربوطه را ضمیمه کرد. طبق اظهار آقای رش،

اسکات پس از استفسار وزارت امور خارجه ایالات متحده، فهرست انبار خود را بابت هرگونه اقلام باقی‌مانده ایران ایر جست و جو کرد ولی چیزی پیدا ننمود.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۸۱۲- ایران اظهار می‌دارد که اسکات تمام ۷۹ قطعه ادعایی را دریافت کرده است که بدین ترتیب، بنا بر اظهارات ایران، در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. ایران در تأیید این سخن، به (یک) مکاتبات مبادله‌شده ایران ایر و اسکات در سال‌های ۱۳۶۱ و۱۳۶۲ [۱۹۸۳ و ۱۹۸۴] که در بالا شرح داده شد؛ (دو) تعدادی صورت‌حساب صادره توسط اسکات بابت برخی قطعات گم‌شده؛ و (سه) این موضوع که اسکات هیچ‌گاه دریافت تمام ۷۹ قطعه را انکار نکرده است، استناد می‌کند.

۸۱۳- همچنین، ایران ادعا می‌کند از آن‌جا که اسکات پس از تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با خودِ ایران ایر تماس نگرفته تا اعلام کند قطعات را در اختیار دارد، قبل از سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] دستورالعمل حمل را درخواست نکرده است و هیچ گامی در راستای انتقال قطعات مذکور برنداشته است، باید چنین فرض کرد که آن‌ها را اقلام متنازع‌فیه و/یا مطابق بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری مشمول حق حبس تلقی کرده است. ایران به عنوان موضوعی کلی استدلال می‌کند وقتی شرکت‌های آمریکایی از تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اموال ایران را نگه داشته‌اند، باید فرض نمود که از تحویل اموال مذکور به دلیل شمول حق حبس، توقیف یا در غیر این صورت، متنازع‌فیه بودن، خودداری شده است زیرا مطابق حقوق ایالات متحده، این حق حبس تنها در صورتی می‌تواند ممکن باشد که چنین تلقی از اموال مذکور به عمل آمده باشد. بر این اساس، ایران ادعا می‌کند که ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است. ایران منکر آن می‌باشد که ایران ایر در دادن دستورالعمل حمل به اسکات چنان که ایالات متحده ادعا می‌کند، اهمال کرده است.

۸۱۴- ایران به عنوان بخشی از ادعای خود، خواهان بازپرداخت پیش‌پرداخت به مبلغ ۱،۶۶۶/۲۳ دلار آمریکا که ایران ایر به اسکات بابت تعمیر قطعات داده است نیز می‌باشد. ایران این ادعا را بر بند ۹ و به عنوان ادعای جایگزین بر بند ۸ و اصل کلی الف استوار کرده است. ایران با عنایت مشخص به بند ۹ استدلال می‌کند که عبارت «اموال ایران» در آن مقرره، تعهدات به نفع ایران، شامل مبالغ و بدهی‌های نقدی را نیز پوشش می‌دهد. وفق اظهارات ایران، پیش‌پرداخت ایران ایر به اسکات نمایان‌گر چنین تعهدی است. به نظر ایران، خودِ ایالات متحده متوجه شده است که با صدور بخش‌های ۲۱۵-۵۳۵ و ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری که اشخاص مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده را وا می‌داشت تمام «تعهدات» و منافع مالی ایران، شامل «بدهی‌های» این دولت را به ایران انتقال دهند، تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ بدهی‌ها و تعهدات، شامل مبالغ نقدی را نیز پوشش می‌دهد.[۴۶۳]

*اظهارات ایالات متحده*

۸۱۵- ایالات متحده در گزارش مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده اشاره کرد که اسکات در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] در پی درخواست ایالات متحده، سه قطعه دیگر متعلق به ایران ایر را شناسایی کرد؛ از این رو، اسکات در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به جای ۴۳ قطعه، ۴۶ قطعه را در اختیار داشته است.

۸۱۶- با این حال، بنا بر اظهارات ایالات متحده، ایران اثبات نکرده است که ۳۳ قطعه دیگر که ادعا می‌کند در واقع برای اسکات ارسال شده است یا در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در ایالات متحده قرار داشته است («۳۳ قطعه گم شده»). ایالات متحده ادعا می‌کند حتی اگر محض ادامهٔ بحث فرض کنیم ۳۳ قطعه گم‌شده در آن تاریخ در ایالات متحده قرار داشته، تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ مبنی بر این که «با دریافت رهنمود از ایران

[۴۶۳] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

برای حصول اطمینان از این که دارندگان [اموال ایران] آن‌ها را به ایران انتقال [دهند] اقداماتی معمول دارد»،[۴۶۴] به گونه‌ای که در حکم شماره ۵۲۹ تعریف شده هیچ‌گاه در خصوص ۳۳ قطعه گم‌شده به وجود نیامده است. این بدین جهت است که زمانی که ایران ایر در سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] با اسکات و ایالات متحده تماس گرفت، با توجه به این که اسکات ۳۳ قطعه گم‌شده را مفقود نموده بود، هیچ اقدامی وجود نداشت که ایالات متحده بتواند در جهت تضمین انتقال انجام دهد.

۸۱۷- به علاوه، ایالات متحده منکر آن است که ۴۶ قطعه‌ای که در اختیار اسکات بوده، وفق بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، اموال متنازع‌فیه بوده باشد. ایالات متحده تأکید می‌کند که ایران اثبات نکرده است که اسکات آن ۴۶ قطعه را بابت بدهی یا حق حبس نگه داشت؛ استدلال ایران مبنی بر این که دیوان باید صرفاً مفروض بداند که اسکات چنین کرده است قابل پذیرش نیست. ایالات متحده بر این موضع است که در خصوص ۴۶ قطعه مذکور ایالات متحده با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مطابق تعهد خود ذیل بند ۹ عمل کرده است. به نظر ایالات متحده، آن دولت صرفاً در صورتی ممکن بوده تعهدی بر انجام اقدامات به منظور تضمین انتقال ۴۶ قطعه مذکور به ایران داشته باشد که ایران دستورالعملی برای انتقال به اسکات می‌داد و به ایالات متحده خاطرنشان می‌کرد که به کمک بیش‌تری نیاز است. بنا بر اظهارات ایالات متحده، ایران هیچ یک از این دو کار را انجام نداده است.

۸۱۸- سرانجام، ایالات متحده مدعی است که عبارت «اموال ایران» در بند ۹ صرفاً اموال عینی را پوشش می‌دهد و شامل حقوق غیرعینی در اموال و پیش‌پرداخت‌ها نمی‌باشد. بنابراین، ادعای ایران بر مبنای بند ۹ بابت استرداد پیش‌پرداخت ایران ایر به اسکات خارج از محدوده پرونده‌های حاضر می‌باشد. ایالات متحده در خصوص استدلال جایگزین ایران برپایهٔ اصل کلی الف مدعی است که وقتی ایالات متحده در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹

[۴۶۴] *بنگرید به* بندهای ۲۷ و ۱۶۹، بالا.

ژانویه ۱۹۸۱] تمام دستورهای انسداد را رفع کرد وضعیت مالی ایران در خصوص تمام حقوق عینی تا حد امکان به وضع سابق بازگشت. ایران پس از آن تاریخ به حقوق قراردادی و تمام حقوق غیرعینی خود که در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] به واسطه دستور انسداد بلوکه شده بود بازگشت داده شد.

*(ت) تصمیم دیوان*

*(یک) ادعای خسارات بابت عدم استرداد قطعات*

۸۱۹- دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، وفق ادلهٔ ارائه‌شده حکم می‌کند که اسکات تمام ۷۹ قطعه ادعایی را از ایران قبل از صدور دستور انسداد مورخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] دریافت کرده است. اسکات در حالی که در مکاتبات خود با ایران ایر و وزارت امور خارجه ایالات متحده اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند بسیاری از قطعات را پیدا کند، در وهله نخست، هیچ‌گاه انکار نکرد که تمام ۷۹ قطعه را دریافت کرده است.[۴۶۵] بر این اساس، دیوان در نبود ادله و مدارک مغایر نتیجه می‌گیرد که ۷۹ قطعه ادعایی ایران در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است.

۸۲۰- به علاوه، دیوان حکم کرده است که آسمان، که ایران ایر در خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] د رآن ادغام شد، مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ از بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد. به علاوه، اختلافی وجود ندارد که ۷۹ قطعه ادعایی در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] منحصراً در مالکیت ایران بوده است. بر این اساس، آن‌ها مطابق بند ۹ «اموال ایران» محسوب می‌شوند.

*۴۶ قطعه در تصرف اسکات*

[۴۶۵] *بنگرید به* بندهای ۸۰۳-۸۱۱، بالا.

۸۲۱- همان طور که گفته شد، اسکات در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۷ [۱۹۸۹] پذیرفته است که ۴۶ قطعه را در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در تصرف خود داشت.[۴۶۶]

۸۲۲- اسکات در شهریور ۱۳۶۲ [سپتامبر ۱۹۸۳] پیش‌نهاد تعمیر و استرداد قطعاتی را که در تصرف خود داشت (که در آن زمان اظهار داشت که ۴۳ قطعه است) به ایران داده بود.[۴۶۷] ایران ایر در تاریخ نهم آبان ۱۳۶۲ [۳۱اکتبر ۱۹۸۳] پیش‌نهاد اسکات را موکول به «شفاف‌کردن» وضعیت ۳۳ قطعه گم‌شده پذیرفت.[۴۶۸] اسکات در مکاتبات بعدی خود با ایران ایر (یک) پیش‌نهاد خود بابت تعمیر و استرداد قطعات در تصرف خود به ایران ایر، و (دو) این که ۳۳ قطعهٔ مفقود شده، گم شده است را تکرار کرد.[۴۶۹] به علاوه، اسکات در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ [۱۳ فوریه ۱۹۸۴] اطلاع داد که اگر ایران ایر مایل باشد، اسکات قطعات در تصرف خود را بدون تعمیر باز خواهد گرداند؛ بدین ترتیب، آن شرکت درخواست کرد که ایران ایر «موافقت و دستورالعمل» را ارائه کند.[۴۷۰] اسکات از طریق نامه‌های مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۳ [دوم مه ۱۹۸۴] و ۲۹ فروردین ۱۳۶۴ [۱۸ آوریل ۱۹۸۵] به ایران ایر، که تصویر آن برای وزارت امور خارجه ایالات متحده ارسال شده بود، مجدداً درخواست صدور دستورالعمل و اجازه ایران ایر برای حمل را نمود.[۴۷۱] با این حال، ایران ایر هیچ یک را ارائه نکرد.

۸۲۳- بدین ترتیب، در حالی که اسکات آمادگی خود را برای انتقال ۴۶ قطعه‌ای که در تصرف خود داشت به ایران ایر ابراز کرد، ایران ایر از ارائه اطلاعات و صدور مجوزی که اسکات برای انجام انتقال لازم داشت خودداری کرد. از این رو، ناتوانی اسکات در انتقال ۴۶ قطعه مذکور ناشی از قصور ایران ایر در ارائه دستورالعمل‌های لازم

---

[۴۶۶] *بنگرید به* بند ۸۱۵، بالا.

[۴۶۷] *بنگرید به* بند ۸۰۳، بالا.

[۴۶۸] *بنگرید به* بند ۸۰۵، بالا.

[۴۶۹] *بنگرید به* بند ۸۰۶ و ۸۰۸، بالا.

[۴۷۰] *بنگرید به* بند ۸۰۸، بالا.

[۴۷۱] *بنگرید به* بند ۸۰۹ و ۸۱۰، بالا.

به اسکات بود نه ناشی از فعل یا ترک فعل از جانب ایالات متحده. دیوان در این اوضاع و احوال نتیجه می‌گیرد که ایالات متحده به نحو معقول نمی‌توانسته کاری بیش از این در جهت ایفای تعهد خود ذیل بند ۹ بابت انجام اقدامات در جهت حصول اطمینان از انتقال ۴۶ قطعه مذکور به ایران ایر توسط اسکات به عمل آورد.[۴۷۲] بر این اساس، ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص آن ۴۶ قطعه را نقض نکرده است.

**۸۲۴-** دیوان در رسیدن به این نتیجه‌گیری، این ادعای ایران را نیز که اسکات ۴۶ قطعه‌ای را که در تصرف داشت وفق بخش ۵۳۵-۳۳۳ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، متنازع‌فیه یا مشمول حق حبس تلقی کرده است به دلایل زیر رد می‌کند. نخست، ایران ایر هیچ بدهی به اسکات نداشت. دوم، به هر تقدیر، اسکات هیچ‌گاه ادعایی علیه ایران ایر یا حق حبسی را بر قطعات مذکور مطرح نکرد. در واقع، آن شرکت هیچ‌گاه از انتقال قطعات مذکور خودداری ننمود: اسکات زمانی که روشن شد که ایران ایر پیش‌نهاد آن شرکت را نخواهد پذیرفت، پیش‌نهاد کرد که قطعات را بدون تعمیر پس بفرستد. از این رو، ادعای اسکات در نامهٔ مورخ ۲۹ فروردین ۱۳۶۴ [۱۸ آوریل ۱۹۸۵] مبنی بر این که نمی‌توانسته «مسؤول خسارات وارده تلقی شود» به این که آیا ۴۶ قطعه مذکور وفق مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، اموال متنازع‌فیه بود یا خیر ارتباطی ندارد.

*۳۳ قطعه گم‌شده*

**۸۲۵-** مدارک نشان می‌دهد که اسکات به دلیل آشفتگی لجستیکی از بازیابی ۳۳ قطعه گم‌شده ناتوان بوده است. آن قطعات برای تمام اهداف عملی، چنان‌که اسکات در سال‌های ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳]، ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] و ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] کراراً به ایران ایر نوشت، گم شده بود. ادله همچنین نشان می‌دهد که ایالات

[۴۷۲] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

متحده پس از تسلیم ادعای تکمیلی ۶۴-(۲) به دیوان از سوی ایران در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۶۲ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۳] با اسکات درباره این ادعا تماس گرفت و نظارت بر تبادل نظر بین طرفین را آغاز کرد.

۸۲۶- دیوان در این اوضاع و احوال حکم می‌کند که ایالات متحده به نحو معقول نمی‌توانسته کاری بیش از این در جهت ایفای تعهد خود ذیل بند ۹ برای حصول اطمینان از این امر انجام دهد که اسکات ۳۳ قطعه مذکور را به ایران ایر انتقال دهد.[۴۷۳] ناتوانی اسکات در یافتن آن قطعات به دلیل آشفتگی اداری در درون خود آن شرکت بود. این امر به دلیل فعل یا ترک فعلی از جانب ایالات متحده نبود. بر این اساس، ایالات متحده را نمی‌توان مسؤول نقض تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص ۳۳ قطعه گم‌شده به شمار آورد.

*نتیجه*

۸۲۷- در پرتو مراتب پیش‌گفته، ادعای ایران بابت خسارات وارده در نتیجه عدم استرداد ۷۹ قطعه مذکور رد می‌شود.

*(دو) ادعای پیش‌پرداخت*

۸۲۸- چنان‌چه در بالا ذکر شد، دیوان در حکم شماره ۵۲۹ حکم کرده است که محدوده «اموال ایران» مندرج در بند ۹ منحصراً محدود به «اموال عینی» است که می‌تواند «انحصاراً تملک شود».[۴۷۴] به وضوح، تعهد به نفع ایران یک فقره مال عینی نیست و حداکثر، منفعت در مال به حساب می‌آید. بدین ترتیب، چنین تعهدی وفق بند ۹

[۴۷۳] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

[۴۷۴] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا.

مشمول محدوده «اموال ایران» نمی‌باشد. نتیجتاً دیوان ادعای ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت بر پایه بند ۹ را رد می‌کند.[۴۷۵]

**۸۲۹-** دیوان به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی بیان شد، ادعاهای جایگزین ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت بر اساس بند ۸ و اصل کلی الف را نیز رد می‌کند.[۴۷۶]

*(سه) نتیجه کلی*

**۸۳۰-** بنا بر مراتب فوق، دیوان ادعای تکمیلی ۶۴-(۲) را به کلی رد می‌کند.

(۱۵) ادعای ز-۱۰۵ (اداره آب و برق خوزستان/اکساید کورپ.)

*(الف) مقدمه*

**۸۳۱-** خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۰۵ حداکثر مبلغ ۲۹،۰۶۳/۹۰ دلار آمریکا به اضافه بهره، بابت خسارات وارده در نتیجه قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی اقلامی است که اداره آب و برق خوزستان که متعاقباً به سازمان آب و برق خوزستان تغییرنام داد ای‌اس‌بی اینک. («ای‌اس‌بی»)، که متعاقباً به شرکت اکساید («اکساید») تغییرنام داد، سفارش داده بود. اقلام مورد اختلاف در این ادعا ۳۲۵ باتری خشک، شش شارژر باتری و ۲۶ بشکه الکترولیت («اقلام ز-۱۰۵») می‌باشد.

---

[۴۷۵] حتی اگر محض ادامه بحث دیوان می‌پذیرفت که مطابق استدلال ایران، بند ۹ می‌توانست از دید بخش‌های ۲۱۵-۵۳۵ و ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری تفسیر شود، که البته نمی‌پذیرد، باز به همان نتیجه می‌رسید. همان‌گونه که ذکر شد، مطابق اظهارات ایران، آن مقررات نمایانگر درک ایالات متحده از تعهدات بند ۹ خود است. *بنگرید به* بندهای ۶۸-۶۹ و ۸۱۴، بالا. ایران ایر در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک یک ادعای حقوقی علیه اسکات بود بابت استرداد پیش پرداخت. بدین قرار، ادعاهائی از این دست قطعاً نمی‌توانسته از اسکات به ایران ایر منتقل شود.

[۴۷۶] *بنگرید به* بندهای ۲۲۳-۲۳۲ و ۲۴۷، بالا.

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۸۳۲-** اداره آب و برق خوزستان در ۲۲ آبان ۱۳۵۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۷] برای خرید اقلام ز-۱۰۵ از ای‌اس‌بی سفارشی ارسال کرد. ای‌اس‌بی در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۵۷ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۸] صورت‌حسابی به مبلغ ۲۹،۰۶۳/۹۳ دلار آمریکا برای اداره آب و برق خوزستان بابت اقلام ز-۱۰۵ صادر کرد. صورت‌حساب ای‌اس‌بی به سفارش ادارهٔ آب و برق خوزستان به شماره 41969-F ارجاع داد و در مربعِ «تاریخ حمل» ششم دی ۱۳۵۷ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۸] ذکر شده بود. صورت‌حساب مذکور مضافاً در مربعِ «حمل از طریق» حاوی این یادداشت بود: ««ترین مرسک» -B/L # PHL D001».

**۸۳۳-** بنادر ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ و طی سال‌های ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [اواخر ۱۹۷۸ و طی سال ۱۹۷۹] گرفتار اعتصاب، تأخیر و ازدحام شد.

**۸۳۴-** ای‌اس‌بی در تلکس مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ [هشتم فوریه ۱۹۷۹] به ایران ژنراتور (که متعاقباً به ایران ژنکومپ تغییر نام داد)، که ظاهراً به عنوان واسطهٔ معامله عمل می‌کرد، اطلاع داد که اقلام ز-۱۰۵ «در عرشهٔ کشتی در بندر خرمشهر، و کشتی از تخلیه محموله ناتوان بوده است». ای‌اس‌بی مضافاً اطلاع داد: «دو گزینه توسط استیمشیپ کو. پیش‌نهاد می‌شود [:] ۱) این که تجهیزات در ابوظبی تخلیه شود [؛] ۲) این‌که تجهیزات به ایالات متحده بازگردانده شود. خواهشمند است اقدام پیش‌نهادی [فوراً] به اطلاع رسانده شود».

**۸۳۵-** ای‌اس‌بی در ۲۴ اسفند ۱۳۵۷ [۱۵ مارس ۱۹۷۹] مجدداً تلکسی به ایران ژنراتور فرستاد و اطلاع داد که اقلام ز-۱۰۵ در حال بازگردانده شدن به ایالات متحده است. ای‌اس‌بی مضافاً اظهار داشت: «ما می‌توانیم حمل مجدد را به ایران صورت دهیم اما مِرسک صرفاً در ابوظبی تخلیه خواهد کرد. آیا مشتری می‌پذیرد و ترتیبات انتقال تجهیزات از ابوظبی به ایران را خود انجام می‌دهد؟»

۸۳۶- اقلام ز-۱۰۵ تا ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] به فیلادلفیا در ایالات متحده رسیده بود. یک «رسید محموله» در مدارک، ممهور «دریافت شده» به تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] صادر شده از کویکر پکجینگ کو.، اینک («کویکر پکجینگ»)، که کالاها را برای ای‌اس‌بی دریافت کرده بود، حاکی از آن است که این محموله «خیس و خسارت‌دیده» دریافت شده بوده و این‌که «این محموله‌ای است که از اسکله عودت داده می‌شود».

۸۳۷- دکتر مایکل مک‌دونا، شاهد کارشناسِ فراخوانده‌شده توسط ایران، در جلسات استماع بیان داشت که به منظور تضمین این که مدت قرار داشتن در انبار تأثیری بر شرایط باتری‌ها نداشته باشد، باتری‌های خشک معمولاً بدون اسید حمل می‌شود و آن باتری‌ها صرفاً در مقصد مونتاژ می‌شود. بسته‌بندی محموله نیز معمولاً مانع ورود خسارت در زمان حمل می‌شود. به نظر او، باتری‌های مورد اختلاف در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] یعنی تاریخ دریافت محموله و حتی در دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] باید در شرایط بسیار خوبی بوده باشند.

۸۳۸- سازمان آب و برق خوزستان (ادارهٔ آب و برق خوزستان سابق) در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۶۰ [پنجم ژانویه ۱۹۸۲] به ایران ژنکومپ نامه نوشت و درخواست نمود که به سرعت با ای‌اس‌بی تماس برقرار کرده، و این‌که برای حمل و تحویل اقلام ز-۱۰۵ هر چه زودتر اقدام نماید. سازمان آب و برق خوزستان/ادارهٔ آب و برق خوزستان در ۱۶ دی ۱۳۶۰ [ششم ژانویه ۱۹۸۲] تلکسی به ای‌اس‌بی نوشت و مراتب زیرا را به اطلاع رساند:

> پیرو نامهٔ ما مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰] عطف به 41969-F ما راجع به محموله‌های حمل شده به واسطهٔ ترین مرسک B/L D001 مورخ ششم دی ۱۳۵۹ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۰] مدت زیادی است که مدارک اولیه را دریافت کرده‌ایم امّا خبری از مواد نیست. مایهٔ خوشنودی است اگر احتراماً مسئله را بررسی و وضعیت را به اطلاع ما برسانید... .[۴۷۷]

[۴۷۷] نامهٔ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰] سازمان آب و برق خوزستان به ای‌اس‌بی، که در تلکس ۱۶ دی ۱۳۶۰ [ششم ژانویه ۱۹۸۲] سازمان آب و برق خوزستان به آن ارجاع داده شد، در مدارک موجود نیست. به علاوه، دیوان متذکر می‌شود که تلکس ۱۶ دی ۱۳۶۰ [ششم ژانویه ۱۹۸۲] حاوی اشتباه تایپی است: تاریخ حمل اقلام ز-۱۰۵ از طریق کشتی ترین مرسک، نه ششم دی ۱۳۵۹

۸۳۹- ایران در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] طی پاسخ خود به لایحهٔ دفاعیه ایالات متحده، ادعای ز-۱۰۵ را به پرونده‌های حاضر افزود.

۸۴۰- آقای آنتونی روسی، مشاور حقوقی اکساید، در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] به وزارت امور خارجه ایالات متحده که درباره موقعیت اقلام ز-۱۰۵ پرس و جو کرده بود، نامه نوشت و اظهار داشت:

> استنباط من این است که کالاهای فروخته شده مطابق شرایط معامله برای حمل تحویل داده شد؛ ما ۲۹،۰۶۳/۹۰ دلار آمریکا بابت بهای فروش دریافت کردیم؛ کالا به ایران حمل شد؛ اما به دلیل شرایط موجود تخلیه نشد و به ایالات متحده مرجوع شد؛ متعاقب آن ما کالاها را مجدداً دریافت کردیم و سپس از آن‌ها خلاص شدیم.
>
> فقرهٔ دیگری هم داریم که مربوط به ایران است، یعنی فروش شمارهٔ LX-2-2-2149 ما، که به نیروی هوایی شاهنشاهی ایران به مبلغ -/۳۲،۲۷۲ دلار فروخته شده بود. برای اطلاع شما تصویر صورت‌حساب شماره LX-2-2149، سفارش خرید نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، به شماره 77 0380 HQ؛ و تأیید سفارش ما به پیوست تقدیم می‌شود. ما کالا را تحویل دادیم اما مبلغ -/۳۲،۲۷۲ دلار به ما پرداخت نشده است. باور ما این است که حق مشروع برای تهاتر در قبال ادعای دولت ایران داریم؛ و در واقع، آن‌ها مانده‌ای را با بهره در این دو سفارش به ما بدهکارند.

۸۴۱- آقای روسی در جلسات استماع به عنوان شاهد توسط ایالات متحده فراخوانده شد. آقای روسی اظهار داشت که او «معتقد [بوده] که دولت ایران [از اقلام ز-۱۰۵] اعراض کرده است» و اضافه نمود: «آن‌ها مالک محصول بودند. آن‌ها در تخلیهٔ محصول در ابوظبی به ما کمک نکردند تا [بتوانند] آن‌ها را تحویل بگیرند». آقای روسی راجع به مالکیت اقلام ز-۱۰۵ اظهار داشت: «[شروط قرارداد میان اکساید و سازمان آب و برق خوزستان شامل] تحویل به کارخانه یا تحویل به کشتی [بود]. برداشت من این است که زمانی که محصول را تحویل دادیم

---

[۲۷ دسامبر ۱۹۸۰] چنان‌که در تلکس مذکور به اشتباه آمده، بلکه ششم دی ۱۳۵۷ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۸] چنان‌که در صورت‌حساب ای‌اس‌بی به سازمان آب و برق خوزستان به تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۷ [۱۲ نوامبر ۱۹۷۸] ذکر شده، است. (*بنگرید به* بند ۸۳۲ بالا). در این ارتباط، دیوان مضافاً متذکر می‌شود که هر دوی تلکس و صورت‌حساب مذکور به سفارش 41969-F و بارنامهٔ (B/L) شمارهٔ D001 ارجاع می‌دهند.

- آن را به شرکت حمل‌کننده در کارخانه تحویل داده‌ایم، که زمانی است که حق مالکیت تغییر کرد و حق مالکیت قانونی اکنون متعلق به دولت ایران بود». آقای روسی در مورد نامه مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] خود و خلاصی از کالاها مورد پرسش قرار گرفت. وی بیان داشت که او «صرفاً می‌توانسته تخمین یا حدس بزند که [کالاهای مذکور] با اوراق شدن دور ریخته شد زیرا آن‌ها احتمالاً بدرد بخور نبودند». آقای روسی مضافاً تصدیق کرد که در حالی که او هیچ اطلاعات دست‌اولی از این امر نداشته است اما یکی از همکاران وی به او گفته است که از کالاهای مذکور خلاصی حاصل شده است. او اظهار داشت که احتمال اندکی نیز می‌رفت که این کالاها به خریدار دیگری فروخته شده باشد زیرا آسیب‌دیده بودند. بنا بر شهادت او، کالاهای آسیب‌دیده اندکی پس از وصول به اکساید به کارخانه ذوب فرستاده می‌شد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۸۴۲- ایران مدعی است که طرفین توافق دارند که سازمان آب و برق خوزستان حق مالکیت اقلام ز-۱۰۵ را قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به دست آورده است. در این ارتباط، ایران ادعا می‌کند که، وفق اظهارات آقای روسی، این امر در زمانی اتفاق افتاد که اقلام ز-۱۰۵ به شرکت متصدی حمل در کارخانه ای‌اس‌بی برای حمل در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] تحویل داده شد. ایران مضافاً نشان می‌دهد که اقلام ز-۱۰۵ واقعا در عرشهٔ کشتی ترین مرسک بار و به ایران حمل شدند، و این‌که سازمان آب و برق خوزستان بارنامهٔ اولیه را، چنان که در تلکس ۱۶ دی ۱۳۶۰ [ششم ژانویه ۱۹۸۲] ادارهٔ آب و برق خوزستان/سازمان آب و برق خوزستان به ای‌اس‌بی ذکر شده، دریافت کرده است.

۸۴۳- ایران به عنوان موضوعی کلی، راجع به بار اثبات، استدلال می‌کند که غیرعملی است که از ایران خواسته شود که وجود مستمر اموالی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را اثبات نماید که مشمول دستور انسداد ۲۳ آبان

۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بوده‌اند. وفق اظهارات ایران، کالاهای موجود در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰]- مانند اقلام ز-۱۰۵، که در آن تاریخ به ایالات متحده رسیده بوده‌اند - به احتمال زیاد تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان موجود بوده‌اند «مگر این‌که چیزی یا کسی در آن‌ها مداخله کرده باشد». بر این اساس، ایران ادامه می‌دهد که از آن‌جا که ایالات متحده به عنوان دفاعی ایجابی ادعا کرده است که اقلام ز-۱۰۵ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نابود شده‌اند، باید این امر ادعایی را اثبات نماید.

۸۴۴- بدین ترتیب، ایران مدعی است که این ایالات متحده است که باید ادله و مدارکی مبنی بر این امر تسلیم نماید که اقلام ز-۱۰۵ به ضایعات سپرده شده است. ایران متذکر می‌شود که ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص اقلام ز-۱۰۵ اظهار داشت: «کالاها به موجودی انبار مسترد شد». ایران ادعا می‌کند که این اظهارات نشان‌دهندهٔ موضع ایالات متحده دقیقاً پنج ماه پس از دریافت نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] اکساید است و کاملاً در تضاد با برداشت ارائه‌شده توسط آقای روسی در جلسات استماع است، که گمانه‌زنی کرد که اقلام ز-۱۰۵ به مدت کوتاهی پس از ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] قاعدتاً باید به ضایعات سپرده شده باشد.[۴۷۸]

۸۴۵- ایران مدعی است که ایالات متحده بند ۹ را نقض کرده است زیرا مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، که اموال مورد اختلاف و اموالی که متصرفین آن‌ها مدعی حق بر تهاتر هستند را از دستورالعمل انتقال بخش ۲۱۵-۵۳۵ مستثنا کرده است، به اکساید اجازه داد که در مقابل استرداد اقلام ز-۱۰۵ مقاومت کند. به نحو جایگزین، ایران استدلال می‌کند که اگر از اقلام ز-۱۰۵ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] خلاصی صورت گرفته بود، ایالات متحده ناقض محسوب می‌شد، زیرا مقررات غیرقانونی خزانه‌داری به اکساید اجازه داد که، با ادعا مبنی بر حق تهاتر، در مقابل استرداد قیمت خرید که سازمان آب و برق خوزستان پرداخت کرده بود، مقاومت کند.

---

[۴۷۸] *بنگرید به* بند ۸۴۱، بالا.

۸۴۶- به نظر ایران، نتیجهٔ بالا، از جمله، با موارد آتی تأیید می‌شود: نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] از آقای روسی، که ادعا کرد که اکساید دارای «تهاتری مشروع» علیه ادعای «ادعاییِ» ایران در ارتباط با اقلام ز-۱۰۵ بوده است؛ و یا اظهارات ایالات متحده، در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان، مبنی بر این که «استحقاق ایران بر استرداد پرداخت [بابت اقلام ز-۱۰۵] به جهت صورت‌حساب‌های پرداخت‌نشدهٔ معوّقه نیروی هوایی ایران، مورد مخالفت شرکت آمریکایی قرار گرفته است».

۸۴۷- ایران مضافاً استدلال می‌کند که هیچ تعهدی مبنی بر دادن هر گونه دستورالعمل به اکساید یا هر گونه آگاهی به ایالات متحده با دادن این اطلاع به آن‌ها که آن دولت نیازمند اقلام ز-۱۰۵ بوده، نداشته است. این بدین جهت است که اکساید پیشاپیش دستورالعمل‌های ضروری حمل را در اختیار داشته و موظف بوده که اقلام را وفق دستورالعمل مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به ایران منتقل کند. ایران استدلال می‌کند که کار بیهوده‌ای می‌بوده که این دولت چنین دستورالعمل‌ها یا آگاهی‌ای بدهد زیرا اقلام ز-۱۰۵ در هر حال به واسطهٔ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از تعهد انتقال مستثنا شده بودند.[۴۷۹]

۸۴۸- در هر صورت، وفق اظهارات ایران، نامهٔ ۱۵ دی ۱۳۶۰ [پنجم ژانویه ۱۹۸۲] سازمان آب و برق خوزستان به ایران ژنکومپ، نمایندهٔ اکساید، که دستورالعمل ترتیبات انتقال اقلام ز-۱۰۵ به سرعت را به اکساید می‌داد، «روشن‌ترین دستورالعملی است که ایران می‌توانست بدهد».

*اظهارات ایالات متحده*

۸۴۹- ایالات متحده مخالفتی ندارد که حق مالکیت اقلام ز-۱۰۵ به محض حمل در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به سازمان آب و برق خوزستان منتقل شده است. با این حال، ایالات متحده استدلال می‌کند که «محتمل است که

[۴۷۹] *همچنین بنگرید به* بند ۲۰۲، بالا.

زمانی که ایران به نحو مؤثّر از تحویل امتناع نمود، حق مالکیت به واسطهٔ اجرای قانون قاعدتاً باید به اکساید مجدداً اعطا می‌شد» و منظور از قانون، بخش (۴) ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در ایالت پنسیلوانیا پذیرفته شده، می‌باشد که مقرر می‌دارد: «رد یا سایر امتناع‌ها توسط خریدار در دریافت یا نگه داشتن کالاها، موّجه یا ناموجّه، ... حق مالکیت کالاها را به فروشنده مجدداً اعطا می‌کند...». وفق اظهارات ایالات متحده، قانون محل وقوع مال حقوق پنسیلوانیا است زیرا پنسیلوانیا مکانی است که آن اقلام در زمان خلاصی یافتن از آن‌ها در آن واقع بوده‌اند.

۸۵۰- وفق اظهارات ایالات متحده، مضافاً، ایران نشان نداده است که اقلام ز-۱۰۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند. ایالات متحده مخالف این استدلال ایران است که دیوان در مورد اموالی که ایران بتواند نشان دهد که در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] در ایالات متحده موجود بوده، باید به سادگی فرض بگیرد که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان موجود و در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند.

۸۵۱- ایالات متحده مدعی است که، در پرتو ادله و مدارک در این ادعا - به ویژه، نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] آقای روسی به وزارت امور خارجه ایالات متحده و شهادت او در جلسات استماع - که القا می‌کند که از اقلام بسیار پیش از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] خلاصی صورت گرفته بوده است، ایران باید چیزی بیش از استنباطات به منظور اثبات امر ارائه نماید. به نظر ایالات متحده، محتمل‌ترین سناریو این است که از اقلام ز-۱۰۵ «بدون فوت وقت به محض گرفتن از بندر، در فروردین/اردیبهشت ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰]، به ضایعات ارسال شدند». ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که، در پرتو مراتب پیش‌گفته، ایران نتوانسته نشان دهد که اقلام ز-۱۰۵ مشمول محدودهٔ بند ۹ می‌باشند.

۸۵۲- ایالات متحده مدعی است که، حتی اگر ایران می‌توانست آن امر را نشان دهد، علی‌رغم این ایران نشان نداده است که ایالات متحده هر گونه تعهدی را ذیل بند ۹ در خصوص اقلام ز-۱۰۵ نقض کرده است. به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، ایالات متحده مدعی است که هیچ چیز در سابقه وجود ندارد که نشان دهد اکساید اقلام ز-۱۰۵ را مبتنی بر مقررات غیرقانونی خزانه‌داری نگه داشته است. وفق اظهارات ایالات متحده، در این ادعا «هیچ بدهی یا حق حبس نامناسبی مطرح نیست».

۸۵۳- ایالات متحده مضافاً مدعی است که ایران هیچ‌گاه پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با اکساید به منظور ارائهٔ دستورالعمل‌ها راجع به انتقال اقلام ز-۱۰۵ تماس نگرفت، و دستورالعمل‌های حملی نیز به اکساید ارائه نکرد.

۸۵۴- وفق اظهارات ایالات متحده، این دولت نخستین بار از این ادعا در جوابیهٔ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] ایران به لایحهٔ دفاعیهٔ ایالات متحده آگاه شد، زمانی که ایران ادعای ز-۱۰۵ را به پرونده‌های حاضر اضافه نمود. ایالات متحده ادعا می‌کند که با این حال ایران از دادن هرگونه اطلاعی به ایالات متحده در خصوص نیاز به اقدامات اضافی، ورای صدور دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ به منظور تضمین انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران قصور کرده است. ایالات متحده استدلال می‌کند که به جهت این قصور توسط ایران، هیچ نقض تعهدی نسبت به بند ۹ توسط ایالات متحده در خصوص آن اموال نمی‌توانست به وقوع بپیوندد.

۸۵۵- وفق اظهارات ایالات متحده، در هر صورت هیچ چیز وجود ندارد که ایالات متحده به نحو معقول می‌توانست به منظور تسهیل انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران انجام دهد، زیرا تا زمانی که ایران در شهریور ۱۳۶۲ [اوت ۱۹۸۳] ایالات متحده را از این ادعا آگاه کرد، از آن اقلام پیشاپیش خلاصی صورت گرفته بود.

۸۵۶- نهایتاً، ایالات متحده با این استدلال ایران مخالف است که، در هر حال، ایران ذیل بیانیه‌های الجزایر مستحق استرداد قیمت خریدی است که سازمان آب و برق خوزستان در ازای اقلام ز-۱۰۵ پرداخت کرده است.

*(ت) تصمیم دیوان*

۸۵۷- اختلافی وجود ندارد که سازمان آب و برق خوزستان مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

۸۵۸- مضافاً، اختلافی وجود ندارد، و ادله و مدارک تأیید می‌کنند، که حق مالکیت اقلام ز-۱۰۵ در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸ یا اوایل ۱۹۷۹] به سازمان آب و برق خوزستان منتقل شده است، زمانی که اقلام ز-۱۰۵ برای نخستین بار به ایران حمل شدند و سازمان آب و برق خوزستان بارنامهٔ اولیهٔ راجع به آن اقلام را به دست آورد.[۴۸۰] وفق اظهارات ایالات متحده، با این حال، حق مالکیت محتملاً به واسطهٔ اجرای بخش (۴) ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در ایالت پنسیلوانیا پذیرفته شده، «زمانی که ایران به نحو مؤثر از تحویل [اقلام ز-۱۰۵] امتناع کرده» به اکساید مجدداً اعطا شده است.[۴۸۱] دیوان نمی‌تواند این سخن را بپذیرد. حتی بر فرض که بخش (۴) ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل حاکم می‌بود، هیچ ادله و مدارکی مبنی بر این امر وجود ندارد که سازمان آب و برق خوزستان از دریافت اقلام ز-۱۰۵ در زمان به لنگرگاه آمدن کشتی در خرمشهر در بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] امتناع کرده باشد. تلکس ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ [هشتم فوریه ۱۹۷۹] ای‌اس‌بی به ایران ژنراتور متذکر هیچ‌گونه امتناعی توسط سازمان آب و برق خوزستان نشده است؛ در عوض، تلکس مذکور اظهار می‌دارد که «کشتی» در خرمشهر - ظاهراً ترین مرسک - «از تخلیه [اقلام ز-۱۰۵] ناتوان» بوده است. به همین نحو، نه تلکس ۲۴ اسفند ۱۳۵۷ [۱۵ مارس ۱۹۷۹] ای‌اس‌بی به ایران ژنراتور و نه نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] آقای روسی به وزارت امور خارجهٔ ایالات متحده متذکر هیچ‌گونه امتناعی توسط سازمان آب و برق خوزستان در

---

[۴۸۰] *بنگرید به* بندهای ۸۳۸ و ۸۴۱، بالا.

[۴۸۱] *بنگرید به* بند ۸۴۹، بالا.

دریافت اقلام ز-۱۰۵ نشده‌اند. ادله و مدارک در عوض به دیوان چنین القا می‌کنند که ناتوانی کشتی در تخلیهٔ آن اقلام به آشوب‌ها و نزاع‌های مدنی تأثیرگذار بر بنادر ایران، شامل خرمشهرِ آن زمان، منتسب بوده است.

**۸۵۹-** مضافاً هیچ ادلهٔ اثباتی در تأیید این نظر آقای روسی که در شهادت وی در جلسات استماع ابراز گردید، مبنی بر این که «دولت ایران [از اقلام ز-۱۰۵] اعراض کرده» وجود ندارد. دیوان در این ارتباط متذکر می‌شود که سازمان آب و برق خوزستان (اداره آب و برق خوزستان سابق) در ۱۵ دی ۱۳۶۰ [پنجم ژانویه ۱۹۸۲] به ایران ژنکومپ (ایران ژنراتور سابق) نامه‌ای نوشت و درخواست کرد که به سرعت با ای‌اس‌بی تماس بگیرد و هر چه زودتر اقدامات برای حمل و تحویل اقلام ز-۱۰۵ را انجام دهد. این اقدامات توسط سازمان آب و برق خوزستان با نظریه اعراض ارائه شده توسط آقای روسی ناسازگار است.

**۸۶۰-** بدین ترتیب، مسئلهٔ مقدماتی در این ادعا این می‌شود که آیا اقلام ز-۱۰۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر. دیوان متذکر می‌شود که اقلام ز-۱۰۵ صرفاً در فروردین/اردیبهشت ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰]، پس از تلاش نافرجام در تحویل در بندر خرمشهر در بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹]، به ایالات متحده مسترد شده‌اند.

**۸۶۱-** وفق نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] اکساید به وزارت امور خارجه ایالات متحده، اقلام ز-۱۰۵ تخلیه و متعاقباً از آن‌ها «خلاصی» صورت گرفته است. با این حال، تاریخ دقیق چنین «خلاصی»ای در نامهٔ اکساید ذکر نشده است. مضافاً نامعلوم است که آیا «خلاصی» از اقلام ز-۱۰۵ بدین معنا بوده است که آن‌ها نابود شده، به ضایعات سپرده شده، بازفروش شده، یا با آن‌ها به نحو دیگری برخورد شده است. دیوان متذکر شهادت آقای روسی در جلسات استماع می‌شود که بر اساس آن، وی می‌توانسته «صرفاً تخمین یا حدس بزند» که اقلام مذکور به ضایعات فرستاده شده بوده‌اند زیرا آن‌ها «احتمالاً خوب نبوده» اند. آقای روسی تصدیق می‌کند که او اطلاعات دست اوّلی نداشته است که اقلام ز-۱۰۵ به ضایعات فرستاده شده‌اند، و یکی از همکاران او به وی این

را گفته است. به جز این، هیچ ادله و مدارک دیگری وجود ندارد که نشان‌دهندهٔ به ضایعات فرستاده شدن آن اقلام باشد.

۸۶۲- در مقابل، شاهد کارشناس فراخوانده‌شده توسط ایران، دکتر مک‌دونا ادله قانع‌کننده‌ای را در پیش‌گاه دیوان بدین معنی ارائه کرد که باتری‌های خشک در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰]، زمان استرداد اقلام ز-۱۰۵ به ایالات متحده، قاعدتاً باید در «شرایط بسیار خوبی» بوده باشند.

۸۶۳- به علاوه، گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] ایالات متحده به دیوان در خصوص اموال عینی ایران نشان می‌دهد که «کالاهای مذکور به موجودی انبار بازگردانده شده است» که با فرض مطرح‌شده توسط آقای روسی مبنی بر این که اقلام مذکور «به ضایعات سپرده شده‌اند» ناسازگار به نظر می‌رسد.

۸۶۴- دیوان با توجه به کم بودن ادله در این ادعا، بار دیگر نیازمند آن است که بر مبنای تعادل احتمالات به تعیین مسئله بپردازد. هیچ ادلهٔ اثباتی قاطعی در سابقه وجود ندارد که نشان دهد اقلام ز-۱۰۵ در زمان استرداد آن‌ها به ایالات متحده یا حتی یک سال پس از آن، قابل استفاده مجدد نبوده است. صِرف ذکر این نکته در «رسید محموله» ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] کویکر پکجینگ که «محموله» در زمان رسیدن، «خیس و آسیب‌دیده» دریافت شده بوده است،[۴۸۲] بدون هیچ چیز دیگر، به دیوان اجازه نمی‌دهد که نتیجه‌گیری‌های قاطعی در خصوص وضعیت واقعی باتری‌ها و سایر تجهیزات مشمول محموله بنماید.

۸۶۵- نهایتاً چنان که در نامه مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] اکساید به وزارت امور خارجه ایالات متحده نشان داده شده است، اکساید در آن زمان بر این نظر بوده است که نیروی هوایی ایران بیش از -/۳۰،۰۰۰ دلار آمریکا یعنی مبلغی نزدیک به ارزش اصلی اقلام ز-۱۰۵ به اکساید بدهکار بوده است.

---

[۴۸۲] *بنگرید به* بند ۸۳۶ بالا.

۸۶۶- دیوان در این اوضاع و احوال قانع نشده است که نابود کردن اقلام ز-۱۰۵ که در فروردین/اردیبهشت ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] به ایالات متحده مسترد شده بود به نفع اکساید بوده باشد.

۸۶۷- بنا بر مراتب بالا، دیوان با بررسی ادلهٔ طرفین می‌پذیرد که اقلام ز-۱۰۵ همچنان در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است.

۸۶۸- اکنون دیوان به مسئله مسؤولیت ایالات متحده روی می‌آورد. ایالات متحده برای نخستین بار در تاریخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] از اقلام ز-۱۰۵ آگاه شد، یعنی زمانی که ایران در لایحه جوابیه خود به لایحهٔ دفاعیّه ایالات متحده این ادعا را به پرونده‌های حاضر اضافه کرد.[۴۸۳] سؤال ذی‌ربط این می‌شود که، آیا پس از آن تاریخ ایالات متحده در مسیر ایفای تعهد بند ۹ خود کلیه اقدامات معقول را برای حصول اطمینان از انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران معمول داشت یا خیر.[۴۸۴]

۸۶۹- پس از ثبت جوابیه ایران در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]، وزارت امور خارجه ایالات متحده در خصوص محل قرار داشتن اقلام ز-۱۰۵ از اکساید استعلام کرد.[۴۸۵] اکساید طی نامهٔ مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] به وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که اکساید از آن اقلام پس از بازگردانده شدن به ایالات متحده «خلاص شده است».[۴۸۶] با این حال، همان‌گونه که خاطرنشان شد، از لسان نامهٔ مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] اکساید نمی‌شود دقیقاً استنباط کرد که چه اتفاقی برای اقلام ز-۱۰۵ افتاده باشد؛ به ویژه، لسان نامهٔ مذکور اجازه نمی‌دهد که با قطعیت این نتیجه گرفته شود که آن اقلام تا آن تاریخ معدوم شده‌اند.[۴۸۷] از

---

[۴۸۳] *بنگرید به* بند ۸۳۹، بالا.

[۴۸۴] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

[۴۸۵] *بنگرید به* بند ۸۴۰، بالا.

[۴۸۶] *بنگرید به* همانجا.

[۴۸۷] *بنگرید به* بندهای ۸۶۱ و ۸۶۴، بالا.

این رو، از وزارت امور خارجه ایالات متحده پس از دریافت نامهٔ اکساید به نحو معقول انتظار می‌رفت که موضوع را پیگیری کند و از اکساید استعلامات بیش‌تری در خصوص اقلام ز-۱۰۵ به عمل آورد. با این حال، هیچ مدرکی نشان نمی‌دهد که وزارت امور خارجه این‌گونه عمل نموده باشد. همان‌گونه که گفته شد، ایالات متحده در گزارش خود به تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] در خصوص اموال عینی ایران صرفاً اشاره کرده است که اقلام ز-۱۰۵ «به موجودی انبار بازگردانده شده است».[۴۸۸]

۸۷۰- دیوان، با لحاظ اوضاع و احوال فوق حکم می‌کند که ایالات متحده در به عمل آوردن کلیه اقدامات معقول برای حصول اطمینان از انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران توسط اکساید قصور ورزیده و نتیجتاً تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است. دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ نقض نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] یعنی زمانی است که ایالات متحده از ادعای ایران بابت اقلام ز-۱۰۵ آگاه شد.

۸۷۱- در پرتو مراتب فوق، دیوان ادعای ز-۱۰۵ را تأیید می‌کند.

(۱۶) ادعای ز-۱۰۹ (هلال احمر/شولِر اَند کو. اینک.)

*(الف) مقدمه*

۸۷۲- خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۰۹ مبلغ ۱۲،۶۶۵/۱۰ دلار آمریکا به اضافه بهره بابت خسارات وارده ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال بخشی از سفارش باندهای ارتوپدی خریداری شده در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷[۱۹۷۸] توسط جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران («هلال احمر») از شرکتی آمریکایی به نام شولِر و کمپانی، اینک. («شولر») می‌باشد.

---

[۴۸۸] *بنگرید به* بند ۸۶۳، بالا.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۸۷۳- هلال احمر- در آن زمان جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران- در ۱۴ مهر ۱۳۵۷ [ششم اکتبر ۱۹۷۸] به شولر، شرکت فرعی شرکت بین‌المللی شوکو («شوکو») سفارشی را برای خرید برخی باندهای کشی ارتوپدی به مبلغ مجموعاً -/۲۹،۳۹۰ دلار آمریکا ارائه کرد. سفارش مزبور مستلزم آن بود که هلال احمر یک اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت قابل پرداخت به محض رؤیت، که توسط بانکی در نیویورک به نفع شوکو تأیید می‌شد، افتتاح کند.

۸۷۴- شولر در ۱۷ مهر ۱۳۵۸ [نهم اکتبر ۱۹۷۹] به دلیل مشکلات در تولید، بخشی از سفارش (تقریباً ۵۳ درصد آن) را ارسال کرد. شولر در ۲۲ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] نامه‌ای به جامعه جمعیت‌های صلیب سرخ در ژنو ارسال کرد و حمل جزئی مذکور را به آن اطلاع داد و اظهار داشت که از آن‌جا که اعتبار اسنادی مذکور حمل‌های جزئی را تجویز نمی‌کند، شولر ارزش کل سفارش را دریافت کرده است. شولر همچنین اظهار داشت که تولیدکننده باندها دچار «تأخیرهای جدی در تولید» شده است؛ و نتیجتاً شرکت مزبور تخمین زد که باقی سفارش می‌تواند تا نیمه اول بهمن ۱۳۵۸ [اواخر ژانویه یا اوایل فوریه ۱۹۸۰] حمل شود. شولر مضافاً اعلام کرد که دستور تولید باقی سفارش («باندهای تحویل داده نشده») را به تولیدکننده داده است. شولر از هلال احمر، موافقت در تأخیر پیش‌نهادی را درخواست نمود اما به عنوان روش جایگزین پیش‌نهاد داد که هلال احمر باقی سفارش مذکور را فسخ کند و شولر چکی بابت مابه‌التفاوت به نفع حلال احمر صادر نماید.

۸۷۵- طرفین موافقت دارند که هلال احمر هیچ‌گاه به این نامه پاسخ نداد.

۸۷۶- شولر متعاقب نامه‌ای از هلال احمر مبنی بر استعلام در خصوص باندهای تحویل داده نشده، در هشتم مرداد ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئیه ۱۹۸۰] نامه‌ای به جامعه جمعیت‌های صلیب سرخ در ژنو ارسال کرد و مجدداً توضیح داد که چرا ضروری بوده است که تمام سفارش را فاکتور کند و به جامعه مذکور اطلاع داد که با توجه به عدم صدور

دستورالعملی از سوی هلال احمر، سفارش مذکور لغو شده است. شولر در نامه‌اش اظهار داشت که یک اعلامیه بستانکاری به مبلغ ۱۲،۶۶۵/۱۰ دلار آمریکا به نفع هلال احمر در ضمیمه است که باندهای تحویل داده نشده که فاکتور شده اما ارسال نگردیده بود را پوشش می‌داد. این اعلامیه بستانکاری در سابقه موجود نیست. به علاوه، شولر اظهار داشت که مقررات لازم‌الإجرای ایالات متحده در آن زمان، آن شرکت را از انتقال هرگونه وجه به ایران منع می‌کرد و اعلام نمود که به محض برقراری ثبات در اوضاع سیاسی، چکی به مبلغ ۱۲،۶۶۵/۱۰ دلار آمریکا برای هلال احمر ارسال خواهد نمود.

۸۷۷- سابقه نشان می‌دهد که هلال احمر و شولر در بین سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱ [۱۹۸۰ و ۱۹۸۲] مکاتباتی را مبادله کرده‌اند که طی آن‌ها هلال احمر درخواست کرده است که باندهای تحویل داده نشده یا مبلغ ماندهٔ حساب که در غیر این صورت هلال احمر طلبکار است، فارغ از اوضاع سیاسی حاکم میان ایران و ایالات متحده تحویل داده شود. هلال احمر تحویل در ژنو را درخواست کرد و استدلال نمود که هلال احمر و جمعیت‌های صلیب سرخ «نهادهای خیریه و غیرانتفاعی» هستند و «در متابعت از مقررات اتحادیه جهانی جمعیت‌های صلیب سرخ، در مباحثات و معضلات سیاسی کاملاً بی‌طرف باقی خواهند بود». هلال احمر همچنین افزود که از شولر انتظار دارد باندهای تحویل داده نشده یا مانده حسابی که در غیر این صورت هلال احمر طلبکار است را «فارغ از هرگونه توجه به روابط سیاسی دو کشور» تحویل دهد.

۸۷۸- شعبه ۱۳ دادگاه عمومی ایران در ۲۹ آذر ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳] حکمی غیابی به نفع هلال احمر علیه «شرکت بین‌المللی شوکو»[۴۸۹] (یعنی به احتمال قوی، شوکو) صادر کرد و به نهاد اخیر دستور داد که مبلغ ۱۲،۶۶۵/۱۰ دلار آمریکا به هلال احمر پرداخت نماید، که نشان‌دهندهٔ مبلغ اضافی پرداخت‌شده ذیل اعتبار اسنادی بابت باندهای تحویل داده نشده، بود.

[۴۸۹] نه ایران و نه ایالات متحده رابطه بین شوکو و شولر را توضیح نداده‌اند. با این حال، این رابطه در ادعای حاضر فاقد اهمیت است.

۸۷۹- هلال احمر میان سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۵ [۱۹۸۴ و ۱۹۸۶] چندین درخواست به شولر مبنی بر جبران آن پرداخت اضافی نموده است. وفق یادداشت مورخ دوم مهر ۱۳۶۴ [۲۴ سپتامبر ۱۹۸۵] حاوی گفت و گوی میان وزارت امور خارجه ایالات متحده و رئیس شرکت شولر، تمام آن درخواست‌های جبران توسط شولر دریافت نشده است.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۸۸۰- ایران تأکید می‌کند که هلال احمر، برای مقاصد بیانیه‌های الجزایر، نهادی تحت کنترل دولت است. ایران استدلال می‌کند که وزارت بهداشت ایران در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] کنترل و مالکیت بر هلال احمر و اموال آن را به دست گرفت. ایران در تأیید این سخن، به اساس‌نامه هلال احمر نیز استناد می‌کند.

۸۸۱- ایران در پاسخ به استدلال ایالات متحده که باندهای تحویل داده نشده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود نبوده است بر این موضع می‌باشد که شولر در نامه مورخ ۲۲ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] خود به هلال احمر اطلاع داد که به تولید کننده دستور تولید باندهای تحویل داده نشده را داده بوده و آن‌ها طی نخستین ماه‌های سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] آماده خواهند بود. از آن‌جا که باندهای تحویل داده نشده در نیمه دوم ۱۳۵۸ [اواخر ۱۹۷۹/اوایل ۱۹۸۰] علی‌الإدعا در فرآیند تولید بوده، ایران مدعی است که باید فرض گرفت که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود بوده‌اند.

۸۸۲- به علاوه، ایران ادعا می‌کند که هلال احمر از لحظه‌ای که باندهای تحویل داده نشده تولید و نسبت به قرارداد مربوطه قابلیت شناسایی پیدا کرد (یعنی برای تحویل به هلال احمر کنارگذاشته شد)، بر آن‌ها حق مالکیت داشته است. بنا بر اظهارات ایران، حتی اگر، چنان‌که ایالات متحده استدلال می‌کند، حقوق نیویورک بر موضوع

انتقال حق مالکیت حاکم باشد، هلال احمر وفق بخش ۵۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل دارای منافع مالکانهٔ خاص می‌باشد. به علاوه، ایران ادعا می‌کند که هلال احمر مالک منافع باندهای تحویل داده نشده، است.

۸۸۳- ایران مدعی است محض ادامه بحث، به فرض که باندهای تحویل داده نشده هیچ‌گاه متعاقب لغو سفارش توسط شولر تولید نشده باشند، علی‌رغم این، اعلامیه بستانکاری صادره توسط شولر، نوعی مال مشمول بند ۹ می‌باشد که ایران بر این موضع است که بدهی‌ها و پیش‌پرداخت‌ها را پوشش می‌دهد. به اضافه، ایران استدلال می‌کند که بند ۸ دارایی‌های مالی را پوشش می‌دهد و بدین ترتیب، «مبلغ پرداخت شده توسط [هلال احمر] که اکنون باید بازپرداخت شود» را پوشش دهد. به علاوه، ایران بر این موضع است که بندهای ۸ و ۹ باید در جهت اثربخشی به هدف بازگرداندن وضعیت مالی ایران ذیل اصل کلی الف قرائت شود. جز در مواردی که اعلامیه بستانکاری مذکور، ذیل بند ۹ نوعی مال یا ذیل بند ۸ دارایی مالی شناخته شود، ایران در قیاس با وضعیت مالی خود قبل از آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹]، به میزانی که هلال احمر بابت باندهای تحویل داده نشده پرداختی داشته، متحمل زیان می‌گردد.

*اظهارات ایالات متحده*

۸۸۴- ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نتوانسته اثبات نماید که هلال احمر در ۲۹ دی ۱۳۵۸ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۰] نهادی تحت کنترل دولت بوده است. ایالات متحده استدلال می‌کند که اگر هلال احمر نهادی در کنترل دولت بود، این امر متضمن نقض اصول عدم جانب‌داری، بی‌طرفی و استقلال فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر خواهد بود. ایالات متحده در هر صورت مدعی است که اساس‌نامه‌های هلال احمر نشان نمی‌دهد که دولت ایران هیچ‌گونه کنترلی بر هلال احمر اعمال کرده باشد.

۸۸۵- ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که برای این که باندهای تحویل داده نشده مشمول بند ۹ گردد باید در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود بوده باشند. به نظر ایالات متحده، با این‌حال، ایران نتوانسته نشان

دهد که باندهای تحویل داده نشده اساساً تولید شده بوده است. ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران هیچ‌گاه حق مالکیت باندهای تحویل داده نشده را به دست نیاورده است زیرا آن باندها هیچ‌گاه به وجود نیامده‌اند. بنا بر اظهارات ایالات متحده، به علاوه، حقوق نیویورک بر انتقال حق مالکیت حاکم می‌باشد. ایالات متحده ادعا می‌کند که قانون تجارت متحدالشکل، به نحوی که در نیویورک پذیرفته شده است، مقرر می‌دارد که کالاها باید قبل از این که هر گونه منافع در آن‌ها بتواند انتقال یابد، هم موجود و هم معین باشد؛[۴۹۰] بدین ترتیب، از آن‌جا که باندهای تحویل داده نشده هیچ گاه تولید نشده، ایران هرگز حق مالکیت آن‌ها را تحصیل نکرده است.

۸۸۶- ایالات متحده با توجه به این ادعای ایران مبنی بر این که پیش‌پرداخت داده‌شده توسط هلال احمر به شولر بابت باندهای تحویل داده نشده مشمول بند ۹ می‌باشد، استدلال می‌کند که ادعا بابت استرداد پرداخت خارج از محدوده پرونده‌های حاضر است که صرفاً به اموال عینی مربوط می‌باشد. ایالات متحده مدعی است که پرداخت‌های نقدی حاکی از اموال عینی در معنای بند ۹ نمی‌باشد. ایالات متحده استدلال می‌کند که در هر حال، ایران مالک پیش‌پرداخت نبوده است.

۸۸۷- ایالات متحده، ادعای ایران مبتنی بر بند ۸ را نیز بر این اساس رد می‌کند که پیش‌پرداخت‌ها، دارایی‌های مالی، چه در معنای متداول کلمه و چه در چارچوب بند ۸، نیستند.

*(ت) تصمیم دیوان*

۸۸۸- درک دیوان در پرتو اظهارات اخیر ایران در جلسات استماع این است که ایران در ادعای ز-۱۰۹ خواهان استرداد پیش پرداخت به مبلغ ۱۲،۶۶۵/۱۰ دلار آمریکا است که هلال احمر بابت باندهای تحویل داده نشده‌ای

[۴۹۰] قانون تجارت متحدالشکل نیویورک، بخش ۱۰۵-۲(۲).

که به شولر داده است که مورد سفارش قرار گرفت اما هیچ گاه تحویل داده نشد. ایران این دعوا را بر بند ۹ و با ادعای جایگزین بر بند ۸ و اصل کلی الف بنا کرده است.

**۸۸۹-** دیوان چنان‌که در بالا اشاره شد، در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که محدوده «اموال ایران» ذیل بند ۹ صرفاً محدود به اموال عینی است که می‌توانستند در «انحصاراً تملک» شوند.[۴۹۱] وجود دین به نفع ایران به وضوح یک فقره مال عینی نیست و حداکثر داشتن نفع در مال است. بدین ترتیب، این دین مشمول محدوده «اموال ایران» مندرج ذیل بند ۹ نمی‌باشد. نتیجتاً دیوان ادعای ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت مبتنی بر بند ۹ را رد می‌کند.

**۸۹۰-** دیوان به دلایل پیش‌گفته در این حکم جزئی، ادعای جایگزین ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت مبتنی بر بند ۸ و اصل کلی الف را نیز رد می‌کند.[۴۹۲]

**۸۹۱-** بنا بر یافته‌های بالا، دیوان نیازی به بررسی سایر استدلال‌های ارائه‌شده طرفین در خصوص این ادعا نمی‌بیند. در پرتو مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۰۹ را رد می‌کند.

(۱۷) ادعای ز-۱۱۱ (شرکت راه آهن شهری تهران و حومه/زوکور اینترنشنال لیمیتد)

*(الف) مقدمه*

**۸۹۲-** ادعای ز-۱۱۱ مربوط به ادعایی بابت ماشین‌آلات و تجهیزات خریداری‌شده توسط شرکت راه آهن شهری تهران و حومه («متروی تهران») از زوکور اینترنشنال لیمیتد («زوکور») می‌باشد. اقلام مربوط به این ادعا شامل یک ماشین تونل‌زنی (که از آن تحت عنوان «پی دبلیو ۳» یاد می‌شود) و ۳ قطار حمل خاک (که از آن تحت عناوین «ام‌سی۱»، «ام‌سی۲»، و «ام‌سی۳» یاد می‌شود) است. ایران مخالفتی ندارد که این اقلام نهایتاً به متروی تهران تحویل داده شده است اما مدعی خسارات بالغ بر ۶،۴۹۵،۳۰۹ دلار آمریکا یا بین ۳،۲۲۰،۴۷۰ و ۶،۶۵۶،۴۸۲

---

[۴۹۱] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا.

[۴۹۲] *بنگرید به* بندهای ۲۲۳-۲۳۲ و ۲۴۷، بالا.

دلار آمریکا به اضافه بهره بابت آسیب‌های وارده توسط نقض ادعایی تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ بین ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] (یعنی تاریخی است که ایران استدلال می‌کند ایالات متحده بیانیه عمومی را نقض کرده) و تیر/مرداد ۱۳۶۴ [ژوئیه ۱۹۸۵] (یعنی میانگین تاریخ‌هایی است که در آن‌ها اموال مذکور به ایران منتقل شده است).

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۸۹۳-** متروی تهران در ۲۹ اسفند ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] قراردادی با زوکور بابت تولید و تحویل ماشین‌های حفاری، تسمه‌های نقاله، قطعات یدکی، و ارائه‌ی برخی خدمات مدیریتی و مساعدت‌های فنی منعقد کرد. متروی تهران قصد داشت که از این ماشین‌آلات و تجهیزات به منظور ساخت راه‌های زیرزمینی در تهران و حومهٔ آن استفاده کند. قرارداد مذکور باید در چهار مرحله انجام می‌شد. زوکور باید ماشین‌آلات و تجهیزات را تولید می‌کرد و به تهران تحویل می‌داد و ضمانت‌نامه‌هایی بابت هر مرحله را تودیع می‌کرد که پس از تحویل موقت ماشین‌آلات و تجهیزات مربوطه آزاد می‌شد. متروی تهران باید ۲۵ درصد از هر سفارش را پیشاپیش پرداخت می‌کرد و اعتبار اسنادی به نفع زوکور بابت ۷۵ درصد باقی مانده باز می‌کرد، که باید وفق شروط مندرج در قرارداد (به عنوان نمونه، تسلیم مدارک حمل، ارائه‌ی گواهی قبولی موقت) برداشت می‌شد.

**۸۹۴-** الحاقیه قرارداد مذکور در ۱۰ تیر ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۸] منعقد شد که مشتمل بر تولید و تحویل ۶ قطار معدن و قطعات یدکی، به انضمام مساعدت‌های فنی و آموزش بود. قطارهای معدن، شامل ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳، بایستی بین تاریخ‌های ۲۵ اردیبهشت و هشتم مهر ۱۳۵۸ [۱۵ مه و ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۹] به تهران تحویل و مونتاژ می‌شد.

۸۹۵- زوکور در اواسط آذر ۱۳۵۷ [اوایل دسامبر ۱۹۷۸] نامه‌ای به متروی تهران نوشت و متذکر شد که پرداختی ۲۵ درصدی بابت پیشرفت کار برای مرحله ۳ از قرارداد، که در ۱۰ آبان ۱۳۵۷ [اول نوامبر ۱۹۷۸] حال شده، دریافت نشده است.

۸۹۶- زوکور با نامهٔ مورخ ۱۹ دی ۱۳۵۷ [نهم ژانویه ۱۹۷۹] از متروی تهران درخواست به تعویق انداختن تاریخ‌های تحویل به جهت قصور متروی تهران در پرداخت به موقع در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] را نمود.

۸۹۷- آر. اِی. تی. پی. سوفرتو، «رکن نظارتی» تعیین شده توسط متروی تهران ذیل قرارداد، با نامهٔ مورخ ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ [ششم فوریه ۱۹۷۹]، به متروی تهران توصیه کرد که درخواست زوکور را در خصوص تعویق در تاریخ‌های تحویل بپذیرد.

۸۹۸- زوکور بین ماه‌های خرداد و آبان ۱۳۵۸ [ژوئن و نوامبر ۱۹۷۹] دو فقره از سه فقره ماشین‌آلات حفاری را که متروی تهران سفارش داده بود تحویل داد.

۸۹۹- وکیل زوکور در سوم مهر ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] نامه‌ای به متروی تهران نوشت و اظهار داشت که تولید ماشین‌آلات و تجهیزات باقی‌مانده «با نهایت سرعت» ادامه دارد و زوکور «نهایت کوشش را مبذول خواهد داشت که در مواعد مقرره نسبت به حمل ماشین آلات اقدام نماید».

۹۰۰- متروی تهران در ۱۴ مهر ۱۳۵۸ [ششم اکتبر ۱۹۷۹] اسناد اعتباری‌ای را که از طریق بانک مرکزی بابت ماشین‌آلات و تجهیزات باقی‌مانده گشوده بود تمدید کرد.

۹۰۱- زوکور در ۱۹ آذر ۱۳۵۸ [۱۰ دسامبر ۱۹۷۹] به متروی تهران اطلاع داد که «به علت شرایط و مقررات موجود»، قادر به برداشت پرداختی‌ها نبوده و نخواهد توانست ترتیبات حمل ماشین‌آلات و تجهیزات باقی‌مانده را

به ایران بدهد. زوکور همچنین ترتیبات پرداخت و حمل جایگزینی را پیش‌نهاد کرد و متذکر شد که نگران است که اعتبارات اسنادی بابت ماشین‌آلات و تجهیزات باقی‌مانده به زودی منقضی شود.

۹۰۲- متروی تهران و زوکور در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ [اوایل سال ۱۹۸۰] شروع به مذاکراتی راجع به تکمیل قرارداد مذکور کردند، و زوکور در ۲۵ دی ۱۳۵۸ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۰] الحاقیهٔ دیگری به قرارداد پیش‌نهاد نمود.

۹۰۳- متروی تهران در چهارم بهمن ۱۳۵۸ [۲۴ ژانویه ۱۹۸۰] به بانک مرکزی دستور داد که اعتبارات اسنادی را به کریدی لیونه در پاریس انتقال دهد.

۹۰۴- بانک مرکزی با تلگرام ۲۰ بهمن ۱۳۵۸ [نهم فوریه ۱۹۸۰] تأیید کرد که اعتبارات اسنادی در کریدی لیونه در پاریس به نفع زوکور افتتاح شده است. این اعتبارات اسنادی چندین بار تمدید شد که آخرین‌ها در ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ [۱۹ اوت ۱۹۸۰] بود که اعتبارات را تا نهم آذر ۱۳۵۹ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۰] تمدید کرد.

۹۰۵- زوکور با نامهٔ مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ [ششم مارس ۱۹۸۰]، با استناد به نقض چندین تعهد توسط متروی تهران، قرارداد (و الحاقیه آن) را فسخ کرد.

۹۰۶- زوکور در ۲۴ دی ۱۳۶۰ [۱۴ ژانویه ۱۹۸۲] ادعایی را علیه ایران نزد دیوان به خواستهٔ ۹،۸۶۱،۸۶۳ دلار آمریکا بابت خسارات به علاوه بهره طرح کرد. ادعای زوکور به عنوان پرونده شماره ۲۵۴ ثبت گردید. متروی تهران لایحه دفاعیه و ادعای متقابل خود را در پروندهٔ شماره ۲۵۴ در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۱۷ مه ۱۹۸۳] ثبت کرد و مبلغ ۷۵،۱۲۴،۷۱۲ دلار آمریکا بابت مبالغ پرداخت شده مطابق قرارداد، خسارات وارده ناشی از تکمیل نشدن پروژه مترو و همچنین هزینه جایگزینی تجهیزات را درخواست نمود.

۹۰۷- ایران در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] ادعای ز-۱۱۱ را در «جدول اصلاح شدهٔ اموال منتقل نشدهٔ ایران» خود داخل کرد که منجر به اضافه شدن این ادعا به پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) شد.

۹۰۸- زوکور در سال ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] به شکل خاصی از رسیدگی‌های ورشکستگی («واگذاری به نفع طلبکاران») ورود کرد. در ارتباط با این رسیدگی‌ها، زوکور در ۱۳ شهریور ۱۳۶۳ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۴] تمام دارایی‌های خود را به کیوان دی. مورگان، که به عنوان «امین و مدیر تصفیه جهت نفع طلبکاران [زوکور]» («مدیر تصفیه») عمل می‌کرد، واگذار نمود.

۹۰۹- مدیر تصفیه در چهارم آبان ۱۳۶۳ [۲۶ اکتبر ۱۹۸۴] به متروی تهران اطلاع داد که زوکور منافع خود را در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ به او واگذار و شروطی را برای حل و فصل اختلافات پیش‌نهاد نمود.

۹۱۰- متروی تهران و مدیر تصفیه در ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] موافقت‌نامه حل و فصلی («موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]») منعقد کردند.

۹۱۱- موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] در ۱۴ اسفند ۱۳۶۳ [پنجم مارس ۱۹۸۵] تسلیم دیوان شد و این موافقت‌نامه در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۶۳ [۱۳ مارس ۱۹۸۵] در حکم شماره ۱۶۸-۲۵۴-۳در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ مورد تأیید دیوان واقع شد.[۴۹۳]

۹۱۲- مدیر تصفیه در ۲۶ تیر ۱۳۶۴ [۱۷ ژوئیه ۱۹۸۵] به دیوان اطلاع داد که، وفق موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]، امسی۱، امسی۲ و برخی قطعات یدکی به ایران حمل شده بوده‌اند و ادله‌ای برای اثبات این امر ارائه کرد که این ماشین‌آلات و تجهیزات در ۱۰ تیر ۱۳۶۴ [اول ژوئیه ۱۹۸۵] آب‌های سرزمینی ایالات متحده را ترک کرده بوده‌اند.

---

[۴۹۳] *کیوان دی. مورگان، مدیر تصفیه زوکور اینترنشنال لیمتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۵۴-۱۶۸ (۲۲ اسفند ۱۳۶۳ [۱۳ مارس ۱۹۸۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۸، ص ۷۲.

۹۱۳- دیوان با دستور مورخ ۲۸ تیر ۱۳۶۴ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۵] در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ اظهار داشت که قانع شده است که تحویل امسی۱، امسی۲، و برخی قطعات یدکی انجام شده بوده و اعلام کرد که اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های متناظر با آن‌ها باید، وفق موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]، لغو شود.

۹۱۴- مدیر تصفیه در ۲۵ مهر ۱۳۶۴ [۱۷ اکتبر ۱۹۸۵] به دیوان اطلاع داد که، در انجام تعهد خود ذیل موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]، امسی۳، پی‌دبلیو۳، و برخی قطعات یدکی دیگر را به ایران حمل نموده و ادله‌ای برای اثبات این امر ارائه کرد که این ماشین‌آلات و تجهیزات در ۲۲ مهر ۱۳۶۴ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۵] آب‌های سرزمینی ایالات متحده را ترک کرده‌اند.

۹۱۵- نهایتاً، دیوان با دستور مورخ ۲۶ مهر ۱۳۶۴ [۱۸ اکتبر ۱۹۸۵] در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ اظهار داشت که قانع شده است که تحویل امسی۳، پی دبلیو۳، و برخی قطعات یدکی دیگر انجام شده و، همان‌طور که در بالا گفته شد، اعلام کرد که اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های متناظر با آن‌ها باید، وفق موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] لغو شود.

*(پ) اظهارات طرفین*

*مسائل مقدماتی: (۱) استرداد یا اعراض ادعایی از ادعای ز-۱۱۱؛ (۲) آثار موافقت‌نامه ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]*

*اظهارات ایالات متحده*

۹۱۶- ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعای ز-۱۱۱ به سبب وجود دو مبنای مقدماتی قابل طرح نیست: نخست، اعراض از ادعا توسط ایران به واسطهٔ استرداد آن در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰]؛ و دوم، اعراض از ادعاها به شرح مندرج در بند ۱۲ موافقت‌نامهٔ حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴].

۹۱۷- ایالات متحده در خصوص مبنای نخست معروض می‌دارد که ایران سابقاً از ادعای مذکور از طریق استرداد آن در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] اعراض کرده است. ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که، سازگار با استرداد ادعایی آن دولت، ایران در سال‌های ۱۳۷۳/۱۳۷۴ یا ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۵ یا ۱۹۹۶] لایحه‌ای برای این ادعا تسلیم نکرده است. ایالات متحده همچنین مدعی است که چنانچه دیوان به بررسی لایحه‌ای بپردازد که ایران آن را در سال ۱۳۸۴/۱۳۸۵ [۲۰۰۶] تسلیم کرده، یعنی ۱۶ سال پس از استرداد این ادعا و ۲۱ سال پس از آن‌که به ادعای ایالات متحده، مسئله در دیوان در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ حل و فصل شده است، این امر منجر به تبعیض خواهد شد. ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که دیوان در پروندهٔ شمارهٔ ب-۶۱ احراز کرد که تلاش برای تجدید ادعاها تنها سه سال پس از زمانی‌که تمام لوایح و ادله و مدارک باید تسلیم می‌شد، موجب تبعیضی ناروا نسبت به ایالات متحده خواهد بود و با اصل رسیدگی عادلانه و منظم ناسازگار می‌باشد. در همین راستا، ایالات متحده استدلال می‌کند که تلاش ایران در احیای ادعای ز-۱۱۱ با ماده ۲۰ قواعد دیوان ناسازگار است.

۹۱۸- ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که اگرچه ایران مکلف بود لایحه و ادلهٔ خود راجع به کلیه مسائل باقی‌مانده که باید در پرونده‌های حاضر تصمیم‌گیری می‌شد را در سال ۱۳۷۳/۱۳۷۴ [۱۹۹۵] به ثبت برساند، صرفاً بخشی از آن را تسلیم کرد که شامل این ادعا نمی‌شد. ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که دیوان با دستور مورخ ۲۸ آبان ۱۳۷۴ [۱۵ نوامبر ۱۹۹۵] خود درخواست ایران مبنی بر این که دیوان به ایالات متحده دستور دهد به لایحهٔ جزئی ایران پاسخ دهد را رد کرد و مهلتی برای ایران تعیین کرد تا باقی لوایح خود را تسلیم کند - در حالی که این مهلت چندین بار تمدید شد، ایالات متحده معروض می‌دارد که دیوان «به نحوی مؤثر درخواست ایران مبنی بر ارائه لایحه در خصوص ادعاهای خود در ادعای الف-۱۵ (دو:الف) با تأخیر ورای سال ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] را رد کرد». بر این اساس، ایالات متحده استدلال می‌کند که دیوان باید هرگونه ادعایی را که در لوایح ایران در سال‌های ۱۳۷۳/۱۳۷۴ [۱۹۹۵] و ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] وجود ندارد رد کند. وفق اظهارات ایالات متحده،

رد ادعاهایی که ایران انتخاب کرده در سال‌های ۱۳۷۳/۱۳۷۴ [۱۹۹۵] و ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] در خصوص آن‌ها لایحه ندهد با رویهٔ دیوان در پروندهٔ شمارهٔ ب-۶۱ نیز سازگار خواهد بود.

**۹۱۹-** ایالات متحده به علاوه، استناد ایران، به شرح آتی،[۴۹۴] به اظهاری در گزارش سال ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] ایالات متحده مبنی بر محفوظ داشتن امکان ایران بر تکمیل ادعاهای خود را رد می‌کند. ایالات متحده معروض می‌دارد که، در واقع، صراحتاً به تلاش‌های ایران در تکمیل ادعاهای خود اعتراض کرده است.

**۹۲۰-** مضافاً، ایالات متحده استدلال می‌کند که آموزهٔ مرور زمان مسقط حق، حق ایران برای اقامهٔ دعوا را از بین می‌برد. وفق اظهارات ایالات متحده، آموزهٔ مرور زمان مسقط حق در جایی حاکم است که تأخیری نابه‌جا در پیگیری ادعا و استناد توسط دولت خوانده وجود داشته باشد. ایالات متحده استدلال می‌کند که این معیارها در خصوص این ادعا وجود دارند.

**۹۲۱-** همان‌طور که در بالا گفته شد، ایالات متحده همچنین مدعی است که موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]، که آن دولت متذکر می‌شود در حکم شماره ۳-۲۵۴-۱۶۸ در پرونده شماره ۲۵۴ مورد تأیید دیوان واقع شد،[۴۹۵] مانع طرح ادعای ز-۱۱۱ است. ایالات متحده استدلال می‌کند که اسقاط حق و اعراض وسیع از ادعاها ذیل بند ۱۲ آن موافقت‌نامه، اسقاط و اعراضی عام است و محدود به ادعاها علیه نهادی خاص نیست، به نحوی که اعمال آن، مانع طرح ادعاها علیه ایالات متحده می‌شود. ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که هیچ سبب بطلانی، مانند اکراه، وجود ندارد که موجب بی‌اعتبار شدن موافقت‌نامه حل و فصل مذکور شود.

*اظهارات ایران*

---

[۴۹۴] *بنگرید به* بند ۹۲۳، بالا.

[۴۹۵] *کیوان دی. مورگان، مدیر تصفیه زوکور اینترنشنال لیمتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۵۴-۱۶۸ (۲۲ اسفند ۱۳۶۳ [۱۳ مارس ۱۹۸۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۸، ص ۷۲.

**۹۲۲-** ایران اعتراضات مقدماتی ایالات متحده را رد می‌کند و معروض می‌دارد که: (یک) ایران ادعای ز-۱۱۱ را در سال ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] مسترد نکرده است؛ (دو) ایران با عدم ارائه لایحه در سال‌های ۱۳۷۳/۱۳۷۴ [۱۹۹۵] و ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] از ادعای ز-۱۱۱ اعراض نکرده است؛ و (سه) موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] ایالات متحده را از تعهد خود در پرداخت غرامت به ایران بابت خسارات وارده ناشی از نقض خود ذیل بند ۹ معاف نمی‌کند.

**۹۲۳-** نخست، ایران معروض می‌دارد که آن دولت ادعای ز-۱۱۱ را مسترد نکرده است. آن دولت خاطرنشان می‌کند که تعبیر «استرداد ادعا» در جلد ۲ از گزارش سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] ایران به دیوان در پرانتزها پس از توضیح «نهاد ایرانی در حال بررسی قضیه است» آمده است، و بنابراین، «اصلاً نمی‌تواند به نحو بی‌ابهامی نشان دهد که ایران تصمیم بر استرداد ادعای ز-۱۱۱ داشته است». به علاوه، ایران خاطرنشان می‌گردد که عبارتی را در جلد ۱ آن گزارش آورده که به باور ایران، استرداد برخی ادعاها نافی جبران خسارات توسط ایالات متحده نیست و در واقع، مطابق آن، حق خود برای ثبت استدلالات و ادله و مدارک بیش‌تر را محفوظ داشته است. ایران همچنین متذکر می‌گردد که این ادعا در فهرست (ادعاهای مسترد شده‌ای) نیست که آن دولت در لایحه ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] خود به دیوان ارائه کرده بود. مضافاً، وفق اظهارات ایران، اظهارات همان زمان ایالات متحده، مانند گزارش سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] آن دولت، نشان می‌داد که متوجه شده است که ادعای ز-۱۱۱ همچنان فعال است و مسترد نشده است.

**۹۲۴-** دوم، ایران معروض می‌دارد که در نتیجهٔ تأخیر میان گزارش ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] خود و لایحهٔ ۱۳۸۴/۱۳۸۵ [۲۰۰۶] خود بابت ادعای ز-۱۱۱ از این ادعا اعراض نکرده است. ایران معروض می‌دارد که نمی‌توانسته لایحه خود برای پرونده‌های حاضر را در سال ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] با توجه به محدودیت زمانی، تعداد نهادهایی که مجبور بود با آن‌ها همکاری کند و تعداد ادعاهایی که مجبور بود به آن‌ها بپردازد، کامل نماید. ایران

همچنین متذکر می‌شود که در آن زمان، صراحتاً حق خود برای ارائه یک لایحه در مراحل بعدی را محفوظ نگه‌داشت و ایالات متحده به این حفظ حق اعتراضی نکرد. وفق اظهارات ایران، احکام دیوان در *کامباسچن اینجینیرینگ علیه ایران*[۴۹۶] و *کامپوننت بیلدرز علیه ایران*[۴۹۷] به مبانی‌ای که بر اساس آن‌ها یک ادعا می‌تواند اعراض‌شده تلقی شود پرداخته‌اند. ایران استدلال می‌کند که این دلایل در خصوص این ادعا وجود ندارد.

**۹۲۵-** سوم، ایران استدلال می‌کند که موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] ایالات متحده را از تعهد خود در پرداخت غرامت به ایران معاف نمی‌کند. ایران اظهار می‌دارد که متروی تهران به خاطر نیاز اضطراری خود به ماشین‌آلات و تجهیزات مذکور که عدم در اختیار داشتن آن‌ها از قصور ایالات متحده در انجام تعهدات خود ذیل بند ۹ ناشی شده بود و نیاز به جلوگیری از فروش اموال خود توسط طلبکاران زوکور قبل از فیصله پرونده شماره ۲۵۴ یا پروندهٔ شمارهٔ الف-۱۵، به انعقاد موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] پرداخته است. برای ایران، بند ۱۲ موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] ایالات متحده را از مسؤولیت مبری نمی‌کند زیرا این دولت طرف آن موافقت‌نامه نیست. وفق اظهارات ایران، ماده ۷ (۴) بیانیه‌ی حل و فصل دعاوی، شرکت‌ها، مؤسسات، یا نهادهای تحت کنترل را به دولت ایران تبدیل نمی‌کند. بدین ترتیب، هر گونه اعراض از ادعاها توسط متروی تهران در موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] نمی‌تواند ادعاهای ایران در پرونده‌های حاضر را تحت تأثیر قرار دهد.

**۹۲۶-** نهایتاً، ایران مدعی است که بر فرض که ایران می‌توانست در ارتباط با موافقت‌نامهٔ ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] جایگزین متروی تهران تلقی شود، بند ۱۲ آن موافقت‌نامه دارای شرایط لازم برای اعراض

---

[۴۹۶] *کامباسچن انجینیرینگ، اینک.، و تکو، اینک. و دیگران* علیه *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۳۰۸-۵۰۶ (۲۹ بهمن ۱۳۶۹ [۱۸ فوریه ۱۹۹۱])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۶، ص ۶۰.

[۴۹۷] *کامپوننت بیلدرز، و دیگران* علیه *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، قرار موقت/قرار اعدادی شماره ۳-۳۹۵-۵۱ (ششم خرداد ۱۳۶۴ [۲۷ مه ۱۹۸۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، جد ۸، ص ۲۱۶.

یک‌جانبهٔ مؤثر بر اساس حقوق بین‌الملل نمی‌باشد. وفق اظهارات ایران، بند ۱۲ «به وضوح محدود به ادعاهای قراردادی متروی تهران علیه زوکور» می‌باشد.

*مسائل باقی‌مانده: اظهارات ایران*

**۹۲۷** - ایران معروض می‌دارد که متروی تهران در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و در واقع قبل از آن در کنترل دولت ایران بوده است. ایران متذکر می‌شود که زوکور در زمان اقامهٔ ادعای خود در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ متروی تهران را «شرکتی دولتی» تلقی می‌کرد، مضافاً این که وضعیت متروی تهران در حکم شمارهٔ ۳-۲۵۴-۱۶۸ مورد تأیید دیوان قرار گرفته است. بدین ترتیب، ایران معروض می‌دارد که متروی تهران می‌تواند وفق بیانیه عمومی، نهادی متعلق به دولت ایران تلقی گردد.

**۹۲۸** - ایران همچنین معروض می‌دارد که اموال مربوطه در این ادعا در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود بوده است. ایران این استدلال ایالات متحده را رد می‌کند که ماشین آلات و تجهیزات مذکور در آن تاریخ وجود نداشته زیرا تولید آن‌ها متوقف شده بوده است. نخست، ایران معروض می‌دارد که حتی اگر بخشی از تجهیزات تولید شده مشمول بند ۹ باشد، چنان‌چه آن تجهیزات تولید شده در مالکیت متروی تهران بوده باشد، ایالات متحده متعهد بوده که ترتیبات انتقال آن‌ها را بدهد. دوم، ایران معروض می‌دارد که «تجهیزات مذکور احتمالاً بسیار قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نهایی شده بوده و آمادهٔ حمل بوده‌اند».

**۹۲۹** - ایران به علاوه معروض می‌دارد که اموال مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند. ایران در این خصوص متذکر می‌شود که زوکور ماشین‌آلات و تجهیزات مذکور را در نامه مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ [ششم مارس ۱۹۸۰] خود، توصیف شده در بالا،[۴۹۸] به عنوان محمولهٔ کامل و آمادهٔ

[۴۹۸] *بنگرید به* بند ۹۰۵، بالا.

حمل توصیف کرده بود. ایران توضیح می‌دهد که با توجه به دستور انسداد ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، اقلام مذکور نمی‌توانست به ایران حمل شود، ولی از آن‌جا که اموال مذکور سرانجام در سال ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] از طریق مدیر تصفیه از ایالات متحده به متروی تهران تحویل داده شده‌اند، ایران نتیجه می‌گیرد که ماشین‌آلات مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود بوده و در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است.

**۹۳۰** - ایران در خصوص مالکیت اموال مذکور به مادهٔ ۴۵ شرایط عمومی قرارداد، درج شده با ارجاع به قرارداد والحاقیه مذکور، استناد می‌کند، که اظهار می‌دارد که قوانین ایران در مورد اختلاف میان زوکور و متروی تهران حاکم است. ایران همچنین معروض می‌دارد که شرایط عمومی قرارداد بخش لاینفک قرارداد ۲۹ اسفند ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] والحاقیهٔ ۱۰ تیر ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۸]، هر دو، است. بر این اساس، ایران استدلال می‌کند که مالکیت پی‌دبلیو۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ تحت حاکمیت حقوق ایران می‌باشد.

**۹۳۱** - ایران در خصوص محتوای حقوق ایران به ماده ۳۳۹ قانون مدنی ایران اشاره می‌کند که مقرر می‌دارد:

> پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود. ممکن است بیع به داد و ستد نیز واقع گردد.[۴۹۹]

**۹۳۲** - وفق اظهارات ایران، در حقوق ایران، مالکیت در زمان انعقاد عقد بیع منتقل می‌شود که در مورد عقد بیع، زمانی است که سفارش توسط خریدار داده می‌شود یا زمانی که موضوع بیع تولید می‌شود. در این خصوص، ایران به ماده ۳۶۲ (۱) قانون مدنی ایران استناد می‌کند که به شرح زیر مقرر می‌دارد:

> آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد از قرار ذیل است:
>
> ۱ - به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود.[۵۰۰]

---

[۴۹۹] قانون مدنی ایران، ماده ۳۳۹.

[۵۰۰] قانون مدنی ایران، بند ۱ ماده ۳۶۲.

**۹۳۳-** ایران در پاسخ به این استدلال ایالات متحده که مطابق حقوق ایران، حق مالکیت نسبت به کالاهایی که هنوز تولید نشده صرفاً در زمان تسلیم تحقق می‌پذیرد، معروض می‌دارد که این وضعیت صرفاً در ارتباط با کالاهای نامعین مطرح می‌شود. با این حال، وفق اظهارات ایران، «تجهیزاتی که باید برای خریداری مشخص وفق شروط قرارداد تولید شود، کالاهایی نامعین محسوب نمی‌شوند». بدین ترتیب، ایران مدعی است که حق مالکیت اموال مربوطه در این ادعا «در زمان تولید [آن‌ها]» منتقل شده است.

**۹۳۴-** ایران همچنین استدلال می‌کند که حتی اگر حق مالکیت اموال ادعایی به متروی تهران منتقل نشده بوده باشد، این اموال باید همچنان «اموال ایران» و ذیل محدوده بند ۹ قلمداد شدند. وفق اظهارات ایران، تفسیر بند ۹ در پرتو سیاق و هدف معاهده روشن می‌سازد که «تعهد ایالات متحده بر انتقال اموال ایران به ایران محدود به اموال در مالکیت ایران نیست. بلکه اموال ایران به خصوص در پرتو اصل کلی الف، باید شامل تمام اموالی دانسته شود که ایران بر آن‌ها مالکیت بر منافع دارد». وفق اظهارات ایران، این امر در رویه دیوان نسبت به تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ در حکم شماره ۵۲۹ در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) و حکم شماره ۶۰۱ در پرونده شماره ب-۶۱ تأیید شده است. ایران استدلال می‌کند که از آن‌جا که متروی تهران تمام تعهدات خود ذیل قراردادهای مذکور تا شهریور ۱۳۵۸ [سپتامبر ۱۹۷۹] را ایفا کرده بود (یعنی این‌که ۵۰ درصد مبلغ قرارداد را پرداخت کرده و ۵۰ درصد باقی‌مانده از طریق اعتبارات اسنادی صادره توسط متروی تهران برای زوکور قابل دسترس بوده که پس از حمل تجهیزات می‌توانسته برداشت شود) متروی تهران حق تصرف در تجهیزات را داشت و بدین ترتیب تجهیزات مذکور اموال ایران و مشمول محدوده بند ۹ بوده است.

**۹۳۵-** ایران معروض می‌دارد که، حتی اگر بنابر فرض، حقوق ایلینوی حاکم بود، متروی تهران وفق بخش ۴۰۱-۲ (۲) قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در ایلینوی پذیرفته شده، «بر ماشین‌های حفاری حق مالکانه خاص خواهد داشت چرا که آن‌ها در قرارداد مذکور شناسایی شده بودند».

**۹۳۶** - ایران به علاوه استدلال می‌کند که بنا بر «رویه تجاری بین‌المللی» متروی تهران مالک اموال مذکور بوده است زیرا آن شرکت «تمام ثمن قرارداد را در اختیار فروشنده گذاشته» بوده است.

**۹۳۷** - ایران همچنین هر ادعایی دال بر این امر را مردود می‌داند که بند ۷ موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]، دال بر این که حق مالکیت ماشین حفاری شماره ۳، ام‌سی ۱، ام‌سی ۲، و ام‌سی ۳ از مدیر تصفیه به متروی تهران زمانی انتقال خواهد یافت که تجهیزات مذکور آب‌های سرزمینی ایالات متحده را به سمت ایران ترک کند، بر این امر تأثیر می‌گذارد که حق مالکیت آن اقلام پیشاپیش وفق حقوق ایران، ذیل قراردادهای اصلی به متروی تهران انتقال یافته بود.

**۹۳۸** - نهایتاً، ایران در ارتباط با اقدامات انجام شده در ارتباط با اقلام مربوطه در این ادعا، معروض می‌دارد که، وفق یافته‌های دیوان در حکم شمارهٔ ۵۲۹ و تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹، متروی تهران تعهدی بر انجام هیچ اقدامی نداشته، علی‌رغم این، چندین بار تلاش کرده تا اموال خود را از زوکور بگیرد، از جمله، اعتبارات اسنادی را تمدید کرد و برای حل و فصل به مذاکره پرداخت. در همین راستا، ایران به اظهارات دیوان در حکم شماره ۵۲۹ ارجاع می‌دهد که اشعار می‌دارد که فعل یا ترک فعل‌های ادعایی ایران مربوط به روابط بین ایران و شرکت‌های خصوصی آمریکایی است که او با آن‌ها قرارداد داشته است و هیچ ارتباطی با تعهداتی ندارد که ایران و ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر بر عهده گرفته‌اند. بدین ترتیب، وفق اظهارات ایران، اختلاف قراردادی که بین زوکور و متروی تهران در سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] مطرح شده است مسؤولیت ایالات متحده را زائل نمی‌کند زیرا ماشین‌آلات مذکور «به علت قصورهای قراردادی ادعایی متروی تهران از زمرهٔ اموال «ایران» خارج نشد». ایران همچنین خاطرنشان می‌کند که ماده ۲ (۱) بیانیه حل و فصل دعاوی، راه حل حقوقی جایگزینی برای شرکت‌های خصوصی آمریکایی از جمله، به منظور طرح دعاوی نقض قرارداد را ارائه کرده است، و این‌که زوکور در پرونده شماره ۲۵۴ از همین راه حل بهره جسته است.

**۹۳۹-** ایران در خصوص اقدامات ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که بخش ۳۳۳-۵۳۵ (ج) مقررات غیرقانونی خزانه‌داری توسط دیوان در حکم شماره ۵۲۹ ناقض بیانیه‌های الجزایر شناخته شده است. به علاوه، ایران مدعی است که زوکور پس از بیانیه‌های الجزایر دیگر حق در اختیار داشتن اموال ایران را نداشته است. بنابراین، وفق اظهارات ایران، ایالات متحده متعهد بوده است که ترتیبات انتقال اموال مربوطه را فراهم آورد و به ویژه، متصرفین اموال ایران را وادار به استردادها آن‌ها به ایران کند. ایران استدلال می‌کند که از آن‌جا که ایالات متحده پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در خصوص اقلام مربوطه به این ادعا هیچ اقدامی به عمل نیاورده است، ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ می‌باشد. ایران همچنین استدلال می‌کند که این امر که مذاکرات حل و فصل میان مدیر تصفیه و متروی تهران در جریان بود ایالات متحده را از تعهد خود در راستای برداشتن گام‌های برای انجام ترتیبات انتقال اموال مربوطه مبری نمی‌کند.

**۹۴۰-** بنابر مراتب بالا، ایران درخواست می‌کند که دیوان حکم نماید که ایالات متحده در خصوص اقلام مربوطه در این ادعا ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ می‌باشد.

*موضوعات باقی‌مانده: اظهارات ایالات متحده*

**۹۴۱-** ایالات متحده استدلال می‌کند که محض ادامه بحث، بر فرض که دیوان بر اساس اعتراضات مقدماتی توصیف شده در بالا مانع طرح ادعای ز-۱۱۱ نشود، بار اثبات در این ادعا بر عهدهٔ ایران، به عنوان خواهان، است که از عهدهٔ آن برنیامده است.

**۹۴۲-** ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که ایران نشان نداده است که اقلام مشمول این ادعا به طور کامل تولید شده بوده، یا این که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند.

۹۴۳- ایالات متحده مضافاً استدلال می‌کند که از آن‌جا که متروی تهران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک اقلام مربوطه نبوده، بر اساس بند ۹ آن‌ها «اموال ایران» نبوده‌اند.

۹۴۴- در این خصوص، ایالات متحده استدلال می‌کند که حقوق ایلینوی قانون حاکم بر مسئلهٔ حق مالکیت است. ایالات متحده ملاحظه می‌کند که قانون محل وقوع مال، یا قانون محلی که مال در آن‌جا واقع است، قانون حاکم بر مالکیت اقلام مذکور می‌باشد. وفق اظهارات ایالات متحده، قانون محل وقوع مال، حقوق ایلینوی است زیرا اقلامی جزئاً تولید شده در اماکن در اختیار زوکور در ایلینوی قرار داشته‌اند. ایالات متحده متذکر می‌شود که حقوق ایلینوی، بخش ۴۰۱-۲ (۲) قانون تجارت متحدالشکل را شناسایی کرده، که به نوبه خود اظهار می‌دارد که طرفین می‌توانند صراحتاً در مورد زمان انتقال حق مالکیت توافق کنند، و اگر چنین نکنند، آن حق مالکیت در زمان و مکان تسلیم کالاها توسط فروشنده منتقل می‌گردد.

۹۴۵- ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که نتیجه‌گیری آن دولت مبنی بر این‌که متروی تهران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک اقلام مربوطه نبوده درست است، فارغ از این که آیا حقوق ایلینوی حاکم باشد یا حقوق ایران. وفق اظهارات ایالات متحده، حقوق ایران «همچنین همان مقررات حقوق ایلینوی را در خصوص انتقال حق مالکیت به محض تحویل مقرر می‌دارد». برای ایالات متحده، حقوق ایران بین کالاهای معین در قرارداد و کالاهای نامعین (شامل کالاهای آتی و کالاهایی که هنوز تولید نشده‌اند) تفکیک قائل است. ایالات متحده معروض می‌دارد که در خصوص کالاهای اخیر، حق مالکیت به محض تسلیم منتقل می‌شود و بدین نحو متروی تهران تا سال ۱۳۶۴ [۱۹۸۵]، یعنی زمانی‌که تسلیم به وقوع پیوست، مالک اقلام مربوطه نبوده است.

۹۴۶- ایالات متحده در مورد حقوق قراردادها بر این موضع است که حقوق ایران حقوق حاکم برقراردادها نیست. ایالات متحده متذکر انتخاب حقوق ایران در ماده ۴۵ شرایط عمومی قرارداد (حل و فصل اختلافات)

می‌شود اما استدلال می‌کند که این امر فقط مربوط به قانون حاکم بر اختلافات قراردادی میان زوکور و متروی تهران است.

۹۴۷- ایالات متحده همچنین در ارتباط با مسئله مالکیت مدعی است که قرارداد اولیه مقرر می‌داشت که حق مالکیت بر اقلام به محض تسلیم به متروی تهران منتقل می‌شود و تسلیم اقلام مربوطه تا سال ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] به وقوع نپیوسته است. ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که خودِ متروی تهران در همان زمان و به موجب مفاد موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] تصدیق نموده که مالک اقلام مذکور نشده است. به ویژه، ایالات متحده به بند ۷ آن موافقت‌نامه ارجاع می‌دهد که اظهار می‌دارد حق مالکیت بر اقلام مذکور زمانی به متروی تهران منتقل می‌شود که آن اقلام آب‌های سرزمینی ایالات متحده را ترک کنند. وفق اظهارات ایالات متحده، «داخل کردن چنین مقرره‌ای... صرفاً در صورتی معنا می‌دهد که زوکور، نه متروی تهران، دارای حق مالکیت باشد» و این اثبات می‌کند که حق مالکیت بر اقلام مذکور تا سال ۱۳۶۴ [۱۹۸۵] به ایران منتقل نشده است.

۹۴۸- ایالات متحده همچنین بر این موضع است که هیچ تعهدی را در به عمل آوردن اقدامات معقول نسبت به اقلام ادعایی نقض نکرده است. ایالات متحده استدلال می‌کند که چنان‌که دیوان در حکم شماره ۵۲۹ بیان داشته، تنها تعهد آن دولت ورای برداشتن موانع انتقال اموال ایران و دستور به اشخاص متبوع قلمرو قضایی ایالات متحده بابت اثر بخشیدن به انتقال، انجام اقداماتی به منظور حصول اطمینان از این که از دستور انتقال مذکور متابعت شود. ایالات متحده مدعی است زمانی که در مورد اقلام مذکور به واسطه ثبت ادعای ز-۱۱۱ آگاه شده است، به نحو مقتضی به بررسی این ادعا پرداخته است. با این حال، ایالات متحده پس از بررسی، به این نتیجه رسیده است که مذاکرات برای حل و فصل اختلاف به خوبی در جریان بوده است و بنابراین معروض می‌دارد که با دادن اجازه به طرفین قرارداد اصلی برای ادامهٔ مذاکرات به نحو معقولی عمل کرده است.

**۹۴۹** - ایالات متحده مضافاً با این نظر ایران مخالف است که زوکور اقلام مربوطه را به خاطر مقررات غیرقانونی خزانه‌داری منتقل نکرده است؛ وفق اظهارات ایالات متحده، زوکور به این دلیل اقلام را منتقل نکرد چون همچنان مالک اقلام مذکور بود. در این خصوص، ایالات متحده همچنین متذکر می‌شود که اقلام مذکور پس از امضای موافقت‌نامه حل و فصل، بدون این که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری هیچ‌گونه مانعی ایجاد نماید، به ایران حمل شده است.

**۹۵۰** - ایالات متحده مدعی است که، حتی اگر تعهدی ذیل بند ۹ موجود بوده، ایران تا زمان تسلیم ادعای ز-۱۱۱ در ۱۰ مرداد ۱۳۶۲ [اول اوت ۱۹۸۳]، چنان‌که حکم شماره ۵۲۹ لازم شمرده، هیچ اطلاعی نداده است که در انجام ترتیبات انتقال اقلام مذکور نیازمند کمک است. برای ایالات متحده، این بدان معناست که نخستین تاریخی که ایالات متحده می‌توانست ناقض تعهد خود تلقی شود، شش ماه پس از تسلیم این ادعا توسط ایران است. وفق اظهارات ایالات متحده، شش ماه دورهٔ زمانی مناسبی می‌باشد زیرا حداقل زمان لازم برای انجام تعهدات ایالات متحده، مانند تلاش برای تماس گرفتن با دارنده اموال، تحلیل موضوعات، و انجام هر گونه اقداماتی که برای انتقال اموال ضروری تشخیص داده شود، بود.

**۹۵۱** - نهایتاً ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نتوانسته اثبات کند که صدمه‌ای که علی‌الأدعا به ایران وارد آمده، «واقعاً و مستقیماً به سبب نقض تعهدات ایالات متحده ذیل [بیانیه‌های] الجزایر» بوده است.

*(ت) تصمیم دیوان*

*(یک) مسائل مقدماتی: (۱) استرداد یا اعراض ادعایی از ادعای ز-۱۱۱؛ (۲) آثار موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴]*

**۹۵۲-** دیوان باید دو مسئله مقدماتی را قبل از تصمیم‌گیری در ماهیت ادعای ز-۱۱۱ بررسی نماید: نخست، این که آیا ادعای مذکور از سوی ایران، مسترد یا از آن اعراض شده است؛ و دوم، این که آیا موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] مانع طرح ادعای ز-۱۱۱ می‌باشد.

**۹۵۳-** ملاحظات اولیه دیوان در مورد مسئله نخست این است که آیا می‌توان گفت که ایران ادعای ز-۱۱۱ را مسترد کرده یا از آن اعراض نموده است، و اگر چنین باشد، آیا، چنان‌که ایالات متحده استدلال می‌کند، تجویز ادامه رسیدگی به ادعا منافی دادرسی منصفانه و منضبط است.

**۹۵۴-** دیوان بر این نظر است که استرداد یا اعراض از یک دعوا مستلزم اعراض یک‌جانبه و اسقاط برخی حقوق توسط طرفی می شود که دعوا را مسترد یا از آن اعراض کرده است. اسقاط آن حقوق تنها با قصد طرف اعراض کننده واقع می‌شود و به تغییر اساسی در وضعیت حقوقی از قبل موجد منجر می‌شود. بدین قرار، وفق حقوق بین‌الملل، هرگونه استرداد یا اعراض از دعوا باید صریح، معین، و قطعی باشد زیرا صحیح نیست که دیوان چنین اعراض یک‌جانبه‌ای را از اَعمال و بیانات غیرروشن یا اسناد و مدارک غیرمتقن استنباط نماید. بسیاری از محاکم داوری هنگام تصمیم‌گیری در این مورد که آیا دعاوی مطروح در پیش‌گاه آن‌ها مسترد، اعراض، یا اسقاط شده‌اند، از همین استدلال پیروی می‌کنند. به عنوان نمونه، محکمه در پروندهٔ *شِورون علیه اکوادور* مقرر داشت که اثبات آموزه اعراض «مستلزم ارائه‌ی دلایل بسیار قوی»[۵۰۱] است. همچنین، در پروندهٔ *وِیست منیجمنت علیه*

[501] *Chevron Corporation and Texaco Petroleum Company v. The Republic of Ecuador*, UNCITRAL, PCA Case No. 34877, Interim Award, 1 Dec. 2008, paras. 143 and 148, citing to Case concerning Oil Platforms (Iran/U.S.), Judgment, 2006 I.C.J. 225 (6 Nov.).

مکزیک حکم شد که «هرگونه اعراض باید روشن، صریح، و قطعی باشد، زیرا صحیح نیست که این مسئله از بیاناتی استنباط شود که به نحوی از انحاء غیرمتقن است».[۵۰۲]

**۹۵۵-** در این خصوص، چندین واقعیت در این ادعا توجه دیوان را به خود معطوف می‌کند. دیوان شایان ذکر می‌داند که مسئله استرداد ابتدا توسط ایالات متحده در گزارش خود در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] به دیوان ذکر شده است و نه ایران، جایی که ایالات متحده متذکر می‌شود که ادعای ز-۱۱۱ مبتنی بر همان معامله‌ای بوده است که در پرونده شماره ۲۵۴ حل و فصل شده است و «باید در این‌جا مسترد شود». ایران در دو گزارش خود که متعاقباً در سال‌های ۱۳۶۵/۱۳۶۶ [۱۹۸۷] و ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] به دیوان ارائه کرد اظهار داشت که در ارتباط با ادعای ز-۱۱۱ «نهاد ایرانی پرونده را بررسی می‌کند (دعوای مسترد شده)». مجدداً این ایالات متحده بود و نه ایران که ادعای ز-۱۱۱ را مجدداً در طبقه «دعوای مسترد شده» با تیتر «دعاوی مسترد شده توسط ایران» در ضمیمه ح گزارش خود در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] طبقه‌بندی کرده است. این طبقه‌بندی مجدد، توسط ایالات متحده و نه ایران، در گزارش خود در سال ۱۳۶۹/۱۳۷۰ [۱۹۹۱] تأیید شد که ایالات متحده در آن، اظهار داشت که ادعای ز-۱۱۱ «مسترد شده» بود. در هیچ کدام از این گزارش‌ها برای دیوان روشن نیست که ایران، یعنی طرفی که ادعا می‌شد ادعای خود را مسترد کرده است، قصد صریح، معین و قطعی‌ای برای چنین کاری ابراز کرده باشد. دو اظهارنظر مذکور ایران مبنی بر این که «نهاد ایرانی پرونده را بررسی می‌کند (دعوای مسترد شده)» برای دیوان

---

[502] *Waste Management v. Mexico*, Award (ICSID Case No. ARB(AF)/98/2), para. 18 (26 May 2000)

دیوان داوری در این قضیه مقرر داشت که

> عمل اعراض بالذاته، عملی یک جانبه است، زیرا اثر آن به لحاظ مسقط بودن آن نتیجهٔ قصد ایجاد آن است. الزام اعراض در هر زمینه‌ای حاکی از کنار گذاشتن ارادی حقوق است، تا حدی که این اقدام عموماً به تغییر اساسی در وضعیت حقوقی‌ای که قبلاً وجود داشته یعنی سلب یا ساقط شدن حق منتج می‌شود. بنابراین، اعراض، اِعمال سلطهٔ دارنده حق را به منظور پایان بخشیدن به اثر حقوقی آن حق را در پی دارد.
>
> صرف‌نظر از این‌که موضوع چه باشد، اعراض باید روشن، صریح و قطعی باشد، زیرا صحیح نیست که این مسئله از بیاناتی استنباط شود که به نحوی از انحاء مشکوک است.

صرفاً نشان‌دهنده این است که ایران به جای این که واقعاً آن را مسترد کرده باشد در حال بررسی این مسئله بوده است که آیا ادعای مذکور باید مسترد شود یا خیر. در واقع، این موضوع که ادعای ز-۱۱۱ توسط ایران مستردشده تلقی نشده است در لایحه و ادله و مدارک مورخ ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] ایران تأیید می‌شود که طی آن، ایران فهرستی از ادعاهایی که مسترد کرده را ارائه نموده است. ادعای ز-۱۱۱ در آن فهرست موجود نیست. همچنین، ایران در جلسات استماع پرونده‌های حاضر، در لایحه معارض سال ۲۰۰۶ خود به صورت وسیعی به ادعای ز-۱۱۱ پرداخت. بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که ایران ادعای ز-۱۱۱ را مسترد نکرده است.

**۹۵۶-** دیوان به بررسی این امر باز می‌گردد که آیا ایران، چنان‌که ایالات متحده استدلال می‌کند، به واسطه عدم پی‌گیری ادعای ز-۱۱۱ در مدتی به کفایت طولانی، از آن اعراض کرده است یا خیر. در این خصوص، دیوان متذکر می‌شود که این اظهارنظر ایالات متحده درست است که ایران هیچ مدافعاتی بابت ادعای ز-۱۱۱ در لایحه و ادله و مدارک مورخ ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] خود یا لوایح مربوطهٔ قبل‌تر ارائه نکرده است. با این حال، ایران در لایحه ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] خود، متذکر شد که نسبت به ادعاهایی که هیچ لایحه و ادله و مدارکی در آن مرحله ارائه نشده است، ایران به لوایح سابق خود استناد می‌کند و حق ارائه استدلالات و ادله و مدارک بیش‌تر راجع به این ادعاها را محفوظ نگه می‌دارد. به علاوه، ایران لایحه و ادله و مدارک معارض خود در ادعای ز-۱۱۱ را در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ [۱۷ مه ۲۰۰۶] تسلیم کرد که طی آن، اظهار داشت که بر خلاف نظر ایالات متحده، از ادعا اعراض نکرده است. دیوان تصمیمات سابق خود *درکامباسچن اینجینیرینگ علیه ایران*[۵۰۳] و *کامپوننت بیلدرز علیه ایران*[۵۰۴] را یادآوری می‌کند که در آن‌ها ادعاها و ادعاهای متقابل را در ختم

---

[۵۰۳] *کامباسچن اینجینیرینگ، اینک. و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۳۰۸-۵۰۶ (۲۹ بهمن ۱۳۶۹ [۱۸ فوریه ۱۹۹۱])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۶، ص ۶۰.

[۵۰۴] *کامپوننت بیلدرز، اینکورپوریتد و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، قرار موقت/قرار اعدادی شماره ۳-۳۹۵-۵۱ (ششم خرداد ۱۳۶۴ [۲۷ مه ۱۹۸۵])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جد ۸، ص ۲۱۶.

رسیدگی صرفاً زمانی اعراض‌شده فرض کرد که در پایان رسیدگی‌ها، از مرحله نخستین طرح ادعا، دیگر اشاره‌ای به آن‌ها نشده بود.[۵۰۵] بدین ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد که صرفاً به این سبب که ایران مدافعاتی در تأیید آن ادعا در لوایح خود در سال ۱۳۷۳/۱۳۷۴ و ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۵ و ۱۹۹۶] ارائه نداده است نمی‌توان گفت این دولت از ادعای ز-۱۱۱ اعراض کرده است.

**۹۵۷** - دیوان لازم می‌داند در این‌جا تأکید کند که در رسیدن به این نتیجه، این مسئله که آیا عدم طرح ادعای ز-۱۱۱ در لوایح ایران در سال ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] موجب ورود لطمه به ایالات متحده شده است یا خیر را عمیقاً بررسی کرده است. دیوان متذکر می‌گردد که به استثنای یک گزارش ارزیابی که در سال ۱۳۸۴/۱۳۸۵ [۲۰۰۶] ارائه شده است، تمام مدارکی که ایران در لایحه و ادله و مدارک معارض خود در سال ۱۳۸۴/۱۳۸۵ [۲۰۰۶] ارائه کرده است، در پرونده شماره ۲۵۴ نیز، یا توسط متروی تهران یا زوکور، ارائه شده بود. بدین ترتیب، ایالات متحده از سال ۱۳۶۰/۱۳۶۱ [۱۹۸۲] امکان دسترسی به این ادله و مدارک داشته است. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که نمی‌توان گفت که ایالات متحده از عدم ارائه ادله و مدارک بیش‌تر در لوایح ایران در سال ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] زیانی دیده است. به علاوه، دیوان خاطرنشان می‌شود که ایالات متحده لایحه معارض طولانی در سال ۱۳۸۹/۱۳۹۰ [۲۰۱۱] همراه با گزارش ارزیابی کارشناس و استشهاد وکیل زوکور در آن زمان را ثبت کرده است. به نظر دیوان، این امر نشان می‌دهد که ایالات متحده کاملاً قادر بوده که به استدلالات ایران پاسخ دهد و این واقعیت که ایران ادعای ز-۱۱۱ را در لوایح و ادله و مدارک مورخ ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] خود نیاورده، اثری بر اجرای منصفانه و منضبط این رسیدگی‌ها نداشته است.

**۹۵۸** - دیوان سپس به مسئله مقدماتی دوم باز می‌گردد که آیا موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] مانع طرح ادعای ز-۱۱۱ می‌باشد یا خیر. دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشته است:

---

[۵۰۵] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۲۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۲۲.

در مورد اموالی که بر خلاف الزام بیانیه عمومی، به علت قصور ایالات متحده در ایفای تعهدات خود در بیانیه، منتقل نشده، استرداد ادعای ایران علیه دارنده آن مال یا حل و فصل چنین ادعایی بین ایران و دارنده مال بعد از تاریخ هفتم اسفند ماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، فی‌نفسه ایالات متحده را از مسئولیت در قبال ایران بابت خسارات ناشی از عدم انتقال آن مال مبرا نمی‌کند.[۵۰۶]

بر این اساس، دیوان در راستای یافته خود در حکم شماره ۵۲۹، استدلال ایالات متحده دائر بر این که ادعای ز-۱۱۱ در نتیجه موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] باید مردود اعلام شود را رد می‌کند.

**۹۵۹-** بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که طرح ادعای ز-۱۱۱ نه به دلیل استرداد یا اعراض ادعایی ایران و نه به واسطه موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] منع نشده است.

*(دو) «اموال ایران» در قلمرو قضایی ایالات متحده*

**۹۶۰-** دیوان پس از تعیین این که ادامه رسیدگی به ادعای ز-۱۱۱ منع نشده است، به بررسی این امر می‌پردازد که آیا اقلام مورد اختلاف در ادعای حاضر در محدوده بند ۹ قرار می‌گیرد یا خیر.

**۹۶۱-** دیوان متذکر می‌گردد که اختلافی بین طرفین وجود ندارد که متروی تهران مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

**۹۶۲-** تعیین این که آیا ماشین حفاری شماره ۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ مشمول معنای اصطلاح «اموال ایران» وفق بند ۹ می‌باشند یا خیر، به دو مسئله اساسی بازمی‌گردد: نخست، این که آیا اقلام مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تولید شده و موجود بوده است یا خیر؛ و دوم، این که آیا ایران در آن تاریخ مالک انحصاری اقلام مذکور بوده است یا خیر.

---

[۵۰۶] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (ح)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

**۹۶۳** - ادلهٔ تسلیمی در این ادعا نشان می‌دهد که بر اساس نامه مورخ ۱۹ دی ۱۳۵۷ [نهم ژانویه ۱۹۷۹] رئیس زوکور به متروی تهران، تولید اقلام مذکور حدود دی ۱۳۵۷ [ژانویه ۱۹۷۹] متوقف شد. با این‌حال، پس از این که متروی تهران دومین قسط را در مرداد/شهریور ۱۳۵۸ [اوت ۱۹۷۹] پرداخت کرد، چنان‌که نامه مورخ سوم مهر ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] وکیل زوکور به متروی تهران نشان می‌دهد، کار بر روی ماشین حفاری شماره ۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ مجدداً آغاز شد. موضوع با اهمیت‌تر این که زوکور در اخطاریه فسخ مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ [ششم مارس ۱۹۸۰] خود به متروی تهران اعلام کرد که تمام تعهدات خود ذیل قرارداد را تا بیش‌ترین حد ممکن انجام داده است. در واقع، زوکور در آن اخطاریه فسخ اظهار داشت که یکی از دلایل فسخ، «امتناع متروی تهران از انجام اقدامات لازم بوده است که به ما اجازه دهد کالاهای *تکمیل‌شده*، یعنی ماشین حفاری شماره ۳، قطارهای حمل خاک ۱، ۲ و ۳، را حمل کنیم و مبلغ پرداختی را به محض حمل برداشت نماییم». (تأکید اضافه شده است)

**۹۶۴** - به علاوه، مکاتبه مورخ چهارم آبان ۱۳۶۳ [۲۶ اکتبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه با متروی تهران نشان می‌دهد که وفق شرایط حل و فصلی که پیش‌نهاد می‌کرد، «تمام ماشین‌آلات مذکور در ایالات متحده ([پی‌دبلیو۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳]) باید تعمیر، مرمت، آماده برای حمل و حمل به مترو می‌شد».

**۹۶۵** - بدین ترتیب، دیوان از ادله مذکور نتیجه می‌گیرد که اقلام مذکور تا ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ [ششم مارس ۱۹۸۰] تولید شده و در انتظار حمل به تهران بود. نتیجه این که ماشین حفاری شماره۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تولید شده بود و از آن تاریخ تا حداقل چهارم آبان ۱۳۶۳ [۲۶ اکتبر ۱۹۸۴]، تاریخ مکاتبهٔ توصیف شده در بالا، در ایالات متحده قرار داشت. بدین ترتیب، دیوان حکم می‌دهد که آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود بوده و در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته اشت.

**۹۶۶-** دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا ماشین حفاری شماره ۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ وفق بند ۹ «اموال ایران» تلقی می‌شود یا خیر. از آن‌جا که طرفین در این مورد اختلاف دارند که آیا اقلام مربوطه در ادعای ز-۱۱۱ «اموال ایران» تلقی می‌شود یا خیر، دیوان باید تعیین کند که آیا حق مالکیت اقلام ادعایی در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران منتقل شده بود یا خیر.

**۹۶۷-** همان‌گونه که پیش‌تر در این حکم جزئی ذکر شد، مطابق اصول کلی حقوق بین‌المللی خصوصی، قانون محل وقوع مال بر انتقال حق مالکیت بر اموال منقول حاکمیت دارد.[۵۰۷] بعضی اوقات در معاملات فرامرزی، قانون محل وقوع اموال منقول با قانون حاکم بر قرارداد متفاوت است، به ویژه در مواردی که، به عنوان یک قاعدهٔ کلی، مطابق قانون حاکم بر قرارداد، حق مالکیت مال موجود به جای زمان تحویل، با انعقاد قرارداد فروش انتقال می‌یابد، و حق مالکیت کالاهایی که باید تولید شود در زمان اتمام تولید آن منتقل می‌شود.[۵۰۸]

**۹۶۸-** ادعای ز-۱۱۱ دقیقاً ناظر بر موردی است که مطابق قاعدهٔ پیش‌فرض قانون محل وقوع مال، حق مالکیت با تحویل انتقال می‌یابد، در حالی که مطابق قاعدهٔ پیش‌فرض قانون حاکم بر قرارداد - که در این‌جا به احتمال فراوان حقوق ایران است - حق مالکیت به محض انعقاد قرارداد فروش یا به محض تولید کالا انتقال یافته به حساب می‌آید.

**۹۶۹-** در ادعای ز-۱۱۱، ماشین حفاری شماره ۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ توسط زوکور که در ایالت ایلینوی ایالات متحده قرار داشت، تولید شد و در تصرف آن شرکت بود. بدین ترتیب، قانون حاکم بر محل وقوع مال، حقوق ایلینوی می‌باشد.

**۹۷۰-** بخش (۲) ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل به نحوی که در ایلینوی پذیرفته شده است مقرر می‌دارد:

---

[۵۰۷] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

[۵۰۸] *بنگرید به* بند ۱۵۲، بالا.

حق مالکیت *جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد* در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، حتی اگر حفظ حق وثیقه انجام شده باشد و حتی چنانچه سند مالکیت در زمان و محل دیگر باید تحویل داده شود؛ ....[۵۰۹] (تأکید اضافه شده است)

بنابراین، مطابق قانون حاکم بر محل وقوع مال، طرفین بر خلاف قاعدهٔ پیش‌فرض ذیل آن قانون، می‌توانند صراحتاً، به عنوان نمونه، توافق نمایند که حق مالکیّت نسبت به کالاهای فروخته شده، نه در زمان تسلیم، بلکه در زمان انعقاد قرارداد بیع منتقل شود.

**۹۷۱** - از سوی دیگر، قانون حاکم بر قرارداد ۱۳۵۶ [۱۹۷۸] میان متروی تهران و زوکور احتمالاً حقوق ایران می‌باشد. «قرارداد نمونه» بین متروی تهران و زوکور، بابت از جمله، کارهای اصلی (شامل پی‌دبلیو۳) و «الحاقیه» به آن قرارداد نمونه بابت، از جمله، قطارهای حمل خاک (ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳)، که هیچ یک امضاء نشده‌اند، نزد دیوان به ثبت رسیده‌اند.[۵۱۰] آن‌ها نه شامل شرط انتخاب قانون، یعنی شرط تعیین‌کنندهٔ قانون حاکم بر قرارداد بودند، نه شامل هرگونه توافق دیگری که بر مبنای آن، بشود قاعدهٔ تکمیلی در خصوص انتقال حق مالکیت را تغییر یافته به حساب آورد.[۵۱۱] ماده ۲ قرارداد نمونه و ماده ۲ الحاقیه، هر دو، شرایط عمومی قرارداد را جزو خود اعلام می‌کند.[۵۱۲]

---

[۵۰۹] قانون تجارت متحدالشکل ایلینوی، بخش (۲) ۴۰۱-۲.

[۵۱۰] هر دو مدرک به عنوان مدارک منعقده به فارسی توصیف شده‌اند، امّا نسخه‌های فارسی تسلیم شده توسط ایران امضاء نشده‌اند. زوکور و متروی تهران در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ ترجمه‌های انگلیسی متفاوتی از تمام چهار مدرک قراردادی — قرارداد نمونه مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸]، الحاقیه مورخ ۱۰ تیر ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۸]، و دو دسته شرایط عمومی قرارداد - تسلیم کرده‌اند. صرفاً ترجمه‌های تسلیم شده توسط زوکور در پروندهٔ شماره ۲۵۴ حاوی این اطلاعات است که مدارک اصلی امضاء شده تحت عنوان «.Sgd»، نمایان در بالای قسمت‌های امضاء، در هردوی قرارداد نمونهٔ مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] و الحاقیه مورخ ۱۰ تیر ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۸] در اختیار مترجم بوده است.

[۵۱۱] *بنگرید به* بند ۹۳۰، بالا.

[۵۱۲] شرایط عمومی قرارداد برای قرارداد نمونه و الحاقیه حسب اظهار به جز مقررات مربوط به تحویل موقت، ضمانت انجام، شرایط پرداخت، و آزمایش، یکسان می‌باشند.

**۹۷۲-** شروط کلی قرارداد به نوبهٔ خود در ماده ۴۵ در خصوص حل و فصل اختلافات مقرر می‌دارد:

> درصورتیکه اختلافی بین کارفرما و سازنده پیش‌آمد کند اعم از اینکه مربوط به اجرای عملیات موضوع پیمان و یا مربوط به تفسیر و تعبیر هر یک از مواد پیمان و شرایط عمومی و سایر اسناد و مدارک پیوست پیمان باشد، چنانچه طرفین نتوانند موضوع اختلاف را از راه توافق رفع نمایند از طریق مراجعه به محاکم و مراجع صالحه دادگستری و *طبق قوانین موجود در ایران* حل و فصل خواهد شد، مگر در صورتیکه بین کشور شاهنشاهی و حکومت کشور سازنده در این موضوع قرارداد و مقرراتی موجود باشد. (تأکید اضافه شد.)

**۹۷۳-** دیوان می‌پذیرد که ماده ۴۵ می‌تواند به عنوان شرطی تمام عیار تفسیر شود که تعیین‌کنندهٔ قانون حاکم بر دو قرارداد مذکور است. نتیجه این‌که در مواردی که اختلافی در خصوص قرارداد مطرح شود، طرفین پذیرفته‌اند که تمام مسائل راجع به اجرای قرارداد باید مطابق حقوق ایران حل و فصل شود.

**۹۷۴-** با این‌حال، محل وقوع مال طی تمام نقاط زمانی مربوطه، ایلینوی بوده و باقی مانده است. در نتیجه، مطابق اصل کلی حقوق بین‌الملل خصوصی، همان‌طور که قبلاً در این حکم جزئی شناسایی شد،[۵۱۳] بخش ۴۰۱-۲ (۲) قانون تجارت متحدالشکل در ارتباط با سایر حقوق قراردادی محل وقوع است که تعیین می‌کند که آیا طرفین توافق کرده‌اند که از قاعده‌ی تکمیلی تخطی کنند یا خیر. چنین توافق صریحی که موجد زمان انتقال حق مالکیت قبل از ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] باشد در سابقه منعکس نشده است. گرچه دیوان می‌تواند بپذیرد که قانون حاکم بر *قرارداد*، حقوق ایران بوده، امّا چنین انتخابی، معیار مقرر شده در بخش ۴۰۱-۲(۲) قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در ایلینوی پذیرفته شده را رعایت نکرده است که نیازمند این است که لحظهٔ زمانی یا واقعه‌ای که به محض واقع شدن آن، *انتقال حق مالکیت* به خریدار تحقق می‌یابد، *صراحتاً* مورد توافق واقع شود.[۵۱۴]

---

[۵۱۳] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

[۵۱۴] دیوان متذکر می‌شود که توجه به این نکته مهم است که این موضع حقوق سوئیس، در مواد ۱۰۴ و ۱۱۶ (۲) قانون فدرال سوئیس در خصوص حقوق بین‌الملل خصوصی، به نحوی که مورد تفسیر دیوان عالی فدرال واقع شده، نیز هست. *بنگرید به* بند ۱۶۱ و پانوشت ۱۸۹، بالا.

**۹۷۵-** ماده ۷ موافقت‌نامه حل و فصل ۳۰ آذر ۱۳۶۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۴] میان متروی تهران و مدیر تصفیه مقرر می‌دارد:

> «*مالکیت* بقیه ماشین آلات ... *بلافاصله پس از اینکه* ... ماشین آلات ... مذکور *از محدوده آبهای ساحلی ایالات متحده* بمقصد بنادر ایران *خارج شود* به مترو *منتقل خواهد شد*.» (تأکیدات اضافه شده است.)

اگر تجهیزات و قطعات یدکی، آب‌های سرزمینی ایالات متحده را به سمت ایران ترک کرده بودند، مطابق قانون محل وقوع مال، حق مالکیت، چنان که میان طرفین وفق بخش ۴۰۱-۲(۲) مورد توافق واقع شده بود، در آن زمان منتقل می‌شد. با این حال، چنین اتفاقی قبل از ۲۴ دی ۱۳۶۰ [۱۴ ژانویه ۱۹۸۲]، یعنی زمانی‌که زوکور ادعای خود را در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ تسلیم نمود، نیفتاده است.

**۹۷۶-** مدیر تصفیه، یک مدیر عهده‌دار دارایی‌های زوکور تحت یک مدیریت تصفیه ورشکستگی خارج از دادگاه و عرفی،[۵۱۵] «در جایگاه شخص ورشکسته» که در آن موضع با مجوز مقررات ذی‌ربط قانون ورشکستگی یا واگذاری عمل می‌کرد. قرارداد میان زوکور و متروی تهران یک «قرارداد اجرایی» بود بدین معنا که ابعادی از

---

[۵۱۵] یکی از پرونده‌های روشنگر دربارهٔ موضع و حدود اختیارات مدیر تصفیه دارائی‌ها به نفع بستانکاران، پرونده زیر است:
Illinois Bell Tel. Co. v. Wolf Furniture H., Inc., 509 N.E. 2d 1289, 1291-92 (Ill. App. Ct. 1987).
مشخصاً در خصوص پروندهٔ در دست بررسی، سابقهٔ پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ نشان می‌دهد که مدیر تصفیه اختیار انعقاد موافقت‌نامهٔ حل و فصل را داشته است: لایحه در تأیید درخواست خواهان در اصلاح دادخواست با نام بردن از کیوان دی. مورگان، مدیر تصفیه بابت نفع طلبکاران زوکور اینترنشنال، لیمتد، به عنوان خواهان؛ واگذاری مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۳ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۴]؛ و شهادت‌نامهٔ کیوان دی. مورگان، مدیر تصفیه بابت نفع طلبکاران زوکور اینترنشنال، لیمتد، مورخ هشتم بهمن ۱۳۶۳ [۲۸ ژانویه ۱۹۸۵]. دیوان در دستور مورخ ۱۸ بهمن ۱۳۶۳ [هفتم فوریه ۱۹۸۵] خود در پروندهٔ شمارهٔ ۲۵۴ تأیید کرد که مدیر تصفیه اکنون خواهان است. دیوان همچنین پذیرفت که مدیر تصفیه، به عنوان خواهان، می‌توانسته به انعقاد موافقت‌نامهٔ حل و فصل بپردازد؛ بنگرید به حکم مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۶۳ [۱۳ مارس ۱۹۸۵]. برای محدودهٔ وسیع کارکردی این مفاهیم در سیاق حقوق اروپا، بنگرید به:
Regulation (EU) 2015/848 of the European Parliament and of the Council of 20 May 2015 on insolvency proceedings (recast), 2015 O.J. (L 141), recital 20, art. 2(5), and Annex B (Ireland and United Kingdom).

تعهدات باقی‌مانده هر دو طرف قرارداد موجود بود و واگذاری مذکور اختیارات وسیعی به مدیر تصفیه اعطا کرده بود. منتفعین نهایی از اختیارات سرپرست یا مدیر تصفیه در به حداقل رساندن بار قراردادهای نامطلوب و به حداکثر رساندن منافع قراردادهای مطلوب، طلبکاران و، در صورت اقتضاء، سایر مشتریان بدهکار می‌باشند.

**۹۷۷-** دیوان قبلاً در این حکم جزئی توضیح داده است که چرا، با نهادن بنیاد تصمیم خود در ارتباط با کسب حق مالکیت در اموال منقول بر اصول کلّی حقوق بین‌المللی خصوصی، نمی‌تواند آموزهٔ فرانسوی و بلژیکی از تمییز میان آثار بین‌الطرفینی (*inter partes*) و نسبت به اشخاص ثالث (*erga omnes*) فروش را بپذیرد.[۵۱۶] دیوان به ویژه وفق اهداف ادعای ز-۱۱۱ و جهت رفع هر گونه ابهام (*ex abundanti integritas*)، یادآور می‌شود که مطابق نظر صاحب‌نظرترین نویسندگان، قاعده‌ای که در روابط بین‌الطرفینی برتری را قانون حاکم بر قرارداد می‌دهد، در مواردی که قانون محل وقوع مال به نوبه خود قائل به چنین تفکیکی نیست، اعمال نمی‌شود.[۵۱۷] حقوق ایلینوی چنین تفکیکی نمی‌کند. دوم، این قاعده که قانون حاکم بر قرارداد می‌تواند بر انتقال حق مالکیت در کالاهای فروخته شده هم حاکم باشد در جایی اعمال نمی‌شود که گروه‌های خاصی از اشخاص ثالث ممکن است نفعی در توان تصدیق سادهٔ موضع حقوقی بر پایه امور ظاهری داشته باشند. مدیران ورشکستگی یکی از آن گروه‌ها هستند.[۵۱۸] نهایتاً، دیوان متذکر می‌شود که، همان‌طور که در حقوق ورشکستگی بین‌المللی به طور کلی شناخته شده است، و نیز مطابق مرجع فرانسوی، قانون منشأ (*loi de la source*) (در انتقال حق مالکیت، یعنی حقوق قراردادهای ایران) بر اختیارات مدیر تصفیه که تحت حاکمیت قانون حاکم بر ورشکستگی (*lex concursus*)، یعنی حقوق ایالت ایلینوی، است تأثیری نمی‌گذارد.[۵۱۹]

---

[۵۱۶] *بنگرید به* بندهای ۱۶۱-۱۶۲، بالا.

[517] PIERRE MAYER & VINCENT HEUZÉ, DROIT INTERNATIONAL PRIVÉ ¶ 677 (11th ed. 2014).

[۵۱۸] همانجا. بندهای ۶۷۰، ۶۷۵-۶۷۶.

[519] BERNARD AUDIT & LOUIS D'AVOUT, DROIT INTERNATIONAL PRIVÉ ¶ 845 (7th ed. 2013).

۹۷۸- مطابق تحلیل بالا، دیوان بدین ترتیب حکم می‌کند که پی‌دبلیو۳، ام‌سی۱، ام‌سی۲، و ام‌سی۳ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «اموال ایران» نبوده‌اند.

(۱۸) ادعای ز-۱۲۸ (صنایع چوب و کاغذ مازندران/استدلر هرتر لیمیتد)

*(الف) مقدمه*

۹۷۹- خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۲۸ حداکثر مبلغ ۲،۸۴۳،۰۰۰ دلار آمریکا بابت خسارات وارده در اثر قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال یک دیگ بخار صنعتی و تجهیزات جانبی است که در ایالات متحده تولید شده بود. ایران خواهان بهره مبلغ محکوم به از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نیز می‌باشد.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۹۸۰- نهادی ایرانی به نام سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران («سازمان») و شرکتی کانادایی به نام شرکت استدلر هرتر لیمیتد («استدلر هرتر») در ۳۰ آذر ۱۳۵۳ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۴] قراردادی برای طراحی و ساخت کارخانه کاغذ در استان مازندران ایران («قرارداد مازندران» یا «قرارداد») منعقد نمودند. در مقدمه قرارداد مازندران آمده است، که سازمان به عنوان «خریدار» مایل است استدلر هرتر به عنوان «فروشنده» برخی تجهیزات و مواد را تأمین نماید. سازمان به منظور اجرای قرارداد مازندران، یک نهاد فرعیِ کاملاً وابسته به نام صنایع چوب و کاغذ مازندران ایجاد کرد. سازمان متعاقباً حقوق و تعهدات خود ذیل قرارداد مازندران را به صنایع چوب و کاغذ مازندران واگذار نمود.

۹۸۱- استدلر هرتر، به عنوان فروشنده، در قرارداد از جمله متعهد شد که تمام اقلام اصلی تجهیزات و خدمات فنی مورد نیاز برای کارخانه کاغذ را تأمین کند. در عوض، سازمان/صنایع چوب و کاغذ مازندران به عنوان

خریدار، متعهد شدند که مبلغ مجموعاً ۱۴۲ میلیون دلار آمریکا به صورت اقساط به نسبت پیش‌رفت کار پرداخت نمایند.

**۹۸۲** - قرارداد مازندران مقره‌ای خاص در ماده ۲۸ حاکم بر انتقال مالکیت تجهیزات مذکور دارد که در بخش ذی‌ربط مقرر می‌دارد:

۰-۲۸ مالکیت

۱-۲۸ حق مالکیت و تصرف در زمانهای مشخص شده ذیل به کارفرما منتقل خواهد شد.

(الف) اجناس[۵۲۰] – از لحظه‌ای که طبق بند ۰-۵ کار تحویل و قبولی کارفرما میشود و یا دریافت آخرین مطالبات توسط پیمانکار هر کدام که تاریخ انجام آن عقبتر باشد.

اختصاراً، «قبول کار» وفق ماده ۰-۱۵ قرارداد مستلزم برپاکردن تجهیزات در ایران و انجام «آزمایش عملکرد» توسط استدلر هرتر جهت حصول اطمینان از این بود که تجهیزات مورد آزمایش به خوبی کار می‌کند؛ سپس، مهندس طرف قرارداد صنایع چوب و کاغذ مازندران «گواهینامه قبول کار» را برای موردی که موضوع آزمایش عملکرد قرار گرفته بود صادر می‌کرد.

**۹۸۳** - استدلر هرتر در ۲۷ مهر ۱۳۵۵ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۶] مال موضوع این ادعا؛ یعنی «دیگ بخار صنعتی وی.یو.۶۰ کامباسچن انجینیرینگ و تجهیزات جانبی آن» (مجموعاً «دیگ بخار») را به شرکتی ایرانی به نام ماشین‌سازی اراک سفارش داد. مطابق پیش‌بینی طرفین قرارداد مازندران، یعنی سازمان/صنایع چوب و کاغذ مازندران و استدلر هرتر، دیگ بخار باید به شرحی که در ادامه می‌آید تهیه می‌شد: استدلر هرتر باید دیگ بخار را به ماشین‌سازی اراک سفارش می‌داد و آن شرکت به نوبه خود باید به شرکتی آمریکایی به نام کامباسچن انجینیرینگ سفارش می‌داد؛کامباسچن انجینیرینگ باید دیگ بخار را طی چندین فقره بارگیری به یک کارگزار حمل و نقل در

[۵۲۰] ماده ۲۳-۱ قرارداد «اجناس» را به عنوان «کلیه ماشین‌آلات، تجهیزات، مواد و سایر اقلامیکه قسمتی از پروژه را تشکیل می‌دهند به جز قطعات یدکی، مواد خام، [منابع عملیاتی و] مواد مصرفی» تعریف می‌کند.

چارلستون در کارولینای جنوبی تحویل می‌داد و مبلغ کامل و نهایی را از ماشین سازی اراک دریافت می‌کرد؛ سپس ماشین‌سازی اراک باید مبلغ کامل و نهایی را از استدلر هرتر (یا صنایع چوب و کاغذ مازندران به نمایندگی از استدلر هرتر) دریافت می‌کرد، و متعاقباً استدلر هرتر ترتیبات حمل دیگ بخار را به ایران فراهم می‌آورد.

**۹۸۴-** قرارداد مازندران مشخصاً مقرر می‌داشت که روی دیگ بخار، وفق ماده ۰-۱۵ قرارداد باید آزمایش عملکرد انجام می‌شد.

**۹۸۵-** استدلر هرتر در ۲۷ مهر ۱۳۵۵ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۶] سفارش خرید را برای ماشین‌سازی اراک بابت دیگ بخار صادر کرد. سفارش خرید مذکور مجموع مبلغ خرید را ۱،۹۱۷،۸۹۰ دلار آمریکا نشان می‌داد و شرایط پرداخت آن به این صورت بود: «۱۰٪ در زمان تأیید سفارش»، «۲۰٪ در زمان طراحی‌ها»، و «الباقی ۷۰٪ به نسبت ارزش هر محموله با دریافت صورت‌حساب و گزارش دریافت کارگزار حمل و نقل».

**۹۸۶-** شایان توجه است که سفارش خرید مقرر می‌داشت که ماشین سازی اراک پرداخت بابت دیگ بخار را از صنایع چوب و کاغذ مازندران و نه از استدلر هرتر مطالبه خواهد کرد. مشخصاً، سفارش خرید مقرر می‌داشت:

تبصره

> شرایط پرداخت ۲۰٪ به نحو توافق شده مورد قبول است، ماشین‌سازی اراک بابت ایفای تعهد پرداخت استدلر هرتر لیمیتد به صنایع چوب و کاغذ مازندران مراجعه کنید، و نه با تصویب طراحی‌ها که در این پیش‌نهاد آمده است.
>
> بند زیر جزو لاینفک شرایط پرداخت پیش‌گفته است.
>
> (الف) ماشین سازی اراک تأیید می‌کند که صنایع چوب و کاغذ مازندران موافقت کرده است که تعهدات پرداخت استدلر هرتر لیمیتد را مطابق سفارش خرید ایفا کند و بنابراین ماشین‌سازی اراک بدین وسیله تعهد چوب و کاغذ مازندران را به جای استدلر هرتر لیمیتد ذیل می‌پذیرد [،] بدین قرار ماشین‌سازی اراک بدین وسیله از کلیه حقوق خود بابت جبران خسارت که می‌توانست بر اساس این سفارش خرید علیه استدلر هرتر لیمیتد عنوان نماید اعراض می‌کند

و برای ایفای تعهدات پرداخت زیر، صرفاً به صنایع چوب و کاغذ مازندران مراجعه خواهد نمود.

**۹۸۷** - ماشین‌سازی اراک به نوبه خود دیگ بخار را به کامباسچن انجینیرینگ سفارش داد. وفق توافق بین ماشین سازی اراک و کامباسچن انجینیرینگ، کامباسچن انجینیرینگ باید تجهیزات را با شرایط تحویل به کشتی (F.O.B.) به انبار کارگزار حمل و نقل در چارلستون کارولینای جنوبی حمل می‌کرد و مبلغ آن را از طریق اعتبار اَسنادی صادره توسط ماشین سازی اراک دریافت می‌نمود.

**۹۸۸** - ماشین سازی اراک در ۱۴ شهریور ۱۳۵۵ [پنجم سپتامبر ۱۹۷۶] صورت‌حسابی برای استدلر هرتر بابت ۱۰ درصد پیش‌پرداخت وفق شروط سفارش خرید یا ۱۹۱،۷۸۹ دلار آمریکا صادر کرد. استدلر هرتر در ۱۶ دی ۱۳۵۵ [ششم ژانویه ۱۹۷۷] این مبلغ را به ماشین سازی اراک پرداخت نمود، گرچه شروط مربوط پرداخت وفق سفارش خرید مقرر می‌داشت که ماشین سازی اراک پرداخت را از صنایع چوب و کاغذ مازندران مطالبه خواهد کرد.

**۹۸۹** - ماشین سازی اراک در هشتم اسفند ۱۳۵۵ [۲۷ فوریه ۱۹۷۷] به استدلر هرتر اطلاع داد که پرداخت ۲۰ درصد مجموع ارزش سفارش خرید حال شده است و درخواست نمود که استدلر هرتر ترتیبات پرداخت را فراهم آورد. استدلر هرتر در هشتم بهمن ۱۳۵۵ [۲۸ ژانویه ۱۹۷۷] به صنایع چوب و کاغذ مازندران مجوز پرداخت آن مبلغ را به نیابت از خود به ماشین سازی اراک داد که متعاقباً صنایع چوب و کاغذ مازندران آن، مبلغ را پرداخت نمود.

**۹۹۰** - کامباسچن انجینیرینگ در اول دی ۱۳۵۶ [۲۲ دسامبر ۱۹۷۷] نخستین مجموعه‌ی محموله‌ها را وفق توافق خود با ماشین سازی اراک بابت تأمین دیگ بخار به انباری متعلق به شرکت اینترنشنال فروواردر در چارلستون کارولینای جنوبی تحویل داد. اینترنشنال فروواردر در همان تاریخ رسید انبار کارگزار حمل و نقل برای آن کالاها

صادر کرد که در بخش مربوطه آن اظهار داشت: «صحیح و سالم دریافت شد ... برای قرار گرفتن در اختیار [ماشین سازی اراک] به مقصد استدلر هرتر ورلدواید لیمیتد به مقصد مقامات بندر کارولینای جنوبی، ترمینال کلمبوس استریت از طرف [کامباسچن انجینیرینگ]». کامباسچن انجینیرینگ مبلغ ۲۸۹،۱۸۸ دلار آمریکا بابت این محموله‌ها برای ماشین سازی اراک صورت‌حساب صادر کرد.

**۹۹۱-** چهار محموله دیگر به انبار اینترنشنال فروواردر در تاریخ‌های هشتم دی ۱۳۵۶ [۲۹ دسامبر ۱۹۷۷] و ۱۶ و ۲۳ دی و هفتم بهمن ۱۳۵۶ [۶، ۱۳، و ۲۷ ژانویه ۱۹۷۸] رسید که بابت تمام آن‌ها اینترنشنال فروواردر رسید انبار کارگزار حمل و نقل صادر می‌کرد و کامباسچن انجینیرینگ نیز صورت‌حساب مربوطه را برای ماشین سازی اراک صادر می‌کرد. اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل باید توسط کامباسچن انجینیرینگ به منظور وصول پرداخت وفق اعتبار اَسنادی مفتوح توسط ماشین‌سازی اراک به بانک ارائه می‌شد. اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل سپس باید از طریق کانال‌های بانکی به ماشین‌سازی اراک می‌رسید. اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل، چنان‌که در تلکس داخلی استدلر هرتر مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ [۱۴ آوریل ۱۹۷۸] ذکر شده است، باید متعاقباً توسط ماشین سازی اراک به استدلر هرتر ارسال می‌شد که آن رسیدها را برای دادن اجازه به صنایع چوب و کاغذ مازندران جهت پرداخت صورت‌حساب‌های ماشین سازی اراک بابت بازپرداخت مبالغ پرداختی ماشین‌سازی اراک به کامباسچن انجینیرینگ نیاز داشت. به علاوه، وفق تلکس مذکور، «آخرین پرداخت، نیازمند گواهی بازرسی خواهد بود».[۵۲۱]

---

[۵۲۱] تلکس استدلر هرتر در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ [۱۴ آوریل ۱۹۷۸] مضافاً ذکر کرد:
آنچه ما [استدلر هرتر] برای تأیید پرداخت لازم داریم به شرح زیر است:
الف) اعتبار اسنادی کامباسچن انجینیرینگ- ماشین‌سازی اراک باید تمدید شود
ب) اصل قبض رسید کارگزار حمل و نقل باید از طریق بانک آزاد شود و به ماشین سازی اراک ارسال شود.
پ) ماشین سازی اراک باید (اصل) قبض رسیدهای کارگزار حمل و نقل و یک صورتحساب را به استدلر هرتر بفرستد.

**۹۹۲ -** کامباسچن انجینیرینگ تا پایان سال ۱۳۵۶ [اوایل ۱۹۷۸] ۷۵ درصد محموله‌های دیگ بخار را وفق توافق با ماشین سازی اراک به انبار اینترنشنال فروواردر تحویل داد. در این اثناء، اعتبار اسنادی ماشین سازی اراک منقضی شد و کامباسچن انجینیرینگ از حمل دیگر محموله‌ها تا زمانی که اعتبار اسنادی مذکور تمدید شود، امتناع ورزید.

**۹۹۳ -** ماشین‌سازی اراک در سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] صورت‌حسابی بابت ۷۰ درصد مجموع مبلغ سفارش خرید استدلر هرتر از ماشین‌سازی اراک برای استدلر هرتر به انضمام «تصاویر قبوض انبار کارگزار حمل و نقل مورخ [۲۳ و ۲۷ دی ۱۳۵۶ (۱۳ و ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸)]» صادر کرد. ماشین‌سازی اراک در نامه خود تصریح کرد که امید دارد استدلر هرتر «به صنایع چوب و کاغذ مازندران دستور دهد تا تأدیه مبلغ قابل پرداخت را تسهیل نماید».

**۹۹۴ -** استدلر هرتر در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ [سوم مه ۱۹۷۸] به نامه ماشین‌سازی اراک به شرح زیر پاسخ داد:

> ما قادر به درک نیستیم ... چرا صورتحسابی با رقمی بالاتر از ارزش کالاهائی فرستاده‌اید که تا کنون حمل شده است. ما همچنین درک نمی‌کنیم چرا تصویر قبض انبار کارگزار حمل و نقل بابت ۱۱۰،۸۴۲ پوند کالا را فرستاده‌اید در صورتیکه مطابق اطلاعاتی که ما از کارگزار حمل و نقل دریافت کردیم ۸۵۰،۰۰۰ پوند حمل شده است.
>
> به منظور تأیید پرداخت هر بخش از مبالغ قابل پرداخت مطابق این سفارش خرید که حال شده است، [استدلر هرتر] باید مدارک زیر را در اختیار داشته باشد:
>
> ۱) اصل رسید کارگزار حمل و نقل بابت کالای حمل شده، و

---

ت) استدلر هرتر صورتحساب را وارسی و تأیید خواهد کرد و صورتحساب را برای پرداخت به چوب و کاغذ مازندران تسلیم خواهد کرد....

اگر پرداخت فوری به ماشین‌سازی اراک مطلقاً حیاتی باشد، ما به سادگی می‌توانیم یک صورتحساب صادره توسط ماشین سازی اراک را تأیید کنیم و از چوب و کاغذ مازندران بخواهیم که آن را بپردازد ... اما [یکی از نمایندگان استدلر هرتر] این روش را توصیه نمی‌کند چرا که پرداخت در قبال کالائی انجام خواهد شد که اراک هنوز قانوناً مالک آن است....

۲) صورتحسابی بابت بهای کالای حمل شده منهای ۳۰ درصد پرداخت‌های قبلی

اگرچه ما، چنان که در بالا طرح شد، مدارک درست را برای تأیید پرداخت در اختیار نداریم، از آنجا که می‌دانیم ۷۵ درصد از موضوع قرارداد کامباسچن انجینیرینگ توسط آن شرکت به انبار کارگزار حمل و نقل، برده شده، مایلیم به مشتری خود، صنایع چوب و کاغذ مازندران، توصیه کنیم که پیش پرداختی معادل ۷۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا در قبال مبلغ قابل پرداخت بابت کالاهائی که تا کنون حمل شده بپردازد. ماندهٔ ارزش سفارش متعاقباً به محض وصول اسناد صحیح کالاهای حمل شده و کالاهائی که باید حمل شود، تأیید خواهد شد.

**۹۹۵-** ماشین‌سازی اراک در تلکس خود در پاسخ به استدلر هرتر با پذیرش پرداخت از سوی صنایع چوب و کاغذ مازندران موافقت کرد و اضافه نمود که (یک) آن شرکت «مابقی رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را از طریق کانال‌های بانکی» دریافت کرده و کپی آن‌ها «امروز به استدلر هرتر پست می‌شود»؛ و (دو) اصل آن رسیدها برای ترخیص کالاها از گمرک لازم بوده است و این که «اصل تمام آن‌ها نهایتاً به مشتری شما [صنایع چوب و کاغذ مازندران] تسلیم خواهد شد».

**۹۹۶-** صنایع چوب و کاغذ مازندران در نهم خرداد ۱۳۵۷ [۳۰ مه ۱۹۷۸] به استدلر هرتر اطلاع داد که صنایع چوب و کاغذ مازندران در آن تاریخ، مبلغ ۷۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا «به نمایندگی از استدلر هرتر» وفق دستورالعمل‌های شرکت اخیرالذکر پرداخت کرده بود.

**۹۹۷-** کامباسچن انجینیرینگ به ترتیب در پنجم مرداد و سوم شهریور ۱۳۵۷ [۲۷ ژوئیه و ۲۵ اوت ۱۹۷۸]، دو محموله دیگر را به انبار اینترنشنال فروواردر در چارلستون واقع در کارولینای جنوبی وفق توافق با ماشین‌سازی اراک تحویل داد.

**۹۹۸-** استدلر هرتر در هشتم آبان ۱۳۵۷ [۳۰ اکتبر ۱۹۷۸] از کامباسچن انجینیرینگ استعلام کرد که آیا ماشین‌سازی اراک تمام مبلغ را به آن شرکت پرداخته است یا خیر، «تا [استدلر هرتر] اقدام به پرداخت به [ماشین‌سازی اراک] کند». کامباسچن انجینیرینگ پاسخ داد که «تمام صورت‌حساب‌ها تا آن تاریخ پرداخت شده

است» اما کامباسچن انجینیرینگ همچنان باید برای ارسال محموله دیگری به ارزش حدوداً ۳،۰۰۰ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر کند. کامباسچن انجینیرینگ بعداً مدعی شده است که در مرداد/شهریور ۱۳۵۷ [اوت ۱۹۷۸] تمام مواد مربوط به دیگ بخار صنعتی را به انبار اینترنشنال فروواردر در چارلستون حمل کرده است و ماشین سازی اراک تمام مبلغ را به کامباسچن انجینیرینگ پرداخت کرده است.

**۹۹۹-** استدلر هرتر در اواخر سال ۱۳۵۶ [اوایل ۱۹۷۸] مشکلاتی در خصوص وصول پرداخت‌ها از صنایع چوب و کاغذ مازندران داشت. فعالیت استدلر هرتر بین دی و بهمن ۱۳۵۷ [ژانویه و فوریه ۱۹۷۹] بر روی پروژه مازندران عملاً متوقف شد. استدلر هرتر با توجه به شرایط حاکم در ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸] شروع به خارج‌کردن کارکنان خود از ایران نمود. اکثر کارمندان آن شرکت تا ۱۵ دی ۱۳۵۷ [پنجم ژانویه ۱۹۷۹] کشور را ترک کرده بودند. فعالیت بر روی پروژه مازندران هیچ‌گاه از سر گرفته نشد.

**۱۰۰۰-** استدلر هرتر در نهم آبان ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] در نتیجه مشکلات مالی،[۵۲۲] نام تجاری و تمام دارایی‌های شرکتی خود به جز آن‌هایی که منبعث از قراردادهای کارخانه کاغذ واقع در ایران بود را به یک شرکت آلمانی فروخت. استدلر هرتر متعاقباً نام خود را به کدزپ لیمیتد («کدزپ») تغییر داد.

**۱۰۰۱-** کدزپ متعاقباً در دادگاه عالی مونترئال درخواست ورشکستگی و امینی برای اموال کدزپ («امین») نصب کرد. این درخواست به نحوی که در ۱۹ دی ۱۳۵۷ [نهم ژانویه ۱۹۸۰] اصلاح شد («درخواست اصلاحی»)، مقرر می‌داشت:

> [کدزپ] بدین وسیله کلیه اموال خود را در هر محلی که باشد ... همراه با اختیارات لازم در خصوص و یا در ارتباط با اموال که باید توسط آن شرکت و به نفع خودش اعمال می‌شد... به امین برای و به

---

[۵۲۲] عملیات تجاری استدلر هرتر در آن زمان، تقریباً تماماً شامل دو قرارداد کارخانه کاغذ می‌شد، بنابراین، استدلر هرتر در نتیجه از دست رفتن این تجارت، از پرداخت‌ها به طلب‌کاران خود ناتوان گردید.

نیابت از طلبکاران، به گرو می‌گذارد، واگذار می‌کند، انتقال می‌دهد، تحویل می‌دهد و منتقل می‌کند.

درخواست اصلاحی همچنین در خصوص پرداخت مطالبات «طلبکاران بدون وثیقه» کدزپ مقرر می‌داشت که امین باید «به تصفیه منظم دارائی‌های [کدزپ] و تسهیمِ ... ماندهٔ خالص ناشی از آن اقدام کند...»

۱۰۰۲ - رئیس کدزپ در ۲۳ آذر ۱۳۵۸ [۱۴ دسامبر ۱۹۷۹] نامه‌ای به امین و وکیل اموال در مورد دیگ بخار نوشت و از جمله (یک) متذکر شد که مبلغ به «فروشنده کاملاً پرداخت شده» بود و بنابراین، کل مبلغ سفارش خرید استدلر هرتر به ماشین‌سازی اراک «برای بازیافت بالقوه در دسترس» بوده است؛ و (دو) اظهار داشت که وکیل اموال باید «مطالعهٔ کلیه مدارک و شروط قراردادی» را در ارتباط با خرید دیگ بخار آغاز کند «تا به وضوح اثبات کندکه ما نسبت به آن حق مالکیت کامل داریم».

۱۰۰۳ - وکیل کانادایی که برای امین کار می‌کرد در ۱۶ مهر ۱۳۵۹ [هشتم اکتبر ۱۹۸۰] به کامباسچن انجینیرینگ، که در خصوص مالکیت دیگ بخار از وی استعلام کرده بود، و وفق اظهار رئیس کدزپ، در خصوص حق مالکیت کدزپ نسبت به دیگ مذکور «بی‌نهایت محتاط» بود، نظریه حقوقی ارائه کرد. وکیل در نظریه خود نوشته است:

> چون [دیگ بخاری] که از شرکت کامبسشن انجینیرینگ اینکورپوریتد خریداری شده و به شرکت بین‌المللی حمل، (اینترنشنال فاوردینگ اینکورپوریتد) تحویل گردیده و اصل رسیدهای انبار آن شرکت را ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر لیمیتد داده، بعقیده ما مالکیت از ماشن [کذا] سازی اراک خارج شده است.

وکیل توضیح داد که نمایندگان کدزپ بودند که او را مطلع کرده‌اند که «مطالبات ماشین‌سازی اراک ... تماماً پرداخت شده است»؛ و افزود که «ماشین‌سازی اراک برای وصول وجه از استدلر هرتر لیمیتد اصل رسیدهای انبار

شرکت حمل کالا را به تاریخهای ۲۲ و ۲۹ دسامبر ۱۹۷۷، ششم و سیزدهم و بیست و هفتم ژانویه و ۲۷ ژوئیه و ۲۵ اوت ۱۹۷۸ را به استدلر هرتر لیمیتد تسلیم کرده است».[۵۲۳]

۱۰۰۴ - وفق شهادت‌نامهٔ آقای نورمن یودین که در موقعیت‌های شغلی مختلف از سال ۱۳۵۳/۱۳۵۲ [۱۹۷۴] تا پایان سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] برای استدلر هرتر کار می‌کرد،[۵۲۴] زمانی که تمام مبلغ به ماشین‌سازی اراک پرداخت شد، ماشین‌سازی اراک باید رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را به استدلر هرتر می‌داد و حق مالکیت دیگ بخار به استدلر هرتر منتقل می‌شد. او همچنین اظهار داشت که در واقع «[صنایع چوب و کاغذ مازندران] طلب ماشین‌سازی اراک را از طرف [استدلر هرتر] بطور کامل پرداخت نمود» و افزود که «اندکی پس از حمل آخرین قطعات دیگ بخار در اوت ۱۹۷۸، ماشین‌سازی اراک کپی اصلی رسیدهای عامل بار را به [استدلر هرتر] ارسال داشت و بدین ترتیب مالکیت و کنترل روی دیگر بخار را به استدلر هرتر منتقل نمود». وفق شهادت آقای یودین، «هنگامیکه [استدلر هرتر] در [نهم آبان ۱۳۵۸ (۳۱ اکتبر ۱۹۷۹)] در کانادا اعلام ورشکستگی نمود، دیگ بخار که هنوز در بندرگاه چارلستون کارولینای جنوبی قرار داشت جزو دارائیهای [استدلر هرتر] بود و از اینرو یک قسمت از دارائیهای [استدلر هرتر]/کدزپ گردید».

۱۰۰۵ - رئیس کدزپ در ۲۵ دی ۱۳۵۹ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۱] گزارشی در خصوص فروش منظم تجهیزات خریداری شده توسط استدلر هرتر طبق قرارداد مازندران که به تأیید دادگاه رسیده بود، به امین ارائه کرد. او در

---

[۵۲۳] وکیل مضافاً توضیح داد که نمایندگان کدزپ به وی همچنین اطلاع داده بودند که «مطالبات ماشین سازی اراک و کامبسشن انجینیرینگ اینک تماماً پرداخت شده است».

[۵۲۴] آقای یودین اظهار می‌دارد که در مدت تصدی شغل در استدلر هرتر وظایف اصلی او با تهیه و ارائه و تأیید صورت‌حساب‌های کارهای انجام شده از جمله در ارتباط با قرارداد مازندران مرتبط بوده است. در اردیبهشت/خرداد ۱۳۵۵ [مه ۱۹۷۶]، او ناظر کنترل مخارج قرارداد شد؛ در این مقام، صدور صورتحساب و پیش بینی بودجه‌ای هم به مسئولیت‌های او افزوده شد؛ او همچنین درگیر پروژهٔ خاصی برای اخذ تأیید صورت‌حساب‌ها و پرداخت‌های مشتری‌های ایرانی شد. در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۶ [۱۹۷۸] او مدیر توسعهٔ سیستم‌ها، تأمین مالی، و بعد مدیر طراحی و کنترل تأمین مالی شد؛ تکالیف جدید او شامل مسئولیت کامل وظایف حساب‌داری در قرارداد مازندران بود.

گزارش خود اظهار داشت که اعلام بین‌المللی فروش تجهیزات «شامل تمام وسائلی بود که استدلر هرتر به عنوان خریدار ابتیاع کرده بود (نه بعنوان عامل در مورد سفارش وسائلی از پنج فروشنده آلمانی)» و شامل «وسائل آلمانی نبود که استدلر هرتر بعنوان «عاملی» خریده بود».[۵۲۵]

۱۰۰۶ - در اسفند ۱۳۶۰/فروردین ۱۳۶۱ [مارس ۱۹۸۲] یا حوالی آن، امین دارایی کدزپ دیگ بخار را از لنگرگاه در بندر به انباری در چارلستون منتقل کرد.

۱۰۰۷ - امین دارایی کدزپ در هشتم تیر ۱۳۶۶ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۷] دیگ بخار را در مزایده (به صورت غیابی) در قبال ۴۵،۰۰۰ دلار کانادا به شرکتی در ایلینوی فروخت. این مزایده در لاشین کبک برگزار شد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۰۰۸ - ایران ادعا می‌کند که چون کامباسچن انجینیرینگ دیگ بخار را به ماشین‌سازی اراک فروخته است، حق مالکیت آن قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] از کامباسچن انجینیرینگ به ماشین‌سازی اراک منتقل شده است و در مالکیت ماشین‌سازی اراک باقی مانده است؛ بدین ترتیب، ماشین‌سازی اراک در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک دیگ بخار بود. در نتیجه، قلم مذکور مشمول تعهد بند ۹ ایالات متحده بوده است. بنا بر اظهارات ایران، در حالی که اختلافی نیست که حق مالکیت دیگ بخار از کامباسچن انجینیرینگ به ماشین‌سازی اراک منتقل شده است، هیچ ادله قانع کننده‌ای وجود ندارد که نشان دهد حق مالکیت متعاقباً به استدلر هرتر منتقل

---

[۵۲۵] فی‌الواقع، امین در یک گزارش اولیهٔ آذر/دی ۱۳۵۸ [دسامبر ۱۹۷۹] به طلبکاران کدزپ نوشت:

> پیرو یک توافق بین مشتری ایرانی [صنایع چوب و کاغذ مازندران] و یک نهاد دولتی آلمانی، در مرحله اولیه قرارداد با مشتری ایرانی تصمیم گرفته شده بود که مشتری پرداختهای خود را به *فروشندگان آلمانی* مستقیماً انجام دهد. لذا ستادلر [کذا] هرتر لیمیتد بعنوان نماینده عمل نموده است. *در دستور خریدهای صادره بنام فروشنده آلمانی وضوحاً همین مطالب منعکس شده است.* (تأکید افزوده شده است.)

شده باشد. در واقع، ایران مدعی است که روشن نیست که اساساً چنین قصدی وجود داشته است که حق مالکیت به آن شرکت انتقال یابد. به نظر ایران، تجزیه و تحلیل درست در عوض این را نشان می‌دهد که یا استدلر هرتر به عنوان کارگزار صنایع چوب و کاغذ مازندران عمل می‌کرده است یا این که حتی وفق سفارش خرید ۲۷ مهر ۱۳۵۵ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۶]، اقدامات قراردادی مربوطه تکمیل نشده است.

**۱۰۰۹** - بنا بر اظهارات ایران، اگر به قصد و نیت ماشین‌سازی اراک و استدلر هرتر توجه شود، چنان‌که آقای یودین نقل کرده است،[۵۲۶] حق مالکیت دیگ بخار، وفق سفارش خرید مذکور، باید صرفاً در صورتی از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر منتقل می‌شد که: (یک) کل مبلغ به ماشین‌سازی اراک پرداخت شده بود و (دو) ماشین‌سازی اراک اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را به استدلر هرتر تحویل داده بود. ایران در ارتباط با مورد اخیر متذکر می‌شود که چنان‌که تلکس داخلی مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ [۱۴ آوریل ۱۹۷۸] استدلر هرتر نشان می‌دهد،[۵۲۷] درک استدلر هرتر این بود که اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل برای تحقق انتقال حق مالکیت ضرورت می‌داشته است. به علاوه، چنان‌که به نظر ایران تلکس داخلی مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ [۱۴ آوریل ۱۹۷۸] استدلر هرتر[۵۲۸] و یادداشتی داخلی دست‌نویس مورخ ۱۷ آبان ۱۳۵۷ [هشتم نوامبر ۱۹۷۸] استدلر هرتر دلالت بر آن دارد، ارائه گواهی بازرسی کیفی دیگ بخار برای انجام پرداخت نهایی ماشین‌سازی اراک لازم بود.[۵۲۹] بنا بر اظهارات ایران، مدرک اثباتی‌ای وجود ندارد که دال بر انجام هیچ‌یک از این اقدامات باشد؛ به

---

[۵۲۶] *بنگرید به* بند ۱۰۰۴، بالا.

[۵۲۷] *بنگرید به* بند ۹۹۱ و پانوشت ۵۲۱، بالا.

[۵۲۸] *بنگرید به* بند ۹۹۱، بالا.

[۵۲۹] در این یادداشت آمده است:

نبایستی تا:

> صورت پرداخت نهائی از طرف همه مسئولین پرداخت نشده باشد .... صورت بازرسی نرسیده باشد. ... مطمئن نشده باشیم که دیگر احتیاجی به تضمین‌های بانکی نیست.

اجازه پرداخت نهائی را امضاء کنیم.

طور خاص، هیچ مدرک مستندی وجود ندارد که نشان دهد ماشین سازی اراک اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را نگه نداشته یا آن‌ها را به جای ارسال به استدلر هرتر، به صنایع چوب و کاغذ مازندران ارسال نکرده باشد. ایران ادعا می‌کند که نباید به نظریه حقوقی وقعی نهاد که وکیل امین در ۱۶ مهر ۱۳۵۹ [هشتم اکتبر ۱۹۸۰] به کامباسچن انجینیرینگ داده و نتیجه گرفته است که حق مالکیت دیگ بخار از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شده بود.[۵۳۰] علت این امر این است که وکیل در تهیه نظریه خود، بدون بررسی مدارک مستند، منحصراً به اطلاعات شفاهی‌ای استناد کرده که از نمایندگان کدزپ دریافت کرده است.

۱۰۱۰- به نحو جایگزین، ایران مدعی است بر فرض که حق مالکیت دیگ بخار از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شده باشد، دیگ بخار مشمول «اموال ایران» وفق بند ۹ می‌باشد زیرا صنایع چوب و کاغذ مازندران و/یا ماشین‌سازی اراک مالک منافع آن بوده‌اند. دلایل ایران برای این نتیجه‌گیری به طور خلاصه از این قرار است: هر دوی صنایع چوب و کاغذ مازندران و ماشین‌سازی اراک نهادهای تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بوده‌اند؛ ماشین‌سازی اراک تمام مبلغ خرید را به کامباسچن انجینیرینگ داده است، حتی اگر آخرین پرداخت به ماشین‌سازی اراک آزاد نشده باشد، حداقل، صنایع چوب و کاغذ مازندران ثمن بخشی از تجهیزات را پرداخته است؛ و تنها طرفی که هیچ پرداختی انجام نداده، استدلر هرتر بوده است. بدین ترتیب، ایران نتیجه می‌گیرد که مالکیت منافع کامل دیگ بخار متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران می‌باشد.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۰۱۱- ایالات متحده تأکید می‌کند که ایران اثبات نکرده است که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالکیت بلامنازع و غیرمشروط بر دیگ بخار داشته است تا آن مال مشمول بند ۹ باشد. بنا بر اظهارات ایالات متحده، طرفین معامله دیگ بخار، یعنی ماشین سازی اراک و استدلر هرتر، قصد داشتند که مالکیت دیگ بخار

---

[۵۳۰] *بنگرید به* بند ۱۰۰۳، بالا.

سه بار انتقال یابد. نخست، کامباسچن انجینیرینگ باید مالکیت دیگ بخار را به ماشین سازی اراک منتقل می‌کرد. دوم، ماشین سازی اراک باید مالکیت را به استدلر هرتر منتقل می‌کرد. سوم و نهایتاً، استدلر هرتر باید مالکیت را به صنایع چوب و کاغذ مازندران منتقل می‌کرد. ایالات متحده بر این موضع است که مرحله سوم، عملاً هیچ‌گاه محقق نشده است.

۱۰۱۲ - به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، ایالات متحده مدعی است که ماشین‌سازی اراک در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک دیگ بخار نبوده است. ایالات متحده ادعا می‌کند که زمانی که کامباسچن انجینیرینگ دیگ بخار را به کارگزار حمل و نقل تحویل داد و صورت‌حساب و اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را به ماشین‌سازی اراک داد، حق مالکیت به ماشین‌سازی اراک منتقل گردید. با این حال، زمانی که تمام مبلغ به ماشین سازی اراک پرداخت و آن رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل در مرداد/شهریور ۱۳۵۷ [اوت ۱۹۷۸] به استدلر هرتر منتقل شد، حق مالکیت دیگ بخار به استدلر هرتر انتقال یافت، به این عبارت که انتقال بعدی حق مالکیت به صنایع چوب و کاغذ مازندران موکول به مفاد ماده ۲۸ قرارداد مازندران گردید.

۱۰۱۳ - ایالات متحده بر این موضع است که چون شروط مندرج در ماده ۲۸ قرارداد مازندران هیچ‌گاه محقق نشد، صنایع چوب و کاغذ مازندران هیچ‌گاه مالک دیگ بخار نگردید. بنابراین، حق مالکیت برای استدلر هرتر باقی ماند. ایالات متحده تأکید می‌کند که وفق آن مقرره، حق مالکیت تجهیزات خریداری‌شده توسط استدلر هرتر به صنایع چوب و کاغذ مازندران انتقال نمی‌یافت مگر (یک) پرداخت کامل مبلغ توسط صنایع چوب و کاغذ مازندران و (دو) قبول تجهیزات توسط صنایع چوب و کاغذ مازندران (مشروط به موفقیت آزمایش عملکرد در ایران) صرف نظر از ترتیب وقوع این اقدامات، عملی شده باشد. نتیجتاً، ایالات متحده استدلال می‌کند که صنایع چوب و کاغذ مازندران هیچ‌گاه نمی‌توانست قبل از رسیدن و نصب در ایران که هیچ‌گاه محقق نشد، مالک دیگ بخار باشد.

۱۰۱۴ - نهایتاً، ایالات متحده مدعی است که حق مالکیت دیگ بخار، پس از انتقال به استدلر هرتر در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] در چارچوب دادرسی مربوط به ورشکستگی در کانادا در کنار سایر دارایی‌های استدلر هرتر به امین دارایی کدزپ انتقال یافت.

۱۰۱۵ - ایالات متحده منکر وجود هرگونه رابطه نمایندگی میان استدلر هرتر و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران/صنایع چوب و کاغذ مازندران در خصوص خرید دیگ بخار است. ایالات متحده همچنین منکر این است که صنایع چوب و کاغذ مازندران یا ماشین‌سازی اراک مالکیت منافع آن قلم را کسب کرده بودند.

*(ت) تصمیم دیوان*

۱۰۱۶ - اختلافی نیست، و دیوان سابقاً مقرر داشته است، که ماشین‌سازی اراک مشمول تعریف «ایران» وفق بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.[۵۳۱]

۱۰۱۷ - مسئلهٔ اساسی در این ادعا این است که آیا دیگ بخار وفق بند ۹ مشمول معنای «اموال ایران» می‌باشد یا خیر. طرفین توافق دارند که حق مالکیت دیگ بخار زمانی در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] از کامباسچن انجینیرینگ به ماشین‌سازی اراک منتقل شده است. با این حال، طرفین در این مورد اختلاف دارند که آیا حق مالکیت مربوطه متعاقباً قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] از ماشین سازی اراک به استدلر هرتر انتقال یافته است یا خیر.

*مالکیت دیگ بخار*

---

[۵۳۱] *بنگرید به هارنیشفگر کورپوریشن و وزارت راه و ترابری و دیگران*، حکم شماره ۳-۱۸۰-۱۴۴ (متن فارسی ۱۵ آذر ۱۳۶۳ [ششم دسامبر ۱۹۸۴]، متن انگلیسی ۲۲ تیر ۱۳۶۳ [۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۷، ص ۹۰، ص ۹۷؛ *آستین کامپنی و ماشین سازی اراک و دیگران*، حکم شماره ۲-۲۹۵-۲۵۷، بند ۱۲ (هشتم مهر ۱۳۶۵ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ۲۸۸، ص ۲۹۱.

۱۰۱۸ - از آن‌جا که طرفین بیانیه‌های الجزایر در خصوص این‌که چه کسی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک دیگ بخار بود توافق ندارند، دیوان باید قانون محل وقوع مالی را که بر انتقال حق مالکیت حاکم است تعیین کند.[۵۳۲]

۱۰۱۹ - به نظر دیوان، به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، بهترین نحوهٔ تشریح ارتباط قراردادهای مبنای معاملات مربوطه این است که قرارداد مازندران به نوعی به عنوان قرارداد مادر شناسایی شود، در حالی که قراردادهای میان استدلر هرتر (به عنوان خریدار)، ماشین‌سازی اراک (فروشنده) و کامباسچن انجینیرینگ (به عنوان تولیدکننده و فروشنده نهایی) توافقاتی اجرایی تلقی گردند که حقوق و تعهدات تمام اطراف در سلسله تحویل از تولیدکننده تا خریدار که وفق قرارداد مادر، متعهد به فروش و انتقال حق مالکیت به خریدار نهایی یعنی سازمان گسترش و نوسازی صنایع/صنایع چوب و کاغذ مازندران بوده را مقرر داشته‌اند.

۱۰۲۰ - اختلافی در این مورد وجود ندارد که کامباسچن انجینیرینگ تا مرداد/شهریور ۱۳۵۷ تمام مواد مربوط به دیگ بخار را به انبار اینترنشنال فروواردرز در چارلستون کارولینای جنوبی تحویل داده بود. انتقال ادعایی مالکیت از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر حدود آن زمان محقق شده است یعنی بنا بر اظهارات ایالات متحده زمانی که تمام مبلغ به ماشین‌سازی اراک پرداخت و اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل به استدلر هرتر منتقل شده است. بر این اساس، دیوان در اعمال قاعدهٔ محل وقوع مال، مقرر می‌دارد از آن‌جا که دیگ بخار از محل اصلی خود (یعنی اماکن تولیدکننده که کامباسچن انجینیرینگ باشد) جابه‌جا شده و در زمان مربوطه در کارولینای جنوبی واقع بوده است، حقوق ایالت کارولینای جنوبی بر انتقال حق مالکیت بر دیگ بخار حاکم می‌باشد.

---

[۵۳۲] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

**۱۰۲۱ -** دیگ بخار، وفق سفارش خرید مورخ ۲۷ مهر ۱۳۵۵ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۶] موضوع یک فقره قرارداد فروش بین استدلر هرتر و ماشین سازی اراک بوده است.[۵۳۳] نتیجتاً دیوان به بررسی حقوق ایالت کارولینای جنوبی به عنوان قانون محل وقوع مال که حاکم بر فروش کالاها می‌باشد از این جهت خواهد پرداخت که آیا حق مالکیت به عنوان نتیجه قرارداد فروش از ماشین سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شده است یا خیر.

**۱۰۲۲ -** قانون تجارت متحدالشکل، به نحوی که در تیتر ۳۶ مجموعه قوانین کارولینای جنوبی پذیرفته شده است، حاکم بر فروش کالاها می‌باشد. بخش ۴۰۱-۲-۳۶ مجموعه قوانین کارولینای جنوبی مشخصاً حاکم بر انتقال حق مالکیت کالاهای فروخته شده است و در بخش مربوطه مقرر می‌دارد:

> (۱) ... حق مالکیت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد.
>
> (۲) حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، علی‌رغم حفظ حق وثیقه و حتی در صورتی‌که سند مالکیت در زمان و محل دیگری باید تحویل داده شود؛ و به ویژه و علی‌رغم هر گونه حفظ حق وثیقه با بارنامه.[۵۳۴]

**۱۰۲۳ -** دیوان بر اساس ادله و مدارک تسلیمی و اظهارات ارائه‌شده توسط طرفین در این ادعا[۵۳۵] نتیجه می‌گیرد که طرفین قرارداد فروش یعنی ماشین‌سازی اراک و استدلر هرتر قصد داشته‌اند که حق مالکیت دیگ بخار زمانی از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شود که (۱) تمام مبلغ به ماشین‌سازی اراک پرداخت شده باشد و (۲) ماشین‌سازی اراک اصل رسیدهای کارگزار حمل و نقل را به استدلر هرتر تسلیم کند. بدین ترتیب، ماشین‌سازی اراک و استدلر هرتر وفق بخش ۴۰۱-۲-۳۶ مجموعه قوانین کارولینای جنوبی، در مورد «طریق» و «شرایطی» که

---

[۵۳۳] *بنگرید به* بند ۹۸۵، بالا.

[۵۳۴] مجموعه قوانین کارولینای جنوبی، تیتر ۳۶، بخش ۴۰۱-۲-۳۶.

[۵۳۵] *بنگرید به* بندهای ۱۰۰۴، ۱۰۰۹ و ۱۰۱۲، بالا. *همچنین بنگرید به* بند ۹۹۱ و پانوشت ۵۲۱، بالا.

مطابق آن، حق مالکیت دیگ بخار باید از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شود صراحتاً توافق کرده‌اند. به علاوه، اختلافی وجود ندارد که رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل صادره توسط اینترنشنال فروواردرز وفق بخش ۴۰۱-۲-۳۶ مجموعه قوانین کارولینای جنوبی، نمود «[اسناد] مالکیت» می‌باشد.[۵۳۶]

**۱۰۲۴ -** ایران در انکار این که حق مالکیت دیگ بخار از ماشین‌سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شده است تأکید می‌کند که ادله کافی در تأیید این‌که اقدامات لازم برای انتقال مالکیت به عمل آمد وجود ندارد. ایران مشخصاً بر این موضع است که هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد ماشین‌سازی اراک اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را به جای ارسال به استدلر هرتر، نگه نداشته یا به صنایع چوب و کاغذ مازندران ارسال نکرده باشد.

**۱۰۲۵ -** دیوان با این اظهارات موافق نیست. در مورد پرداخت کامل مبلغ به ماشین سازی اراک، آقای یودین در شهادت‌نامه خود شهادت داده است که پس از اتمام حمل دیگ بخار به کارگزار حمل و نقل توسط کامباسچن انجینیرینگ، «[صنایع چوب و کاغذ مازندران] طلب ماشین‌سازی اراک را از طرف [استدلر هرتر] بطور کامل پرداخت نمود».[۵۳۷] این اظهارات آقای یودین با نامه همان زمان مورخ ۲۳ آذر ۱۳۵۸ [۱۴ دسامبر ۱۹۷۹] رئیس کدزپ به مدیر تصفیه [کدزپ] و وکیل دارائی مبنی بر این‌که فروشنده دیگ بخار «تمام مبلغ را دریافت» کرده

---

[۵۳۶] بخش (۱۶) ۲۰۱-۲-۳۶ مجموعه قوانین کارولینای جنوبی در بخش مربوطه مقرر می‌دارد:

«سند مالکیت» یعنی مدرکی که (یک) در روند عادی داد و ستد یا تأمین مالی، کافی برای اثبات این‌که شخصی که متصرف یا کنترل کننده آن مدرک باشد، حق دریافت، کنترل، نگه‌داری و انتقال آن مدرک و کالای موضوع آن مدرک را دارد و (دو) علی‌الظاهر به منتقل‌الیه صادر یا خطاب می‌شود و مشتمل بر کالائی است که در تصرف منتقل‌الیه است خواه به عنوان کالای معین یا کلی در معین. این اصطلاح شامل بارنامه، مدرک حمل، قبض انبار اسکله، قبض انبار، برگهٔ حاوی دستور تحویل کالا، و نیز هر مدرک دیگری که در روند عادی داد و ستد یا تأمین مالی برای اثبات حق تحویل گرفتن، نگه‌داری، انتقال سند و کالای موضوع آن سند، را برای متصرف اثبات کند.

[۵۳۷] *بنگرید به* بند ۱۰۰۴، بالا.

است، تقویت می‌شود.[۵۳۸] ایران هیچ دلیلی مغایر این امر ارائه نکرده است. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که تمام مبلغ به ماشین سازی اراک پرداخت شده بود.

**۱۰۲۶** - دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل به استدلر هرتر تحویل داده شده بود یا خیر. به نظر دیوان، این موضوع که ماشین سازی اراک در تلکس اردیبهشت **۱۳۵۷** [مه **۱۹۷۸**] به استدلر هرتر اظهار کرده که آن مدارک باید به صنایع چوب و کاغذ مازندران «نهایتاً تسلیم می‌شد»،[۵۳۹] اثبات نمی‌کند که آن‌ها در واقع به صنایع چوب و کاغذ مازندران تسلیم شده یا این که ماشین‌سازی اراک چنان‌که ایران می‌گوید، آن‌ها را نگه داشته است.[۵۴۰] در مقابل، بر اساس شهادت‌نامه آقای یودین، کمی پس از آخرین حمل قطعات دیگ مذکور توسط کامباسچن انجینیرینگ در مرداد/شهریور **۱۳۵۷** [اوت **۱۹۷۸**]، ماشین‌سازی اراک اصل رسیدهای کارگزار حمل و نقل را به استدلر هرتر ارسال کرد.[۵۴۱] ایران هیچ ادله‌ای در مقابل ارائه نداده است. به علاوه، نکته مهم که دیوان را قانع می‌کند که مدارک یاد شده در سال **۱۳۵۷** [**۱۹۷۸**] در واقع به استدلر هرتر تحویل داده شده این است که امین دارایی کدزپ دیگ بخار را در هشتم تیر **۱۳۶۶** [**۲۹** ژوئن **۱۹۸۷**] در لاشین کبک در حراج به فروش رسانده است.[۵۴۲] امین تنها در صورتی می‌توانست چنین کند که استدلر هرتر مالکیت دیگ بخار را به واسطه دریافت اصل رسیدهای کارگزار حمل و نقل تحصیل کرده باشد. در واقع، این که کارگزار حمل و نقل، دیگ بخار را در وهله اول به امین داده و موجب تسهیل فروش آن شده

---

[۵۳۸] *بنگرید به* بند ۱۰۰۲، بالا.

[۵۳۹] *بنگرید به* بند **۹۹۵**، بالا.

[۵۴۰] *بنگرید به* بند ۱۰۰۹، بالا.

[۵۴۱] *بنگرید به* بند ۱۰۰۴، بالا.

[۵۴۲] *بنگرید به* بند ۱۰۰۷، بالا.

است به دیوان نشان می‌دهد که امین اصل رسیدهای انبار کارگزار حمل و نقل را به کارگزار حمل و نقل ارائه کرده بود.

**۱۰۲۷ -** بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که حق مالکیت دیگ بخار در اواسط ۱۳۵۷ [نیمه دوم ۱۹۷۸] از ماشین سازی اراک به استدلر هرتر منتقل شده است.

**۱۰۲۸ -** در خصوص رابطه قراردادی بین استدلر هرتر و صنایع چوب و کاغذ مازندران، اختلافی وجود ندارد که دیگ بخار هیچ‌گاه در ایران به صنایع چوب و کاغذ مازندران تحویل داده نشد. بدین ترتیب، شرایط انتقال حق مالکیت از استدلر هرتر به صنایع چوب و کاغذ مازندران هیچ‌گاه وفق ماده ۲۸ قرارداد مازندران[۵۴۳] محقق نشد و حق مالکیت استدلر هرتر برجای خود باقی ماند.

**۱۰۲۹ -** در ۱۹ دی ۱۳۵۸ [نهم ژانویه ۱۹۸۰] در دیرترین زمان، زمانی که مالکیت قانونی تمام اموال کدزپ صرف‌نظر از محل وقوع آن،[۵۴۴] به امین شرکت ورشکسته کدزپ داده شد، حق مالکیت دیگ بخار به امین انتقال یافته است. هیچ دلیلی بر انتقال حق مالکیت دیگری قبل از تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر وجود ندارد.

*استدلر هرتر به عنوان کارگزار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران/صنایع چوب و کاغذ مازندران عمل نکرده است*

**۱۰۳۰ -** همان‌طور که گفته شد، ایران استدلال می‌کند که استدلر هرتر در خرید دیگ بخار به عنوان کارگزار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران/صنایع چوب و کاغذ مازندران عمل کرده است. دیوان به دلایل زیر نتیجه

---

[۵۴۳] *بنگرید به* بند ۹۸۲، بالا.

[۵۴۴] *بنگرید به اینترنشنال سیستمز اند کنترلز کورپوریشن و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۴۳۹-۲۵۶، بندهای ۵۶ و ۷۹-۸۰ (چهارم مهر ۱۳۶۵ [۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۲۳۹، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۵۸-۲۵۹. *همچنین بنگرید به* بند ۱۰۰۱، بالا.

می‌گیرد که ادله و مدارک موجود مؤید استدلال ایران نیست. نخست، مقدمه قرارداد مازندران صراحتاً سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران/صنایع چوب و کاغذ مازندران را به عنوان خریدار، و استدلر هرتر را به عنوان فروشنده تجهیزات لازم برای پروژه مذکور شناسایی کرده است؛[۵۴۵] در این مقدمه علاوه بر این، آمده است که خریدار خواهان آنست که فروشنده «عرضه ماشین آلات و مواد مشخصی را بعهده [بگیرد]».[۵۴۶] این عبارات به هیچ رابطه کارگزاری اشاره نمی‌کند، بلکه نوعاً دال بر یک قرارداد فروش است.

**۱۰۳۱** - دوم، مکاتبات آن زمان امین و رئیس کدزپ نشان می‌دهد که استدلر هرتر در خرید تجهیزات وفق قرارداد مازندران در ایالات متحده و کانادا به عنوان خریدار عمل کرده است و نه به عنوان کارگزار صنایع چوب و کاغذ مازندران.[۵۴۷]

**۱۰۳۲** - سوم، وفق قرارداد مازندران قرار بر این بوده که دیگ بخار، قبل از قبولی صنایع چوب و کاغذ مازندران توسط استدلر هرتر در ایران راه‌اندازی شود و سپس، وفق ماده ۰-۱۵ قرارداد، در راستای تضمین عملکرد مناسب، از نظر کارکرد آزمایش شود تا اطمینان حاصل شود که درست کار می‌کند.[۵۴۸] پس از آن، چنانچه دیگ بخار با موفقیت شرایط صریح ضمانت عملکرد را پشت سر می‌گذاشت،[۵۴۹] و واجد عملکرد مطلوبی بود، یک مهندس گماشته‌شده از سوی صنایع چوب و کاغذ مازندران برای دیگ بخار «گواهی قبولی» صادر می‌کرد. در مقابل، اگر تضمین اجرای استدلر هرتر در مورد دیگ بخار محقق نشد، استدلر هرتر طبق تعهد قراردادی متعهد

---

[۵۴۵] *بنگرید به* بند ۹۸۰، بالا.

[۵۴۶] همانجا.

[۵۴۷] *بنگرید به* بند ۱۰۰۵، بالا.

[۵۴۸] *بنگرید به* بند ۹۸۲، بالا.

[۵۴۹] استدلر هرتر در قرارداد تضمین کرد که دیگ بخار «قادر است ۲۶۰ تن بخار در ساعت با فشار ۶۳ آتمسفر و درجه حرارت ۴۲۵ و قبول ۲۵٪ نوسان بار در دقیقه تولید نماید». ماده ذ-۱-۱۶ قرارداد.

می‌بود که اصلاحات لازم با هرگونه «تغییر یا تبدیل تجهیزات» را به هزینه خود به عمل آورَد.[550] به نظر دیوان، فرآیند قبولی مذکور با آزمایش کارکرد لازم تنها در صورتی می‌توانست معنا داشته باشد که استدلر هرتر به عنوان فروشنده عمل کرده باشد؛ چنانچه صنایع چوب و کاغذ مازندران دیگ بخار را از شخص ثالثی خریداری می‌کرد و استدلر هرتر صرفاً به عنوان کارگزار صنایع چوب و کاغذ مازندران عمل می‌کرد، این فرآیند غیرمعقول بود.

*مالکیت بر منافع ادعایی صنایع چوب و کاغذ مازندران و/یا ماشین‌سازی اراک*

**۱۰۳۳ -** به دلایلی که فوقاً در این حکم جزئی بیان شد،[551] استدلال ایران مبتنی بر مالکیت بر منافع رد می‌شود.

*نتیجه کلی دیوان*

**۱۰۳۴ -** دیوان بنا بر ادلهٔ ارائه‌شده و ملاحظات بالا نتیجه می‌گیرد که امین دارایی کدزپ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک دیگ بخار بوده است. نتیجتاً دیگ بخار مشمول «اموال ایران» وفق بند ۹ نمی‌باشد.

**۱۰۳۵ -** بدین ترتیب، دیوان ادعای ز-۱۲۸ را رد می‌کند.

(۱۹) ادعای ز-۳۱ (دانشگاه مازندران/والتر جِی جانسن اینک.)

*(الف) مقدمه*

**۱۰۳۶ -** خواستهٔ ایران در ادعای ز-۳۱ مبلغ ۶،۲۵۹/۵۳ دلار آمریکا و ۷،۸۳۳/۸۰ یورو به علاوه بهره، بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی نشریات علمی سفارشی دانشگاه مازندران («دانشگاه مازندران») از شرکتی آمریکایی به نام شرکت والتر جِی. جانسن («والتر جانسن») در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] می‌باشد.

---

[550] ماده ۸-۲-۱۵ قرارداد.

[551] *بنگرید به* بند ۱۳۳، بالا.

*(ب) پیشینه موضوعی*

**۱۰۳۷ -** دانشگاه مازندران (دانشگاه رضا شاه کبیرِ سابق) بین ماه‌های تیر و آذر ۱۳۵۷ [ژوئیه و نوامبر ۱۹۷۸] نشریات دوره‌ای در موضوعات مختلف («نشریات دوره‌ای») و دائرة المعارف شیمی هوبن ویل («دائرة المعارف») را به والتر جانسن سفارش داد. والتر جانسن بین دوم شهریور و ۲۴ آبان ۱۳۵۷ [۲۴ اوت و ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸] شش صورت‌حساب به دانشگاه مازندران ارسال کرد که پوشش‌دهنده سفارش‌های آن بابت نشریات دوره‌ای بود. در پرونده، هیچ صورت‌حسابی راجع به دائرة المعارف وجود ندارد.

**۱۰۳۸ -** از شش صورت‌حساب مذکور، در صورت‌حساب‌های شماره ۹۵۴۵۰، ۹۸۰۱۶ و ۹۸۲۷۴ مشخص شده بود که تحویل کالاها به شیوهٔ «اف. او. بی. مقصد» صورت می‌پذیرد.[۵۵۲] صورت‌حساب شماره ۹۳۹۳۲ حاوی شرط «سی اند اف تهران» بود.[۵۵۳] دو صورت‌حساب باقی مانده (به شماره ۹۷۲۲۵ و ۹۸۲۹۱) فاقد هرگونه شرط صریح شیوه حمل یا محل انجام تحویل است.

**۱۰۳۹ -** طرفین موافقت دارند که دانشگاه مازندران مبلغ ۷۵،۵۷۴/۲۲ دلار آمریکا به والتر جانسن بابت نشریات دوره‌ای و ۱۵،۳۲۱/۶۰ مارک آلمان بابت دائرة المعارف پرداخته است.

**۱۰۴۰ -** ایران در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] با دریافت‌نکردن هیچ یک از نشریات دوره‌ای و دائرةالمعارف مذکور توسط دانشگاه مازندران، ادعای ز-۳۱ را به پرونده‌های حاضر افزوده است و اقلام مربوطه را صرفاً تحت عنوان «کتاب‌ها» توصیف کرده است.

---

[۵۵۲] Free on Board (تحویل به کشتی).

[۵۵۳] Cost and Freight (هزینه و کرایه).

**۱۰۴۱ -** اگرچه تاریخ‌های دقیق روشن نیست، والتر جانسن ظاهراً تمام نشریات دوره‌ای را قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] به ایران فرستاده است. با این‌حال، محموله ظاهراً در مرز ایران رد شد و به ایالات متحده بازگشت داده شد. والتر جانسن در ۱۰ آبان ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] به دانشگاه مازندران اطلاع داد که محموله جایگزین از طریق لندن ارسال می‌شود و افزود که صورت‌حساب‌های همراه محموله جایگزین، صرفاً برای «گمرک و مقاصد بیمه‌ای و نه پرداخت دوباره [دانشگاه مازندران]». صورت‌حساب‌های ضمیمه مجموعاً به مبلغ ۶۲،۹۰۲/۵۶ دلار آمریکا بود.

**۱۰۴۲ -** والتر جانسن با نامه مورخ اول دی ۱۳۶۲ [۲۲ دسامبر ۱۹۸۳] به دانشگاه مازندران اطلاع داد که محموله‌ای حاوی ۲۵۶ کارتن را به کارگزار حمل و نقل خود در لندن فرستاده است. به علاوه، والتر جانسن خاطرنشان کرد که محموله مذکور از طریق کامیون، از لندن به دانشگاه مازندران ارسال می‌شود. والتر جانسن افزود که محموله‌های بیش‌تری خواهد آمد و افزود که آن شرکت در حال ارسال گزارشی کامل در خصوص اقلامی است که باید به دانشگاه مازندران ارسال شود. والتر جانسن در این نامه همچنین اشاره کرد که دانشگاه ایرانی دیگری به نام دانشگاه جندی شاپور مبلغ ۱۳۰،۰۰۰ دلار آمریکا به والتر جانسن بدهکار است.

**۱۰۴۳ -** والتر جانسن با نامه مورخ ۲۱ دی ۱۳۶۲ [۱۱ ژانویه ۱۹۸۴] به دانشگاه مازندران اطلاع داد که ۲۵۶ کارتن مذکور در لندن دریافت شده است و از طریق کامیون به ایران ارسال می‌شود. اندکی بعد، بخشی از نشریات دوره‌ای به ایران تحویل داده شد.

**۱۰۴۴ -** والتر جانسن در ۱۵ آبان ۱۳۶۴ [ششم نوامبر ۱۹۸۵] به وزارت امور خارجه ایالات متحده نامه‌ای نوشت و اطلاع داد که باقی نشریات دوره‌ای را برای ارسال به دانشگاه مازندران آماده کرده است و باید مازندران هزینه حمل را پرداخت کند چرا که مواد مذکور قبلاً به ایران حمل و بازگردانده شده است.

۱۰۴۵ - هیچ ادله دیگری وجود ندارد که حاکی از آن باشد که چه اتفاقی برای این محموله اضافی افتاده است. ایران اظهار می‌دارد که والتر جانسن نشریات دوره‌ای باقی‌مانده را تحویل نداده است. والتر جانسن سال‌ها بعد در نامه ارسالی خود به وزارت امور خارجه ایالات متحده و دادن اطلاعات مربوط به این ادعا، هیچ اشاره‌ای به نشریات دوره‌ای که پس از پرداخت هزینه‌های حمل توسط دانشگاه مازندران علی‌الإدعا در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] آماده حمل بوده است نمی‌کند.

*دائرة‌المعارف*

۱۰۴۶ - دانشگاه مازندران در ۲۳ آذر ۱۳۶۲ [۱۴ دسامبر ۱۹۸۳] از والتر جانسن استعلام کرد که چه زمانی می‌تواند در انتظار دریافت دائرة‌المعارف باشد. والتر جانسن در پاسخ به این نامه در ۲۱ دی ۱۳۶۲ [۱۱ ژانویه ۱۹۸۴] به دانشگاه مازندران اطلاع داد که قادر به یافتن دائرة‌المعارف نیست و خواستار جزئیات مربوط به آن شد تا بتواند آن را به ایران حمل کند.

۱۰۴۷ - والتر جانسن در ۲۶ بهمن ۱۳۶۲ [۱۵ فوریه ۱۹۸۴] به دانشگاه مازندران یادآوری کرد که همچنان در انتظار اطلاعات مربوط به دائرة‌المعارف می‌باشد.

۱۰۴۸ - والتر جانسن در نامه مورخ اوّل آبان ۱۳۶۸ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۹] به وزارت امور خارجه ایالات متحده تصدیق کرد که آن شرکت همچنان دائرة‌المعارف را به دانشگاه مازندران مدیون است، و این که دائرة‌المعارف مذکور هنوز به انتشارات آلمانی مربوطه سفارش داده نشده است. والتر جانسن توضیح داد که دانشگاه جندی شاپور حدود ۱۳۰،۰۰۰دلار آمریکا بابت کتاب‌های تحویلی که بهای آن‌ها پرداخت نشده بود به او بدهکار می‌باشد. والتر جانسن همچنین اظهار داشت که معتقد بوده که قبل از حمل هر چیز دیگری به ایران، دانشگاه جندی شاپور باید مبالغ را به او پرداخت کند و متذکر شد که هر دوی دانشگاه‌های مازندران و دانشگاه جندی

شاپور در تملک دولت بوده‌اند. علی‌رغم این، او اظهار داشت که والتر جانسن «در راستای به نتیجه رساندن این امر»، دائرة‌المعارف را سفارش خواهد داد و به ایران حمل خواهد کرد.

**۱۰۴۹** - شرکت والتر جانسن مدتی پس از مرگ آقای والتر جانسن در ۲۵ آذر ۱۳۷۵ [۱۵ دسامبر ۱۹۹۶] از فعالیت باز ایستاد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۰۵۰** - ایران مدعی است که نشریات دوره‌ای مذکور مشمول تعریف «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشد زیرا دانشگاه مازندران بهای خرید را تماماً پرداخت کرده بود. ایران استدلال می‌کند از آن‌جا که طبق اظهار والتر جانسن، نشریات دوره‌ای به ایران حمل شده اما در مرز بازگردانده شده و قصد تحویل مجدد داشته است، بدین معناست که حق مالکیت به محض نخستین تلاش برای حمل به ایران منتقل شده است.

**۱۰۵۱** - ایران استدلال می‌کند که وفق بخش ۵۰۲-۷ قانون تجارت متحدالشکل، بارنامه اثبات‌کنندهٔ حق مالکیت است. بنا بر اظهارات ایران، قاعدتاً باید فرض شود که بارنامه با حمل اصلی به دانشگاه مازندران تسلیم شده و ارائه آن برای بانک ایران به منظور انجام پرداخت به والتر جانسن وفق اعتبار اسنادی مذکور ضروری بوده است. بنابراین، وفق اظهارات ایران، پرداخت وفق اعتبار اسنادی که امری منوط به وجود فیزیکی بارنامه بود، موجد دلیلی علی‌الظاهری است که حق مالکیت به دانشگاه مازندران منتقل شده بوده است.

**۱۰۵۲** - ایران تصدیق می‌کند که دائرة‌المعارف هیچ‌گاه توسط والتر جانسن به ناشر آلمانی مربوطه سفارش داده نشده است و بنابراین، تمام آن‌چه در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در ایالات متحده وجود داشت، پیش‌پرداخت دانشگاه مازندران به والتر جانسن بابت آن اقلام بوده است. نتیجه این که ادعای ایران بابت

دائرة المعارف برای استرداد آن پیش‌پرداخت می‌باشد که موجد دینی بر عهدهٔ والتر جانسن در قبال دانشگاه مازندران است. ایران مدعی است که این دین مشمول محدودهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ است و بدین ترتیب، باید در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران منتقل می‌شد.[۵۵۴] بر این اساس، ایران مدعی است که ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را با قصور در فراهم آوردن ترتیبات استرداد پیش‌پرداخت نقض کرده است، و این که مبلغ آن پرداخت نمایانگر خسارات ایران است.

**۱۰۵۳** - ایران مدعی این نیز می‌باشد که حتی اگر پیش‌پرداخت‌ها مشمول محدوده بند ۹ نباشد، باز هم تحت شمول اصل کلی الف یا بند ۸ قرار می‌گیرد.

**۱۰۵۴** - ایران مضافاً استدلال می‌کند که بر اساس مکاتبات موجود در سوابق پرونده، روشن است که دانشگاه مازندران درباره سفارش نشریات دوره‌ای خود مستقیماً با والتر جانسن در تماس بوده است و والتر جانسن دقیقاً می‌دانسته است که اقلام مربوطه را چگونه و به کجا حمل کند. بدین ترتیب، به نظر ایران، بدون تردید، دانشگاه مازندران دستورالعمل‌ها را به متصرف اموال داده است.

**۱۰۵۵** - ایران مدعی است که گرچه ایالات متحده از عدم استرداد نشریات دوره‌ای و دائرة المعارف به ایران آگاه شده، اما آن دولت هیچ اقدامی در جهت اجبار والتر جانسن برای انتقال اقلامی که در اختیار داشته، به عمل نیاورده است. بنا بر اظهارات ایران، هیچ نشانه‌ای از پیگیری ایالات متحده در ارتباط با نشریات دوره‌ای وجود ندارد یا هیچ دلیلی مبنی بر پیگیری از سوی ایالات متحده در خصوص بررسی این امر موجود نیست که آیا والتر جانسن پیش‌پرداخت ۱۵،۰۰۰ مارک آلمان که بابت دائرة المعارف دریافت کرده بود را بازگردانده است یا خیر.

---

[۵۵۴] *بنگرید به* بندهای ۶۸-۷۳، بالا.

ایران همچنین بر این موضع است که ایالات متحده قاعدتاً نباید هیچ اقدامی در راستای انجام ترتیبات انتقال آن‌ها انجام داده باشد، زیرا این اقلام را مشمول محدوده بند ۹ نمی‌دانست.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۰۵۶ - ایالات متحده نخست استدلال می‌کند که ایران نتوانسته به درستی، مال عینی معینی جز دائرة المعارف را شناسایی کند که علی‌الإدعا در ایالات متحده باقی مانده است. نتیجتاً وفق نظر ایالات متحده، ایران خواهان بازپرداخت بخشی از مبلغ پرداختی به والتر جانسن است که تحت پوشش بند ۹ نمی‌باشد.

۱۰۵۷ - ایالات متحده راجع به دائرة‌المعارف بر این موضع است که ایران نتوانسته دلیلی مبنی بر این امر تسلیم کند که دائرة المعارف مذکور در هیچ زمانی در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار داشته است. ایالات متحده راجع به ادعای ایران بابت پیش‌پرداخت انجام شده برای دائرة المعارف استدلال می‌کند که ادعای مذکور فارغ از این که آیا ذیل بند ۹ قلمداد شود یا بند ۸ یا اصل کلی الف، باید رد شود زیرا ایران مالک پیش‌پرداخت مذکور نبود.

۱۰۵۸ - وفق اظهارات ایالات متحده، این دولت صرفاً متعهد بود که ترتیبات انتقال اموالی را فراهم کند که در مالکیت ایران بود. ایالات متحده در ادعای حاضر استدلال می‌کند که حق مالکیت نشریات دوره‌ای هیچ گاه به دانشگاه مازندران منتقل نشد. ایالات متحده در خصوص استدلال ایران مبتنی بر بخش ۵۰۲-۷ قانون تجارت متحدالشکل اظهار می‌دارد که هیچ ادله‌ای مبنی بر این که بارنامه در ایران دریافت شده بود ارائه نشده است. طبق اظهار ایالات متحده، خوانش جامع بخش‌های ۵۰۱-۷ و ۴۰۱-۲ قانون تجارت متحدالشکل نشان می‌دهد که وفق قانون تجارت متحدالشکل «مالکیت در زمان و مکان تحویل که در قرارداد مشخص شده است منتقل می‌شود حتی اگر مقرر شده باشد که سند مالکیت، جداگانه در زمان و مکان دیگری تحویل داده شود».

**۱۰۵۹ -** ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران نتوانسته نشان دهد که ایران پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، به منظور انتقال نشریات تحویل‌داده‌نشده به ایران به والتر جانسون رهنمودی داده باشد. به طور خاص، ایالات متحده مدعی است که ایران هیچ ادله‌ای ارائه نکرده است که نشان دهد که پس از آن که دانشگاه مازندران مجدد نشریات دوره‌ای را در سال ۱۳۶۲/۱۳۶۱ [۱۹۸۳] دریافت کرد، هیچ‌گاه به منظور حمل نشریات اضافی رهنمودی به والتر جانسون داده باشد یا اطلاع داده باشد که هزینه‌های حمل را می‌پردازد. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که ایران نتوانسته (یک) نشان دهد که این دولت نیاز به کمک ایالات متحده بابت حصول اطمینان از فراهم آوردن اقدامات بیش‌تر به منظور تضمین انتقال اقلام مورد اختلاف در ادعای ز-۱۳ به ایران را «اطلاع» داده است، و (دو) نشان دهد که ایالات متحده به نحو معقول چه اقدامات بیش‌تری می‌توانسته برای حصول اطمینان از انتقال این چنینی آن اقلام انجام دهد.

*(ت) تصمیم دیوان*

**۱۰۶۰ -** اختلافی وجود ندارد که دانشگاه مازندران مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

*ادعای عدم انتقال نشریات دوره‌ای*

**۱۰۶۱ -** مسئله آغازین در این بخش از ادعای ز-۳۱ این است که آیا نشریات دوره‌ای وفق بند ۹ در چارچوب «اموال ایران» قرار می‌گیرند یا خیر. از آن‌جا که طرفین بیانیه‌های الجزایر در مورد این که چه کسی مالک اموال مذکور است توافق ندارند، دیوان باید قانون محل وقوع مال که بر انتقال مالکیت آن اقلام حاکم است را تعیین کند.[۵۵۵]

---

[۵۵۵] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵-۱۶۴، بالا.

۱۰۶۲ - ادله موجود گویای این است که نشریات دوره‌ای قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] یا در حوالی آن تاریخ به ایران حمل شده است. با این حال، نشریات دوره‌ای علی‌الإدعا در مرز ایران رد شده و به ایالات متحده مرجوع شده، و در آن کشور در محلی متعلق به والتر جانسن در نیوجرسی باقی مانده است. بر این اساس، دیوان در اعمال قانون محل وقوع مال مقرر می‌دارد که حقوق ایالت نیوجرسی بر انتقال حق مالکیت آن اقلام حاکم می‌باشد. نشریات دوره‌ای موضوع یک قرارداد فروش میان والتر جانسون و دانشگاه مازندران بودند. نتیجتاً، دیوان به قانون ایالت نیوجرسی حاکم بر فروش کالا رجوع می‌کند، که به عنوان قانون محل وقوع مال، حاکم بر این مسئله است که آیا حق مالکیت به موجب قرارداد فروش از والتر جانسون به دانشگاه مازندران منتقل شده است یا خیر.

۱۰۶۳ - قانون تجارت متحدالشکل به نحوی که در بخش ۱۲الف قوانین ناظر بر معاملات بازرگانی نیوجرسی پذیرفته شده است، بر فروش کالاها در ایالت نیوجرسی حاکم است. بخش ۴۰۱-۲ قوانین نیوجرسی به طور مشخص حاکم بر انتقال حق مالکیت کالاهای فروخته شده می‌باشد و در بخش مربوطه مقرر می‌دارد:

> (۱) ... حق مالکیت نسبت به کالا به هر شیوه و شرایط مصرحی که طرفین بر آن توافق کرده باشند از فروشنده به خریدار انتقال می‌یابد.
>
> (۲) حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت، علی‌رغم محفوظ بودن حق وثیقه و اگر چه قرار باشد سند مالکیت در زمان و محل دیگری تحویل داده شود؛ و به ویژه و علی‌رغم هرگونه حفظ حق وثیقه با بارنامه.[۵۵۶]

۱۰۶۴ - دیوان هیچ دلیلی نمی‌یابد که نشان دهد که هیچ یک از دانشگاه مازندران یا والتر جانسن صراحتاً موافقت کرده باشد که حق مالکیت اقلام خریداری‌شده در زمانی به جز تحویل فیزیکی کالا در تهران منتقل شود.

---

[556] N.J. REV. STAT. §12A:2-401.

چنان‌که متقن است،[557] اینکوترمز مانند موارد یافت‌شده در صورت‌حساب‌های صادره توسط والتر جانسن برای دانشگاه مازندان، بر انتقال حق مالکیت حاکم نیست.

**۱۰۶۵** - همان‌طور که ذکر شد، ایران استدلال می‌کند که حق مالکیت نشریات دوره‌ای زمانی به دانشگاه مازندران منتقل شده است که بارنامهٔ مربوط به نخستین حمل علی‌الإدعا به دانشگاه مازندران تسلیم شد.[558] دیوان حکم می‌کند که سابقه پرونده حاوی هیچ‌گونه ادله‌ای در مورد بارنامهٔ نخستین حمل ادعایی یا شرایطی نمی‌باشد که مطابق آن، به بانک دستور داده شده باشد که پرداخت بابت خرید نشریات دوره‌ای را انجام دهد. بدین ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد، از آن‌جا که تحویل نشریات دوره‌ای به دانشگاه مازندران هیچ‌گاه اتفاق نیفتاد، مالکیت آن برای والتر جانسن محفوظ باقی ماند. وفق قانون محل وقوع مال، مالکیت آن اقلام هیچ گاه به دانشگاه مازندران منتقل نشد. بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که نشریات دوره‌ای مشمول عبارت «اموال ایران» ذیل بند ۹ نمی‌باشد.

*ادعای پیش‌پرداخت بابت دائرةالمعارف*

**۱۰۶۶** - همان‌طور که فوقاً ذکر شد، دیوان در حکم شماره ۵۲۹ حکم کرده است که محدوده عبارت «اموال ایران» ذیل بند ۹ صرفاً محدود به «اموال عینی» است که می‌توانسته «انحصاراً تملک» شود.[559] به وضوح، دین در قبال ایران یک فقرهٔ عینی از مال تلقی نمی‌شود بلکه در بهترین حالت، نفعی در مال است. بدین ترتیب، این امر مطابق بند ۹ مشمول «اموال ایران» نمی‌باشد. نتیجه این که دیوان ادعای مبتنی بر بند ۹ ایران بابت استرداد پیش‌پرداختی که دانشگاه مازندران بابت دائرة المعارف پرداخته بود را رد می‌کند.

---

[557] JAN RAMBERG, *ICC Guide to Incoterms 2010, Understanding and Practical Use*, ICC Publication No. 720E, 17-20 (2011).

[558] *بنگرید به* بند ۱۰۵۱، بالا.

[559] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا.

۱۰۶۷ - به دلایل ذکرشده در بالا در این حکم جزئی، دیوان ادعای جایگزین ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت وفق بند ۸ و اصل کلی الف را نیز رد می‌کند.[۵۶۰]

*نتیجه‌گیری کلی دیوان در ادعای ز-۳۱*

۱۰۶۸ - بنا بر مراتب فوق، دیوان ادعای ز-۳۱ را به کلی رد می‌کند.

(۲۰) ادعای ز-۳۲ (موزه ایران باستان/ مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو)

*(الف) مقدمه*

۱۰۶۹ - ایران در ادعای ز-۳۲ در ابتدا خواهان استرداد برخی آثاری باستانی از خاک درآمده در منطقه چغامیش («آثار چغامیش») است که موزه ایران باستان («موزه باستان») آن‌ها را به مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو («مؤسسه شرق‌شناسی») عاریه داده بود. ایران به نحو جایگزین، خواهان جبران خسارت ارزش آثار چغامیش چنان که کارشناس منصوب دیوان تعیین کند، بود. ایران همچنین خواهان جبران خسارات وارده از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا آبان/آذر ۱۳۹۳ [نوامبر ۲۰۱۴] بابت خسارات ناشی از محرومیت از استفاده از آثار چغامیش در اثر نقض ادعایی بند ۹ ایالات متحده با قصور در فراهم آوردن ترتیبات برای انتقال آن‌ها به ایران نیز شد.[۵۶۱] ایران مضافاً خواهان جبران خسارت هزینه‌های حقوقی وارده تا مهر/آبان ۱۳۹۳ [اکتبر ۲۰۱۴] بابت اَعمال

---

[۵۶۰] بنگرید به بندهای ۲۲۳-۲۳۲ و ۲۴۷، بالا.

[۵۶۱] مطابق اظهارات ایران، آن دولت از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا آبان/آذر ۱۳۹۳ [نوامبر ۲۰۱۴] متحمل ۱،۶۰۸،۵۷۱ دلار آمریکا خسارات ناشی از محرومیت از استفاده شد. ایران حق ادعا بر خسارات اضافی بابت محرومیت از استفاده بعد از آبان/آذر ۱۳۹۳ [نوامبر ۲۰۱۴] را برای خود محفوظ داشت.

صورت‌گرفته در دفاع از آثار چغامیش در قبال توقیف قضائی محاکم ایالات متحده[۵۶۲] به سبب نقض ادعایی ایالات متحده شد.[۵۶۳]

۱۰۷۰ - دانشگاه شیکاگو در دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] اقلام مربوطه در ادعای ز-۳۲ را به ایران بازگرداند. بنابراین، باقی ادعای ایران بابت (یک) خسارات به مبلغ ۱،۶۰۸،۵۷۱ دلار آمریکا ناشی از عدم استرداد اقلام مذکور بین ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و اردیبهشت ۱۳۹۴ [آوریل ۲۰۱۵]؛ و (دو) هزینه‌های حقوقی متحمله ایران در رسیدگی‌ها نزد محاکم ایالات متحده می‌باشد.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۱۰۷۱ - ایران در ادعای ز-۳۲ ادعا می‌کند که ایالات متحده ترتیبات انتقال آثار چغامیش که در اختیار مؤسسه شرق‌شناسی بوده را به ایران فراهم نکرده است. ایران استدلال می‌کند که اقلام مذکور متعلق به موزه باستان بوده است که از طریق سازمان میراث فرهنگی در مالکیت و کنترل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران قرار دارد.

*(یک) حفاری مشترک و عاریه دادن آثار چغامیش*

۱۰۷۲ - در حفاری مشترک ایران-ایالات متحده بین سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۲ [۱۹۶۲ و ۱۹۶۳] تعدادی اثر باستانی در چغامیش خوزستان ایران کشف شد. رهبری حفاری مذکور را پروفسور پینهاس، پی‌یر دِلوگاز و هِلِن کانتِر از مؤسسه شرق‌شناسی بر عهده داشتند. پروفسور دلوگاز در ۲۴ تیر ۱۳۴۲ [۱۵ ژوئیه ۱۹۶۳] تقاضای عاریه گرفتن اقلام مذکور جهت بررسی‌های علمی را نمود. مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۷ تیر ۱۳۴۲ [۱۸ ژوئیه ۱۹۶۳] به

---

[۵۶۲] *بنگرید به زیر.*

[۵۶۳] مطابق اظهارات ایران، آن دولت تا مهر/آبان ۱۳۹۳ [اکتبر ۲۰۱۴] جمع مبلغ ۷۶۵،۹۲۴/۲۲ دلار آمریکا بابت حق الزحمه و هزینه‌های حقوقی متحمل شد. ایران حق ادّعا بر خسارات بابت حق الزحمه‌های حقوقی و هزینه‌های اضافی متحمل شده بعد از مهر/آبان ۱۳۹۳ [اکتبر ۲۰۱۴] را برای خود محفوظ داشت.

موزه باستان نامه نوشت و درخواست کرد که اقلام مذکور بر مبنای عاریه به مدت حداکثر سه سال به مؤسسه مذکور برده شوند.

۱۰۷۳ - مؤسسه شرق‌شناسی در ۱۳ مرداد ۱۳۴۲ [چهارم اوت ۱۹۶۳] مجدداً به موزه باستان نامه نوشت و در خصوص حمل اقلام مذکور به عنوان عاریه، استعلام کرد و همچنین وضعیت درخواست بابت چند شیء دیگر از چغامیش را جویا شد.

۱۰۷۴ - درخواست مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۲ دی ۱۳۴۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۶۴] در شورای وزیران ایران مطرح شد که در جلسه خود در ۱۴ بهمن ۱۳۴۲ [سوم فوریه ۱۹۶۴] عاریه مذکور را تأیید کرد. وزارت فرهنگ و هنر ایران، سلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کنونی («وزارت‌خانه») در ۱۵ اسفند ۱۳۴۲ [پنجم مارس ۱۹۶۴] عاریهٔ ۲۶۴ اثر را به مدت سه سال تأیید کرد. تأیید عاریهٔ مذکور در ۱۲ فروردین ۱۳۴۳ [اول آوریل ۱۹۶۴] توسط سفیر ایران در واشینگتن دی.سی به پروفسور دلوگاز ابلاغ شد. پروفسور دلوگاز در ۲۸ فروردین ۱۳۴۳ [۱۷ آوریل ۱۹۶۴] نامه‌ای به رئیس موزه باستان در خصوص جزئیات سازماندهی حمل اقلام عاریه نوشت.

۱۰۷۵ - مؤسسه شرق‌شناسی در ۱۰ اسفند ۱۳۴۳ [اول مارس ۱۹۶۵] تلگرامی به وابسته فرهنگی آمریکا در سفارت ایالات متحده در تهران فرستاد و تضمین سفارت بابت عاریهٔ مذکور را درخواست کرد. روز بعد یعنی ۱۱ اسفند ۱۳۴۳ [دوم مارس ۱۹۶۵] دبیر اول سفارت ایران در واشینگتن دی.سی. نامه‌ای به پروفسور دلوگاز نوشت و اطلاع داد که گواهی ضمانت از سفارت ایالات متحده در تهران برای آزادسازی اشیاء عاریه‌ای لازم است. تأیید این که این ضمانت‌نامه ارسال شده است در ۱۷ اسفند ۱۳۴۳ [هشتم مارس ۱۹۶۵] طی تلگرامی توسط وزارت خارجه به مؤسسه شرق‌شناسی داده شد.

۱۰۷۶ - نامه‌های زیادی بین ۲۰ اسفند ۱۳۴۳ [۱۱ مارس ۱۹۶۵] و ۱۵ مرداد ۱۳۴۴ [ششم اوت ۱۹۶۵] توسط مؤسسه شرق‌شناسی به مؤسسات گوناگونی در ایران و ایالات متحده در خصوص فراهم آوردن ترتیبات عاریهٔ آثار چغامیش ارسال شد.

۱۰۷۷ - آثار چغامیش مطابق صورت‌جلسه شماره ۱۴ مورخ چهارم خرداد ۱۳۴۵ [۲۵ مه ۱۹۶۶] در آن روز به نماینده پروفسور دلوگاز تحویل داده شد.

۱۰۷۸ - پروفسور دلوگاز در ۱۳ بهمن ۱۳۴۵ [دوم فوریه ۱۹۶۷] نامه‌ای به موزه باستان نوشت و به مدیر موزه اطلاع داد که اقلام مربوط به آخرین و دومین فصل حفاری در چغامیش «تماماً سالم رسیده» است، اما هیچ‌یک از اقلام عاریه‌ای از سومین فصل حفاری هنوز به مؤسسه شرق‌شناسی واصل نشده است.

*(دو) استرداد بخشی از آثار چغامیش*

۱۰۷۹ - مؤسسه شرق‌شناسی در سال ۱۳۴۹ [۱۹۷۰] آن‌چه را که معتقد بود تمام مجموعه آثار چغامیش است به ایران مسترد کرد. تنها در سال ۱۳۵۳/۱۳۵۴ [۱۹۷۵] پس از فوت پروفسور دلوگاز بود که محموله مذکور از گمرک ایران آزاد شد.

*(سه) مکاتبات در خصوص عدم استرداد ادعایی آثار چغامیش و ثبت ادعای ز-۳۲*

۱۰۸۰ - مؤسسه شرق‌شناسی در نهم بهمن ۱۳۵۲ [۲۹ ژانویه ۱۹۷۴] به نامه وزارت فرهنگ و هنر ایران مورخ دوم بهمن ۱۳۵۲ [۲۲ ژانویه ۱۹۷۴] پاسخ داد و اظهار تعجب کرد که ایران خواهان اشیاء عاریه‌ای بوده و اظهار داشت که محموله در پاییز ۱۳۴۹ [۱۹۷۰] به ایران حمل شده است.

۱۰۸۱ - ایران در آذر/دی ۱۳۶۱ [دسامبر ۱۹۸۲] نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و بیان داشت که محموله مذکور ناقص بوده و این که ۴۹ قلم مسترد نشده است. مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۷ بهمن ۱۳۶۱ [۱۶ فوریه ۱۹۸۳]

در پاسخ اظهار داشت که تمام اقلام در سال ۱۳۴۹ [۱۹۷۰] به ایران حمل شده است. مؤسسه همچنین یادآور شد که اقلام ممکن است همچنان در توقیف گمرک ایران باشد، اما اعلام داشت که مؤسسه اماکن خود را برای یافتن اقلامی که علی‌الإدعا مسترد نشده مجدداً وارسی می‌کند.

۱۰۸۲ - ایران در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] ادعای ز-۳۲ را به دیوان تسلیم و تأکید کرد که مؤسسه شرق‌شناسی تعدادی از تکه‌های سفالی و نمونه‌ها را نگه داشته است. ایران در دی ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] استدلال کرد که آن دولت بیست سال است که خواهان استرداد آن اقلام می‌باشد.

۱۰۸۳ - مؤسسه شرق‌شناسی در نهم فروردین ۱۳۶۳ [۲۹ مارس ۱۹۸۴] در پاسخ به نامه ایران اظهار داشت که هیچ قلمی پس از حمل انجام‌شده در سال ۱۳۴۸/۱۳۴۹ [۱۹۷۰] در مؤسسه مذکور باقی نمانده است. با این حال، مؤسسه خاطرنشان کرد که همچنان در حال وارسی در مجموعه خود است تا ببیند هیچ قلمی سهواً جا نمانده باشد. سازمان میراث فرهنگی ایران در پاسخ به مؤسسه مذکور در نامه‌ای بدون تاریخ نوشت که دولت ایالات متحده در مقابل دیوان ادعا کرده است که اشیاء مذکور همچنان در مؤسسه شرق‌شناسی است. بدین ترتیب، ایران خواهان استرداد آن اشیاء شد.

۱۰۸۴ - ایالات متحده در ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] به دیوان اعلام کرد که تلقی آن دولت این است که اقلام مربوطه «مشمول بند ۹» نمی‌باشد چراکه قبل از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] به ایران حمل شده است. ایران در همان تاریخ متذکر شد که بخشی از آثار چغامیش مسترد شده، اما برخی اقلامِ مستردناشده همچنان در ایالات متحده می‌باشد.

۱۰۸۵ - ایران در آذر/دی ۱۳۸۳ [دسامبر ۱۹۸۴] تصدیق کرد که برخی از اقلام مسترد شده است، اما ادعا کرد که برخی «فسیل‌ها و آثار» همچنان مستردناشده باقی مانده است. ایران در تیر/مرداد ۱۳۶۴ [ژوئیه ۱۹۸۵] سه فهرست از ۵۷ قلم که مدعی بود شامل ۴۹ قلم گم‌شده است را ارائه کرد.

۱۰۸۶ - ایالات متحده سه فهرست مذکور را به مؤسسه شرق‌شناسی ارسال نمود. آن مؤسسه تا ۱۸ مهر ۱۳۶۴ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] به وارسی اماکن خود پرداخت و ۳۰ قلم که گمان می‌کرد ممکن است شامل ۴۹ قلم گم‌شده باشد را یافت. مؤسسه پیش‌نهاد کرد به محض تأیید هویت اقلام مذکور آن‌ها را به ایران مسترد کند. ایالات متحده در هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] اظهارات خود خطاب به دیوان دال بر این‌که اقلام این ادعا «مشمول بند ۹ نبوده»اند را تکرار کرد، زیرا مؤسسهٔ شرق‌شناسی معتقد بود آثار چغامیش در سال ۱۳۴۸/۱۳۴۹ [۱۹۷۰] به ایران مسترد شده بوده است.

۱۰۸۷ - ایالات متحده در ۱۰ تیر ۱۳۶۹ [اول ژوئیه ۱۹۹۰] به ایران اطلاع داد که مؤسسه شرق‌شناسی ۳۰ قلم را شناسایی کرده است و این که در انتظار دستورالعمل ایران است.

۱۰۸۸ - سازمان میراث فرهنگی ایران در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۰ [۱۵ مه ۱۹۹۱] نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و خواهان استرداد اقلام مستردناشده شد.

۱۰۸۹ - مؤسسه شرق‌شناسی در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲] به ریاست سازمان میراث فرهنگی ایران پاسخ داد و اعلام کرد که در صورت موافقت ایران، مایل است اقلام مذکور به صورت دستی به ایران حمل شود.

۱۰۹۰ - مدیر موزه ملی ایران در ۲۵ دی ۱۳۷۵ [۱۴ ژانویه ۱۹۹۷] به مؤسسه شرق‌شناسی پاسخ داد و فهرستی کامل از اقلام عاریه‌ای را پیوست نمود و خواهان اعلام روش حقوقی لازم بابت استرداد اقلام مذکور شد. سازمان میراث فرهنگی ایران در پنجم مرداد ۱۳۷۶ [۲۷ ژوئیه ۱۹۹۷] نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناشی نوشت و به نامهٔ ۱۳ تیر ۱۳۷۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۹۷] از مؤسسهٔ شرق‌شناسی ارجاع داد که در آن، مؤسسه مذکور، مطابق سازمان میراث فرهنگی ایران، تصدیق کرد که پنجاه قلم یافت شده، و آمادهٔ حمل بوده است. سازمان میراث فرهنگی ایران سپس ابراز امیدواری کرد که مؤسسهٔ مذکور به زودی دستورات لازم حمل برای انتقال به موزهٔ ملی ایران را بدهد، و اطلاعات بیش‌تری در خصوص اشیاء باقی‌مانده ارائه نمود.

*(چهار) اقدامات در همکاری با وزارت امور خارجه ایالات متحده*

**۱۰۹۱ -** وزارت امور خارجه ایالات متحده در ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰] نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و در خصوص آثار چغامیش که در اختیار مؤسسه شرق‌شناسی بوده و ممکن بود همچنان باشد استعلام کرد. مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۲ شهریور ۱۳۷۹ [۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰] تلکسی به وزارت امور خارجه ایالات متحده ارسال و اعلام نمود که درخواست مورخ ۱۵ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰] را برای مدیر مؤسسه شرق‌شناسی، آقای جین گرگ، ارسال کرده است.

**۱۰۹۲ -** ایالات متحده در ۲۲ اسفند ۱۳۷۹ [۱۲ مارس ۲۰۰۱] نامه‌ای به ایران نوشت و اطلاع داد که مؤسسه شرق‌شناسی تمایل دارد که با ایران ترتیباتی برای استرداد اقلام مذکور به ایران را فراهم آورَد. ایران در ۲۶ خرداد ۱۳۸۰ [۱۶ ژوئن ۲۰۰۱] در پاسخ به نامه مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۷۹ [۱۲ مارس ۲۰۰۱] ایالات متحده نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و تمایل خود بر استرداد اقلام مذکور و همکاری کامل بابت حصول اطمینان از استرداد آن‌ها را ابراز نمود.

**۱۰۹۳ -** مدیر مؤسسه شرق‌شناسی در ۱۷ خرداد ۱۳۸۰ [هفتم ژوئن ۲۰۰۱] ایمیلی به وزارت امور خارجه ایالات متحده ارسال و اظهار داشت که مؤسسه شرق‌شناسی ۱۰۹ شیء نام‌برده در ادعای ز-۳۲ را پیدا و آماده انتقال آن‌ها می‌باشد.

**۱۰۹۴ -** ایالات متحده در ۲۰ تیر ۱۳۸۰ [۱۱ ژوئیه ۲۰۰۱] به ایران اطلاع داد که مؤسسه شرق‌شناسی اخیراً به آن دولت اطلاع داده است که آن مؤسسه باقی اقلام مذکور در فهرست ایران را جایابی کرده، و افزود که ایالات متحده منتظر دستورالعمل‌های ایران برای استرداد آن‌ها می‌باشد.

۱۰۹۵ - نماینده رابط ایالات متحده در ۱۸ مرداد ۱۳۸۰ [نهم اوت ۲۰۰۱] نامه‌ای به ایران نوشت و پیش‌نهاد داد که اقلام مذکور برای وارسی ایران به لاهه آورده شود تا در صورت تأیید هویت اقلام مربوطه در ادعای ز-۳۲ مسترد شود. مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۴ مرداد ۱۳۸۰ [۱۵ اوت ۲۰۰۱] نامه‌ای به ایران نوشت و اعلام کرد که اقلام مذکور آماده انتقال و استرداد است، و باید مورد بازرسی یکی از مأموران وزارت امور خارجه ایالات متحده و یک کارشناس باستان‌شناسی از دانشگاه دیگری قرار گیرد. ایران پیش‌نهاد بازرسی و در صورت درست بودن تحویل گرفتن اقلام مذکور در لاهه در ۱۴ شهریور ۱۳۸۰ [پنجم سپتامبر ۲۰۰۱] را پذیرفت. وزارت امور خارجه ایالات متحده در ۱۴ شهریور ۱۳۸۰ [پنجم سپتامبر ۲۰۰۱] ایمیلی به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و اظهار داشت که ایران با استرداد اقلام مذکور در لاهه موافقت کرده است.

۱۰۹۶ - وزارت امور خارجه ایالات متحده در دوم فروردین ۱۳۸۱ [۲۲ مارس ۲۰۰۲] ایمیلی به مؤسسه شرق‌شناسی ارسال کرد و جویای وضعیت بسته‌بندی اقلام مربوطه شد. مؤسسه شرق‌شناسی در همان روز به آن پاسخ داد و تأیید کرد که مدارک مربوطه در دست تهیه می‌باشد و در خصوص چگونگی تسلیم اقلام مذکور پرس و جو کرد. وزارت امور خارجه ایالات متحده در هفتم فروردین ۱۳۸۱ [۲۷ مارس ۲۰۰۲] پاسخ داد که حمل دستی اقلام مذکور کفایت می‌کند و این که مهم است که مأموری از سوی مؤسسه شرق‌شناسی زمانی که ایران در حال بررسی اقلام مذکور است، حضور داشته باشد.

۱۰۹۷ - مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۱ [۱۷ مه ۲۰۰۲] ایمیلی به وزارت امور خارجه ایالات متحده نوشت و اعلام کرد که آقای گرگ مایل است نماینده مؤسسه مذکور باشد و به منظور استرداد اقلام مذکور در لاهه در دسترس باشد. مؤسسه شرق‌شناسی به جهت مشکلات حمل اشیاء موزه توسط هواپیما برای انتقال اقلام مذکور، استفاده از بسته دیپلماتیک را پیش‌نهاد داد.

۱۰۹۸ - وزارت امور خارجه در ۲۱ تیر ۱۳۸۱ [۱۲ ژوئیه ۲۰۰۲] ایمیلی به مؤسسه شرق‌شناسی ارسال کرد و کپی نامه ارسالی به ایران مربوط به اشیائی که باید مسترد می‌شد را پیوست نمود.

۱۰۹۹ - مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲] در پاسخ به ایمیل همان روز وزارت امور خارجه ایالات متحده نوشت که با توجه به نصب مدیر جدید، حمل اقلام مربوطه به تأخیر افتاده است.

۱۱۰۰ - مسترپیس اینترنشنال، شرکت حمل و نقل آثار هنری ظریف و دلال سفارشی در ۲۸ آبان ۱۳۸۱ [۱۹ نوامبر ۲۰۰۳] فکسی داخلی به شعبه ایلینویِ خود ارسال و اعلام کرد که تحریم‌های منع کنندهٔ هرگونه معامله مرتبط با کالاهای ایران وجود دارد و مؤسسه مذکور به دنبال اخذ پروانهٔ صادرات مستقیم به ایران بود.

*(پنج) دادرسی روبین*

۱۱۰۱ - پروندهٔ *جنی روبین و دیگران علیه فیلد میوزیوم اف نچرال هیستری، دانشگاه شیکاگو، مؤسسه شرق‌شناسی و ایران* («دادرسی *روبین*») در هشتم دی ۱۳۸۲ [۲۹ دسامبر ۲۰۰۳] در مقابل دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده برای ناحیه ایلینوی به جریان افتاد. خواهان‌ها از جمله، قصد داشتند در راستای کمک به اجرای حکم غیابی دادگاه ایالات متحده علیه ایران، از جمله آثار چغامیش را که در تصرف مؤسسهٔ شرق‌شناسی قرار داشت توقیف کنند.

۱۱۰۲ - در این ضمن، مسترپیس اینترنشنال در ۲۹ اسفند ۱۳۸۲ [۱۹ مارس ۲۰۰۴] نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و خاطرنشان شد که مسترپیس می‌تواند کمک برای تحویل گرفتن، مساعدت پیکی، و مساعدت در اعلامیه صادرات را برای اقلام مربوطه در ادعای ز-۳۲ ارائه دهد.

۱۱۰۳ - مؤسسه شرق‌شناسی در خرداد/تیر ۱۳۸۳ [ژوئن ۲۰۰۴] با پشتیبانی اظهاریه ذی‌نفعی ایالات متحده، در پاسخ به دادگاه اعلام کرد که آثار چغامیش در قبال اجرای حکم دارای مصونیت است. مدیر مؤسسه

شرق‌شناسی در ۲۷ خرداد ۱۳۸۳ [۱۶ ژوئن ۲۰۰۴] به ثبت یک سوگندنامه پرداخت. او در آن سوگندنامه وضعیت آثار چغامیش را توصیف و اعلام نمود که مؤسسه شرق‌شناسی از این مسئله آگاه است که مواد مذکور، موضوع ادعایی در این دیوان و موضوع تعهد ایالات متحده مبنی بر استرداد آن به ایران می‌باشد که وزارت امور خارجه ایالات متحده باید ترتیب آن را بدهد. او همچنین اظهار داشت که مؤسسه شرق‌شناسی تا زمانی که دستورالعمل‌های دیگری از وزارت امور خارجه ایالات متحده دریافت کند اقلام را نگه‌داری می‌کند.

۱۱۰۴ - ایالات متحده در ششم مرداد ۱۳۸۳ [۲۷ ژوئیه ۲۰۰۴] تأیید کرد که اطلاعات انتقال آثار چغامیش در حال بررسی بوده، و این که توقیف مذکور باید رفع گردد و آثار مذکور از اجرای حکم معاف باشد. با این حال، خواهان‌ها در مرداد/شهریور ۱۳۸۴ [اوت ۲۰۰۵] درخواست صدور حکم اختصاری جزئی را ثبت کردند. دادگاه ناحیه‌ای حکم داد که فقط ایران می‌تواند وفق قانون مصونیت دولت‌های خارجی مدعی مصونیت خود باشد و بدین ترتیب، اگر ایران در این پرونده حضور نیابد و مصونیت خود را ادعا نکند، این امر اعراض از حق دفاع محسوب خواهد شد.

۱۱۰۵ - نتیجتاً ایران در ۱۹ تیر ۱۳۸۵ [دهم ژوئیه ۲۰۰۶] در دادگاه ناحیه‌ای حاضر شد. ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۸۵ [۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶] اعلام کرد که آثار چغامیش از اجرای حکم، مصونیت دارد. در این میان، خواهان‌ها درخواست‌های تأمین دلیل و ارائه اقرارنامه علیه ایران را ابلاغ و طی آن در خصوص آثار مذکور، به انضمام هرگونه اموال عینی و غیرعینی ایران و اموال غیرتجاری متعلق به ایران واقع در هر جای ایالات متحده، افشای ادله و مدارک را تسلیم نمودند. اخطاریه مذکور همچنین خواهان این بود که ایران داوطلب اقرار معرفی کند. ایران به این امر اعتراض کرد. در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۸۵ [چهارم دسامبر ۲۰۰۶] در پیش‌گاه دادگاه ناحیه‌ای، خواندگان درج شده در شکوائیه شامل مؤسسه شرق‌شناسی، لایحهٔ خود در حمایت از درخواست ایران مبنی بر اعلام

مصونیت اموال مذکور را ثبت نمودند. دادگاه ناحیه‌ای به نفع خواهان‌ها حکم داد و ایران را ملزم کرد که مدارک و یک شاهد در خصوص کلیهٔ اموال خود که در هر جای ایالات متحده قرار داشته، ارائه کند.

۱۱۰۶ - متعاقباً ایران در دادگاه پژوهش حوزه هفتم ایالات متحده از تصمیم دادگاه ناحیه‌ای که اجازه تأمین دلیل داده بود پژوهش‌خواهی کرد. دانشگاه شیکاگو در مرحلهٔ پژوهش ورود کرد و ایالات متحده به عنوان یاور دادگاه (*amicus*) در حمایت از موضع ایران حاضر شد. دادگاه پژوهش تصمیم دادگاه ناحیه‌ای را نقض کرد و حکم داد که دستور دادگاه ناحیه‌ای مبنی بر مشارکت ایران در دادرسی برای طرح مصونیت دولت خارجی و تأیید پذیرش افشا و ابراز ادلهٔ کلی در خصوص اموال، علیه دولتی خارجی مخدوش است و با قانون مصونیت دولت‌های خارجی سازگار نیست.

۱۱۰۷ - سپس خواهان‌ها درخواست قبول پرونده را نزد دیوان عالی ایالات متحده به ثبت رساندند. ایالات متحده لایحه‌ای به عنوان یاور دادگاه در حمایت از تصمیم دادگاه پژوهش ثبت کرد. دیوان عالی در پنجم تیر ۱۳۹۱ [۲۵ ژوئن ۲۰۱۲] درخواست خواهان‌ها را رد کرد و پرونده را به دادگاه ناحیه‌ای برای رسیدگی‌های بعدی عودت داد.

۱۱۰۸ - درخواست اصلاحی اخذ اقرار در رسیدگی‌های *روبین* در ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ [چهارم و پنجم مارس ۲۰۱۳] مبنی بر درخواست شهادت از ایران در جلسه اخذ شهادت شفاهی در دادگاه ناحیه‌ای ثبت شد.

۱۱۰۹ - دادگاه پژوهش حوزه هفتم ایالات متحده در ۱۶ مهر ۱۳۹۳ [هشتم اکتبر ۲۰۱۴] پژوهش شماره ۱۴-۲۸۲۵ در پرونده *روبین علیه جمهوری اسلامی ایران* را وفق توافق طرفین در آن دعوا رد کرد.

*(شش) استرداد آثار چغامیش به ایران*

۱۱۱۰ - دانشگاه شیکاگو در دی/بهمن ۱۳۹۳ [ژانویه ۲۰۱۵] به دادگاه پژوهش حوزه هفتم ایالات متحده اطلاع داد که قصد استرداد آثار چغامیش به ایران را دارد. دانشگاه مذکور در دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] تمام آثار چغامیش را به ایران مسترد کرد.

۱۱۱۱ - نماینده رابط ایالات متحده در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ [۱۱ مه ۲۰۱۵] به دیوان اطلاع داد که تمام اقلام مربوط به ادعای ز-۳۲ به ایران مسترد شده است.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۱۱۲ - ایران معروض می‌دارد که سازمان میراث فرهنگی ایران و موزه باستان، هر دو نهادهایی دولتی هستند. ایران متذکر این امر نیز می‌شود که میان طرفین هیچ اختلافی در این خصوص وجود ندارد که آیا اقلام مورد اختلاف در ادعای ز-۳۲ «اموال ایران» وفق اهداف بند ۹ می‌باشند یا خیر.

*شناسایی اقلام*

۱۱۱۳ - ایران ادعای ایالات متحده را مبنی بر این که برای سال‌های مدید نتوانسته است به کفایت، اموال ادعایی را شناسایی کند نمی‌پذیرد. ایران معروض می‌دارد که آثار باستانی و تکه‌های سفالی به درخواست مؤسسه مذکور، به آن مؤسسه عاریه داده شده بود و بنابراین، مؤسسه شرق‌شناسی باید آثار قرض‌گرفته‌شده را به نحو مقتضی نگه‌داری و مسترد می‌نموده است. بنا بر اظهارات ایران، سیستم آرشیو و ثبت اطلاعات موزه مذکور به دلیل اختلالات ناشی از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] و جنگ با عراق مختل شده بود. با این‌حال، چنین

اوضاع و احوالی برای مؤسسه شرق‌شناسی وجود نداشت. بدین ترتیب، باور کردنی نیست که مؤسسه مذکور اطلاعات دقیق اقلام عاریه گرفته شده از سایر نهادها را نداشته باشد.

۱۱۱۴ - بنا بر اظهارات ایران، استدلال آن دولت با این موضوع تأیید می‌شود که مؤسسه شرق‌شناسی در ۱۸ مهر ۱۳۶۴ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] نامه‌ای به وزارت امور خارجه نوشت و تأکید کرد که مؤسسه شرق‌شناسی اموال ایران را در اختیار دارد، و روشی برای استرداد پیش‌نهاد داد و بدین ترتیب، ایالات متحده از آن تاریخ در جریان اقلام ادعایی در ادعای ز-۳۲ قرار داشت. با این حال، ایران ادامه می‌دهد که علی‌رغم آگاهی از این که اموال ایران در اختیار مؤسسه شرق‌شناسی بوده است و ایران درخواست استرداد اموال مذکور را نموده بود، ایالات متحده ۲۰ روز بعد در گزارش خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] تأکید می‌کند که اقلام مذکور در سال ۱۳۴۹ [۱۹۷۰] به ایران مسترد شده بود.

*نقض ادعایی تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده*

۱۱۱۵ - به نظر ایران، تعهد مندرج در بند ۹ تعهد به نتیجه است؛ بنابراین، عدم انتقال اموال مذکور، نشان‌دهندهٔ نقضِ علی‌الظاهری بند ۹ توسط ایالات متحده می‌باشد.

۱۱۱۶ - ایران استدلال می‌کند که ایالات متحده برای سال‌ها منکر وجود اموال مذکور در آن کشور بود، و آن‌ها را در گزارش خود به دیوان درخصوص اموال عینی ایران به عنوان اموال «خارج از شمول بند ۹» طبقه‌بندی می‌کرد؛ چرا که اموال مذکور علی‌الإدعا قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] به ایران منتقل شده بود.

۱۱۱۷ - ایران استدلال می‌کند که دستورالعمل‌های کافی برای انتقال اموال مربوط به ادعای ز-۳۲ به ایران را به نگه‌دارنده اموال یعنی مؤسسه شرق‌شناسی داده بود. ایران به مکاتبات میان ایران (شامل موزه باستان، موزه ملی ایران و سازمان میراث فرهنگی ایران) و مؤسسه شرق‌شناسی اشاره می‌کند. برای ایران، این برای نگه‌دارنده

اموال دستورالعمل کافی تلقی می‌شده که ایران انتقال اموال خود را درخواست می‌کرده است، اما ایالات متحده چنان‌که بند ۹ اقتضا دارد ترتیبات انتقال را مهیا نکرده است. به علاوه، ایران مدعی است که واضح بود که قرار بوده اقلام عاریه داده شده به موزه باستان ارسال شود یا حداقل، به دفتر حفاظت منافع ایران تحویل داده شود.

۱۱۱۸ - ایران معروض می‌دارد که اموال مربوط به ادعای ز-۳۲ توسط ایالات متحده «اموال متنازع‌فیه» تلقی شده است و بدین ترتیب، با نقض یافتهٔ دیوان در حکم شماره ۵۲۹ توسط آن کشور به ایران منتقل نشده است. به نظر ایران، واضح است که ایالات متحده اقلام مورد اختلاف در ادعای ز-۳۲ را متنازع‌فیه محسوب کرد؛ زیرا ایالات متحده در لایحه خود به عنوان یاور دادگاه (*amicus* brief) در دادگاه ناحیه‌ای متذکر شده است که مؤسسه شرق‌شناسی همچنان بر این عقیده بوده است که مطابق موافقت‌نامه عاریه که به واسطهٔ آن، آثار چغامیش را ابتدائاً دریافت کرده است حق نگه‌داری اموال مذکور تا زمان تکمیل مطالعه روی آن اقلام را داشته است. در واقع، به نظر ایران، این هم واضح بوده است که دادگاه ناحیه‌ای ایلینوی بر این عقیده بود که آثار چغامیش متنارع‌فیه بود. طبق اظهار ایران، دادگاه ناحیه‌ای ایلینوی بر آن اساس، دستور تأمین دلیل را داده است.

۱۱۱۹ - بنابر اظهار ایران، ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرد زیرا به نگه‌دارنده اموال مربوطه دستور انتقال آثار چغامیش به ایران را نداد. در این خصوص، ایران به شهادت‌نامه سرپرست ارشد مؤسسه شرق‌شناسی اشاره می‌کند که اظهار داشت که وزارت امور خارجه سابقاً به مؤسسه شرق‌شناسی اطلاع داد که آثار چغامیش مشمول ادعایی در مقابل این دیوان است و این که ایالات متحده متعهد به انتقال اموال مذکور می‌باشد. با این حال، شهادت مذکور در ادامه متذکر می‌شود که مؤسسه شرق‌شناسی هیچ دستورالعملی برای انتقال اموال مذکور دریافت نکرده بود و این که بنابراین، مؤسسه مذکور در انتظار دستورالعمل‌های بعدی از سوی وزارت امور خارجه ایالات متحده به نگه‌داشتن آن اقلام ادامه داد.

۱۱۲۰ - ایران مدعی است که علی‌رغم دادن درخواست‌های مکرر به ایالات متحده برای استرداد آثار چغامیش در لوایح خود در پیش‌گاه دیوان، ایالات متحده باز هم هیچ اقدامی برای انتقال اموال مذکور به عمل نیاورد. این امر علی‌رغم درخواست کتبی مؤسسه شرق‌شناسی از وزارت امور خارجه ایالات متحده بابت دادن دستورالعمل در خصوص آن اموال بود. فقط در ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰] بود که ایالات متحده بالاخره نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت، اما در آن، به جای اعلام موافقت با انتقالِ درخواستیِ مؤسسه شرق‌شناسی، صرفاً از مؤسسه مذکور جویای اطلاعات در مورد آخرین اقدامات در ۱۷ سال از آخرین مکاتبات شد.

۱۱۲۱ - ایران مضافاً متذکر می‌شود که گرچه درست است که ایالات متحده در سال ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۲۰۰۱] ظاهراً آماده استرداد اموال مذکور بود، اما آن کشور در نامه مورخ ۱۶ مرداد ۱۳۸۰ [هفتم اوت ۲۰۰۱] خود توضیح داد که استرداد به مسترد کردن ادعای ز-۳۲ توسط ایران وابسته است. به نظر ایران، این موضع نشان داد که ایالات متحده تعهد به انتقال ذیل بند ۹ را تصدیق نکرده بوده است و چنین قلمداد کرده بوده است که آن [دولت] صرفاً زمانی که ایران ابتدائاً اسقاط دعوای مربوط به خسارات ناشی از تأخیر ایالات متحده در ایفای تعهد خود را بپذیرد، متعهد به فراهم آوردن ترتیبات برای انتقال اموال می‌باشد. به نظر ایران، هیچ مبنای حقوقی برای چنین موضعی وجود ندارد.

۱۱۲۲ - بنابر اظهارات ایران، این امر به وضعیت سال ۱۳۸۲ [۲۰۰۳] منجر شد که دادرسی *روبین* ثبت گردید. خواهان‌های *روبین* در دی ۱۳۸۲ [دسامبر ۲۰۰۳] علی‌رغم این که این آثار، اموال غیرتجاری است و باید مصون از توقیف باشد، خواهان توقیف آثار چغامیش شدند. مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۷ خرداد ۱۳۸۳ [۱۶ ژوئن ۲۰۰۴] درخواست اعلام مصونیت اموال مذکور را کرد. دادگاه ایلینوی، ایران را وا داشت تا در رسیدگی‌های مربوطه به منظور تأکید بر مصونیت حاکمیتی خود حضور یابد که هزینه‌ها و مبالغ حقوقی گزافی را در پی داشت. بنابراین،

ایران معروض می‌دارد که دقیقاً این قصور ایالات متحده در فراهم نیاوردن امکان انتقال اموال مذکور به ایران است که به توقیف اقلام مذکور در دادرسی *روبین* منجر شده است.

۱۱۲۳ - به علاوه، ایران به موافقت‌نامه حل و فصل مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۳ [۱۶ آوریل ۲۰۱۴] اشاره می‌کند که طی آن ایالات متحده با تعدادی از طلب‌کاران از جمله خواهان‌های *روبین*، که از محاکم ایالات متحده احکام غیابی علیه ایران گرفته بودند، منعقد کرد. ایالات متحده در موافقت‌نامه مذکور اظهار داشت که قصد دارد برخی اموالی که در مالکیت نهادهای ایران است را توقیف کرده و میان طلبکاران تقسیم کند. در مقابل، طلبکاران موافقت کردند که تمام حقوق مربوط به توقیف اموال ایران در ادعاهایی که اکنون در مقابل دیوان مطرح می‌باشند را اسقاط نمایند. با این حال، اسقاط مذکور صراحتاً دادرسی‌های مربوط به توقیف *روبین* را مستثنی کرده است. به نظر ایران، این امر دلالت بر آن دارد که ایالات متحده در فروردین/اردیبهشت ۱۳۹۳ [آوریل ۲۰۱۴] فرصت داشت که در راستای اسقاط دادرسی‌های مربوط به توقیف خواهان‌های *روبین* علیه آثار چغامیش اقداماتی انجام دهد اما چنین نکرد.

*اظهارات ایالات متحده*

*شناسایی اقلام*

۱۱۲۴ - بنابر اظهار ایالات متحده، ایران سال‌های بسیار از مشخص‌کردن بسیاری از اموال ادعایی قصور ورزید. ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران هیچ‌گاه پیگیر ارائه اطلاعاتی که وعده داده بود نگردید، و مکاتبات ایران با مؤسسه شرق‌شناسی در بهترین حالت، هر از گاهی بوده است. ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران تعداد اقلام ادعایی را کراراً تغییر داد و سپس به طور مداوم از مشخص کردن اقلام مربوطه عاجز ماند. بنابر اظهار ایالات متحده، صرفاً ۱۲ سال پس از طرح ابتدایی ادعای ز-۳۲ بود که ایران اقلام مربوطه را شناسایی کرد.

ایران همچنین از ارائه اطلاعات لازم برای تأیید تعلق اقلامِ یافت شده در مؤسسه مذکور به آن دولت قصور ورزیده بود.

*عدم نقض تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده*

۱۱۲۵ - به علاوه، ایالات متحده استدلال می‌کند که بند ۹ موجد تعهد به نتیجه نیست. ایالات متحده با استناد به حکم شماره ۵۲۹ خاطرنشان می‌گردد که دیوان این استدلال را که تعهد به استرداد اموال ایران تعهد به نتیجه می‌باشد رد کرده است. به نظر ایالات متحده، تعهد مندرج در بند ۹ تنها می‌تواند تعهد به وسیله باشد؛ زیرا علاوه بر این که هرگونه اقدام ایالات متحده به هدایت و اشاره ایران وابسته بوده است، بند ۴۰ حکم ۵۲۹ تعهد مندرج در بند ۹ را به سادگی، به عمل آوردن اقداماتی تعریف کرده است.

۱۱۲۶ - موضع ایالات متحده این است که آن دولت در ادعای ز-۳۲ هیچ تعهدی را در بند ۹ نقض نکرده است؛ زیرا ایران نتوانسته دستورالعمل و تذکر بابت انتقال آن اقلام را تا سال ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۲۰۰۱] بدهد و ایالات متحده پس از آن زمان، اقدامات وسیعی در جهت تضمین انتقال آثار چغامیش به ایران به عمل آورده است. ایالات متحده معروض می‌دارد که ایران نتوانسته نشان دهد، اقدامات اضافی معقولی وجود داشته است که ایالات متحده باید در اوضاع و احوال ادعای ز-۳۲ جهت تضمین انتقال اموال مذکور انجام می‌داده که انجام نداده است.

۱۱۲۷ - ایالات متحده معروض می‌دارد که آن دولت پس از آن که ایران دستورالعمل و تذکر داد، تعهد خود را از طریق انجام اقدامات در جهت تضمین انتقال اموال مربوطه، از جمله در سراسر دوره رسیدگی‌های دادرسی *روبین*، انجام داده است. ایالات متحده با مؤسسه شرق‌شناسی و ایران راجع به استرداد اموال ادعایی در تماس مستمر بود. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که فهرست (با تأخیر) ارائه‌شدهٔ ایران از اقلام مورد بحث را به مؤسسهٔ شرق‌شناسی فرستاد و با این مؤسسه و ایران مکاتبات مبسوطی به عمل آورد. ایالات متحده

همچنین ادعا می‌کند که چندین بار، انجام اقداماتی برای تسهیل استرداد اقلام عاریه‌ای از جمله تحویل اقلام مذکور در ساختمان دیوان در لاهه جهت بازرسی را پیش‌نهاد داده است.

۱۱۲۸ - با این حال، بنابر اظهار ایالات متحده، در سال ۱۳۸۱/۱۳۸۲ [۲۰۰۳] دقیقاً زمانی که اقلام مذکور در انتظار حمل بود، اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ داد: خواهان‌ها در ایالات متحده در شهریور ۱۳۸۲ [سپتامبر ۲۰۰۳] در دادرسی *روبین* حکمی مرتبط با تروریسم اخذ کردند و در اردیبهشت ۱۳۸۳ [مه ۲۰۰۴] با توقیف اموال مختلف ایران شامل اقلام مربوطه در ادعای ز-۳۲ در صدد اجرای حکم خود برآمدند. بدین ترتیب، مؤسسه شرق‌شناسی از سال ۱۳۸۲/۱۳۸۳ [۲۰۰۴] آثار چغامیش را تا به نتیجه رسیدن دعوای مذکور یا تصمیم‌گیری دادگاه به نحوی دیگر، منتقل نمی‌کردند. موضع ایالات متحده این است که آن دولت تمام کارهایی که می‌توانسته در رسیدگی‌های *روبین* انجام داده است تا اموال مذکور، مصون بماند، تا از اِعمال قرار تأمین دلیل بر اموال ایران در ایالات متحده جلوگیری شود، و حکم به نفع ایران صادر شود.

۱۱۲۹ - ایالات متحده با ارجاع به مآخذی در *لووِن علیه ایالات متحده*[۵۶۴] و *اُپتِکس علیه ایالات متحده*[۵۶۵] استدلال می‌کند که این، یکی از قواعد پذیرفته‌شدهٔ حقوق بین‌الملل است که اقدام دادگاه داخلی که قابل تجدیدنظرخواهی است، به حد اقدام نهایی که به کفایت قطعیت نیافته، موجد مسؤولیت دولت نیست، مگر این که توسل به پژوهش‌خواهی، آشکارا بیهوده باشد. در این خصوص، ایالات متحده معروض می‌دارد که حکم شماره ۵۸۶ این دیوان در پرونده شماره الف-۲۷ در تعارض با حجم رویه قضایی در این موضوع است.[۵۶۶] بنابراین،

---

[564] *Loewen Group, Inc. and Raymond L. Loewen v. United States of America*, Award (ICSID Case No. ARB(AF)/98/3), para. 165 (26 Jun. 2003).

[565] *Apotex Holdings Inc. and Apotex Inc. v. United States of America*, Award, (ICSID Case No. ARB(AF)/12/1), (25 Aug. 2014).

[۵۶۶] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۵۸۶-الف۲۷-دیوان عمومی (۱۵ خرداد ۱۳۷۷ [پنجم ژوئن ۱۹۹۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۴، ص ۳۹.

وفق نظر ایالات متحده، تصمیمات دادگاه ایلینوی قابل انتساب به ایالات متحده به نحوی که موجد مسؤولیت دولت در این ادعا باشد، نیست.

۱۱۳۰ - در هر حال، ایالات متحده معروض می‌دارد که ایران نتوانسته اثبات کند که آن دولت اقدامات لازم برای مقدور کردن ایفای تعهد ایالات متحده را انجام داده است. ایالات متحده استدلال می‌کند که بر اساس حکم شماره ۵۲۹ دادن دستورالعمل به مؤسسه شرق‌شناسی و تذکر به ایالات متحده، قبل از مطرح شدن تعهد ایالات متحده مبنی بر انجام اقدامات در جهت تضمین انتقال آثار چغامیش لازم بوده است. با این حال، بنا بر اظهار ایالات متحده، واضح است که ایران در تقریباً ۲۰ سال نخست ادعای ز-۳۲ هیچ یک از دستورالعمل به مؤسسه شرق‌شناسی و تذکر به ایالات متحده مبنی بر این که او نیازمند مساعدت می‌باشد را ارائه نداده است. ایران دستورالعمل‌ها را به مؤسسه شرق‌شناسی بابت استرداد اقلام مذکور نداده و به پیش‌نهادات مؤسسه مذکور در خصوص روش‌های استرداد پاسخ نداده است. ایران همچنین اطلاعات لازم برای اثبات این که اقلام یافت‌شده در مؤسسه شرق‌شناسی متعلق به آن دولت بوده نداده است. مضافاً، ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران قبل از سال ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۲۰۰۱] از دادن تذکر به هر شکل به ایالات متحده مبنی بر این که برای استرداد اقلام مذکور نیازمند مساعدت می‌باشد، قصور ورزیده است.

۱۱۳۱ - ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که ایران نمی‌تواند برای احتراز از هزینه‌های ناشی از توقیف *روبین* آن دولت را مسؤول عدم انجام ترتیبات انتقال با شتاب کافی قلمداد کند زیرا خودِ ایران دو دهه منتظر مانده است تا با ایالات متحده و مؤسسه شرق‌شناسی در این خصوص وارد گفتگو شود.

*(ت) تصمیم دیوان*

۱۱۳۲ - اختلافی میان طرفین وجود ندارد که موزه باستان مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی قرار می‌گیرد. همچنین، اختلافی میان طرفین وجود ندارد که اقلام مربوطه در ادعای ز-۳۲ «اموال

ایران» ذیل بند ۹ است یا این‌که اقلام مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است. بدین ترتیب، آثار چغامیش مشمول بند ۹ می‌باشد.

۱۱۳۳ - دیوان اکنون به این مسئله می‌پردازد که آیا ایالات متحده تعهد خود را به موجب بند ۹ در خصوص آثار چغامیش ایفا کرده است یا خیر. ادلهٔ ارائه‌شده گویای این واقعیت است که ایران از دوم بهمن ۱۳۵۲ [۲۲ ژانویه ۱۹۷۴] به مؤسسه شرق‌شناسی برای استرداد اقلام مربوطه دستورالعمل داده بود. با این حال، سردرگمی‌هایی در هر دو طرف، مؤسسه شرق‌شناسی و ایران، بین آن تاریخ و ۲۵ دی ۱۳۷۵ [۱۴ ژانویه ۱۹۹۷] وجود داشت بدین شرح که دستورالعمل برای استرداد، شامل کدام اقلام می‌باشد. مؤسسه شرق‌شناسی به اشتباه معتقد بود که تمام اقلام در سال ۱۳۴۸/۱۳۴۹ [۱۹۷۰] به ایران مسترد شده است. با این حال، ایران در آذر ۱۳۶۱ [دسامبر ۱۹۸۲] نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی نوشت و ادعا کرد که ۴۹ قلم مسترد نشده است. مؤسسه شرق‌شناسی متعاقب پافشاری مکرر ایران مبنی بر این که اقلام مذکور تماماً مسترد نشده است، و پس از جست‌وجوهای زیاد در اماکن خود، آثاری را پیدا کرد که همچنان در اختیارش مانده بود. ایران در تیر/مرداد ۱۳۶۴ [ژوئیه ۱۹۸۵] ۳ فهرست از ۵۷ قلم علی‌الإدعا مستردنشده تسلیم کرد که شامل ۴۹ قلم گم‌شده بود که قبلاً ذکر آن رفت. مکاتبات طولانی‌ای میان ایران، مؤسسه شرق‌شناسی و وزارت امور خارجه درپی‌آمد. فهرستی کامل از اقلامی که باید مسترد می‌شد در ۲۵ دی ۱۳۷۵ [۱۴ ژانویه ۱۹۹۷] توسط ایران به مؤسسه شرق‌شناسی ارسال شد.

۱۱۳۴ - دیوان از این وقایع نتیجه می‌گیرد که ایران تا سال ۱۳۵۲/۱۳۵۳ [۱۹۷۴] به متصرف اموال دستورالعمل استرداد آثار چغامیش را داده بود و پس از لازم‌الإجرا شدن بیانیه‌های الجزایر نیز کراراً چنین کرده است. به علاوه، لایحه تیر/مرداد ۱۳۶۴ [ژوئیه ۱۹۸۵] ایران شامل سه فهرست حاوی ۵۷ قلم علی‌الإدعا یافت نشده است که، گرچه فهرست کامل و نهایی از اقلام مسترد نشده در ادعای ز-۳۲ نیست، به نظر دیوان، به قدر کافی برای مؤسسه شرق‌شناسی روشن کرده است که ایران در حال دادن دستورالعمل‌هایی بود مبنی بر این که آن اقلام، حداقل باید

منتقل شود. فهرست اصلاحی ایران در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۷۵ [۱۴ ژانویه ۱۹۹۷] که ایران در آن، تمام اقلام مذکور را شناسایی کرد، مجدداً ارائه دستوارالعمل به مؤسسه شرق‌شناسی بود، آنهم با دقت کافی برای مؤسسه مذکور، که اقلامی که استردادشان درخواست می‌شد را شناسایی کند. بنابراین، دیوان حکم می‌دهد که چنان‌که در حکم شماره ۵۲۹ مقرر شده است ایران از تیر/مرداد ۱۳۶۴ [ژوئیه ۱۹۸۵] به متصرف اموال، دستورالعمل مناسب بابت انتقال اقلام مذکور داده است.

۱۱۳۵ - دیوان مضافاً بر این نظر است که ایالات متحده زمانی که ایران ادعای ز-۳۲ را در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] در این دیوان ثبت کرد، مطلع شد که ایران توقع استرداد این اموال از مؤسسه شرق‌شناسی را داشته است. به ایالات متحده متعاقباً اطلاع داده شد که مؤسسه شرق‌شناسی در ۱۸ مهر ۱۳۶۴ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] ۳۰ قلم را که شاید بخشی از اقلام درخواستی ایران در این ادعا باشد، جایابی کرده بود. بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که ایالات متحده از ۱۸ مهر ۱۳۶۴ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] در موقعیتی بود که باید تعهد خود در جهت انجام اقدامات به منظور حصول اطمینان از انتقال اقلام مذکور به ایران توسط مؤسسه شرق‌شناسی را ایفا می‌کرد.

۱۱۳۶ - با این حال، ترتیبات برای انتقال اقلام مذکور توسط ایالات متحده در اقداماتی پراکنده همراه با عدم فعالیت در دوره‌های طولانی انجام شد. دیوان در این چارچوب ملاحظه می‌کند که تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ شامل تکلیف انجام استعلامات دوره‌ای از مؤسسه شرق‌شناسی به منظور اطمینان از این امر می‌شد که آیا انتقال آثار چغامیش به ایران در حال انجام است یا خیر، صرف‌نظر از این که آیا خودِ ایران فعالانه اقدام کرده است یا خیر. با این حال، بین ۱۸ مهر ۱۳۸۵ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] و ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰] علی‌رغم علم به این که ۳۰ قلم مربوطه در ادعای ز-۳۲ توسط مؤسسه شرق‌شناسی پیدا شده و آماده حمل بوده است، هیچ مدرکی در پرونده موجود نیست که نشان دهد ایالات متحده هیچ اقدامی در راستای انجام ترتیبات انتقال اقلام مذکور به

ایران کرده باشد. صرفاً در ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰]، یعنی حدود پانزده سال بعد، ایالات متحده نهایتاً نامه‌ای به مؤسسه شرق‌شناسی بابت بررسی وضعیت آثار چغامیش نوشت .

۱۱۳۷ - ایالات متحده بین شهریور ۱۳۷۹ [سپتامبر ۲۰۰۰] و شهریور ۱۳۸۱ [سپتامبر ۲۰۰۲] اقداماتی در راستای فراهم آوردن ترتیبات انتقال آثار چغامیش به ایران انجام داد. وزارت امور خارجه ایالات متحده در اسفند ۱۳۷۹/فروردین ۱۳۸۰ [مارس ۲۰۰۱] به ایران نامه‌ای نوشت و اعلام کرد که مؤسسه شرق‌شناسی مایل به انجام اقدامات بابت استرداد آثار چغامیش می‌باشد. توافقی تا شهریور ۱۳۸۰ [سپتامبر ۲۰۰۱] میان ایران و ایالات متحده بابت استرداد آثار چغامیش که باید در لاهه انجام می‌شد منعقد گردید. با این حال، به دلایلی که به آگاهی دیوان نرسیده است، انتقال مذکور هیچ‌گاه انجام نشد. به علاوه، قبل از نامه مجدد وزارت امور خارجه ایالات متحده به مؤسسه شرق‌شناسی در اسفند ۱۳۸۰/فروردین ۱۳۸۱ [مارس ۲۰۰۲] در راستای بررسی وضعیت آثار چغامیش، تأخیر شش ماهه دیگری پیش آمد. مکاتباتی میان وزارت امور خارجه ایالات متحده و مؤسسه شرق‌شناسی بین فروردین و شهریور ۱۳۸۱ [مارس و سپتامبر ۲۰۰۲] انجام شد که طی آن ترتیبات انتقال آثار چغامیش به ایران مشخص گردید.

۱۱۳۸ - با این حال، مؤسسه شرق‌شناسی در ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲] نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایالات متحده نوشت که به دلیل انتصاب مدیر جدید، حمل اقلام مربوطه در این ادعا دچار تأخیر شده است. تأخیر مذکور تا ۲۸ آبان ۱۳۸۲ [۱۹ نوامبر ۲۰۰۳]، یعنی زمانی که مطابق مدارک موجود در پرونده، ترتیبات حمل مستقیم آثار چغامیش به ایران از طریق کارگزار حمل و نقل هنرهای زیبا در حال انجام بود، ادامه داشت.

۱۱۳۹ - با این حال، یک ماه پس از به عمل آوردن ترتیبات یاد شده با کارگزار حمل و نقل مذکور، دادرسی *روبین* در هشتم دی ۱۳۸۲ [۲۹ دسامبر ۲۰۰۳] آغاز و آثار چغامیش در راستای کمک به اجرای احکام غیابی ایالات متحده علیه ایران توقیف شد.

۱۱۴۰ - دیوان بر اساس بررسی ادله پیشین حکم می‌کند که زمانی که ایران در تیر/مرداد ۱۳۶۴ [ژوئیه ۱۹۸۵] سه فهرست اقلامی را که مدعی بود شامل آثار چغامیش می‌باشد به ایالات متحده داد، و مؤسسه شرق‌شناسی ۳۰ قلم را در ۱۸ مهر ۱۳۸۵ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] جایابی کرد، ایالات متحده در وضعیتی قرار داشت که باید به تعهد خود ذیل بند ۹ عمل می‌کرد. از آن زمان، سه دوره مشخص در پی‌هم آمده است. نخست، از ۱۸ مهر ۱۳۸۵ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] تا ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰] دوره عدم فعالیت بوده که در آن، ایالات متحده هیچ اقدامی در راستای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ انجام نداده است. دوره دوم، از ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰] تا ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲] نشان می‌داد که ایالات متحده در حال انجام اقدام در راستای انجام ترتیبات انتقال اقلام مذکور از مؤسسه شرق‌شناسی به ایران بوده است. علی‌رغم این که ترتیبات مذکور به ثمردهی انتقال اقلام مذکور منجر نشد، دیوان حکم می‌کند که ایالات متحده تمام اقدامات معقول در اوضاع و احوال ادعای مذکور به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ را انجام داده است. با این حال، آن فعالیت با سومین دوره عدم فعالیت ایالات متحده از ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲] تا ۲۸ آبان ۱۳۸۲ [۱۹ نوامبر ۲۰۰۳] دنبال شد که بخشی از آن به دلیل انتصاب مدیر جدید در مؤسسه شرق‌شناسی بود. زمانی که فعالیت برای انتقال اقلام مذکور به ایران از سرگرفته شد، دادرسی *روبین* شروع شده بود که به توقیف اقلام در هشتم دی ۱۳۸۲ [۲۹ دسامبر ۲۰۰۳] منجر شد. بدین ترتیب، به نظر دیوان، ایالات متحده بین ۱۸ مهر ۱۳۶۴ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] و ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰]، و بین ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲] و ۲۸ آبان ۱۳۸۲ [۱۹ نوامبر ۲۰۰۳] تمام اقدامات معقول در راستای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ را انجام نداده است. به نظر دیوان، ایالات متحده تعهد خود ذیل بند

۹ را در این دو دوره زمانی نقض کرده است. دیوان مضافاً نتیجه می‌گیرد که تأخیر مذکور در انتقال، در اثر عدم فعالیت ایالات متحده، به این منتهی شد که اقلام مذکور در هشتم دی ۱۳۸۲ [۲۹ دسامبر ۲۰۰۳]، یعنی زمانی که آن اقلام در دادرسی *روبین* توقیف شد، همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده باشد.

۱۱۴۱ - دیوان بر این نظر است که در حالی که شاخه اجرایی دولت ایالات متحده در طول دادرسی *روبین* تمام اقدامات معقول را به منظور تحصیل آزاد شدن اقلام برای انتقال به ایران انجام داده است، علی‌رغم این، قوه قضائیه ایالات متحده آثار چغامیش را توقیف کرد. چنان‌که در ماده ۴ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است، مطابق حقوق بین‌الملل، رفتار قوه قضائیه دولت، به آن دولت منتسب است؛ زیرا قوه قضائیه شاخه‌ای از دولت است.[۵۶۷] بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که توقیف آثار چغامیش در دادرسی *روبین* منتسب به دولت ایالات متحده می‌باشد.

۱۱۴۲ - بنابراین، توقیف آثار چغامیش با تعهد ایالات متحده مبنی بر رفع محدودیت‌های جابه‌جایی و انتقال آزاد اموال ایران ناسازگار است. دیوان بر اساس ادلهٔ ارائه شده حکم می‌کند که مؤسسه شرق‌شناسی آثار چغامیش را به دلیل توقیف قضایی آن اقلام در ایالات متحده پس از هشتم دی ۱۳۸۲ [۲۹ دسامبر ۲۰۰۳] حفظ کرده است. در نتیجه، آن اقلام در واقع از دستور انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثناء بوده است. در نتیجه، ایالات متحده تعهد ذیل بیانیه عمومی خود را در خصوص اموال عینی ایران نقض کرده و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت محرز است. این نقض از سوی ایالات متحده تا زمان رفع توقیف با رد پژوهش‌خواهی در دادرسی *روبین* در ۱۶ مهر ۱۳۹۳ [هشتم اکتبر ۲۰۱۴] ادامه داشته است.

---

[۵۶۷] *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، پانوشت ۸۹، بالا، شرح ماده ۴.

۱۱۴۳ - دیوان متذکر می‌شود که آثار چغامیش پس از خاتمه دادرسی *روبین* نهایتاً در دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] به ایران مسترد شد.

۱۱۴۴ - دیوان در پرتو کلیت وقایع مذکور ادعای ز-۳۲ را می‌پذیرد و مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را در خصوص اقلام مربوطه در ادعای ز-۳۲ در دوره‌های: (۱) بین ۱۸ مهر ۱۳۶۴ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵] و ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [هفتم سپتامبر ۲۰۰۰]؛ و (۲) بین ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲] و [نهم اکتبر ۲۰۱۴] نقض کرده است.

(۲۱) ادعای ز-۱۱۵ (موزه ملی تاریخ طبیعی/دکتر داگلاس لِی)

*(الف) مقدمه*

۱۱۴۵ - ایران در ادعای ز-۱۱۵ خسارات ناشی از عدم انجام ترتیبات از سوی ایالات متحده بابت انتقال برخی نمونه‌های زمین‌شناسی و فسیل‌ها به ایران را مطالبه می‌کند. موزه ملی تاریخ طبیعی («موزهٔ ملّی»[۵۶۸]) که واحدی از سازمان محیط زیست ایران می‌باشد، آن اقلام را در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸ یا اوایل ۱۹۷۹] به دکتر داگلاس لی که استادیار آناتومی در دانشگاه کارولینای شمالی بود به امانت سپرد. ایران مبلغ خواسته خود را در این دعوا مشخص نکرده است. به جای آن، ایران خواهان این است که دیوان یک کارشناس مستقل برای ارزیابی مدارک و تعیین ارزش اموال ادعایی منصوب کند.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۱۱۴۶ - دکتر لی در اواسط دهه ۱۳۵۰ [اواسط دهه ۱۹۷۰] مأموریت‌های زمین‌شناسی صحرایی را در ایران با همکاری، از جمله، موزه ملی بر عهده گرفت تا نهشت‌های قیری در رشته کوه زاگرس که ممکن است حاوی

[۵۶۸] در پانوشت متن انگلیسی این حکم جزئی، نام موزه به الفبای لاتین چنین آمده است:
Muzeh-ye Melli-ye Tarikh-e Tabi'i.

فسیل‌های پیشاتاریخی باشد را جایابی کند. دکتر لی و کارکنان موزه ملی در سال‌های ۱۳۵۴/۱۳۵۵ [۱۹۷۶]، ۱۳۵۵/۱۳۵۶ [۱۹۷۷] و ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] از مکان‌های مرده فل و امتداد رودخانه مامتین بازدید کردند. آن‌ها در آن‌جا خروجی‌های نهشت‌های قیری را شناسایی کردند که از آن‌ها چندین نمونه ماده کامپوزیتی قیری به نام «ماتریس» استخراج کردند که حاوی فسیل‌های گیاهی و حیوانی بود. دکتر لی در شهادت‌نامه خود، آن ماتریس‌ها را تکه‌های با اَشکالِ ناهمسان توصیف کرد و آن‌ها را از اندازه یک سنگ کوچک تا اندازه قرص نان طبقه‌بندی نمود. برای استخراج فسیل‌های به‌دست‌آمده در ماتریس‌ها، لازم بود که مواد کامپوزیتی قیری حل شود. با این‌حال، تکنولوژی این کار در ایران در دسترس نبود.

۱۱۴۷ - بدین ترتیب، دکتر لی و موزه ملی توافق کردند که زیرمجموعه نمونه‌های ماتریس برای او به ایالات متحده ارسال شود تا او بتواند فسیل‌ها را استخراج و روی آن‌ها مطالعه کند.

۱۱۴۸ - دکتر لی محموله نمونه‌های ماتریس را در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸ یا اوایل ۱۹۷۹] از موزه ملی دریافت کرد. او در شهادت‌نامه خود تخمین زد که مجموعاً ۳۶ تا ۴۸ نمونه وجود داشت که هیچ‌یک وزنی بیش از ۱۵ پوند نداشته است (و بسیاری از نمونه‌ها بسیار کوچک‌تر بود).

۱۱۴۹ - مکاتبات میان دکتر لی و مسؤولین موزه ملی در یک مقطع زمانی به دلیل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] متوقف شد.

۱۱۵۰ - دکتر لی در شهادت‌نامهٔ خود اظهار داشت که او بخش‌های چندین نمونه ماتریس را حل کرد و تعدادی از استخوان‌های کوچک فسیلی و نیز چند دانه غیرمعمولی را استخراج نمود که هیچ‌یک دارای اهمیت نبود. دکتر لی ادعا کرد که او متعاقباً تصمیم گرفت که استخراج فسیل‌های بیش‌تر را تا زمانی که وضعیت سیاسی ایران تثبیت شود و او بتواند با موزه ملی مجدداً رابطه کاری برقرار کند، به تعویق اندازد؛ او گفت که قصد داشته کار را در مرحله‌ای بعدی کامل کند.

۱۱۵۱ - مدارک موجود در پرونده شامل نامه مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۰ [۱۴ مارس ۱۹۸۲] وزارت امور خارجه ایران به دفتر حفاظت منافع ایران در واشینگتن دی. سی. است که به آگاهی رسانده که سازمان حفاظت محیط زیست «تعدادی فسیل مهره‌داران و شیشه‌های محتوی امعاء و احشاء پرندگان پارک ملی» را «به امانت» برای دکتر داگلاس لی و موزه تاریخ طبیعی لوس آنجلس ارسال کرده بود. وزارت امور خارجه ایران مضافاً اطلاع داد که «بر طبق قرارداد فیمابین میبایست نمونه‌ها [را] بعد از شناسائی و مطالعات لازم» به سازمان حفاظت محیط زیست «مسترد [می]کرد»، اما در این زمینه «اقدامی صورت نگرفته است». وزارت‌خانه از دفتر حفاظت منافع ایران خواست که این موضوع را بررسی کند.

۱۱۵۲ - دفتر حفاظت منافع ایران در ششم خرداد ۱۳۶۱ [۲۷ مه ۱۹۸۲] نامه‌ای به موزه تاریخ طبیعی شهرستان لوس آنجلس، و نه به دکتر لی، نوشت و درخواست کرد که موزه تاریخ طبیعی شهرستان لوس آنجلس موارد زیر را مسترد کند: (یک) ۵ ظرف «سنگ قیر آلود از بهبهان، ماماتین و مرده فل»، که با هدف استخراج فسیل‌های احتمالی جمع‌آوری شده بودند؛ و (۲) یک ظرف «شیشه کوچک اُوول پِلِت» تهیه شده توسط پروفسور راندال ای. براون از نمونه‌هائی که در پارک ملی کویر جمع‌آوری شده بود.

۱۱۵۳ - دفتر حفاظت منافع ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۶۱ [اول فوریه ۱۹۸۳] درباره استرداد نمونه‌های ماتریس به دکتر لی تلفن کرد. دکتر لی در نامه‌ای که در همان روز به دفتر حفاظت منافع ایران نوشت، ضمن تأیید مکالمه تلفنی مذکور بیان داشت که «فسیل‌های موجود در ماتریس‌های قیری استخراج شده بوده است». او مضافاً اطلاع داد که در حال نوشتن مقاله‌ای برای جامعه جغرافیای ملی در مورد مکان‌های مرده فل و مامتین و مواد جمع‌آوری‌شده از آن‌جا بود و تأکید کرد که او نمی‌توانست «مقاله را بدون مواد مذکور کامل کند»؛ او قول داد که تا ۱۰ مرداد ۱۳۶۲ [اول اوت ۱۹۸۳] «نمونه‌های پاکیزه را مسترد کند». دکتر لی در شهادت‌نامه خود بیان داشت که او نمی‌خواسته نمونه‌ها را قبل از این که فرصت استخراج و بررسی فسیل‌های موجود در آن‌ها را داشته باشد،

بازگرداند. او همچنین اظهار داشت که در مکاتبات خود با دفتر حفاظت منافع ایران، او در توصیف خود از مقدار کاری که پیشاپیش بر روی نمونه‌ها و مقاله مذکور کرده «احتمالاً اغراق کرده است»؛ او در آن زمان می‌دانست که پایبندی به ضرب‌الأجل ۱۰ مرداد ۱۳۶۲ [اول اوت ۱۹۸۳] بابت استرداد نمونه‌ها برای او بسیار سخت خواهد بود. دکتر لی مضافاً بیان کرد که همان‌طور که پیش‌بینی می‌کرده است، متعاقباً نتوانسته هیچ کدام از مقاله یا حل نمونه‌های ماتریس را تا آن تاریخ به پایان برساند.

۱۱۵۴ - ایران در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] ادعای ز-۱۱۵ را به پرونده‌های حاضر افزود و اموال مربوطه را صرفاً «فسیل‌های پیشاتاریخی حیوانات» واقع در «دانشگاه کارولینای شمالی، چَپِل هیل، اِن.سی.» بدون جزئیات دیگری توصیف کرد. ایران در لایحه بعدی مورخ هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] روشن کرد که فسیل‌های مذکور در دپارتمان آناتومی دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل قرار دارد و به دکتر لی «برای بررسی و آماده کردن گزارش» «عاریه» داده شده بود.[۵۶۹] ایران در لایحه خود کپی نامه ۱۲ بهمن ۱۳۶۱ [اول فوریه ۱۹۸۳] دکتر لی به دفتر حفاظت منافع ایران را ضمیمه نمود.

۱۱۵۵ - وزارت امور خارجه ایالات متحده متعاقباً با دکتر لی تماس گرفت. دکتر لی زمانی قبل از ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] که ایالات متحده نخستین گزارش خود در خصوص اموال عینی ایران را به دیوان تسلیم کرد، به وزارت امور خارجه، بر خلاف واقعیت، اطلاع داد که او نمونه‌های ماتریس را در ۱۱ اسفند ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۴] یا در آن حدود به دفتر حفاظت منافع ایران فرستاده است.

---

[۵۶۹] *بنگرید به* بند ۱۱۵۳، بالا.

۱۱۵۶ - ایالات متحده در ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] گزارش خود در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده را به دیوان تسلیم کرد. ایالات متحده با تکیه بر اظهارات دکتر لی چنین گزارش داد: «فسیل‌ها در ۱۱ اسفند ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۴] یا در آن حدود به دفتر حفاظت منافع ایران در واشینگتن ارسال شده است».

۱۱۵۷ - ایران به نوبه خود در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران در ایالات متحده، دریافت آن اقلام توسط دفتر حفاظت منافع ایران را انکار کرد.

۱۱۵۸ - وزارت امور خارجه ایالات متحده در ۱۲ مهر ۱۳۶۴ [چهارم اکتبر ۱۹۸۵] نامه‌ای به دکتر لی نوشت و اطلاع داد که ایران مدعی است که دفتر حفاظت منافع ایران ماتریس‌ها را در اختیار ندارد، و افزود که وزارت امور خارجه ایالات متحده در حال آماده‌سازی گزارش نهایی وضعیت در خصوص اموال ادعایی برای تسلیم به دیوان است. بر این اساس، آن وزارت‌خانه از دکتر لی خواست تا تأیید کند که او حقیقتاً فسیل‌ها را فرستاده است، و مضافاً درخواست کرد که او «فوراً» هرگونه مدارک مثبتهٔ حمل را به وزارت امور خارجه ایالات متحده ارسال نماید. دکتر لی هیچ مدرکی ارائه نکرد.

۱۱۵۹ - متعاقباً ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان تکرار کرد که «فسیل‌ها» در ۱۱ اسفند ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۴] به دفتر حفاظت منافع ایران حمل شده است.

۱۱۶۰ - ایران در گزارش ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] خود به دیوان تکرار کرد که دفتر حفاظت منافع ایران اقلام مذکور را دریافت نکرده است.

۱۱۶۱ - وزارت امور خارجه ایالات متحده با نامه ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] ضمن اشاره به انکار دریافت اقلام مذکور از سوی ایران، مجدداً از دکتر لی خواست تا دلایل مثبتهٔ مبنی بر این که او اقلام مذکور را

به دفتر حفاظت منافع ایران در ۱۱ اسفند ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۴] حمل کرده، ارائه کند. دکتر لی در ۱۹ مرداد ۱۳۶۸ [دهم اوت ۱۹۸۹] پاسخ داد و گفت:

> نمونه‌های صخره از جنوب ایران که از موزه تاریخ طبیعی در تهران به اینجانب سپرده شده در اختیار من قرار دارد. ما این نمونه‌ها را جهت مطالعه نگاه داشته‌ایم. قرارداد وام که من از موزه تاریخ طبیعی دریافت کرده‌ام برای مدت نامعلوم بوده است. بنابراین، من الزامی برای مسترد داشتن این نمونه‌ها حس نکرده‌ام تا اینکه ما مطالعات خود را به پایان برسانیم.

۱۱۶۲ - وزارت امور خارجه ایالات متحده در سوم مهر ۱۳۶۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۸۹] یعنی همان روزی که نامه دکتر لی را دریافت کرد، به او نامه‌ای نوشت و درخواست کرد که یک کپی از موافقت‌نامه عاریه با موزه ملی را «هرچه زودتر» ارسال نماید. وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که در حال آماده‌سازی لایحه حقوقی راجع به نمونه‌های ماتریس است و «ضرورت دارد که به یک موضع قوی متکی باشیم تا در برابر ادعای ایران جهت انتقال اموال مقاومت نمائیم». وزارت امور خارجه ایالات متحده اشاره کرد که اگر «بر موضع محکمی اتکاء نداشته باشیم و دیوان علیه ما حکم صادر کند دولت ایالات متحده مجبور میشود که نگهدارنده مال مورد ادعا را که مال را در اختیار دارد مسئول بدانیم و جهت اجرای حکم باو مراجعه کنیم». وزارت امور خارجه ایالات متحده از دکتر لی خواست تا «فوراً» پاسخ دهد.

۱۱۶۳ - با توجه به این که هیچ پاسخی از دکتر لی دریافت نشد، وزارت امور خارجه ایالات متحده در نهم آبان ۱۳۶۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۹] مجدداً به او نامه‌ای نوشت و اظهار داشت:

> یک کپی از نامه‌ای که شما به قسمت حافظ منابع [کذا] ایران در فوریه ۱۹۸۳ نوشته‌اید جوفاً ارسال میگردد. در آن نامه شما اظهار داشته‌اید که نمونه‌های صخره را به ایران برخواهید گردانید. ... شما بعنوان نگاهداری غیرقانونی مالی که به ایران تعلق دارد شناخته خواهید شد مگر اینکه ما بتوانیم یک کپی از قرارداد وام را ارائه دهیم. همانطور که [ما] قبلاً هم تذکر [داده‌ایم] در مورد چنین ادعائی، دولت ایالات متحده باید برای اجرای حکم دیوان به نگاهدارنده مال، در این مورد شما، مراجعه نماید.

خواهشمند است توجه نمائید که [ما] از شما تقاضا [کردیم] که فوراً به نامه قبلی [ما] پاسخ بدهید. موجب امتنان خواهد شد اگر شما فوراً با [ما] تماس حاصل کنید و [ما را] آگاه سازید که چرا نتوانسته‌اید به درخواست [ما] برای یک رونوشت از قرارداد وام با موزه پاسخ بدهید.

... شما باید فوراً با ما همکاری نمائید تا اینکه بتوانیم گزارش خود را برای دیوان تکمیل نمائیم.[۵۷۰]

۱۱۶۴ - ایران در گزارش ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان تأیید کرد که دفتر حفاظت منافع ایران اقلام مذکور را دریافت نکرده است.

۱۱۶۵ - وزارت امور خارجه ایالات متحده در پنجم تیر ۱۳۶۹ [۲۶ ژوئن ۱۹۹۰] نامه‌ای به دکتر لی نوشت و از جمله اظهار داشت که «گرچه [وزارت امور خارجه ایالات متحده] سعی کرده [بوده است] درباره حقوق شما نسبت به مال مورد اختلاف ... پاسخی دریافت [نماید]، سابقه امر نزد ما هیچ همکاری از طرف شما را ... نشان نمیدهد».

۱۱۶۶ - دکتر لی روز بعد به وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که او نمونه‌های ماتریس و فسیل‌های استخراج شده را در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] به دفتر حفاظت منافع ایران حمل کرده بود، و کپی مدرک حمل را به عنوان اثبات این امر ارائه کرد. تیتر مدرک حمل «بارنامه مستقیم» بود که نشان می‌دهد که در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] «پرشین کارپت، دورهام، کارولینای شمالی» «۳ جعبه چوبی حاوی فسیل‌ها» را به «دفتر حفاظت منافع ایران، سفارت الجزایر» در واشینگتن دی.سی. حمل کرده است و وزن محموله شامل جعبه‌ها ۲۷۰ پوند بوده است. «پرشین کارپت» تجارتی است که دکتر لی و همسرش در دورهام دارند. دکتر لی در شهادت‌نامهٔ خود اظهار داشت که حمل مورخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] شامل نمونه‌های ماتریس و نیز چند فسیل که او استخراج کرده بود، می‌شد، و او معتقد بود که آن اقلام همراه با «نوعی از فهرست بسته‌بندی

---

[۵۷۰] تأکید از متن اصلی است.

در جعبه‌ها» بوده؛ او اظهار داشت که در هر حال، بسته‌ها همراه با «نوعی نامهٔ توضیح دهنده‌ای بود که مواد مذکور را مشخص می‌کرد».

۱۱۶۷ - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان به ایران اطلاع داد که دکتر لی «فسیل‌ها» را در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] به دفتر حفاظت منافع ایران حمل کرده بود و مدارک مربوط به حمل را ارائه کرد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۱۶۸ - ایران مدعی است که دکتر لی از استرداد نمونه‌های ماتریس و فسیل‌های استخراج شده امتناع کرد؛ زیرا او معتقد بود که بر اساس موافقت‌نامه ادعایی عاریه که با موزه ملی داشت، حق نگه داشتن آن‌ها را داشته است. بدین ترتیب، ایران استدلال می‌کند که دکتر لی معترض حق ایران بر مالکیت اموال خود از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بوده است. بنابراین، وفق اظهارات ایران، ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را برای مدتی که دکتر لی معترض مالکیت بوده و از استرداد اموال امتناع می‌کرده، نقض کرده است.

۱۱۶۹ - به علاوه، ایران مدعی است که ایالات متحده همچنان نقض تعهد را ادامه می‌دهد؛ زیرا اموال ایران حتی پس از این که دکتر لی اعتراضی به تصرف نداشته نیز، مسترد نشده است. ایران در این رسیدگی‌ها تصدیق می‌کند که دفتر حفاظت منافع ایران سه جعبه از دکتر لی در اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] دریافت کرده است اما انکار می‌کند که آن جعبه‌ها حاوی اقلامی بوده اند که اساساً دکتر لی از موزه ملی دریافت کرده و فسیل‌هایی که او استخراج کرده بوده باشد. ایران در ۱۴ مهر ۱۳۷۴ [ششم اکتبر ۱۹۹۵] در لایحه و مدارک خود در پرونده‌های حاضر برای نخستین بار ابراز می‌دارد که آن محموله حاوی «فسیل‌ها»یی نبوده است که موزه ملی

به دکتر لی امانت داده بوده، بلکه صرفاً حاوی «سه جعبه سنگ... بدون فهرست هویت و یا کارت اطلاعات» بوده است. ایران اظهار می‌دارد که «این که چه چیزی در این محموله بوده کاملاً نامعلوم است» و تأکید می‌کند که «فسیل‌ها»ی در اختیار دکتر لی هیچ‌گاه نه توسط ایران و نه توسط موزه ملی دریافت نشد.

۱۱۷۰ - ایران در جلسه استماع، آقای علی ادهمی میرحسینی که در زمان‌های مربوطه مدیر مشترک موزه ملی و مدیر مرکز تحقیقات موزه بوده است را به عنوان شاهد معرفی کرد. آقای ادهمی شهادت داد که نه او و نه مختصصان او هیچ اطلاعات دقیقی از «تعداد و وضعیت فسیل‌ها»ی مربوطه در ادعای ز-۱۱۵ نداشته‌اند. علی‌الخصوص، او «هیچ مدرکی در مورد تعداد و کمّ و کیف» آن‌چه موزه ملی برای دکتر لی ارسال کرده بود، نداشت. آقای ادهمی اظهار داشت که او «صرفاً یک صورت‌حساب» را دیده که متضمن این بوده که پنج جعبه حاوی نمونه‌های فسیلی و یک جعبه شامل «شیشه‌های آزمایشگاهی، حاوی امعاء و احشاء» پرندگان «پارک ملی مرکزی» برای دکتر لی ارسال شده است. آقای ادهمی گفته که پس از سال‌های بسیار موزه ملی «صرفاً سه جعبه که پاره شده بوده» و حاوی «چند فقره رسوبات و چند سنگ با شبه فسیل بر روی آن و نه خود فسیل‌ها، و نه اطلاعاتی در مورد آن، و بدون نام‌گذاری علمی» را پس گرفته است؛ موزه ملی «هیچ اطلاعاتی در مورد فسیل‌ها [یا] هیچ اطلاعاتی در مورد نمونه‌های امعاء و احشاء پرندگان» را از دکتر لی دریافت نکرده است. آقای ادهمی در پاسخ به سؤالات داوران تأیید کرد که او هیچ‌گاه شخصاً جعبه‌های حاوی مواد، شامل امعاء و احشاء پرندگان که او اظهار می‌دارد برای دکتر لی ارسال شده بود را ندیده است. او در مورد سه جعبه‌ای که دفتر حفاظت منافع ایران در سال ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] از دکتر لی دریافت کرده بوده، اظهار داشت که او آن‌ها را در ایران، حدود یک سال و نیم بعد، زمانی دیده است که «ما [سه جعبه] را در وضعیت نه چندان خوبی دریافت کردیم».

۱۱۷۱ - ایران به نحو جایگزین استدلال می‌کند که اگر دیوان حکم کند که دکتر لی اموال را مسترد کرده است، ایالات متحده ناقض تعهد خود بابت مدتی خواهد بود که دکتر لی معترض مالکیت بوده و از استرداد اموال مذکور امتناع می‌کرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۱۷۲ - ایالات متحده هرگونه مسؤولیت بابت این ادعا را منکر است. ایالات متحده از جمله مدعی است که هیچ تعهدی برای ایالات متحده ذیل بند ۹ نمی‌توانسته قبل از هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] یعنی زمانی که ایران در لایحه‌ای در مقابل دیوان به ایالات متحده اطلاع داد که نمونه‌های ماتریس در اختیار دکتر لی است مطرح باشد.[۵۷۱] ایالات متحده تأکید می‌کند که آن دولت بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط ایران، مدت کمی پس از آن، تمام اقدامات معقول برای بررسی ادعای ایران را به عمل آورده و ترتیبات انتقال نمونه‌های ماتریس و فسیل‌های استخراج شده به ایران را فراهم کرده است. ایالات متحده اظهار می‌دارد که در واقع، در پاسخ به نامه‌های وزارت امور خارجه ایالات متحده بود که دکتر لی نهایتاً در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] اقلام مذکور را به دفتر حفاظت منافع ایران حمل کرد.

۱۱۷۳ - ایالات متحده تأکید می‌کند که این محموله شامل تمام اقلامی بوده که دکتر لی ابتدائاً از موزه ملی دریافت کرده بود، و شامل فسیل‌هایی است که او استخراج کرده بود. طبق اظهار ایالات متحده، ایران اثبات نکرده است که محموله حاوی تمام آن مواد نبوده است. ایالات متحده اشاره می‌کند که در حقیقت، ایران حتی مدارک مستندی ارائه نکرده است که موزه ملی در ابتدا چه اقلامی را به مقصد دکتر لی فرستاده بود.

---

[۵۷۱] *بنگرید به* بند ۱۱۵۴، بالا.

۱۱۷۴ - ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که هرگونه تأخیر در استرداد نمونه‌های ماتریس و فسیل‌های استخراج‌شده به ایران قابل انتساب به ایالات متحده نیست، بلکه منتسب به اقدامات شخصی دکتر لی است که ایالات متحده را در مورد موقعیت اموال مذکور گمراه کرده، اقداماتی که خودِ قصور ایران آن‌ها را تسهیل کرده بود.

*(ت) تصمیم دیوان*

۱۱۷۵ - اختلافی وجود ندارد که موزه ملی مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعوای است.

۱۱۷۶ - به علاوه، اختلافی میان طرفین وجود ندارد که دفتر حفاظت منافع ایران در اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] محموله‌ای را شامل سه جعبه نمونه‌های ماتریس از دکتر لی دریافت کرد، که آقای ادهمی، شاهد ایران، آن‌ها را «برخی رسوبات و سنگ‌هایی شبه فسیلی» وصف کرده است.[۵۷۲] مسئله در پیش‌گاه دیوان این است که آیا محموله مذکور، موادی که موزه ملی اساساً به دکتر لی ارسال کرده بود و نیز فسیل‌هایی که او از ماتریس‌ها استخراج کرده بود را شامل می‌شود یا خیر.

۱۱۷۷ - دیوان برای این‌که مشخصاً معلوم کند (۱) موزه ملی در نیمهٔ دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸ یا اوایل ۱۹۷۹] کدام اقلام را برای دکتر لی ارسال کرده بود؛ و (۲) فسیل‌هایی که او استخراج کرده بود، چه کمیتی داشته و از چه نوعی بوده است با کمبود مدارک مواجه است. هیچ ادلهٔ مستندی که هیچ یک از آن مواد را شناسایی کند ارائه نشده است. دکتر لی در شهادت‌نامه خود تخمین زده است که موزه ملی اساساً در مجموع ۳۶ تا ۴۸ نمونه ماتریس ارسال کرده که وزن آن‌ها کمتر از ۱۵ پوند (و تعداد زیادی از آن‌ها بسیار کم‌تر) بوده است.[۵۷۳] دکتر لی

---

[۵۷۲] *بنگرید به* بند ۱۱۷۰، بالا.

[۵۷۳] *بنگرید به* بند ۱۱۴۸، بالا.

در شهادت خود در جلسه استماع اظهار داشت که امعاء و احشاء پرندگان در محموله موزه ملی موجود نبوده است. به علاوه، او اظهار داشته است که وی همچنین در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] ۵۲ فسیل استخراج شده، به تعبیر دقیق‌تر، شامل ۵۲ استخوان سالم را به دفتر حفاظت منافع ایران مسترد کرده است.

۱۱۷۸ - ایران هیچ مدرک یا اطلاعات مشخصی در مورد اقلامی که موزه ملی ابتدائاً برای دکتر لی فرستاد ارائه نکرده است. آقای ادهمی، شاهد ایران، اظهار داشت که او هیچ گونه اطلاعات دقیقی از کم و کیف آن اقلام ندارد، و این که در حقیقت، او هیچ‌گاه شخصاً هیچ یک از آن‌ها را ندیده است.[۵۷۴] به علاوه، آقای ادهمی در مورد سه جعبه‌ای که دکتر لی در اردیبهشت ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] به دفتر حفاظت منافع ایران حمل کرد، اظهار داشت که او آن‌ها را برای نخستین بار یک‌سال و نیم بعد در ایران دیده است. مطابق شهادت او، سه جعبه پاره و حاوی «برخی رسوبات و سنگ‌هایی با شبه فسیل بر روی آن» بوده، اما نه هر گونه فسیل یا «نمونه‌های امعاء و احشاء پرندگان».[۵۷۵]

۱۱۷۹ - دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدماتی قانع نشده است که شیشه‌های حاوی امعاء و احشاء پرندگان هیچ‌گاه برای دکتر لی ارسال شده باشد. در مقابل، دیوان بر اساس نامه مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۰ [۱۴ مارس ۱۹۸۲] وزارت امور خارجه ایران به دفتر حفاظت منافع آن کشور[۵۷۶] قانع شده است که شیشه‌هایی با آن مشخصات در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] توسط «سازمان حفاظت از محیط زیست» ایران به موزه تاریخ طبیعی شهرستان لوس آنجلس ارسال شده است.[۵۷۷] چنین شیشه‌هایی با ادعای ز-۱۱۵ بی‌ارتباط است.

---

[۵۷۴] *بنگرید به* بند ۱۱۷۰، بالا.

[۵۷۵] *بنگرید* همانجا.

[۵۷۶] *بنگرید به* بند ۱۱۵۱، بالا.

[۵۷۷] *بنگرید به* بندهای ۱۱۵۱-۱۱۵۲، بالا.

۱۱۸۰ - به علاوه، دیوان مقرر می‌دارد که من حیث المجموع، مدارک موجود بیش‌تر این یافته را تأیید می‌کند که دکتر لی در اردیبهشت ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] هم نمونه‌های ماتریس و هم فسیل‌های استخراج‌شده‌ای را که در اختیار داشت را به دفتر حفاظت منافع ایران ارسال کرد. دیوان در رسیدن به این نتیجه، عوامل زیر را در نظر می‌گیرد. نخست، شهادت‌نامهٔ دکتر لی و شهادت وی در جلسه استماع، تنها ادلهٔ موجود در سوابق پرونده است که هم اقلامی را تشریح می‌کند که موزه ملی ابتدائاً برای دکتر لی ارسال کرده است و هم اقلامی که دکتر لی به دفتر حفاظت منافع ایران فرستاده است. دکتر لی از وقایع مربوطه اطلاعات دست اول داشته است. این دلیل مستلزم ادله معارض از سوی ایران است که ایران نتوانست ارائه کند. آقای ادهمی، شاهد ایران، مسلماً هیچ اطلاع شخصی از محتویات هیچ یک از محموله نخستین موزه ملی برای دکتر لی یا محموله اردیبهشت ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] دکتر لی برای دفتر حفاظت منافع ایران ندارد. به علاوه، این موضوع که سه جعبه‌ای که آقای ادهمی در سال ۱۳۷۰/۱۳۷۱ [۱۹۹۲] یا ۱۳۷۱/۱۳۷۲ [۱۹۹۳] در ایران مشاهده کرده است، حاوی هیچ یک از فسیل‌های استخراج شده نبوده و صرفاً شامل ماتریس‌ها بوده، اثبات نمی‌کند که دفتر حفاظت منافع ایران هیچ‌یک از فسیل‌ها را در اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] در واشینتگن دی.سی. دریافت نکرده بود. آقای ادهمی اظهار داشته است که سه جعبه‌ای که او دیده، «پاره» بوده است. بدین ترتیب، ممکن است که فسیل‌ها طی انتقال از واشینگتن دی.سی به ایران مفقود شده باشد.

۱۱۸۱ - دوم و از همه مهم‌تر این که هیچ مدرکی وجود ندارد، و ایران هم ادعا نکرده است، که دفتر حفاظت منافع ایران، موزه ملی، یا ایران به طور هم‌زمان یا از دکتر لی یا از ایالات متحده شاکی باشند که محموله مورخ اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] دکتر لی حاوی تمام نمونه‌های ماتریس که در تصرف دکتر لی قرار داشت و فسیل‌های استخراج‌شده نبوده است. تنها در ۱۴ مهر ۱۳۷۴ [ششم اکتبر ۱۹۹۵] برای نخستین بار بود که ایران در لایحه و مدارک خود در پرونده‌های حاضر اظهار داشت که آن محموله حاوی اقلام مورد اختلاف نبوده است.

این قصور در اعتراض هم‌زمان بار اثبات سنگینی را بر دوش ایران می‌نهد[۵۷۸] که ایران نتوانسته است از عهده آن برآید.

۱۱۸۲ - دیوان از عدم صداقت دکتر لی در قبال دفتر حفاظت منافع ایران و وزارت امور خارجه ایالات متحده ناخشنود است. علی‌رغم این، دیوان در اوضاع و احوال کنونی متقاعد شده است که دکتر لی در اردیبهشت ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] واقعاً تمام ماتریس‌ها و فسیل‌های استخراج‌شده‌ای را که در اختیار داشت به دفتر حفاظت منافع ایران ارسال کرده است. دیوان در رسیدن به این نتیجه، اثر اقناعی و غیرقابل انکار ادبیات آمرانه مکاتبات وزارت امور خارجه ایالات متحده با دکتر لی در نیمه دوم ۱۳۶۸ [اواخر سال ۱۹۸۹] که به نتایج نامطلوب اشاره می‌کند را نیز مدنظر قرار داده است.

۱۱۸۳ - اکنون دیوان به مسئله مسؤولیت ایالات متحده می‌پردازد. ایالات متحده نخست در هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] مطلع شد که اموال مربوطه در ادعای ز-۱۱۵ در بخش آناتومی دانشگاه کارولینای شمالی، چپل هیل قرار داشته و در اختیار دکتر لی بوده، یعنی زمانی که ایران پاسخ خود را به درخواست ایالات متحده برای کسب اطلاعات بیش‌تر ارائه کرد.[۵۷۹] بدین ترتیب، مسئله ذی‌ربط، این است که از آن زمان تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] که دکتر لی نهایتاً اموال مذکور را ارسال کرد، آیا ایالات متحده هر آن‌چه به نحو معقول می‌توانسته

---

[۵۷۸] به عنوان قیاس، بنگرید به رویه دیوان در پرونده‌های قراردادی (*وستینگهاوس الکتریک کورپوریشن و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۲-۳۸۹-۵۷۹، بندهای ۱۴۱ و ۲۷۱ (ششم فروردین ۱۳۷۶ [۲۶ مارس ۱۹۹۷]) منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۳، ص‌ص ۶۰، ۱۰۵-۱۰۶، و ۱۳۹-۱۴۰؛ *ریچارد دی هارزا و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲، بند ۹۹ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ [دوم مه ۱۹۸۶])، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۱، ص ص ۷۶، ۱۱۴؛ *آستین کامپانی و ماشین سازی اراک و دیگران*، حکم شماره ۲-۲۹۵-۲۵۷، بندهای ۳۱-۳۲ (هشتم مهر ۱۳۶۵ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶]) منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۲۸۸، ۲۹۴-۲۹۵).

[۵۷۹] *بنگرید به* بند ۱۱۵۴، بالا.

برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص انجام اقدامات به منظور حصول اطمینان از این که ماتریس‌ها و فسیل‌های استخراج‌شده در اختیار دکتر لی به ایران منتقل شود را انجام داده است یا خیر.[۵۸۰]

۱۱۸۴ - ایالات متحده پس از این که در هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] توسط ایران مطلع شد که دکتر لی اموال ادعایی را در اختیار داشته، در همان سال با دکتر لی ارتباط برقرار کرد. همان‌طور که گفته شد، دکتر لی با این ادعا که او آن اموال را پیشاپیش به ایران مسترد کرده است ایالات متحده را منحرف کرد. بدین ترتیب، ایالات متحده در گزارش مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان اطلاع داد که دکتر لی اموال مذکور را در اسفند ۱۳۶۲ [مارس ۱۹۸۴] به دفتر حفاظت منافع ایران مسترد کرده است.[۵۸۱]

۱۱۸۵ - ایران در گزارش مورخ ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان ایالات متحده را مطلع کرد که دفتر حفاظت منافع ایران اقلام مذکور را دریافت نکرده و مدارک اثبات حمل را خواست.[۵۸۲] با این حال، صرفاً در ۱۲ مهر ۱۳۶۴ [چهارم اکتبر ۱۹۸۵] بود که ایالات متحده نامه‌ای به دکتر لی نوشت و جویای اقلام مذکور شد و درخواست کرد که او «فوراً» مدارک حمل را به ایالات متحده ارائه کند.[۵۸۳] اما، دکتر لی چنین نکرد و ایالات متحده موضوع را از او پیگیری ننمود. در عوض، ایالات متحده در گزارش مورخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان تکرار کرد که اقلام مذکور در ۱۱ اسفند ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۴] به دفتر حفاظت منافع ایران حمل شده است.[۵۸۴] ایران در گزارش مورخ ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] خود به دیوان به نوبه خود منکر این شد که دفتر حفاظت منافع ایران آن اقلام را دریافت کرده باشد و مجدداً خواهان مدارک اثبات حمل

---

[۵۸۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

[۵۸۱] *بنگرید به* بندهای ۱۱۵۵–۱۱۵۶، بالا.

[۵۸۲] *بنگرید به* بند ۱۱۵۷، بالا.

[۵۸۳] *بنگرید به* بند ۱۱۵۸، بالا.

[۵۸۴] *بنگرید به* بند ۱۱۵۹، بالا.

شد.[۵۸۵] اما ایالات متحده قبل از ارتباط گرفتن برای یک بار دیگر با دکتر لی تا ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] تأخیر کرد.[۵۸۶]

۱۱۸۶ - از آن تاریخ، ایالات متحده بر دکتر لی فشار مداوم آورد که نهایتاً سبب شد که او اموال ادعایی را در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] به دفتر حفاظت منافع ایران ارسال کند.[۵۸۷]

۱۱۸۷ - دیوان با عنایت به اوضاع و احوال بالا حکم می‌کند که ایالات متحده از اواخر سال ۱۳۶۳ [اوایل سال ۱۹۸۵] تا ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] در انجام کلیهٔ اقدامات معقول بابت حصول اطمینان از این که دکتر لی اموال ادعایی را به ایران انتقال دهد قصور کرده است. از ایالات متحده در طول آن مدت به طور معقول انتظار می‌رفت که موضوع را با دکتر لی پیگیری کند، و به طور مهم این که او را تحت فشار قرار دهد تا مدارک حملِ درخواستی را ارائه کند. با این حال، ایالات متحده چنین نکرده است.

۱۱۸۸ - بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده طی ۱۰ اسفند ۱۳۶۳ [اول مارس ۱۹۸۵] تا ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص انجام اقدامات به منظور حصول اطمینان از این امر می‌باشد که ماتریس‌ها و فسیل‌های استخراج شده که در اختیار دکتر لی بود، به ایران منتقل شود. این نقض در ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] یعنی زمانی پایان یافت که وزارت امور خارجه ایالات متحده نامه‌ای به دکتر لی نوشت و درخواست خود بابت مدارک حمل را تکرار کرد و فعالانه و متداوماً شروع به پیگیری مسئله نمود. دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده از آن تاریخ، هرآن‌چه به طور معقول می‌توانسته برای انجام تعهد خود

---

[۵۸۵] *بنگرید به* بند ۱۱۶۰، بالا.

[۵۸۶] *بنگرید به* بند ۱۱۶۱، بالا.

[۵۸۷] *بنگرید به* بندهای ۱۱۶۱–۱۱۶۶، بالا.

ذیل بند ۹ انجام دهد تا اطمینان حاصل کند که دکتر لی اقلام مذکور را انتقال دهد، را انجام داده است. در واقع، وی این کار را در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] به انجام رساند.

۱۱۸۹ - دیوان بر اساس آن‌چه در بالا آمد در ادعای ز-۱۱۵ ایالات متحده را ناقض تعهد خود ذیل بند ۹، چنان که در بالا در بندهای ۱۱۸۷ و ۱۱۸۸ گفته شد، تلقی می‌کند.

(۲۲) ادعای ز-۱۶۲ (بانک صادرات ایران/نان-فروس متال اکسچنج)

*(الف) مقدمه*

۱۱۹۰ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۶۲ بازپرداخت ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا پرداختی توسط شرکت خصوصی ایرانی به نام شرکت ایران ریام («ریام») بابت خرید یک محموله کابل‌های سیم مسی از شرکتی آمریکایی به نام نان-فروس متال اکسچنج («ان اف ام ای») در تیر/مرداد/شهریور ۱۳۵۸ [ژوئیه/اوت سال ۱۹۷۹] می‌باشد. پرداخت مذکور از طریق اعتبار اَسنادی ارائه‌شده توسط ریام صادره از بانک صادرات ایران («بانک صادرات») به نفع ان اف ام ای انجام شده بود.

*(ب) پیشینه موضوعی*

۱۱۹۱ - ان اف ام ای با تلکس مورخ سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] پیش‌نهاد کرد که ۳۰۰ تا ۵۰۰ تن کابل سیمی مسی را به قیمت ۲،۰۱۲ دلار آمریکا برای هر تن، با شرایط «سی اند اف»، و «شامل بارگیری و تخلیه توسط حمل‌کننده به مقصد خرمشهر و/یا بندر شاهپور ... تاریخ تحویل سپتامبر/اکتبر یا قبل از آن» به انتخاب ان ام اف ای به ریام بفروشد. ریام، متعاقب پیش‌نهاد ان اف ام ای، باید قیمت خرید مذکور را از طریق اعتباری اَسنادی تأیید شده به محض ارائه مدارک پرداخت می‌کرد.

۱۱۹۲ - ریام در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ [هفتم اوت ۱۹۷۹] از طریق بانک صادرات یک اعتباری اسنادی به مبلغ ۶۰۳،۶۰۰ دلار آمریکا به نفع ان اف ام ای از طریق بانک آمریکا، لس آنجلس («بانک آمریکا») صادر کرد. مطابق نامه مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹] بانک آمریکا به بانک صادرات، ضمن ارسال اصل مدارک تعیین شده،[۵۸۸] اعتبار اسنادی مذکور محموله ۳۰۰ تن متریک کابل سیمی مسی را پوشش می‌داد. آن اقلام در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ [۱۰ سپتامبر ۱۹۷۹] از طریق کشتی هلنیک آیدیل از سینت‌جان، نیوبرانزویک کانادا به ایران حمل شده بود.

۱۱۹۳ - بانک آمریکا مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا را مطابق اعتبار اسنادی مذکور به ان اف ام ای پرداخت و سپس عین مبلغ را به خود بازپرداخت کرد.

۱۱۹۴ - ریام و ان اف ام ای متعاقباً توافق کردند که کالاهای حمل‌شده به ان اف ام ای در ایالات متحده مسترد شود. بر این اساس، آن‌ها معامله مذکور را بی‌اثر کردند. ان اف ام ای در تلکسی بدون تاریخ به ریام که قبل از ۲۴ مهر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۹] ارسال شده است نوشت:

> پیرو مذاکرات موسع ما ... به ناچار موافقت کردیم محموله را عوض کنیم. با این‌حال برای احتراز از تأخیر طولانی استثنائاً موافقت می‌کنیم که در قبال تسلیم مدارک کامل حمل در محدودهٔ اعتبار اسنادی، مبلغ ۶۰۳،۵۹۷/۶۹ دلار آمریکا به بنک آو آمریکا بازپرداخت کنیم.

بدین ترتیب، بانک آمریکا در تلکسی مورخ ۲۴ مهر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۹] به بانک صادرات اظهار داشت:

> بازگشت به تلکس ۲۴ مهر [۱۶ اکتبر] شما در خصوص مدارک مربوط به اعتبار اسنادی شما ... مشتری شما ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا را رد کرد ... ما امروز نامهٔ تأییدیه ذینفع را، که توافق کرده با دریافت کلیه مدارک حمل، بازپرداخت کند، دریافت نمودیم.

---

[۵۸۸] این مدارک مرکب است از هشت صورت‌حساب تجاری، سه گواهی منشاء، سه رسید کارگزار حمل و نقل و سه فهرست بسته‌بندی.

۱۱۹۵ - بانک صادرات با نامه مورخ ۲۸ مهر ۱۳۵۸ [۲۰ اکتبر ۱۹۷۹] مدارک حمل را به بانک آمریکا مسترد کرد و از بانک آمریکا درخواست کرد که: (۱) «مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا که وجه مربوط به مدارک است را به حساب ما واریز»؛ و (۲) اعتبار اسنادی مذکور را لغو کند.

۱۱۹۶ - بانک آمریکا با تلکس اول اسفند ۱۳۵۸ [۲۰ فوریه ۱۹۸۰] به بانک صادرات تأیید کرد که مدارک حمل را در ۲۲ آبان ۱۳۵۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۹] دریافت کرده است. بانک آمریکا در تلکس خود مضافاً اطلاع داد که: (۱) آن بانک در ۳۰ آبان ۱۳۵۸ [۲۱ نوامبر ۱۹۷۹] با نامه‌ای از ان اف ام ای خواسته بود که مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکای مذکور را مسترد کند اما بانک آمریکا هنوز مبلغ مذکور را دریافت نکرده بود؛ و (۲) بانک آمریکا مدارک حمل را در اختیار داشت و در انتظار دستورالعمل‌های بانک صادرات بابت تعیین تکلیف آن بود.

۱۱۹۷ - ریام در ۲۱ اسفند ۱۳۵۸ [۱۱ مارس ۱۹۸۰] نامه‌ای به ان اف ام ای نوشت و شماری از روش‌های جایگزین برای فیصله دادن به موضوع پیش‌نهاد داد. پیش‌نهادهای ریام مشتمل بر انتقال ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکای مذکور به بانکی در انگلستان بود.

۱۱۹۸ - بانک آمریکا با تلکس مورخ چهارم فروردین ۱۳۵۹ [۲۴ مارس ۱۹۸۰] به بانک صادرات تکرار کرد که همچنان مدارک حمل را در اختیار دارد و از بانک صادرات درخواست کرد که روشن کند در صورتی که ان اف ام ای قادر یا مایل نبود که مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکای مذکور را بازگرداند، آیا آن مدارک باید به بانک صادرات مسترد شود یا خیر.

۱۱۹۹ - ان اف ام ای در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ [۱۵ آوریل ۱۹۸۰] نامه‌ای به ریام نوشت و از جمله اطلاع داد که وکلای ان اف ام ای با بانک آمریکا در حال مذاکره بودند تا راهی برای انتقال وجوه مذکور به بانک صادرات بیابند و هم‌زمان، از انسداد وجوه توسط دولت ایالات متحده ممانعت به عمل آورند.

۱۲۰۰ - ریام با تلکس جوابیه در ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ [۱۹ آوریل ۱۹۸۰] به ان اف ام ای اطلاع داد که بانک صادرات «بسیار مشتاق» دریافت مبلغ است و بانک صادرات مایل است آن مبلغ به شعبه‌اش در لندن منتقل شود.

۱۲۰۱ - ایران در این رسیدگی‌ها ادعا می‌کند که ریام در زمانی میان اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰] و ۲۹ دی ۱۳۵۸ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۰] منحل شده است.

۱۲۰۲ - هیچ مدرکی از مکاتبات بیش‌تر میان نهادهای مختلف مربوطه تا ۲۵ فروردین ۱۳۸۳ [۱۴ آوریل ۱۹۸۳]، یعنی زمانی که بانک صادرات تلگرامی را به بانک آمریکا ارسال کرده است، وجود ندارد. بانک صادرات ضمن ارجاع به رفع انسداد از اموال ایران توسط دولت ایالات متحده، درخواست کرد که بانک آمریکا مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا که مطابق اعتبار اسنادی به ان اف ام ای پرداخت شده بود را به شعبه نیویورک بانک صادرات منتقل کند.

۱۲۰۳ - بانک آمریکا در اول اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۱ آوریل ۱۹۸۳] تلاش کرد تا به منظور گرفتن مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکای مذکور برای بانک صادرات، با نامه‌ای سفارشی با ان اف ام ای تماس بگیرد. نامه بانک آمریکا توسط خدمات پستی ایالات متحده در ششم فروردین ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] برگشت خورد و روی آن نوشته «تلاش شد — شناخته نشد».

۱۲۰۴ - بانک آمریکا در هفتم فروردین ۱۳۶۲ [۲۷ آوریل ۱۹۸۳] تلکسی به بانک صادرات ارسال کرد و از تلاش ناموفق خود بابت برقراری تماس با ان اف ام ای، و این که هیچ اطلاعات تماسی از ان اف ام ای موجود نبوده، خبر داد. بانک آمریکا مضافاً به بانک صادرات اطلاع داد که به نگه‌داشتن مدارک حمل در دسترس بانک صادرات ادامه خواهد داد، و این که بیش از این در راستای کسب بازپرداخت وجوه تلاش نخواهد کرد.

*(پ) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۲۰۵ - موضع ایران چنان‌که نهایتاً در جلسات استماع عنوان شده، از قرار زیر است. ایران به عنوان مسئله‌ای مقدماتی مدعی است که بانک صادرات با پرداخت مبلغ اعتبار اسنادی بدون بازیافت وجوه از مشتری خود، ریام، منتقل‌الیه ریام در قبال ان اف ام ای شده است. ایران همچنین مدعی است که پس از این که ریام و ان اف ام ای موافقت‌نامه خرید اولیه راجع به کابل‌های سیمی مسی را بی‌اثر کردند، بانک صادرات به عنوان خواهان ادعای ز-۱۶۲ و ان اف ام ای موافقت‌نامه جدیدی منعقد نمودند. ان اف ام ای مطابق این موافقت‌نامه جدید متعهد شد که مبلغ اعتبار اسنادی را در ازای اصل مدارک حمل به بانک صادرات بدهد. ایران تأکید می‌کند که از آن زمان به بعد، تمام طرفها پذیرفتند که ان اف ام ای مطابق «موافقت‌نامه بازپرداخت» جدید مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا به بانک صادرات بدهکار است. به نظر ایران، این «موافقت‌نامه بازپرداخت» مستقل از موافقت‌نامه فروش اولیه میان ان‌اف‌ام‌ای و ریام است.

۱۲۰۶ - ایران استدلال می‌کند که مسؤولیت ان اف ام ای نسبت به بانک صادرات نمود اموالی از ایران است که باید در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران منتقل می‌شد. وفق اظهارات ایران، این امر موجد مسؤولیت ذیل مفاد بخش (الف) ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری است. ایران مدعی است که ایالات متحده با قصور در انجام ترتیبات بابت انتقال «مبلغ مشمول پرداخت به بانک صادرات» تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است، و خسارات وارده به ایران، مساوی مقدار آن پرداخت می‌باشد. ایران به نحو جایگزین استدلال می‌کند که ایالات متحده بنا بر بند ۸ و اصل کلی الف متعهد است که مبلغ ۶۰۳،۵۴۷/۶۹ دلار آمریکا که وفق اعتبار اسنادی توسط بانک صادرات پرداخت شده را به ایران بازپرداخت نماید.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۲۰۷ - ایالات متحده از جمله مدعی است که بانک صادرات مالک پرداختی که وفق اعتبار اسنادی انجام شده، نمی‌باشد. ایالات متحده استدلال می‌کند که بانک صادرات حداکثر دارای حق بر تقاضای جبران از شریک ادعایی قراردادی خود، یعنی ریام است. با این حال، چنین حقی به عنوان دارایی عینی مشمول محدوده «اموال ایران» وفق بند ۹ نیست.

۱۲۰۸ - ایالات متحده اظهار می‌دارد که بند ۸ و اصل کلی الف نمی‌تواند محملی برای ادعای ایران بابت استرداد پرداخت انجام شده توسط بانک صادرات باشد.

*(ت) تصمیم دیوان*

۱۲۰۹ - به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، تردیدی وجود ندارد که بانک صادرات مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی است.

۱۲۱۰ - ایران در این ادعا مدعی است که ایالات متحده با قصور در انجام ترتیبات انتقال وجوه نقد ادعایی از سوی ان اف ام ای به بانک صادرات، تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است. با این‌حال، چنان‌که فوقاً ذکر شد، دیوان در حکم شماره ۵۲۹ حکم کرده است که محدوده «اموال ایران» در بند ۹ تنها محدود به «اموال عینی» است که می‌تواند «انحصاراً تملک»[۵۸۹] شود. روشن است که هرگونه مسؤولیت ان اف ام ای نسبت به بانک صادرات نشان‌دهنده مالی عینی نمی‌باشد. بدین ترتیب، مسؤولیت مذکور وفق بند ۹ مشمول محدوده «اموال ایران» قرار نمی‌گیرد. نتیجتاً، دیوان ادعای ایران بابت استرداد وجوه نقدی بانک صادرات وفق بند ۹ را رد می‌کند.[۵۹۰]

---

[۵۸۹] *بنگرید به* بند ۹۹، بالا.

[۵۹۰] *همچنین بنگرید به* پانوشت ۴۷۵، بالا.

۱۲۱۱ - دیوان به دلایلی که پیش‌تر در این حکم جزئی اظهار داشته، ادعاهای جایگزین ایران بابت استرداد آن پرداخت وفق بند ۸ و اصل کلی الف را نیز رد می‌کند.[۵۹۱]

(۲۳) ادعاهای مربوط به شرکت پتروشیمی خارک

*(الف) مقدمه کلی*

۱۲۱۲ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۶۵ تا ز-۱۹۰ و ادعاهای الف-۱۹۹۶، ب-۱۹۹۶، پ-۱۹۹۶، ت-۱۹۹۶، و ث/ج-۱۹۹۶ خسارت به اضافه بهره در ارتباط با خریدهای شرکت پتروشیمی خارک از تعدادی فروشندهٔ آمریکایی اقلام مربوط به ساخت و عملیات استخراج گاز طبیعی و تأسیسات فرآوری در جزیره خارک در خلیج فارس است.

*(ب) پیشینه موضوعی مشترک بین تمام ادعاهای مربوط به خارک*

۱۲۱۳ - آموکو اینترنشنال اس.اِی. و شرکت ملی پتروشیمی ایران («شرکت ملی پتروشیمی») به انعقاد یک موافقت‌نامه مشارکت («موافقت‌نامه خمکو») پرداختند. محور موافقت‌نامه خمکو، تأسیس یک شرکت سهامی ایرانی، شرکت پتروشیمی خارک (از این پس، «خارک») با هدف ساخت و عملیاتی کردن کارخانه‌ای برای تولید و بازاریابی سولفور، مایعات گاز طبیعی، و گاز مایع مستخرج از گاز طبیعی بود؛ این گاز به عنوان محصول جانبی نفت خام استخراجی در آن نزدیکی توسط وابسته شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی نفت ایران، و وابسته آموکو اینترنشنال اِس. اِی.، یعنی شرکت بین‌المللی نفت آموکو («آموکو اینترنشنال») تولید می‌شد.[۵۹۲] خارک، کارخانه

---

[۵۹۱] *بنگرید به* بندهای ۲۲۳-۲۳۲ و ۲۴۷، بالا.

[۵۹۲] *اموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۵۶-۳۱۰، بندهای ۱، ۲۸-۲۹ (۲۳ تیر ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷]) *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ص ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۸-۱۹۹ («حکم شماره ۳۱۰»).

پیش‌بینی شده برای فرآوری گاز را در جزیرهٔ خارک، جایگاه ترمینال اصلی حمل نفت خام ایران، ساخت و کارخانه در ۱۱ دی ۱۳۴۸ [اول ژانویه ۱۹۷۰] آغاز به عملیات‌های بازرگانی کرد.[۵۹۳]

**۱۲۱۴ -** خارک در ۱۱ خرداد ۱۳۴۹ [اول ژوئن ۱۹۷۰] قرارداد خدمات خریدی («قرارداد خدمات») را با آموکو اینترنشنال منعقد کرد. قرارداد خدمات مذکور آموکو اینترنشنال را کارگزار خرید خارک تعیین کرده بود. آموکو اینترنشنال، ذیل قرارداد خدمات، متعاقب درخواست‌های مکتوب خارک، باید به نمایندگی و به نام خارک، مواد، تجهیزات، خدمات و تدارکات را می‌خرید، و برای انتقال اقلام مذکور به مقصدشان در ایران، قرارداد منعقد می‌کرد. خارک به نوبه خود توافق کرد که مبلغی برابر با دو درصد مبالغ صورت‌حسابی خارک توسط فروشندگان و پیمان‌کاران بابت آن مواد، تجهیزات، خدمات و تدارکات را به آموکو اینترنشنال بپردازد. خارک مطابق قرارداد خدمات مسؤولیت انحصاری بابت پرداخت هرگونه مبلغ قابل پرداخت را وفق سفارش‌های خرید تسلیم‌شده توسط آموکو اینترنشنال بپردازد و خسارات وارده بر شرکت اخیر در قبال هرگونه خسارت، هزینه، ضرر یا مسؤولیتی که ممکن بود علیه آموکو اینترنشنال راجع به سفارش‌های خرید طرح شود را عهده‌دار شد. قانون حاکم بر قرارداد خدمات مذکور، حقوق ایلینوی بود.

**۱۲۱۵ -** آموکو اینترنشنال در عمل، کالاها را به فروشندگان در سرتاسر ایالات متحده سفارش داد و سپس ترتیبات حمل آن به ایران یا انبار کردن آن در انبارهایی در چندین محل را فراهم آورد. متصدیان حمل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، شرکت جهانی بسته‌بندی صادرات («شرکت بسته‌بندی») و شرکت حمل وورلد ترید («وورلد ترید») بودند که هر دو در هیوستون قرار داشتند. فروشندگان مستقیماً برای خارک صورت‌حساب صادر کردند و خارک مبالغ را بابت کالاها به فروشندگان به صورت مستقیم پرداخت می‌کرد و گاه در زمانی قبل از حمل

---

[۵۹۳] حکم شماره ۳۱۰، بند ۳۰، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۵، ص ۱۹۹.

اقلام، مبالغ کالاها را به فروشندگان پرداخت می‌نمود. سفارش‌های خریدِ داده‌شده توسط آموکو اینترنشنال حاوی یک جای خالی تعیین شده برای پرکردن با عبارت «تحویل به کشتی، شهر یا محل» بود.

۱۲۱۶ - آموکو اینترنشنال میان ۱۳۴۸/۱۳۴۹ [۱۹۷۰] و اواخر ۱۳۵۸ [اوایل ۱۹۸۰] طیف وسیعی از اقلام را به نمایندگی از خارک سفارش داد. در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر سال ۱۹۷۸] پرداخت صورت‌حساب‌های فروشندهٔ خارک عقب افتاد. خارک با تلکس مورخ دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ [۲۲ آوریل ۱۹۷۹] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که تأخیر آن شرکت در پرداخت صورت‌حساب‌های فروشنده، به دلیل ناتوانی‌اش در کسب قبولی از بانک مرکزی ایران بابت انتقال وجوه مورد نیاز بوده، و این که خارک در حال پیگیری مسئله از طریق مدیریت شرکت ملی پتروشیمی بوده است. خارک درخواست کرد که در این میان، آموکو اینترنشنال به رسیدگی به سفارش‌های خارک ادامه دهد.

۱۲۱۷ - بر این اساس، آموکو اینترنشنال در یک مکاتبه داخلی مورخ چهارم اردیبهشت ۱۳۵۸ [۲۴ آوریل ۱۹۷۹] توصیه کرد که به حمل‌کنندگان و تأمین‌کنندگان اطلاع داده شود که: (یک) آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خارک، از محموله‌ها رفع ید می‌کند؛ (دو) خارک درخواست کرده است که بانک مرکزی ایران مجوز انتقال وجوه به منظور پرداخت صورت‌حساب‌ها را بدهد، و تا زمانی که خارک این مجوز را دریافت کند، «تأخیر در پرداخت قابل پیش‌بینی است»؛ و (سه) خارک تنها مسؤول پرداخت صورت حساب‌ها می‌باشد.

۱۲۱۸ - مکاتبه داخلی دیگری از آموکو اینترنشنال مورخ ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ [هفتم اوت ۱۹۷۹] اطلاع داد که به خارک «اخیراً حداقل در دو موقعیت اجازه داده شده است که وجوه دلاری را به خارج از ایران منتقل کند»، و این که معلوم نیست که «آیا مشکلات بیش‌تری در انتقال وجوه ... تجربه خواهد شد یا خیر».

۱۲۱۹ - رئیس جمهور ایالات متحده در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] دستور انسداد را صادر کرد.[۵۹۴]

۱۲۲۰ - آموکوی اروپا با تلکس ۲۴ آبان ۱۳۵۸ [۱۵ نوامبر ۱۹۷۹] به دفاتر آموکو اینترنشنال در شیکاگو و هیوستون اطلاع داد که تمام انتقالات مواد به خارک از آن تاریخ به حال «انسداد» درآمده است.

۱۲۲۱ - یک مقام رسمی از آموکو اینترنشنال با نامه داخلی مورخ ۳۰ اسفند ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] اطلاعات زیر را ارائه کرد:

> سفارش‌های خرید ... خارک به ترتیب عددی، که نشان دهندهٔ فروشنده و محل تحویل کالا می‌باشد در پیوست است. این فهرست برای تمام گزارش‌های دریافتی است که سابقاً در خصوص موادی تهیه شده بود که در حال حاضر، نزد شرکت حمل وورلد ترید در هیوستون می‌باشد. عنایت خواهید داشت که تمام نقاط تحویل کالا در ایالات متحدهٔ قارّه‌ای می‌باشد.
>
> تصوّر می‌کنم که این فهرست، رسیدگی بیش‌ترِ شما به این اقلام را، با توجه به برنامهٔ احتمالی ما به منظور بازگرداندن مواد به فروشنده، امکان‌پذیر خواهد کرد.

به فهرست ضمیمه به این نامه، از این پس تحت عنوان «فهرست اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰]» ارجاع خواهد شد.

۱۲۲۲ - فهرست دیگری با نامه داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ [۱۶ آوریل ۱۹۸۰] به شرح زیر توزیع گردید:

> ضمیمه، حاوی فهرستی از تعداد سفارش‌های خریدی است که نشان دهندهٔ مبالغ صورت حساب‌هاست که مجموع آن‌ها حدوداً ۷۲،۰۰۰ دلار آمریکا می‌باشد.
>
> با این حال، باید عنایت داشته باشید که این فهرست صرفاً پوشش دهندهٔ موادی است که در حال حاضر در انبار کارگزار حمل و نقل در هیوستون می‌باشد. بسیار محتمل است که صورت حساب‌های پرداخت‌نشدهٔ دیگری نیز موجود باشد. ...

---

[۵۹۴] *بنگرید به* بند ۸، بالا.

به فهرست ضمیمهٔ نامه مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ [۱۶ آوریل ۱۹۸۰] از این پس تحت عنوان «فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰]» ارجاع می‌شود.

**۱۲۲۳ -** مطابق شهادت‌نامهٔ آقای آرتور ای. پایپر، مدیر سابق تولید منطقه‌ای شرکت تولیدی آموکو در منطقه دنور، که ابتدائاً توسط خواهان در پرونده شماره ۵۶ (*آموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن* و *جمهوری اسلامی ایران*) ارائه شد و توسط ایالات متحده در پرونده‌های حاضر تسلیم گردید، آموکو اینترنشنال با ادعاهای فروشندگان مواد و کارگزاران حمل وابسته، که خارک به آن‌ها مبلغی پرداخت نکرده بود، مواجه شد. آقای پایپر اظهار داشت که آموکو اینترنشنال معتقد بود که ممکن است نسبت به آن دسته از فروشندگان و کارگزاران حمل مسؤول شناخته شود که کالاها و خدماتی را تأمین کرده بودند که خارک به آموکو اینترنشنال مجوز سفارش آن‌ها را داده بود؛ بدین ترتیب، آموکو اینترنشنال از خرداد/تیر ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۸۰] تا دی ۱۳۶۰ [سراسر سال ۱۹۸۱] به حل و فصل ادعاهای پرداخت‌نشده با اشخاص ثالثی پرداخت که متقابلاً آموکو اینترنشنال و نهادهای وابسته به آن را از هر گونه ادعای بیش‌تر مبرّا نمودند و ادعاهای خود علیه خارک را به آموکو منتقل می‌کردند.

**۱۲۲۴ -** طبق اظهار آقای پایپر، مقدار قابل‌توجهی از موادی که خارک سفارش داده بود، زمانی که دستور انسداد در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] صادر شد، همچنان تحت کنترل آموکو اینترنشنال بود. آقای پایپر اظهار داشت که آموکو اینترنشنال، پس از آن، مانع حمل آن مواد به ایران شد؛ در نتیجه، مواد مذکور در انبارها در لندن، هیوستون، و مکان‌های دیگر در تصرف کارگزاران حمل باقی ماندند. آقای پایپر اظهار داشت که برخی از آن مواد، به منظور کاستن از خسارات، به مبالغ ارزش بازار منصفانه در معاملاتی آزاد فروخته شدند.

**۱۲۲۵ -** آقای پایپر به علاوه تصریح کرد که آموکو اینترنشنال در زمان دستور انسداد همچنین چندین مورد از مواد خریداری‌شده برای خاک را که خارک مبالغ مربوط به آن‌ها را پیشاپیش به فروشندگان پرداخت کرده

بود تحت کنترل داشت. آقای پایپر اظهار داشت که آموکو اینترنشنال آن مواد را به مبالغ ارزش منصفانه بازار در معاملاتی آزاد فروخت تا «از تضییع ... طی دوران انسداد جلوگیری کند».

۱۲۲۶ - مطابق اظهارات آقای پایپر، مبالغی را که آموکو اینترنشنال در راستای تصفیه ادعاهای فروشندگان پرداخت کرد،[۵۹۵] منهای مبالغ دریافتی آموکو اینترنشنال پس از فروش موادِ در تصرف خود که به آن ادعاها ارتباط داشت، به ۵۶،۳۶۱/۸۱ دلار آمریکا بالغ شد. آقای پایپر با شهادت‌نامه‌اش، جدول‌های حسابداری‌ای برای این ادعاها با تیتر «حل و فصل با فروشندگان و خلاصی از کالاهایی که خمکو بابت آن‌ها مبلغی پرداخت نکرده است» (که از این به بعد به آن تحت عنوان «فهرست پایپر یک» ارجاع می‌شود) ارائه نمود. فهرست پایپر یک، از جمله، مبالغ پرداخت‌شده توسط آموکو اینترنشنال در تصفیه ادعاهای فروشندگان را ثبت می‌کند، و آن‌ها را به سفارش‌های خرید مربوطه، نام فروشندگان، اقلام سفارش داده شده، و شماره و تاریخ صورت‌حساب‌های فروشندگان ارتباط می‌دهد.

۱۲۲۷ - آقای پایپر، به علاوه، اظهار داشت که مبلغی که آموکو اینترنشنال بابت بازفروش موادی دریافت کرد که خارک بابت آن‌ها پرداخت‌هایی را به فروشندگان کرده است، بالغ بر ۳۱،۶۳۴/۴۸ دلار آمریکا شد. آقای پایپر با شهادت‌نامه‌اش، جدول‌های حساب‌داری‌ای برای این فروش‌ها با تیتر «خلاصی از کالاهایی که شرکت پتروشیمی خارک بابت آن‌ها پرداخت‌هایی صورت داده بوده است» (که از این به بعد به آن تحت عنوان «فهرست پایپر دو» ارجاع می‌شود) ارائه کرد. فهرست پایپر دو، از جمله، حاوی نام شرکت‌هایی که آموکو اینترنشنال موادی را به آن‌ها فروخته بوده که خارک بابت آن‌ها پرداخت‌هایی کرده بود، توصیفاتی مختصر از این مواد، و مبالغ پرداخت شده توسط آن شرکت‌ها به آموکو اینترنشنال می‌باشد، و آن‌ها را، در صورت امکان، به سفارش‌های خرید مربوطه ربط می‌دهد. آقای پایپر نتیجه می‌گیرد که آموکو اینترنشنال در ارتباط با مواد خارک که آموکو

---

[۵۹۵] *بنگرید به* بند ۱۲۲۳، بالا.

اینترنشنال اِس. اِی. بابت آن‌ها ادعایی معتبر داشته، خسارتی خالص به مبلغ ۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا را متحمل شده است.

۱۲۲۸ - اختلافی نیست که آموکو اینترنشنال در انجام اَعمال شرح داده‌شده در بندهای بالا، مواد را به فروشندگان اصلی یا سایر وابسته‌های آموکو فروخته است.

*(پ) ادعاهای جداگانه مربوط به خارک*

*(یک) ادعای ز-۱۶۵ (خارک/گیرنچ منیوفکچرینگ کو.)*

*مقدمه*

۱۲۲۹ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۶۵ حداکثر جبران خسارت به مبلغ ۲،۴۴۳/۰۱ دلار آمریکا برای خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال آچارهای سفارش‌داده‌شده به گیرنچ منیوفکچرینگ کامپنی («گیرنچ») است.

*پیشینه موضوعی*

۱۲۳۰ - ادعای ز-۱۶۵ مربوط به ۴۰ آچار («اقلام ز-۱۶۵») سفارش‌داده‌شده، به همراه سایر مواد، وفق سفارش خرید شماره کِی‌سی-۷۸۰۱۰۸ است. اقلام ز-۱۶۵ در ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ [۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹] توسط آموکو اینترنشنال دریافت شد. ثبتِ رسید نشان می‌دهد که مبلغ هر واحد ۱۸/۴۰ دلار آمریکا است، که مجموعاً ۷۳۶ دلار آمریکا می‌باشد. خارک در دوم آبان ۱۳۵۸ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۹] چکی به مبلغ ۹۸۲/۳۳ دلار آمریکا صادر کرد.

۱۲۳۱ - حاشیه دست‌نویس بر روی «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال بابت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ حکایت از آن دارد که اقلام ۱ و ۲ تحت پوشش سفارش خرید

مذکور، توسط *اس.اس. کنکوردیا استار* با تاریخ تخمینی ورود به ایران در ۱۴ آذر ۱۳۵۷ [پنجم دسامبر ۱۹۷۸] حمل شده یا باید حمل می‌شد.

**۱۲۳۲ -** گیرنچ چنان‌که در نامه مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۶۲ [۱۹ مارس ۱۹۸۴] به وزارت امورخارجه ایالات متحده اطلاع داد، در هشتم شهریور ۱۳۵۸ [۳۰ اوت ۱۹۷۹] اقلام ز-۱۶۵ را به وورلد ترید، کارگزار حمل و نقل تعیین‌شده توسط آموکو اینترنشنال حمل کرد. گیرنچ موارد آتی را به این نامه ضمیمه نمود: بارنامه مورخ هشتم شهریور ۱۳۵۸ [۳۰ اوت ۱۹۷۹] که نشان‌دهندهٔ حمل توسط گیرنچ به وورلد ترید بود؛ صورت‌حساب صادرات شماره ۳۵۲۴ مورخ هفتم شهریور ۱۳۵۸ [۲۹ اوت ۱۹۷۹] به مبلغ ۹۸۲/۳۳ دلار آمریکا صادره توسط گیرنچ برای آموکو اینترنشنال راجع به اقلام ز-۱۶۵؛ و سند پرداخت خارک به مبلغ ۹۸۲/۳۳ دلار آمریکا مورخ ۱۰ مهر ۱۳۵۸ [دوم اکتبر ۱۹۷۹] که به سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ و صورت‌حساب شماره ۳۵۲۴ گیرنچ ارجاع می‌دهد.

**۱۲۳۳ -** فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۵۹۶] حاوی ارجاع به سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ می‌باشند. وفق فهرست فروردین ۱۳۵۹ [ آوریل ۱۹۸۰]، که مطابق شروط مندرج در خود «صرفاً پوشش‌دهندهٔ موادی است که در حال حاضر در انبار کارگزار حمل و نقل در هیوستون می‌باشد»،[۵۹۷] نشان‌دهندهٔ صورت‌حسابی به مبلغ ۱،۱۹۱ دلار آمریکا در ارتباط با آن سفارش خرید می‌باشد.

**۱۲۳۴ -** در یک «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال ذکر شده است که اقلام ۳، ۴، ۵، و ۶ مندرج در سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ در سوم آذر ۱۳۵۹ [۲۴ نوامبر ۱۹۸۰] به حساب ضایعات شرکت ایران پان آمریکن اویل کامپنی («ایران پان آمریکن») ارسال شده‌اند، و این که بقیه

---

[۵۹۶] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۵۹۷] *بنگرید به* بند ۱۲۲۲، بالا.

سفارش مذکور هیچ‌گاه از سوی فروشنده حمل نشد. این امر با فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال مورخ ۳۰ آبان ۱۳۵۹ [۲۱ نوامبر ۱۹۸۰] تأیید می‌شود که به انتقال اقلام ۳، ۴، ۵، و ۶ سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ از آموکو اینترنشنال به حساب ضایعات ایران پان آمریکن اشاره می‌کند. مبلغ مندرج در آن سند ۲،۴۴۳/۰۱ دلار آمریکا می‌باشد.

**۱۲۳۵ -** خارک طی نامه مورخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ [ششم فوریه ۱۹۸۳] به گیرنچ نوشت که مواد مندرج در سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ را دریافت نکرده و درخواست کرد که گیرنچ وضعیت سفارش مذکور را مشخص کند.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۲۳۶ -** ایالات متحده در گزارش سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] خود در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که آن دولت در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] مدارکی ارائه کرده بود که نشان می‌داد که «شیر فلکه و ابزار» به آموکو فروخته شده و در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] از طریق وورلد ترید به خارک حمل شده است. مطابق گزارش ایالات متحده، سوابق آموکو اینترنشنال اثبات می‌کرد که چند قلم توسط *اس.اس. کنکوردیا استار* با تخمین زمان وصول در ایران در ۱۴ آذر ۱۳۵۷ [پنجم دسامبر ۱۹۷۸] حمل شده، و این که سایر اقلام به حساب ضایعات ایران پان آمریکن منتقل شده است.[۵۹۸]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

[۵۹۸] *بنگرید به* بند ۱۲۳۴، بالا.

۱۲۳۷ - طبق اظهار ایران، ماوقعِ این ادعا محل اختلاف نیست. با این حال، ایران مدعی است که انتقال اقلام ز-۱۶۵ به حساب ضایعات در آبان/آذر ۱۳۵۹ [اواخر نوامبر ۱۹۸۰] غیرقانونی بوده است و بنابراین، هیچ اثر حقوقی ندارد؛ زیرا آموکو اینترنشنال هیچ اختیاری برای انجام چنین انتقالی نداشت. در هر حال، ایران اظهار می‌دارد که از ادلهٔ پیش روی دیوان نمی‌توان نتیجه گرفت که اقلام ز-۱۶۵ دیگر در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار نداشته‌اند. طبق اظهار ایران، امکان دارد که اقلام ز-۱۶۵ در واقع از حساب ضایعات خارج شده و مجدداً به فروشنده فروخته شده یا به طرف‌های دیگر منتقل شده باشد.

۱۲۳۸ - به علاوه، ایران تأکید می‌کند که ایالات متحده مسؤول عدم انتقال اقلام مذکور به ایران است؛ زیرا عدم انتقال مذکور در نتیجهٔ دستور انسداد رخ داده است. نهایتاً ایران مدعی است که تحویل به آموکو اینترنشنال موجد تحویل به ایران نیست.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۲۳۹ - ایالات متحده مدعی است که اقلام ز-۱۶۵ مشمول محدوده بند ۹ نیست؛ زیرا آن اقلام قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به حساب ضایعات ایران پان آمریکن ارسال شده است. طبق اظهار ایالات متحده، آموکو اینترنشنال در ارسال مواد خارک به ضایعات به عنوان کارگزار خارک در محدوده اختیارات خود عمل کرده است؛ زیرا آن شرکت این اقدامات را در جهت کاهش خسارات ناشی از خرابی برای خارک و احتراز از تحمل هزینه‌های انبار در طول دوره انسداد اموال ایران در ایالات متحده انجام داده است. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که باید چنین فرض شود که اقلام ز-۱۶۵ به ایران منتقل شده است؛ زیرا آن‌ها در هشتم شهریور ۱۳۵۸ [۳۰ اوت ۱۹۷۹] به کارگزار حمل و نقل نمایندهٔ ایران در ایالات متحده تحویل داده شده است.[۵۹۹]

---

[۵۹۹] *بنگرید به* بند ۱۲۳۲، بالا.

۱۲۴۰ - اختلافی وجود ندارد که خارک مشمول تعریف «ایران» ذیل بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

۱۲۴۱ - به همین منوال، اختلافی وجود ندارد که گیرنچ در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] اقلام ز-۱۶۵ را به وورلد ترید – کارگزار حمل و نقل تعیین شده توسط آموکو اینترنشنال، کارگزار خارک – در هیوستون تگزاس تحویل داده است.[۶۰۰] انتقال ادعایی حق مالکیت اقلام ز-۱۶۵ از گیرنچ به خارک در آن زمان واقع شده است. بر این اساس، دیوان در اعمال قانون محل وقوع مال تعیین می‌کند که اقلام ز-۱۶۵ در زمان مربوطه در تگزاس قرار داشته، و قانون ایالت تگزاس بر انتقال حق مالکیت اقلام ز-۱۶۵ حاکم است. اقلام ز-۱۶۵ موضوع قرارداد فروش میان گیرنچ و خارک وفق سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۰۸ بوده است. فروش کالا در ایالت تگزاس تحت حاکمیت بخش ۴۰۱-۲ (ب) قانون تجارت متحدالشکل به شکلی می‌باشد که در بخش ۲ قانون تجارت متحدالشکل تگزاس نیز شناسایی شده است. آن مقرره در بخش مربوطه بیان می‌دارد که «حق مالکیت، جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد خود را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت».[۶۰۱] در این ادعا فروشنده، گیرنچ، با تحویل اقلام ز-۱۶۵ به وورلد ترید، کارگزار حمل و نقل تعیین‌شده توسط آموکو اینترنشنال، کارگزار خارک، طی اواسط ۱۳۵۸ [نیمه دوم سال ۱۹۷۹]، تعهد خود را ایفا کرده است. بدین ترتیب، در نبود توافق صریح طرفین که مسئله را به نحو دیگری تعیین کنند، حق مالکیت نسبت به آن اقلام در آن زمان به خارک منتقل شده است.

---

[۶۰۰] *بنگرید به* همانجا.

[۶۰۱] قانون تجارت متحدالشکل تگزاس، بخش ۴۰۱-۲ (ب).

۱۲۴۲ - دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تحویل توسط فروشنده به کارگزار حمل و نقل تعیین شده توسط کارگزار ایران، گرچه وفق قانون حاکم، پیش‌شرط انتقال حق مالکیت است، اما به این صورت نمی‌تواند به معنای «انتقال به ایران» وفق بند ۹ قلمداد شود. وجود تعهد بین‌المللی ایالات متحده بر انجام ترتیبات انتقال اموال ایران به این کشور، وفق بند ۹، نسبت به تمام «اموال ایران» در قلمرو قضائی ایالات متحده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، خواه آن‌ها در اماکن کارگزار حمل و نقل کارگزار قرار داشته یا در جایی دیگر در اندورن آن قلمرو قضائی، ادامه داشت.

۱۲۴۳ - این مسئله طرح می‌شود که آیا اقلام ز-۱۶۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار داشته‌اند یا خیر.

۱۲۴۴ - در این خصوص، دیوان متذکر ادله و مدارک ارائه‌شده توسط ایالات متحده در پاسخ مورخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادلهٔ ایران می‌شود و اعلام می‌دارد که اقلام ز-۱۶۵ در سوم آذر ۱۳۵۹ [۲۴ نوامبر ۱۹۸۰] به حساب ضایعات شرکت ایران پان آمریکن ارسال شده بود.[۶۰۲] این امر مبیّن اطلاعاتی است که ایالات متحده، به خواست خود، احتمالاً از آموکو اینترنشنال خواستار شد و به دست آورد. دیوان با لحاظ جمیع جهات حکم می‌کند که ایالات متحده به اندازهٔ کافی این ادعا را وارسی کرده و بر آن اساس ایران را در لوایح تقدیمی خود به دیوان مطلع کرده است.

۱۲۴۵ - گرچه این قرینه که اقلام ز-۱۶۵ به حساب ضایعات شرکت ایران پان آمریکن ارسال شده بوده، لزوماً متضمن این نیست که آن‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] از لحاظ فیزیکی نابود شده باشند، امّا

---

[۶۰۲] *بنگرید به* بند ۱۲۳۴، بالا.

دیوان بر این نظر است که برای ایالات متحده غیرمعقول نبوده که چنین فرض کرده باشد که آن اقلام در آن تاریخ وجود نداشته‌اند.

**۱۲۴۶ -** ایران نه به اثبات این امر پرداخته است که اقلام ز-۱۶۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند، و نه توانسته نشان دهد که آن دولت دستورالعمل‌های لازم را به آموکو اینترنشنال به منظور انتقال اقلام مذکور داده است.

**۱۲۴۷ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که حتی اگر فرض شود اقلام ز-۱۶۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضائی ایالات متحده موجود بوده است، ایالات متحده هر اقدام معقولی که انتظار می‌رفته در این اوضاع و احوال به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ در راستای برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال اقلام ز-۱۶۵ به ایران انجام دهد را انجام داده است.[۶۰۳]

**۱۲۴۸ -** بنا بر مراتب فوق، ادعای ز-۱۶۵ رد می‌شود.

*(دو) ادعای ز-۱۶۶ (خارک/سملر اینداستریز)*

*مقدمه*

**۱۲۴۹ -** خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۶۶ حداکثر مبلغ ۷۵۱/۵۲ دلار آمریکا بابت زیان‌های وارده در اثر قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال یک پمپ دیافراگم خریداری‌شده از صنایع سملر («سملر») به ایران است.

*پیشینه موضوعی*

---

[۶۰۳] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۲۵۰ - موضوع در ادعای حاضر یک پمپ دیافراگمی («پمپ») است که آموکو اینترنشنال در پنجم شهریور ۱۳۵۸ [۲۷ اوت ۱۹۷۹] ذیل سفارش خرید شماره پی‌سی-۷۸۰۴۵۲ به سملر سفارش داده بود. قیمت تعیین‌شده در سفارش خرید ۷۳۰ دلار آمریکا بود. مطابق مدارک موجود در سوابق، سملر در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ [۱۰ اکتبر ۱۹۷۹] پمپ را به وورلد ترید، کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون، حمل کرد و آن شرکت قلم مذکور را در ۲۳ مهر ۱۳۵۸ [۱۵ اکتبر ۱۹۷۹] دریافت کرد.

۱۲۵۱ - فهرست فروردین ۱۳۵۹ [ آوریل ۱۹۸۰][۶۰۴] نشان می‌دهد که پمپ مذکور در فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] همچنان در اماکن وورلد ترید قرارداشت.

۱۲۵۲ - سملر در نامهٔ مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۵۹ [سوم سپتامبر ۱۹۸۰] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که با برگرداندن پمپ موافق است و برای آن، اعتباری به مبلغ ۵۷۸ دلار آمریکا قائل می‌شود. به علاوه، سملر متذکر شد که مبلغ پرداختی بابت پمپ را در آبان ۱۳۵۸ [نوامبر ۱۹۷۹] دریافت کرده بود.

۱۲۵۳ - پمپ مذکور در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰] به سملر بازگردانده شد.

۱۲۵۴ - سملر و آموکو اینترنشنال (به نمایندگی از خارک) در ۱۹ آبان ۱۳۵۹ [۱۰ نوامبر ۱۹۸۰] موافقت‌نامهٔ فروشی را منعقد کردند که مطابق آن، آموکو اینترنشنال، پمپ را مجدداً به مبلغ ۵۷۸ دلار آمریکا به سملر فروخت؛ که این مبلغ را سملر در ۲۲ آبان ۱۳۵۹ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۰] به آموکو اینترنشنال پرداخت کرد.

۱۲۵۵ - خارک با نامهٔ مورخ ششم اریبهشت ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] به سملر اطلاع داد که خارک، پمپ را که برای آن در مهر/آبان ۱۳۵۸ [اکتبر ۱۹۷۹] ۷۳۱ دلار آمریکا پرداخت کرده بود، دریافت نکرده است، و

---

[۶۰۴] *بنگرید به* بند ۱۲۲۲، بالا.

درخواست نمود که سملر وضعیت سفارش مذکور را روشن کند. سملر نامه مذکور را با یادداشتی مبنی بر این که سوابق آن شرکت «تا این حد، گذشته را نشان نمی‌دهد» برگرداند.

۱۲۵۶ - سملر با نامهٔ مورخ سوم اسفند ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] به وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که این شرکت در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] سفارش پمپ را از آموکو اینترنشنال دریافت کرده است، و این که متعاقباً پمپ را مستقیماً از تولیدکننده به وورلد ترید در هیوستون حمل کرده است. سملر مدارک پشتیبان این امر را به این نامه ضمیمه کرد. سملر همچنین در آن نامه تأیید کرد که تمام مبلغ را از آموکو اینترنشنال بابت پمپ دریافت کرده، و افزود که از در اختیار داشتن «هرگونه محصولات یا وجوه دیگر» متعلق به ایران بی‌اطلاع است.

*گزارش‌های طرفین به دیوان درخصوص اموال عینی ایران*

۱۲۵۷ - ایالات متحده با گزارش مورخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود درخصوص اموال عینی ایران، رونوشتی از نامهٔ مورخ سوم اسفند ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] سملر را به همراه مدارک پشتیبان ضمیمه‌شده ارائه کرد.[۶۰۵] ایالات متحده در گزارش مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود در خصوص اموال عینی ایران، از جمله، متذکر شد که پمپ «به فروشنده»، یعنی سملر، «مسترد شده»، و افزود که بازپرداخت سملر در سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] به آموکو اینترنشنال منتقل شده بود.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۲۵۸ - ایران اظهار می‌دارد که تحویل به کارگزار حمل و نقل ایران به معنای انتقال به ایران وفق بند ۹ تلقی نمی‌شود و بنابراین، ایالات متحده متعهد بوده ترتیبات انتقال را به عمل آورَد. ایران مضافاً مدعی است که آموکو

---

[۶۰۵] *بنگرید به* بند ۱۲۵۶، بالا.

اینترنشنال برای فروش پمپ مذکور به نمایندگی از خارک فاقد اختیار بوده است، و بنابراین، موافقت‌نامه فروش مورخ ۱۹ آبان ۱۳۵۹ [۱۰ نوامبر ۱۹۸۰] میان آموکو اینترنشنال و سملر مالکیت پمپ را به صورت معتبر به شرکت اخیر منتقل نکرده است. در هر حال، ایران تأکید می‌کند که فروش پمپ به سملر وفق مقررات خزانه‌داری ایالات متحده که در آن زمان لازم الإجرا بوده باطل و بی‌اثر بوده است. بدین ترتیب، ایران نتیجه می‌گیرد که هیچ مدرکی دال بر این امر وجود ندارد که پمپ مذکور از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به بعد در مالکیت ایران نبوده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۲۵۹ - ایالات متحده استدلال می‌کند که از آن‌جا که آموکو اینترنشنال، پمپ را در ۱۹ آبان ۱۳۵۹ [۱۰ نوامبر ۱۹۸۰] به سملر بازفروش کرده است، ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیتی بر آن قلم نداشته است. در هر حال، ایالات متحده مدعی است که باید چنین فرض شود که پمپ زمانی به ایران منتقل شده است که به کارگزار حمل و نقل تعیین‌شده توسط آموکو اینترنشنال، کارگزار ایران، تحویل داده شد.

*تصمیم دیوان*

۱۲۶۰ - اختلافی میان طرفین در مورد مسائل موضوعی این ادعا وجود ندارد. به طور خاص، این امر محل اختلاف نیست، و ادلهٔ مستند اثبات کرده است، که پمپ در آبان ۱۳۵۹ [نوامبر ۱۹۸۰]، یعنی قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، به نمایندگی از خارک به فروشنده بازفروش شده است. دیوان متذکر می‌گردد که ایالات متحده در گزارش مورخ ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود در خصوص اموال عینی ایران، پس از پرس و جو از سملر دربارهٔ پمپ، به ایران اطلاع داد که آن قلم «به فروشنده»، یعنی سملر، «مسترد شده»، و این که بازپرداخت

سملر در سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] به حساب آموکو اینترنشنال واریز شده است.[۶۰۶] دیوان همچنین متذکر می‌گردد که ایالات متحده پیشاپیش با سملر دربارهٔ پمپ در سال‌های ۱۳۶۱/۱۳۶۳ [۱۹۸۳/۱۹۸۴] تماس گرفته و این که ایالات متحده در گزارش مورخ هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود در خصوص اموال عینی ایران، یافته‌های خود، از جمله این که سملر از در اختیار داشتن هیچ یک از اموال متعلق به ایران آگاه نبوده را به ایران اطلاع داد.[۶۰۷]

**۱۲۶۱ -** در این اوضاع و احوال، ضمن در نظر گرفتن اطلاعاتی که ایالات متحده می‌توانست دربارهٔ پمپ جمع‌آوری کند، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایالات متحده هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته که به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ در راستای برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال پمپ به ایران انجام دهد را انجام داده است.[۶۰۸]

**۱۲۶۲ -** در پرتو نتیجهٔ بالا، دیوان نیازی نمی‌بیند که در این مورد تصمیم‌گیری نماید که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوز بازفروش به فروشنده را داشته است یا خیر.

**۱۲۶۳ -** بنا بر مراتب فوق، ادعای ز-۱۶۶ رد می‌شود.

*(سه) ادعای ز-۱۶۸ (خارک/جنرال تایرِ اینترنشنال کو.)*

*مقدمه*

---

[۶۰۶] *بنگرید به* بند ۱۲۵۷، بالا.

[۶۰۷] *بنگرید به* همانجا.

[۶۰۸] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۲۶۴ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۶۸ مبلغ ۲۹،۲۶۵/۶۰ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال سپرهای اسکله و سایر اقلام به ایران است که به شرکت بین‌المللی جنرال تایر («جنرال تایر») سفارش داده شده بود.

*پیشینه موضوعی*

۱۲۶۵ - آموکو اینترنشنال سپرهای اسکله و پیچ و مهره‌ها («اقلام ز-۱۶۸») را وفق سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۴ مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹] به جنرال تایر سفارش داد. اختلافی در این خصوص وجود ندارد که خارک مبلغ مربوط به اقلام ز-۱۶۸ را تماماً پرداخت کرده است.

۱۲۶۶ - جنرال تایر طی نامه مورخ ۲۱ آذر ۱۳۵۸ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۹] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که اقلام ز-۱۶۸ به وورلد ترید در هیوستون حمل شده است. یک یادداشت خدمات حمل بار در ادله و مدارک نشان می‌دهد که آن اقلام در ۱۶ آذر ۱۳۵۸ [هفتم دسامبر ۱۹۷۹] به وورلد ترید حمل شده است.

۱۲۶۷ - یک فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال در سوابق نشان می‌دهد که اقلام ز-۱۶۸ در اول آبان ۱۳۵۹ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۰] به حساب مازاد ایران پان آمریکن ارسال شده است.

۱۲۶۸ - خارک با نامه مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۶۲ [ششم آوریل ۱۹۸۳] به جنرال تایر اطلاع داد که هیچ یک از اقلام ز-۱۶۸ یا وجوهی که بابت آن اقلام پرداخت کرده را دریافت نکرده است، و درخواست نمود که جنرال تایر مسئله را پیگیری کند.

۱۲۶۹ - جنرال تایر در نامه مورخ پنجم خرداد ۱۳۶۲ [۲۶ مه ۱۹۸۳] خود در پاسخ به خارک اطلاع داد که اقلام ز-۱۶۸ را در ۱۶ آذر ۱۳۵۸ [هفتم دسامبر ۱۹۷۹] به وورلد ترید در هیوستون حمل کرده است؛ جنرال تایر در ادامه توصیه کرد که خارک «در مورد محل نگه‌داری کالای مذکور از خارک پرس و جو کند».

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۲۷۰ - ایالات متحده در گزارش ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] خود در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که اقلام ز-۱۶۸ به آموکو اینترنشنال فروخته شده بوده و در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] از طریق وورلد ترید به خارک حمل شده است، و این که آموکو اینترنشنال اشاره کرده است که سپرها «در انبار» بوده است. ایالات متحده در ارتباط با موضوع اخیر، رونوشت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۴ را ارائه کرده که حاوی یادداشت دست‌نویس بدون تاریخی است که روی آن عبارتِ «در انبار» دیده می‌شود.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۲۷۱ - ایران استدلال می‌کند که ایالات متحده مسؤول عدم انتقال اقلام ز-۱۶۸ به ایران است؛ زیرا عدم انتقال مذکور از دستور انسداد ناشی شده است. ایران به علاوه مدعی است که تحویل به آموکو اینترنشنال به معنای تحویل به ایران به معنای بند ۹ نیست. به علاوه، ایران تأکید می‌کند که انتقال اقلام ز-۱۶۸ به حساب مازاد در مهر/آبان ۱۳۵۹ [اکتبر ۱۹۸۰] چنان نیست که اثبات نماید که اقلام مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دیگر در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود نبوده است. در این سیاق، ایران به گزارش ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] ایالات متحده در خصوص اموال عینی ایران اشاره می‌کند که در آن، ایالات متحده متذکر شده که آموکو اینترنشنال اعلام کرده است که سپرها «در انبار» بوده است. در نتیجه، ایران تأکید می‌کند که سرنوشت بسیار محتمل اقلام ز-۱۶۵ این بوده که آن‌ها در انباری انبار شده و اوراق نشده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۲۷۲ - ایالات متحده استدلال می‌کند که از آن‌جا که اقلام ز-۱۶۸ در اول آبان ۱۳۵۹ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۰] به حساب ضایعات ارسال شد، ایران نمی‌توانست در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیتی بر آن‌ها داشته باشد؛ بدین ترتیب، اقلام ز-۱۶۸ خارج از محدودهٔ بند ۹ می‌باشد.

۱۲۷۳ - به علاوه، ایالات متحده تأکید می‌کند که اعلام مندرج در گزارش این کشور در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] در خصوص اموال عینی ایران مبنی بر این که سپرها «در انبار» بوده، بر یادداشت دست‌نویس بدون تاریخ روی سفارش خرید آموکو اینترنشنال مبتنی بوده است. طبق اظهار ایالات متحده، تمام آن‌چه که این یادداشت اثبات می‌کند، این است که سپرها زمانی در انبار آموکو اینترنشنال یافت شده است؛ امّا این امر برای ردّ فرم «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال که نشان‌دهندهٔ ارسال سپرها به حساب مازاد در اوّل آبان ۱۳۵۹ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۰] می‌باشد، ناکافی است.

*تصمیم دیوان*

۱۲۷۴ - ادله و مدارک دیوان را متقاعد می‌کند که اقلام ز-۱۶۸ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به حمل‌کنندهٔ خارک در هیوستون تحویل داده شده، و بدین ترتیب، حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده است.

۱۲۷۵ - مسئله مقدماتی در این ادعا این است که آیا اقلام ز-۱۶۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضائی ایالات متحده قرار داشته‌اند یا خیر.

۱۲۷۶ - ادله و مدارک نشان می‌دهد که اقلام ز-۱۶۸ در اوّل آبان ۱۳۵۹ [۲۳ اکتبر ۱۹۸۰] به «حساب ضایعات شرکت ایران پان آمریکن» ارسال شده‌اند. گرچه این امر ضرورتاً متضمن این نیست که آن اقلام قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به طور فیزیکی از بین رفته باشند، امّا غیرمعقول نبوده که ایالات متحده چنین فرض کند

که آن‌ها در آن تاریخ، دیگر وجود نداشته‌اند. ایران نه توانسته با ادله و مدارک قابل‌اعتماد اثبات نماید که اقلام ز-۱۶۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند، و نه نشان داده است که دستورالعمل کافی به آموکو اینترنشنال به منظور عملی‌کردن انتقال اقلام ز-۱۶۸ به ایران داده است. بنابراین به نظر دیوان، یادداشت دست‌نویس بدون تاریخ روی رونوشت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۴ که روی آن عبارتِ «در انبار» دیده می‌شود،[۶۰۹] بدون دلیل بیش‌تر برای تثبیت این امر که سپرهای مشمول سفارش خرید در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در انبار آموکو اینترنشنال قرار داشته، ناکافی است.

**۱۲۷۷ -** بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که حتی اگر فرض شود که اقلام ز-۱۶۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضائی ایالات متحده موجود بوده‌اند، ایالات متحده هر کاری که به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه به منظور انجام تعهد خود در بند ۹ در راستای برداشتن گام‌هایی برای تضمین این امر انجام دهد که اقلام ز-۱۶۸ به ایران منتقل شوند را انجام داده است.[۶۱۰]

**۱۲۷۸ -** بنا بر مراتب فوق، ادعای ز-۱۶۸ رد می‌شود.

*(چهار) ادعای ز-۱۶۹ (خارک/فیشر کنترلز کو.)*

*مقدمه*

**۱۲۷۹ -** خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۶۹، ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال برخی اقلام به ایران است که از شرکت فیشر کنترلز («فیشر کنترلز») خریداری شده بود.

---

[۶۰۹] *بنگرید به* بند ۱۲۷۰، بالا.

[۶۱۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۲۸۰ - آموکو اینترنشنال واشرها، رله‌ها، و مجموعه‌های رله («اقلام ز-۱۶۹») را به فیشر کنترلز وفق سفارش خرید شماره کی‌سی- ۷۸۰۴۱۹ آموکو اینترنشنال مورخ ۲۰ آذر ۱۳۵۷ [۱۱ دسامبر ۱۹۷۸] سفارش داد. فیشر کنترلز صورت‌حسابی به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا بابت اقلام ز-۱۶۹ صادر کرد که خارک آن را با چک صادره در دوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹] پرداخت نمود.

۱۲۸۱ - ادله و مدارک حاوی رونوشت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ است که یادداشت دست‌نویسی روی آن به این شرح نوشته شده است: «هیچ حملی صورت نگرفت – لغو شد [۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰]]».

۱۲۸۲ - ادله و مدارک همچنین شامل یادداشت داخلی از آموکو اینترنشنال مورخ هفتم مرداد ۱۳۶۰ [۲۹ ژوئیه ۱۹۸۱] است که چک صادره‌ای از فیشر کنترلز مورخ هشتم تیر ۱۳۶۰ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۱] به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا قابل پرداخت به آموکو اینترنشنال به ضمیمه آن می‌باشد. یادداشت مذکور نشان می‌دهد که چک مذکور، بازپرداخت آموکو اینترنشنال بابت پیش‌پرداخت به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ توسط فیشر کنترلز است. به علاوه، در یادداشت مذکور ذکر شده است که «از آن‌جا که مواد تحت پوشش این معامله، اماکن تولیدکننده را ترک نکرده است، تکمیل گواهی فروش مورد نیاز نیست».

۱۲۸۳ - یادداشت حساب‌رسی مورخ ۱۹ تیر ۱۳۶۰ [۱۰ ژوئیه ۱۹۸۱] آموکو اینترنشنال متذکر می‌گردد که چک فیشر کنترلز به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا باید به حساب خارک سپرده می‌شد.

۱۲۸۴ - آموکو اینترنشنال در هفتم مرداد ۱۳۶۰ [۲۹ ژوئیه ۱۹۸۱] اصلاحیه‌ای را در سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ صادر کرد که در آن متذکر مراتب زیر شد:

> این اصلاحیه ... به منظور فسخ سفارش خرید ما به شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ مورخ ۱۷ آذر ۱۳۵۷ [هشتم دسامبر ۱۹۷۸] بدون در نظر داشتن هزینه‌های فسخ متحمل شدهٔ این اداره صادر می‌شود.
>
> چک فیشر کنترلز به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا برای فسخ پیش‌پرداخت انجام شده، دریافت شده است.

۱۲۸۵ - خارک در ۲۳ آبان ۱۳۶۱ [۱۴ نوامبر ۱۹۸۲] نامه‌ای به فیشر کنترلز نوشت و درخواست کرد که فیشر کنترلز یا اقلام ز-۱۶۹ را تحویل دهد یا وجوهی که خارک بابت آن اقلام پرداخت را مسترد نماید. هیچ مدرکی در سوابق از هرگونه پاسخ فیشر کنترلز به نامه خارک وجود ندارد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۲۸۶ - ایران تأکید می‌کند که دست‌نوشته روی رونوشت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ بدین شرح که «هیچ حملی صورت نگرفت – لغو شد ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰]»[۶۱۱] فاقد هرگونه ارزش اثباتی است و بدین ترتیب، برای نشان‌دادن لغو سفارش خرید مذکور در آذر/دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] ناکافی است. طبق اظهار ایران، لغو مذکور صرفاً در تیر ۱۳۶۰ [ژوئیه ۱۹۸۱] یعنی زمانی به وقوع پیوست که آموکو اینترنشنال، اصلاحیه سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ را صادر کرد. در تأیید این ادعا، ایران همچنین به تاریخ صدور چک فیشر کنترلز در استرداد پیش‌پرداخت خارک بابت اقلام ز-۱۶۹ اشاره می‌کند که هشتم تیر ۱۳۶۰ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۱] می‌باشد. بدین ترتیب، ایران مدعی است که هیچ سند اثباتی وجود ندارد که لغو سفارش خرید شماره

---

[۶۱۱] *بنگرید به* بند ۱۲۸۱، بالا.

کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ را قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نشان دهد. ایران استدلال می‌کند که در هر حال آموکو اینترنشنال هیچ اختیاری در توافق بر لغو سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ نداشته است.

۱۲۸۷ - به اضافه، ایران مدعی است که پیش‌پرداخت خارک به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا به فیشر کنترلز مشمول «اموال ایران» وفق بند ۹ می‌باشد و بنابراین، باید به ایران، و نه آموکو اینترنشنال، بازگردانده می‌شد.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۲۸۸ - ایالات متحده اظهار می‌دارد که اقلام ز-۱۶۹ هیچ‌گاه اماکن تولیدکننده، فیشر کنترلز، را ترک نکرده‌اند، و این که سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ در ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰] لغو شده است. بدین ترتیب، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که خارک هیچ‌گاه حق مالکیت آن اقلام را به دست نیاورده است.

*تصمیم دیوان*

۱۲۸۹ - مسئله مقدماتی در این ادعا این است که آیا خارک در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیت اقلام ز-۱۶۹ را داشته است یا خیر.

۱۲۹۰ - هیچ مدرکی وجود ندارد که اقلام ز-۱۶۹ به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده باشد. در عوض، مدارکی که بلامعارض مانده است، نشان می‌دهد که آن اقلام هیچ‌گاه اماکن فیشرکنترلز، فروشنده که در مارشال تاون ایالت آیووا واقع بوده، را ترک نکرده است. مدارک مذکور همچنین نشان می‌دهد که سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ لغو شده است. دیوان با عنایت به یافته‌های خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند تعیین کند که آیا این لغو قبل یا بعد از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رخ داده است.

**۱۲۹۱ -** بدین ترتیب، اقلام ز-۱۶۹ در تمام زمان‌های مربوطه در اماکن فیشر کنترلز در آیووا واقع بوده است. بر این اساس، دیوان در اعمال قانون محل وقوع مال حکم می‌کند که قانون ایالت آیووا بر انتقال حق مالکیت اقلام ز-۱۶۹ حاکم است. اقلام ز-۱۶۹ موضوع قرارداد فروش میان فیشرکنترلز و خارک وفق سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۱۹ بوده است. بخش ۲۴۰۱-۵۵۴ قانون تجارت متحدالشکل، چنان‌که در «تیتر ۱۳- بازرگانی، مجموعهٔ قوانین آیووا» پذیرفته شده، حاکم بر فروش کالا است. آن مقرره در بخش مربوطه مقرر می‌دارد «حق مالکیت جز در شرایطی که صراحتاً توافق دیگری شده باشد در زمان و مکانی که فروشنده ایفای تعهد فروشنده را در ارتباط با تحویل فیزیکی کالا به اتمام رساند، انتقال خواهد یافت».[۶۱۲]

**۱۲۹۲ -** هیچ مدرکی دال بر این امر وجود ندارد که خارک و فیشر کنترلز در خصوص روش و شرایطی که مطابق آن، انتقال مالکیت اقلام ز-۱۶۹ به خارک صورت گیرد، به توافقی رسیده باشند. بر این اساس، وفق قاعده تکمیلی مندرج در بخش ۴۰۱-۲ قانون تجارت آیووا، حق مالکیت اقلام ز-۱۶۹ به محض تحویل فیزیکی به کارگزار حمل و نقل خارک، به خارک منتقل می‌شد. چون این تحویل فیزیکی هیچ‌گاه رخ نداده است، دیوان حکم می‌کند که خارک هیچ‌گاه حق مالکیت اقلام ز-۱۶۹ را به دست نیاورده است.

**۱۲۹۳ -** بنابر مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که اقلام ز-۱۶۹ مشمول معنای «اموال ایران» وفق بند ۹ نمی‌باشد. بر این اساس، ادعای ایران راجع به اقلام ز-۱۶۹ رد می‌شود.

---

[۶۱۲] مجموعه قوانین آیووا، بخش (۲) ۲۴۰۱-۵۵۴.

**۱۲۹۴ -** در محدوده‌ای که ایران بابت استرداد پیش‌پرداخت خارک به فیشر کنترلز به مبلغ ۳۸۶/۵۸ دلار آمریکا بر اساس بند ۹، بند ۸، یا اصل کلّی الف ادعا دارد،[۶۱۳] هر ادعایی از این دست نیز باید به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی طرح شد، رد شود.[۶۱۴]

*(پنج) ادعای ز-۱۷۰ (خارک/فرانکلین اکسپرت کو.)*

*مقدمه*

**۱۲۹۵ -** ایران در ادعای ز-۱۷۰ بابت خسارات بابت قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات لازم برای انتقال برخی لوله‌های فولادی ده اینچی بر حسب فوت مکعّب سفارشی به فرانکلین اکسپرت کامپنی («فرانکلین») مبلغ ۱،۲۳۴/۸۰ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.

**۱۲۹۶ -** ادعای ز-۱۷۰ مربوط می‌شود به قلم ۱ فهرست شده در سفارش خرید کی‌سی-۷۸۰۳۲۸، که عبارت است از ۶۰ فوت مکعّب لوله فولادی ده اینچی که خارک در ۱۸ آبان ۱۳۵۸ [۹ نوامبر ۱۹۷۹] به فرانکلین سفارش داد. فرانکلین صورت‌حسابی برای آموکو اینترنشنال صادر کرد که مطابق آن، خارک باید مبلغ ۱،۲۳۴/۸۰ دلار آمریکا می‌پرداخت. خارک صورت‌حساب فرانکلین را با چک مورّخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئن ۱۹۷۹] پرداخت کرد.

**۱۲۹۷ -** سوابق مشتمل است بر بارنامه‌ای مورخ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] که از جمله، نشان می‌دهد که اقلام مشمول سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ بر عرشهٔ کشتی *اس‌اس‌فیکس*، که در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] از هیوستون، تگزاس عزیمت کرد، با زمان تخمینی ورود به خارک در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] حمل شد. آن اقلام شامل «۲ قطعه لوله فولادی ۱۰ اینچی» بود که به «۴۲» فوت مکعّب می‌رسید. این

---

[۶۱۳] *بنگرید به* بند ۱۲۸۷، بالا.

[۶۱۴] *بنگرید به* بندهای ۹۹، ۲۲۳-۲۳۲، ۲۴۷، ۸۲۷، ۱۲۱۰، بالا.

لوله‌های فولادی ۴۲ فوت مکعّبی در صورت‌حسابی مورخ ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] از شرکت بسته‌بندی به آموکو اینترنشنال «بابت هزینه‌های مرتبط با دریافت، چک کردن، توزین، دریافت مواد، بسته‌بندی‌های صادراتی، علامت‌گذاری، فهرست‌های بسته‌بندی برای حمل» به عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* مشروح در بالا نیز فهرست شده‌اند.

**۱۲۹۸** - آموکو اینترنشنال در ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] تلکسی به خارک ارسال و از جمله اطلاع داد که مواد تحت‌پوشش سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* با زمان تخمینی ورود در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [دهم اوت ۱۹۷۹] به جزیره خارک «به طور کامل حمل» شده است.

**۱۲۹۹** - آموکو اینترنشنال در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] در تلکسی دیگر به خارک اطلاع داد که، اگر خارک همچنان به «اقلام ۸، ۱۳ و ۱۹» از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ نیاز دارد،[۶۱۵] باید آن‌ها را مجدّداً ذیل سفارش خرید دیگری سفارش دهد. اطلاعاتی در این مورد وجود ندارد که آیا خارک آن اقلام را مجدّداً سفارش داده است یا خیر.

**۱۳۰۰** - ایالات متحده یک «گزارش مواد حمل و دریافت شده» داخلی خارک به تاریخ چهارم آبان ۱۳۵۸ (متناظر با ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹) ارائه کرد تا ادعای خود مبنی بر این امر را پشتیبانی کند که تمام اقلام ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ به خارک حمل و در واقع توسط خارک دریافت شده است. با این حال، دیوان ملاحظه می‌کند که به نظر نمی‌رسد که این سند، که بخشی از آن ناخواناست، اقلام ز-۱۷۰ را فهرست کرده باشد.

**۱۳۰۱** - خارک طی نامه مورخ ششم اردیبهشت ۱۳۶۲ (مطابق ۲۶ آوریل ۱۹۸۳) به فرانکلین، پیرو نامهٔ قبلی مورخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ [۱۱ فوریه ۱۹۸۲]، به اطلاع فرانکلین رساند که مطابق دفاتر خارک، برای اقلام ذیل سفارش خرید کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ که در صورت‌حساب ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ [۲۳ فوریه ۱۹۷۹] فرانکلین به مبلغ ۱،۲۳۴/۸۰ دلار

---

[۶۱۵] اقلام ۸، ۱۳، و ۱۹ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ در ادعای ز-۱۷۰ مورد اختلاف نیستند.

آمریکا آمده بوده،[۶۱۶] توسط «دپارتمان موجودی انبار» خارک دریافت نشده بوده است؛ خارک از فرانکلین درخواست کرد که وضعیت سفارش مذکور را روشن کند. مدارکی مبنی بر این امر وجود ندارد که فرانکلین هرگز به نامهٔ خارک پاسخ داده باشد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۳۰۲** - ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت که اقلام ز-۱۷۰ «دریافت نشده بوده است».

**۱۳۰۳** - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران در خصوص اقلام ز-۱۷۰ اظهار داشت:

> کالاها حمل شدند. اَسناد فراهم شده توسط ایران مدّعی حمل ناقص هستند. نامهٔ درخواست اطلاعات ارسال شد.

**۱۳۰۴** - ایالات متحده در گزارش ۲۵ مهر ۱۳۶۴ [۱۳۰اکتبر ۱۹۸۵] به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که از یافتن فرانکلین ناتوان بوده است.

**۱۳۰۵** - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که: (یک) ایالات متحده همچنان از جایابی فرانکلین ناتوان است؛ و (دو) وفق سوابق آموکو اینترنشنال، مواد مربوطه در ادعای ز-۱۷۰ بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس*، با تاریخ تخمینی ورود ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [دهم اوت ۱۹۷۹] به جزیرهٔ خارک حمل شده است.

---

[۶۱۶] *بنگرید به* بند ۱۲۹۶، بالا.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۳۰۶ - ایران مدعی است که اقلام ز-۱۷۰ در ۲۱ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند. بنا بر اظهارات ایران، مدارک مورد اتکای ایالات متحده مبنی بر اثبات این که اقلام مذکور قبل از آن تاریخ به ایران حمل شده بوده، قطعی نیست. به ویژه، ایران ادعا دارد که تلکس ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال به خارک که اطلاع داد که سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ «به طور کامل حمل»[۶۱۷] شده بوده، با تلکس هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال به خارک ناسازگار است که اطلاع داد که خارک باید «اقلام ۸، ۱۳ و ۱۹» از همان سفارش خرید را، اگر همچنان به آن‌ها نیاز دارد، مجدداً سفارش دهد؛[۶۱۸] تلکس هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] تأیید می‌کند که حداقل این اقلام حمل نشده بوده‌اند، و این که، بدین ترتیب، حمل اقلام مندرج در سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* نمی‌توانسته به صورت کامل انجام گرفته باشد.

۱۳۰۷ - بنابر نظر ایران، به علاوه، اقلام ز-۱۷۰ در بارنامهٔ کشتی‌رانی به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] موجود در مدارک فهرست نشده‌اند.[۶۱۹]

۱۳۰۸ - خلاصه این که، ایران مدعی است که ایالات متحده نتوانسته اثبات کند که اقلام ز-۱۷۰ به ایران حمل شده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

---

[۶۱۷] *بنگرید به* بند ۱۲۹۸، بالا.

[۶۱۸] *بنگرید به* بند ۱۲۹۹، بالا.

[۶۱۹] *بنگرید به* بند ۱۲۹۷، بالا.

**۱۳۰۹** - ایالات متحده ادعا می‌کند که مدارک موجود در سوابق، روی هم رفته، اثبات می‌کند که اقلام ز-۱۷۰ در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] به ایران حمل شده‌اند و، بدین ترتیب، در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده نبوده‌اند. ایالات متحده به ویژه بر بارنامهٔ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹][۶۲۰] و تلکس ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] به خارک[۶۲۱] تکیه می‌کند.

*تصمیم دیوان*

**۱۳۱۰** - دیوان به واسطهٔ مدارک ارائه‌شده قانع شده است که حداقل ۴۲ مورد از ۶۰ فوت مکعّب لوله‌های فولادی ۱۰ اینچی مشروح در قلم ۱ در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ در تیر ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹] بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* به خارک حمل شده‌اند. مشخصاً، این مدارک متشکّل‌اند از: (یک) بارنامهٔ کشتی‌رانی به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] که نشان می‌دهد «۲ قطعه لوله فولادی ۱۰ اینچی» که به «۴۲» فوت مکعب می‌رسید، تحت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* حمل شده بود؛[۶۲۲] و (دو) صورت‌حساب مورخ ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] از شرکت بسته‌بندی که برای آموکو اینترنشنال «بابت هزینه‌های مرتبط با دریافت، چک‌کردن، توزین، دریافت مواد، بسته‌بندی‌های صادراتی، علامت‌گذاری، فهرست‌های بسته‌بندی» در ارتباط با، از جمله، آن ۴۲ فوت مکعب لوله فولادی، صورت‌حساب صادر کرده است.[۶۲۳]

**۱۳۱۱** - با این حال، مدارک در این خصوص قاطع نیست که آیا ماندهٔ اقلام ز-۱۷۰، یعنی ۱۸ فوت مکعب لوله فولادی ۱۰ اینچی، هم قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۷۹] به ایران حمل شده بود یا خیر. دیوان تلکس ۲۱

---

[۶۲۰] *بنگرید به* همانجا.

[۶۲۱] *بنگرید به* بند ۱۲۹۸، بالا.

[۶۲۲] *بنگرید به* بند ۱۲۹۷، بالا.

[۶۲۳] *بنگرید به* همانجا.

تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال را که اطلاع داد که سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* «به طور کامل حمل» شده بوده است،[۶۲۴] مدرکی قاطع بر حمل تمام اقلام تحت پوشش آن سفارش خرید تلقی نمی‌کند. این تلکس با تلکس هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال ناسازگار به نظر می‌رسد که اطلاع داد که خارک باید «اقلام ۸، ۱۳ و ۱۹» از همان سفارش خرید را، اگر همچنان به آن‌ها نیاز دارد، مجدداً سفارش دهد.[۶۲۵] چنین می‌نماید که تلکس هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] نشان می‌دهد که حداقل این اقلام حمل نشده بوده‌اند، و بنابراین، حمل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* کامل نبوده است. با این‌حال، حداقل بخشی از خودِ تلکس هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹]، به نوبهٔ خود، با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۲۸ ناسازگار به نظر می‌رسد که فقط ۱۷ قلم را فهرست کرده و بدین ترتیب نمی‌توانسته شامل قلم «۱۹» باشد.

**۱۳۱۲** - در هر حال، دیوان با نظر به یافته‌های خود، به شرح آتی، نیازی نمی‌بیند که به طور قاطع مشخص کند که آیا ماندهٔ اقلام ز-۱۷۰ هم قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۷۹] به ایران حمل شدند یا خیر.

**۱۳۱۳** - دیوان ملاحظه می‌کند که ایالات متحده از طریق گزارش خود در ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴]، متعاقب تسلیم گزارش چهارم بهمن ۱۳۶۲ [۲۴ ژانویه ۱۹۸۴] ایران در خصوص اموال عینی ایران، به ایران و دیوان اطلاع داد که نامه‌ای به فرانکلین مبنی بر درخواست اطلاعات دربارهٔ اقلام ز-۱۷۰ ارسال داشته است.[۶۲۶] متعاقباً، ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود اطلاع داد که نتوانسته مکان فرانکلین را بیابد.[۶۲۷] نهایتاً، ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به ایران و دیوان اطلاع داد که

---

[۶۲۴] *بنگرید به* بند ۱۲۹۸، بالا.

[۶۲۵] *بنگرید به* بند ۱۲۹۹، بالا.

[۶۲۶] *بنگرید به* بند ۱۳۰۳، بالا.

[۶۲۷] *بنگرید به* بند ۱۳۰۴، بالا.

همچنان نتوانسته مکان فرانکلین را بیابد، و این که، وفق سوابق آموکو اینترنشنال، اقلام ز-۱۷۰ در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] بر عرشهٔ *اس‌اس‌فیکس* به ایران حمل شده بوده‌اند.[۶۲۸] در نظر دیوان، ایالات متحده این ادعا را به اندازهٔ کافی وارسی کرده و مراتب را به اطلاع ایران رسانده است. مطابق این اوضاع و احوال، از ایالات متحده نمی‌شد به نحو معقول بیش از این انتظار داشت.

**۱۳۱۴** - بدین ترتیب، دیوان نتیجه می‌گیرد که، حتی بر فرض این که ماندهٔ اقلام ز-۱۷۰، یعنی ۱۸ فوت مکعّب لوله فولادی ۱۰ اینچی،[۶۲۹] در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده وجود می‌داشت، با در نظر داشتن اطلاعاتی که ایالات متحده دربارهٔ اقلام ز-۱۷۰ در اختیار داشته، ایالات متحده هر آن‌چه به طور معقول از آن دولت انتظار می‌رفته که در اوضاع و احوال مربوطه برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ به منظور حصول اطمینان از انتقال آن اقلام به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۶۳۰]

**۱۳۱۵** - نظر به مراتب فوق، ادعای ز-۱۷۰ رد می‌شود.

*(شش) ادعای ز-۱۷۱ (خارک/سی.اس.سی. اینک.، که متعاقباً به شیکاگو والو اند پایپ کورپ. تغییر نام یافت)*

*مقدمه*

**۱۳۱۶** - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۷۱ حداکثر مبلغ ۵۸۶۷/۹۳ دلار آمریکا بابت قصور ادعایی ایالات متحده در انتقال برخی اقلام سفارش داده شده به سی. اس. سی. اینک.، شیکاگو («سی.اس.سی.») می‌باشد.

*سوابق موضوعی*

---

[۶۲۸] *بنگرید به* بند ۱۳۰۵، بالا.

[۶۲۹] *بنگرید به* بندهای ۱۳۱۰-۱۳۱۱، بالا.

[۶۳۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

**۱۳۱۷ -** ادعای ز-۱۷۱ مربوط به چندین قلم اتصالات و اتصالات لوله («اقلام ز-۱۷۱») است که آموکو اینترنشنال ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ به تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئن ۱۹۷۹] به سی.اس.سی. سفارش داد.[۶۳۱] سی.اس.سی. شش صورت‌حساب دربرگیرندهٔ اقلام ز-۱۷۱ صادر کرد و برای خارک مجموعاً ۵،۸۶۷/۹۳ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر نمود. خارک مبلغ ۵،۷۵۰/۵۷ دلار آمریکا بابت آن صورت‌حساب‌ها را طی سه فقره چک صادره به ترتیب در ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ [۱۴ اوت ۱۹۷۹]، ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] و ۲۰ مهر ۱۳۵۸ [۱۲ اکتبر ۱۹۷۹] پرداخت کرد.

**۱۳۱۸ -** چندین «فهرست رسید کالا» که توسط شرکت بسته‌بندی صادر شده حاکی از آن است که بیش‌تر اقلام سفارش داده‌شده ذیل سفارش خرید کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ بین تیر و شهریور ۱۳۵۸ [ژوئیه و اوت ۱۹۷۹] توسط شرکت بسته‌بندی دریافت شده است.

**۱۳۱۹ -** وفق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸/فروردین ۱۳۵۹ و فروردین/اردیبهشت ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۶۳۲] در آن ماه‌ها، اقلام یادشده که مطابق سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ از سی. اس. سی. دریافت شده بوده، در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل آموکو اینترنشنال، وورلد ترید، انبار شده است.

**۱۳۲۰ -** یک فرم «پروانه استرداد کالا» از آموکو اینترنشنال به تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۵۸ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۹] حکایت از آن دارد که برخی از اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] از طریق یلو ترانزیت سیستمز به شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن، شرکت خلف سی. اس. سی. اینک.[۶۳۳] مسترد

---

[۶۳۱] سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ در دوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹] کمی اصلاح شد که به افزایش مبلغ تا حدود ۱۰۰ دلار آمریکا انجامید.

[۶۳۲] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۶۳۳] ادله و مدارک نشان می‌دهد که شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن، شرکت خلف سی.اس.سی. بوده است. دیوان در این ارتباط ملاحظه می‌کند که، در حالی که سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ و صورت‌حساب‌های ارسال شده به خارک بابت اقلام ز-۱۷۱، که تماماً در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] صادر شده، سی.اس.سی. را به عنوان فروشنده شناسایی می‌کنند، تمام اسناد مربوطه در

شده است. مطابق یادداشت دست‌نویسی بر آن فرم، اقلام ۴ (۱۵ واحد)، ۱۱، ۱۲، ۱۶–۲۱، ۲۳، ۲۸، و ۲۹ ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی–۷۹۰۰۹۰ به «مازاد کی‌سی» ارسال شد.

**۱۳۲۱ -** سوابق به علاوه مشتمل است بر یک فرم داخلی آموکو اینترنشنال در مورد «انتقال مواد» راجع به سفارش خرید شماره کی‌سی–۷۹۰۰۹۰ به تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۶۸ [نهم دسامبر ۱۹۸۰] که چندین قلم از سفارش خرید شماره کی‌سی–۷۹۰۰۹۰ را فهرست کرده که به فروشنده، شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن مسترد شده است.

**۱۳۲۲ -** یک «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلیِ آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی–۷۹۰۰۹۰ تأیید می‌کند که به جز اقلام ۴ (۱۵ واحد)، ۱۱، ۱۲، ۱۶–۲۱، ۲۳، ۲۸، و ۲۹ از همان سفارش خرید، که به «مازاد کی‌سی» رفت، «تمام اقلام» در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] توسط آموکو دریلینگ سرویسز («آموکو دریلینگ») به «فروشنده مسترد» شد.[۶۳۴]

**۱۳۲۳ -** خارک با نامهٔ خطاب به سی.اس.سی. به تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۶۲ (مطابق ۲۶ آوریل ۱۹۸۳)، در پیگیری نامهٔ قبلی مورخ ۲۴ آبان ۱۳۶۱ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۲] نوشت که، مطابق دفاتر خود، اقلام ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی–۷۹۰۰۹۰ توسط «دپارتمان موجودی انبار» خارک دریافت نشده است. خارک درخواست کرد که سی.اس.سی. وضعیت سفارش مذکور را روشن کند. هیچ دلیلی مبنی بر هر گونه پاسخی به نامهٔ خارک وجود ندارد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

---

سوابق پس از این، که با فرم «پروانه استرداد کالاها» مورخ ۳۰ آذر ۱۳۵۸ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۹] آغاز می‌شود، شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن را به عنوان فروشنده شناسایی می‌کنند.

[۶۳۴] *نیز بنگرید به* بند ۱۳۲۰، بالا.

**۱۳۲۴ -** ایالات متحده در گزارش اموال عینی ایران به تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خاطرنشان شد که چون نتوانسته است مکان فروشنده اقلام ز-۱۷۱ سی.اس.سی. را بیابد، نیازمند اطلاعات بیش‌تری راجع به ادعای ز-۱۷۱ بوده است؛ ایالات متحده شرکتی به نام «سی. اس. سی.» در شیکاگو یافته بود امّا آن شرکت یک مؤسسه معاملات املاک بود. ایالات متحده به علاوه اعلام کرد که نامه‌ای برای «کسب اطلاعات» ارسال کرده بود.

**۱۳۲۵ -** ایران در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت: سی.اس.سی. اینک. « نشانی و مدارک بیش‌تر ارائه شد». ایران با گزارش خود، کپی چکی به مبلغ ۱۹۰/۰۶ دلار آمریکا صادره توسط خارک برای «سی.اس.سی. اینکورپوریتد» و کپی‌هایی، بعضاً ناخوانا، از یک صورت‌حساب، یا تعدادی صورت‌حساب، صادره توسط «سی.اس.سی. اینکورپوریتد» برای خارک را ارائه کرد.

**۱۳۲۶ -** ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان تکرار کرد که نیازمند اطلاعات بیش‌تری راجع به سی.اس.سی. است، و افزود که «سی.اس.سی. در شیکاگو یک مؤسسه معاملات املاک بود».

**۱۳۲۷ -** ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان بار دیگر اظهار داشت که از یافتن مکان سی.اس.سی. ناتوان بوده است. این دولت به علاوه اعلام کرد که، بر اساس سوابق آموکو اینترنشنال، «سفارش لغو شد» و این که «اکثر مواد به اس.سی.اس. مسترد شد و سایر اقلام به مازاد پتروشیمی خارک منتقل گردید».

**۱۳۲۸ -** ایالات متحده در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادلهٔ ایران ادعا کرد که «در مدارکی که اخیراً به دست آمده [و همراه با پاسخ ایالات متحده تسلیم شده است]،[۶۳۵] ... به نظر می‌رسد که شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن،[۶۳۶] شرکت سلف سی.اس.سی. اینک. بوده است».[۶۳۷]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۳۲۹ -** ایران استدلال می‌کند که با توجه به این که هیچ ادله اثباتی وجود ندارد که ثابت کند اقلام ز-۱۷۱ به خارک در ایران تحویل داده شده است، باید چنین فرض شود که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در ایالات متحده قرار داشته‌اند، و بدین ترتیب مشمول بند ۹ می‌باشند.

**۱۳۳۰ -** ایران مخالفتی ندارد که اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به فروشنده مسترد شده‌اند؛ با این حال، ایران استدلال می‌کند که هیچ امری دال بر این نیست که آن اقلام به فروشنده فروخته هم شده باشند. در این ارتباط، ایران مخالف است که آموکو اینترنشنال دارای هرگونه مجوز برای بازفروش اقلام ز-۱۷۱ به فروشنده بوده است.[۶۳۸] به علاوه، ایران مدعی است که هیچ نشانه‌ای مبنی بر این امر وجود ندارد که هیچ یک از اقلام ز-۱۷۱ در تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود نبوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

---

[۶۳۵] *بنگرید به* بندهای ۱۳۲۰-۱۳۲۱، بالا.

[۶۳۶] *بنگرید به* همانجا.

[۶۳۷] *اما بنگرید به* پانوشت ۶۳۳، بالا.

[۶۳۸] *بنگرید به* بند ۱۲۵۸، بالا.

**۱۳۳۱ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که آموکو اینترنشنال بسیاری از اقلام ز-۱۷۱ را به سی.اس.سی. بازفروش کرده و مابقی آن اقلام را قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ضایعات سپرده است.

**۱۳۳۲ -** به طور مشخص، ایالات متحده در خصوص اقلام ۱ تا ۳، ۴ (۵ واحد)، ۵ تا ۱۰، ۱۳ تا ۱۵، ۲۲، ۲۴ تا ۲۷، و ۳۰ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰[۶۳۹] مدعی است که فرم «پروانهٔ استرداد کالا»ی آموکو اینترنشنال موجود در سوابق نشان می‌دهد که آن اقلام در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به فروشنده مسترد شده است.[۶۴۰] ایالات متحده استدلال می‌کند که چون آموکو اینترنشنال این اقلام را قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به سی.اس.سی. بازفروش کرده است، خارک در آن تاریخ مالک آن‌ها نبوده است و نتیجتاً آن‌ها مشمول بند ۹ نیستند. ایالات متحده در پاسخ به این استدلال ایران که آموکو اینترنشنال برای بازفروش اقلام ز-۱۷۱ به فروشنده مجوز نداشته، مدعی است که آموکو اینترنشنال «حداقل دارای مجوز ظاهری برای بازفروش مواد متعلق به خارک بوده است».

**۱۳۳۳ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که مابقی سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ - یعنی اقلام ۴ (۱۵ واحد)، ۱۱، ۱۲، ۱۶-۲۱، ۲۳، ۲۸، و ۲۹ - قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به حساب مازاد پتروشیمی خارک ارسال شده بوده است، چنان که مورد تأیید «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال موجود در مدارک واقع شده است.[۶۴۱]

*تصمیم دیوان*

---

[۶۳۹] *بنگرید به* بندهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲، بالا.

[۶۴۰] *بنگرید به* بند ۱۳۲۰، بالا.

[۶۴۱] *اما بنگرید به* بند ۱۳۲۲، بالا.

**۱۳۳۴ -** مدارک ارائه‌شده دیوان را قانع می‌کند که: (یک) اقلام ۱ تا ۳، ۴ (۵ واحد)، ۵ تا ۱۰، ۱۳ تا ۱۵، ۲۲، ۲۴ تا ۲۷، و ۳۰ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به فروشنده بازفروش و مسترد شده است؛ و (دو) اقلام ۴ (۱۵ واحد)، ۱۱، ۱۲، ۱۶-۲۱، ۲۳، ۲۸ و ۲۹ از آن سفارش خرید قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] توسط آموکو اینترنشنال به حساب مازاد پتروشیمی خارک ارسال شده است. این مدارک مشتمل‌اند بر:

(الف) یک فرم «پروانهٔ استرداد کالا»ی آموکو اینترنشنال مورخ ۳۰ آذر ۱۳۵۸ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۹]، (۱) حاکی از این که برخی اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ به فروشنده، شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن، شرکت خلف سی.اس.سی.،[۶۴۲] از طریق یلّو ترانزیت سیستمز در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰]؛ و (۲) مشتمل بر حاشیهٔ دست‌نویسی دال بر این که سایر مواد، یعنی اقلام ۴ (۱۵ واحد)، ۱۱، ۱۲، ۱۶-۲۱، ۲۳، ۲۸ و ۲۹ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ به «مازاد کی‌سی» ارسال شده بود؛[۶۴۳]

(ب) یک بارنامه با قید نام گیرنده از یلّو ترانزیت سیستمز مورخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] که پوشش دهندهٔ حمل بخش‌های گوناگونی از آموکو دریلینگ به شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشین بود؛

---

[۶۴۲] ادله و مدارک دلالت بر آن دارد که شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن شرکت خلف سی.اس.سی. بوده و نه، به گونه‌ای که ایالات متحده القاء می‌کند، عکس آن (*بنگرید به* بند ۱۳۲۸، بالا) . دیوان در این ارتباط خاطرنشان می‌کند که در حالی‌که سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ و صورت‌حساب‌های ارسالی به خارک برای اقلام ز-۱۷۱، که همه در ۱۳۵۷/۱۳۵۸ (۱۹۷۹] صادر شد، سی.اس.سی. را به عنوان فروشنده شناسایی می‌کنند، تمام مدارک ذی‌ربط بعدی مندرج در سوابق، که با فرم «پروانه استرداد کالا»ی آموکو اینترنشنال مورخ ۳۰ آذر ۱۳۵۹ [۲۱ دسامبر ۱۹۷۹] آغاز می‌شود، شیکاگو والو اند پایپ را به عنوان فروشنده تعرفه می‌کند.

[۶۴۳] *بنگرید به* بند ۱۳۲۰، بالا.

(پ) یک فرم «انتقال مواد» از آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ مورخ ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰] که اقلام گوناگونی از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ که به شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشین مسترد شده بود را فهرست کرده بود؛[۶۴۴] و

(ت) یک «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی از آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ که تأیید می‌کرد که «تمام اقلام» به جز اقلام ۴ (۱۵ واحد)، ۱۱، ۱۲، ۱۶ تا ۲۱، ۲۳، ۲۸ و ۲۹ از آن سفارش خرید که به «مازاد کی‌سی» رفت، در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] توسط آموکو دریلینگ «به فروشنده پس‌فرستاده» شد.[۶۴۵]

**۱۳۳۵** - به علاوه، دیوان حکم می‌کند که ایالات متحده این ادعا را به اندازه کافی وارسی کرده است. ایالات متحده درگزارش‌های ۱۳۶۳ [۱۹۸۴]، ۱۳۶۴ [۱۹۸۵]، و ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] خود در خصوص اموال عینی ایران به ایران و دیوان اطلاع داد که از جایابی سی.اس.سی. ناتوان بوده است، و نیازمند اطلاعات بیش‌تری دربارهٔ این شرکت است.[۶۴۶] ایالات متحده در گزارش سال ۱۳۶۹ [۱۹۹۰] خود، به اضافه، اطلاع داد که، وفق اطلاعاتی که از آموکو اینترنشنال به دست آورده است، سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ لغو شده بوده؛ اکثر اقلام ز-۱۷۱ به سی.اس.سی. مسترد شده بوده؛ و سایر اقلام به حساب مازاد پتروشیمی خارک منتقل شده بوده است. ایالات متحده در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران، مدارک بیش‌تری راجع به ادعای ز-۱۷۱ فراهم آورد که حاکی از این بود که شیکاگو والو اند پایپ کورپوریشن جانشین سی.اس.سی. شده بوده است.

---

[۶۴۴] *بنگرید به* بند ۱۳۲۱، بالا.

[۶۴۵] *بنگرید به* بند ۱۳۲۲، بالا.

[۶۴۶] *بنگرید به* بندهای ۱۳۲۴، ۱۳۲۶، و ۱۳۲۷، بالا.

**۱۳۳۶ -** ایران نشان نداده است که به منظور عملی‌کردن انتقال اقلام ز-۱۷۱ به ایران به آموکو اینترنشنال، یا شیکاگو و الو اند پایپ کورپوریشن پس از شناسایی آن توسط ایالات متحده، دستورالعمل کافی داده است.

**۱۳۳۷ -** در پرتو این اوضاع و احوال، دیوان نتیجه می‌گیرد که حتی اگر چنین فرض شود که اقلام ز-۱۷۱ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اموال ایران بوده و همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند، با در نظر گرفتن اطلاعاتی که ایالات متحده دربارهٔ اقلام ز-۱۷۱ در دست داشته، این دولت هر آن چه به نحو معقول برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ به منظور برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال اقلام ز-۱۷۱ به ایران انتظار می‌رفته انجام دهد، انجام داده است.[۶۴۷] در رابطه با آن دسته از اقلام در سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۰ که در نیمه دوم ۱۳۵۹ [اواخر سال ۱۹۸۰] به حساب مازاد پتروشیمی خارک ارسال شد، به طور خاص، دیوان حکم می‌کند که غیرمعقول نبود که ایالات متحده چنین فرض کند که آن‌ها به ضایعات سپرده شده یا به نحو دیگری از آن‌ها خلاصی صورت گرفته و بدین ترتیب، در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دیگر در قلمرو قضایی آن دولت قرار نداشته‌اند.

**۱۳۳۸ -** در پرتو نتیجهٔ بالا، دیوان نیازی نمی‌بیند که در این خصوص تصمیم‌گیری نماید که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوزی برای بازفروش اقلام ز-۱۷۱ به فروشنده داشته است یا خیر.

**۱۳۳۹ -** در پرتو مراتب فوق، ادعای ز-۱۷۱ رد می‌شود.

*(هفت) ادعای ز-۱۷۲ (ادعای ادغام شده با ادعای ز-۱۷۶) (خارک/میدلند پایپ اند سوپلای کو.)*

*مقدمه*

---

[۶۴۷] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۳۴۰ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۷۲ حداکثر مبلغ ۱۹،۹۳۱/۵۱ دلار آمریکا بابت خسارات وارده ادعایی به واسطهٔ قصور ایالات متحده در فراهم کردن ترتیبات انتقال انواع فلنج، اتصالات، و شیرفلکه سفارش داده شده از میدلند پایپ اند سوپلای کامپنی («میدلند») است.

۱۳۴۱ - ادعای ز-۱۷۲ در ارتباط با اقلام سفارش داده‌شده از میدلند ذیل سه سفارش خرید، یعنی سفارش‌های خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴، کی‌سی-۷۹۰۰۰۹، و کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ («اقلام ز-۱۷۲») می‌باشد.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴*

*پیشینه موضوعی*

۱۳۴۲ - آموکو اینترنشنال از طریق سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ صادره در ۱۵ تیر ۱۳۵۸ [ششم ژوئیه ۱۹۷۹] پنج قلم از اتصالات، پستانک‌ها، درپوش‌ها و فلنج‌ها را به مبلغ ۵۰۴/۰۵ دلار آمریکا به میدلند سفارش داد.[۶۴۸]

۱۳۴۳ - میدلند از سوم تا ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه تا ۱۷ اوت ۱۹۷۹] چهار صورت‌حساب برای پوشش‌دادن تمام پنج قلم سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ صادر کرد و مجموعاً مبلغ ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا برای خارک صورت‌حساب صادر نمود. خارک این مبلغ را با چک‌هایی صادره در ۲۳ و ۳۱ مرداد، و ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [۱۴ و ۲۲ اوت، و اول سپتامبر ۱۹۷۹]، به ترتیب، پرداخت.

---

[۶۴۸] خارک در ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۹] تلکسی به آموکو اینترنشنال فرستاد که طی آن از جمله اظهار داشت: «مطلب زیر فهرستی است شامل درخواست‌هائی که به دلیل نگرانی فروشنده [] راجع به دریافت پرداخت برای کالا، نتوانسته‌ایم آن‌ها را سفارش بدهیم». فهرست مزبور شامل این مورد بود: «کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ فلنج‌ها، اتصال‌ها، -/۵۶۰ دلار».

۱۳۴۴ - مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۶۴۹] در این ماه‌ها اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴، که برای آن‌ها به مبلغ ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده بود، در انبار در هیوستون، در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین‌شده توسط آموکو اینترنشنال، وورلد ترید، بود.

۱۳۴۵ - سوابق شامل یک فرم «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] است که، از جمله، تمام پنج قلم سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ را فهرست کرده است. مطابق این فرم، اقلام مذکور باید به تأمین کنندهٔ آموکو اینترنشنال، سیجبراش پایپلاین سوپلای کامپنی («سِیجبراش») حمل می‌شدند.

۱۳۴۶ - آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از شرکت نفت ایران پان آمریکن، و سیجبراش در سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] یک «موافقت‌نامهٔ فروش» را امضا کردند که در آن، آموکو اینترنشنال توافق به فروش، و سیجبراش توافق به خرید برخی اقلام مشروح در یک نامه، که آن هم مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] بود، از سیجبراش به آموکو اینترنشنال که به «موافقت‌نامه فروش» مذکور منضم بود. نامهٔ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] سیجبراش، از جمله، اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ را فهرست کرده و مشعر بر این بود که تمام آن‌ها توسط سیجبراش دریافت شده و برای خریدشان مبلغ ۱۲۶/۰۲ دلار آمریکا پیش‌نهاد کرده بود. سیجبراش متعاقباً این مبلغ را از طریق چک مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۶۰ [سوم آوریل ۱۹۸۱] پرداخت کرد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

---

[۶۴۹] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

۱۳۴۷ - ایران ادعا می‌کند که تمام اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، کارگزار خارک، تحویل داده شده است. بدین ترتیب، آن‌ها «اموال ایران» بودند و در آن تاریخ در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند. بر این اساس، ایران مدعی است از آن‌جا که ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال آن‌ها به ایران قصور کرده، مسؤولیت ایالات متحده ذیل بند ۹ محرز است.

۱۳۴۸ - ایران استدلال می‌کند که «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال و سیجبراش به نحوی معتبر منعقد نشده و نمی‌توانسته به درستی ناقل حق مالکیت آن اقلام به سیجبراش باشد. ایران در این رابطه ادعا می‌کند که آموکو اینترنشنال مالک آن اقلام نبوده، و خارک مجوزی به آموکو اینترنشنال مبنی بر فروش آن‌ها به نمایندگی از خارک نداده بوده است. بنابر اظهارات ایران، «فروش ادعایی توسط طرفی که مالک اقلام مذکور نبوده ... و ... هیچ تعهدی نسبت به اقلام مذکور، حتی در مورد حق مالکیت نداد» را نمی‌توان یک معاملهٔ غیرمحاباتی (arm's length transaction) در بازار دانست.

۱۳۴۹ - در هر حال، ایران مدعی است که اقلام مذکور ظاهراً به سیجبراش صرفاً بعد از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به فروش رسیده‌اند.

۱۳۵۰ - در پاسخ، ایالات متحده ادعا می‌کند که آموکو اینترنشنال اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ را قبل از این که ایالات متحده هرگونه نشانه‌ای از ایران مبنی بر این دریافت کند که آن دولت برای تحصیل انتقال اقلام مذکور نیازمند مساعدت است، فروخته بوده است. بدین ترتیب، حتی اگر ایران التزامی به اَعمال آموکو اینترنشنال نداشت، ایران در برداشتن گام‌های لازم برای این که انجام تعهد ذیل بند ۹ ایالات متحده را ممکن کند، قصور کرده است. در نتیجه، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که این دولت مسؤول عدم انتقال اقلام ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ نیست.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹*

*پیشینهٔ موضوعی*

**۱۳۵۱ -** آموکو اینترنشنال در پنجم مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹] ۱۲ قلم شیرفلکه را به میدلند ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ مجموعاً به مبلغ ۱۱،۰۴۸/۴۰ دلار آمریکا سفارش داد؛ این ۱۲ قلم به ترتیب نیستند، بلکه از این قرارند: اقلام ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، و ۲۰.[۶۵۰]

**۱۳۵۲ -** سوابق مشتمل هستند بر سه صورت‌حساب از میدلند که برای خارک مجموعاً به مبلغ ۵،۹۶۴/۸۸ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ به قرار آتی صادر شده‌اند: (یک) مبلغ ۵،۷۱۴/۶۲ دلار آمریکا از طریق صورت‌حساب شمارهٔ ۸۶۶۹ مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ [۱۷ اوت ۱۹۷۹] که پوشش دهندهٔ اقلام ۱، ۳، ۴، ۱۰، ۱۵-۱۳، و ۱۸ است؛ (دو) مبلغ ۱۸۶/۲۳ دلار آمریکا از طریق صورت‌حساب مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ [۱۷ اوت ۱۹۷۹] که پوشش‌دهندهٔ حمل است؛ و (سه) مبلغ ۶۴/۰۳ دلار آمریک از طریق صورت‌حساب شمارهٔ ۹۲۱۷ مورخ نهم شهریور ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] که پوشش‌دهندهٔ قلم ۹ است. خارک این سه صورت‌حساب را از طریق چک‌های شمارهٔ ۶۰۷۱ و ۶۱۴۰ صادر شده در ۱۰ شهریور و اول آبان ۱۳۵۸ [اول سپتامبر و ۲۳ اکتبر ۱۹۷۹] پرداخت کرد.

---

[۶۵۰] خارک در ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۹] تلکسی به آموکو اینترنشنال فرستاد که طی آن از جمله اظهار داشت «مطلب زیر فهرستی است شامل درخواست‌هائی که به دلیل نگرانی فروشنده [] راجع به دریافت پرداخت برای کالا، نتوانسته‌ایم آنها را سفارش بدهیم». فهرست مزبور شامل مورد آتی بود: «کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ شیرفلکه‌های کشوئی ۱۴،۰۷۱/۶۶ دلار (تخمین)». تلکسهائی از خارک به آموکو اینترنشنال مورخ نهم و ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ [۳۱ ژوئیه و هشتم اوت ۱۹۷۹] حاکی از آن است که خارک «قلم‌های ۶ و ۱۶» را به این دلیل سفارش نداده بود که «دیگر موجود نبودند».

**۱۳۵۳ -** مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۶۵۱] در آن ماه‌ها، اقلامی که تحت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ از میدلند دریافت شده بود و صورت‌حساب آن‌ها به مبلغ ۱۰،۹۸۴/۸۸ دلار آمریکا بوده، در انبار وورلد ترید در هیوستون قرار داشت که کارگزار حمل و نقل منتخب آموکو اینترنشنال بوده است.

**۱۳۵۴ -** سوابق مشتمل بر نامه‌ای مورخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] از میدلند به آموکو اینترنشنال است که میدلند به واسطهٔ آن به درخواست آموکو اینترنشنال «مبنی بر استرداد مواد» سفارش داده شده ذیل «کار پتروشیمی خارک» پاسخ داد و «قیود و شروط»ی را به اطلاع آموکو اینترنشنال رساند که میدلند می‌توانست بر اساس آن‌ها استرداد اقلام ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۰ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ را بپذیرد.

**۱۳۵۵ -** میدلند در ضمیمهٔ نامهٔ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] خود اعلام کرد که تأمین‌کنندهٔ او «استرداد» قلم ۲۰ را، که میدلند بابت آن، صورت‌حسابی به شمارهٔ ۱۲۹۰۳ مورخ ششم دی ۱۳۵۸ [۲۷ دسامبر ۱۹۷۹] صادر کرده بود، «نمی‌پذیرد». دیوان ملاحظه می‌کند که این صورت‌حساب در فهرست پاپیر یک[۶۵۲] ثبت شده است، که مقرر می‌دارد میدلند مبلغ ۵،۰۲۰ دلار آمریکا برای خارک بابت قلم ۲۰ (چهار واحد شیر فلکهٔ کشویی فولادی) صورت‌حساب صادر کرده بوده است. همان‌طور که ذکر شد، فهرست پاپیر یک، مبالغ پرداخت‌شده توسط آموکو اینترنشنال برای راضی‌کردن فروشندگانی که خارک به آن‌ها مبلغی پرداخت نکرده بود را ثبت کرده است.

**۱۳۵۶ -** سوابق به علاوه مشتمل بر کپی مدارک زیر است:

---

[۶۵۱] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۶۵۲] *بنگرید به* بند ۱۲۲۶، بالا.

(الف) یک فرم «انتقال مواد» از آموکو اینترنشنال مورخ ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] دال بر این که قلم ۱ در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ به وابستهٔ آموکو اینترنشنال، شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز، حمل شده بوده است؛

(ب) یک فرم «پروانهٔ استرداد کالا» از آموکو اینترنشنال، به همراه فهرستی ضمیمه از مواد، مشعر بر این که اقلام ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، و ۱۸ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ به میدلند، فروشنده، در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] از طریق یلو فریت سیستمز مسترد شده بوده است؛

(پ) یک فرم «پروانهٔ استرداد کالا» از آموکو اینترنشنال، دال بر این که در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱]، اقلام بیش‌تری از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ از طریق یلو فریت سیستمز به سیجبراش ارسال شده بوده است؛ این مدرک، با این حال، مشخص نمی‌کند که این اقلام، کدام‌ها بوده‌اند؛

(ت) یک فرم «انتقال مواد» مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] آموکو اینترنشنال دال بر این که اقلام ۴، ۹، ۱۵، ۱۶، و ۱۸ بر اساس سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ به میدلند حمل شده بوده‌اند؛

(ث) یک «یادداشت اقدام» داخلی آموکو اینترنشنال که به «پروانهٔ استرداد کالا» مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] مشروح در بالا ارجاع می‌دهد و اظهار می‌دارد:

قلم ۱ # ... فروخته شد KC(H)0006(80)
قلم ۳ # ... فروخته شدKC(H)0006(81)
قلم ۱۳# ... یافت نشد
قلم ۱۴# ... فروخته شدKC(H)0006(81)

(ج) یک «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال به نمایندگی از شرکت نفت ایران پان آمریکن، و سیجبراش، که آموکو اینترنشنال به واسطهٔ آن توافق به فروش، و سیجبراش توافق به خرید برخی اقلام مشروح در نامه‌ای نمود که مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] هم بود، از سیجبراش به آموکو اینترنشنال که منضم به «موافقت‌نامهٔ فروش» مذکور بود؛ نامهٔ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] اعلام می‌کرد که سیجبراش، از جمله، محموله‌ای از مواد از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ را از آموکو اینترنشنال دریافت کرده بوده، که، با این حال، اقلام ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، و ۱۸ در آن نبوده، گرچه آن‌ها در فهرست بسته‌بندی آموکو اینترنشنال ذکر شده بودند؛ سیجبراش مبلغ ۱،۲۵۵ دلار آمریکا بابت اقلامی که دریافت کرده بود پیش‌نهاد داد؛

(چ) یک چک مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۶۰ [سوم آوریل ۱۹۸۱] که سیجبراش با آن، از جمله، مبلغ ۱،۲۵۵ دلار آمریکا را که در نامهٔ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] خود به آموکو اینترنشنال پیش‌نهاد کرده بود، به آن شرکت پرداخت؛

(ح) یک «موافقت‌نامهٔ فروش» بدون تاریخ میان آموکو اینترنشنال به نمایندگی از شرکت نفت پان آمریکن، و میدلند؛ این موافقت‌نامه در بخش در نظرگرفته شده برای تشریح اموال فروخته شده، حاوی این دست‌نوشته است «بنگرید به مبلغ بستانکار ۹،۰۶۲/۶۳ دلار پیوست»؛ موافقت‌نامه مذکور همچنین حاوی این دست نوشته است «تحویل داده شده (سیسرو، ایلینوی)»؛

(خ) یک «یادداشت واریز» از میدلند به آموکو اینترنشنال مورخ ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ [۳۰ مارس ۱۹۸۱] مبنی بر این که مجموعاً مبلغ ۹،۰۶۲/۶۳ دلار آمریکا به حساب آموکو اینترنشنال واریز شده است؛ یادداشت مذکور مشخص می‌کند که مبلغ ۲،۲۹۸/۰۶ دلار آمریکا از مجموع آن، به اقلام ۴، ۹، ۱۰، ۱۵ و ۱۸ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ مربوط بوده است؛

(د) یک بارنامه با قید نام گیرنده یلوو فریت سیستمز در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] (روز و ماه اعلام نشده) که حاکی از یک محموله از آموکو دریلینگ به میلدند بوده و به عنوان «۱ جعبه شیرفلکه ... کی‌سی-۰۰۶۷-۷۹، کی‌سی-۰۰۰۹-۷۹» توصیف شده است؛

(ذ) یک نامه مورخ چهارم فروردین ۱۳۶۰ [۲۴ مارس ۱۹۸۱] از شرکت نفت استاندارد به میدلند که، از جمله، به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ و کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ ارجاع می‌دهد و اظهار می‌دارد:

> مدارکی از انبار ما در هیوستون دلالت بر آن دارد که محموله‌های صورت‌حساب شده برای شماره‌های سفارش مذکور در بالا در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] و ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱]، به ترتیب، از طریق یلوو فریت سیستمز به کارخانه شما برگردانده شده است.
>
> خواهشمند است فهرست موجودی قطعات را تهیه و به اعتبار حساب اضافه کنید... .

(ر) یک «یادداشت انجام کار تأمین کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ که تماس‌های تلفنی انجام شده در چهارم فروردین ۱۳۶۰ [۲۴ مارس ۱۹۸۱] را ثبت کرده و اعلام می‌دارد که: (یک) «صرفاً» اقلام ۴، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۸، و ۲۰ به میدلند، فروشنده، توسط آموکو دریلینگ در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] مسترد شده بوده است؛ (دو) «صرفاً» قلم ۱ در ۲۰ آذر ۱۳۵۹ [۱۱ دسامبر ۱۹۸۰] «توسط آموکو دریلینگ به EGW 801626-04 منتقل شده» بوده است؛ (سه) «صرفاً» اقلام ۳ و ۱۴ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] «توسط آموکو دریلینگ به EGG 805354-01 منتقل شده» بوده است؛ و (چهار) «صرفاً» قلم ۱۳ نتوانست در آموکو دریلینگ جایابی شود؛

(ز) یک نامه از خارک به میدلند مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ [۱۳ آوریل ۱۹۸۳] پیرو نامه‌ای قبل‌تر مورخ ۲۴ آبان ۱۳۶۱ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۲] مشعر بر این که:

[عطف به] سفارش خرید شماره کی[سی]-۹[۰]۷۹۰۰ به علاوه پرداخت ما به مبلغ ۵،۷۷۸/۶۵ دلار به وسیله چک‌های شماره ۶۰۷۱ و ۶۱۴۰ در قبال صورت‌حساب‌های ۸۶۶۹ و ۹۲۱۷ شما ... به نحوی که پیش‌تر ذکر شد مواد مربوطه را دریافت نکرده‌ایم

احتراماً از جنابعالی درخواست می‌شود در اولین فرصت این موضوع را بررسی کنید.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۳۵۷** - چنان‌که ایران در رابطه با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ ادعا کرد، این دولت ادعا می‌کند که تمام اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ «اموال ایران» بوده و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند. بر این اساس، از آن‌جا که ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال آن‌ها به ایران قصور کرده، مسؤولیت ایالات متحده ذیل بند ۹ محرز است.[۶۵۳]

**۱۳۵۸** - ایران ادامه می‌دهد که شاید به استثنای قلم ۱، که در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] به وابستهٔ خارک، شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز، منتقل شد، تمام سایر اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ ظاهراً یا به سیجبراش در سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] یا به میدلند در ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ [۳۰ مارس ۱۹۸۱] انتقال داده شده‌اند. با این حال، به دلایلی که در بالا گفته شد،[۶۵۴] ایران مدعی است که آن انتقال‌های ادعایی نمی‌توانستند به درستی ناقل حق مالکیت اقلام مذکور به آن شرکت‌ها باشند، و در هر حال، انتقال‌های مذکور به سیجبراش و میدلند صرفاً پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به وقوع پیوسته است.

*اظهارات ایالات متحده*

---

[۶۵۳] *بنگرید به* بند ۱۳۴۷، بالا.

[۶۵۴] *بنگرید به* بند ۱۳۴۸، بالا.

**۱۳۵۹** - ایالات متحده استدلال می‌کند که بابت عدم انتقال هرگونه اقلام مربوطه در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ ذیل بند ۹ مسؤول نیست. ایالات متحده در خصوص هر یک از اقلام به شرح زیر ادعا دارد:

(الف) قلم ۱ توسط آموکو اینترنشنال در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] به شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز فروخته شد، بنابراین، خارک در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیت این قلم را دارا نبوده است؛

(ب) قلم ۱۳ در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] نمی‌توانست در انبار آموکو دریلینگ جایابی شود، چنان که در «یادداشت اقدام» و «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال موجود در مدارک اعلام شده است؛[۶۵۵] تلاش‌های انجام‌شده پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر به منظور جایابی قلم ۱۳ ناموفق بود؛

(پ) اقلام ۳ و ۱۴ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] قبل از این‌که ایالات متحده هرگونه نشانه‌ای حاکی از این امر از ایران دریافت کند که ایران در تحصیل انتقال این اقلام نیازمند مساعدت است، چنان‌که با «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» نشان داده شده است، توسط آموکو اینترنشنال به وابستگان آموکو فروخته شد؛[۶۵۶]

(ت) اقلام ۴، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۸، و ۲۰ در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] قبل از این که ایالات متحده هرگونه نشانه‌ای حاکی از این امر از ایران دریافت کند که ایران در تحصیل انتقال این اقلام نیازمند

---

[۶۵۵] *بنگرید به* بند ۱۳۵۶ (ث) و (ر)، بالا.

[۶۵۶] *بنگرید به* بند ۱۳۵۶ (ر).

مساعدت است، چنان‌که با «یادداشت انجام کار تأمین کننده/تسریع تلفنی» نشان داده شده است، توسط آموکو اینترنشنال به میدلند، فروشنده، بازفروش شد؛[۶۵۷]

(ث) قلم ۵ دچار تأخیر شد و تا اوایل دی ۱۳۵۸ [اواخر دسامبر ۱۹۷۹] آمادهٔ حمل نمی‌شد که تا آن زمان، با این حال، نامحتمل بود که آموکو اینترنشنال کارهای سفارش مذکور را انجام دهد؛ این امر با دست‌نوشتهٔ روی کپی سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ موجود در سوابق تأیید می‌شود که بیان می‌دارد «۱۶ هفته در [۱۳ شهریور [چهارم سپتامبر]]» و «۱۶ هفته برای قلم ۵»؛ هیچ چیز نشان نمی‌دهد که قلم ۵ هیچ‌گاه حمل شده باشد، بنابراین، این قلم هیچ‌گاه مال «ایران» در معنای مندرج در بند ۹ نشده است؛ و

(ج) قلم ۷ هم دچار تأخیر شد؛ «احتمال دارد که این قلم نیز هیچ‌گاه حمل نشده باشد» زیرا هیچ ارجاعی به آن در سوابق بعد از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ وجود ندارد.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷*

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۳۶۰ - آموکو اینترنشنال در چهارم تیر ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] اقلام شیرفلکه را به میدلند ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ سفارش داد. تنها اقلام ۱، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از این سفارش خرید مربوط به این ادعا هستند.

۱۳۶۱ - میدلند طی ششم تیر و ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئن و هشتم اوت ۱۹۷۹] چهار صورت‌حساب ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ برای خارک مجموعاً به مبلغ ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا بابت قلم ۱ (برای یک واحد از دو واحد سفارش داده شده)، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ (شامل ۱۱/۶۵ دلار بابت هزینه‌های

[۶۵۷] *بنگرید به* همانجا.

حمل یوپی‌اس در ایالات متحده) صادر کرد. خارک این چهار صورت‌حساب را از طریق سه چک صادر شده بین دوم مرداد و اول شهریور ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه و ۲۳ اوت ۱۹۷۹] پرداخت کرد.[۶۵۸]

**۱۳۶۲ -** مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۶۵۹] در این ماه‌ها، اقلامی که از میدلند ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ دریافت شده بود، و بابت آن‌ها به مبلغ ۸،۳۹۶/۲۵ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده بود، در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید، قرار داشت.

**۱۳۶۳ -** سوابق به علاوه مشتمل بر کپی مدارک زیر هستند:

(الف) یک مدرک «اعراض و واگذاری ادعا» مورخ سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۸۰] که میدلند از طریق آن، ادعایی را به مبلغ ۴۷/۴۹ دلار آمریکا به آموکو اینترنشنال واگذار کرد، که میدلند ظاهراً علیه خارک بابت پرداخت آن‌چه به نظر می‌رسد یکی از دو واحد از قلم ۱ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ (شیرفلکه کشویی) داشته است، مبلغی که آموکو اینترنشنال به میدلند پرداخت کرده بود؛ مبلغ ۴۷/۴۹ دلار آمریکا در فهرست پایپر یک ثبت شده است،[۶۶۰] دال بر این‌که میدلند در شهریور/مهر ۱۳۵۸ [سپتامبر ۱۹۷۹] بابت آن مبلغ صورت‌حساب شمارهٔ ۹۷۰۵ برای خارک صادر کرده بود؛

(ب) نامه‌ای مورخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] از میدلند به آموکو اینترنشنال که میدلند به واسطهٔ آن به درخواست آموکو اینترنشنال «مبنی بر استرداد مواد» سفارش داده شده ذیل «کار پتروشیمی خارک» پاسخ داد و «قیود و شروط»ی را به اطلاع آموکو اینترنشنال رساند که میدلند می‌توانست بر اساس آن‌ها

---

[۶۵۸] سوابق پرداخت‌های خارک موجود در مدارک حاکی از آن است که میدلند صورت‌حساب دیگری به مبلغ ۶۵۵/۶۰ دلار آمریکا بر عهدهٔ خارک بابت اقلام سفارش خرید شمارهٔ ۷۹۰۰۶۷ صادر کرده بود که ایران بابت آن ادعائی طرح نکرده است.

[۶۵۹] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۶۶۰] *بنگرید به* بند ۱۲۲۶، بالا.

استرداد اقلام ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ را بپذیرد؛

(پ) یک فرم «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ مورخ ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که قلم ۱۷ به شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز منتقل شده بوده است؛

(ت) یک فرم «پروانهٔ استرداد کالا» از آموکو اینترنشنال، دال بر این که اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] از طریق یلوو فریت سیستمز به میدلند مسترد شده بوده است؛ این مدرک آن اقلام را به طور مستقیم مشخص نمی‌کند، و در عوض، به «دریافت مواد» (ام آر) «۲۱۳۲۵۰» و «۲۱۳۵۵۴» ارجاع می‌دهد؛

(ث) یک فرم «انتقال مواد» مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، دال بر این که اقلام تحت پوشش «ام‌آر-۲۱۳۲۵۰» و «ام‌آر-۲۱۳۵۵۴»، یعنی اقلام ۲، ۷، ۱۲، ۱۳، و ۱۵، به میدلند مسترد شده بوده‌اند؛

(ج) یک «یادداشت اقدام» داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] که به «پروانهٔ استرداد کالا» مورخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱] بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ ارجاع می‌دهد و دلالت بر این دارد که قلم ۱۶ نمی‌توانسته «در اچ‌دی‌ام‌سی» یافت شود؛

(چ) یک بارنامه با قید نام گیرنده از یلو فریت سیستمز در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] (روز و ماه قید نشده)، حاکی از یک محموله از آموکو دریلینگ به میدلند که تحت عنوان «۱ جعبه شیرفلکه ... کی‌سی-۷۹-۰۰۶۷ و کی‌سی-۰۰۰۰۹-۷۹» توصیف شده است؛

(ح) یک «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ چهارم فروردین ۱۳۶۰ [۲۴ مارس ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از شرکت نفت ایران پان آمریکن، و سیجبراش، که به واسطهٔ آن، آموکو اینترنشنال توافق به فروش، و سیجبراش توافق به خرید برخی «اموال شخصی» کرده است؛

(خ) یک نامه مورخ چهارم فروردین ۱۳۶۰ [۲۴ مارس ۱۹۸۱] از شرکت نفت استاندارد به میدلند که، از جمله، به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ و کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ ارجاع می‌دهد و اشعار می‌دارد:

> مدارکی از انبار ما در هیوستون دلالت بر آن دارد که محموله‌های صورت‌حساب شده برای شماره‌های سفارش مذکور در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] و ۲۲ اسفند ۱۳۵۹ [۱۳ مارس ۱۹۸۱]، به ترتیب، از طریق یلو فریت سیستمز به کارخانه شما برگردانده شده است.
> خواهشمند است فهرست موجودی قطعات را تهیه و در اعتبار منظور کنید.

(د) یک «یادداشت واریز» از میدلند به آموکو اینترنشنال مورخ ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ [۳۰ مارس ۱۹۸۱]، که مجموعاً مبلغ ۹،۰۶۲/۶۳ دلار آمریکا به حساب آموکو اینترنشنال واریز می‌کرد؛ یادداشت مذکور مشخص می‌کند که مبلغ ۴،۸۴۶ دلار آمریکا از آن مجموع به اقلام ۲، ۷، ۱۲، ۱۳ و ۱۵ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ مربوط می‌شد؛

(ذ) یک فرم «پروانهٔ استرداد کالا» از آموکو اینترنشنال، دال بر این که اقلام ۱ (یکی از دو واحد سفارش داده شده) و ۶ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۳ مه ۱۹۸۱] از طریق یلوو فریت سیستمز به سیجبراش منتقل شده بوده است؛

(د) یک فرم «انتقال مواد» از آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۲ مه ۱۹۸۱]، دال بر این که قلم ۱ (یکی از دو واحد سفارش داده شده) و قلم ۶ به سیجبراش منتقل شده بوده است؛

(ز) یک بارنامه با قید نام گیرنده از یلو فریت سیستمز مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۲ مه ۱۹۸۱] حاکی از یک محموله از آموکو دریلینگ به سیجبراش که تحت عنوان «۱، جعبه، شیر فلکه» توصیف شده است؛

(ژ) یک چک صادر شده توسط سیجبراش به نفع آموکو اینترنشنال مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۹ مه ۱۹۸۱] به مبلغ ۵۷۳/۶۵ دلار آمریکا حاوی دست نوشته‌ای به این مضمون «شامل کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ می‌شود»؛

(س) یک نامه مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۶۰ [پنجم آوریل ۱۹۸۳] از خارک به میدلند، مبنی بر این درخواست که میدلند به بازبینی اختلافات ادعایی میان مبالغی که برای خارک صورت‌حساب صادر کرده بوده و مبالغی که خارک پرداخت کرده بوده، بپردازد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۳۶۴** - ایران، همان‌طور که در رابطه با سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ و کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ ادعا کرد، ادعا می‌کند که تمام اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «اموال ایران» بوده و در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند. بر این اساس، از آن جا که ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال آن‌ها به ایران قصور کرده، مسؤولیت ایالات متحده ذیل بند ۹ محرز است.[۶۶۱]

**۱۳۶۵** - ایران ادامه می‌دهد که شاید به استثنای قلم ۱۷، که ظاهراً در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] به شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز، وابستهٔ آموکو اینترنشنال منتقل شده، تمام سایر اقلام سفارش خرید شماره

[۶۶۱] *بنگرید به* بند ۱۳۴۷، بالا.

کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ علی‌الظاهر صرفاً بعد از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یا به میدلند یا به سیجبراش منتقل شده‌اند. در هر حال، به دلایلی که در بالا ذکر شد،[۶۶۲] ایران مدعی است که آن انتقال‌های ادعایی نمی‌توانسته به درستی ناقل حق مالکیت اقلام مذکور به آن شرکت‌ها باشد.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۳۶۶ - ایالات متحده استدلال می‌کند که ذیل بند ۹ بابت عدم انتقال هیچ قلم اختلافی‌ای ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ مسؤولیتی ندارد. به طور خلاصه، ایالات متحده مدعی است: ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیتی بر قلم ۱۷ نداشته است زیرا آموکو اینترنشنال آن را در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز فروخته بود؛ قلم ۱۶ تا اسفند ۱۳۵۹ [مارس ۱۹۸۱] مفقود شده بود و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ممکن بود در قلمرو قضایی ایالات متحده جایابی شود یا نشود؛ هفت قلم باقی‌مانده در فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۰ [مارس و مه ۱۹۸۱] قبل از این که ایالات متحده هرگونه نشانه‌ای از ایران دریافت کند مبنی بر این‌که آن دولت در تحصیل انتقال آن‌ها نیازمند مساعدت است، به ترتیب، یا به میدلند یا به سیجبراش فروخته شد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۳۶۷ - ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص ادعای ز-۱۷۲ اعلام کرد که میدلند متصرف اموال مذکور است و خواستار ۱۴،۰۶۹/۶۸ دلار آمریکا شد و متذکر گردید: «خارک حمل سفارش‌ها را خواستار شده است، تا کنون هیچ پاسخی داده نشده است». ایران

[۶۶۲] *بنگرید به* بند ۱۳۴۸، بالا.

در خصوص ادعای ز-۱۷۶ خواهان ۱،۰۶۴/۰۵ دلار آمریکا بود و اعلام کرد که میدلند متصرف اموال مذکور است و اظهار نمود که «خارک حمل سفارش‌ها را خواستار شده است، تا کنون هیچ پاسخی داده نشده است».

**۱۳۶۸** - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص ادعای ز-۱۷۲ اظهار داشت: «خواسته ۱۴،۰۶۹/۰۸ دلار است. مدارک فراهم آمده توسط ایران معامله به مبلغ ۱۴،۱۴۱/۷۱ دلار را نشان می‌دهد. آیا این معامله بابت ... ز-۱۷۶ است؟» ایالات متحده در خصوص ادعای ز-۱۷۶، به نوبهٔ خود، می‌پرسد: «آیا این همان معامله ... ز-۱۷۲ است؟»

**۱۳۶۹** - ایران درگزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، ادعاهای ز-۱۷۲ و ز-۱۷۶ را در یک گروه قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد: «همان‌طور که ذکر شده، مجموع مبلغ سفارش‌ها ۱۴،۰۶۹/۰۸ دلار آمریکا است».

**۱۳۷۰** - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران در خصوص ادعاهای ز-۱۷۲ و ز-۱۷۶ متذکر شد: «خواسته ۱۴،۰۶۹/۰۸ دلار است. مدارک فراهم آمده توسط ایران معامله به مبلغ ۱۴،۱۴۱/۷۱ دلار را نشان می‌دهد. کالاها از طریق ورلد به خارک حمل شدند».

**۱۳۷۱** - ایران در گزارش ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص ادعاهای ز-۱۷۲ و ز-۱۷۶ تکرار می‌کند: «همان‌طور که ذکر شده، مجموع مبلغ سفارش‌ها ۱۴،۰۶۹/۰۸ دلار آمریکا است».

**۱۳۷۲** - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد:

> سوابق آموکو نشان‌دهندهٔ اختلافاتی میان سفارش‌های خرید و صورت‌حساب‌ها است. برخی اقلام به فروشنده مسترد و واردکنندهٔ هزینه‌های لغو کردن شدند؛ برخی توسط شرکت صادرات و

بسته‌بندی آموکو نگه داشته شدند؛ برخی به ارزش منصفانه به شرکت‌هایی دیگر ارسال شدند؛ برخی در انبار آموکو نگه داشته شدند؛ و برخی به شرکت سیجبراش فروخته شدند.

ایالات متحده با گزارش خود، حجم زیادی از ادله و مدارک مستند موجود در سوابق مربوط به ادعای ز-۱۷۲ را پیش کشید، از جمله مدارکی که نشان‌دهندهٔ «اعراض و واگذاری ادعا» توسط میدلند به نفع آموکو اینترنشنال و فروش اقلام ز-۱۷۲ توسط آموکو اینترنشنال به میدلند و سیجبراش بود.

*تصمیم دیوان*

**۱۳۷۳ -** دیوان وفق ادله و مدارک ارائه‌شده متقاعد شده است که تمام اقلام ز-۱۷۲ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در ایالات متحده تحویل داده شده است، و بدین ترتیب، حق مالکیت مربوط به آن‌ها در آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.[۶۶۳] دیوان به علاوه متقاعد شده است که آموکو اینترنشنال در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] قلم ۱ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ و قلم ۱۷ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ را به شرکت مصری پترولیوم خلیج سوئز، وابستهٔ خود، حمل کرده است.[۶۶۴] در این خصوص اختلافی وجود ندارد و سوابق نشان می‌دهد، که، به جز این دو قلم، اقلام ز-۱۷۲ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یا بعد از آن، به میدلند بازفروش، یا به سیجبراش فروخته شده است.[۶۶۵]

**۱۳۷۴ -** بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که، به استثنای قلم ۱ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ و قلم ۱۷ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، اقلام ز-۱۷۲ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده، و بنابراین، مشمول معنای «اموال ایران» مندرج در بند ۹ می‌باشند. دیوان از این

---

[۶۶۳] *بنگرید به* بندهای ۱۳۴۴، ۱۳۵۳، ۱۳۵۶، ۱۳۶۲، و ۱۳۶۳، بالا.

[۶۶۴] *بنگرید به* بندهای ۱۳۵۶(الف) و (ر) و ۱۳۶۳ (پ)، بالا.

[۶۶۵] راجع به میدلند، *بنگرید به* بندهای ۱۳۵۴، ۱۳۵۶ (ب)، (ت)، (ح)-(ر)؛ ۱۳۶۳ (ب)، (ت)، (ث)، (چ)، (خ)، (د)؛ راجع به سیجبراش، بنگرید به بندهای ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۵۶ (پ)، (ج)، (چ)، ۱۳۶۳ (ح)، (ذ)-(ژ).

به بعد به آن اقلام ز-۱۷۲ که در آن تاریخ همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند، تحت عنوان «باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲» ارجاع می‌دهد.

**۱۳۷۵** - همان‌طور که ذکر شد، مدیر تولید منطقه‌ای پیشین شرکت تولیدی آموکو، آقای پایپر، در شهادت‌نامهٔ خود در پروندهٔ شمارهٔ ۵۶ (*آموکو فایننس اینترنشنال کورپ.*) اظهار داشت که، آموکو اینترنشنال از خرداد/تیر ۱۳۵۹ تا نیمه دوم ۱۳۶۰ [ژوئن ۱۹۸۰ تا سراسر سال ۱۹۸۱] به فیصلهٔ ادعاهای فروشندگانی پرداخت که از خارک مبلغی دریافت نکرده بودند.[۶۶۶] آقای پایپر به علاوه اظهار داشت که آموکو اینترنشنال به منظور تقلیل خسارات، برخی از موادی را که توسط خارک سفارش داده شده بود و در زمان دستور انسداد صادر شده در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، تحت کنترل آموکو اینترنشنال بود، به قیمت ارزش منصفانه‌ی بازار فروخت.[۶۶۷] آقای پایپر مضافاً ادعا کرد که آموکو اینترنشنال، چندین مادّهٔ خریداری شده برای خارک را که فروشندگان پیشاپیش مبالغ آن‌ها را از خارک دریافت کرده بودند، به منظور جلوگیری از ضایعات طی مدت انسداد، فروخت.[۶۶۸]

**۱۳۷۶** - آقای پایپر اظهار داشت که مبالغی که آموکو اینترنشنال برای فیصله دادن ادعاهای فروشندگان پرداخت کرد، منهای مبالغی که آموکو اینترنشنال در نتیجه خلاصی از موادی که در تصرفش در ارتباط با آن ادعاها دریافت نمود، به ۵۶،۳۶۱/۸۱ دلار آمریکا بالغ شد.[۶۶۹] آقای پایپر به علاوه اظهار داشت که مبلغ دریافتی آموکو اینترنشنال بابت بازفروش موادی که خارک بابت آن‌ها به فروشندگان پرداخت کرده بود به ۳۱،۶۳۴/۴۸ دلار آمریکا بالغ شد.[۶۷۰] بنابر اظهارات آقای پایپر، آموکو اینترنشنال بدین ترتیب خسارت خالصی به مبلغ

---

[۶۶۶] *بنگرید به* بند ۱۲۲۳، بالا.

[۶۶۷] *بنگرید به* بند ۱۲۲۴، بالا.

[۶۶۸] *بنگرید به* بند ۱۲۲۵، بالا.

[۶۶۹] *بنگرید به* بند ۱۲۲۶، بالا.

[۶۷۰] *بنگرید به* بند ۱۲۲۷، بالا.

۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا در ارتباط با مواد خارک، که آموکو اینترنشنال اس. اِی. برای آن ادعایی معتبر داشته، متحمل شده است.[۶۷۱]

۱۳۷۷ - دیوان، در پرتو اظهارات آقای پایپر در شهادت‌نامه‌اش، نتیجه می‌گیرد که، در عمل، آموکو اینترنشنال باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ را به منظور جبران پرداخت‌هایی که برای پاسخ‌گویی به فروشندگانی که توسط خارک به آن‌ها مبلغی پرداخت نشده، و آموکو اینترنشنال معتقد بود که بابت آن پرداخت‌ها دارای ادعایی بود (که آموکو اینترنشنال نهایتاً ارزش آن را ۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا دانست[۶۷۲]) به فروش رساند.

۱۳۷۸ - در نتیجه، دیوان حکم می‌کند که آموکو اینترنشنال به جهت وجود بدهی پرداخت‌نشده، باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ را نگه داشته و فروخته است و در نتیجه، آن اقلام در واقع از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خرانه‌داری مستثناء شده‌اند. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیهٔ عمومی را نقض کرده، و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت در خصوص باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ درگیر می‌شود.[۶۷۳] دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خرانه‌داری را صادر کرده است.[۶۷۴]

---

[۶۷۱] *بنگرید به* همانجا.

[۶۷۲] *بنگرید به* بند ۱۳۷۶، بالا.

[۶۷۳] تعهدات ایالات متحده ذیل بیانیه عمومی در خصوص اموال عینی ایران عبارتند از، نخست، برداشتن محدودیت‌هایی که ایالات متحده طی ۲۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر حمل و نقل و آزادی انتقال آن اموال اِعمال کرده، و دادن دستور به اشخاصی که آن اموال را در تصرف دارند که مشمول قلمرو قضایی ایالات متحده باشند مبنی بر انتقال اموال مذکور چنان که دولت ایران دستورالعمل داده، و دوم، برداشتن گام‌هایی برای تضمین این که این دستورالعمل مورد متابعت قرار خواهد گرفت. *بنگرید به* حکم شمارهٔ ۵۲۹، بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۶۷۴] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

۱۳۷۹ - دیوان در پرتو مراتب بالا نیازی نمی‌بیند که در این مورد تصمیم‌گیری نماید که آیا آموکو اینترنشنال به عنوان کارگزار خرید خارک، دارای مجوز فروش باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ به میدلند یا سیجبراش بوده است یا خیر.

۱۳۸۰ - دیوان، بنابر دلایل بالا، ادعای ز-۱۷۲ را تا جایی که به باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ مربوط می‌شود، تأیید می‌کند.

*(هشت) ادعای ز-۱۷۳ (خارک/فاکسبرو کو.)*

*مقدمه*

۱۳۸۱ - ایران در ادعای ز-۱۷۳ خواهان ۱،۴۱۵ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال دستگاه‌های فرستنده سفارش داده شده از فاکسبرو کامپنی («فاکسبرو») به ایران است.

۱۳۸۲ - ادعای ز-۱۷۳ در برنامهٔ جلسات استماع در مرحله دوم از رسیدگی‌ها در این پرونده‌ها نبود و به گروهی از پرونده‌ها تعلق داشت که باید «توسط دیوان وفق مدارک پیش روی آن مورد تصمیم قرار گیرد».[۶۷۵]

*پیشینه موضوعی*

۱۳۸۳ - خارک در ۱۷ آذر ۱۳۵۷ [هشتم دسامبر ۱۹۷۸] یک دستگاه فرستنده کامل و یک فرستنده فشار دیفرانسیلی («اقلام ز-۱۷۳») را به فاکسبرو ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۴۱۵ سفارش داد.

---

[۶۷۵] *بنگرید به* بند ۵۰، بالا.

۱۳۸۴ - وفق سوابق مستند پراکندهٔ این ادعا که اساساً شامل کپی مدارک صورت‌حساب‌ها و حمل‌های ارائه‌شده توسط فاکسبرو به ایالات متحده در سال ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] است، به نظر می‌رسد که فاکسبرو مبلغ ۱،۴۱۵ دلار آمریکا برای خارک بابت اقلام ز-۱۷۳ صورت‌حساب صادر کرده، و فاکسبرو آن اقلام را به یکی از کارگزاران حمل و نقل ایران در ایالات متحده، بهرینگ اینترنشنال اینک. («بهرینگ»)، در اواخر سال ۱۳۵۷ [اوایل سال ۱۹۷۹] حمل کرده است.

۱۳۸۵ - خارک با نامه ششم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] به فاکسبرو اطلاع داد که، مطابق دفترهای خارک، موادّ ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۴۱۵ توسط «دپارتمان موجودی انبار» خارک دریافت نشده است. خارک از فاکسبرو درخواست کرد که وضعیت سفارش را روشن کند.

۱۳۸۶ - فاکسبرو با نامهٔ مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۶۲ [پنجم مارس ۱۹۸۴] به وزارت امور خارجهٔ ایالات متحده اطلاع داد که «با تکمیل حمل به بهرینگ، کارگزار حمل و نقل معین شده ...» تعهدات قراردادی خود را در برابر خارک انجام داده است. همان‌طور که گفته شد، فاکسبرو با نامهٔ خود مدارک مربوط به صورت‌حساب‌ها و حمل را به وزارت امور خارجه ایالات متحده ارائه کرد.

*گزارش‌های طرفین در خصوص اموال عینی ایران*

۱۳۸۷ - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که اقلام ز-۱۷۳ به بهرینگ حمل شده بوده است. ایالات متحده، در تأیید این سخن، کپی نامهٔ ۱۵ اسفند ۱۳۶۲ [پنجم مارس ۱۹۸۴] فاکسبرو را، به همراه مدارک ضمیمه‌شده، به ایران و دیوان ارائه کرد.

۱۳۸۸ - ایران در گزارش ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در ارتباط با ادعای ز-۱۷۳ اظهار داشت: «بدین وسیله از ادعا اعراض می‌شود». دیوان ملاحظه می‌کند که ایران سابقاً

در لایحهٔ همراه گزارش ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اظهار کرده بود:

> نظر خواهان بر این میباشد که گذشت در مورد اموال مسترد شده مطالبه خسارت را از خوانده نفی نمیکند و خواهان این حق را برای خود محفوظ میداند که سازمانهای ذیربط بتوانند دلائل مربوط به خسارت را در صورت الزوم در دیوان به ثبت برسانند. ضمناً در مورد احراز استرداد پاره‌ای از دعاوی مکاتبه با برخی از سازمانهای ذیربط در جریان است.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۳۸۹ -** ایران هیچ لایحه یا ادله‌ای در تأیید ادعای ز-۱۷۳ در اظهارات مکتوب خود متعاقب دستور نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] دیوان ارائه نکرد.[۶۷۶]

**۱۳۹۰ -** ایران در جلسات استماع اظهار داشت که، هر چند به ادعای ز-۱۷۳ ارجاع نخواهد داد، طرفین توافق کرده‌اند که این ادعا «بر اساس مدارک مورد رسیدگی خواهد شد». به علاوه، ایران در پاسخ به استدلال‌های ایالات متحده،[۶۷۷] ضمن اشاره به اعراض خود از ادعای ز-۱۷۳ در گزارش ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود،[۶۷۸] اظهار داشت که «این موضوع که از ادعایی بابت انتقال اموال واقعی اعراض [شده] بدان معنا نیست که از ادعا بر خسارت اعراض شده است».

*اظهارات ایالات متحده*

---

[۶۷۶] دیوان با دستور مورخ نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] برنامهٔ زمانی برای خواهان بابت تسلیم «لایحه توجیهی و ادله و مدارک خود ... در سایر موضوعاتی که قرار است بدانها رسیدگی شود منجمله موضوعات مربوط به اموال مشخص و تعیین میزان غرامت و بهره» و برنامهٔ زمانی برای خوانده بابت تسلیم لایحه توجیهی و ادله و مدارک خود در پاسخ را تنظیم کرد. *بنگرید به* بند ۳۹، بالا.

[۶۷۷] *بنگرید به* بند ۱۳۹۱، زیر.

[۶۷۸] *بنگرید به* بند ۱۳۸۸، بالا.

**۱۳۹۱ -** ایالات متحده مدعی است که ادعای ز-۱۷۳ باید رد شود زیرا ایران از ادعای مذکور در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] اعراض کرده، و در هر حال، از پرداختن به آن در لوایح کتبی خود متعاقب دستور نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] دیوان قصور ورزیده است.[۶۷۹]

*تصمیم دیوان*

**۱۳۹۲ -** ایران در گزارش ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران صراحتاً و بی‌پرده اظهار داشت که از ادعای ز-۱۷۳ «بدین وسیله اعراض می‌شود».[۶۸۰] ایران محدودهٔ این اعراض را مشروط نکرده؛ مشخصاً، ایران اعلام نکرده که این اعراض محدود به ادعا بر انتقال اقلام ز-۱۷۳ به ایران بوده و شامل هرگونه ادعا بر خسارات ناشی از نقض ایالات متحده نمی‌شود.

**۱۳۹۳ -** بی‌شک، ایران در گزارش سابق خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران در ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] اظهار کرده بود که «گذشت در مورد اموال مسترد شده مطالبه خسارت را از خوانده نفی نمی‌کند» و بر این اساس، ایران «این حق را برای خود محفوظ میداند که سازمانهای ذیربط بتوانند دلائل مربوط به خسارت را در صورت لزوم در دیوان به ثبت برسانند».[۶۸۱] با این حال، ایران نه استدلالات و نه مدارکی مربوط به هرگونه خسارات در ادعای ز-۱۷۳ پس از اعراض خود در سال ۱۳۶۸/۱۳۶۹ [۱۹۹۰] ارائه کرد، و بدین ترتیب، از فرصتی که به واسطهٔ دستور نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] دیوان در اختیارش قرار گرفته بود، بهره‌برداری ننمود. در نتیجه، مطابق تعبیرات خودِ ایران، تحفّظ ایران بر حقوق خود در سال ۱۳۶۶ [۱۹۸۷] هیچ تأثیری بر ادعای ز-۱۷۳ ندارد.

---

[۶۷۹] *بنگرید به* بند ۳۹ و پانوشت ۶۷۶، بالا.

[۶۸۰] *بنگرید به* بند ۱۳۸۸، بالا.

[۶۸۱] همانجا.

**۱۳۹۴ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایران از ادعای ز-۱۷۳ به کلی اعراض کرده، و بنابراین، دیوان به بررسی ماهوی این ادعا نخواهد پرداخت.

*(نه) ادعای ز-۱۷۴ (خارک/سیجبراش پایپلاین سوپلای کو. اند پروسس سیلز اینک.)*

*مقدمه*

**۱۳۹۵ -** خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۷۴ حداکثر مبلغ ۲،۵۰۷/۸۳ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال رله‌ها، اتصالات، و شیرفلکه‌های سفارش داده شده از سیجبراش و پروسس سیلز، اینک. («پروسس سیلز») ذیل سه سفارش خریدِ متفاوت است.

*سفارش‌های خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ و کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ (سیجبراش)*

*پیشینه موضوعی*

**۱۳۹۶ -** آموکو اینترنشنال در اول تیر ۱۳۵۸ [۲۲ ژوئن ۱۹۷۹] ۲۴ قلم اتصالات قفلی و یک شیر فلکهٔ یک طرفه از سیجبراش از طریق سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ مجموعاً به مبلغ ۲۵۱/۹۲ دلار آمریکا سفارش داد.[۶۸۲] آموکو اینترنشنال در همان تاریخ یا حدود آن، پنج قلم فلنج از سیجبراش ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ مجموعاً به مبلغ ۵۳۳ دلار آمریکا سفارش داد. دیوان به اقلام سفارش داده شده ذیل سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ و کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ مجموعاً تحت عنوان «اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش» ارجاع خواهد داد.

**۱۳۹۷ -** سیجبراش، در ۲۱ و ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ و ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹]، به ترتیب، صورت‌حساب راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ برای خارک به مبلغ ۱۰۲/۷۷ دلار آمریکا (شامل هزینه‌های حمل) و ۱۵۲/۷۲ دلار

---

[۶۸۲] کپی این سفارش خرید در ادله و مدارک مشتمل بر این دست نوشته است: «۸۱/۳/۲۰ توسط آموکو دریلینگ ۸۱/۳/۱۳ به فروشنده مسترد شد — سفارش کامل».

آمریکا بابت اقلام آن سفارش خرید صادر کرد. به علاوه، سیجبراش در ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] صورت‌حساب شماره ۲۴۰۳۴-۷ راجع به سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ برای خارک مجموعاً به مبلغ ۵۳۳ دلار آمریکا بابت اقلام آن سفارش خرید صادر کرد (سیجبراش در ۲۸ تیر ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹] صورت‌حساب شماره ۲۴۰۸۲- ۷ را به مبلغ ۳۷/۹۱ دلار آمریکا بابت هزینه‌های حمل، صادر کرد). خارک در ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ [هشتم اوت ۱۹۷۹] چکی بابت پرداخت همه صورت‌حساب‌های سیجبراش صادر کرد.

**۱۳۹۸ -** وفق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۶۸۳] در این ماه‌ها، اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش اقلام (یک) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹، با صورت‌حسابی به مبلغ ۳۱۲/۹۲ دلار آمریکا، و (دو) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ با صورت‌حسابی به مبلغ ۱۰۲/۷۷ دلار آمریکا در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید بودند.

**۱۳۹۹ -** سوابق به علاوه مشتمل بر کپی مدارک زیر است:

(الف) یک «برگهٔ تحویل» صادر شده توسط شرکت حمل فریت سرویسز، اینک. در ۱۹ تیر ۱۳۵۸ [۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹] راجع به تحویل شیر فلکهٔ یک‌طرفه در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ به وورلد ترید؛

(ب) یک «گزارش وضعیت مواد مشتری» مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ «به نحو کامل» در سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] در بسته‌بندی در هیوستون دریافت شده بوده است؛

(پ) یک بارنامهٔ یلوو فریت سیستمز مورّخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۹ [۱۰ مارس ۱۹۸۱]، دال بر این که آموکو دریلینگ اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش را به سیجبراش بازحمل کرده بوده است؛

---

[۶۸۳] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

(ت) یک «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] بین آموکو اینترنشنال، به عنوان نمایندهٔ شرکت نفت ایران پان آمریکن، و سیجبراش، که به واسطهٔ آن، آموکو اینترنشنال توافق به فروش، و سیجبراش توافق به خرید برخی اقلام توصیف‌شده در نامه‌ای، آن هم مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱]، از سیجبراش به آموکو اینترنشنال که منضم به «موافقت‌نامه‌ی فروش» بود، کرد؛ نامهٔ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] اعلام می‌کرد که سیجبراش، از جمله، تمام اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش را از آموکو اینترنشنال دریافت کرده بوده است؛ سیجبراش بابت آن اقلام مجموعاً مبلغ ۵۹۵/۹۸ دلار آمریکا پیش‌نهاد نمود (مشخصاً ۶۲/۹۸ دلار آمریکا بابت اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ و ۵۳۳ دلار آمریکا بابت اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴)؛

(ث) یک چک صادر شده توسط سیجبراش به نفع آموکو اینترنشنال مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۶۰ [سوم آوریل ۱۹۸۱]، که از طریق آن، سیجبراش، از جمله، مبلغ ۵۹۵/۹۸ دلار آمریکا که در نامهٔ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] خود به آموکو اینترنشنال پیش‌نهاد کرده بود، پرداخت کرد؛

(ج) یک نامه مورخ ششم اریبهشت ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] از خارک به سیجبراش، که در آن اطلاع داده شد که اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ دریافت نشده بوده است و درخواست شد که سیجبراش وضعیت سفارش مذکور را روشن کند.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۹۹ (پروسس سیلز)*

۱۴۰۰ - آموکو اینترنشنال در تیر، مرداد، یا شهریور ۱۳۵۸ [ژوئیه یا اوت ۱۹۷۹] ۱۲ قلم رله از پروسس سیلز ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۹۹ مجموعاً به مبلغ ۱،۶۱۷/۶۰ دلار آمریکا سفارش داد. دیوان به این اقلام تحت عنوان «اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز» ارجاع خواهد داد.

۱۴۰۱ - پروسس سیلز در ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ [۱۴ اوت ۱۹۷۹] صورت‌حسابی راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۹۹ به مبلغ ۱،۶۲۳ دلار آمریکا (شامل هزینه‌های حمل) بابت اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز برای خارک صادر کرد. خارک این صورت‌حساب را با چکی مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ [۱۹ اوت ۱۹۷۹] پرداخت کرد.

۱۴۰۲ - یک «گزارش وضعیت مشتری» از آموکو اینترنشنال موجود در ادله و مدارک مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] حاکی از آن است که اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز «به طور کامل» در سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] نزد متصدی بسته‌بندی در هیوستون دریافت شده بوده است.

۱۴۰۳ - مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۶۸۴] در این ماه‌ها، اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در هیوستون، در انبار وورلد ترید انبار می‌شده‌اند. هیچ ادله و مدارکی در سوابق در خصوص مکان و سرنوشت اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز پس از فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] وجود ندارد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۴۰۴ - ایالات متحده نخستین بار در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] از اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش آگاه شد، یعنی زمانی که ایران پاسخ خود را به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده ارائه کرد.[۶۸۵] در آن دادخواهی، هیچ ذکری از پروسس سیلز یا اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز نشده است.

۱۴۰۵ - ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص ادعای ز-۱۷۴ اعلام کرد که سیجبراش نگه‌دارندهٔ «مواد سفارش داده شده» بوده، و خواستار ۱،۸۵۶/۴۰ دلار آمریکا شد. ایران در تأیید این ادعا کپی دو صورت‌حساب از سیجبراش بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-

---

[۶۸۴] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۶۸۵] پاسخ جمهوری اسلامی ایران به لایحهٔ دفاعیه ایالات متحده در دعاوی شمارهٔ ۲-الف و ۲-ب، پیوست ز، ص ۱۶ (نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]).

۷۹۰۰۹۹ مجموعاً به مبلغ ۲۵۵/۴۹ دلار آمریکا،[۶۸۶] و کپی صورت‌حساب پروسس سیلز بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۱-۷۹۰۰۹۹ مجموعاً به مبلغ ۱،۶۲۳ دلار آمریکا را ارائه کرد.[۶۸۷] به نظر می‌رسد که این نخستین باری باشد که مدرکی که ذکری از پروسس سیلز به میان آورده، در پرونده‌های حاضر نمایان می‌شود.

۱۴۰۶ - سوابق مشتمل است بر نامه‌ای از سیجبراش مورخ سوم اسفند ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] به وزارت امور خارجهٔ ایالات متحده، با مهر دریافت‌شده در ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ [هفتم مارس ۱۹۸۴] از آن وزارت‌خانه، منضم به کپی (یک) دو صورت‌حساب از سیجبراش راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹؛[۶۸۸] (دو) «برگهٔ تحویل» ۱۹ تیر ۱۳۵۸ [۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹] راجع به تحویل شیر فلکهٔ یک‌طرفه در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ به وورلد ترید؛[۶۸۹] و (سه) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۰۰۰۹۹. سیجبراش در نامهٔ سوم اسفند ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] خود نوشت که مدارک ضمیمه «نشان‌دهندهٔ حمل به شرکت پتروشیمی خارک، سفارش محدود # کی‌سی۰۹۹[۰]۷۹ است».

۱۴۰۷ - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد: «خواسته ۱،۸۵۶/۴۰ دلار است. سفارش خرید ارائه شده بابت ۲۵۵/۴۹ دلار است. مدرک نخست [یعنی صورت‌حساب پروسس سیلز ارائه شده توسط ایران ضمن گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] آن دولت] [۶۹۰] به سیجبراش ارتباطی ندارد».

---

[۶۸۶] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

[۶۸۷] *بنگرید به* بند ۱۴۰۱، بالا.

[۶۸۸] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

[۶۸۹] *بنگرید به* بند ۱۳۹۹ (الف)، بالا.

[۶۹۰] *بنگرید به* بند ۱۴۰۵، بالا.

۱۴۰۸ - ایران در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران برای نخستین بار ادعای خود را بابت اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز به شرح زیر مطرح کرد:

> یک) مجموع مبلغ خواسته به ۱،۸۷۳/۴۶ دلار تغییر می‌یابد
>
> دو) ۲۵۰/۴۶ دلار از این مجموع مطابق مدارکی که سابقاً ضمیمه شد، علیه سیجبراش است.
>
> سه) ۱،۶۲۳/۰۰ دلار مطابق مدارک ضمیمه، علیه پروسس سیلز اینک. است.
>
> [...]

ایران با گزارش خود مجدداً به تسلیم کپی صورت‌حساب پروسس سیلز بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۹۹ مجموعاً به مبلغ ۱،۶۲۳ دلار آمریکا پرداخت.[۶۹۱]

۱۴۰۹ - وزارت امور خارجه ایالات متحده در ۱۵ مهر ۱۳۶۴ [هفتم اکتبر ۱۹۸۵] نامه‌ای به پروسس سیلز نوشت و در بخش مربوطه اظهار داشت:

> به نظر می‌رسد مدرک خود ایران حاکی از آن است که کالاها [ی مندرج در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۹۹] حمل شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که بر فرض که حساب‌های شما با آموکو فیصله یافته باشد، ما باید به ایران اعلام نماییم که جبران خسارت آن دولت با آموکو است، نه با شما ... [ما] از تأیید شما مبنی بر این که این سخن، اظهار درستی راجع به کالاهای فروخته شده توسط شماست، یا چنین اصلاحاتی در صورت لزوم، سپاس‌گزاریم.

ادله‌ای مبنی بر این امر وجود ندارد که پروسس سیلز به وزارت امور خارجه ایالات متحده پاسخی داده باشد.

۱۴۱۰ - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که: (یک) اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش «به آموکو فروخته» و «از طریق وورلد [ترید] به خارک حمل»

---

[۶۹۱] *بنگرید به* بند ۱۴۰۱، بالا.

شده بوده است؛ و (دو) اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز «به آموکو فروخته و حمل شده» بوده است. ایالات متحده با گزارش خود، نامه‌ای از سیجبراش مورخ سوم اسفند ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] به همراه ضمائمی ارائه کرد.[۶۹۲]

۱۴۱۱ - ایران در گزارش‌های ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت که «کالاها دریافت نشده [بوده] است».

۱۴۱۲ - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد:

> شرکت کالاها را به آموکو فروخت؛ از طریق وورلد [ترید] در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] به خارک حمل کرد. ایالات متحده در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] مدارک را تهیه کرد. آموکو تمام سفارش را به سیجبراش مسترد و هزینه را دریافت کرد.

این اظهارنظر ایالات متحده صرفاً در خصوص اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش بود. ایالات متحده در تأیید این سخن، از جمله، نامهٔ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] از سیجبراش به آموکو اینترنشنال، که مبلغ ۵۹۵/۹۸ دلار آمریکا بابت اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش را پیش‌نهاد می‌نمود، و کپی چک سیجبراش به آموکو اینترنشنال، که از طریق آن، سیجبراش آن مبلغ را به آموکو اینترنشنال پرداخت می‌کرد، ارائه نمود.[۶۹۳]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۴۱۳ - ایران مدعی است که اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش و اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز تماماً «اموال ایران» هستند و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند، و بنابراین، آن‌ها مشمول بند

---

[۶۹۲] *بنگرید به* بند ۱۴۰۶، بالا.

[۶۹۳] *بنگرید به* بند ۱۳۹۹ (ت)-(ث)، بالا.

۹ هستند. ایران استدلال می‌کند که، از آن‌جا که ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال آن‌ها به ایران قصور ورزیده، ایالات متحده بند ۹ را نقض کرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش

**۱۴۱۴ -** ایالات متحده مدعی است که مسؤولیتی بابت اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش ندارد زیرا آن اقلام قبل از آن که ایالات متحده هرگونه نشانه‌ای از ایران دریافت کند که این دولت برای تحصیل انتقال آن‌ها نیازمند مساعدت است، از طریق آموکو اینترنشنال به فروشندگان بازفروش شده است.

اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز

**۱۴۱۵ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که نمی‌توانسته پس از صدور فهرست اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰] که بر اساس آن، در آن تاریخ، اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید بوده، برای اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز تعیین تکلیف نهایی کند.[۶۹۴] با این حال، ایالات متحده مدعی است که، از آن‌جا که آموکو اینترنشنال در پاییز ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] بسیاری از موادی را که نزد کارگزار حمل و نقل نگه‌داری می‌شده بازفروش کرده یا به ضایعات سپرده است، احتمال دارد که اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز هم در آن زمان به ضایعات سپرده شده باشند و بنابراین در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دیگر در قلمرو قضایی ایالات متحده نبوده باشند.

*تصمیم دیوان*

---

[۶۹۴] *بنگرید به* بند ۱۴۰۳، بالا.

*اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش*

**۱۴۱۶ -** دیوان بر اساس مدارک ارائه شده متقاعد شده است که اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده است، و بدین ترتیب، حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.[۶۹۵] اختلافی وجود ندارد، و سوابق نشان می‌دهد، که تمام اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش در اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۱] توسط آموکو اینترنشنال به سیجبراش بازفروش شده است.[۶۹۶] بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود، و بنابراین، ذیل بند ۹ مشمول معنای «اموال ایران» بوده است.

**۱۴۱۷ -** دیوان در تطابق با نتیجه‌گیری خود در ادعای ز-۱۷۲، در پرتو اظهارات آقای پایپر در شهادت‌نامه‌اش،[۶۹۷] به علاوه مقرر می‌دارد که، در عمل، آموکو اینترنشنال اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش را در اسفند ۱۳۵۹ [مارس ۱۹۸۱] به سیجبراش بازفروش کرد تا مبالغی را که آموکو اینترنشنال برای جلب رضایت فروشندگانی که خارک به آن‌ها پرداختی صورت نداده بود، جبران کند.[۶۹۸]

**۱۴۱۸ -** در نتیجه، دیوان حکم می‌کند که آموکو اینترنشنال به جهت وجود بدهی پرداخت‌نشده، اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش را فروخته و در نتیجه، آن اقلام در واقع توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستور انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثناء شده بوده‌اند. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیهٔ عمومی را نقض کرده، و مسؤولیت بین‌المللی آن دولت در خصوص اقلام ز-۱۷۴ سبجبراش محقق است.[۶۹۹]

---

[۶۹۵] *بنگرید به* بند ۱۳۹۸، بالا.

[۶۹۶] *بنگرید به* بند ۱۳۹۹ (پ)-(ث)، بالا.

[۶۹۷] *بنگرید به* بندهای ۱۳۷۵-۱۳۷۷، بالا.

[۶۹۸] *بنگرید به* بند ۱۳۷۷، بالا.

[۶۹۹] حکم شمارهٔ ۵۲۹، بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰ و پانوشت ۶۷۳، بالا.

**۱۴۱۹ -** دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۷۰۰]

*اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز*

**۱۴۲۰ -** مدارک، اساساً مشتمل بر فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۷۰۱] نشان می‌دهد که، در این ماه‌ها، اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در هیوستون در انبار وورلد ترید بوده است.[۷۰۲] بدین ترتیب، از آن‌جا که اقلام پروسس سیلز قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در ایالات متحده حمل شده‌اند، دیوان مقرر می‌دارد که حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.

**۱۴۲۱ -** این مسئله مطرح می‌شود که آیا اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند یا خیر. همان‌طور که ذکر شد، هیچ سابقه‌ای وجود ندارد که نشان دهد که مکان و سرنوشت آن اقلام پس از فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] چگونه رقم خورده است.[۷۰۳]

**۱۴۲۲ -** مطابق اظهارات ایران، فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] نشان می‌دهد که اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است، یا، ایران مدعی است که، «حداقل، چیزی خلاف این امر وجود ندارد». در مقابل، مطابق اظهارات ایالات متحده، احتمال دارد که آموکو اینترنشنال آن‌ها را در پاییز ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] به ضایعات فرستاده باشد.

---

[۷۰۰] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

[۷۰۱] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۷۰۲] *بنگرید به* بند ۱۴۰۳، بالا.

[۷۰۳] *بنگرید به* بند ۱۴۰۳، بالا.

**۱۴۲۳ -** دیوان در پرتو یافته‌های خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند به این سؤال پاسخ دهد که آیا اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر در قلمرو قضایی ایالات متحده واقع بوده‌اند یا خیر.

**۱۴۲۴ -** دیوان متذکر می‌شود که ایالات متحده نخستین بار از طریق گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] ایران به دیوان در خصوص اموال عینی ایران از این امر آگاه شد که ایران مدعی اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز است.[۷۰۴] ایالات متحده، پس از آن، در ۱۵ مهر ۱۳۶۴ [هفتم اکتبر ۱۹۸۵] نامه‌ای به پروسس سیلز نوشت و خواهان تأیید این امر شد که اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز به کارگزار حمل و نقل خارک حمل شده است.[۷۰۵] به علاوه، ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز به آموکو فروخته شده و به کارگزار حمل و نقل تعیین شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید، حمل شده بوده است.[۷۰۶] دیوان به علاوه متذکر می‌گردد که ایالات متحده در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و مدارک ایران، فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۷۰۷] دال بر این که، در این ماه‌ها، اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در هیوستون در انبار وورلد ترید بوده است ارائه کرد. این نشان‌دهندهٔ اطلاعاتی است که ایالات متحده، به درخواست خود، احتمالاً از آموکو اینترنشنال، درخواست و تحصیل کرده بوده است.

**۱۴۲۵ -** دیوان متذکر می‌شود که ایران نتوانسته اثبات نماید که دستورالعمل‌های کافی را به آموکو اینترنشنال برای عملی کردن انتقال اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز به ایران، پس از این که ایالات متحده اطلاعات مربوطه را در اختیارش نهاد، داده است.

---

[۷۰۴] *بنگرید به* بند ۱۴۰۸، بالا.

[۷۰۵] *بنگرید به* بند ۱۴۰۹. همانطور که ذکر شد، هیچ ادله‌ای در سوابق از هرگونه پاسخ از پروسس سیلز وجود ندارد.

[۷۰۶] *بنگرید به* بند ۱۴۱۰، بالا.

[۷۰۷] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

۱۴۲۶ - دیوان، در پرتو مراتب پیش‌گفته، پس از بررسی ادلهٔ طرفین، حکم می‌کند که ایالات متحده این ادعا را به اندازهٔ کافی وارسی کرده و مراتب را به اطلاع ایران رسانده است. مطابق این اوضاع و احوال، به نحوی معقول نمی‌شد از ایالات متحده انتظار داشت که اقداماتی فراتر از این انجام دهد.

۱۴۲۷ - در نتیجه، دیوان حکم می‌کند که حتی اگر چنین فرض شود که اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند، با در نظر گرفتن اطلاعاتی که ایالات متحده قادر بود دربارهٔ آن اقلام جمع‌آوری کند، این دولت هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته برای ایفای تعهد خود ذیل بند ۹ انجام دهد را به منظور برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز به ایران انجام داده است.[۷۰۸]

*نتیجه کلّی*

۱۴۲۸ - بنابر دلایل پیش‌گفته، دیوان به شرح زیر مقرر می‌دارد:

(یک) ادعای ز-۱۷۴ تا جایی که به اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش مربوط می‌شود، تأیید می‌گردد؛

(دو) ادعای ز-۱۷۴ تا جایی که به اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز مربوط می‌شود، رد می‌گردد.

*(ده) ادعای ز-۱۷۵ (خارک فیشر کنترلز کو.)*

*مقدمه*

۱۴۲۹ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۷۵ مبلغ ۳،۲۸۱/۶۸ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال یک شیر فلکهٔ کنترل فشار سفارش داده شده به فیشر کنترلز است.[۷۰۹] ایران

---

[۷۰۸] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

[۷۰۹] *بنگرید به* بند ۱۲۷۹، بالا.

در جلسات استماع همچنین اظهار داشت که «خواهان مبلغی که [بابت شیرفلکهٔ کنترل فشار] پرداخت کرده» می‌باشد.

*پیشینه موضوعی*

۱۴۳۰ - آموکو اینترنشنال در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ [۱۵ اوت ۱۹۷۹] یک شیر فلکهٔ کنترل فشار («قلم ز-۱۷۵») را به فیشر کنترلز با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ به مبلغ ۳،۲۸۱/۶۸ دلار آمریکا سفارش داد.

۱۴۳۱ - فیشر کنترلز در ششم مهر ۱۳۵۸ [۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹] برای خارک به مبلغ ۳،۲۸۱/۶۸ دلار آمریکا بابت قلم ز-۱۷۵ صورت‌حساب صادر کرد، که خارک در ۲۸ مهر ۱۳۵۸ [۲۰ اکتبر ۱۹۷۹] آن مبلغ را پرداخت نمود.

۱۴۳۲ - تأمین‌کنندهٔ فیشر کنترلز با نامهٔ مورخ ۱۵ آذر ۱۳۵۸ [ششم دسامبر ۱۹۷۹] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که قلم ز-۱۷۵ «در تصدی دپارتمان حمل [فیشر کنترلز]، ساخته و جعبه‌گذاری شده» بوده است. تأمین‌کننده به علاوه اطلاع داد که «اگر واحد مذکور لغو شود، جریمه‌ای به مبلغ ۶۵۶/۳۴ دلار وجود خواهد داشت».

۱۴۳۳ - تأمین‌کنندهٔ فیشر کنترلز با نامهٔ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۹ [هفتم مه ۱۹۸۰] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که فیشر کنترلز به نگه‌داری سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ ادامه خواهد داد اما قلم ز-۱۷۵ را «به موجودی انبار» مسترد خواهد شد.

۱۴۳۴ - یک یادداشت حساب‌داری داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ [۲۰ آوریل ۱۹۸۱] به همراه مدارک مؤید آن، اعلام می‌دارد که، فیشر کنترلز در فروردین ۱۳۶۰ [مارس ۱۹۸۱] چکی را به آموکو اینترنشنال به مبلغ ۲،۶۷۳/۶۰ دلار آمریکا ارسال کرده بوده، که نشان‌دهندهٔ پیش پرداخت خارک ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ در مهر ۱۳۵۸ [اکتبر ۱۹۷۹]، منهای مبلغی که توسط فیشر کنترلز به عنوان «جریمهٔ لغو» صورت‌حساب شده بود. یادداشت حساب‌داری آموکو اینترنشنال متذکر شد که آن ۲،۶۷۳/۶۰ دلار آمریکا

«باید به حساب پتروشمی واریز» می‌شد. کپی چک فیشر کنترلز به مبلغ ۲،۶۷۳/۶۰ دلار آمریکا منضم به یادداشت حساب‌داری آموکو اینترنشنال حاوی یک دست‌نوشته، مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ [چهارم آوریل ۱۹۸۱]، که ظاهراً توسط یکی از کارکنان آموکو اینترنشنال امضا شده، نشان دهندهٔ این عبارت است: «کی‌سی ۷۹۰۰۰۶۴. مواد مکان فروشنده را ترک نکرد».

**۱۴۳۵ -** خارک با نامهٔ ششم فروردین ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] به فیشر کنترلز اطلاع داد که قلم ز-۱۷۵ را دریافت نکرده است و تقاضا کرد که فیشر کنترلز وضعیت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ را روشن کند.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۴۳۶ -** ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که قلم ز-۱۷۵ «توسط آموکو مسترد» شده بوده است، و فشیر کنترلز «بازپرداختی را به آموکو کارپردازی کرده که هزینهٔ باز انبار از آن کسر شده است». ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان درخصوص اموال عینی ایران روشن کرد که، در واقع، «آموکو سفارش خرید را لغو کرده [بوده] و شرکت آمریکایی در فروردین ۱۳۶۰ [مارس ۱۹۸۱] بازپرداختی را با کسر هزینه‌های متحمل شده بابت لغو» به آموکو ارسال کرده بوده است.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۴۳۷ -** ایران ادعا می‌کند که قلم ز-۱۷۵ مشمول معنای «اموال ایران» ذیل بند ۹ است. ایران به علاوه ادعا می‌کند که پیش‌پرداخت به مبلغ ۳،۲۸۱/۶۸ دلار آمریکا بابت قلم ز-۱۷۵ که خارک در مهر ۱۳۵۸ [اکتبر ۱۹۷۹] صورت داد «توسط آموکو اینترنشنال به عنوان مال متعلق به خارک تلقی شد».

۱۴۳۸ - به علاوه، بنا بر اظهارات ایران، لغو کردن سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ توسط آموکو اینترنشنال، حتی اگر مرتبط یا قانونی می‌بود، صرفاً پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رخ داده است. در این ارتباط، ایران استدلال می‌کند که، در هر حال، آموکو اینترنشنال هیچ مجوزی بر لغو کردن آن سفارش خرید نداشته است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۴۳۹ - ایالات متحده مدعی است که آموکو اینترنشنال سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ را لغو کرد؛ در نتیجه، قلم ز-۱۷۵ هیچ‌گاه اماکن فشیر کنترلز را ترک نکرد و در عوض، به موجودی انبار شرکت مذکور مسترد شد. بر این اساس، ایالات متحده استدلال می‌کند که، از آن‌جا که حق مالکیت قلم ز-۱۷۵ هیچ‌گاه به ایران منتقل نشده است، آن قلم مشمول محدودهٔ بند ۹ نمی‌باشد.

*تصمیم دیوان*

۱۴۴۰ - مسئله مقدماتی در این ادعا این است که آیا خارک در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حق مالکیتی بر قلم ز-۱۷۵ داشته است یا خیر.

۱۴۴۱ - اختلافی وجود ندارد که قلم ز-۱۷۵ هیچ‌گاه به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده نشد. نیز اختلافی وجود ندارد، و ادله تأیید می‌کند، که قلم ز-۱۷۵ هیچ‌گاه اماکن فروشنده، فشیر کنترلز، واقع در مارشال‌تاون، در ایالت آیووا را ترک نکرده است.[۷۱۰] ادله و مدارک به علاوه قویاً نشان می‌دهد که آموکو

[۷۱۰] *بنگرید به* بندهای ۱۴۳۲-۱۴۳۴، بالا.

اینترنشنال سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۴ را لغو کرده است.[۷۱۱] دیوان در پرتو یافته‌های زیر نیازی نمی‌بیند که در این خصوص حکم دهد که آیا این لغو کردن قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رخ داده است یا خیر.

**۱۴۴۲ -** دیوان به دلایل ذکر شده در بالا در خصوص ادعای ز-۱۶۹[۷۱۲] مقرر می‌دارد که خارک هیچ‌گاه مالکیتی بر قلم ز-۱۷۵ نیافته است. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که قلم ز-۱۷۵ مشمول معنای «اموال ایران» ذیل بند ۹ قرار نمی‌گیرد. در نتیجه، ادعای ایران در ارتباط با قلم ز-۱۷۵ رد می‌شود.

**۱۴۴۳ -** تمام ادعاهای ایران تا جایی که ذیل بند ۹، بند ۸، یا اصل کلی الف، بابت استرداد پیش‌پرداخت به مبلغ ۳،۲۸۱/۶۸ دلار آمریکا که خارک به فیشر کنترلز در مهر ۱۳۵۸ [اکتبر ۱۹۷۹] است،[۷۱۳] باید به دلایلی که پیش از این در این حکم جزئی گفته شد، رد شود.[۷۱۴]

*(یازده) ادعای ز-۱۷۷ (خارک/بیگ تری ایندااستریز، اینک.)*

*مقدّمه*

**۱۴۴۴ -** خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۷۷ حداکثر مبلغ ۶۹۹/۱۰ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال قطعات یدکی دیگ بخار سفارش داده شده از بیگ تری ایندااستریز، اینک. («بیگ تری») است.

*پیشینه موضوعی*

---

[۷۱۱] *بنگرید به* بند ۱۴۳۴، بالا.

[۷۱۲] *بنگرید به* بندهای ۱۲۹۱-۱۲۹۲، بالا.

[۷۱۳] *بنگرید به* بند ۱۴۳۱، بالا.

[۷۱۴] *بنگرید به* بندهای ۹۹، ۲۲۳-۲۳۲، ۲۴۷، ۸۲۸، ۱۲۱۰، بالا.

۱۴۴۵ - این ادعا در ارتباط با چهار قلم قطعات یدکی برای یک دیگ بخار است که آموکو اینترنشنال در تیر ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹] یا آن حوالی، به بیگ تری سفارش داد («اقلام ز-۱۷۷»). بیگ تری در ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ [۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹] فاکتوری صادر کرد و به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۶۱ ارجاع داد و برای خارک بابت اقلام ز-۱۷۷ به مبلغ ۶۹۹/۱۰ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر کرد. خارک این مبلغ را در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ [۱۹ اوت ۱۹۷۹] پرداخت کرد. متعاقباً، آموکو اینترنشنال در ۱۵ شهریور ۱۳۵۸ [ششم سپتامبر ۱۹۷۹] سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۶۱ را صادر نمود.

۱۴۴۶ - اقلام ز-۱۷۷، چنان که با (یک) یک سفارش حمل ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹] بیگ تری و (دو) یک «فهرست رسید کالا» از شرکت بسته‌بندی مورخ ششم مهر ۱۳۵۸ [۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹] اثبات شده، در ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹] توسط کارگزار حمل و نقل تعیین شدهٔ آموکو اینترنشنال در هیوستون دریافت شده است.

۱۴۴۷ - مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۷۱۵] در این ماه‌ها، اقلام ز-۱۷۷ در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل، وورلد ترید، بوده است.

۱۴۴۸ - یک فرم «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال، مورخ ۱۲ آبان ۱۳۵۹ [سوم نوامبر ۱۹۸۰] حکایت از این دارد که اقلام ز-۱۷۷ به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکن ارسال شده بوده است. این سخن با «گزارش وضعیت مواد مشتری» مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] تأیید می‌شود. در این سیاق، دیوان ملاحظه می‌کند که کپی سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۶۱ موجود در مدارک مشتمل بر دست‌نوشته‌ای با این بیان است: «به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکان ۵۹/۸/۱۲ [۸۰/۳/۱۱]».

---

[۷۱۵] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

**۱۴۴۹ -** خارک با نامهٔ مورخ هشتم اریبهشت ۱۳۶۱ [۲۸ آوریل ۱۹۸۲] به بیگ تری اطلاع داد که خارک اقلام ز-۱۷۷ را دریافت نکرده است و درخواست نمود که بیگ تری وضعیت سفارش مذکور را روشن کند.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۴۵۰ -** ایالات متحده در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]، یعنی زمانی که ایران پاسخ خود را به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده ارائه کرد برای نخستین بار از اقلام ز-۱۷۷ آگاه شد.[۷۱۶]

**۱۴۵۱ -** ایران در گزارش پنجم مرداد ۱۳۶۳ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که خارک حمل اقلام ز-۱۷۷ را درخواست کرده بود، امّا هیچ پاسخی از بیگ تری دریافت نشده بوده است. ایران در گزارش خود کپی فاکتور ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] بیگ تری را تسلیم کرد.[۷۱۷]

**۱۴۵۲ -** ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که بیگ تری اقلام ز-۱۷۷ را به آموکو اینترنشنال فروخته و آن‌ها را از طریق کارگزار حمل و نقل به خارک حمل نموده بوده است. ایالات متحده در تأیید این امر کپی سفارش حمل مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ [۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹] بیگ تری را ارائه کرد.[۷۱۸]

**۱۴۵۳ -** ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اطلاعات دربارهٔ اقلام ز-۱۷۷ را کامل کرد و اطلاع داد که آموکو اینترنشنال در ۱۲ آبان ۱۳۵۹ [سوم نوامبر ۱۹۸۰] آن‌ها به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکن منتقل کرده است. ایالات متحده با گزارش خود،

---

[۷۱۶] پاسخ جمهوری اسلامی ایران به لایحهٔ دفاعیه ایالات متحده در دعاوی شمارهٔ ۲-الف و ۲-ب، پیوست (ز)، ص ۱۶ (نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]).

[۷۱۷] *بنگرید به* بند ۱۴۴۵، بالا.

[۷۱۸] *بنگرید به* بند ۱۴۴۶، بالا.

کپی فرم «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۱۲ آبان ۱۳۵۹ [سوم نوامبر ۱۹۸۰] را ارائه و اعلام کرد که اقلام ز-۱۷۷ به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکن ارسال شده بوده است.[۷۱۹]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۴۵۴ -** ایران ادعا می‌کند که مدارکی مبنی بر این امر وجود ندارد که اقلام ز-۱۷۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود نبوده‌اند. بنا بر اظهارات ایران، این که اقلام ز-۱۷۷ در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکن ارسال شده لزوماً بدین معنا نیست که آن‌ها در واقع قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ضایعات سپرده شده بوده‌اند.[۷۲۰] بدین ترتیب، ایران مدعی است که اقلام ز-۱۷۷ مشمول معنای «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشد.

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۴۵۵ -** ایالات متحده استدلال می‌کند که، از آن جا که اقلام ز-۱۷۷ در آبان ۱۳۵۹ [نوامبر ۱۹۸۰] به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکن ارسال شده است، ایران نمی‌توانسته در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک آن‌ها شده باشد، و بدین ترتیب، اقلام ز-۱۷۷ خارج از محدودهٔ بند ۹ می‌باشند.[۷۲۱]

*تصمیم دیوان*

---

[۷۱۹] *بنگرید به* بند ۱۴۴۸، بالا.

[۷۲۰] *همچنین بنگرید به* اظهارات ایران در ارتباط با ادعای ز-۱۶۵، بند ۱۲۳۷، بالا.

[۷۲۱] *همچنین بنگرید به* بند ۱۲۳۹، بالا.

۱۴۵۶ - ادله و مدارک دیوان را متقاعد می‌کند که اقلام ز-۱۷۷ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون تحویل داده شده، و بدین ترتیب، حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بود.

۱۴۵۷ - مسئلهٔ مقدماتی در این ادعا این است که آیا اقلام ز-۱۷۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است یا خیر.

۱۴۵۸ - دیوان با ادله و مدارک ارائه‌شده قانع شده است که آموکو اینترنشنال در آبان ۱۳۵۹ [نوامبر ۱۹۸۰] اقلام ز-۱۷۷ را به حساب ضایعات شرکت نفت ایران پان آمریکن ارسال کرده است.[۷۲۲] این ادله و مدارک با گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] ایالات متحده به دیوان در خصوص اموال عینی ایران و پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] آن دولت به لایحه و ادله ایران ارائه شده است. دیوان، با سنجش ادله، حکم می‌کند که ایالات متحده به اندازهٔ کافی این ادعا را وارسی کرده و مراتب را به ایران با لوایح خود به دیوان اطلاع داده است.

۱۴۵۹ - گرچه این امر که اقلام ز-۱۷۷ به حساب ضایعات ارسال شده بوده لزوماً متضمن این معنا نیست که آن‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به نحو فیزیکی نابود شده‌اند، دیوان ملاحظه می‌کند که غیرمعقول نبوده که ایالات متحده چنین فرض کند که آن اقلام دیگر در آن تاریخ وجود نداشته‌اند.

۱۴۶۰ - ایران نه توانسته با ادله‌ای متقن اثبات نماید که اقلام ز-۱۷۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده وجود داشته‌اند، و نه نشان داده که دستورالعمل کافی به آموکو اینترنشنال برای عملی کردن انتقال اقلام ز-۱۷۷ به ایران داده است.

---

[۷۲۲] *بنگرید به* بند ۱۴۴۸، بالا.

۱۴۶۱ - در پرتو تمام مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که، حتی اگر چنین فرض شود که اقلام ز-۱۷۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده، ایالات متحده هر آن چه به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ برای تضمین انتقال اقلام ز-۱۷۷ به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۷۲۳]

۱۴۶۲ - با توجه به مراتب بالا، ادعای ز-۱۷۷ رد می‌شود.

*(دوازده) ادعای ز-۱۷۸ (خارک/آرنسن سوپلای کورپ.)*

*مقدّمه*

۱۴۶۳ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۷۸ مجموعاً ۱،۰۹۲ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی اقلامی است که آموکو اینترنشنال به آرنسن سوپلای کورپوریشن («آرنسن») ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ و سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ («اقلام ز-۱۷۸») سفارش داده است.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱*

*پیشینه موضوعی*

۱۴۶۴ - آموکو اینترنشنال از طریق سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ مورخ ۲۲ آبان ۱۳۵۷ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۸] چندین قلم را مجموعاً به مبلغ ۴،۳۰۱/۵۰ دلار آمریکا به آرنسن سفارش داد. ایران مدعی عدم دریافت دو قلم از آن اقلام، یعنی فانوسه‌ها و قطعات اتصال کمانی است.

---

[۷۲۳] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۴۶۵ - سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ دلالت دارد بر این که فانوسه‌ها و قطعات اتصال کمانی مذکور توسط شرکت ژاپنی نیگاتا ورثینگتون کامپنی، واقع در توکیوی ژاپن تولید شده بوده است. به علاوه، در سفارش خرید مذکور در مربع «شهر یا محل تحویل کالا» نوشته شده است «ژاپن».

۱۴۶۶ - آموکو اینترنشنال با تلکس مورخ ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] به خارک اطلاع داد که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ به طور کامل به عرشهٔ کشتی *آتلانتیک آلباتروس*، که در سوم تیر ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئن ۱۹۷۹] یوکوهامای ژاپن را با زمان تخمینی رسیدن به بوشهر ایران در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] ترک کرده بود، حمل شده بوده است.

۱۴۶۷ - آرنسن در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] صورت‌حسابی را به خارک پوشش‌دهندهٔ تمام اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ ارسال کرد. آرنسن برای خارک مجموعاً به مبلغ ۲۵۲ دلار آمریکا بابت فانوسه‌ها و قطعات اتصال کمانی مربوطه در این ادعا صورت‌حساب صادر کرد.

۱۴۶۸ - خارک در ششم فروردین ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] نامه‌ای به بکمن اینسترومنتس، اینک. («بکمن») - شرکتی نامربوط به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ - ارسال کرد و اطلاع داد که موادی که بابت آن‌ها ۲۵۲ دلار آمریکا صورت‌حساب ذیل سفارش خرید مذکور صادر شده را دریافت نکرده است و درخواست نمود که بکمن وضعیت سفارش مذکور را روشن کند.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۴۶۹ - ایران ادعا می‌کند که خارک هیچ‌گاه فانوسه‌ها و قطعات اتصال کمانی نیگاتا تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ را دریافت نکرده است.[۷۲۴] در تأیید این امر، ایران به نامهٔ ششم فروردین ۱۳۶۲ [۲۶ آوریل ۱۹۸۳] خارک ارسال شده به بکمن استناد می‌کند، مشعر بر این امر که خارک مواد مربوط به آن سفارش خرید را که بابت آن، ۲۵۲ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده دریافت نکرده بوده است.[۷۲۵]

۱۴۷۰ - مطابق اظهارات ایالات متحده، ادله و مدارک حاکی از این امر هستند که اقلام مورد اختلاف قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک در ایران تحویل داده شده‌اند. ایالات متحده در تأیید این امر به تلکس ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال استناد می‌کند، که به خارک اطلاع داده است که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ به طور کامل به عرشهٔ کشتی *آتلانتیک آلباتروس* حمل شده بوده است.[۷۲۶] ایالات متحده به علاوه مدعی است که اقلام مورد اختلاف از فروشنده‌ای ژاپنی تحصیل شده و هیچ‌گاه در قلمرو قضایی ایالات متحده یا مشمول آن نبوده است.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹*

*پیشینه موضوعی*

۱۴۷۱ - آموکو اینترنشنال از طریق سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ صادر شده در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ یا ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۸ یا ۱۹۷۹] برخی اقلام، شامل فلاپرها و نازل‌ها را به آرنسن سفارش داد.

۱۴۷۲ - تنها ادلهٔ موجود در سوابق در ارتباط با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ متشکل است از: (یک) یک کپی جزئاً ناخوانا از صورت‌حساب شمارهٔ ۲۴۰۱۹۲۰ صادر شده توسط آرنسن به خارک در پنجم شهریور

---

[۷۲۴] *بنگرید به* بند ۱۴۶۴، بالا.

[۷۲۵] *بنگرید به* بند ۱۴۶۸، بالا.

[۷۲۶] *بنگرید به* بند ۱۴۶۶، بالا.

۱۳۵۸ [۲۷ اوت ۱۹۷۹] ذیل سفارش خرید مذکور (مبلغ صورت‌حساب قابل مشاهده نیست)؛ و (دو) یک چک به مبلغ ۲،۱۵۹/۳۰ دلار آمریکا مورخ ۳۰ مهر ۱۳۵۸ [۲۲ اکتبر ۱۹۷۹] صادر شده توسط خارک، از جمله، برای پرداخت صورت‌حساب آرنسن به شمارهٔ ۲۴۰۱۹۲۰.

**۱۴۷۳ -** صورت‌حساب آرنسن به شمارهٔ ۲۴۰۱۹۲۰ حاکی از آن است که تمام اقلام تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ توسط شرکت ژاپنی یاماتاکه هانیول تولید شده بوده است. دیوان در این ارتباط ملاحظه می‌کند که تعدادی از اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱، توصیف شده در بالا،[۷۲۷] هم توسط یاماتاکه هانیول تولید شده بوده است.

**۱۴۷۴ -** ایران برای نخستین بار در لایحهٔ ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] ادعای خود را بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ مطرح کرد، که به اشتباه به ادعای ز-۱۸۴، که به جای آرنسن، به ویلسون ایندااستریز، اینک. مربوط می‌شد، ارجاع می‌داد.[۷۲۸]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۴۷۵ -** ایران ادعا می‌کند که خارک هیچ‌گاه فلاپرها و نازل‌های تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ را، که خارک ۸۴۰ دلار آمریکا بابت آن‌ها پرداخت کرده بود، دریافت نکرده است. ایران مدعی است که ایالات متحده در تسلیم ادلهٔ راجع به مکان و تحویل آن اقلام قصور ورزیده است. ایران به علاوه مدعی است

---

[۷۲۷] *بنگرید به* بندهای ۱۴۶۴-۱۴۶۵، بالا.

[۷۲۸] *بنگرید به* بند ۱۵۶۶، زیر.

که هیچ چیز حاکی از آن نیست که ایالات متحده هیچ‌گاه با آموکو اینترنشنال دربارهٔ اقلام مورد اختلاف تماس برقرار کرده باشد.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۴۷۶ - ایالات متحده، به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، ادعا می‌کند که ادعای ز-۱۷۸، تا جایی که به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ مربوط می‌شود، باید به دلیل ثبت دیرهنگام رد شود. مطابق اظهارات ایالات متحده، ایران برای نخستین بار در لایحهٔ ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] خود، یعنی حدود ۱۷ سال پس از ثبت سفارش خرید مذکور مدعی این بخش از ادعای ز-۱۷۸ شده است. ایالات متحده ادامه می‌دهد که تأخیر ایران در ارائهٔ این ادعا مانع دفاع ایالات متحده شده و بازیابی هرگونه سوابق مربوط به ادعای مذکور را برای ایالات متحده غیرممکن کرده است.

۱۴۷۷ - در هر حال، ایالات متحده مدعی است که آرنسن فلاپرها و نازل‌های مورد اختلاف را از شرکت ژاپنی، یاماتاکه هانیول اخذ کرده است؛ بنابراین، حتی اگر آن اقلام قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران حمل نشده بوده‌اند، در ژاپن باقی مانده‌اند. بر این اساس، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که فلاپرها و نازل‌های مورد اختلاف هیچ‌گاه در قلمرو قضایی ایالات متحده یا مشمول آن نبوده‌اند.

*گزارش‌های طرفین در خصوص اموال عینی ایران*

۱۴۷۸ - ایران برای نخستین بار در لایحهٔ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] در پاسخ به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده مدعی ادعای ز-۱۷۸، محدود به سفارش خرید شماره کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ شد. در آن دادخواهی، ایران به اشتباه بکمن را به عنوان نگه دارندهٔ اقلام مورد اختلاف که آن‌ها را به عنوان «مواد» به ارزش ۲۵۲ دلار آمریکا توصیف کرد شناسایی نمود.

۱۴۷۹ - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران تقاضای اطلاعات بیش‌تر دربارهٔ ادعای ز-۱۷۸ کرد.

۱۴۸۰ - ایران در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اطلاع داد که «کالاها» در واقع به آرنسن سفارش داده شده بوده است؛ بر این اساس، ایران نام نگه‌دارندهٔ ادعایی را از بکمن به آرنسن اصلاح کرد و از ادعای علیه بکمن اعراض نمود. ایران در تأیید ادعای ز-۱۷۸، که تا آن‌جا همچنان محدود به ۲۵۲ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱ بود، کپی صورت‌حساب هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] آرنسن به خارک را تسلیم کرد.[۷۲۹]

*تصمیم دیوان*

۱۴۸۱ - مسئلهٔ سرنوشت‌ساز در این ادعا این است که آیا اقلام ز-۱۷۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند یا خیر.

۱۴۸۲ - مدارک راجع به فانوسه‌ها و قطعات اتصال کمانی تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱: (یک) حاکی از آن است که آن اقلام توسط آرنسن از شرکت ژاپنی نیگاتا ورثینگتون کامپنی در ژاپن تحصیل شده بوده و باید مستقیماً از منبع ژاپنی به خارک در ایران حمل می‌شده است؛[۷۳۰] و (دو) قویاً نشان می‌دهد که فانوسه‌ها و قطعات اتصال کمانی در واقع در تیر ۱۳۵۸ [ژوئن یا ژوئیه ۱۹۷۹] از یوکوهامای ژاپن به ایران حمل شده است.[۷۳۱]

---

[۷۲۹] *بنگرید به* بند ۱۴۶۷، بالا.

[۷۳۰] *بنگرید به* بند ۱۴۶۵، بالا.

[۷۳۱] *بنگرید به* بند ۱۴۶۶، بالا.

۱۴۸۳ - ادلهٔ راجع به فلاپرها و نازل‌های تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ نشان می‌دهد که آن اقلام توسط آرنسن از شرکت ژاپنی یاماتاکه هانیول در ژاپن تحصیل شده بوده است.[۷۳۲] دیوان ملاحظه می‌کند که تعدادی از اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۵-۷۸۰۰۲۴۱، که باید مستقیماً از ژاپن حمل می‌شد، هم از یاماتاکه هانیول تأمین شده بوده است.[۷۳۳]

۱۴۸۴ - بنابر ملاحظات بالا، دیوان حکم می‌کند که ادله‌ای وجود ندارد که اثبات نماید که، هیچ گاه، هیچ کدام از اقلام ز-۱۷۸ در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده باشد. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که اقلام ز-۱۷۸ مشمول معنای «اموال ایران» ذیل بند ۹ نمی‌باشد. در پرتو این یافته، دیوان نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری نماید که آیا ادعای ز-۱۷۸، تا جایی که مرتبط با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۰۳۱۹ است، دیرهنگام ثبت شده است یا خیر.

۱۴۸۵ - در نتیجه، ادعای ز-۱۷۸ رد می‌شود.

*(سیزده) ادعای ز-۱۷۹ (خارک/ بار سوندرز اینک.)*

*مقدمه*

۱۴۸۶ - ایران در ادعای ز-۱۷۹ خواهان ۱۹۲/۸۰ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی اتصالات لوله‌ای است که آموکو اینترنشنال به بار-سوندرز، اینک. («بار-سوندرز») سفارش داده است.

*پیشینه موضوعی*

---

[۷۳۲] *بنگرید به* بند ۱۴۷۳، بالا.

[۷۳۳] *بنگرید به* همانجا.

۱۴۸۷ - ایران در ادعای ز-۱۷۹ مدعی عدم دریافت ۲۰ اتصال لولهٔ فهرست شده به عنوان قلم شمارهٔ ۳۳ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ («قلم ۳۳»)، که مجموعاً مشمول ۳۶ قلم بود، می‌باشد. بار-سوندرز در هشتم شهریور ۱۳۵۷ [۳۰ اوت ۱۹۷۸] صورت‌حساب شمارهٔ ای-۳۸۲۳۰ برای خارک بابت چندین قلم از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹، شامل قلم ۳۳، را به مبلغ ۱۹۲/۸۰ دلار آمریکا صادر کرد.

۱۴۸۸ - خارک در دوم مهر ۱۳۵۷ [۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸] تمام مبلغ سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹، یعنی ۳،۳۶۱ دلار آمریکا را به کلّی پرداخت کرد.[۷۳۴]

۱۴۸۹ - وفق مداخل مورخ ۱۷ و ۲۶ شهریور ۱۳۵۷ [هشتم و ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸] در «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال، سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ «به طور کامل حمل» و در عرشهٔ کشتی *اِس.اِس. تایکو*، با زمان تخمینی رسیدن به خرمشهر ایران در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۸]، دریافت شد.

۱۴۹۰ - خارک با تلکس مورخ ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که خارک سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ را به طور ناقص حمل کرده است، زیرا قلم ۳۳، به ارزش ۱۹۲/۸۰ دلار آمریکا، در محمولهٔ مذکور نبوده است.

۱۴۹۱ - آموکو اینترنشنال با تلکس مورخ ۲۸ تیر ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹] به خارک اطلاع داد که «FRDR» - به احتمال زیاد به معنای کارگزار حمل و نقل - در حال «چک کردن سوابق و چک کردن مجدد انبار بابت [قلم] ۳۳ مفقودی» بوده و «اطلاع» خواهد داد.

---

[۷۳۴] بار-سوندرز ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ از طریق سه صورت‌حساب، یعنی صورت‌حساب‌های شمارهٔ ای-۳۸۲۲۸، ای-۳۸۲۲۹، و ای-۳۸۲۳۰ مجموعاً ۳،۳۶۱ دلار آمریکا برای خارک صورت‌حساب صادر کرد.

**۱۴۹۲ -** ایران کپی نامهٔ مورخ هشتم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۸ آوریل ۱۹۸۳] را ارائه کرد که طی آن از طریق آن، خارک به بار-سوندرز اطلاع داد که مواد سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ که برای آن به مبلغ «۱۸۸/۹۴ دلار» ذیل صورت‌حساب شمارهٔ ای-۳۸۲۲۸» صورت‌حساب صادر شده را دریافت نکرده بوده و درخواست کرد که بار-سوندرز وضعیت آن سفارش خرید را روشن کند.[۷۳۵]

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۴۹۳ -** ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اطلاع داد: «مدارک ناخوانا هستند. کالاها در ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] به کارگزار ایران حمل شدند، و محموله در ایران دریافت شده است. اختلاف ادعایی نسبت به حمل ناقص، نامستند و محل مناقشهٔ شرکت آمریکایی است».

**۱۴۹۴ -** ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اطلاع داد: «به آموکو فروخته شد؛ در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] توسط وورلد [ترید] به خارک حمل شد. اختلاف ادعایی نسبت به حمل ناقص نامستند است».

**۱۴۹۵ -** ایران در گزارش ۲۲ آبان ۱۳۶۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اطلاع داد که خارک از برقراری ارتباط با بار-سوندرز «به جهت تحریم‌های تحمیل شده بر ایران توسط ایالات متحده» ناتوان بوده است.

**۱۴۹۶ -** ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد:

---

[۷۳۵] *بنگرید به* بند ۱۴۸۷، بالا و پانوشت ۷۳۴.

سوابق آموکو نشان می‌دهد که مواد خریداری شده از بار–سوندر[ز] به ارزش ۳۵۰۴/۶۰ دلار به خارک بر عرشهٔ *اِس/اِس تایکو* با تخمین رسیدن در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۸] حمل شده است. اختلاف نسبت به حمل ناقص نامستند است.

ایالات متحده با گزارش خود، کپی «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال توصیف شده در بالا را ارائه کرد که مشتمل است بر مداخل مورخ شهریور ۱۳۵۷ [سپتامبر ۱۹۷۸] حاکی از این که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی–۷۸۰۱۵۹ به طور کامل حمل شد و در عرشهٔ کشتی *اِس.اِس. تایکو*، با تخمین رسیدن در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۸] در خرمشهر دریافت شده است.[۷۳۶]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۴۹۷** - ایران در این امر اختلافی ندارد که اقلام مندرج در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی–۷۸۰۱۵۹ در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸] به ایران حمل شده‌اند. با این حال، ایران مخالف است که قلم ۳۳ در آن محموله بوده است. ایران متذکر می‌شود که خارک در تلکس ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] خود به آموکو اینترنشنال، جویای عدم حمل قلم ۳۳ شده است. امّا مطابق اظهارات ایران، هیچ ادله‌ای بر هرگونه پاسخ بیش‌تری از آموکو اینترنشنال وجود ندارد دال بر این که همچنان قلم ۳۳ نزد آموکو نبوده، یا در حال برداشتن گام‌هایی مبنی بر حمل مجدّد آن بوده است.

[۷۳۶] *بنگرید به* بند ۱۴۸۹، بالا.

۱۴۹۸ - ایران استدلال می‌کند که ناتوانی ایالات متحده بر ارائهٔ مدارک معتبر حاکی از این که قلم ۳۳ به ایران حمل شده بوده، باید به عنوان ادله‌ای مبنی بر این امر تلقی گردد که قلم مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۴۹۹ - ایالات متحده ادعا می‌کند که قلم ۳۳ بخشی از سفارشی بزرگ‌تر در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ بوده که در شهریور ۱۳۵۷ [سپتامبر ۱۹۷۸] به ایران در عرشهٔ کشتی *اِس.اِس. تایکو*، با تخمین رسیدن به ایران در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۸] حمل شده است. ایالات متحده ادامه می‌دهد که پس از نه ماه، در تیر ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹] بود که خارک تلکسی را به آموکو اینترنشنال ارسال کرد مبنی بر این که قلم ۳۳ در محموله نبوده است. با این حال، مطابق اظهارات ایالات متحده، دورهٔ پاییز ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] تا تابستان ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] متناظر با اختلالات در بنادر ایران است که با انقلاب ایران توأم شد؛ در این اوضاع و احوال، نمی‌توان فرض کرد که قلمی را که خارک نتوانسته آن را جایابی کند، به خارک حمل نشده بوده است.

۱۵۰۰ - ایالات متحده با اشاره به تلکس ۲۸ تیر ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال که در آن، به خارک اطلاع داده شد که کارگزار حمل و نقل بابت قلم ۳۳[۷۳۷] سوابق خود را بررسی و انبار خود را مجدداً بررسی کرده است، تأکید می‌کند که ایران هیچ مکاتبهٔ دیگری میان خارک و آموکو اینترنشنال تسلیم نکرده که نشان دهد این مسئله چگونه فیصله یافته است.

[۷۳۷] *بنگرید به* بند ۱۴۹۱، بالا.

۱۵۰۱ - ایالات متحده با در نظر گرفتن تمام مراتب بالا مدعی است که نباید چنین فرض شود که قلم ۳۳ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یعنی یک سال و نیم پس از تبادل تلکس‌ها میان خارک و آموکو اینترنشنال، همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته و ایران دارای حق مالکیت آن بوده است.

*تصمیم دیوان*

۱۵۰۲ - اختلافی وجود ندارد که اقلام مندرج در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸] به ایران حمل شده‌اند. اختلاف میان طرفین متمرکز بر این امر است که آیا قلم ۳۳ در آن محموله بوده است یا خیر: ایالات متحده ادعا می‌کند که بوده، در حالی که ایران ادعا می‌کند که نبوده است. هیچ ادله‌ای در این خصوص وجود ندارد که آیا آموکو اینترنشنال در پیِ تلکس ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] خارک، مبنی بر ادعا بر عدم حمل قلم ۳۳، افتاده است یا خیر، و اگر بله، چگونه. همچنین، هیچ شاهد قابل اعتمادی وجود ندارد که قلم ۳۳ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته، و، در این اوضاع و احوال، دیوان آمادگی ندارد چنین فرض کند که قرار داشته است. در این ارتباط، دیوان متذکر می‌شود که روشن نیست که آیا خودِ خارک، در نامهٔ هشتم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۸ آوریل ۱۹۸۳] خود به بار-سوندرز، دربارهٔ عدم دریافت قلم ۳۳ یا قلم دیگری نامرتبط با ادعای ز-۱۷۹ شکایت کرده است یا خیر.[۷۳۸]

۱۵۰۳ - در هر حال، دیوان در پرتو یافته‌های خود به شرح زیر نیازی نمی‌بیند که به طور قاطع در این خصوص تصمیم‌گیری نماید که آیا قلم ۳۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران حمل شده است یا خیر.

۱۵۰۴ - ایالات متحده گزارش‌های ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] و هشتم آبان ۱۳۶۳ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ابراز داشت که قلم ۳۳ در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] حمل شده بوده، و

---

[۷۳۸] *بنگرید به* بند ۱۴۹۲، بالا.

اختلاف مبنی بر حمل ناقص «نامستند» است. ایالات متحده درگزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اطلاعات بیش‌تری در این خصوص فراهم آورد مبنی بر این که قلم ۳۳، با تخمین رسیدن در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۸]، به عرشهٔ *اِس.اِس. تایکو* حمل شده بوده است. ایالات متحده در تأیید این سخن، با این گزارش، کپی «یادداشت انجام کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال توصیف شده در بالا را ارائه کرد که اظهار می‌داشت که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۵۹ به عرشهٔ کشتی *اِس.اِس. تایکو* «به طور کامل حمل» و دریافت شده بوده است.[۷۳۹] این نشان‌دهندهٔ اطلاعاتی که ایالات متحده، به درخواست خود، احتمالاً از آموکو اینترنشنال درخواست و تحصیل کرده بوده است.

۱۵۰۵ - ایران نشان نداده که از آموکو اینترنشنال دربارهٔ ثمرهٔ جست و جوی کارگزار حمل و نقل از قلم ۳۳ پرس و جو کرده است،[۷۴۰] یا این که به نحو دیگری، به آموکو اینترنشنال دستورالعمل کافی برای عملی کردن انتقال قلم ۳۳ به ایران داده باشد.

۱۵۰۶ - در پرتو مراتب بالا، دیوان، با سنجش ادله، حکم می‌کند که ایالات متحده به حد کافی این ادعا را وارسی کرده و مراتب را به دیوان اطلاع داده است. تحت این اوضاع و احوال، از ایالات متحده به طور معقول نمی‌شد انتظار داشت به چیزی بیش از این عمل نماید.

۱۵۰۷ - در نتیجه، دیوان حتی اگر فرض شود که قلم ۳۳ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته است، با در نظر گرفتن اطلاعاتی که ایالات متحده می‌توانسته دربارهٔ آن قلم

---

[۷۳۹] *بنگرید به* بندهای ۱۴۸۹ و ۱۴۹۶، بالا.

[۷۴۰] *بنگرید به* بند ۱۴۹۱، بالا.

جمع‌آوری کند، این دولت هر آن‌چه به طور معقول انتظار می‌رفته در این اوضاع و احوال در راستای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ مبنی بر برداشتن گام‌هایی به منظور تضمین انتقال قلم ۳۳ به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۷۴۱]

۱۵۰۸ - در پرتو مراتب بالا، ادعای ز-۱۷۹ رد می‌شود.

*(چهارده) ادعای ز-۱۸۰ (خارک/پنل‌فب اینترنشنال کورپ.)*

*مقدمه*

۱۵۰۹ - ایران در ادعای ز-۱۸۰ خواهان ۱،۷۸۲/۷۸ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی اقلام مربوط به ساخت واحد خانه‌های پیش‌ساختهٔ سفارش داده شده به پنل‌فب اینترنشنال کورپوریشین («پنل‌فب») است.

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۵۱۰ - ایران در ادعای ز-۱۸۰ مدعی عدم دریافت شش قلم مربوط به ساخت واحد خانه‌های پیش‌ساختهٔ سفارش‌داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۵۱ («اقلام ز-۱۸۰») از خارک است. اقلام ز-۱۸۰ شامل پوشش دیوارهای داخلی خانه، قاب و چارچوب، چسب و به ترتیب ۴۲ و ۲۹ یارد موکت می‌شد.

۱۵۱۱ - پنل‌فب در چهارم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۴ آوریل ۱۹۷۸] صورت‌حساب شمارهٔ ۷۸-۹۵۱۲ را برای خارک به مبلغ ۱،۷۸۲/۷۸ دلار آمریکا بابت اقلام ز-۱۸۰ صادر کرد. این صورت‌حساب حاکی از این است که ۲۹ یارد موکت «در کارگاه صدمه دیده» بوده است.

۱۵۱۲ - پنل‌فب در نامهٔ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۱ مه ۱۹۷۸] به خارک به شرح زیر اظهار داشت:

---

[۷۴۱] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

لطفاً به پیوست صورت‌حساب مربوط به موادی که در حمام‌ها و کمدها استفاده کرده‌ایم را ملاحظه بفرمایید. همان‌طور که می‌دانید، این مواد در طراحی‌های اولیه نبودند امّا ما آن‌ها را وفق دستورالعملی از [مأموری] در خوابگاه کارکنان شرکت نفت ایران پان آمریکن استفاده کردیم، و شما ساختمان‌ها را دقیقاً مثل آن‌ها خواستید. ...

همچنین، موکت بیست و نه یاردی که صدمه‌دیده آمده، شما [به پنل‌فب] گفتید که بهای آن را می‌پردازید به جای این که ادعایی در مورد آن به عمل آورید، که در بلند مدت هزینهٔ بیش‌تری برای شما خواهد داشت.

**۱۵۱۳ -** سابقه شامل فرم درخواست مرداد ۱۳۵۷ [اوت ۱۹۷۸] خارک است که به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۵۱ ارجاع می‌دهد و اقلام ز-۱۸۰ را فهرست می‌کند. فرم درخواست، چنان که صورت‌حساب شمارهٔ ۹۵۱۲-۷۸ نشان می‌داد،[۷۴۲] حاکی از آن بود که ۲۹ یارد موکت «در کارگاه صدمه دیده» بوده، و حاوی این حاشیه نویسی بوده است: «این درخواست باید پوشش‌دهندهٔ هزینهٔ موادی باشد که مطابق صورت‌حساب ۷۸-۹۵۱۲ پیوست، پیشاپیش توسط پنل‌فب، اینک. تأمین و نصب شده است».

**۱۵۱۴ -** خارک با نامهٔ شمارهٔ ام-۴۹۲ مورخ هشتم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۸ آوریل ۱۹۸۳]، ضمن ارجاع به نامه شمارهٔ ام-۳۲۹ که در ۲۸ آذر ۱۳۶۱ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۲] به پنل‌فب ارسال کرده بود، به پنل‌فب اطلاع داد که مواد سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۵۱ را که برای آن ذیل صورت حساب شمارهٔ ۹۵۱۲-۷۸ به مبلغ ۱،۷۸۲/۷۸ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده، دریافت نکرده است و درخواست کرد که پنل‌فب وضعیت آن سفارش خرید را روشن کند.

---

[۷۴۲] *بنگرید به* بند ۱۵۱۱، بالا.

**۱۵۱۵ -** پنل‌فب با نامهٔ دوم خرداد ۱۳۶۲ [۲۳ مه ۱۹۸۳]، ضمن ارجاع به نامه‌های خارک به شمارهٔ ام-۳۲۹ و ام-۴۹۲، به شرح زیر به خارک پاسخ داد:

> کپی نامه خطاب به [خارک] مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۱ مه ۱۹۷۸] در پیوست است که به وضوح اظهار می‌دارد که [خارک]، در واقع، مواد مذکور را دریافت کرده بوده و مواد مذکور در چهارم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۴ آوریل ۱۹۷۸] در حمام‌ها و کمدهای [خارک] در خوابگاه کارکنان شرکت نفت ایران پان آمریکن مورد استفاده قرار گرفته است.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۵۱۶ -** ایران استدلال می‌کند که هیچ ادله‌ای وجود ندارد که اقلام ز-۱۸۰ هیچ‌گاه به ایران حمل شده باشند. به طور خاص، ایران مخالف است که نامه‌های ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ و دوم خرداد ۱۳۶۲ [۱۱ مه ۱۹۷۸ و ۲۳ مه ۱۹۸۳] از پنل‌فب به خارک موجد ادلّهٔ اثباتی کافی مبنی بر چنین حملی است.[۷۴۳]

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۵۱۷ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که خارک اقلام ز-۱۸۰ را چنان‌که با نامه‌های ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ و دوم خرداد ۱۳۶۲ [۱۱ مه ۱۹۷۸ و ۲۳ مه ۱۹۸۳] از پنل‌فب به خارک اثبات شده، هم دریافت و هم استفاده کرده است.[۷۴۴] بدین ترتیب، وفق اظهارات ایالات متحده، از آن‌جا که اقلام ز-۱۸۰ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار نداشته‌اند، مشمول محدودهٔ بند ۹ نمی‌باشند.

---

[۷۴۳] *بنگرید به* بندهای ۱۵۱۲ و ۱۵۱۵، بالا.

[۷۴۴] *بنگرید به* همان‌جا.

**۱۵۱۸** - مدارک ارائه‌شده دیوان را قانع می‌کند که اقلام ز-۱۸۰ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران حمل شده‌اند. این مدارک عبارتند از:

(الف) صورت‌حساب پنل‌فب به شمارهٔ ۹۵۱۲-۷۸، حاکی از این که ۲۹ یارد موکت که مشمول اقلام ز-۱۸۰ بوده، «در کارگاه صدمه دیده» بوده است؛[۷۴۵]

(ب) نامهٔ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۱ مه ۱۹۷۸] پنل‌فب به خارک، که پنل‌فب در آن ارجاع می‌دهد به: (یک) صورت‌حساب پیوست «بابت موادی که در حمام‌ها و کمدها استفاده کرده‌ایم» و (دو) «موکت بیست و نه یاردی که صدمه دیده آمده»؛[۷۴۶]

(پ) فرم درخواست مرداد ۱۳۵۷ [اوت ۱۹۷۸] خارک مربوط به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۵۱، که اقلام ز-۱۸۰ را فهرست می‌کند و اعلام می‌دارد که: (یک) ۲۹ یارد فرش «در کارگاه صدمه دیده» بوده؛ و (دو) درخواست خارک، برای پوشش هزینهٔ موادی بود که وفق صورت‌حساب شمارهٔ ۹۵۱۲-۷۸ «پیشاپیش توسط پنل‌فب تأمین و نصب شده است»؛[۷۴۷]

(ت) نامهٔ دوم خرداد ۱۳۶۲ [۲۳ مه ۱۹۸۳] پنل‌فب به خارک که کپی نامهٔ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۱ مه ۱۹۷۸] خارک را در ضمیمه و اظهار می‌کرد که خارک، در واقع، اقلام ز-۱۸۰ را که «در چهارم

---

[۷۴۵] *بنگرید به* بند ۱۵۱۱، بالا.

[۷۴۶] *بنگرید به* بند ۱۵۱۲، بالا.

[۷۴۷] *بنگرید به* بند ۱۵۱۳، بالا.

اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۴ آوریل ۱۹۷۸] در حمام‌ها و کمدهای [خارک] در خوابگاه کارکنان شرکت نفت ایران پان آمریکن مورد استفاده قرار گرفته است» دریافت کرده است.[۷۴۸]

**۱۵۱۹ -** دیوان در پرتو مراتب بالا، و در نبود ادلهٔ معارض، نتیجه می‌گیرد که اقلام ز-۱۸۰ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار نداشته، و بدین ترتیب، آن اقلام مشمول محدودهٔ بند ۹ نمی‌باشد.

**۱۵۲۰ -** بنابر آن‌چه گذشت، ادعای ز-۱۸۰ رد می‌شود.

*(پانزده) ادعای ز-۱۸۱ (خارک/رپید ایندااستریال کورپ.)*

*مقدمه*

**۱۵۲۱ -** ایران در ادعای ز-۱۸۱ خواهان ۵۵/۸۱ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال یک نشانگر عقربه‌ای خریداری شده از رپید ایندااستریال کورپوریشن («رپید ایندااستریال») است.

**۱۵۲۲ -** ادعای ز-۱۸۱ مشمول برنامهٔ زمانی جلسات استماع در مرحله دوم از رسیدگی‌ها در این ادعاها نبود و به گروه ادعاهایی تعلق داشت که «توسط دیوان بر اساس مدارکی که در اختیار دارد تصمیم‌گیری خواهد شد».[۷۴۹] بر این اساس، طرفین هیچ بحثی در خصوص این ادعا در جلسات استماع ارائه نکردند.

*پیشینه موضوعی*

---

[۷۴۸] *بنگرید به* بند ۱۵۱۵، بالا.

[۷۴۹] *بنگرید به* بند ۵۰، بالا.

**۱۵۲۳ -** رپید ایندااستریال در هشتم آبان ۱۳۵۷ [۳۰ اکتبر ۱۹۷۸] صورت‌حسابی برای خارک به مبلغ ۵۷/۷۶ دلار آمریکا بابت یک نشانگر عقربه‌ای که آموکو اینترنشنال ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۴۸ سفارش داده بود، صادر کرد.

**۱۵۲۴ -** آموکو اینترنشنال با تلکس مورخ ۱۱ آبان ۱۳۵۷ [دوم نوامبر ۱۹۷۸] به خارک اطلاع داد که، از جملهٔ سایر اقلام، نشانگر عقربه‌ای مندرج در سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۸ «به طور کامل» به ایران، مشخصاً، «با AWB IR -۰۹۶-۷۴۹۴-۴۳۷۶ فلایینگ تایگرز به نیویورک ارتباطی پرواز IR-۱۷۰۲ در ۸/۱۳ [۱۱/۴] به تهران»، حمل شده است.

**۱۵۲۵ -** خارک با نامهٔ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۳۰ آوریل ۱۹۸۳] به رپید ایندااستریال اطلاع داد که مواد سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۴۸ را که بابت آن‌ها ذیل صورت‌حساب هشتم آبان ۱۳۵۷ [۳۰ اکتبر ۱۹۷۸] رپید ایندااستریال به مبلغ ۵۵/۸۱ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده، دریافت نکرده و درخواست کرد که رپید ایندااسترایال وضعیت آن سفارش خرید را روشن کند.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۵۲۶ -** ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در ارتباط با ادعای ز-۱۸۱، خواستار ۱۲۹/۱۰ دلار آمریکا بابت «مواد» علی‌الإدعا نگه‌داری‌شده توسط رپید ایندااستریال شد. ایران در تأیید این سخن کپی‌های موارد آتی را تسلیم کرد: (یک) نامهٔ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۳۰ آوریل ۱۹۸۳] خارک به رپید ایندااستریال توصیف شده در بالا؛[۷۵۰] (دو) نامهٔ خارک به رپید ایندااستریال مورخ هشتم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۸ آوریل ۱۹۸۳] که اطلاع می‌داد که خارک مواد سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-

[۷۵۰] *بنگرید به* بند ۱۵۲۵، بالا.

۷۸۰۲۵۷ (بی‌ارتباط به ادعای ز-۱۸۱) که بابت آن‌ها توسط رپید ایندااستریال مبلغ ۷۳/۲۹ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده بود، را دریافت نکرده بوده است؛ و (سه) صورت‌حساب مورخ هشتم آبان ۱۳۵۷ [۳۰ اکتبر ۱۹۷۸] رپید ایندااستریال که از خارک بابت نشانگر عقربه‌ای مورد اختلاف در این ادعا مبلغ ۵۷/۷۶ دلار آمریکا را مطالبه می‌کرد.[۷۵۱]

**۱۵۲۷** - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که، هر چند «مدارک با ادعا مطابقت ندارد»، آن‌ها «حاکی از آن هستند که کالاها به ارزش ۵۷/۷۶ دلار در چهارم آبان ۱۳۵۷ [۲۶ اکتبر ۱۹۷۸] به کارگزار ایران حمل شده‌اند».

**۱۵۲۸** - ایران در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت:

یک) بدین وسیله؛ ادعا بابت سفارش شمارهٔ کی‌سی-۲۵۷[۰]۷۸ به مبلغ ۷۳/۲۹ دلار مسترد می‌شود -

دو) سفارش شمارهٔ کی‌سی-۳۴۸[۰]۷۸ به مبلغ ۵۵/۸۱ دلار (ارزش اولیهٔ ۵۷/۷۶ منهای کسورات) مطابق صورت‌حسابی که سابقاً پیوست شد، دریافت نشده است.

ایران اظهارات مشابهی در گزارش‌های ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ارائه کرد.

**۱۵۲۹** - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ملاحظه کرد:

---

[۷۵۱] *بنگرید به* بند ۱۵۲۳، بالا.

شرکت فاقد هرگونه سوابق از این دوره است. مدارک ارائه شده توسط ایران حاکی از این است که کالاها به ارزش ۵۷/۷۶ دلار حمل شده‌اند.

**۱۵۳۰ -** دیوان متذکر می‌گردد که، به جز اظهارات ایران در گزارش‌های خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، این دولت هیچ لایحهٔ دیگری راجع به ادعای ز-۱۸۱ در دادخواهی‌های کتبی خود در این پرونده‌ها ارائه نکرده است.

*تصمیم دیوان*

**۱۵۳۱ -** این ادعا دچار کم‌بود ادله و نبود تقریبی استدلالات است. ادلهٔ موجود حاکی از آن است که نشانگر عقربه‌ای مربوطه در آبان ۱۳۵۷ [نوامبر ۱۹۷۸] به ایران حمل شده است.[۷۵۲] ایران هیچ ادله اثباتی‌ای مبنی بر این امر ارائه نکرده که آن قلم در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده، و در این اوضاع و احوال، دیوان نمی‌تواند چنین فرض کند که بوده است.

**۱۵۳۲ -** بنابر مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که نشانگر عقربه‌ای سفارش‌داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۴۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار نداشته، و بدین ترتیب، آن قلم مشمول محدودهٔ بند ۹ نمی‌باشد.

**۱۵۳۳ -** در نتیجه، ادعای ز-۱۸۱ رد می‌شود.

*(شانزده) ادعای ز-۱۸۲ (خارک/انگلوود الکتریک سوپلای)*

*مقدمه*

---

[۷۵۲] *بنگرید به* بند ۱۵۲۴، بالا.

**۱۵۳۴ -** ایران در ادعای ز-۱۸۲ خواهان ۶،۷۸۲/۹۸ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی مواد به ایران است که خارک از انگلوود الکتریکال سوپلای («انگلوود») خریداری کرد.

**۱۵۳۵ -** ادعای ز-۱۸۲ مشمول برنامه زمانی جلسات استماع در مرحلهٔ دوم دادرسی‌ها در این پرونده‌ها نبود و به گروه ادعاهایی تعلق داشت که «توسط دیوان بر اساس مدارکی که در اختیار دارد تصمیم‌گیری خواهد شد».[۷۵۳] در حالی‌که ایالات متحده، بر این اساس، هیچ بحث مشخصی در خصوص این ادعا در جلسات استماع ارائه نکرد، ایران انتخاب کرد که چنین کند.

*پیشینهٔ موضوعی*

**۱۵۳۶ -** سابقهٔ این ادعا، از جمله، مشتمل بر کپی مدارک زیر است:

(الف) فرم درخواست مواد خارک (یا بخشی از آن) راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۶۷ و با فهرست بیش از ۵۰ قلم؛ تاریخ مندرج بر روی این فرم ناخواناست؛[۷۵۴]

(ب) صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۲۴۸۸ صادرشده توسط انگلوود در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ [پنجم ژوئن ۱۹۷۹] که مبلغ ۴۲۰/۱۳ دلار آمریکا برای خارک بابت برخی اقلام سفارش‌داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ مورخ ۱۶ آذر ۱۳۵۷ [هفتم دسامبر ۱۹۷۸] صورت‌حساب صادر می‌کند؛ [۷۵۵]

(پ) تلکس آموکو اینترنشنال به خارک مورخ ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] که اطلاع می‌داد که: (یک) از جمله، مواد تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۶۷ بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس*، با زمان

---

[۷۵۳] *بنگرید به* بند ۵۰، بالا.

[۷۵۴] سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۶۷ در ادله و مدارک موجود نیست.

[۷۵۵] سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ در ادله و مدارک موجود نیست.

تخمینی رسیدن در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] به جزیرهٔ خارک «به طور کامل حمل» شده بوده است؛ و (دو) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ یک «حمل جزئی سفارش» بود (یعنی می‌توان استنباط کرد که تعدادی از اقلام تحت پوشش آن سفارش خرید مشمول حمل مذکور نبوده است)؛

(ت) صورت‌حساب شمارهٔ ۳۴۶۵۹۱ صادر شده توسط انگلوود در ۲۹ تیر ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹] که مبلغ ۲۴۰/۹۲ دلار آمریکا برای خارک بابت یک قلم، «جزئی از سفارش ۲۰» سفارش‌داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ صورت‌حساب صادر کرده است؛

(ث) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۳-۷۸۰۳۶۷ مورخ پنجم مهر ۱۳۵۸ [۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹] که پوشش‌دهندهٔ چهار قلم به قیمت ۱،۲۱۱/۷۸ دلار آمریکا بود.

**۱۵۳۷ -** مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۷۵۶] در این ماه‌ها، اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷، صورت‌حساب شده به مبلغ ۵،۵۳۶/۱۲ دلار آمریکا، و اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۳-۷۸۰۳۶۷، صورت‌حساب‌شده به مبلغ ۱،۲۴۶/۸۶ دلار آمریکا، در هیوستون در انبار وورلد ترید قرار داشتند. هیچ مدرکی در سابقه در خصوص مکان و سرنوشت آن اقلام پس از فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] وجود ندارد.

**۱۵۳۸ -** خارک در هشتم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۸ آوریل ۱۹۸۳] نامه‌ای به بنتلی اند نوادا کو. («بنتلی اند نوادا») — شرکتی نامرتبط با هیچ یک از سفارش‌های خرید مربوطه در این ادعا — ارسال کرد و اطلاع داد که موادی را که بابت آن‌ها به مبلغ ۶۲۸/۰۶ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ صورت‌حساب شماره

---

[۷۵۶] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

۳۴۶۵۹۱ صادر شده، دریافت نکرده است و درخواست نمود که بنتلی اند نوادا وضعیت آن سفارش خرید را روشن کند.

*گزارش‌های طرفین در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۵۳۹** - ایران در پاسخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] خود به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده به اشتباه بنتلی اند نوادا را به عنوان نگه‌دارندهٔ اقلام مورد اختلاف، که آن‌ها را به عنوان «مواد» به ارزش ۶۲۸/۰۶ دلار آمریکا توصیف کرد، شناسایی نمود.

**۱۵۴۰** - ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران به فهرست‌کردن بنتلی اند نوادا به عنوان نگه‌دارندهٔ اقلام مورد اختلاف، که همچنان برای آن ارزش ۶۲۸/۰۶ دلار آمریکا قائل می‌بود، ادامه داد. ایران با گزارش مذکور، فرم بی‌تاریخ درخواست مواد خارک توصیف‌شده در بالا را ارائه نمود.[۷۵۷]

**۱۵۴۱** - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که (یک) قطعات فهرست‌شده «در مدارک» و (دو) «شماره‌های صورت‌حساب فهرست‌شده» از بنتلی اند نوادا نبوده است.

**۱۵۴۲** - ایران در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران (یک) از ادعا «علیه بنتلی اند نوادا» اعراض کرد؛ (دو) اظهار داشت که «همان کالاها» از انگلوود سفارش داده شده بوده است؛ و (سه) بر ادعای خود به مبلغ ۶۲۸/۰۶ دلار آمریکا پابرجا ماند. به علاوه، ایران کپی صورت‌حساب‌های انگلوود به شماره‌های ۱۲۲۴۸۸ و ۳۴۶۵۹۱ را ارائه[۷۵۸] و ادعا کرد که اقلام به «شماره‌های ۱، ۳، ۵» در

---

[۷۵۷] *بنگرید به* بند ۱۵۳۶، بالا.

[۷۵۸] *بنگرید به* بند ۱۵۳۶، بالا.

صورت‌حساب نخست و «تمام اقلام» در صورت‌حساب اخیر توسط خارک دریافت نشده بوده است. ایران اظهارات مشابهی در گزارش‌های ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ارائه کرد.

**۱۵۴۳** - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اظهار داشت: «کالاها به آموکو فروخته شد. به انگلوود مسترد نشد».

**۱۵۴۴** - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ادعا کرد: «سوابق آموکو نشان می‌دهد که اقلام در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس* به جزیرهٔ خارک حمل شده‌اند». ایالات متحده در تأیید این سخن، کپی تلکس ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] آموکو اینترنشنال به خارک توصیف شده در بالا را ارائه کرد.[۷۵۹]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۵۴۵** - دیوان ملاحظه می‌کند که ایران، جز اظهاراتی که در گزارش‌های خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ارائه کرده، در دادخواهی‌های کتبی خود در این پرونده‌ها هیچ لایحه‌ای راجع به ادعای ز-۱۸۲ ارائه نکرده است.

**۱۵۴۶** - ایران در جلسات استماع اشاره کرد که تلکس آموکو اینترنشنال به خارک در ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹] حاکی از آن است که حمل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس* کامل نبوده زیرا چندین قلم موجود نبوده است. ایران در ادامه ادعا کرد که، در واقع، فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل

[۷۵۹] *بنگرید به* بند ۱۵۳۶، بالا.

۱۹۸۰] نشان می‌دهد که مواد مرتبط با سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ و کی‌سی-۰۳-۷۸۰۳۶۷ (که به ادعای ایران، اصلاحیه‌ای بر سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ بوده) مجموعاً به مبلغ ۶،۷۸۲/۹۸ دلار آمریکا، در فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] توسط کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون نگه‌داری می‌شده است. بنابر این اطلاعات، ایران معتقد است که این اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده باقی مانده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۵۴۷ - ایالات متحده درپاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران درخواست کرد که دیوان ادعای ز-۱۸۲ را رد کند، و ادعا کرد که ایران این ادعا را مسترد نموده است. در نتیجه، ایالات متحده به تسلیم لوایحی در خصوص ادعای ز-۱۸۲ نپرداخت.

*تصمیم دیوان*

۱۵۴۸ - فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۷۶۰] نشان می‌دهد که اقلام سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ و کی‌سی-۰۳-۷۸۰۳۶۷ در فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] در انبار وورلد ترید در هیوستون بوده است.[۷۶۱] در نتیجه، از آن‌جا که آن اقلام قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در ایالات متحده تحویل داده شده است، دیوان مقرر می‌دارد که حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است. بدین ترتیب، مسئلهٔ محوری در این ادعا این می‌شود که آیا اقلام سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ و کی‌سی-۰۳-۷۸۰۳۶۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر.

---

[۷۶۰] *بنگرید به* ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۷۶۱] *بنگرید به* ۱۵۳۷، بالا.

۱۵۴۹ - این ادعا به طور کلی فاقد ادله و استدلالات، هر دو، است. همان‌طور که گفته شد، هیچ چیز در سابقه وجود ندارد که نشان‌دهندهٔ مکان و سرنوشت اقلام مورد اختلاف پس از فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] باشد.[۷۶۲] این که اقلام سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۳۶۷ و کی‌سی-۰۳-۷۸۰۳۶۷ در آن ماه در انبار کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون بوده لزوماً بدین معنا نیست که آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، چنان که ایران بیان می‌دارد، همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند، و دیوان، بر اساس سابقهٔ پیش روی خود، نمی‌تواند چنین فرض کند که بوده‌اند.

۱۵۵۰ - بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که ایران اثبات نکرده است که اقلام مورد اختلاف در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند، و بدین ترتیب، آن‌ها مشمول محدودهٔ بند ۹ بوده‌اند.

۱۵۵۱ - در پرتو آن‌چه گفته شد، ادعای ز-۱۸۲ رد می‌شود.

*(هفده) ادعای ز-۱۸۳ (خارک/هارکو کورپ.)*

*مقدمه*

۱۵۵۲ - ایران در ادعای ز-۱۸۳ خواهان ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا بابت قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال ۲۷ واحد آنود گالوالوم خریداری شده از هارکو کورپوریشن («هارکو») است.

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۵۵۳ - آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از خارک، در ۳۱ خرداد ۱۳۵۸ [۲۱ ژوئن ۱۹۷۹] ۲۷ واحد آنود گالوالوم را ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۱۴ («اقلام ز-۱۸۳») به هارکو سفارش داد.

---

[۷۶۲] *بنگرید به* همانجا.

۱۵۵۴ - هارکو در پنجم مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹] صورت‌حساب شمارهٔ ۳۹۳۳۲ به مبلغ ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا بابت اقلام ز-۱۸۳ را برای خارک صادر کرد. خارک آن مبلغ را با چکی در ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ [۲۲ اوت ۱۹۷۹] پرداخت نمود.

۱۵۵۵ - مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۷۶۳] در آن ماه‌ها، اقلام ز-۱۸۳ در هیوستون در انبار وورلد ترید قرار داشت.

۱۵۵۶ - فهرست پایپر دو[۷۶۴] حاکی از آن است که آموکو اینترنشنال «آنودهای گالوالوم» را به آموکو فیلیپینز پترولیوم کامپنی («آموکو فیلیپینز») به مبلغ ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا فروخت، که آموکو فیلیپینز در ۲۳ دی ۱۳۵۹ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۱] آن مبلغ را به آموکو اینترنشنال پرداخت.

۱۵۵۷ - خارک با نامهٔ ۲۸ آذر ۱۳۶۱ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۲] به هارکو اطلاع داد که «مبلغ پرداخت نشده»ای به مبلغ ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا به حساب هارکو در دفاتر خارک در ارتباط با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۱۴ یافته است و درخواست نمود که هارکو یا اقلام ز-۱۸۳ را تحویل دهد یا مبلغ ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا را به خارک بپردازد. خارک مجدداً در هشتم اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۸ آوریل ۱۹۸۳] دربارهٔ این مسئله به هارکو نامه نوشت و درخواست کرد که هارکو وضعیت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۱۴ را روشن کند.

۱۵۵۸ - هارکو در ششم مرداد ۱۳۶۲ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۳] پیامی به آموکو اینترنشنال ارسال کرد و اطلاع داد که هارکو اقلام ز-۱۸۳ را تحویل داده بود که به آن‌ها در مکاتبهٔ خارک در ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ [اول اوت ۱۹۷۹] تحت عنوان «ورلد فورواردینگ کامپنی» ارجاع داده شد. هارکو درخواست کرد که آموکو اینترنشنال ردّ محموله را از طریق حمل کنندگان بگیرد و به خارک پاسخ دهد.

---

[۷۶۳] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۷۶۴] *بنگرید به* بند ۱۲۲۷، بالا.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۵۵۹ -** ایران خاطرنشان می‌سازد که، وفق ادله، (یک) اقلام ز-۱۸۳ در مرداد ۱۳۵۸ [اوت ۱۹۷۹] به وورلد ترید در هیوستون تحویل داده شده‌اند، و (دو) آن اقلام در فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] همچنان در هیوستون قرار داشته‌اند. در پرتو فقره فهرست پاپیر دو،[۷۶۵] ایران تصدیق می‌کند که اقلام ز-۱۸۳ در دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] در ازای ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا به آموکو فیلیپینز منتقل شده‌اند. با این حال، همان‌طور که در بالا ذکر شد،[۷۶۶] موضع ایران این است که آموکو اینترنشنال مالک اقلام خریداری‌شده توسط خارک نبوده، و خارک مجوزی از آموکو اینترنشنال برای فروش چنین اقلامی به نمایندگی از خارک نداشته است. به نظر ایران، هیچ ادله‌ای وجود ندارد که اقلام ز-۱۸۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران حمل شده باشد. ایران نتیجه می‌گیرد که این بدان معناست که آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۵۶۰ -** مطابق دادخواهی‌های نهایی در جلسات استماع، ایالات متحده استدلال می‌کند که، از آن‌جا که آموکو اینترنشنال در ۲۳ دی ۱۳۵۹ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۱] اقلام ز-۱۸۳ را به آموکو فیلیپینز منتقل کرده، آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت ایران نبوده، و بدین ترتیب، مشمول محدودهٔ بند ۹ نبوده‌اند. ایالات متحده در پاسخ به استدلالات ایران ادعا می‌کند که آموکو اینترنشنال حداقل مجوز ظاهری بر بازفروش مواد خارک داشته است.

---

[۷۶۵] *بنگرید به* بند ۱۵۵۶، بالا.

[۷۶۶] *بنگرید به* بند ۱۳۴۸، بالا.

**۱۵۶۱ -** اختلافی نیست، و ادله این امر را تأیید می‌کند، که اقلام ز-۱۸۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۹۱ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در ایالات متحده تحویل داده شده است.[۷۶۷] بنابراین، دیوان مقرر می‌دارد که حق مالکیت آن اقلام قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.

**۱۵۶۲ -** بدین ترتیب، مسئلهٔ اساسی در این ادعا این می‌شود که آیا اقلام ز-۱۸۳ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده، و در نتیجه، مشمول محدودهٔ بند ۹، بوده است یا خیر.

**۱۵۶۳ -** فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰] حاکی از آن است که، در آن ماه‌ها، اقلام ز-۱۸۳ در انبار کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون بوده است. با این حال، هیچ ادلهٔ قاطعی در خصوص مکان آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] وجود ندارد. اختلافی وجود ندارد، و ادله تأیید می‌کند، که اقلام ز-۱۸۳ قبل از آن تاریخ[۷۶۸] به آموکو فیلیپینز فروخته شده بوده است، و طرفین توافق دارند که آن اقلام در دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] به وابستهٔ فیلیپینی آموکو منتقل شده است.[۷۶۹] به علاوه، فهرست پایپر دو نشان می‌دهد که آموکو فیلیپینز مبلغ خرید ۲،۱۱۶/۸۰ دلار آمریکا را در ۲۳ دی ۱۳۵۹ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۱] به آموکو اینترنشنال پرداخته است.[۷۷۰] در پرتو اوضاع و احوال پیش‌گفته، دیوان، با سنجش ادله، حکم می‌کند که غیرمعقول نخواهد بود که نتیجه‌گیری شود که اقلام ز-۱۸۳ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پیشاپیش به وابستهٔ آموکو فیلیپینز حمل شده و بدین ترتیب، دیگر در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار نداشته‌اند، و نتیجه‌گیری دیوان همین است.

---

[۷۶۷] *بنگرید به* بندهای ۱۵۵۵ و ۱۵۵۸، بالا.

[۷۶۸] *بنگرید به* بند ۱۵۵۶، بالا.

[۷۶۹] *بنگرید به* بندهای ۱۵۵۹-۱۵۶۰، بالا.

[۷۷۰] *بنگرید به* بند ۱۵۵۶، بالا.

دیوان، در نبود ادلهٔ معارض، و بر مبنای سابقه کنونی، آمادگی ندارد چنین فرض کند که اقلام ز-۱۸۳ در تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است.

۱۵۶۴ - در پرتو نتیجه‌گیری بالا، دیوان نیازی نمی‌بیند که در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوز فروش اقلام ز-۱۸۳ به آموکو فیلیپینز را داشته است یا خیر.

۱۵۶۵ - بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۸۳ را رد می‌کند.

*(هجده) ادعای ز-۱۸۴ (خارک/ویلسون ایندااستریز، اینک.)*

*مقدمه*

۱۵۶۶ - ایران در ادعای ز-۱۸۴ خواهان ۶۴/۵۳ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال اقلام اسپری روغن لیکوئید رنچ خریداری‌شده از ویلسون ایندااستریز اینک. («ویلسون ایندااستریز») به ایران است.

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۵۶۷ - سابقهٔ این ادعا مشتمل بر کپی مدارک زیر است:

(الف) یک بارنامه «با قید نام گیرنده» از رادیاتور سپشالتی کامپنی (با «برگهٔ دادهٔ امنیت مواد» پیوست صادرشده توسط وزارت کار ایالات متحده)، مورخ چهارم آبان ۱۳۵۷ [۲۶ اکتبر ۱۹۷۸]؛

(ب) صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۷۶۶۲ صادرشده از ویلسون ایندااستریز در اول آذر ۱۳۵۷ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۸] که به مبلغ ۶۴/۵۳ دلار آمریکا برای خارک بابت هشت جعبه اسپری روغن لیکوئید رنچ سفارش داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ ۷۸۰۳۷۳ («اقلام ز-۱۸۴») صورت‌حساب صادر کرده است؛ صورت‌حساب مذکور حاکی از آن است که اقلام ز-۱۸۴ در چهارم آبان ۱۳۵۷ [۲۶ اکتبر

۱۹۷۸] در هیوستون به «ورلد اکسپورت پکرز» (یعنی، به احتمال زیاد، شرکت بسته‌بندی[۷۷۱]) حمل شده بوده‌اند؛

(پ) نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ [۱۳ آوریل ۱۹۸۳] خارک به ویلسون ایندااستریز که، از جمله، اظهار می‌دارد که خارک مواد تحت‌پوشش صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۷۶۶۲ ویلسون ایندااستریز را دریافت نکرده بوده است و درخواست کرد که ویلسون ایندااستریز مسئله را بازبینی کند.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۵۶۸ - ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که اقلام ز-۱۸۴ را دریافت نکرده است.

۱۵۶۹ - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که اقلام ز-۱۸۴ به آموکو فروخته شده و «از طریق ورلد» به خارک حمل شده است. ایالات متحده با گزارش خود، از جمله، کپی صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۷۶۶۲ ویلسون ایندااستریز را ارائه کرد.

۱۵۷۰ - ایران در گزارش ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران تکرار کرد که خارک اقلام ز-۱۸۴ را دریافت نکرده بوده است.

۱۵۷۱ - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد: «شرکت آمریکایی «لیکوئید رنچ» را به آموکو فروخته، در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] از طریق ورلد به خارک حمل شد. ایالات متحده مدارک را در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] ارائه کرد».

---

[۷۷۱] *بنگرید به* بند ۱۲۱۵، بالا.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۵۷۲ -** دیوان ملاحظه می‌کند که ایران در دادخواهی‌های کتبی خود در این پرونده‌ها عملاً هیچ لایحه‌ای راجع به ادعای ز-۱۸۴ ارائه نکرده است.

**۱۵۷۳ -** ایران در جلسات استماع ادعا کرد که، در حالی که ایالات متحده توانسته حمل اقلام ز-۱۸۴ به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] را اثبات کند، نتوانسته اثبات نماید که آن اقلام متعاقباً به خارک در ایران حمل شده‌اند. ایران مدعی است که هیچ توضیحی در خصوص سرنوشت اقلام ز-۱۸۴ دریافت نکرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۵۷۴ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که، از آن‌جا که ایران هیچ‌گونه دادخواهی‌ای راجع به ادعای ز-۱۸۴ پس از دستور نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] دیوان تسلیم نکرده است،[۷۷۲] ادعای ز-۱۸۴ باید به عنوان ادعای متروک، رد شود.

*تصمیم دیوان*

**۱۵۷۵ -** مسئلهٔ مقدماتی در این ادعا این است که آیا اقلام ز-۱۸۴ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر.

---

[۷۷۲] *بنگرید به* بند ۳۹ و پانوشت ۶۷۶، بالا.

۱۵۷۶ - ادعای ز-۱۸۴ به طور کلی از کمبود ادله و استدلالات، هر دو، رنج می‌برد. در حالی که ادله‌ای وجود دارد که ویلسون ایندااستریز، اقلام ز-۱۸۴ را در چهارم آبان ۱۳۵۷ [۲۶ اکتبر ۱۹۷۸] به «ورلد اکسپورت پکرز» (یعنی، به احتمال زیاد، شرکت بسته‌بندی) در هیوستون حمل کرده است،[۷۷۳] هیچ مدرکی در سابقه وجود ندارد که نشان‌دهندهٔ مکان و سرنوشت آن اقلام پس از آن تاریخ باشد. دیوان به علاوه ملاحظه می‌کند که هیچ یک از فهرست اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰] و فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] نشان نمی‌دهد که اقلام سفارش خرید شمارهٔ ۷۸۰۳۷۳ در آن ماه‌ها در انبار در هیوستون بوده است.

۱۵۷۷ - در پرتو مراتب پیش‌گفته، دیوان مقرر می‌دارد که ایران اثبات نکرده است که اقلام ز-۱۸۴ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود و بدین ترتیب، مشمول محدودهٔ بند ۹ بوده‌اند.

۱۵۷۸ - وفق آن‌چه گفته شد، دیوان ادعای ز-۱۸۴ را رد می‌کند.

*(نوزده) ادعای ز-۱۸۵ (خارک/فالک کورپ.)*

*مقدمه*

۱۵۷۹ - ایران در ادعای ز-۱۸۵ خواهان ۲۲۸/۱۸ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال دو قلم اتصال خریداری شده از فالک کورپوریشن («فالک») است.

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۵۸۰ - ایران در ادعای ز-۱۸۵ مدعی عدم دریافت دو قلم اتصال توسط خارک سفارش داده شده به فالک ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۰ («اقلام ز-۱۸۵») است.

---

[۷۷۳] *بنگرید به* بند ۱۵۶۷، بالا.

۱۵۸۱ - فالک در دوم شهریور ۱۳۵۸ [۲۴ اوت ۱۹۷۹] صورت‌حساب شمارهٔ ۷۹۲۳۶۰۸ به مبلغ ۲۲۸/۱۸ دلار آمریکا را برای خارک بابت اقلام ز-۱۸۵، که خارک مبلغ آن را در ۲۹ مهر ۱۳۵۸ [۲۱ اکتبر ۱۹۷۹] پرداخت، صادر کرد.

۱۵۸۲ - فالک اقلام ز-۱۸۵ را در ۲۱ شهریور ۱۳۵۸ [۱۲ سپتامبر ۱۹۷۹] به شرکت بسته‌بندی، یکی از کارگزاران حمل و نقل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، حمل کرد. شرکت بسته‌بندی آن اقلام را در ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ [۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹] دریافت کرد، چنان‌که در «ثبت دریافت مواد» شرکت بسته‌بندی مورخ ششم مهر ۱۳۵۸ [۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹] نشان داده شده است.

۱۵۸۳ - مطابق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۷۷۴] در آن ماه‌ها، اقلام ز-۱۸۵ در هیوستون در انبار وورلد ترید بود. هیچ شاهدی راجع به مکان و سرنوشت آن اقلام پس از فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] وجود ندارد.

۱۵۸۴ - خارک با نامهٔ ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ [۱۴ مارس ۱۹۸۳] به فالک اطلاع داد که «مبلغ پرداخت نشده»ای به مبلغ ۲۲۳/۳۰ دلار آمریکا به حساب فالک در دفاتر خارک مربوط به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۰ یافت کرده است و درخواست کرد که فالک یا اقلام ز-۱۸۵ را تحویل دهد یا مبلغ ۲۲۳/۳۰ دلار آمریکا را به خارک مسترد کند. هیچ ادله‌ای مبنی بر این امر وجود ندارد که خارک پاسخی دریافت کرده باشد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۵۸۵ - ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که اقلام ز-۱۸۵ را دریافت نکرده است.

---

[۷۷۴] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲.

۱۵۸۶ - ایالات متحده در گزارش هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران متذکر شد که اقلام ز-۱۸۵ به آموکو فروخته و «از طریق وورلد [ترید]» به خارک حمل شده است.

۱۵۸۷ - ایران در گزارش‌های ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران تکرار کرد که خارک اقلام ز-۱۸۵ را دریافت نکرده است.

۱۵۸۸ - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد: «شرکت آمریکایی مواد را در سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] به وورلد [ترید] حمل کرده است. سوابق آموکو حاکی از این است که مبلغ صورت‌حساب ۲۲۸/۱۸ دلار آمریکا می‌باشد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۵۸۹ - ایران ادعا می‌کند که فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] اثبات می‌کند که اقلام ز-۱۸۵ در آن ماه توسط کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون نگه‌داری می‌شده است. به علاوه، ایران خاطرنشان می‌سازد که ایالات متحده هیچ ادله‌ای در مورد آن‌چه متعاقباً برای آن اقلام رخ داده، ارائه نکرده است. بر این اساس، ایران این عقیده را اظهار می‌دارد که این اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده باقی مانده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۵۹۰ - ایالات متحده ادعا می‌کند که نمی‌توانسته پس از ۳۰ اسفند ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰]، تاریخ فهرست اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰]، تعیین تکلیف اقلام ز-۱۸۵ را مستند کند. با این حال، ایالات متحده بر این موضع است که از آن‌جا که آموکو اینترنشنال در پاییز ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] بسیاری از مواد خارک نگه‌داری شده در اماکن

کارگزار حمل و نقل را بازفروش کرده یا به ضایعات سپرده، احتمال دارد که در آن زمان از اقلام ز-۱۸۵ توسط آموکو اینترنشنال خلاصی صورت گرفته باشد.

*تصمیم دیوان*

**۱۵۹۱ -** فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۷۷۵] نشان می‌دهد که، در آن ماه‌ها، اقلام ز-۱۸۵ در انبار وورلد ترید در هیوستون بوده است.[۷۷۶] در نتیجه، دیوان مقرر می‌دارد که از آن‌جا که آن اقلام قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۸ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در ایالات متحده تحویل داده شده، حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است. بدین ترتیب، مسئلهٔ سرنوشت‌ساز در این ادعا این می‌شود که آیا اقلام ز-۱۸۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر.

**۱۵۹۲ -** این ادعا به طور کلی با کمبود ادله و استدلالات، هر دو، همراه است. همان‌طور که گفته شد، هیچ چیز در سابقه نشان‌دهندهٔ مکان و سرنوشت آن اقلام پس از فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] نیست.[۷۷۷] این که اقلام ز-۱۸۵ در آن ماه در انبار کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون بوده، لزوماً، چنان‌که ایران معتقد است، بدین معنا نیست که آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند، و دیوان مطابق سابقهٔ پیش روی خود، نمی‌تواند چنین فرض بگیرد که بوده‌اند.

**۱۵۹۳ -** بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که اثبات نشده است که اقلام ز-۱۸۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده، و بدین ترتیب، مشمول محدودهٔ بند ۹ بوده است.

---

[۷۷۵] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۷۷۶] *بنگرید به* بند ۱۵۸۳، بالا.

[۷۷۷] *بنگرید به* همانجا.

**۱۵۹۴ -** بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۸۵ را رد می‌کند.

*(بیست) ادعای ز-۱۸۶ [خارک/آر.جیِ. دروز اند سانز، اینک.)*

*مقدمه*

**۱۵۹۵ -** ایران در ادعای ز-۱۸۶ خواهان ۵۱۱/۲۲ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی اقلامی است که خارک از آر.جیِ. دروز اند سانز اینک. («دروز اند سانز») ذیل سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ و کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۹ (مجموعاً، «اقلام ز-۱۸۶») خریداری کرده است.

*پیشینه موضوعی*

**۱۵۹۶ -** آموکو اینترنشنال در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] سه قلم پیچ دوسر رزوه (مجموعاً ۱۸۰ قطعه) را ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ («اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵») به مبلغ ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا به دروز اند سانز سفارش داد.

**۱۵۹۷ -** دروز اند سانز در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ [۱۵ اوت ۱۹۷۹] با صورت‌حساب شمارهٔ ۵۲۲۶ برای خارک به مبلغ ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵، که خارک مبلغ آن را با چکی در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] پرداخت، صورت‌حساب صادر کرد.

**۱۵۹۸ -** دو فرم «ثبت دریافت مواد» شرکت بسته‌بندی موجود در سابقه، مورخ ۲۷ مرداد و دوم شهریور ۱۳۵۸ [۱۸ و ۲۴ اوت ۱۹۷۹]، به ترتیب، نشان می‌دهند که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ تا ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ [۱۶ اوت ۱۹۷۹] به شرکت بسته‌بندی تحویل داده شده بوده است.

**۱۵۹۹ -** سابقه به علاوه مشتمل بر کپی مدارک زیر است:

(الف) فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰]،[۷۷۸] که نشان می‌دهد در آن ماه، اقلام ز-۱۸۶[۷۷۹] در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل خارک بوده؛ فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاکی از این است که برای اقلام (نامشخصی) که خارک از دروز اند سانز ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۷ خریده بود (که موضوع آن بخش از ادعای ز-۱۸۶ که با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷ مرتبط است می‌باشد[۷۸۰]) به مبلغ ۱۵۷/۰۶ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده بوده است؛

(ب) یک نامه مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۵۹ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۰] از آموکو اینترنشنال به دروز اند سانز، که سؤال می‌کند آیا دروز اند سانز بابت صورت حساب‌های آتی، پرداختی دریافت کرده‌اند یا خیر: (یک) صورت‌حساب شمارهٔ ۵۲۲۶ ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵، به مبلغ ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا؛ و (دو) صورت‌حساب شمارهٔ ۵۲۳۱ ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷، به مبلغ ۱۵۷/۰۶ دلار آمریکا؛ در این نامه، آموکو اینترنشنال درخواست کرد که، اگر مبلغی به دروز اند سانز پرداخت نشده، «به [آموکو اینترنشنال] صورت‌حسابی المثنی تنظیم شده برای آموکوی ایران و [یک] «ادعای اعراض و واگذاری ادعای» تکمیلی بابت هر صورت‌حساب پرداخت نشده تسلیم کند»؛

(پ) یک فرم «پروانهٔ استرداد کالا» از آموکو اینترنشنال، که حاکی از این است که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ در ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰] «به طور کامل» به تأمین‌کننده‌ی دروز اند سانز، استاندکو ایندااستریز، اینک. از طریق «برداشت توسط شرکت» مسترد شده بوده است؛

---

[۷۷۸] *بنگرید به* بند ۱۲۲۲، بالا.

[۷۷۹] *بنگرید به* بند ۱۵۹۵، بالا.

[۷۸۰] *بنگرید به* همانجا.

(ت) یک تأییدیه مورخ ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰]، که حاکی از این است که چهار کارتون از چندین نوع پیچ دوسر رزوه از طریق برداشت توسط شرکت آموکو دریلینگ به استاندکو ایندااستریز، اینک. حمل شده بوده است؛

(ث) یک فرم «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ به فروشنده مسترد شده بوده است؛

(ج) نامه‌ای مورخ ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] از استاندارد اویل کامپنی (ایندیانا) به دروز اند سانز، راجع به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ و کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷ و، در بخش مربوطه، مشعر بر این‌که:

سوابق از انبارمان در هیوستون نشان می‌دهد که موادی که شما اطلاع دادید آن‌ها را بر اساس سفارش‌های خرید بالا می‌پذیرید، در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] از طریق برداشت توسط شرکت به استاندکو ایندااستریز اینک.، تأمین‌کنندهٔ شما، مسترد شده است.

خواهشمند است قطعات را فهرست و اعتبار را صادر کنید. فرم «موافقت‌نامهٔ فروش» ضمیمه باید تکمیل و با چک تنظیمی شما برای آموکو اینترنشنال اویل کامپنی مسترد شود... »؛

(چ) یک «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال، به عنوان نمایندهٔ خارک، و دروز اند سانز، که از طریق آن، آموکو اینترنشنال توافق به فروش، و دروز اند سانز توافق به خرید مواد آتی مجموعاً به مبلغ ۳۰۸/۸۹ دلار آمریکا نمود: (یک) اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵؛ و (دو) اقلام سفارش خرید کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷ توصیف شده تحت عنوان «۲۰۰ ۳ x ۵/۸»؛

(ح) چکی مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] به مبلغ ۳۰۸/۸۹ دلار آمریکا صادر شده توسط دروز اند سانز به نفع آموکو اینترنشنال؛

(خ) یک یادداشت حساب‌داری آموکو اینترنشنال مورخ هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] مربوط به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵، که متذکر می‌شود که چک دروز اند سانز به مبلغ ۳۰۸/۸۹ دلار آمریکا «برای پرداخت بابت مواد دریافتی آن‌ها در انتقال کی‌سی-۱-۰۰۰۷-۷۹ و کی‌سی-۰۱۲۵- ۷۹» باید به حساب خارک واریز می‌شد؛

(د) نامه‌ای مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ [۱۴ مارس ۱۹۸۳] از خارک به دروز اند سانز، که اطلاع می‌داد که خارک «مبلغ پرداخت‌نشده»ای به مبلغ ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا به حساب دروز اند سانز در دفاتر خارک مربوط به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ یافته است و درخواست کرد که دروز اند سانز یا اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ را تحویل دهد یا مبلغ ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا را به خارک مسترد کند؛ هیچ مدرکی وجود ندارد که خارک پاسخی دریافت کرده باشد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۶۰۰- ایران در گزارش هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ را، که ارزش آن‌ها را ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا می‌دانست، دریافت نکرده است.

۱۶۰۱- ایالات متحده در گزارش‌های ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ و هشتم آبان ۱۳۶۴ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ و ۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص ادعای ز-۱۸۶، متذکر شد: «اموال بابت بستانکاری، منهای هزینه‌های بازانبار، مسترد شد. بستانکاری به نام آموکو ماند».

۱۶۰۲ - ایران در گزارش‌های ۲۲ آبان ۱۳۶۶ و ۲۷ دی ۱۳۶۸ [۱۳ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران تحویل «کالاها» یا استرداد «مبلغ پرداخت‌شده به تأمین کننده» را تقاضا کرد.

۱۶۰۳ - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد: «شرکت آمریکایی مواد را به آموکو فروخت؛ آموکو سفارش را لغو و مواد را مسترد کرد. دروز بازپرداختی به آموکو داد».

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۶۰۴ - ایران ادعا می‌کند که ادله نشان می‌دهد که فروش علی‌الظاهر اقلام ز-۱۸۶ به دروز اند سانز پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رخ داده است؛ این ادله مشتمل هستند بر: (یک) «موافقت‌نامه‌ی فروش» مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال و دروز اند سانز؛ و (دو) چک ۱۴ بهمن ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] به مبلغ ۳۰۸/۸۹ دلار آمریکا که از طریق آن، دروز اند سانز مبلغ خرید را پرداخت نمود.

۱۶۰۵ - در هر حال، ایران مخالف است که آموکو اینترنشنال مجوز بازفروش اقلام ز-۱۸۶ را به فروشنده داشته است. بدین ترتیب، ایران استدلال می‌کند که «موافقت‌نامهٔ فروش» ۱۴ بهمن ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال و دروز اند سانز ناقل حق مالکیت اقلام ز-۱۸۶ به نحو معتبر به نهاد اخیر نبوده است.[۷۸۱]

۱۶۰۶ - ایران نتیجه می‌گیرد که در نبود ادلهٔ معارض، باید چنین فرض کرد که اقلام ز-۱۸۶ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «اموال ایران» و موجود در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند.

---

[۷۸۱] *همچنین بنگرید به* بند ۱۲۵۸، بالا.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۶۰۷ - ایالات متحده مدعی است که، گرچه «موافقت‌نامهٔ فروش» و چکی که از طریق آن، دروز اند سانز مبلغ بابت اقلام ز-۱۸۶ را پرداخت کرد، هر دو، پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] هستند، امّا ادلهٔ مندرج در سابقه حاکی از آن است که آن اقلام قبل از آن تاریخ به فروشنده بازفروش شده است؛ در این ارتباط، ایالات متحده، از جمله، به فرم «پروانهٔ استرداد کالا»ی داخلی آموکو اینترنشنال اشاره می‌کند، دال بر این که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ در ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰] «به طور کامل» به تأمین‌کنندهٔ دروز اند سانز مسترد شده بوده است.

۱۶۰۸ - ایالات متحده مدعی است که، از آن‌جا که خارک در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالکیتی بر اقلام ز-۱۸۶ نداشته، آن اقلام مشمول محدودهٔ بند ۹ نمی‌باشد.

*تصمیم دیوان*

۱۶۰۹ - ادلهٔ ارائه‌شده دیوان را راضی می‌کند که اقلام ز-۱۸۶ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده، و بدین ترتیب، حق مالکیت آن‌ها قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.

۱۶۱۰ - به همین ترتیب، ادله دیوان را قانع کرده است که اقلام ز-۱۸۶ در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به دروز اند سانز، فروشنده، منتقل شده است. این ادله مشتمل هستند بر:

(الف) فرم «پروانهٔ استرداد کالا»ی داخلی آموکو اینترنشنال، دال بر این که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ «به طور کامل» به تأمین‌کنندهٔ دروز اند سانز، استاندکو ایندااستریز، اینک.، در ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰] مسترد شده است؛[۷۸۲]

(ب) تأییدیهٔ ۱۸ آذر ۱۳۵۹ [نهم دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که چهار کارتون از چندین نوع پیچ دوسر رزوه از طریق برداشت توسط شرکت آموکو دریلینگ به استاندکو ایندااستریز اینک. حمل شده است؛[۷۸۳]

(پ) فرم ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵؛ دال بر این‌که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ به فروشنده مسترد شده بوده است؛[۷۸۴]

(ت) نامهٔ ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] از استاندارد اویل کامپنی (ایندیانا) به دروز اند سانز، راجع به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ و کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷ و مشعر بر این که در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] «موادی که [دروز اند سانز] اطلاع دادید آن‌ها را بر اساس سفارش‌های خرید بالا می‌پذیرید» در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۰ دسامبر ۱۹۸۰] «به استاندکو ایندااستریز، اینک.، تأمین‌کنندهٔ [آن] مسترد شده است»؛[۷۸۵]

---

[۷۸۲] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (پ)، بالا.

[۷۸۳] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (ت)، بالا.

[۷۸۴] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (ث)، بالا.

[۷۸۵] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (ج)، بالا.

(ث) «موافقت‌نامهٔ فروش ۱۴ بهمن ۱۳۵۹ [سوم فوریه ۱۹۸۱] میان آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از خارک، و دروز اند سانز، که از طریق آن، دروز اند سانز اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ و اقلام سفارش خرید کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷ توصیف شده تحت عنوان «۲۰۰ ۳ x ۵/۸» را خرید.[۷۸۶]

۱۶۱۱ - به علاوه، دیوان حکم می‌کند که ایالات متحده این ادعا را به اندازهٔ کافی وارسی کرده و مراتب را به اطلاع ایران رسانده است. ایالات متحده نخستین بار در نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] از این امر آگاه شد که ایران مدعی ادعایی بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ است، یعنی زمانی که ایران پاسخ خود را به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده ارائه کرد.[۷۸۷] ایالات متحده در گزارش‌های هشتم آبان ۱۳۶۴ و ۱۴ تیر ۱۳۶۸ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵ و پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] به دیوان در خصوص اموال عینی ایران به ایران اطلاع داد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۵ بابت بستانکاری به فروشنده مسترد شده بوده است.[۷۸۸] ایالات متحده برای نخستین بار در سال ۱۳۹۳ [۲۰۱۴] در جلسات استماع آگاه شد که ایران همچنین مدعی ادعایی بابت اقلام سفارش خرید کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۰۷ است.

۱۶۱۲ - دیوان به علاوه متذکر می‌شود که ایالات متحده با گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، از جمله، نامهٔ ۲۱ خرداد ۱۳۵۹ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال به دروز اند سانز و نامهٔ ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] استاندارد اویل کامپنی (ایندیانا) به دروز اند سانز را ارائه کرد.[۷۸۹] به علاوه، ایالات متحده با پاسخ چهارم مهر ۱۹۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران تمام سایر مدارک

---

[۷۸۶] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (چ)، بالا.

[۷۸۷] پاسخ جمهوری اسلامی ایران به لایحه دفاعیه ایالات متحده در دعاوی شماره ۲-الف و ۲-ب، پیوست ز، ص ۱۷ (نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]).

[۷۸۸] *بنگرید به* بندهای ۱۶۰۱ و ۱۶۰۳، بالا.

[۷۸۹] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (ب) و (ج)، بالا.

مهم مربوط به این ادعا[۷۹۰] به جز صورت‌حساب ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ [۱۵ اوت ۱۹۷۹] شمارهٔ ۵۲۲۶ دروز اند سانز،[۷۹۱] چک ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] خارک به مبلغ ۳۵۴/۱۶ دلار آمریکا،[۷۹۲] و نامه‌ای از خارک مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ [۱۴ مارس ۱۹۸۳] به دروز اند سانز،[۷۹۳] که ابتدائاً توسط ایران پیش کشیده شد را ارائه کرد.

۱۶۱۳ - ایران نشان نداده است که دستورالعمل‌های کافی را به آموکو اینترنشنال برای عملی کردن انتقال اقلام ز-۱۸۶ به ایران داده است.

۱۶۱۴ - بر اساس تمام اوضاع و احوال بالا، حتی با فرض این که اقلام ز-۱۸۶ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اموال ایران و همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند، دیوان نتیجه می‌گیرد که، با در نظر گرفتن اطلاعاتی که ایالات متحده دربارهٔ اقلام ز-۱۸۶ داشته، این دولت هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ بابت برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال اقلام ز-۱۸۶ به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۷۹۴]

۱۶۱۵ - دیوان در پرتو نتیجه‌گیری بالا نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری نماید که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوز بازفروش اقلام ز-۱۸۶ به فروشنده را داشته است یا خیر.

۱۶۱۶ - با توجه به مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۸۶ را رد می‌کند.

---

[۷۹۰] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (پ)-(ث)، (چ) و (خ)، بالا.

[۷۹۱] *بنگرید به* بند ۱۵۹۷، بالا.

[۷۹۲] *بنگرید به* همانجا.

[۷۹۳] *بنگرید به* بند ۱۵۹۹ (د)، بالا.

[۷۹۴] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

*(بیست و یک) ادعای ز-۱۸۷ (خارک/کریت کامپنی)*

*مقدمه*

۱۶۱۷ - ایران در ادعای ز-۱۸۷ خواهان حداکثر مبلغ ۷،۴۷۲/۶۵ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال ۲،۰۰۰ فوت کابل برق خریداری‌شده از کریت کامپنی («کریت») است.

*پیشینه موضوعی*

۱۶۱۸ - آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از خارک، در دوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹] ۲،۰۰۰ فوت کابل برق به کریت سفارش داد («قلم ز-۱۸۷»). وفق گزارش حملی از کریت در مدارک، قلم ز-۱۸۷ در ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ [هشتم اوت ۱۹۷۹] به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون حمل شد. کریت در ۱۸ مرداد ۱۳۵۸ [نهم اوت ۱۹۷۹] با صورت‌حساب شمارهٔ ۴۵۴۴U برای خارک صورت‌حسابی به مبلغ ۷،۴۷۲/۶۵ دلار آمریکا بابت آن قلم صادر نمود، که خارک در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] آن مبلغ را (منهای ۰/۵ درصد تخفیف) پرداخت کرد.

۱۶۱۹ - فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فرودین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۷۹۵] حاکی از آن است که، در آن ماه‌ها، قلم ز-۱۸۷ در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل خارک بوده است.

۱۶۲۰ - یک «گزارش وضعیت مواد مشتری» آموکو اینترنشنال موجود در مدارک، مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] حاکی از آن است که قلم ز-۱۸۷ در ۲۸ مهر ۱۳۵۹ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۰] «به طور کامل»، به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال شده بوده است. در این سیاق، دیوان متذکر می‌گردد که یکی از کپی‌های سفارش

---

[۷۹۵] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۳۳ موجود در مدارک، تسلیم‌شده توسط ایالات متحده، مشتمل بر چیزی است که به نظر می‌رسد دست نوشته‌ای مربوط به آن زمان باشد، با این متن: «به حساب مازاد ایران پان آمریکن ۱۰/۲۰/۸۰ [۵۹/۷/۲۸]».

۱۶۲۱ - ایالات متحده برای اثبات این‌که قلم ز-۱۸۷ به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده است، از جمله، یک فرم بی‌تاریخ آموکو دریلینگ در خصوص «انتقال مواد-تکمیلی» را تسلیم کرده است، که سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۳۳ و قلم ز-۱۸۷ را ثبت کرده و مشتمل است بر « Reference: "IP(H)0022(81); IP(H)0023(81); IP(H)0024(81)[;] IP(H)0025(81)». ایالات متحده توضیح نداده است که این مدرک چه ربطی با «حساب مازاد ایران پان آمریکن» دارد.

۱۶۲۲ - خارک با نامهٔ ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ [۱۴ مارس ۱۹۸۳] به کریت اطلاع داد که «مبلغ پرداخت نشده»ای به مبلغ ۷،۴۳۵/۲۹ دلار آمریکا به حساب کریت در دفاتر خارک مربوط به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۳۳ یافته است و درخواست کرد که کریت یا قلم ز-۱۸۷ را تحویل دهد یا مبلغ ۷،۴۳۵/۲۹ دلار آمریکا را به خارک مسترد کند.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۶۲۳ - ایالات متحده در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، در خصوص ادعای ز-۱۸۷ متذکر شد: «مدارک ارائه‌شده توسط ایران نشان می‌دهد که اموال در مرداد ۱۳۵۸ [اوت ۱۹۷۹] به کارگزار ایران حمل شده‌اند. کریت از آن‌جا که کالاها به کریت مسترد نشده‌اند، حمل آن‌ها به ایران را فرض می‌گیرد».

۱۶۲۴ - ایران در گزارش تکمیلی ۲۶ تیر ۱۳۶۴ [۱۷ ژوئیه ۱۹۸۵] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران تکرار کرد که قلم ز-۱۸۷ به خارک تحویل داده نشده بوده است.

۱۶۲۵ - ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد: «شرکت آمریکایی کابل را به آموکو فروخته است؛ در سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] از طریق وورلد [ترید] به خارک حمل شد. آموکو در ۲۸ مهر ۱۳۵۹ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل کرد. ایالات متحده با گزارش خود، از جمله، کپی سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۳۳ را تسلیم کرد که حاوی این دست نوشته است: «به حساب مازاد ایران پان آمریکن ۱۰/۲۰/۸۰ [۵۹/۷/۲۸]».[۷۹۶]

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۶۲۶ - ایران ادعا می‌کند که قلم ز-۱۸۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در انبار در هیوستون نزد کارگزار حمل و نقل خارک بوده است. بر این اساس، ایران ادامه می‌دهد، از آن‌جا که قلم ز-۱۸۷ در آن تاریخ در مالکیت خارک و همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده، مشمول محدودهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشد.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۶۲۷ - ایالات متحده بر این موضع است که هیچ مسؤولیتی بابت این ادعا ندارد زیرا آموکو اینترنشنال در ۲۸ مهر ۱۳۵۹ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۰] قلم ز-۱۸۷ را به حساب ضایعات ایران پان آمریکن ارسال کرد. ایالات متحده مدعی است که در نتیجه، در آن زمان، خارک مالکیت آن قلم را از دست داده است. بر این اساس، ایالات متحده نتیجه

---

[۷۹۶] *بنگرید به* بند ۱۶۲۰، بالا.

می‌گیرد که از آن‌جا که قلم ز-۱۸۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت ایران نبوده، مشمول محدودهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ نمی‌باشد.

*تصمیم دیوان*

**۱۶۲۸ -** ادله دیوان را قانع کرده است که قلم ز-۱۸۷ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون تحویل داده شده است و بدین ترتیب، حق مالکیت آن قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.

**۱۶۲۹ -** بدین ترتیب، مسئله این می‌شود که آیا قلم ز-۱۸۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است یا خیر.

**۱۶۳۰ -** دیوان به واسطهٔ ادلهٔ ارائه شده قانع شده است که آموکو اینترنشنال در مهر ۱۳۵۹ [اکتبر ۱۹۸۰] قلم ز-۱۸۷ را به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال کرده است.[۷۹۷] این ادله که مورد اعتراض ایران واقع نشده، توسط گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] ایالات متحده به دیوان در خصوص اموال عینی ایران و پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] آن دولت به لایحه و ادله ایران ارائه شده است.[۷۹۸] دیوان، با سنجش ادله طرفین، حکم می‌کند که ایالات متحده این ادعا را به اندازهٔ کافی وارسی کرده و در لوایح خود به دیوان مراتب را به ایران اطلاع داده است.

**۱۶۳۱ -** در حالی که این اعلام که قلم ز-۱۸۷ در مهر ۱۳۵۹ [اکتبر ۱۹۸۰] به حساب مازاد ارسال شده بود لزوماً متضمن این معنا نیست که آن قلم قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به لحاظ فیزیکی نابود شده، دیوان بر

---

[۷۹۷] *بنگرید به* بند ۱۶۲۰، بالا.

[۷۹۸] *بنگرید به* همانجا.

این نظر است که نامعقول نبوده است که ایالات متحده چنین فرض کرده باشد که آن قلم در آن تاریخ دیگر وجود نداشته است.

**۱۶۳۲ -** ایران نه توانسته با ادله‌ای قابل‌اتکاء اثبات نماید که قلم ز-۱۸۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده، نه نشان داده است که دستورالعمل‌های کافی را به آموکو اینترنشنال به منظور عملی‌کردن انتقال قلم ز-۱۸۷ به ایران داده است.

**۱۶۳۳ -** در پرتو تمام مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که، حتی بر فرضی که قلم ز-۱۸۷ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده باشد، هر آن‌چه به نحو معقول از ایالات متحده انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ بابت برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال قلم ز-۱۸۷ به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۷۹۹]

**۱۶۳۴ -** بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۸۷ را رد می‌کند.

*(بیست و دو) ادعای ز-۱۸۸ (خارک/الکترو وایر اینک.)*

*مقدمه*

**۱۶۳۵ -** ایران در ادعای ز-۱۸۸ خواهان حداکثر مبلغ ۱،۹۷۵ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال ۵،۰۰۰ فوت کابل خریداری شده از الکتروو وایر، اینک. («الکترو وایر») است.

*پیشینهٔ موضوعی*

---

[۷۹۹] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

**۱۶۳۶ -** آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از خارک، در دوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹] ۵،۰۰۰ فوت کابل کنترل مسی را به الکترو وایر («قلم ز-۱۸۸») ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۹۰۰۳۳ به مبلغ ۱،۹۷۵ دلار آمریکا سفارش داد. الکترو وایر در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] صورت‌حساب شماره ۲۲۵۸ را برای خارک به مبلغ ۱،۹۷۵ دلار آمریکا بابت قلم ز-۱۸۸ صادر کرد، که خارک در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ [۱۹ اوت ۱۹۷۹] آن مبلغ را (منهای ۱ درصد تخفیف) پرداخت نمود.

**۱۶۳۷ -** وفق صورت‌حساب الکترو وایر به شمارهٔ ۲۲۵۸، قلم ز-۱۸۸ در ۲۹ تیر ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹] به شرکت بسته‌بندی در هیوستون حمل شد. فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰][۸۰۰] حاکی از آن است که، در آن ماه‌ها، قلم ز-۱۸۸ همچنان در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل خارک بوده است.

**۱۶۳۸ -** «گزارش وضعیت مواد مشتری» مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال که در بالا در ارتباط با ادعای ز-۱۸۷ مورد بحث قرار گرفت،[۸۰۱] اعلام می‌کند که قلم ز-۱۸۸ با «سفارش کامل» نیز در ۲۸ مهر ۱۳۵۹ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال شده بوده است.

**۱۶۳۹ -** خارک با نامهٔ ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ [۱۴ مارس ۱۹۸۳] به الکترو وایر اطلاع داد که «مبلغ پرداخت نشده»ای به مبلغ ۱،۹۵۵/۲۵ دلار آمریکا[۸۰۲] به حساب الکترو وایر در دفاتر خارک مربوط به سفارش خرید شمارهٔ «کی‌سی-

---

[۸۰۰] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

[۸۰۱] *بنگرید به* بند ۱۶۲۰، بالا.

[۸۰۲] این مبلغی است که خارک در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ [۱۹ اوت ۱۹۷۹] به الکترو وایر پرداخت که با مبلغ صورت‌حساب شماره ۲۲۵۸ منهای یک درصد تخفیف همخوانی دارد. *بنگرید به* بند ۱۶۳۶، بالا.

۷۹ ۰۰۳۳» یافته است و درخواست کرد که الکترو وایر یا قلم ز-۱۸۸ را تحویل دهد یا مبلغ ۱،۹۵۵/۲۵ را به خارک مسترد کند. هیچ شاهدی وجود ندارد که خارک پاسخی دریافت کرده باشد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۶۴۰ - ایران ادعا می‌کند که قلم ز-۱۸۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است. بر این اساس، ایران ادامه می‌دهد، از آن‌جا که قلم ز-۱۸۸ در آن تاریخ در مالکیت خارک و در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده، مشمول محدودهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشد.

۱۶۴۱ - ایالات متحده بر این موضع است که هیچ مسؤولیتی بابت این ادعا ندارد زیرا آموکو اینترنشنال در ۲۸ مهر ۱۳۵۹ [۲۰ اکتبر ۱۹۸۰] قلم ز-۱۸۸ را به حساب ضایعات ایران پان آمریکن ارسال کرده است. ایالات متحده مدعی است که در نتیجه در آن زمان، خارک مالک آن قلم نبوده است. بر این اساس، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که، از آن‌جا که قلم ز-۱۸۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت ایران نبوده، مشمول محدودهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ نمی‌باشد.

*تصمیم دیوان*

۱۶۴۲ - ادله دیوان را قانع کرده است که قلم ز-۱۸۸ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون تحویل داده شده است و بدین ترتیب، حق مالکیت آن قبل از آن تاریخ به خارک منتقل شده بوده است.

۱۶۴۳ - مسئلهٔ پیش روی دیوان این است که آیا قلم ز-۱۸۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است یا خیر.

۱۶۴۴ - دیوان به واسطهٔ ادلهٔ ارائه‌شده قانع شده است که آموکواینترنشنال در مهر ۱۳۵۹ [اکتبر ۱۹۸۰] قلم ز-۱۸۸ را به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال کرده است.[۸۰۳] این ادله، که مورد اعتراض ایران واقع نشده، توسط ایالات متحده همراه با پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] این دولت به لایحه و ادله ایران ارائه شده است.

۱۶۴۵ - در حالی که این اعلام که قلم ز-۱۸۸ در مهر ۱۳۵۹ [اکتبر ۱۹۸۰] به حساب مازاد ارسال شده بوده، لزوماً متضمن این معنا نیست که آن قلم قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به طور فیزیکی نابود شده باشد، دیوان بر این نظر است که کاملاً ممکن است که آن قلم در آن تاریخ دیگر موجود نبوده باشد. ایران نتوانسته با مدارک قابل‌اتکاء اثبات نماید که قلم ز-۱۸۸ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است.

۱۶۴۶ - دیوان در نبود ادلهٔ معارض، و وفق سابقهٔ موجود، نمی‌تواند فرض بگیرد که قلم ز-۱۸۸ در تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است.

۱۶۴۷ - بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ز-۱۸۸ را رد می‌کند.

*(بیست و سه) ادعای ز-۱۸۹ (خارک/پاورز ایندااستریز، اینک.)*

*مقدمه*

۱۶۴۸ - ایران در ادعای ز-۱۸۹ خواهان ۵،۳۲۰ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال دو واحد «ساختمان کابین قابل‌حمل بیرونی» خریداری‌شده از پاورز ایندااستریز، اینک. («پاورز ایندااستریز») است.

---

[۸۰۳] *بنگرید به* بند ۱۶۳۸، بالا.

**۱۶۴۹ -** آموکو اینترنشنال، به نمایندگی از خارک، در چهارم مهر ۱۳۵۷ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۸] چندین ماده را ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ به پاورز اینداستریز از جمله، به عنوان قلم‌های ۱۳ و ۱۴، به ترتیب، سه و دو واحد «ساختمان کابین قابل‌حمل بیرونی» مونتاژ شده، به ترتیب، به مبلغ ۵،۷۲۲/۹۰ دلار آمریکا و ۵،۳۲۰ دلار آمریکا، سفارش داد. ادعای ز-۱۸۹ در خصوص دو واحد «ساختمان کابین قابل‌حمل بیرونی» فهرست‌شده به عنوان قلم ۱۴ می‌باشد.

**۱۶۵۰ -** پاورز اینداستریز در ششم آذر ۱۳۵۷ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۸] با صورت‌حساب شمارهٔ ۲۸۱۰۴، برای خارک به مبلغ ۵،۷۲۲/۹۰ دلار آمریکا و ۵،۳۲۰ دلار آمریکا، به ترتیب، بابت اقلام ۱۳ و ۱۴ صورت‌حساب صادر کرد،[۸۰۴] که خارک آن مبالغ را با چک مورخ ۱۳ خرداد ۱۳۵۸ [سوم ژوئن ۱۹۷۹] پرداخت نمود.[۸۰۵]

**۱۶۵۱ -** آموکو اینترنشنال با تلکس ۲۱ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹]، از جمله، به خارک اطلاع داد که، قلم ۱۳ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ به عرشهٔ *اِس.اِس.فیکس*، با تخمین رسیدن در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] به جزیرهٔ خارک، حمل شده بوده است. در این ارتباط، دیوان متذکر کپی «بارنامهٔ با قید قیود و شروط شرکت کشتی‌رانی» ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹] وورلد ترید، موجود در مدارک، می‌شود که، از جمله، حاکی از آن است که، «۳ جعبه — سازه‌های قابل حمل» ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس*، به مقصد جزیرهٔ خارک حمل شده بوده است.

---

[۸۰۴] پاورز اینداستیریز صورت‌حساب جداگانه‌ای برای خارک صادر کرد شامل تمام اقلام دیگر تحت پوشش سفارش خرید شماره کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲.

[۸۰۵] چک خارک به مبلغ ۱۱،۵۷۵/۹۰ بود، مبلغی که عبارت بود از جمع قیمت قلم‌های ۱۳ و ۱۴ - یعنی ۱۱،۰۴۲/۹۰ دلار آمریکا - به علاوه هزینه‌های حمل مجموعاً به مبلغ ۵۳۳ دلار آمریکا.

**۱۶۵۲ -** شرکت بسته‌بندی در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] یک یادداشت رسید مواد را به آموکو اینترنشنال ارسال کرد و به شرح زیر اظهار داشت:

> خواهشمند است ... سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۱-۰۲۱۲ ۷۸ را اصلاح و قلم ۱۴ را بدین جهت که مواد باید به فروشنده مسترد شود، حذف کنید. قلم ۱۳ با تخمین رسیدن ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ [۲۰ اوت ۱۹۷۹] به عرشهٔ اس‌اس «فیکس» حمل شد.

**۱۶۵۳ -** خارک با نامهٔ ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ [۱۴ مارس ۱۹۸۳] به پاورز ایندااستریز اطلاع داد که «مبلغ پرداخت نشده»ای به مبلغ ۱۱،۵۷۵/۹۰ دلار آمریکا به حساب پاورز ایندااستریز در دفاتر خارک مربوط به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ یافته است و درخواست کرد که پاورز ایندااستریز یا مواد را تهیه کند یا مبلغ ۱۱،۵۷۵/۹۰ را به خارک مسترد نماید. هیچ ادله‌ای وجود ندارد که خارک پاسخی دریافت کرده باشد.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

**۱۶۵۴ -** ایران برای نخستین بار در پاسخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] خود به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده مدعی ادعای ز-۱۸۹ شد. در آن دادخواهی، ایران ارزش اقلام مورد اختلاف را ۱۱،۵۷۵/۹۰ دلار آمریکا دانست، که نشان می‌دهد که ایران ابتدائاً مدعی هر دو قلم ۱۳ و ۱۴ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ بوده است.[۸۰۶]

**۱۶۵۵ -** ایالات متحده در گزارش ۱۴ تیر ۱۳۶۹ [پنجم ژوئیه ۱۹۹۰] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران، از جمله، اعلام کرد: «سوابق آموکو نشان می‌دهد که اکثر اقلام از طریق اِم/وی کُنکُردیا تاج، با تخمین

---

[۸۰۶] *بنگرید به* پانوشت ۸۰۵، بالا.

رسیدن در ۲۱ دی ۱۳۵۷ [۱۱ ژانویه ۱۹۷۹] به خارک حمل شده و باقیمانده با تخمین رسیدن در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] از طریق اس/اس فیکس حمل شده است».

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۶۵۶ - در پرتو ادله، ایران می‌پذیرد که قلم ۱۳ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ به خارک در ایران، در عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس*، با تخمین رسیدن در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] حمل شده است. به علاوه، ایران می‌پذیرد که قلم ۱۴ از سفارش مذکور حذف شد، و در زمانی پس از هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ یادداشت دریافت مواد شرکت بسته‌بندی به آموکو اینترنشنال، به فروشنده مسترد گردیده است.[۸۰۷] ایران مدعی است که با این حال هیچ ادله‌ای وجود ندارد که خارک مبلغی بابت لغو سفارش مذکور دریافت کرده باشد، که باید توسط آموکو اینترنشنال مورد توضیح قرار می‌گرفت. بنابراین، ایران مدعی ارزش قلم مذکور است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۶۵۷ - ایالات متحده در خصوص وقایع این ادعا با ایران موافقت دارد. با این حال، ایالات متحده استدلال می‌کند که از آن‌جا که خارک، یا آموکو اینترنشنال به نمایندگی از خارک، قلم ۱۴ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ را در هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹] لغو کرده است، خارک در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بر آن قلم مالکیت نداشته است. بر این اساس، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که قلم ۱۴ مشمول محدودهٔ بند ۹ نمی‌باشد.

---

[۸۰۷] *بنگرید به* بند ۱۶۵۲، بالا.

**۱۶۵۸ -** ایران در لوایح نهایی خود روشن می‌کند که ادعای ز-۱۸۹ صرفاً مربوط به قلم ۱۴ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۰۱-۷۸۰۲۱۲ است.[۸۰۸] اختلافی وجود ندارد که قلم ۱۴ در نیمه دوم ۱۳۵۷ [اواخر ۱۹۷۸] یا در سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون تحویل داده شده است. در نتیجه، دیوان مقرر می‌دارد که حق مالکیت قلم ۱۴ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده است.

**۱۶۵۹ -** هیچ چیز در سوابق نشان‌دهندهٔ مکان و سرنوشت قلم ۱۴ پس از هشتم مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ یادداشت دریافت مواد شرکت بسته‌بندی به آموکو اینترنشنال نمی‌باشد.[۸۰۹] این که قلم ۱۴ در زمانی پس از آن تاریخ به فروشنده مسترد شده، لزوماً متضمن این معنا نیست که آن قلم در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است، و دیوان، در نبود هرگونه ادله‌ای در این خصوص، نمی‌تواند فرض کند که بوده است.

**۱۶۶۰ -** بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد، در محدوده‌ای که ایران بابت ارزش قلم ۱۴ ذیل بند ۹ مدعی است، اثبات نشده است که قلم ۱۴ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده، و بدین ترتیب، مشمول معنای «اموال ایران» ذیل بند ۹ بوده است. بنابراین، ادعای ایران بابت ارزش آن قلم رد می‌شود.

---

[۸۰۸] *بنگرید به* بند ۱۶۵۶، بالا.

[۸۰۹] *بنگرید به* بند ۱۶۵۲، بالا.

۱۶۶۱ - همچنین هرگونه ادعا در محدوده‌ای که ایران، ذیل بند ۹، بند ۸، یا اصلی کلّی الف، بابت استرداد ۵،۳۲۰ دلار آمریکا که خارک در سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] به پاورز ایندااستریز پرداخته بوده،[۸۱۰] باید به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی گفته شد، رد شود.[۸۱۱]

*(بیست و چهار) ادعای ز-۱۹۰ (خارک/آمریکن سوسایتی آو مکانیکال انجنیرز)*

*مقدمه*

۱۶۶۲ - ایران در ادعای ز-۱۹۰ خواهان ۶۲ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال «دفترچه‌های راهنما» خریداری‌شده از آمریکن سوسایتی آو مکانیکال انجنیرز («انجمن مهندسین») است.

۱۶۶۳ - ادعای ز-۱۹۰ در برنامهٔ زمانی جلسات استماع در مرحلهٔ دوم رسیدگی‌ها در این پرونده‌ها گنجانده نشده بود و به گروه ادعاهایی تعلق داشت که باید «توسط دیوان بر اساس مدارکی که در اختیار دارد تصمیم‌گیری [شود]».[۸۱۲]

*پیشینه موضوعی*

۱۶۶۴ - سابقه مشتمل بر کپی صورت‌حسابی عمدتاً ناخوانا صادرشده توسط انجمن مهندسین مکانیک، زمانی در ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] برای خارک به مبلغ ۶۲ دلار آمریکا بابت شماری از اقلام می‌باشد.

۱۶۶۵ - سابقه به علاوه مشتمل است بر کپی نامه‌ای مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۱۵ مه ۱۹۸۳] که به واسطهٔ آن، خارک به انجمن مهندسین اطلاع داد که «مبلغ پرداخت‌نشده»ای به مبلغ ۶۲ دلار آمریکا به حساب انجمن مهندسین

---

[۸۱۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۵۰ و ۱۶۵۶، بالا.

[۸۱۱] *بنگرید به* بندهای ۹۹، ۲۲۳-۲۳۲، ۲۴۷، ۸۲۸، ۱۲۱۰، بالا.

[۸۱۲] *بنگرید به* بند ۵۰، بالا.

در دفاتر خارک در ارتباط با سفارش خرید شمارهٔ «کی‌سی-۰۱-۷۸۴۱۱» مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] یافته است و درخواست کرد که انجمن مهندسین یا مواد مذکور را تهیه کند یا مبلغ ۶۲ دلار آمریکا را به خارک مسترد کند.

۱۶۶۶ - ایران هیچ مدارک دیگری در تأیید ادعای ز-۱۹۰ ارائه نکرده است.

*گزارش‌های طرفین به دیوان در خصوص اموال عینی ایران*

۱۶۶۷ - ایران در پاسخ نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] خود به لایحهٔ دفاعی ایالات متحده برای نخستین بار مدعی ادعای ز-۱۸۹ شد. در آن دادخواهی، ایران انجمن مهندسین را به عنوان نگه‌دارندهٔ اقلام مورد اختلاف که آن‌ها را تحت عنوان «مواد» به ارزش ۶۲ دلار آمریکا توصیف کرد، شناسایی نمود. ایران در پاسخ هفتم بهمن ۱۳۶۲ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۴] خود به درخواست ایالات متحده بر اطلاعات بیشتر در خصوص اموال عینی ایران روشن کرد که مواد مربوطه «دفترچه‌های راهنما» بوده‌اند. ایران در گزارش ۲۶ آذر ۱۳۶۳ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۴] خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران اعلام کرد که صورت‌حساب انجمن مهندسین به خارک[۸۱۳] مورخ ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] و حاوی شمارهٔ «۹۱۰۹۰۱۳۹» بود.

۱۶۶۸ - ایران هیچ‌گونه اطلاعات دیگری دربارهٔ ادعای ز-۱۹۰ در هیچ‌کدام از گزارش‌های خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ارائه نکرد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

[۸۱۳] *بنگرید به* بند ۱۶۶۴، بالا.

۱۶۶۹ - ایران به جز اظهاراتی که در گزارش‌های خود به دیوان در خصوص اموال عینی ایران ارائه کرد، هیچ دادخواهی‌ای راجع به ادعای ز-۱۹۰، چه در لوایح کتبی خود چه در جلسات استماع، تسلیم نکرده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۶۷۰ - ایالات متحده مدعی است، از آن‌جا که ایران هیچ‌گاه هیچ دادخواهی‌ای در خصوص ادعای ز-۱۹۰ متعاقب دستور نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲] دیوان تسلیم نکرده،[۸۱۴] در باقی نگه داشتن این ادعا قصور کرده است، که بنابراین، این ادعا باید رد شود.

*تصمیم دیوان*

۱۶۷۱ - ایران در تأیید ادعای ز-۱۹۰، هیچ استدلال و تقریباً هیچ ادله و مدارکی تسلیم نکرده است. در نتیجه، دیوان ادعای ز-۱۹۰ را به دلیل نامستند بودن رد می‌کند.

*(بیست و پنج) ادعای ۱۹۹۶-الف (خارک/کوپر انرژی سرویسز)*

*مقدمه*

۱۶۷۲ - ایران در ادعای ۱۹۹۶-الف خواهان حداکثر مبلغ ۷،۱۹۲/۶۸ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی اقلام خریداری‌شده از کوپر انرژی سرویسز («کوپر») به ایران است.

[۸۱۴] *بنگرید به* بند ۳۹ و پانوشت ۶۷۶، بالا.

۱۶۷۳- به طور مشخص‌تر، ایران در این ادعا مدعی عدم دریافت دو واحد قطعات یدکی موتور سفارش‌داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ و یک قلم، متشکل از شش شیر کمپرسور، سفارش داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۴۱ (مجموعاً، «اقلام ۱۹۹۶-الف») است.

*پیشینه موضوعی*

۱۶۷۴- کوپر در هفتم آذر ۱۳۵۷ [۲۸ نوامبر ۱۹۷۸] صورت‌حساب شمارهٔ ۱۱۳۳۴۲۶ را برای خارک به مبلغ ۴،۶۲۲/۴۰ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۴۱ بابت شش عدد شیر کمپرسور، که در صورت‌حساب کوپر تحت عنوان قلم «۱۷» فهرست شده است («قلم ۱۷») صادر کرد.

۱۶۷۵- کوپر در نهم فروردین ۱۳۵۸ [۲۹ مارس ۱۹۷۹] با صورت‌حساب شمارهٔ ۰۸۳۲۸۵۱ برای خارک به مبلغ ۲،۵۷۰/۲۸ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ بابت سه واحد قطعهٔ یدکی موتور («اقلام کی‌سی-۷۸۰۲۲۷») صورت‌حساب صادر کرد. خارک در سوم آبان ۱۳۵۸ [۲۵ اکتبر ۱۹۷۹] آن مبلغ را به کوپر پرداخت نمود.

۱۶۷۶- یک «فهرست دریافت مواد» شرکت بسته‌بندی موجود در مدارک حاکی از آن است که دو قلم از اقلام کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ در ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ [۲۲ اوت ۱۹۷۹] توسط کارگزار حمل و نقل در هیوستون دریافت شده است. به علاوه، «گزارش وضعیت مواد مشتری» مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال حاکی از آن است که: (یک) یکی از سه واحد از اقلام کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ بر عرشهٔ کشتی *اِس.اِس. کنکورد یا تاج*، با تخمین رسیدن به ایران در ۲۱ دی ۱۳۵۷ [۱۱ ژانویه ۱۹۷۹]، حمل شده بوده است؛ و (دو) دو واحد باقی‌مانده از اقلام کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ «نزد متصدی بسته‌بندی (حمل دریایی) در هیوستون در ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ [۲۲ اوت ۱۹۷۹]، قلم ۱ (دو واحد) برای تکمیل سفارش» جایابی شده است.

۱۶۷۷ - «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال به علاوه حاکی از آن است که، در حالی که تعدادی از مواد سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۴۱ از طریق چندین حمل بر عرشهٔ کشتی‌های *اِس.اِس. کنکوردیا تاج* و *اِس.اِس. فیکس*، با تخمین رسیدن به ایران بین هشتم مهر ۱۳۵۷ و ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۳۰ سپتامبر ۱۹۷۸ و ۱۰ اوت ۱۹۷۹] ارسال شده بوده، قلم ۱۷ به خارک حمل نشده بوده است. در عوض، «گزارش وضعیت مواد مشتری» در خصوص قلم ۱۷ متذکر این امر شد: «نزد [متصدی بسته‌بندی] (حمل دریایی) [هیوستون] در ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ [هفتم ژوئن ۱۹۷۹] قلم ۱۷ برای تکمیل سفارش». دیوان ملاحظه می‌کند که «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال توسط ایالات متحده با پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران ارائه شد.

۱۶۷۸ - وفق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۸ و فروردین ۱۳۵۹ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۸۱۵] در این ماه‌ها، اقلام سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ و کی‌سی-۷۸۰۱۴۱ در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل، وورلد ترید، بوده است.

*اظهارات طرفین*

*اعتراضات شکلی مشترک در تمام ادعاهای ایران در خصوص خارک*

مقدمه

۱۶۷۹ - ایران برای نخستین بار در لایحه و ادله ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] خود مدعی ادعاهای ۱۹۹۶-الف، ۱۹۹۶-ب، ۱۹۹۶-ج، ۱۹۹۶-د، و ۱۹۹۶-ث/ج («ادعاهای ۱۹۹۶») شد و در جلسات استماع بیشتر به آن ادعاها پرداخت.

[۸۱۵] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

اظهارات ایالات متحده

۱۶۸۰ - ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعاهای ۱۹۹۶ نشان‌دهندهٔ ادعاهای جدیدی هستند که به واسطهٔ قواعد دیوان و آموزهٔ مرور زمان مسقط حق منع شده‌اند، زیرا ایران برای نخستین بار، حدود ۱۵ سال پس از اجرای بیانیه‌های الجزایر، ایالات متحده را از این ادعاها آگاه نموده است. مطابق اظهارات ایالات متحده، ایران به طرز نامعقولی در ارائهٔ ادعاهای ۱۹۹۶ تأخیر کرده است؛ در نتیجه، ایالات متحده دچار صدمات اساسی شده است زیرا با توجه به گذشت زمان، ادلهٔ لازم برای دفاع کامل علیه آن ادعاها برای آن دولت دست‌نیافتنی شده‌اند. بدین ترتیب، ایالات متحده مدعی است، ادعاهای ۱۹۹۶ ایران باید ذیل مادهٔ ۲۰ قواعد دیوان و آموزهٔ حقوق بین‌المللی مرور زمان مسقط حق رد شود.

اظهارات ایران

۱۶۸۱ - ایران، به نوبهٔ خود، مدعی است، از آن‌جا که تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ تعهدی مستمر است، هیچ محدودیت زمانی‌ای برای تسلیم ادعا بابت نقض آن مقرره وجود ندارد. ایران به علاوه استدلال می‌کند که ایالات متحده به خاطر زمان‌بندی تسلیم ادعاهای ۱۹۹۶ متضرر واقع نشده است. در این ارتباط، ایران به طور خاص ادعا می‌کند که: (یک) ایالات متحده توانسته است اطلاعات دقیقی در رابطه با ادعاهای ۱۹۹۶-الف و ۱۹۹۶-د ارائه کند؛ و (دو) ایالات متحده نتوانسته است ادله‌ای بر صدمه در ارتباط با سایر ادعاهای ۱۹۹۶ ارائه کند.

*ماهیت ادعای ۱۹۹۶-الف*

اظهارات ایران

۱۶۸۲ - ایران بر اساس «گزارش وضعیت مواد مشتری»[۸۱۶] ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال مدعی است که، همان‌طور که ایالات متحده موافقت دارد، اثبات شده است که (یک) دو واحد از اقلام کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ و (دو) قلم ۱۷ در ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] در اماکن کارگزار حمل و نقل در هیوستون بوده است. به علاوه، ایران ضمن اشاره به ناتوانی ایالات متحده در مستند کردن وضعیت متعاقب آن اقلام، استدلال می‌کند که می‌توان فرض نمود که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

اظهارات ایالات متحده

۱۶۸۳ - ایالات متحده مدعی است که نمی‌توانسته وضعیت اقلام سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۲۲۷ و کی‌سی-۷۸۰۱۴۱ که در انبار کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون بوده، را پس از فهرست اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰]، مستند کند.[۸۱۷] با این حال، وفق اظهارات ایالات متحده، با توجه به این که آموکو اینترنشنال بسیاری از مواد نگه‌داری شده در اماکن کارگزار حمل و نقل در پاییز ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] را یا بازفروش کرده یا به ضایعات فرستاده، محتمل است که اقلام ۱۹۹۶-الف هم در آن زمان به ضایعات فرستاده شده باشند.

*تصمیم دیوان*

*اعتراضات شکلی مشترک میان تمام ادعاهای ۱۹۹۶ ایران در خصوص خارک*

۱۶۸۴ - به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، برای تصمیم‌گیری در مورد اعتراضات شکلی کنونی، نامربوط است که، ذیل بند ۱۷ بیانیه عمومی، هیچ محدودیت زمانی‌ای برای تسلیم اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای مقررات بیانیه

---

[۸۱۶] *بنگرید به* بندهای ۱۶۷۶-۱۶۷۷، بالا.

[۸۱۷] *بنگرید به* بند ۱۶۷۸، بالا.

عمومی وجود ندارد.[۸۱۸] در عوض، مسئلهٔ مربوط این است که آیا، در اوضاع و احوال مربوطه، ادعاهای ۱۹۹۶ ایران ذیل قواعد دیوان قابل استماع است یا خیر.

**۱۶۸۵ -** در اعمال اصولی که پیش‌تر در این حکم جزئی مقرر شد،[۸۱۹] دیوان پس از تحلیل امر، حکم می‌کند که، گرچه ادعاهای ۱۹۹۶ ایران برای نخستین بار در لایحه و ادله ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] مورد ادعا واقع شده‌اند، امّا اختلال و تأخیری در فرآیندهای داوری به وجود نیاورده‌اند. به علاوه، ایالات متحده فرصت پاسخ دادن داشته، و در واقع به مسائل حکمی و موضوعی طرح‌شده در این ادعاها، هم در لوایح کتبی خود (به ویژه، در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران، و در لایحه و ادله معارض ۲۷ دی ۱۳۸۹ [۱۷ ژانویه ۲۰۱۱] خود) و هم در جلسات استماع پاسخ داده است. بدین ترتیب، ایالات متحده چنان‌که در مادهٔ ۱۵ قواعد دیوان لازم دانسته شده، فرصت کامل برای ارائهٔ پروندهٔ خود داشته است. در این اوضاع و احوال، استماع ادعاهای ۱۹۹۶ ایران تبعیضی علیه ایالات متحده محسوب نمی‌شود. بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که ادعاهای ۱۹۹۶ ایران ذیل مادهٔ ۲۰ قواعد دیوان قابل استماع است. در پرتو این نتیجه‌گیری، استدلال ایالات متحده مبتنی بر مرور زمان مسقط حق ضرورتاً رد می‌شود.

*ماهیت ادعای ۱۹۹۶-الف*

---

[۸۱۸] بند ۱۷ بیانیه عمومی مقرر می‌دارد: «چنانچه اختلافات دیگری دربارهٔ تفسیر یا نحوهٔ اجرای هر یک از مقررات این بیانیه بین طرفین بروز نماید، هر یک از طرفین می‌تواند اختلاف را به هیئت داوری که بر اساس بیانیهٔ حل و فصل ادعاها و مطابق شرایط مقرر در آن تشکیل گردیده است و رأی آن لازم‌الاجرا خواهد بود، ارجاع نماید». بیانیه عمومی، بند ۱۷، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۸ بند ۴، ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی، به نوبهٔ خود، مقرر می‌دارد که ضرب‌الأجل ۲۹ دی ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] برای تسلیم ادعاها نزد دیوان «شامل ترتیبات مذکور در بندهای ۱۶ و ۱۷» بیانیه عمومی «نمی‌گردد». بیانیه حل و فصل دعاوی، بند ۴، ماده سه، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۰.

[۸۱۹] *بنگرید به* بند ۲۲۱، بالا.

۱۶۸۶ - ادله دیوان را قانع کرده است که اقلام ۱۹۹۶-الف در تابستان ۱۳۵۸ [۱۹۷۹][۸۲۰] به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون تحویل داده شده است و بدین ترتیب، حق مالکیت آن‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است. دیوان، در پرتو یافتهٔ خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آن اقلام در زمان انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر.

۱۶۸۷ - همان‌طور که ذکر شد، ایران در ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶]، یعنی زمانی مدعی ادعای ۱۹۹۶-الف شد که لایحه و ادله معارض خود را تسلیم کرد.[۸۲۱] بدین ترتیب، ایالات متحده تقریباً ۱۵ سال پس از تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر و بیش از ۱۷ سال پس از تحویل آن اقلام به کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون برای نخستین بار از این ادعا آگاه شد.[۸۲۲] با توجه به تأخیر قابل‌توجه ایران در اطلاع رسانی به ایالات متحده در خصوص ادعای ۱۹۹۶-الف، معقول است که برای ایالات متحده به نحو قابل ملاحظه‌ای سخت‌تر شده بود که به منظور دفاع علیه این ادعا به یافتن و جمع‌آوری ادله و مدارک بپردازد. تا زمانی که ایالات متحده از ادعای ۱۹۹۶-الف آگاه شد، کاملاً ممکن است که اقلام ۱۹۹۶-الف توسط آموکو اینترنشنال یا کارگزاران حمل و نقل مربوطه مفقود، یا به ضایعات فرستاده شده، یا به نحو دیگری از آن‌ها خلاصی صورت گرفته باشد؛ کاملاً ممکن است که آن نهادها سوابق مربوطه را نابود یا جابه‌جا کرده باشند؛ و کاملاً ممکن است که حافظهٔ اشخاص درگیر در وقایع مربوطه از بین رفته باشد.

۱۶۸۸ - ایالات متحده، تا حد امکان، به بررسی ادعای ۱۹۹۶-الف پرداخت و توانست، در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران، «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر

---

[۸۲۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۷۶-۱۶۷۷، بالا.

[۸۲۱] *بنگرید به* بند ۱۶۷۹، بالا.

[۸۲۲] *بنگرید به* بند ۱۶۸۶، بالا.

۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال را فراهم آورد که حاکی از آن بود که، در آن تاریخ، اقلام ۱۹۹۶-الف در اماکن شرکت بسته‌بندی در هیوستون قرار داشته است.[۸۲۳] ایالات متحده همچنین فهرست اسفند ۱۳۵۸ [مارس ۱۹۸۰] را فراهم آورد.[۸۲۴] این مدارک نشان‌دهندهٔ ادله و مدارکی است که ایالات متحده خواستار آن‌ها بود و بنابر درخواست خود، آن‌ها را، احتمالاً از آموکو اینترنشنال، حاصل کرد. ایالات متحده در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود اعلام کرد که از مستند کردن وضعیت بیش‌تر اقلام ۱۹۹۶-الف ناتوان بوده است.[۸۲۵]

**۱۶۸۹** - در پرتو مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده به اندازهٔ کافی ادعای ۱۹۹۶-الف را وارسی کرده و هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ به منظور تضمین انتقال اقلام ۱۹۹۶-الف به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۸۲۶]

**۱۶۹۰** - بنابرآن‌چه گذشت، دیوان ادعای ۱۹۹۶-الف را رد می‌کند.

*(بیست و شش) ادعای ۱۹۹۶-ب (خارک/دالاس اینسترومنتس، اینک.)*

*مقدمه*

**۱۶۹۱** - ایران در ادعای ۱۹۹۶-ب خواهان مبلغ ۵،۱۴۴/۵۱ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی تجهیزات خریداری‌شده از دالاس اینسترومنتس، اینک. («دالاس اینسترومنتس») به ایران است.

*پیشینهٔ موضوعی*

---

[۸۲۳] *بنگرید به* بندهای ۱۶۷۶-۱۶۷۷، بالا.

[۸۲۴] *بنگرید به* بند ۱۶۷۸، بالا.

[۸۲۵] *بنگرید به* بند ۱۶۸۳، بالا.

[۸۲۶] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

**۱۶۹۲ -** دالاس اینسترومنتس در نهم اسفند ۱۳۵۷ [۲۸ مارس ۱۹۷۹] صورت‌حساب شمارهٔ ۱۶۹۳۱ اف برای خارک به مبلغ ۵،۱۴۴/۵۱ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۲۶ بابت یک ضبط صوت، یک باتری قابل شارژ، یک واحد زمان‌بندی، و چند دفترچهٔ راهنمای استفاده و نگه‌داری («اقلام ۱۹۹۶-ب») صادر کرد. صورت‌حساب مذکور در قسمت «تاریخ حمل» هشتم اسفند ۱۳۵۷ [۲۷ مارس ۱۹۷۹] را نشان می‌دهد. خارک در سوم تیر ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئن ۱۹۷۹] صورت‌حساب دالاس اینسترومنتس را طی چکی پرداخت کرد.

**۱۶۹۳ -** دالاس اینسترومنتس با نامهٔ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲ [دوم مه ۱۹۸۳] در پاسخ به سؤالی از خارک، به شرح زیر اطلاع رسانی کرد:

> لطفاً به پیوست، کپی فهرست بسته‌بندی و قبض هوایی ما را دال بر حمل مواد مربوطه بیابید. کپی سفارش خرید کی‌سی-۷۸۰۳۲۶ [نیز در پیوست است] ... که نشان‌دهندهٔ دستورالعمل‌های حمل می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، به دقت از تمام دستورالعمل‌های حمل مندرج بر روی سفارش خرید مذکور متابعت کرده‌ایم. ...
>
> به شما پیش‌نهاد می‌کنیم که این مسئله را از آموکو ریسرچ سنتر پیگیری کنید. آن‌ها باید بتوانند به شما بگویند که چه کرده‌اند و، پس از دریافت وسیلهٔ مذکور از ما، آن را به کجا حمل کرده‌اند.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۶۹۴ -** ایران ادعا می‌کند که هیچ ادله‌ای در خصوص سرنوشت اقلام ۱۹۹۶-ب پس از تحویل آن‌ها یا به آموکو اینترنشنال یا کارگزار حمل و نقل خارک در سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹] وجود ندارد. به طور خاص، ایران ادامه

می‌دهد، هیچ ادله‌ای از این که آن‌ها به ایران حمل شده باشند، وجود ندارد. وفق اظهارات ایران، بنابراین، باید فرض شود که اقلام ۱۹۹۶-ب در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده باقی مانده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۶۹۵** - ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که اقلام ۱۹۹۶-ب در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند.

*تصمیم دیوان*

**۱۶۹۶** - دیوان بر اساس ادلهٔ ارائه‌شده قانع شده است که اقلام ۱۹۹۶-ب در اواخر ۱۳۵۷/اوایل ۱۳۵۸ [اوایل/اواسط ۱۹۷۹] یا به آموکو اینترنشنال یا کارگزار حمل و نقل خارک در ایالات متحده تحویل داده شده است.[۸۲۷] بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که حق مالکیت آن اقلام در آن زمان به خارک منتقل شده است. مسئلهٔ اساسی در این ادعا بنابراین این می‌شود که آیا اقلام ۱۹۹۶-ب در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است یا خیر.

**۱۶۹۷** - ادعای ۱۹۹۶-ب به طور کلی از کمبود ادله و استدلالات، هر دو، رنج می‌برد. هیچ چیز در سابقه نشان دهندهٔ مکان و سرنوشت اقلام ۱۹۹۶-ب پس از تحویل آن‌ها یا به آموکو اینترنشنال یا کارگزار حمل و نقل خارک در اواخر ۱۳۵۷/اوایل ۱۳۵۸ [اوایل/اواسط ۱۹۷۹] نیست. این که آن اقلام در آن زمان در ایالات متحده قرار داشته‌اند لزوماً متضمن این معنا نیست که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند، و دیوان، بر اساس سابقهٔ پیش روی خود، نمی‌تواند چنین فرض بگیرد که بوده‌اند. در این ارتباط، دیوان به علاوه متذکر می‌شود که نه فهرست اسفند ۱۳۵۹ [مارس ۱۹۸۰] و نه فهرست فروردین

---

[۸۲۷] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹۲-۱۶۹۳، بالا.

۱۳۶۰ [آوریل ۱۹۸۰] اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۲۶ را به عنوان اقلام موجود در انبار در هیوستون در آن ماه‌ها شناسایی کرده‌اند.

**۱۶۹۸ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که ایران اثبات نکرده که اقلام ۱۹۹۶-ب در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود و بدین ترتیب، مشمول محدودهٔ بند ۹ بوده‌اند.

**۱۶۹۹ -** بر اساس آن‌چه که گذشت، دیوان ادعای ۱۹۹۶-ب را رد می‌کند.

*(بیست و هفت) ادعای ۱۹۹۶-ج (خارک/اینگرسال رَند اکوئیپمنت کورپ.)*

*مقدمه*

**۱۷۰۰ -** ایران در ادعای ۱۹۹۶-ج خواهان مبلغ ۷،۳۰۲/۲۰ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال تجهیزات خریداری‌شده از اینگرسال رَند اکویپمنت کورپوریشن («اینگرسال») به ایران است.

*پیشینهٔ موضوعی*

**۱۷۰۱ -** سابقه حاوی کپی دو صورت‌حساب صادرشده از اینگرسال برای خارک ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۱، یکی بی‌تاریخ و دیگری مورخ هفتم شهریور ۱۳۵۸ [۲۹ اوت ۱۹۷۹]، مجموعاً به مبلغ ۷،۳۰۱۲/۲۰ دلار آمریکا بابت ۳۶ قلم («اقلام ۱۹۹۶-ج») است. سابقه به علاوه حاوی کپی چکی مورخ سوم آبان ۱۳۵۸ [۲۵ اکتبر ۱۹۷۹] است که به واسطهٔ آن، خارک این مبلغ را به اینگرسال پرداخت کرد. ایران هیچ ادلهٔ دیگری در تأیید این ادعا تسلیم نکرده است.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۰۲ - ایران مدعی است که مدارکی که فراهم کرده نشان می‌دهد که خارک مالک اقلام ۱۹۹۶-ج بوده است. ایران به علاوه مدعی است، از آن‌جا که ایالات متحده هیچ ادله‌ای دال بر این امر ارائه نکرده که اقلام ۱۹۹۶-ج به ایران حمل شده، باید چنین فرض شود که آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۰۳ - ایالات متحده مدعی است که ادلهٔ ایران برای اثبات این امر ناکافی است که اقلام ۱۹۹۶-ج در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده، یا این که ایران بر آن‌ها مالکیت داشته است.

*تصمیم دیوان*

۱۷۰۴ - این ادعا فاقد ادله و استدلالات کافی، هر دو، است. حتی اگر دیوان می‌توانست فرض کند که حق مالکیت اقلام ۱۹۹۶-ج در سال ۱۳۵۸ [۱۹۷۹]، حدود زمانی که اینگرسال بابت آن اقلام برای خارک صورت‌حساب صادر کرد، به واسطهٔ تحویل به آموکو اینترنشنال یا به کارگزار حمل و نقل خارک، به خارک منتقل شده،[۸۲۸] هیچ چیز در سابقه وجود ندارد که نشان‌دهندهٔ مکان اقلام ۱۹۹۶-ج در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] باشد.

۱۷۰۵ - بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که ایران اثبات نکرده است که اقلام ۱۹۹۶-ج در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده و بدین ترتیب، مشمول محدودهٔ بند ۹ بوده است.

۱۷۰۶ - بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ۱۹۹۶-ج را رد می‌کند.

---

[۸۲۸] *بنگرید به* بند ۱۷۰۱، بالا.

*(بیست و هشت) ادعای ۱۹۹۶-د (خارک/ساینتیفیک انرژی سیستمز کورپ.)*

*مقدمه*

۱۷۰۷ - ایران در ادعای ۱۹۹۶-د خواهان مبلغ ۳۸،۲۳۵ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی تجهیزات خریداری‌شده از ساینتیفیک سیستمز کورپوریشن («ساینتیفیک سیستمز») است.

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۷۰۸ - ایران مدعی عدم دریافت موارد آتی است: (یک) سامانهٔ تحلیل‌گر بتا ۲۰۰ و لوازم جانبی ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۳۴؛ و (دو) دو مُدل متفاوت «مبدّل» ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۶۲. تأمین‌کنندهٔ این مواد برای ساینتیفیک سیستمز شرکت پی‌ام‌سی/بتا کورپوریشن («پی‌ام‌سی/بتا») بود. (اقلام سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۳۴ و کی‌سی-۷۸۰۳۶۲ مورد اختلاف از این به بعد مجموعاً تحت عنوان «اقلام ۱۹۹۶-د نیز مورد اشاره قرار خواهند گرفت.)

۱۷۰۹ - سابقهٔ این ادعا، از جمله، حاوی کپی مدارک زیر است:

(الف) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۳۴ مورخ چهارم مهر ۱۳۵۷ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۸]، که از طریق آن، آموکو اینترنشنال یک سامانهٔ تحلیل‌گر بتا ۲۰۰، به همراه لوازم جانبی را به ساینتیفیک سیستمز، مجموعاً به قیمت خرید ۳۶،۱۲۰ دلار آمریکا سفارش داد؛

(ب) صورت‌حساب شمارهٔ ۰۲۴۵ پی‌ام‌سی/بتا برای خارک با مُهر دریافت در ۱۹ مهر ۱۳۵۸ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۹] به مبلغ ۳۶،۱۲۰ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۳۴ بابت سامانهٔ تحلیل‌گر بتا ۲۰۰، به همراه لوازم جانبی؛

(پ) صورت‌حساب شمارهٔ ۰۳۸۵ پی‌ام‌سی/بتا برای خارک با مهر دریافت در ۲۴ مهر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر ۱۹۷۹] به مبلغ ۲،۱۱۵ دلار آمریکا ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۶۲ بابت دو مدل متفاوت «مبدّل»؛

(ت) چک‌های شمارهٔ ۶۰۸۶ و ۶۰۸۸، هر دو مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ [سوم سپتامبر ۱۹۷۹] به مبلغ ۲۰،۰۰۰ دلار آمریکا و ۱۸،۲۳۵ دلار آمریکا، به ترتیب، صادرشده توسط خارک به نفع ساینتیفیک سیستمز در ارتباط با سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۱۳۴ و کی‌سی-۷۸۰۳۶۲؛

(ث) یک «گزارش وضعیت مواد مشتری» آموکو اینترنشنال مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] دال بر این که اقلام ۱۹۹۶-د، «سفارش کامل»، در ۱۰ آذر ۱۳۵۹ [اول دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد پتروشیمی خارک» ارسال شده بوده است؛

(ج) نامه‌ای مورخ ۲۸ آذر ۱۳۶۱ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۲] که خارک از طریق آن به پی‌ام‌سی/بتا اطلاع داد که «مبلغ پرداخت‌نشده»ای معادل ۳۶،۱۲۰ دلار آمریکا به حساب پی‌ام‌سی/بتا در دفاتر خارک در ارتباط با سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۳۴ یافته است و درخواست کردکه پی‌ام‌سی/بتا یا مواد مذکور را تهیه یا مبلغ ۳۶،۱۲۰ دلار آمریکا را به خارک مسترد کند؛

(چ) نامه‌ای مورخ ۱۳ دی ۱۳۷۹ [دوم ژانویه ۲۰۰۱] از متریکس-پی‌ام‌سی/بتا به وزارت امور خارجه ایالات متحده، که به درخواستی بابت اطلاعات پاسخ و اطلاع داد که متریکس-پی‌ام‌سی/بتا «سوابق [خود] را صرفاً برای ۷ سال [نگه داشته]» و بنابراین، مدارک درخواستی را «نمی‌توانسته فراهم کند».

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۱۰ - وفق اظهارات ایران، این که اقلام ۱۹۹۶-د در ۱۰ آذر ۱۳۵۹ [اول دسامبر ۱۹۸۰] به حساب مازاد پتروشیمی خارک ارسال شده، لزوماً بدین معنا نیست که آن‌ها در واقع قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ضایعات فرستاده شده بوده‌اند. در نتیجه، ایران مدعی است که باید فرض شود که آن اقلام در آن تاریخ همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۱۱ - ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که اقلام ۱۹۹۶-د در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است. وفق اظهارات ایالات متحده، آن اقلام قبل از آن تاریخ به ضایعات سپرده شده بوده‌اند.

*تصمیم دیوان*

۱۷۱۲ - «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال نشان می‌دهد که اقلام ۱۹۹۶-د در سال ۱۳۵۸ یا ۱۳۵۹ [۱۹۷۹ یا ۱۹۸۰][۸۲۹] یا به آموکو اینترنشنال یا کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده‌اند، و بنابراین، حق مالکیت آن‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است. دیوان در پرتو یافتهٔ خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند که در این خصوص تصمیم‌گیری نماید که آیا آن اقلام در زمان انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر.

۱۷۱۳ - همان‌طور که ذکر شد، ایران در ششم دی ۱۳۷۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۹۶] یعنی زمانی مدعی ادعای ۱۹۹۶-د شد که لایحه و ادله معارض خود را تسلیم کرد.[۸۳۰] بدین ترتیب، ایالات متحده برای نخستین بار تقریباً ۱۵ سال بعد از انعقاد بیانیه‌های الجزایر و حدوداً ۱۶-۱۷ سال پس از این که آن اقلام یا به آموکو اینترنشنال یا به

---

[۸۲۹] *بنگرید به* بند ۱۷۰۹ (ث)، بالا.

[۸۳۰] *بنگرید به* بند ۱۶۷۹، بالا.

کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شد، از این ادعا آگاه گردید. با توجه به تأخیر قابل‌توجه ایران در آگاه‌کردن ایالات متحده از ادعای ۱۹۹۶-د، معقول است که یافتن و جمع‌آوری ادله و مدارک برای ایالات متحده به منظور دفاع علیه این ادعا به نحو قابل ملاحظه‌ای سخت‌تر شده باشد.[۸۳۱]

۱۷۱۴ - ایالات متحده، تا جای ممکن، به بررسی ادعای ۱۹۹۶-د پرداخت و توانست، با پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود به لایحه و ادله ایران، «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال را فراهم آورد، که نشان می‌دهد که اقلام ۱۹۹۶-د در ۱۰ آذر ۱۳۵۹ [اول دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد پتروشیمی خارک» ارسال شده بوده است.[۸۳۲] ایالات متحده به علاوه نامهٔ ۱۳ دی ۱۳۷۹ [دوم ژانویه ۲۰۰۱] متریکس پی‌سی‌ام/بتا را ارائه کرد که اطلاع می‌داد که متریکس پی‌سی‌ام/بتا «سوابق [خود] را صرفاً برای ۷ سال نگه داشته» است.[۸۳۳]

۱۷۱۵ - در پرتو مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده به اندازهٔ کافی ادعای ۱۹۹۶-د را وارسی کرده و هر آن‌چه که به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ در برداشتن گام‌ها به منظور تضمین انتقال اقلام ۱۹۹۶-د به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۸۳۴]

۱۷۱۶ - بر اساس مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ۱۹۹۶-د را رد می‌کند.

*(بیست و نه) ادعای ۱۹۹۶-ث/ج (خارک/ویلسون اینداستریز اینک.)*

*مقدمه*

---

[۸۳۱] *همچنین بنگرید به* بند ۱۶۸۷، بالا.

[۸۳۲] *بنگرید به* بند ۱۷۰۹ (ث)، بالا.

[۸۳۳] *بنگرید به* بند ۱۷۰۹ (چ)، بالا.

[۸۳۴] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۷۱۷ - ایران در ادعای ۱۹۹۶-ث/ج خواهان حداکثر جبران خسارات به مبلغ ۱۵،۴۵۸/۰۷ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال برخی تجهیزات خریداری شده از ویلسون ایندااستریز (همان فروشندهٔ درگیر در ادعای ز-۱۸۴[۸۳۵]) است.

۱۷۱۸ - این ادعا در ارتباط با اقلام سفارش داده‌شده به ویلسون ایندااستریز ذیل شش سفارش خرید مجزّا، یعنی، سفارش‌های خرید به شماره‌های آتی است : (یک) کی‌سی-۷۸۰۳۷۸؛ (دو) کی‌سی-۷۸۰۴۳۶؛ (سه) کی‌سی-۷۸۰۴۵۶؛ (چهار) کی‌سی-۷۹۰۰۵۴؛ (پنج) کی‌سی-۷۹۰۱۰۶؛ و (شش) کی‌سی-۷۹۰۱۲۳. ایران در جلسات استماع توضیح داد که ادعای ۱۹۹۶-ث/ج «مشتمل است بر تفکیک دقیق حدوداً ۱۶،۰۰۰ دلاری که ایران ابتدائاً ذیل ادعای ز-۱۶۷ مدعی آن شد». دیوان به هر یک از این سفارش‌های خرید به صورت جداگانه خواهد پرداخت.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸*

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۷۱۹ - ویلسون ایندااستریز در ۲۳ آذر ۱۳۵۷ [۱۴ دسامبر ۱۹۷۸] صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۸۴۵۰ را برای خارک بابت سه نوع رنگ راستولیوم متفاوت ذیل سفارش شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸، شامل ۴۳۵/۷۵ دلار آمریکا بابت ۱۵ قوطی رنگ راستولیوم، «مقاوم در برابر حرارت»، «روغنی لعابی»، که باید به شرکت بسته‌بندی در هیوستون حمل می‌شد، صادر کرد. کپی صورت‌حساب موجود در مدارک، ارائه‌شده توسط ایران، در کنار اعلام قیمت آن قوطی‌های رنگ، مشتمل است بر دست‌نوشته‌ای که اظهار می‌دارد: «آر سی دی صرفاً یک قوطی». خارک صورت‌حساب ویلسون ایندااستریز را با چک ۱۳ خرداد ۱۳۵۸ [سوم ژوئن ۱۹۷۹] پرداخت کرد. کپی

---

[۸۳۵] *بنگرید به* بند ۱۵۶۶، بالا.

چک موجود در مدارک، نیز ارائه‌شده توسط ایران، در کنار اشاره به صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۸۴۵۰، شامل دست‌نوشته‌ای بدین شرح است: «کسری ۴۰۶/۷۰ دلار آمریکا».

۱۷۲۰ - سابقه به علاوه، از جمله، حاوی کپی مدارک زیر است، که توسط ایالات متحده در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] آن دولت ارائه شده است:

(الف) «بارنامه با قید قیود و شروط شرکت کشتی‌رانی» وورلد ترید مورخ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ [پنجم ژوئیه ۱۹۷۹]، مربوط به حملی از هیوستون، تگزاس، به خارک در ایران، بر عرشهٔ کشتی *اس.اس. فیکس*؛ این حمل، از جمله، شامل چهار جعبهٔ حاوی انواع مختلف «رنگ» سفارش داده‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸ بود؛

(ب) «گزارش وضعیت مواد مشتری» آموکو اینترنشنال مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰]، حاکی از این که اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸: (یک) در ۱۳ آذر ۱۳۵۷ [چهارم دسامبر ۱۹۷۸] توسط کارگزار حمل و نقل خارک در هیوستون دریافت شده است؛ و (دو) به جز «قلم ۴ [۱۴ واحد]»، که در ۲۹ مهر ۱۳۵۹ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۰] به «ضایعات ایران پان آمریکن» ارسال شده بود، تماماً به خارک بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس*، با تخمین رسیدن به جزیرهٔ خارک در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] حمل شده بود.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۲۱ - ایران ادعا می‌کند که خارک صرفاً یکی از ۱۵ قوطی رنگ راستولیوم «مقاوم در برابر حرارت»، «روغنی لعابی» تحت پوشش سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸ را دریافت کرده است. در تأیید این سخن،

ایران به موارد آتی استناد می‌کند: (یک) دست‌نوشتهٔ روی کپی صورت‌حساب ویلسون ایندااستریز به شمارهٔ ۱۲۸۴۵۰ موجود در مدارک؛[۸۳۶] و (دو) «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال، دال بر این که تمام اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸، به جز « قلم ۴ [۱۴ واحد]» که در ۲۹ مهر ۱۳۵۹ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۰] به «ضایعات ایران پان آمریکن» ارسال شده بوده‌اند، به خارک بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس*، با تخمین رسیدن به جزیرهٔ خارک در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ [۱۰ اوت ۱۹۷۹] حمل شده بود.[۸۳۷] در ارتباط با موضوع اخیر، ایران مدعی است که «قلم ۴ [۱۴ واحد]» به ۱۴ قوطی رنگ راستولیوم که به طور ناقص حمل شده بوده‌اند ربط پیدا می‌کند. ایران اظهار می‌دارد که هیچ ادله‌ای در خصوص سرنوشت آن اقلام پس از ارسال آن‌ها به حساب ضایعات وجود ندارد. بدین ترتیب، ایران نتیجه می‌گیرد که باید فرض گردد که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۲۲ - ایالات متحده ادعا می‌کند، از آن‌جا که شمارهٔ قلم قوطی‌های رنگ راستولیوم مورد اختلاف در صورت‌حساب شمارهٔ ۱۲۸۴۵۰ ویلسون ایندااستریز مشخص نشده، نمی‌توان با قاطعیت تعیین کرد که آیا آن اقلام در مرداد ۱۳۵۸ [اوت ۱۹۷۹] در میان چندین قلم حمل‌شده به خارک بوده است یا خیر. در هر حال، ایالات متحده مدعی است که، آن اقلام: (یک) یا در مرداد ۱۳۵۸ [اوت ۱۹۷۹] به ایران بر عرشهٔ *اِس.اِس. فیکس* حمل شده و بدین ترتیب، در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده نبوده‌اند؛ یا (دو) در ۲۹ مهر ۱۳۵۹ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۰] به حساب ضایعات ایران پان آمریکن ارسال شده‌اند و بدین ترتیب، در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت ایران قرار نداشته‌اند.

---

[۸۳۶] *بنگرید به* بند ۱۷۱۹، بالا.

[۸۳۷] *بنگرید به* بند ۱۷۲۰ (ب)، بالا.

۱۷۲۳ - «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال نشان می‌دهد که قوطی‌های رنگ راستولیوم مربوط به این ادعا در ۱۳ آذر ۱۳۵۷ [چهارم دسامبر ۱۹۷۸] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده[۸۳۸] و بنابراین، حق مالکیت آن‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است. دیوان در پرتو یافتهٔ خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند که در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آن اقلام در زمان انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند یا خیر.

۱۷۲۴ - دیوان به دلایل مشابه آن‌هائی که در ارتباط با ادعای ۱۹۹۶-د اظهار شد،[۸۳۹] مقرر می‌دارد که ایالات متحده به اندازه کافی ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸ را وارسی کرده و هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ به منظور برداشتن گام‌ها برای تضمین انتقال قوطی‌های رنگ راستولیوم مربوط به این ادعا به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۸۴۰]

۱۷۲۵ - بنابر مراتب پیش گفته، دیون ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸ را رد می کند.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۶*

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۷۲۶ - آموکو اینترنشنال در شهریور ۱۳۵۸ [سپتامبر ۱۹۷۹] سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۶ را به ویلسون ایندااستریز بابت خرید یک قلم تجهیزات بالانس به مبلغ ۱،۷۲۸ دلار آمریکا داد، که خارک آن مبلغ را با چک صادر شده در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ [۱۹ اوت ۱۹۷۹] پرداخت نمود.

---

[۸۳۸] *بنگرید به* بند ۱۷۲۰ (ب)، بالا.

[۸۳۹] *بنگرید به* بندهای ۱۷۱۳-۱۷۱۴، بالا.

[۸۴۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۷۲۷ - ایالات متحده با پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] خود کپی یک فرم «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] را ارائه کرد، دال بر این که تجهیزات بالانس تهیه‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۶ در آن تاریخ از انبار آموکو دریلینگ در هیوستون به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده است.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۲۸ - ایران ادعا می‌کند که خارک هیچ‌گاه تجهیزات بالانس مربوط به این ادعا را دریافت نکرده است. موضع ایران این است که، از آن‌جا که هیچ ادله‌ای در خصوص سرنوشت آن قلم پس از ارسال به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] وجود ندارد، باید فرض گردد که در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۲۹ - ایالات متحده مدعی است که، از آنجا که تجهیزات بالانس مورد اختلاف در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال شده، ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالکیتی بر آن قلم نداشته است.

*تصمیم دیوان*

۱۷۳۰ - فرم «انتقال مواد» ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] داخلی آموکو اینترنشنال نشان می‌دهد که تجهیزات بالانس تهیه‌شده ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۶ قبل از آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به آموکو اینترنشنال یا به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده و بنابراین، حق مالکیت آن قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه

۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است. دیوان، در پرتو یافتهٔ خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آن قلم در تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده است یا خیر.

**۱۷۳۱** - دیوان، به دلایل مشابه آن‌هایی که در ارتباط با ادعای ۱۹۹۶-د و ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸ اظهار شده،[۸۴۱] مقرر می‌دارد که ایالات متحده به اندازهٔ کافی ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۶ را وارسی کرده و هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ به منظور برداشتن گام‌ها برای تضمین انتقال تجهیزات بالانس مورد اختلاف به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۸۴۲]

**۱۷۳۲** - بر اساس مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۳۶ را رد می‌کند.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶*

*پیشینهٔ موضوعی*

**۱۷۳۳** - آموکو اینترنشنال در نیمه اول ۱۳۵۸ [اواسط ۱۹۷۹] ۱۴ قلم پیچ و مهره را به ویلسون اینداستریز ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ به مبلغ ۹۱۵/۳۳ دلار آمریکا سفارش داد، که خارک آن مبلغ را با چک صادر شده در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] پرداخت نمود.

---

[۸۴۱] *بنگرید به* بندهای ۱۷۱۳-۱۷۱۴ و ۱۷۲۴، بالا.

[۸۴۲] *بنگرید به* بند ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۷۳۴ - سابقه، از جمله، حاوی کپی مدارک زیر است، که توسط ایالات متحده در پاسخ چهارم مهر ۱۳۸۰ [۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱] آن دولت ارائه شده است:

(الف) «گزارش وضعیت مواد مشتری» آموکو اینترنشنال مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که: (یک) اقلام ۱ تا ۱۲ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ در ۱۷ مهر ۱۳۵۸ [نهم اکتبر ۱۹۷۹] توسط شرکت بسته‌بندی آموکو اینترنشنال دریافت شده بوده است؛ و (دو) اقلام ۱۳ و ۱۴، که سفارش را کامل کرد، در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ [۱۰ اکتبر ۱۹۷۹] توسط شرکت بسته‌بندی مذکور دریافت شده بود؛

(ب) فرم «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که تمام ۱۴ قلم سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ در آن تاریخ از انبار آموکو دریلینگ در هیوستون به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده است.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۳۵ - ایران ادعا می‌کند که خارک هیچ یک از ۱۴ قلم پیچ و مهره‌های سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ را دریافت نکرده است. موضع ایران این است که، از آن‌جا که هیچ ادله‌ای در خصوص سرنوشت آن اقلام پس از ارسال آن‌ها به «حساب مازاد ایران پان آمریکن » در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] وجود ندارد، باید فرض شود که آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] همچنین در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۳۶ - ایالات متحده مدعی است که، از آن‌جا که ۱۴ قلم پیچ و مهره‌های مربوطه در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال شده بوده‌اند، ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالکیتی بر آن‌ها نداشته است.

*تصمیم دیوان*

۱۷۳۷ - «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال نشان می‌دهد که تمام ۱۴ قلم پیچ و مهره‌های سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ تا ۱۸ مهر ۱۳۵۸ [۱۰ اکتبر ۱۹۷۹] توسط شرکت بسته‌بندی آموکو اینترنشنال در هیوستون دریافت شده بوده است[۸۴۳] و بنابراین، حق مالکیت آن‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است. دیوان در پرتو یافتهٔ خود، به شرح زیر، نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آن اقلام در زمان انعقاد بیانیه‌های الجزایر همچنان در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند یا خیر.

۱۷۳۸ - دیوان به دلایل مشابه آن‌هایی که در ارتباط با ادعای ۱۹۹۶-د و ادعاهای ایران راجع به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸ و کی‌سی-۷۸۰۴۳۶ اظهار شده،[۸۴۴] مقرر می‌دارد که ایالات متحده به اندازهٔ کافی ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ را وارسی کرده و هر آن‌چه به نحو معقول انتظار می‌رفته در اوضاع و احوال مربوطه برای انجام تعهد خود ذیل بند ۹ به منظور برداشتن گام‌ها برای تضمین انتقل ۱۴ قلم پیچ و مهره‌ها به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۸۴۵]

---

[۸۴۳] *بنگرید به* بند ۱۷۳۴ (الف)، بالا.

[۸۴۴] *بنگرید به* بندهای ۱۷۱۳-۱۷۱۴، ۱۷۲۴، و ۱۷۳۱.

[۸۴۵] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۷۳۹ - بر اساس مراتب پیش‌گفته، دیوان ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ را رد می‌کند.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶*

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۷۴۰ - آموکو اینترنشنال در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] یا حوالی آن تاریخ[۸۴۶] ۳۴ قلم تجهیزات و ابزارهای فنی را به ویلسون ایندااستریز ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ («اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶») به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا سفارش داد.

۱۷۴۱ - خارک در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] چک شمارهٔ ۶۰۷۶ را به نفع ویلسون ایندااستریز بابت پرداخت آن مبلغ صادر کرد. خارک با تلکس ۱۸ شهریور ۱۳۵۸ [نهم سپتامبر ۱۹۷۹] به آموکو اینترنشنال اطلاع داد که ۱۶ چک، شامل چک شمارهٔ ۶۰۷۶ پست هوایی می‌شود، و درخواست کرد که آموکو اینترنشنال دریافت ۱۶ چک را تصدیق نماید و آن‌ها را به «فروشندگان مربوطه» ارسال کند. آموکو اینترنشنال با تلکس ۲۷ شهریور ۱۳۵۸ [۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹] به خارک، دریافت آن ۱۶ چک را تصدیق کرد. آموکو اینترنشنال با «یادداشت اقدام» مورخ ۱۰ آبان ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] چک شمارهٔ ۶۰۷۶ خارک را به ویلسون ایندااستریز ارسال کرد.

---

[۸۴۶] هیچ یک از طرفین کپی سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را ارائه نکرده است. سابقه حاوی کپی اعلام بهای ویلسون ایندااستریز به شمارهٔ H1-61-85467-9H ۲۵ تیر ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ است که برای خارک به وسیله آموکو اینترنشنال تهیه شده است (*بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (الف)، زیر)؛ آخرین صفحهٔ اعلام بهای مذکور حاوی مهری است که، از جمله، نشان‌دهندهٔ این عبارات است: «تأیید شد: [پاراف، ناخوانا] ۵۸/۶/۷ [۷۹/۸/۲۹]». بر این اساس، دیوان در نبود ادله و مدارک قاطع بیش‌تر، فرض می‌گیرد که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹]، سه روز پس از تاریخ تأیید اعلام شده در مهر مذکور و یک روز قبل از صدور چکی به مبلغ ۴۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا به نفع ویلسون ایندااستریز، سفارش داده شده است (*بنگرید به* بند ۱۷۴۱، بالا).

۱۷۴۲ - وفق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۹ و فروردین ۱۳۶۰ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۸۴۷] در آن ماه‌ها، اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ که برای آن‌ها به مبلغ ۱،۵۱۲/۱۷ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده بود، در هیوستون، در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید بود.

۱۷۴۳ - سابقه به علاوه، از جمله، مشتمل است بر کپی مدارک زیر:

(الف) «اعلام بهای شمارهٔ H1-61-85467-9H» ویلسون اینداستریز برای خارک، صادر شده در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، که ۳۴ قلم از تجهیزات و ابزار الات فنی را مجموعاً به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا فهرست کرده است؛

(ب) فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که اقلام ۱ تا ۷ و ۱۶ تا ۳۴ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا، از انبار آموکو دریلینگ در هیوستون به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده‌اند؛

(پ) صورت‌حساب شمارهٔ ۱۹۲۷۷۲ صادر شده از ویلسون اینداستریز برای خارک در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱]، به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶؛

(ت) مدرک «اعراض و واگذاری ادعا» مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱] که از طریق آن، ویلسون اینداستریز «با عنایت به پرداخت» مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا که از آموکو اینترنشنال دریافت کرده بود: (یک) آموکو اینترنشنال و آموکو ایران اویل کامپنی و وابستگان آن‌ها را «از هرگونه و تمام ادعاها و اسباب دعوا»یی مبرّا کرد که ویلسون اینداستریز می‌توانست علیه آموکو اینترنشنال، آموکو ایران اویل کامپنی، و وابستگان آن‌ها «ناشی از یا در ارتباط با» فروش‌های کالاهای ویلسون اینداستریز به

---

[۸۴۷] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

خارک ناشی از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ داشته باشد؛ و (دو) از «هرگونه و تمام حقوق، منافع، ادعاها و اسباب دعوا» که ویلسون ایندااستریز در ارتباط با آن فروش‌های کالاها علیه خارک داشت، اعراض و آن‌ها را به آموکو ایران اویل کامپنی انتقال داد؛

(ث) یادداشت حساب‌داری داخلی آموکو اینترنشنال تحت عنوان فرم «انتقال صورت‌حساب فروشنده» مورخ سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱]، که صورت‌حساب شمارهٔ ۱۹۲۷۷۲ ویلسون ایندااستریز برای خارک به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶[۸۴۸] را به دپارتمان حساب‌داری آموکو اینترنشنال بابت پرداخت منتقل می‌کرد؛

(ج) چکی به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا صادرشده توسط آموکو اینترنشنال به نفع ویلسون ایندااستریز در ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ [اول آوریل ۱۹۸۱]؛

(چ) فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال (حاوی مهر «گزارش به روز شدهٔ مواد مازاد») مورخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] حاکی از این که اقلام آتی از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، فهرست‌شده در صورت‌حساب شمارهٔ ۱۹۲۷۷۲ ویلسون ایندااستریز مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱][۸۴۹] توسط آموکو دریلینگ به ویلسون ایندااستریز مسترد شده بوده است: ۱ (۱۲ واحد از ۱۴ واحد سفارش داده‌شده)؛ ۲ (۹ واحد از ۱۰ واحد سفارش داده شده)؛ ۷-۱۰؛ ۱۲-۲۱؛ ۲۲ (دو

---

[۸۴۸] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (ب)، بالا.

[۸۴۹] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (پ)، بالا.

واحد از سه واحد سفارش داده‌شده)؛ ۲۳-۲۶؛[۸۵۰] ۲۸؛ ۲۹ (شش واحد از هفت واحد سفارش داده‌شده)؛ ۳۴-۳۰؛

(ح) «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ ۱۰ تیر ۱۳۶۰ [اول ژوئیه ۱۹۸۱] میان آموکو پروداکشن کامپنی (اینترنشنال) («آموکو پروداکشن کامپنی»)، به نمایندگی از ایران پان آمریکن، و ویلسون اینداستیریز، که به واسطهٔ آن، آموکو پروداکشن کامپنی توافق به فروش، و ویلسون اینداستریز توافق به خرید، از جمله، اقلام «اموال شخصی» توصیف‌شده تحت عنوان «ابزارهای کی‌سی-۷۸۰۴۵۶» کردند؛

(خ) چکی به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا صادرشده توسط ویلسون اینداستریز به نفع آموکو پروداکشن کامپنی در ۲۹ مهر ۱۳۶۰ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۱].

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۴۴ - ایران ادعا می‌کند که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده و مبلغ آن توسط خارک پرداخت شد؛ بدین ترتیب، به نظر ایران، آن‌ها قبل از آن تاریخ، اموال ایران شده‌اند. به علاوه، وفق اظهارات ایران، این که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده‌اند لزوماً بدین معنا نیست که آن در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دیگر در قلمرو قضایی ایالات متحده نبوده‌اند، چنان که با این امر که آن‌ها در نیمه اول ۱۳۶۰

[۸۵۰] صورت‌حساب شماره ۱۹۲۷۷۲ ویلسون اینداستریز مورخ ۲۵ اسفند۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱] دلالت بر آن دارد که شش واحد از قلم ۲۶ سفارش داده شده بوده، حال آن‌که فرم «انتقال مواد» مورخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] آموکو اینترنشنال در صفحه «تکمیلی شماره ۵» دلالت بر آن دارد که ۱۰ واحد از قلم ۲۶ متعاقباً به ویلسون اینداستریز مسترد گردیده است.

[اواسط ۱۹۸۱] به ویلسون ایندااستریز مسترد شده‌اند، نشان داده می‌شود. به دلایل مذکور در بالا،[۸۵۱] ایران مدعی است که، در هر حال، موافقت‌نامه‌های ادعایی میان آموکو پروداکشن کامپنی و ویلسون ایندااستریز[۸۵۲] نمی‌توانسته‌اند ناقل حق مالکیت آن اقلام به ویلسن ایندااستریز باشند.

۱۷۴۵ - بر این اساس، ایران نتیجه می‌گیرد که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ نشان‌دهندهٔ «اموال ایران» در معنای مندرج در بند ۹ تلقی می‌شود.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۴۶ - ایالات متحده استدلال می‌کند که بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ مسؤولیتی ندارد زیرا: (یک) آن اقلام یا در ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] به حساب ضایعات ایران پان آمریکن کامپنی ارسال شده‌اند و بدین ترتیب، ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالکیت آن‌ها را دارا نبوده؛ یا (دو) آن‌ها در نیمه اول ۱۳۶۰ [اواسط ۱۹۸۱]، قبل از این که ایالات متحده هرگونه نشانه‌ای در این مورد دریافت کند که ایران در تحصیل استرداد آن‌ها نیازمند مساعدت است، توسط آموکو اینترنشنال به ویلسون ایندااستریز مسترد شده‌اند. ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که در هر دو حال، از اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ بسیار پیش از این که ایالات متحده از این ادعا آگاه شود، خلاصی صورت گرفته بوده است، بنابراین، ایالات متحده نمی‌توانسته گام‌هائی در جهت تضمین انتقال آن‌ها به ایران بردارد.

۱۷۴۷ - ایالات متحده به علاوه مدعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که خارک واقعاً مبلغ اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را پرداخته است. ایالات متحده ادعا می‌کند که «یادداشت اقدام» آموکو اینترنشنال که چک شماره

---

[۸۵۱] *بنگرید به* بند ۱۳۴۸، بالا.

[۸۵۲] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (ح)، بالا.

۶۰۷۶ خارک را به ویلسون اینداستریز ارسال نمود،[۸۵۳] در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] صرفاً ۱۴ روز قبل از مؤثرشدن دستور انسداد ۱۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] که اموال ایران را منجمد کرد، صادر شد؛ ایالات متحده ادعا می‌کند که، بنابراین، بسیار نامحتمل است که چک شمارهٔ ۶۰۷۶ هیچ‌گاه نقد شده باشد. ایالات متحده اظهار می‌دارد که ادله‌ای عکس این را نشان می‌دهد، یعنی (یک) آموکو اینترنشنال در ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ [اول آوریل ۱۹۸۱] مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا را بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ به ویلسون اینداستریز پرداخت کرد؛ (دو) ویلسون اینداستریز در مقابل این پرداخت، یک فرم «اعراض و واگذاری از ادعا» را در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱] امضاء کرد، که هرگونه حق یا ادعا بابت پرداخت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ علیه خارک را به آموکو اینترنشنال واگذار می‌نمود؛ و (سه) زمانی که آموکو اینترنشنال متعاقباً اموال را در ۲۹ مهر ۱۳۶۰ [۲۱ اکتبر ۱۹۸۱] به ویلسون اینداستریز بازفروش کرد، ویلسون اینداستریز مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا را به آموکو اینترنشنال پرداخت نمود. در پرتو مراتب بالا، ایالات متحده مدعی است که «به نظر می‌رسد» خارک هیچ‌گاه مبلغ اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را پرداخت نکرده است.

*تصمیم دیوان*

۱۷۴۸ - در این خصوص اختلافی وجود ندارد، و ادله نیز قانع کننده‌اند، که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده‌اند، و در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یا در تملّک آموکو اینترنشنال یا آموکو دریلینگ در ایالات متحده بوده‌اند. این ادله، به طور خاص، متشکل هستند از فرم‌های «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال در ۲۳ آذر ۱۳۵۹ و ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [۱۴ دسامبر ۱۹۸۰ و چهارم ژوئن ۱۹۸۱].[۸۵۴] بر این اساس، حق مالکیت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه

---

[۸۵۳] *بنگرید به* بند ۱۷۴۱، بالا.

[۸۵۴] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (ب) و (چ)، بالا. قلم ۱۱ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ فهرست‌شده در صورت‌حساب شماره ۱۹۲۷۷۲ ویلسون اینداستریز مورخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱] (*بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (ب)، بالا) در هیچ کدام از فرم‌های «انتقال

۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است. به علاوه، امکان مخالفت با این امر وجود ندارد که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در آن تاریخ در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده‌اند.

**۱۷۴۹ -** در نتیجه، دیوان مقرر می‌دارد که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ نشان‌دهندهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشند.

**۱۷۵۰ -** سابقه نشان می‌دهد که آموکو اینترنشنال پس از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، تاریخ صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا را به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده است،[۸۵۵] که با قیمت خرید اولیه‌ای که ویلسون ایندااستریز ذیل صورت‌حساب شمارهٔ ۱۹۲۷۷۲ برای خارک بابت تمام ۳۴ قلم کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در نظر گرفت همخوانی دارد.[۸۵۶] این که ویلسون ایندااستریز توافق به پرداخت قیمت کامل اولیه اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ به آموکو اینترنشنال کرده، و در واقع پرداخت کرده،[۸۵۷] قویاً به دیوان نشان می‌دهد که آموکو اینترنشنال، تمام اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، و نه فقط اقلام فهرست‌شده در فرم «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال، را به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده است.[۸۵۸]

**۱۷۵۱ -** همان‌طور که ذکر شد، مدیر تولید منطقه‌ای سابق آموکو پروداکشن کامپنی، آقای پایپر، در شهادت‌نامهٔ خود در پروندهٔ شمارهٔ ۵۶ (*آموکو فایننس اینترنشنال کورپ.*) اظهار داشت که آموکو اینترنشنال از خرداد/تیر ۱۳۵۹ و سرتاسر سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [از ژوئن ۱۹۸۰ و سرتاسر ۱۹۸۱] مشغول بود تا ادعاهای

---

مواد» داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۲۳ آذر ۱۳۵۹ و ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [۱۴ دسامبر ۱۹۸۰ و چهارم ژوئن ۱۹۸۱] ثبت نشده است. با این حال هیچ یک از طرفین مدعی نیست، و، در اوضاع و احوال موجود، دلیلی وجود ندارد تا دیوان فرض کند که قلم ۱۱ به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده نشده باشد و این که در ۲۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت آموکو اینترنشنال یا آموکو دریلینگ، همراه با سایر اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، نبوده باشد.

[۸۵۵] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (ج)-(ح)، بالا.

[۸۵۶] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (پ)، بالا.

[۸۵۷] *بنگرید به* بندهای ۱۷۴۳ (ح) و (خ).

[۸۵۸] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (چ)، بالا.

فروشندگانی را که خارک به آن‌ها پرداختی صورت نداده بود، فیصله دهد.[۸۵۹] آقای پایپر به علاوه اظهار داشت که آموکو اینترنشنال، به منظور کاهش خسارات، برخی از موادی را که توسط خارک سفارش داده شده بود و در زمان صدور دستور انسداد در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] در کنترل آموکو اینترنشنال قرار داشت به مبالغ ارزش منصفانهٔ بازار فروخت.[۸۶۰] آقای پایپر به علاوه ادعا کرد که آموکو اینترنشنال همچنین، به منظور جلوگیری از تضییع، مواد گوناگون خریداری‌شده برای خارک را که فروشندگان پیشاپیش مبالغ آن‌ها را از خارک دریافت کرده بودند، فروخت.[۸۶۱]

**۱۷۵۲ -** آقای پایپر اظهار داشت که مبالغ پرداخت‌شده توسط آموکو اینترنشنال در تصفیهٔ مطالبات فروشندگان، منهای مبالغ دریافتی آموکو اینترنشنال پس از خلاص شدن از مواد در تصرف خود مرتبط با آن ادعاها، به ۵۶،۳۶۱/۸۱ دلار آمریکا بالغ شد.[۸۶۲] آقای پایپر به علاوه اظهار داشت که مبلغ دریافتی آموکو اینترنشنال بابت بازفروش موادی که خارک به فروشندگان پرداخت کرده بود، به ۳۱،۶۳۴/۴۸ دلار آمریکا بالغ شد.[۸۶۳] وفق اظهارات آقای پایپر، آموکو اینترنشنال بدین ترتیب متحمل خسارتی خالص به مبلغ ۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا در ارتباط با مواد خارک که آموکو اینترنشنال اِس. اِی. نسبت، به آن‌ها ادعایی معتبر داشت، شد.[۸۶۴]

**۱۷۵۳ -** دیوان در پرتو اظهارات آقای پایپر در شهادت‌نامه‌اش نتیجه می‌گیرد که در عمل، آموکو اینترنشنال اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را به منظور جبران پرداخت‌هایی فروخته است که آموکو اینترنشنال بابت مطالبات فروشندگانی که توسط خارک مبلغی به آن‌ها پرداخت نشده بود صورت داده و آموکو اینترنشنال در مورد آن‌ها

---

[۸۵۹] *بنگرید به* بند ۱۲۲۳، بالا.

[۸۶۰] *بنگرید به* بند ۱۲۲۴، بالا.

[۸۶۱] *بنگرید به* بند ۱۲۲۵، بالا.

[۸۶۲] *بنگرید به* بند ۱۲۲۶، بالا.

[۸۶۳] *بنگرید به* بند ۱۲۲۷، بالا.

[۸۶۴] *بنگرید به* همانجا.

معتقد بود که ادعایی علیه خارک دارد (که آموکو اینترنشنال نهایتاً ارزش آن را ۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا دانست[۸۶۵]). این که آیا خارک مبلغ اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را به ویلسون ایندااستریز پرداخته است یا خیر[۸۶۶] هیچ تأثیری در این نتیجه‌گیری ندارد.

**۱۷۵۴** - در نتیجه، دیوان حکم می‌کند که آموکو اینترنشنال اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را به دلیل وجود بدهی پرداخت‌نشده نگه داشته و فروخته است، و در نتیجه، آن اقلام در واقع توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ مستثناء شده‌اند. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را نقض کرده و مسؤولیت بین‌المللی این دولت در خصوص اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ محقق است.[۸۶۷] دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۸۶۸]

**۱۷۵۵** - در پرتو نتیجه‌گیری بالا، دیوان نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری نماید که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوز باز فروش اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را به فروشندگان داشته است یا خیر.

---

[۸۶۵] *بنگرید به* بند ۱۷۵۲، بالا.

[۸۶۶] *بنگرید به* بندهای ۱۷۴۴ و ۱۷۴۷، بالا.

[۸۶۷] تعهدات ایالات متحده نسبت به اموال عینی ایران ذیل بیانیه عمومی این است که نخست، محدودیت‌هائی را که آن دولت طی دوره ۲۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به حمل و نقل و آزادی انتقال آن اموال برقرار کرده بوده، رفع کند و دارندگان آن اموال را که مشمول قلمرو قضائی آن دولت بودند ملزم نماید اموال مزبور را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند انتقال دهند و دوم، اقداماتی را به منظور تضمین متابعت از الزام مزبور به عمل آورد. *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹ بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۸۶۸] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

۱۷۵۶ - بنابر مراتب پیش‌گفته، ادعای ایران در ارتباط با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ تأیید می‌شود.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴*

*پیشینهٔ موضوعی*

۱۷۵۷ - آموکو اینترنشنال در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] یا حوالی آن تاریخ[۸۶۹] ۴۸ قلم تجهیزات و ابزارهای فنی را ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ («اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴») به ویلسون اینداستریز به مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا سفارش داد. خارک در ۱۱ شهریور [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] چک شمارهٔ ۶۰۷۸ را به نفع ویلسون اینداستریز به مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا در ارتباط با سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ صادر کرد. آموکو اینترنشنال از طریق یک «یادداشت اقدام» مورخ ۱۰ آبان ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] چک شماره ۶۰۷۸ خارک را به ویلسون اینداستریز ارسال کرد.

۱۷۵۸ - وفق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۹ و فروردین ۱۳۶۰ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۸۷۰] در این ماه‌ها، اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ که برای آن‌ها به مبلغ ۶،۹۱۰/۴۳ دلار آمریکا صورت‌حساب صادر شده بود، در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین‌شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید، بود.

۱۷۵۹ - سابقه به علاوه، از جمله، حاوی کپی مدارک زیر است:

---

[۸۶۹] هیچ یک از طرفین کپی سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ را ارائه نکرده است. سابقه حاوی کپی اعلام بهای ویلسون اینداستریز به شمارهٔ H1-61-85461-9H ۲۵ تیر ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ است که برای خارک به وسیله آموکو اینترنشنال تهیه شده است؛ آخرین صفحهٔ اعلام بهای مذکور حاوی مهری است که، از جمله، نشان‌دهندهٔ این عبارات است: «تأیید شد: [پاراف، ناخوانا] ۵۸/۶/۷ [۷۹/۸/۲۹]». بر این اساس، دیوان در نبود ادله و مدارک قاطع بیش‌تر، فرض می‌گیرد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹]، سه روز پس از تاریخ تأیید اعلام شده در مهر مذکور و یک روز قبل از صدور چکی به مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا به نفع ویلسون اینداستریز، سفارش داده شده است (*بنگرید به* بند ۱۷۵۷، زیر).

[۸۷۰] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

(الف) «اعلام بهای شمارهٔ H1-61-85461-9H» ویلسون ایندااستریز به خارک، صادر شده در ۲۷ تیر ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، که ۴۸ قلم تجهیزات و ابزارهای فنی مجموعاً به مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا فهرست کرده است؛[۸۷۱]

(ب) مجموعه‌ای از فرم‌های «ثبت دریافت مواد» شرکت بسته‌بندی، مورخ ۲۴ مهر و ۲۲ آذر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر و ۱۳ دسامبر ۱۹۷۹]، دال بر این که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، به جز اقلام ۱۸ و ۳۴، تا ۲۱ آذر ۱۳۵۸ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۹] توسط کارگزار حمل و نقل در هیوستون دریافت شده بوده است؛

(پ) فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال، مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] دال بر این که اقلام ۱ تا ۳۳ و ۳۵ تا ۴۸ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ از انبار آموکو دریلینگ در هیوستون به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده است؛

(ت) «یادداشت تسریع کار تأمین‌کننده/تسریع تلفنی» داخلی آموکو اینترنشنال (جزئاً ناخوانا)، که تماس تلفنی‌ای که ظاهراً در چهارم بهمن ۱۳۵۹ [۲۴ ژانویه ۱۹۸۱] به وقوع پیوسته را ثبت کرده و نشان می‌دهد که : (یک) اقلام گوناگونی از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ در ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] به حساب مازاد «کی.سی.» ارسال شده بوده است؛[۸۷۲] و (دو) اقلام گوناگونی از آن سفارش خرید به فروشندگان مسترد شده بوده است؛

---

[۸۷۱] «اعلام بهای شماره H1-61-85461-9H» («اعلام بها») بهای قلم ۱۸ را اعلام نکرده؛ در عوض، در ستون «قیمت واحد»، واژهٔ اختصاری «DID» ثبت شده است. کل قیمت نشان داده شده برای قلم ۳۴ در اعلام بها []۱۴/۷ دلار آمریکا می‌باشد (در کپی اعلام بهای موجود در سوابق، دومین رقم سنت ناخوانا می‌باشد).

[۸۷۲] قلم ۱۸ (*بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (ب)، بالا) میان این اقلام بوده است.

(ث) فرم «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال (حاوی مهر «گزارش روزآمد شدهٔ مواد مازاد»)، مورخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱]، دال بر این که ۴۴ قلم از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ توسط آموکو دریلینگ به ویلسون اینداستریز مسترد شده بوده است؛[۸۷۳]

(ج) «موافقت‌نامهٔ فروش» مورخ ۱۰ تیر ۱۳۶۰ [اول ژوئیه ۱۹۸۱] میان آموکو پروداکشن کامپنی (اینترنشنال) («آموکو پروداکشن»)، به نمایندگی از ایران پان آمریکن، و ویلسون اینداستریز، که از طریق آن، آموکو پروداکشن توافق به فروش، و ویلسون اینداستریز توافق به خرید، از جمله، اقلامی از «اموال شخصی» توصیف‌شده تحت عنوان «ابزارهای کی‌سی-۷۹۰۰۵۴» نمود.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

۱۷۶۰ - استدلال‌های ایران در این ادعا مشابه استدلال‌هایی است که آن دولت در ارتباط با ادعای خود راجع به سفارش خرید شمارهٔ ۷۸۰۴۵۶[۸۷۴] مطرح می‌کند. راجع به هرگونه معضلات ادعایی در شناساییِ دقیقِ این که کدام اقلام از اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ در آذر ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال شده‌اند و کدام‌ها در سال ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] به ویلسون اینداستریز مسترد شده‌اند، ایران مدعی است که این بحث،

[۸۷۳] از فرم «انتقال مواد» ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] تعیین این‌که دقیقاً کدام اقلام از اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ فهرست‌شده در اعلام بهای ویلسون انداستریز (*بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (الف)، بالا) به ویلسون اینداستریز مسترد شده ممکن نیست زیرا اعلام بها تا حدی ناخوانا می‌باشد. به همین دلیل، تعیین این‌که آیا تمام واحدهای سفارش داده شده از هر یک از ۴۴ قلم سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ فهرست‌شده در فرم «انتقال مواد» ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱]، یا فقط بخشی از آن واحدهای سفارش داده شده به ویلسون اینداستریز مسترد گردیده یا خیر، غیرممکن است.

[۸۷۴] *بنگرید به* بندهای ۱۷۴۴-۱۷۴۵، بالا.

چندان مرتبط نیست زیرا، در هر حال، تمام آن اقلام در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «اموال ایران» موجود در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند.

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۶۱ - ایالات متحده مدعی است که نمی‌توان این دولت را ذیل بند ۹ بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ مسؤول دانست زیرا اقلام یا در ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] به حساب مازاد ارسال شده‌اند، و بنابراین، ایران در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مالک آن‌ها نبوده است، یا سایر اقلام در ۱۳ تیر ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] قبل از این‌که ایالات متحده هرگونه اطلاعی از سوی ایران در این خصوص بیابد که ایران در تحصیل استرداد اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ نیازمند مساعدت است، به ویلسون ایندااستریز مسترد شده‌اند.

۱۷۶۲ - ایالات متحده مضافاً مدعی است که ممکن نیست بتوان از مدارک موجود در ادله به طور دقیق احراز کرد که کدام اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ به حساب مازاد ارسال شده و سپس به ویلسون ایندااستریز مسترد شده، و کدام اقلام در حساب مازاد باقی مانده است.

*تصمیم دیوان*

۱۷۶۳ - به نظر می‌رسد که در این خصوص اختلافی وجود ندارد، و دیوان قانع شده است، که اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده است و در این تاریخ یا در تصرف آموکو اینترنشنال یا آموکو دریلینگ در ایالات متحده بوده است. این ادله، به طور خاص، مشتمل هستند بر: (یک) فرم‌های «ثبت دریافت مواد» شرکت بسته‌بندی، مورخ میان ۲۴ مهر و ۲۲ آذر ۱۳۵۸ [۱۶ اکتبر و ۱۳ دسامبر ۱۹۷۹]؛[۸۷۵] و (دو) فرم‌های «انتقال مواد» ۲۷ آذر ۱۳۵۹ و ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰ و

[۸۷۵] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (ب)، بالا.

چهارم ژوئن ۱۹۸۱] داخلی آموکو اینترنشنال.[۸۷۶] بر این اساس، حق مالکیت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است.

۱۷۶۴ - به علاوه، ادله دیوان را قانع کرده است که بخش اعظم، اگر نه تمام، اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است. این مدارک، به طور خاص، مشتمل بر فرم داخلی «انتقال مواد» ۱۳ تیر ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] آموکو اینترنشنال است.[۸۷۷]

۱۷۶۵ - بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ نشان‌دهندهٔ «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشند.

۱۷۶۶ - دیوان، بر اساس ادلهٔ ارائه‌شده، قانع شده است که، پس از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، آموکو اینترنشنال بخش اعظم، ولی نه تمام، اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ را به ویلسون اینداستریز بازفروش کرده است.[۸۷۸]

۱۷۶۷ - دیوان، به دلایل ذکرشده در ارتباط با ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ و سابقاً در این حکم جزئی،[۸۷۹] نتیجه می‌گیرد که، در عمل، آموکو اینترنشنال آن اقلام را به منظور جبران پرداخت‌هایی فروخت که برای ارضای فروشندگانی صورت داده بود که مبلغی توسط خارک به آن‌ها پرداخت

---

[۸۷۶] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (پ) و (ث)، بالا. قلم ۳۴ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، فهرست‌شده در «اعلام بهای شماره H1-61-85461-9H» صادره در ۲۷ تیر ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] (*بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (الف)، بالا)، در هیچ‌کدام از فرم‌های «انتقال مواد» داخلی آموکو اینترنشنال مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۹ و ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰ و چهارم ژوئن ۱۹۸۱] ثبت نشده است. با این حال، به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از طرفین مدعی نیست، و، در اوضاع و احوال موجود، دلیلی وجود ندارد تا دیوان فرض کند که قلم ۳۴ به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل نداده شده است و این‌که در ۲۹ آذر ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در مالکیت آموکو اینترنشنال یا آموکو دریلینگ، همراه با سایر اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ نبوده است.

[۸۷۷] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (ث)، بالا.

[۸۷۸] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (ث) و (ج).

[۸۷۹] *بنگرید به* بندهای ۱۷۵۱-۱۷۵۲، بالا.

نشده بوده و آموکو اینترنشنال در مورد آن پرداخت‌ها معتقد بود که ادعایی علیه خارک داشته است (که آموکو اینترنشنال نهایتاً ارزش آن‌ها را ۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا دانست[۸۸۰]). این که آیا خارک بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ مبالغ را به ویلسون ایندااستریز پرداخته است یا خیر، اهمیتی در این نتیجه‌گیری ندارد.

۱۷۶۸ - در نتیجه، دیوان حکم می‌کند که آموکو اینترنشنال بخش اعظم، ولی نه تمامِ اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ را به جهت وجود بدهی پرداخت‌نشده، حفظ کرده و فروخته است و در نتیجه، آن اقلام در واقع توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ مستثناء بوده است. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیهٔ عمومی را نقض کرده و مسؤولیت بین‌المللی این دولت در خصوص آن اقلام محقق است.[۸۸۱] دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۸۸۲]

۱۷۶۹ - در پرتو نتیجه‌گیری بالا، دیوان نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوز بازفروش اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ را به فروشندگان داشته است یا خیر.

۱۷۷۰ - بنابر مراتب پیش‌گفته، ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ تأیید می‌شود.

---

[۸۸۰] *بنگرید به* بند ۱۷۵۲، بالا.

[۸۸۱] تعهدات ایالات متحده نسبت به اموال عینی ایران ذیل بیانیه عمومی این است که نخست، محدودیت‌هائی را که آن دولت طی دوره ۲۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به حمل و نقل و آزادی انتقال آن اموال برقرار کرده بوده، رفع کند و دارندگان آن اموال را که مشمول قلمرو قضائی آن دولت بودند ملزم نماید اموال مزبور را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند انتقال دهند و دوم، اقداماتی را به منظور تضمین متابعت از الزام مزبور به عمل آورد. *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹ بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

[۸۸۲] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۳*

*پیشینهٔ موضوعی*

**۱۷۷۱ -** آموکو اینترنشنال در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] یا حوالی آن تاریخ[۸۸۳] ۱۶ قلم پیچ و مهره را به ویلسون اینداستریز ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ («اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳») سفارش داد. ویلسون اینداستریز در سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] با فاکتور شمارهٔ H1-61-86100-9H برای خارک به مبلغ ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ صورت‌حساب صادر کرد. خارک در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ [سوم سپتامبر ۱۹۷۹] چک شمارهٔ ۶۰۸۴ را به نفع ویلسون اینداستریز در راستای پرداخت آن مبلغ صادر نمود. آموکو اینترنشنال از طریق «یادداشت اقدام» مورخ ۱۰ آبان ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] چک شمارهٔ ۶۰۸۴ را به ویلسون اینداستریز ارسال کرد.

**۱۷۷۲ -** وفق فهرست‌های اسفند ۱۳۵۹ و فروردین ۱۳۶۰ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]،[۸۸۴] در این ماه‌ها، اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳، صورت‌حساب شده به مبلغ ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا، در هیوستون در انبار کارگزار حمل و نقل تعیین شدهٔ آموکو اینترنشنال، وورلد ترید بودند.

**۱۷۷۳ -** سابقه به علاوه، از جمله، مشتمل بر مدارک زیر است:

---

[۸۸۳] هیچ یک از طرفین کپی سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ را ارائه نکرده است. سابقه حاوی کپی فاکتور ویلسون اینداستریز به شمارهٔ H1-61-86100-9H سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ است که برای خارک به وسیله آموکو اینترنشنال تهیه شده است (*بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا)؛ آخرین صفحهٔ اعلام بهای مذکور حاوی مهری است که، از جمله، نشان‌دهندهٔ این عبارات است: «تأیید شد: [پاراف، ناخوانا] ۵۸/۶/۷ [۷۹/۸/۲۹]». بر این اساس، دیوان در نبود ادلهٔ قاطع بیش‌تر، فرض می‌گیرد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹]، سه روز پس از تاریخ تأیید اعلام شده در مهر مذکور و یک روز قبل از صدور چکی به مبلغ ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا به نفع ویلسون اینداستریز، سفارش داده شده است (*بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا).

[۸۸۴] *بنگرید به* بندهای ۱۲۲۱-۱۲۲۲، بالا.

(الف) «گزارش وضعیت مواد مشتری» مورخ ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این‌که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ تا ۲۶ مهر ۱۳۵۸ [۱۸ اکتبر ۱۹۷۹] توسط شرکت بسته‌بندی آموکو اینترنشنال در هیوستون دریافت شده بوده‌اند؛

(ب) فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال، مورخ ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ از انبار آموکو دریلینگ در هیوستون به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده بوده‌اند؛

(پ) فرم داخلی «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال (حاوی مهر «گزارش روزآمد شدهٔ مواد مازاد»)، مورخ ۱۳ تیر ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱]، دال بر این که هشت قلم از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ توسط آموکو دریلینگ به ویلسون ایندااستریز مسترد شده بوده است؛[۸۸۵]

(ت) «موافقت‌نامهٔ فروش» ۱۰ تیر ۱۳۶۰ [اول ژوئیه ۱۹۸۱] میان آموکو پروداکشن کامپنی (اینترنشنال) («آموکو پروداکشن»)، به نمایندگی از ایران پان آمریکن، و ویلسون ایندااستریز، که به واسطه آن، آموکو پروداکشن، توافق به فروش، و ویلسون ایندااستریز توافق به خرید، از جمله، اقلام «اموال شخصی» توصیف‌شده تحت عنوان «ابزارهای کی‌سی-۷۹۰۱۲۳» کرد.

*اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

[۸۸۵] از مقایسهٔ فرم «انتقال مواد» مورخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] با فاکتور شمارهٔ H1-61-86100-9H (*بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا) این امر حاصل می‌شود که هشت قلم ثبت شده در فرم و «انتقال مواد» ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ فهرست‌شده در فاکتور ویلسون ایندااستریز می‌باشند.

۱۷۷۴ - استدلال‌های ایران در این ادعا مشابه استدلال‌هایی است که این دولت در ارتباط با ادعای خود راجع به سفارش‌های خرید شمارهٔ ۷۸۰۴۵۶ و کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ مطرح می‌کند.[۸۸۶]

*اظهارات ایالات متحده*

۱۷۷۵ - ایالات متحده ادعا می‌کند که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» ارسال شده‌اند؛ در نتیجه، از آن‌جا که خارک در آن تاریخ، مالکیتی بر آن اقلام نداشته، ایالات متحده را می‌توان ذیل بند ۹ مسؤول دانست.

*تصمیم دیوان*

۱۷۷۶ - ادله نشان می‌دهد که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به کارگزار حمل و نقل خارک تحویل داده شده بوده، و در آن تاریخ یا در تصرف آموکو اینترنشنال یا آموکو دریلینگ در ایالات متحده بوده است. این ادله، به طور خاص، مشتمل هستند بر: (یک) فهرست‌های اسفند ۱۳۵۹ و فروردین ۱۳۶۰ [مارس و آوریل ۱۹۸۰]؛[۸۸۷] (دو) «گزارش وضعیت مواد مشتری» ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال؛[۸۸۸] و (سه) فرم «انتقال مواد» ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] آموکو اینترنشنال.[۸۸۹] بر این اساس، دیوان حکم می‌کند که حق مالکیت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به خارک منتقل شده بوده است.

---

[۸۸۶] *بنگرید به* بندهای ۱۷۴۴-۱۷۴۵ و ۱۷۶۰، بالا.

[۸۸۷] *بنگرید به* بند ۱۷۷۲، بالا.

[۸۸۸] *بنگرید به* بند ۱۷۷۳ (الف)، بالا.

[۸۸۹] *بنگرید به* بند ۱۷۷۳ (ب)، بالا.

۱۷۷۷ - مسئله بدین ترتیب این می‌شود که آیا اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده موجود بوده است یا خیر. قطعاً، هشت قلم از اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ که در فرم «انتقال مواد» ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] آموکو اینترنشنال ثبت شده، یعنی، اقلام ۵، ۷، ۱۱ تا ۱۶ فهرست‌شده در فاکتور شمارهٔ H1-61-86100-9H ویلسون ایندااستریز («اقلام ۵، ۷، و ۱۱ تا ۱۶»)،[۸۹۰] که آموکو اینترنشنال در خرداد ۱۳۶۰ [ژوئن ۱۹۸۱] به ویلسون ایندااستریز مسترد کرده بوده، در آن تاریخ در قلمرو قضایی ایالات متحده وجود داشته است.[۸۹۱]

۱۷۷۸ - این که آیا سایر هشت قلم کی‌سی-۷۹۰۱۲۳، یعنی اقلام ۱ تا ۴، ۶، و ۸ تا ۱۰ فهرست‌شده در فاکتور شمارهٔ H1-61-86100-9H («اقلام ۱ تا ۴، ۶، و ۸ تا ۱۰»)[۸۹۲] نیز در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند یا خیر، مسئله‌ای دشوارتر است. دیوان، با لحاظ جمیع جهات، با توجه به تمام ادله و مدارک، قانع شده است که اقلام ۱ تا ۴، ۶، و ۸ تا ۱۰ نیز در آن تاریخ در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار داشته‌اند. دیوان در رسیدن به این نتیجه‌گیری، اوضاع و احوال بسیار خاص مربوط به اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۱۲۳ را مدنظر دارد، به طور خاص، این که، در حالی‌که درست است که تمام آن اقلام در ۲۷ آذر ۱۳۵۹ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۰] به «حساب مازاد ایران پان آمریکن» منتقل شده است، ادله‌ای نیز وجود دارد که آموکو اینترنشنال متعاقباً اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ را از حساب مازاد حذف کرده و آن‌ها را در نیمه اول ۱۳۶۰ [اواسط ۱۹۸۱] به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده است.

۱۷۷۹ - در پرتو مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ «اموال ایران» ذیل بند ۹ می‌باشند.

---

[۸۹۰] *بنگرید به* پانوشت ۸۸۵، بالا.

[۸۹۱] *بنگرید به* بند ۱۷۷۳ (پ)، بالا.

[۸۹۲] سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ جمعاً فراگیر ۱۶ قلم بود. *بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا.

۱۷۸۰ - مدارک مندرج در سابقه نشان می‌دهد که، آموکو اینترنشنال در نیمه اول ۱۳۶۰ [اواسط ۱۹۸۱] اقلام ۵، ۷، و ۱۱تا ۱۶[۸۹۳] را به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده است. دیوان، به دلایل ذکرشده در ارتباط با ادعای ایران راجع به سفارش خرید کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ و سابقاً در این حکم جزئی،[۸۹۴] نتیجه می‌گیرد که در عمل، آموکو اینترنشنال اقلام ۵، ۷، و ۱۱ تا ۱۶ را به منظور جبران پرداخت‌هایی فروخت که برای ارضای فروشندگانی صورت داده بود که مبلغی توسط خارک به آن‌ها پرداخت نشده بود و آموکو اینترنشنال در مورد آن پرداخت‌ها معتقد بود که ادعایی علیه خارک داشته است (که آموکو اینترنشنال نهایتاً ارزش آن‌ها را ۲۴،۷۲۷/۳۳ دلار آمریکا دانست).[۸۹۵] این که آیا خارک بابت آن اقلام مبلغی به ویلسون ایندااستریز پرداخته است یا خیر، اهمیتی در این نتیجه‌گیری ندارد.

۱۷۸۱ - در نتیجه، دیوان حکم می‌کند که آموکو اینترنشنال اقلام ۵، ۷، و ۱۱ تا ۱۶ را حفظ کرده و فروخته و در نتیجه، آن اقلام در واقع توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ مستثناء بوده‌اند. در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را نقض کرده و مسؤولیت بین‌المللی این دولت راجع به آن اقلام محقق است.[۸۹۶] دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده

---

[۸۹۳] *بنگرید به* بند ۱۷۷۳ (پ)-(ت) و پانوشت ۸۸۵

[۸۹۴] *بنگرید به* بندهای ۱۷۵۱-۱۷۵۳، بالا.

[۸۹۵] *بنگرید به* بند ۱۷۵۲، بالا.

[۸۹۶] تعهدات ایالات متحده نسبت به اموال عینی ایران ذیل بیانیه عمومی این است که نخست، محدودیت‌هائی را که آن دولت طی دوره ۲۳ آبان ۱۳۵۸ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نسبت به حمل و نقل و آزادی انتقال آن اموال برقرار کرده بوده، رفع کند و دارندگان آن اموال را که مشمول قلمرو قضائی آن دولت بودند ملزم نماید اموال مزبور را به ترتیبی که دولت ایران تعیین می‌کند انتقال دهند و دوم، اقداماتی را به منظور تضمین متابعت از الزام مزبور به عمل آورد. *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹ بند ۷۷ (الف)، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۴۰.

هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.[۸۹۷]

۱۷۸۲ - در پرتو نتیجه‌گیری بالا، دیوان نیازی نمی‌بیند در این خصوص تصمیم‌گیری کند که آیا آموکو اینترنشنال، به عنوان کارگزار خرید خارک، مجوز بازفروش اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ به فروشنده را داشته است یا خیر.

۱۷۸۳ - در مقابل، هیچ قرینه‌ای وجود ندارد مبنی بر این که، در هر زمان، آموکو اینترنشنال اقلام ۱ تا ۴، ۶، و ۸ تا ۱۰ را به فروشندگان بازفروش کرده، یا به شخص ثالث فروخته باشد، و دیوان، بر اساس سابقهٔ پیش‌روی خود، حاضر نیست فرض کند که آموکو اینترنشنال آن اقلام را فروخته است. دیوان، به دلایل مشابه دلایلی که در ارتباط با ادعای ۱۹۹۶-د[۸۹۸] ذکر شد، مقرر می‌دارد که ایالات متحده به اندازهٔ کافی ادعای ایران راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ را وارسی کرده و هر آن‌چه می‌توانست انتظار داشت که در اوضاع و احوال مربوطه به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ در راستای برداشتن گام‌هایی برای تضمین انتقال اقلام ۱ تا ۴، ۶، و ۸ تا ۱۰ به ایران انجام دهد، انجام داده است.[۸۹۹]

۱۷۸۴ - بر اساس آن‌چه گذشت، ادعای ایران در خصوص سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۱۲۳:

(یک) تا آن‌جا که به اقلام ۵، ۷، و ۱۱ تا ۱۶ مربوط می‌شود، تأیید می‌گردد؛

(دو) تا آن‌جا که به اقلام ۱ تا ۴، ۶، و ۸ تا ۱۰ مربوط می‌شود، رد می‌گردد.

*نتیجه‌گیری کلّی*

---

[۸۹۷] *بنگرید به* بند ۱۲، بالا.

[۸۹۸] *بنگرید به* بندهای ۱۷۱۳-۱۷۱۴، بالا.

[۸۹۹] *بنگرید به* بندهای ۱۶۹ و ۲۱۱، بالا.

۱۷۸۵ - در پرتو مراتب بالا دیوان: (یک) ادعای ۱۹۹۶-ث/ج راجع به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۳۷۸، کی‌سی-۷۸۰۴۳۶، و کی‌سی-۷۹۰۱۰۶ را رد می‌کند؛ و ادعای ۱۹۹۶-ث/ج ایران راجع به سفارش‌های خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، و کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ (در ارتباط با اقلام ۵، ۷، و ۱۱ تا ۱۶) را تأیید می‌کند.

۳. جبران خسارات

*الف) مقدمه*

۱۷۸۶ - هرجا که دیوان حکم می‌کند که ایالات متحده مطابق تعهدات خود ذیل بیانیه‌های الجزایر عمل نکرده است، ایالات متحده موظف خواهد بود خساراتی که به ایران در نتیجه چنین نقضی وارد آمده را جبران نماید. دیوان در خصوص شکل جبران خسارت و مقدار غرامتی که ایالات متحده بر عهده دارد، به اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر نتایج حقوقی عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، که دیوان وفق ماده ۵ بیانیه‌های حل و فصل دعاوی مجاز به اعمال آن است، عنایت خواهد داشت.[۹۰۰]

۱۷۸۷ - مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، چنان‌که در ماده ۳۱ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل منعکس شده است، «دولت مسؤول متعهد به جبران کامل خسارت بابت زیان‌هایی است که از عمل متخلفانه بین‌المللی ناشی شده است».[۹۰۱] معیار جبران خسارات کامل توسط دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در رأی سال ۱۳۰۷/۱۳۰۶ [۱۹۲۸] در قضیه *کارخانه خورژوف* به شرح زیر اعلام شده است:

---

[۹۰۰] ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که دیوان «اتخاذ تصمیم درباره تمام موارد را بر اساس رعایت قانون» از جمله با اعمال «اصول ... حقوق بین‌المللی»ای که دیوان تشخیص دهد قابل اعمال است «انجام خواهد داد». بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده پنج، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۱.

[۹۰۱] ماده ۳۱ (۱) مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، پانوشت ۸۹، بالا، ماده ۳۱.

اصل ضروری مندرج در مفهوم واقعی فعل غیرقانونی... آن است که جبران باید تا حد امکان تمامی نتایج فعل غیرقانونی را از میان برده و وضعیت را به حالتی بازگرداَند که به احتمال قریب به تعیین اگر آن فعل ارتکاب نیافته بود، وجود می‌داشت. اعاده وضع به حال سابق یا در صورت عدم امکان، پرداخت مبلغی معادل ارزش اعاده وضع به حال سابق؛ در صورت ضرورت، حکم به خسارات وارده که با اعاده وضع به حال سابق یا پرداخت در ازای آن جبران نمی شود، همگی اصولی هستند که در تعیین مبلغی که به عنوان غرامت از فعل مغایر حقوق بین الملل باید پرداخت شود مورد استفاده قرار گیرند.[۹۰۲]

رأی *کارخانه خورژوف* به طور گسترده به عنوان معتبرترین بیان اصول حاکم بر جبران خسارت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی تلقی می شود.[۹۰۳]

۱۷۸۸ - مطابق حقوق بین‌الملل عرفی اَشکال جبران خسارت شناسایی‌شده به عنوان روش‌هایی که دولت مسؤول برای جبران خسارت کامل باید انجام دهد چنان‌که در رأی *کارخانه خورژوف* پی‌ریزی شده،[۹۰۴] شامل اعاده وضع به حال سابق و غرامت است. ماده ۳۴ مواد کمیسیون حقوق بین الملل مقرر می‌دارد که:«جبران کامل

---

[902] Factory at Chorzów (Ger. v. Pol.), Judgment (Merits), 1928 P.C.I.J. (ser. A) No. 17, at 47 (13 Sept.).

[۹۰۳] *بنگرید به*

BORZU SABAHI, COMPENSATION AND RESTITUTION IN INVESTOR-STATE ARBITRATION – PRINCIPLES AND PRACTICE 47 (2011).

برای ملاحظهٔ رویه قضائی بین‌المللی، برای مثال *بنگرید به آموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۵۶-۳۱۰، بند ۱۹۱ (۲۳ تیر ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷]) *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ص ۱۸۹، ۲۴۶؛

*Petrobart Ltd. v. Kyrgyz Republic*, Award (SCC Arb. No. 126/2003), at 30-31 (29 Mar. 2005); *CMS Gas Transmission Co. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/01/8, para. 400 (12 May 2005); *Siemens A.G. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/02/8), paras. 350-51 (6 Feb. 2007); *Bernhard Friedrich Arnd Rüdiger von Pezold et al. v. Republic of Zimbabwe*, Award (ICSID Case No. ARB/10/15), para. 683 (28 July 2015).

[۹۰۴] *بنگرید به* بند ۱۷۸۷، بالا.

خسارت ناشی از فعل متخلفانه بین المللی به شکل اعاده وضع به حال سابق، غرامت و جلب رضایت است که منفرداً یا مجتمعاً صورت می گیرد...».[۹۰۵]

**۱۷۸۹ -** این امر نیز چنان‌که در رأی *کارخانه خورژوف* تأیید شده، مورد شناسایی قرار گرفته که اعاده وضع به حال سابق، نخستین شکل از جبران خسارت ناشی از عمل متخلفانه بین المللی است.[۹۰۶] بر این اساس، ماده **۳۵** مواد کمیسیون حقوق بین الملل مقرر می دارد:

*ماده **۳۵** – اعاده وضع به حال سابق*

دولت مسؤول فعل متخلفانه بین المللی متعهد است که وضع را به حال سابق اعاده کند؛ یعنی وضعیتی را که پیش از ارتکاب فعل متخلفانه وجود داشته است را مجدداً برقرار کند مشروط بر این و تا حدی که اعاده وضع به حال سابق:

الف) از نظر مادی غیرممکن نباشد؛

ب) متضمن تحمیل تکلیفی خارج از تناسب با مزیتی نباشد که از اعاده وضع به حال سابق به جای پرداخت غرامت حاصل می گردد.[۹۰۷]

دولت مسؤول، «در محدوده‌ای که نشود خسارات را با اعاده وضع به حال سابق جبران کرد»[۹۰۸] متعهد به پرداخت غرامت بابت خسارات ناشی شده می‌باشد، و «در محدوده‌ای که نشود خسارات را با اعاده وضع به حال سابق یا پرداخت جبران کرد»[۹۰۹] متعهد به جلب رضایت بابت خسارات وارده است.

---

[۹۰۵] ماده ۳۴ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین الملل، بالا، پانوشت ۸۹، ماده ۳۴.

[۹۰۶] *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، بالا، پانوشت ۸۹، شرح ۳ بر ماده ۳۵؛
JAMES CRAWFORD, STATE RESPONSIBILITY – THE GENERAL PART 508-9 (2013);
صباحی، پانوشت ۹۰۳، بالا، ص ۶۱.

[۹۰۷] ماده ۳۵ مواد کنوانسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، بالا، پانوشت ۸۹، ماده ۳۵.

[۹۰۸] ماده ۳۶ (۱) مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، بالا، پانوشت ۸۹، ماده ۳۶.

[۹۰۹] ماده ۳۷ (۱) مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، بالا، پانوشت ۸۹، ماده ۳۷.

۱۷۹۰ - دیوان در تعیین شکل جبران خسارت و مقدار غرامت ایالات متحده در ادعاهای جداگانه، هرجا نتیجه گرفته باشد که ایالات متحده ذیل بیانیه های الجزایر وفق تعهدات خود عمل نکرده است، اصول ترسیم شده در بندهای پیشین را مدنظر قرار خواهد داد.

*ب) سببّیت*

۱۷۹۱ - ماده ۳۱ مواد کمیسیون حقوق بین الملل مقرر می دارد:

*ماده ۳۱. جبران*

۱. دولت مسؤول متعهد است که زیان ناشی از فعل متخلفانه بین المللی را به طور کامل جبران کند.

۲. زیان عبارت از هر گونه خسارتی اعم از مادی یا معنوی است که از فعل متخلفانه بین المللی دولت ایجاد شود.[۹۱۰]

۱۷۹۲ - شرح مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسؤولیت دولت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی، چنان‌که در نخستین خوانش در سال ۱۳۷۴/۱۳۷۵ [۱۹۹۶] پذیرفته شد، در خصوص رابطه سببیت میان عمل متخلفانه بین المللی و زیان که جهت طرح تعهد به جبران ناشی از مسؤولیت دولت باید وجود داشته باشد به درستی خاطرنشان می‌کند:

> کمیسیون با توجه به گوناگونی شرایط محتمل تلاش نکرده است به معیارهای غیر منعطف که بر تمام موارد قابلیت اعمال داشته باشد دست یابد، یا متعرض درصدهای قابل اعمال خسارات موضوع حکم علیه دولت متخلف در مواردی باشد که عمل آن دولت یکی از اسباب – قطعی ولی نه انحصاری – ورود زیان به دولت دیگری است. به نظر کمیسیون، اندیشهٔ شرایطی که فرمول‌های قابل اعمال کلی برای فروض مختلف رابطه سببیت وضع شود و تلاش برای ترسیم خط فاصل میان خسارتی که مستلزم غرامت است و خسارتی که مستلزم غرامت نیست بی‌هوده و عبث خواهد بود. اعمال اصول و معیارهایی که بحث آن آمد صرفاً می‌تواند مبتنی بر عناصر موضوعی و اوضاع و

[۹۱۰] ماده ۳۱ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، بالا، پانوشت ۸۹، ماده ۳۱.

احوال در هر پرونده، به کار گرفته شود، جایی که اختیار داوران یا توانایی دیپلماتیک مذاکره‌کنندگان، در داوری میزان قابلیت جبران زیان نقش قاطعی ایفا خواهد کرد.[۹۱۱]

**۱۷۹۳** - نظام‌های حقوقی داخلی، مفاهیم و فنون عدیده‌ای طراحی شده برای وضعیت‌هایی اندیشیده‌اند که ممکن است حاوی تعدّد اسباب باشد تا نتایج حاصله را مبتنی بر معیارهای محض علمی، مانند آموزه شرط ضروری (*conditio sine qua non*) یا معیار «سبب کلیدی» (but-for) تصحیح و اصلاح کنند. این مفاهیم و فنون که چنین توسعه یافته است، عامدانه هنجاری هستند و شامل تحقیق در «کفایت»، «قابلیت پیش‌بینی»، تحلیل (تطبیقی) میزان «قصور» یا «غیرقانونی‌بودن»، و نیز در دوره‌های مدرن، تحلیل توانایی‌های تطبیقی کنترل ریسک و مدیریت ریسک از سوی افراد گوناگونی است که درگیر در شرایطی هستند که به زیان وارده منتج می‌شود.[۹۱۲] به ویژه، وضعیتی که محصول چندگانه بودن سبب‌هاست، یعنی مجموعه‌ای که از به‌هم آمیختگی چندین عنصر حاصل شد، که یکی از آن‌ها ممکن است رفتار متخلفانهٔ خوانده باشد، عموماً با پرداختن به فرایند ارزیابی و سنجش مورد رسیدگی واقع می‌شود.[۹۱۳] این فرآیند به عنوان نمونه، در شناسایی سبب «اصلی»، «عمده» یا «غالب» و «مؤثر» اسباب دخیل، درگیر می‌شود. دادگاه‌های استرالیا و نیز دادگاه پژوهش و مجلس اَعیان انگلستان به نحوی سازگار در چنین بررسی‌هایی بر غلبهٔ «عقل سلیم»، «تدبیر» و «قضاوت ارزشی» تأکید کرده‌اند.[۹۱۴] دیوان با این روی‌کرد کلی موافق است و آن را به‌کار می‌بندد.

---

[911] [1993] 2 (2) Y.B. INT'L L. COMM. 1, 70 (para. 13).

[912] A.M. Honoré, *Causation and Remoteness of Damage*, *in* 11 (1) INT'L. ENC. COMP. L. (Ch. 7) 4, 33-66 (A. Tunc ed., 1982).

[۹۱۳] همانجا، ۹-۱۰.

[914] *Monarch Steamship Co. Ltd. v. Karlshamns Oljefabriker A/B* [1949] A.C. 196, at 227-228.; *Alexander v. Cambridge Credit Corp. Ltd*. (1987) 9 N.S.W.L.R. 310, at 333-335 (per *Mahoney* J.A); *March v. E. & M.H. Stramare Pty. Ltd*. (1991) 171 C.L.R. 506, at 515 (per *Mason* C.J.); *Galoo Ltd. (in liquidation) and Others v. Bright Grahame Murray and Another* [1994] 1 W.L.R 1360, at 1370-1375 (per *Glidewell* L.J.).

**۱۷۹۴ -** در واقع، دیوان در حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]) در پرونده *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا* پیشاپیش به تعدادی از الگوهای موضوعی پیچیده، مانند الگوهای سبب‌های «جایگزین»، «فرضی»، «انباشتی» و «فراگیر»، و روش چگونگی حل آن‌ها مطابق نظر مراجع پیشرو که آن‌ها را از چشم‌انداز تطبیقی تحلیل کرده‌اند را پرداخته است.[۹۱۵] پرونده‌های حاضر دلیل افزون‌تری است بر این مدعا که تحلیل تطبیقی قوانین داخلی راهبرد مفیدی را ارائه می‌دهد.

**۱۷۹۵ -** رفتار و وضعیت طرف زیان‌دیده غالباً سبب هم‌زمان آسیب وارده به آن طرف (در این‌جا: ایران) است. چنین رفتاری می‌تواند مسبوق، هم‌راه یا متعاقب رفتار متخلفانه طرف مرتکب خطای مدنی/طرفی که از ایفای تعهد سرباز می‌زند (در این‌جا: صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری) باشد.[۹۱۶] در رویارویی با چنین وضعیتی، قانون باید تعیین کند که آیا، و اگر چنین است، تا چه میزان، بر مسؤولیت مرتکب خطای مدنی/طرفی که از ایفای تعهد سر باز زده، تأثیر دارد. در میان نظام‌های حقوقی مدرن، برخی راه کاهش یا در برخی موارد، راه حذف خسارات طرف آسیب‌دیده در فرض خطای هم‌زمان را برگزیده‌اند.[۹۱۷] همان‌طور که یکی از برجسته‌ترین شارحین خاطرنشان ساخته است، هدفی که اکنون عموماً مشترک است، نخست، تسهیم خسارات در این موارد با به

---

[۹۱۵] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بندهای ۵۱-۵۴، ۹۳-۹۲ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۹۱۶] *بنگرید به* اونوره، پانوشت ۹۱۲، بالا، ص ۹۴.

[۹۱۷] اتریش (ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی)؛ سوئیس (ماده ۴۴ قانون تعهدات). بخش (۱) ۲۵۴ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد:

> در مواردی که قصور طرف زیان‌دیده سهمی در ورود خسارت دارد، مسؤولیت بابت خسارت و نیز مقدار جبران خسارت به اوضاع و احوال و به ویژه به میزانی که یکی از طرفین به نحو غالب سبب خسارت بوده، بستگی خواهد داشت.

مضافاً، بخش فرعی (۲) از بخش ۲۵۴ قانون مدنی آلمان اشعار می‌دارد که کوتاهی در پیشگیری یا به حداقل رساندن خسارت وجه مشخصی از قصور مشارکتی است:

> این قاعده بر موردی که قصور زیان‌دیده محدود به کوتاهی از متوجه کردن متعهد به خطر خسارت غیرمعمول و گسترده باشد نیز اعمال می‌شود، موردی که متعهد نه از خطر آگاه بوده و نه می‌بایست آگاه بوده باشد، یا کوتاهی در پیش‌گیری یا تقلیل خسارت. [...]

کارگیری روی‌کردهای مفهومی موسّع و دوم، قاعده کلی لزوم تقلیل خسارت توسط طرف آسیب‌دیده است[۹۱۸] که دیوان اکنون به آن امر خواهد پرداخت.

*پ) تقلیل خسارات*

**۱۷۹۶** - مطابق حقوق بین‌الملل، قصور دولت زیان‌دیده در انجام اقدامات معقول به منظور محدودکردن خسارات وارده به خود که از عمل متخلفانه بین المللی دولت دیگر حاصل شده، می‌تواند به کاهش جبران خسارت

[۹۱۸] *بنگرید به* اونوره، بالا، پانوشت ۹۱۲، ص ص ۹۶، ۱۰۱–۱۰۷.

تا میزانی که قابل اجتناب بوده بینجامد. این اصل توسط کمیسیون حقوق بین الملل تصدیق شده[۹۱۹] و در تصمیمات محاکم بین‌المللی[۹۲۰] از جمله این دیوان اعمال شده است.[۹۲۱]

**۱۷۹۷ -** اصل کاهش خسارات در قوانین داخلی مربوط به مسؤولیت مدنی و قراردادهای بسیاری از نظام‌های حقوقی و همچنین، حقوق بازرگانی فراملی شناخته شده است.[۹۲۲] این اصل مستلزم آن است که خواهان («طرف

---

[۹۱۹] *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، بالا، پانوشت ۸۹، شرح ۱۱ بر ماده ۳۱ («حتی از یک قربانی کاملاً بی‌گناه رفتار متخلفانه انتظار می‌رود که هنگام رویارویی با صدمه، به نحو معقولی عمل کند. اگرچه اغلب با عبارت «وظیفه تقلیل خسارت» بیان می‌شود، ولی این خود تعهد حقوقی نیست که مسؤولیت‌آور باشد. در عوض این سخن بیشتر به این معناست که قصور در تقلیل خسارت توسط طرف زیان‌دیده ممکن است به همان میزان وی را از جبران خسارت محروم کند».)

[۹۲۰] *بنگرید به*

Gabčikovo-Nagymaros Project (Hung./Slovk.), 1997 I.C.J. 7, 55, ¶ 80 (25 Sept.)

(«دولت زیان‌دیده که در اقدام برای محدود کردن خسارات واردهٔ خود قصور ورزیده حق مطالبهٔ آن بخشی از خسارت را که قابل احتراز بوده، ندارد»)؛

U.N. Compensation Comm'n, Governing Council decision 15, *Compensation for Business Losses Resulting from Iraq's Unlawful Invasion and Occupation of Kuwait where the Trade Embargo and Related Measures Were also a Cause*, 8th sess., 14-18 Dec. 1992, U.N. Doc. S/AC.26/1992/15 (1992), ¶ 9 (IV)

(«مجموع خسارات قابل جبران به میزان خساراتی که می‌توانسته از آن اجتناب شود، کاهش داده خواهد شد»)؛

U.N. Compensation Comm'n, Governing Council, *Report and Recommendations Made by the Panel of Commissioners Appointed to Review the Well Blowout Control Claim (the "WBC Claim")*, 15 Nov. 1996, U.N. Doc. S/AC.26/1996/5/Annex (18 Dec. 1996), ¶ 54

(«مطابق اصول کلی حقوق بین‌الملل مربوط به تقلیل خسارات ... خواهان نه تنها مجاز بلکه مکلف بوده اقدامات معقول را ... برای تقلیل زیان‌ها، خسارات یا صدمات حادث شده، به عمل آورد ...»). دیوان‌های رسیدگی‌کننده به اختلافات سرمایه‌گذاری هم اصل تقلیل خسارات را پذیرفته‌اند. برای مثال *بنگرید به*

*Middle East Cement Shipping and Handling Co. S.A. v. Arab Republic of Egypt*, Award (ICSID Case No. ARB/99/6), para. 167 (12 Apr. 2002); *Tza Yap Shum v. The Republic of Peru*, Award (ICSID Case No. ARB/07/6), paras. 246 & 250-51 (7 July 2011).

[۹۲۱] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۲۲۱ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]) (که اظهار داشته قصور دولت زیاندیده در به عمل آوردن اقدامات معقول برای محدود کردن خسارات می‌تواند به کاهش جبران خسارت در محدوده‌ای که خسارت قابل اجتناب بوده، بینجامد).

[۹۲۲] بنگرید به ماده ۸-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، (UPICC)، ۲۰۱۶، که اشعار می‌دارد:

(۱) طرفی که از ایفای تعهد سرباز زده مسؤول صدمات متحملهٔ طرف زیان‌دیده در محدوده‌ای که با اقدامت معقول وی اجتناب‌پذیر بوده، نمی‌باشد.

(۲) طرف زیان‌دیده استحقاق جبران مخارجی را که جهت تلاش برای تقلیل زیان متحمل شده، دارد.

زیان‌دیده») از زیان ناشی از رفتار خوانده (به عنوان نمونه، طرف مرتکب خطای مدنی یا «متخلف» در یک رابطه قراردادی) بکاهد. تحقیق بیش‌تر در خصوص ماهیت حقوقی آن اصل ضروری نیست. هدف آن روشن است و حتی نظام‌های داخلی‌ای که تنها اخیراً آن را صراحتاً به این شکل بیان کرده‌اند در کاربرد اصول کلی‌تری، مانند «حسن نیت و رفتار منصفانه»، «حسن نیت» (*bonne foi*)، «مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان» یا آمیزه یا مجموعه‌ای از آن‌ها در راستای رسیدن به این هدف روی آورده‌اند: تا از بی‌عملی طرف زیان‌دیده و انتظار او برای جبران خسارتی که قابل احتراز یا کاهش بوده، جلوگیری کنند.[۹۲۳] قانون مستلزم آن است که طرف زیان‌دیده در راستای جلوگیری یا کاهش چنین خساراتی *اقدامات معقول* به عمل آورَد.

**۱۷۹۸ -** دیوان به عنوان مسئله‌ای مقدماتی با نتیجه‌گیری شارحین مدرن موافق است که فرض «انسان معقول» ابزار حقوق عرفی برای بررسی رفتار انسان -یا شرکت- است با قرار دادن ملاک‌ها، اما با آگاهی کامل از این‌که عینیت این ملاک‌ها خیالی است.[۹۲۴] حائز اهمیت است که حقوق بین‌الملل خصوصی در ارتباط با تعیین این که آیا رفتار یک فرد می‌تواند به نحو معقول به گونه‌ای تعبیر شود که واجد اثر حقوقی ایجاب یا قبول باشد یا خیر،

---

این اصل قبلاً در نسخه‌های ۲۰۱۰، ۲۰۰۴، و ۱۹۹۴ UPICC گنجانده و تثبیت شده بود. همچنین بنگرید به کنوانسیون بیع کالای بین‌المللی سازمان ملل (CISG) که در ماده ۷۷ مقرر می‌دارد:

> طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند باید اقداماتی را که در اوضاع و احوال حاکم معقول است را به منظور تقلیل زیان، از جمله عدم النفع، ناشی از نقض، به عمل آورد. اگر از معمول داشتن این اقدامات قصور ورزد، طرف متخلف می‌تواند ادعای کاهش مبلغی معادل میزانی را کند که خسارات باید تقلیل داده می‌شد.

[۹۲۳] اصول قراردادهای تجاری بین المللی یونیدروا ۲۰۱۶، ماده ۸-۴-۷، تفسیر (یونیدروا، ۲۰۱۶). برای دریافت دلایل تاریخی و توسعه و جزئیات این و سایر ابزارهای به کار برده شده به ویژه برای فائق آمدن بر اصل ترمیم کامل («یا کامل یا هیچ») و محدوده‌های غیرمنعطف جبران خسارت، *بنگرید به*

H. Stoll, *Consequences of Liability: Remedies*, *in* 11 (2) INT'L. ENC. COMP. L. (Ch. 8) 155 *et seq*. (A. Tunc ed., 1983).

[۹۲۴] *بنگرید به:*

John Gardner, *The Many Faces of the Reasonable Person*, 131 L.Q.R. 563 (2015).

اقامتگاه دائم فرد را مدنظر قرار می دهد، حتی اگر قانون حاکم بر قرارداد، قانون دیگری باشد.[۹۲۵] به عبارت دیگر، قانون تشخیص می‌دهد که «معقول بودن» رفتار فرد، نمی‌تواند به طور عینی و بریده از اوضاع و احوال، مانند مکانی که رفتار در آن رخ داده و وضعیت تاریخی غالب، مورد قضاوت قرار گیرد. دیوان اضافه می کند که در میان سایر عوامل، زمان و محیط حقوقی گسترده‌تر، اوضاع و احوال ذی‌ربط دیگری تلقی می‌شود.

**۱۷۹۹ -** دیوان ضمن تصدیق این که تحلیل رفتار یک طرف، ضرورتاً محدود به همان مورد خاص است، به این موضوع در ادعاهای جداگانه خواهد پرداخت.

*ت) ملاک‌های ادلهٔ اثبات ادعا*

**۱۸۰۰ -** چنان‌که دیوان در پرونده *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴])،[۹۲۶] لحاظ کرد، در حقوق بین‌الملل جا افتاده است که دشواری ارزیابی خسارات نباید مانع دست‌یابی خواهانی که منافع وی زیان دیده به جبران خسارت شود.[۹۲۷] این اصل در تصمیمات محاکم داوری بین‌المللی آمده است. بدین ترتیب، به عنوان نمونه، دیوان در پرونده *ویوندی علیه آرژانتین* گفته است: «این واقعیت کاملاً جاافتاده است که عدم امکان تعیین دقیق خسارات

---

[۹۲۵] این امر در بسیاری از نظام‌های حقوقی متعارف است، برای مثال در ماده ۸ (۲) کنوانسیون قانون حاکم بر تعهدات قراردادی پذیرفته شده، که در ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ [۱۹ ژوئن ۱۹۸۰] در رم برای امضا گشوده شد، (80/934/EEC), O.J. 8.10.1980, No. L 266, at 1؛ اکنون مادهٔ ۱۰ (۲) مقررات (EC) شماره 593/2008 پارلمان و شورای اروپا مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۸۷ [۱۷ ژوئن ۲۰۰۸] در خصوص قانون حاکم بر تعهدات قراردادی (Rome I)، O.J. EU 4.7.2008, No. L 177/6. همچنین قانون‌گذار سوئیس در ماده ۱۲۳ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۸۷ آن را پذیرفته است.

[۹۲۶] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بندهای ۲۳۰-۲۳۱ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۹۲۷] *به عنوان مثال بنگرید به*

SERGEY RIPINSKY & KEVIN WILLIAMS, DAMAGES IN INTERNATIONAL LAW 121 (2008).

در موردی که زیانی وارد شده است، دلیل عدم صدور حکم به خسارت وارده نمی‌باشد».[۹۲۸] دیوان داوری در پروندهٔ *تِکمِد علیه مکزیک* اظهار داشت که «در مواردی که وجود خسارت قطعی است هر گونه دشواری در تعیین غرامت مانع ارزیابی چنین غرامتی نمی‌باشد».[۹۲۹]

۱۸۰۱ - محاکم داوری بین المللی در تعیین میزان غرامتی که باید به آن حکم داده شود به طور کلی، ملاک اثبات ادله با رعایت تعادل احتمالات را اِعمال می‌کنند. به عنوان نمونه، پی‌یر کاوین، داور منفرد در پرونده *سفایر اینترنشنال پترولیوم، لیمتد علیه شرکت ملی نفت ایران* اظهار داشت:

> به منظور صدور حکم به خسارات لازم نیست میزان دقیق خسارت وارده اثبات شود. بر عکس، زمانی که اثبات این امر، به خصوص در نتیجه رفتار واردکنندهٔ خسارت، غیرممکن است، کافی است که قاضی بتواند با احتمال بسنده‌ای، وجود و میزان خسارت را بپذیرد.[۹۳۰]

۱۸۰۲ - دیوان داوری در پرونده *لِمیر علیه اوکراین* راجع به ملاک ادلهٔ اثبات خسارات اظهار داشت:

---

[928] *Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 8.3.16 (20 Aug. 2007) .

*همچنین بنگرید به*

*Southern Pacific Properties (Middle East) Ltd. v. Arab Republic of Egypt*, Award (ICSID Case No. ARB/84/3), para. 215 (20 May 1992).

[929] *Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003).

[930] *Sapphire International Petroleum Ltd. v. National Iranian Oil Co*., Award (15 Mar. 1963), 35 I.L.R. 136, 187-88 .

*همچنین بنگرید به*

*Ioannis Kardassopoulos et al. v. Republic of Georgia*, Award (ICSID Cases Nos. ARB/05/18 and ARB/07/15), para. 229 (3 Mar. 2010); *Gold Reserve Inc. v. Bolivarian Republic of Venezuela*, Award (ICSID Case No. ARB(AF)/09/1), paras. 685-86 (22 Sept. 2014).

همین که سببیت محرز شد، و اثبات گردید که طرفی که دارنده اموال است در واقع صدمه دیده است، برای اثبات میزان خسارات واقعی به قطعیت کم‌تری نیاز است؛ خواهان برای تعیین این امر صرفاً باید مبنایی ارائه دهد که دیوان بتواند با اعتمادی معقول بر مبنای آن، دامنهٔ زیان را تخمین بزند.[۹۳۱]

**۱۸۰۳ -** به علاوه، رویه قضائی بین‌المللی صلاحیت محاکم داوری بین المللی را در تعیین میزان خسارات به شیوهٔ منصفانه (یعنی انصافِ درون قانونی (*intra legem*))، و در این فرآیند، جایی که اوضاع و احوال اجازه محاسبه دقیق را نمی دهد، توسل به گمانه‌زنی را شناسایی کرده است.[۹۳۲]

---

[931] *Joseph Charles Lemire v. Ukraine*, Award (ICSID Case No. ARB/06/18), para. 246 (28 Mar. 2011)

(پانوشت حذف شده است). *همچنین بنگرید به*

*Impregilo S.p.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/07/17), para. 371 (21 June 2011).

(دیوان ضمن مدنظر قراردادن این امر که در اوضاع و احوال موجود، «لازم دانستن اثبات دقیق میزان خسارات وارده به [خواهان] نامعقول است»، حکم کرد که «در عوض، احتمالات معقول و تخمین‌ها باید به عنوان مبنائی برای ادعاها بابت جبران خسارت کفایت کند»).

[۹۳۲] عنوان مثال به بنگرید به

*Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 8.3.16 (20 Aug. 2007)

(دیوان در این پرونده مقرر داشت که در مواردی که خسارت را نتوان با قطعیت تعیین کرد، «گمانه‌زنی ناگزیر است»)؛

*Petrobart Ltd. v. Kyrgyz Republic*, Award (SCC Arb. No. 126/2003), at 83-84 (29 Mar. 2005)

(با عنایت به این‌که اطلاعات موجود در سوابق پرونده «بیش از حد فاقد قطعیت بود که به دیوان داوری اجازهٔ محاسبهٔ دقیق ریاضی خسارت را بدهد» دیوان «ارزیابی کلی‌تر»ی از خسارت «بر اساس احتمالات و ارزش‌گذاری معقول» به عمل آورد.)؛

*Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003)

(مقرر داشت که دیوان «می‌تواند در تعیین غرامت قابل پرداخت به خواهان اصول کلی انصاف را مدنظر قرار دهد»)؛

*Arctic Sunrise Arbitration* (Neth. v. Russ.), Award on Compensation (PCA Case No. 2014-02), para. 98 (10 July 2017)

(ضمن صدور حکم به «مبلغ غرامت بر پایه‌های منصفانه» دیوان متذکر شد که با وجود این که خواهان هیچ گونه مدرک مؤیدی نداده بود که به دیوان اجازه ارزیابی دقیق ارزش اقلام ادعائی را بدهد، دیوان «تردید نداشت که آرکتیک ۳۰ وسایل شخصی به همراه داشته و رفتار غیر قانونی خوانده باعث ورود صدمهٔ اساسی» در ارتباط با آن وسایل «به آرکتیک ۳۰ شد»)؛

Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicar.), I.C.J., Judgment (Compensation Owed by the Republic of Nicaragua to the Republic of Costa Rica), para. 35 (2 Feb. 2018)

۱۸۰۴ - اصول مشابهی نیز توسط کمیسیون دعاوی اریتره–اتیوپی («کمیسیون») اعمال شده است. این کمیسیون در تعیین این که آیا خسارات ادعایی وارد شده است یا خیر، معیار «ادلهٔ روشن و قانع‌کننده» را پذیرفت.[۹۳۳] با این

---

(«فقدان ادله کافی در خصوص دامنهٔ خسارت مادی، در همهٔ موارد و شرایط، مانع صدور رأی بر غرامت بابت آن خسارات نمی‌شود»)؛

Ahmadou Sadio Diallo (Guinea v. Dem. Rep. Congo), Judgment, paras. 32-36, 2012 I.C.J. 324, 337-38 (19 June)

(با متقاعد شدن از این‌که رفتار غیر قانونی جمهوری دموکراتیک کنگو «باعث لطمات مادی به آقای دیالو» به لحاظ از دست دادن برخی اموال شخصی شده است دیوان بین المللی دادگستری مبلغی را «بر اساس ملاحظات منصفانه» به نفع او حکم داد، هر چند که دولت گینه ادله‌ای در خصوص ارزش آن اموال ارائه نکرده بود)؛

Trail Smelter Arbitration (U.S. v. Can.), 3 R.I.A.A. 1911, 1920 (U.S.-Can. Arb. Trib. 1938)

*با نقل قول* توام با تأیید دیوان عالی ایالات متحدهٔ آمریکا در پروندهٔ

Story Parchment Co. v. Paterson Parchment Paper Co. (1931), 282 U.S. 555:

> در مواردی که خود شبه جرم سرشتی دارد که مانع تعیین همراه با قطعیت خسارت می‌شود، رد هر گونه خواستهٔ زیان‌دیده و بدان طریق ملزم نکردن خطاکار به جبران عمل، تخطی از اصول کلی عدالت است. در چنین حالتی، هر چند خسارات را نمی‌توان با ظن و گمان محض تعیین کرد، اما اگر ادله دامنهٔ خسارات را به عنوان استنتاج صحیح و معقول نشان دهد، کافی خواهد بود، هر چند نتیجه‌اش فقط تقریبی خواهد بود.

همچنین *بنگرید به* ریپینسکی و ویلیامز، پانوشت ۹۲۷ بالا در صفحه ۱۲۱–۱۲۲ («در اوضاع و احوالی که محاسبهٔ دقیق دشوار یا ناممکن است، مثلاً به علت اجمال ادله، دیوان‌ها می‌توانند از اختیار تشخیص خود بهره گیرند و به «تقریب‌ها» دست یازند. تقریب‌ها بر پایهٔ خرد جمعی داوران در تشخیص این‌که چه چیزی در اوضاع و احوال پرونده معقول و منصافه است، استوار است.» (پانوشت‌ها حذف شده است.)).

پروفسور شرویر در خصوص انصاف درون قانونی – equity *intra legem* – می‌نویسد:

> هر استنادی به ملاحظات منصفانه به تصمیمی بر اساس کدخدا منشی (*ex aequo et bono*) نمی‌انجامد. هر دیوانی در اعمال قواعد حقوقی می‌تواند میزانی از اختیار تشخیص خود را بر اساس عدالت و انصاف به کار بندد. به بیان دیگر، تصمیم مبتنی بر کدخدا منشی باید از انصاف درون قانونی تمییز داده شود.

CHRISTOPH SCHREUER, LORETTA MALINTOPPI, AUGUST REINISCH & ANTHONY SINCLAIR, THE ICSID CONVENTION – A COMMENTARY 636 (2d. ed. 2009) (پانوشت حذف شده است).

همچنین *بنگرید به* همانجا، ص ص ۶۳۷–۶۳۶ به نقل از:

*Amco Asia Corp. and others v. Republic of Indonesia*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB/81/1), paras. 26 & 28 (16 May 1986); *Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003); *MTD Equity Sdn. Bhd. and MTD Chile S.A. v. Republic of Chile*, Decision on Annulment (ICSID Case No. ARB /01/7), para. 48 (21 Mar. 2007).

[۹۳۳] *بنگرید به*

The Federal Democratic Republic of Ethiopia v. The State of Eritrea, Eri.-Eth. Cl. Comm., Ethiopia's Damages Claims, Final Award, para. 36 (17 Aug. 2009); The State of Eritrea v.

حال، کمیسیون به منظور تعیین میزان خسارات، «دلایل اثباتی منعطف‌تری» را لازم دانست و از جمله، به «مشکلات عملی عظیم پیش روی هر دو طرف در تعیین میزان خسارت در پی جنگ ۱۳۷۷-۱۳۷۹ [۱۹۹۸-۲۰۰۰]» عنایت داشت.[۹۳۴] کمیسیون اظهار داشت که تعیین جبران خسارت مناسب برای تجاوزات از حقوق بین‌الملل که آن کمیسیون مقرر داشته، «مستلزم به کار بستن قضاوت و تقریب است».[۹۳۵]

**۱۸۰۵** - به همین منوال، این نیز امر شناخته شده‌ای در رویه قضایی این دیوان است که زمانی که اوضاع و احوال، تعیین میزان جبران خسارت را مشکل یا غیرممکن می‌کند، دیوان «ناگزیر است با اعمال اختیار خود مبلغ مربوط را «منصفانه تعیین نماید»».[۹۳۶] در این راستا، دیوان «دارای حیطه اختیار وسیعی جهت تقریبات معقول می‌باشد».[۹۳۷] به ویژه، دیوان می‌تواند در مواردی که طرفی که بار اثبات بر دوش اوست دسترسی به مدارک لازم را ندارد تصمیم بگیرد که از صلاح‌دید خود بهره گیرد.

---

The Federal Democratic Republic of Ethiopia, Eri.-Eth. Cl. Comm., Eritrea's Damages Claims, Final Award, para. 36 (17 Aug. 2009).

934 The Federal Democratic Republic of Ethiopia v. The State of Eritrea, Ethiopia's Damages Claims, Final Award, para. 36; The State of Eritrea v. The Federal Democratic Republic of Ethiopia, Eritrea's Damages Claims, Final Award, para. 36.

935 The Federal Democratic Republic of Ethiopia v. The State of Eritrea, Ethiopia's Damages Claims, Final Award, para. 37; The State of Eritrea v. The Federal Democratic Republic of Ethiopia, Eritrea's Damages Claims, Final Award, para. 37.

در این ارتباط کمیسیون اظهار داشت که، در اوضاع و احوالی که ادله و مدارک مربوطه «غیر قطعی یا مبهم» باشد، آن کمیسیون «بر اساس ادله و مدارک موجود بهترین تقریب‌ها را انجام داده است». همانجا. به علاوه، کمیسیون «بر این‌که در صورت الزام به تعیین غرامت مناسب باید به این نحو اقدام کند حتی اگر تقریب یا حدس و ظن لزوم پیدا کند، آن‌هم در محدودهٔ احتمالاتی که از ادله و مدارک استنباط می‌شود، صحه گذاشت». همانجا.

۹۳۶ *استارت هاوزینگ کورپوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۲۴-۳۱۴ بند ۳۳۹ (متن انگلیسی ۲۲ مرداد ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷]، متن فارسی ۲۴ مهر ۱۳۶۶ [۱۶ اکتبر ۱۹۸۷]، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۶، ص ص ۱۱۲، ۲۲۱.

۹۳۷ *استارت هاوزینگ کورپوریشن*، حکم شماره ۱-۲۴-۳۱۴، بند ۳۳۹، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۶، ص ۲۲۲. همچنین *بنگرید به ایستمن کداک کامپنی و دولت ایران*، حکم شماره ۳-۲۲۷-۵۱۴، بند ۵۴ (متن انگلیسی ۱۰ تیر ۱۳۷۰ [اول ژوئیه ۱۹۹۱]، متن فارسی ۱۱ شهریور ۱۳۷۰ [دوم سپتامبر ۱۹۹۱])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۷، ص ص ۳، ۲۱؛ *سایزموگراف سرویس*

*ث) ادعاهای جداگانه*

(۱) ادعای ز-۱۸ (وزارت فرهنگ و هنر/فروغ)

*(الف) مقدمه*

۱۸۰۶ - دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۹۳۸] بنابراین، دیوان باید تعیین کند که آیا نقض تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده در خصوص ویولن استرادیواریوس ۱۷۱۸ «اکس-ویلموت»[۹۳۹] («استرادیواریوس» مگر در جایی که ضرورتی بر تفکیک از سایر ویولن‌های استرادیواریوس باشد) سبب عدم انتقال ساز مذکور به ایران بوده است یا خیر.

۱۸۰۷ - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۱۸ مطابق جدول اختصاری دعاوی استرداد استرادیواریوس، یا به نحو جایگزین ۶ میلیون دلار آمریکا است که نمایان‌گر ارزش منصفانه بازار ساز مذکور در سال ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] بوده است. ایران در جلسات استماع اظهار داشت که دعوای خسارات آن دولت باید «یا بر مبنای سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] ویولن مذکور... یا کلّ ارزش بازاری کنونی ویولن مذکور، هر کدام که بالاتر است» محاسبه شود. ایران

---

*کورپوریشن و دیگران و شرکت ملی نفت ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۴۴۳-۴۲۰، بند ۳۰۶ (۱۱ فروردین ۱۳۶۸ [۳۱ مارس ۱۹۸۹])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۲، ص ص ۳، ۸۰؛ *ویلیام ج. لویت و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۴۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص ص ۱۹۱، ۲۰۶؛ *تامس ارل پین و دولت جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۲-۳۳۵-۲۴۵، بند ۳۷ (۱۷ مرداد ۱۳۶۵ [هشتم اوت ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۳، ۱۵-۱۶؛ *آمریکان اینترنشنال گروپ اینکورپروتد و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲-۹۳ (۲۸ آذر ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۴، ص ص ۹۶، ۱۰۹؛ *ایکانامی فورمز کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۱۶۵-۵۵ (متن انگلیسی ۲۴ خرداد ۱۳۶۲ [۱۴ ژوئن ۱۹۸۳]، متن فارسی سوم تیر ۱۳۶۲ [۲۴ ژوئن ۱۹۸۳])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ص ۴۲، ۵۲.

[۹۳۸] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص‌ص ۱۱۲، ۱۳۹.

[۹۳۹] *بنگرید به* بندهای ۳۳۱-۳۳۲، بالا.

همچنین خواهان برخی زیان‌های تبعی به مبلغ سالانه ۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] (یعنی تاریخی که ایران ادعا می‌کند که ایالات متحده در آن، تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض کرده است) تا استرداد استرادیواریوس، یا پرداخت خسارت نیز می‌باشد. به علاوه، ایران خواهان بهره بر هر مبلغ حکم نیز می‌باشد.

۱۸۰۸- ایران قبل از جلسات استماع خسارات بابت یک آرشه و متعلقات که علی‌الإدعا همراه با استرادیواریوس خریدای کرده، هزینه‌های متحمله توسط ایران بابت گرفتن وکلا و کارآگاه خصوصی در ایالات متحده، و حق بیمه پرداختی توسط ایران بابت بیمه کردن استرادیواریوس را نیز مطالبه کرد. با این حال، ایران چنان‌که در جدول اختصاری دعاوی خود نشان داده شد، این جنبه‌های ادعای خود را رها کرده است.

*(ب) سببیت*

*یک) اظهارات طرفین*

*(۱) اظهارات ایران*

۱۸۰۹- ایران ادعا می‌کند که سبب عدم انتقال استرادیواریوس، قصور ایالات متحده در انجام اقدامات در تضمین این که آقای فروغ ساز مذکور را به ایران برگرداند بود. طبق اظهارات ایران، از آن‌جا که این دولت اثبات کرده است که ایالات متحده هیچ اقدامی در جهت تضمین انتقال استرادیواریوس به ایران انجام نداد، و ایران به این خاطر، متحمل خسارت شده است، بدیهی است که سبب خسارت وارده به ایران، قصور ایالات متحده در انجام آن اقدامات بود.

*(۲) اظهارات ایالات متحده*

۱۸۱۰- ایالات محتده استدلال می‌کند که ایران اثبات نکرده است که هر گونه نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده سبب عدم انتقال استرادیواریوس شده است. ایالات متحده مدعی است که هیچ مدرکی وجود

ندارد که آقای فروغ استرادیواریوس را به جهت قانون، مقرره یا سایر اقدامات حکومتی ایالات متحده نگه داشته بود. به علاوه، ایالات متحده اظهار می‌دارد که قصور خودِ ایران در فیصله اختلاف در مالکیت در مرجعی مناسب بود که سبب عدم انتقال استرادیواریوس شد.

*(دو) تصمیم دیوان*

۱۸۱۱ - دیوان در تعیین این که آیا رابطه سببیت میان نقض بند ۹ توسط ایالات متحده و صدمه ادعایی ایران، برای اثبات مسؤولیت ایالات متحده بابت خسارات مربوط به این ادعا کافی است یا خیر، اصول ترسیم‌شده پیشین در این حکم جزئی را مدنظر قرار خواهد داد.[۹۴۰] به نظر دیوان، اگر دیوان قادر بود با قطعیتی معقول نتیجه‌گیری کند که اگر ایالات متحده اقداماتی برای حصول اطمیان از انتقال استرادیواریوس به ایران انجام می‌داد، ساز مذکور به ایران حمل می‌شد، این رابطه سببیت می‌توانست اثبات‌شده قلمداد شود.

۱۸۱۲ - دیوان پس از بررسی تمام ادله قانع می‌شود[۹۴۱] که اگر ایالات متحده به منظور حصول اطمینان از انتقال استرادیواریوس به ایران اقدام کرده بود، ساز مذکور وفق دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ منتقل می‌شد؛ بدین ترتیب، آقای فروغ مجاز نمی‌بود که استرادیواریوس را نگه دارد و از انتقال آن امتناع ورزد. حتی اگر پذیرفته شود که رفتار اولیهٔ ایران به نحوی به عدم انتقال استرادیواریوس کمک کرد (یعنی با به اثبات نرساندن مالکیت خود در محکمه‌ای که برای منظورهای داخلی صلاحیت بر طرف‌هایی که ادعاهائی بر پایهٔ حقوق داخلی طرح می‌کنند را دارد)، دیوان حکم می‌کند که ایران تکلیفی بر درخواست چنین تصمیمی از هیچ محکمه‌ای،

---

[۹۴۰] *بنگرید به* بندهای ۱۷۹۱–۱۷۹۵، بالا.

[۹۴۱] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی–الف۲۴/الف۱۵(چهار)–۶۰۲، بند ۱۴۸ پانوشت ۱۵۳ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

شامل محاکم ایالات متحده، نداشته است. این اساساً قصور ایالات متحده در انجام هیچ اقداماتی برای حصول اطمینان از انتقال مال بود که سبب ورود خسارت به وزارت‌خانه شد.

۱۸۱۳ - بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که در این اوضاع و احوال، قصور ایالات متحده در انجام اقدامات برای تصمین انتقال استرادیواریوس، سبب اصلی عدم انتقال مال به ایران شد. بدین ترتیب، ایالات متحده در قبال خسارات وارده به ایران مسؤول نقض تعهد خود ذیل بیانیه عمومی می‌باشد.

۱۸۱۴ - دیوان ذیلاً سرشت و گسترهٔ هر گونه خساراتی که ایران در نتیجه نقض بیانیه الجزایر توسط ایالات متحده متحمل شده را تعیین می‌کند.

*(ج) ارزیابی*

*(یک) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات طرفین*

*(۱) اظهارات ایران*

*ادعای استرداد استرادیواریوس*

۱۸۱۵ - ایران به عنوان نخستین خواسته خود مبنی بر جبران خسارت، خواهان استرداد استرادیواریوس است. وفق اظهارات ایران، اختلافی وجود ندارد که وزارت‌خانهٔ مذکور در شهریور ۱۳۵۵ [سپتامبر ۱۹۷۶] ساز یادشده را خریده و مبلغ آن را پرداخته است. ایران همچنین معروض می‌دارد که استرادیواریوس صرفاً به نحو امانی از جانب وزارت‌خانه به آقای فروغ داده شده بود. بر این اساس، ایران ادعا می‌کند مالک حقیقی ساز مذکور است و استحقاق باز پس گرفتن آن را دارد.

*ادعای ارزش منصفانهٔ بازار استرادیواریوس*

۱۸۱۶ - ایران همان‌طور که در بالا گفته شد، به نحو جایگزین خواهان خساراتی معادل ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] (یعنی تاریخ جلسات استماع) را بر این اساس مطالبه می‌کند که ایالات متحده «مستمراً از سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] تا کنون تعهد خود ذیل بند ۹ بابت انتقال را نقض کرده است».

۱۸۱۷ - ایران به منظور تعیین ارزش استرادیواریوس در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] به شهادت شاهد کارشناس خود، آقای کِری کین در جلسات استماع استناد می‌کند. آقای کین سازندهٔ آموزش‌دیده و متخصص ویولن و سازهای زهی است که برای کریستی کار می‌کرده و اکنون، مشاور آن است. از آقای کین خواسته شد تا ارزش منصفانه بازار، و نه ارزش بیمه‌ای یا ارزش جای‌گزین استرادیواریوس در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] و ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] را تعیین کند. آقای کین اندکی قبل از جلسات استماع توسط ایران به همکاری گرفته شده بود و گزارش کارشناسی ارائه نکرد.

۱۸۱۸ - ایران در عین باقی‌ماندن بر موضع خود مبنی بر این که سازهای مذکور باید در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] ارزش‌گذاری شود، این را نیز معروض می‌دارد که «ابزارهای» ارزیابی خسارات بر پایهٔ تاریخ ارزیابی «به جز در مورد سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳]، که ادلهٔ مستقیم در خصوص آن به [دیوان ارائه شده]» در اختیار دیوان قرار داده شده بود. ایران همچنین استدلال می‌کند که اگر دیوان تاریخی به جز سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] را انتخاب کند، دیوان باید فرض آقای کین، که محافظه‌کارانه اظهار داشت که ارزش این سازها با نرخ مرکب ۴ درصد در سال افزایش می‌یابد، را بپذیرد.

۱۸۱۹ - آقای کین شهادت داد که پنج شاخص تعیین‌کننده ارزش آلات زهی وجود دارد که عبارتند از: (یک) انتساب (چه کسی ساز را ساخته است) و تخصص؛ (دو) کیفیت (از جمله کیفیت صدا دهی آن) و دوره‌ای که ساز تولید شده است؛ (سه) شرایط (چه مقدار از ساز، اصل، تعمیری و ترمیمی است، ساز از زمان تولید، چه میزان خسارت دیده است)؛ (چهار) اصالت (چه کسی مالک آن بوده و با آن ساز زده است)؛ و (پنج) تازگی برای

بازار (آیا ساز جدیداً به بازار عرضه شده یا برای مدتی است که در بازار است). آقای کین همچنین شهادت داد که «بهای ویولن‌های نادر ایتالیایی پیوسته رو به فزونی بوده است، و اگر به آن‌ها در ده سال اخیر بنگرید، و اگر به آن‌ها در ۲۰ سال اخیر بنگرید، می‌بینید که آن‌ها با نرخ ثابتی رشد دارند».

۱۸۲۰ - به علاوه، آقای کین وقتی به ویولن‌های ساخت کارگاه آنتونیو استرادیواری اشاره می‌کرد، تأیید نمود که بازار به این که ساز در به اصطلاح «دوره طلایی»، یعنی میان سال ۱۰۷۸/۱۰۷۹ [۱۷۰۰] و ۱۰۹۸/۱۰۹۹ [۱۷۲۰] ساخته شده است یا خیر، اهمیت خاصی می‌دهد. آقای کین اظهار داشت که استرادیواریوس که مشمول این ادعاست در دوره طلایی ساخته شده است.

۱۸۲۱ - آقای کین اعلام کرد که سازندگان ویولن سراسر جهان، ویولن «اکس-ویلموت» سال ۱۰۹۶/۱۰۹۷[۱۷۱۸] را «یک استرادیواریوس خوب و مستحکم» قلمداد کرده‌اند، و اضافه کرد که این ویولن، «بهترین نیست»، اما باز هم «دارای کیفیت خوبی» است. آقای کین همچنین اظهار داشت که سوابق تعمیری این ویولن، که به سال ۱۳۵۴/۱۳۵۵ [۱۹۸۶] بازمی‌گردد، نشان داده که با آن، «بسیار نواخته» شده بود، اما علی رغم این، «به خوبی حفظ» شده است.

۱۸۲۲ - آقای کین همچنین توضیح داد که اطلاعات راجع به مزایده ویولن‌های عتیقه و ویولن‌های استرادیواریوس، به طور خاص، «بسیار عمومی» بوده و از خانه‌های حراج یا شرکت‌های منتشرکننده این اطلاعات مستقیماً در دسترس قرار گرفته است. به طور خاص، آقای کین اظهار داشت که «خودِ این مال، اوصاف، انتساب، اصالت و نهایتاً بهای فروش آن، تماماً در سوابق قابل دسترس برای عموم موجود است».

۱۸۲۳ - آقای کین به منظور تهیه ارزیابی خود از استرادیواریوس در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] به فروش یک ویولن استرادیواریوس قابل‌مقایسه در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] که آن هم در دوره طلایی ساخته شده، به مبلغ ۴۷۵،۰۰۰ دلار آمریکا، و فروش دیگری در مورد یک ویولن «نه کاملاً به خوبی آن» در تاریخی نامشخص به مبلغ

۳۹۵،۰۰۰ دلار آمریکا اشاره کرد. آقای کین مطابق این دو فقره فروش، استرادیواریوس را در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] ۴۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا ارزیابی کرد.

۱۸۲۴ - آقای کین به منظور ارزیابی خود از استرادیواریوس در سال ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] به چهار فقره فروش اشاره کرد که مطابق گزارش، میان سال‌های ۱۳۷۸/۱۳۷۹ [۲۰۰۰] و ۱۳۸۸/۱۳۸۹ [۲۰۱۰] اتفاق افتاده است که وی آنها را با ویولن‌های استرادیواریوس قابل مقایسه دانسته است.

(یک) لِیدی بلانت، یک ویولن استرادیواریوس از سال ۱۰۹۹/۱۱۰۰ [۱۷۲۱] در یک حراج مربوط به امور خیریه در خرداد/تیر ۱۳۸۹ [ژوئن ۲۰۱۰] در ازای بالاترین قیمت جهانی ۹/۸ میلیون پوند انگلیس (تقریباً ۱۴/۴ میلیون دلار آمریکا در آن زمان) به فروش رفت. آقای کین شهادت داد که لیدی بلانت یک «ساز عالی» بود و این که گردن اصلی و بیش‌تر لاک جلای اصلی آن حفظ شده بوده است. با این حال، آقای کین اضافه کرد که «این ساز از لحاظ صدادهی اجرائی، به خوبی سایر سازها نیست».

(دو) ژنرال کید پرلمن، یک ویولن استرادیواریوس از سال ۱۰۹۲/۱۰۹۳ [۱۷۱۴] در یک فروش خصوصی در شهریور/مهر ۱۳۸۸ [سپتامبر ۲۰۰۹] به عنوان بخشی از یک مجموعه به همراه سازی دیگر مجموعاً به مبلغ ۱۸ میلیون دلار آمریکا فروخته شد. طبق اظهار آقای کین، مبلغ گزارش‌شده فروش ژنرال کید پرلمن ۵/۵ میلیون دلار آمریکا بود. با این حال، آقای کین شهادت داد که او معتقد است که مبلغ واقعی ژنرال کید پرلمن شاید چیزی بیش‌تر، احتمالاً حدود ۷ یا ۸ میلیون دلار آمریکا بوده باشد. آقای کین توضیح داد که این ویولن به خاطر یک ژنرال انگلیسی قرن ۱۹ و آقای ایتزک پرلمن که بخش عمده کار نخستین خود را با آن نواخته، نام گذاری شد .

(سه) لا پوسل، یک ویولن استرادیواریوس از سال ۱۰۸۷/۱۰۸۸ [۱۷۰۹] به طور خصوصی به یک کلکسیونر در سال ۱۳۸۰/۱۳۷۹ [۲۰۰۱] به مبلغ ۶ میلیون دلار آمریکا فروخته شد. آقای کین توضیح داد

که ویولن مذکور به سبب «وضعیت بکر» آن و «لاک جلای دوست‌داشتنی روی آن» چنین نامیده شده است. آقای کین آن ساز را «اثری خارق‌العاده» توصیف کرد.

(چهار) دولفین، یک ویولن استرادیواریوس از سال ۱۰۹۲/۱۰۹۳ [۱۷۱۴] در سال ۱۳۸۸/۱۳۸۹ [۲۰۰۰] به طور خصوصی به بنیاد نیپُن به مبلغ ۵/۵ میلیون دلار آمریکا فروخته شد.

**۱۸۲۵ -** آقای کین بر اساس این فروش‌ها و عوامل تعیین کننده ارزش توصیفی بالا (شامل نگه‌داری و تعمیر صورت‌گرفته روی استرادیواریوس طی سال‌ها) شهادت داد که ارزش منصفانه بازار ویولن استرادیواریوس «اکس–ویلموت» سال ۱۰۹۶/۱۰۹۷ [۱۷۱۸] در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] (یعنی تاریخ جلسه استماع) ۶/۵ میلیون دلار آمریکا بوده است.

**۱۸۲۶ -** با این حال، ایران متعاقب سؤالات طرف مقابل از آقای کین و شهادت شاهد کارشناس ایالات متحده، آقای تئودور مارتنز از پرایس واترهوس کوپرز پذیرفت که ارزیابی آقای کین باید در جهت درنظر گرفتن کمیسیون خریدار (یعنی کارمزد درنظر گرفته شده توسط محل مزایده در فرض فروش در حراج) تعدیل شود.

**۱۸۲۷ -** آقای کین در مورد میزان کمیسیون خریدار توضیح داد که «هر محل [مزایده] میزان افزایش ثابتی دارد که مطابق آن، کمیسیون خریدار خود را تعیین می‌کنند» و کمیسیون خریدار هر محل مزایده منتشر می‌شود. به عنوان نمونه، آقای کین اظهار داشت که «کمیسیون خریدار کریستی ۲۵ درصد بابت مبالغ زیر ۵۰،۰۰۰ دلار است؛ بالای ۵۰،۰۰۰ دلار و زیر یک میلیون، ۲۰ درصد؛ و یک میلیون به بالا ۱۲ درصد است». آقای کین همچنین توضیح داد که کارمزدها برای فروش‌های خصوصی از چهار یا پنج درصد بابت یک فروش ساده تا ۲۰ درصد در مواردی که کار بیش‌تری لازم باشد، و این مبلغ زمانی که فروش مربوطه بالای ۵ میلیون دلار آمریکاست قابل مذاکره می‌شود.

۱۸۲۸ - آقای کین طی پاسخ به پرسش‌های طرف مقابل تأیید نمود که ۶.۵ میلیون دلار آمریکایی که او ارزیابی کرده بود، «شامل تمام امور»، از جمله هر گونه کمیسیون خریدار بود. بر این اساس، آقای کین ارزیابی خود را به ۶ میلیون تغییر داد.

۱۸۲۹ - ایران معروض می‌دارد که نگه‌داری و سایر هزینه‌های متحمله توسط آقای فروغ نباید از خسارات مورد حکم توسط دیوان کسر گردد؛ زیرا «هزینه‌کردن چنین مبلغی توسط شخصی که از منافع ویولن مذکور بهره‌مند شده و مسبّب ایجاد چنین هزینه‌های نگه‌داری شده، غیر معقول نیست». ایران همچنین استدلال می‌کند که «مالک ویولن، تالار رودکی (وحدت) ... از روش حفظ و نگه‌داری آلات موسیقی گران‌بها کاملاً آگاه است» و «هزینه‌های اضافی بابت نگه‌داری، انبار، بیمه و تأمین امنیت ویولن مذکور را متحمل نمی‌شد».

۱۸۳۰ - بنابراین، ایران معروض می‌دارد که در صورتی که استرادیواریوس به ایران مسترد نشود، دیوان باید به خساراتی بالغ بر ۶ میلیون دلار آمریکا که ایران مدعی است نشان‌گر ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] است، به نفع آن دولت حکم دهد.

*ادعای محرومیت از استفاده*

۱۸۳۱ - ایران همچنین خواهان دریافت خسارات بابت زیان‌های ناشی از محرومیت از استرادیواریوس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا تاریخی است که به ایران مسترد شود یا به نحو جایگزین خواهان این است که غرامت پرداخت شود.

۱۸۳۲ - ایران خواهان مبلغ ۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا برای هر سال، وفق شهادت آقای محمد بیگلری پور، مدیر سابق موسیقی سازمان صدا و سیمای ایران است که بنا به توصیف ایران، «کارشناس اصلی ارزیابی» آن دولت

است. آقای بیگلری پور قبل از جلسات استماع فوت کرد. بخش مربوطه از شهادت‌نامه آقای بیگلری پور بدین شرح است:

> اینجانب معتقدم فقدان این ساز و عدم امکان استفاده از آنها در ۲۶ سال گذشته نیز باعث ورود خسارت و عدم امکان اجرای تکنوازی در کیفیت بسیار بالا شده چرا که می‌توانستیم قراردادهای زیادی با کمپانی‌های مختلف جهان بصورت تکنوازی با ارکسترهای بزرگ دنیا را داشته باشیم که چون ساز را در اختیار نداشتیم این کار انجام نشد و در مجموع اینجانب برای هر سال ۱۲۰۰۰ هزار [کذا] دلار خسارت برآورد می‌کنم.

*۲) اظهارات ایالات متحده*

*ادعای استرداد استرادیواریوس*

**۱۸۳۳ -** ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران صرفاً مستحق استرداد مالی بوده که واقعاً در تملک داشته است. طبق اظهار ایالات متحده، «بند ۹ نه ایالات متحده را ملزم می کند که اموال غیرایرانی را به ایران منتقل کند و نه ایالات متحده را ملزم می‌کند که اَتباع و ساکنان [ایالات متحده] را از مالی صرفاً به این سبب که ایران بر آن ادعای مالکیت دارد محروم کند». بنابراین، ایالات متحده مدعی است که قبل از این که ایالات متحده بتواند ترتیبات انتقال اموالی که شخصی آمریکایی بر آن ادعای حق بر مالکیت دارد را به ایران فراهم آورَد باید اختلاف بر سر این که چه کسی مالک مال است فیصله‌یافته باشد. در پرونده حاضر، طبق اظهار ایالات متحده، از آن‌جا که ایران هیچ گاه اختلاف خود با آقای فروغ بر سر حق مالکیت بر استرادیواریوس را حل و فصل نکرده است، تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ هیچ گاه کلید نخورده است.

*ادعای ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس*

**۱۸۳۴ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که «بار اثبات میزان خسارت با جزئیات بر دوش ایران» است.

۱۸۳۵ - ایالات متحده متذکر می‌شود که شهادت آقای کین یا بر ارزیابی سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا ارزیابی مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] استوار بوده است که ایالات متحده «فرض می‌کند که قرینه‌ای برای تاریخ حکم است». با این حال، وفق اظهارات ایالات متحده، تاریخ ارزیابی باید «منبعث از تاریخ نقض» باشد و چنانچه دیوان تاریخ نقض را تاریخی غیر از تاریخ‌هایی که آقای کین استرادیواریوس را ارزیابی کرده، تعیین کند، هیچ مدرکی در سوابق در مورد ارزش منصفانه بازار آن وجود نخواهد داشت.

۱۸۳۶ - ایالات متحده به نحو جایگزین مدعی است که اگر دیوان بپذیرد که تاریخ ارزیابی باید تاریخی غیر از تاریخ نقض باشد، دیوان می‌تواند با استفاده از فرض آقای کین مبنی بر این که ارزش چنین سازی باید هر سال، چهار درصد افزایش یابد به ارزیابی بپردازد. با این حال، ایالات متحده اصرار دارد که هرگونه ارزیابی باید مبتنی بر قیمت خرید اصلی، نه ارزیابی‌های سال‌های ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] آقای کین باشد؛ زیرا قیمت خرید اصلی «تنها اطلاعات واقعی مربوط به فروش [ویولن] در سوابق پرونده» است. ایالات متحده همچنین فارغ از پذیرش فرض آقای کین متذکر می‌شود که آقای کین تمایلی به پیش‌بینی در مورد ارزش ویولن در «دو یا سه سال» به این دلیل نداشته است که «این کار برای [او] بسیار غیرحرفه‌ای خواهد بود که به ظن و گمان دست یازد».

۱۸۳۷ - همان گونه که در بالا گفته شد، ایالات متحده به گزارش کارشناسی تهیه‌شده توسط آقای مارتنز و شهادت او در جلسه استماع استناد می‌کند. آقای مارتنز در گزارش خود اظهار داشت که «در چارچوب ارزیابی اقلام منحصربه‌فرد مانند ویولن مذکور ... اطلاعات لازم برای رسیدن به تخمینی دقیق ... به چندین ملاحظات حرفه‌ای خاص وابسته است». با این حال، چنان‌که آقای مارتنز در پاسخ به سؤالات طرف مقابل اظهار داشت او هیچ دانش یا تخصص خاصی در سازهای موسیقی یا ارزیابی آن‌ها ندارد. احتمالاً به این سبب، آقای مارتنز در گزارش خود و در جلسات استماع توضیح داد که تیم او چگونه با نماینده کریستی به منظور مباحثه در مورد

ارزیابی‌ها صحبت کرده‌اند. آقای مارتنز وفق این مباحثات اظهار داشت که «محرک اصلی تغییر قیمت سازهای موسیقی فراگیر هویت استاد سازنده و نگه‌داری از آن است» و نیز این که «ارزیابی آلات موسیقی مورد به مورد انجام می‌شود» و «فارغ از استاد سازنده، ارزش آن، کاملاً به وضعیت فیزیکی ساز بستگی دارد». وفق شهادت آقای مارتنز، نماینده کریستی به او اطلاع داد که برای کریستی «تقریباً غیرممکن» خواهد بود که ارزیابی را بدون دسترسی به سازها یا عکس آن‌ها انجام دهد.

**۱۸۳۸** - آقای مارتنز در جلسهٔ استماع پذیرفت که شاهد کارشناس ایران، آقای کین، «به وضوح، دارای تخصص و پیشینه است» و افزود که او «از خواندن شهادت او بسیار آموخته است». آقای مارتنز همچنین روی‌کرد کلی آقای کین در مورد تعیین ارزش منصفانه بازار (یعنی عنایت داشتن به فروش‌های مشابه) را نیز پذیرفته است. با این حال، آقای مارتنز چندین نگرانی در مورد ارزیابی آقای کین از استرادیواریوس را به شرح زیر در بخش مربوطه عنوان کرده است.

**۱۸۳۹** - ایالات متحده شهادت آقای کین در جلسات استماع را بر این مبنا به چالش کشید که او به فروش‌های بعدی و جدیدتر ویولن‌های استرادیواریوس که به نحوی قابل ملاحظه، بهای پایین‌تری داشته است اشاره نمی‌کند:

(یک) پِنی، یک ویولن استرادیواریوس از دوره طلایی فروخته شده توسط خودِ آقای کین در سال ۱۳۸۶/۱۳۸۷ [۲۰۰۸] به مبلغ ۱/۳ میلیون دلار آمریکا. آقای کین القاء کرد که او فروش پنی را به این دلیل مدنظر قرار نداد که فاقد بسیاری از قطعات اصلی بوده است.

(دو) مولیتور، یک ویولن استرادیواریوس که گفته شده متعلق به ناپلئون بناپارت بوده که در مزایده‌ای در سال ۱۳۸۷/۱۳۸۸ [۲۰۰۹] به مبلغ ۳/۶ میلیون دلار آمریکا به فروش رسید. آقای کین این ساز را دیده بوده و گفته است که او آن را به این دلیل نادیده انگاشته که متعلق به دوره «پیشاطلایی» بوده و «در مجموعهٔ نمونه‌های دوره طلایی» نمی‌گنجد.

(سه) هَمِر، یک ویولن استرادیواریوس از دوره طلای فروخته شده توسط خودِ آقای کین در سال ۱۳۸۴/۱۳۸۵ [۲۰۰۶] به مبلغ ۳،۵۴۴،۰۰۰ دلار آمریکا. آقای کین اظهار داشته است که همر یک «ساز عالی و دیدنی بود هرچند، چند تَرَک در قسمت بالا داشت اما به نحو بسیار خوبی تعمیر شده بود... تنها ایرادی که [او] می‌توانست داشته باشد این بود که این ساز مقدار زیادی از لاک جلای اصلی خود را حفظ نکرده بود». ایالات متحده ملاحظه می‌کند که آقای کین توضیحی برای درنظر نگرفتن این فروش به منظور ارزیابی خود از «اکس-ویلموت» ارائه نکرده است.

(چهار) بارون فون دِر لِین، یک ویولن استرادیواریوس از دوره طلایی فروخته‌شده توسط تاریسیو در سال ۱۳۹۰/۱۳۹۱ [۲۰۱۲] به مبلغ ۲/۶ میلیون دلار آمریکا. آقای کین اظهار داشت که او «زیاد با این ساز آشنا نیست» اما چنان‌که ایالات متحده ابراز داشته است، او توضیحی برای در نظر نگرفتن این فروش نیز به منظور ارزیابی «اکس-ویلموت» ارائه نکرده است. آقای مارتنز اظهار داشت که به نظر او، روشن نیست که آیا آقای کین این فروش را با این که جدیدترین فروش مشابه بوده است را مدنظر داشته است یا خیر.

۱۸۴۰ - ایالات متحده همچنین از دیوان می‌خواهد که این را مدنظر داشته باشد که یکی از چهار فروش اشاره‌شده توسط آقای کین فروشی در حراج خیریه بود و سه فروش دیگر فروش‌های خصوصی بود. ایالات متحده در مورد فروش در حراج خیریه (ویولن لیدی بلانت) استدلال کرده است که «هیچ روشی وجود ندارد که بتوان فهمید چه میزان از آن مبلغ، نشان‌دهنده ارزش بازاری ویولن و جدا از هدف خیریه‌ای خریدار است». آقای مارتنز اظهار داشته است که او این فروش را به دلیل ابعاد خیریه‌ایِ فروش، «تافته‌ای جدابافته مطابق اوضاع و احوال» می‌داند.

۱۸۴۱ - ایالات متحده در ارتباط با فروش‌های خصوصی استدلال می‌کند که میزان کارمزد کارگزار فروشنده نامعلوم بوده و از آن‌جا که برخی از خریداران، کلکسیونر بوده‌اند، قیمت فروش‌ها ممکن است انعکاس‌دهندهٔ

ارزش خاص (بالاتری) (به عنوان نمونه، بابت تکمیل کلکسیون کلکسیونر) از ارزش منصفانه بازار باشند. آقای مارتنز به نوبه خود دغدغهٔ این مسئله را داشت که فروش‌های خصوصی مذکور فاقد شفافیت بوده و می‌تواند قیمتی بیش از ارزش بازار را به نمایش بگذارند.

۱۸۴۲ - ایالات متحده در پرسش از آقای کین ارزیابی‌های وی را بر این مبنا نیز به چالش کشید که او گزارش وضعیت (یعنی گزارش وصف‌کننده بررسی فیزیکی ساز و تخمین تعمییرات انجام‌شده) یا تحلیل درخت‌گاه‌شناسانه (یعنی تحلیل سن ساز بر مبنای الگوهای رشد دیده شده در چوب که می‌توانست به تعیین نسبت کمک کند) به گونه‌ای که معمولاً به هنگام ارزیابی برای کریستی انجام می‌دهد را مدنظر قرار نداده است. به علاوه، ایالات متحده ارزیابی آقای کین را به چالش کشید؛ زیرا او به جای طیفی از قیمت‌ها، صرفاً یک قیمت را تعیین کرده است. آقای کین توضیح داده بود که تخمین‌های پیشافروش قبل از مزایده‌ها معمولاً به صورت طیف قیمت ارائه می‌شود.

۱۸۴۳ - ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که آقای کین وفق شهادت آقای مارتنز، در شهادت خود، به نرخ‌های قدیمی کمیسیون خریدار ارجاع داده و نرخ‌های کنونی (یعنی نرخ مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳]) باید مورد استفاده واقع شود. همان‌طور که آقای مارتنز توضیح داده است، تیم او «چگونگی محاسبه کمیسیون خریدار را» از طریق تارنمای کریستی، دقیقاً قبل از این که او شهادت خود در جلسات استماع را ارائه کند، بررسی کردند و «تعیین کردند [که] ... آن‌ها بر پایه میزان عواید از فروش ... ۲۵ درصد بابت نخستین ۱۰۰،۰۰۰، ۲۰ درصد بابت ۱/۹ میلیون بعدی، و بابت تمام عواید بالاتر از ۲ میلیون، ۱۲ درصد حق کارگزاری می‌گیرند». وفق شهادت آقای مارتنز، کمیسیون خریدار بابت فروش ۶/۵ میلیون دلار آمریکا در خصوص حراج، ۸۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا است. بدین ترتیب، آقای مارتنز نتیجه گرفته است که اگر ارزیابی یک کاسهٔ آقای کین به عنوان مبنای ارزش منصفانه

بازار استرادیواریوس پذیرفته شود، بدین ترتیب، دیوان باید به جای ۶ میلیون دلار آمریکای آقای کین، ۵/۶۵ میلیون دلار حکم دهد.

۱۸۴۴ - نهایتاً ایالات متحده وفق شهادت آقای مارتنز معروض می‌دارد که هزینه‌های اجتناب‌شده باید از هرگونه مبلغ مورد حکم به نفع ایران کسر شود؛ زیرا ایران متحمل آن هزینه‌ها نشده است. مشخصاً، آقای مارتنز متذکر اظهارات آقای فروغ شده است مبنی بر این که او طی سال‌ها تقریباً ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا را صرف نگه‌داری و مراقبت از استرادیواریوس کرده است. آقای مارتنز توضیح داده است که هزینه‌های مربوطه باید وفق تاریخ صورت‌حساب کسر شود. سابقاً ایالات متحده همچنین استدلال کرده بود که «هزینه‌های حمل و کارهای دستی حمل و بیمه حمل» در طول انتقال به ایران و «هزینه‌های نگه‌داری و بیمه و کارهای ایمنی» ویولن مذکور باید از هرگونه حکم برای ایران کسر گردد.

*ادعای محرومیت از استفاده*

۱۸۴۵ - ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعای ایران بابت خسارات تبعی باید به دلیل فقدان ادلهٔ مستند رد شود. ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعای ایران صرفاً مبتنی بر شهادت آقای بیگلری پور است که صرفاً مبلغ ۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هر سال بدون هرگونه مدارک مؤیدی در خصوص کنسرت‌ها یا فرصت‌های از دست رفته دیگر به خاطر نبود استرادیواریوس را ارائه می‌کند.

۱۸۴۶ - مطابق گزارش آقای مارتنز، «در چارچوب پرونده‌های مربوط به محرومیت از اموال، دعوایی بابت خسارات تبعی نوعاً همراه با توضیحی از نظریه خسارات تبعی می‌باشد که موضوعات و اوضاع و احوال مربوطه و چگونگی و چرایی وقوع خسارات ناشی از نداشتن اموال در یک دوره زمانی خاص را توصیف می‌کند. چنین خساراتی معمولاً بر مبنای «سبب کلیدی» وصف می‌شود...». آقای مارتنز همچنین در گزارش خود اظهار می‌دارد که «ارزیابی صحیح خسارات تبعی مستلزم این است که خواهان ادلهٔ مبنایی مؤید این واقعیت که زیان‌های اضافه

تحمیل شده است را ارائه کند». مطابق گزارش آقای مارتنز، «ادعاهای ایران بر خسارات تبعی، با آن معیارها انطباق ندارد».

*(دو) تصمیم دیوان*

*استرداد استرادیواریوس*

۱۸۴۷ - همان‌طور که در بالا در بند ۱۸۰۶ گفته شد، ادعای اصلی ایران بابت استرداد استرادیواریوس است. دیوان این ادعا را با عنایت به اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر آثار حقوقی عمل متخلفانه بین‌المللی دولت مورد توجه قرار خواهد داد که ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی اجازه اعمال این اصول را به دیوان داده است.[۹۴۲] مطابق حقوق بین‌الملل، همان‌طور که در بالا مورد بحث واقع شد،[۹۴۳] «دولت مسؤول متعهد به جبران کامل خسارت بابت زیان‌هایی است که از عمل متخلفانه بین‌المللی ناشی شده است».[۹۴۴] اعاده وضع به حال سابق، شکل اصلی جبران خسارت پیش‌بینی‌شده در ماده ۳۴ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل بابت زیان‌های ناشی از چنین عمل متخلفانه بین‌المللی است. در مقابل، ماده ۳۵ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر می دارد:

ماده ۳۵. اعاده وضع به حال سابق

دولت مسؤول فعل متخلفانه بین‌المللی متعهد است که وضعیت سابق را اعاده کند، یعنی وضعیتی را که پیش از ارتکاب فعل متخلفانه وجود داشته است مجدداً برقرار کند مشروط بر آن و تا حدی که اعاده وضع به حال سابق:

(الف) از نظر مادی غیرممکن نباشد؛

---

[۹۴۲] بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده ۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۱. همچنین *بنگرید* به *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۱۹۱ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۹۴۳] *بنگرید به* بند ۱۷۸۷، بالا.

[۹۴۴] ماده ۳۱ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، پانوشت ۸۹، بالا، شرح ماده ۳۱.

(ب) متضمن تکلیفی بی‌تناسب با مزیتی که از اعاده وضع به حال سابق به جای پرداخت غرامت حاصل می‌گردد، نباشد.[۹۴۵]

۱۸۴۸ - دیوان تعیین می‌کند که با عنایت به این که استرادیواریوس، یک شیء منحصربه‌فرد، و نه یک کالای مثلی است، چنین جبرانی، جبران مناسب‌تری می‌باشد.

۱۸۴۹ - دیوان در پروندهٔ حاضر، متذکر می‌شود که استرادیواریوس نه تنها هنوز موجود است و در قلمرو قضایی ایالات متحده می‌باشد، بلکه ایالات متحده از مکان آن آگاه است یا می‌تواند به سادگی از طریق آقای فروغ محل آن را شناسایی کند. دیوان، به گونه‌ای که در ماده ۳۵ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر شده، تعیین می‌کند که استرداد ساز مذکور نه از نظر مادی غیرممکن و نه متضمن تکلیفی بی‌تناسب است. دیوان بر اساس این اوضاع و احوال حکم می‌کند که دادن دستور به ایالات متحده برای انجام ترتیبات انتقال استرادیواریوس جبران خسارت مناسبی خواهد بود تا ایران را در وضعیتی قرار دهد که اگر ایالات متحده مرتکب نقض نشده بود، در آن وضع قرار می‌داشت.

۱۸۵۰ - فارغ از مراتب بالا، دیوان در پرتو شهادت آقای فروغ طی جلسات استماع و خط مشی او نسبت به استرادیواریوس و امکان استرداد آن به ایران، آگاه است که ایالات متحده ممکن است در استرداد ساز مذکور و انجام ترتیبات انتقال آن به ایران با برخی دشواری‌ها مواجه باشد. در نتیجه، دیوان معقول می‌داند که مهلتی چهار ماهه به ایالات متحده برای جایابی و انجام ترتیبات انتقال استرادیواریوس به ایران بدهد.

*روش ارزیابی: ارزش منصفانه بازار*

---

[۹۴۵] ماده ۳۵ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، پانوشت ۸۹، بالا، شرح ماده ۳۵.

۱۸۵۱ - به نحو جایگزین، در صورتی که ایالات متحده نتواند استرادیواریوس را مسترد کند، دیوان متذکر می‌شود که ایران خواهان غرامتی به مبلغ ۶ میلیون دلار آمریکا است.

۱۸۵۲ - دیوان در تحلیل ادعای ایران بابت خسارات مستقیم، سه مسئله را متذکر می‌شود. نخست، طرفین توافق موسّع دارند که تعیین ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس روش صحیح ارزیابی خسارات مستقیم وارده به ایران است. دوم، وفق جدول اختصاری دعاوی ایران، توأم با ارجاع متقابل به شهادت آقای کین در جلسات استماع، ادعای ایران بر مبنای تاریخ ارزیابی مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] استوار می‌شود. سوم، اعتبار و صدق دلیل ارائه‌شده توسط آقای کین مگر در مورد این موضوع که او گزارش وضعیت یا درخت‌گاه‌شناسی بابت سازها را قبل از ارزیابی آن‌ها به دست نیاورده، توسط ایالات متحده مخدوش نشده است. در این خصوص، دیوان متذکر این توضیح آقای کین می‌شود که آماده‌سازی گزارش وضعیت یا درخت‌گاه‌شناسی مستلزم بررسی فیزیکی سازهای مذکور می‌بود که در اوضاع و احوال موجود در این پرونده امکان‌پذیر نبود. همان‌طور که در بالا ذکر شد، آقای مارتنز نه تنها پذیرفته است که آقای کین تخصص و پیشینهٔ ارزیابی استرادیواریوس را داشته، بلکه با روش او در ارزش منصفانه بازار موافقت داشته است.[۹۴۶] با این حال، هر دوی آقای مارتنز و وکیل ایالات متحده برخی ناهم‌خوانی‌ها یا کسری‌های موجود در شهادت شاهد کارشناس آقای کین در خصوص استرادیواریوس را برجسته کرده‌اند و از دیوان خواسته‌اند تا در زمان تعیین ارزش منصفانه بازار ویولن استرادیواریوس در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] به آن عنایت داشته باشد.

۱۸۵۳ - دیوان در پرتو مراتب بالا نتیجه می‌گیرد که طرفین توافق دارند که رویکرد مبتنی بر ارزش منصفانه بازار، روش صحیح ارزیابی استرادیواریوس است. دیوان در تعیین ارزش منصفانه بازار ساز مذکور نه می‌تواند از عدم تخصص خاص آقای مارتنز در زمینه سازهای زهی غفلت کند و نه می‌تواند از این موضوع چشم‌پوشی کند

---

[۹۴۶] *بنگرید به* بند ۱۸۳۸، بالا.

که ایالات متحده نتوانسته ارزش جایگزینی برای ساز مذکور ارائه کند (به استثنای درخواست مدنظر قرار دادن نرخ‌های بالاتر کمیسیون خریدار که در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] در کریستی معتبر بوده، چنانچه دیوان ارزش ۶/۵ میلیون دلار آمریکایی یک کاسهٔ آقای کین را بپذیرد).

۱۸۵۴ - به علاوه، دیوان به تردیدهای ابرازشده توسط آقای مارتنز و وکیل ایالات متحده در خصوص فروش‌هایی که آقای کین برای رسیدن به ارزیابی خود و محاسبه ارزش منصفانه بازار مدنظر قرار داده، توجه دارد و تا اندازه‌ای همان تردیدها را دارد. نخست، دیوان پذیرفتن این امر را دشوار می‌یابد که آقای کین چهار فروش سازهای علی‌الإدعا مشابه را که میان سال‌های ۱۳۸۴/۱۳۸۵ و ۱۳۹۰/۱۳۹۱ [۲۰۰۶ و ۲۰۱۲] با قیمت بسیار پایین‌تری فروخته شده اند (پنی، مُلیتور، هَمِر و بارون فون دِر لِین) را مدنظر قرار نداده است، و این که او نتوانسته دلایل قانع‌کننده‌ای برای عدم در نظر گرفتن این فروش‌ها ارائه کند. دوم، آقای کین نتوانسته توضیح دهد که چرا استرادیواریوس مربوط به این ادعا که او به عنوان «با کیفیت خوب اما نه بهترین کیفیت» معرفی کرده، باید تقریباً دارای همان قیمت لاپوسل باشد که او آن را به عنوان «اثری خارق‌العاده» وصف کرده است. نهایتاً دیوان متذکر می‌شود که آقای کین شهادت داد که همر که او آن را به عنوان «سازی چشم‌گیر» توصیف کرده، در سال ۱۳۸۴/۱۳۸۵ [۲۰۰۶] به مبلغ ۳،۵۴۴،۰۰۰ دلار آمریکا به فروش رسیده است. همان‌طور که ایالات متحده در جلسات استماع نشان داد، با اِعمال فرض آقای کین مبنی بر چهار درصد افزایش ارزش، مرکب هر سال، رقم مذکور باید در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] تقریباً به ارزش ۴،۶۶۳،۶۶۲ دلار آمریکا (قبل از هرگونه کسری بابت کمیسیون خریدار یا کمیسیون فروش‌ها) رسیده باشد. علی رغم این، آقای کین ارزش استرادیواریوس در سال ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] که آن را «بهترین نیست» توصیف می‌کند، ۶/۵ میلیون دلار آمریکا قرار داده است.

۱۸۵۵ - این ملاحظات دیوان را به این نتیجه می‌رسانَد که علی رغم اعتبار کلی مدارک ارائه‌شده توسط آقای کین، شاهد کارشناس ایران، ارزش ارائه‌شده توسط آقای کین برای ویولن «اکس-ویلموت» ظاهراً

نمی‌بایست مبنای بی‌عیب و نقصی قلمداد شود به نحوی که دیوان بتواند ارزیابی خود از خسارات مستقیم قابل‌پرداخت به ایران را بر آن استوار کند. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که ضرورت دارد که بر مبنای اطلاعات ارائه‌شده توسط طرفین و شهود کارشناس آن‌ها به ارزیابی خود از ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس در مهر/آبان ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] بپردازد.

*ارزیابی استرادیواریوس*

۱۸۵۶ - همان‌گونه که در نظرات کلی دیوان در خصوص ملاک‌های ادلهٔ اثبات گفته شد، جا دارد تکرار شود که در حقوق بین‌الملل کاملاً شناخته شده است که دشواری در محاسبه خسارات نباید خواهانی که منافعش صدمه دیده را از تحصیل غرامت محروم کند.[۹۴۷] این اصل در احکام اخیر محاکم داوری بین‌المللی تصدیق شده است. بدین ترتیب، به عنوان نمونه، دیوان داوری در پرونده *ویوندی علیه آرژانتین* اظهار داشت: «به خوبی تثبیت شده است که واقعیت عدم امکان تعیین خسارات با قاطعیت، دلیل عدم صدور حکم به خسارات در مواردی که زیان وارده شده، نمی‌باشد».[۹۴۸] دیوان داوری در پروندهٔ *تکمد علیه مکزیک* اظهار داشت که «هرگونه دشواری در تعیین غرامت، مانع ارزیابی چنین غرامتی در مواردی که وجود خسارت قطعی است، نمی‌باشد».[۹۴۹]

۱۸۵۷ - به علاوه، رویه قضائی فراوانی در داوری‌های سرمایه‌گذاری وجود دارد مبنی بر این که دیوان‌های داوری، صلاحیت محاکم داوری بین‌المللی را در تعیین میزان خسارات- و در این پروسه، توسل به گمانه‌زنی –

---

[۹۴۷] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۲۳۰ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]). همچنین *بنگرید* به، به عنوان نمونه، ریپینسکی و ویلیامز، پانوشت ۹۲۷ بالا، ص ۱۲۱.

[948] *Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 8.3.16 (20 Aug. 2007). *See also Southern Pacific Properties (Middle East) Ltd. v. Arab Republic of Egypt*, Award (ICSID Case No. ARB/84/3), para. 215 (20 May 1992).

[949] *Técnicas Medioambientales TECMED S.A. v. United Mexican States*, Award (ICSID Case No. ARB (AF)/00/2), para. 190 (29 May 2003).

در مواردی که اوضاع و احوال محاسبه دقیق را ممکن نمی‌سازد، مورد شناسائی قرار داده‌اند.[۹۵۰] به همین ترتیب، در رویهٔ این دیوان نیز امری کاملاً جا افتاده است که هر گاه اوضاع و احوال، تعیین دقیق میزان غرامت را مشکل یا غیرممکن می‌سازد، دیوان می‌تواند اختیار خود را در ارزیابی میزان خسارات اعمال نماید.[۹۵۱] به ویژه، رویه دیوان نشان می‌دهد که مدارک فروش واقعی مشابه اقلام می‌تواند در تعیین ارزش منصفانه بازار اقلام مفید واقع شود.[۹۵۲]

۱۸۵۸ - دیوان در پروندهٔ حاضر، وفق اطلاعات و رهنمودهای ارائه‌شده توسط طرفین و شهود کارشناس، به تعیین ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس در ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳]، یعنی تاریخ شهادت آقای کین در جلسات استماع خواهد پرداخت. دیوان در مورد تاریخ ارزیابی خاطرنشان می‌سازد که اختلافی در این مورد وجود ندارد که ارزش استرادیواریوس در طول زمان تغییر خواهد کرد. به اضافه، ایالات متحده به نظر می‌رسد

---

[۹۵۰] به عنوان نمونه بنگرید به

*Compañía de Aguas del Aconquija S.A. and Vivendi Universal S.A. v. Argentine Republic*, Award (ICSID Case No. ARB/97/3), para. 8.3.16 (20 Aug. 2007)

(که مقرر می‌دارد که در جایی که خسارات را نمی‌توان با قاطعیّت تعیین کرد، «تخمین‌ها اجتناب‌ناپذیرند»)؛

*Petrobart Ltd. v. Kyrgyz Republic*, Award (SCC Arb. No. 126/2003) at 83-84 (29 Mar. 2005)

(که دیوان با توجه به این‌که اطلاعات موجود در سابقه «به منظور این که دیوان داوری بتواند محاسبات ریاضی دقیقی از خسارات ترتیب دهد، بسیار نامشخص بود»، «ارزیابی کلّی‌تری» از خسارت «وفق احتمالات و افزایش ارزش معقول» به عمل آورد). *نیز بنگرید به* ریپینسکی و ویلیامز، پانوشت ۹۲۷ بالا، ص ص ۱۲۱–۱۲۲ («دیوان‌ها در اوضاع و احوالی که محاسبه دقیق، به عنوان نمونه به جهت ادله غیرقاطع، دشوار یا غیرممکن است، می‌توانند به اِعمال اختیار بپردازند و به «تخمین» متوسل شوند. تخمین‌ها بر فهم جمعی داوران از آن‌چه در اوضاع و احوال پرونده، معقول و منصفانه می‌باشد مبتنی است.» (پانوشت‌ها حذف شده است.)

[۹۵۱] *به عنوان نمونه بنگرید به استارت هاوزینگ کورپوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱–۲۴–۳۱۴، بند ۳۳۹ (متن فارسی ۲۴ مهر ۱۳۶۶ [۱۶ اکتبر ۱۹۸۷]، متن انگلیسی ۲۲ مرداد ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۶، ص ص ۱۱۲، ۲۲۱.

[۹۵۲] *سدکو، اینک. و شرکت ملی نفت ایران و دیگران*، حکم شماره ۳–۱۲۹–۳۰۹، بند ۳۱ (۱۶ تیر ۱۳۶۶ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ص ۲۳، ۳۷–۳۸؛ *هارولد برنبام و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۲–۹۶۷–۵۴۹ (۱۵ تیر ۱۳۷۲ [ششم ژوئیه ۱۹۹۳])، *منتشره* در گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ۲۸۷.

که حداقل اصولاً این امر را شناسایی کرده است که جدیدترین ادله در مورد ارزش چنین مالی باید مورد استفاده واقع شود، یعنی ادله‌ای که در ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳] به دیوان ارائه شده است.[۹۵۳]

**۱۸۵۹ -** مجموع هشت فروش ویولن علی‌الإدعا مشابه که بین سال‌های ۱۳۷۸/۱۳۷۹ [۲۰۰۰] و ۱۳۹۰/۱۳۹۱ [۲۰۱۲] یا به طور خصوصی یا در مزایده صورت‌گرفته، به دیوان ارائه شده است. به دلایلی که توسط آقای کین و آقای مارتنز توضیح داده شد (یعنی فقدان شفافیت در تعیین قیمت فروش، فقدان اطلاعات موثق، عدم آگاهی از انگیزه‌های فروش و...)، می‌توان ویولن‌های ادعائی مشابه که به طور خصوصی فروخته شده را مستثنا کرد و صرفاً فروش‌هایی که در مزایده انجام شده را مدنظر قرار داد. با این‌حال، با این که استرادیواریوس توسط ایران در فروشی خصوصی در سال ۱۳۵۵ [۱۹۷۶] خریداری شده است، دیوان در موقعیتی قرار ندارد که قضاوت کند که آیا امروز، اگر ایران به دنبال جایگزین کردن ساز مذکور بود، نیازمند انعقاد معامله‌ای خصوصی بود یا آن را در مزایده خریداری می‌کرد. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که مناسب است که هر دوی فروش‌های خصوصی و مزایده‌ها را مطمح نظر قرار دهد. به علاوه، دیوان ضروری می‌داند که دو فروش خارج از قاعده؛ یعنی لیدی بلانت (در بالاترین قیمت) و پنی (در پایین ترین قیمت) را مستثنا کند.

**۱۸۶۰ -** در نتیجه، دیوان مناسب می‌بیند که ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] را بر پایهٔ میانگین قیمت‌های شش فروش باقی مانده ارزیابی کند. دیوان سایر روش‌های انتخاب ویولن‌هائی را که باید وفق اهداف ارزیابی ارزش منصفانهٔ بازار استرادیواریوس در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] مدنظر قرار دهد، بررسی کرده است. پس از این بررسی‌ها معلوم شد که هیچ یک از این روش‌های جایگزین بر این اساس که به لحاظ منطقی یا تجاری برتر باشند، مرجّح محسوب نمی‌شوند.

---

[۹۵۳] *بنگرید به* بند ۱۸۳۶، بالا.

۱۸۶۱ - دیوان همچنین به موافقت طرفین عنایت دارد که کمیسیون (یا کارمزد، در فرض فروش خصوصی) نباید تشکیل‌دهنده بخشی از ارزیابی ارزش منصفانه بازار باشد. دیوان به توضیح آقای مارتنز در مورد روش محاسبه کمیسیون خریدار اعمال‌شده توسط کریستی در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] (یعنی ۲۵ درصد تا ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا، ۲۰ درصد بین ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا و ۲ میلیون دلار آمریکا، و ۱۲ درصد بالای ۲ میلیون دلار آمریکا) اشاره می‌کند. دیوان همچنین خاطرنشان می‌گردد که آقای کین شهادت داده است که کمیسیون در فروش خصوصی، بسته به اثر مربوطه، می‌تواند از چهار درصد تا ۲۰ درصد متفاوت باشد، و این که کارمزدها در حدود قیمت مربوطه عموماً قابل مذاکره بوده است. دیوان مضافاً یادآور این اظهار آقای کین می‌شود که «مراکز مزایده به شدت ... علیه سالن‌های خصوصی رقابت می‌کنند». بر این اساس، علی رغم این که فروش‌ها شامل مزایده‌ها و فروش‌های خصوصی می‌باشد، دیوان با این فرض که دو نوع کمیسیون برای طیف ارزش‌های ویولن‌هائی که به دیوان ارائه‌شده تفاوت چندانی نخواهد داشت، کمیسیون خریداری برای هر یک از فروش‌ها مدنظر قرار خواهد داد.

۱۸۶۲ - همچنین ضروری است که تاریخ‌های فروش‌هایی که مدنظر قرار می‌گیرد، مورد عنایت قرار گیرد. همان‌طور که در بالا گفته شد، طرفین پذیرفته‌اند که ارزش ویولن‌هایی که مدنظر قرار گرفته، طی زمان تغییر خواهد کرد و آقای کین به چهار درصد محافظه‌کارانهٔ افزایش سالانه جهت تعیین ارزش سازهای موسیقی وفق اطلاعات تاریخی شهادت داده، که ایالات متحده اشاره به آن کرده که برای آن دولت پذیرفتنی است. بدین ترتیب دیوان حکم می‌کند که تخمین آقای کین که ارزش یک ویولن، سالانه، چهار درصد افزایش خواهد

یافت، مبنایی معقول برای تعدیل فروش‌های مورد مقایسه به ارزش تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳] (یعنی تاریخ شهادت آقای کین) است.[۹۵۴]

| | قیمت فروش [دلار آمریکا] | تاریخ فروش[۹۵۵] | قیمت فروش تعدیل شده به مهر ۱۳۹۲ [دلار آمریکا] | با کسر کمیسیون خریدار (کارمزد فروشنده) |
|---|---|---|---|---|
| **ژنرال کید پرلمن** | ۵/۵ میلیون[۹۵۶] | شهریور ۱۳۸۸ (۲۴ شهریور ۱۳۸۸ [۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹]) | ۶،۴۵۴،۹۹۷/۰۴ | ۵،۵۱۵،۳۹۷/۳۹ |
| **دولفین** | ۵/۵ میلیون | ۱۳۷۹ (۱۱ تیر ۱۳۷۹ [اول ژوئیه ۲۰۰۰]) | ۹،۲۶۴،۸۰۱/۱۴ | ۷،۹۸۸،۰۲۵/۰۱ |
| **لا پوسل** | ۶ میلیون | ۱۳۸۰ (۱۱ تیر ۱۳۸۰ [اول ژوئیه ۲۰۰۱]) | ۹،۷۱۸،۳۲۲/۸۸ | ۸،۳۸۷،۱۲۴/۱۳ |
| **مولیتور** | ۳/۶ میلیون | ۱۳۸۸ (۱۰ تیر ۱۳۸۸ [اول ژوئیه ۲۰۰۹]) | ۴،۲۵۹،۷۳۴/۴۵ | ۳،۵۸۳،۵۶۶/۳۲ |
| **هَمِر** | ۳،۵۴۴،۰۰۰ | ۱۳۸۵ [۱۰ تیر ۱۳۸۵ [اول ژوئیه ۲۰۰۶)] | ۴،۷۱۷،۵۹۲/۴۹ | ۳،۹۸۶،۴۸۱/۳۹ |
| **بارون فون در لِین** | ۲/۶ میلیون | ۱۳۹۱ (ششم اردیبهشت ۱۳۹۱ [۲۵ آوریل ۲۰۱۲]) | ۲،۷۵۴،۴۴۰/۲۵ | ۲،۲۵۸،۹۰۷/۴۲ |

[۹۵۴] دیوان متذکر می‌شود که اصولاً، استفاده از تخمین آقای کین برای تعدیل ارزش مطابق تاریخ حکم امکان‌پذیر است، اما این واقعیت را مدنظر قرار می‌دهد که فقط ادله و مدارک مربوط به صحت آن تخمین در تاریخ شهادت آقای کین به دیوان ارائه شده است.

[۹۵۵] فرض‌های دیوان در مورد تاریخ دقیق هر یک از فروش‌ها در پرانتز نشان داده شده است.

[۹۵۶] قیمت گزارش‌شده ۵/۵ میلیون دلار آمریکا برای جنرال کید پرلمن در این محاسبه به کار گرفته شده است.

۱۸۶۳ - بدین ترتیب، دیوان تعیین می‌کند که ارزش منصفانه بازار استرادیواریوس در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] ۵،۲۸۶،۵۸۳/۶۱ دلار آمریکا است. این ارزش شامل بهرهٔ پیش از صدور رأی، چنان‌که در زیر بحث شده، خواهد بود.[۹۵۷]

*هزینه‌های متحمل‌شده توسط نگه‌دارنده، آقای فروغ در مدتی که استرادیواریوس امانت بوده است*

۱۸۶۴ - ایالات متحده استدلال می‌کند که هزینه‌های متحمله توسط آقای فروغ، مانند هزینه‌های تعمیر و مرمت، طی زمانی که او از استرادیواریوس نگه‌داری می‌کرده، باید از هر حکمی که برای ایران صادر می‌شود کسر گردد تا ایران در وضعیتی بهتر از آن چه در صورت عدم نقض ایالات متحده بود، قرار نگیرد.

۱۸۶۵ - گرچه هیچ یک از طرفین به این مسئله نپرداخته‌اند، دیوان مایل است متذکر شود که اگر قرار بود به رسیدگی اختلافی میان ایران و آقای فروغ بپردازد، این مسئله به قانون حاکم بر روابط میان مالک استرادیواریوس، ایران، و دارنده غیرقانونی آن، آقای فروغ، بستگی می‌داشت. اکثر نظام‌های حقوقی متعلق به سنت حقوق نوشته، این رابطه حقوق مالکانه را به عنوان ادعای استرداد مال (*rei vindicatio*) تلقی می‌کنند در حالی که نظام‌های حقوق عرفی، این امر را ذیل تعدّی صورت‌بندی می‌کنند. ادعاهای تبعی مالک و دارنده علیه یک‌دیگر می‌تواند به منزله امری قراردادی، شبه‌قراردادی (*negotiorum gestio*)، اعاده وضع به حال سابق یا شبه جرم (خطای مدنی) صورت‌بندی شود. تعیین قانون حاکم بر این مسائل به چگونگی صورت‌بندی این رابطه بستگی دارد. اگر به عنوان امری شبه قراردادی صورت‌بندی شود (چنان‌که اکثر نظام‌های حقوقی نوشته وفق واقعیت‌های حاضر چنین می‌کنند)، وفق مواد ۴ و ۲ مقرره شماره ۲۰۰۷/۸۶۴ راجع به قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی (رم دو)،[۹۵۸] «قانون حاکم بر تعهد غیرقراردادی ناشی از شبه جرم/خطای مدنی باید حقوق کشوری باشد که خسارات در آن

---

[۹۵۷] *بنگرید به* بند ۲۵۶۷به بعد، زیر.

[958] Council Regulation 864/2007 on The Law Applicable to Non-Contractual Obligations (Rome II), arts. 4 & 2, 2007 O.J. (L 199) 40, 43-44.

واقع شده است» یعنی مکانی که نگه‌دارنده متحمل هزینه‌ها شده است. در این موارد آقای فروغ - به احتمال زیاد و با قضاوت مبتنی بر حوزه‌های قضائی معمولی حقوق عرفی- هیچ حقی بر بازپرداخت ندارد. با این حال، همان طور که در بالا گفته شد، هیچ یک از طرفین این موضوع را طرح نکرده‌اند.

۱۸۶۶ - با این‌حال، مهم‌تر این‌که این سؤال که آیا آقای فروغ مستحق بازپرداخت بابت هزینه‌های متحمله در حفظ استرادیواریوس در دعوای فرضی با ایران می‌باشد یا خیر، تأثیری بر تعیین غرامت قابل پرداخت به ایران در اثر نقض تعهد بین‌المللی ایالات متحده ندارد. هیچ توجیهی وجود ندارد که چرا ایالات متحده که وفق حقوق بین‌الملل عمومی مسؤول است، باید از هزینه‌های تحمیلی بر نگه‌دارندهٔ (غیرقانونی) ساز منتفع شود.

۱۸۶۷ - بنابراین، دیوان حکم می‌کند که نباید هیچ مبلغی بابت نگه‌داری و سایر هزینه‌ها کسر گردد.

۱۸۶۸ - در نتیجه، دیوان پس از بررسی تمام ادله، در صورت ناتوانی ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال استرادیواریوس به ایران ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی، مبلغ ۵،۲۸۶،۵۸۳/۶۱ دلار آمریکا به عنوان غرامت به نفع ایران حکم می‌دهد.

*دعوای محرومیت از استفاده*

۱۸۶۹ - ایران خواهان خساراتی است که وزارت‌خانه در اثر محرومیت از استفاده از استرادیواریوس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی که ایران ادعا می‌کند نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده شروع شده، تا زمان استرداد ساز مذکور یا پرداخت غرامت متحمل شده است. ایران در تأیید این ادعا تنها به شهادت آقای بیگلری پور که به طور کلی در دو بند به کنسرت‌های موسیقی، تک‌نوازی‌ها و قراردادهایی با شرکت‌های متفاوت که به دلیل نبود استرادیواریوس منعقد نشد استناد می‌کند. آقای بیگلری پور خسارت عدم استفاده را

سالانه ۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا تعیین کرد.[۹۵۹] با این حال، آقای بیگلری پور نه در خصوص چگونگی رسیدن خود به رقم مذکور ارائه توضیحی کرده و نه مدرکی در حمایت از اظهارات خود به شهادت‌نامه‌اش ضمیمه نموده است. به علاوه، ایران نیز هیچ‌گونه ادلهٔ دیگری در این مورد که آیا استرادیواریوس هیچ گونه عواید یا منافعی طی دوره مربوطه داشته است یا خیر ارائه نکرده است.

۱۸۷۰ - دیوان در ارتباط با ادعاهای ایران برای محرومیت از عواید، احکام پیشین خود را یادآور می‌شود که به عدم النفع در صورتی ممکن است حکم داده شود که ایران بتواند دیوان را قانع کند که چنین منافعی قابل‌حصول بوده است.[۹۶۰] در این سیاق، دیوان حکم داده است که عدم‌النفع ادعایی باید با قاطعیتی کافی نشان داده شود و ادعاهایی را که بیش از اندازه، مبتنی بر ظن و گمان تشخیص داده، رد کرده است.[۹۶۱] دیوان در پروندهٔ *سدکو علیه شرکت ملی نفت ایران*[۹۶۲] در زمان تحلیل ادعای محرومیت از استفادهٔ خواهان، چهار عنصر را بدین شرح

---

[۹۵۹] *بنگرید به* بند ۱۸۳۲، بالا.

[۹۶۰] *به عنوان مثال، بنگرید به ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۵ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص‌ص ۱۹۱، ۲۰۹؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۶۷ (متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵]، متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۰.

[۹۶۱] *به عنوان نمونه بنگرید به ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ص ص ۱۹۱، ۲۰۹-۲۱۰ (ادعای محرومیت از منافع را به این دلیل رد کرده است که خواهان با قاطعیت کافی، اثبات نکرده بود که پروژه سودآور می‌شد)؛ *سایزموگراف سرویس کورپوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۴۴۳-۴۲۰، بندهای ۳۰۶-۳۰۷ (اول دی ۱۳۶۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۸۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ص ۳، ۸۰-۸۱ (به نحو جزئی، ادعا بر محرومیت از منافع را به این دلیل رد کرده است که در حاشیه سود ادعا شده توسط خواهان بزرگ‌نمایی صورت گرفته بوده که آن را کاملاً حدسی کرده بوده است)؛ *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۷۶ (متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵] متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۳-۲۰۴ (ادعا بر محرومیت از منافع را به خاطر قصور در اثبات رد کرده به این دلیل که خسارات ادعا شده، بی‌جهت، حدسی بوده، و خواهان با قاطعیت کافی اثبات نکرده بوده که پروژه به نفعی منتهی می‌شده است).

[۹۶۲] *سدکو، اینک. و شرکت ملی نفت ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹، بندهای ۸۵-۸۶ (۱۶ تیر ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص‌ص ۲۳، ۵۳.

مدنظر قرار داد: (یک) تجهیزات فوراً قابل‌جایگزینی نبود؛ (دو) مدت زمان مشخصی که برای جایگزینی طول می‌کشید؛ (سه) درآمد حاصل از به کار بردن آن قلم؛ و (چهار) مبالغ مشخص آن درآمد.[۹۶۳] دیوان در اعطای خسارت محرومیت از استفاده به خواهان، از جمله، این عناصر را مدنظر قرار داد: (یک) خواهان می‌توانست در صورتی که اقلام موضوع بحث را در آن نُه ماه در اختیار داشت در واقع اجاره دهد؛[۹۶۴] (دو) در واقع نه ماه زمان می‌بُرد تا خواهان اقلام را جایگزین کند.[۹۶۵] به علاوه، دیوان در تعیین مبلغ عدم النفع مورد حکم، دعوای خواهان بابت نفع روزانه به مبلغ ۵،۰۰۰ دلار آمریکا به ازای هر قلم را «مجاب‌کننده نیافت» و رد نمود و حکم خود را به مبلغ منفعت «کسب شده واقعی» در عملیات مشابه ایران در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] محدود نمود.[۹۶۶]

۱۸۷۱ - با توجه به این پیشینه، دیوان حکم می‌کند که ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده، معیارهای دیوان برای تحقق این نوع دعوا را احراز نمی‌کند. نه آقای بیگلری پور و نه ایران نشان نداده‌اند که استرادیواریوس نمی‌توانسته در زمان موردنظر جایگزین شود، جایگزینی چه مدت طول می‌کشیده، و اگر استرادیواریوس به ایران مسترد می‌شد، چه درآمدی جذب می‌کرد. ارزیابی خسارت آقای بیگلری پور نه حاوی توضیحی در مورد چگونگی رسیدن وی به مبلغ ۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هر سال است و نه نامبرده مدرکی برای حمایت از اظهارات خود با هر درجه از قطعیت را ضمیمه کرده است.

---

[۹۶۳] *سدکو، اینک.*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹، بندهای ۸۵-۸۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

[۹۶۴] *سدکو، اینک.*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹، بندهای ۸۵-۸۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

[۹۶۵] *سدکو، اینک.*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹، بندهای ۸۵-۸۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳. دیوان با این‌حال دوره‌ای را که خواهان می‌توانست دریافت خسارت کند به هفت ماه کاهش داد تا زمانی که برای آغاز مجدد عملیات طول می‌کشید را مدنظر قرار دهد.

[۹۶۶] *سدکو، اینک.*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹، بندهای ۸۵-۸۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

۱۸۷۲ - بنابراین، دیوان حکم می‌کند که ایران با قطعیتی کافی اثبات نکرده است که استرداد به‌موقع استرادیواریوس منجر به حصول منفعت برای ایران می‌شده است. در نتیجه، ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده رد می‌شود.

*نتیجه*

۱۸۷۳ - بنا بر مراتب فوق، دیوان به ایالات متحده دستور می‌دهد که ترتیبات انتقال استرادیواریوس به ایران را ظرف چهار ماه از این حکم جزئی فراهم آورد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید اقداماتی به منظور تضمین این امر انجام دهد که متصرف یا متصرفین استرادیواریوس ساز مذکور را در آن دورهٔ زمانی به ایران انتقال خواهند داد.[۹۶۷] در صورتی که استرادیواریوس ظرف چهار ماه از تاریخ این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان مبلغ ۵،۲۸۶،۵۸۳/۶۱ دلار آمریکا حاصل از ارزش منصفانه بازار ساز مذکور در ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳] را به عنوان خسارات مستقیم ناشی از قصور ایالات متحده در متابعت از تعهدات خود ذیل بیانیه‌های الجزایر به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۲) ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) (رادیو و تلویزیون ملی ایران/ کامران مشایخی)

*(الف) مقدمه*

۱۸۷۴ - دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۹۶۸] دیوان حکم کرده است که چهار ساز گالیانو و دو آرشه مربوط به ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنا شده است و در نتیجه،

---

[۹۶۷] *بنگرید به* بندهای ۱۶۸-۱۶۹، بالا.

[۹۶۸] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص این اقلام را نقض کرده است.[۹۶۹] دیوان حکم می‌کند که در این اوضاع و احوال، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه داری، سبب اصلی عدم انتقال چهار ساز گالیانو و دو آرشه به ایران بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده مسؤول خسارات وارده به ایران ناشی از نقض بیانیه عمومی می‌باشد.

۱۸۷۵ - خواستهٔ ایران وفق جدول اختصاری دعاوی خود در ادعای تکمیلی ۱۲-(۲)، استرداد چهار ساز گالیانو و دو آرشه، یا به نحو جایگزین مبلغ ۹۹۰،۶۲۵ دلار آمریکا، یعنی حاصل جمع ارزش‌های آتی که ایران معروض می‌دارد ارزش‌های منصفانه بازار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] می‌باشد: (۱) مبلغ ۱۴۴،۰۰۰ دلار آمریکا بابت ویولن جوزپه گالیانوی ۱۷۸۰؛ (۲) مبلغ ۱۶۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت ویولن نیکولو گالیانوی ۱۷۳۸؛ (۳) مبلغ ۶۴۸،۰۰۰ دلار آمریکا بابت ویولن‌سِل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴؛ (۴) مبلغ ۲۶،۲۵۰ دلار آمریکا بابت ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴؛ و (۵) مبلغ ۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا بابت دو آرشه. ایران خواهان بهره نیز می‌باشد. ایران سابقاً خواستار خسارات تبعی و هزینه‌های حقوقی شده بود، اما همان طور که در جدول اختصاری دعاوی خود آورده است، از این جنبه‌های ادعا اعراض کرده است.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*استرداد چهار ساز گالیانو و دو آرشه*

۱۸۷۶ - همان‌طور که در بالا ذکر شد، خواستهٔ اصلی ایران استرداد چهار ساز گالیانو و دو آرشه است. کامران مشایخی در اول فروردین ۱۳۵۷ [۲۱ مارس ۱۹۷۸] چهار ساز گالیانو و شش آرشه را به نمایندگی از رادیو و

[۹۶۹] *بنگرید به* بندهای ۳۹۲-۳۹۴، بالا.

تلویزیون ملی ایران خرید، و همان‌گونه که ایران در جلسات استماع متذکر شد، وی چهار عدد از آن آرشه‌ها را کمی بعد از آن چنان‌که طی نامه مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۷ مه ۱۹۷۸] رادیو و تلویزیون ملی ایران به کامران مشایخی تصدیق شده به رادیو و تلویزیون ملی ایران تحویل داد. ایران اظهار می‌دارد که روشن نیست کدام چهار آرشه از شش آرشه مسترد شده است، همان‌گونه که روشن نیست کدام دو آرشه موضوع این ادعا است.[۹۷۰]

*ارزش منصفانه بازار*

۱۸۷۷ - ایران به نحو جایگزین خواهان خسارات به مبلغ مجموع ارزش منصفانه بازار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] بابت هر یک از چهار ساز گالیانو و دو آرشه است. دیوان فرض می کند که موضع ایران در خصوص تاریخ ارزیابی، همان موضع مذکور در مورد تاریخ ارزیابی برای ویولن استرادیواریوس مربوط به ادعای ز–۱۸ می‌باشد، یعنی این که ایران مستحق ارزش منصفانه بازار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] است زیرا ایالات متحده «از سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] تا کنون، مستمراً ناقض تعهد انتقال ذیل بند ۹ خود بوده است».

۱۸۷۸ - ایران در جلسات استماع و در جدول اختصاری دعاوی خود، به ارزیابی‌های انجام شده از چهار ساز مذکور و دو آرشه توسط شاهد کارشناس خود، آقای کین، که همان‌طور که در بالا در ارتباط با ادعای ز–۱۸ ذکر شد، سازنده آموزش‌دیده ویولن، متخصص آلات موسیقی، و کارمند سابق و مشاور کنونی کریستی می‌باشد، استناد کرده است.

۱۸۷۹ - به مانند ادعای ز–۱۸ بالا، ایران به آقای کین دستور داد تا ارزش منصفانه بازار چهار ساز گالیانو و دو آرشه، و نه بیمه یا ارزش جای‌گزین آن‌ها را در سال‌های ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] و ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] تعیین کند.

---

[۹۷۰] دیوان متذکر می‌شود که نامهٔ مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۷ مه ۱۹۷۸] رادیو و تلویزیون ملی ایران به کامران مشایخی دریافت آرشه‌های «تورته، پکات، هیل، و وینیرون» را تصدیق می‌کند.

۱۸۸۰ - آقای کین توضیح داد که برای آماده‌شدن برای شهادت خود، اَسناد اصالت صادره توسط فروشنده، ژاک فرانسه، و عکس‌های ضمیمه به آن‌ها در مورد هر یک از سازهای مربوط به این ادعا را بررسی کرده است. او اظهار داشت که به این اَسناد اصالت از طریق یک آرشیو عمومی در مؤسسه اسمیتسونیان دسترسی داشته است. وفق سخنان آقای کین، این اسناد اصالت «سازها مورد نظر را توصیف کرده و پیشینه و منشاء و توصیف کاملی از اندازه‌های آن‌ها را ارائه می‌کند».

۱۸۸۱ - به مانند ادعای ز–۱۸، ایران ضمن باقی‌ماندن بر این موضع که سازهای مذکور باید در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] ارزیابی شود، معروض می‌دارد که «ابزارهایی» را جهت انجام ارزیابی خسارات در تاریخی «غیر از سال‌های ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] که ادله مستقیم [به دیوان داده شده]» در اختیار دیوان قرار داده است. ایران همچنین استدلال می‌کند که اگر دیوان تاریخی غیر از سال‌های ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] را برگزیند، دیوان باید فرض آقای کین که بنا بر اظهار خود، محافظه‌کارانه است را بپذیرد که ارزش چنین سازهایی با نرخ چهار درصد در سال به صورت مرکب افزایش می‌یابد.

۱۸۸۲ - در مورد خودِ ارزیابی، آقای کین ظاهراً همان پنج معیار توصیف‌شده در بالا در ارتباط با ارزیابی ویولن استرادیواریوس در ادعای ز–۱۸ را مورد استفاده قرار داده است. اظهارنظر او که فوقاً در ارتباط با ادعای ز–۱۸ که «قیمت‌های ویولن‌های نادر ایتالیایی به افزایش ادامه داده، و اگر به آن‌ها در ده سال گذشته و بیست سال گذشته نگاه کنید، می‌بینید که مبلغ آن‌ها با نرخ ثابتی افزایش پیدا می‌کند» ذکر شد، در مورد این ادعا نیز قابل‌اعمال می‌باشد.

۱۸۸۳ - مجدداً به نظر می‌رسد که ایران می‌پذیرد که چون فروش‌های مشابه مدنظر آقای کین، همگی فروش‌های مزایده‌ای هستند، ارزیابی‌های او باید بابت در نظر گرفتن کمیسیون خریدار تعدیل شود. شهادت آقای کین در مورد میزان کمیسیون خریدار که در بند ۱۸۲۷ بالا تشریح شده نیز بر این ادعا به کاربردنی می‌باشد.

۱۸۸۴ - سرانجام، استدلال ایران مبنی بر این که هزینه‌های نگه‌داری نباید از هرگونه خسارت مورد حکم توسط دیوان کسر شود، چنان‌که در بند ۱۸۲۹ در ارتباط با ادعای ز-۱۸ آمده، در مورد این ادعا نیز قابل اعمال می‌باشد.

*ویولن جوزپه گالیانوی ۱۷۸۰*

۱۸۸۵ - طبق اظهار آقای کین، ویولن جوزپه گالیانو که در اول فروردین ۱۳۵۷ [۲۱ مارس ۱۹۷۸] به مبلغ ۲۵،۰۰۰ دلار به کامران مشایخی فروخته شد «احتمالاً» در ۱۹۸۱ «قریب ۳۰،۰۰۰» دلار آمریکا ارزش داشت».

۱۸۸۶ - برای محاسبهٔ بهای این ویولن در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳]، آقای کین به چهار فروش نسبتاً اخیر ویولن‌های گالیانو (همگی از طریق مزایده) استناد کرد. این مزایده‌ها عبارت بودند از: (یک) یکی در ۱۳۸۹/۱۳۹۰ [۲۰۱۱] در برومپتون به قیمت ۹۰،۰۰۰ پوند انگلیس؛ (دو) یکی در ۱۳۸۷/۱۳۸۸ [۲۰۰۹] کریستی به قیمت ۹۴،۵۰۰ دلار آمریکا؛ (سه) یکی در حراج ۱۳۸۸/۱۳۸۹ [۲۰۱۰] در بونهامس به قیمت ۶۰،۰۰۰ پوند انگلیس؛ و (چهار) یکی در ۱۳۸۸/۱۳۸۹ [۲۰۱۰] در ادام پارتریج به قیمت ۱۰۳،۰۰۰ پوند انگلیس.

۱۸۸۷ - آقای کین با در نظر گرفتن این فروش‌ها و عوامل تعیین‌کنندهٔ ارزش به شرح بالا ویولن جوزپه گالیانوی ۱۷۸۰ موضوع این ادعا را در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] (یعنی تاریخ جلسه استماع) ۱۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا ارزیابی کرد. مطابق اظهارات آقای کین، او به دلایل آتی به این نتیجه در ارزیابی خود رسید:

> با عنایت به مطلوبیت گالیانوها در بازار و روند رو به بالای قیمت آن‌ها از ۶۰،۵۰ سال پیش اگر کسی امکان مالی‌اش اجازه خرید ویولن ساخت شمال ایتالیا را نمی‌داد، گالیانوها به عنوان گزینهٔ نه چندان گران ایتالیائی مدنظر قرار می‌گرفت، و بسیاری از نوازنگان حرفه‌ای نسل اخیر با گالیانوها می‌نواختند، چرا که کیفیت بالاتری از جنس ایتالیائی، کیفیت خوب صدا که با پرداخت بخشی از قیمت یک ساز کرمونز یا ونتیان حاصل می‌شود، لذا نوازندگان فعال زیادی را می‌بینیم که یکی از آنها را داشته است. چون بازار در حدود ۳۰ سال گذشته گرم شده، ارزش گالیانوها همچنان افزایش یافته است.

۱۸۸۸ - ایران بر اساس ارزیابی آقای کین و با در نظر گرفتن ۲۰ درصد ثابت کمیسیون خریدار، مبلغ ۱۴۴،۰۰۰ دلار آمریکا به عنوان ارزش منصفانه بازار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] بابت ویولن جوزپه گالیانو مطالبه می‌کند.

*ویولن نیکولو گالیانوی ۱۷۳۸*

۱۸۸۹ - آقای کین شهادت داد که قیمت ویولن گالیانو در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱]، ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است.

۱۸۹۰ - برای تعیین ارزش منصفانه بازار این ویولن در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳]، آقای کین وضعیت فروش اخیر سه فقره ویولن نیکولو گالیانو (که این فروش‌ها هم از طریق مزایده صورت گرفته بود) در همان دورهٔ زمانی مرتبط با این ادعا تشریح کرد: (یک) فروش تاریسیو به بهای تقریبی ۱۵۶،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (دو) فروش ساتبی به بهای ۱۲۱،۰۰۰ پوند انگلیس؛ و (سه) فروش ۲۰۰۷ در کریستی به قیمت ۱۴۴،۰۰۰ دلار آمریکا.

۱۸۹۱ - آقای کین ویولن نیکولو گالیانوی ۱۷۳۸ که موضوع ادعای حاضر است را در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳]، ۲۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا ارزیابی کرد. استدلال آقای کین برای این قیمت‌گذاری از جمله شامل این واقعیت است که آثار نیکولو گالیانو «غبطه‌خوردنی‌ترین» [در میان همه ویولن‌سازهای خانوادهٔ گالیانو] هستند و کیفیت هماهنگی ... هم در خوش‌ساخت‌بودن و هم لاک الکل آن، و از نظر خوش‌آوائی، سازهایی فوق‌العاده هستند».

۱۸۹۲ - ایران بر پایه ارزیابی آقای کین و با در نظر گرفتن کمیسیون ۲۰ درصدی ثابت خریدار، برای ویولن نیکولو گالیانوی ۱۷۳۸ مبلغ ۱۶۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت ارزش منصفانه بازار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] مطالبه می‌کند.

*ویولن‌سل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴*

**۱۸۹۳ -** آقای کین شهادت داد که ارزش ویولن‌سل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴ در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] مبلغ ۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است.

**۱۸۹۴ -** آقای کین در خصوص ارزش این ویولن‌سل در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] توضیح داد که ویولن سل نیکولو گالیانو مطروح در ادعای حاضر در مهر ۱۳۹۰ [اکتبر ۲۰۱۱] توسط برومپتون «به قیمت ۴۸۰،۰۰۰ پوند انگلیس که در جهان بی‌سابقه بود» به فروش رفت.[۹۷۱] طبق نظر آقای کین، فروش ویولن‌سل‌های نیکولو گالیانو به «ندرت اتفاق می‌افتد» و در زمان فروش مذکور، این ویولن‌سل همچنین «برای بازار تازه بود» و «برای بیش از ۳۰ سال در مالکیت یک نفر قرار داشت». آقای کین اظهار داشت که این «فروش کلاً تعرفه جدیدی برای بازار ویولن‌سل گالیانو تعیین کرد» به گونه‌ای که او (به جای به کار بستن فروش اقلام مشابه به عنوان مبنای ارزیابی) «فروش این ویولن سل مشخص را به عنوان تعیین‌کنندهٔ قیمت پایه تلقی خواهد کرد» زیرا که «این مقایسه، قیاس مستقیم با بازار فروش است». وی همچنین توضیح داد که توانست «بر اساس مدارک موجود در سوابق ژاک فرانسه» که شماره کاتالوگ هیل را در اختیار قرار داد، که در حراج مهر ۱۳۹۰ [اکتبر ۲۰۱۱] برومپتون نیز ذکر شده بود، نتیجه‌گیری کند که این همان ویولن‌سل است. وی همچنین بر پایه تصاویری که در دست داشت مقایسهٔ بصری به عمل آورد.

**۱۸۹۵ -** آقای کین با در دست داشتن «مبنای قیاس مستقیم» با اعمال تخمین بالای خود در خصوص بالا رفتن بهای این قبیل سازها در طول زمان به قیمت ۸۱۰،۰۰۰ دلار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] رسید.

**۱۸۹۶ -** ایران بر پایهٔ ارزیابی آقای کین و با در نظر گرفتن مبلغ مربوط به کمیسیون ۲۰ درصدی ثابت خریدار، ۶۴۸،۰۰۰ دلار به عنوان ارزش منصفانه بازار ویولن‌سل نیکولوگالیانو در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] مطالبه می‌کند.

---

[۹۷۱] ۴۸۰،۰۰۰ پوند انگلیس در مهر ۱۳۹۰ [اکتبر ۲۰۱۱] تقریباً معادل ۷۵۶،۴۵۷ دلار آمریکا بوده است (یک پوند انگلیس = ۱/۵۷۵۹۵۲ دلار آمریکا).

**۱۸۹۷** - آقای کین در «برآورد قیمت» ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴ «احساس راحتی نمی‌کرد» چرا که نمی‌توانست به این نتیجه برسد که ویولای مذکور «واقعاً ساخت گالیانو باشد». آقای کین دو دلیل ارائه کرد: نخست، او «هرگز ویولای یوئنس گالیانو را ندیده بود»، و دوم، هر چند یوئنس گالیانو برای کار «خوب و خیلی تمیز» شهرت داشت، بر اساس عکس‌های موجود، آقای کین «فکر نمی‌کند [این ویولا] با آن کیفیت باشد». آقای کین فکر می‌کند که این ساز باید ساخت یک بدل‌ساز از اهالی ناپل در قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم میلادی باشد. آقای کین همچنین مطمئن نبود که این ساز، یک ویولا در ابعاد کامل (۴۰ – ۴۱ سانتیمتر) است یا یک ویولای کوچک (۳۸ سانتیمتر)، که دومی به نسبت، خریدار به مراتب کمتری در بازار دارد.

**۱۸۹۸** - علی‌رغم موارد بالا، آقای کین شهادت داد که ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴ در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱]، مبلغ ۳۵،۰۰۰ دلار آمریکا ارزش داشته و به فرض اصل‌بودن ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا. اما به خاطر تردید او در اصالت آن، آقای کین ارزش ویولا با ابعاد کامل را که یک بدل‌ساز ماهر ساخته باشد، در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] ۸۰،۰۰۰ دلار می‌داند. اما اگر ویولا کار بدل ساز ماهر نباشد و کوچک باشد، به نظر شاهد کارشناسی او ارزشش ۳۵،۰۰۰ دلار خواهد بود.

**۱۸۹۹** - با در نظر گرفتن ارزیابی محافظه‌کارانه‌تر یعنی قیمت ۳۵،۰۰۰ دلار آمریکا و با در نظر گرفتن حق کمیسیون خریدار ثابت معادل ۲۰ درصد، ایران مبلغ ۲۶،۲۵۰ دلار آمریکا به عنوان ارزش منصفانه بازار در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳]، بابت ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴ مطالبه می‌کند.

*دو آرشه*

۱۹۰۰ - همان‌گونه که در بالا ذکر شد، ایران تصویر صورت‌حساب خریدی از ژاک فرانسه را ضمیمه کرده است که نشان می‌دهد که در اول فروردین ۱۳۵۷ [۲۱ مارس ۱۹۷۸] شش فقره آرشه‌های زیر به قیمت‌های مذکور را خریداری کرده است: (یک) یک آرشه ویولن فرانسوا خاویر تورت به مبلغ ۱۳،۵۰۰ دلار آمریکا؛ (دو) یک آرشهٔ ویولن دومینیک پکات به قیمت ۵،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (سه) یک آرشه ویولن ژوزف آرتور وینیرون به بهای ۱،۳۰۰ دلار آمریکا؛ (چهار) یک آرشه ویولن سل جان دود به قیمت ۲،۵۰۰ دلار آمریکا؛ (پنج) یک آرشهٔ ویولای جیمز تابز به قیمت ۲،۵۰۰ دلار آمریکا، و (شش) یک ارشهٔ ویولن دابلیو هیل اند سانز به قیمت ۱،۲۰۰ دلار آمریکا.

۱۹۰۱ - آقای کین، با توجه به این که هیچ عکسی از آرشه‌ها را ندیده، و در نتیجه از شرایط آن‌ها ناآگاه بوده و نمی‌توانست مدل آن‌ها را تعیین کند، دشواری ارائه نظر خود را در خصوص ارزش آرشه‌ها تصدیق کرده است. آقای کین هم‌چنین اظهار داشت که احتمالاً میان آرشه‌ها، یکی از دو آرشه که در زمان خرید ارزش بیش‌تری داشته، تورت و پکات، جفت ویولن استرادیواریوس که آقای مشایخی در همان زمان خرید و موضوع خواسته این ادعا نیست بوده است. علی‌رغم این، آقای کین نظر خود را دربارهٔ ارزیابی همهٔ آرشه‌ها در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] به شرح آتی ارائه کرد: (یک) برای آرشه ویولن فرانسوا خاویر تورت ۲۰۰،۰۰۰ الی ۲۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (دو) برای آرشه ویولن دومینیک پکات بین ۱۰۰،۰۰۰ تا ۱۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (سه) برای آرشهٔ ویولن ژوزف آرتور وینرون ۱۲،۰۰۰ تا ۱۸،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (چهار) برای ارشهٔ ویولن سل جان دود ۸،۰۰۰ تا ۱۲،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (پنج) برای آرشه ویولای جیمز تابز ۱۵،۰۰۰ تا ۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا؛ (شش) برای آرشهٔ ویولن دابلیو هیل اند سانز ۵،۰۰۰ تا ۸،۰۰۰ دلار.

۱۹۰۲ - ایران اظهار می‌دارد که به دلایلی که در بالا آورده شد، مطمئن نیست دو آرشه‌ای که مطالبه می‌کند کدام دو آرشه از آرشه‌های گفته‌شده است و نظر آقای کین را یادآور می‌شود که یکی از آن دو آرشهٔ قیمتی

احتمالاً همراه استرادواریوس فروخته شده است.[۹۷۲] بر این پایه ایران «میانگین بهای دو آرشهٔ کم‌ارزش‌تر یعنی هیل و دود را مطالبه می‌کند» (یعنی به ترتیب ۶،۵۰۰ دلار آمریکا و ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا، یا جمعاً ۱۶،۵۰۰ دلار آمریکا). هرچند آقای کین در طول ارائه شهادت خود مشخص نکرد که اعداد ارائه‌شده به منظور فروش در مزایده بوده، ولی ایران نرخ ثابت ۲۵ درصد کمیسیون خریدار را در نظر گرفته، ۴،۸۷۵ دلار آمریکا بابت آرشهٔ ویولن دبلیو هیل اند سانز و ۷،۵۰۰ دلار آمریکا بابت آرشهٔ ویولن سل دود، یعنی جمعاً ۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.

**۱۹۰۳ -** بنابراین اگر سازها و آرشه‌ها مسترد نشود ایران جمعاً ۹۹۰،۶۲۵ دلار آمریکا بابت سازها و آرشه‌ها مطالبه می‌کند.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*استرداد چهار ساز گالیانو و دو آرشه*

**۱۹۰۴ -** ایالات متحده به این مطلب که چهار ساز گالیانو و دو آرشه در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] وفق اهداف بند ۹ بیانیه‌های الجزایر جزء اموال ایران بوده است، اعتراض ندارد.

*ارزش منصفانه بازار*

**۱۹۰۵ -** ایالات متحده به عنوان یک موضوع کلی معروض می‌دارد که «بار اثبات میزان مشخص خسارات بر عهدهٔ ایران» است.

[۹۷۲] در واقع آقای کین به فروش آرشه‌ها «در بازار خصوصی» و «در بازار» ارجاع داد. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، آقای کین توضیح داد که کمیسیون فروش‌های خصوصی از چهار تا ۲۰ درصد است حال آن‌که برای چنین قیمت‌هایی، کمیسیونی که فروشنده باید در حراج عمومی بپردازد ۲۵ درصد است.

۱۹۰۶ - ایالات متحده در خصوص ارزیابی سازهای گالیانو و آرشه‌ها، متذکر می‌شود که شاهد کارشناس ایران، آقای کین، فرض خود را بر تاریخ ارزیابی یا در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] و یا در تاریخ مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] مبتنی کرده که ایالات متحده «تصور می‌کند نماد یا قرینه‌ای برای تاریخ حکم باشد». همان طور که ایالات متحده، در ارتباط با ادعای ز-۱۸ استدلال کرده، ارزیابی باید «با عنایت به تاریخ نقض به عمل آید» و اگر دیوان تاریخ نقض را در تاریخی به غیر از آنچه آقای کین سازها و آرشه‌ها را ارزیابی کرده تعیین کند، هیچ مدرک در سوابق در خصوص ارزش منصفانه بازار سازها و آرشه‌ها وجود ندارد.

۱۹۰۷ - ایالات متحده به نحو جایگزین مدعی است که در خصوص ادعای ز-۱۸ اگر دیوان بپذیرد که تاریخ ارزیابی باید تاریخ دیگری غیر از تاریخ نقض باشد، رویکرد آقای کین مبنی بر ۴ درصد افزایش مرکب در ارزش قابل قبول است، اما این امر به جای ارزیابی‌های آقای کین در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] یا ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] باید بر پایه قیمت‌های خرید اولیه مبتنی باشد. مطابق اظهار ایالات متحده، تنها استثنا ویولن‌سل نیکولو گالیانو است که فروش آن در مزایدهٔ مهر ۱۳۹۰ [اکتبر ۲۰۱۱] در لندن مورد قبول ایالات متحده است، به این صورت که داده‌های واقعی مربوط به فروش اخیرتر با مدنظر داشتن کمیسیون خریدار، باید به عنوان مبنای محاسبه افزایش بها تلقی شود.

۱۹۰۸ - ایالات متحده بار دیگر به نظر شاهد کارشناسی آقای مارتنز استناد می‌کند که در مرحله ثبت لوایح کتبی در مقام پاسخ به ادلهٔ ابرازی ایران در مورد خسارات، گزارش کارشناسی تهیه کرد و در جلسه استماع نیز شهادت داد. آقای مارتنز در گزارش خود در ارتباط با این ادعا اظهار داشت که رویکرد مناسب برای برآورد ارزش سازها این است که «داده‌های مربوط به قیمت‌هائی که دیگر خریداران بابت اقلام به نحو معقول مشابهِ آن‌چه ارزیابی می‌شود پرداخته‌اند گردآوری شود». آقای مارتنز همچنین اظهار می‌دارد که «عوامل اصلی در تعیین بهای سازهای موسیقی شامل هویت سازنده و حالت نگه‌داری ساز می‌باشد» و این‌که «ارزیابی سازهای موسیقی

مورد به مورد است و ارزش آن‌ها، جدا از سازنده‌شان، تقریباً به طور کلی وابسته به شرایط فیزیکی ساز می‌باشد». با این حال، در خصوص ویولن استرادیواریوس مطروح در ادعای ز-۱۸، آقای مارتنز اظهار داشت که وی و گروهش بر پایه گفت‌وگویی که با یکی از نمایندگان کریستی داشته که به آن‌ها اطلاع داد که برای کریستی «تقریباً غیرممکن است» که بدون دستیابی به خودِ ساز یا تصویری از آن، اقدام به ارزش گذاری کند، «نتوانستند ساز را ارزش‌گذاری کنند».

**۱۹۰۹ -** آقای مارتنز همان‌گونه که فوقاً در خصوص ادعای ز-۱۸ گفته شد، پذیرفت که آقای کین، شاهد کارشناس ایران، «به وضوح دارای تخصص و سوابق لازم می‌باشد» و این که وی «مطالب بسیاری از خواندن شهادت وی آموخت». با این حال، آقای مارتنز همچنین در ارتباط با ارزیابی سازها و آرشه‌ها توسط آقای کین نگرانی‌هائی چند را ابراز داشت که بخش ذی‌ربط آن ذیلاً تشریح خواهد شد.

**۱۹۱۰ -** ایالات متحده، همان‌گونه که در ارتباط با ادعای ز-۱۸ فوقاً در بند ۱۷۶۳ عنوان شد، ارزیابی آقای کین را بر این اساس که گزارش وضعیت و تحلیل درخت گاه شماری را مورد توجه قرار نداده، و نیز به این علت که به جای طیف قیمت‌ها، فقط قیمت برای هر یک از سازها و آرشه‌ها داده، به چالش می‌کشد.

**۱۹۱۱ -** ایالات متحده همچنین، همان‌گونه که در بند ۱۷۶۴ بالا در مورد ادعای ز-۱۸ شرح داده شد، اظهار داشت که اگر دیوان بر آن باشد که ارقام آقای کین را بپذیرد، کسورات مناسب باید نسبت به آن اعمال شود تا این واقعیت را بازتاب دهد که ارقام آقای کین شامل کمیسیون خریدار نیز بوده، که نباید به عنوان بخشی از ارزیابی منصفانه بازار تلقی شود. در این راستا، ایالات متحده به محاسباتی که آقای کین در ارتباط با ارزش ویولن‌سل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴ انجام داده ارجاع می‌دهد.

**۱۹۱۲ -** ایالات متحده در ارتباط با ادعای ایران بابت دو آرشهٔ نامشخص، ملاحظه می‌کند که ایران مدرکی برای نشان دادن «فروش آرشه مشابه» ارائه نکرده و صرفاً به «نظر اجمالی» آقای کین مبنی بر این‌که آرشه‌ها به چه قیمت به فروش می‌رفت «بدون هیچ‌گونه اطلاعاتی در تأیید» آن نظر استناد کرده است. بنابراین ایالات متحده معروض می‌دارد که «هر چند دیوان ممکن است در این موضع باشد ... که ارزش منصفانه بازار ویولن‌ها را بسنجد و در خصوص آن‌ها تصمیم بگیرد ... ادله و مدارک چنین تحلیلی را در ارتباط با [آرشه‌ها] تجویز نمی‌کند».

**۱۹۱۳ -** سرانجام، ایالات متحده معروض می‌دارد که هزینه‌های حمل باید از ارزیابی‌ای که مبنای هر گونه حکمی قرار خواهد گرفت کاسته شود، چرا که سازها و آرشه‌ها حمل نشده بود، و ایران نباید به نسبت موقعیتی که نقض توسط ایالات متحده صورت نگرفته بود، در وضعیت بهتری قرار داده شود.

*(پ) تصمیم دیوان*

*(یک) استرداد چهار ساز گالیانو و دو آرشه*

**۱۹۱۴ -** همان‌گونه که در بالا در بند ۱۷۹۶ ذکر شد، خواسته اولیه ایران استرداد سازها و آرشه‌ها است. دیوان این ادعا را با امعان نظر به اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر نتایج حقوقی عمل متخلّفانه بین‌المللیِ دولت، یعنی اصولی که اعمال آن‌ها توسط دیوان به حکم ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی تجویز شده است، بررسی خواهد کرد.[۹۷۳] چنانچه در بالا بحث شد،[۹۷۴] مطابق حقوق بین‌الملل «دولتِ مسؤول متعهد به جبران کامل خسارت بابت

---

[۹۷۳] بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده پنج، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۱. همچنین *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحدهٔ آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۱۹۱ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۹۷۴] *بنگرید به* بند ۱۷۸۷، بالا.

زیان‌هائی است که از عمل متخلفانه بین‌المللی ناشی شده است».[۹۷۵] دیوان در مورد ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) حکم می‌کند که دادن دستور به ایالات متحده جهت فراهم آوردن ترتیبات انتقال چهار ساز گالیانو و دو آرشه، جبران خسارت مناسب است و به مثابه قرار دادن ایران در وضعیتی است که در صورت عدم وقوع تخلف ایالات متحده، در آن قرار داشت. دیوان مقرر می‌دارد که چنین جبران خسارتی، مناسب‌ترین جبران خسارت است چرا که سازهای گالیانو و دو آرشه، اموالی قابل جایگزین نیستند، بلکه منحصر به فردند.

**۱۹۱۵** - در عین حال، دیوان با صدور چنین دستوری واقف است که سه مشکل ممکن است در مسیر اجرای این دستور خودنمائی کند. نخست، دیوان متوجه توافق ظاهری طرفین بر این واقعیت است که ویولن‌سل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴، احتمالاً همان سازی است که در سال ۱۳۸۹/۱۳۹۰ [۲۰۱۱] توسط برومپتون به فروش رفت. طرفین قرینه‌ای حاکی از هویت خریدار و محل نگه‌داری ویولن‌سل در اختیار دیوان قرار نداده‌اند. دوم، ایالات متحده در دفاعیه مورخ دوم فروردین ۱۳۶۲ [۲۲ مارس ۱۹۸۳] خود اظهار داشت که کامران مشایخی چهار ساز در کالیفرنیا در اختیار دارد، اما در هشتم آبان ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] ایالات متحده به دیوان گزارش کرد که کامران مشایخی فقط یک ویولن در اختیار دارد و غیر از آن، مال دیگری در اختیار او نیست. به علاوه، وصول اطلاعات دیگر راجع به سازها و آرشه‌ها محتمل نیست چرا که از ۲۳ مهر ۱۳۹۲ [۱۵ اکتبر ۲۰۱۳] کامران مشایخی «در خانه سالمندان است و دچار زوال عقل شده است». بنابراین برای دیوان روشن نیست آیا، آقای مشایخی ساز یا سازها را در قلمرو قضایی ایالات متحده نگه داشته یا خیر و اگر چنین است کدام سازها. سوم، دیوان توجه دارد که طرفین در مورد این‌که از شش آرشهٔ خریداری‌شده در ۱۳۵۷ [۱۹۷۸]، چهار آرشه در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۷ مه ۱۹۷۸] به ایران تحویل داده شده است، توافق دارند. دیوان همچنین موضع ایران را مبنی بر این که روشن نیست

---

[۹۷۵] ماده ۳۱ (۱) از مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که «دولت مسؤول متعهد است که زیان ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی را به طور کامل جبران کند». *بنگرید به* گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل، پانوشت ۸۹، بالا، شرح ماده ۳۱. *بنگرید به* بندهای ۱۷۸۷–۱۷۹۰، بالا.

کدام چهار آرشه مسترد شده است مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین دیوان در صدور دستور به ایالات متحده مبنی بر فراهم آوردن ترتیبات استرداد دو آرشه به ایران، در موضعی قرار ندارد که بتواند با قطعیت مشخص کند کدام دو آرشه موضوع دستور خواهد بود.

**۱۹۱۶ -** در پرتو این سه دشواری، اعطای یک مهلت چهار ماهه به ایالات متحده جهت جایابی و فراهم آوردن ترتیبات انتقال چهار ساز گالیانو و دو آرشه، به نظر دیوان معقول می‌رسد.

*(دو) روش ارزیابی: ارزش منصفانه بازار*

**۱۹۱۷ -** دیوان به نحو جایگزین، چنانچه ایالات متحده نتواند چهار ساز گالیانو و دو آرشه را بازگرداند، خاطرنشان می‌کند که ایران خسارتی به مبلغ ۶۲۵،۹۹۰ دلار آمریکا به عنوان کل ارزش منصفانه بازار هر یک از چهار ساز و دو آرشه در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] را مطالبه می‌کند.

**۱۹۱۸ -** دیوان در ارتباط با ادعای ایران بابت خسارت، چهار نکته را واجد اهمیت ویژه تلقی می‌کند. نخست، هر دو طرف موافقت کلی دارند که خسارتی که به نفع ایران حکم داده می‌شود باید بر پایه ارزش منصفانه بازار سازها و آرشه‌ها باشد. دوم، وفق جدول خلاصه ادعاهای ایران توأم با شهادت آقای کین، خواسته نهائی آن دولت بر اساس ارزش منصفانه بازار چهار ساز گالیانو و دو آرشه فقط در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] مبتنی است و نه در هیچ تاریخ دیگری. سوم، صحت و قابل اتکاء بودن ادلهٔ ابرازی آقای کین از سوی ایالات متحده مورد اعتراض واقع نشد جز در خصوص این واقعیت که نامبرده قبل از ارزیابی گزارش وضعیت یا درخت‌گاه‌شماری سازها را نگرفته است. توضیح آقای کین مبنی بر این‌که برای تهیه گزارش وضعیت و درخت‌گاه شماری، معاینه فیزیکی سازها که در اوضاع و احوال مربوط به این پرونده غیرممکن بوده، ضرورت داشته، مورد توجه دیوان قرار گرفته است. دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که ایالات متحده و شاهد کارشناس آن دولت، آقای مارتنز، سطح

تخصص آقای کین را در ارتباط با ارزیابی سازها و آرشه‌ها به چالش نکشیدند. چهارم، این واقعیت که اکنون محل استقرار سازها و آرشه‌ها معلوم نیست و به این دلیل ایران فقط بر اساس نظر شاهد کارشناسش توانسته مطالبهٔ غرامت کند و نظر یادشده نه بر پایه معاینه خود سازها و آرشه‌ها بلکه انحصاراً بر پایه سوابق ژاک فرانسوا و فروش‌های مشابه (در مورد سازها) و آگاهی فنی وی (در مورد آرشه‌ها) مبتنی است، تماماً نتیجهٔ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری است، زیرا این سیاست به کامران مشایخی بدواً اجازه داد که این اموال را که باید به ایران بازگردانده می‌شد، در اختیار داشته باشد و سپس برخی یا کلیه آنها را بفروشد یا هبه کند. نتیجتاً، مطابق انصاف، ایران نباید به خاطر محرومیت از دسترسی به ادله‌ای که در وضعیتی متفاوت می‌توانست به آن استناد کند، تا دلایل ارزیابی سازها و آرشه‌ها را تقویت کند، مجازات شود.

**۱۹۱۹** - ملاحظات بالا دیوان را به نتایج آتی رهنمون می‌شود. دیوان با طرفین موافق است که خسارات اعطائی بابت ادعای جایگزین ایران باید بر اساس ارزش منصفانه بازار چهار ساز گالیانو و دو آرشه باشد. دیوان همچنین روش آقای کین در تعیین ارزش منصفانه بازار را می‌پذیرد، یعنی (یک) در خصوص سازها، بازبینی برگه‌های اصالت و عکس‌ها؛ (دو) در مورد دو ویولن و ویولن‌سل، شناسائی فروش‌های مشابه توسط وی؛ و (سه) در خصوص ویولا و آرشه‌ها، اطلاعات حرفه‌ای نامبرده. دیوان به تردیدهای ایالات متحده در خصوص صحت کامل ارزیابی‌های آقای کین، به خاطر این واقعیت که نامبرده نمی‌توانسته شخصاً سازها و آرشه‌ها را معاینه کند، وقوف دارد. با این‌حال، همان گونه که در بالا گفته شد، دیوان به این نکته نیز وقوف دارد که علت ریشه‌ایِ ناتوانی آقای کین در معاینه شخصی سازها و آرشه‌ها قصور ایالات متحده از فراهم آوردن ترتیبات انتقال اموال بوده است. دیوان همچنین اظهارنظرهای کلی خود را در خصوص ملاک‌های حاکم بر ادله اثبات ادعا و در بند ۱۸۵۶ در ارتباط با ادعای ز-۱۸ یادآور می‌شود که در مواردی مثل مورد حاضر قابل اعمال است که دیوان در محاسبهٔ خسارت با دشواری‌هایی رویارو باشد.

**۱۹۲۰ -** دیوان به دلایل آتی، مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] را به عنوان تاریخ ارزیابی می‌پذیرد. همانند ادعای ز-۱۸، اختلافی نیست که ارزش سازها و آرشه‌ها طی مدت زمان معتنابهی از تاریخ اولیه خرید در ۱۳۵۷ [۱۹۷۸] و تاریخ تخلف ایالات متحده در ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] تغییر کرده است. مضافاً، به نظر می‌رسد که ایالات متحده، حداقل اصولاً قبول دارد که آخرین ادله راجع به ارزش اموال باید مورد استفاده قرار گیرد.[۹۷۶] دیوان همچنین به این واقعیت عنایت دارد که آقای کین دلایلی برای ارزیابی خود در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] ارائه داده ولی دلایل مشابه آن را برای ارزیابی سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] ارائه نداده است. این امر به دیوان اطمینان بیشتری می‌دهد که ارزیابی‌های آقای کین برای مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] درست است. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که آقای کین ارزیابی‌ای برای آرشه‌ها در سال ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] ارائه نکرده است.

**۱۹۲۱ -** دیوان همچنین می‌پذیرد و طرفین اتفاق نظر دارند که کمیسیون خریدار را در موارد لازم، باید منظور داشت زیرا ارزیابی‌های آقای کین بر فروش در مزایده مبتنی است. دیوان مضافاً متذکر می‌شود که ایران شهادت آقای مارتنز در خصوص نرخ کمیسیون خریدار بر مبنای نرخی که کریستی در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] اعمال کرده را مورد معارضه قرار نداده است. با این حساب دیوان اعمال نرخ کمیسیون خریدار کریستی در سال ۱۳۹۲ [۲۰۱۳] را می‌پذیرد، ولی حکم می‌کند که ایران نرخ‌های ذی‌ربط را در محاسبات ارزش منصفانه بازار سازها و آرشه‌ها بر پایه روش ارزش‌های یک کاسهٔ آقای کین درست اعمال نکرده است. دیوان می‌تواند ارزش‌های تعیین شدهٔ ایران را بر پایهٔ ارزیابی‌های آقای کین با اعمال نرخ ثابت، مجدداً محاسبه کند (یعنی ۲۰ درصد بر کل مبلغ چنانچه مبلغ بیش از ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا باشد) به جای نرخ تدریجی مطابق روش تشریح‌شده توسط شهود کارشناس هر دو طرف (یعنی ۲۵ درصد برای ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا اول و ۲۰ درصد نسبت به مبالغ بالاتر از ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا).

---

[۹۷۶] *بنگرید به* بند ۱۹۰۷، بالا.

**۱۹۲۲ -** دیوان نظر به مراتب بالا نتیجه می‌گیرد که ارزیابی ارائه‌شده توسط آقای کین از ویولن جوزپه گالیانوی ۱۷۸۰، ویولن نیکولو گالیانوی ۱۷۳۸، و ویولن‌سل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴ بهترین مبنای موجود برای محاسبهٔ خسارات توسط دیوان در این ادعا است.

**۱۹۲۳ -** با این حال، دیوان لازم می‌داند که متذکر شود آقای کین در ارزش‌گذاری بر ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴ احساس راحتی نداشت چرا که کاملاً مطمئن نبود که ساز واقعاً گالیانو باشد و، بر اساس عکس‌ها، «باور نداشت که کیفیت، کیفیت گالیانو باشد». دیوان همچنین خاطرنشان می‌کند که وی نمی‌توانست تعیین کند که ویولای کوچک یا کاملی بوده، که اگر کوچک بوده باشد، این ساز بازارِ به مراتب کمتری می‌توانسته داشته باشد. دیوان همچنین متذکر می‌شود که آقای کین باور نمی‌کرد که این ویولا ساز اصل گالیانو باشد بلکه کار یک بدل ساز ناپلی اواخر قرن نوزده یا اوایل قرن بیست می‌باشد.

**۱۹۲۴ -** بنابراین دیوان با قاطعیت نمی‌تواند بگوید که آیا ساز مورد ادعا ویولای ۱۸۰۴ یوئنس گالیانوی اصل بوده یا خیر و، به هر روی، قیمت منصفانه بازار آن چقدر می‌تواند باشد. دیوان یادآور می‌شود که آقای کین در شهادت خود اظهار داشت که یک ویولای بدل و بزرگ ساخت بدل‌ساز در سال ۱۳۹۲ [۲۰۱۳] می‌توانست مبلغ ۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا ارزش منصفانه بازار داشته باشد. با این حال، اگر ساخت بدل‌ساز خیلی خوب نباشد و اندازه آن کوچک باشد، به نظر آقای کین ارزش منصفانه بازار آن در سال ۱۳۹۲ [۲۰۱۳] مبلغ ۳۵،۰۰۰ دلار آمریکا می‌توانست باشد. ایران ادعای خود را بر پایه پائین‌ترین ارزش ارائه شده توسط آقای کین یعنی ۳۵،۰۰۰ دلار آمریکا، استوار کرده است.

**۱۹۲۵ -** دیوان خاطرنشان می‌کند که چهار ساز گالیانو از جمله سازی که ادعا می‌شد ویولای ۱۸۰۴ یوئنس گالیانو باشد، از ژاک فرانسه خریداری شده که به تأیید آقای کین ارائه‌کنندهٔ خوش‌نام ویولن‌های نایاب است. مضافاً، چهار ساز گالیانو را چاب، یک شرکت شناخته شده بیمه، بیمه کرده بود. بر پایه این ادله، دیوان حکم می‌کند که، حتی اگر تردید در اصالت ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴ روا باشد، ساز خریداری‌شده توسط رادیو تلویزیون ملی ایران بدل با کیفیت معقول و خوب بوده که شرکت‌های معتبری آن را تأیید، فروخته، و بیمه کرده‌اند. بر این اساس، دیوان مبلغ ۳۵،۰۰۰ دلار آمریکا را به عنوان پایه ارزیابی دیوان از خسارت می‌پذیرد.

**۱۹۲۶ -** دیوان حکم می‌کند که به دو دلیل در تصمیم‌گیری در خصوص ارزش منصفانه بازار سازها بابت مخارج حمل، نگه‌داری و سایر مخارج نباید کسوراتی لحاظ شود. نخست، ایالات متحده اثبات نکرده است که دارنده مال متحمل چنین مخارجی شده است. دوم، به گونه‌ای که دیوان در ادعای ز-۱۸ بالا مقرر داشت، کسورات بابت نگه‌داری و سایر مخارج نباید اعمال شود چرا که دلیلی ندارد ایالات متحده که مسؤول نقض تعهدات خود بر اساس حقوق بین‌الملل است، از مخارج متحمله توسط کامران مشایخی در ارتباط با سازها، بهره‌مند شود.[۹۷۷]

**۱۹۲۷ -** نتیجتاً، پس از بررسی تمام ادله، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایران اثبات کرده است که مبالغی که به عنوان خسارت چهار ساز گالیانو مطالبه می‌کند، جز تعدیل نادرست کمیسیون خریدار، ارزش منصفانه بازار آن اقلام در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] می‌باشد. بنابراین، در صورت عدم توان ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال سازها و آرشه‌ها ظرف مدت چهار ماه از تاریخ این حکم جزئی، دیوان مبالغ مندرج در جدول زیر را به عنوان غرامت به نفع ایران حکم می‌دهد. علی رغم این که آقای کین صراحتاً ارزیابی خود را بر پایه فروش از طریق

---

[۹۷۷] *بنگرید به* بند ۱۸۶۶، بالا.

مزایده مبتنی نکرده، به دلایل مندرج در بند ۱۸۶۱ در مورد ادعای ز-۱۸، کمیسیون خریدار از ارزیابی آقای کین بابت ویولا کسر شده است.

| | **ارزیابی آقای کین در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳] [به دلار آمریکا]** | **کمیسیون خریدار[۹۷۸] [به دلار آمریکا]** | **مبلغ حکم در صورت عدم توان فراهم آوردن تمهیدات انتقال توسط ایالات متحده [به دلار آمریکا]** |
|---|---|---|---|
| ویولن جوزپه گالیانوی ۱۹۷۰ | ۱۸۰،۰۰۰ | ۴۱،۰۰۰ | ۱۳۹،۰۰۰ |
| ویولن نیکولو گالیانوی ۱۷۳۸ | ۲۰۰،۰۰۰ | ۴۵،۰۰۰ | ۱۵۵،۰۰۰ |
| ویولن‌سل نیکولو گالیانوی ۱۷۷۴ | ۸۱۰،۰۰۰ | ۱۶۷،۰۰۰ | ۶۴۳،۰۰۰ |
| ویولای یوئنس گالیانوی ۱۸۰۴ | ۳۵،۰۰۰ | ۸،۷۵۰ | ۲۶،۲۵۰ |

*(چهار) ارزیابی دو آرشه*

**۱۹۲۸** - دیوان اکنون به ادعای ایران بابت خسارات عدم استرداد دو آرشه، به مبلغ ۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا، می‌پردازد.

**۱۹۲۹** - دیوان در بالا متذکر شد که ایران مشخص نکرده است که کدام دو آرشه را در این ادعا مطالبه می‌کند. جدا از دشواری‌های صدور دستورِ استرداد دو آرشه که شناسهٔ دقیق آن ظاهراً نامعلوم است، دیوان همچنین با صدور دستور پرداخت غرامت به شکل ارزش منصفانه بازار دو آرشهٔ نامعین و غیر قابل تعیین دچار مشکل است،

[۹۷۸] کمیسیون خریدار بر اساس نرخ ۲۵ درصد برای ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکای اولی قیمت و ۲۰ درصد برای الباقی قیمت زیر ۲ میلیون دلار آمریکا. *بنگرید به* بند ۱۸۴۳، بالا.

و همه این‌ها ناشی از وضعیت ایجاد شده از مقررات غیرقانونی خزانه‌داری است. باز هم به دلایل تشریح شده در بالا، دشواری‌های محاسبهٔ خسارات نباید مانع دست‌یابی ایران به غرامت باشد.[۹۷۹]

**۱۹۳۰** - دیوان خاطرنشان می‌کند که هیچ‌یک از طرفین ادلهٔ حاکی از این‌که فقط چهار آرشه از شش آرشهٔ خریداری‌شده توسط کامران مشایخی به نیابت از رادیو تلویزیون ملی ایران به ایران بازگردانده شد را مورد معارضه قرار نداده‌اند. ایالات متحده هم به این ادعا که دو آرشهٔ باقی‌مانده به ایران تحویل داده نشده، اعتراضی نکرده است. بنابراین، آن چه برای دیوان قطعیت دارد این است که دو آرشه‌ای که در قالب «اموال ایران» می‌گنجد به دلیل تخلف ایالات متحده به ایران انتقال نیافته است، و در صورت فراهم نیامدن ترتیبات انتقال آن، ایران متضرر خواهد شد. با این حساب، چنانچه ایالات متحده قادر به فراهم آوردن ترتیبات انتقال دو آرشه نباشد تا ایران را در وضعیتی که در صورت عدم تخلف در آن قرار داشت قرار دهد، ایالات متحده مسؤول پرداخت غرامت به جای استرداد دو آرشه است.

**۱۹۳۱** - دیوان متذکر می‌شود که مبنای ادعای ایران مبلغ ۱۶،۵۰۰ دلار آمریکا یعنی میانگین ارزش دو، کم بهاترین، آرشه که عبارتند از آرشه‌های دبلیو هیل اند سانز و دود، در مهر **۱۳۹۲** [اکتبر **۲۰۱۳**] می‌باشد. دیوان این رقمِ محافظه کارانه را پایهٔ درستی برای غرامت جایگزین ایران می‌داند. با این حساب، چنانچه ایالات متحده نتواند ظرف چهار ماه از تاریخ این حکم جزئی ترتیب انتقال دو آرشه را به ایران بدهد، دیوان پس از کسر مبلغ **۴،۱۲۵** دلار آمریکا بابت کمیسیون خریدار، به مبلغ **۱۲،۳۷۵** دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد. علی‌رغم این واقعیت که آقای کین صراحتاً ارزیابی خود را بر فروش از طریق مزایده مبتنی نکرده، به دلایل ذکر شده در بند ۱۸۶۱ در ارتباط با ادعای ز–۱۸، کمیسیون خریدار از ارزیابی آرشه‌ها توسط آقای کین کاسته شده است.

---

[۹۷۹] *بنگرید به* بندهای ۱۸۵۶–۱۸۵۷، بالا.

*(پنج) نتیجه‌گیری*

**۱۹۳۲** - نظر به مراتب فوق، دیوان به ایالات متحده دستور می‌دهد که ترتیبات انتقال چهار ساز گالیانو و دو آرشه را ظرف چهار ماه از تاریخ این حکم جزئی فراهم آورد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید اقداماتی به منظور تضمین این امر انجام دهد که متصرف یا متصرفین چهار ساز موسیقی و دو آرشه آن‌ها را در آن دورهٔ زمانی به ایران انتقال خواهند داد.[۹۸۰] در صورتی که این چهار ساز موسیقی و دو آرشه ظرف مدت چهار ماه از تاریخ این حکم به ایران منتقل نشود، دیوان مبالغ زیر را به عنوان خسارت حاصل از ارزش منصفانه بازار سازها و آرشه‌های ادعائی در مهر ۱۳۹۲ [اکتبر ۲۰۱۳]، که مبلغ یاد شده نتیجهٔ قصور ایالات متحده به متابعت از تعهدات آن دولت ذیل بیانیه‌های الجزایر خواهد بود قابل پرداخت می‌داند:

- ۱۳۹،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛[۹۸۱]

- ۱۵۵،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛[۹۸۲]

- ۶۴۳،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛[۹۸۳]

- ۲۶،۲۵۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولای ۱۸۰۴ یوئنس گالیانو به ایران؛[۹۸۴]

- ۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.

این مبالغ به شرح آتی مشمول بهرهٔ پیش از صدور حکم خواهد بود.

---

[۹۸۰] *بنگرید به* بندهای ۱۶۸-۱۶۹.

[۹۸۱] *بنگرید به* بند ۱۹۲۷، بالا.

[۹۸۲] *بنگرید به* همانجا.

[۹۸۳] *بنگرید به* همانجا.

[۹۸۴] *بنگرید به* همانجا.

(۳) ادعای ز-۸ (وزارت راه و ترابری/گالف پورتس کریتینگ کو.)

*(الف) سببیت*

**۱۹۳۳ -** در حکم شماره ۵۲۹، دیوان مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۹۸۵] دیوان باید تعیین کند که آیا نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده در ارتباط با مواد ز-۸ باعث تأخیر در حمل نهائی مواد ز-۸ در بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به ایران شد یا خیر.[۹۸۶]

*(یک) اظهارات طرفین*

*اظهارات ایران*

**۱۹۳۴ -** ایران در پاسخ به استدلال ایالات متحده در خصوص سببیت[۹۸۷] اظهار می‌کند که سبب تأخیر حمل مواد ز-۸ به ایران نقض بند ۹ توسط ایالات متحده بود که در بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، دارندگان حق حبس را از دستورالعمل انتقال دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ و بخش ۲۱۵-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری مستثنی کرد.

**۱۹۳۵ -** ایران ادعا می‌کند که وزارت راه و ترابری آن گونه که ایالات متحده قائل است، مواد ز-۸ را بین دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] و مهر ۱۳۶۰ [اکتبر ۱۹۸۱] رها نکرد. ایران مدعی است که در واقع، برای باز پس گرفتن اموال ز-۸، وزارت راه و ترابری اگرچه تعهدی در بیانیه‌های الجزایر برای انجام این کار نداشت، با گالف پورتس مذاکرات حل و فصل به عمل آورد.

---

[۹۸۵] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۹۸۶] *بنگرید به* بند ۵۴۶، بالا.

[۹۸۷] *بنگرید به* بند ۱۹۴۱ به بعد، زیر.

**۱۹۳۶ -** مضافاً، ایران منکر قصور وزارت راه و ترابری در اجرای موافقت‌نامه حل و فصل با گالف پورتس است (که به نظر ایران، وزارت راه و ترابری حتی تعهدی به انجام مصالحه برای بازپس گرفتن مواد ز-۸ نداشت). ایران قائل است که موافقت‌نامه حل و فصل، موکول به شماری از شروط بود که هرگز عملی نشد؛ در نتیجه، هرگز کاملاً مؤثر و الزام‌آور نگردید. ایران تأکید می‌کند که، معهذا، وزارت راه و ترابری در واقع اقداماتی را برای اجرای موافقت‌نامه حل و فصل به عمل آورد؛ مثلاً، مقامات وزارت راه و ترابری در آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] برای فراهم آوردن مقدمات حمل مواد ز-۸ به ایالات متحده سفر کردند.

**۱۹۳۷ -** به علاوه، ایران خاطرنشان می‌کند که گالف پورتس در مهر ۱۳۶۱ [سپتامبر ۱۹۸۲] درخواست پروانه فروش مواد ز-۸ را کرد، که دفتر کنترل دارائی‌های خارجی در بهمن ۱۳۶۱ [ژانویه ۱۹۸۳] پروانه را صادر کرد.[۹۸۸] ایران ادعا می‌کند که تهدیدهای گالف پورتس مبنی بر فروش قریب الوقوع مواد ز-۸ باعث شد وزارت راه و ترابری موافقت‌نامه حل و فصل را با گالف پورتس در پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] امضا کند.[۹۸۹] ایران مدعی است که مطابق بند ۹، وزارت راه و ترابری هیچ گونه تعهدی به حل و فصل ادعاهای گالف پورتس برای باز پس گرفتن مواد ز-۸ نداشت چه رسد به این‌که مکلف به تعجیل یا اقدام برای مصالحه در محدودهٔ زمانی خاصی باشد.

**۱۹۳۸ -** همان‌گونه که در بالا ذکر شد، گالف پورتس پس از ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] مواد ز-۸ را رها کرد که بی‌هیچ نظارت و نگهبانی در انبارها متروک شد.[۹۹۰] ایران مدعی است که این اقدام گالف پورتس که حاصلش ورود خسارت و تحمیل هزینه‌های بیشتر به وزارت راه و ترابری بود، نتیجه امکان ایجاد شده برای گالف پورتس در نگه‌داری از مواد ز-۸ برای چندین سال بود؛ و این توان و امکان گالف پورتس به نوبه خود نتیجهٔ

---

[۹۸۸] *بنگرید به* بند ۵۱۲، بالا.

[۹۸۹] *بنگرید به* بندهای ۵۱۴-۵۱۵، بالا.

[۹۹۰] *بنگرید به* بند ۵۱۸، بالا.

نقض بند ۹ توسط ایالات متحده بود. ایران ادعا می‌کند که وزارت راه و تربری از جمله، وادار به تمدید اجاره‌نامهٔ انبارها برای انباشتن مواد ز-۸ در هیوستون و نیواورلئان؛ پرداخت حق‌الزحمه نگهبانی انبار؛ پرداخت بابت جعبه‌گذاری مجدد و بسته‌بندی مجدد بخش قابل توجهی از مواد ز-۸؛ و گرفتن کشتی‌های حمل وسائط نقلیه «رول آن/رول آف» برای حمل مواد ز-۸ شد.[۹۹۱] مطابق اظهارات ایران، وزارت راه و ترابری، در ارتباط با هر یک از دوره‌های مطروح در این ادعا، برای تقلیل خسارات حاصل از نقض ایالات متحده منطقی عمل کرد.

**۱۹۳۹** - ایران مدعی است که استدلال‌های ایالات متحده راجع به تأخیر وزارت راه و ترابری در واقع مربوط به این مسئله می‌شود که آیا وزارت راه و ترابری تلاش منطقی برای کاهش زیان‌های خود معمول داشته است یا خیر. از آنجا که ایالات متحده از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ناقض تعهد بند ۹ خود برای فراهم آوردن ترتیبات انتقال مواد ز-۸ بود، هر اقدام وزارت راه و ترابری در راستای بازپس گرفتن آن مواد، اقدامی منطقی برای تقلیل خسارت تلقی می‌شود. مطابق اظهارات ایران، ایالات متحده نتوانسته وجود، دامنه، و نقض هرگونه تکلیفی برای تقلیل خسارت توسط ایران را اثبات نماید.

**۱۹۴۰** - ایران نتیجه می‌گیرد که تلاش‌های خود وزارت راه و ترابری برای آزاد کردن مواد ز-۸ نمی‌تواند و نباید در زنجیره سببیت نقض ایالات متحده و زیان‌های وارده به ایران به عنوان یک سبب دخیل تلقی شود.

*اظهارات ایالات متحده*

**۱۹۴۱** - ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته از عهدهٔ بار اثبات این ادعا برآید که سبب «کلیدی» و قریب تأخیر در انتقال مواد ز-۸ به ایران، عملکرد خود وزارت راه و ترابری و یا هیچ عامل دیگری نبوده بلکه بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری بوده است. با این حساب، ایالات متحده استدلال می‌کند که ایران

---

[۹۹۱] *بنگرید به* بند ۵۲۱، بالا.

نتوانسته اثبات کند که اگر ایالات متحده مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر نکرده بود، انتقال مواد ز-۸ زودتر صورت می‌گرفت. بدین‌قرار، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که هیچ‌گونه نقضی از جانب ایالات متحده نمی‌تواند «سبب کلیدی» آن تأخیر تلقی شود، و ایالات متحده نمی‌تواند مسؤول زیان‌هائی باشد که در نتیجه آن حاصل شده است. ایالات متحده در تأیید موضع خود، از جمله، به آراء دیوان دادگاه بین‌المللی دادگستری در *قضیهٔ پروژهٔ گابچیکوو ناگیماروس*[۹۹۲] و *قضیهٔ نسل‌کشی*[۹۹۳] استناد می‌کند.

**۱۹۴۲ -** به علاوه، ایالات متحده بر این موضع است که، حتی اگر ایران می‌توانست ثابت کند که بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقررات غیرقانونی خزانه‌داری «سبب کلیدی» تأخیر در انتقال بوده، این سبب به تنهائی، هرچند شرط لازم است، اما شرط کافی برای جبران زیان تلقی نمی‌شود. ایران همچنین باید اثبات می‌کرد که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب قریب آن تأخیر بوده است. مطابق اظهارات ایالات متحده، ضرورت وجود سبب نزدیک، مسؤولیت حقوقی را محدود، و زیان‌هائی را که بیش از حد غیر مستقیم یا دور هستند از این که موضوع جبران خسارت باشد، مستثنی می‌کند. ایالات متحده در تأیید نظر خود، از جمله، به نوشته‌های بین چِنگ استناد می‌کند.[۹۹۴] از این رو، ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که حتی اگر دیوان به این نتیجه برسد که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری به نوعی مشترکاً باعث ورود زیان به ایران شد، چنین زیانی بیش از حد غیر مستقیم و دور است که بتواند برای جبران خسارت در ادعای ز-۸ مناسبت داشته باشد.

**۱۹۴۳ -** در خصوص مسائل موضوعی، ایالات متحده بر این موضع است که اگر وزارت راه و ترابری برای تماس گرفتن با گالف پورتس تا مهر ۱۳۶۰ [اکتبر ۱۹۸۱] صبر نمی‌کرد، و اگر موافقت‌نامه حل و فصلی که گالف

---

[992] Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hung. v. Slovk.), Judgment, para. 152, 1997 I.C.J. 7, 81 (25 Sept.).

[993] Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosn. & Herz. v. Serb. & Montenegro), Judgment, para. 462, 2007 I.C.J. 43, 233-34 (26 Feb.) .

[۹۹۴] چنگ، پانوشت ۱۲۲، بالا، ص ۲۴۴.

پورتس مذاکره کرده بود را دنبال می‌کرد، وزارت راه و ترابری عاجلاً می‌توانست مواد ز-۸ را دریافت کند. به طور مشخص‌تر، ایالات متحده ادعا می‌کند، نخست، این‌که بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری نمی‌توانست قبل از تماس وزارت راه و ترابری با گالف پورتس در خصوص مواد ز-۸ در مهر ۱۳۶۰ [اکتبر ۱۹۸۱]، تأخیری در حمل مواد ز-۸ ایجاد کند. با توجه به این که قبل از تماس وزارت راه و ترابری با گالف پورتس، بدون دستورالعمل وزارت راه و ترابری، بدون فراهم آوردن ترتیبات لجستیکی، و بدون پرداخت هزینه حمل، اموال ز-۸ نمی‌توانست از طرف گالف پورتس به ایران حمل شود، پس، هرگونه تأخیری صرفاً حاصل اعمال خود وزارت راه و ترابری بود.

**۱۹۴۴ -** دوم، ایالات متحده ادعا می‌کند که بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری در دوره بین آبان ۱۳۶۰ [نوامبر ۱۹۸۱] و ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] نیز عامل تأخیر نبود. ایالات متحده بر این موضع است که وزارت راه و ترابری در هیچ زمانی در طی این دوره اقداماتی برای فراهم آوردن ترتیبات حمل اموال ز-۸ به عمل نیاورد. وزارت راه و ترابری نه موافقت‌نامه حل و فصل ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] با گالف پورتس را اجرا کرد و نه تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [۳۱ مارس ۱۹۸۲] یعنی مهلت تعیین شده در موافقت‌نامه حل و فصل، با پرداخت مخارج، مواد ز-۸ را بُرد. پس از آن که دیوان مصالحه‌نامهٔ نهایی را به عنوان حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین در پنجم اسفند ۱۳۶۰ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] ثبت کرد، وزارت راه و ترابری با تأخیر در فراهم آوردن ترتیبات حمل، شش ماه دیگر هم تأخیر کرد. در این راستا، ایالات متحده مدعی است که ایران نتوانسته اثبات کند که مسائل مربوط به صدور پروانه صادرات سبب هر گونه تأخیر شده است.

**۱۹۴۵ -** سوم، ایالات متحده قائل است که بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری نمی‌توانست بین ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳] و اسفند ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] یعنی زمانی که سرانجام مواد ز-۸ حمل شد باعث هیچ گونه تأخیری بشود، چرا که مواد ز-۸ در حبس نبود. مطابق موافقت‌نامه حل و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۰ [۲۴ فوریه

۱۹۸۳] بین گالف پورتس و وزارت راه و ترابری، گالف پورتس از ادعای خود بابت هزینه‌های انبارداری و هرگونه حق حبس دیگر در مقابل پرداخت مبلغ مصالحه صرف‌نظر کرد. بنابر اظهارات ایالات متحده، مدت زمان صرف‌شده برای حمل اموال پس از دریافت مبلغ مصالحه توسط گالف پورتس به سبب عواملی بود که هیچ‌گونه ارتباطی به تعهد ایالات متحده در بند ۹ نداشت.

*(دو) تصمیم دیوان*

۱۹۴۶ - دیوان در تعیین این‌که آیا رابطه سببیت بین نقض تعهدات بند ۹ توسط ایالات متحده و خسارات ادعائی ایران برای احراز مسؤولیت ایالات متحده در قبال خسارات ادعای حاضر کفایت می‌کند یا خیر، اصولی را که پیش‌تر در همین حکم جزئی مقرر کرد، مدنظر قرار خواهد داد.[۹۹۵] به نظر دیوان، چنانچه دیوان با قطعیتی معقول نتیجه بگیرد که در نبود بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری، مواد ز-۸ پیش از اسفند ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به ایران حمل می‌شد، چنین رابطه سببیتی محرز خواهد بود. دیوان افزون بر این و همسو با رویکرد حقوق داخلی، به شیوه تحلیل‌شده از چشم انداز تطبیقی،[۹۹۶] سعی خواهد کرد مقادیر تطبیقی سهم طرفین را احراز کند و از میان سبب‌های چندگانه دخیل، سبب «اصلی»، «اساسی» یا «غالب» را مشخص نماید.

۱۹۴۷ - به عنوان امری مقدماتی، دیوان قانع شده است که نمی‌تواند نتیجه بگیرد که عدم آگاهی وزارت راه و ترابری از جزئیات محل قرارگیری و وضعیت اموالش و نه لازم‌الاجرا شدن مقررات غیر قانونی خزانه‌داری در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] (که متصرفین اموال حق ادعائی خود را برای آزاد نکردن بر آن مبتنی کردند) سبب خسارات متحمل‌شده از ۲۹ دی ۱۳۵۹ تا ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه تا ۱۷ اوت ۱۹۸۱] بوده است. در تاریخ اخیر، هوارد نیدلز تامن اند برگندوف مهندس مشاور وزارت راه و ترابری در ایالات متحده، در پاسخ به درخواست

---

[۹۹۵] *بنگرید به* بندهای ۱۷۹۱-۱۷۹۵، بالا.

[۹۹۶] *بنگرید به* بندهای ۱۷۹۳-۱۷۹۵، بالا.

وزارت راه و ترابری برای ارائه جزئیات تماس با انبارها و محل‌های نگه‌داری اقلام خریداری‌شده،[۹۹۷] اطلاعاتی در خصوص وضعیت و محل قرارگیری اموال در اختیار گذاشت.[۹۹۸] در خصوص مسائل موضوعی ذی‌ربط، تلکس وزارت راه و ترابری، به نظر دیوان، گویای نا آگاهی کامل (و حتی بدتر از آن، «رها کردن» اموال به گونه‌ای که ایالات متحده مطرح می‌کند) نیست، بلکه بیش‌تر فقدان آگاهی از جزئیات است که برای دولتی که از طریق نمایندگان خود در کشوری بیگانه و دور قرارداد خرید کالا و خدمات بسته، عادی تلقی می‌شود. در خصوص تحلیل حقوقی مسائل موضوعی که دیوان در برابر خود دارد، دیوان نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که، آن‌چه حاصل و نتیجهٔ سرگردانی و عدم قاطعیت ابتدائی وزارت راه و ترابری در ارزیابی وضعیت بود و نیز برخوردِ کُند و مردد با آن وضعیت، نمی‌توانسته از مقررات غیرقانونی خزانه‌داری حاصل شده باشد.

**۱۹۴۸ -** دیوان در خصوص این‌که وزارت راه و ترابری پس از موافقت‌نامه حل و فصل ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] و قبل از حمل اموال در بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، چه اقدامی را باید (به نحوی معقول) معمول می‌داشت، این موضوع را بیش‌تر مربوط به تقلیل خسارت تلقی می‌کند و در زیر به آن خواهد پرداخت.[۹۹۹] با این حال، به نظر دیوان، هیچ‌یک از موارد تردید، کُندی و کم و بیش عدم قاطعیت اقدامات وزارت راه و ترابری نمی‌تواند به معنایی هنجاری، سبب «اصلی» یا «غالب» تلقی شود.

**۱۹۴۹ -** دیوان پس از بازبینی کلیه ادله مجاب شده است[۱۰۰۰] که در نبود بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، مواد ز-۸ در واقع زودتر به ایران حمل می‌شد. اگر به خاطر آن بخش نبود، مواد ز-۸ مشمول

---

[۹۹۷] *بنگرید به* بند ۴۳۶، بالا.

[۹۹۸] *بنگرید به* همانجا.

[۹۹۹] *بنگرید به* بند ۲۰۶۵ به بعد، زیر.

[۱۰۰۰] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، پانوشت ۱۵۳ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

دستورالعمل انتقال دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ قرار می‌گرفت؛ با این حساب، گالف پورتس مجاز نبود مواد ز-۸ را نگه دارد و تا دریافت بدهی انبارداری و نگه‌بانی از انتقال آن ممانعت کند. حتی اگر بپذیریم که مطابق ادعای ایالات متحده عملکرد وزارت راه و ترابری و عوامل بیرونی دیگر به گونه‌ای هم‌زمان موجب تأخیر در حمل، یا بخشی از تأخیر شد، از دید دیوان بخش ۳۳۳-۵۳۵ سبب اصلی تأخیر و خسارتی بود که وزارت راه و ترابری نتیجتاً متحمل شد. چنین تأخیری، و خسارت احتمالی آن، برای ایالات متحده قابل پیش‌بینی بود یا حداقل باید قابل پیش‌بینی می‌بود. دیوان در رسیدن به این نتیجه همچنین توجه داشته است که به لحاظ وجود بخش ۳۳۳-۵۳۵ که با نقض بیانیه‌های الجزایر مواد ز-۸ را از شمول دستورالعمل انتقال دستور اجرائی ۱۲۲۸۱ مستثنی می‌کرد، وزارت راه و ترابری ناگزیر به مذاکرات اصلاحی با گالف پورتس شد و سرانجام موافقت‌نامه حل و فصل را منعقد کرد. در واقع مطابق بیانیه‌های الجزایر، وزارت راه و ترابری تکلیفی به حل و فصل ادعاهای متصرفین خصوصی ایالات متحده برای تحویل گرفتن اموال خود نداشت.

**۱۹۵۰** - بدین‌قرار، دیوان مقرر می‌دارد که، در چنین اوضاع و احوالی، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری سبب اصلی تأخیر انتقال مواد ز-۸ به ایران بود. با این حساب، ایالات متحده مسؤول خسارات وارده به ایران در نتیجه نقض بیانیه عمومی توسط آن دولت می‌باشد.

**۱۹۵۱** - دیوان در زیر ماهیت و دامنه خساراتی را که وزارت راه و ترابری در نتیجه نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، به شرحی که در بالا ارائه شد، تعیین می‌کند. در این ارتباط دیوان بررسی خواهد کرد که آیا وزارت راه و ترابری اقدامات معقولی برای تقلیل چنین خساراتی معمول داشته است یا خیر.[۱۰۰۱]

---

[۱۰۰۱] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۶۰۲-الف۱۵ (چهار) الف/۲۴-هیئت عمومی دیوان، بند ۲۲۱ و پانوشت ۲۱۸ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

*(ب) ارزیابی*

*(یک) اظهارات طرفین*

*۱) اظهارات ایران*

**۱۹۵۲ -** ایران طبق فهرست خلاصه ادعاهای خود، در ادعای ز-۸ جمعاً مبلغ ۱۵،۲۷۳،۶۵۶ دلار آمریکا مطالبه می‌کند که جزئیات آن بدین شرح است: (۱) مبلغ ۶،۸۹۰،۰۲۰ دلار آمریکا بابت کاهش ادعائی ارزش واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در اثر آسیب‌دیدگی (۴،۱۱۱،۸۷۵ دلار آمریکا بابت واحد خانه‌ها و ۲،۷۷۸،۱۴۵ دلار آمریکا بابت تجهیزات سنگ‌شکن)؛ (۲) مبلغ ۶،۲۰۵،۰۸۳ دلار آمریکا بابت خسارات ادعائی ناشی از محرومیت از استفاده مواد ز-۸ ( ۲،۹۶۰،۰۲۲ دلار آمریکا در ارتباط با واحد خانه‌های پورتا-کمپ و ۲،۵۴۸،۱۸۹ دلار آمریکا در ارتباط با تجهیزات سنگ‌شکن مورگن؛ و ۶۹۶،۸۷۲ دلار آمریکا بابت کارخانه‌های روشنایی؛ و (۳) مبلغ ۲،۱۷۸،۵۵۳ دلار آمریکا بابت «مخارج اضافی» ادعائی جهت بازپس گرفتن مواد ز-۸. ایران بابت تمام این مبالغ بهره مطالبه می‌کند.

*ادعای کاهش ارزش دارائی در اثر آسیب دیدگی*

**۱۹۵۳ -** ایران تحت این سرفصل از ادعا، خسارات ناشی از کاهش ارزش واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن را مطالبه می‌کند که ادعا می‌شود به دلیل نگه‌داری آن در فضای باز، و قرار گرفتن در معرض رطوبت شدید و عوامل جوی، آن‌هم در دورهٔ نگه‌داری این اموال در ایالات متحده از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، یعنی زمان حمل آن‌ها به ایران، حاصل شده بود. مطابق اظهارات ایران، این اقلام تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] شدیداً آسیب دیده بود. ایران بابت کارخانه‌های روشنایی خسارتی مطالبه نمی‌کند و می‌پذیرد که خسارتی وارد نشده است.

**۱۹۵۴ -** ایران برای اثبات آسیب‌دیدگی وسیع ادعائی واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به ترتیب در هیوستون و نیواورلئان، از جمله، استناد می‌کند به: (یک) شهادت‌نامه و شهادت شفاهی در جلسه استماع آقای توفیق صدر موسوی، کاپیتان کشتی ایرانی و مستخدم سابق خطوط کشتیرانی ایران در لندن؛ در شهریور، مهر، یا اوایل آبان ۱۳۶۲ [سپتامبر یا اواخر اکتبر ۱۹۸۳] آقای موسوی از جانب وزارت راه و ترابری به ایالات متحده سفر کرد تا مواد ز-۸ را جهت حمل به ایران آماده کند؛[۱۰۰۲] (دو) شهادت‌نامه آقای علی محمودی، مهندس عمران و مشاور وزارت راه و ترابری که آقای موسوی را در سفرش به ایالات متحده در اواسط ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] همراهی کرد؛[۱۰۰۳] و (سه) شهادت‌نامه و شهادت شفاهی در جلسه استماع آقای اکبر مسافر رحمتی که در سفر همراه آقای موسوی بود.[۱۰۰۴]

**۱۹۵۵ -** آقای غلامرضا سلامی، حساب‌دار خبرهٔ ایرانی، مشاور مالی، و رئیس پیشین انجمن حساب‌داران خبره ایران، خساراتی را که ایران حسب ادعا در اثر آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن از ۲۹ دی ۱۳۵۹ تا بهمن ۱۳۶۲ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ تا فوریه ۱۹۸۴] متحمل شده، برای ایران ارزیابی کرده است. ارزیابی آقای سلامی بر دو محور استوار است، نخست درصد خسارتی که واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا زمان حمل به ایران در بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] متحمل شد؛ و، دوم، دوره‌ای که ایالات متحده بابت آن حسب ادعا مسؤول آن خسارات است. آقای سلامی گزارش ارزیابی کتبی تهیه کرد و به عنوان شاهد کارشناس ایران در جلسه استماع حضور یافت.

**۱۹۵۶ -** آقای سلامی برای محاسبهٔ آسیب‌دیدگی ادعائی واحد خانه‌های پورتا-کمپ، از جمله به گزارش کارشناسی تهیه‌شده توسط آقای بهرام بغدادی، کارشناس رسمی پیشین وزارت دادگستری ایران، برای ارزیابی

---

[۱۰۰۲] *بنگرید به* بند ۵۲۰، بالا.

[۱۰۰۳] *بنگرید به* همانجا.

[۱۰۰۴] *بنگرید به* بندهای ۵۰۴-۵۰۵، بالا.

استناد می‌کند. آقای بغدادی به عنوان شاهد کارشناس از طرف ایران در جلسه استماع حضور یافت و گزارش وی نیز در عداد سوابق پرونده است. مضافاً، آقای سلامی در محاسبه آسیب‌دیدگی ادعائی تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، از جمله به گزارش تهیه‌شده توسط آقای فرشاد پرچمی، مهندس مکانیک ایرانی که مستخدم سابق وزارت راه و ترابری بود، استناد کرد. آقای پرچمی به عنوان شاهد کارشناس ایران در جلسه استماع حضور یافت و گزارش او در عداد سوابق پرونده است.

*واحد خانه‌های پورتا-کمپ*

**۱۹۵۷** - ایران ادعا می‌کند که واحد خانه‌های پورتا-کمپ متشکل بود از خانه‌های پیش‌ساخته و صدها، یا بلکه هزاران قطعات پیش‌ساخته برای بنا کردن خانه‌ها. ایران توضیح می‌دهد که واحد خانه‌ها از جمله شامل اتاق‌های خواب، بخش‌های نشیمن و استراحت، آشپزخانه، دفاتر کار، آزمایش‌گاه‌ها و رخت‌شوئی بود.

**۱۹۵۸** - ایران قائل است که واحد خانه‌های پورتا-کمپ طی ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] یعنی سال اول در انبار گالف پورتس در هیوستون، به‌ویژه در دورهٔ ۱۲ ماهه ضمانت ساخت آن متحمل آسیب‌دیدگی اساسی نشد. طبق اظهار ایران، علت این بود که خانه‌ها طوری ساخته شده بود که در مقابله با تأثیرات جوی مقاوم باشد. در واقع، ایران تأکید می‌کند که ادلهٔ مستقیمی دال بر آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های قابل‌حمل پیش از دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] وجود ندارد. ایران در تأیید موضع خود به شهادت آقای اندرو بیلینگهام، کارشناس قانونی مهندسی سازه، عضو مؤسسه سلطنتی ارزیابان رسمی در بریتانیا و عضو مؤسسه مهندسان سازه استناد می‌کند. آقای بیلینگهام به عنوان شاهد کارشناس ایران در جلسه استماع حضور یافت. آقای بیلینگهام در معرفی خود گفت تخصص زیادی در خانه‌های ساخته‌شده از الوار از جمله در فرسایش چوب و ترمیم الوارهای آفت‌زده دارد.

۱۹۵۹ - آقای بیلینگهام در توصیف واحد خانه‌های پورتا-کمپ به طرح مستحکم، کیفیت قطعات متشکله با پیش‌بینی عمر حداقل ۱۰ ساله در طراحی، الوار خشک‌شده در کوره، و ضمانت ۱۲ ماهه سازنده اشاره کرد. آقای بیلینگهام در پاسخ به اظهارات ایالات متحده گفت که وی هرگز شاهد فرسودگی چوب در خانه‌های با اسکلت الوار ظرف ۱۲ ماه از زمان تحویل نبوده است. مطابق تجربهٔ وی، هر چند کپک روی الوار، به مفهوم لک انداختن روی آن یا ایجاد زیان به تندرستی انسان می‌تواند ظرف ۱۲ ماه به وجود آید، اما حمله قارچ‌های چوب‌خوار روی الوار ظرف این مدت رخ نمی‌دهد. طبق اظهار آقای بیلینگهام، واحد خانه‌های پورتا-کمپ طی دو سال اول پس از تحویل به دلیل قرارگرفتن در معرض عوامل جوی می‌تواند حداکثر متحمل ۱۰ الی ۱۵ درصد آسیب‌دیدگی شود.

۱۹۶۰ - ایران ادعا می‌کند که تخریب و آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ بین سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] و بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] یعنی زمان حمل آن‌ها به ایران، به شدت افزایش یافت. ایران مدعی است که انبار گالف پورتس در هیوستون در محلهٔ محرومی قرار داشت و امنیت آن تأمین نشده بود. ایران قائل است که، نتیجتاً، واحد خانه‌های پورتا-کمپ فزون بر آسیب‌دیدگی شدید، در طی پنج سال قرار داشتن در معرض عوامل جوی، در سال‌های ۱۳۶۰/۱۳۶۱ و ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۲ و ۱۹۸۳] از تبهکاری و سرقت نیز زیان دید.

۱۹۶۱ - طبق اظهار ایران، واحد خانه‌های پورتا-کمپ تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] مجموعاً متحمل ۷۵ درصد خسارت شد که تفکیک آن عبارت است از ۵۰ درصد خرابی به علت قرارگرفتن در معرض عوامل جوی به مدت طولانی و ۲۵ درصد در نتیجه دزدی و تبهکاری. ایران در تأیید نظر خود به محاسبات شاهد کارشناس خود، آقای بغدادی، استناد می‌کند. ایران و آقای بغدادی در پشتیبانی از رقم ۷۵ درصد کل خسارات از جمله به شهادت‌نامهٔ آقای محمودی (که حاوی مجموعه‌ای از عکس‌های واحد خانه‌های پورتا-کمپ است که در ۱۳۶۱/۱۳۶۲ یا

۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۳ یا ۱۹۸۴] گرفته شده) و شهادت‌نامهٔ آقای موسوی استناد می‌کنند.[۱۰۰۵] آقای بغدادی برای اولین بار در سال ۱۳۸۲/۱۳۸۳ [۲۰۰۴] در ایران یعنی حدوداً بیست سال پس از مورد استفاده قرار گرفتن خانه‌ها بعضی واحد خانه‌های پورتا-کمپ را که موضوع ادعای حاضر است به طور فیزیکی معاینه کرد.

**۱۹۶۲** - آقای رحمتی، یکی از شهود ایران، که واحد خانه‌های پورتا-کمپ را بین آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] و اواسط ۱۳۶۱ [اواخر ۱۹۸۳] چندین بار دیده بود، ادعا کرد که این واحدها بین دی/بهمن ۱۳۶۱ [ژانویه ۱۹۸۲] و مهر/آبان ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] آسیب اساسی دیده و متحمل «خسارت جدی» شده بوده است. به نظر آقای رحمتی، واحد خانه‌های پورتا-کمپ در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] در شرایط بسیار بهتری قرار داشت.

**۱۹۶۳** - ایران در حمایت بیشتر از رقم ۷۵ درصد به عنوان کل خسارات وارده، به نامهٔ مورخ ۱۰آبان ۱۳۶۲ [اول نوامبر ۱۹۸۳] سازندهٔ واحد خانه‌ها، پورتا-کمپ، استناد می‌کند که به وزارت راه و ترابری اطلاع داده است که مخارج تجدید وضعیت واحد خانه‌های پورتا-کمپ انبار شده در هیوستون به حالت اولیه می‌تواند بین ۶۰ تا ۷۵ درصد مخارج اولیه واحدها باشد.[۱۰۰۶]

**۱۹۶۴** - مضافاً، ایران بر پایه محاسبات آقای سلامی نتیجه می‌گیرد که بر اساس روش استهلاک خط مستقیم که ۲۵ درصد خسارت بابت دورهٔ پیش از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را سهم ایران به حساب می‌آورد ایالات متحده مسؤول جمعاً ۷۵ درصد خسارات متحمله واحد خانه‌های پورتا-کمپ می‌باشد. به بیان واضح‌تر، ایران و آقای سلامی در رسیدن به این نتیجه فرض را بر این می‌گذارند که: (یک) واحد خانه‌های پورتا-کمپ در ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] یعنی سال اول انبار شدن در هیوستون متحمل آسیب‌دیدگی نشد؛ (دو) ایران مسؤول هرگونه آسیب‌دیدگی سال دوم تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد؛ و (سه) ایالات متحده مسؤولیت

---

[۱۰۰۵] *بنگرید به* بند ۱۹۵۴، بالا.

[۱۰۰۶] *بنگرید به* بند ۵۲۲، بالا.

آسیب‌دیدگی‌های ۲۹ دی ۱۳۵۹ تا بهمن ۱۳۶۲ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ تا فوریه ۱۹۸۴] یعنی زمانی که اقلام به ایران حمل شد، را برعهده دارد. طبق اظهارات ایران و آقای سلامی، حاصل محاسبه، تسهیم سه به یک مسؤولیت بین طرفین بابت آسیب‌دیدگی‌های چهار سال بین ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] و ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴]، می‌باشد.

**۱۹۶۵** - آقای اسلامی در اعمال روش توصیف شده در بالا، بهای ادعائی خرید سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] تعداد ۲۳۸ واحد خانه‌های پورتا-کمپ را که ایران ادعا می‌کند ۷،۳۰۹،۹۹۵ دلار آمریکا بوده است به عنوان مبنای محاسبه خود به‌کار می‌برد.[۱۰۰۷] آقای سلامی در محاسبهٔ خود برای رسیدن به ارزش اقلام در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] نه تورم را مدنظر قرار داده و نه تعدیل را اعمال کرده است. بدین قرار، در قالب محاسبهٔ آقای سلامی، ایران مبلغ ۴،۱۱۱،۸۷۵ دلار آمریکا را به عنوان خسارت ادعائی ناشی از کاهش ارزش واحد خانه‌های پورتا-کمپ بین دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] و بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، که ایران مدعی است منتسب به ایالات می‌باشد، مطالبه می‌کند.[۱۰۰۸]

*تجهیزات سنگ‌شکن مورگن*

**۱۹۶۶** - اختلافی نیست که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن متشکل از یک رشته ماشین آلات منفک بود که هر یک بخشی از یک زنجیره عملیات را تشکیل می‌داد. این زنجیره شامل خردکردن سنگ‌های بزرگ به قطعات کوچک‌تری است که بعداً به قطعات ظریف‌تر مناسب مصالح جاده‌سازی (ماسه و شن) برای ساختن راه خرد می‌شود. نخستین مرحله از این زنجیره، سنگ‌شکن فکی بود که فک‌های فولادی آن، صخره‌های بزرگ را به قطعات بزرگ سنگ خُرد می‌کند. آن سنگ‌ها سپس خوراک ماشین مرحله دوم می‌شوند، یعنی سنگ‌شکن مخروطی که آن‌ها را به قطعات کوچک‌تر خرد می‌کند. خروجی سنگ‌ها سپس به ماشین آلات مرحله سوم

---

[۱۰۰۷] *بنگرید به* بند ۵۳۷، بالا.

[۱۰۰۸] *بنگرید به* بند ۱۹۵۲، بالا.

خورانده می‌شوند تا آن‌ها را بسته به نیاز در حد شن یا ماسه ریز کند. ماشین آلات مرحله دوم یعنی سنگ‌شکن مخروطی متشکل از یک مخروط فولادی است که در میان بوش عظیم فولادی دیگری برای خردکردن سنگ می‌چرخد و سنگ‌ها در فاصله بین مخروط فولادی و بوش مذکور برای آسیاب‌شدن ریخته می‌شود. مطابق اظهارات ایران، یکی از بخش‌های اساسی سنگ‌شکن مخروطی یاتاقان‌های رانش است که به سنگ‌شکن مخروطی امکان چرخش و آسیاب‌کردن سنگ‌ها را می‌دهد. ایران بر این موضع است که یاتاقان‌های رانش، قطعات دقیق ماشین هستند و برای کار کردن با خطای مجاز دقیق طراحی می‌شود تا کارکرد درست سنگ‌شکن مخروطی تضمین شود.

**۱۹۶۷** - ایران ادعا می‌کند که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن طی ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] یعنی سال اول انبارشدن آن در نیواورلئان متحمل هیچ آسیبی نشد یا آسیب کمی دید، حال آن‌که طی سال دوم وجود آن‌ها در انبار (یعنی تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]) ممکن است آسیب‌های محدودی به آن‌ها وارد شده باشد.

**۱۹۶۸** - ایران برای اثبات وضعیت تجهیزات سنگ‌شکن مورگن پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] عمدتاً به شهادت آقای پرچمی[۱۰۰۹] استناد می‌کند که نام‌برده تجهیزات را برای اولین بار در ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] در خوزستان مشاهده کرد. آقای پرچمی شهادت می‌دهد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن نخست از بندر تخلیه و به انبار مرکزی وزارت راه و ترابری در تهران حمل شد و از آن‌جا به خوزستان انتقال یافت. آقای پرچمی اظهار می‌دارد که او گزارش کتبی خود را در خصوص آسیب‌های وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن حدوداً هجده/نوزده سال پس از بازرسی و مشاهده آن تجهیزات در ایران تهیه کرد.

---

[۱۰۰۹] *بنگرید به* بند ۱۹۵۶، بالا.

**۱۹۶۹ -** آقای پرچمی شهادت داد که، زمانی که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تحویل داده شد و در اختیار کارشناسان قرار گرفت تا عملیاتی شود، آسیب قابل‌توجهی به آن وارد شده بود. آقای پرچمی ادعا می‌کند که تجهیزات مذکور، آثار زنگ‌زدگی زیاد و تغییر شکل در ساختارهای فولادی بر خود داشت، به ویژه، سنگ‌شکن‌های مخروطی شدیداً خسارت دیده بود.[۱۰۱۰] آقای پرچمی همچنین اظهار می‌دارد که یاتاقان‌های رانش[۱۰۱۱] بیش از حدی که قابل‌تعمیر باشد آسیب دیده بود، و جایگزینی هم ممکن نبود چرا که آن یاتاقان‌ها طراحی خاصی داشت.

**۱۹۷۰ -** مطابق اظهار آقای پرچمی زیان وارده به یاتاقان‌های رانش ناشی از حرکت محوری قسمت‌های آزاد مخروط چرخنده بود که در زمان حمل اتفاق افتاده بود. ایران اظهارات آقای پرچمی را گسترش داده و ادعا می‌کند که حرکت محوری در اثر پوسیدگی جاپرکن‌های چوبی که برای ثابت نگه‌داشتن مخروط‌ها در بوش‌های فولادی تعبیه شده بود، آن‌هم بعد از باقی‌ماندن در هوای آزاد به مدت پنج سال رخ داد. آقای پرچمی اظهار می‌دارد که به خاطر خراب‌شدن یاتاقان‌های رانش هیچ یک از سنگ‌شکن‌های مخروطی قابل استفاده نبود. آقای پرچمی همچنین ادعا می‌کند که موتورهای برقی تجهیزات سنگ‌شکن مورگن نیز در زمان حمل آسیب دید زیرا «آمادهٔ بارگیری» نشده بود. به نظر آقای پرچمی، تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به لحاظ کل آسیب‌های وارد شده، بلااستفاده شد و تنها ارزش اسقاطی بالغ بر ۳۰ درصد بهای اولیه خرید داشت.

---

[۱۰۱۰] *بنگرید به* بند ۱۹۶۶، بالا.

[۱۰۱۱] *بنگرید به* همانجا.

۱۹۷۱ - ایران ادعا می‌کند که هر چند برخی سنگ‌شکن‌های فکی مرحله اول[۱۰۱۲] هنوز قابل استفاده بود، امّا قابلیت استفاده برای سنگ‌های حجیمی که آن سنگ‌شکن‌ها تولید می‌کردند، بدون امکان خردشدن در سنگ‌شکن‌های مخروطی به تکه‌های قابل استفاده محدود بود.

۱۹۷۲ - ایران برای تأیید بیشتر بر وضعیت تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] به شهادت دیگر شهود خود استناد می‌کند. آقای محمودی که تجهیزات را در مهر/آبان ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] در نیواورلئان دید، در شهادت‌نامهٔ خود اظهار می‌دارد که تمام تجهیزات سنگ‌شکن مورگن همراه با «برخی جعبه‌های چوبی» «زنگ‌زده» و «آسیب دیده» بود. آقای موسوی که همراه آقای محمودی بود، در شهادت‌نامه‌اش به نوبه خود اظهار می‌دارد که «ماشین آلات زنگ خورده» و «بعضاً دچار شکستگی» بود.

۱۹۷۳ - ایران بر پایه شهادت آقای پرچمی مدعی است که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به دلیل باقی ماندن طولانی در معرض عوامل جوی متحمل ۷۰ درصد خسارت شده بوده است.

۱۹۷۴ - مضافاً، ایران بر پایه همان منطقی که آقای سلامی بر واحد خانه‌های پورتا-کمپ اعمال کرد مدعی است که ایالات متحده مسؤول ۷۵ درصد جمع خسارات وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن است.[۱۰۱۳]

۱۹۷۵ - بنابراین، ایران همسو با روش ارزیابی آقای سلامی[۱۰۱۴] تحت این سرفصل از ادعا مبلغ ۲،۷۷۸،۱۴۵ دلار آمریکا خسارت مطالبه می‌کند، که مطابق ادعا معادل کاهش ارزش تجهیزات سنگ‌شکن مورگن از دی ۱۳۵۹ تا بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۱ تا فوریه ۱۹۸۴] می‌باشد، که ایران مدعی است این خسارت منتسب به ایالات متحده می‌باشد. ایران این مبلغ را بر مبنای ۶۰ درصد بهای خرید تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸]

---

[۱۰۱۲] *بنگرید به* بند ۱۹۶۶، بالا.

[۱۰۱۳] *بنگرید به* بند ۱۹۶۴، بالا.

[۱۰۱۴] *بنگرید به* بندهای ۱۹۶۴-۱۹۶۵، بالا.

که مطابق سفارش خرید ۱-۲۱۰۱-۸۷ (یعنی ۸،۸۱۹،۵۰۸ دلار آمریکا) بوده است محاسبه کرده که معادل ۵،۲۹۱،۷۰۵ دلار آمریکا می‌باشد.[۱۰۱۵]

*ادعای محرومیت از استفاده از دارائی‌ها*

**۱۹۷۶ -** ایران تحت این سرفصل از ادعا خساراتی را مطالبه می‌کند که وزارت راه و ترابری مطابق ادعا به دلیل محرومیت از استفاده از مواد ز-۸ از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی که به ادعای ایران، نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده آغاز شده، تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، یعنی زمانی که مواد ز-۸ به ایران حمل شده، متحمل شده است. مطابق اظهارات آقای سلامی، این محرومیت از استفاده «می‌توانست بابت کرایه یا اجاره دادن اموال باشد» چرا که اگر وزارت راه و ترابری مواد ز-۸ را در طی آن دوره در اختیار داشت، می‌توانست آن را «برای طرح‌های دیگر (که در این‌صورت اجاره کردن ماشین‌آلات مشابهی ضرورت پیدا نمی‌کرد)» استفاده کند، یا می‌توانست «آن را به سایر سازمان‌ها یا شرکت‌ها» کرایه دهد.

**۱۹۷۷ -** ایران همسو با رویکرد آقای سلامی که روش خود را روش بازده خالص سرمایه نامیده است، خسارت را بر پایه نرخ بازدهی سرمایه‌ای محاسبه می‌کند که ادعا شده اگر مواد ز-۸ از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در اختیار وزارت راه و ترابری بود از آن کسب می‌کرد. آقای سلامی تأکید می‌کند از آن‌جا که واحد خانه‌های پیش‌ساخته و تجهیزات سنگ‌شکن از کیفیت عالی برخوردار بود و مشابه آن، در آن زمان در ایران وجود نداشت، امکان محاسبه خسارات از طریق مقایسه بازده اموال همانند در ایران ممکن نیست. آقای سلامی اظهار می‌دارد که وفق روش بازده خالص سرمایه خسارت با بررسی بازده قابل انتظار سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای معادل آن‌چه وزارت

---

[۱۰۱۵] *بنگرید به* بند ۴۹۱، بالا. همانگونه که خاطرنشان شد، ایران بر این موضع است که ۶۰ درصد تجهیزات سنگ شکن مورگن موضوع سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ گالف پورتس در نیولورلئان تحویل داده شد، حال آن که ۴۰ درصد آن به بندر ونکوور تحویل شد. *بنگرید به* بند ۴۸۴ بالا.

راه و ترابری برای خرید اموال پرداخت میسر است. آقای سلامی نرخ بازده را بر اساس میانگین نرخ اوراق قرضهٔ وزارت خزانه‌داری ایالات متحده از دی ۱۳۵۹ تا دی ۱۳۶۲ [۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳] محاسبه کرده و عامل ریسک را برای منظور داشتن انواع مختلف مال در آن لحاظ کرده است.

۱۹۷۸ - مطابق اظهارات آقای سلامی، میانگین نرخ اوراق قرضهٔ وزارت خزانه‌داری آمریکا بین دی ۱۳۵۹ و دی ۱۳۶۲ [۱۹۸۱ و ۱۹۸۳] ۱۱/۱۷ درصد بود. پس از منظورداشتن عوامل ریسک گوناگون، آقای سلامی به نرخ بازده سرمایه ۱۲ درصد برای واحد خانه‌های پورتا-کمپ، ۱۴ درصد برای تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، و ۲۲ درصد برای کارخانه‌های روشنایی می‌رسد. آقای سلامی با اعمال این نرخ بر بهای خرید اولیهٔ ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] بدون اعمال شاخص تعدیل، به جای ارزش بازار آن اقلام در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] نتیجه می‌گیرد که خسارات منتسب به محرومیت از استفاده بین ۲۹ دی ۱۳۵۹ و بهمن ۱۳۶۲ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ و فوریه ۱۹۸۴] به شرح آتی می‌باشد: (یک) مبلغ ۲،۹۶۰،۰۲۲ دلار آمریکا بابت واحد خانه‌های پورتا-کمپ؛ (دو) ۲،۵۴۸،۱۸۹ دلار آمریکا بابت تجهیزات سنگ‌شکن مورگن؛ و (سه) ۶۹۶،۸۷۲ دلار آمریکا بابت کارخانه‌های روشنایی.

۱۹۷۹ - بنابراین، ایران جمعاً مبلغ ۶،۲۰۵،۰۸۳ دلار آمریکا به عنوان خسارت ذیل این سرفصل از ادعا مطالبه می‌کند که مطابق ادعا ناشی از محرومیت از استفاده مواد ز-۸ بین ۲۹ دی ۱۳۵۹ و بهمن ۱۳۶۲ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ و فوریه ۱۹۸۴] می‌باشد.

*ادعاهای «مخارج اضافی»*

۱۹۸۰ - سومین عنوان خسارات ایران متشکل از شماری ادعا بابت «مخارج اضافی» است که ادعا می‌شود وزارت راه و ترابری برای بازپس‌گرفتن مواد ز-۸ متحمل شد. مطابق اظهارات ایران، اگر به خاطر نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده نبود، مواد ز-۸ بدون این‌که وزارت راه و ترابری ملزم به تحمل این مخارج باشد به

ایران بازگردانده می‌شد. ایران خسارات خود بابت «مخارج اضافی» را از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محاسبه می‌کند. مخارج اضافی مورد ادعا به شرح زیر است.

*(یک) مخارج انبارداری و بسته‌بندی مجدد*

**۱۹۸۱ -** ایران مخارج انبارداری مربوط به مواد ز-۸ را که پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متحمل شده را مطالبه می‌کند. ایران با کاستن مبلغ ۲۶۱،۳۰۷ دلار آمریکا بابت مخارج انبارداری پیش از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] این ادعا را بر مبنای ۱/۶ میلیون دلار آمریکای پرداختی وزارت راه و ترابری وفق موافقت‌نامهٔ حل و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳][۱۰۱۶] به گالف پورتس محاسبه می‌کند. بنابراین، ایران مبلغ ۱،۳۳۸،۶۹۳ دلار آمریکا بابت مخارج انبارداری مطالبه می‌کند.

**۱۹۸۲ -** ایران همچنین مبلغ پرداختی توسط وزارت راه و ترابری بابت بسته‌بندی مجدد مواد ز-۸ پیش از حمل آن به ایران به شیپ ساید پکینگ در بهمن ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱][۱۰۱۷] را نیز که مطابق ادعا ۴۸۶،۳۱۷ دلار آمریکا می‌باشد، مطالبه می‌کند. ایران همچنین در این مبلغ وجوه ادعائی پرداختی توسط وزارت راه و ترابری بابت «پاک‌سازی بخش‌های غیر قابل استفاده»، «جابه‌جا کردن بخش‌های سالم به انبارهای دیگر» و «انتقال آن‌ها به بندر جهت حمل به ایران» را نیز منظور می‌دارد.

**۱۹۸۳ -** نتیجتاً، ایران بابت مخارج انبارداری و بسته‌بندی مجدد مجموعاً مبلغی بالغ بر ۱،۸۵۲،۰۱۰ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.

*(دو) هزینه‌های سفر وزارت راه و ترابری*

---

[۱۰۱۶] *بنگرید به* بندهای ۵۱۵-۵۱۶، بالا.

[۱۰۱۷] *بنگرید به* بند ۵۲۳، بالا.

**۱۹۸۴ -** ایران بابت متحمل‌شدن ادعائیِ مخارج سفر نمایندگان وزارت راه و ترابری در سفر وین، هیوستون، و نیو اورلئان جهت مذاکره و مصالحه با گالف پورتس و باز پس گرفتن مواد ز-۸، ایران مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.[۱۰۱۸] ایران این رقم را بر تخمین وزارت راه و ترابری که نتوانسته ادله و مدارک آن هزینه‌ها را بیابد، استوار می‌کند.

*(سه) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده*

**۱۹۸۵ -** ایران بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های صورت‌حساب‌های ادعائی وکلای آمریکائی وزارت راه و ترابری که برای کمک جهت باز پس گرفتن مواد ز-۸ به کار گرفته شده بود، مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.[۱۰۱۹] ایران در تأیید این ادعا صورت‌حساب‌های یک وکیل در هیوستون یعنی آقای هارل گوردون تیلمن به مبلغ کل ۱۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا را ارائه کرده است. باقی مبلغ خواسته ایران بر گمانه‌زنی وزارت راه و ترابری استوار است.

*(چهار) مخارج تمدید اجارهٔ انبارها*

**۱۹۸۶ -** ایران بابت مخارج متحملهٔ وزارت راه و ترابری برای تمدید اجارهٔ انبارها جهت نگهداری مواد ز-۸ در هیوستون و نیواورلئان پس از انعقاد موافقت‌نامهٔ حل و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] با گالف پورتس، مبلغ ۱۲۵،۵۰۰ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.[۱۰۲۰] ایران در تأیید ادعای خود به گزارش ارزیابی آقای سلامی و شهادت‌نامه آقای محمودی استناد می‌کند. شخص اخیر تصاویر شماری از موافقت‌نامه‌های منعقدشدهٔ وزارت راه و ترابری در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] با موجرین دو محوطه انبار برای واحد خانه‌های پورتا-کمپ در

---

[۱۰۱۸] *بنگرید به* بندهای ۴۹۹، ۵۰۴-۵۰۵ و ۵۲۰، بالا.

[۱۰۱۹] *بنگرید به* بند ۵۲۰، بالا.

[۱۰۲۰] *بنگرید به* بند ۵۲۱، بالا.

مارکت استریت و مک کارتی درایو در هیوستون را ارائه کرده است. آقای محمودی همچنین یک رشته از چک‌های وزارت راه و ترابری که در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] به نفع این دو مؤجر و نیز مؤجر دیگر محوطه‌هائی در نیواورلئان صادر شده بود را ارائه کرده که مستند پرداخت اجاره‌بهاهایی مجموعاً بالغ بر ۱۰۸،۵۰۰ دلار آمریکا می‌باشد.

*(پنج) مخارج نگهبانی انبار*

۱۹۸۷ - ایران در پایان بابت مبلغ ادعائی پرداخت‌شده برای تأمین خدمات نگه‌بانی و حفاظت واحد خانه‌های پورتا-کمپ در مارکت استریت و مک کارتی درایو در هیوستون پس از رها شدن مواد ز-۸ توسط گالف پورتس در تیر/مرداد ۱۳۶۲ [ژوئیه ۱۹۸۳]، مبلغ ۲۸،۳۴۰/۵۰ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.[۱۰۲۱] ایران در تأیید این ادعا به گزارش ارزیابی آقای سلامی و شهادت‌نامه آقای محمودی استناد می‌کند. شخص اخیر تصویری از موافقتنامه مورخ ۲۳ آبان ۱۳۶۲ [۱۴ نوامبر ۱۹۸۳] بین وزارت راه و ترابری و یک شرکت تأمین خدمات نگه‌بانی برای تأمین خدمات نگه‌بانی ۲۴ ساعته در این دو محل با نرخ ۷ دلار آمریکا در ساعت را ارائه کرد. مطابق این قرارداد، «یک نگه‌بان مسلح در هر یک از این دو محل» در «داخل و خارج محوطه» در شبانه روز گشت خواهند زد. با این حال، ایران ادعا می‌کند که در واقع نگه‌بانان چندی در هر محل لازم بود، هر چند این مطلب در قرارداد انعکاس نیافته است. آقای محمودی همچنین مدرکی را تحت عنوان «فهرست هزینه‌ها و مدارک مربوط» که به نظر می‌رسد مدرکی داخلی باشد که خود وی تهیه کرده، ارائه نموده است. این مدرک شامل فهرستی از پرداخت‌های دوره‌ای بابت «نگهبانی/هیوستون» بالغ بر ۲۸،۰۴۳/۵۰ دلار آمریکا مربوط به دو «محوطهٔ» مشخص است که به نظر دیوان باید فضای انبارهای اجاره‌ای وزارت راه و ترابری در مارکت استریت و مک کارتی درایو در هیوستون باشد.

---

[۱۰۲۱] *بنگرید به* همانجا.

**۱۹۸۸ -** ایران در پاسخ به استدلال ایالات متحده[۱۰۲۲] استدلال می‌کند که به عنوان یک موضوع کلی، ایالات متحده مسؤول همه زیان‌های وارده به ایران است مگر این‌که ایالات متحده بتواند (یک) نشان دهد که ایران تکلیف داشته خسارات خود تقلیل دهد؛ (دو) توضیح دهد که ایران چه اقداماتی باید به عنوان عملی‌کردن بخشی از آن تکلیف معمول می‌داشته؛ و (سه) نشان دهد که ایران با عدم اقدام معقول در آن اوضاع و احوال چنین تکلیفی را در واقع نقض کرده است. ایران در ارتباط با مورد اخیر مدعی است که استاندارد معقول‌بودن اقدامات مربوط به تقلیل خسارت عموماً چندان استاندارد بالائی محسوب نمی‌شود. از این رو، ایران بر این نظر است که با فرض این‌که در این ادعا تکلیفی برای تقلیل خسارات داشته، که ایران منکر آن است، از ایران انتظار نمی‌رفته اقدامی خارج از روند معمولی تجاری به عمل آورد.

**۱۹۸۹ -** ایران ادعا می‌کند که چنان‌چه دیوان حکم کند که ایالات متحده از عهده بار اثبات ادعای مکلف‌بودن وزارت راه و ترابری به تقلیل خسارات در این ادعا بر آمده است، در آن صورت، موضع وزارت راه و ترابری این است که فی‌الواقع به چنین تکلیفی عمل کرده است. مطابق اظهارات ایران، آن کشور به ویژه با پیگیری و انعقاد موافقت‌نامه‌های حل و فصل آبان ۱۳۶۰ [نوامبر ۱۹۸۱] و بهمن ۱۳۶۱ [فوریه ۱۹۸۳] با گالف پورتس چنین تکلیفی را ایفا کرده است.[۱۰۲۳] با این حال، ایران منکر آن است که برای تقلیل خسارت، تکلیف به انجام موافقت‌نامه‌های حل و فصل یادشده داشته است. در این ارتباط، ایران همچنین به اظهاراتی که در جلسه استماع مطرح شد پاسخ می‌دهد، مبنی بر این بود که ایران برای پیش‌گیری از بالاتر رفتن مخارج انبارداری مواد ز-۸ به عنوان جزئی از تکلیف تقلیل خسارت، ناگزیر بود آن مخارج را به گالف پورتس بپردازد و متعاقباً ادعائی علیه ایالات متحده

---

[۱۰۲۲] *بنگرید به* بند ۲۰۰۹، زیر و مابعد.

[۱۰۲۳] *بنگرید به* بندهای ۵۰۱ و ۵۱۵، بالا.

بابت مخارج انبارداری که عقیده نداشت دِین آن کشور است، مطرح کند.[۱۰۲۴] به نظر ایران، نمی‌تواند این‌طور باشد که یکی از طرفین به عنوان بخشی از تکلیف تقلیل خسارت خود ناگزیر باشد موافقت‌نامه حل و فصل امضا کند، چه رسد به این‌که مکلف و ملزم به انجام این‌کار در قالب زمانی معقول باشد. در این چارچوب وکیل ایران در جلسه استماع اظهار داشت:

> گویا مطرح می‌شود که مطلب شاید ساده باشد که ایران حقوق انبارداری را بپردازد و بعد ادعای جداگانه‌ای علیه ایالات متحده مطرح کند. ولی [من در هضم این فکر مشکل دارم] که یکی از طرفین نسبت به نقض آشکارِ تعهد مکلف باشد تمکین کند، و به عنوان بخشی از تکلیف تقلیل خسارت خود، نه تنها مکلف به کوششی برای مصالحه باشد، بلکه عملاً مصالحه را انجام دهد، و در عین حال لازم باشد که در قالب زمانی معقول هم این کار را بکند، و بعد مطابق همین تکلیف تقلیل خسارت، دعوای دولت علیه دولت مطرح کند تا جبران خسارتش را بخواهد ... .

**۱۹۹۰ -** ایران نتیجه می‌گیرد که هیچ مبنائی برای احراز این‌که هر گونه تکلیف تقلیل زیان را در این ادعا نقض کرده باشد وجود ندارد.

*۲) اظهارات ایالات متحده*

**۱۹۹۱ -** ایالات متحده به عنوان یک موضوع کلی مدعی است که ایران نتوانسته هیچ مدرک مستندی در تأیید ادعای ز-۸ ارائه کند. مطابق اظهارات ایالات متحده، ایران به عنوان خواهان بار اثبات ادعای خسارات خود را با میزانی از قابلیت اعتماد و مشخص‌بودن بر عهده دارد. ایالات متحده تأکید می‌کند که ایران نه تنها باید نشان دهد که متحمل خسارت شده، بلکه باید دقیقاً ثابت کند که آن خسارات چه بوده است.

---

[۱۰۲۴] *بنگرید به* بند ۲۰۱۱، زیر.

**۱۹۹۲ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران نتوانسته ثابت کند که آن دولت در قبال ایران مسؤول هرگونه خسارت ناشی از آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن است. ایالات متحده بر این موضع است که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند وضعیت دقیق آن اقلام را در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به منظور محاسبهٔ میزان آسیب‌دیدگی بین آن تاریخ و بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] اثبات کنند. با این حال، بار اثبات ادعا در این خصوص فقط به عهدهٔ ایران است.

**۱۹۹۳ -** طبق اظهارات ایالات متحده، فرضیه ایران دائر بر این‌که عمدهٔ آسیب‌دیدگی بین دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] و اواخر ۱۳۶۲ [اوایل ۱۹۸۴] رخ داده، فاقد ادله اثباتی است. ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که ارزیابی آقای سلامی عمدتاً به شهادت آقایان موسوی، پرچمی، و بغدادی متکی است، که واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن را در زمان‌هایی بین سال‌های ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] و ۱۳۸۳ [۲۰۰۴] معاینه کرده‌اند. ایالات متحده تأکید می‌کند که با این حال، این شهود اقلام را در زمان‌های مربوطه، یعنی در دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] یا بلافاصله قبل از حمل آن‌ها در بهمن/اسفند ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] معاینه نکرده‌اند. مضافاً ایالات متحده ملاحظه می‌کند که شاهدان کارشناس ایران، آقای بیلینگهام و آقای سلامی، هیچ‌گاه واقعاً اقلام را ندیده‌اند.

**۱۹۹۴ -** ایالات متحده قبول دارد که وکیل وزارت راه و ترابری، آقای رحمتی، مشاهدات مختصری از واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در آذر ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] و مهر ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] داشت. با این حال، ایالات متحده بر این نظر است که همان‌گونه که آقای رحمتی شهادت داد، طی مشاهدهٔ مختصر وی در آذر ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] او هرگز درب هیچ‌یک از این واحد خانه‌های بر پا یا جدا شده را باز

نکرد، هرگز اثاثیه یا وسایل ثابت داخل آنها را ندید، و هرگز سطح رطوبت موجود در واحد خانه‌ها را، که وی آن‌ها را تحت عنوان «به نحوی متورم» توصیف کرده، نسنجید.[۱۰۲۵]

**۱۹۹۵** - ایالات متحده مدعی است که نظریه ایران مبنی بر این‌که واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] آسیبی در حد جزئی یا هیچ را متحمل شد، با ادله موجود در تعارض است. به نظر ایالات متحده، ادله در عوض نشان‌گر آن است که واحد خانه‌های پورتا-کمپ قبل از آن تاریخ آسیب چشم‌گیری دیده بود، و نیز این که خسارات افزوده به کلیه اقلام مطروح در این ادعا پس از دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] در محدودهٔ حداقل باقی ماند. ایالات متحده در تأیید موضع خود، گزارش کارشناس تهیه‌شده توسط ال‌بی‌سی اینترنشنال اینوستگیتیو آکانتینگ، اینک.، مؤسسهٔ حساب‌رسی‌ای با تخصص در ارزیابی ماشین‌آلات و تجهیزات (گزارش ال‌بی‌سی) را ارائه داده است. گزارش ال‌بی‌سی، ادعاهای ایران را برای موارد آتی ارزیابی می‌کند (یک) خسارات ناشی از کاهش ارزش اموال به دلیل آسیب دیدگی، (دو) خسارات محرومیت از استفاده و (سه) «مخارج اضافی». ایالات متحده تهیه‌کنندگان گزارش ال‌بی‌سی، آقایان پی‌یر بلانژه و آرتور لاوین را در جلسه استماع به عنوان شاهد معرفی کرد. آقای پی‌یر بلانژه بنیان‌گذار شرکت ارزیابی دادگاهی کانادایی بلانژه اپریزل کانسالتانتس، اینک. است. آقای آرتور لاوین حسابدار خبره کانادایی با تخصص در موارد مربوط به دادگاه است.

**۱۹۹۶** - آقای بلانژه شهادت داد که خسارات فیزیکی مازاد وارده به واحد خانه‌های پورتا-کمپ پس از دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] با عنایت به قاعدهٔ «اثر تنظیم کننده» نمی‌توانسته تأثیر چندانی بر مخارج تعمیرات داشته باشد.

---

[۱۰۲۵] *بنگرید به* بند ۵۰۶، بالا.

**۱۹۹۷ -** آقای بلانژه در ارتباط با تجهیزات سنگ‌شکن مورگن اظهار داشت که این اقلام، تجهیزات بادوام است و خسارات ناشی از قرارگرفتن آن در معرض عوامل آب و هوایی نخست متوجه بخش‌های مصرفی آن – چون یاتاقان، تسمه‌ها، و بخش‌های برنده – می‌شود حال آن‌که بخش عمدهٔ تجهیزات – چارچوب‌ها، مراکز کنترل موتور، و موتورهای سربسته – متحمل خسارات مهم و عملیاتی نمی‌شود. به گفته آقای بلانژه، خسارات فیزیکی زائد بر آن‌چه تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] وارد آمده، در سطح حداقل می‌بود. آقای بلانژه همچنین اظهار داشت که محاسبات ۷۰ درصد خرابی آقای پرچمی بر اساس ارزش اسقاطی ۳۰ درصد ادعائی تجهیزات سنگ‌شکن مورگن از نظر روش حرفه‌ای نادرست است. آقای بلانژه توضیح داد که در عوض، این خسارات باید بر پایه بازرسی دقیق آن تجهیزات صورت می‌پذیرفت و بعد مخارج تخمین زده می‌شد. در این ارتباط، گزارش ال‌بی‌سی نتیجه می‌گیرد که رقم ۷۰ درصد خرابی تجهیزات سنگ‌شکن مورگن ادعائی ایران بی‌مدرک و مبتنی بر ظن و گمان است.

**۱۹۹۸ -** ایالات متحده در تأیید بیش‌تر موضع خود، آقای ژان رنه دومون، یک مهندس بیوشیمی کانادائی را که در زمینه علم محیط زیست و بهداشت صنعتی کار می‌کند به عنوان شاهد کارشناس در جلسه استماع معرفی کرد. آقای دومون در معرفی خود گفت که در زمینه محاسبهٔ شرایط و تعمیر خانه‌های پیش ساخته که دچار فرسایش چوب شده‌اند تجارب گسترده‌ای دارد. آقای دومون همچنین گزارش مختصری مورخ ۲۲ آذر ۱۳۸۹ [۱۳ دسامبر ۲۰۱۰] تهیه کرده است که ضمیمهٔ گزارش ال‌بی‌سی است و در آن از اثر کپک روی واحد خانه‌های پورتا-کمپ انبارشده در هیوستون و واحد خانه‌های ترانس ورلد انبارشده در ونکوور بحث کرده است («نامهٔ دومون»). در جلسه استماع، آقای دومون دربارهٔ اثرات بالقوهٔ رشد کپک و قارچ روی آن خانه‌ها شهادت داد. آقای دومون ضمن گفتگو از سایر موارد (یک) از آثار منفی جریان نیافتن هوای کافی بین و داخل واحد خانه‌های برپا و پیاده نشده بحث کرد، (دو) موضوع فقدان عملیات نگهداری و انبارداری کافی واحد خانه‌ها در محل را

مطرح کرد، و (سه) نتیجه‌گیری‌های شاهد کارشناس ایران، آقای بیلینگهام را در خصوص تأثیر آب و هوای هیوستون بر رشد کپک و قارچ به نقد کشید.[۱۰۲۶] آقای دومون شهادت داد که نظر به سطح مساعد رطوبت و دما، پوسیدگی چوب می‌تواند ظرف یک سال بر الوار کاج نوئل اثر گذارد.

**۱۹۹۹** - آقای دومون در نامه دومون نتیجه گرفت که (یک) می‌شود انتظار داشت که واحد خانه‌های پورتا-کمپ و ترانس ورلد به ترتیب در هیوستون و ونکوور ظرف یک سال، متحمل خساراتی بیش از ۵۰ درصد ارزش آن شده باشد؛ و (دو) تا مهر/آبان ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] «خسارات اساسی» بیش از ۷۵ درصد ارزش واحد خانه‌های مزبور باید مدنظر باشد. آقای دومون نتیجه‌گیری‌های مزبور را طی شهادتش در جلسه استماع تأیید کرد.

*ادعای محرومیت از استفاده از دارایی‌ها*

**۲۰۰۰** - ایالات متحده ادعا می‌کند که نه ایران و نه شاهد کارشناس ایران، آقای سلامی، ادله خساراتی را که ایران در این ادعا بابت محرومیت از استفاده از مواد ز-۸ مطالبه می‌کند ارائه نکرده‌اند. مشخصاً، ایالات متحده مدعی است که ایران موارد آتی را نتوانسته ارائه کند: (یک) ادله دال بر وجود تقاضا برای مواد ز-۸ در زمان‌های ذی‌ربط؛ (دو) ادله مثبته این‌که تجهیزات جایگزینی در دسترس نبود؛ (سه) مدارکی که درآمد واقعی حاصل از مواد ز-۸ را نشان دهد؛ یا (چهار) هرگونه مدرکی دال بر خسارات واقعی متحملهٔ وزارت راه و ترابری. ایالات متحده گزارهٔ طرح‌شدهٔ ایران مبنی بر در اختیار نبودن مدرک در ایران را قبول ندارد. مطابق اظهارات ایالات متحده، ایران بیش‌تر در یافتن و ارائه مدارک به دیوان قصور ورزیده است.

**۲۰۰۱** - ایالات متحده در تأیید موضع خود همچنین به شهادت آقای ارتور لاوین، یکی از تهیه‌کنندگان گزارش ال‌بی‌سی در جلسه استماع استناد می‌کند. آقای لاوین شهادت داد که، به منظور اثبات ادعای ضرر ناشی

---

[۱۰۲۶] *بنگرید به* بند ۱۹۵۹، بالا.

از محرومیت از استفاده، در میان سایر موارد، اطلاعاتی در خصوص موارد آتی ضروری است: (یک) دوره‌ای که طی آن اموال می‌توانست درآمدزا باشد؛ (دو) عوایدی که اموال طی این دوره می‌توانست حاصل کند؛ (سه) این‌که آیا اموال جایگزین در دسترس بود یا خیر؛ و (چهار) آیا برای جایگزینی اموال مخارج اضافی تحمیل شد (مانند مخارج متحمله برای اجارهٔ جایگزین‌ها). مطابق اظهارات آقای لاوین، آقای سلامی در محاسبات خود، عناصر بالا را یا لحاظ و یا مستند نکرد.

**۲۰۰۲** - آقای لاوین شهادت داد که روش بازده خالص سرمایهٔ آقای سلامی[۱۰۲۷] می‌توانست در تحلیل محرومیت از استفاده به کار گرفته شود موافق بود، اما فقط مشروط بر این‌که نشان داده می‌شد که نرخ بازده سرمایهٔ انتخابی در قیاس با عوایدی که اموال مورد نظر می‌توانست کسب کند منطقی دیده شود.

**۲۰۰۳** - ایالات متحده در نتیجه‌گیری مدعی است که ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده از مواد ز–۸ به زیانی نظری مبتنی بر محاسبات انتزاعی مربوط می‌شود، و ربطی به از دست‌دادن درآمد واقعی ندارد. بدین ترتیب، ایالات متحده معروض می‌دارد که این سرفصل از ادعا کاملاً بر ظن و گمان استوار است و باید مردود اعلام شود.

*ادعای «مخارج اضافی»*

**۲۰۰۴** - ایالات متحده به طور کلی مدعی است که ایران در ارتباط با هر ادعای مربوط به «مخارج اضافی»[۱۰۲۸] باید دو چیز را اثبات کند (یک) این که چنین خسارتی را جز به دلیل نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده متحمل نمی‌شد؛ و (دو) میزان مخارج متحمله. ایالات متحده بر این نظر است که ایران در اغلب ادعاهای مربوط به «مخارج اضافی» نتوانسته این مطالب را نشان دهد.

---

[۱۰۲۷] *بنگرید به* بندهای ۱۹۷۷–۱۹۷۸، بالا.

[۱۰۲۸] *بنگرید به* بند ۱۹۸۰، بالا.

۲۰۰۵- ایالات متحده به طور مشخصی تلقی‌کردن مبلغ پرداختی وزارت راه و ترابری به شیپ ساید پکینگ کو. بابت بسته‌بندی مجدد مواد ز-۸ جهت حمل در بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴][۱۰۲۹] به ایران به عنوان «مخارج اضافی» را مورد معارضه قرار می‌دهد. مطابق اظهارات ایالات متحده، واحد خانه‌های پورتا-کمپ و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متحمل آسیب‌های زیادی شده بود؛ در نتیجه، حتی اگر آن اقلام به فاصله کمی بعد از آن تاریخ هم به ایران حمل می‌شد، بسته‌بندی مجدد تا حد قابل ملاحظه‌ای ضروری می‌بود.

۲۰۰۶- به همین منوال، ایالات متحده مدعی است که ایران اثبات نکرده که همهٔ خواسته مربوطه به انبارداری مواد ز-۸ پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] «اضافی» است.[۱۰۳۰]

۲۰۰۷- مضافاً، ایالات متحده بر این موضع است که ایران نتوانسته مبلغ حق نگه‌بانی پرداختی وزارت راه و ترابری در ۱۳۶۱/۱۳۶۲ و ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۳ و ۱۹۸۴] برای حراست واحد خانه‌های پورتا-کمپ انبار شده در هیوستون را به اثبات برساند.[۱۰۳۱] به ویژه، ایالات متحده مدعی است که ادله‌ای موجود در سوابق پرونده حاکی از آن نیست که، آن طور که ایران مدعی است، از خدمات بیش از یک نگهبان در هر محل در هیوستون بهره گرفته شده است.

---

[۱۰۲۹] *بنگرید به* بند ۱۹۸۲، بالا.

[۱۰۳۰] *بنگرید به* بند ۱۹۸۱، بالا.

[۱۰۳۱] *بنگرید به* بند ۱۹۸۷، بالا.

۲۰۰۸ - نهایتاً، ایالات متحده مدعی است که برای اثبات هزینه‌های سفر متحملهٔ نمایندگان وزارت راه و ترابری در زمان سفر به وین، هیوستون، و نیواورلئان،[۱۰۳۲] یا مجموع حق‌الزحمه‌ای که وکلای آمریکائی از وزارت راه و ترابری مطالبه کردند، ایران ادله‌ای ارائه نکرده است.[۱۰۳۳]

*تقلیل خسارات*

۲۰۰۹ - ایالات متحده مدعی است که حتی اگر ایران بتواند زیان‌های ادعائی خود را اثبات کند، نباید بابت خساراتی که به نحو معقول با تقلیل خسارات قابل‌اجتناب بوده غرامت دریافت کند. ایالات متحده تأکید می‌کند که در ادعای حاضر، ایران نشان نداده است که برای تقلیل خسارات، تلاش معقولی به کار بسته است یا این‌که خسارات ادعائی اجتناب ناپذیر بوده است.

۲۰۱۰ - با این حساب، ایالات متحده ادعا می‌کند که وزارت راه و ترابری، از جمله، اقدامات معقول زیر را برای تقلیل خسارات خود معمول نداشت: (یک) حمل مواد ز-۸ به ایران پیش از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]؛ (دو) درخواست از گالف پورتس مبنی بر این که مراقب اموالی باشد که وزارت راه و ترابری می‌دانست در حال پوسیدگی است؛ (سه) تماس گرفتن با گالف پورتس بلافاصله پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر؛ (چهار) پیگیری موافقت‌نامه حل و فصل ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] وزارت راه و ترابری با گالف پورتس و حمل مواد ز-۸ به ایران؛ و (پنج) قطعات جایگزین برای قطعات آسیب دیدهٔ تجهیزات سنگ‌شکن مورگن و واحد خانه‌های پورتا-کمپ.

۲۰۱۱ - مضافاً، ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران به نحوی معقول می‌توانست به سادگی مبالغ درخواستی بابت حقوق معوقهٔ انبارداری مواد ز-۸ به گالف پورتس را بپردازد و از آن طریق، خسارات رو به فزونی را متوقف

---

[۱۰۳۲] *بنگرید به* بند ۱۹۸۴، بالا.

[۱۰۳۳] *بنگرید به* بند ۱۹۸۵، بالا.

کند و سپس بابت حقوق انبارداری که تصور می‌کرد ایران مدیون آن نیست دعوائی علیه ایالات متحده طرح کند. مطابق اظهارات ایالات متحده، به نسبت مذاکرهٔ موافقت‌نامه حل و فصل با گالف پورتس، این راه ساده‌تری می‌بود.

**۲۰۱۲-** ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که، از آن‌جا که ایران اقدامات معقول برای تقلیل خساراتی را که ادعا می‌کند معمول نداشت، ایران نباید خواستهٔ این ادعا را دریافت کند.

*(دو) تصمیم دیوان*

*۳) ادعای کاهش ارزش دارایی ناشی از آسیب‌دیدگی*

*واحد خانه‌های پورتا-کمپ*

**۲۰۱۳-** به عنوان یک موضوع آغازین، دیوان باید میزان آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ را از بهمن ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹]، یعنی زمانی که به گالف پورتس در هیوستون[۱۰۳۴] تحویل داده شد، و بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] یعنی زمانی که به ایران حمل شد، تعیین کند.[۱۰۳۵] طرفین و شهود کارشناس آن‌ها عمدتاً در این امر توافق دارند که تا تاریخ اخیر، واحد خانه‌های پورتا-کمپ در نتیجه عواملی از جمله قرار داشتن طولانی در معرض عناصر طبیعی، نبود روش نگهداری و انبارداری صحیح، و نیز تبهکاری، قریب ۷۵ درصد تخریب شده بود.[۱۰۳۶] این رقم ۷۵ درصدی تخریب با ارزیابی انجام شده توسط پورتا-کمپ در نامهٔ آبان ۱۳۶۲ [نوامبر ۱۹۸۳] خود به

---

[۱۰۳۴] *بنگرید به* بند ۴۹۲، بالا.

[۱۰۳۵] *بنگرید به* بند ۵۲۶، بالا.

[۱۰۳۶] *بنگرید به* بندهای ۱۹۶۱-۱۹۶۳ و ۱۹۹۸-۱۹۹۹.

وزارت راه و ترابری سازگاری دارد که طی آن اطلاع داد که مخارج ترمیم واحد خانه‌های پورتا-کمپ متعلّق به وزارت راه و ترابری «می‌تواند ۶۰ درصد تا ۷۵ درصد بهای اولیه باشد».[۱۰۳۷]

**۲۰۱۴-** از این رو، دیوان نتیجه می‌گیرد که واحد خانه‌های پورتا-کمپ تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، یعنی زمان حمل به ایران، ۷۵ درصد آسیب دیده بود. نتیجتاً، واحد خانه‌های پورتا-کمپ بر پایه بهای اولیهٔ خرید که دیوان آن را ۱،۹۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا[۱۰۳۸] تعیین کرد، تا آن تاریخ، مجموعاً ۱،۴۸۵،۰۰۰ دلار آمریکا خسارت دیده بوده است. دیوان به منظور تسهیم سهم هر یک از طرفین از این خسارت، باید میزان زیان‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ را تا اواخر ۱۳۵۹ [اوایل ۱۹۸۱] تعیین کند.

**۲۰۱۵-** طرفین در خصوص میزان آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با هم اختلاف نظر دارند. طبق اظهارات ایران و شاهد کارشناسش، واحد خانه‌های پورتا-کمپ طی ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] یعنی سال اولی که در انبار گالف پورتس در هیوستون بود، آسیب قابل توجهی ندید. آقای بیلینگهام، شاهد کارشناس ایران در تأیید این مطلب به کیفیت اجزاء خانه‌ها، طراحی مستحکم، طراحی برای عمر حداقل ۱۰ ساله، این واقعیت که آن‌ها از الوار خشک‌شده در کوره ساخته شده بوده‌اند، و ۱۲ ماه تضمین سازنده، استناد کرده است.[۱۰۳۹] مطابق نظر شاهد کارشناس ایران، آسیب دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ طی دو سال اول تحویل آن به دلیل قرار گرفتن در معرض عناصر طبیعی حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد می‌شد، و ۶۱ تا ۶۵ درصد آسیب‌دیدگی باقی‌مانده متعاقباً رخ می‌داد.[۱۰۴۰] مضافاً، آقای رحمتی که واحد خانه‌های پورتا-کمپ را به کرات بین آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] و نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] دیده بود، ادعا کرد که واحد خانه‌ها بین

---

[۱۰۳۷] *بنگرید به* بند ۵۲۲، بالا.

[۱۰۳۸] *بنگرید به* بند ۵۴۲، بالا.

[۱۰۳۹] *بنگرید به* بندهای ۱۹۵۸-۱۹۵۹، بالا.

[۱۰۴۰] *بنگرید به* بند ۱۹۵۹، بالا.

دی/بهمن ۱۳۶۰ و مهر ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۲ و اکتبر ۱۹۸۳] به نحو معتنابهی آسیب دیده بود، و در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] در شرایط به مراتب بهتری قرار داشت.[۱۰۴۱]

۲۰۱۶ - در مقابل، ایالات متحده ادعا می‌کند که واحد خانه‌های پورتا-کمپ قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دچار آسیب معتنابهی شده بود، و هر زیان اقتصادی اضافی وارده متعاقب آن تاریخ، جزئی بوده است. در تأیید این مطلب، ایالات متحده به شهادت شاهد کارشناس خود استناد می‌کند.[۱۰۴۲] از میان عوامل ادعائی مؤثر در آسیب‌دیدگی سریع واحدها، یکی از شهود کارشناس به کافی‌نبودن گردش هوا بین و داخل واحد خانه‌های بر پا و پیاده‌شده، نبود روش نگهداری و انبارداری، و نیز قارچ و کپک‌زدگی مؤثر در الوار، اشاره کرد.[۱۰۴۳] به گفته این شاهد کارشناس، انتظار می‌رفت که واحد خانه‌های پورتا-کمپ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متحمل خساراتی بیش از ۵۰ درصد ارزش خود بشود.[۱۰۴۴]

۲۰۱۷ - هیچ ادله همزمانی در سوابق پرونده همانند عکس، یادداشت نمایندگان وزارت راه و ترابری که از امکانات انبار گالف پورتس در آذر ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] بازدید کردند برای مستندکردن وضعیت فیزیکی واحد خانه‌های پورتا-کمپ در سوابق پرونده وجود ندارد.

۲۰۱۸ - در ارتباط با مورد اخیر، دیوان خاطرنشان می‌کند که آقای رحمتی شهادت داد که طی بازدیدش، نه وارد واحد خانه‌ها شد و نه میزان رطوبت موجود در موادی را که آماسیده بود اندازه گرفت.[۱۰۴۵] دیوان شهادت

---

[۱۰۴۱] *بنگرید به* بند ۱۹۶۲، بالا. همچنین *بنگرید به* بند ۵۰۶، بالا.

[۱۰۴۲] *بنگرید به* بندهای ۱۹۹۵-۱۹۹۶ و ۱۹۹۹، بالا.

[۱۰۴۳] *بنگرید به* بند ۱۹۹۸، بالا.

[۱۰۴۴] *بنگرید به* بند ۱۹۹۹، بالا.

[۱۰۴۵] *بنگرید به* بند ۵۰۶، بالا

وی را بیش از آن مبهم می‌یابد که بتواند بر اساس آن، نتیجهٔ قابل‌اتکائی در خصوص شرایط عینی واحد خانه‌های پورتا-کمپ در ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] بگیرد.

**۲۰۱۹-** مضافاً، هیچ یک از شهود کارشناس طرفین واقعاً واحد خانه‌های پورتا-کمپ را هیچ‌گاه ندیده‌اند. نتیجه‌گیری‌های آن‌ها در خصوص شرایط آن اقلام در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] عمیقاً متفاوت و ناسازگار است، و در عین حال مستند به هیچ مدرک هم‌زمانی نیست. در اوضاع و احوال ادعای حاضر، دیوان حکم می‌کند که نمی‌تواند به آن نتیجه‌گیری‌ها استناد کند چرا که دیوان آن‌ها را بیش از حد مبتنی بر ظن و گمان تلقی می‌کند.

**۲۰۲۰-** اجمالاً، ادله‌ای در اختیار قرار نگرفته است تا دیوان مجاب شود که یا (یک) مطابق ادعای شاهد کارشناس ایران، واحد خانه‌های پورتا-کمپ طی دو سال اول بعد از تحویل حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد آسیب دیده است، یا (دو) مطابق ادعای شاهد کارشناس ایالات متحده، تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] خساراتی بیش از ۵۰ درصد ارزشش به آن اقلام وارد آمده است.

**۲۰۲۱-** بدین‌قرار، دیوان در نبود دلیلی که انتساب دقیق خسارات را مقدور سازد، این فرض را معقول می‌یابد که واحد خانه‌های پورتا-کمپ از بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] یعنی زمان تحویل به گالف پورتس، و بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] زمان حمل آن‌ها به ایران، با نرخ ثابت ۱۵ درصد در سال تخریب متحمل شده است. دیوان نرخ مزبور را بر اساس تخریب جمعاً ۷۵ درصد این اقلام طی دورهٔ تقریبی پنج ساله تعیین می‌کند.[۱۰۴۶]

**۲۰۲۲-** مضافاً، دیوان مقرر می‌دارد که ایران باید خسارات ناشی از تخریب واحد خانه‌های پورتا-کمپ را از بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] یعنی نزدیک‌ترین تاریخی که وزارت راه

---

[۱۰۴۶] *بنگرید به* بند ۲۰۱۴، بالا.

و ترابری مطابق برآورد دیوان در صورت عدم نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، می‌توانسته اقلام را به ایران حمل کند، بر عهده گیرد.

**۲۰۲۳ -** ایالات متحده به نوبه خود مسؤول خسارات وارده به ایران در اثر تخریب واحد خانه‌های پورتا-کمپ پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] می‌باشد. بر اساس محاسبه نرخ ثابت استهلاک ۱۵ درصد در سال، دیوان حکم می‌کند که خسارات مربوط به استهلاک واحد خانه‌های پورتا-کمپ بالغ بر ۶۵۸،۶۰۰ دلار آمریکا می‌باشد. بنابراین، دیوان مبلغ مزبور را به نفع ایران می‌دهد.

*تجهیزات سنگ‌شکن مورگن*

**۲۰۲۴ -** طرفین در خصوص مجموع آسیب‌های وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن بین بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹]، زمانی که تجهیزات به گالف پورتس در نیو اورلئان[۱۰۴۷] تحویل داده شد و بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، زمانی که به ایران حمل شد، اختلاف نظر دارند.[۱۰۴۸]

**۲۰۲۵ -** ارزیابی ایران از مجموع خسارات وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، اصولاً اگر نه انحصاراً، بر شهادت آقای پرچمی استوار است که برای نخستین بار آن‌ها را در خوزستان، ایران، در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] مشاهده کرده است.[۱۰۴۹] ایران و کارشناس ارزیابی آن، آقای سلامی، بر پایه گواهی آقای پرچمی،[۱۰۵۰] نتیجه می‌گیرند که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به دلیل قرارداشتن طولانی در معرض عوامل طبیعی، ۷۰ درصد تخریب شده بوده است.[۱۰۵۱] ایران مضافاً برای اثبات تخریب قابل ملاحظهٔ تجهیزات

---

[۱۰۴۷] *بنگرید به* بند ۴۹۲، بالا.

[۱۰۴۸] *بنگرید به* بند ۵۲۶، بالا.

[۱۰۴۹] *بنگرید به* بند ۱۹۶۸، بالا.

[۱۰۵۰] *بنگرید به* بندهای ۱۹۶۸-۱۹۷۰، بالا.

[۱۰۵۱] *بنگرید به* بند ۱۹۷۳، بالا.

سنگ‌شکن تا آن تاریخ، به شهادت آقایان محمودی و موسوی اتکا می‌کند.[۱۰۵۲] همان‌طور که گفته شد، ایران ادعا می‌کند که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در سال اول انبارشدن در نیو اورلئان، تخریبی اندک یا حتی هیچ تخریبی را متحمل نشد، حال آن‌که طی سال دوم وجود آن‌ها در انبار (یعنی تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]) ممکن است تخریب اندکی حاصل شده باشد.[۱۰۵۳]

**۲۰۲۶ -** در مقابل، ایالات متحده مدعی است که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، تجهیزات جان سختی بود، و برای مقاوم‌بودن در معارضه با عوامل طبیعی طراحی شده بود. به گفته شاهد کارشناس ایالات متحده، خسارات ناشی از قرارگیری در معرض عوامل طبیعی عمدتاً عارض مواد مصرفی می‌شود، مانند یاتاقان‌ها، حال آن‌که بقیه تجهیزات متحمل خسارات چشمگیر مؤثری در استفاده نمی‌شود.[۱۰۵۴] به نظر شاهد کارشناس، خسارات واردهٔ بیشتر به تجهیزات سنگ‌شکن پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] باید جزئی بوده باشد.[۱۰۵۵]

**۲۰۲۷ -** اختلافی نیست که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به مدت پنج سال در بسته‌بندی اصلی صادراتی خود، در هوای آزاد در نیواورلئان انبار شده بود. همچنین بحثی نیست که اقدامات خاصی برای حراست از این تجهیزات در مقابل عوامل طبیعی معمول نشد. دیوان خاطرنشان می‌کند که مورگن، سازندهٔ تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، طی نامهٔ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ [۱۱ مه ۱۹۸۱] به دفتر نظارت بر اموال خارجی اطلاع داد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن واقع در ونکوور و نیواورلئان به دلیل «انبارشدن در فضای باز به مدت تقریبی دو سال و نیم» متحمل «خرابی چشم‌گیری» شده است.[۱۰۵۶]

---

[۱۰۵۲] *بنگرید به* بند ۱۹۷۲، بالا.

[۱۰۵۳] *بنگرید به* بند ۱۹۶۷، بالا.

[۱۰۵۴] *بنگرید به* بند ۱۹۹۷، بالا.

[۱۰۵۵] *بنگرید به* همانجا.

[۱۰۵۶] *بنگرید به* بند ۴۳۵، بالا.

**۲۰۲۸ -** دیوان با لحاظ جمیع جهات، پس از بررسی کلیه ادله، آمادگی دارد ارزیابی آقای پرچمی مبنی بر این امر را بپذیرد که تا زمانی که در ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] تجهیزات سنگ‌شکن مورگن را در خوزستان مشاهده کرد، تا ۷۰ درصد تخریب شده بود. در ارتباط با ادعای حاضر، فرض دیوان بر این است که آقای پرچمی ابتدا تجهیزات را در تیر ۱۳۶۴ [میانه سال ۱۹۸۵] مشاهده کرده است. در نتیجه، دیوان مقرر می‌دارد که بر اساس بهای خرید اولیه تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تحویلی به گالف پورتس، یعنی ۵،۲۹۱،۷۰۵ دلار آمریکا،[۱۰۵۷] تا تیر ۱۳۶۴ [نیمه سال ۱۹۸۵] خساراتی بالغ بر ۳،۷۰۴،۱۹۳ دلار آمریکا به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن وارد شده بوده است.

**۲۰۲۹ -** با این‌حال، دیوان حاضر نیست بپذیرد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، زمانی که از نیواورلئان به ایران حمل شد، تا این حد تخریب شده بود. در پرتو ادله ارائه شده، دیوان می‌پذیرد که تجهیزات سنگ شکن در طول حمل از نیواورلئان تا بندر ورودی در ایران و متعاقباً، در طول انتقال به انبار مرکزی وزارت راه و ترابری در تهران یا بالأخره در خوزستان، متحمل خسارات فیزیکی بیشتری شده است.[۱۰۵۸] این نتیجه‌گیری به ویژه با اظهارات آقای پرچمی مبنی بر تمهیدات نادرست حمل به ایران مقرون به صحت به نظر می‌رسد.[۱۰۵۹] در این ارتباط، باید متذکر شد که وزارت راه و ترابری در آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳] شرکت شیپ ساید پکینگ کو. را دقیقاً به منظور قرار دادن مجدد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در جعبه و تحویل آن به اسکله بندر نیواورلئان جهت حمل دریائی به‌کار گرفت.[۱۰۶۰] بنابراین، ایران باید هرگونه خسارت وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در طول مسیر حمل از نیواورلئان تا، بالأخره، خوزستان را متحمل شود.

---

[۱۰۵۷] *بنگرید به* بندهای ۴۹۱ و ۵۴۳، بالا.

[۱۰۵۸] *بنگرید به* بندهای ۱۹۶۸-۱۹۶۹، بالا.

[۱۰۵۹] *بنگرید به* بند ۱۹۷۰، بالا.

[۱۰۶۰] *بنگرید به* بند ۵۲۳، بالا و بند ۲۰۴۱ زیر.

۲۰۳۰ - مضافاً، بر اساس سوابق موجود، دیوان متقاعد نشده است که آسیب وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن مطابق ادعای ایران قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محدود یا مطابق ادعای ایالات متحده آسیب‌های بعد از آن تاریخ در حد جزئی بوده است. نتیجتاً، در نبود ادله قابل‌اتکاء برای تسهیم دقیق خسارات وارده، دیوان این نتیجه‌گیری را معقول می‌داند که ۷۰ درصد مجموع آسیب وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به تساوی بین زمان تحویل به گالف پورتس در بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] و زمانی که در نیمه اول ۱۳۶۴ [اواسط ۱۹۸۵] آقای پرچمی برای نخستین‌بار تجهیزات را در خوزستان مشاهده کرد تسهیم کند. بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن طی تقریباً شش سال و نیم با نرخ سالانه ۱۰/۹ درصد آسیب دید.

۲۰۳۱ - نظر به مراتب پیش‌گفته، دیوان مقرر می‌دارد که ایران باید خسارات ناشی از آسیب وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در دوره‌های زیر را بر عهده گیرد: (یک) از بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹] تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱]، یعنی نزدیک‌ترین تاریخی که در صورت عدم نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، دیوان گمان می‌کند وزارت راه و ترابری احتمالاً می‌توانست آن اقلام را به ایران حمل کند، و (دو) از اواخر دی ۱۳۶۲ [نیمه ژانویه ۱۹۸۴][۱۰۶۱] تا نیمه اول ۱۳۶۴ [میانه سال ۱۹۸۵].

۲۰۳۲ - ایالات متحده به نوبه خود پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا اواخر دی ۱۳۶۲ [میانه ژانویه ۱۹۸۴] مسؤول خسارات ناشی از آسیب‌های وارده به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن می‌باشد.[۱۰۶۲] بر اساس نرخ

---

[۱۰۶۱] نظر به نتیجه‌گیری دیوان در خصوص تسهیم تجهیزات سنگ‌شکن مورگن، که وزارت راه و ترابری طی سفارش خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ خریداری کرد، بین بندر ونکوور و نیواورلئان به نسبت ۶۰/۴۰ درصد، دیوان این تاریخ را جهت تسهیل امر برمی‌گزیند. *بنگرید به* بندهای ۴۸۴ و ۵۴۳، بالا. همانگونه که خاطرنشان شد، تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که در بندر ونکوور در ایالت واشینگتن انبار شده بود در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] به ایران حمل شد، حال آنکه تجهیزات سنگ‌شکن مورگن که در گالف پورتس در نیواورلئان انبار شده بود در بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به ایران حمل شد. *بنگرید به* بندهای ۴۶۰ و ۵۲۶، بالا.

[۱۰۶۲] *بنگرید به* پانوشت ۱۰۶۱، بالا.

ثابت استهلاک سالانه ۱۰/۹ درصد، دیوان حکم می‌کند که خسارات مربوط به استهلاک تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به ۱،۱۴۸،۳۰۰ دلار آمریکا بالغ می‌شود. بدین قرار دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*۴) ادعای محرومیت از استفاده از دارایی‌ها*

**۲۰۳۳ -** در این سرفصل از ادعا، خواستهٔ ایران خسارات ادعائی ناشی از محرومیت از استفاده از مواد ز-۸ از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی که ایران مدعی است نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده آغاز شده، تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، یعنی زمانی که مواد ز-۸ به ایران حمل شده، می‌باشد. شاهد کارشناس ایران، آقای سلامی، توضیح می‌دهد که چنین خساراتی شامل غرامت برای درآمدِ از دست رفته‌ای است که کرایه دادن مواد ز-۸ در دورهٔ ذی‌ربط می‌توانست حاصل کند، و هزینه‌هائی که وزارت راه و ترابری برای جایگزین کردن تجهیزات کرایه کرد.[۱۰۶۳]

**۲۰۳۴ -** با این حال، ایران مدارکی ارائه نکرده که نشان دهد مواد ز-۸ در دورهٔ ذی‌ربط می‌توانست منشأ درآمد یا سود باشد. ایران برای اثبات این‌که آیا وزارت راه و ترابری طی دورهٔ ذی‌ربط متحمل مخارج جایگزینی مواد ز-۸ شده است یا خیر، یا حتی مدرکی دال بر این که آیا چنین اموال جایگزینی وجود داشته است یا خیر، ارائه نکرده است.

**۲۰۳۵ -** در چنین بستری، آقای سلامی خسارات ادعائی وزارت راه و ترابری بابت محرومیت از استفاده از مواد ز-۸ را با رویکرد که آن را «روش بازده سرمایه خالص» می‌نامد ارزیابی می‌کند. مطابق این روش، وی با به کاربستن بازده مورد انتظار سرمایه‌ای معادل بهای خرید پرداخت‌شده توسط وزارت راه و ترابری بابت مواد ز-۸ به ارزیابی آن خسارات می‌پردازد. آقای سلامی نرخ بازده را بر اساس میانگین نرخ اوراق قرضه خزانه‌داری ایالات

---

[۱۰۶۳] *بنگرید به* بند ۱۹۷۶، بالا.

متحده از سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] تا ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] محاسبه کرده و عامل ریسک را برای ملحوظ‌داشتن تنوع اموال به آن افزوده است.[۱۰۶۴]

**۲۰۳۶ -** با این حال، ادله‌ای وجود ندارد که نشان دهد نرخ‌های انتخابی آقای سلامی می‌توانست ربطی به بازده احتمالی حاصل از مواد ز–۸ در دورهٔ ذی‌ربط داشته باشد.

**۲۰۳۷ -** مضافاً، روش بازده سرمایه آقای سلامی با ملاک‌های جا افتاده در رویهٔ دیوان برای اثبات ادعای محرومیت از استفاده از دارایی‌های عینی سازگاری ندارد. در پروندهٔ *سدکو اینک علیه شرکت ملی نفت ایران*،[۱۰۶۵] خواهان خسارت ناشی از محرومیت از استفاده از برخی دکل‌های نفتی مصادره‌شده برای مدت نه ماه یعنی حسب ادعا مدت زمان لازم برای جایگزینی دکل‌ها را مطالبه کرد. دیوان برای اعطای خواستهٔ محرومیت از استفادهٔ خواهان، در میان عوامل دیگر در نظر گرفت که: (یک) خواهان می‌توانست چنانچه دکل‌ها را در مدت نه ماه در اختیار داشت، به نحو سودآوری کرایه دهد؛[۱۰۶۶] و (دو) خواهان برای جایگزین‌کردن دکل‌ها در واقع نه ماه وقت لازم می‌داشت.[۱۰۶۷] مضافاً، برای تعیین عدم النفع به منظور صدور رأی، دیوان ادعای خواهان برای درآمد روزانه ۵،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هر دکل را «موجّه» نیافت و آن را رد کرد و حکم را به مبلغ درآمد واقعی «عایدشده» در عملیاتی قابل‌مقایسه در ایران در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] که ۳،۷۸۷ دلار آمریکا در هر روز بود، محدود کرد.[۱۰۶۸]

---

[۱۰۶۴] *بنگرید به* بندهای ۱۹۷۷–۱۹۷۸، بالا.

[۱۰۶۵] *سدکو اینک و شرکت ملی نفت ایران*، حکم شماره ۳–۱۲۹–۳۰۹ (۱۶ تیر ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷]) *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۲۳.

[۱۰۶۶] *سدکو اینک*، حکم شماره ۳–۱۲۹–۳۰۹، بند ۸۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

[۱۰۶۷] *سدکو اینک*، حکم شماره ۳–۱۲۹–۳۰۹، بند ۸۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳. اما، دیوان برای لحاظ داشتن مدت زمان لازم برای شروع دوبارهٔ عملیات، دورهٔ زمانی استحقاق خواهان به خسارت را به هفت ماه تقلیل داد. *بنگرید به* همان مأخذ، بند ۸۶، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

[۱۰۶۸] *سدکو اینک*، حکم شماره ۳–۱۲۹–۳۰۹، بند ۸۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

**۲۰۳۸ -** ارزیابی خسارت آقای سلامی، در مقابل در نظر نگرفته است که آیا وزارت راه و ترابری می‌توانست جایگزین مواد ز-۸ را فراهم آورد یا خیر. در واقع، آقای سلامی گواهی داد که از این‌که وزارت راه و ترابری تلاشی برای خرید و جایگزینی واحد خانه‌های پورتا-کمپ یا تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به عمل آورده باشد یا خیر، بی‌خبر است. فزون بر این، همان‌گونه که اشاره شد، ارزیابی آقای سلامی امکان درآمدزا بودن مواد ز-۸ در دورهٔ ذی‌ربط را بررسی نکرده است.

**۲۰۳۹ -** در پرتو مراتب پیش‌گفته، دیوان مقرر می‌دارد که خواستهٔ ادعائی ایران بابت غرامت برای محرومیت از استفاده از مواد ز-۸ بیش از حد، مبتنی بر ظن و گمان است. بنابراین، دیوان در راستای رویه خود، ادعای محرومیت از استفادهٔ ایران را به خاطر نبود ادله اثباتی مردود اعلام می‌کند.[۱۰۶۹]

*۵) ادعاهای «مخارج اضافی»*

*هزینه‌های انبارداری و بسته‌بندی مجدد و هزینه‌های دور ریختن واحد خانه‌های غیرقابل ترمیم پورتا-کمپ*

هزینه‌های انبارداری

---

[۱۰۶۹] برای مثال *بنگرید به ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص‌ص ۱۹۱، ۲۱۰ (رد دعوای عدم‌النفع به علت این که خواهان به قطعیت کافی اثبات نکرد که طرح می‌توانست سودآور باشد)؛ *پترولین اینکورپوریتد و دیگران، و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۲-۱۳۱-۵۱۸، بندهای ۱۰۹-۱۱۰ (۲۳ مرداد ۱۳۷۰ [۱۴ اوت ۱۹۹۱])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۷، ص‌ص ۶۴، ۱۰۱ (رد ادعای عدم النفع به دلیل عدم اثبات این مطلب توسط خواهان که زمان لازم برای جایگزینی تجهیزات ۱۲ ماه بوده، یا این که خواهان می‌توانسته تجهیزات مصادره شده را به نحو سودآور اجاره کند)؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۷۶ (متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵]، متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص‌ص ۱۲۷، ۲۰۳-۲۰۴ (رد ادعای عدم‌النفع بخاطر فقد ادلهٔ اثبات ادعا چرا که خسارات ادعائی به میزانی غیرقابل قبول بر ظن و گمان متکی بود، و خواهان با قطعیت کافی اثبات نکرد که طرح می‌توانست سودآور باشد).

۲۰۴۰ - به عنوان نکته‌ای آغازین، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] که اولین تاریخی است که در صورت عدم نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، دیوان گمان می‌کند وزارت راه و ترابری احتمالاً می‌توانست این اقلام را به ایران حمل کند، بابت هزینه‌های انبارداری مربوط به مواد ز-۸ که وزارت راه و ترابری متحمل شده، در مقابل ایران مسؤول نمی‌باشد. از این‌رو، ایالات متحده فقط پس از آن تاریخ تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، یعنی زمان حمل آن اقلام به ایران، بابت هزینه‌های انبارداری وزارت راه و ترابری مسؤول است. دیوان حکم می‌کند که صورتحساب ارسالی گالف پورتس در ۱۴ دی ۱۳۵۹ [چهارم ژانویه ۱۹۸۱] به دفتر حفاظت منافع ایران بهترین دلیل موجود در سوابق در خصوص هزینه ماهانه انبارداری وزارت راه و ترابری برای مواد ز-۸ می‌باشد.[۱۰۷۰] در آن صورتحساب از وزارت راه و ترابری ۴۳۲،۰۰۰ دلار آمریکا بابت مخارج انبارداری دورهٔ زمانی ۱۴ دی ۱۳۵۹ [چهارم ژانویه ۱۹۸۱] تا ۱۴ دی ۱۳۶۱ [چهارم ژانویه ۱۹۸۳] مطالبه شده است؛ بدین‌قرار نرخ ماهانه انبارداری برای وزارت راه و ترابری ۱۸،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است. بنابراین، دیوان بر این اساس مقرر می‌دارد که جمع مخارج انبارداری متحمله توسط وزارت راه و ترابری پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا بهمن ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴]، مبلغ ۶۴۸،۶۰۰ دلار آمریکا بوده است. نتیجتاً، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

مخارج بسته‌بندی مجدد

نیواورلئان

۲۰۴۱ - بهترین دلیل موجود در سوابق درخصوص مخارجی که وزارت راه و ترابری بابت بسته‌بندی مجدد و در جعبه گذاری مواد ز-۸ واقع در نیواورلئان متحمل شده، تصویر قرارداد مورخ ۱۴ آذر ۱۳۶۲ [پنجم دسامبر ۱۹۸۳] بین شیپ ساید و خطوط کشتیرانی ایران است. شیپ ساید در قبال بهای تخمینی ۱۸۰،۷۹۹ دلار آمریکا

[۱۰۷۰] *بنگرید به* بند ۴۹۸، بالا.

متقبل شد تا خدمات آتی را در ارتباط به مواد ز-۸ در نیواورلئان ارائه دهد: (یک) جعبه‌گذاری صادراتی؛ (دو) تعمیر جعبه‌های قابل ترمیم؛ (سه) پالت‌گذاری مجدد (چهار) بسته‌بندی مجدد؛ (پنج) چسباندن برچسب صادراتی و کشیدن تسمه‌های جدید؛ (ششم) تحویل کلیه اقلام به اسکلهٔ بندر نیواورلئان («تحویل به اسکله»).

۲۰۴۲ - تخمین شیپ ساید از تحویل به اسکله ۹،۹۰۰ دلار آمریکا بود. دیوان این مبلغ را لحاظ نخواهد کرد چون به بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد ربطی ندارد. مضافاً، صرف‌نظر از نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، وزارت راه و ترابری متعهد به هزینه‌های حمل و تحویل کلیه مواد ز-۸ به بنادر بود.

۲۰۴۳ - بدین‌قرار، نظر به مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که مخارج بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد مواد ز-۸ واقع در نیواورلئان ۱۷۰،۸۹۹ دلار آمریکا بوده است.

هیوستون

۲۰۴۴ - مضافاً، دیوان حکم می‌کند که تصویر تخمین کتبی مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۶۲ [۱۹ آوریل ۱۹۸۳] گالف پورتس بهترین مدرک موجود در سوابق در ارتباط با هزینه‌های وزارت راه و ترابری برای بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد واحد خانه‌های پورتا-کمپ در هیوستون است. تخمین گالف پورتس برای این مخارج ۱۷۱،۶۶۵ دلار آمریکا می‌باشد.

۲۰۴۵ - دیوان همچنین تصویر پیش‌نهاد قیمت مورخ ۱۰ آذر ۱۳۶۲ [اول دسامبر ۱۹۸۳] شیپ ساید، شرکتی که برای بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد توسط خطوط کشتی‌رانی ایران به‌کار گرفته شد را نیز در اختیار دارد، که عنوان آن «قرارداد برای خدمات مربوط به مهیاکردن محمولهٔ صادراتی ساختمان‌های برپا و پیاده کرده و محتوای آن‌ها» می‌باشد. با این‌حال، مخارج جعبه‌گذاری و بسته‌بندی مجدد واحد خانه‌های پورتا-کمپ نمی‌تواند از این پیش‌نهاد قیمت استخراج شود. به‌علاوه، پیش‌نهاد قیمت شامل خدماتی است که به وضوح به بسته‌بندی و

جعبه‌گذاری مجدد ارتباطی ندارد، و به‌هر تقدیر، قیمت به میزان و حجم کانتینرهای حمل و نهایتاً تعداد نفر-ساعت مورد نیاز شیپ ساید، بستگی داشت.

۲۰۴۶- بنابراین، نظر به مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که هزینه بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد واحد خانه‌های پورتا-کمپ به گونه‌ای که در تخمین قیمت کتبی تهیه شده توسط گالف پورتس در ۳۰ فروردین ۱۳۶۲ [۱۹ آوریل ۱۹۸۳] منعکس است، مبلغ ۱۷۱،۶۶۵ دلار آمریکا می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

۲۰۴۷- بر پایه مراتب پیش‌گفته، دیوان مقرر می‌دارد که هزینه بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد کلیهٔ مواد ز-۸ در نیواورلئان و هیوستون جمعاً ۳۴۲،۵۶۴ دلار آمریکا می‌باشد.

۲۰۴۸- مواد ز-۸ در محوطه انبار در معرض رطوبت و عناصر طبیعی قرار داشت. باور معقول دیوان این است که بین بهمن/اسفند ۱۳۵۷ [فوریه ۱۹۷۹]، زمانی که این اموال به گالف پورتس تحویل داده شد، و ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱]، اولین تاریخی که در صورت عدم نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده به گمان دیوان وزارت راه و ترابری احتمالاً می‌توانست این اقلام را به ایران حمل کند، بسته‌بندی صادراتی اولیه مواد ز-۸ تا حدودی متحمل آسیب می‌شد. به نظر دیوان غیرقابل باور است که، آن طور که ایران مدعی است، در اواخر ۱۳۵۹ [اوایل ۱۹۸۱] علیرغم چنین آسیب‌هایی، اقداماتی برای بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد جهت صادرات لازم نمی‌بود. نتیجتاً، دیوان مقرر می‌دارد که برای لحاظ‌داشتن تخریب بسته‌بندی اولیه صادراتی مواد ز-۸ حاصله تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] ایران باید ۲۰ درصد کل مخارج بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد یعنی مبلغ ۶۸،۵۱۳ دلار آمریکا را عهده‌دار شود.

۲۰۴۹ - بدین‌قرار، دیوان مبلغ ۲۷۴،۰۵۱ دلار آمریکا بابت ادعای بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد حکم صادر می‌کند.

هزینه‌های دور ریختن واحد خانه‌های غیرقابل ترمیم پورتا-کمپ

۲۰۵۰ - همان‌گونه که گفته شد، ایران همچنین بابت هزینه‌های متحمله توسط وزارت راه و ترابری برای دور ریختن واحد خانه‌های غیرقابل ترمیم پورتا-کمپ خسارت مطالبه می‌کند.[۱۰۷۱] مطابق قرارداد مورخ پنجم بهمن ۱۳۶۲ [۲۵ ژانویه ۱۹۸۴][۱۰۷۲] بین شیپ ساید و خطوط کشتیرانی ایران، شیپ ساید بابت آن خدمات، وزارت راه و ترابری را مبلغ ۱۶،۴۴۰ دلار آمریکا بدهکار کرد. نتیجتاً، دیوان همان مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*مخارج سفر وزارت راه و ترابری*

۲۰۵۱ - بحثی نیست که نمایندگان وزارت راه و ترابری در نیمه دوم ۱۳۶۰ [اواخر ۱۹۸۱] برای مذاکرات اصلاحی به وین سفر کردند. همچنین اختلافی نیست که بین آذر/دی ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] و اواخر ۱۳۶۳ [اوایل ۱۹۸۴] نمایندگان وزارت راه و ترابری به دفعات به ایالات متحده از جمله برای مشاهدهٔ مواد ز-۷ و ز-۸ در ایالت واشینگتن، نیواورلئان، و هیوستون، و نیز آماده‌سازی و نظارت حمل نهائی آن به ایران سفر کردند.[۱۰۷۳] به‌همین منوال بحثی نیست که وزارت راه و ترابری در ارتباط با این سفرها متحمل هزینه سفر، هتل، و سایر مخارج شد.

۲۰۵۲ - هیچ‌گونه دلیل در تأیید مبلغ خواسته ایران تحت این سرفصل، یعنی ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا، وجود ندارد. در عوض، مبنای این رقم تخمین وزارت راه و ترابری است.

---

[۱۰۷۱] *بنگرید به* بند ۱۹۸۲، بالا.

[۱۰۷۲] *بنگرید به* بند ۵۲۵، بالا.

[۱۰۷۳] *بنگرید به* بندهای ۴۳۷، ۴۵۳-۴۵۴، ۴۹۹، ۵۰۴-۵۰۶، ۵۲۰-۵۲۳، ۵۲۵، بالا.

۲۰۵۳- در چنین اوضاع و احوالی، با عنایت به این که ایران اثبات کرده است که وزارت راه و ترابری متحمل مخارج مسافرت و هزینه‌های جانبی شده است که فقط ناشی از نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده بود، ناتوانی آن دولت از اثبات میزان دقیق هزینه‌های مزبور نباید ایران را به کلی از دریافت خسارت محروم کند.[۱۰۷۴] نتیجتاً، دیوان منصفانه و معقول می‌داند که رقم محافظه کارانه ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا را تحت این سرفصل ادعا به نفع ایران حکم دهد.

*حق‌الزحمه و مخارج حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده*

۲۰۵۴- ایران در تأیید ادعای پرداخت مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت حق‌الزحمه‌ها و مخارج حقوقی که وکلای آمریکائی وزارت راه و ترابری برای کمک به بازپس گرفتن مواد ز-۸[۱۰۷۵] حساب آن وزارت را بدهکار کردند، دو صورت‌حساب متعلق به وکیلی در هیوستون، آقای هارل گوردن تیلمن، جمعاً به مبلغ ۱۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا را ارائه کرده است، از جمله: (یک) صورت‌حسابی برای مبلغ ۸،۵۷۰ دلار آمریکا مربوط به خدمات ارائه شده طی دوره‌های دوم شهریور تا ۲۴ شهریور و ۳۱ شهریور تا ۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۲۴ اوت تا ۱۵ سپتامبر و ۲۲ سپتامبر تا ۱۵ نوامبر ۱۹۸۳]؛ و (دو) صورت‌حسابی به مبلغ ۲،۸۴۱/۵۵ دلار آمریکا برای خدمات ارائه شده از ۲۴ آبان ۱۳۶۲ تا ۱۳ بهمن ۱۳۶۲ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۳ تا دوم فوریه ۱۹۸۴]. فقره‌هایی در صورت‌حساب‌های مذکور حاکی از آن است که وزارت راه و ترابری مبلغ ۱۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکای صورت‌حساب‌های آقای تیلمن را تماماً پرداخته است.[۱۰۷۶]

---

[۱۰۷۴] *بنگرید به* بند ۱۸۰۰، بالا، و مابعد.

[۱۰۷۵] *بنگرید به* بند ۵۲۰، بالا.

[۱۰۷۶] مطابق آن فقره‌ها، وزارت راه و ترابری کل مبلغ ۱۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا که بابت آن صورتحساب صادر شده بود را پرداخت که این پرداختی به شرح زیر است: (یک) ۲،۵۰۰ دلار آمریکا پیش پرداخت تأدیه شده در ۲۴ شهریور ۱۳۶۲ [۱۵ سپتامبر ۱۹۸۳]؛ (دو) ۵،۰۰۰ دلار آمریکا پیش پرداخت تأدیه شده در ۱۳ مهر ۱۳۶۲ [پنجم اکتبر ۱۹۸۳]؛ و (سه) ۳،۹۱۱/۵۵ دلار آمریکا پیش‌پرداخت دیگر تأدیه شده در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳ یا اوایل ژانویه ۱۹۸۴].

۲۰۵۵- باقی مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا که ایران مطالبه می‌کند بر تخمین وزارت راه و ترابری استوار است.

۲۰۵۶- دیوان بر اساس ادله تقدیمی متقاعد شده است که آقای تیلمن به وزارت راه و ترابری در باز پس‌گرفتن واحد خانه‌های پورتا-کمپ پس از رهاشدن آن‌ها توسط گالف پورتس در تیر/مرداد ۱۳۶۲ [ژوئیه ۱۹۸۳]، مساعدت کرد،[۱۰۷۷] و که آقای تیلمن بابت خدمات مزبور صورت‌حسابی به مبلغ ۱۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا برای وزارت راه و ترابری صادر کرد. بدین‌قرار، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

۲۰۵۷- دیوان همچنین متقاعد شده است که در آزاد کردن مواد ز-۸ از کنترل گالف پورتس، دیگر مؤسسات حقوقی آمریکائی به وزارت راه و ترابری یاری رساندند. دیوان منصفانه و معقول می‌داند که در چنین اوضاع و احوالی ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا به عنوان جبران خسارت مبالغ پرداختی توسط وزارت راه و ترابری به این مؤسسات حقوقی بابت خدمات‌شان، به نفع ایران حکم دهد.

۲۰۵۸- بنابراین، دیوان تحت این سرفصل جمعاً مبلغ ۲۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

*مخارج تمدید اجاره انبارها*

۲۰۵۹- ادله نشان‌گر آن است که پس از انعقاد موافقت‌نامه حل و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] با گالف پورتس، و رها کردن آن اقلام در تیر/مرداد ۱۳۶۲ [ژوئیه ۱۹۸۳] توسط گالف پورتس، وزارت راه و ترابری در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] جمعاً مبلغ ۱۰۸،۵۰۰ دلار آمریکا به عنوان اجاره‌بها به موجران در هیوستون و نیو اورلئان بابت انبارداری مواد ز-۸ پرداخت.[۱۰۷۸] در صورتی که گالف پورتس مواد ز-۸ را پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر آزاد کرده بود، وزارت راه و ترابری متحمل این مخارج نمی‌شد.

---

[۱۰۷۷] *بنگرید به* بند ۵۱۸، بالا.

[۱۰۷۸] *بنگرید به* بند ۱۹۸۶، بالا.

۲۰۶۰ - نتیجتاً، دیوان تحت این سرفصل ادعا ۱۰۸،۵۰۰ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

*مخارج نگهبانی انبار*

۲۰۶۱ - موافقت‌نامه مورخ ۲۳ آبان ۱۳۶۲ [۱۴ نوامبر ۱۹۸۳] منعقد شده توسط وزارت راه و ترابری برای تأمین خدمات نگه‌بانی واحد خانه‌های پورتا-کمپ انبارشده در مارکت استریت و مک کارتی درایو در هیوستون («موافقت‌نامه نگه‌بانی») از تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۳] اجرائی شد. واحد خانه‌های پورتا-کمپ از مکارتی درایو تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] به گالنا پارک داک در بندر هیوستون انتقال یافت؛ این رویداد در پیش‌نهاد قیمت مورخ ۱۰ آذر ۱۳۶۲ [اول دسامبر ۱۹۸۳] شیپ ساید به خطوط کشتیرانی ایران برای خدمات مربوط به آماده‌سازی واحد خانه‌های پورتا-کمپ جهت صدور، انعکاس یافته است.[۱۰۷۹] بر عکس، واحد خانه‌های پورتا-کمپ واقع در مارکت استریت، به گونه‌ای که در قرارداد پنجم بهمن ۱۳۶۲ [۲۵ ژانویه ۱۹۸۴] شیپ ساید و خطوط کشتی‌رانی ایران برای دور ریختن واحد خانه‌های پورتا-کمپ که قابل مرمت نبوده، در ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] از این محوطه برده شد.[۱۰۸۰]

۲۰۶۲ - شرکت تأمین‌کننده خدمات نگه‌بانی مطابق قرارداد نگه‌بانی، متعهد شد «در هر محل یک نگه‌بانی مسلح از ۶ عصر تا ۶ صبح در داخل و بیرون محوطه باید در حال گشت‌زدن می‌بود، و یک نگه‌بان مسلح برای گشت از ۶ صبح یا ۶ عصر در داخل و بیرون هر دو محل». ایران ادله‌ای دال بر این که، در مغایرت با مفاد قرارداد

---

[۱۰۷۹] *بنگرید به* بند ۲۰۴۵، بالا. در پیش‌نهاد پیش‌بینی شده بود که خدماتی که شیپ ساید قرار بود مطابق قرارداد ارائه دهد، از جمله تحویل واحد خانه‌های پورتا-کمپ به گالنا پارک داک، تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] باید پایان می‌یافت. اختلافی در این امر نیست که خطوط کشتیرانی ایران پیش‌نهاد ۱۰ آذر ۱۳۶۲ [اول دسامبر ۱۹۸۳] شیپ ساید را پذیرفت.

[۱۰۸۰] *بنگرید به* بند ۲۰۵۰، بالا. در قرارداد، شیپ ساید توافق کرد که تا ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] ترتیب بردن تمام واحد خانه‌ها از محوطهٔ مارکت استریت داده شود.

نگهبانی، بیش از یک نگهبان در هر محل در هر زمانی گشت می‌زده، ارائه نکرده است، و دیوان حاضر نیست فرض کند که وضع چنین بوده است.

**۲۰۶۳ -** بدین قرار، دیوان بر اساس ادلهٔ ارائه‌شده نتیجه می‌گیرد که (یک) از ۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۳] تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] ۱،۱۲۸ نفر-ساعت خدمات نگه‌بانی در محوطه انبار مکارتی درایو ارائه شده است، و (دو) بین تاریخ‌های ۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۳] و ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] ۱،۸۷۲ نفر-ساعت خدمات نگه‌بانی در محوطه انبار مارکت استریت ارائه شده است. کل مبلغ مخارج وزارت راه و ترابری بابت تأمین خدمات نگه‌بانی برای واحد خانه‌های پورتا-کمپ با نرخ ۷ دلار آمریکا در ساعت،[۱۰۸۱] ۲۱،۰۰۰ دلار آمریکا خواهد بود. بنابراین، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*نتیجه‌گیری کلی دیوان دربارهٔ ادعاهای «مخارج اضافی» ایران*

**۲۰۶۴ -** اجمالاً، دیوان مجموع ۱،۱۴۰،۰۰۲/۵۵ دلار آمریکا بابت ادعای «مخارج اضافی» به نفع ایران حکم می‌دهد.[۱۰۸۲]

*۶) تقلیل خسارت*

**۲۰۶۵ -** به نحوی که در بالا توضیح داده شده است، در حقوق بین‌الملل قصور دولت زیان‌دیده در معمول‌داشتن اقدامات محدودکنندهٔ خسارات متحمله ناشی از تخلف بین‌المللی دولت دیگر، تا حدودی که می‌توانسته قابل اجتناب باشد، می‌تواند به کاهش میزان جبران آن خسارات منجر شود.[۱۰۸۳] بنابراین، دیوان در ادعای حاضر باید تعیین کند آیا وزارت راه و ترابری در شرایط موجود آن زمان کلیه اقدامات معقول را برای

---

[۱۰۸۱] *بنگرید به* بند ۱۹۸۷، بالا.

[۱۰۸۲] *بنگرید به* بندهای ۲۰۴۰، ۲۰۴۹، ۲۰۵۰، ۲۰۵۸، ۲۰۶۰ و۲۰۶۳، بالا.

[۱۰۸۳] *بنگرید به* بند ۱۷۹۶، بالا.

محدودکردن خسارات مورد ادعا به عمل آورده است یا خیر. مطابق اظهارات ایالات متحده، ایران نتوانسته اثبات کند که وزارت راه و ترابری چنین اقدامات معقولی را معمول داشته است.[۱۰۸۴] در این ارتباط، ایالات متحده از جمله ادعا می‌کند که وزارت راه و ترابری مستحق دریافت خساراتی نمی‌باشد که می‌توانست با پرداخت فوری هزینه انبارداری بابت مواد ز-۸ به گالف پورتس از آن احتراز کند. و بدان وسیله از بالا رفتن میزان خسارت جلوگیری کند، و ادعای خود را فقط بابت هزینه‌های انبارداری که وزارت راه و ترابری خود را مسؤول واقعی آن‌ها نمی‌شناخت، علیه ایالات متحده طرح دعوا کند.

۲۰۶۶- ایالات متحده، به عنوان مدعی لزوم تقلیل خسارت، بار اثبات ادعا و اثبات واقعیت‌های آتی را بر عهده دارد: (یک) این‌که وزارت راه و ترابری از به عمل آوردن برخی اقدامات معقولی که بایستی برای تقلیل خسارت انجام می‌داد قصور ورزیده؛ و (دو) این‌که، چنانچه وزارت راه و ترابری چنین اقداماتی را به عمل می‌آورد، از ضرر و زیان ادعائی کلاً یا بعضاً اجتناب می‌شد.[۱۰۸۵] بدین قرار، به عنوان نمونه، ایالات متحده در پرونده خود باید اثبات کند که وزارت راه و ترابری از به‌جاآوردن اقدامات معقول برای احتراز از خسارات با عدم پرداخت به موقع هزینه‌های انبارداری مواد ز-۸ قصور ورزیده، و چنانچه وزارت راه و ترابری آن هزینه‌ها را می‌پرداخت، خسارات ادعائی‌اش کلاً یا بعضاً منتفی می‌شد.

۲۰۶۷- به عنوان موضوعی آغازین، بین پرونده‌های مطروح در پیش‌گاه دیوان و وضعیت مباحث معمولی در چارچوب حقوقی خصوصی در خصوص تحلیل این‌که طرف زیان‌دیده خساراتی را که بابت آن جبران خسارت

---

[۱۰۸۴] *بنگرید به* بندهای ۲۰۰۹-۲۰۱۲، بالا.

[۱۰۸۵] *بنگرید به*

*Middle East Cement Shipping and Handling Co. S.A. v. Arab Republic of Egypt*, Award (ICSID Case No. ARB/99/6), para. 170 (12 Apr. 2002); *AIG Capital Partners Inc. et al. v. Republic of Kazakhstan*, Award (ICSID Case No. ARB/01/6), para. 10.6.4 (7 Oct. 2003); *Standard Chartered Bank v. Pakistan National Shipping Corp. et al.*, [2001] EWCA CIV 55, paras. 38-39, 41 (Potter LJ) (26 Jan.); *Watts v. Rake*, [1960] 108 CLR 158, 159 (Dixon, CJ HCA) (12 Aug.).

مطالبه می‌کند تقلیل داده است یا خیر، تفاوت ساختاری وجود دارد. مستأجری در رویاروئی با لوله‌ای که از آن آب نشت می‌کند و موجر با نقض قرارداد اجاره حاضر به آوردن لوله‌کش برای تعمیر آن نیست، وی به جای این‌که بنشیند و شاهد ورود خسارت به اموالش باشد و کل خسارات وارده را از موجر مطالبه کند، خودش مکلف به اقدام برای تعمیر لوله است (و استحقاق دریافت هزینه را از موجر دارد). در پرونده حاضر، یعنی سناریوی نقض معاهده، «مستأجر» (وزارت راه و ترابری) با دو متعهد سر و کار دارد. نخست، شرکت بسته‌بندی و جعبه‌گذاری (گالف پورتس)، که روی اموال ایران کنترل مستقیم دارد، و می‌تواند با موجر قیاس شود. دوم، ایالات متحده، که وفق معاهده متعهد شده است، و روی «موجر» و «خانه» کنترل مستقیم دارد، در عین حال روی اموال وزارت وزارت راه و ترابری، هم از نظر حقوقی و هم از نظر واقعی کنترل غیرمستقیم دارد. حتی اگر، و زمانی که وزارت راه و ترابری حق انبارداری را می‌پرداخت (معادل «تعمیر لوله آب») — از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] و تا زمانی که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری لازم الاجرا بود — نمی‌توانست مطمئن باشد که اموالش آزاد خواهد شد. در عین این‌که دیوان تأیید می‌کند که در ارتباط با دعوای ایران علیه ایالات متحده، یعنی موضوعی که باید در مورد آن تصمیم بگیرد، صرفاً رابطه معاهداتی طرفین مطرح است، اما در قیاس با رابطهٔ سادهٔ متقابل موجر و مستأجر، ناگزیر است به میزانی چشم‌گیر، به پیچیدگی موضوعی و حقوقی، و نتیجتاً، بلاتکلیفی‌ای که وزارت راه و ترابری با آن درگیر بود، توجه داشته باشد.

۲۰۶۸- به بیان مشخص‌تر، برای پاسخ‌گوئی به این سؤال که آیا عملکرد وزارت راه و ترابری *معقول* بوده یا خیر، کلیه اوضاع و احوال — مانند وضعیت زمانی، مکانی، اشخاص متضرر و سرباز زننده از ایفای تعهد بین طرفین، توان آنها در تحلیل شرایط واقعی و آثار بالقوهٔ حقوقی آن و نیز توان آن‌ها در طراحی یک راهبرد حقوقی به نحو معقول که به صرفه و صلاح آن‌ها باشد — باید مدنظر قرار گیرد. مثال موجر و مستأجر که اکثر اوقات در کلاس‌های درس به آن اشاره می‌شود، اشخاص خصوصی‌ای هستند که بی‌شک اتباع یک کشورند، به یک زبان صحبت

می‌کنند، و بر سر هیچ موضوعی بین آن‌ها اختلافی وجود ندارد جز در مورد تعهدات (ثانویه) قراردادی تعمیر و نگه‌داری خانهٔ مورد اجاره. با این حال، وزارت راه و ترابری نه تنها با ادعای یک شهروند خصوصی بابت پرداخت‌های قراردادی درگیر بود، بلکه درگیر پیچیدگی‌های مضاعف یک رشته مقررات خزانه‌داری نیز بود که به‌طور مؤثر و به عنوان امری مربوط به حقوق عمومی، به تلاش‌های گالف پورتس یاری می‌رساند تا وزارت راه و ترابری را ایفای تعهدات قراردادی خود ملزم کند. این وضعیت نتیجهٔ آن بود که گالف پورتس قادر بود مواد ز–۸ را، که در غیر این صورت مشمول دستورالعمل‌های انتقال دستور اجرائی ۱۲۲۸۱ قرار می‌گرفت، در تصرف خود نگه دارد. افزون بر این، چنین اوضاع و احوالی در بستر تنش‌ها و عدم اعتماد حاکم بین دولت‌های ایران و ایالات متحده قرار داشت، که همچنان پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر ادامه یافت، و این خود از نظر دیوان اقدامات محتاطانهٔ وزارت راه و ترابری را توجیه می‌کند.

**۲۰۶۹ -** اکنون دیوان به بررسی فعل و – ترک فعل – رخ‌داده و اعلان‌شدهٔ طرفین، پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ بیانیه‌های الجزایر، و پنجم اسفند ۱۳۶۲ [۲۴ فوریه ۱۹۸۴] تاریخ حمل مواد ز–۸ انبار شده در هیوستون و نیواورلئان به ایران، می‌پردازد. دیوان می‌پذیرد که پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اولین تاریخی که در صورت عدم نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، به زعم دیوان، وزارت راه و ترابری می‌توانست احتمالاً آن اقلام را به ایران حمل کند ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] بود.

**۲۰۷۰ -** دیوان به عنوان موضوعی آغازین، به این مطلب می‌پردازد که آیا می‌شد به‌طور معقول از وزارت راه و ترابری انتظار داشت که بدهی خود را بابت هزینه‌های انبارداری قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] عاجلاً پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تصفیه کند، تا علت به‌وجود آمدن مبنای خسارات متحمله پس از آن تاریخ را به منظور آزادسازی فوری مواد ز–۸ توسط گالف پورتس، از میان بردارد یا خیر. دیوان به دلایل زیر نتیجه می‌گیرد که داشتن چنین انتظاری از وزارت راه و ترابری معقول نبود. نخست، موضع دولت ایران از ابتدا تا

زمان صدور حکم شماره ۵۲۹ در ۱۳۷۱ [۱۹۹۲] این بود که ایالات متحده مسؤول پرداخت هزینه انبارداری متحمله توسط ایران در ارتباط با انسداد اموال ایران از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد.[۱۰۸۶] در پرتو این موضع، معقول بود که وزارت راه و ترابری برای خود زمان بخرد تا به ارزیابی وضعیت و گزینه‌های خود بپردازد. دیوان در رسیدن به این نتیجه‌گیری، این واقعیت را مد نظر داشته است که وزارت راه و ترابری نه یک فعال خصوصی اقتصادی بلکه یک وزارتخانه دولت ایران بود، و با این توصیف، باید انتظار می‌رفت که همگام با سیاست‌های دولت خود اقدام کند. دوم، از نقطه نظر عملی، با لحاظ بهم ریختگی سازمانی وزارت راه و ترابری پس از ماه‌ها ناآرامی و تنش‌های شدید سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] مدتی طول می‌کشید تا وزارت راه و ترابری در ارتباط با امور مربوط به ایالات متحده به وضعیت عملیاتی بازگردد. سوم، هیچ اطمینانی وجود ندارد که گالف پورتس حتی با پرداخت مخارج انبارداری حاصله توسط وزارت راه و ترابری، سریعاً مواد ز-۸ را آزاد می‌کرد. سرانجام، نظر به بحران‌های شدید در روابط ایران و ایالات متحده، در آن اوضاع و احوال، قابل درک بود که وزارت راه و ترابری به عنوان وزارتخانه دولت ایران محتاطانه عمل کند، همان‌گونه که به نظر می‌رسد چنین کرده است.

**۲۰۷۱-** بنابراین، دیوان می‌پذیرد که معقول بود طی دوره‌ای پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، وزارت راه و ترابری زمانی را برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ مواد ز-۸ صرف کند. بعداً، در پاییز ۱۳۶۰ [۱۹۸۱]، وزارت راه و ترابری با متصرفین اموال خود به مذاکره پرداخت، که به موافقت‌نامه ۲۶ آبان ۱۳۶۰ [۱۷ نوامبر ۱۹۸۱] با گالف پورتس انجامید.[۱۰۸۷] دیوان به بررسی این مطلب پرداخته است که آیا عدم انجام اقدامی در ماه‌های بعد از

---

[۱۰۸۶] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بندهای ۱۹ و ۶۸، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ص ۱۲۰ و ۱۳۸؛ *وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا* (پرونده شماره ب-۶۲، در طبقه بندی مجدد پرونده شمارهٔ الف-۳۱)، دادخواست (۲۹ دی ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]).

[۱۰۸۷] *بنگرید به* بند ۵۰۱، بالا.

موافقت‌نامه اصلاحی، به ویژه قصور وزارت راه و ترابری در بردن مواد ز-۸ از انبار گالف پورتس تا ضرب الأجل مندرج در موافقت‌نامه حل و فصل، یعنی ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [۳۱ مارس ۱۹۸۲][۱۰۸۸] باید به عنوان قصور در تقلیل‌دادن خسارت محسوب شود یا خیر. دیوان نتیجه می‌گیرد که چنین توصیفی از عملکرد وزارت راه و ترابری قابل توجیه نیست، چرا که به نظر دیوان، در آن اوضاع و احوال، وزارت راه و ترابری حق داشت که محتاط باشد و در این‌که چه اقدامی مقرون به احتیاط و صحت است تردید کند.

**۲۰۷۲-** وکیل ایران در ایالات متحده، آقای توماس شک، در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۱ [۱۸ ژوئن ۱۹۸۲] نظرات مشورتی خود را در خصوص موضوعات مطروحه در چارچوب مذاکرات اصلاحی با مورگن/بندر ونکوور، طی تلکسی در اختیار وزارت راه و ترابری قرار داد.[۱۰۸۹] این امر نشان می‌دهد که در این نقطه از زمان، وزارت راه و ترابری دربارهٔ نحوهٔ تدوین موافقتنامه اصلاحی با متصرفین اموالش در ایالات متحده به میزانی از وضوح رسیده بوده است. برای وزارت راه و ترابری مهم بود که آقای شک اطلاع داد که «موافقت‌نامه اصلاحی مانع طرح دعوا علیه ایالات متحده برای هر گونه خسارت، از جمله هزینه انبارداری که ناشی از قصور در انتقال اموال ایران باشد، نخواهد شد، حتی اگر هزینه انبارداری طی موافقت‌نامه حل و فصل به منظور تحویل گرفتن برخی تجهیزات پرداخت شده باشد».

**۲۰۷۳-** با این حال، آقای شک همچنین متذکر مشکلات بالقوه‌ای مانند احتمال این امر شد که دیوان «پرداخت مبالغ مربوط به هزینه انبارداری متعلقه پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] از [حساب] امانی را تجویز

---

[۱۰۸۸] *بنگرید به* بند ۵۰۲، بالا.

[۱۰۸۹] *بنگرید به* ادعای ز-۷، زیر.

نکند». آقای شک ملاحظه کرد که تا آن زمان، «دیوان با دید مضیق به صلاحیت خود نظر [کرده بود] و چنین صلاحیتی را به ادعاهائی که حداکثر تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ثبت شده محدود [می‌دانست]».[۱۰۹۰]

**۲۰۷۴ -** مضافاً، آقای شک متذکر شد که دفتر نظارت بر اموال خارجی در ۲۷ آذر ۱۳۶۰ [۱۸ دسامبر ۱۹۸۱] به نفع مورگن و بندر ونکوور پروانه فروش صادر کرده بود که آنها را مجاز می‌کرد سایر اموال متعلق به وزارت راه و ترابری را بفروشند،[۱۰۹۱] و این که دفتر نظارت بر اموال خارجی تقاضای ایران برای تجدید نظر در تصمیم خود مبنی بر صدور پروانهٔ مزبور را رد کرده بود.

**۲۰۷۵ -** نسبت به مواد ز-۸ به طور مشخص، گالف پورتس، در هشتم مهر ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲] تقاضای چنین پروانه فروشی را به عمل آورد،[۱۰۹۲] و دفتر نظارت بر اموال خارجی در ۱۱ بهمن ۱۳۶۱ [۲۱ ژانویه ۱۹۸۳] اقدام به صدور پروانه کرد.[۱۰۹۳] این مطلب و سایر اوضاع و احوال پیش‌گفته که در مسئله اموال وزارت راه و ترابری در ایالات متحده مؤثر بود، همچنین با توجه به پس‌زمینه روابط متشنج بین ایران و ایالات متحده، بر نگرانی وزارت راه و ترابری در خصوص شانس واقعی به دست آوردن مواد ز-۸ می‌افزود.

---

[۱۰۹۰] در این رابطه، باید یادآوری شود که در مهر ۱۳۶۰ [اکتبر ۱۹۸۱]، ایران و ایالات متحده از دیوان تقاضا کردند که بیانیه‌های الجزایر را تفسیر کند، و در بین سایر موارد، تعیین کند تحت چه شرایطی می‌تواند مصالحه‌نامه خصوصی را به عنوان حکم بر اساس شرایط مرضی الطرفین به ثبت رساند و به ویژه، محدوده‌ای را که دیوان باید پیش از صدور حکم برای احراز صلاحیت خود بر ادعای مصالحه شده، تحکیم کند. *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، تصمیم شماره هیئت عمومی-الف۱-۸ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ [۱۷ مه ۱۹۸۲]) *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ص ۱۴۴، ۱۵۰. دیوان در تصمیم مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ [۱۷ مه ۱۹۸۲] خود، از بیان قاعدهٔ کلی سر باز زد و اظهار داشت که، در صورت درخواست صدور حکم بر اساس شرایط مرضی الطرفین، دیوان «مسئله صلاحیت خود را بنحوی که لازم بداند مورد رسیدگی قرار می‌دهد». *جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره هیئت عمومی-الف۱-۸، ص ۱۲، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱، ص ۱۵۲.

[۱۰۹۱] *بنگرید به* بند ۴۵۱. این اقلام در ادعای ز-۷ مطرح است. *بنگرید به* بند ۴۳۹ به بعد، بالا.

[۱۰۹۲] *بنگرید به* بند ۵۱۲، بالا.

[۱۰۹۳] *بنگرید به* همانجا.

۲۰۷۶ - وزارت راه و ترابری شاید فقط پس از ثبت موافقت‌نامه حل و فصل مورخ پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه ۱۹۸۳] بین گالف پورتس و وزارت راه و ترابری در پرونده شماره ۳۰۷[۱۰۹۴] در پیش‌گاه دیوان به عنوان حکم بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین در ۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳] بود که باید اقدامات عاجل‌تری به عمل می‌آورد. با این همه، در عین حال که وزارت راه و ترابری به تعهدات خود در موافقت‌نامه حل و فصل با پرداخت ۶۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا به گالف پورتس عمل کرد، مدیران گالف پورتس به محض دریافت وجه، ورشکستگی شرکت را اعلام کردند، و گالف پورتس کمی بعد از فعالیت متوقف شد.[۱۰۹۵] در زمانی پس از ۱۰ تیر ۱۳۶۲ [اول ژوئیه ۱۹۸۳]، گالف پورتس مواد ز-۸ را رها کرد، و این اموال بدون محافظت در انبار باقی ماند.[۱۰۹۶]

۲۰۷۷ - دیوان به بررسی این مطلب پرداخته است که آیا ایالات متحده توانسته است ثابت کند که از وزارت راه و ترابری به نحو معقول انتظار می‌رفت اقدام متفاوتی را به عمل آورده باشد، و به ویژه این که آیا اثبات کرده است که مواد ز-۸ می‌توانست زودتر آزاد شود (و اگر چنین است، تحت چه شرایطی).

۲۰۷۸ - این واقعیت که وزارت راه و ترابری در نیمه دوم ۱۳۶۰ [اواخر ۱۹۸۱] به مذاکرات اصلاحی پرداخت، اهمیت چندانی در تعیین پاسخ این سؤالات ندارد. به نظر می‌رسد که وزارت راه و ترابری گزینه‌ای جز مذاکرات اصلاحی و سرانجام انعقاد موافقت‌نامه‌های حل و فصلی با گالف پورتس برای بازیافت مواد ز-۸ را نداشت، زیرا بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری، آن اموال را با نقض بیانیه‌های الجزایر از دامنهٔ دستورالعمل انتقال دستور

---

[۱۰۹۴] *بنگرید به گالف پورتس کریتینگ کو. و وزارت راه و ترابری و دیگران*، حکم شماره ۳-۳۰۷-۲۸ (۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳] *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲، ص ۱۲۶. *بنگرید به* بند ۵۱۵، بالا.

[۱۰۹۵] *بنگرید به* بند ۵۱۷، بالا.

[۱۰۹۶] *بنگرید به* بند ۵۱۸، بالا.

اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنی می‌کرد. دیوان نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که در چنین اوضاع و احوالی از وزارت راه و ترابری به نحو معقول انتظار می‌رفته که اقدام دیگری به عمل آورد.

**۲۰۷۹ -** دیوان نمی‌تواند به عنوان موضوعی مقدماتی این امکان را نادیده بگیرد که در طول زمان از آذر ۱۳۶۰ [دسامبر ۱۹۸۱] یعنی وقتی که آقای رحمتی مواد ز-۸ را بازرسی کرد، تا ۱۸ اسفند ۱۳۶۱ [نهم مارس ۱۹۸۳] یعنی زمان صدور حکم بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین در پروندهٔ شماره ۳۰۷، چنانچه وزارت راه و ترابری اقدامی متفاوت به عمل می‌آورد، از نظر زمانی، چند روز یا حتی چند هفته به نفع می‌بود. با این حال، دیوان متقاعد نشده است که این امر لزوماً به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که وزارت راه و ترابری در آن صورت، خساراتی را که اکنون مطالبه می‌کند تا حد بیشتری تقلیل می‌داد.

**۲۰۸۰ -** ایالات متحده همچنین استدلال کرده است که وزارت راه و ترابری می‌توانست با حفاظت مواد ز-۸، که می‌دانست در معرض تخریب بوده است، میزان بیشتری از خسارات خود را تقلیل دهد.[۱۰۹۷] با این حال، ایالات متحده اثبات نکرده است که چه اقداماتی به نحو معقول می‌توانست برای پیش‌گیری از چنین تخریبی معمول گردد.[۱۰۹۸]

**۲۰۸۱ -** صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] توسط ایالات متحده و متعاقباً استمرار نقض تعهد بند ۹ توسط این دولت باید به عنوان علت «غالب» خسارات وارده تلقی شود چرا که عنصر مادی (در مقایسه) متضمن میزان بالاتری از «خطا» و «غیرقانونی بودن» است. قابل قبول نیست که اکنون

---

[۱۰۹۷] *بنگرید به* بند ۲۰۱۰، بالا.

[۱۰۹۸] دیوان در این رابطه یادآور می‌شود که در جلسه استماع، ایالات متحده خاطرنشان کرد که «فقط برای انبار کردن واحد خانه‌های وزارت راه و ترابری بین بندر ونکوور و گالف پورتس ۳۰ آکر، یا تقریباً ۱۲ هکتار، فضای انبار لازم بود». ایالات متحده مشخص کرد که تسهیلات انبار گالف پورتس برای واحد خانه‌های پورتا-کمپ جمعاً ۱۶ آکر بود، حال آنکه جمع تسهیلات انبار بندر ونکوور برای واحد خانه‌های ترانس ورلد جمعاً ۱۴ آکر بود.

ایران متحمل عواقب عمل خطای ایالات متحده باشد که به متصرفین اموال وزارت راه و ترابری، امکان نگه‌داری آن‌ها را داد.

۲۰۸۲- دیوان یادآور می‌شود که در بخش کلی مربوط به جبران خسارت این حکم جزئی،[۱۰۹۹] با رویکردی تطبیقی، توضیح داده است که چگونه سببیت به عنوان شرط لازم احراز هرگونه مسؤولیتی برای خسارت و اصل تقلیل خسارت از لحاظ مفهومی به یک‌دیگر ارتباط دارند. به علاوه، دیوان اظهار داشته است که، در موارد تعدد اسباب، معیارهای *هنجاری* باید بر معیارهای علمی، مکانیکی یا ریاضی ارجحیت یابد. درجات «خطا» یا «غیرقانونی بودن» باید مقایسه شود، سبب «اصلی» یا «غالب» در میان اسباب متعدد و فرعی شناخته و تعیین شود، و دادگاه‌ها و دیوان‌ها به قضاوت ارزشی بپردازند.

۲۰۸۳- طرف زیان‌دیده (وزارت راه و ترابری) منفعلانه دست روی دست نگذاشت، بلکه به منظور حل مشکلات، اقدامات معقولی به عمل آورد، هر چند روند این اقدامات کندتر از آنی بود که در اوضاع و احوال متفاوت می‌توانست صورت پذیرد. به این دلایل، دیوان استدلال قصور ایران را در تقلیل خساراتی که جبران آن‌را مطالبه می‌کند نمی‌پذیرد.

*۷) جمع حکم دیوان در ادعای ز-۸*

۲۰۸۴- در نتیجه‌گیری، دیوان مجموعاً مبلغ ۲،۹۴۶،۹۰۲/۵۵ دلار آمریکا به نفع ایران در ادعای ز-۸ حکم می‌کند.[۱۱۰۰]

---

[۱۰۹۹] *بنگرید به* بندهای ۱۷۹۱- ۱۷۹۵، بالا.

[۱۱۰۰] *بنگرید به* بندهای ۲۰۲۳، ۲۰۳۲ و ۲۰۶۴، بالا.

(۴) ادعای ز-۷ (وزارت راه و ترابری/بندر ونکوور)

*(الف) سببیت*

۲۰۸۵ - در حکم شماره ۵۲۹، دیوان مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۱۰۱] بنابراین، دیوان باید تعیین کند آیا نقض تعهد بند ۹ ایالات متحده در ارتباط با مواد ز-۷ باعث تأخیر حمل نهائی مواد ز-۷ در آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳] به ایران و ورود خسارت به ایران در نتیجهٔ آن شده است یا خیر.[۱۱۰۲]

۲۰۸۶ - در ارتباط با سببیت، استدلال‌های ارائه شده توسط طرفین در این ادعا، با اعمال تغییرات لازم، اساساً همان استدلال‌های ارائه شده در ادعای ز-۸ است.[۱۱۰۳]

۲۰۸۷ - دیوان در تعیین این‌که آیا رابطه سببیت بین نقض بند ۹ توسط ایالات متحده و زیان‌های ادعائی متحملهٔ ایران برای احراز مسؤولیت ایالات متحده بابت خسارات این ادعا کفایت می‌کند یا خیر، اصولی را که پیشتر در این حکم جزئی بنا نهاده است در نظر خواهد گرفت.[۱۱۰۴] به نظر دیوان، اگر دیوان بتواند با قطعیتی معقول نتیجه بگیرد که در نبود بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات خزانه‌داری، مواد ز-۷ قبل از آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳] به ایران حمل می‌شد، آن‌وقت چنین رابطهٔ سببیتی محرز محسوب خواهد شد. به علاوه، و در راستای رویکرد اتخاذی در حقوق داخلی، چنان‌که در چشم‌اندازی تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفت، دیوان تلاش خواهد کرد که میزان تطبیقی آوردهٔ طرفین را تعیین و سبب‌های «اصلی»، «اساسی»، یا «غالب» را از میان سبب‌های گوناگون مؤثر را شناسایی کند.

---

[۱۱۰۱] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۱۰۲] *بنگرید به* بند ۴۸۷، بالا.

[۱۱۰۳] *بنگرید به* بند ۱۹۳۴ به بعد، بالا.

[۱۱۰۴] *بنگرید به* بندهای ۱۷۹۱-۱۷۹۵، بالا.

۲۰۸۸- پس از مرور کلیه ادله موجود، به دلایلی مشابه دلایل ذکر شده در ارتباط با ادعای ز-۸،[۱۱۰۵] با اِعمال تغییرات لازم، دیوان متقاعد شده است که[۱۱۰۶] در نبود بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری، مواد ز-۷ در واقع زودتر به ایران حمل می‌شد. در صورت نبود بخش مذکور، مواد ز-۷ قاعدتاً مشمول دستورالعمل انتقال مندرج در دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ می‌شد؛ از این‌رو بندر ونکوور نباید مجاز می‌بود که مواد ز-۷ را نگه‌دارد و از انتقال آن‌ها تا پرداخت هزینه‌های عقب افتاده انبارداری و نگهبانی توسط وزارت راه و ترابری، خودداری کند. حتی اگر قبول شود که به نحوی که ایالات متحده مدعی است، عملکرد وزارت راه و ترابری و عوامل بیرونی به گونه‌ای همزمان مسبب تأخیر در حمل، یا بخشی از آن تأخیر شده، به نظر دیوان، بخش ۳۳۳-۵۳۵ سبب اصلی تأخیر مزبور و خسارت وارده به وزارت راه و ترابری در نتیجهٔ آن بوده است. چنین تأخیر، و خسارات احتمالی‌ای، توسط ایالات متحده قابل پیش بینی بوده یا بایستی قابل پیش‌بینی بوده باشد. دیوان در رسیدن به این نتیجه‌گیری همچنین بر این نظر است که وزارت راه و ترابری وادار شده وارد مذاکرات حل و فصل شود و سرانجام با بندر ونکوور موافقت‌نامه‌های حل و فصلی منعقد کند تا مواد ز-۷ خود را باز پس بگیرد زیرا بخش ۳۳۳-۵۳۵، با نقض بیانیه‌های الجزایر مواد ز-۷ را از دستور انتقال دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنی کرد. در واقع وزارت راه و ترابری وفق بیانیه‌های الجزایر، هیچ تعهدی نداشت که ادعاهای متصرفین خصوصی آمریکایی را قبل از تحویل‌گرفتن دارایی‌های خود حل و فصل کند.

۲۰۸۹- مضافاً، به هر تقدیر، در ادعای ز-۷، حبس اموال بابت مالیات توسط مقامات شهرستان کلارک[۱۱۰۷] که فقط در زمانی در سال ۱۳۶۲ [۱۹۸۳] مرتفع شد، به عنوان مانعی در مسیر انتقال سریع مواد ز-۷ به ایران قرار

---

[۱۱۰۵] *بنگرید به* بندهای ۱۹۴۷-۱۹۴۸، بالا.

[۱۱۰۶] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، پانوشت ۱۵۳ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۱۱۰۷] *بنگرید به* بندهای ۴۴۵ و ۴۵۹، بالا.

داشت. بنابراین، حتی اگر وزارت راه و ترابری مخارج انبارداری بندر ونکوور را پرداخته بود، که البته مطابق بیانیه‌های الجزایر چنین الزامی نداشت، اطمینانی در کار نبود که مواد ز-۷ آزاد می‌شد.

**۲۰۹۰-** بدین‌قرار، دیوان مقرر می‌دارد که در اوضاع و احوال این ادعا، بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقررات خزانه‌داری سبب اصلی تأخیر انتقال مواد ز-۷ به ایران بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده به‌خاطر نقض بیانیه‌های الجزایر مسؤول خسارات وارده به ایران است.

**۲۰۹۱-** دیوان ذیلاً ماهیت و دامنه هرگونه خسارات متحمله وزارت راه و ترابری در نتیجه نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده را، به نحوی که در بالا توصیف شد، تعیین خواهد کرد. در این راستا، دیوان بررسی خواهد کرد که آیا وزارت راه و ترابری اقدامات معقولی برای تقلیل خسارت در هر یک از موارد به عمل آورد یا خیر.[۱۱۰۸]

*(ب) ارزیابی*

*(یک) اظهارات طرفین*

*(۱) اظهارات ایران*

**۲۰۹۲-** مطابق جدول اختصاری دعاوی ایران، در ادعای ز-۷، خواستهٔ ایران **۱۳،۱۰۳،۶۸۹** دلار آمریکا می‌باشد که جزئیات تفصیلی آن به شرح زیر است: (۱) **۵،۴۰۳،۲۹۰** دلار آمریکا بابت کاهش ارزش واحد خانه‌ها و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در اثر تخریب (**۳،۵۵۱،۱۹۴** دلار آمریکا بابت واحد خانه‌ها و **۱،۸۵۲،۰۹۶** دلار آمریکا در ارتباط با تجهیزات سنگ‌شکن)؛ (۲) **۵،۵۳۳،۳۹۹** دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از دست دادن حق

[۱۱۰۸] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۲۲۱ و پانوشت ۲۱۸ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

بهره‌برداری ادعائی از اموال ز-۷، (۳،۸۳۴،۶۰۷ دلار آمریکا در ارتباط با واحد خانه‌های ترانس ورلد و ۱،۶۹۸،۷۹۲ دلار آمریکا بابت تجهیزات سنگ‌شکن مورگن)؛ و (۳) ۲،۱۶۷،۰۰۰ دلار آمریکا بابت «هزینه‌های اضافی» ادعائی جهت باز پس گرفتن مواد ز-۷. ایران بابت کل این مبالغ بهره مطالبه می‌کند.

*ادعای کاهش ارزش دارایی‌ها به دلیل تخریب*

**۲۰۹۳ -** خواستهٔ ایران تحت این سرفصل ادعا، خسارات کاهش بهای واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن می‌باشد که ادعا می‌کند به دلیل انبار کردن آن‌ها از مهر/آبان ۱۳۵۷ تا آذر/دی ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۷۸ تا دسامبر ۱۹۸۳]، زمان حمل مواد ز-۷ به ایران، حاصل شده است. ایران در تأیید ادعای کاهش ارزش، به ویژه به این مدارک استناد می‌کند: (یک) شهادت‌نامه و شهادت آقای موسوی در جلسه استماع که در شهریور، مهر، یا اوایل آبان ۱۳۶۲ [سپتامبر یا اواخر اکتبر ۱۹۸۳] از جانب وزارت راه و ترابری به ایالات متحده سفر کرد تا مواد ز-۷ و ز-۸ را برای حمل به ایران آماده کند؛[۱۱۰۹] (دو) شهادت‌نامه آقای محمودی که در سفر به ایالات متحده در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] همراه آقای موسوی بود؛[۱۱۱۰] و (سه) شهادت‌نامه و شهادت آقای رحمتی، در جلسه استماع، که او نیز در آن سفر همراه آقای موسوی بود.[۱۱۱۱]

**۲۰۹۴ -** آقای سلامی،[۱۱۱۲] شاهد کارشناس ایران، خسارات متحمله ادعائی ایران در نتیجه تخریب واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] را ارزیابی کرده است. ادعای ایران بابت کاهش ارزش مواد ز-۷ بر دو عنصر مبتنی می‌باشد: نخست، درصد خسارات وارده به واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا زمان حمل به

---

[۱۱۰۹] *بنگرید به* بند ۱۹۵۴، بالا.

[۱۱۱۰] *بنگرید به* همانجا.

[۱۱۱۱] *بنگرید به* همانجا.

[۱۱۱۲] *بنگرید به* بند ۱۹۵۵، بالا.

ایران؛ و دوم، دوره‌ای که بابت آن ادعا می‌شود ایالات متحده مسؤول خسارات است. همان‌طور که گفته شد، آقای سلامی گزارش ارزیابی کتبی تهیه کرد و به عنوان شاهد کارشناس ایران در جلسه استماع حضور یافت.

**۲۰۹۵ -** آقای سلامی در ارزیابی آسیب‌های ادعائی وارده به واحد خانه‌های ترانس ورلد، از جمله، بر گزارش شاهد کارشناس تهیه‌شده توسط آقای بغدادی تکیه کرد.[۱۱۱۳] مضافاً، آقای سلامی در ارزیابی آسیب‌های ادعائی وارده، به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن از جمله، به گزارشی که آقای پرچمی تهیه کرده بود استناد کرد.[۱۱۱۴]

*واحد خانه‌های ترانس ورلد*

**۲۰۹۶ -** ایران عمدتاً به استناد گواهی آقای موسوی ادعا می‌کند که واحد خانه‌ها در ونکوور تا مهر/آبان ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] ۵۰ درصد خسارت دیده بود. این رقم را آقای بغدادی تأیید کرده است.

**۲۰۹۷ -** ایران بر این موضع است که در نخستین سال انبار شدن واحد خانه‌های ترانس ورلد در بندر ونکوور متحمل خسارت جدی نشد. ایران در این ارتباط متذکر می‌شود که: (یک) ترانس ورلد، سازندهٔ واحدها، استحکام آن‌ها را برای ۱۲ ماه تضمین کرده بود؛ (دو) طراحی واحد خانه‌ها برای فضای باز بوده؛ و (سه) آن‌ها مطابق استاندارد صادرات بسته‌بندی شده بودند. ایران در تأیید این مطلب به شهادت آقای بیلینگهام استناد می‌کند.[۱۱۱۵]

**۲۰۹۸ -** آقای بیلینگهام، در تشریح واحد خانه‌های پورتا-کمپ و ترانس ورلد هر دو به کیفیت مواد اولیه ساخت خانه‌ها، طراحی مستحکم آن‌ها، طراحی برای عمر حداقل ده ساله آن‌ها، تضمین حداقل ۱۲ ماهه آن‌ها، و این واقعیت که آن‌ها از الوار خشک‌شده در کوره ساخته شده بود اشاره کرد. آقای بیلینگهام در پاسخ به اظهارات ایالات متحده اظهار داشت که هرگز ندیده است که چوب خانه‌های ساخته شده از الوار ظرف ۱۲ ماه از زمان

---

[۱۱۱۳] *بنگرید به* بند ۱۹۵۶، بالا.

[۱۱۱۴] *بنگرید به* همانجا.

[۱۱۱۵] *بنگرید به* بند ۱۹۵۸، بالا.

تحویل بپوسد. آقای بیلینگهام با عنایت به شرایط جوی در بندر ونکوور در سالهای ۱۳۵۷/۱۳۵۸، ۱۳۵۸/۱۳۵۹ و ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۷۹، ۱۹۸۰، و ۱۹۸۱]، با میانگین حرارت ۱۲ درجه اظهار نظر کرد که این آب و هوا باعث رشد قارچ در دو سال اولیه نمی‌شود. مطابق نظر آقای بیلینگهام واحد خانه‌های پورتا-کمپ و ترانس ورلد، طی دو سال اولیه پس از تحویل به دلیل قرار داشتن در معرض عناصر طبیعی می‌توانست حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد آسیب دیده باشد.

**۲۰۹۹ -** ایران ادعا می‌کند که واحد خانه‌های ترانس ورلد در سال نخست، در دورهٔ تضمین سازنده آن، آسیبی در حد هیچ یا اندک متحمل شده است، اما، پس از سال اول، سرعت و دامنهٔ تخریب هر دو مادامی که خانه‌ها در حال تخریب، در فضای باز در ونکوور انبار شده بود، مستمراً فزونی گرفته است. مطابق اظهارات ایران، واحد خانه‌های ترانس ورلد جمعاً ۵۰ درصد خسارت دید. ایران در تأیید این سخن به ارزیابی آقای بغدادی استناد می‌کند که هر دوی واحد خانه‌های ترانس ورلد و پورتا کمپ را در سال ۱۳۸۲/۱۳۸۳ [۲۰۰۴] معاینه کرد.[۱۱۱۶] آقای بغدادی مجموع ۵۰ درصد خسارت واردهٔ محاسبه شدهٔ خود را از جمله بر شهادت‌نامهٔ آقای محمودی (شامل یک رشته عکس از واحد خانه‌های قابل حمل که در ۱۳۶۱/۱۳۶۲ یا ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۳ یا ۱۹۸۴] گرفته شده است) و همچنین شهادت‌نامه آقای موسوی مبتنی می‌کند.[۱۱۱۷]

**۲۱۰۰ -** آقای رحمتی که بین آذر/دی ۱۳۶۰ تا نیمه دوم ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۱ تا اواخر ۱۹۸۳] از واحد خانه‌های ترانس ورلد و پورتا-کمپ چندین بار بازدید کرده، ادعا کرد که تا سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] بر خلاف آن‌چه در ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] مشاهده کرده بود، واحد خانه‌ها در «وضعیت بسیار اسفناکی» بود و متحمل «لطمات زیادی» شده بود. مطابق اظهارات آقای رحمتی، واحد خانه‌های پورتا-کمپ در گالف پورتس در نیواورلئان

---

[۱۱۱۶] *بنگرید به* بند ۱۹۶۱، بالا.

[۱۱۱۷] *بنگرید به* همانجا.

(واحد خانه‌های مورد اختلاف در ادعای ز-۸) در وضعیتی بسیار اسفناک‌تر از واحد خانه‌های ترانس ورلد انبار شده در بندر ونکوور بود.

۲۱۰۱- ایران روش خط مستقیم استهلاک را می‌پذیرد، چرا که ارقام صحیح در اختیار نیست. بر اساس ارزیابی آقای سلامی، فرض ایران بر این است که: (یک) واحد خانه‌های ترانس ورلد در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] یعنی اولین سالی که در بندر ونکوور انبار شد، آسیبی ندید؛ (دو) ایران مسؤول هرگونه تخریب حادث‌شده در سال دوم تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد؛ و (سه) ایالات متحده مسؤول هرگونه آسیب وارده از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] که اقلام به ایران حمل شد، می‌باشد. مطابق اظهارات ایران و آقای سلامی، حاصل این روش، تسهیم سه به یک مسؤولیت خرابی بین طرفین در طی چهار سال از ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] تا ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۴] می‌باشد.

۲۱۰۲- بر اساس روش تشریحی فوق، آقای سلامی با اعمال خط مستقیم استهلاک، قیمت خرید ۳۰۱ واحد خانه ترانس ورلد یعنی ۹،۴۶۹،۸۵۰ دلار آمریکا را به عنوان پایه برمی‌گزینند.[۱۱۱۸] آقای سلامی هیچ عامل تورم یا شاخص‌گذاری را بر قیمت خرید اولیه برای محاسبه ارزش منصفانه بازار در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] در نظر نمی‌گیرد. ایران همسو با ارزیابی آقای سلامی، مبلغ ۳،۵۵۱،۱۹۴ دلار آمریکا را به عنوان خسارت تحت این سرفصل از ادعا مطالبه می‌کند، که مطابق ادعا شاخص افت ارزش واحد خانه‌های ترانس ورلد بین ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳] تلقی می‌شود، که ایران مدعی است به ایالات متحده منتسب است.

*تجهیزات سنگ‌شکن مورگن*

---

[۱۱۱۸] *بنگرید به* بند ۴۴۰، بالا.

۲۱۰۳ - همان‌گونه که در بالا تشریح شد،[۱۱۱۹] تجهیزات سنگ‌شکن مورگن متشکل از یک رشته دستگاه‌های مجزا بود. تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در سال‌های ۱۳۶۱/۱۳۶۲ و ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۳ و ۱۹۸۴] به ایران تحویل داده شد که ابتدا به انبار مرکزی وزارت راه و ترابری در تهران و از آن‌جا به خوزستان حمل شد.[۱۱۲۰]

۲۱۰۴ - ایران ادعا می‌کند که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن طی سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] یعنی اولین سالی که در انبار قرار گرفت، آسیب‌هایی در حد هیچ یا اندک متحمل شد، حال آن‌که ممکن است آسیب‌های محدود اضافی طی سال دوم بودن در انبار (یعنی تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]) به آن وارد شده باشد.

۲۱۰۵ - ایران عمدتاً به شهادت آقای پرچمی متکی است که تجهیزات مورد بحث را برای اولین بار در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] در خوزستان مشاهده کرده،[۱۱۲۱] و همچنین به شهادت‌نامه‌های آقایان محمودی و موسوی که طی بازدیدهایشان در ایالات متحده در سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] تجهیزات را دیده بودند.[۱۱۲۲]

۲۱۰۶ - ایران مدعی است که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا تاریخ حمل به ایران در آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳] به دلیل قرارگرفتن طولانی در معرض عناصر طبیعی ۷۰ درصد خسارت دیده بود.

۲۱۰۷ - بدین لحاظ، ایران، همسو با روش ارزیابی آقای سلامی،[۱۱۲۳] زیر این سرفصل از ادعا مبلغ ۱،۸۲۵،۰۹۶ دلار آمریکا مطالبه می‌کند که مطابق ادعا حاصل کاهش ارزش تجهیزات سنگ‌شکن ز-۷ در فاصله دی/بهمن ۱۳۵۹ و آذر/دی ۱۳۶۱ [ژانویه ۱۹۸۱ و دسامبر ۱۹۸۳] است که به ادعای ایران، به ایالات متحده منتسب می‌باشد.

---

[۱۱۱۹] *بنگرید به* بند ۱۹۶۶، بالا.

[۱۱۲۰] *بنگرید به* بند ۱۹۶۸، بالا.

[۱۱۲۱] *بنگرید به* بندهای ۱۹۶۸-۱۹۷۰، بالا.

[۱۱۲۲] *بنگرید به* بند ۱۹۷۲، بالا.

[۱۱۲۳] *بنگرید به* بندهای ۱۹۶۴-۱۹۶۵، ۲۰۹۴، بالا.

ایران رقم فوق را بر پایه ۳،۵۲۷،۸۰۳ دلار آمریکا محاسبه کرده است که ۴۰ درصد قیمت خرید تجهیزات سنگ‌شکن مورگن مطابق دستور خرید شماره ۱-۲۱۰۱-۸۷ (یعنی ۸،۸۱۹،۵۰۸ دلار آمریکا) می‌باشد.[۱۱۲۴]

*ادعای خسارات محرومیت از استفاده از دارایی‌ها*

**۲۱۰۸ -** ایران در این سرفصل از ادعا، خساراتی را مطالبه می‌کند که مدعی است وزارت راه و ترابری به دلیل محرومیت از استفاده از مواد ز-۷ از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، تاریخ شروع نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده به ادعای ایران، تا دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] یعنی زمان حمل مواد ز-۷ به ایران، متحمل شده است. مطابق اظهارات آقای سلامی، چنانچه وزارت راه و ترابری در طی این دوره مواد ز-۷ را در اختیار داشت، می‌توانست در پروژه‌های دیگر از آن‌ها استفاده کند یا به سازمان‌ها و شرکت‌های دیگر کرایه دهد.

**۲۱۰۹ -** ایران همسو با روش بازده خالص سرمایه آقای سلامی، خسارات ناشی از محرومیت از استفاده از مواد ز-۷ را بر اساس نرخ بازدهی که وزارت راه و ترابری حسب ادعا در صورت در اختیار داشتن آن اقلام از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، می‌توانست تحصیل کند ارزیابی کرده است. آقای سلامی ادعا می‌کند که چون واحد خانه‌های پیش‌ساخته و تجهیزات سنگ‌شکن با کیفیت بالا معادل آن‌چه خریداری شده بود در ایران یافت نمی‌شد، نمی‌توان خسارات ناشی از این زیان را با به‌کار بستن درآمد حاصل از اموال مشابه در ایران محاسبه کرد. آقای سلامی اظهار می‌دارد که، مطابق روش بازده خالص سرمایه، خسارت باید با بررسی نرخ بازده مورد انتظار از سرمایه‌گذاری وجهی معادل مبلغی که وزارت راه و ترابری برای خرید اموال پرداخت، محاسبه شود. آقای سلامی

---

[۱۱۲۴] *بنگرید به* بند ۴۹۱، بالا. همان گونه که ذکر شد، موضع ایران این است که ۶۰ درصد از تجهیزات سنگ‌شکن مورگن موضوع سفارش خرید شمارهٔ ۱-۲۱۰۱-۸۷ به بندر نیواورلئان تحویل داده شده حال آن که ۴۰ درصد آن به بندر ونکوور تحویل داده شد. *بنگرید به* بند ۴۸۴، بالا.

این نرخ را بر اساس میانگین نرخ اوراق قرضهٔ خزانه‌داری ایالات متحده از ۱۳۵۹/۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳] محاسبه می‌کند که برای در نظر گرفتن تفاوت انواع مختلف دارایی‌ها، به آن عامل ریسک را افزوده است.

۲۱۱۰- به گفته آقای سلامی، میانگین نرخ اوراق قرضهٔ خزانه‌داری ایالات متحده از ۱۳۵۹/۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳] ۱۱/۱۷ درصد بود. آقای سلامی پس از در نظر گرفتن عوامل مربوط به مخاطرات مختلف، به نرخ بازده سرمایه ۱۲ درصد در ارتباط با واحد خانه‌های ترانس ورلد و ۱۴ درصد برای تجهیزات سنگ‌شکن مورگن رسیده است. آقای سلامی با اعمال این نرخ‌ها بر بهای خرید اولیه بدون در نظر گرفتن شاخص تعدیل در ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸]، به جای ارزش بازار سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] آن اقلام نتیجه گرفته است که خسارات مربوط به زیان محرومیت از استفاده بین دی/بهمن ۱۳۵۹ و دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۱ و ژانویه ۱۹۸۴] بدین قرار است: (یک) ۳،۸۳۴،۶۰۷ دلار آمریکا بابت واحد خانه‌های ترانس ورلد؛ و (دو) ۱،۶۹۸،۷۹۲ دلار آمریکا بابت تجهیزات سنگ‌شکن مورگن.

*ادعاهای مربوط به «مخارج اضافی»*

۲۱۱۱- سومین سرفصل خسارات ایران متشکل از شماری ادعا بابت «مخارج اضافی» است که وزارت راه و ترابری ادعا می‌کند برای بازیافت مواد ز-۷ متحمل شده است. طبق اظهارات ایران، در صورت عدم نقض بند ۹ توسط ایالات متحده، آن مخارج تحمیل نمی‌شد. ایران «مخارج اضافی» را از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محاسبه کرده است. مخارج اضافی ادعا شده به قرار زیر است.

*یک) مخارج انبارداری*

۲۱۱۲- ایران مخارج انبارداری متحمله بعد از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در ارتباط با مواد ز-۷ را مطالبه می‌کند. ایران این ادعا را بر مبنای ۳ میلیون دلار آمریکا که وزارت راه و ترابری مطابق موافقت‌نامه حل و فصل

۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۲ [۲۰ مه ۱۹۸۳] پرداخته است تا «مخارج انبارداری» مربوط به دورهٔ بین بهمن/اسفند ۱۳۵۸ و مرداد/شهریور ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۰ و اوت ۱۹۸۳] را «جبران کند»، مبتنی می‌کند. مطابق اظهارات آقای محمودی، ایران دو ماه دیگر مخارج انبارداری از قرار ۴۱،۰۰۰ دلار آمریکا برای هر ماه بابت ماه‌های شهریور/مهر/آبان ۱۳۶۲ [سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۳] پرداخت.

۲۱۱۳ - ایران، همسو با روش اعمال شدهٔ آقای سلامی، از آن مبلغ ماهانه ۴۱،۰۰۰ دلار آمریکا برای دورهٔ بهمن/اسفند ۱۳۵۸ تا دی/بهمن ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۰ تا ژانویه ۱۹۸۱] کاست که این کاهش مجموعاً بالغ بر ۴۷۸،۰۰۰ دلار آمریکا می‌شود. مضافاً، ایران می‌پذیرد که هزینه تحویل و بارگیری بندر ونکوور را نمی‌تواند مطالبه کند، و لذا به جهت در نظر گرفتن آن هزینه، ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا کسر می‌کند. سرانجام ایران بابت پرداخت‌های انجام شده توسط بندر ونکوور به کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مبلغ ۶۲۷،۰۰۰ دلار آمریکا کسر می‌کند.

۲۱۱۴ - نتیجتاً، ایران مجموعاً مبلغ ۱،۹۷۷،۰۰۰ دلار آمریکا بابت مخارج انبار مطالبه می‌کند.

*(دو) هزینه مسافرت*

۲۱۱۵ - ایران ادعا می‌کند که نمایندگان وزارت راه و ترابری برای سفرهای مختلف به وین و ایالات متحده جهت مذاکرات اصلاحی با بندر ونکوور و باز پس گرفتن مواد ز-۷، متحمل هزینهٔ سفر شدند.[۱۱۲۵] ایران مدعی است که ادله اثباتی در مورد مخارج این سفرها در سوابق پرونده وجود ندارد اختلافی نیست که هزینه‌های سفر به نمایندگان وزارت راه و ترابری در آن موقعیت‌ها تحمیل شده است. ایران به تخمین وزارت راه و ترابری استناد می‌کند که مجموع این مخارج حداقل ۱۲۰،۰۰۰ دلار بوده است.

---

[۱۱۲۵] *بنگرید به* بندهای ۴۹۹، ۵۰۴-۵۰۵ و ۵۲۰، بالا.

*(سه) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی*

۲۱۱۶- ایران مبلغ ۷۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی مطالبه می‌کند که مطابق ادعا وکلای آمریکایی استخدام شده توسط وزارت و راه ترابری برای مساعدت در تحصیل مواد ز-۷ بابت آن صورت‌حساب صادر کرده بودند. ایران ادعا می‌کند که وزارتخانه نمی‌توانست صورت‌حساب‌های نهائی مربوطه را پیدا کند. آقای سلامی در گزارش ارزیابی خود متذکر می‌شود که مدرک پرداخت مبلغ ۱،۹۲۲/۵۰ دلار آمریکا به وکلای وزارت راه و ترابری، مورسین دان آلن با نرخ ۷۵ دلار آمریکا بابت هر ساعت معادل تقریباً ۲۵ ساعت کار، موجود می‌باشد.

*تقلیل خسارات*

۲۱۱۷- استدلال‌های ایران راجع به تقلیل خسارات مشابه استدلال‌های ارائه شده توسط این دولت در ادعای ز-۸ می‌باشد.[۱۱۲۶]

۲۱۱۸- ایران، از جمله، ادعا می‌کند که اگر دیوان حکم کند که وزارت راه و ترابری در این ادعا مکلف بوده که خسارات خود را تقلیل دهد، در این صورت، وزارت راه و ترابری در واقع با تلاش برای انعقاد موافقت‌نامه‌های حل و فصل با بندر ونکوور تلاش کرده که این تکلیف را عملی کند.

*۲) اظهارات ایالات متحده*

۲۱۱۹- ایالات متحده مدعی است که به عنوان یک موضوع کلی، ایران نتوانسته مدارک مستند مشخص و قابل اعتماد در تأیید جبران خسارت در ادعای ز-۷ ارائه دهد.

---

[۱۱۲۶] *بنگرید به* بندهای ۱۹۸۸-۱۹۹۰، بالا.

**۲۱۲۰ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران نتوانسته مسؤولیت ایالات متحده بابت خسارات وارده به ایران در نتیجه آسیب دیدگی واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن را که در بندر ونکوور انبار شده بود اثبات کند. ایالات متحده اظهار می‌دارد که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند وضعیت دقیق آن اقلام را در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به اثبات برسانند، تا بشود میزان آسیب‌دیدگی آن‌ها را در زمانی بین آن تاریخ و ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] ارزیابی کرد. با این حال، بار اثبات ادعا در این خصوص تنها به عهدهٔ ایران است.

**۲۱۲۱ -** ایالات متحده مدعی است که همانند اموال در انبار در هیوستون، می‌توان فرض کرد که فهرست‌های بسته‌بندی صادرات برای اموال موجود در بندر ونکوور فراهم شده بوده‌اند. طبق اظهارات ایالات متحده، ادله نشان می‌دهد که وزارت راه و ترابری در زمان حمل آن‌ها از بندر ونکوور به ایران، گزارش ارزیابی مشترکی را دریافت کرد که وضعیت تجهیزات را در آن برهه مستند می‌کند. ایران با قصور از ارائه هیچ‌یک از آن مدارک، از عهده بار اثبات ادعای خود برنیامده است. ایالات متحده تقاضا می‌کند که دیوان به این دلایل، ادعای ایران بابت کاهش ارزش دارایی‌ها را مردود اعلام کند.

**۲۱۲۲ -** ایالات متحده مدعی است که نظریه ایران مبنی بر این‌که عمدهٔ آسیب‌دیدگی‌های مواد ز-۷ بین دی/بهمن ۱۳۵۹ و اواخر ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۱ و ابتدای ۱۹۸۴] اتفاق افتاد فاقد مدارک مثبته است. ایالات متحده همچنین مدعی است که ارزیابی آقای سلامی عمدتاً به شهادت آقایان موسوی، پرچمی، و بغدادی متکی می‌باشد که واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن را در نزدیک‌ترین زمان در ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] و در دورترین زمان در ۱۳۸۲/۱۳۸۳ [۲۰۰۴] دیده‌اند. با این‌حال، ایالات متحده تأکید می‌کند که این شاهدان اقلام مزبور را در زمان‌های مربوطه، یعنی در دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] یا بلافاصله قبل از حمل آن‌ها، در

نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] ندیده‌اند. مضافاً ایالات متحده ملاحظه کرد که شاهدان کارشناس ایران، آقای بیلینگهام و آقای سلامی هیچ‌گاه واقعاً اقلام مذکور را ندیده‌اند.

۲۱۲۳ - ایالات متحده تصدیق می‌کند که آقای رحمتی، در آذر/دی ۱۳۵۹ و مهر/آبان ۱۳۶۱ [دسامبر ۱۹۸۱ و اکتبر ۱۹۸۳] از واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن دیدار کوتاهی داشته است. با این حال، ایالات متحده بر این موضع است که، همان‌طور که آقای رحمتی شهادت داد، او طی مشاهدهٔ کوتاه‌مدت خود در آذر/دی ۱۳۵۹ [سامبر ۱۹۸۱]، هیچ‌گاه هیچ یک از واحد خانه‌های برپا شده یا پیاده‌شده را باز نکرده، هیچ‌گاه وسایل و اسباب داخل خانه‌ها را مشاهده نکرده، و هیچ‌گاه تجهیزات مذکور را نیازموده است.[۱۱۲۷]

۲۱۲۴ - ایالات متحده مدعی است که نظریه ایران مبنی بر این‌که واحد خانه‌های ترانس ورلد و تجهیزات سنگ‌شکن مورگن آسیبی در حد اندک و یا هیچ را قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متحمل شده است، با ادله موجود در تناقض است.

۲۱۲۵ - ایالات متحده خاطرنشان می‌کند که در پرونده شماره ب-۶۷ ایران با تکیه بر گزارش مشاهدات آقای رحمتی از بندر ونکوور در آذر/دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۱]، ادعا کرد که «کل ارزش موضوع ادعا در وضعیت تخریب است».

۲۱۲۶ - به نظر ایالات متحده، ادله و مدارک دیگر نشان می‌دهد که واحد خانه‌های ترانس ورلد قبل از آذر/دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۱] به طور اساسی تخریب شده بود، و نشان می‌دهد که، در مورد کلیه اقلام موضوع این ادعا، هر گونه کاهش ارزش اقتصادی پس از دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] جزئی بوده است. ایالات متحده در تأیید این ادعا بر گزارش ال بی سی استناد می‌کند.[۱۱۲۸] گزارش ال بی سی ادعاهای ایران را به‌منظور موارد آتی

---

[۱۱۲۷] *بنگرید به* بند ۵۰۶، بالا.

[۱۱۲۸] *بنگرید به* بند ۱۹۹۵، بالا.

ارزیابی می‌کند (یک) خسارات کاهش ارزش اموال به دلیل آسیب‌دیدگی؛ (دو) خسارات بلااستفاده ماندن؛ و (سه) «مخارج اضافی». همان‌طور که گفته شد، ایالات متحده آقایان بلانژه و لاوین، تهیه‌کنندگان مشترک گزارش را به عنوان شاهد در جلسه استماع معرفی کرده است.[۱۱۲۹]

**۲۱۲۷ -** آقای بلانژه شهادت داد که خسارات فیزیکی مازاد وارده به واحد خانه‌های ترانس ورلد پس از دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱]، با عنایت به قاعدهٔ «اثر تنظیم کننده» نمی‌توانست تأثیر چندانی بر مخارج تعمیرات داشته باشد.

**۲۱۲۸ -** آقای بلانژه مضافاً اظهار داشت که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تجهیزات بادوام است و خسارات ناشی از قرار گرفتن در معرض عوامل طبیعی جدی و عملیاتی نخواهد بود. به گفته آقای بلانژه، صدمات اضافی پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] حداقل می‌بود. آقای بلانژه مضافاً اظهار داشت که ارزیابی تخریب ۷۰ درصدی آقای پرچمی بر پایه ارزش اسقاطی ۳۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن به لحاظ روش‌شناسی نادرست است. آقای بلانژه توضیح داد که چنین خسارتی در عوض بایستی بر پایه معاینه جزئیات تجهیزات و سپس برآورد مخارج مبتنی باشد. در این ارتباط، گزارش ال بی سی نتیجه‌گیری می‌کند که رقم ۷۰ درصد آسیب دیدگی برای تجهیزات سنگ‌شکن مورگن غیرمستند و مبتنی بر گمان است.

**۲۱۲۹ -** همان‌گونه که ذکر شد، ایالات متحده برای مستند کردن موضع خود آقای ژان رنه دومون را به عنوان کارشناس معرفی کرد.[۱۱۳۰] آقای دومون در جلسه استماع، از جمله، دربارهٔ کپک و رشد قارچ بر روی واحد خانه‌های ترانس ورلد در انبار بندر ونکوور شهادت داد.[۱۱۳۱] ایالات متحده در خصوص شهادت آقای بیلینگهام

---

[۱۱۲۹] *بنگرید به* همانجا.

[۱۱۳۰] *بنگرید به* بند ۱۹۹۸، بالا.

[۱۱۳۱] *بنگرید به* همانجا.

مبنی بر این‌که طی یک سال اول انبار واحد خانه‌ها، خسارتی به آن‌ها وارد نشد، متذکر می‌شود که نخستین دلیلی که توسط آقای بیلینگهام ارائه شده این است که کلاً هوای ونکوور سردتر از آن بود که کپک یا قارچ در آن بروید. با این حال، آقای دومون متذکر شد که الوارها با مواد شیمیایی پرداخت نشده بود و همچنین، بر روی و در میان واحد خانه‌های پیش‌ساختهٔ پیاده و برپا شده جریان هوا کافی نبود. او همچنین به نبود اقدامات صحیح مربوط به نگه‌داری اموال مذکور پرداخت و نتیجه‌گیری آقای بیلینگهام در خصوص اثر آب و هوای ونکوور بر رشد کپک و قارچ و سرعت فرسایش چوب کاج نوئل در صورت وجود شرایط خاص را زیر سؤال برد.[۱۱۳۲]

**۲۱۳۰ -** همان‌گونه که ذکر شد، در نامه آقای دومون،[۱۱۳۳] وی نتیجه گرفت که: (یک) انتظار می‌رود که تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] واحد خانه‌های ترانس ورلد صدماتی بیش از ۵۰ درصد ارزش خود را متحمل شده باشند؛ و (دو) تا مهر/آبان ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] «خسارات عمده‌ای» بیش از ۷۵ درصد ارزش واحد خانه‌ها باید برای آن خانه‌ها لحاظ شود.[۱۱۳۴] آقای دومون این نتیجه‌گیری‌ها را طی شهادت خود در جلسه استماع تأیید کرد.

*ادعای خسارات ناشی از محرومیت از استفاده از دارایی‌ها*

**۲۱۳۱ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که ایران هیچ ادله‌ای برای هیچ‌گونه خسارت قابل جبران در ارتباط با محرومیت از استفاده در ارتباط با مواد ز-۷ ارائه نکرده است. به ویژه، ایالات متحده مدعی است که ایران از ارائه مدارک آتی ناتوان بوده است: (یک) ادله‌ای که نشان دهد در زمان ذی‌ربط برای مواد ز-۷ تقاضا وجود داشت؛

---

[۱۱۳۲] *بنگرید به* همانجا.

[۱۱۳۳] *بنگرید به* بند ۱۹۹۹، بالا.

[۱۱۳۴] *بنگرید به* همانجا.

(دو) ادله‌ای مبنی بر در دسترس نبودن تجهیزات جایگزین؛ (سه) مدارک حاکی از درآمد واقعی حاصل از مواد ز-۷؛ یا (چهار) هر گونه ادله‌ای دال بر خسارت واقعی متحملهٔ وزارت راه و ترابری.

**۲۱۳۲ -** ایالات متحده در تأیید موضع خود به شهادت آقای آرتور لاوین، یکی از تهیه‌کنندگان گزارش ال بی سی که در جلسه استماع حضور داشت، استناد می‌کند. طبق اظهار آقای لاوین، آقای سلامی در ارزیابی خود از لحاظ یا ارائه‌کردن مدرکی در ارتباط با موارد بالا قصور کرده است.

**۲۱۳۳ -** در این سیاق، ایالات متحده به این اظهارات آقای سلامی در جلسه استماع اشاره می‌کند که چون مدرکی در اختیار او قرار نگرفته، ناگزیر بود «از منظر انتزاعی به مسئله بنگرد».

**۲۱۳۴ -** به این دلایل، ایالات متحده مدعی است که ادعای ایران بر خسارات ناشی از محرومیت از استفاده از دارایی‌ها بی‌پایه است و باید رد شود.

*ادعای «مخارج اضافی»*

**۲۱۳۵ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که عمدهٔ ادعاهای ایران برای هزینه‌های سفر و حق الزحمه‌های حقوقی با هیچ ادله و مدارکی تأیید نمی‌شود. ایالات متحده تصدیق این مطلب توسط آقای سلامی را مورد توجه قرار می‌دهد که در گزارش خود گفته است «هیچ ادله‌ای راجع به متحمل شدن مخارج گفته‌شده به [او] ارائه نشده است».

**۲۱۳۶ -** ایالات متحده همچنین به اظهارات آقای محمودی، که تصدیق کرده که نتوانسته است مدارکی در اثبات آن مخارج بیابد اشاره می‌کند.

**۲۱۳۷ -** وفق اظهارات ایالات متحده، برای این‌که ایران در دریافت هزینه‌های ادعائی از ایالات متحده توفیق می‌یافت، ایران باید مدارک را نگه می‌داشت و تسلیم می‌کرد. در نتیجه، ایالات متحده بر این نظر است که ناتوانی

ایران در اثبات خسارات خود باید «مانع جبران خسارت» شود و از دیوان تقاضا می‌کند که ادعا را مردود اعلام کند.

*تقلیل خسارات*

**۲۱۳۸ -** راجع به تقلیل خسارات، ایالات متحده استدلال‌های مشابه به آن‌هایی که در ارتباط با ادعای ز-۸ ارائه کرده بود ارائه می‌کند.[۱۱۳۵] به طور خلاصه، ایالات متحده ادعا می‌کند که وزارت راه و ترابری از به عمل آوردن اقدامات معقول برای تقلیل خسارات خود قصور ورزیده است، یعنی در این موارد قصور کرده است: (یک) حمل مواد ز-۷ قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]؛ (دو) گرفتن تماس با دارنده اموال به منظور تقاضای معمول داشتن اقدامات احتیاطی؛ (سه) اجرای موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] با بندر ونکوور؛ و (چهار) خرید قطعات جایگزین برای تجهیزات آسیب‌دیدهٔ سنگ‌شکن مورگن، یا جایگزین کردن واحد خانه‌های ترانس ورلد. مضافاً ایالات متحده ادعا می‌کند که به جای اجرای بی‌درنگ موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۰ [۱۹۸۱] با بندر ونکوور، وزارت راه و ترابری اعلام کرد که قصد دارد اموال را حداقل تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۱ [۳۱ مارس ۱۹۸۲] در آن‌جا نگه دارد.

**۲۱۳۹ -** نتیجتاً، ایالات متحده مدعی است که ادعای ایران بر خسارات باید مردود اعلام شود، زیرا ایران نتوانسته اثبات کند که آن خسارات اجتناب‌ناپذیر بوده است.

*(دو) تصمیم دیوان*

*۱) ادعای تقلیل ارزش دارایی‌ها به دلیل تخریب واحد خانه‌های ترانس ورلد*

---

[۱۱۳۵] *بنگرید به* بندهای ۲۰۰۹-۲۰۱۲، بالا.

**۲۱۴۰-** دیوان به عنوان یک موضوع مقدماتی، باید میزان تخریب‌شدن واحد خانه‌های ترانس ورلد بین دی/بهمن ۱۳۵۷ [ژانویه ۱۹۷۹]، یعنی زمان تحویل آن‌ها به بندر ونکوور و ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] یعنی تاریخ حمل آن‌ها به ایران را تعیین کند. همان‌طور که گفته شد، ایران ادعا می‌کند که واحد خانه‌های ترانس ورلد تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] به دلیل ماندن طولانی مدت در انبار در شرایط ناکارآمد، ۵۰ درصد صدمه دید. در تأیید این ادعا، ایران بر شهادت‌های آقایان بغدادی، محمودی، و موسوی استناد می‌کند.[۱۱۳۶]

**۲۱۴۱-** دیوان متذکر می‌شود که آقای دومون، شاهد کارشناس ارائه شده توسط ایالات متحده، در نامه خود[۱۱۳۷] نتیجه گرفت که: (یک) تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌شد توقع داشت که واحد خانه‌های ترانس ورلد در ونکوور آسیبی بیش از ۵۰ درصد ارزش خود را متحمل شده باشد؛ و (دو) تا مهر/آبان ۱۳۶۲ [اکتبر ۱۹۸۳] «خسارات قابل‌توجه» بیش از ۷۵ درصد ارزش آن واحد خانه‌ها باید لحاظ شود.[۱۱۳۸]

**۲۱۴۲-** تخمین ایران از استهلاک متحمله توسط واحد خانه‌های ترانس ورلد تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] بدین ترتیب محافظه‌کارانه‌تر از تخمین شاهد کارشناسی است که ایالات متحده به شهادت او استناد می‌کند. در این اوضاع و احوال، دیوان دلیلی نمی‌بیند که تخمین ارائه شده توسط ایران و شاهدات کارشناس این دولت را نپذیرد، و بر این اساس، نتیجه‌گیری می‌کند که واحد خانه‌های ترانس ورلد تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] تا ۵۰ درصد مستهلک شده‌اند. نتیجتاً، بر اساس ثمن خرید اولیه به مبلغ ۹،۴۶۹،۸۵۰ دلار آمریکا[۱۱۳۹] دیوان مضافاً نتیجه می‌گیرد که تا آن تاریخ، واحد خانه‌های ترانس ورلد مجموعاً خساراتی به مبلغ ۴،۷۳۴،۹۲۵ دلار

---

[۱۱۳۶] *بنگرید به* بند ۲۰۹۹، بالا.

[۱۱۳۷] *بنگرید به* بند ۱۹۹۸، بالا.

[۱۱۳۸] *بنگرید به* بند ۱۹۹۹، بالا.

[۱۱۳۹] *بنگرید به* بند ۴۴۰، بالا.

آمریکا متحمل شده‌اند. دیوان به منظور تسهیم آن خسارت بر طرفین باید میزان تخریب متحملهٔ واحد خانه‌های ترانس ورلد را در اواخر ۱۳۵۹ [اوایل ۱۹۸۱] تعیین کند.

**۲۱۴۳ -** طرفین در این مطلب اختلاف نظر دارند. ایران با استناد به شهادت شاهد کارشناس خود ادعا می‌کند که واحد خانه‌های ترانس ورلد طی ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] آسیب اساسی ندید. در تأیید این ادعا، آقای بیلینگهام به کیفیت عناصر اولیه خانه‌ها و طراحی مستحکم، به عمر حداقل ۱۰ سالهٔ طراحی، ضمانت ۱۲ ماههٔ سازنده آن‌ها، و به این واقعیت که خانه‌ها از الوار خشک‌شده در کوره ساخته شده بود اشاره می‌کند.[۱۱۴۰] مضافاً، آقای رحمتی که چندین بار بین آذر/دی ۱۳۶۰ و نیمه دوم ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۱ و اواخر ۱۹۸۳] واحد خانه‌های ترانس ورلد را دیده بود، ادعا می‌کند که بین دی/بهمن ۱۳۶۰ و مهر/آبان ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۲ و اکتبر ۱۹۸۳] واحد خانه‌های ترانس ورلد آسیب معتنابهی دید و در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] در شرایط بسیار مطلوب‌تری قرار داشت.[۱۱۴۱]

**۲۱۴۴ -** ایالات متحده در مقابل ادعا می‌کند که تخریب اساسی واحد خانه‌های ترانس ورلد قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رخ داده بود. ایالات متحده در تأیید ادعای خود به شهادت شاهد کارشناس خود استناد می‌کند[۱۱۴۲] و مضافاً متذکر می‌شود که وزارت راه و ترابری در پروندهٔ شماره ب-۶۷ ادعا کرد که میزان تخریب ۴۰ درصد صورت گرفته بوده است.

**۲۱۴۵ -** هیچ ادله و مدارکی در سابقه مربوط به آن زمان وجود ندارد که اثبات‌کنندهٔ شرایط فیزیکی واحد خانه‌های ترانس ورلد در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] باشد. آقای رحمتی هیچ‌گاه آن اقلام را وارسی نکرد، و در هر

---

[۱۱۴۰] *بنگرید به* بندهای ۱۹۵۸-۱۹۵۹، بالا.

[۱۱۴۱] *بنگرید به* بند ۱۹۶۲، بالا.

[۱۱۴۲] *بنگرید به* بندهای ۲۱۲۶-۲۱۲۷، ۲۱۲۹-۲۱۳۰، بالا.

حال، شهادت او بیش از اندازه مبهم است که تشکیل‌دهندهٔ مبنای هر گونه نتیجه‌گیری قابل اتکا برای دیوان در خصوص شرایط فیزیکی واحد خانه‌های مذکور در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] باشد.

۲۱۴۶ - مضافاً، هیچ یک از شاهدان کارشناس طرفین واقعاً هیچ‌گاه واحد خانه‌های ترانس ورلد را ندیده‌اند. نتیجه‌گیری‌های آن‌ها در خصوص شرایط آن اقلام در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] بسیار مختلف و آشتی‌ناپذیر است و همچنین با ادلهٔ هم‌زمان تأیید نمی‌شود. در اوضاع و احوال ادعای حاضر، دیوان نمی‌تواند به آن نتیجه‌گیری‌ها، که به نظر دیوان بیش از حد گمان‌آلود است، تکیه کند.

۲۱۴۷ - بر این اساس، دیوان در نبود هر گونه ادله که تسهیمی مشخص را ممکن سازد، معقول می‌بیند که چنین فرض گیرد که واحد خانه‌های ترانس ورلد با نرخ منظم ۱۰ درصد در سال بین دی/بهمن ۱۳۵۷ [ژانویه ۱۹۷۹]، که دیوان به عنوان تاریخ تحویل آن‌ها به بندر ونکوور وفق هدف این ادعا برمی‌گزیند،[۱۱۴۳] و آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳]، زمانی که آن‌ها به ایران حمل شدند، مستهلک شده‌اند. دیوان این نرخ را بر پایهٔ مجموعاً تخریب ۵۰ درصد اقلام مذکور طی دورهٔ تقریبی پنج ساله تعیین کرده است.

۲۱۴۸ - دیوان همچنین مقرر می‌دارد که ایران باید متحمل خسارات ناشی از استهلاک واحد خانه‌های ترانس ورلد واقع شده از دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱]، یعنی اولین تاریخی که به تخمین دیوان در نبود نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، وزارت راه و ترابری احتمالاً می‌توانست آن اقلام را به ایران حمل کند، باشد. ایالات متحده به نوبهٔ خود در قبال ایران مسؤول خسارات ناشی از تخریب واحدخانه‌های ترانس ورلد از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] می‌باشد. بر

---

[۱۱۴۳] *بنگرید به* بندهای ۴۳۲ و ۴۴۱، بالا.

اساس نرخ استهلاک ثابت ۱۰ درصد در سال، مبلغ خسارت مجموعاً ۲،۶۷۲،۴۰۰ دلار آمریکا می‌باشد. بنابراین، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*تجهیزات سنگ‌شکن مورگن*

**۲۱۴۹ -** طرفین در خصوص مجموع استهلاک متحمل شده توسط تجهیزات سنگ‌شکن مورگن بین دی/بهمن ۱۳۵۷ [ژانویه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخی که دیوان به عنوان تاریخ تحویل آن‌ها به بندر ونکوور وفق هدف این ادعا انتخاب کرده است،[۱۱۴۴] و آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳]، زمان حمل آن‌ها به ایران، توافق ندارند.

**۲۱۵۰ -** دیوان ارزیابی آقای پرچمی را مبنی بر این امر پذیرفته است که تا زمانی‌که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن را در خوزستان در سال ۱۳۶۳/۱۳۶۴ [۱۹۸۵] ملاحظه کرده بود، آن‌ها تخریب ۷۰ درصدی متحمل شده بودند.[۱۱۴۵]

**۲۱۵۱ -** در نتیجه، دیوان بر اساس بهای خرید اولیه بخش تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تحویلی به بندر ونکوور، یعنی ۳،۵۲۷،۸۰۳ دلار آمریکا،[۱۱۴۶] مقرر می‌دارد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا نیمه اول ۱۳۶۴ [اواسط ۱۹۸۵] خسارتی جمعاً معادل ۲،۴۶۹،۴۶۲ دلار آمریکا را متحمل شده است.

**۲۱۵۲ -** به دلایلی که قبلاً در این حکم جزئی ذکر شد، با این‌حال، دیوان آمادگی ندارد مقرر کند که میزان تخریب تجهیزات سنگ‌شکن مورگن تا آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳]، یعنی زمانی که از بندر ونکوور به ایران

---

[۱۱۴۴] *بنگرید به* بند ۲۱۴۷، بالا.

[۱۱۴۵] *بنگرید به* بندهای ۲۰۲۸، بالا.

[۱۱۴۶] *بنگرید به* بندهای ۴۴۰ و ۴۸۴، بالا.

حمل شد، به همین میزان بوده است. دیوان متقاعد شده است که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در طول حمل به ایران متحمل خسارات بیش‌تری شد.[۱۱۴۷]

**۲۱۵۳ -** مضافاً، دیوان بر اساس سابقه موجود در برابر خود، همان‌طور که ذکر شد، نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که آیا تخریب عمدتاً قبل یا بعد از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] صورت گرفته است. نتیجتاً، در نبود ادله قابل اتکائی برای تعیین نسبت دقیق، دیوان معقول می‌داند نتیجه‌گیری کند که کل ۷۰ درصد آسیب متحملهٔ تجهیزات سنگ‌شکن مورگن با نرخ ثابتی بین دی/بهمن ۱۳۵۷ [ژانویه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخی که دیوان به عنوان تاریخ تحویل آن‌ها به بندر ونکوور انتخاب کرده، و نیمه اول ۱۳۶۴ [اواسط ۱۹۸۵]، یعنی زمانی که آقای پرچمی آن را در خوزستان برای نخستین بار ملاحظه کرد، وارد شده است.[۱۱۴۸] بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن با نرخ ثابت ۱۰/۹ درصد در سال در یک دورهٔ تقریباً شش سال و نیمه آسیب دیده است.

**۲۱۵۴ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان مقرر می‌دارد که ایران باید خسارات ناشی از تخریب تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در دوره‌های آتی را عهده‌دار شود: (یک) از دی/بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [ژانویه تا اول مارس ۱۹۸۱] یعنی اولین تاریخی که در نبود نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده به تخمین دیوان، وزارت راه و ترابری احتمالاً می‌توانست آن‌ها را به ایران حمل کند؛ و (دو) اواخر دی ۱۳۶۲ [اواسط ژانویه ۱۹۸۴] [۱۱۴۹] تا اواخر دی ۱۳۶۳ [اواسط ژانویه ۱۹۸۵].

---

[۱۱۴۷] *بنگرید به* بند ۲۰۲۹، بالا.

[۱۱۴۸] *بنگرید به* بند ۲۰۳۰، بالا.

[۱۱۴۹] همان‌گونه که در بالا در خصوص ادعای ز–۸ ذکر شد، نظر به نتیجه‌گیری دیوان در خصوص تسهیم ۶۰/۴۰ درصد تجهیزات سنگ‌شکن مورگن موضوع سفارش خرید شماره ۱–۲۱۰۱–۸۷، به ترتیب بین بندر ونکوور و نیواورلئان، دیوان این تاریخ را برای سهولت امر برمی‌گزیند. *بنگرید به* بندهای ۴۸۴ و ۵۴۳، بالا. همان‌گونه که ذکر شد، تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در انبار بندر ونکوور در ایالت واشینگتن، در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳] به ایران حمل شد، حال آن که تجهیزات سنگ‌شکن مورگن انبار شده در گالف پورتس نیواورلئان در بهمن/اسفند ۱۳۶۲ [فوریه ۱۹۸۴] به ایران حمل شد. *بنگرید به* بندهای ۴۶۰ و ۵۲۶، بالا.

۲۱۵۵ - ایالات متحده به نوبه خود بابت آسیب‌دیدگی‌های تجهیزات سنگ‌شکن مورگن پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا اواخر دی ۱۳۶۲ [نیمه ژانویه ۱۹۸۴] در قبال ایران مسؤول است.[۱۱۵۰] بر اساس نرخ ثابت استهلاک ۱۰/۹ درصد در سال، دیوان حکم می‌کند که استهلاک مربوط به تجهیزات سنگ‌شکن مورگن بالغ بر ۷۶۵،۵۳۳ دلار آمریکا می‌باشد. بنابراین دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*۲) ادعای محرومیت استفاده از دارایی‌ها*

۲۱۵۶ - تحت این سرفصل از ادعا، ایران خسارات ادعائی وزارت راه و ترابری را بابت محرومیت از استفاده از مواد ز-۷ طی دورهٔ ذی‌ربط، از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی که ایران ادعا می‌کند نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده آغاز شده، تا آذر/دی ۱۳۶۲ [دسامبر ۱۹۸۳]، یعنی زمانی که مواد ز-۷ به ایران حمل شد، مطالبه می‌کند. آقای سلامی توضیح می‌دهد که خسارات فراگیر غرامت درآمد فوت‌شدهٔ ناشی از کرایه دادن مواد ز-۷ است که می‌توانست طی دورهٔ ذی‌ربط عاید شود، و نیز هزینه‌های وزارت راه و ترابری بابت کرایه جایگزینی این تجهیزات می‌باشد.[۱۱۵۱]

۲۱۵۷ - با این‌حال، ایران ادله‌ای مبنی بر این‌که آیا طی دورهٔ ذی‌ربط، مواد ز-۷ می‌توانست عایدی داشته یا سودده باشد، ارائه نکرده است. همچنین ایران هیچ‌گونه ادله‌ای تقدیم نکرده تا نشان دهد آیا وزارت راه و ترابری برای جایگزینی مواد ز-۷ متحمل مخارج اضافی شده است، یا آیا اموال جایگزینی در دسترس آن وزارت‌خانه قرار داشته است، یا خیر.

---

[۱۱۵۰] *بنگرید به* پانوشت ۱۰۶۱، بالا.

[۱۱۵۱] *بنگرید به* بند ۱۹۷۶، بالا.

**۲۱۵۸ -** آقای سلامی خسارات ادعائی متحملهٔ محرومیت از استفاده از مواد ز-۷ را با رویکرد انتزاعی که آن را روش بازده خالص سرمایه می‌نامد، ارزیابی کرده است.[۱۱۵۲]

**۲۱۵۹ -** با این‌حال، ادله‌ای حاکی از این وجود ندارد که نرخ بازده خالص سرمایه انتخابی آقای سلامی می‌توانسته ارتباطی با عواید بالقوهٔ مواد ز-۷ حاصله در دورهٔ ذی‌ربط داشته باشد، و خود آقای سلامی در شهادت خود در پیش‌گاه دیوان پذیرفت که مدرکی در اختیار وی قرار نگرفته و ناگزیر شده از منظر انتزاعی به این مطلب نگاه کند.[۱۱۵۳]

**۲۱۶۰ -** بنابراین، یافته دیوان در ادعای ز-۸ مبنی بر این‌که روش بازده خالص سرمایهٔ آقای سلامی با ملاک‌های دیوان برای اثبات ادعاهای محرومیت از استفاده از دارایی‌های اموال عینی[۱۱۵۴] سازگاری ندارد، با قوتی یکسان در ادعای حاضر اعمال می‌شود.

**۲۱۶۱ -** در پرتو مراتب پیش‌گفته، به دلایل مشابهی با دلایل اظهار شده در ارتباط با ادعای ز-۸، دیوان مقرر می‌دارد که خسارات ادعائی ایران برای جبران محرومیت از استفاده از مواد ز-۷، در حد غیرقابل قبولی مبتنی بر حدس و گمان است. بدین قرار، دیوان هم‌سو با رویه خود، ادعای محرومیت از استفاده ایران را به علت عدم تکافوی ادله رد می‌کند.[۱۱۵۵]

*۳) ادعای «مخارج اضافی»*

---

[۱۱۵۲] *بنگرید به* بندهای ۱۹۷۷-۱۹۷۸، بالا.

[۱۱۵۳] *بنگرید به* بند ۲۱۳۳، بالا.

[۱۱۵۴] *بنگرید به سدکو اینک. و شرکت ملی نفت ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ (۱۶ تیر ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷]) *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۲۳. (بند ۲۰۳۷، بالا).

[۱۱۵۵] *بنگرید به* پانوشت ۱۰۶۹، بالا.

*مخارج انبارداری*

**۲۱۶۲-** به عنوان یک موضوع مقدماتی، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده در قبال ایران بابت مخارج انبارداری متحملهٔ وزارت راه و ترابری تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱]، یعنی اولین تاریخی که، در صورت عدم نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، به زعم دیوان وزارت راه و ترابری می‌توانست احتمالاً اقلام را به ایران حمل کند، مسؤولیتی ندارد. بنابراین ایالات متحده در قبال ایران صرفاً بابت مخارج انبارداری وزارت راه و ترابری متحمله تا تاریخ ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳]، یعنی تاریخی که مواد ز-۷ به ایران حمل شد، مسؤول می‌باشد. بر خلاف ادعای ز-۸،[۱۱۵۶] هیچ‌گونه صورت‌حسابی صادر شده توسط متصرف مرتبط با مخارج انبارداری در سابقه موجود نمی‌باشد. دیوان حکم می‌کند که بهترین مدرک مخارج ماهانه انبارداری پرداختی وزارت راه و ترابری بابت مواد ز-۷، شهادت‌نامهٔ آقای محمودی است که حاوی ادله‌ای حاکی از آن می‌باشد که مخارج انبارداری دو ماههٔ مهر/آبان و آبان/آذر ۱۳۶۲ [اکتبر و نوامبر ۱۹۸۳] بالغ بر ۸۲،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است. شاهد کارشناس ایران، آقای سلامی، محاسباتش را بر اطلاعات مندرج در شهادت‌نامه آقای محمودی مبتنی کرده است. بر این اساس است که دیوان مقرر می‌دارد که مجموع مخارج انبارداری وزارت راه و ترابری پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳]، یعنی دوره‌ای که دیوان حکم می‌کند که ایالات متحده مسؤول خسارات تلقی شده، ۱،۳۹۴،۰۰۰ دلار آمریکا بوده است. نتیجتاً، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*مخارج سفر وزارت راه و ترابری*

---

[۱۱۵۶] *بنگرید به* بند ۲۰۴۰، بالا.

۲۱۶۳ - دیوان قبلاً در ارتباط با ادعای ز-۸ به این سرفصل از ادعا پرداخته و مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا به نفع ایران به عنوان هزینه سفر متحمله توسط نمایندگان وزارت راه و ترابری در ارتباط با استرداد اموال ادعاهای ز-۷ و ز-۸ موجود در ایالت واشینگتن، نیواورلئان، و هیوستون حکم داده است.[۱۱۵۷]

*حق‌الزحمه‌ها و مخارج حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده*

۲۱۶۴ - آقای سلامی در تأیید ادعای ایران به مبلغ ۷۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی که مطابق ادعا وکلای آمریکایی وزارت راه و ترابری از این وزارت‌خانه بابت مساعدت در بازپس گرفتن مواد ز-۷ از وزارت راه و ترابری مطالبه کردند، اظهار داشت که جز در ارتباط با حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های دفاتر حقوقی موریسون، دان، کارنی، آلن و تانگ، پورتلند، اورگون، به مبلغ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا، مدرکی در تأیید پرداخت در اختیار وی قرار داده نشده است. ایران می‌پذیرد که ادعای حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی عمدتاً بر پایه تخمین است.

۲۱۶۵ - دیوان حکم می‌کند که مدارک ارائه شدهٔ ایران برای اثبات پرداخت به موریسون، دان، کارنی، آلن، و تانگ، مجموعاً به مبلغ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا بابت خدمات ارائه‌شده جهت بازپس‌گیری مواد ز-۷ کفایت می‌کند. این مدارک از جمله شامل موارد آتی است: (یک) نامه‌ای به تاریخ دوم شهریور ۱۳۶۲ [۲۴ اوت ۱۹۸۳] از دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران، واشینگتن دی.سی. به مورسیون، دان، کارنی، آلن، و تانگ، که در آن به چک پیوست به مبلغ ۱،۶۲۵/۹۸ دلار آمریکا اشاره شده است؛[۱۱۵۸] و (دو) چکی به مبلغ ۳۱۰ دلار آمریکا، به

---

[۱۱۵۷] *بنگرید به* بند ۲۰۵۳، بالا.

[۱۱۵۸] در حالی‌که خود چک در سوابق موجود نیست، موریسون، دان، کارنی، آلن، و تانگ طی اعلامیهٔ خدمات ارائه‌شده مورخ هفتم شهریور ۱۳۶۲ [۲۹ اوت ۱۹۸۳] دریافت پرداختی به مبلغ ۱،۶۲۵/۹۸ دلار آمریکا را از دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران تأیید نمود.

تاریخ ششم دی ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳]، صادره از دفتر حفاظت منافع ایران به نفع موریسون، دان، کارنی، آلن، و تانگ.

**۲۱۶۶ -** نظر به مراتب بالا، دیوان حکم می‌کند که در مواردی غیر از مطالبهٔ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا، ادعای حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی ایران در حد غیرقابل قبولی مبتنی بر حدس و گمان است. نتیجتاً، دیوان مبلغ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*نتیجه‌گیری‌های کلی دیوان دربارهٔ ادعاهای «مخارج اضافی» ایران*

**۲۱۶۷ -** اختصاراً، دیوان مجموع ۱،۳۹۵،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا بابت ادعاهای «مخارج اضافی» به نفع ایران حکم می‌دهد.[۱۱۵۹]

*۴) تقلیل خسارات*

**۲۱۶۸ -** دیوان در ادعای ز-۸ به بررسی تفصیلی موضوع تقلیل خسارت پرداخته است.[۱۱۶۰] دیوان حکم می‌کند که استدلال‌هایی که در آن ارتباط ارائه کرده، با اِعمال تغییرات لازم، در ادعای ز-۷ اعمال می‌شود.

**۲۱۶۹ -** خلاصه آن‌که دیوان به دلایلی مشابه با دلایل اظهار در سیاق ادعای ز-۸ می‌پذیرد که، طی دورهٔ بلافاصله پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، برای وزارت راه و ترابری معقول بود که مقداری زمان ببرد تا اطلاعات راجع به مواد ز-۷ را جمع‌آوری کند. مضافاً دیوان حکم می‌کند که موجه نیست که بی‌عملی وزارت راه و ترابری متعاقب موافقت‌نامهٔ ۲۷ آبان ۱۳۶۰ [۱۸ نوامبر ۱۹۸۱] با بندر ونکوور به عنوان قصوری در تقلیل خسارات دانسته

---

[۱۱۵۹] دیوان هزینه‌های سفر مربوط به ادعای مواد ز-۷ را در تصمیمی که برای ادعای ز-۸ گرفته حکم داده است. *بنگرید به* بندهای ۲۰۵۱-۲۰۵۳، بالا.

[۱۱۶۰] *بنگرید به* بند ۲۰۶۵ به بعد، بالا.

شود زیرا به نظر دیوان، وزارت راه و ترابری در اوضاع و احوال مربوطه، دلیل داشت که محتاط باشد و در این خصوص که انجام چه عملی مدبرانه و بی‌خطر است تردید کند.[1161]

۲۱۷۰ - به علاوه، هم‌راستا با یافته‌های دیوان در ادعای ز-۸، معقول نبوده که چنین انتظاری وجود داشته باشد که وزارت راه و ترابری مخارج انبارداری قبل از سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] را که به بندر ونکوور بدهکار بود بی‌درنگ پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به منظور متوقف کردن خسارات پس از این تاریخ و با عنایت به تضمین آزادسازی فوری مواد ز-۷ توسط بندر ونکوور، چنان‌که ایالات متحده استدلال کرده است، حل و فصل کند. از جمله، به هیچ وجه قطعی نبود که حتی اگر وزارت راه و ترابری مخارج انبارداری متعلقه را پرداخت کرده بود، بندر ونکوور بی‌درنگ مواد ز-۷ را آزاد می‌کرد.[1162] به اضافه، حق حبس مالیاتی شهرستان کلارک، که در تیر/مرداد ۱۳۶۰ [ژوئیه ۱۹۸۱] وضع شد و صرفاً در زمانی در سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳] برداشته شد، همچنان مانع وزارت راه و ترابری از اخذ مالکیت مواد ز-۷ می‌شد.

۲۱۷۱ - نظر به مراتب بالا، به دلایل مشابهی با دلایل اظهار شده در ارتباط با ادعای ز-۸، دیوان این استدلال را نمی‌پذیرد که ایران در تقلیل خساراتی که تحت ادعای ز-۷ مطالبه می‌کند قصور ورزیده است.

*۵) کل مبلغ حکم دیوان در ادعای ز-۷*

۲۱۷۲ - در پایان، دیوان جمع مبلغ ۴،۸۳۳،۸۶۸/۹۸ دلار آمریکا در ادعای ز-۷ به نفع ایران حکم می‌دهد.[1163]

---

[1161] *بنگرید به* بندهای ۲۰۷۱-۲۰۷۴، بالا.

[1162] *بنگرید به* بند ۲۰۷۰، بالا.

[1163] *بنگرید به* بندهای ۲۱۴۸، ۲۱۵۵ و ۲۱۶۷، بالا.

*(۵) ادعای ز-۱۳ (وزارت راه و ترابری/شیپ ساید پکینگ کو.)*

*(الف) مقدمه*

**۲۱۷۳ -** در حکم شماره ۵۲۹ دیوان مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۱۶۴] دیوان حکم کرده است که مواد ز-۱۳ در واقع به موجب بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرائی شماره ۱۲۲۸۱ مستثنی شده است، و نتیجتاً، ایالات متحده تعهد بند ۹ خود را در ارتباط با این اقلام نقض کرده است.[۱۱۶۵] به دلایلی مشابه دلایل اظهار شده در ارتباط با ادعاهای ز-۸ و ز-۷، دیوان حکم می‌کند که در چنین اوضاع و احوالی، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال مواد ز-۱۳ به ایران بوده است. با این حساب، ایالات متحده به دلیل نقض بیانیه‌های الجزایر مسؤول خسارات ایران است.

**۲۱۷۴ -** ایران مطابق جدول اختصاری دعاوی خود، در ادعای ز-۱۳ جمعاً مبلغ ۱،۵۱۱،۹۳۳ دلار آمریکا مطالبه می‌کند، که تفکیک جزئیات این رقم به شرح آتی می‌باشد: (۱) مبلغ ۱،۳۳۲،۵۴۹ دلار آمریکا بابت خسارت ادعائی ناشی از محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳؛ و (۲) رقم ۱۷۹،۳۸۴ دلار آمریکا بابت پرداخت‌های اضافی ادعائی برای بازیافت مواد ز-۱۳. ایران برای کلیه مبالغ بهره مطالبه می‌کند.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*ادعای محرومیت از استفاده*

---

[۱۱۶۴] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۱۶۵] *بنگرید به* بند ۵۷۶.

۲۱۷۵- تحت این سرفصل از ادعا، ایران خسارات ادعائی وزارت راه و ترابری را به خاطر محروم شدن از استفاده مواد ز-۱۳ از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی که ایران ادعا می‌کند ایالات متحده نقض بیانیه‌های الجزایر را شروع کرده است، تا دی/بهمن ۱۳۶۳ [ژانویه ۱۹۸۴] که مواد ز-۱۳ به ایران حمل شد را مطالبه می‌کند. ایران ادعای خود را بر ارزیابی آقای سلامی از خسارات ادعائی وارده به ایران در نتیجه حمل با تأخیر مواد ز-۱۳ به ایران استوار می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، آقای سلامی گزارش ارزیابی کتبی تهیه کرد و در جلسه استماع به عنوان شاهد کارشناس ایران حضور یافت.

۲۱۷۶- آقای سلامی در ارزیابی خسارات وارده به وزارت راه و ترابری، روش بازده خالص سرمایه را، همان‌طور که در ادعاهای ز-۷ و ز-۸ به کار برده بود، به کار می‌بندد.[۱۱۶۶] مطابق روش آقای سلامی، خسارت با اِعمال نرخ بازده مورد انتظار در سرمایه‌گذاری مبلغی معادل بهای خرید پرداخت‌شده برای دارایی‌ها توسط وزارت راه و ترابری تعیین شده است. آقای سلامی این نرخ بازده را بر مبنای نرخ میانگین اوراق قرضه خزانه‌داری ایالات متحده از سال‌های ۱۳۵۹/۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴] محاسبه کرده و به آن عامل مخاطرات را افزوده تا انواع متفاوت دارایی‌ها در محاسبه منظور شده باشد.

۲۱۷۷- وفق اظهارات آقای سلامی، میانگین نرخ بازده سرمایه برای مواد ز-۱۳ بین سال‌های ۱۳۵۹/۱۳۶۰ و ۱۳۶۲/۱۳۶۳ [۱۹۸۱ و ۱۹۸۳] ۲۲ درصد بوده است. مطابق اظهارات ایران، این نرخ بالاتر بازده سرمایه در مقایسه با نرخ بازده سرمایه مواد ز-۸ و ز-۷ عامل خطر بالاتری را منظور داشته است، از این رو که عمر کاری مواد ز-۱۳ فقط پنج تا هفت سال است.

---

[۱۱۶۶] *بنگرید به* بندهای ۱۹۷۷ و ۲۱۰۹، بالا.

۲۱۷۸ - در پرتو این ملاحظات، ایران معروض می‌دارد که خسارات ناشی از محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳ بین ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] به ۱،۳۳۲،۵۴۹ دلار آمریکا بالغ می‌شود.

*ادعاهای «مخارج اضافی»*

۲۱۷۹ - دومین سرفصل خسارات ایران شامل ادعا بابت «مخارج اضافی» ناشی از تصفیه هزینه‌های پرداخت‌نشدهٔ انبارداری شیپساید و جعبه‌گذاری و بسته‌بندی مجدد مواد ز-۱۳ است که وزارت راه و ترابری برای بازیافتن مواد ز-۱۳ متحمل شده است. مطابق اظهارات ایران، اگر نقض تعهدات بند ۹ ایالات متحده نبود، مواد ز-۱۳ بی‌آن‌که نیاز به تحمل این مخارج باشد به وزارت راه و ترابری باز داده می‌شد. ایران خسارات خود برای «مخارج اضافی» را از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محاسبه می‌کند.

۲۱۸۰ - ادعاهای ایران بابت مخارج متحمل‌شدهٔ انبارداری مربوط به مواد ز-۱۳ پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد. ایران ادعا را بر اساس مبلغ ۱۶۸،۰۰۰ دلار آمریکا را محاسبه می‌کند که طی موافقت‌نامه حل و فصل مورخ ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] به شیپ ساید پرداخت،[۱۱۶۷] که ایران مخارج متحمل‌شدهٔ مربوط به قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که مطابق ادعا ۳۳،۰۹۲ دلار آمریکا است را از آن کاسته است. بدین قرار، ایران خواهان ۱۳۴،۹۰۸ دلار آمریکا بابت هزینه‌های انبارداری می‌باشد.

۲۱۸۱ - ایران همچنین مبالغ پرداختی توسط وزارت راه و ترابری به شیپ ساید بابت بسته‌بندی مجدد مواد ز-۱۳ قبل از حمل به ایران در دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴]، را مطالبه می‌کند. ایران بر اساس فهرست هزینه‌ها و مدارک مربوط به جمع‌بندی هزینه‌های متحمل‌شده در ارتباط با ادعاهای وزارت راه و ترابری ضمیمهٔ شهادت‌نامهٔ آقای محمودی مبلغ ۴۴،۴۷۶ دلار آمریکا مطالبه می‌کند.

---

[۱۱۶۷] *بنگرید به* بندهای ۵۶۲-۵۶۳، بالا.

۲۱۸۲ - نتیجتاً، ادعای ایران بابت مخارج اضافی مجموعاً ۱۷۹،۳۸۴ دلار آمریکا می‌باشد.

*تقلیل خسارات*

۲۱۸۳ - ایران در پاسخ به استدلال‌های ایالات متحده راجع به تقلیل خسارات استدلال‌های مشابهی با استدلال‌هایی که در ادعاهای ز-۷ و ز-۸ مطرح کرده بود، ارائه می‌کند.[۱۱۶۸] ایران مدعی است که اگر دیوان حکم کند که وزارت راه و ترابری تکلیف داشت خسارات خود را در این ادعا تقلیل دهد، وزارت راه و ترابری با انعقاد موافقت‌نامه حل و فصل مورخ دی ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] با شیپ‌ساید برای ایفای آن تکلیف تلاش کرده است.

۲۱۸۴ - بدین ترتیب، وفق اظهارات ایران، هیچ مبنائی برای این یافته که آن دولت به تکلیف تقلیل خسارت خود عمل نکرده است، وجود ندارد.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

۲۱۸۵ - ایالات متحده به عنوان یک موضوع کلی، مدعی است که ایران نتوانسته مدرک مستندی در تأیید جبران خسارت در ادعای ز-۱۳ ارائه کند. وفق اظهارات ایالات متحده، ایران به عنوان خواهان باید به نحوی مطمئن و مشخص از عهده بار اثبات ادعای خسارات خود برمی‌آمد. ایالات متحده تأکید می‌ورزد که ایران نه تنها باید نشان دهد متضرر شده، بلکه باید دقیقاً اثبات کند که آن زیان‌ها چه بوده است.

*ادعای محرومیت از استفاده*

۲۱۸۶ - ایالات متحده ادعا می‌کند که نه ایران و نه آقای سلامی به عنوان شاهد کارشناس ایران در ادعای محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳ مدرکی برای خساراتی که ایران مطالبه می‌کند ارائه نکرده‌اند. ایالات متحده مشخصاً استدلال می‌کند که ایران از ارائه موارد آتی قصور کرده است: (یک) مدرکی که نشان دهد در زمان‌های

---

[۱۱۶۸] *بنگرید به* بندهای ۱۹۸۸-۱۹۹۰ و ۲۱۱۷-۲۱۱۸، بالا.

ذی‌ربط تقاضائی مانند اجاره یا درخواست کرایه برای مواد ز-۱۳ وجود داشته است؛ (دو) مدرکی که نشان دهد تجهیزات جایگزین وجود نداشته است؛ (سه) مدارکی که درآمد واقعی حاصل از مواد ز-۱۳ را نشان دهد؛ یا (چهار) هر مدرکی که مؤید خسارت واقعی وزارت راه و ترابری باشد. ایالات متحده گزاره‌ای را که ایران ارائه داده، مبنی بر این‌که در ایران مدرکی در اختیار نبوده، نمی‌پذیرد. وفق اظهارات ایالات متحده، در عوض، ایران از به دست آوردن چنین مدارکی و ارائه آن‌ها به دیوان قصور ورزیده است.

**۲۱۸۷** - ایالات متحده در تأیید موضع خود به شهادت جلسهٔ استماع آقای لاوین استناد می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، آقای لاوین گواهی داد که آقای سلامی در ارزیابی خود هیچ‌یک از عناصر لازم برای اثبات ادعای محرومیت از استفاده را نه مورد توجه قرار داده و نه مستند کرده است.[۱۱۶۹]

**۲۱۸۸** - آقای لاوین شهادت داد که روش بازده خالص سرمایه که آقای سلامی به کار بسته می‌تواند برای تحلیل محرومیت از حق استفاده مورد بهره‌برداری قرار گیرد، اما فقط در صورتی که نشان داده شود که نرخ بازده سرمایه با سودی که دارایی مورد نظر کسب می‌کرد به نحو معقول قابل انطباق است.[۱۱۷۰]

**۲۱۸۹** - ایالات متحده در نتیجه‌گیری مدعی است که ادعای محرومیت از استفادهٔ ایران در مورد مواد ز-۱۳ خساراتی نظری است که بر پایه تصورات محاسبه شده است، و ربطی به از دست رفتن واقعی درآمد ندارد. بدین قرار، ایالات متحده معروض می‌دارد که ماهیت این سرفصل از ادعا به کلی مبتنی بر ظن و گمان است و باید مردود اعلام شود.

*ادعاهای «مخارج اضافی»*

---

[۱۱۶۹] *بنگرید به* بند ۲۰۰۱، بالا.

[۱۱۷۰] *بنگرید به* بند ۲۰۰۲، بالا.

۲۱۹۰- ایالات متحده کلاً مدعی است که ایران برای هر یک از ادعاهای «مخارج اضافی» باید این موارد را اثبات کند: (یک) که جز به دلیل نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده متحمل مخارج نمی‌شد، و (دو) میزان مخارج متحمله. ایالات متحده بر این موضع است که ایران در اغلب ادعاهای «مخارج اضافی» نتوانسته این موارد را نشان دهد.

۲۱۹۱- استدلال‌های ایالات متحده در ارتباط با مبالغ ادعائی ایران بابت بسته‌بندی مجدد مواد ز-۱۳ جهت حمل در دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] و مخارج انبارداری بعد از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، مشابه استدلال‌های ارائه‌شده در ادعاهای ز-۷ و ز-۸ است.

*تقلیل خسارات*

۲۱۹۲- ایالات متحده مدعی است که حتی اگر ایران خسارات ادعائی خود را می‌توانست به اثبات برساند، باز هم مستحق جبران خساراتی که به نحو معقول می‌توانست از آن‌ها احتراز کند نیست. در این ارتباط، ایالات متحده استدلال‌هایی مشابه با استدلال‌هایی که در ادعاهای ز-۸ و ز-۷ ارائه کرده بود ارائه می‌کند.

۲۱۹۳- ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که چون وزارت راه و ترابری از به عمل آوردن اقدامات معقول برای تقلیل خسارت خود قصور ورزیده است، حق ندارد جبران خسارات خود در ادعای ز-۱۳ را مطالبه کند.

*(پ) تصمیم دیوان*

*(یک) ادعای محرومیت از استفاده*

۲۱۹۴- تحت این سرفصل از ادعا، ایران خسارات وزارت راه و ترابری را مطالبه می‌کند که ادعا می‌شود ناشی از محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳ از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی که ایران ادعا می‌کند

نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده شروع شد، تا دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴]، زمانی که مواد ز-۱۳ به ایران حمل شد، می‌باشد.

**۲۱۹۵ -** با این‌حال، ایران ادله‌ای ارائه نکرده که نشان دهد مواد ز-۱۳ طی دورهٔ ذی‌ربط می‌توانست منافع یا بازدهی داشته باشد. ایران مدرکی هم ارائه نداده که نشان دهد که آیا طی آن دوره وزارت راه و ترابری متحمل مخارج اضافی برای جایگزینی مواد ز-۱۳ شده است یا خیر، یا این‌که آیا اموال جایگزینی در دسترس بوده است، یا خیر. ایران در عوض به شهادت آقای سلامی استناد می‌کند، که با اعمال روش بازده سرمایه خالص، خسارات را با اعمال نرخ بازده سرمایه مورد انتظار بر سرمایه معادل مبلغ پرداختی وزارت راه و ترابری بابت خرید مواد ز-۱۳ محاسبه کرده است.[۱۱۷۱]

**۲۱۹۶ -** وفق رویه دیوان، عدم النفع می‌تواند مورد حکم واقع شود، مشروط بر این‌که خواهان بتواند با قاطعیت کافی اثبات کند که چنین نفعی حاصل می‌شد.[۱۱۷۲] دیوان ادعاها بر عدم النفع در مواردی که خسارات ادعایی به نحوی غیرقابل قبول مبتنی بر ظن و گمان بوده‌اند را رد کرده است.[۱۱۷۳] مضافاً، دیوان در پروندهٔ *سدکو، اینک*.

---

[۱۱۷۱] *بنگرید به* بندهای ۱۹۷۷-۱۹۷۸، بالا.

[۱۱۷۲] *به عنوان نمونه بنگرید به ویلیام جی. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۵ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص ص ۱۹۱، ۲۰۹؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۶۷ (نسخه فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵]، نسخه انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۰.

[۱۱۷۳] *به عنوان نمونه بنگرید به ویلیام جی. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص ص ۱۹۱، ۲۱۰ (رد دعوا به این علت که خواهان با قطعیت کافی اثبات نکرد که طرح می‌توانست سودآور باشد)؛ *سیزموگراف سرویس کورپ و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۴۴۳-۴۲۰، بندهای ۳۰۶-۳۰۷ (اول دی ۱۳۶۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۸۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۲، ص ص ۳، ۸۰-۸۱ (رد جزئی ادعای عدم‌النفع زیرا میزان نفع مطالبه شدهٔ خواهان اغراق‌آمیز بود و دیوان آن را صرفاً بر پایه ظن و گمان تلقی کرد)؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۷۶ (نسخه فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵]، نسخه انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء

*علیه شرکت ملی نفت ایران*، معیارهایی برای اثبات ادعاها بر محرومیت از استفاده از دارایی‌های عینی وضع کرد.[۱۱۷۴]

**۲۱۹۷ -** دیوان با در نظر داشتن این پس‌زمینه، حکم می‌کند که ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳ با معیارهای جاافتاده در رویه این دیوان برای اثبات چنین ادعاهائی مطابقت ندارد. هر چند آقای سلامی ذی‌ربط بودن ملاک‌های تعیین‌شده توسط دیوان در *سدکو، اینک. علیه شرکت ملی نفت ایران* به منظور تحلیل ادعای محرومیت از درآمد را تصدیق می‌کند، اما او نتوانسته ادعای ایران بر محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳ را وفق آن معیارها به اثبات برساند. مهم‌تر آن‌که آقای سلامی نتوانست نشان دهد که آیا مواد ز-۱۳ طی دورهٔ زمانی مربوطه قاعدتاً می‌توانسته موجد منافعی باشند یا خیر. مضافاً، آقای سلامی در جلسات استماع شهادت داد که او از این امر ناآگاه بوده است که آیا وزارت راه و ترابری هیچ‌گاه برای خرید هرگونه جایگزین برای مواد ز-۱۳ تلاش کرده است یا خیر.

**۲۱۹۸ -** در پرتو مراتب پیش‌گفته، دیوان مقرر می‌دارد که خسارات ادعائی ایران بابت محرومیت از استفاده از مواد ز-۱۳ به نحو غیر قابل قبولی مبتنی بر ظن و گمان است. نتیجتاً، دیوان هم‌راستا با رویهٔ خود، ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده را به لحاظ فقد دلیل رد می‌کند.

*دو) ادعاهای «مخارج اضافی»*

*مخارج انبارداری*

---

دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۳-۲۰۴ (رد ادعای عدم النفع به دلیل عدم تکافوی دلیل چرا که خسارات ادعائی به نحو غیر قابل قبولی مبتنی بر ظن و گمان بود، و خواهان به قطعیت کافی اثبات نکرده بود که پروژه به سود منتج می‌شد).

[۱۱۷۴] *بنگرید به* بند ۲۰۳۷، بالا.

**۲۱۹۹ -** به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، دیوان مقرر می‌دارد که ایالات متحده بابت مخارج انبارداری مواد ز-۱۳ که به وزارت راه و ترابری تحمیل شد، تا ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱]، یعنی اولین تاریخی که در نبود نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده به تخمین دیوان وزارت راه و ترابری احتمالاً می‌توانست آن اقلام را به ایران حمل کند، در قبال ایران مسؤول نیست. از این رو ایالات متحده فقط بابت مخارج انبارداری متحمله توسط وزارت راه و ترابری پس از آن تاریخ و تا ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [پایان ژانویه ۱۹۸۴]، یعنی زمانی که مواد ز-۱۳ به ایران حمل شد، در مقابل ایران مسؤول است.

**۲۲۰۰ -** دیوان حکم می‌کند که بهترین ادلّه موجود در سوابق جهت تعیین مخارج ماهانه متحمله وزارت راه و ترابری بابت مواد ز-۱۳ مبلغی است که طی موافقت‌نامه حل و فصل ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] بین وزارت راه و ترابری و شیپ ساید مورد توافق قرار گرفت.[۱۱۷۵] وزارت راه و ترابری در موافقت‌نامه حل و فصل توافق کرد که بابت مخارج انبارداری از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ [اول مه ۱۹۸۰] تا ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] مبلغ ۱۶۸،۰۰۰ دلار آمریکا به شیپ ساید بپردازد. نتیجتاً، وزارت راه و ترابری توافق کرد که مخارج انباداری را با نرخ ماهانه ۳،۸۱۸/۱۸ دلار آمریکا به شیپ ساید پرداخت نماید. بدین‌قرار، بر این اساس دیوان مقرر می‌دارد که مجموع مخارج انبارداری متحمله توسط وزارت راه و ترابری پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [پایان ژانویه ۱۹۸۴]، مبلغ ۱۳۳،۶۲۳/۱۰ دلار آمریکا بوده است. نتیجتاً، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*مخارج بسته‌بندی مجدد*

---

[۱۱۷۵] *بنگرید به* بند ۵۶۲، بالا.

۲۲۰۱ - دیوان مقرر می‌دارد که در صورت عدم نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده، که سبب اصلی تأخیر در حمل مواد ز-۱۳ به ایران بود، آن اقلام بدون نیاز به پرداخت مخارج بسته‌بندی مجدد به وزارت راه و ترابری مسترد می‌شد. مواد ز-۱۳ در انبار سرپوشیده در بالتیمور نگه‌داری می‌شد. دیوان حکم می‌کند که از اواسط ۱۳۵۷ [نیمه دوم ۱۹۷۸]، یعنی زمانی که اقلام به شیپ ساید تحویل داده شد،[۱۱۷۶] و ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱]، چندان محتمل نبود که بسته‌بندی اولیه صادراتی مواد ز-۱۳ متحمل آسیب چشم‌گیری شده باشد و بدین ترتیب، مواد ز-۱۳ در آن زمان به میزان مهمی از بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد نیاز نداشت. در نتیجه، دیوان مقرر می‌دارد که ایران نباید متحمل هر گونه از کلیه مخارج بسته‌بندی مجدد آن اقلام شود. بند سوم موافقت‌نامه حل و فصل ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] بین وزارت راه و ترابری و شیپ ساید که مقرر می‌دارد نمایندگان وزارت راه و ترابری «معاینه اموال و نظارت بر جریان بسته‌بندی و انجام کارهای مقدماتی... توسط شیپ ساید» نمایند، نشانگر آن است که تا آن تاریخ، مواد ز-۱۳ در نتیجه تأخیر در حمل، نیازمند بسته‌بندی مجدد بود.

۲۲۰۲ - تنها مدرک موجود در سابقه از مخارجی که وزارت راه و ترابری بابت بسته‌بندی و جعبه‌گذاری مجدد مواد ز-۱۳ متحمل شده، فهرست هزینه‌های منضم به شهادت‌نامهٔ آقای محمودی است. این مدرک حاکی از آن است که مخارج بسته‌بندی مجدد مواد ز-۱۳ واقع در بالتیمور به ۴۴،۴۷۶ دلار آمریکا بالغ می‌شود. این مبلغ به نظر دیوان معقول می‌آید.

۲۲۰۳ - بدین‌قرار، دیوان مبلغ ۴۴،۴۷۶ دلار آمریکا بابت مخارج بسته‌بندی مجدد مواد ز-۱۳ به نفع ایران حکم می‌دهد.

*نتیجه‌گیری‌های کلی دیوان در خصوص ادعاهای «مخارج اضافی» ایران*

---

[۱۱۷۶] *بنگرید به* بند ۵۵۱، بالا.

۲۲۰۴ - اجمالاً، دیوان جمع مبلغ ۱۷۸،۰۹۹/۱۰ دلار آمریکا بابت ادعاهای «مخارج اضافی» به نفع ایران حکم می‌دهد.[۱۱۷۷]

*سه) تقلیل خسارات*

۲۲۰۵ - دیوان مفصلاً به بررسی مسئله تقلیل خسارات در ارتباط با ادعای ز-۸ پرداخته است.[۱۱۷۸] دیوان حکم می‌کند که استدلال‌هایی که در آن ارتباط ارائه کرده، چنان‌که در ادعای ز-۷ انجام داده، با اِعمال تغییرات لازم، در ادعای ز-۱۳ اِعمال می‌شود. خلاصه آن‌که به دلایلی مشابه با دلایل اظهار شده در سیاق ادعای ز-۸، دیوان می‌پذیرد که، طی دورهٔ بلافاصله پس از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، برای وزارت راه و ترابری معقول بود که جمع‌آوری اطلاعات راجع به مواد ز-۱۳ مدتی طول بکشد. وزارت راه و ترابری پس از دریافت اطلاعات در خصوص وضعیت و محل استقرار عمدهٔ مواد ز-۱۳ از طریق تلکس هوارد نیدلز تامن اند برگندوف در مرداد/شهریور ۱۳۶۰ [اوت ۱۹۸۱][۱۱۷۹] مشغول مذاکرات حل و فصل با شیپ ساید شد که نهایتاً به موافقت‌نامه حل و فصل ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] انجامید. دیوان توجه خود را به این نکته مبذول داشته است که آیا فاصله زمانی بین آغاز مذاکرات بین شیپ ساید و وزارت راه و ترابری در آبان/آذر ۱۳۶۰ [نوامبر ۱۹۸۱] و امضای موافقت‌نامه حل و فصل در ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] حاکی از قصور وزارت راه و ترابری در انجام اقداماتی در جهت تقلیل خسارات خود است یا خیر. دیوان حکم می‌کند که چنین نتیجه‌گیری‌ای در اوضاع و احوال مربوطه موجّه نیست زیرا وزارت راه و ترابری دلیل داشت در خصوص این‌که چه اقدامی محتاطانه و بی‌خطر است، مراقب و مردد باشد.[۱۱۸۰] وزارت راه و ترابری پس از امضای موافقت‌نامه حل و فصل با شیپ ساید

---

[۱۱۷۷] *بنگرید به* بندهای ۲۲۰۰ و ۲۲۰۳، بالا.

[۱۱۷۸] *بنگرید به* بند ۲۰۶۵ به بعد، بالا.

[۱۱۷۹] *بنگرید به* بند ۵۵۵، بالا.

[۱۱۸۰] *بنگرید به* بندهای ۲۰۷۱-۲۰۷۴، بالا.

در ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] عاجلاً عمل کرد و ترتیبات انتقال مواد ز-۱۳ تا ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [پایان ژانویه ۱۹۸۴] را به ایران فراهم آورد.

۲۲۰۶- به علاوه، هم‌راستا با یافته‌های دیوان در ادعاهای ز-۸ و ز-۷، معقول نبوده که چنین انتظاری وجود داشته باشد که وزارت راه و ترابری هزینه‌های انبارداری قبل از سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] را که به شیپ ساید بدهکار بود بی‌درنگ پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به منظور متوقف کردن خسارات پس از این تاریخ و با عنایت به تضمین آزادسازی فوری مواد ز-۱۳ توسط شیپ ساید، چنان‌که ایالات متحده استدلال کرده است، حل و فصل کند.[۱۱۸۱]

۲۲۰۷- در پرتو مراتب بالا، دیوان به دلایل مشابه با دلایل اظهار شده در ارتباط با ادعای ز-۸ حکم می‌کند که وزارت راه و ترابری منفعلانه بیکار ننشست، بلکه شماری از اقدامات معقول را به منظور حل مشکلات هر چند در قیاس با آن‌چه یک فعال تجاری آشنا با حقوق و عملکرد در ایالات متحده ممکن بود انجام دهد، با تردید و کندی بیشتر، به عمل آورد. به این دلایل، دیوان استدلال قصور ایران در تقلیل خساراتی که جبران آن‌ها در ادعای ز-۱۳ را مطالبه می‌کند نمی‌پذیرد.

*چهار) مجموع حکم دیوان در ادعای ز-۱۳*

۲۲۰۸- در نتیجه، دیوان جمع مبلغ ۱۷۸،۰۹۹/۱۰ دلار آمریکا در ادعای ز-۱۳ به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۱۸۱] *بنگرید به* بندهای ۲۰۷۰ و ۲۱۷۰، بالا.

(۶) اظهارات طرفین و ادله و مدارک شاهد کارشناس مشترک در ادعاهای

راجع به قطعات هواپیما

**۲۲۰۹ -** این بخش اظهارات طرفین و ادله و مدارک شاهد کارشناسی را خلاصه خواهد کرد که مشترک در چهار ادعا راجع به قطعات هواپیما است و دیوان در خصوص آن‌ها باید مورد جبران خسارت تعیین تکلیف کند.[۱۱۸۲]

*(الف) مقدمه*

**۲۲۱۰ -** ایران معروض می‌دارد که این دولت ابتدائاً کمیت ادعاهای خود را بر اساس هزینهٔ تخمینی جایگزینی قطعات هواپیما تعیین کرده و، جایی که مدرکی از هزینهٔ واقعی جایگزینی نداشته، «به عنوان امری حاکی از هزینهٔ جایگزینی این اقلام، تخمین‌هایی محافظه‌کارانه از ارزش بازار اموال مذکور در دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] ارائه کرده است.»

**۲۲۱۱ -** ایران همچنین قبل از جلسات استماع، به آقای جیمز گیلبی، «یک حساب‌دار دارای مجوز متخصص در ارزش‌گذاری» در مازارس ال‌ال‌پی، دستور داد که ارزش هر یک از ادعاهای ایران راجع به قطعات هواپیما را «به منظور توضیح معقول بودن هزینهٔ تخمینی جایگزینی آن‌ها» یا «معقول بودن ادعای اولیهٔ ایران»، بسته به مورد، در پرتو انتقادات ایالات متحده و آقای دوران مککللان از پی دبلیو سی، شاهد کارشناس آن دولت، تهیه نماید. آقای گیلبی گزارش کارشناس تسلیم نکرد امّا به عنوان شاهد ایران در جلسات استماع حاضر شد. به آقای گیلبی دستور داده شده بود که بابت هر یک از ادعاهای قطعات هواپیما «نظرات خود را در مورد آن‌چه که تخمینی معقول برای قیمت خرید اموال مربوطه در دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] است ارائه نماید» (یعنی ارزش جایگزینی

---

[۱۱۸۲] ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پلسی)، ادعاهای ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر و آسمان/گمرک ایالات متحده، ادعای ز-۱۳۱ (ایر تاکسی/پیدمونت)، و ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ)).

آن‌ها). به او همچنین دستور داده شد که با در نظر گرفتن شرایط اموال موضوع ارزش‌گذاری، «ارزش منصفانهٔ بازار قطعاتی را مدنظر قرار دهد که علی‌الإدعا از ایران دریغ داشته شده‌اند». متعاقب جلسات استماع، ایران همچنین تمام ارزش‌گذاری‌های آقای گیلبی را به عنوان ادعاهای جایگزین در جدول اختصاری دعاوی ایران ارائه نمود.

**۲۲۱۲-** همان‌طور که در بالا گفته شد، ایالات متحده آقای دوران مککللان را به عنوان شاهد کارشناس خسارات خود بابت ادعاهای قطعات هواپیمای ایران حاضر کرد. آقای مککللان یک ارزیاب رسمی است و اظهار داشت که بیش از ۳۰ سال است که به ارزش‌گذاری قطعات هواپیما اشتغال دارد. آقای مککللان همچنین سابقاً در ارتباط با هر یک از ادعاهای قطعات هواپیما گزارش تسلیم کرده است. به استثنای احتمالی ادعاهای ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲)، چنان‌که در زیر بحث شده،[۱۱۸۳] به آقای مککللان دستور داده شده که صرفاً ادعاهای خسارات ایران، شامل موارد مبتنی بر مدارک آقای گیلبی در جلسات استماع را ارزیابی کند.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*۱) ارزش جایگزینی*

**۲۲۱۳-** ایران در تأیید ادعاهای خود بابت ارزش جایگزینی قطعات هواپیما معروض می‌دارد که «کاملاً قابل پیش‌بینی بود که در صورت مضایقه شدن قطعات هواپیما، قطعات جایگزین باید خریداری می‌شد، در غیر این صورت ایران ایر و آسمان نمی‌توانستند پروازهای خود را انجام دهند».

**۲۲۱۴-** ایران همچنین در ارتباط با ادعاهای ایران ایر به ویژه معروض می‌دارد که برای ایران ایر ضروری بود که تمام قطعات هواپیمای مربوطه را به دلایل ایمنی و تقلیل خسارات خود جایگزین کند چرا که «بدون قطعات

---

[۱۱۸۳] *بنگرید به* بند ۲۲۸۹، زیر.

مربوطه، صلاحیت پرواز هواپیماهای ایران ایر تحت تأثیر قرار می‌گرفت». ایران همچنین معروض می‌دارد که زمانی که قطعات هواپیما جایگزین شد، ایران ایر مجبور بود به دلیل تورم و این‌که، به جهت وضعیت آن زمانِ ایران، تأمین‌کنندگان جدید «غالباً [ایران ایر] را با قیمت‌های بسیار بالا بدهکار کردند» بیش از آن‌چه در اواخر دهه ۱۳۵۰ [اواخر دهه ۱۹۷۰] پرداخت کرده بود، پرداخت کند. در این خصوص، ایران به شهادت‌نامه و شهادت در جلسهٔ استماع افراد آتی استناد می‌کند: (یک) آقای علی بخش احمدی، که از ۱۳۶۳/۱۳۶۴ تا ۱۳۸۵/۱۳۸۶ [۱۹۷۵ تا ۲۰۰۷] در بخش تدارکات خارجی ایران ایر، که مسؤول خرید و تعمیر قطعات یدکی بود، کار می‌کرد؛[۱۱۸۴] و (دو) شهادت‌نامهٔ آقای سعید مزلقانی، که از ۱۳۵۴/۱۳۵۵ تا ۱۳۷۲/۱۳۷۳ [۱۹۷۶ تا ۱۹۹۴] مدیر بخش صادرات ایران ایر بود.

**۲۲۱۵** - آقای گیلبی ضمن بازگشت به ادله و مدارک شاهد کارشناس در ادعاهای ایران بابت ارزش جایگزینی قطعات هواپیما اظهار داشت که او معمولاً «خواستار تأیید مبلغ خرج‌شده توسط ایران در جایگزینی قطعات» است و با ارجاع به «سفارش‌های خرید و مدارک پرداخت» چنین می‌کند. با این حال، آقای گیلبی توضیح داد که جایی که او «ناتوان از تأیید این امر بوده که آیا قطعات مذکور جایگزین شده‌اند یا قیمت یا هزینه‌ای که ایران در جایگزین کردن آن قطعات متحمل شده»، به ارزیابی ارزش جایگزینی بر مبنای این فرض پرداخته است که ایران قطعهٔ مربوطه را با قطعهٔ جدیدی جایگزین کرده است و بدین ترتیب «شرایط فیزیکی و واقعی دارایی مذکور را به هیچ وجه به حساب» نیاورده است.

**۲۲۱۶** - آقای گیلبی در زمان انجام ارزیابی‌های خود از ارزش جایگزینی قطعات هواپیما «به عنوان نو» اظهار می‌دارد که او راهنمایی صادرشده توسط شورای بین‌المللی استانداردهای ارزیابی در استاندارد ارزیابی IVS-220، که به ارزیابی «کارگاه‌ها و تجهیزات و اموال عینی» می‌پردازد، را مدنظر قرار داده است. وی نتیجه گرفت

---

[۱۱۸۴] *بنگرید به* بند ۵۸۶، بالا.

که در مورد رویکردهای بحث‌شده در آن استاندارد، استفاده از رویکرد هزینه، که نقطهٔ شروع را ارزش اولیه قطعات هواپیما در نظر می‌گیرد، مناسب‌ترین بود. آقای گیلبی همچنین اظهار داشت که به او دستور داده شده که برای این ارزیابی‌ها از تاریخ ارزیابی دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] استفاده کند.

۲۲۱۷- آقای گیلبی به منظور ارزیابی ارزش اولیه قطعات هواپیما اظهار داشت که او از قیمت ثبت‌شده در سفارش‌های خرید یا مدارک دیگر، جایی که در دسترس بوده، استفاده کرده است. با این‌حال، زمانی که چنین مدارکی از هزینه اولیه در دسترس نبود، آقای گیلبی اظهار داشت که او ارزش اولیه آن‌ها را با بالا بردن ارزش هزینه‌های تعمیر آن‌ها، که راهنمائی در این خصوص از جمله در شهادت‌نامهٔ آقای مزلقانی ارائه شده بود، تخمین زده است. به طور خاص، آقای گیلبی به اظهارات آقای مزلقانی مبنی بر این امر استناد کرده است که «اگر هزینه تعمیر یک قطعه از ۴۰٪ مدل جدید آن فراتر رود، برای تعمیر ارسال نخواهد شد». آقای احمدی در جلسات استماع تأیید کرد که این اظهارات با تجربه وی در ایران ایر سازگار است.

۲۲۱۸- آقای گیلبی مضافاً توضیح داد که زمانی که او ارزش اولیه قطعات هواپیما را شناسایی کرد یا تخمین زد، به شاخص‌گذاری آن ارزش با تاریخ ارزیابی خود در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با استفاده از شاخص قیمت تولید کننده (طبق نوع کالا) برای «هواپیما و تجهیزات هواپیما» (WPU142) پرداخت که توسط دفتر آمار کار ایالات متحده منتشر می‌شود («شاخص قیمت تولیدکننده برای هواپیما و تجهیزات هواپیما» ( Aircraft and Aircraft Equipment Producer Price Index)). آقای گیلبی همچنین اظهار داشت که او، جائی که اطلاعات دربارهٔ تاریخ(های) خرید اولیه در دسترس نبود، ارزش اولیه قطعات هواپیما را از ۱۱ دی ۱۳۵۶ [شروع ژانویه ۱۹۷۸] شاخص‌گذاری کرده است.

۲۲۱۹- آقای گیلبی همچنین این را مدنظر قرار داد که آیا ارزش قطعات هواپیما به واسطهٔ منسوخ بودن وسایل فنی تحت تأثیر قرار گرفته بوده است یا خیر. در این خصوص، او ملاحظه کرد که عمر فنی تمام قطعات هواپیما

مطابق «آن‌چه که تعدادی از شرکت‌ها تحت عنوان عمر اقتصادی مفید دارایی‌ها توصیف می‌کنند» باید ۱۲ سال باشد که او اظهار داشت «در اظهاریه‌های مالی تعدادی از هواپیمایی‌های بزرگ افشا شده است». او در خصوص نرخ استهلاک ملاحظه کرد که منسوخ بودن فنی قطعات هواپیما می‌تواند با استفاده از «منحنی S معکوس» مدل‌بندی شود زیرا «آن‌ها ارزش خود را برای مدت کمی حفظ خواهند کرد امّا سپس با عرضهٔ تکنولوژی جدید، به سرعت زیاد از ارزش آن‌ها کاسته می‌شود». او هرجا تاریخ فروش اولیه در دسترس نبوده، تعدیل خود بابت منسوخ بودن فنی را از دی/بهمن ۱۳۵۶ [ژانویه ۱۹۷۸] اعمال کرده است.

**۲۲۲۰ -** آقای گیلبی توضیح داد که او فکر نمی‌کرد که «میزانی که منسوخ بودن فنی، دارایی‌های مذکور را بین ۱۳۵۶/۱۳۵۷ و ۱۱ دی ۱۳۵۶ [۱۹۷۸ و شروع ژانویه ۱۹۸۱] [یعنی تاریخ ارزش‌گزاری او] تحت تأثیر قرار دهد ... زیاد باشد» اما علی‌رغم این، با ارائه طیفی از ارزش‌ها به دیوان، منسوخ بودن فنی را دخیل دانست. آقای گیلبی برای انتهای فوقانی طیف‌های ارزش خود، منسوخ بودن فنی را مدنظر قرار نداد و برای انتهای تحتانی چنین کرد. تعدیل‌های ویژه‌ای را که آقای گیلبی در موارد ارائه‌شده، به منظور تعیین ارزش‌های تحتانی در طیف‌های خود، استفاده کرده است، ذیلاً در ارتباط با ادعاهای مربوطه آورده شده است. این تعدیل‌ها به عنوان درصدهایی به دیوان ارائه شده است که باید بر ارزش اولیه در تاریخی مشخص در طول منحنی مورد استفادهٔ توسط آقای گیلبی اعمال شود.

**۲۲۲۱ -** نهایتاً، آقای گیلبی اظهار داشت که او جویای «ارزیابی یافته‌ها[ی خود] و تأیید نتیجه‌گیری‌ها[ی خود] برای هر یک از ادعاهای قطعات هواپیما از طریق تحقیق و مباحثات خود با آقای پیتر بول، یک شاهد کارشناس هواپیمایی که مدیر عامل هورایزن ایرسپیس در بریتانیا می‌باشد، شد.

*۲) ارزش منصفانهٔ بازار*

۲۲۲۲ - ایران معروض می‌دارد که اگر «دیوان تصمیم بگیرد که ایران ... صرفاً می‌توانسته مدعی اموال واقعی در وضعیت تعمیر و حالت آن‌ها باشد» دیوان باید بر ارزیابی آقای گیلبی از ارزش منصفانه بازار قطعات هواپیما در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اتکاء کند.

۲۲۲۳ - آقای گیلبی توضیح داد که ارزیابی او از ارزش منصفانه بازار با اعمال تنزیلی ۳۵ درصدی نسبت به ارزیابی او از ارزش جایگزینی «به عنوان نو» آن‌ها به منظور در نظرگرفتن وضعیت آن‌ها «ضمن شناسایی این واقعیت که دارایی مذکور، جدید نیست» حاصل شده است. آقای گیلبی توضیح داد که این فرض بر شهادت‌نامه آقای آر.سی. مور، رئیس وقت سرتیفاید ایرکرفت پارتس، فروشندهٔ قطعات هواپیما، که در پروندهٔ شماره ب-۶۱ تسلیم شد، مبتنی بوده است.

۲۲۲۴ - ایران همچنین اظهار داشت که در نبود مدارک صریح متعارض، فرض کرده که اقلام تعمیر نشده‌اند. آقای گیلبی اظهار داشت که او چنین اقلامی را «بر این مبنا که تعمیر شده‌اند» با تفریق هزینه‌های تعمیر مربوطه ارزش‌گذاری کرده است. در این خصوص، آقای گیلبی اظهار داشت که او شهادت آقای مور مبنی بر این که «ارزش اشاره‌ای قطعات تعمیرنشده [۲۵ درصد است]» را ملاحظه کرده است. با این‌حال، آقای گیلبی همچنین متذکر می‌شود که آقای مور مناسب ندیده که «چنین درصد جامعی» را در موردی که میزان کارهای تعمیر لازم متفاوت است اعمال کند. ایران توضیح داد که هرجا که آقای گیلبی مدرکی برای هزینه‌های تعمیر نداشته، او فرض کرده که آن‌ها باید معادل ۲۰ درصد از ارزش اولیه آن‌ها باشند.

۲۲۲۵ - نهایتاً، آقای گیلبی ارزیابی‌های جایگزینی از ارزش منصفانه بازار را ارائه کرد که برای این کار ارزش اولیه قطعات هواپیما را مبتنی بر این فرض تخمین زد که ایران قطعه‌ای را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد، مگر در صورتی‌که هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد (یعنی به جای ۴۰ درصد) از ارزش اولیه آن‌ها بوده باشد. در این

خصوص، ایران معروض داشت که «می‌توان فرض کرد که هزینه [تعمیر] چیزی بین ۱٪ و ۴۰٪ از قیمت خرید آن قطعه، یا میانگین ۲۰٪ از هزینه آن قطعات خریداری‌شده به عنوان نو خواهد بود».

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*۱) ارزش جایگزینی*

**۲۲۲۶ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که تمام ادعاهای ایران بابت ارزش جایگزینی قطعات هواپیما باید رد شود زیرا ایران هیچ مدرکی مبنی بر این که قطعات هواپیما واقعاً جایگزین شده‌اند تسلیم نکرده است.

**۲۲۲۷ -** ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که ایران، با خواستن ارزش قطعات جدید هواپیما در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱]، عملاً ارتقاء قطعاتی را مطالبه می‌کند که خواهان ارزش جایگزینی آن‌ها می‌باشد.

**۲۲۲۸ -** آقای مککللان، ضمن بازگشت به ادله و مدارک شاهد کارشناس، با آقای گیلبی توافق دارد که روش مناسب ارزش‌گذاری قطعات هواپیما رویکرد هزینه است امّا اظهار داشت که هرجا مدارک ارزش اولیه قطعات در دسترس نیست،[۱۱۸۵] مناسب‌تر است که از رویکرد بازار استفاده شود.

**۲۲۲۹ -** آقای مککللان در مورد اعمال رویکرد هزینه با روش آقای گیلبی مبنی بر تخمین ارزش اولیه قطعات با بالا بردن هزینه‌های تعمیر مخالف است. آقای مککللان اظهار داشت که این رویکرد به نتایج ناسازگار می‌انجامد و «بیش‌تر یک حدس تا یک حساب سرانگشتی» بوده است. به نظر آقای مککللان، هزینه‌های تعمیر صرفاً «نشانه‌ای از وضعیت» و نه «نشانه یا روشی به منظور ایجاد شاخص و روش رویکرد هزینه» می‌باشد. به همین ترتیب، ایالات متحده، بر اساس شهادت آقای مککللان، استدلال می‌کند که روش آقای گیلبی مبنی بر تخمین ارزش اولیه

---

[۱۱۸۵] ماجرا در ادعای تکمیلی ۵۵-(۲)، ادعای ز-۱۳۱، و ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) از این قرار است.

قطعات هواپیما «غیرقابل‌اعتماد است و گاهی به نتایج مهمل می‌انجامد». ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که قصور ایران در اثبات کافی ارزش اولیه قطعات هواپیما بدین معناست که هیچ مبنایی وجود ندارد که بر آن اساس، ارزش جایگزینی یا تحلیل ارزش منصفانه بازار بتواند انجام شود.

**۲۲۳۰** - با این حال، آقای مککللان با چند جنبهٔ دیگر روش آقای گیلبی موافق است. به عنوان نمونه، گرچه آقای مککللان در گزارش خود پیش‌نهاد استفاده از شاخص خدمات ارزش‌گذاری مارشال برای تولید قطعات هواپیما را داد، آقای مککللان اظهار داشت که معقول بود که آقای گیلبی برای شاخص‌گذاری ارزش اولیه قطعات مذکور تا تاریخ ارزش‌گذاری، از شاخص قیمت تولیدکننده برای هواپیما و تجهیزات هواپیما استفاده کند. به اضافه، به نظر می‌رسد که آقای مککللان با فرض‌های آقای گیلبی در خصوص تاریخی (یعنی دی ۱۳۵۶ [ژانویه ۱۹۷۸]) که از آن زمان، شاخص مذکور باید در موردی که تاریخ فروش اولیه در دسترس نبود اعمال می‌شد، مخالفت نکرد.

**۲۲۳۱** - نهایتاً، آقای مککللان لازم ندید که منسوخ بودن فنی را بابت قطعات هواپیمای مربوط به این ادعاها، به استثنای ظاهری یکی از سه فعّال‌کننده مربوط به ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پلسی) مدنظر قرار دهد. او توضیح داد که «منسوخ بودن فنی به چیزهایی ارجاع می‌دهد که به دلایل فنی، پیش‌رفت تکنولوژی، قطعهٔ مذکور مورد تغییر قرار گرفته است» و افزودکه، به اضافه منسوخ بودن فنی، رویکرد هزینه نیز با در نظر گرفتن استهلاک فیزیکی و منسوخ بودن اقتصادی به میان می‌آید، که پیش‌نهاد می‌دهد که این عناصر باید جداگانه مورد ملاحظه قرار گیرد. ایالات متحده، فارغ از نظرات ظاهری آقای مککللان در خصوص منسوخ بودن فنی، معروض داشت که «عوامل منسوخ بودن فنی ... آقای گیلبی می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد» و این‌که «کارشناسان بر [آن] نکته توافق دارند».

*۲) ارزش منصفانه بازار*

**۲۲۳۲ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که «هرجا دیوان نتیجه‌گیری کند که هزینه جایگزینی معقول احراز نشده، حداکثر جبران خسارتی که ایران می‌تواند دریافت کند، خسارات مستقیم به شکل ارزش منصفانه بازار در تاریخ نقض می‌باشد». با این‌حال، ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که ادعاهای ایران صرفاً می‌تواند مبتنی بر ارزش منصفانه بازار آن‌ها باشد در صورتی‌که ایران مدارک هزینه اکتساب اولیه آن‌ها را ارائه کرده بوده باشد. ایالات متحده، به نحو جایگزین، معروض می‌دارد که اگر دیوان ارزش اولیه قطعات هواپیمای استنادی ایران را بپذیرد، دیوان می‌تواند ترکیبی از رویکردهای مورد حمایت آقای گیلبی و آقای مککللان را به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها استفاده کند.

**۲۲۳۳ -** همان‌طور که در بالا گفته شد، آقای گیلبی به عنوان بخشی از روش خود در ارزیابی ارزش منصفانه بازار اقلام مذکور فرض کرد که یک قطعهٔ تعمیرشده می‌تواند ۶۵ درصد از ارزش اولیه خود را حفظ کند، و بنابراین او استهلاکی ۳۵ درصدی بر ارزیابی خود از ارزش «به عنوان نو»[۱۱۸۶] اعمال نمود. در این خصوص، آقای مککللان ملاحظه کرد که طیف ارزش‌هایی که معمولاً در صنعت مذکور اعمال می‌شود ۵۰ تا ۶۵ درصد است و بنابراین ۶۵ درصد آقای گیلبی در انتهای فوقانی آن طیف است. ایالات متحده، فارغ از ملاحظهٔ آقای مککللان معروض داشت که «تقلیل ۳۵ درصدی ... آقای گیلبی به منظور رسیدن به ارزش قطعه‌ای که تعمیر اساسی شده، می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد» و، مانند بالا، «کارشناسان بر [آن] نکته توافق دارند».

**۲۲۳۴ -** همان‌طور که در بالا گفته شد، آقای گیلبی اقلام تعمیرنشده را با تفریق هزینه‌های تعمیر ارزش‌گذاری کرد و، با توجه به تفاوت در هزینه‌های تعمیر، مناسب ندانست که فرض جامع و مشروط آقای مور را مبنی بر این که اقلام تعمیرشده صرفاً ۲۵ درصد از ارزش اولیه خود را حفظ کرده‌اند اعمال کند.[۱۱۸۷] با این‌حال، ایالات متحده

---

[۱۱۸۶] *بنگرید به* بند ۲۲۲۳، بالا.

[۱۱۸۷] *بنگرید به* بند ۲۲۲۴، بالا.

مدعی شد که قطعات تعمیرنشده باید «در وضعیت تعمیرنشده» مورد ارزش‌گذاری واقع شوند. در این خصوص، آقای مککللان اظهار داشت که به جهت تفاوت در هزینه‌های تعمیر، او نمی‌تواند دریابد که چگونه می‌توان «منحنی‌های قابل اعتمادی در خصوص قطعات تعمیر [شده] ایجاد کرد» و گفت که او «حساب سرانگشتی در صنعت مذکور» را اعمال می‌کرد مبنی بر این‌که «یک قطعهٔ تعمیرنشده، با برگه‌های اداری‌اش، می‌تواند ارزش ۲۵-۱۰ درصد از هزینهٔ آن را داشته باشد».

**۲۲۳۵ -** آقای مککللان مضافاً اظهار داشت که اگر رویکرد آقای گیلبی مورد پذیرش واقع شود، هزینه‌های تعمیر باید تا تاریخ نقض شاخص‌گذاری شود.

(۷) ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پلسی دینامیکس کورپ.)

*(الف) مقدمه*

**۲۲۳۶ -** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسؤولیت ایالات متحده محقق است».[۱۱۸۸] دیوان حکم می‌کند، و ایالات متحده می‌پذیرد،[۱۱۸۹] که در اوضاع و احوال مربوطه، بخش ۳۳۳- ۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال سه فعّال‌کننده‌ای که ایران قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] برای تعمیر به پلسی فرستاده بود - و نهایتاً سبب اصلی فروش آن‌ها در سال ۱۳۶۶/۱۳۶۷ یا ۱۳۶۷/۱۳۶۸ [۱۹۸۸ یا ۱۹۸۹] توسط پلسی به منظور وصول بخشی از مطالبات پرداخت نشده، بود. بدین‌قرار، ایالات متحده به دلیل نقض بیانیه عمومی مسؤول خسارات ایران می‌باشد.

---

[۱۱۸۸] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۱۸۹] *بنگرید به* بند ۷۹۳، بالا.

۲۲۳۷ - ایران مطابق جدول اختصاری دعاوی خود خواهان خسارات بر مبنای یکی از چهار ارزش‌گذاری جایگزین سه فعّال‌کننده است:

(یک) بین ۶۰،۸۲۸ دلار آمریکا و ۶۶،۷۹۷ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش جایگزینی به عنوان نو در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] است، محاسبه‌شده بر مبنای این فرض که اگر هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد ارزش اولیه قطعات بوده، ایران ایر قطعاتی برای تعمیر ارسال نمی‌کرد؛

(دو) بین ۳۱،۶۵۰ دلار آمریکا و ۳۴،۷۱۱ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش منصفانه بازار در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] است، محاسبه‌شده بر مبنای این فرض که اگر هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد ارزش اولیه قطعات بوده ایران ایر قطعاتی برای تعمیر ارسال نمی‌کرد؛

(سه) بین ۱۱،۸۸۱ دلار آمریکا و ۱۳،۰۳۰ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش منصفانه بازار در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] است، محاسبه‌شده بر مبنای این فرض که اگر هزینه‌های تعمیر بیش از ۴۰ درصد ارزش اولیه قطعات بوده، ایران ایر قطعاتی برای تعمیر ارسال نمی‌کرد؛ و

(چهار) ۹،۱۱۱ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد قیمتی است که پلسی به وزارت امور خارجه ایالات متحده اطلاع داد که سه فعّال‌کننده بابت آن فروخته شده‌اند.[۱۱۹۰]

۲۲۳۸ - ایران خواهان بهرهٔ مبلغ مورد حکم نیز می‌باشد.

---

[۱۱۹۰] *بنگرید به* بند ۷۹۲، بالا.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*(۱) ارزش جایگزینی*

**۲۲۳۹ -** آقای گیلبی مدرکی از ارزش اولیه سه فعّال‌کننده مربوط به این ادعا نداشت. بر این اساس، او تخمین‌های خود از ارزش اولیه آن‌ها را از اظهارات در تلکس ۱۰ اسفند ۱۳۶۱ [اول مارس ۱۹۸۳] پلسی به ایران ایر مبنی بر این‌که مجموع هزینه‌های تعمیر ۹،۸۹۳/۴۵ دلار آمریکا بوده، با استفاده از روش توصیف‌شده در بالا[۱۱۹۱] استنتاج کرد.

**۲۲۴۰ -** آقای گیلبی همچنین اظهار داشت که او ارزش فعّال‌کننده‌ها را در زمان شهادت خود بر مبنای شمارهٔ قطعهٔ آن‌ها شناسایی کرده است، که به او این اطمینان خاطر را داد که تخمین‌های او از ارزش اولیه مناسب بوده است.

**۲۲۴۱ -** زمانی‌که مدارک دال بر ارتقاء و همچنین تعمیر دو عدد از فعّال‌کننده‌ها به وی ارائه شد، آقای گیلبی شهادت داد که او هزینهٔ ارتقاء را مدنظر قرار نداده است زیرا برای او صرفاً یک ارزش واحد بابت هزینه ارتقاء و هزینهٔ تعمیر ارائه شده بوده است، و بنابراین او نمی‌توانسته میان آن دو تفکیک قائل شود. آقای گیلبی همچنین تأیید کرد که از آن‌جا که هزینه‌های تعمیر و ارتقاء دو عدد از فعّال‌کننده‌ها متفاوت بودند، تخمین او از هزینه اولیه آن‌ها نیز لزوماً متفاوت بود، فارغ از این‌که آن‌ها حاوی شماره‌های قطعه واحد بودند. با این حال، آقای گیلبی از رویکرد خود به عنوان «معقول‌ترین و مدبرانه‌ترین رویکرد جهت اتخاذ» دفاع کرد.

---

[۱۱۹۱] *بنگرید به* بند ۲۲۱۷، بالا.

۲۲۴۲ - آقای گیلبی با توجه به این‌که مدارک ارزش اولیه قطعات هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا در دسترس نبودند، به شاخص‌گذاری ارزش اولیه قطعات هواپیما از ۱۱ دی ۱۳۵۶ [شروع ژانویه ۱۹۷۸] پرداخت.

۲۲۴۳ - آقای گیلبی منسوخ بودن فنی را نیز از دی ۱۳۵۶ [ژانویه ۱۹۷۸] به دلایل گفته‌شده در بالا[۱۱۹۲] مدنظر قرار داد. دیوان متوجه است که انتهای تحتانی طیف ارزش‌های ارائه‌شده توسط آقای گیلبی برای این ادعا متناظر با یک بار کسر نُه درصدی بابت منسوخ بودن فنی است. با این‌حال، ایران همچنین اظهار می‌دارد که آقای گیلبی ملاحظه کرد که «حداکثر، منسوخ بودن فنی بر ارزش [سه فعّال‌کننده مذکور] تا ۵٪ تأثیر داشته است». ایران مضافاً معروض می‌دارد که «با توجه به این‌که اقلام مربوطه، قطعات هواپیمای مسافربری همچنان مورد استفاده در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] بوده‌اند، منسوخ بودن فنی احتمالاً بر ارزش قطعات مذکور تا سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] تا این مقدار (یعنی تا ۵ درصد] تأثیر نداشته است».

۲۲۴۴ - بدین ترتیب، آقای گیلبی بر مبنای این فرض که مگر این‌که هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد ارزش اولیه آن بوده، ایران یک قطعه را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد، تخمین زد که ارزش سه فعّال‌کننده «به عنوان نو» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بین ۶۰،۸۲۸ دلار آمریکا و ۶۶،۷۹۷ دلار آمریکا، بسته به میزانی که منسوخ بودن فنی بر ارزش آن‌ها تأثیر گذاشته باشد، بوده است.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

۲۲۴۵ - به دلایل گفته‌شده در بالا، آقای گیلبی ارزیابی‌های خود از ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده را با اعمال موارد آتی انجام داد: (یک) اعمال تخفیفی ۳۵ درصدی برای درنظر گرفتن وضعیت آن‌ها؛ و (دو) کسر

---

[۱۱۹۲] *بنگرید به* بندهای ۲۲۱۹–۲۲۲۰، بالا.

هزینه‌های تعمیر بابت دو فعّال‌کننده که در ۱۰ اسفند ۱۳۶۱ [اول مارس ۱۹۸۳] تعمیر نشده بوده است، یعنی ۸،۶۵۱/۴۵ دلار آمریکا.

**۲۲۴۶** - بدین ترتیب، بر اساس این فرض که جز در صورتی‌که هزینه‌های تعمیر بیش از ۴۰ درصد ارزش اولیه بوده، ایران یک قطعه را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد، در نظر آقای گیلبی، ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بین ۱۱،۸۸۱ دلار آمریکا و ۱۳،۰۳۰ دلار آمریکا، بسته به میزانی که منسوخ بودن فنی بر ارزش آن‌ها تأثیر گذاشته باشد، بوده است.

**۲۲۴۷** - بر اساس این فرض که جز در صورتی‌که هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد ارزش اولیه آن بوده، ایران یک قطعه را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد، در نظر آقای گیلبی، ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بین ۳۱،۶۵۰ دلار آمریکا و ۳۴،۷۱۱ دلار آمریکا، بسته به میزانی که منسوخ بودن فنی بر ارزش آن‌ها تأثیر گذاشته باشد، بوده است.

*۳) ثمن‌های فروش فعّال‌کننده‌ها در سال ۱۳۶۶/۱۳۶۷ یا ۱۳۶۷/۱۳۶۸ [۱۹۸۸ یا ۱۹۸۹]*

**۲۲۴۸** - همان‌طور که در بالا گفته شد، ایران به نحو جایگزین خواهان ۹،۱۱۱ دلار آمریکا است، مبلغی که پلسی اعلام کرد که سه فعّال‌کننده را در سال ۱۳۶۶/۱۳۶۷ یا ۱۳۶۷/۱۳۶۸ [۱۹۸۸ یا ۱۹۸۹] در قبال آن فروخته است.[۱۱۹۳] وفق اظهارات ایران، ارزیابی‌های آقای گیلبی از خسارات ایران در خصوص این ادعا «بسیار بالاتر» از ادعای اولیه ایران به مبلغ ۹،۱۱۱ دلار آمریکا است، و بدین ترتیب، ادعای اولیه ایران می‌تواند به عنوان یک «تخمین محافظه‌کارانه» توصیف شود.

---

[۱۱۹۳] *بنگرید به* بندهای ۷۹۲ و ۲۲۳۷، بالا.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*۱) ارزش جایگزینی*

**۲۲۴۹ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که هیچ مدرکی از معامله‌ای وجود ندارد که ایران ایر به واسطه آن علی‌الإدعا سه فعّال‌کننده را جایگزین کرده باشد.

**۲۲۵۰ -** ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که تاریخ ارزش‌گذاری برای این ادعا باید ۱۸ شهریور ۱۳۶۱ [نهم سپتامبر ۱۹۸۲] یعنی تاریخی باشد که پلسی در آن از انتقال سه فعّال‌کننده به جهت مقررات غیرقانونی خزانه‌داری امتناع کرد.

**۲۲۵۱ -** همان‌طور که گفته شد، آقای مککللان با روش آقای گیلبی مبنی بر تخمین ارزش اولیه قطعات با جمع بالا بردن هزینه‌های تعمیر مخالفت کرد و ملاحظه می‌کند که این روش به ارزش‌های متفاوتی برای دو فعّال‌کننده مورد اختلاف در این ادعا با شماره قطعه واحد، و ارزشی بالاتر برای فعّال‌کننده‌ای که خسارت بیش‌تری دیده، انجامیده است.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

**۲۲۵۲ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که خسارات ایران بابت سه فعّال‌کننده صرفاً در صورتی می‌توانست مبتنی بر ارزش منصفانه بازار در تاریخ نقض ایالات متحده باشد که ایران مدارک هزینه اکتساب اولیه آن‌ها را ارائه می‌داد.

**۲۲۵۳ -** همان‌طور که در بالا گفته شد، آقای گیلبی هزینه‌های تعمیر اعلان‌شده را از ارزش‌گذاری خود به منظور در نظر گرفتن این امر کسر کرد که دو عدد از فعّال‌کننده‌ها تعمیر نشده بوده است.[۱۱۹۴] در این خصوص، آقای مککللان شهادت داد که معلوم نیست که آیا قطعات مربوطه در این ادعا در تاریخ ارزش‌گذاری تعمیر شده بوده است یا خیر، و افزود که بدون این اطلاعات، معقول است که قطعات بر اساس این فرض ارزش‌گذاری شود که آن‌ها در وضعیتی تعمیرنشده بودند و بدین ترتیب صرفاً ۱۰–۲۵ درصد از ارزش اولیه آن‌ها حفظ شده است.

*۳) ثمن‌های فروش فعّال‌کننده‌ها در سال ۱۳۶۷/۱۳۶۶ یا ۱۳۶۸/۱۳۶۷ [۱۹۸۸ یا ۱۹۸۹]*

**۲۲۵۴ -** آقای مککللان در گزارش خود اظهار داشت که ایران «هیچ مؤیدی» بر ادعای اولیه خود به مبلغ ۹،۱۱۱ دلار آمریکا ارائه نکرده بوده، که همان‌طور که در بالا گفته شد، چنان‌که در نامه ۱۱ خرداد ۱۳۶۸ [اول ژوئن ۱۹۸۹] به وزارت امور خارجه ایالات متحده گزارش شده، مبتنی بر ارزشی بود که پلسی اظهار داشت که سه فعّال‌کننده را به آن ارزش فروخته بوده است. آقای مککللان همچنین در گزارش خود اظهار داشت که ادعای اولیه ایران «سرویس مرسوم لازم یا هرگونه تعدیلی در قطعات مربوط به وضعیت آن‌ها، انبار طولانی یا بلندمدت، آیین‌های نگه‌داری نامناسب، و عدم استفاده را در نظر نگرفته است». آقای مککللان مضافاً اظهار داشت که مبلغ بدهکاری به پلسی بابت تعمیرها باید تا تاریخ ارزش‌گذاری قبل از کسر از مبلغ مورد ادعا تعدیل شود. علی‌رغم این، ایالات متحده اظهار داشت که این مبلغ را به عنوان تخمینی مناسب از خسارات ایران می‌پذیرد زیرا مبتنی بر «یک قیمت بازار» بوده است.

---

[۱۱۹۴] *بنگرید به* بند ۲۲۴۵، بالا.

*(پ) تصمیم دیوان*

**۲۲۵۵ -** دیوان متذکر می‌شود که هیچ مدرکی از هزینه‌های واقعی جایگزینی سه فعّال‌کننده مربوط به این ادعا ارائه نشده است. در هر حال، دیوان حکم می‌کند که مناسب‌ترین معیار خسارات ایران ناشی از نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] است.

**۲۲۵۶ -** دیوان متذکر می‌شود که مدارکی مبنی بر این امر ارائه شده است که دو عدد از فعّال‌کننده‌ها در ۱۰ اسفند ۱۳۶۱ [اول مارس ۱۹۸۳] (یعنی تاریخ تلکس پلسی به ایران ایر) در شرایطی تعمیرنشده بوده است و فعّال‌کننده سوم تعمیر شده و آماده حمل بوده است. بنابراین، دیوان ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده را ضمن مدنظر قرار دادن شرایط فیزیکی آن‌ها، شامل وضعیت تعمیر آن‌ها، در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، با بهترین بهره‌گیری از مدارک در دسترس، ارزیابی خواهد کرد.

**۲۲۵۷ -** به عنوان مسئله‌ای مقدماتی، دیوان معتقد نیست که قیمتی که پلسی سه فعّال‌کننده را در سال ۱۳۶۷/۱۳۶۸ [۱۹۸۹] در قبال آن فروخته، مبنای قابل اعتمادی برای ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] باشد. تنها مدرک موجود در سابقه در ارتباط با آن فروش، نامهٔ ۱۱ خرداد ۱۳۶۸ [اول ژوئن ۱۹۸۹] پلسی به وزارت امور خارجه ایالات متحده است، که صرفاً اطلاع می‌دهد که پلسی در اجرای حق خود بر محدود کردن خسارات خود، سه فعّال‌کننده را به مبلغ ۹،۱۱۱ دلار آمریکا «به روشی از لحاظ تجاری معقول» فروخته است.[۱۱۹۵] بدین ترتیب، شرایط آن فروش نامعلوم است – به عنوان نمونه، این‌که آیا فروش در قالب یک حراج بوده و، اگر چنین بوده، آیا پیش‌نهاد دهندگان متعدد بودند یا خیر، آیا پلسی در میان آن‌ها بوده

---

[۱۱۹۵] *بنگرید به* بند ۷۹۲، بالا.

یا خیر، و آیا سه فعّال‌کننده قبل از حراج مورد ارزیابی مستقلی قرار گرفته است یا خیر. مضافاً، معلوم نیست که آیا پلسی ایران ایر را از فروش مطلع کرده بود یا خیر.

**۲۲۵۸ -** دیوان معتقد است که رویکرد هزینه، روش مناسب ارزیابی ارزش منصفانه بازار قطعات هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا است.[۱۱۹۶] وفق این رویکرد، ارزش اولیه قطعات هواپیما به عنوان نقطهٔ شروع گرفته می‌شود، و به منظور رسیدن به تخمین ارزش جایگزین قطعات هواپیما، آن ارزش تا هفتم اسفند **۱۳۵۹** [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] با در نظر گرفتن استهلاک شاخص‌گذاری می‌شود. پس از آن، به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار، کسورات مناسب بر ارزش جایگزینی تخمینی به منظور در نظر گرفتن وضعیت فیزیکی قطعات هواپیما در هفتم اسفند **۱۳۵۹** [۲۶ فوریه۱۹۸۱]، شامل این‌که آیا قطعات هواپیما در وضعیت تعمیرشده یا تعمیرنشده بوده‌اند، اعمال می‌شود.

**۲۲۵۹ -** مدارک هزینه اولیه سه فعّال‌کننده به دیوان ارائه نشده است. در این اوضاع و احوال، دیوان ارزش اولیه آن‌ها را ضمن بهترین بهره‌برداری احتمالی از مدارکی که در دسترس خود دارد تخمین خواهد زد. دیوان پس از مدنظر قرار دادن استدلال‌های طرفین و شاهدان کارشناس آن‌ها نتیجه می‌گیرد که، در پرتو اطلاعات محدود در پیش‌گاه خود، معقول‌ترین رویکرد، تخمین ارزش اولیه سه فعّال‌کننده بر اساس هزینه‌های تعمیر آن‌ها، همان‌طور که آقای گیلبی، شاهد کارشناس ایران پیش‌نهاد داد، می‌باشد.[۱۱۹۷] معقول است که فرض شود که نخست هزینه‌های تعمیر یک قطعهٔ هواپیما به ارزش کلی قطعه‌ای که تعمیر شده مربوط است، و دوم هزینه‌های تعمیر یک قطعه هواپیما چنان‌که آقای مککللان طی شهادت خود تأیید کرد، باید کم‌تر از ارزش بازار قطعه مذکور باشد.

---

[۱۱۹۶] *بنگرید به* بندهای ۲۲۱۶–۲۲۲۸، بالا.

[۱۱۹۷] *بنگرید به* بند ۲۲۱۷، بالا.

**۲۲۶۰ -** دیوان با شهادت آقایان مزلقانی و احمدی قانع شده است[۱۱۹۸] که ایران ایر به طور کلی اقلام را اگر هزینه تعمیر آن‌ها از ۴۰ درصد قیمت قطعهٔ جدید تجاوز می‌کرد، برای تعمیر ارسال نمی‌کرد.[۱۱۹۹] بدین ترتیب، دیوان می‌پذیرد که هزینه تعمیر یک قطعه هواپیما در محدوده بین یک و ۴۰ درصد قیمت قطعه مشابه و نو هواپیما می‌باشد. دیوان وفق اهداف این ادعا معقول می‌بیند که محافظه‌کارانه فرض کند که هزینه‌های تعمیر سه فعّال‌کننده ۴۰ درصد ارزش اولیه آن‌ها بوده است. دیوان آگاه است که ارزش‌گذاری مبتنی بر هزینه‌های تعمیر یک قطعه می‌تواند متضمن این معنا باشد که، هرچه هزینه‌های تعمیر آن بیش‌تر باشد، ارزش اولیه تخمینی قطعهٔ مذکور بیش‌تر خواهد بود. با این حال، در این ادعا، این فرض که هزینه‌های تعمیر سه فعّال‌کننده ۴۰ درصد ارزش اولیه آن‌ها به جای ۲۰ یا ۱۰ درصد بوده، این اعتراض را کاملاً خنثی می‌کند و این ضابطه را به آن‌چه که هست تقلیل می‌دهد: روش محافظه‌کارانه ارزش‌گذاری.

**۲۲۶۱ -** بر این اساس، بر پایهٔ مجموع هزینه‌های تعمیر اعلام‌شده توسط پلسی، یعنی **۹،۸۹۳/۴۵** دلار آمریکا،[۱۲۰۰] دیوان تخمین می‌زند که ارزش اولیه سه فعّال‌کننده **۲۴،۷۳۳/۶۳** دلار آمریکا بوده است.

**۲۲۶۲ -** پس از رسیدن به تخمین ارزش اولیه سه فعّال‌کننده، گام بعدی در ارزیابی دیوان از ارزش منصفانه بازار آن‌ها در هفتم اسفند **۱۳۵۹** [۲۶ فوریه **۱۹۸۱**] ارزیابی ارزش جایگزینی آن‌ها در آن تاریخ با اعمال شاخص مناسب و تعدیل استهلاک به جهت منسوخ‌بودن فنی می‌باشد. دیوان این فرض آقای گیلبی را می‌پذیرد که فعّال‌کننده‌ها در ۱۱ دی **۱۳۵۶** [اول ژانویه **۱۹۷۸**] خریداری شده‌اند.[۱۲۰۱]

---

[۱۱۹۸] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، پانوشت ۱۵۳ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۱۱۹۹] *بنگرید به* بند ۲۲۱۷، بالا.

[۱۲۰۰] *بنگرید به* بند ۷۹۰، بالا.

[۱۲۰۱] *بنگرید به* بند ۲۲۱۸، بالا.

۲۲۶۳- دیوان برای شاخص مذکور به شاخص قیمت تولیدکننده برای هواپیما و تجهیزات هواپیما استناد می‌کند که توسط شاهدان کارشناس هر دو طرف پذیرفته شد. شاخص در دی ۱۳۵۶ [ژانویه ۱۹۷۸] ۶۳/۱۰ بود و شاخص در بهمن ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] ۸۹/۴ بود، که حاکی از افزایشی ۴۱/۶۸ درصدی است.

۲۲۶۴- دیوان در خصوص استهلاک، مناسب می‌بیند که تعدیل ۹ درصدی آقای گیلبی به منظور در نظر گرفتن منسوخ بودن فنی را بپذیرد.[۱۲۰۲]

۲۲۶۵- بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که ارزش جایگزینی سه فعّال‌کننده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۳۲،۸۱۵/۵۴ دلار آمریکا می‌باشد.

۲۲۶۶- مضافاً، دیوان به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] باید کسورات مناسب از ارزش جایگزین آن‌ها به منظور در نظر گرفتن وضعیت فیزیکی آن‌ها در آن تاریخ، شامل وضعیت تعمیر آن‌ها، به عمل آورد. در این چهارچوب، دیوان متذکر می‌شود که آقای مککللان شهادت داد که تعدیل ۳۵ درصدی آقای گیلبی (به منظور در نظر گرفتن این واقعیت که سه فعّال‌کننده مذکور نو نبودند امّا تعمیر شده بوده‌اند) در محدوده ۳۵-۵۰ درصدی معمول بوده و این‌که ایالات متحده معروض داشت که چنین کسری قابل‌قبول است. بنابراین، دیوان کسری ۳۵ درصدی بر ارزش جایگزینی اعمال کرده است.

۲۲۶۷- نهایتاً، بر آن اساس که در ۱۰ اسفند ۱۳۶۱ [اول مارس ۱۹۸۳] صرفاً یک عدد از سه فعّال‌کننده تعمیر شده، دیوان مناسب می‌داند که مبلغ پرداخت‌نشدهٔ تعمیرها بابت دو فعّال‌کننده را کسر کند. هزینه‌های تعمیر بابت دو فعّال‌کننده دیگر ۸،۳۳۸/۹۵ دلار آمریکا بوده است.[۱۲۰۳] در حالی که دیوان متذکر نظر آقای مککللان می‌شود

---

[۱۲۰۲] *بنگرید به* بندهای ۲۲۱۹-۲۲۲۰ و ۲۲۴۳، بالا.

[۱۲۰۳] *بنگرید به* بند ۷۹۰، بالا.

که هزینه‌های تعمیر باید شاخص‌گذاری شود، هیچ یک از طرفین راهنمایی‌ای برای دیوان در خصوص تعدیلی که باید انجام شود یا تاریخی که تعدیل مذکور باید از آن اعمال شود، ارائه نداده‌اند.

**۲۲۶۸** - بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان نتیجه می‌گیرد که ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۱۲،۹۹۱/۸۰ دلار آمریکا بوده است.

*نتیجه‌گیری*

**۲۲۶۹** - دیوان مبلغ ۱۲،۹۹۱/۸۰ دلار آمریکا در خصوص این ادعا بابت ارزش منصفانه بازار سه فعّال‌کننده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] به نفع ایران حکم می‌کند.

(۸) ادعاهای ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر/گمرک ایالات متحده)

*(الف) مقدمه*

**۲۲۷۰** - دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۲۰۴] دیوان حکم کرده است که ایالات متحده ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص ۱۵ عدد از ۱۷ قطعه هواپیمای مربوط به این دو ادعا می‌باشد.[۱۲۰۵] دیوان حکم می‌کند و ایالات متحده می‌پذیرد که در اوضاع و احوال مربوطه، بخش ۳۳۳- ۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال آن ۱۵ قطعه هواپیما به ایران بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده برای خسارات وارده به ایران در نتیجهٔ نقض بیانیه عمومی آن دولت دارای مسؤولیت است.

---

[۱۲۰۴] حکم شمارهٔ ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ص ۱۳۹.

[۱۲۰۵] *بنگرید به* بندهای ۵۹۶-۵۹۷، بالا.

۲۲۷۱ - ایران بر اساس جدول اختصاری دعاوی خود، خواهان خسارات بر مبنای یکی از دو ارزش‌گذاری جایگزین ۱۷ قطعه هواپیمایی‌ای می‌باشد که مورد اختلاف بوده است:

(یک) بین ۱۵،۴۵۶ دلار آمریکا و ۲۴،۶۷۳ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش منصفانه بازار آن‌ها است؛ و

(دو) ۷۹،۵۹۱ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش جایگزینی آن‌ها است.

۲۲۷۲ - ایران خواهان بهره مبلغ مورد حکم نیز می‌باشد.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*۱) ارزش جایگزینی*

۲۲۷۳ - ادعای ایران بابت ارزش جایگزینی ۱۷ قطعه هواپیما، یعنی ۷۹،۵۹۱ دلار آمریکا، مبتنی بر سفارش‌های خرید و سایر مدارک مورخ میان سال ۱۳۶۰/۱۳۶۱ و ۱۳۶۴/۱۳۶۵ [۱۹۸۲ و ۱۹۸۶] می‌باشد. آقای گیلبی شهادت داد که او مدارک خریدهای جایگزینی تسلیم‌شده توسط ایران را بازبینی کرده و راضی شده است که ادعای ایران به مبلغ ۷۹،۵۹۱ دلار آمریکا نشان دهندهٔ «هزینه‌ای است که ایران در خرید قطعات مشابه ... تا سال ۱۳۶۰/۱۳۶۱یا ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۲ یا ۱۹۸۳]، پس از دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] متحمل شده است».

۲۲۷۴ - ایران در پاسخ به القائات ایالات متحده مبنی بر این‌که خریدهای جایگزینی ارجاع‌شده توسط ایران به جهت دورهٔ زمانی میان نگه‌داری قطعات مذکور توسط گمرک ایالات متحده و تاریخ‌های روی سفارش‌های خرید برای قطعات مربوط به این ادعا نبوده‌اند، با ارجاع به شهادت آقای احمدی توضیح داده است که ایران ایر

نمی‌توانسته کالاهای مفقود را بلافاصله جایگزین کند زیرا برای آن دولت ممکن نبود که با شرکت‌های آمریکایی به تجارت بپردازد. وفق اظهارات آقای احمدی، ایران همچنین نمی‌توانست تأییدیه‌های لازم برای استفاده از قطعات مذکور را کسب کند زیرا آن‌ها را صرفاً می‌شد از مقام هوانوردی فدرال ایالات متحده در آن زمان کسب نمود.

**۲۲۷۵** - ایران همچنین، مجدداً بر اساس شهادت آقای احمدی، توضیح می‌دهد که «برای ایران ایر بسیار مشکل بود که قطعات جایگزین را بخرد» و این‌که «قطعات معمولاً صرفاً زمانی به آن شرکت فروخته می‌شد که هواپیمای آن AOG [یعنی «هواپیمای غیرقابل پرواز»] ... و غیرقابل استفاده بود». با این حال، ایران با توصیف ایالات متحده از تمام خریدهای قطعات جایگزین از لوفتانزا به عنوان خریدهایی که در وضعیت‌های اورژانسی (با قیمت‌های «بسیار بالا»)، در زمان بودن هواپیما در حالت غیرقابل پرواز، صورت گرفته، مخالف است. به عنوان نمونه، ایران ملاحظه می‌کند که صورت‌حساب اول آذر ۱۳۶۱ [۲۲ نوامبر ۱۹۸۲] که این دولت به آن بابت هزینه جایگزینی دو ژیروسکوپ سرعت (قطعه شماره ۲۵۸۵۸۰۱) استناد می‌کند، اظهار می‌دارد «خواهشمند است به ایران ایر فرانکفورت برای ارسال به تهران، ایران حمل شود» که حاکی از آن است که هواپیماهای مربوطه به سبب نیاز به قطعات مندرج در آن سفارش خرید، خارج از ایران، غیرقابل پرواز نبودند. ایران همچنین به مدارکی ارجاع می‌دهد که به نظر ایران نشان‌دهندهٔ این است که تمام قطعات فهرست‌شده در آن سفارش در واقع به تهران حمل شده‌اند. ایران مضافاً استدلال می‌کند که ایالات متحده با پذیرش ادعای ایران بابت هزینه جایگزینی یک قطعهٔ جایگزین شده در سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳][۱۲۰۶] پذیرفته است که هواپیماهای ایران «بلافاصله در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] غیرقابل پرواز نشده‌اند».

---

[۱۲۰۶] *بنگرید به* بند ۲۲۸۶، زیر.

۲۲۷۶ - نهایتاً، ایران معروض می‌دارد که نگرانی‌های ایالات متحده دربارهٔ زمان‌بندی خریدهای جایگزینی از طریق تاریخ‌هایی که بهره از آن‌ها اعمال می‌شود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

۲۲۷۷ - آقای گیلبی به منظور تعیین ارزش اولیه ۱۷ قطعه هواپیما وفق اهداف ارزیابی ارزش منصفانه بازار خود اظهار داشت که او بر سفارش‌های خرید ۱۳ مورد از ۱۷ قطعات هواپیما اتکا کرده است.[۱۲۰۷] آقای گیلبی بابت سایر چهار قطعه هواپیما[۱۲۰۸] اعلام کرد که او بر قیمت‌های فهرست‌شده در ضمیمهٔ نامه‌ای مورخ هشتم آذر ۱۳۷۵ [۲۸ نوامبر ۱۹۹۶] از آقای هوشنگ خلیلی، یکی از کارکنان ایران ایر، متعاقب حراج قطعات مزبور، اتکا کرده است. آقای خلیلی در این نامه اعلام کرد که قیمت‌های فهرست‌شده در ضمیمه مذکور نشان‌دهندهٔ ارزش قطعات به مبلغ مجموعاً ۳۰،۲۸۳ دلار آمریکا هستند. آقای گیلبی اظهار داشت که او با این رویکرد موافق بود زیرا، به استثنای یک مورد که به تفاوتی به مبلغ ۲۰۰ دلار آمریکا بالغ می‌شود، ارزش‌های ارائه‌شده توسط آقای خلیلی کم‌تر از قیمت اعلام‌شده در سفارش‌های خرید در دسترس بوده است.

۲۲۷۸ - آقای گیلبی به منظور شاخص‌گذاری ارزش اولیه قطعات هواپیما اظهار داشت که او شاخص قیمت تولیدکننده برای هواپیما و تجهیزات هواپیما، معرفی‌شده در بالا، را از دی ۱۳۵۵ تا ۲۹ دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۷۷ تا ژانویه ۱۹۸۱] اعمال کرد. در حالی که آقای گیلبی تصدیق کرد که او ادله و مدارکی دال بر تاریخ‌های خرید اولیه را داشته، و این‌که برخی از سفارش‌های خرید به سال ۱۳۵۳/۱۳۵۴ [۱۹۷۵] برمی‌گشته، توضیح داد که او

---

[۱۲۰۷] قطعات شماره آر۲۰-۲۵۰-جی۸۳۱ (۱ رگولاتور)، ۱-۲۸۰۰ (۱ رگولاتور)، SEL-OC3A (۱ نشانگر)، الف-۰۹-۱۱۳-۹ (۱ مدول)، الف۷۰۲بی‌ال۱۵۲ (۱ نشانگر)، ۳۵۳-۳۹ (۲ شیر)، ۲ام۲۲۶اوسی۶۱اف (۲ شیر)، ۲۵۸۵۸۰۱ (۲ ژیروسکوپ سرعت)، ۰۲-۸۹۱۷۷۸ (۱ کپسول)، و ۴-۳۰۷۱-۱۰ (۱ منبع تغذیه جریان سوخت).

[۱۲۰۸] قطعات شماره ۷پی۹۴-۶۰۵۵۲-۱۰ (۲ کلید)، ۱۲۴۶۴۵ (۱ شیر)، و ۲-۱۰۴۷۰ (۱ تلمبه).

دی ۱۳۵۵ [ژانویه ۱۹۷۷] را برای تمام ۱۷ قطعه هواپیما استفاده کرده است زیرا او «تلاش کرد تا رویکردی معقول و محتاطانه برگزیند».

۲۲۷۹- نهایتاً، ایران استدلال ایالات متحده، بحث‌شده در زیر، مبنی بر این امر را رد می‌کند که ارزش اعلام‌شده توسط ایران در بارنامه‌های هوایی در زمانی که قطعات هواپیما به ایالات متحده حمل شد باید به عنوان مبنای گمانه‌زنی معقول از ارزش منصفانه بازار آن‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مورد استفاده واقع شود. وفق اظهارات ایران، دیوان نباید بر این ارزش‌ها اتکاء کند زیرا هیچ عوارض گمرکی بر اقلام موضوع تعمیر و استرداد اعمال نمی‌شود، و ممکن است که ایران هم تعهدی به گزارش‌دادن ارزش اقلام یا تعمیرات آن‌ها، بسته به مورد، در زمان حمل آن‌ها نداشته است. ایران مضافاً معروض می‌دارد که این امر توضیح می‌دهد که چرا آقای احمدی «درباره ارزش‌هایی که به صورت تاریخی به گمرک ایالات متحده اعلام شده این قدر بی‌دغدغه» بود.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*۱) ارزش جایگزینی*

۲۲۸۰- ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعای اصلی ایران به مبلغ ۷۹،۵۹۱ دلار آمریکا بابت ارزش جایگزینی باید رد شود زیرا، با یک استثناء، ایران اثبات نکرده است که سفارش‌های خرید استنادی آن دولت «واقعاً خریدهای جایگزینی بابت اموال در این پرونده هستند» زیرا «آن‌ها بسیار دیر انجام شده‌اند ... یا آن‌ها به وضوح خریدهای اورژانسی از سایر هواپیمایی‌ها، و نه خریدهای صورت‌گرفته در سیر عادی امور ایران ایر می‌باشند».

۲۲۸۱- به طور ویژه، ایالات متحده ملاحظه می‌کند که ده عدد از قطعات جایگزینی ادعایی از لوفتانزا کسب شده‌اند، که «یک تأمین‌کنندهٔ قطعات یا تولیدکنندهٔ تجهیزات اولیه نمی‌باشد». ایالات متحده استدلال می‌کند که

این خریدها خریدهای عادی نبوده‌اند زیرا آقای احمدی اظهار داشته بوده است که زمانی که قطعه‌ای مورد نیاز و هواپیما در نتیجه غیرقابل پرواز می‌بود، مبلغ اضافی باید به منظور کسب قطعه ضروری مذکور پرداخت می‌شد. آقای مککللان نظر داد که قطعات جایگزین که در چنین اوضاع و احوالی خریداری شد، به طور معمول در سه تا ۱۵ برابر قیمت رایج قیمت‌گذاری می‌شد و قیمت‌های منعکس در صورت‌حساب‌های لوفتانزا را «بیش از اندازه» محسوب می‌کرد. ایالات متحده یادآور می‌شود که آقای احمدی شهادت داد که «تمام خریدهای لوفتانزا غیرقابل پرواز بوده» و، بر این اساس، معروض می‌دارد که خریدهای لوفتانزا «خریدهای جایگزینی معقول» نبوده‌اند.

**۲۲۸۲** - ایالات متحده همچنین ادعای ایران، توصیف شده در بالا،[۱۲۰۹] مبنی بر این امر را رد می‌کند که برخی از خریدهای لوفتانزا در شرایط غیرقابل پرواز صورت نگرفته‌اند زیرا مدارکی وجود دارد که قطعات مذکور در حال حمل به تهران بوده‌اند. وفق اظهارات ایالات متحده، این مدارک صرفاً نشان می‌دهد که هواپیمای مذکور، پس از تعمیر، باید به تهران به قصد بازگشت پرواز می‌کرد.

**۲۲۸۳** - ایالات متحده همچنین ملاحظه می‌کند که سه عدد از سایر سفارش‌های خرید استنادی ایران از ۱۳۶۳/۱۳۶۴ و ۱۳۶۴/۱۳۶۵ [۱۹۸۵ و ۱۹۸۶] بوده‌اند، یعنی چندین سال پس از تاریخ نقض ادعایی ایالات متحده، که حاکی از آن است که آن‌ها نمی‌توانند، با توجه به شهادت آقای احمدی مبنی بر این‌که خریدهای جایگزینی به سرعت انجام شده، مربوط به قطعات جایگزینی مربوط باشند. بدین ترتیب، ایالات متحده معروض می‌دارد که این سفارش‌های خرید باید مربوط به خریدهای انجام شده توسط ایران ایر برای قطعهٔ مشابهی باشد.

**۲۲۸۴** - ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که دیوان باید صرفاً بر مدارک هزینه‌های جایگزینی ایران اتکا کند اگر اعتقاد دارد که «هیچ خرید دیگری برای آن قطعات رخ نداده، که هیچ صورت‌حساب دیگری هرگز

---

[۱۲۰۹] *بنگرید به* بند ۲۲۷۵، بالا.

وجود نداشته است». با این‌حال، ایالات متحده معروض می‌دارد که در پرتو اظهارات آقای احمدی مبنی بر این که «اطلاعات هزینه دربارهٔ هر قطعهٔ جداگانه» حفظ می‌شد، به نظر ایالات متحده نشان‌دهندهٔ این است که ایران صرفاً بالاترین قیمت را از فایل‌های خود به دیوان ارائه داده است، دیوان نباید چنین کند. در همین ارتباط، ایالات متحده معروض می‌دارد که بازار جهانی برای قطعات یدکی نو و کارکرده تا سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] در دسترس ایران بوده، و این‌که ایران نباید بابت خرید قطعات جدید در مواردی که قطعات کارکرده نیز در دسترس بوده، مورد جبران خسارت واقع شود. آقای مککللان به همین نحو شهادت داد که قطعات یدکی برای «هواپیماهای بوئینگ سری اولیه» در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] به طور گسترده در دسترس بود.

۲۲۸۵ - ایالات متحده همچنین صحت ادله و مدارک آقای خلیلی از برخی خریدهای جایگزینی ادعایی را مورد سؤال قرار می‌دهد زیرا او وکیل ایران ایر، نه کارشناس ارزش‌گذاری یا کسی بوده است که در بخش قطعات یدکی ایران ایر کار کرده باشد.

۲۲۸۶ - با این حال، ایالات متحده می‌پذیرد که مدارک استنادی ایران بابت خرید سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۳] قابل اعتماد است و این‌که، یک رگولاتور (قطعه شماره ۱-۲۸۰۰۰) در نتیجه، هزینه جایگزینی (یعنی ۲،۹۹۰ مارک آلمان یا ۱،۲۲۵/۹۰ دلار آمریکا) بابت آن قطعه قابل جبران است.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

۲۲۸۷ - ایالات متحده معروض می‌دارد که از آن‌جا که ایران نتوانسته اثبات نماید که معاملات جایگزینی معقولی منعقد کرده است، دیوان صرفاً باید به خسارات مبتنی بر ارزش منصفانه بازار قطعات هواپیما حکم دهد. دیوان فرض می‌گیرد که این اظهارات بر رگولاتور (قطعه شماره ۱-۲۸۰۰) که ایالات متحده بابت آن، مدارک ایران را در خصوص هزینه جایگزینی آن در سال ۱۳۶۱ [۱۹۸۳] پذیرفته است، اعمال نمی‌شود.

**۲۲۸۸ -** ایالات متحده مدعی است که تنها اطلاعات قابل اعتماد و مربوط موجود در سابقه بابت سایر قطعات، ارزش اعلامی ایران در بارنامه‌های هوائی در زمان حمل قطعات هواپیما می‌باشد، و افزود که این ارزش‌ها پس از شاخص‌گذاری به تاریخ ارزش‌گذاری «می‌تواند به عنوان معقول‌ترین تقریب در دسترس [از ارزش منصفانه بازار آن‌ها] کفایت کند». ایالات متحده معروض می‌دارد که دیوان باید این ارزش‌ها را بپذیرد زیرا: (یک) ایران ایر باید به واسطه قانون، تخمین دقیق هم‌زمانی از ارزش قطعات ارسالی به ایالات متحده فراهم می‌کرد؛ (دو) ارزش‌گذاری‌های بارنامه‌های هوائی حداقل «به نظر می‌رسد که [توسط] متخصصین فنی و مهندسین در انبارهای ایران ایر [فراهم آمده است]؛» و (سه) آقای مزلقانی در آن زمان تأیید کرد که این ارزش‌گذاری‌ها دقیق بوده‌اند.[۱۲۱۰] بر این مبانی، ایالات متحده معروض می‌دارد که دیوان باید شهادت آقای احمدی مبنی بر این امر را رد کند که ارزش‌های گمرک منعکس کنندهٔ ارزش‌های واقعی قطعات هواپیما نبوده است. آقای مککللان همچنین ملاحظه می‌کند که به طور کلی، این ارزش‌های گمرک ۱۵ درصد از مقادیری هستند که ایران مدعی است که هزینه‌های اکتساب اولیهٔ قطعات هواپیما می‌باشند.

**۲۲۸۹ -** نهایتاً، بر خلاف سایر ادعاهای قطعات هواپیما، ایالات متحده ارزش‌گذاری جایگزینی از خسارات ایران فراهم آورده است. آقای مککللان در خصوص این ارزش‌ها شهادت نداده است، امّا ایالات متحده اظهار می‌دارد که آن‌ها مطابق روش آقای گیلبی با استفاده از ارزش‌های گمرک به عنوان یک مبنا و رویکرد آقای

---

[۱۲۱۰] ایالات متحده متذکر می‌شود که اعلامیه استاندارد به شرح زیر قرائت می‌شود:

> حمل‌کننده گواهی می‌دهد که جزئیات بر روی این مدرک درست است، با شرایط مندرج در پشت این مدرک موافقت می‌کند، قبول می‌کند که مسؤولیت حمل‌کننده به نحو اعلام شده در [بند] ۴(پ) پشت این مدرک محدود است و چنین ارزشی را می‌پذیرد مگر این‌که ارزش بالاتری بابت حمل بر روی این مدرک اعلام شده باشد که مشمول مخارج اضافی خواهد بود، و تا محدوده‌ای که هر بخشی از محموله شامل اقلام کنترل شده‌ای باشد، چنین بخشی به صورت صحیح با ذکر نام توصیف شده و در وضعیت مناسبی برای حمل هوائی می‌باشد. همچنین، ماده ۲۲۱ قانون گمرک ایران فراگیر الزام مشابهی می‌باشد، یعنی این‌که مالک کالا باید ارزش آن کالا را بابت صادرات اعلام نماید، که ارزش مزبور آن‌گاه توسط مقامات گمرک کنترل خواهد شد.

مککللان نسبت به هزینه‌های تعمیر (یعنی، این که یک قلم تعمیرشده صرفاً ۱۰–۲۵ درصد ارزش اولیهٔ آن ارزش دارد) مورد محاسبه قرار گرفته‌اند. ایالات متحده برای ارزش‌گذاری به تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و عدم شمول دو قطعه هواپیما که در قرض بوده یا قطعهٔ هواپیمایی که ایالات متحده در مورد آن ادله و مدارک هزینه‌های جایگزینی ایران را پذیرفته است، معروض می‌دارد که ارزش منصفانه بازار ۱۴ قطعه هواپیمای باقی‌مانده بسته به تعدیل انجام شده به جهت این واقعیت که قطعات تعمیر شده است، بین ۴،۲۲۷ دلار آمریکا و ۱۰،۵۶۸ دلار آمریکا می‌باشد.

*(پ) تصمیم دیوان*

*(یک) ارزش جایگزینی*

**۲۲۹۰ -** سفارش‌های خرید و مدارک دیگری مورخ بین سال‌های ۱۳۶۰/۱۳۶۱ و ۱۳۶۴/۱۳۶۵ [۱۹۸۲ و ۱۹۸۶] در خصوص ادعای اولیه ایران به مبلغ ۷۹،۵۹۱ دلار آمریکا به عنوان ارزش واقعی جایگزینی ادعایی ۱۷ قطعه هواپیمای مربوط به این ادعا به دیوان ارائه شده است.[۱۲۱۱] دیوان متذکر می‌شود که هزینه‌های جایگزینی ادعایی دو قطعهٔ هواپیمای در قرض به مبلغ ۳،۷۷۶ دلار آمریکا بالغ می‌شود.

**۲۲۹۱ -** دیوان پس از بازبینی دقیق مدارک در دسترس معتقد است که آن‌ها نمی‌توانند به عنوان مبنای قابل اعتمادی برای محاسبهٔ غرامت استحقاقی ایران مورد استفاده قرار گیرند. دیوان به جهت زمان زیادی که میان نگه‌داری قطعات هواپیما توسط گمرک ایالات متحده و خریدهای انعکاس یافته در این مدارک نمی‌تواند بپذیرد که ادعای ایران، یعنی این که خریدهای مذکور به منظور جایگزینی قطعات هواپیمای مربوط به این ادعا انجام شده‌اند، اثبات شده است. هماطور که ایالات متحده متذکر شد، برخی از مدارک حاوی تاریخ از ۱۳۶۳/۱۳۶۴ و

---

[۱۲۱۱] *بنگرید به* بند ۲۲۷۳، بالا.

۱۳۶۴/۱۳۶۵ [۱۹۸۵ و ۱۹۸۶]، سایرین از سال ۱۳۶۱/۱۳۶۲ [۱۹۸۳]، یعنی سه تا شش سال پس از ارسال قطعات هواپیما برای تعمیر در مهر و آبان ۱۳۵۸ [اکتبر و نوامبر ۱۹۷۹] می‌باشند.

**۲۲۹۲** - مضافاً، دیوان قانع شده است که اکثر خریدهای جایگزینی ادعایی راجع به خریدها از لوفتانزا در اوضاع و احوالی بوده است که هواپیمای مربوطه به جهت نیاز به قطعه جایگزین نتوانسته پرواز کند. دیوان شهادت آقای مککللان را می‌پذیرد که خریدهای انجام شده در چنین اوضاع و احوالی گران‌تر از خریدهای عادی بوده است. دیوان همچنین شهادت آقای مککللان مبنی بر این امر را می‌پذیرد که قطعات هواپیمای مربوطه به سادگی در بازار قابل دسترس می‌بود.

**۲۲۹۳** - در این اوضاع و احوال، دیوان ادعای ایران بر اساس هزینه‌های واقعی جایگزینی ادعایی را رد می‌کند.

**۲۲۹۴** - نهایتاً، دیوان به عنوان امری اصولی، متذکر می‌شود که حتی اگر بپذیرد که مدارک در دسترس، ادلهٔ جایگزینی قطعات خاص نگه‌داری‌شده توسط گمرک ایالات متحده هستند، دادن دستور بر غرامت از طریق جبران هزینه‌های اعلام‌شده در آن‌ها به غرامتی به مراتب بیش از زیان واقعی وارده به واسطهٔ نقض منتهی خواهد شد. زیانی که از نگه داشتن قطعات هواپیما ناشی شده، محرومیت از قطعات استفاده‌شدهٔ نیازمند تعمیر بوده است. هزینه‌های جایگزینی علی‌الفرض به واسطهٔ قطعات نو، که اکثر آن‌ها سال‌ها بعد به مبالغ بالایی خریداری شد، نمی‌تواند به عنوان خسارت حاصل از نقض ایالات متحده قلمداد شود.

**۲۲۹۵** - دیوان قبولی هزینه‌های جایگزینی ادعایی خوانده (یعنی ۲،۹۹۰ مارک آلمان) بابت یکی از ۱۵ قطعه هواپیما که در این ادعا مورد اختلاف باقی می‌ماند، یک رگولاتور با شمارهٔ قطعه ۱-۲۸۰۰۰ را مدنظر قرار می‌دهد. با این حال، از آن جا که دیوان همین اواخر به عنوان امری اصوالی اعلام کرده است که هزینه‌های جایگزینی

موجد خسارت مستقیم حاصله از نقض ایالات متحده در این ادعا نیست، اکنون خودسرانه به نظر می‌رسید که هزینه‌های جایگزینی برای یک قطعه هواپیما بر مبنای قبولی خوانده تعیین شود.

**۲۲۹۶** - بنابر مراتب بالا، دیوان حکم می‌کند که خسارات قابل پرداخت به ایران باید بر ارزش منصفانه بازار ۱۵ قطعه هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] مبتنی شود.

*(دو) ارزش منصفانه بازار*

**۲۲۹۷** - دیوان در خصوص این استدلال ایالات متحده که مبالغ اعلام شده در بارنامه‌های هوائی باید به عنوان مبنای ارزیابی دیوان از ارزش منصفانه بازار مورد استفاده قرار گیرد، نخست متذکر می‌شود که ارزش‌های اعلام شده در بارنامه‌های هوائی و صورت‌حساب‌های حمل موجود در سابقه به طرز معتنابهی با ارزش‌های اعلام شده در سفارش‌های خرید اولیه در دسترس متفاوت است. به عنوان نمونه، یکی از شیرها (شماره قطعه ۳۵۳-۳۹) در سال ۱۳۵۳ [۱۹۷۴] به مبلغ ۲،۴۵۶/۴۳ دلار آمریکا خریداری شده امّا در بارنامه هوائی ۸۰۰ دلار آمریکا ارزش‌گذاری شد. دیوان همچنین متذکر توضیح ایران می‌شود که چون قطعات هواپیمایی مربوطه باید به ایران مسترد می‌شد، هیچ عوارض گمرکی قابل پرداخت نبود. بر این اساس، دیوان می‌پذیرد که ارزش‌های اعلام شده در بارنامه‌های هوایی هیچ اهمیتی برای فرستندگان نداشت، و بنابراین، هیچ توجه خاصّی به ارزش‌های ذکر شده در فرم‌های گمرک ایالات متحده یا ایران ایر نمی‌شد. چنان که به نحو قانع‌کننده‌ای در شهادت‌نامهٔ آقای مزلقانی آمده، ارزش‌های منعکس شده در بارنامه‌های هوائی مبتنی بر قیمت تعیین شده توسط بخش فنی و انبارها هستند. بخش صادرات سپس جمله‌ای به این معنا اضافه می‌کرد که قیمت صرفاً برای اهداف گمرکی اعلام شده است. بدین ترتیب، دیوان قانع شده است[۱۲۱۲] که ارزش‌های اعلام‌شده در بارنامه‌های هوائی و صورت‌حساب‌های حمل

[۱۲۱۲] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، پانوشت ۱۵۳ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

به عنوان تقریب قابل اعتماد ارزش منصفانه بازار مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و نمی‌تواند به عنوان مبنایی برای پرداخت غرامت به ایران مورد استفاده قرار گیرد.

**۲۲۹۸** - دیوان معتقد است که رویکرد هزینه روش مناسبی برای ارزیابی ارزش قطعات هواپیما است و ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن قطعات هواپیما را با در نظر گرفتن شرایط فیزیکی آن‌ها، شامل وضعیت تعمیر آن‌ها، در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، با انجام بهترین استفاده از مدارک در دسترس، صورت خواهد داد. طرفین موافقت دارند که قطعات هواپیمای مربوطه در آن زمان مورد استفاده قرار گرفته و در شرایط تعمیرنشده بوده‌اند.

**۲۲۹۹** - بدین ترتیب، دیوان ارزش اولیه قطعات هواپیما را به عنوان نقطه شروع می‌گیرد، آن هزینه را با استفاده از شاخص قیمت تولیدکننده برای هواپیما و تجهیزات هواپیمائی شاخص‌گذاری می‌کند، و به منظور در نظر گرفتن منسوخ بودن فنی برای رسیدن به ارزیابی هزینه جایگزینی قطعات مذکور در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] به تعدیل می‌پردازد. پس از آن، دیوان تعدیل‌های مناسب را به منظور در نظر گرفتن وضعیت فیزیکی قطعات هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۳]، شامل تخمین هزینه‌های تعمیر، به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها به عمل می‌آورد.

**۲۳۰۰** - در خصوص ارزش اولیه قطعات هواپیما، سفارش‌های خرید یا صورت‌حساب‌های اولیه بابت ۱۱ عدد از ۱۵ قطعهٔ هواپیما به دیوان ارائه شده است[۱۲۱۳] امّا دیوان نتوانسته سفارش‌های خرید را بابت چهار قطعهٔ هواپیمای باقی‌مانده شناسایی کند.[۱۲۱۴] برای نه عدد از این ۱۱ قطعه، ارزش‌های فراهم آمده توسط آقای خلیلی یا مساوی یا

---

[۱۲۱۳] این مدارک برای ۱۱ قطعه هواپیما در دسترس و حاوی شماره قطعات آتی است: ۱- ۲۸۰۰۰ (۱ رگولاتور)، ۷پی۹۴-۶۰۵۵۲-۱۰ (۲ کلید)، ۳۵۳-۳۹ (۲ شیر)، اف۶۱ سی اُو۲۲۶ ام۲ (۲ شیر)، ۲-۱۰۴۷۰ (۱ تلمبه)، ۲۵۸۵۸۰۱ (۲ ژیروسکوپ سرعت)، و ۰۲-۸۹۱۷۷۸ (۱ کپسول).

[۱۲۱۴] مدارک هزینه اولیه چهار قطعه هواپیما حاوی شماره قطعات آتی به دیوان ارائه نشده است: آر۲۰-۲۵۰-جی۸۳۱ (۱ رگولاتور)، SEL-OC3A (۱ نشانگر)، الف-۰۹-۱۱۳-۹ (۱ مدول)، و الف۷۰۲ البی۱۵۲ (۱ نشانگر). سفارش خرید استنادی ایران تحت

پایین‌تر از قیمت مستندشده می‌باشد. ارزش ارائه شده توسط آقای خلیلی برای دو قطعهٔ دیگر کمی بالاتر از قیمت مستندشده بود.[۱۲۱۵] بر این اساس، دیوان معتقد است که می‌تواند بر قیمت‌های داده‌شدهٔ آقای خلیلی به عنوان تقریبی محافظه‌کارانه از ارزش اولیه قطعات هواپیما در مواردی اتکاء کند که مدارک مستقیم هزینه اولیه در دسترس نیست. مجموع قیمت‌های فراهم آمدهٔ آقای خلیلی برای چهار قطعه مذکور ۹،۷۰۴ دلار آمریکا است. دیوان برای سایر ۱۱ عدد از ۱۵ قطعه هواپیما مدارک در دسترس از هزینه اولیه آن‌ها را استفاده خواهد کرد، که منعکس‌کنندهٔ مجموع هزینه‌ای به مبلغ ۲۰،۰۴۹/۸۶ دلار آمریکا است. بدین ترتیب، دیوان مبلغ ۲۹،۷۵۳/۹۶ دلار آمریکا را به عنوان تخمین خود از ارزش اولیه ۱۵ قطعه هواپیما استفاده خواهد کرد.

**۲۳۰۱ -** پس از رسیدن به تخمینی از ارزش اولیه ۱۵ قطعه هواپیما، گام بعدی ارزیابی ارزش جایگزینی در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۳] با اعمال شاخص و تعدیل مناسب بابت منسوخ بودن فنی است. دیوان در انجام این کار فرض می‌گیرد که تمام ۱۱ قطعهٔ هواپیما در تاریخ مشابهی، ۱۱ دی ۱۳۵۵ [اول ژانویه ۱۹۷۷] خریداری شده‌اند. مدارک در دسترس نشان می‌دهد که قطعات هواپیما بین خرداد/تیر ۱۳۵۳ [ژوئن ۱۹۷۴] و تا دیرهنگامی اسفند ۱۳۵۵/فروردین ۱۳۵۶ [مارس ۱۹۷۷] خریداری شده‌اند. با این حال، دیوان کافی می‌داند که فرض محافظه کارانهٔ آقای گیلبی را بپذیرد و نقطهٔ شروع را ۱۱ دی ۱۳۵۵ [اول ژانویه ۱۹۷۷] بداند.

**۲۳۰۲ -** دیوان در خصوص شاخص، مجدداً به شاخص قیمت تولیدکننده برای هواپیما و تجهیزات هواپیما که توسط کارشناسان شاهد هر دو طرف پذیرفته شد، اتکاء می‌کند. شاخص در دی/بهمن ۱۳۵۵ [ژانویه ۱۹۷۷] ۵۸/۳ و در بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] ۸۹/۴ بود که افزایشی ۵۳/۳۴ درصدی را نشان می‌دهد.

---

عنوان «مدرک خرید نشانگر U.CAEE (قطعه شماره SEL-OC3A)» ناخوانا بود و بدین ترتیب، دیوان قادر نبود به شناسایی قطعه مذکور و هزینهٔ مربوطه‌اش بپردازد.

[۱۲۱۵] هزینه اولیه دو ژیروسکوپ سرعت (قطعه شماره ۲۵۸۵۸۰۱) ۸۶۰ دلار آمریکا بود و قیمت داده‌شدهٔ آقای خلیلی برای آن قطعات ۸۸۲ دلار آمریکا بود.

**۲۳۰۳ -** نه آقای گیلبی و نه ایران تعدیل استفاده شدهٔ آقای گیلبی بابت این ادعا به منظور در نظر گرفتن منسوخ بودن فنی را شناسایی نکرده‌اند، امّا آقای گیلبی اعلام کرد که او منحنی استهلاک و عمر فنی مشابهی برای تمام قطعات هواپیما در نظر گرفته است. دیوان در پرتو تعدیل‌های ۹ درصدی اعمال‌شده توسط آقای گیلبی در خصوص ادعاهای تکمیلی ۵۵-(۲) و ۵۶-(۲)، و دورهٔ کمی طولانی‌تری که قطعات هواپیمای مربوط به این ادعا در حال استهلاک بود (یعنی دی/بهمن ۱۳۵۵ [ژانویه ۱۹۷۷] به عنوان نقطهٔ شروع، به جای دی/بهمن ۱۳۵۶ [ژانویه ۱۹۷۸]) مناسب می‌بیند که تعدیلی دوازده درصدی اعمال نماید.[۱۲۱۶]

**۲۳۰۴ -** بدین ترتیب، دیوان حکم می‌کند که ارزش جایگزینی ۱۵ قطعه هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۴۲،۰۵۵/۶۷ دلار آمریکا بوده است.

**۲۳۰۵ -** مضافاً، دیوان به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار ۱۵ قطعهٔ هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] باید به منظور در نظر گرفتن وضعیت فیزیکی آن‌ها در آن تاریخ، شامل وضعیت تعمیر آن‌ها کسرهای مناسب از ارزش جایگزینی آن‌ها به عمل آورد. در این سیاق، دیوان متذکر می‌شود که آقای مککللان شهادت داده و ایالات متحده معروض داشته است که تعدیل ۳۵ درصدی آقای گیلبی (در این ادعا، ۱۴،۷۱۹/۴۸ دلار آمریکا) ابزاری قابل قبولی برای در نظرگرفتن این امر بوده است که ۱۵ قطعهٔ هواپیما نو نبوده بلکه تعمیر شده بوده‌اند. دیوان در مورد وضعیت تعمیر با تأسف متذکر می‌شود که ایران نتوانسته سفارش‌های تعمیر مربوط به قطعات هواپیمایی را ارائه کند که می‌توانست دیوان را قادر سازد که به ارزیابی وضعیت تعمیر قطعات مذکور بپردازد. مدارک مبنی بر این‌که قطعات مربوطه واقعاً تعمیر شده‌اند نیز به دیوان ارائه نشده است. بدین ترتیب،

---

[۱۲۱۶] *بنگرید به* بندهای ۲۲۱۹-۲۲۲۰ و ۲۲۴۳، بالا.

دیوان مناسب می‌بیند که فرض گیرد که آن‌ها تعمیر نشده‌اند و یک کسر ۳۰ درصدی دیگری به منظور در نظر گرفتن هزینه‌های تعمیر اعمال می‌کند (۱۲،۶۱۶/۷۰ دلار آمریکا).

**۲۳۰۶ -** بنابر مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که ارزش منصفانه بازار در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۳] ۱۵ قطعه هواپیما ۱۴،۷۱۹/۴۸ دلار آمریکا بوده است.

*(سه) نتیجه‌گیری*

**۲۳۰۷ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان مبلغ ۱۴،۷۱۹/۴۸ دلار آمریکا بابت این ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۹) *ادعای ز-۱۳۱ (ایرتاکسی/پیدمونت آوییشن اینک.)*

*(الف) مقدمه*

**۲۳۰۸ -** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسؤولیت ایالات متحده محقق است».[۱۲۱۷] دیوان حکم کرده است که ۱۴۸ قطعهٔ هواپیمای مورد اختلاف در واقع به واسطهٔ بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری مستثناء از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ بوده‌اند، و این که نتیجتاً، ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را در خصوص آن قطعات نقض کرده است.[۱۲۱۸] دیوان حکم می‌کند که، در اوضاع و احوال مربوطه، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال ۱۴۸ قطعه هواپیما به ایران- و نهایتاً، فروش آن‌ها در حراج در فروردین/اردیبهشت ۱۳۶۰ [آوریل ۱۹۸۱] بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده به دلیل نقض تعهد خود ذیل بیانیه عمومی مسؤولیت جبران خسارات ایران را دارد.

---

[۱۲۱۷] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۲۱۸] *بنگرید به* بند ۶۳۱، بالا.

**۲۳۰۹ -** ایران بر اساس جدول اختصاری دعاوی خود خواهان خسارات بر مبنای یکی از سه ارزش‌گذاری جایگزین ۱۴۸ قطعه هواپیما می‌باشد:

(یک) بین ۱۴۸،۴۱۹ دلار آمریکا و ۱۶۲،۷۷۶ دلار آمریکا که ایران معروض می‌دارد بسته به میزان در نظر گرفتن منسوخ بودن فنی، «ارزش تخمینی اموال به عنوان نو در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد»؛

(دو) ۱۵۲،۴۲۱ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش جایگزینی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] است؛ یا

(سه) بین ۹۶،۴۷۲ دلار آمریکا و ۱۰۵،۸۰۵ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش منصفانه بازار اموال تعمیرشده در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد.

**۲۳۱۰ -** ایران خواهان بهرهٔ مبلغ مورد حکم نیز می‌باشد. دیوان متذکر می‌شود که ایران در جدول اختصاری دعاوی خود، ادعای خود بر حداقل ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت زیان ناشی از عدم استفاده از چهار هواپیمایی را داخل نکرد که این دولت معروض می‌دارد به جهت عدم استرداد برخی از ۱۴۸ قطعه هواپیما نمی‌توانستند پرواز کنند و در نتیجه با موشک‌های عراق نابود شده‌اند. علی‌رغم این، از آن‌جا که این ادعا در جلسات استماع بحث شد، دیوان در زیر به این ادعا پرداخته است.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*۱) ارزش جایگزینی*

**۲۳۱۱ -** ایران اظهار می‌دارد که نتوانسته مدارک قیمت خرید اولیه ۱۴۸ قطعه هواپیما را به دست آورد. در نتیجه، ایران به تخمین ارائه شده توسط آقای شیرازی، که در بالا معرفی شد،[۱۲۱۹] استناد می‌کند، که به شهادت او با گرفتن میانگین قیمت‌هایی محاسبه شد که قطعات مشابهی در گذشته خریداری شده بود و می‌توانست در زمان فراهم آمدن تخمین او خریداری شود. آقای شیرازی تخمین زد که «هزینه قطعات خریداری شده به عنوان نو در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸]» باید تقریباً ۱۲۰،۷۰۰ دلار آمریکا بوده باشد.

**۲۳۱۲ -** در حالی‌که آقای شیرازی تخمینی از ارزش جایگزینی ۱۴۸ قطعه هواپیما را در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] با اعمال «شاخص‌گذاری مبتنی بر نرخ بین‌المللی تورم» فراهم آورد، ایران نیز معروض داشت که شاخص‌گذاری ارزش اولیه قطعات مذکور هم می‌توانست بر مبنای شاخص قیمت تولید کنندهٔ هواپیما و تجهیزات هواپیما انجام شود.[۱۲۲۰] آقای شیرازی با استفاده از معیار اول، که او اظهار می‌دارد ۱۱/۲۸ درصد برای سال ۱۳۵۷/۱۳۵۸ [۱۹۷۹] و ۱۳/۴۸ درصد برای سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] بود، تخمین زد که ارزش جایگزینی ۱۴۸ قطعه هواپیما در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ۱۵۲،۴۲۱ دلار آمریکا بوده است. ایران با استفاده از معیار دوم، معروض می‌دارد که ارزش جایگزینی ۱۴۸ قطعه هواپیما در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ۱۶۲،۷۷۶ دلار آمریکا بوده، امّا ایران این ارزش‌گذاری جایگزین از ادعای خود بابت ارزش جایگزین را در فهرست اختصاری دعاوی خود ارائه نداده است.

**۲۳۱۳ -** نقطه شروع آقای گیلبی به منظور ارزیابی ادعای ایران بابت ارزش جایگزینی ۱۴۸ قطعهٔ هواپیما مبتنی بر تخمین آقای شیرازی تشریح‌شده در بالا، تخمین آقای شیرازی از ارزش اولیه آن‌ها در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] بود. آقای گیلبی اظهار داشت که او با آقای بول، معرفی‌شده در بالا،[۱۲۲۱] به منظور ارزیابی تخمین آقای شیرازی

---

[۱۲۱۹] *بنگرید به* بند ۶۰۶، بالا.

[۱۲۲۰] *بنگرید به* بند ۲۲۱۸، بالا.

[۱۲۲۱] *بنگرید به* بند ۲۲۲۱، بالا.

مشورت کرده است. آقای گیلبی بر اساس این مشورت نتیجه گرفت که از ۱۴۸ قطعهٔ هواپیما، «قطعات دارای ارزش زیاد... واقعاً پروانه‌ها هستند». در حالی‌که آقای گیلبی نتوانست قیمت ۱۷ پروانه را در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] شناسایی کند، او اظهار داشت که توانسته قیمت آن‌ها را در سال ۱۳۹۱/۱۳۹۲ [۲۰۱۳] (بین ۱۵،۰۰۰ دلار آمریکا و ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا) بر مبنای فهرست قیمت صادرشده توسط هارتزل، تولیدکننده آن‌ها شناسایی کند. آقای گیلبی اظهار داشت که امروز کم‌تر از نصف قیمت ۱۷ پروانه «به نحو قابل توجهی بیش از» تخمین آقای شیرازی از ارزش جایگزینی ۱۴۸ قطعه هواپیما در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بوده است. آقای گیلبی همچنین اظهار داشت که او تحلیل مشابهی بابت سایر قطعات مورد اختلاف در این ادعا نیز انجام داده است.

**۲۳۱۴** - ایران اظهار داشت که ارزیابی آقای گیلبی از ارزش جایگزینی بر مبنای روش توصیف‌شده در بالا تا جایی که به شاخص‌گذاری و استهلاک مربوط است بین ۱۴۸،۴۱۹ دلار آمریکا و ۱۶۲،۷۷۶ دلار آمریکا بوده است، بسته به میزانی که منسوخ بودن فنی بر ارزش آن‌ها تأثیر گذاشته باشد.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

**۲۳۱۵** - ایران معتقد است که از زمان اعلامیهٔ فروش اموال شخصی، مورخ هفتم فروردین ۱۳۶۰ [۲۷ مارس ۱۹۸۱] با توجه به یادداشت‌های «OH» (بازبینی‌شده)، «RP» (تعمیرشده)، «IR» (غیرقابل تعمیر)، و «CL&LB» (تمیز و روغن‌کاری شده) در فهرست مربوطهٔ قطعات،[۱۲۲۲] ۱۳۰ عدد از ۱۴۸ قطعه هواپیما تعمیر، بازبینی، یا تمیز شده بوده است. با این حال، فارغ از شهادت آقای شیرازی مبنی بر این‌که آسمان معمولاً کپی‌های متعددی، از جمله، از سفارش‌های تعمیر تهیه می‌کرد، هیچ مدرکی از این قبیل در سابقه وجود ندارد.

---

[۱۲۲۲] *بنگرید به* بند ۶۱۱، بالا.

۲۳۱۶ - دیوان بر اساس این شهادت و یادداشت موجود در ارائهٔ ایران در جلسات استماع مبنی بر این که ارزیابی آقای گیلبی برای «اف ام وی (تعمیر شده)» ((FMV (Repaired)) بوده، فرض می‌گیرد که آقای گیلبی ۳۵ درصد از ارزیابی خود از ارزش جایگزینی قطعات مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، طرح‌شده در بالا، به منظور در گرفتن این امر که ۱۴۸ قطعه هواپیما در آن تاریخ نو نبوده‌اند، کسر کرده است.

۲۳۱۷ - بدین ترتیب، از نظر آقای گیلبی، ارزش منصفانه بازار قطعات مذکور در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بین ۹۶،۴۷۲ دلار آمریکا و ۱۰۵،۸۰۵ دلار آمریکا بوده است، بسته به مقداری که منسوخ بودن فنی در ارزش آن‌ها تأثیر گذاشته باشد.

*۳) محرومیت از استفاده*

۲۳۱۸ - ایران ذیل این سرفصل خسارات مدعی مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا مرتبط با مجموعه فیرچایلد ایرکرفت اف اچ-۲۲۷ (چهار هواپیما) آن دولت است، که در پایگاهی در آبادان به جهت عدم استرداد ۱۴۸ قطعه هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا غیرقابل پرواز ماند. وفق اظهارات ایران، عدم استرداد ۱۴۸ قطعه هواپیما سبب ناتوانی آسمان در انتقال چهار هواپیما به مکان دیگری شده، که به نابودی نهایی آن‌ها توسط موشک‌های عراق طی جنگ ایران و عراق منتهی شد. وفق شهادت آقای شیرازی، اگر ایران قادر بود هواپیماهای مذکور را به مکان دیگری منتقل کند، می‌توانست از آن‌ها کسب درآمد کند.

۲۳۱۹ - آقای شیرازی در زمان توضیح این‌که او چگونه به مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا رسیده بوده است شهادت داد که «در آن زمان، ما محاسبه کردیم که اگر هواپیماها برای یک سال عملیاتی شوند، می‌توانند آن مقدار درآمد برای ما ایجاد کنند، و این چنین ما به مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا رسیدیم». آقای شیرازی اضافه کرد که تخمین او مبتنی بر تجربه سابق بوده است که نشان داده بود که آن هواپیماها می‌توانستند درآمد سالانهٔ نزدیک به ۵۰،۰۰۰

دلار آمریکا حاصل کنند. مضافاً، آقای شیرازی شهادت داد که مبلغ مذکور حاوی هیچ کسوراتی بابت هزینه‌های مربوطه نیست.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*۱) ارزش جایگزینی*

**۲۳۲۰** - ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعای اولیه ایران بابت ارزش جایگزینی باید رد شود زیرا ایران نتوانسته اثبات نماید که معاملات جایگزینی‌ای که به آن‌ها استناد می‌کند واقعاً انجام شده‌اند.

**۲۳۲۱** - آقای مککللان شهادت داد که ۱۴۸ قطعه هواپیمای مربوط به این ادعا برای خرید در بازار جهانی قطعات یدکی قاعدتاً در دسترس بوده‌اند. ایالات متحده همچنین با ارجاع به شهادت آقای شیرازی استدلال می‌کند که آسمان خواهان آن نبوده که روابطی با سایر تأمین‌کنندگان توسعه دهد یا تلاش کند که خریدهای جایگزینی‌ای انجام دهد.

**۲۳۲۲** - اظهارات ایالات متحده همچنین حاکی از آن است که تخمین آقای شیرازی از ارزش اولیه ۱۴۸ قطعه هواپیما، و بنابراین ارزیابی‌های او و آقای گیلبی، در خصوص ارزش مذکور، هر دو در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] غیرقابل اعتماد است زیرا هیچ مدرک مؤیدی ارائه نشده است. آقای مککللان همچنین به نقد استفادهٔ آقای شیرازی از نرخ تورم، به جای استفاده از شاخص خاص دارایی، به منظور ارائه تخمین خود از ارزش اولیه قطعات در تاریخ ارزش‌گذاری می‌پردازد.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

**۲۳۲۳** - ایالات متحده مدعی است که میزان مناسب خسارات مستقیم بابت ۱۴۸ قطعه هواپیما ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها در تاریخ نقض ایالات متحده است. با این‌حال، ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که در نبود

مدارک قابل اعتماد از هزینه اولیه ۱۴۸ قطعه هواپیما، هرگونه حکم بر خسارات مبتنی بر ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها با استفاده از تخمین آقای شیرازی از ارزش اولیه آن‌ها حدسی خواهد بود.

**۲۳۲۴** - فارغ از مراتب بالا، پاسخ آقای مککللان به روش آقای گیلبی در ارزیابی او از ارزش منصفانه بازار ۱۴۸ قطعهٔ هواپیما در بالا توصیف شده است.

**۲۳۲۵** - ایالات متحده در رابطه با این ادعا به طور ویژه متذکر می‌شود که حتی اگر آسمان چنین سوابقی را نگه داشته باشد، ایران مدارکی از هزینه‌های واقعی تعمیر ۱۴۸ قطعه هواپیما ارائه نکرده است. بدین ترتیب ایالات متحده در مورد ادعاها بر سایر قطعات هواپیما معروض می‌دارد که دیوان باید این فرض آقای مککللان را بپذیرد که قطعات تعمیرنشده صرفاً ۱۰–۲۵ درصد ارزش اولیه خود را حفظ می‌کنند.

*۳) محرومیت از استفاده*

**۲۳۲۶** - ایالات متحده مدعی است که ادعای ایران بر خسارات ناشی از عدم استفاده باید به چهار دلیل رد شود. نخست، ایالات متحده استدلال می‌کند که حمله به فرودگاه آبادان، مکانی که هواپیماها علی‌الإدعا در آن‌جا نتوانسته‌اند به پرواز درآیند، در اوایل جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۰] اتفاق افتاده است؛ بدین ترتیب، هواپیماهای مذکور باید قبل از انعقاد بیانیه‌های الجزایر و قبل از وقوع هر گونه نقض توسط ایالات متحده اتفاق افتاده باشد. دوم، وفق اظهارات ایالات متحده، ایران هیچ قدمی در تقلیل زیان‌های خود برنداشته است. سوم، ایالات متحده بر این موضع است که عدم توانایی پرواز این هواپیماها قابل پیش‌بینی نبوده زیرا سایر قطعات یدکی قاعدتاً در دسترس بوده‌اند. و چهارم، ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعای ایران ملاک‌های وضع شده توسط دیوان در *سدکو، اینک. علیه شرکت ملی نفت ایران* بابت ادعاها بر زیان ناشی از عدم استفاده را برآورده نمی‌کند. مککللان در گزارش خود همچنین به نقد این بُعد از ادعای ایران پرداخت زیرا، از جمله، ایران «اطلاعات راجع

به تاریخچه هواپیماها، مانند گزارش‌های سفر هواپیما، وضعیت عملیاتی، و منظم بودن استفاده» و «قراردادها، بلیط‌ها، یا سایر مدارکی که نشان دهد که هواپیماهای مذکور چگونه، در صورت وجود، برای ایران درآمد کسب کرده‌اند یا قاعدتاً کسب می‌کردند» را ارائه نکرده است.

*(پ) تصمیم دیوان*

*(یک) ارزش منصفانه بازار*

**۲۳۲۷ -** دیوان متذکر می‌شود که هیچ مدارکی از هزینه واقعی جایگزینی ۱۴۸ قطعه هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا به او ارائه نشده است. در هر حال، دیوان حکم می‌کند که میزان مناسب خسارات ایران ناشی از نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده ارزش منصفانه بازار ۱۴۸ قطعه هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] است. مدارکی مبنی بر این امر به دیوان ارائه شده است که اکثر و نه تمام ۱۴۸ قطعه هواپیمای مربوط به این ادعا تا هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] تعمیر شده بوده است. دیوان اکنون به تحلیل مدارک در دسترس به منظور تعیین این امر خواهد پرداخت که آیا می‌تواند با در نظر گرفتن روش پیش‌نهادی طرفین به ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن قطعات هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] بپردازد یا خیر.

**۲۳۲۸ -** دیوان معتقد است که بنابراین، رویکرد هزینه روش مناسبی برای ارزیابی ارزش ۱۴۸ قطعه هواپیما است. نقطه شروع رویکرد هزینه، قیمت اولیه قطعات است. در صورتی که اطلاعات در دسترس نیست، دیوان آماده خواهد بود که قیمت اولیه قطعات را مبتنی بر هزینه تعمیر آن‌ها، چنان‌که در خصوص ادعای تکمیلی ۵۵-

(۲) به شرح بالا[۱۲۲۳] انجام داده است، تخمین بزند. با این حال، در ادعای کنونی، هیچ مدارک مستندی از آن زمان در سابقه از هیچ یک از هزینه‌های اولیهٔ ۱۴۸ قطعه هواپیما یا هزینه‌های تعمیر آن‌ها وجود ندارد.[۱۲۲۴]

**۲۳۲۹** - ایران و آقای گیلبی، شاهد کارشناس آن دولت، در نبود آن اطلاعات، بر شهادت آقای شیرازی استناد کرده‌اند که شهادت داد که او قیمت خرید اولیه ۱۴۸ قطعه هواپیما را با استفاده از دادهٔ خریدها در سوابق آسمان در زمان‌های متفاوتی به منظور محاسبه قیمت میانگین قطعات مذکور تخمین زده است.[۱۲۲۵] آقای شیرازی اظهار داشت که او مدارک و سوابق را که برای محاسبات خود استفاده و به آن‌ها اتکاء کرده به مشاور حقوقی ایران در زمان آماده کردن شهادت‌نامهٔ خود ارائه کرده است، امّا نه او و نه ایران سوابق یا گزیدهٔ آن‌ها یا هر گونه مدارک دیگری را که به ایالات متحده و دیوان امکان راستی‌آزمایی محاسبات او را بدهد ارائه نکرده‌اند. ایران در خصوص ادعاها بر سایر قطعات هواپیما به شهادت شاهد کارشناس، آقای گیلبی متوسل شده است تا معقول‌بودن تخمین آقای شیرازی از ارزش جایگزینی در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و بنابراین ارزش اولیه اصلی ۱۴۸ قطعه هواپیما را تأیید کند. در حالی‌که آقای گیلبی شهادت داد که، در پرتو قیمت‌های کنونی ۱۷ پروانه بین ۱۴۸ قطعه هواپیما، به نظر می‌رسد که تخمین ارائه‌شده توسط آقای شیرازی معقول است،[۱۲۲۶] او همچنین تصدیق می‌کند که «اگر نه غیرممکن، بسیار بسیار مشکل» خواهد بود که «ارزش‌گذاری معناداری» از پروانه‌ها در سال ۱۳۵۹ [۱۹۸۱] با استفاده از قیمت‌های کنونی (یعنی با انجام «تکنیک ارزش‌گذاری قهقرایی» در طول یک دورهٔ ۳۰ ساله) فراهم آید. دیوان فرض می‌گیرد که همین امر در مورد سایر ۱۳۱ قطعه هواپیمای مربوط به این ادعا، در صورت در دسترس بودن اطلاعات قیمت‌گذاری کنونی، مصداق خواهد داشت.

---

[۱۲۲۳] *بنگرید به* بندهای ۲۲۵۹-۲۲۶۱، بالا.

[۱۲۲۴] *بنگرید به* بند ۲۳۱۱، بالا.

[۱۲۲۵] *بنگرید به* همانجا.

[۱۲۲۶] *بنگرید به* بند ۲۳۱۳، بالا.

**۲۳۳۰ -** به نظر دیوان، نبود مستندات اولیه، مانند سوابق مورد مراجعه آقای شیرازی به منظور انجام محاسبات خود، یا گزیدهٔ آن‌ها، مشکل‌ساز است. اختلافی وجود ندارد که این مدارک زمانی در اختیار، یا حداقل در دسترس، ایران و آقای شیرازی، شاهد آن دولت بوده‌اند. با این حال، ایران ضمن انتخاب بر استنادِ صِرف بر شهادت آقای شیرازی به عنوان مبنای اصلی برای تمام ادعاهای جایگزین خود، نتوانسته چنین مدارکی را ارائه نماید. نسبت به آقای گیلبی، وی تصدیق کرد که اگر نه غیرممکن، بسیار مشکل است که معقول‌بودن تخمین آقای شیرازی مبتنی بر اطلاعات در دسترس راستی‌آزمایی شود.[۱۲۲۷]

**۲۳۳۱ -** مضافاً، دیوان به منظور بررسی معقول‌بودن تخمین قیمت آقای شیرازی امکان توسل به قیمتی که پیدمونت ۱۴۸ قطعهٔ هواپیما را در فروردین ۱۳۶۰ [آوریل ۱۹۸۱] فروخته را بررسی کرده است. با این حال، بدون هر گونه مدارکی از قیمت حراج مذکور، هیچ مبنای قابل اعتمادی برای ارزیابی ارزش منصفانه بازار ۱۴۸ قطعه هواپیما در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] وجود ندارد. وفق نامه ۱۹ شهریور ۱۳۶۹ [۱۰ سپتامبر ۱۹۹۰] پیدمونت به دفتر نظارت بر اموال خارجی، حراج ۱۴۸ قطعه هواپیما در ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ [۱۴ آوریل ۱۹۸۱] برگزار شد، پیدمونت تنها پیش‌نهاد دهندهٔ قیمت بود، و متعاقباً بدهی آسمان به کلی از دفاتر پیدمونت حذف شد.[۱۲۲۸] با این حال، این موضوع که آن بدهی، که مبلغ آن در سابقه ثبت نشده، کاملاً از دفتر پیدمونت حذف شده است به دیوان اجازهٔ این نتیجه‌گیری را نمی‌دهد که قیمت حراج به اندازهٔ مبلغ بدهی بوده است. مضافاً، آقای شیرازی در جلسات استماع به تلکسی اشاره کرد، که در سابقه نیست، که پیدمونت در آن به آسمان اطلاع داده است که ۱۴۸ قطعه هواپیما به مبلغ ۴۷،۰۰۰ دلار آمریکا به فروش رفته است.

---

[۱۲۲۷] *بنگرید به* بند ۲۳۲۹، بالا.

[۱۲۲۸] *بنگرید به* بند ۶۳۰، بالا.

**۲۳۳۲ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایران مدارک کافی به منظور تخمین ارزش اولیهٔ ۱۴۸ قطعه هواپیما ارائه نکرده است. عدم امکان تخمین ارزش اولیه قطعات هواپیما به روشی قابل اعتماد هیچ راهی برای دیوان به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] باقی نمی‌گذارد. بنابراین، دیوان ادعای ایران بابت خسارات مستقیم در ارتباط با ۱۴۸ قطعه هواپیمای مربوط به این ادعا را رد می‌کند.

*(دو) محرومیت از استفاده*

**۲۳۳۳ -** ایران ذیل این سرفصل ادعا خواهان خسارات ادعایی وارده به آسمان به عنوان نتیجهٔ محروم شدن از استفاده از ۱۴۸ قطعهٔ هواپیما، یعنی عدم استفاده ناشی از عدم توانایی پرواز چهار هواپیما در نتیجهٔ عدم انتقال قطعات یدکی مورد اختلاف در این ادعا می‌باشد. با این حال، ایران اثبات نکرده است که خرابی ادعایی چهار هواپیما در ناتوانی از پرواز پس از امضای بیانیه‌های الجزایر و تعلق تعهد انتقال ایالات متحده به وقوع پیوسته است.

**۲۳۳۴ -** به علاوه، همان‌گونه که قبلاً در این حکم جزئی گفته شد،[۱۲۲۹] عدم‌النفع در رویه دیوان ممکن است مورد حکم واقع شود، مشروط بر این که خواهان، به عنوان امری مقدماتی، بتواند تا حد رضایت دیوان اثبات نماید که منافع واقعاً حاصل می‌شد.[۱۲۳۰] دیوان مقرر داشته است که هر گونه عدم‌النفع ادعایی باید با قاطعیت کافی نشان داده شود، و دیوان ادعاهایی که بیش از حد حدسی بودند را رد کرده است.[۱۲۳۱] دیوان در این‌جا یادآور

---

[۱۲۲۹] *بنگرید به* بندهای ۲۰۳۴–۲۰۳۹، بالا.

[۱۲۳۰] *به عنوان نمونه بنگرید به ویلیام جی. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱–۲۰۹–۲۹۷، بند ۵۵ (دوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۲ آوریل ۱۹۷۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص ص ۱۹۱، ۲۰۹؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳–۲۱۳/۲۱۵–۵۶۷، بند ۲۶۷ (متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵] متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۰.

[۱۲۳۱] *به عنوان نمونه بنگرید به ویلیام جی. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱–۲۰۹–۲۹۷، بند ۵۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۲ آوریل ۱۹۷۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص ص ۱۹۱، ۲۱۰ (رد دعوای عدم‌النفع به این علت که خواهان با قطعیت کافی اثبات نکرد که طرح می‌توانست سودآور باشد)؛ *سیزموگراف سرویس کورپ و دیگران و جمهوری*

معیار استفاده شده در *سدکو، اینک. علیه شرکت ملی نفت ایران* در زمان تصمیم‌گیری در مورد ادعای عدم استفاده در آن پرونده می‌شود.[۱۲۳۲]

**۲۳۳۵** - در مقابل این پس‌زمینه، دیوان حکم می‌کند که ادعای ایران بر عدم استفاده از ۱۴۸ قطعه هواپیما با ملاک‌های ایجاد شده در رویه دیوان برای اثبات این نوع از ادعا نمی‌خواند. ایران صرفاً به شهادت‌های آقای شیرازی و آقای محمدحسین علیرضایی استناد می‌کند که بدون هیچ مؤید مستندی ادعا می‌کنند که آسمان بابت عدم استفاده متحمل خساراتی مجموعاً به مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا شده است.[۱۲۳۳] فارغ از این شهادت نامستند، ایران هیچ مدارک حاکی از این ارائه نکرده است (یک) که خریدهای جایگزینی نمی‌توانسته انجام شود، (دو) چنین جایگزینی‌ای چه اندازه به طول می‌انجامد، (سه) که ۱۴۸ قطعه هواپیما درآمدزا بوده‌اند، و (چهار) آن درآمد به چه میزان بالغ می‌شد.

**۲۳۳۶** - بنابراین، دیوان حکم می‌کند که خسارات ادعایی ایران به عنوان غرامت بابت زیان ناشی از عدم استفاده با قطعیت کافی اثبات نشده، و بنابراین، به حدی ناروا مبتنی بر ظن و گمان است. در نتیجه، ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده به جهت قصور در اثبات رد می‌شود.

---

*اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۴۴۳-۴۲۰، بندهای ۳۰۶-۳۰۷ (اول دی ۱۳۶۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۸۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۲، ص ص ۳، ۸۰-۸۱ (رد جزئی ادعای عدم النفع زیرا میزان نفع مطالبه شدهٔ خواهان اغراق آمیز بود و دیوان آن را صرفاً بر پایه ظن و گمان تلقی کرد)؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۷۶ (متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵] متن انگلیسی۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۳-۲۰۴ (رد ادعای عدم النفع به دلیل عدم تکافوی دلیل چرا که خسارات ادعائی به نحو غیر قابل قبولی مبتنی بر ظن و گمان بود، و خواهان به قطعیت کافی اثبات نکرده بود که پروژه به سود منتج می‌شد).

[۱۲۳۲] *بنگرید به* بندهای ۲۰۳۷، بالا.

[۱۲۳۳] *بنگرید به* بندهای ۲۳۱۸-۲۳۱۹، بالا. آقای علیرضایی در زمان‌های مربوط در بخش «حمل و دریافت» ایرتاکسی کار می‌کرد. وی شهادت‌نامه‌ای ارائه کرد و به عنوان شاهد ایران در جلسات استماع حاضر شد.

*(سه) نتیجه‌گیری*

**۲۳۳۷ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان تمام ادعاهای ایران بابت خسارات در ادعای ز-۱۳۱ را رد می‌کند.

(۱۰) ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ منیوفکچرینگ کو.)

*(الف) مقدمه*

**۲۳۳۸ -** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۲۳۴] دیوان مقرر داشته است که قطعات هواپیمای مورد اختلاف در ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) به واسطه بخش ۳۳۳- ۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ مستثناء بوده، و این‌که در نتیجه، ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را در خصوص آن قطعات هواپیما نقض کرده است.[۱۲۳۵] دیوان حکم می‌کند که، در اوضاع و احوال مربوطه، بخش ۳۳۳- ۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال قطعات هواپیمای مورد اختلاف به ایران بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده به دلیل نقض بیانیه عمومی مسؤول جبران خسارات ایران است.

**۲۳۳۹ -** ایران وفق جدول اختصاری دعاوی خود خواهان خسارات بر مبنای یکی از چهار روش ارزش‌گذاری جایگزین، برای عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه می‌باشد:

(یک) بین ۴۲،۶۰۷ دلار آمریکا و ۴۶،۷۲۹ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد ارزش جایگزینی به عنوان نو در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد، که بر مبنای این فرض محاسبه شده است که

---

[۱۲۳۴] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص‌ص ۱۱۲، ۱۳۹.

[۱۲۳۵] *بنگرید به* بند ۷۵۳، بالا.

اگر هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد ارزش اولیه قطعات می‌بود، ایران ایر قطعات را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد؛

(دو) ۳۷،۰۴۸ دلار آمریکا، که ایران معروض می‌دارد یک «تخمین محافظه‌کارانه از ارزش بازار» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] است؛

(سه) بین ۲۱،۳۷۶ دلار آمریکا و ۲۳،۴۴۴ دلار آمریکا، یعنی ارزش منصفانه بازار در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محاسبه شده بر مبنای این فرض که اگر هزینه تعمیر بیش از ۲۰ درصد ارزش اولیه قطعات می‌بود، ایران ایر قطعات را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد؛ و

(چهار) بین ۷،۵۲۹ دلار آمریکا و ۸،۲۵۷ دلار آمریکا، یعنی ارزش منصفانه بازار در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که بر مبنای این فرض محاسبه شده است که اگر هزینه تعمیر بیش از ۴۰ درصد ارزش اولیه قطعات می‌بود، ایران ایر قطعات را برای تعمیر ارسال نمی‌کرد.

**۲۳۴۰** - ایران خواهان ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا به عنوان غرامت بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی نیز می‌باشد که ایران ایر در ارتباط با موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] با گرّت، خلف ایرسرچ متحمل شده است.[۱۲۳۶] ایران خواهان بهره بر مبلغ مورد حکم نیز می‌باشد.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*۱) ارزش جایگزینی*

---

[۱۲۳۶] *بنگرید به* بند ۷۲۴، بالا.

۲۳۴۱ - آقای گیلبی مدارکی از هزینه اولیه عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه مورد اختلاف در این ادعا نداشته، بنابراین ایران توضیح داد که او از هزینه‌های تعمیر (یعنی ۴،۴۰۰ دلار آمریکا برای عملگر دورانی و ۱،۳۱۰ دلار آمریکا و ۱،۲۲۰ دلار آمریکا به ترتیب برای دو مجموعه پنکه) به تخمین خود از ارزش اولیه رسیده است.

۲۳۴۲ - آقای گیلبی شهادت داد که او شاخص‌گذاری را از اواسط دی ۱۳۵۶ [اوایل ژانویه ۱۹۷۸] بابت این ادعا اعمال کرده است زیرا تاریخ خرید اولیه در دسترس نبوده است. به همین شکل، آقای گیلبی تعدیل خود برای منسوخ بودن فنی را از دی ۱۳۵۶ [ژانویه ۱۹۷۸] بابت این ادعا، معادل یک بار تعدیل نُه درصدی، اعمال کرده است.

۲۳۴۳ - آقای گیلبی با اعمال این روش نتیجه گرفت که ارزش تخمینی عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه «به عنوان نو» در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بین ۴۲،۶۰۷ دلار آمریکا و ۴۶،۷۲۹ دلار آمریکا بوده است، بسته به این که منسوخ بودن فنی تا چه میزان بر ارزش آن‌ها تأثیر گذاشته باشد.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

۲۳۴۴ - ایران اظهار داشت که این دولت «هیچ اطلاعی از این امر نداشته که با اقلام تعمیری در زمان رسیدن به ایرسرچ یا طی دوره‌ای که آن‌ها بلوکه شده‌اند چگونه رفتار شده است».

۲۳۴۵ - در نظر آقای گیلبی، بر اساس این فرض که ایران ایر قطعات را برای تعمیر نمی‌فرستاد مگر این‌که هزینه‌های تعمیر بیش از ۴۰ درصد ارزش اولیه آن باشد، ارزش منصفانه بازار عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] بین ۷،۵۲۹ دلار آمریکا و ۸،۲۵۷ دلار آمریکا بوده است، بسته به این که منسوخ بودن فنی تا چه میزان بر ارزش اولیه آن‌ها تأثیر گذاشته باشد. ارزش‌گذاری جایگزین آقای گیلبی، مبنی بر این فرض که ایران ایر قطعات را برای تعمیر نمی‌فرستاد مگر این‌که هزینه‌های تعمیر بیش از ۲۰ درصد باشد،

بین ۲۱،۳۷۶ دلار آمریکا و ۲۳،۴۴۴ دلار آمریکا بوده است، باز هم بسته این‌که منسوخ بودن فنی تا چه میزان بر ارزش آن‌ها تأثیر داشته باشد.

*۳) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی*

**۲۳۴۶** - ایران همچنین مدعی خسارات بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی است که ایران ایر مربوط به موافقت‌نامه حل و فصل ۱۳۶۵/۱۳۶۶ [۱۹۸۷] در ارتباط با اموال مورد اختلاف در این ادعا متحمل شده است. ایران معروض می‌دارد که «اختلاف [میان ایران ایر و گرّت] و مربوط به تعمیر قطعات یدکی نهایتاً متعاقب اقامه دعوی انجام شده توسط ایران ایر در ایالات متحده حل و فصل شد». ایران مضافاً معروض می‌دارد که «ایران صرفاً به جهت نقض ایالات متحده متحمل این حق‌الزحمه‌های حقوقی شده است، چرا که در غیر این‌صورت، اموال خود را به زودی پس از دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] دریافت می‌کرد». ایران جهت تأیید ادعای خود به صورت‌حسابی بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی از وکلای کُندون اند فورسایت، مورخ نهم آبان ۱۳۶۵ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۶] به مبلغ ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا استناد می‌کند.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*۱) ارزش جایگزینی*

**۲۳۴۷** - ایالات متحده مخالف است که ایران مستحق ارزش جایگزینی عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه در این ادعا می‌باشد. وفق اظهارات ایالات متحده، در نتیجهٔ موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] میان ایران ایر و خلف ایرسرچ، گرت، ایران از هر گونه حقی که می‌توانست به منظور دریافت اموال مربوطه یا در غیر این‌صورت، ارزش آن‌ها داشته باشد، اعراض کرد. ایالات متحده همچنین ملاحظه می‌کند

که موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] به طور ویژه، سه شماره سفارش تعمیر مربوط به قطعات مربوط به این ادعا را فهرست می‌کند.

**۲۳۴۸ -** به علاوه، ایالات متحده متذکر می‌شود که سابقه این ادعا حاوی سه بارنامه هوایی است که نشان‌دهندهٔ ارزش‌های گمرکی عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه، چنان‌که توسط ایران در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۳۷۸] اعلام شده است، می‌باشد. وفق اظهارات ایالات متحده، این بارنامه‌های هوایی نشان می‌دهد که عملگر دورانی توسط ایران به مبلغ ۴۰۰ دلار آمریکا، یکی از مجموعه‌های پنکه به مبلغ ۶۰۰ دلار آمریکا، و دیگر مجموعه پنکه به مبلغ ۳۰۰ دلار آمریکا، مجموعاً به مبلغ ۱،۳۰۰ دلار آمریکا ارزش‌گذاری شد. ایالات متحده معروض می‌دارد که ارزش‌های اعلام‌شده در این بارنامه‌های هوایی ناقض ادعای ایران بر خسارات بین ۷،۵۲۹ دلار آمریکا و ۴۶،۷۲۹ دلار آمریکا است، با توجه به این‌که خود ایران معتقد بود که اموال مذکور در سال ۱۳۵۶/۱۳۵۷ [۱۹۷۸] صرفاً ۱،۳۰۰ دلار آمریکا ارزش داشته‌اند.

**۲۳۴۹ -** آقای مککللان مضافاً شهادت داد که قطعات هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] در سطح بازار به نحو گسترده در دسترس بوده است زیرا آن‌ها متعلق به هواپیماهایی بوده‌اند که در «مراحل کهن‌سالی یا بلوغ» بوده‌اند.

*۲) ارزش منصفانه بازار*

**۲۳۵۰ -** ایالات متحده به نحو جایگزین معروض می‌دارد که اگر دیوان حکم کند که ایران مستحق دریافت غرامت بابت اموال مورد اختلاف در این ادعا است، میزان مناسب خسارات مستقیم برای قطعات هواپیما ارزش منصفانه بازار آن‌ها در تاریخ نقض ایالات متحده است.

*۳) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی*

**۲۳۵۱ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعای ایران بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی باید رد شود زیرا «هیچگونه رابطه سببیت میان هزینه‌های حقوقی ایران ایر و سایر هزینه‌ها با نقض تعهدات ایالات متحده بموجب پاراگراف ۹ وجود ندارد». وفق اظهارات ایالات متحده، ایران مستحق دریافت خسارات برای این حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی نیست زیرا «طرح دعوای ایران ماهیتاً قراردادی برای خسارات پولی علیه [گرّت] بود». ایالات متحده مضافاً مدعی است که حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحمل‌شده به نقض هرگونه تعهد توسط ایالات متحده بی‌ارتباط است زیرا ایران در ادعای خود علیه گرّت «هیچ‌گاه خواهان یا متقاضی حمل ... قطعات تعمیرشده نشده است.» به‌علاوه، ایالات متحده مدعی است که ایران مدارکی ارائه نکرده که نشان‌دهندهٔ پرداخت واقعی صورت‌حساب باشد.

*(پ) تصمیم دیوان*

*۱) ادعاهای مبتنی بر ارزش جایگزینی و ارزش منصفانه بازار*

**۲۳۵۲ -** دیوان در فیصله این ادعا دو عامل را اساسی می‌داند. نخست، مواد ۱ و ۴ موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] منعقده میان ایران ایر و خلف ایرسرچ، گرّت، به طور ویژه، از جمله، سه سفارش تعمیر مذکور به شماره‌های مربوط به عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه مورد اختلاف در این ادعا را فهرست کرده است. مطابق مواد ۳ و ۴ موافقت‌نامه حل و فصل، گرّت مبلغ ۵،۰۰۰ دلار آمریکا به ایران ایر پرداخت کرد، و ایران ایر پذیرفت که از هرگونه حق نسبت به قطعات، مبالغ، یا بهره که علی‌الإدعا بابت آن قطعات خاص طلبکار بوده، اعراض نماید.[۱۲۳۷] در ارتباط با همین امر، دیوان در بالا مقرر داشته است که نقض

[۱۲۳۷] *بنگرید به* همانجا.

تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده در ارتباط با قطعات هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا زمانی پایان یافت که موافقت‌نامه حل و فصل امضاء شد زیرا در نتیجه آن، قطعات هواپیما دیگر اموال ایران نبودند.[۱۲۳۸]

**۲۳۵۳** - دوم، دیوان ملاحظه می‌کند که ایران صرفاً مدعی خسارات مستقیم به شکل ارزش جایگزینی یا ارزش منصفانه بازار قطعات هواپیمای مورد اختلاف در این ادعا در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد. ایران هیچ ادعایی برای خسارات تبعی مرتبط با کاهش ارزش قطعات هواپیما ندارد؛ این دولت صرفاً مدعی خسارات تبعی مرتبط با حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحمل شده در ارتباط با موافقت‌نامه حل و فصل است.

**۲۳۵۴** - دیوان بر این نظر است که ایران در موافقت‌نامه حل و فصل غرامتی به مبلغ ۵،۰۰۰ دلار آمریکا به جای تحویل اقلام فهرست‌شده در آن موافقت‌نامه حل و فصل، شامل عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه مربوط به این ادعا، دریافت کرده است. ایران به جهت دریافت غرامت به جای دریافت اقلام مذکور نمی‌تواند، به واسطهٔ ادعا بر ارزش جایگزینی یا ارزش منصفانه بازار عملگر دورانی و دو مجموعه پنکه، خواهان جبران مضاعف از ایالات متحده باشد. ایران هیچ ادعای دیگری بر این قطعات هواپیما نکرده است؛ بنابراین، دیوان ادعای ایران بابت خسارات مستقیم در ارتباط با اموال مورد اختلاف در این ادعا را رد می‌کند.

*۲) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی*

**۲۳۵۵** - دیوان در ادامه به ادعای ایران بر حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحمل‌شده در ارتباط با اموال مورد اختلاف در این ادعا، به مبلغ ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا می‌پردازد.

**۲۳۵۶** - ایران در تأیید ادعای خود به صورت‌حساب مورخ نهم آبان ۱۳۶۵ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۶] از وکلای کُندون اند فورسایت خود استناد می‌کند. همان‌طور که گفته شد، ایران ادعا می‌کند که کاری که برای آن، صورت‌حساب

---

[۱۲۳۸] *بنگرید به* بند ۷۴۹، بالا.

صادر شد در ارتباط با موافقت‌نامه حل و فصل میان ایران ایر و گرّت بوده، و این‌که این حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی صرفاً به خاطر نقض ایالات متحده تحمیل شده است.[1239] این ادعای ایران که کار انجام‌شده توسط وکلای ایران ایر به موافقت‌نامه حل و فصل اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] منتهی شده، مورد مخالفت ایالات متحده واقع نشده است.

**۲۳۵۷** - دیوان بر این نظر است که اگر ایالات متحده بند ۹ را نقض نکرده بود، اموال مورد اختلاف در این ادعا در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار نمی‌داشت. گرچه سفارش‌های مربوط به اموال مورد اختلاف در این ادعا مشمول ادعای ثبت‌شدهٔ ایران ایر علیه گرّت، که به موافقت‌نامه حل و فصل منتهی شده، نبوده است، اختلافی نبوده است که موافقت‌نامه حل و فصل نتیجهٔ تصمیم ایران ایر مبنی بر ثبت آن ادعا بوده، و اختلافی هم نبوده است که اگر ایالات متحده تعهد خود ذیل بند ۹ را نقض نکرده بود، سفارش‌های تعمیر راجع به اموال مورد اختلاف در ادعای حاضر در موافقت‌نامه حل و فصل داخل نمی‌شد. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که ایران مستحق غرامت بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی طرح‌شده در صورت‌حساب نهم آبان ۱۳۶۵ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۶] است.

**۲۳۵۸** - این ملاحظات دیوان را به این نتیجه می‌رساند که ایران مستحق غرامتی به مبلغ ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحمل‌شده در ارتباط با موافقت‌نامه حل و فصل است.

۳) نتیجه‌گیری

**۲۳۵۹** - بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان مجموعاً مبلغ ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا را در این ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[1239] *بنگرید به* بند ۲۳۴۶، بالا.

(۱۱) ادعای ز-۱۰۵ (سازمان آب و برق خوزستان/اکساید کورپ.)

*(الف) مقدمه*

**۲۳۶۰ -** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده، و در نتیجه، ایران خسارتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۲۴۰] دیوان مقرر داشته است که ایالات متحده با قصور از معمول داشتن تمام اقدامات معقول جهت حصول اطمینان از انتقال اقلام ز-۱۰۵ توسط اکساید به ایران، تعهد خود در بند ۹ را نقض کرده است.[۱۲۴۱] دیوان حکم می‌کند که این قصور ایالات متحده سبب اصلی عدم انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران بود. بدین ترتیب، ایالات متحده به دلیل تخلف از بیانیه عمومی در قبال ایران مسئول جبران خسارت است.

**۲۳۶۱ -** ایران مطابق آخرین دادخواهی‌های خود در ادعای ز-۱۰۵ خواهان ۲۹،۰۶۳/۹۰ دلار آمریکا بابت جبران خسارت برای قصور ایالات متحده در انجام ترتیبات انتقال اقلام ز-۱۰۵ می‌باشد که متشکل بود از ۳۲۵ باتری خشک، شش شارژر باتری، و ۲۶ بشکه الکترولایت. ایران نسبت به مبلغ حکم بهره نیز مطالبه می‌کند. ایران از ادعاهای اولیه خود بابت خسارات تبعی ناشی از محرومیت از استفاده و مخارج جایگزینی صرف‌نظر کرده است «چون در موضعی نیست که مدارک کامل برای آن ارائه کند».

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*ارزش اقلام و آسیب‌دیدگی*

---

[۱۲۴۰] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۲۴۱] *بنگرید به* بند ۸۷۰، بالا.

۲۳۶۲ - ایران در پاسخ به استدلال ایالات متحده مبنی بر این‌که ارزش اقلام ز-۱۰۵ قاعدتاً باید به سرعت کاهش یافته باشد، مدعی است که ایالات متحده در تأیید این ادعا مدرکی ارائه نکرده است.

۲۳۶۳ - ایران اظهار می‌دارد که ادلهٔ اثباتی در این ادعا، در عوض، حاکی از آن است که اقلام ز-۱۰۵ قاعدتاً باید ارزش خود را حفظ کرده باشند. مطابق اظهارات ایران، سفارش خرید مورخ ۲۲ آبان ۱۳۵۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۷] نشان می‌دهد که اقلام ز-۱۰۵ با دوام و دارای بسته‌بندی مناسب بود، چرا که قیمت خرید شامل بسته‌بندی صادراتی بود.

۲۳۶۴ - ایران همچنین متذکر می‌شود که ۳۲۵ باتری مذکور خشک بودند، که به این معناست که آن‌ها قاعدتاً باید تا قبل از بسته‌بندی برای حمل در بسته‌های هوابندی‌شده نگه‌داری شده باشد. همچنین، وفق اظهارات ایران، الکترولایت برای باتری‌ها، قبل از بسته‌بندی برای صادرات برای حراست از محتوای آن نسبت به صدمه و نشتی، جداگانه در بشکه‌های فولادی با پوشش پلاستیکی داخلی نگه‌داری می‌شد. مطابق اظهارات ایران، الکترولایت وقتی به این نحو انبار شود، تا سال‌ها قابل نگه‌داری است.

۲۳۶۵ - ایران با استناد به ادله ارائه‌شده توسط دکتر مایکل مک‌دونا، که سال‌ها به عنوان مدیر فنی در چندین شرکت تولیدکنندهٔ بزرگ باتری کار کرده و به عنوان شاهد برای ایران در جلسات استماع حضور یافت، ادعا می‌کند که باتری‌های خشک معمولاً بدون اسید حمل می‌شوند و برای حصول اطمینان از عدم تأثیر زمانِ ماندن در انبار بر وضعیت آن‌ها، فقط در مقصد مخلوط می‌شوند. بسته‌بندی حمل نیز معمولاً مانع ورود خسارت در طول مدت حمل می‌شود. به نظر آقای مک‌دونا، باتری‌های مورد اختلاف در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰]

زمان دریافت توسط کویکر پکجینگ،[۱۲۴۲] و حتی در دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] قاعدتاً باید در وضعیت بسیار خوبی قرار می‌داشته است.

**۲۳۶۶** - ایران در رابطه با شارژرها متذکر می‌شود که این واقعیت که مطابق سفارش خرید همهٔ آن‌ها برای استفادهٔ مستمر تا ۴۰ درجه سانتی‌گراد دارای ضمانت بودند حاکی از آن است که از موادی با دوام ساخته شده بودند.

**۲۳۶۷** - مطابق اظهارات ایران، رسید متصدی بار به تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] که در آن ذکر شده که محموله «خیس و خسارت‌دیده»[۱۲۴۳] واصل شد، قرینه‌ای برای وضعیت خود اقلام ز-۱۰۵ ارائه نمی‌دهد و به نظر نمی‌رسد که متصدی بار تجهیزات را معاینه یا آزمایش کرده باشد. ایران ادعا می‌کند که مضافاً قرینه‌ای حاکی از این امر وجود ندارد که کدام و چه تعداد از اقلام ز-۱۰۵ متأثر رطوبت یا خسارت شده‌اند.

**۲۳۶۸** - ایران ادعا می‌کند که حتی شاهد کارشناس ایالات متحده، آقای مارک براون از پی دبلیو سی تخمین زده است که اقلام ز-۱۰۵ عمر مفیدی ده ساله دارند.[۱۲۴۴] وفق اظهارات ایران، با این حال، آقای براون ظاهراً از این ارزیابی مبنی بر عمر مفید اقلام ز-۱۰۵ در پرتو نظر آقای روسی راجع به وضعیت آن اقلام اعراض کرده است.

**۲۳۶۹** - ایران ادعا می‌کند که اگر تجهیزات در زمان ورود به فیلادلفیا در شرایط خوبی قرار داشته، سپس در این صورت، چنان‌که ایران بر این موضع است، موضع اولیهٔ ایالات متحده به گونه‌ای که در گزارش ۲۶ شهریور ۱۳۶۳ [۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴] این دولت به دیوان در خصوص اموال عینی ایران تشریح شده، مبنی بر این‌که تجهیزات

---

[۱۲۴۲] *بنگرید به* بند ۸۳۶، بالا.

[۱۲۴۳] *بنگرید به* همانجا.

[۱۲۴۴] *بنگرید به* بند ۲۳۷۸، زیر.

مذکور «به موجودی انبار مسترد» شده بود، احتمال بیش‌تری می‌رود که انعکاس‌دهندهٔ واقعیت باشد تا موضع کنونی ایالات متحده که بر اساس آن، باتری‌ها قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] نابود شده‌اند.

**۲۳۷۰** - ایران در پاسخ به ادعای ایالات متحده مبنی بر این‌که اقلام ز-۱۰۵ متحمل کاهش ارزش زیادی تا دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] شده بود، مدعی است که ایالات متحده در خصوص ارزش منصفانه بازار اقلام ز-۱۰۵ در آمارگیری ۱۳۵۸/۱۳۵۹ و ۱۳۶۰/۱۳۶۱ [۱۹۸۰ و ۱۹۸۲] خود، باید تخمینی از اکساید دریافت کرده باشد. وفق اظهارات ایران، ایالات متحده مدعی است که ارزش اقلام ز-۱۰۵ در تاریخ سرنوشت‌ساز صفر بوده، انحصاراً بر این ادعا مبتنی است که اموال قبل از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] معدوم شده بوده‌اند.[۱۲۴۵] ایران مدعی است که در عوض، ادله نشان می‌دهد که اموال باید ارزش خود را تا سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] و بعد از آن حفظ کرده باشند.

*مخارج حمل*

**۲۳۷۱** - ایران در پاسخ به استدلال ایالات متحده مبنی بر این‌که ادعای ایران باید به منظور در نظر گرفتن هزینه‌های حمل از آن کاسته شود، مدعی است که سازمان آب و برق خوزستان پیشاپیش آن مخارج را پرداخته بود، و نباید وادار می‌شد که آن‌ها را دو بار بپردازد. مضافاً استنباط ایران این است که مخارج بسته‌بندی صادراتی و حمل باید در غرامت لحاظ شود. ایران با استناد به استاندارد گزارش مالی بین‌المللی شماره ۱۶ اظهار می‌دارد که ارزش یک دارایی شامل هرگونه مخارج مستقیم منتسب به آوردن آن به محلی می‌شود که برای عملیاتی‌کردن مدنظر بوده است.

**۲۳۷۲** - بنابراین ایران خواستهٔ خود بابت غرامت را به میزان ۲۹،۰۶۳/۹۰ دلار آمریکا حفظ می‌کند.

---

[۱۲۴۵] *بنگرید به* بند ۸۴۱، بالا.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

**۲۳۷۳ -** ایالات متحده با استناد به ادله ارائه‌شده توسط آقای روسی[۱۲۴۶] بر این موضع است که اکساید باتری‌ها و تجهیزات شارژ باتری را از سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰] به بعد نگه نداشت، بلکه از آن اقلام «خلاصی» حاصل کرد. بنا به اظهارات ایالات متحده، اکساید با تولید، بسته‌بندی، و حمل کالاهای سفارشی به ایران، تعهدات قراردادی خود را کامل کرد. در نتیجه، اکساید نسبت به رقم کامل دریافتی ۲۹،۰۸۳/۹۳ دلار آمریکا استحقاق داشت.

*ارزش اقلام و آسیب دیدگی*

**۲۳۷۴ -** ایالات متحده ادعا می‌کند که قطعاً باتری‌ها به محض استرداد به بندر فیلادلفیا بی‌مصرف شده بوده است. وفق اظهارات آقای روسی، قرار گرفتن شارژرها در شرایط مرطوب به شدت به آن‌ها آسیب وارد می‌کرد، و آسیب به بشکه‌های فولادی می‌توانست به واکنش شیمیایی منتج شود که در قابل مصرف بودن الکترولایت اثر می‌گذاشت. آقای روسی متذکر شد که انتظار می‌رفت که اقلام ز-۱۰۵ بسیار زودتر از ۱۸ ماهی که وفق اظهار او، برای استرداد آن‌ها به ایالات متحده واقعاً طول کشید، به مقصد نهائی می‌رسید. ایالات متحده همچنین با استناد به نامهٔ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] آقای روسی[۱۲۴۷] و شهادت وی بر این موضع است که از اقلام ز-۱۰۵ بسیار پیش از بیانیه‌های الجزایر، کمی بعد از رسیدن آن‌ها به فیلادلفیا در وضعیت رطوبت‌زده و زیان‌دیده در سال ۱۳۵۸/۱۳۵۹ [۱۹۸۰]، با دور ریختن و یا به ضایعات فرستاده‌شدن، خلاصی صورت گرفته است.

**۲۳۷۵ -** به نظر ایالات متحده، بنابراین، یا اموالی وجود ندارد که مشمول ارزیابی توسط دیوان واقع شود، یا اموالی که باید مورد ارزیابی واقع شوند شدیداً آسیب دیده بودند.

---

[۱۲۴۶] *بنگرید به* همانجا.

[۱۲۴۷] *بنگرید به* بند ۸۴۰، بالا.

۲۳۷۶ - ایالات متحده مخالف استحقاق ایران به مطالبهٔ مبلغ کامل صورت‌حساب ۲۱ آذر ۱۳۵۷ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۸] ای‌اِس‌بی، یعنی ۲۹،۰۶۳/۹۳ دلار آمریکا، است. ایالات متحده بر اساس گزارش سال ۱۳۸۸/۱۳۸۹ [۲۰۱۰] آقای براون و شهادت وی در جلسات استماع ادعا می‌کند که استفاده از بهای مندرج در صورت‌حساب به عنوان نمود ارزش منصفانه بازار در رابطه با اموال ز-۱۰۵ نادرست است. مطابق اظهارات ایالات متحده، ارزش اقلام ز-۱۰۵ تحت تأثیر تورم و سایر عوامل مؤثر در بازار بوده است؛ مضافاً باتری‌ها و شارژرها دچار آسیب شده بود، که آن هم باید در محاسبه مدنظر باشد.

۲۳۷۷ - مطابق اظهارات آقای براون، بسته‌بندی صادراتی، تصدی حمل، و مخارج بیمه باید از ارزش منصفانه بازار کاسته شود، چرا که آن مخارج اساساً کالا و خدمات جانبی است. قدم بعدی پس از تعیین مخارج تاریخی، اعمال شاخص برای اندازه‌گیری مجدد تغییرات در قیمت در طول زمان است. شاخص مناسب، شاخص قیمت تولید کنندگان دفتر آمار کار ایالات متحده برای باتری‌ها و کالاهای مرتبط با آن است. آقای براون اظهار می‌دارد که، در این مورد، تاریخ شاخص‌گذاری باید تاریخ سفارش یعنی ۲۲ آبان ۱۳۵۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۷] باشد که زمانی است که بر سر قیمت توافق صورت گرفت.

۲۳۷۸ - وفق اظهارات آقای براون، قدم سوم انجام یک کسری به منظور در نظر گرفتن استهلاک است، که ایران آن را منظور نداشته است. آقای براون معتقد است که فرض کردن یک دورهٔ ده ساله از تاریخ تولید تا پایان زمان قابلیت استفاده به عنوان عمر مفید فرض معقولی است. با این حال، در این ادعا، بر اساس ادله ویژهٔ مرتبط با شرایط اموال مذکور در دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱]، به نظر آقای براون، در آن تاریخ: (یک) ۱۰۰ درصد استهلاک قابل اعمال است؛ و (دو) ارزش منصفانه بازار اقلام ز-۱۰۵ صفر می‌باشد. آقای براون برای تعیین ارزش اسقاطی اقلام ز-۱۰۵ ارزیابی به عمل نیاورده است.

*مخارج حمل*

**۲۳۷۹ -** ایالات متحده با استناد به محاسبات آقای براون متذکر می‌شود که مبلغی که ایران مطالبه کرده، به گونه‌ای که در صورت‌حساب ای‌اس‌بی منعکس است، شامل مبالغ حمل، بسته‌بندی و مخارج بیمه نیز می‌شود. بنابر اظهارات ایالات متحده، چنین مخارجی نه جزئی از ارزش منصفانه بازار برای اموال عینی به حساب می‌آید، و نه روش ارزش‌گذاری پذیرفته شده‌ای است که ارزش بازاری اقلام شامل هزینه‌های حمل باشد.

*(سه) تصمیم دیوان*

**۲۳۸۰ -** دیوان مقرر داشته است که اقلام ز-۱۰۵ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] موجود در قلمرو قضایی ایالات متحده بوده‌اند.[۱۲۴۸] مضافاً، دیوان حکم کرده است که ادله کافی منتج به امحاء آن اقلام تا ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴]، یعنی تاریخ نامهٔ اکساید به وزارت امور خارجه ایالات متحده، وجود ندارد.[۱۲۴۹]

**۲۳۸۱ -** دیوان اکنون باید به منظور محاسبهٔ غرامت قابل‌پرداخت به ایران در این ادعا تاریخ ارزیابی اقلام ز-۱۰۵ را تعیین کند. در این چارچوب، دیوان مقرر می‌دارد که تاریخ ارزیابی، اولین تاریخی است که به تخمین دیوان، ایالات متحده پس از آگاهی از اقلام ز-۱۰۵، می‌توانست هرگونه اقدام معقولی را در راستای ایفای تعهد بند ۹ خود مبنی بر حصول اطمینان از انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران به عمل آورد. دیوان مقرر می‌دارد که این تاریخ هشتم مهر ۱۳۶۲ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۳]، یعنی یک ماه پس از ثبت جوابیه ایران به لایحه دفاعیه ایالات متحده می‌باشد.[۱۲۵۰]

**۲۳۸۲ -** دیوان به عنوان نقطه شروع، باید ارزش اولیه اقلام ز-۱۰۵ را تعیین کند. صورت‌حسابی از ای‌اِس‌بی مورخ ۲۱ آذر ۱۳۵۷ [۱۲ دسامبر ۱۹۷۸] که هزینه تاریخی اقلام ز-۱۰۵ در آن تاریخ در آن مشخص شده، به

---

[۱۲۴۸] *بنگرید به* بند ۸۶۷ بالا.

[۱۲۴۹] *بنگرید به* بند ۸۶۹ بالا.

[۱۲۵۰] *بنگرید به* بند ۸۶۸ بالا.

دیوان ارائه شده است. مطابق آن صورت‌حساب، ۳۲۵ باتری خشک اکساید هر یک به مبلغ ۵۸/۱۰ دلار آمریکا هزینه برداشته و بنابراین مجموع قیمت باتری‌ها ۱۸،۸۸۲/۵۰ دلار آمریکا می‌باشد؛ قیمت اقلام دیگر به قرار آتی می‌باشد: پنج شارژر باتری اکساید ۲،۷۲۰ دلار آمریکا، یک شارژر ۱،۲۳۶/۵۰ دلار آمریکا و ۲۶ بشکه فولادی ۱۵ گالنی الکترولایت ۸۵۸ دلار آمریکا. بنابراین، قیمت کل اقلام ز-۱۰۵، ۲۳،۶۹۷ دلار آمریکا بود؛ این مبلغ با ارزش اولیهٔ آن اقلام مطابقت دارد.

**۲۳۸۳** - صورت‌حساب ای‌اس‌بی مخارج حمل، بسته‌بندی، و بیمه را به صورت جداگانه فهرست کرده است. دیوان مقرر می‌دارد که ایران نمی‌تواند آن هزینه‌ها را تحصیل کند زیرا همان‌گونه که پیش‌تر آقای براون به گونه‌ای متقاعدکننده توضیح داد، آن مخارج بخشی از ارزش واقعی اقلام ز-۱۰۵ نیست بلکه کالا و خدمات جانبی است.

**۲۳۸۴** - دیوان همچنین با آقای براون موافق است که ارزش اولیه اقلام ز-۱۰۵، یعنی ۲۳،۶۹۷ دلار آمریکا باید وفق شاخص قیمت تولیدکننده (طبق نوع کالا) برای باتری‌های قابل شارژ (WPU117901) از تاریخ توافق بر قیمت، ۲۲ آبان ۱۳۵۶ [۱۳ نوامبر ۱۹۷۷] (تاریخ سفارش) تا هشتم مهر ۱۳۶۲ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۳]، تاریخ نقض ایالات متحده شاخص‌گذاری شود. با این حساب، دیوان آن شاخص را اِعمال می‌کند و به مبلغ ۲۸،۵۱۷ دلار آمریکا می‌رسد.

**۲۳۸۵** - دیوان باید درصد کافی از آن مبلغ بابت استهلاک کسر کند. دیوان بر خلاف نظر ایالات متحده و شاهد کارشناس آن دولت، متقاعد نشده است که اقلام ز-۱۰۵ چنان آسیب شدیدی دیده بود که ارزش آن‌ها در تاریخ ارزیابی صفر باشد. به نظر دیوان، دقیق‌تر این است که فرض شود علی‌رغم مدت طولانی در دریا و یادداشت بر روی «رسید محموله» ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ [اول آوریل ۱۹۸۰] کویکر پکجینگ مبنی بر این که محموله «مرطوب

و آسیب‌دیده» - یادداشتی که ممکن است واقعاً به بسته‌بندی مربوط باشد - اقلام ز-۱۰۵ همچنان می‌توانست عمر مفید ده ساله داشته باشد. بنابراین، نرخ استهلاک اقلام ز-۱۰۵ باید بر آن مبنا محاسبه شود.

**۲۳۸۶** - با این حساب، دیوان مقرر می‌دارد که ارزش منصفانه بازاری که ایران بابت خسارات اقلام ز-۱۰۵ استحقاق دریافت آن را دارد، مبلغ (گرد شدهٔ) ۱۴،۹۷۲ دلار آمریکا می‌باشد و دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۱۲) ادعای ز-۳۲ (موزه ایران باستان/مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو)

*(الف) مقدمه*

**۲۳۸۷** - دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خسارتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۲۵۱] دیوان حکم کرده است که ایالات متحده در ارتباط با آثار چغامیش تعهد بند ۹ خود را نقض کرده است.[۱۲۵۲] چنانچه ایالات متحده تعهد بند ۹ را نقض نکرده بود، آثار چغامیش در حوزه قضایی ایالات متحده باقی نمی‌ماند.[۱۲۵۳] نتیجتاً، آثار چغامیش نمی‌توانست در دادرسی *روبین* در سال ۱۳۸۱/۱۳۸۲ [۲۰۰۳] توقیف شود، و اگر این تخلف رخ نمی‌داد ایران برای دفاع از آن اقلام، در جریان رسیدگی‌های مربوط به توقیف، متحمل مخارج حقوقی نمی‌شد. بدین‌قرار، ایالات متحده مسؤول خسارات وارده به ایران ناشی از تخلف از بیانیه عمومی است.

**۲۳۸۸** - خواستهٔ ایران در ادعای ز-۳۲ مطابق جدول اختصاری دعاوی، استرداد اقلامی که مجموعاً به عنوان «آثار چغامیش» شناخته می‌شود یا، به نحو جایگزین، دریافت غرامت بابت ارزش مال به تشخیص کارشناس

---

[۱۲۵۱] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۲۵۲] بنگرید به بندهای ۱۱۴۰-۱۱۴۴، بالا.

[۱۲۵۳] بنگرید به بند ۱۱۴۰، بالا.

منصوب دیوان است. ایران همچنین خسارات تبعی بابت موارد آتی را مطالبه می‌کند: (۱) محرومیت از استفاده آثار چغامیش از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تا آبان ۱۳۹۳ [نوامبر ۲۰۱۴]، به مبلغ ۱،۶۰۸،۵۷۱ دلار آمریکا و خسارات محرومیت از استفاده از آبان ۱۳۹۳ [نوامبر ۲۰۱۴] به بعد یا، به نحو جایگزین، خسارتی معادل آن‌چه کارشناس منصوب دیوان تعیین کند؛ و (۲) حق‌الزحمه‌ها و مخارج حقوقی متحمله به مبلغ ۸۶۴،۰۷۹/۱۳ دلار آمریکا.

**۲۳۸۹ -** دیوان متذکر می‌شود که آثار چغامیش در دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] به ایران مسترد شد.[۱۲۵۴]

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

*استرداد آثار چغامیش*

**۲۳۹۰ -** خواسته اصلی ایران استرداد آثار چغامیش است؛ به نحو جایگزین، ایران خواهان غرامت ارزش آثار چغامیش مطابق ارزش تعیین‌شده توسط کارشناس منصوب دیوان است. مؤسسه شرق‌شناسی با همکاری ایالات متحده آثار چغامیش را در دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] به ایران مسترد نمود.[۱۲۵۵]

*محرومیت از استفاده*

**۲۳۹۱ -** ایران بابت از دست‌دادن درآمدی که سازمان میراث فرهنگی ایران، و ایران در صورت در اختیار داشتن آثار مذکور می‌توانستند حاصل کنند، خسارات تبعی مطالبه می‌کند. مطابق اظهارات ایران، آثار مذکور «ارزش علمی داشت و به این دلیل برای ایران مهم و ارزشمند بود، و بنابراین می‌توانست منشاء درآمد باشد». ایران

---

[۱۲۵۴] *بنگرید به* بند ۱۱۴۳، بالا.

[۱۲۵۵] *بنگرید به* همانجا.

در خصوص ارزش علمی آثار چغامیش و اهمیت آن‌ها به شهادت‌نامهٔ آقای دکتر حاج سید جوادی و شهادت آقای محمدرضا زاهدی استناد می‌کند.

**۲۳۹۲** - ایران معروض می‌دارد که «منحصر به فرد بودن آثار، و ارزش علمی و باستان‌شناسی آن‌ها، اهمیت آکادمیک آن و نقش آن‌ها برای بشریت در درک آغاز تمدن ایران باستان و بین‌النهرین و به ویژه نقش آثار چغامیش در درک توسعهٔ ارتباطات نوشتاری، آثار چغامیش را بسیار ارزش‌مند می‌کند. ایران در تأیید استدلال منحصر به فرد بودن و ارزش آثار چغامیش، شهادت‌نامهٔ دکتر حاج سید جوادی، کارشناس امور باستان‌شناسی در سازمان میراث فرهنگی ایران، را ارائه کرده است. به نظر دکتر جوادی، آثار چغامیش منحصر به فرد است و با مهرهای مشابه قابل قیاس نیست زیرا این آثار از «دیدگاه تاریخی با یکدیگر تفاوت دارند» و «هر اثر هنری و باستانی هویت خاص خود را دارد و با هیچ اثر دیگری قابل مقایسه» نیست. مع‌هذا، دکتر جوادی پذیرفت که ارزش مهرهای چغامیش جز برای تحلیل باستان‌شناسی و مطالعه ناچیز یا در حد هیچ است، اما او بر ارزشی که امکان مطالعهٔ علمی به یک شیء می‌دهد تأکید کرد. مطابق اظهارات دکتر جوادی، در صورت در دسترس بودن آثار چغامیش برای نمایش، موزه ایران باستان درآمد بیش‌تری کسب می‌کرد.

**۲۳۹۳** - ایران مدعی است که محرومیت از درآمد در نتیجه عدم امکان استفاده از آثار چغامیش در سه بخش است: «[(یک)] از دست دادن درآمد فروش بلیط؛ [(دو)] از دست دادن درآمد ناشی از خدمات معیّن محققین؛ و [(سه)] از دست دادن درآمد از طریق فروش نشریات توسط سازمان میراث فرهنگی».

*فوت عواید فروش بلیط موزه*

**۲۳۹۴** - ایران در رابطه با محرومیت از درآمد فروش بلیط موزه اظهار می‌دارد که سازمان میراث فرهنگی ایران آثار چغامیش را به موزه‌های هفت تپه و شوش در خوزستان می‌فرستاد، که در محل‌های باستان‌شناسانهٔ با

اهمیت قرار دارند، و از «مقاصد محبوب گردشگری» هستند. درآمد این موزه‌ها شامل درآمد حاصل از پرداخت بازدیدکنندگان موزه‌هائی که پس از جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۴/۱۳۶۵ [۱۹۸۶] افتتاح گردید، می‌شد.

**۲۳۹۵ -** ایران در محاسبهٔ خسارات تبعی ناشی از محرومیت از فروش بلیط موزه، به محاسبات شاهد کارشناس خود دکتر محمدرضا زاهدی، رئیس اداره اموال منقول فرهنگی در سازمان میراث فرهنگی ایران استناد می‌کند. ایران مدعی است که بین سال‌های ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱]، سالانه ۱۰،۰۰۰ گردش‌گر ایرانی و خارجی از موزهٔ شوش بازدید کرده است. میان‌گین بهای بلیط در آن دوره ۳،۰۰۰ ریال، و میانگین سالانه درآمد بلیط ۳۰ میلیون ریال در سال برای ۱۵ سال یعنی از ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱] بود. در سال ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۲۰۰۱] علاقه به تاریخ باستان به خاطر برنامه‌های مختلف تحت حمایت سازمان میراث فرهنگی ایران در سراسر ایران اوج گرفت. بنابراین بین سال‌های ۱۳۷۹/۱۳۸۰ و ۱۳۹۲/۱۳۹۳ [۲۰۰۱ و ۲۰۱۴] میان‌گین بازدیدکنندگان موزه شوش سالانه ۱۵،۰۰۰ گردش‌گر بود، که درآمد حاصله برای آن دورهٔ ۱۳ ساله به حدود ۷۵ میلیون ریال در سال رسید. بنابراین، ایران معروض می‌دارد که کل درآمد بلیط موزهٔ شوش از ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۹۲/۱۳۹۳ [۱۹۸۶ تا ۲۰۱۴]، حدود ۱،۴۲۵ میلیون ریال بود. ایران بر اساس محاسبات دکتر زاهدی معروض می‌دارد که «اگر آثار چغامیش در موزه هفت تپه و شوش به نمایش گذاشته می‌شد درآمد بلیط به نسبت ۱ درصد درآمد بلیط افزایش می‌یافت».

**۲۳۹۶ -** دکتر زاهدی، شاهد کارشناس ایران، اهمیت آثار چغامیش و ربط آن به جامعه معاصر ایرانی را توضیح داد، و برنامه‌هایی را که سازمان میراث فرهنگی برای آثار چغامیش داشت تشریح کرد. دکتر زاهدی ارقام درآمد فوت‌شده را از روی فروش بلیط موزه محاسبه کرد، و متذکر شد که محاسبات او بر مبنای آمار درآمد، و مبتنی بر تحقیقات خود وی انجام شده است. دکتر زاهدی متذکر شد که وی مدارک مرتبط با محرومیت از درآمد ناشی از عدم فروش بلیط و فروش نشریات در موزه‌های مختلف را که در پایگاه داده‌های ستاد مرکزی سازمان

میراث فرهنگی ایران در دسترس بود، ملاحظه کرده است هر چند این مدارک در سابقهٔ پرونده‌های حاضر مضبوط نیست. آقای زاهدی در پاسخ به سؤال دیوان همچنین متذکر شد که محاسبه محرومیت از درآمد فروش بلیط در حد یک درصد کل فروش بلیط‌ها با تعداد آثاری که «در موزه‌های شوش و هفت تپه به نمایش گذاشته شده بود ربط داشت». آقای زاهدی توضیح داد که وقتی آثار خاصی چون استوانه کوروش بازگردانده و در موزه ایران باستان به نمایش گذاشته شد، موزه شاهد رشد چشم‌گیر تعداد بازدیدکنندگان بود. مطابق اظهارات آقای زاهدی، به محض بازگردانده‌شدن استوانه کوروش از موزه بریتانیا، این استوانه ۴۰۰،۰۰۰ نفر را به موزهٔ ایران باستان جذب کرد.

**۲۳۹۷** - ایران همچنین مدعی است که موزه هفت تپه از سال ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹/۱۳۸۰ [۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱] سالانه میانگین ۸،۰۰۰ نفر بازدیدکننده با میانگین بهای بلیط ۳،۰۰۰ ریال داشته است. موزهٔ هفت تپه از ۱۳۷۹/۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲/۱۳۹۳ [۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴]، میانگین ۱۰،۰۰۰ بلیط در سال به بهای ۵،۰۰۰ ریال بابت هر بلیط فروخت. این امر به مجموع ۱،۰۱۰ میلیارد ریال در طول سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۳ [۱۹۸۶ تا ۲۰۱۴] منتج می‌شود «که تخمین زده می‌شود که اگر آثار چغامیش به صورت عمومی به عنوان بخشی از موزه هفت تپه به نمایش در می‌آمد، ۱ درصد اضافی آن مبلغ حاصل می‌شد».

**۲۳۹۸** - ایران در معارضه متذکر می‌شود که شاهد کارشناس ارزیابی که به نمایندگی از ایالات متحده حاضر شد مخالفتی با ادعای ایران مبنی بر این امر ندارد که اگر آثار چغامیش در دسترس بود، ایران را قادر به نوعی کسب درآمد می‌کرد که در نبود آن حاصل نشده است. ایران همچنین متذکر می‌شود که یکی از شاهدان کارشناسی که به نمایندگی از ایالات متحده حاضر شد هرگز در هفت تپه یا موزه شوش نبوده، و این‌که اگرچه وی مخالف پیش‌بینی ایران از تعداد بازدیدکنندگان است، دانش کافی از این امر نداشت که آیا علاقهٔ ایرانیان نسبت به میراث فرهنگی رو به تزاید بوده است، که نتیجتاً منجر به توجه بیش‌تر به موزه‌ها شود. ایران همچنین

انتقاد یکی از شاهدان کارشناسی را که از جانب ایالات متحده حضور یافته بود نسبت به روش محاسبه عدم‌النفع بابت بازدیدکنندگان موزه مردود اعلام کرد، و متذکر شد که شاهد کارشناس مذکور صرفاً شهادت داد که اطلاعات بیش‌تری برای محاسبهٔ عدم‌النفع بازدیدکنندگان موزه باید در اختیار داشته باشد، و اساس ادعای ایران را مبنی بر این‌که اشیاء تاریخی می‌توانست با بالا بردن فروش بلیط منشاء درآمد باشد مورد اعتراض قرار نداد.

**۲۳۹۹ -** ایران بنابراین معروض می‌دارد که این درآمدهای ازدست‌رفته معادل خسارت تخمینی ۱۰/۱ میلیون ریال فروش فوت‌شدهٔ بلیط برای موزه هفت تپه، و مبلغ ۱۴/۲ میلیون ریال دیگری بابت فقد فروش بلیط برای موزه شوش، با تخمین مجموعاً ۲۴/۳۵ میلیون ریال بابت فروش نرفتن بلیط موزه می‌باشد.

*محرومیت از درآمد ارائه تصاویر به محققین*

**۲۴۰۰ -** مطابق تخمین‌های ایران، سالانه پنج محقق تقریباً ۴۰ تصویر تخصصی از موزه می‌خریدند، که میانگین سود موزه بابت هر تصویر ۵،۰۰۰ ریال می‌باشد. در معارضه، ایران مجدداً متذکر می‌شود که شاهد کارشناس معرفی‌شده توسط ایالات متحده با این واقعیت که محققین تصاویر تخصصی خریداری می‌کردند مخالفتی نکرد، و بنابراین در این مورد که ایران در این رابطه متحمل خسارت شده، مسئله‌ای وجود ندارد. ایران بنابراین معروض می‌دارد که این درآمدهای از دست رفته در دورهٔ بین ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۹۲/۱۳۹۳ [۱۹۸۶ تا ۲۰۱۴] معادل ۳۴ میلیون ریال می‌باشد.

*محرومیت از درآمد فروش نشریات*

**۲۴۰۱ -** مطابق اظهارات ایران، به دلیل عدم استرداد آثار چغامیش، سازمان میراث فرهنگی ایران نتوانست حداقل دو کتاب تخصصی در خصوص اکتشافات چغامیش منتشر کند. با استناد به محاسبات دکتر زاهدی، تخمین ایران این است که چنانچه کتاب‌های مذکور منتشر شده بود تقریباً دو هزار نسخه از هر یک به قیمت فروش

تقریبی ۲۰،۰۰۰ ریال به فروش می‌رسید. ایران معروض می‌دارد که ۵۰ درصد بهای فروش، درآمد کسب‌شدهٔ سازمان میراث فرهنگی ایران می‌بود. با این حال، دکتر زاهدی در پاسخ به سؤالی از طرف دیوان متذکر شد که ۱۰ تا ۲۰ درصد کتاب‌ها مجانی عرضه می‌شود، حال آن‌که ۷۰ تا ۸۰ درصد برای فروش است. در معارضه، ایران همچنین متذکر می‌شود که هیچ‌یک از کارشناسان معرفی‌شده توسط ایالات متحده، علی‌رغم مخالف بودن با فروض پذیرفته‌شدهٔ دکتر زاهدی که کارشناس معرفی‌شدهٔ ایران بود، متعرض اساس ادعای ایران نشدند. بنابراین، وفق اظهارات ایران، این واقعیت که خسارت واردشده قطعیت داشته، و دیوان فقط باید میزان آن را تعیین کند، نه این‌که تعیین کند که آیا ممکن بوده است یا خیر. ایران بنابراین معروض می‌دارد که خسارت محرومیت از درآمد خسارتی معادل ۴۰ میلیون ریال است.

**۲۴۰۲ -** بدین ترتیب، وفق اظهارات ایران، کل مبلغ خسارت متحمله بابت محرومیت از استفاده که از قصور ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال آثار چغامیش به ایران حاصل شد در آبان/آذر ۱۳۹۳ [نوامبر ۲۰۱۴] مبلغ ۱۱۲/۶ میلیون ریال می‌باشد. با نرخ تسعیری که دیوان سابقاً اعمال کرده، یعنی ۷۰ ریال بابت هر دلار آمریکا، از تاریخ نقض که به ادعای ایران دی/بهمن ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] است، ایران بنابراین مبلغ ۱،۶۰۸،۵۷۱ دلار آمریکا بابت خسارت محرومیت از درآمد از ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۹۲/۱۳۹۳ [۱۹۸۶ تا ۲۰۱۴] مطالبه می‌کند.

*حق‌الزحمه‌ها و مخارج حقوقی*

**۲۴۰۳ -** ایران معروض می‌دارد که در نتیجهٔ نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده، آثار چغامیش در ایالات متحده باقی ماند و در سال ۱۳۸۱/۱۳۸۲ [۲۰۰۳] موضوع رسیدگی‌های توقیف در دادرسی *روبین* شد. ایران استدلال می‌کند که در جریان رسیدگی‌های توقیف از تیر/مرداد ۱۳۸۵ [ژوئیه ۲۰۰۶] در دفاع از آثار چغامیش ناچار شد در محکمه حضور یابد تا مصونیت حاکمیتی خود را نسبت به این آثار اعمال کند و در نتیجه متحمل پرداخت حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی شد. مطابق اظهارات ایران، چنانچه آن دولت ملزم به حضور و دفاع

از مجموعه‌های چغامیش و پرسپولیس نمی‌شد، در دادرسی *روبین* دستور کشف علیه ایران صادر نمی‌شد. ایران معروض می‌دارد که مستحق جبران خسارات ناشی از حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی است زیرا اگر نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده نبود، مجموعه چغامیش در تاریخ توقیف در قلمرو قضایی ایالات متحده نمی‌بود.

**۲۴۰۴ -** ایران هرگونه استدلال ایالات متحده مبنی بر این امر را رد می‌کند که ایران باید اثبات کند که دادرسی *روبین* قاعدتاً پرهزینه‌تر از موردی می‌بود که تنها مجموعه پرسپولیس در دادخواست اصلی ذکر می‌شد. برای ایران، سؤال صحیح در خصوص سببیت، به ارزش آثار چغامیش از دیدگاه خواهان‌های پرونده *روبین* و به در دسترس قرار داشتن آثار برای توقیف مرتبط است. ایران متذکر می‌شود که اگر قصد خواهان‌ها در دادرسی *روبین* فقط توقیف الواح پرسپولیس بود، توقیف علیه آثار چغامیش وضع نمی‌شد. بنابراین، ایران معروض می‌کند که خواهان‌های *روبین* مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش، هر دو، را به یک اندازه و مشترکاً هدف قرار دادند، و حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی ناشی از رسیدگی‌های مذکور مشترک و جمعی است و باید به تساوی تسهیم شود.

**۲۴۰۵ -** مطابق ادله تقدیمی ایران، حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی مطالبه‌شده توسط وکلای آمریکائی ایران از تیر/مرداد ۱۳۸۵ [ژوئیه ۲۰۰۶] تا پایان رسیدگی‌های توقیف به قرار آتی بودند: (یک) ۸۶۳،۲۶۸/۹۶ دلار آمریکا بین تیر/مرداد ۱۳۸۵ و تیر/مرداد ۱۳۹۱ [ژوئیه ۲۰۰۶ و ژوئیه ۲۰۱۲]، که مبلغ ۷۱۰،۳۹۱/۰۱ دلار آمریکا از آن مبلغ را مؤسسه برلینر کورکوران اند رو ال‌ال‌پی، و ۱۵۲،۸۷۷/۹۵ دلار آمریکا را مولولامکن ال‌ال‌پی مطالبه کرده بود؛ (دو) ۶۵۸،۹۴۹/۴۵ دلار آمریکا از مرداد/شهریور ۱۳۹۱ و شهریور/مهر ۱۳۹۳ [اوت ۲۰۱۲ و سپتامبر ۲۰۱۴] که مولولامکن ال‌ال‌پی مطالبه کرد؛ و (سه) ۱۸۳،۲۰۱/۱۷ دلار آمریکا بین آبان/آذر ۱۳۹۳ و خرداد/تیر ۱۳۹۴ [نوامبر ۲۰۱۴ و ژوئن ۲۰۱۵] را نیز که مولولامکن ال‌ال‌پی مطالبه کرد. ایران نامه‌های وکلا را تسلیم کرده که اظهار می‌دارد که نیمی از حق‌الزحمه‌ها و مخارج مترتبه به درستی منتسب به دفاع از آثار چغامیش است. بر

این اساس، ایران خواهان نیمی از کل مبلغ حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های مطالبه‌شده توسط وکلای آمریکائی خود در ارتباط با دادرسی *روبین* می‌باشد.

۲۴۰۶- ایران معروض می‌دارد که وکلای آمریکائی این دولت اطلاع داده‌اند که «مخارج حقوقی متحملهٔ ایران بابت آثار چغامیش نیمی از کل هزینه‌های مترتبه در رسیدگی‌های *روبین* است». در واقع وکیل ایران در دادرسی *روبین* نیز نوشته است که

> ایران از حضور در دادرسی در مرحله بدوی ناگریز شد تا ادعای مصونیت مربوط به دو مجموعه آثار تاریخی، یعنی مجموعه پرسپولیس و چغامیش را عنوان کند. در نتیجه حضور ایران برای دفاع از آن دو مجموعه، دستور کشفی کلّی علیه ایران صادر شد که دادرسی‌های بعدی در دادگاه پژوهش حوزه هفتم و دیوان عالی ایالات متحده را در پی داشت. بدین‌قرار، حق‌الزحمه‌ها و مخارج متحمله بابت تحلیل و دفاع از حکم دادگاه پژوهش حوزه هفتم مخارج متفق و مشترک دفاع از مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش است که باید به تساوی به دو مجموعه اختصاص یابد.
>
> پس از آن‌که دیوان عالی درخواست فرجام را در پنجم تیر ۱۳۹۱ [۲۵ ژوئن ۲۰۱۲] رد کرد، ما به دفاعیات خود در قبال تلاش خواهان‌ها برای توقیف و اجرای حکم، علیه مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش *هر دو*، ادامه داده‌ایم. باز هم حق‌الزحمه‌ها و مخارج متحمله بابت دفاع علیه توقیف و اجرای هر دو مجموعه متضمن مخارج مشترک و جمعی بود که باید به تساوی اختصاص یابد. (تأکید از متن اصلی است.)

۲۴۰۷- چهار نامه در تأیید اختصاص حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی به تساوی بین مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش توسط ایران تسلیم شده است. نخستین نامه به تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۹۱ [۱۲ ژوئیه ۲۰۱۲] از وکلای ایران، برلینز کورکوران اند رو ال.ال.پی. است که متذکر می‌شوند که از زمان حضور ایران در پیش‌گاه دادگاه‌های ایالات متحده از تیر/مرداد ۱۳۸۵ [ژوئیه ۲۰۰۶] تا ۳۱ تیر ۱۳۸۷ [۲۱ ژوئیه ۲۰۰۸] ایران در رسیدگی‌های درخواست‌های مختلف برای اعلام مصونیت مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش مشارکت داشت. مطابق همان نامه، تقریباً ۳۵ درصد از زمان صرف‌شدهٔ وکلا در طی این دوره معادل مبلغ ۱۴۷،۳۹۲/۶۷ دلار آمریکا صرف

دادرسی اختلافاتی شد که مستقیماً به آثار چغامیش مربوط بود. طی همان دوره، ۳۰ درصد زمان صرف‌شده توسط وکلا مربوط به دادرسی این مطلب بود که آیا ایران باید در خصوص کلیه اموال خود در ایالات متحده مدرک ارائه کند یا خیر. از آن‌جا که اگر ایران به خاطر دفاع از این دو مجموعه، شامل مجموعهٔ چغامیش در دادرسی شرکت نکرده بود، جریان الزام به ارائه مدارک پیش نمی‌آمد، تلقی مؤسسهٔ برلینر، کورکوران اند رو ال. ال. پی. این است که نیمی از مخارج منتسب به جریان الزام به ارائه مدارک، «به طور منصفانه به دفاع از مجموعه چغامیش» اختصاص دارد. بنابراین تلقی برلینر، کورکوران اند رو ال‌ال‌پی این است که در دورهٔ تیر/مرداد ۱۳۸۵ [ژوئیه ۲۰۰۶] تا ۳۱ تیر ۱۳۸۷ [۲۱ ژوئیه ۲۰۰۸] جمع مبلغ ۵۶۰/۹۶، ۲۱۰ یا ۵۰ درصد حق‌الزحمه‌ها این دوره، باید به آثار چغامیش اختصاص یابد.

۲۴۰۸ - بحث اختصاص مخارج حقوقی در دورهٔ ۳۱ تیر ۱۳۸۷ [۲۱ ژوئیه ۲۰۰۸] تا پنجم تیر ۱۳۹۱ [۲۵ ژوئن ۲۰۱۲] در همان نامهٔ ۲۲ تیر ۱۳۹۱ [۱۲ ژوئیه ۲۰۱۲] آمده است. در این دوره ایران متذکر پژوهش از دو قرار دادگاه ناحیه‌ای مربوط به ادعای مصونیت حاکمیتی نسبت به مجموعه پرسپولیس و چغامیش، و الزام به افشای تمام دارایی‌های ایران در ایالات متحده شد. ایران همچنین وادار شد در فرآیند درخواست ثبت‌شدهٔ خواهان‌های *روبین* در دیوان عالی ایالات متحده بابت قبول رسیدگی فرجامی به تصمیم دادگاه پژوهش حوزه هفتم در خصوص الزام مذکور مشارکت کند. مجدداً برلینر، کورکوران اند رو ال‌ال‌پی اظهار می‌دارد که اگر ایران مجبور نشده بود برای طرح مسئله مصونیت مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش در دادرسی حضور یابد، طرف دادرسی‌های مربوط به آن نیز واقع نمی‌شد. بنابراین، مطابق تلقی برلینر کورکوران اند رو، ۱۵۴،۲۲۲/۸۱ دلار آمریکا یا به عبارت دیگر ۵۰ درصد حق‌الزحمه قابل‌پرداخت در آن دوره، باید به دفاع از آثار چغامیش اختصاص یابد.

۲۴۰۹- نامه دوم، به تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۱ [۱۴ اوت ۲۰۱۲] از ملولامکن ال‌ال‌پی، وکلای ایران می‌باشد. ملولامکن ال‌ال‌پی در این نامه تأیید می‌کند که تقریباً ۷۶،۳۸۸/۹۸ دلار آمریکا، «یا نیمی از کل حق‌الزحمه‌ها به درستی به دفاع از آثار چغامیش منتسب است». در نامه مذکور آمده است که ملولامکن ال‌ال‌پی در ۱۱ بهمن ۱۳۸۹ [۳۱ ژانویه ۲۰۱۱] به خدمت ایران درآمده و، از آن زمان، در دادرسی *روبین* از جانب ایران «در مرحله بدوی به منظور طرح ادعای مصونیت دو مجموعه از آثار، مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش» اقدام کرد. ملولامکن اظهار داشت که در نتیجه حضور ایران برای دفاع از آن دو مجموعه، آن دولت مشمول قرار افشای اموال و دادرسی متعاقب آن در دادگاه پژوهش منطقه هفتم و دیوان عالی ایالات متحده شد. بنابراین، «حق‌الزحمه‌ها و مخارج متحمله در تحلیل و دفاع رأی دادگاه پژوهش منطقه هفتم مخارج مشترک و جمعی دفاع از مجموعه‌های پرسپولیس و چغامیش است و نیمی از آن مخارج، یا مجموعاً ۷۴،۱۷۲/۴۷ دلار آمریکا به طور منصفانه منتسب به دفاع از مجموعه چغامیش است». به همین منوال، نیمی از مخارج مربوط به قرار دیوان عالی مبنی بر قابل فرجام نبودن تصمیم دادگاه ناحیه‌ای مبنی بر الزام ایران به حضور در رسیدگی به منظور دفاع از مصونیت دو مجموعه مذکور، می‌تواند «صحیحاً دفاع از مصونیت مجموعهٔ چغامیش به حساب آید». این مبلغ معادل ۲،۲۱۶/۵۱ دلار آمریکا می‌باشد. ملولامکن ال‌ال‌پی بنابراین نتیجه گرفت که مبلغ تقریبی ۷۶،۳۸۸/۹۸ دلار آمریکا که نیمی از مجموع حق‌الزحمه‌ها است به درستی مربوط به دفاع از آثار چغامیش تا ۱۰ تیر ۱۳۹۱ [۳۰ ژوئن ۲۰۱۲] از جمله شامل این تاریخ است.

۲۴۱۰- سومین نامه به تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۹۱ [۲۰ اکتبر ۲۰۱۴] از ملولامکن ال‌ال‌پی و مربوط به مخارج متحمله در ارتباط با دادرسی *روبین* بین تیر/مرداد ۱۳۹۱ و شهریور/مهر ۱۳۹۳ [ژوئیه ۲۰۱۲ تا سپتامبر ۲۰۱۴] است. این نامه اظهار داشت که «تقریباً ۳۳۴،۲۸۹/۷۳ دلار آمریکا یا نیمی از کل حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های این صورت‌حساب‌ها به درستی به دفاع از آثار چغامیش قابل انتساب است».

۲۴۱۱- چهارمین نامه به تاریخ ششم خرداد ۱۳۹۵ [۲۶ مه ۲۰۱۶] نیز از جانب ملولامکن ال‌ال‌پی و مربوط به مخارج متحمله در دادرسی *روبین* بین مهر/آبان ۱۳۹۳ [اکتبر ۲۰۱۴] و دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] است. این نامه به دلایل مطروحه در نامهٔ مورخ ۲۸ مهر ۱۳۹۱ [۲۰ اکتبر ۲۰۱۴] مذکور در بالا اشاره می‌کند و مجدداً متذکر می‌شود که نیمی از کل حق‌الزحمه‌ها و مخارج بین مهر/آبان ۱۳۹۳ [اکتبر ۲۰۱۴] و ۳۰ مهر ۱۳۹۴ [۲۲ اکتبر ۲۰۱۵] «به درستی به دفاع از آثار چغامیش قابل انتساب است».

۲۴۱۲- ایران سه دفاعی که ایالات متحده در ارتباط با ادعای ایران بابت خسارات تبعی مطرح کرده را رد می‌کند، یعنی این‌که (یک) ایران نتوانسته اثبات کند که ایالات متحده سبب نزدیک خسارات است یا خسارات به نحو معقول قابل پیش‌بینی بوده است؛ (دو) ادعاهای خسارات ایران غیردقیق یا مبتنی بر ظن و گمان است؛ و (سه) ایران برای دوره‌های زمانی غیرمجاز خسارت و بهره مطالبه می‌کند.

۲۴۱۳- در خصوص دفاع نخست، ایران معروض می‌دارد که زنجیره سببیت خسارت قطع نشده است، زیرا ادله حاکی از قصور ایران نیست، بلکه این ایالات متحده است که علی‌رغم تلاش‌های مکرر ایران برای پس‌گرفتن اموالش، اقدامی معمول نداشت و کماکان ناقض تعهد بند ۹ خود باقی ماند. فزون بر این، ایران مدعی است که «خطر تا زمانی که در چارچوب مخاطراتی است که به طرف خاطی قابل‌انتساب است، می‌تواند به میزان کافی سبب نزدیک تلقی شود، هر چند مستقیماً قابل پیش‌بینی نباشد». ایران همچنین معروض می‌دارد حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی‌ای که از بابت دادرسی *روبین* متحمل شده کاملاً قابل پیش‌بینی بود، چرا که ایالات متحده از خواهان‌های *روبین* و سایر دارندگان رأی علیه ایران، که در صدد اجرای آن‌ها علیه دارایی‌های ایران بودند آگاهی داشت. در واقع، ایران متذکر می‌شود که چنین اشخاصی در رسیدگی‌های مختلف پیشاپیش تلاش کرده بودند که اموال ایران را توقیف کنند، و ایالات متحده به عنوان وارد ثالث در آن رسیدگی‌های حضور یافته بود.

۲۴۱۴- ایران در خصوص دومین دفاع ایالات متحده مبنی بر ادعاهای غیردقیق و اثبات نشده‌ی ایران، متذکر می‌شود که دیوان «به منظور ارائه محاسبات منصفانه و معقول خسارات، طیفی از روش‌ها را اتخاذ کرده است». ایران مضافاً استدلال ایالات متحده را مبنی بر لزوم اعمال ملاک سنگین‌تری توسط دیوان برای ادله اثباتی در پرونده‌هائی که متضمن ادعای حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی، در قیاس با سایر ادعا هستند را مردود می‌داند. ایران می‌پذیرد که بار اثبات و حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی را بر دوش داشته، اما مدعی است که دیوان «ملاک استثنائاً سنگینی» آن طور که ایالات متحده استدلال می‌کند، مقرر نداشته است. به هر روی، ایران معروض می‌دارد که در حد ضرورت از عهدهٔ بار اثبات ادعا برآمده است، و خسارت تخمینی محرومیت از درآمد «در اوضاع و احوال موجود منصفانه و معقول است». ایران همچنین استدلال ایالات متحده را مبنی بر این‌که تسهیم ۵۰ درصد حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی در دادرسی *روبین* بابت آثار چغامیش به صورت دل‌بخواه تعیین شده است را رد می‌کند. ایران اظهارات ایالات متحده دائر بر این‌که آثار چغامیش اهمیت کم‌تری نسبت به آثار پرسپولیس داشته است را مردود می‌داند، چرا که «دادگاه‌های ایالات متحده برخورد یک‌سانی با هر دو مجموعه داشتند، و به خاطر تعداد آثار یا اهمیت ادعائی آن‌ها برخورد متفاوتی با دو مجموعه نداشتند».

۲۴۱۵- ایران در پاسخ به سومین دفاع ایالات متحده در خصوص دورهٔ زمانی‌ای که ایران حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی مطالبه می‌کند، استدلال می‌نماید که مطالبهٔ خسارات بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی «برای تمام رسیدگی‌ها و رسیدگی‌های در حال انجام توقیف روبین»، و نه چنان‌که ایالات متحده استدلال می‌کند، مطالبه حق الزحمه‌ها و هزینه‌های مربوط به فقط برخی مراحل آن رسیدگی‌ها، درست است.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

*محرومیت از استفاده*

۲۴۱۶- ایالات متحده سه استدلال اصلی علیه ادعای ایران بابت خسارات ناشی از محرومیت از استفاده از آثار چغامیش ارائه می‌کند، یعنی: (یک) این‌که ادعای ایران بابت عدم النفع برای نخستین بار در جلسه استماع مطرح شد، (دو) ادعای ایران بابت محرومیت از استفاده دچار ناهمخوانی درونی است؛ و (سه) سابقه پرونده، ادعاهای محرومیت از استفادهٔ ایران را تأیید نمی‌کند و بر روش‌ها و مفروضات سالم متکی نیست. بنابراین، ایالات متحده استدلال می‌کند که ادعاهای ایران بابت خسارات باید مردود اعلام شود.

۲۴۱۷- نخستین استدلال ایالات متحده این است که ادعاهای ایران بابت عدم‌النفع برای نخستین بار در جلسه استماع مطرح شد و در نتیجه، ایالات متحده فرصت پرداختن به این ادعا را قبل از جلسه استماع نداشت.

۲۴۱۸- دوم، ایالات متحده متذکر می‌شود که ادعاهائی که ایران بابت محرومیت از فروش بلیط موزه، محرومیت از درآمد ناشی از نشریات، و درآمد از دست‌رفتهٔ فروش تصاویر «شدیداً از ادعاهائی که ایران در مرحله ثبت لوایح کتبی دادرسی مطرح کرد متفاوت است و مدارک موجود در سوابق پرونده مؤید آن نیست». مطابق اظهارات ایالات متحده، این ادعاها باید مردود اعلام شود چرا که این دولت در مراحل قبل، فرصت پرداختن به آن‌ها را نداشت، و به هر تقدیر، «تفاوت اساسی موجود بین ادعای سابق و لاحق [که ایران مطرح کرده است] این مطلب را که آیا قصدی برای استفاده از این آثار وجود داشته است یا خیر را زیر سؤال می‌برد». مضافاً، ایالات متحده به ناهمخوانی شهادت‌نامه دکتر جوادی با مدعیات ایران در جلسه استماع اشاره می‌کند. ایالات متحده خاطرنشان می‌شود که دکتر جوادی در شهادت‌نامهٔ خود اظهار داشته است که «برنامهٔ ایران این بود که با استفاده از آثار مذکور گردش‌گرهای جدید خارجی را به موزهٔ ایران باستان جلب کند، و آن‌ها را برای نمایش‌گاه‌های خارجی امانت دهد. با این حال، ایران در جلسه استماع اظهار داشت که برنامهٔ آن دولت این بودکه «آثار به موزه‌های محلی شوش و هفت تپه فرستاده شود و ظاهراً از اساس به نمایش‌گاه‌های خارجی ارسال نشود».

۲۴۱۹ - برای ایالات متحده، برنامه‌های مختلف برای نشریات دربارهٔ آثار چغامیش دلیل دیگری در تأیید این ناهم‌خوانی در نقشه‌های ظاهری ایران برای آثار چغامیش است. ایالات متحده متذکر می‌شود که شهادت‌نامهٔ دکتر جوادی از طرح‌هائی برای نشریاتی سخن می‌گوید که ۱،۰۰۰ دلار آمریکا در سال از سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ تا ۱۳۸۲/۱۳۸۳ [۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴] عایدی می‌داشت. با این حال، دکتر زاهدی در شهادت شفاهی خود به بحث از برنامهٔ ایران برای انتشار دو کتاب که «حسب ادعا ۴۰ میلیون ریال عایدی می‌داشت که با نرخ تسعیری که ایران برای این مورد مطرح می‌کند، یعنی ۷۰ به ۱، سودی بالغ بر ۵۷۱،۰۰۰ دلار را برای دو کتاب می‌توانست حاصل کند». ایالات متحده معروض می‌دارد که شهادت دکتر زاهدی با شهادت‌نامهٔ دکتر جوادی در تعارض است، و این تعارض «وجود یک برنامه منسجم برای طرح انتشارات مربوط به این آثار را زیر سؤال می‌برد. همچنین این فرض هم که همهٔ کتاب‌هایی که منتشر شوند چنین نرخ بازده خوبی خواهند داشت را زیر سؤال می‌برد».

۲۴۲۰ - ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعاهای ایران، خواه به خاطر فقد ادله یا به خاطر کاربست روش نادرست قابل تأیید نیست. ایالات متحده خاطرنشان می‌شود که ایران ادعا می‌کند اگر آثار چغامیش در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] به ایران برمی‌گشت، موزهٔ شوش و هفت تپه از سال ۱۳۶۴/۱۳۶۵ تا ۱۳۹۴/۱۳۹۵ [۱۹۸۶ تا ۲۰۱۶] می‌توانست یک درصد بیش‌تر، یعنی جمعاً رقمی بیش از ۲۴ میلیون ریال، درآمد داشته باشد. ایالات متحده مدعی است که وقتی دیوان از شاهد کارشناس ایران، دکتر زاهدی، در خصوص روش به کار بسته‌شده برای رسیدن به نتیجه یک درصد درآمد اضافی سالیانه سؤال کرد، پاسخ‌های وی ناهمخوان بود. ایالات متحده متذکر می‌شود که رقم یک درصدی دکتر زاهدی مبتنی بر داده‌های تاریخی یا تحلیل آماری نبود، بلکه بیش‌تر بر این فرض استوار بود که اگر آثار چغامیش به نمایش درمی‌آمد یک درصد از فضای موزه را اشغال می‌کرد. ایالات متحده مضافاً معروض می‌دارد که دکتر زاهدی «به نظر می‌رسد بر این باور بود که بیش‌تر شدن شمار بازدیدکنندگان موزه موقّتی و نه ادامه‌دار می‌بود».

۲۴۲۱ - ایالات متحده به منظور رد ادلهٔ شاهد کارشناسی ارائه‌شده توسط دکتر زاهدی و دکتر جوادی از جانب ایران، ادله شاهد کارشناسی دکتر تی. کایلر یانگ، جونیور در قالب شهادت‌نامه، و شهادت شفاهی دکتر مایکل دانتی در جلسهٔ استماع را ارائه کرد.

۲۴۲۲ - دکتر یانگ، مدیر ممتاز موزه سلطنتی انتاریو در تورنتو، کانادا، و پرفسور ممتاز باستان‌شناسی خاور نزدیک در بخش مطالعات خاور نزدیک و میانه در دانشگاه تورنتو، در شهادت‌نامهٔ خود شهادت داد که ۱۰۹ قلم چغامیش را که در ادعای ز-۳۲ مطرح است مطالعه کرده است. به نظر او، هیچ‌یک از اشیاء «از نظر باستان‌شناسی غیرعادی» نیست. به علاوه، دکتر یانگ شهادت داد که وی با مجموعه موزهٔ ایران باستان آشناست، و می‌داند که «موزه تعداد زیادی از نمونه‌های عالی چنین مهرهائی را که مربوط به دورهٔ پایانی اوروک است در اختیار دارد». وفق اظهارات دکتر یانگ، آثار چغامیش در ادعای ز-۳۲ مگر برای مقاصد تحلیل‌های باستان‌شناسی و مطالعات واجد ارزشی ناچیز یا در حد هیچ است، و تازه شمار اندکی از این آثار مورد اختلاف هم واجد چنین ارزشی است. دکتر یانگ تأیید کرد که آثار چغامیش نه برای نمایش در موزه ارزشمند است و نه در بازار عتیقه واجد ارزش تجاری قابل توجهی می‌باشد.

۲۴۲۳ - دکتر دانتی، پرفسور باستان‌شناسی خاور نزدیک در دانشگاه پنسیلوانیا، کالج برین مار در پنسیلوانیا، و دانشگاه بوستون، آثار چغامیش، شهادت‌نامه‌های دکتر یانگ و دکتر جوادی، و سوابق انتشاراتی در خصوص چغامیش را که مؤسسهٔ شرق‌شناسی منتشر کرده، مورد معاینه و مطالعه قرار داده است. وفق اظهارات دکتر دانتی، آثار چغامیش آثاری معمولی، غیرتجملی، و بسیار تکه تکه است. دکتر دانتی آثار چغامیش را برای نمایش در موزه مناسب تلقی نکرد. دکتر دانتی همچنین با مقایسه دکتر زاهدی بین استوانه کوروش و آثار چغامیش مخالف بود، و متذکر شد که استوانه کوروش «احتمالاً یکی از مشهورترین آثار تاریخی خاور نزدیک باستان می‌باشد»،

حال آن‌که مجموعهٔ چغامیش «مجموعهٔ مطالعاتی معمولی است که عموماً در زیرزمین موزه باستان‌شناسی نگه‌داری و فقط برای اهداف آموزشی و تدریس بیرون آورده می‌شود».

**۲۴۲۴ -** دکتر دانتی اذعان کرد که به موزه‌های شوش و هفت تپه نرفته است. با این حال، دکتر دانتی با اشاره به محاسبه یک درصد محرومیت از فروش بلیط که دکتر زاهدی عنوان کرده است، شهادت داد که وی روش محاسبهٔ آقای زاهدی در مورد پیش‌بینی شمار بازدیدکنندگان موزه را نمی‌فهمد، و به نظر او ارقام دکتر زاهدی مستند نیست. دکتر دانتی در ارتباط با محرومیت از درآمد از نشریات احتمالی مرتبط با آثار چغامیش، شهادت داد که وی «از سود حاصل از مونوگرافی‌ها درباره باستان‌شناشی یا نشریاتی از این قبیل بی‌خبر است». وی مثالی از کتابی که نوشته بود زد که پنج سال طول کشید و ۱۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا هزینه کرد و بابت آن سالانهٔ ۱۰ تا ۱۵ دلار آمریکا حق تألیف دریافت می‌کند. دکتر دانتی در خصوص حق از دست‌رفتهٔ فروش تصاویر تخصصی از آثار چغامیش شهادت داد که مطالعه دورهٔ آغاز نگارش «ماهیتاً عرصه‌ای محدود است». تخمین وی این است که در هر دورهٔ زمانی شاید پنج تا ده محقق در جهان در واقع بر این تخصص تمرکز می‌کنند و ممکن است طالب تصاویر این آثار باشند. فزون بر این، مطابق اظهارات دکتر دانتی، اغلب محققین به جای تصاویر، ترسیمات دقیق ابعاد آن آثار را مطالبه می‌کنند، زیرا تصاویر برای مطالعه مناسب نیست. بنابراین، دکتر دانتی شهادت داد که به نظر او شهادت دکتر زاهدی در خصوص ارزش مطالعاتی آثار مذکور و ارقام مربوط به آمار بازدیدکنندگان موزه فاقد پشتوانه اثباتی است.

**۲۴۲۵ -** ایالات متحده همچنین به شهادت کارشناس خسارات خود، آقای مارتنز، در جلسه استماع استناد کرد. آقای مارتنز شهادت داد که محاسبات دکتر زاهدی در خصوص عواید فوت‌شدهٔ ادعائی بود، حال آن‌که فقط درآمد از دست رفته قابل محاسبه بود. آقای مارتنز متذکر شد که آقای زاهدی در کسر کردن مخارج فروش یا خدمات ارائه‌شده قصور کرده است. به نظر آقای مارتنز، در ارتباط با محاسبات مربوط به درآمد از دست رفته

بر مبنای فروش بالقوهٔ بلیط موزه، یک درصد افزایش ادعائی درآمد، که موضوع شهادت دکتر زاهدی بود، هیچ‌گاه مستند نشد. در واقع، مطابق اظهارات آقای مارتنز، بر اساس اطلاعات موجود، با کاربرد روش تشریحی دکتر زاهدی محال است بتوان عدم‌النفع مربوط به فروش بلیط موزه را محاسبه کرد. آقای مارتنز در رابطه با محاسبات عدم‌النفع نشر احتمالی کتاب شهادت داد که دکتر زاهدی این نکته را در نظر نگرفته که ده تا ۲۰ درصد کتاب مجانی توزیع می‌شود و ده درصد دیگری هم ممکن است اصلاً به فروش نرسد. آقای مارتنز شهادت داد که او نمی‌توانست بر اساس اطلاعاتی که در اختیار وی قرار گرفته، عدم‌النفع مربوط به دو کتاب فرضی را که بر اساس آثار چغامیش ممکن بود نوشته شود محاسبه کند. آقای مارتنز در ارتباط با ادعای خسارات ناشی از ارائهٔ تصاویر به محققین شهادت داد که توانسته است با محاسبات دکتر زاهدی کنار بیاید. با این‌حال، آقای مارتنز متذکر شد که دکتر زاهدی این‌جا هم به جای محاسبه عدم‌النفع، فوت عواید را بدون کسرکردن مخارج کسب آن عواید محاسبه کرده است. مضافاً، آقای مارتنز شهادت داد که تأیید صحت و سقم تعداد محققینی که می‌توانستند نیاز به دسترسی به چنین عکس‌هائی داشته باشند برای وی مقدور نیست.

۲۴۲۶ - ایالات متحده بنابراین معروض می‌دارد که محاسبات دکتر زاهدی در خصوص عواید از دست‌رفته بابت فروش بلیط نامعقول است و در واقع آثار چغامیش موضوع ادعای ز-۳۲ به هیچ وجه برای به نمایش‌گذاشتن در موزه مناسب نبود. ایالات متحده مضافاً تأکید می‌کند که موزه ایران باستان در تهران پیشاپیش آثاری از منطقه چغامیش را که مناسب به نمایش‌گذاشتن است در اختیار داشت و همچنین «اگر تعداد بازدیدکنندگان به میزانی که ادعا می‌کند بود، گمان می‌رود ایران می‌توانست اطلاعات مربوط به تعداد بازدیدکنندگان از آن نمایشگاه‌ها را ارائه کند. ایالات متحده معروض می‌دارد که بنابراین، ادعاهای ایران بابت وجوه ناشی از فقدان بازدیدکنندگان نمی‌تواند مورد حمایت واقع شود.

۲۴۲۷ - ایالات متحده همچنین معروض می‌دارد که دیوان باید ادعای ایران بابت عدم‌النفع مربوط فروش آثار منتشر شده در خصوص موضوع اکتشافات آثار چغامیش را مردود اعلام کند. ایالات متحده ملاحظه می‌کند که «مطلقاً هیچ ادله اثباتی در تأیید ارقام فروش یا حاشیه سودی که آقای زاهدی راجع به آن شهادت داده، وجود ندارد». فزون بر این، ایالات متحده مدعی است که دکتر زاهدی در محاسباتش بابت آن‌چه خود شهادت داد، یعنی مجانی توزیع کردن ده تا ۲۰ درصد از کتاب‌ها، تعدیلی لحاظ نکرده است. ایالات متحده می‌پذیرد که هیچ‌یک از شاهدان کارشناس آن دولت متعرض این احتمال نشدند که کتاب‌هائی می‌توانست دربارهٔ آثار چغامیش منتشر شود. با این‌حال، ایالات متحده متذکر می‌شود که ایران دفاع اصلی ایالات متحده مبنی بر این‌که کتاب‌ها نوعاً منفعت‌زا نیستند و این‌که «قطعاً نمی‌توانست مطابق ادعای ایران درآمدی در حدود ۵۷۳،۰۰۰ دلار داشته باشد» را بی‌پاسخ گذاشته است.

۲۴۲۸ - ایالات متحده در ارتباط با ادعای ایران مبنی بر فقدان درآمد فروش تصاویر تخصصی به محققین استدلال می‌کند که، مطابق نظر شاهد کارشناس آن دولت، دکتر دانتی، شمار کمی از کارشناسان احتمالاً علاقه به کار کردن روی این آثار را داشتند و آن‌ها معمولاً روی طرح‌ها و نقاشی‌ها و نه تصاویر کار می‌کنند. به علاوه، ایالات متحده مدعی است که در ارقام فوت عواید فروش تصاویر تخصصی دکتر زاهدی مخارج تهیه و فروش این تصاویر لحاظ نشده است.

۲۴۲۹ - بنابراین، ایالات متحده معروض می‌دارد که ایران خسارات تبعی خود در ادعای ز-۳۲ را اثبات نکرده است و در نتیجه، دیوان باید ادعای خسارات ناشی از محرومیت از استفادهٔ ایران را رد کند.

*حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی*

۲۴۳۰ - ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعای خسارات تبعی ناشی از حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی ایران که در نتیجهٔ دادرسی *روبین* تحمیل شده بی‌اساس است و باید مردود اعلام شود. ایالات متحده مدعی است

که ایران برای توفیق در ادعای خود باید رابطهٔ سببیت را اثبات کند، یعنی ثابت کند که «اگر به خاطر نقض ادعائی [ایالات متحده] نبود، متحمل خسارت نمی‌شد». به بیان دیگر، ایالات متحده ادعا می‌کند «ایران باید اثبات کند که دادرسی *روبین* در قیاس با هزینه مربوط به مجموعه پرسپولیس که در دادخواست اولیه ذکر شده بود، ۷۶۵،۹۲۴ دلار آمریکا هزینهٔ بیش‌تر به ایران تحمیل کرد». ایالات متحده ملاحظه می‌کند که به جای محاسبهٔ حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی ناشی از نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده، ایران به سادگی این موضع را اتخاذ کرده که ایالات متحده باید عهده‌دار نیمی از هزینه‌های تحمیل‌شده در ارتباط با دادرسی *روبین* شود. به نظر ایالات متحده، مدرک مؤیدی برای این ادعا وجود ندارد، چون‌که حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحملهٔ ایران شامل هم کار انجام‌شده در دادرسی *روبین* و هم شماری دیگر از موضوعات و مسائل حقوقی می‌باشد، که بخش‌های اخیر به اعتقاد ایالات متحده «حتی فارغ از تخلف ایالات متحده انجام می‌شد».

**۲۴۳۱ -** ایالات متحده حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی مورد ادعای ایران را در سه گروه دسته‌بندی می‌کند: (یک) حق‌الزحمه‌های مطالبه‌شده مربوط به پرونده‌هائی که جدا از دادرسی *روبین* می‌باشند، پرونده‌های غیرمرتبط با آثار چغامیش، یا موضوعات حقوقی کاملاً غیرمرتبط؛ (دو) حق‌الزحمه‌های مطالبه‌شده‌ای که انحصاراً راجع به آثار چغامیش و موضوعات مربوطه می‌باشند؛ و (سه) سایر حق‌الزحمه‌ها.

**۲۴۳۲ -** ایالات متحده در ارتباط با نخستین دسته از حق‌الزحمه‌ها، یعنی بخش‌هائی که ربطی به دادرسی *روبین* یا آثار چغامیش ندارد، استدلال می‌کند که آن صورت‌حساب‌ها باید از هرگونه حکم احتمالی مستثنی شود. به عنوان نمونه، ایالات متحده به عناوینی در ادله استناد می‌کند که مربوط می‌شود به حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی بابت کارهای انجام‌شده در دادرسی‌ای جداگانه در بوستون که نیز مرتبط با خواهان‌های *روبین* است، و حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی بابت کارهای انجام‌شده در ارتباط با مجموعه هرزفلد. برای ایالات متحده،

دیوان هیچ توجیهی برای الزام ایالات متحده به پرداخت آن حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی که فاقد رابطه سببیت با تخلف ایالات متحده است، ندارد.

**۲۴۳۳ -** ایالات متحده معروض می‌دارد که در ارتباط با حق‌الزحمه‌های دسته دوم، یعنی کارهائی که تنها در ارتباط با آثار چغامیش و موضوعات مرتبط با آن انجام شده، دیوان می‌تواند به روشنی ساعات کار صرف‌شده برای مباحث یا لوایحی که انحصاراً مربوط به آثار چغامیش است را تعیین کند. ایالات متحده می‌پذیرد که «اگر دیوان احراز کند که بر اثر نقض بند ۹ انتقال صورت نگرفته، چنین نقضی می‌تواند به عنوان سبب تحمیل آن مخارج به ایران تلقی شود. در این حالت، همهٔ آن حق‌الزحمه‌ها در حکم مربوط به حق‌الزحمه می‌تواند بگنجد».

**۲۴۳۴ -** ایالات متحده استدلال می‌کند که در ارتباط با دستهٔ سوم که شامل باقی حق‌الزحمه‌هاست، ممکن است سبب برخی از حق‌الزحمه‌ها عدم انتقال آثار چغامیش باشد، و ممکن است سبب سایر حق‌الزحمه‌ها سایر مجموعه‌های آثار مطروح در دادرسی *روبین* باشد. برای ایالات متحده، در ارتباط با این دسته از حق‌الزحمه‌ها، از ظاهر صورت‌حساب‌هائی که به عنوان ادله ارائه شده، نمی‌شود تعیین کرد که آیا کار انجام‌شده به سبب مطرح‌بودن آثار چغامیش در دادرسی *روبین* بوده است یا خیر. ایالات متحده یادآور می‌شود که دیوان در رویاروئی با مسئله مشابه سببیت مقرر داشته است که:

> فقط در صورتیکه کسی طالب رسیدن به این نتیجه باشد که فعل زیانبار (یا نقض تعهد) و فعلی که زیانبار نیست (ایفای تعهد) فرد واحد، به نتیجه یکسان منتج بشود، باید به این مسئله هم توجه داشته باشد که فعل زیانبار (یا نقض تعهد) شرط لازم (*condicio sine qua non*) خسارتی بوده که خواهان در پی جبران آن است.[۱۲۵۶]

---

[۱۲۵۶] *جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۵۲ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]). دیوان متذکر می‌شود که عبارت نقل شده از حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲ توسط

ایالات متحده استدلال می‌کند که بر مبنای رخدادهای مربوط به ادعای ز-۳۲، نقض ادعائی ایالات متحده نمی‌تواند شرط لازم تلقی شود، زیرا بخش اساسی حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی مورد ادعای ایران، صرف‌نظر از نقض مرتبط با آثار چغامیش، به هرحال تحمیل می‌شد.

**۲۴۳۵-** برای ایالات متحده، حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی که به درستی به آثار چغامیش مربوط باشد بسیار کم‌تر از ضرری است که ایران مطالبه می‌کند، چرا که اگر ادعا فقط برای مجموعه پرسپولیس طرح می‌شد بخش اساسی حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی در قیاس با هزینه طرح دعوا علیه مجموعه‌های چغامیش و پرسپولیس به همان میزان می‌بود.

**۲۴۳۶-** مطابق اظهارات ایالات متحده، «در نتیجه، هر حکم موجهی منوط به مسائل حقوقی مرتبط با هر مرحله‌ای از دادرسی *روبین* و رابطه سببیت آن با عدم استرداد آثار چغامیش می‌باشد». در این چارچوب، ایالات متحده دادرسی *روبین* را به چهار مرحله تقسیم کرد: (۱) مسئله مصونیت دارائی ۱۳۸۴/۱۳۸۵-۱۳۸۶/۱۳۸۷ (۲۰۰۶-۲۰۰۸) با خواسته معادل ۲۸۵،۴۸۲/۲۵ دلار آمریکا؛ (۲) مسائل مربوط به این‌که شخص آیا شخص ثالث در طرح ادعای مصونیت اموال ایران دارای سمت است، و این‌که آیا ایران پس از حضور در دادگاه ناحیه‌ای می‌تواند مخاطب دستور افشای کلی دارائی باشد (۱۳۸۴/۱۳۸۵-۱۳۸۶/۱۳۸۷ [۲۰۰۶-۲۰۰۸] موازی با مرحله ۱) با خواسته‌ای معادل ۱۲۱،۱۸۱/۱۸ دلار آمریکا؛ (۳) پژوهش‌خواهی راجع به موضوعات مصونیت حاکمیتی کلی مربوط به سمت و افشای دارائی ۱۳۸۶/۱۳۸۷-۱۳۹۰/۱۳۹۱ ([۲۰۰۸-۲۰۱۲])، به خواستهٔ ۴۴۹،۴۶۰/۵۶ دلار آمریکا؛ و (۴) ارجاع پرونده به دادگاه رسیدگی‌کننده برای دادرسی، و پژوهش‌خواهی، در خصوص مسئله مصونیت دارایی نسبت به مجموعه‌های پرسپولیس، هرزفلد، و چغامیش (۱۳۹۰/۱۳۹۱ تا شهریور/مهر ۱۳۹۳ [۲۰۱۲

---

ایالات متحده ربطی به ادعای حاضر ندارد. عبارت نقل شده مربوط به مورد «فعل... نقض تعهد ... و ابقای تعهد ... فرد واحد» می‌شود که منتج به همان نتیجه (یا زیان) شود، حال آن که در ادعای حاضر، فقط رفتار توأم با نقض تعهد ایالات متحده در ارتباط با آثار چغامیش مطرح است.

تا سپتامبر ۲۰۱۴])، به خواستهٔ ۶۷۳،۹۱۵/۴۸ دلار آمریکا. ایالات متحده مدعی است که ایران در مرحله نخست حتی اگر دعوا صرفاً در خصوص مجموعهٔ پرسپولیس، و/یا هرزفلد مطرح شده بود وارد مرحله ۱ می‌شد، و مراحل ۲ و ۳ به هر حال با نقض تعهد ایالات متحده در ارتباط با آثار چغامیش رابطه سببیت ندارد. بنابراین، ایران مستحق خسارات ناشی از آن سه مرحله نخستین نیست.

۲۴۳۷ - ایالات متحده مضافاً مدعی است که دیوان به جای آن‌که به سادگی درگیر «عملیات معیار تسهیم» بشود، باید تعیین کند چه بخش از حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی در نتیجه نقض ادعائی تعهد ایالات متحده در ارتباط با آثار چغامیش به ایران تحمیل می‌شد. مطابق اظهارات ایالات متحده، ادلهٔ موجود اثبات نمی‌کند که نقض از سوی ایالات متحده منتج به تحمیل حق‌الزحمه‌ها و مخارج حقوقی در مراحل ۱ و ۴ به ایران شده باشد. بنابراین، ایالات متحده معروض می‌دارد که ادعای ایران شدیداً متورم است و در بهترین حالت بالغ بر کمتر از ۵۰ درصد مطالبه‌شده توسط ایران، حتی در مورد مراحل ۱ و ۴، خواهد بود.

۲۴۳۸ - به هر روی، ایالات متحده استدلال می‌کند که دلیل اصلی طرح دعوی در دادرسی *روبین*، اجرای حکم خواهان‌های *روبین* علیه ایران با صدور اجرائیه علیه مجموعهٔ پرسپولیس بود، یعنی مالی که ارزشی بسیار فراتر از ارزش آثار چغامیش داشت. در واقع، ایالات متحده ملاحظه می‌کند که در لایحهٔ خواهان‌های *روبین* در ارتباط با دادخواست در دادگاه ایلینوی، ذکری از آثار چغامیش به عمل نیامده است. بنابراین، ایالات متحده مدعی است که، حتی اگر آثار چغامیش در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ [۱۹۸۱] به ایران باز پس داده می‌شد، دادرسی *روبین* به جریان می‌افتاد و خواهان‌های *روبین* در اردیبهشت/خرداد ۱۳۸۳ [مه ۲۰۰۴] خواستار اجرای حکم علیه مجموعهٔ پرسپولیس می‌شدند. بر پایه این استدلال‌ها، ایالات متحده معروض می‌دارد که دیوان نباید نتیجه‌گیری کند که نیمی از حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحملهٔ ایران در دادرسی *روبین* به نقض تعهد بند ۹ ایالات متحده در ارتباط با آثار چغامیش قابل انتساب است.

*(پ) تصمیم دیوان*

*(یک) استرداد آثار چغامیش*

**۲۴۳۹ -** همان‌گونه که در بالا گفته شد، آثار چغامیش در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۹۴ [۲۲ آوریل ۲۰۱۵] به طور کامل به ایران بازگردانده شد.[۱۲۵۷] بنابراین نخستین خواسته مطالبه‌شده ایران در این ادعای ز-۳۲ در آن تاریخ اجابت شد و لزومی ندارد دیوان به استدلالات متقابل طرفین در خصوص آن بپردازد.

*(دو) محرومیت از استفاده*

**۲۴۴۰ -** دیوان سپس به ادعاهای خسارات تبعی حاصل از محرومیت استفاده از آثار چغامیش می‌پردازد، یعنی مشخصاً به (یک) زیان ادعائی ناشی از فوت درآمد حاصل از فروش بالقوهٔ بلیط موزه؛ (دو) فوت ادعائی درآمد حاصل از ارائه تصاویر به محققین؛ و (سه) از دست رفتن ادعائی درآمد احتمالی نشر کتاب دربارهٔ آثار چغامیش.

**۲۴۴۱ -** به عنوان یک نکتهٔ مقدماتی، دیوان با کارشناس معرفی‌شدهٔ ایالات متحده، آقای مارتنز، موافق است که ایران در محاسباتش با منظور نداشتن مخارج رسیدن به درآمدهای ادعائی مرتکب خطای اساسی شده است. هرگونه درآمد بالقوه‌ای که از قبل آثار چغامیش عاید ایران می‌شد باید با منظور داشتن این‌که ایران برای کسب آن درآمد باید متحمل مخارج هم می‌شد، تعدیل شود. اگر دیوان به این تصمیم برسد که ایران مستحق دریافت خسارات تبعی مربوط به این سرفصل از ادعا است، ایران مستحق منافع خالص حاصل از آثار چغامیش خواهد بود.[۱۲۵۸]

---

[۱۲۵۷] *بنگرید به* بند ۱۱۴۳، بالا.

[۱۲۵۸] *به عنوان نمونه بنگرید به:*

*Sapphire International Petroleum Ltd. v. National Iranian Oil Co.*, Award (15 Mar. 1963), 13 ICLQ 1011, 1015.

۲۴۴۲ - دیوان در ارتباط با ادعای محرومیت از عواید، تصمیمات پیشین خود را یادآور می‌شود مبنی بر این که حکم به عدم النفع به شرطی داده می‌شود که خواهان بتواند دیوان را قانع کند که چنین درآمدی حاصل می‌شد.[۱۲۵۹] دیوان حکم کرد که هرگونه عدم النفع ادعائی باید با قاطعیت کافی نشان داده شود و ادعاهائی که بیش از حد بر ظن و گمان مبتنی باشد مردود اعلام خواهد شد.[۱۲۶۰] دیوان در پروندهٔ *سدکو اینک علیه شرکت ملی نفت ایران*، در تصمیم‌گیری در خصوص محرومیت از استفاده چهار ملاک را مدنظر قرار داد، یعنی: (یک) آیا قلم موضوع اختلاف فوراً قابل جایگزینی بود یا خیر؛ (دو) زمان لازم برای جایگزینی آن قلم؛ (سه) درآمدی که در نتیجه استفاده از آن قلم حاصل می‌شد؛ و (چهار) مبلغ مشخص درآمدی که حاصل می‌شد.[۱۲۶۱] مضافاً، دیوان در پروندهٔ *سدکو* رویدادهای مشخصی را مورد توجه قرار داد تا تعیین کند که آیا (یک) در واقع خواهان در صورت در

---

[۱۲۵۹] *بنگرید به* بندهای ۲۰۳۴-۲۰۳۹، بالا. *نیز به عنوان نمونه، بنگرید به ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۵ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص‌ص ۱۹۱، ۲۰۹؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۶۷ (متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵]، متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۰.

[۱۲۶۰] *به عنوان نمونه بنگرید به ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ص ص ۱۹۱، ۲۰۹-۲۱۰ (ادعای محرومیت از منافع را به این دلیل رد کرده است که خواهان با قاطعیت کافی، اثبات نکرده بود که پروژه منافعی می‌شد)؛ *سایزموگراف سرویس کورپوریشن و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۴۴۳-۴۲۰، بندهای ۳۰۶-۳۰۷ (اول دی ۱۳۶۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۸۸])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳، ص ص ۳، ۸۰-۸۱ (به نحو جزئی، ادعا بر محرومیت از منافع را به این دلیل رد کرده است که در حاشیه سود ادعا شده توسط خواهان بزرگ‌نمایی صورت گرفته بوده که آن را کاملاً حدسی کرده بوده است)؛ *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۷۶ (متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵] متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص ص ۱۲۷، ۲۰۳-۲۰۴ (ادعا بر محرومیت از منافع را به خاطر قصور در اثبات رد کرده به این دلیل که خسارات ادعا شده، بی‌جهت، حدسی بوده، و خواهان با قاطعیت کافی اثبات نکرده بوده که پروژه به نفعی منتهی می‌شده است).

[۱۲۶۱] *سدکو، اینک. و شرکت ملی نفت ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ (۱۶ تیر ۱۳۶۶ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۲۳. *بنگرید به* بند ۲۰۳۷، بالا.

اختیار داشتن آن قلم از مال می‌توانست منافعی از آن کسب کند؛ و (دو) ادلهٔ مستند بر منافع مطالبه‌شدهٔ خواهان در پرتو «سود ... عاید شده» که در عملیات‌های مشابه کسب شده «موجه» است.[۱۲۶۲]

*عدم النفع بالقوهٔ ادعائی فروش بلیط موزه*

**۲۴۴۳ -** روش محاسبات دکتر زاهدی در ارتباط با ادعای عدم النفع ایران از فروش بالقوهٔ بلیط موزه، ملاک‌های وضع شده در پروندهٔ *سدکو، اینک. علیه شرکت ملی نفت ایران* را به چهار دلیل برآورده نمی‌کند.

**۲۴۴۴ -** نخست، شهود معرفی شدهٔ طرفین در خصوص قابلیت به نمایش گذاشتن آثار چغامیش ادله متعارض ارائه کرده‌اند. دیوان در این خصوص که آثار چغامیش منحصر به فرد و واجد ارزش فرهنگی برای ایران و ایرانیان است با شهود کارشناس ایران، دکتر جوادی و دکتر زاهدی، موافق است. با این‌حال، منحصر به فرد بودن و ارزش فرهنگی آثار نمی‌تواند به معنی قابل‌نمایش‌بودن آن‌ها باشد. اگرچه دکتر جوادی و دکتر زاهدی هر دو شهادت دادند که آثار چغامیش در موزه‌های مختلف در معرض تماشا قرار می‌گرفت، شاهدان کارشناس معرفی‌شده توسط ایالات متحده، دکتر یانگ و دکتر دانتی، مخالف این نظر بودند. وفق اظهارات شهود کارشناس ایالات متحده، آثار چغامیش فقط برای اهداف آموزشی مفید بود، و قطعاً مناسب به نمایش گذاشته‌شدن در موزه نبود. دیوان حکم می‌کند که در خصوص واجد شرایط بودن آثار چغامیش برای به تماشا درآمدن در موزه، و این‌که بازگردانده شدن آن‌ها به ایران می‌توانست به منافع بالقوه از طریق فروش بلیط موزه به خاطر نمایش آن‌ها منتج شود، ادله متعارض ارائه شده است.

**۲۴۴۵ -** دوم، دیوان متذکر می‌شود که مطابق محاسبه دکتر زاهدی، بازگشت و نمایش آثار چغامیش در موزه‌های هفت تپه و شوش، فروش بلیط موزه را یک درصد بالا می‌برد. بنابر اقرار خود دکتر زاهدی، آن یک

---

[۱۲۶۲] *سدکو، اینک.*، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹، بند ۸۵، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۵، ص ۵۳.

درصد مبتنی بر نسبتی است که آثار چغامیش از مجموعه آثار نمایشی موزه را در هفت تپه و شوش اشغال می‌کرد. دیوان یادآور می‌شود که شاهدان کارشناس ایالات متحده، دکتر دانتی و آقای مارتنز، با روش محاسبهٔ دکتر زاهدی برای رسیدن به این یک درصد موافق نبودند. دیوان با شهادت دکتر زاهدی مجاب نشده است. رقم یک درصد ارائه‌شده توسط دکتر زاهدی کاملاً مبتنی بر ظن و گمان است، چرا که ایران نتوانسته در اثبات این‌که آثار چغامیش در واقع یک درصد فروش بلیط موزه‌های هفت تپه و شوش را به خود اختصاص می‌داد، مدارک ذی‌ربطی ارائه کند. این‌که آثار چغامیش چه نسبتی از مجموعه‌های به نمایش گذاشته‌شدهٔ موزه‌ها را تشکیل می‌داد، یا فضائی که آثار چغامیش در هر یک از موزه‌ها اشغال می‌کرد، ربطی به محاسبهٔ فروش بالقوهٔ بلیط موزه ندارد. هر چند دکتر زاهدی شهادت داد که ارقام بر بررسی‌های خود وی و نیز آمار فروش بلیط موجود در سازمان میراث فرهنگی مبتنی است، ایران تحقیق و آمارها را در اختیار دیوان قرار نداده است. بنابراین دیوان نمی‌تواند نتیجه‌گیری مستدلی دربارهٔ صحت و ذی‌ربط‌بودن این منابع اطلاعاتی داشته باشد.

۲۴۴۶ - سوم، دیوان حکم می‌کند که مقایسهٔ بین منافع حاصل از مسترد شدن استوانه کوروش و آثار چغامیش قانع‌کننده نیست، و ربطی به اثبات زیان‌های تبعی در این ادعا ندارد. دکتر زاهدی در تأیید این ادعا که بازگردانده‌شدن آثار چغامیش متضمن یک درصد فروش بلیط موزه‌های هفت تپه و شوش بود، شهادت داده است که باز پس داده شدن استوانه کوروش به موزه ایران باستان، و نمایش آن، ۴۰۰،۰۰۰ بازدیدکننده جذب کرد. شهادت دکتر زاهدی در این ارتباط برای دیوان فاقد شبهه است. با این‌حال، همان‌گونه که دکتر دانتی شهادت داد، استوانه کوروش «احتمالاً یکی از مشهورترین آثار باستان خاور نزدیک است»، حال آن‌که آثار چغامیش یک مجموعه مطالعاتی معمولی است که عموماً در زیرزمین موزه‌های باستان‌شناسی نگه‌داری می‌شود. بنابراین، دیوان حکم می‌کند که استوانه کوروش با آثار چغامیش قابل مقایسه نیست و در واقع علاقه عمومی‌ای که استوانه کوروش می‌توانست جلب کند و علاقه عمومی‌ای که آثار چغامیش می‌توانست جلب کند، قابل مقایسه نیست.

افزون بر این، استوانه کوروش در موزهٔ ایران باستان در شهر تهران که پایتخت است در معرض دید گذاشته شد حال آن‌که، به گفته خود ایران، آثار چغامیش قرار بود در موزه‌های محلی هفت تپه و شوش به تماشا گذاشته شود. دیوان حکم می‌کند که تعداد بازدیدکنندگان چیزی با اهمیت وافر چون استوانه کوروش در پایتخت ایران با تعداد مورد انتظار بازدیدکنندگان چیزی با اهمیت بسیار کم‌تر همانند آثار چغامیش در دو موزه محلی قابل مقایسه نیست. به هر روی، دیوان ملاحظه می‌کند که ایران جز نظر دکتر زاهدی در جلسه استماع مدرکی دال بر تعداد بازدید کنندگان موزه ایران باستان در مدت به نمایش درآمدن استوانه کوروش ارائه نکرده است.

۲۴۴۷ - چهارم، دیوان خاطرنشان می‌شود که همان‌گونه که ایالات متحده متذکر شده است، شهادت دو شاهد کارشناس ایران متعارض است. دکتر جوادی در شهادت‌نامه‌اش شهادت داده که آثار چغامیش قاعدتاً باید در موزه ایران باستان به نمایش درمی‌آمد؛ دکتر زاهدی در جلسه استماع شهادت داد که سازمان میراث فرهنگی ایران برنامه داشت آثار چغامیش را در موزه‌های هفت تپه و شوش عرضه کند. دیوان تمایل دارد با ایالات متحده در این خصوص موافق باشد که این ناهمخوانی در خصوص برنامه‌ای که سازمان میراث فرهنگی ایران برای آثار چغامیش داشت «وجود برنامه قطعی در استفاده از این آثار باستانی را زیر سؤال می‌برد».

۲۴۴۸ - ملاحظات بالا دیوان را به این نتیجه‌گیری هدایت می‌کند که مشخص نیست آیا اگر آثار چغامیش در تصرف ایران بود می‌توانست از قِبَل فروش بلیط موزه نفعی به دست آورد یا خیر. دیوان مضافاً حکم می‌کند که مبنایی که دکتر زاهدی محاسبات عدم النفع ادعائی را بر آن استوار کرده، نامعقول است. بدین ترتیب، دیوان ادعای استحقاق ایران به دریافت یک درصد فروش بلیط موزهٔ ادعائی به عنوان خسارت بابت محرومیت از استفاده از آثار چغامیش را به دلیل قانع‌کننده نبودن و مبتنی بر ظن و گمان بودن مردود اعلام می‌کند.

*عدم النفع ادعائی بابت احتمال فروش تصاویر به محققین*

۲۴۴۹ - همان ملاحظات اعمال‌شده در مورد عدم النفع فروش بلیط موزه دقیقاً بر ادعاهای ایران بابت عدم‌النفع فروش احتمالی تصاویر به محققین اعمال می‌شود. دیوان ملاحظه می‌کند که محاسبات دکتر زاهدی برای عواید فوت‌شده باز هم فاقد کسورات مربوط به مخارج تولید عکس‌های فروشی است. تخمین ایران این است که پنج محقق تقریباً چهل تصویر تخصصی را سالانه از موزه‌ها، با میانگین سود موزه‌ها بالغ بر ۵،۰۰۰ ریال برای هر تصویر می‌خریدند. ایران مدرکی دال بر صحت تخمین خود ارائه نداده است. ایران همچنین دلیلی برای فروش‌های مشابه، مثلاً چنین فروش‌هایی در موزه ایران باستان، ارائه نکرده است. به علاوه، دکتر دانتی تخمین می‌زند که شاید پنج تا ده محقق در هر دوره در جهان به واقع در این زمینهٔ تخصصی تمرکز داشته باشند، و نتیجتاً این عرصه مطالعاتی به قدری کوچک و تخصصی است که جریان مستمر درآمد به گونه‌ای که ایران استدلال می‌کند محتمل نیست. دیوان همچنین متذکر می‌شود که آقای مارتنز، شاهد کارشناسی که از جانب ایالات متحده در جلسه استماع حضور یافت، شهادت داد که بررسی و تأیید شمار محققین نیازمند به در اختیار داشتن این تصاویر برای وی مقدور نیست.

۲۴۵۰ - در پرتو مراتب بالا، دیوان ادعای ایران بابت عدم‌النفع ادعائی بابت فروش احتمالی تصاویر به محققین را به دلیل مبتنی بودن بر ظن و گمان و قانع‌کننده نبودن مردود اعلام می‌کند.

*عدم النفع ادعائی بابت نشر بالقوهٔ کتاب*

۲۴۵۱ - به همین منوال، دیوان حکم می‌کند که همان نتایج را به ادعای عدم‌النفع انتشار احتمالی دربارهٔ آثار چغامیش تسری دهد.

۲۴۵۲ - دیوان ناهمخوانی بین شهادت‌نامه دکتر جوادی و شهادت دکتر زاهدی در جلسه استماع را متذکر می‌شود. به گفتهٔ دکتر جوادی، انتشارات احتمالی می‌توانست عوایدی معادل ۱،۰۰۰ دلار آمریکا در سال از ۱۳۵۹/۱۳۶۰ تا ۱۳۸۲/۱۳۸۳ [از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴] یا جمعاً ۲۳،۰۰۰ دلار آمریکا داشته باشد. از سوی دیگر، دکتر

زاهدی شهادت داد که دو کتابی که ایران قصد نشر آن‌ها را داشت مطابق ادعا به «سود ۴۰ میلیون ریالی» می‌انجامید «که با نرخ تسعیری ۷۰ ریالی که ایران برای مورد حاضر استدلال می‌کند، برای دو کتاب به سودی معادل ۵۷۱،۰۰۰ دلار آمریکا بالغ می‌شد». تفاوت فاحش بین دو رقم مطرح‌شده توسط شاهد کارشناس ایران، دیوان را به موافقت با ایالات متحده رهنمون می‌شود، که شاید طرح برنامه‌ریزی‌شده‌ای برای انتشار کتاب وجود نداشته و بنابراین هرگونه کسب منافع بالقوه کلاً ظن و گمانی بیش نبوده است.

**۲۴۵۳** - مضافاً دیوان با آقای مارتنز هم نظر است که محاسبات دکتر زاهدی به هر تقدیر نادرست است، چرا که دکتر زاهدی مخارج مرتبط با تهیه کتاب‌ها، امکان به فروش نرفتن بخشی از کتاب‌ها، و این نکته را که مطابق شهادت خود وی ده تا ۲۰ درصد از کتاب‌ها بدون دریافت بها توزیع می‌شد، را در محاسبه خود منظور نداشته است. دیوان همچنین شهادت دکتر دانتی را مجاب‌کننده می‌یابد که کتابی که وی پنج سال برای تهیه‌اش وقت و ۱۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا هزینه صرف کرد، عایدی حق تألیف آن سالانه ۱۰ تا ۱۵ دلار بود.

**۲۴۵۴** - با لحاظ موارد بالا، دیوان ادعای ایران بابت عدم‌النفع انتشارات بالقوه در مورد آثار چغامیش را به دلیل مبتنی بر ظن و گمان بودن و مجاب‌کننده‌نبودن رد می‌کند.

*نتیجه*

**۲۴۵۵** - در پرتو مراتب پیش‌گفته، دیوان مقرر می‌دارد که خسارات ادعائی ایران برای جبران محرومیت از استفادهٔ آثار چغامیش در حدی غیرقابل قبول، مبتنی بر فرض و گمان است. با این حساب، در راستای رویه دیوان، دیوان ادعای ایران در رابطه با محرومیت از استفاده را به خاطر فقد دلیل مردود اعلام می‌کند.[۱۲۶۳]

---

[۱۲۶۳] به عنوان نمونه *بنگرید به ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷، بند ۵۸ (دوم اردیبهشت ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۴، ص‌ص ۱۹۱، ۲۱۰ (رد دعوای عدم‌النفع به علت این که خواهان به قطعیت کافی اثبات نکرد که طرح می‌توانست سودآور باشد)؛ *پترولین اینکورپوریتد و دیگران، و جمهوری اسلامی ایران*

*(سه) حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی*

۲۴۵۶ - مطابق ادلهٔ تقدیمی ایران، صورت‌حساب این حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی توسط وکلای ایران در ایالات متحده از تیر/مرداد ۱۳۸۵ [ژوئیه ۲۰۰۶] تا اختتام جریان رسیدگی‌های توقیف *روبین* برای ایران به شرح آتی صادر شد: (یک) ۸۶۳،۲۶۸/۹۶ دلار آمریکا بین تیر/مرداد ۱۳۸۵ و تیر/مرداد ۱۳۹۱ [ژوئیه ۲۰۰۶ و ژوئیه ۲۰۱۲]، که ۷۱۰،۳۹۱/۰۱ دلار آمریکا از آن مربوط به برلینر، کورکوران اند رو ال‌ال‌پی بود، و ۱۵۲،۸۷۷/۹۵ دلار آمریکا مربوط به مولولامکن ال‌ال‌پی؛ (دو) ۶۵۸،۹۴۹/۴۵ دلار آمریکا بین مرداد/شهریور ۱۳۹۱ و شهریور/مهر ۱۳۹۳ [اوت ۲۰۱۲ و سپتامبر ۲۰۱۴] که مربوط به مولولامکن ال‌ال‌پی بود؛ و (سه) ۱۸۳،۲۰۱/۱۶ دلار آمریکا بین آبان/آذر ۱۳۹۳ و خرداد/تیر ۱۳۹۴ [نوامبر ۲۰۱۴ و ژوئن ۲۰۱۵] که باز مربوط به مولولامکن بود. ایران نامه‌های ارسالی وکلای آمریکائی خود را تسلیم می‌کند که در آن ذکر شده که نیمی از حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی صحیحاً مربوط به دفاع از آثار چغامیش است. بدین قرار، ایران نیمی از کل مبلغ صورت‌حساب‌های ارسالی وکلای آمریکائی در ارتباط با دادرسی *روبین* را مطالبه می‌کند.

۲۴۵۷ - دیوان ملاحظه می‌کند که ایالات متحده نسبت به محدودهٔ حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی که باید به دلیل درگیری ایران در دادرسی *روبین* به نفع ایران حکم داده شود نظری مضیق و محدود دارد. با این‌حال، دیوان با ایران در این زمینه موافق است که اگر بند ۹ توسط ایالات متحده نقض نشده بود آثار چغامیش در قلمرو قضایی ایالات متحده باقی نمی‌ماند. نتیجتاً، اگر ایالات متحده تعهد بند ۹ خود را نقض نکرده بود، آثار چغامیش

---

*و دیگران*، حکم شماره ۲-۱۳۱-۵۱۸، بندهای ۱۰۹-۱۱۰ (۲۳ مرداد ۱۳۷۰ [۱۴ اوت ۱۹۹۱])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۷، ص‌ص ۶۴، ۱۰۱ (رد ادعای عدم النفع به دلیل عدم اثبات این مطلب توسط خواهان که زمان لازم برای جایگزینی تجهیزات ۱۲ ماه بوده، یا این که خواهان می‌توانسته تجهیزات مصادره شده را به نحو سودآور اجاره کند)؛ *دادرس اینترنشنال و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۳-۲۱۳/۲۱۵-۵۶۷، بند ۲۷۶ (متن انگلیسی ۱۶ آبان ۱۳۷۴ [هفتم نوامبر ۱۹۹۵]، متن فارسی ۲۲ آبان ۱۳۷۴ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۵])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۳۱، ص‌ص ۱۲۷، ۲۰۴-۲۰۳ (رد ادعای عدم‌النفع بخاطر فقد ادلهٔ اثبات ادعا چرا که خسارات ادعائی به میزانی غیرقابل قبول بر ظن و گمان متکی بود، و خواهان با قطعیت کافی اثبات نکرد که طرح می‌توانست سودآور باشد).

در سال ۱۳۸۱/۱۳۸۲ [۲۰۰۳] موضوع رسیدگی‌های توقیف *روبین* واقع نمی‌شد. ایران حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی مربوط به دفاع از آثار چغامیش در دادرسی‌های توقیف را از تیر/مرداد ۱۳۸۵ [ژوئیه ۲۰۰۶]، زمانی‌که ملزم شد در دادگاه حضور یابد به این منظور که مصونیت حاکمیتی بر آن آثار مطرح کند، متحمل شد. ایران در نتیجهٔ حضور در پیش‌گاه دادگاه ناحیه‌ای، در دادرسی *روبین* مشمول قرار افشای اموال و مدارک شد. بدین‌قرار، دیوان نتیجه می‌گیرد که اگر ایران ملزم به حضور در دادگاه و طرح ادعای مصونیت حاکمیتی بر آثار چغامیش و مجموعهٔ پرسپولیس نمی‌شد، ملزم نبود در قبال قرار افشای کلی اموال خود به دفاع بپردازد.

**۲۴۵۸ -** فزون بر این، به نظر دیوان، اقدامات وکلای ایران در ارتباط با دادرسی *روبین* فقط محدود به حضور در دادگاه و اقداماتی که ارتباط مستقیم با دادرسی داشت نبود. وکلای ایران اقدامات دیگری نیز به منظور فراهم آوردن تأیید لازم برای بازگرداندن آثار چغامیش معمول داشت. این اقدامات شامل مکاتبه با سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) و نظارت بر مواضع اتخاذی ایران و طرف‌های مقابل ایران در سایر دادرسی‌ها در خصوص مصونیت حاکمیتی، مانند دادرسی مطروح در ماساچوست در ارتباط با مجموعه هرتزفلد نیز می‌شد. مضافاً، وکلای ایران در دادرسی *روبین* باید با نمایندگان ایران در این دیوان نیز در ارتباط می‌بودند تا آن‌ها را از آخرین تحولات وضعیت آثار چغامیش مطلع نگه دارند. دیوان بنابراین نتیجه می‌گیرد که حق‌الزحمه‌ها و مخارج حقوقی وکلای آمریکائی ایران بین تیر/مرداد ۱۳۸۵ و خرداد/تیر ۱۳۹۴ [ژوئیه ۲۰۰۶ و ژوئن ۲۰۱۵] نتیجه قصور ایالات متحده در فراهم آوردن ترتیبات انتقال آثار چغامیش به ایران نیز بود. بنابراین، دیوان نمی‌تواند با روشِ تا حدی تصنعیِ ایالات متحده در تفکیک حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی به دسته‌های مربوط به کارهای انجام‌شده و مراحل دادرسی *روبین* موافق باشد.

**۲۴۵۹ -** دیوان سپس باید به بررسی نسبت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی‌ای که می‌توان آن را به درستی به نقض مرتبط با آثار چغامیش منتسب کرد تعیین کند. ایران معروض می‌دارد که نیمی از کل حق‌الزحمه‌ها و

هزینه‌های حقوقی متحمله در ارتباط با دادرسی *روبین* به درستی باید ناشی از نقض بند ۹ توسط ایالات متحده تلقی شود. ایالات متحده با این سخن مخالف است. مطابق اظهارات ایالات متحده، حتی اگر دعوا فقط علیه مجموعه پرسپولیس مطرح می‌شد، در قیاس با طرح دعوا علیه هر دو مجموعهٔ پرسپولیس و آثار چغامیش، بخش اساسی حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی به همان میزان می‌بود.

۲۴۶۰ - اساساً، درک دیوان از استدلال ایالات متحده این است که با اعمال آزمون سبب کلیدی (but-for test) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی کار انجام‌شده در ارتباط با آثار چغامیش، از پیش به خاطر مجموعهٔ پرسپولیس تحمیل شده بود، و حتی بدون هرگونه تخلفی از سوی ایالات متحده، ایران باید حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی را متحمل می‌شد. به بیان دیگر، در زمان رخ‌داد تخلف (قصور از انتقال آثار چغامیش) سبب خسارات وارده به ایران از قِبَل هزینه‌ها از پیش توسط رفتاری غیرمربوط به نقض ایالات متحده (در ارتباط با مجموعهٔ پرسپولیس) به وجود آمده بود. به نظر دیوان، این تحلیل نادرست است. در عوض، دیوان حکم می‌کند که عملکردی که مربوط به نقض بند ۹ توسط ایالات متحده نباشد، و خسارات ناشی از آن، در محدودهٔ بررسی دیوان قرار نمی‌گیرد. تنها حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی‌ای که ناشی از اقدام ایالات متحده در مخاطرهٔ توقیف قراردادن ناروای آثار چغامیش باشد (که «اموال ایران» تلقی می‌شود و در محدودهٔ بند ۹ قرار می‌گیرد) ذی‌ربط است.

۲۴۶۱ - نمی‌توان گفت که یا توقیف آثار چغامیش یا توقیف مجموعه پرسپولیس برای به وجودآمدن کل حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی تحمیل‌شده به ایران کفایت می‌کرد. در اوضاع و احوال این ادعا مسائلی چون «سبب فرضی» یا «سببیت چندگانهٔ مشترک» مطرح نیست که باعث شود دیوان به نحو دیگری تصمیم‌گیری کند. این‌که حق الزحمه‌های خدمات حقوقی ارائه‌شده در صورت‌حساب‌های واحدی انعکاس یافته نمی‌تواند مجزابودن سبب‌ها و آثار مترتب بر آن‌ها را در پردهٔ ابهام قرار دهد. تنها نکته‌ای که برای بررسی دیوان باقی می‌ماند این است

که آیا انطباق صحیح حجم کار انجام شده، و حق الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی حاصل از آن، بر آثار چغامیش یا مجموعهٔ پرسپولیس مقدور است یا خیر.

۲۴۶۲- دیوان جزئیات کلیهٔ صورت‌حساب‌های حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی تقدیمی ایران را بازبینی کرده است. دیوان همچنین نامه‌های وکلای آمریکائی ایران، برلینر، کورکوران اند رو ال‌ال‌پی و مولولامکن ال‌ال‌پی را که ایران ارائه کرده مورد توجه قرار داده، که در متن آن‌ها، هر دو مؤسسهٔ حقوقی ادعا کرده‌اند که ۵۰ درصد مجموع ارقام صورت‌حساب صحیحاً به کارهای انجام‌شده در ارتباط با آثار چغامیش اختصاص دارد. دیوان دلیلی برای تردید در محاسبات وکلای آمریکائی ندارد، به ویژه، با عنایت به جزئیات ارائه‌شده در صورت‌حساب‌ها و قاعدهٔ اخلاق و عملکرد حرفه‌ای که این وکلا پایبند به آن می‌باشند.

۲۴۶۳- با عنایت به محاسبات وکلای آمریکائی ایران، دیوان حکم می‌کند که حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی اختصاص‌یافته به آثار چغامیش ۵۰ درصد مجموع حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی تحمیل‌شده بر ایران از تیر/مرداد ۱۳۸۵ تا خرداد/تیر ۱۳۹۴ [ژوئیه ۲۰۰۶ تا ژوئن ۲۰۱۵] می‌باشد. نیمی از حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی معادل ۸۵۲،۷۰۹/۷۵ دلار آمریکا (گرد شده) می‌باشد. بر این اساس، دیوان این مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*(چهار) نتیجه گیری کلی*

۲۴۶۴- در نتیجه، دیوان در مورد ادعای ز-۳۲ مجموعاً مبلغ ۸۵۲،۷۰۹/۷۵ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۱۳) ادعای ز-۱۱۵ (موزهٔ تاریخ طبیعی ایران/دکتر داگلاس لی)

*(الف) مقدمه*

**۲۴۶۵-** ایران مطابق دادخواهی‌های نهائی خود در ادعای ز-۱۱۵، بابت ارزش برخی از نمونه‌های زیست‌شناسی، که تحت عنوان ماتریس شناخته می‌شود، و فسیل‌های بیرون‌کشیده از آن توسط دکتر داگلاس لی از دانشگاه کارولینای شمالی مطالبه غرامت می‌کند. ایران در جدول اختصاری دعاوی ثبت‌شده در ۱۳ اسفند ۱۳۹۳ [چهارم مارس ۲۰۱۵] مشخص کرد که بابت «سایر زیان‌های» وارده نیز مطالبه غرامت می‌کند؛ درک دیوان این است که این سرفصل ادعا بابت خسارات تبعی است. ایران مبلغ خواستهٔ خود در این ادعا را مشخص نمی‌کند. در عوض، این دولت در ارتباط با خسارات مستقیم تقاضا کرده است که دیوان کارشناس مستقلی برای ارزیابی ادله و تعیین ارزش ماتریس‌ها و فسیل‌های بیرون‌کشیده‌شده تعیین کند.

**۲۴۶۶-** همان‌گونه که قبلاً در این حکم جزئی ذکر شد، دیوان مجاب شده است[۱۲۶۴] که دکتر لی در اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] هم ماتریس‌ها و هم فسیل‌های استخراجی را به دفتر حفاظت منافع ایران فرستاد.[۱۲۶۵] مضافاً، دیوان مقرر داشته است که ایالات متحده طی دورهٔ ۱۰ اسفند ۱۳۶۳ [اول مارس ۱۹۸۵] تا ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] تعهد بند ۹ خود مبنی بر معمول داشتن اقداماتی جهت حصول اطمینان از انتقال فسیل‌هائی به ایران که در اختیار دکتر لی قرار داشت را نقض کرده بود. این نقض در ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] یعنی زمانی به پایان رسید که وزارت امور خارجه درخواست خود را از دکتر لی برای ارائه اسناد مثبتهٔ حمل تکرار کرد و پیگیری موضوع را فعالانه و مصرانه آغاز نمود.[۱۲۶۶]

---

[۱۲۶۴] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، پانوشت ۱۵۳ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴]).

[۱۲۶۵] *بنگرید به* بندهای ۱۱۸۰-۱۱۸۲، بالا.

[۱۲۶۶] *بنگرید به* بند ۱۱۸۸، بالا.

*(ب) اظهارات طرفین*

۲۴۶۷ - ایران نه ادله‌ای در ارتباط با خسارات خود ارائه داده و نه روش دقیق ارزیابی اقلام مورد بحث و یا محاسبهٔ «سایر خسارات» را ارائه نموده است. همان‌گونه که ذکر شد، ایران درخواست کرده که دیوان کارشناس مستقلی برای ارزیابی ادله و تعیین ارزش ماتریس‌ها و فسیل‌ها تعیین کند.

۲۴۶۸ - ایالات متحده مدعی است که در پرتو قصور ایران از ارائه ادلهٔ ارزیابی در این ادعا، درخواست کنونی ایران مبنی بر انتخاب کارشناس توسط دیوان بی‌اساس است.

*(پ) تصمیم دیوان*

۲۴۶۹ - با احراز این‌که دکتر لی در اردیبهشت/خرداد ۱۳۶۹ [مه ۱۹۹۰] نمونه‌های ماتریس و فسیل‌هائی را که در اختیار داشته به دفتر حفاظت منافع ایران ارسال داشته، دیوان ضرورتاً ادعای ایران بابت ارزش آن اقلام از جمله ارزش علمی آن‌ها را رد کرده است. بنابراین، درخواست ایران برای انتصاب کارشناس جهت ارزیابی ادله و تعیین ارزش ماتریس‌ها و فسیل‌ها منتفی است.

۲۴۷۰ - ایران هیچ ادله‌ای در این خصوص تسلیم نکرده است که این دولت بین ۱۰ اسفند ۱۳۶۳ [اول مارس ۱۹۸۵] و ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] یعنی دوره‌ای که طی آن، ایالات متحده در حال نقض تعهد بند ۹ خود در انجام اقداماتی جهت تضمین انتقال ماتریس‌ها و فسیل‌های در اختیار دکتر لی به ایران متحمل «سایر خسارات» شده است. تا جائی که انتصاب کارشناس مستقل درخواستی ایران به ارزیابی «سایر خسارات» ادعائی مربوط می‌شود، درخواست یادشده اجابت نمی‌شود. «مسئله نصب کارشناس تنها در موردی قابل طرح است که طرف متقاضی نصب، به قدر کافی ادعاها یا مدافعاتش را اثبات کرده باشد».[۱۲۶۷]

---

[۱۲۶۷] *راک‌ول اینترنشنال سیستمز اینک* و *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۴۳۰-۴۳۸، بند ۸۰ (۱۴ شهریور ۱۳۶۸ [پنجم سپتامبر ۱۹۸۹])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۳، ص ص ۱۵۰، ۱۶۸.

۲۴۷۱ - با این حساب، دیوان تمام درخواست ایران به پرداخت غرامت در ادعای ز-۱۱۵ را رد می‌کند.

*(۱۴) ادعای ز-۱۷۲ (خارک/میدلند پایپ آند سوپلای کو.)*

*(الف) مقدمه*

۲۴۷۲ - دیوان در حکم شمارهٔ ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرد و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۲۶۸] دیوان حکم کرده است که اقلام ز-۱۷۲، به استثنای قلم ۱ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ و قلم ۱۷ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، در واقع توسط بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستور انتقال دستور اجرایی شمارهٔ ۱۲۲۸۱ مستثنی بوده، و در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص آن اقلام نقض کرده است.[۱۲۶۹] دیوان حکم می‌کند که، در اوضاع و احوال مربوطه، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال اقلام ز-۱۷۲ به ایران بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده به دلیل تخلف خود از بیانیه عمومی در خصوص این اقلام، مسؤولیت جبران خسارات ایران را دارد.

۲۴۷۳ - ایران مطابق جدول خلاصه دعاوی خود، در ادعای ز-۱۷۲ خواهان حداکثر مبلغ ۱۹،۹۳۱/۵۱ دلار آمریکا بابت غرامت برای ارزش اقلام ز-۱۷۲ می‌باشد، که ذیل سه سفارش خرید متفاوت خریداری شده است. به نحو مشخص‌تر: (یک) ایران بابت سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ مدعی ۵۶۰ دلار آمریکا است، که علی‌الإدعا نشان دهندهٔ قیمت پنج قلم سفارش داده شده، یا ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا است، که وفق اظهارات ایران، نشان‌دهندهٔ ارزش اقلام مذکور مطابق فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] می‌باشد؛[۱۲۷۰] (دو) ایران بابت

---

[۱۲۶۸] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۲۶۹] *بنگرید به* بند ۱۳۷۸، بالا.

[۱۲۷۰] *بنگرید به* بند ۱۲۲۲، بالا.

سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ مدعی ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا است، که نشان‌دهندهٔ قیمت اقلام سفارش داده شده، یا ۸،۳۹۶/۲۵ دلار آمریکا است، که به نظر ایران، نشان‌دهندهٔ ارزش اقلام مذکور مطابق فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] می‌باشد.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

**۲۴۷۴** - به عنوان مسئله‌ای کلّی، ایران مدعی است که در خصوص ادعاهای راجع به خارک («ادعاهای خارک») این دولت مدعی خسارات وارده و نه قیمت صورت‌حساب‌های خرید اقلام مورد اختلاف است. ایران بر این نظر است که قیمت خرید یا صورت‌حسابی، نشانه‌ای معقول از ارزش آن اقلام است، به ویژه بدین جهت که خریدها در زمانی به نسبت نزدیک به تاریخ ارزش‌گذاری، که، وفق اظهارات ایران، ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد، انجام شده‌اند. وفق اظهارات ایران، این رویکردی محافظه‌کارانه است زیرا اکثر اقلام در نیمه اول ۱۳۵۸ [اواسط سال ۱۹۷۹] در زمان تورمی بالا خریداری شده‌اند. بدین ترتیب، حتی اگر اقلام مذکور تا دی ۱۳۵۹ [ژانویه ۱۹۸۱] متحمل کاهش ارزش شده باشد، این زیان با این امر تهاتر می‌شود که هیچ شاخص‌گذاری‌ای اعمال نشده است. ایران بر این موضع است که، در هر حال، مدارک اندکی در خصوص کسر ارزش معتنابهی موجود است.

**۲۴۷۵** - وفق اظهارات ایران، انتقال‌های ادعایی یا فروش‌های اقلام مورد اختلاف به اشخاص ثالث، از سوی دیگر، نمایانندهٔ داد و ستدهای رایج نیست،[۱۲۷۱] و بنابراین، آن‌ها، بر اساس معیارهای ارزش‌گذاری نمی‌توانند برای تعیین هیچ نوعی از ارزش منصفانهٔ بازار مورد استفاده قرار گیرند.

---

[۱۲۷۱] *بنگرید به* بند ۱۳۴۸، بالا.

۲۴۷۶ - ایران ادعا می‌کند که، اگر قیمت‌های مندرج در صورت‌حساب به عنوان نشانه‌ای معقول از ارزش اقلام مربوطه در ادعاهای خارک به حساب نیایند، رویکرد هزینه، چنان‌که کارشناس ارزش‌گذاری ایالات متحده پیش‌نهاد داده،[۱۲۷۲] به طور معمول برای ارزش‌گذاری آن اقلام مناسب است؛ چنین رویکردی ارزش معاملهٔ اوّلیه را می‌گیرد و در جهت بازتولید ارزش در تاریخ ارزش‌گذاری تکاپو می‌کند. ایران بر این نظر است که هزینه‌های حمل، تخفیف، و کمیسیون باید در ارزش‌گذاری با رویکرد هزینه در نظر قرار گیرد.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ (فلنج‌ها و اتصال‌ها)*

۲۴۷۷ - همان‌طور که گفته شد، ایران در خصوص سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ مدعی ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا است، که نشان‌دهندهٔ مجموع مبلغ صورت‌حساب‌شده توسط میدلند برای پنج قلم از آن صورت‌حساب،[۱۲۷۳] یا ۵۶۰ دلار آمریکا، مبلغ موجود در تلکس ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۹] خارک به آموکو اینترنشنال است،[۱۲۷۴] که به نظر ایران، نشان‌دهندهٔ قیمت پنج قلم سفارش داده شده است. ایران در تأیید این ادعا، از جمله، به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ صادر شده در ۱۵ تیر ۱۳۵۸ [ششم ژوئیه ۱۹۷۹]، دال بر قیمت خریدی به مبلغ ۵۰۴/۰۵ دلار آمریکا برای پنج قلم مذکور؛[۱۲۷۵] و (دو) تلکس ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۹] خارک به آموکو اینترنشنال، که مقدم بر آن سفارش خرید است و حاوی ارجاع آتی است: «کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ فلنج‌ها، اتصال‌ها -/۵۶۰ دلار»؛[۱۲۷۶] و (سه) فهرست فروردین ۱۳۵۹

---

[۱۲۷۲] *بنگرید به* بند ۲۴۸۲، پایین.

[۱۲۷۳] *بنگرید به* بند ۱۳۴۳، بالا.

[۱۲۷۴] *بنگرید به* پانوشت ۶۴۸، بالا.

[۱۲۷۵] *بنگرید به* بند ۱۳۴۲، بالا.

[۱۲۷۶] پانوشت ۶۴۸، بالا.

[آوریل ۱۹۸۰]، که ثبت‌کنندهٔ مبلغ صورت‌حسابی ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا برای اقلام سفارش خرید کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ است.[۱۲۷۷]

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ (شیرها)*

**۲۴۷۸** - همان‌طور که گفته شد، ایران ذیل سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ مدعی ۱۱،۰۴۸/۴۰ دلار آمریکا، که نشان‌دهندهٔ مجموع قیمت ۱۲ قلم از آن سفارش خرید است،[۱۲۷۸] یا ۱۰،۹۸۴/۸۸ دلار آمریکا، که نشان‌دهندهٔ مبلغ صورت‌حسابی ثبت شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] بابت اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ در انبار هیوستون است، می‌باشد.[۱۲۷۹] ایران در تأیید ادعای خود، از جمله، به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) گزیده‌ای از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹، دال بر این‌که مجموع مبلغ ۱۲ قلم اختلافی ۱۱،۰۴۸/۴۰ دلار آمریکا بوده؛[۱۲۸۰] (دو) تلکس ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۹] خارک به آموکو اینترنشنال، که مقدم بر آن سفارش خرید است و حاوی ارجاع آتی می‌باشد: «کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ شیرهای کشوئی ۱۴،۰۷۱/۶۶ دلار (تخمین)»؛[۱۲۸۱] و (سه) فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰].

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ (شیرها)*

**۲۴۷۹** - همان‌طور که گفته شد، ایران مدعی ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا، که نشان‌دهندهٔ مبلغ اولیهٔ نُه قلم از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ مورد اختلاف در این ادعا می‌باشد،[۱۲۸۲] یا ۸،۳۹۶/۲۵ دلار آمریکا است، که

---

[۱۲۷۷] *بنگرید به* بند ۱۳۴۴، بالا.

[۱۲۷۸] بنگرید به بند ۱۳۵۱، بالا

[۱۲۷۹] *بنگرید به* بند ۱۳۵۳، بالا.

[۱۲۸۰] *بنگرید به* بند ۱۳۵۱، بالا.

[۱۲۸۱] *بنگرید به* پانوشت ۶۵۰، بالا.

[۱۲۸۲] *بنگرید به* بندهای ۱۳۶۰-۱۳۶۱، بالا.

نشان‌دهندهٔ مبلغ صورت‌حسابی ثبت‌شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] برای اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ در انبار هیوستون می‌باشد.[۱۲۸۳] ایران در تأیید این ادعا، از جمله، به ادله آتی ارجاع می‌دهد: (یک) چهار صورت‌حساب صادرشده توسط میدلند بین ششم تیر و ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئن و هشتم اوت ۱۹۷۹]، که برای خارک مجموعاً به مبلغ ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا بابت نُه قلم مربوطه صورت‌حساب صادر کرده است؛[۱۲۸۴] (دو) سه چک، صادرشده بین دوم مرداد و اول شهریور ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه و ۲۳ اوت ۱۹۷۹]، که از طریق آن‌ها خارک آن صورت‌حساب‌ها را پرداخت نمود؛[۱۲۸۵] و (سه) فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰].

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

**۲۴۸۰ -** ایالات متحده عمدتاً به گزارش ۲۴ آبان ۱۳۸۹ [۱۵ نوامبر ۲۰۱۰] تهیه شده توسط آقای مارتنز، شاهد کارشناس خود، و شهادت آقای مارتنز در جلسات استماع استناد می‌کند.

**۲۴۸۱ -** به عنوان مسئله‌ای کلّی، آقای مارتنز اظهار داشت که ادعاهای ایران راجع به خارک («ادعاهای خارک») عملاً برای قیمت خرید اقلام مورد اختلاف بوده است. وفق اظهارات آقای مارتنز، با این‌حال، قیمت خرید آن اقلام لزوماً بازتاب دقیق ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها در تاریخ ارزش‌گذاری نیست.

**۲۴۸۲ -** آقای مارتنز بر این نظر بود که روش مناسب برای ارزش‌گذاری اقلام مورد اختلاف در ادعاهای خارک رویکرد هزینه است که مطابق آن، هزینهٔ تاریخی قلم، با استفاده از شاخص مناسب برای تعیین هزینه بازتولید قلم جدید، شاخص‌گذاری می‌شود؛ سپس، به منظور تخمین ارزش منصفانهٔ بازار قلم، شاخص استهلاک مناسبی بر آن هزینه اعمال می‌شود. او به علاوه اظهار داشت که ایران تعدیلات لازم را در ارقام تاریخی هزینه

---

[۱۲۸۳] *بنگرید به* بند ۱۳۶۲، بالا.

[۱۲۸۴] *همچنین بنگرید به* بند ۱۳۶۱، بالا.

[۱۲۸۵] *بنگرید به* همانجا.

انجام نداده است. به ویژه، او متذکر شد که ایران بر بعضی موارد، استهلاک را محاسبه نکرده بوده و هزینه‌های حمل و تخفیف‌ها را از هزینه‌های تاریخی استثناء نکرده بوده است.

۲۴۸۳ - آقای مارتنز، هم‌سو با رویکرد هزینه، محاسبات خود را بر مبلغی که بر آن اساس به دست آورده بود استوار کرد و شاخصی را انتخاب نمود که آن را در بیش‌ترین سازگاری با دارایی‌های اصلی‌ای می‌دانست که در حال ارزش‌گذاری بود. او محاسبات خود را به طور کلی بر شاخص‌های قیمت تولیدکننده که توسط دفتر آمار نیروی کار ایالات متحده فراهم آمده بود استوار کرد. آقای مارتنز توضیح داد که به عنوان مسئله‌ای کلی، او شاخص‌گذاری را از تاریخی که برای قلمی مشخص صورت‌حساب صادر شده باشد انجام می‌دهد.

۲۴۸۴ - آقای مارتنز برای اقلام ز-۱۷۲ شاخص قیمت تولیدکننده (مطابق کالا) را برای «ماشین‌آلات و تجهیزات: ماشین‌آلات و تجهیزات همه‌منظوره» (WPS114) انتخاب کرد.

۲۴۸۵ - آقای مارتنز در محاسبهٔ شاخص استهلاک، برای اکثر اقلام مورد اختلاف در ادعاهای خارک، که در آن‌ها کالاهای مصرفی، قطعات یدکی، و پیچ و مهره‌های متفرقه مورد اختلافند، دوره مفید کارآئی ۲۰ ساله در نظر گرفته، که عملاً موجب شد استهلاک خطّی آن دارایی‌ها در طول زمان در نظر گرفته شود.

۲۴۸۶ - در حالی‌که آقای ماتنز برای تمام اقلام مورد اختلاف در ادعاهای خارک، ارزش منصفانهٔ بازاری کلّی پیش‌نهاد کرد، برای اقلام ز-۱۷۲ ارزش منصفانهٔ بازار مشخصی پیش‌نهاد نکرد.

*(پ) تصمیم دیوان*

۲۴۸۷ - دیوان مقرر داشته است که تمام اقلام ز-۱۷۲، به استثنای قلم ۱ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ و قلم ۱۷ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یا بعد از

آن، توسط آموکو اینترنشنال یا به میدلند بازفروش شد یا به سیجبراش فروخته شده است.[۱۲۸۶] بر این اساس، دیوان مقرر داشته است که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص باقی‌مانده اقلام ز-۱۷۲ نقض کرده، و تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری است.[۱۲۸۷] دیوان بدین ترتیب به ارزش‌گذاری باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ در آن تاریخ ادامه می‌دهد.[۱۲۸۸]

**۲۴۸۸** - دیوان با طرفین توافق دارد که رویکرد هزینه، روش مناسب تعیین ارزش منصفانهٔ بازار اقلام مربوطه در ادعاهای خارک در تاریخ ارزش‌گذاری، یعنی هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱][۱۲۸۹] است.[۱۲۹۰] در این سیاق، دیوان بر این نظر است که قیمتی که اقلام به آن مبلغ پس از ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] فروخته یا بازفروش شده‌اند لزوماً بازتاب‌دهندهٔ ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها نمی‌باشند. دیوان به علاوه بر این نظر است که تخفیف‌های گاه‌به‌گاه بر قیمت‌های صورت‌حسابی اقلام باید در ارزیابی ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها مدنظر قرار گیرد.

**۲۴۸۹** - دیوان در انجام ارزش‌گذاری مطابق رویکرد هزینه باید، به عنوان گام نخست، قیمت خرید اولیه قلمی که باید مورد ارزش‌گذاری قرار گیرد را، با عنایت مقتضی نسبت به تمام ادله و مدارک مربوطه، تعیین کند.[۱۲۹۱]

**۲۴۹۰** - در ادعاهای خارک، مدارکی که به طور ویژه مربوط به اثبات قیمت خرید اولیه اقلام می‌باشند مشتمل است بر: (یک) سفارش‌های خرید؛ (دو) صورت‌حساب‌های فروشنده؛ (سه) چک‌های اثبات‌کنندهٔ پرداخت

---

[۱۲۸۶] *بنگرید به* بندهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۴، بالا.

[۱۲۸۷] *بنگرید به* بندهای ۱۳۷۷-۱۳۷۸، بالا. *همچنین بنگرید به* بندهای ۴۸۸، ۵۴۷، ۵۷۶، ۵۹۸، ۶۳۲، ۷۹۶، ۱۴۱۹، ۱۷۵۴، ۱۷۶۸، ۱۷۸۱، بالا.

[۱۲۸۸] *بنگرید به* بند ۱۳۷۴، بالا.

[۱۲۸۹] موضع ایران، به نحو مشخص‌تر، این است که رویکرد هزینه به طور معمول باید روش مناسب ارزش‌گذاری باشد در صورتی‌که قیمت‌های صورت‌حسابی به عنوان نشانهٔ معقولی بر ارزش اقلام اختلافی به حساب نیاید. *بنگرید به* بند ۲۴۷۶، بالا.

[۱۲۹۰] *بنگرید به* بند ۱۳۷۸، بالا. *همچنین بنگرید به* بندهای ۴۸۸، ۵۴۷، ۵۷۶، ۵۹۸، ۶۳۲، ۷۹۶، ۱۴۱۹، ۱۷۵۴، ۱۷۶۸، ۱۷۸۱، بالا.

[۱۲۹۱] *بنگرید به* بندهای ۲۲۵۸، ۲۳۲۸، بالا.

توسط خارک؛ و (چهار) فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰]، ثبت‌کنندهٔ مبالغ صورت‌حسابی اقلام نگه‌داری شده در انبار هیوستون در آن ماه.

**۲۴۹۱** - دیوان اهمیتی اساسی برای فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] تا آن جایی قائل است که نشان‌دهندهٔ مدارک هم‌زمان ایجاد شده در دوره‌ای که شائبهٔ شبهه‌ای در مورد آن وجود ندارد، یعنی قبل از تاریخ سرنوشت‌ساز انعقاد بیانیه‌های الجزایر، است. آموکو اینترنشنال، تهیه کنندهٔ فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] و کارگزار خرید خارک، متعهد تحویل گرفتن اقلام خریداری‌شده در هیوستون به منظور حمل آن‌ها به ایران گردید. می‌توان تصور کرد که آموکو اینترنشنال در حال ادارهٔ این کار با حسن نیّت به عنوان کارگزار حرفه‌ای‌ای بود که، در آن مقام، دلیلی نداشت که قیمت اقلام را در فهرست موجودی خود بالا یا پایین ببرد. به علاوه، می‌توان تصور کرد که آموکو اینترنشنال اطلاعات کاملی دربارهٔ آن اقلام در اختیار داشته است. بدین ترتیب، در نظر دیوان، فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] نشان‌دهندهٔ مبنایی قابل اتکاء بابت ارزیابی قیمت خرید اولیهٔ اقلامی است که باید ارزش‌گذاری شود. دیوان اطلاعات مندرج در آن را تا جای ممکن، با سایر ادلهٔ موجود در سابقه، مانند سفارش‌های خرید، صورت‌حساب‌ها، سند پرداخت، و موارد مشابه تقویت خواهد کرد.

**۲۴۹۲** - گام بعدی در ارزیابی دیوان از ارزش منصفانهٔ بازار یک قلم اختلافی در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] تخمین هزینهٔ جابه‌جایی قلم در آن تاریخ به واسطهٔ شاخص‌گذاری قیمت خرید اولیهٔ قلم از تاریخ خرید تا بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] است.[۱۲۹۲] دیوان مقرر می‌دارد که، بابت باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲، شاخص مناسبی که باید در این خصوص اعمال شود همان است که توسط آقای مارتنز شناسایی شده، و توسط ایران

---

[۱۲۹۲] *بنگرید به* بند ۲۲۵۸، بالا.

مخدوش نشده است، یعنی، شاخص قیمت تولیدکننده (مطابق کالا) برای «ماشین‌آلات و تجهیزات: ماشین‌آلات و تجهیزات همه‌منظوره» (WPS114) («شاخص قیمت تولیدکننده ماشین‌آلات و تجهیزات»).[۱۲۹۳]

**۲۴۹۳** - مضافاً، دیوان به منظور ارزیابی ارزش منصفانه بازار یک قلم اختلافی در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] باید کسورات مناسبی از ارزش تخمینی جایگزینی صورت دهد تا استهلاک رخ داده بین تاریخ خرید و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] را به حساب آورد. در این سیاق، دیوان می‌پذیرد که در محاسبهٔ شاخص استهلاک، معقول است که برای اکثر اقلام مورد اختلاف در ادعاهای خارک، شامل باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲، چنان‌که آقای مارتنز پیش‌نهاد داد، عمری ۲۰ ساله تصور شود.[۱۲۹۴]

**۲۴۹۴** - نهایتاً، تا این‌که ایران بابت خسارات وارده به واسطهٔ نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده[۱۲۹۵] به طور کامل دریافت غرامت کند، باید حکمی به نفع ایران بابت هزینه‌هایی صادر شود که این دولت برای حمل اقلام موجود در داخل ایالات متحده، جایی که ادله و مدارکِ چنین هزینه‌هایی در سابقه وجود دارد، پرداخت کرده است.

**۲۴۹۵** - دیوان اکنون به ارزیابی ارزش منصفانه بازار باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲ ذیل هر یک از سفارش‌های خرید مورد اختلاف می‌پردازد.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ (فلنج‌ها و اتصال‌ها)*

**۲۴۹۶** - میدلند بین سوم تا ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه و ۱۷ اوت ۱۹۷۹] چهار صورت‌حساب پوشش‌دهندهٔ تمام پنج قلم از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ برای خارک مجموعاً به مبلغ ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا (شامل

---

[۱۲۹۳] *بنگرید به* بند ۲۴۸۴، بالا.

[۱۲۹۴] *بنگرید به* بند ۲۴۸۵، بالا.

[۱۲۹۵] *بنگرید به* بند ۱۷۹۱ به بعد، بالا.

حدود ۴۵ دلار آمریکا بابت هزینه حمل) صادر کرد. خارک این مبلغ را از طریق چک‌های صادر شده در مرداد/شهریور و شهریور/مهر ۱۳۵۸ [اوت و سپتامبر ۱۹۷۹] پرداخت کرد.[۱۲۹۶] فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی مبلغ صورت‌حسابی ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا مرتبط با آن پنج قلم می‌باشد.[۱۲۹۷]

**۲۴۹۷ -** دیوان در پرتو این ادله[۱۲۹۸] مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه به منظور تعیین ارزش منصفانهٔ بازار اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴، ۵۰۵/۳۸ دلار آمریکا بود (دیوان با کسر هزینه‌های حمل پرداخت شده توسط ایران، ۴۵ دلار آمریکا، از مجموع مبلغ صورت‌حساب، ۵۵۰/۳۸ دلار آمریکا، به این مبلغ رسیده است).

**۲۴۹۸ -** دیوان پس از تعیین هزینهٔ تاریخی آن اقلام، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان در رسیدن به آن ارزیابی، نخست هزینه‌های جایگزینی اقلام مذکور در آن تاریخ[۱۲۹۹] را تخمین خواهد زد. دیوان با این فرض که تاریخ خرید آن‌ها، ۱۵ تیر ۱۳۵۸ [ششم ژوئیه ۱۹۷۹]، تاریخ سفارش خرید،[۱۳۰۰] بوده، و با تعدیل قیمت خرید اولیه اقلام مذکور رو به بالا تا ۱۸/۴۹ درصد به منظور محاسبهٔ تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده ماشین‌آلات و تجهیزات بین تیر/مرداد ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [ژوئیه ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱][۱۳۰۱] تخمین می‌زند که هزینهٔ جایگزینی اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۵۹۸/۸۲ دلار آمریکا بوده است.

**۲۴۹۹ -** دیوان، به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانهٔ بازار آن اقلام، باید هزینهٔ جایگزینی تخمینی آن‌ها را رو به پایین تعدیل کند تا استهلاک اقلام را بین ۱۵ تیر ۱۳۵۸ [ششم ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ خرید، و

---

[۱۲۹۶] *بنگرید به* بند ۱۳۴۳، بالا.

[۱۲۹۷] *بنگرید به* بند ۱۳۴۴، بالا.

[۱۲۹۸] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

[۱۲۹۹] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

[۱۳۰۰] *بنگرید به* بند ۱۳۴۲، بالا.

[۱۳۰۱] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ ارزش‌گذاری، محاسبه کند. دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲،[۱۳۰۲] مقرر می‌دارد که اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ بین آن ماه‌ها به میزان ۸/۲۴ درصد استهلاک داشته‌اند.

**۲۵۰۰ -** بر این اساس، ارزش منصفانهٔ بازار اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۵۴۹/۴۸ دلار آمریکا بوده است. مضافاً، به منظور جبران خسارت کامل ایران بابت خسارات وارده به واسطهٔ نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، ایران مستحق هزینه‌هایی نیز می‌باشد که برای حمل آن اقلام داخل ایالات متحده پرداخت کرده بوده، که دیوان فرض می‌گیرد که در ۴۵ دلار آمریکا باقی مانده است.[۱۳۰۳] با این‌حال، ایران در ادعای خود راجع به سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۴ خواهان حداکثر مبلغ ۵۶۰ دلار آمریکا می‌باشد.[۱۳۰۴] در نتیجه، دیوان ۵۶۰ دلار آمریکا بابت آن اقلام به نفع ایران حکم می‌کند.

*سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ (شیرها)*

**۲۵۰۱ -** آموکو اینترنشنال به واسطهٔ سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ پنجم مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹] ۱۲ قلم از شیر را به مبلغ ۱۱،۰۴۸/۴۰ دلار آمریکا به میدلند سفارش داد.[۱۳۰۵] میدلند به ترتیب در ۲۶ مرداد و نهم شهریور ۱۳۵۸ [۱۷ و ۳۱ اوت ۱۹۷۹] دو صورت‌حساب برای خارک مجموعاً به مبلغ ۵،۷۷۸/۶۵ دلار آمریکا بابت ۹ قلم از آن ۱۲ قلم شیر صادر کرد؛[۱۳۰۶] سابقه حاوی کپی هیچ صورت‌حسابی که میدلند بابت سه قلم شیر باقی‌مانده ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ صادر کرده باشد نیست. خارک مبلغ ۵،۷۷۸/۶۵ دلار

---

[۱۳۰۲] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۰۳] *بنگرید به* بند ۲۴۹۷، بالا.

[۱۳۰۴] *بنگرید به* بند ۲۴۷۳، بالا.

[۱۳۰۵] *بنگرید به* بند ۱۳۵۱، بالا.

[۱۳۰۶] *بنگرید به* بند ۱۳۵۲، بالا.

آمریکا (به اضافه ۱۸۶/۲۳ دلار آمریکایی که میدلند برای حمل صورت‌حساب کرده بود) را از طریق چک‌های صادر شده در ۱۰ شهریور و اول آبان ۱۳۵۸ [اول سپتامبر و ۲۳ اکتبر ۱۹۷۹] پرداخت کرد.[۱۳۰۷]

**۲۵۰۲ -** فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی صورت‌حسابی به مبلغ ۱۰،۹۸۴/۸۸ دلار آمریکا در ارتباط با اقلام سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ است که در آن ماه در انبار در هیوستون بود.[۱۳۰۸]

**۲۵۰۳ -** دیوان دریافته است که آموکو اینترنشنال در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] قلم ۱ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ («قلم ۱») را به وابستهٔ خود، شرکت مصری پتروشیمی خلیج سوئز، حمل کرده است.[۱۳۰۹] سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ قیمت قلم ۱ را ۱،۶۶۸ دلار آمریکا اعلام کرد (که متناظر با مبلغی است که میدلند در ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ [۱۷ اوت ۱۹۷۹] بابت قلم ۱ برای خارک صورت‌حساب صادر نمود).

**۲۵۰۴ -** دیوان در پرتو این ادله و مدارک، و در راستای ملاحظات اثباتی خود، به شرح بالا،[۱۳۱۰] بر این نظر است که فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] نقطهٔ شروع خوبی برای تعیین قیمت خرید اولیه اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ است که آموکو اینترنشنال در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یا پس از آن به میدلند بازفورش یا به سیجبراش فروخته است («اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹»).[۱۳۱۱] دیوان برای رسیدن به قیمت خرید اولیهٔ آن اقلام، از مبلغ صورت‌حسابی ثبت‌شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] برای سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ به مبلغ ۱۰،۹۸۴/۸۸ دلار آمریکا، موارد آتی را کسر می‌کند: (یک) ۱،۶۶۸ دلار آمریکا، مبلغ خرید قلم ۱ (که آموکو اینترنشنال در آذر/دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به شرکت مصری

---

[۱۳۰۷] همانجا.

[۱۳۰۸] *بنگرید به* بند ۱۳۵۳، بالا.

[۱۳۰۹] *بنگرید به* بند ۱۳۷۳، بالا.

[۱۳۱۰] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

[۱۳۱۱] *بنگرید به* بند ۲۴۸۷، بالا.

پتروشیمی خلیج سوئز حمل کرده بود)؛ و (دو) ۱۸۶/۲۳ دلار آمریکا، هزینه‌های صورت‌حسابی توسط میدلند و پرداخت‌شده توسط خارک بابت حمل اقلام داخل ایالات متحده،[۱۳۱۲] که دیوان تصور می‌کند داخل در مبلغ صورت‌حسابی ثبت‌شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] بوده است. بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که مبلغ خرید اولیه اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹، مبلغ ۹،۱۳۰/۶۵ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۰۵ -** دیوان پس از تعیین هزینهٔ تاریخی اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان برای انجام آن ارزیابی، نخست، هزینه جایگزینی اقلام مذکور را در آن تاریخ تخمین خواهد زد. دیوان با این فرض که تاریخ خرید اقلام فروخته‌شده کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ پنجم مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹]، تاریخ سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹،[۱۳۱۳] بوده، و تعدیل قیمت خرید اولیهٔ آن اقلام رو به بالا به میزان ۱۸/۴۹ درصد به منظور در نظر گرفتن تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده ماشین‌آلات و تجهیزات بین تیر/مرداد ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱]،[۱۳۱۴] تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۱۰،۸۱۸/۹۰ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۰۶ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه تخمینی جایگزینی آن‌ها را، به منظور محاسبهٔ استهلاک اقلام مذکور بین چهارم مرداد ۱۳۵۸ [۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ ارزش‌گذاری، رو به پایین تعدیل کند. دیوان با فرض عمر مفید ۲۰

---

[۱۳۱۲] *بنگرید به* بند ۲۵۰۱، بالا.

[۱۳۱۳] *بنگرید به* بند ۱۳۵۱، بالا.

[۱۳۱۴] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

ساله برای باقی‌ماندهٔ برای اقلام ز-۱۷۲،[۱۳۱۵] مقرر می‌دارد که اقلام فروخته‌شده کی‌سی-۷۹۰۰۰۹، بین آن ماه‌ها، تا ۷/۹۶ درصد استهلاک داشته است.

۲۵۰۷ - بر این اساس، ارزش منصفانه بازار اقلام فروخته شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۹،۹۵۷/۷۱ دلار آمریکا بوده است. مضافاً، به منظور جبران خسارات کامل ایران بابت خسارات وارده به واسطهٔ نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، مستحق هزینه‌هایی نیز می‌باشد که بابت حمل آن اقلام داخل ایالات متحده پرداخت کرده بوده، که دیوان فرض می‌کند به مبلغ ۱۸۶/۲۳ دلار آمریکا باقی مانده است. بر این اساس، دیوان مجموعاً مبلغ ۱۰،۱۴۳/۹۴ دلار آمریکا به نفع ایران بابت اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۰۹ حکم می‌دهد.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ (شیرها)*

۲۵۰۸ - آموکو اینترنشنال به واسطه سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، مورخ چهارم تیر ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] اقلام شیر را به میدلند سفارش داد. صرفاً بخشی از آن سفارش، یعنی اقلام ۱، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، مورد اختلاف در این ادعا می‌باشد.[۱۳۱۶] میدلند بین ششم تیر و ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئن و هشتم اوت ۱۹۷۹] برای خارک مجموعاً به مبلغ ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا بابت قلم ۱ (بابت یکی از دو قلم سفارش داده شده)، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ (شامل ۱۱/۶۵ دلار آمریکا در خصوص هزینه‌های یوپی‌اس برای حمل در ایالات متحده) چهار صورت‌حساب ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ صادر کرد.[۱۳۱۷] خارک این چهار صورت‌حساب را طی سه چک صادرشده بین دوم مرداد و اول شهریور

---

[۱۳۱۵] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۱۶] *بنگرید به* بند ۱۳۶۰، بالا.

[۱۳۱۷] *بنگرید به* بند ۱۳۶۱، بالا.

۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه و ۲۳ اوت ۱۹۷۹] پرداخت کرد. سوابق پرداخت توسط خارک در ادله و مدارک حاکی از آن است که میدلند برای خارک مبلغ ۶۵۵/۶۰ دلار آمریکای دیگری بابت اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ صورت‌حساب صادر کرده بوده است، که ایران بابت آن، هیچ ادعایی مطرح نکرده است.[۱۳۱۸]

**۲۵۰۹ -** فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی مبلغ صورت‌حسابی به مبلغ ۸،۳۹۶/۲۵ دلار آمریکا در ارتباط با سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ است که در آن ماه در انبار در هیوستون بوده است.[۱۳۱۹] این مبلغ متشکل است از: (یک) ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا که میدلند برای خارک بابت نُه قلم مورد اختلاف در این ادعا (یعنی اقلام ۱، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷) صورت‌حساب صادر کرده است؛ و (دو) ۶۵۵/۶۰ دلار آمریکا که میدلند برای خارک بابت اقلام آن سفارش خرید صورت‌حساب صادر کرده است که ایران بابت آن هیچ ادعایی مطرح نکرده است.[۱۳۲۰]

**۲۵۱۰ -** دیوان دریافته است که آموکو اینترنشنال در ۲۴ آذر ۱۳۵۹ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۰] قلم ۱۷ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ («قلم ۱۷») را به وابسته خود، شرکت مصری پتروشیمی خلیج سوئز، حمل کرده است.[۱۳۲۱] صورت‌حساب مورخ ششم تیر ۱۳۵۸ [۲۷ ژوئن ۱۹۷۹] میدلند[۱۳۲۲] نشان می‌دهد که خارک بابت قلم ۱۷ مبلغ ۱،۸۰۴ دلار آمریکا بدهکار شده است.

**۲۵۱۱ -** دیوان برای رسیدن به قیمت خرید اولیه اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ که آموکو اینترنشنال در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یا پس از آن، به میدلند بازفروش کرده یا به سیجبراش فروخته

---

[۱۳۱۸] *بنگرید به* بند ۱۳۶۱ و پانوشت ۶۵۸، بالا.

[۱۳۱۹] *بنگرید به* بند ۱۳۶۲، بالا.

[۱۳۲۰] *بنگرید به* بند ۲۵۰۸، بالا.

[۱۳۲۱] *بنگرید به* بند ۱۳۷۳، بالا.

[۱۳۲۲] *بنگرید به* بند ۲۵۰۸، بالا.

(«اقلام فروخته شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷»)[۱۳۲۳]، از ۷،۷۴۰/۶۵ دلار آمریکا، مبلغی که میدلند برای خارک بابت اقلام ۱، ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ از سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ صورت‌حساب صادر کرده، موارد آتی را کسر می‌کند: (یک) ۱،۸۰۴ دلار آمریکا، مبلغی که میدلند برای خارک بابت قلم ۱۷ (که آموکو اینترنشنال در آذر/دی ۱۳۵۹ [دسامبر ۱۹۸۰] به شرکت مصری پتروشیمی خلیج سوئز حمل کرده بوده) صورت‌حساب صادر کرده؛ و (دو) ۱۱/۶۵ دلار آمریکا، هزینه‌های صورت‌حسابی توسط میدلند و پرداخت‌شده توسط خارک بابت حمل اقلام داخل ایالات متحده.[۱۳۲۴] بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، مبلغ ۵،۹۲۵ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۱۲-** دیوان پس از تعیین هزینهٔ تاریخی اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانهٔ بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان برای انجام آن ارزیابی، نخست، هزینه جایگزینی اقلام مذکور را در آن تاریخ تخمین خواهد زد. دیوان با این فرض که تاریخ خرید اقلام فروخته‌شده کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹]، تاریخ سفارش خرید شمارهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷،[۱۳۲۵] بوده، و با تعدیل قیمت خرید اولیهٔ آن اقلام رو به بالا به میزان ۱۹/۵۶ درصد به منظور در نظر گرفتن تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده ماشین‌آلات و تجهیزات بین تیر/مرداد ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [ژوئیه ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱]،[۱۳۲۶] تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۷،۰۸۳/۹۳ دلار آمریکا بوده است.

---

[۱۳۲۳] *بنگرید به* بند ۲۴۸۷، بالا.

[۱۳۲۴] *بنگرید به* بند ۲۵۰۱، بالا.

[۱۳۲۵] *بنگرید به* بند ۱۳۶۰، بالا.

[۱۳۲۶] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

**۲۵۱۳ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه تخمینی جایگزینی آن‌ها را، به منظور در نظر گرفتن استهلاک اقلام مذکور بین سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ ارزش‌گذاری، رو به پایین تعدیل کند. دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای باقی‌ماندهٔ اقلام ز-۱۷۲،[۱۳۲۷] مقرر می‌دارد که اقلام فروخته‌شده کی‌سی-۷۹۰۰۶۷، بین آن ماه‌ها، به میزان ۸/۴ درصد استهلاک داشته است.

**۲۵۱۴ -** بر این اساس، ارزش منصفانه بازار اقلام فروخته‌شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۶،۴۸۸/۸۸ دلار آمریکا بوده است. مضافاً، به منظور جبران خسارات کامل ایران بابت خسارات وارده به واسطهٔ نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، آن دولت مستحق هزینه‌هایی نیز می‌باشد که بابت حمل آن اقلام داخل ایالات متحده پرداخت کرده بوده، که دیوان چنین فرض می‌کند که به مبلغ ۱۱/۶۵ دلار آمریکا[۱۳۲۸] باقی مانده است. بر این اساس، دیوان مجموعاً مبلغ ۶،۵۰۰/۵۳ دلار آمریکا به نفع ایران بابت اقلام فروخته شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ حکم می‌دهد.

*نتیجهٔ کلّی*

**۲۵۱۵ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان در خصوص ادعای ز-۱۷۲ مجموعاً مبلغ ۱۷،۲۰۴/۴۷ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۳۲۷] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۲۸] *بنگرید به* بند ۲۵۰۸، بالا.

*(۱۵) ادعای ز-۱۷۴ (خارک/سیجبراش پایپلاین سوپلای کو. اند پروسس سیلز اینک.)*

*(الف) مقدمه*

**۲۵۱۶ -** دیوان در حکم شماره **۵۲۹** مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرد و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۳۲۹] دیوان حکم کرده است که اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش در واقع به واسطهٔ بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقررات غیرقانونی خزانه‌داری از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره **۱۲۲۸۱** مستثنا شده بوده‌اند، و در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی در خصوص آن اقلام را نقض کرده است.[۱۳۳۰] (دیوان ادعای ایران در ارتباط با اقلام ز-۱۷۴ پروسس سیلز را رد کرده است.[۱۳۳۱]) دیوان حکم می‌کند که، در اوضاع و احوال مربوطه، بخش **۳۳۳-۵۳۵** مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش به ایران بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده بابت نقض خود از بیانیه عمومی در خصوص آن اقلام در ورود خسارات به ایران دارای مسؤولیت است.

**۲۵۱۷ -** ایران مطابق جدول اختصاری دعاوی در ادعای ز-۱۷۴ خواهان حداکثر مبلغ **۸۸۳/۸۳** دلار آمریکا به عنوان غرامت بابت اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش است. آن اقلام از سیجبراش ذیل دو سفارش خرید متفاوت، یعنی کی‌سی-**۷۹۰۰۹۹** و کی‌سی-**۷۹۰۰۳۴**، خریداری شده بوده‌اند. به نحو مشخص‌تر: (یک) ایران بابت سفارش خرید شماره کی‌سی-**۷۹۰۰۹۹** مدعی **۳۱۲/۹۲** دلار آمریکا که، به نظر ایران، نشان‌دهندهٔ ارزش اقلام آن سفارش خرید مطابق فهرست فروردین **۱۳۵۹** [آوریل **۱۹۸۰**] است،[۱۳۳۲] یا **۲۵۵/۴۹** دلار آمریکا، که علی‌الإدعا نشان‌دهندهٔ قیمت

---

[۱۳۲۹] *بنگرید به* حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

[۱۳۳۰] *بنگرید به* بندهای ۱۳۹۶ و ۱۴۱۸، بالا.

[۱۳۳۱] *بنگرید به* بندهای ۱۴۰۰ و ۱۴۲۷-۱۴۲۸، بالا.

[۱۳۳۲] *بنگرید به* بند ۱۳۹۸، بالا.

اقلام آن سفارش خرید است؛[1333] و (دو) ایران بابت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ مدعی ۵۷۰/۹۱ دلار آمریکا است، مجموع مبلغی که سیجبراش برای خارک ذیل سفارش خرید مذکور صورت‌حساب صادر نمود.[1334]

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

**۲۵۱۸ -** استدلال‌های کلی ایران در ارتباط با ارزش‌گذاری اقلام اختلافی ادعاهای خارک به شرح بالا[1335] طرح شده است.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ (سیجبراش)*

**۲۵۱۹ -** همان‌طور که گفته شد، ایران ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ خواهان ۳۱۲/۹۲ دلار آمریکا، نشان‌دهندهٔ مبلغ صورت‌حسابی ثبت‌شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] بابت اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ در انبار در هیوستون[1336] یا ۲۵۵/۴۹ دلار آمریکا، مبلغی که سیجبراش برای خارک ذیل آن سفارش خرید صورت‌حساب صادر کرد، می‌باشد.[1337]

**۲۵۲۰ -** ایران در تأیید ادعای خود، از جمله، به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹، دال بر این‌که مجموع قیمت اقلام سفارش داده شده ۲۵۱/۹۲ دلار آمریکا بوده؛ و (دو) فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰].

---

[1333] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

[1334] *بنگرید به* همانجا.

[1335] *بنگرید به* بندهای ۲۴۷۴-۲۴۷۶، بالا.

[1336] *بنگرید به* بند ۱۳۹۸، بالا.

[1337] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ (سیجبراش)*

**۲۵۲۱ -** همان‌طور که گفته شد، ایران ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ خواهان ۵۷۰/۹۱ دلار آمریکا است، مبلغی که سیجبراش برای خارک ذیل سفارش خرید مذکور صورت‌حساب صادر کرد.[۱۳۳۸]

**۲۵۲۲ -** ایران در تأیید ادعای خود، ا زجمله، به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) صورت‌حساب از سیجبراش مورخ ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] که برای خارک به مبلغ ۵۳۳ دلار آمریکا بابت پنج قلم فلنج ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ صادر شده؛[۱۳۳۹] (دو) صورت‌حساب از سیجبراش مورخ ۲۸ تیر ۱۳۵۸ [۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹] که برای خارک به مبلغ ۳۷/۹۱ دلار آمریکا بابت هزینه‌های حمل مربوط به آن اقلام صادر شده؛[۱۳۴۰] و (سه) نامه سوم فروردین ۱۳۶۰ [۲۳ مارس ۱۹۸۱] سیجبراش، که به آموکو اینترنشنال مبلغ ۵۳۳ دلار آمریکا بابت اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ پیش‌نهاد می‌دهد.[۱۳۴۱]

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

**۲۵۲۳ -** استدلال‌های کلی ایالات متحده راجع به ارزش‌گذاری اقلام اختلافی در ادعاهای خارک به شرح بالا مطرح شده است.[۱۳۴۲]

---

[۱۳۳۸] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۳۹] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۴۰] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۴۱] *بنگرید به* بند ۱۳۹۹ (ت).

[۱۳۴۲] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۰-۲۴۸۵، بالا.

**۲۵۲۴ -** آقای مارتنز در شاخص‌گذاری هزینه‌های تاریخی اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش، شاخص قیمت تولیدکننده (طبق نوع کالا) را برای «فلزات و محصولات فلزی: محصولات فلزی متفرقه» (WPU108) («شاخص قیمت تولیدکننده محصولات فلزی متفرقه») اعمال کرد.

**۲۵۲۵ -** در حالی‌که آقای مارتنز یک ارزش منصفانه بازار کلی برای تمام اقلام مورد اختلاف در ادعاهای خارک پیش‌نهاد کرد، هیچ ارزش منصفانه بازار اختصاصی‌ای برای اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش پیش‌نهاد نکرد.

*(پ) تصمیم دیوان*

**۲۵۲۶ -** دیوان حکم کرده است که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش نقض کرده، و تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری است.[۱۳۴۳] بدین ترتیب دیوان به تعیین ارزش منصفانه بازار اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش در آن تاریخ می‌پردازد. دیوان انجام این کار، رویکرد هزینه را با پیروی از مراحلی که در بالا ترسیم شد، اعمال خواهد کرد.[۱۳۴۴]

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ (سیجبراش)*

**۲۵۲۷ -** مجموع مبلغ سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹، مبلغ ۲۵۱/۹۲ دلار آمریکا بود.[۱۳۴۵] سیجبراش به واسطهٔ، به ترتیب، صورت‌حساب‌های صادره در ۲۱ و ۲۶ تیر ۱۳۵۸ [۱۲ و ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] برای خارک مجموعاً ۲۵۵/۴۹ دلار آمریکا، شامل هزینه‌های حمل بالغ بر ۳/۵۷ دلار آمریکا، بابت اقلام آن سفارش خرید

---

[۱۳۴۳] *بنگرید به* بندهای ۱۴۱۸-۱۴۱۹، بالا. همچنین *بنگرید به* بندهای ۴۸۸، ۵۴۷، ۵۷۶، ۵۹۸، ۶۳۲، ۷۹۶، ۱۳۷۸، ۱۷۵۴، ۱۷۶۸، ۱۷۸۱، بالا.

[۱۳۴۴] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۸-۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۴۵] *بنگرید به* بند ۱۳۹۶، بالا.

صورت‌حساب صادر کرد، مبلغی که خارک طی چک‌های صادره در مرداد/شهریور ۱۳۵۸ [اوت ۱۹۷۹] آن‌ها را پرداخت نمود.[۱۳۴۶] فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی مبلغ صورت‌حسابی به مبلغ ۳۱۲/۹۲ دلار آمریکا در ارتباط با آن اقلام می‌باشد.[۱۳۴۷]

**۲۵۲۸ -** دیوان در پرتو این ادله، و هم راستا با ملاحظات اثباتی خود به شرح بالا،[۱۳۴۸] بر این نظر است که فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] نقطهٔ شروع خوبی برای تعیین قیمت خرید اولیه اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ است.[۱۳۴۹] دیوان به منظور رسیدن به قیمت خرید اولیه آن اقلام، ۳/۵۷ دلار آمریکا، هزینه‌های صورت‌حسابی توسط سیجبراش و پرداخت‌شده توسط خارک بابت حمل اقلام داخل ایالات متحده (هزینه‌هایی که دیوان فرض می‌گیرد که داخل در مبلغ صورت‌حسابی ثبت‌شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] بود)[۱۳۵۰] را از ۳۱۲/۹۲ دلار آمریکا، مبلغ صورت‌حسابی ثبت‌شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] برای سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ کسر می‌کند. بر این اساس، دیوان مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه اقلام فروخته شدهٔ کی‌سی-۷۹۰۰۹۹، ۳۰۹/۳۵ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۲۹ -** دیوان پس از تعیین هزینهٔ تاریخی اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان در انجام آن ارزیابی، نخست، هزینهٔ جایگزینی آن اقلام در آن تاریخ را با شاخص‌گذاری قیمت خرید اولیه اقلام مذکور از تاریخ خرید تا بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] تخمین خواهد زد.[۱۳۵۱] دیوان مقرر می‌دارد که، بابت

---

[۱۳۴۶] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

[۱۳۴۷] *بنگرید به* بند ۱۳۹۸، بالا.

[۱۳۴۸] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

[۱۳۴۹] *بنگرید به* بند ۲۴۸۷، بالا.

[۱۳۵۰] *بنگرید به* بند ۲۵۲۷، بالا.

[۱۳۵۱] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش، شاخص مناسبی که باید در این خصوص اعمال شود، همان شاخصی است که توسط آقای مارتنز مورد شناسایی قرار گرفته، و توسط ایران مخدوش نشده است، یعنی شاخص قیمت تولیدکننده محصولات فلزی متفرقه.[۱۳۵۲] دیوان با این فرض که تاریخ خرید اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹، اول تیر ۱۳۵۸ [۲۲ ژوئن ۱۹۷۹]، تاریخ سفارش خرید بوده،[۱۳۵۳] و با تعدیل قیمت خرید اولیه اقلام رو به بالا به میزان ۱۴/۳۶ درصد به منظور در نظر گرفتن تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده محصولات فلزی متفرقه بین خرداد/تیر ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱]، تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۳۵۳/۷۷ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۳۰ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه تخمینی جایگزینی آن‌ها را به منظور در نظر گرفتن استهلاک اقلام مذکور بین اول تیر ۱۳۵۸ [۲۲ ژوئن ۱۹۷۹]، تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، تاریخ ارزیابی، رو به پایین تعدیل کند. دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش[۱۳۵۴] مقرر می‌دارد که، اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ طی آن ماه‌ها تا ۸/۴۳ درصد استهلاک یافته است.

**۲۵۳۱ -** بر این اساس، ارزش منصفانه بازار اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۳۲۳/۹۵ دلار آمریکا بوده است. مضافاً، به منظور جبران کامل خسارت ناشی از نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، ایران مستحق هزینه‌هایی نیز می‌باشد که بابت حمل آن اقلام داخل ایالات متحده پرداخت کرده، که دیوان فرض می‌گیرد که ۳/۵۷ دلار آمریکا مانده است.[۱۳۵۵] با این‌حال، ایران بر اساس ادعای

---

[۱۳۵۲] *بنگرید به* بند ۲۵۲۴، بالا.

[۱۳۵۳] *بنگرید به* بند ۱۳۹۶، بالا.

[۱۳۵۴] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۵۵] *بنگرید به* بند ۲۵۲۷، بالا.

خود راجع به اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ خواهان حداکثر مبلغ ۳۱۲/۹۲ دلار آمریکا است.[۱۳۵۶] بر این اساس، دیوان مبلغ ۳۱۲/۹۲ دلار آمریکا بابت آن اقلام به نفع ایران حکم می‌دهد.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ (سیجبراش)*

**۲۵۳۲ -** سیجبراش در ۲۶ و ۲۸ تیر ۱۳۵۸ [۱۷ و ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹] دو صورت‌حساب برای خارک ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ به شرح آتی صادر کرد: (یک) مبلغ ۵۳۳ دلار آمریکا ذیل صورت‌حساب شماره ۲۴۰۳۴-۷ بابت پنج قلم فلنج؛ و (دو) مبلغ ۳۷/۹۱ دلار آمریکا ذیل صورت‌حساب شماره ۲۴۰۸۲-۷ بابت هزینه‌های حمل در ارتباط با آن اقلام.[۱۳۵۷]

**۲۵۳۳ -** فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی صورت‌حسابی به مبلغ ۱۰۲/۷۷ دلار آمریکا در ارتباط با اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ است.[۱۳۵۸] با این‌حال، به نظر می‌رسد که این سخن غلط‌انداز است: در واقع، ۱۰۲/۷۷ دلار آمریکای مذکور در ارتباط با مبالغی است که سیجبراش برای خارک ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ صورت‌حساب صادر کرده بوده است.[۱۳۵۹]

**۲۵۳۴ -** دیوان در پرتو این مدارک، و هم‌راستا با ملاحظات اثباتی به شرح بالا،[۱۳۶۰] مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴، ۵۳۳ دلار آمریکا بوده، که مبلغی است که سیجبراش برای خارک صورت‌حساب شمارهٔ ۲۴۰۳۴-۷ بابت آن اقلام را صادر کرده است.

---

[۱۳۵۶] *بنگرید به* بند ۲۵۱۹، بالا.

[۱۳۵۷] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

[۱۳۵۸] *بنگرید به* بند ۱۳۹۸، بالا.

[۱۳۵۹] *بنگرید به* بند ۱۳۹۷، بالا.

[۱۳۶۰] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

**۲۵۳۵ -** دیوان پس از تعیین هزینه تاریخی اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان در انجام آن ارزیابی، نخست، هزینه جایگزینی آن اقلام در آن تاریخ را، با شاخص‌گذاری قیمت خرید اولیه اقلام مذکور از تاریخ خرید تا بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱]، تخمین خواهد زد.[۱۳۶۱] دیوان مقرر داشته است که، برای اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش، شاخص مناسبی که باید در این خصوص اعمال شود شاخص قیمت تولیدکننده محصولات فلزی متفرقه می‌باشد.[۱۳۶۲] دیوان با این فرض که تاریخ خرید سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴، اول تیر ۱۳۵۸ [۲۲ ژوئن ۱۹۷۹]، تاریخ سفارش خرید مذکور بوده،[۱۳۶۳] و با تعدیل قیمت خرید اولیه اقلام مذکور رو به بالا به میزان ۱۴/۳۶ درصد به منظور محاسبه تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده محصولات فلزی متفرقه بین خرداد/تیر ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [ژوئن ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱]، تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۶۰۹/۵۳ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۳۶ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه تخمینی جایگزینی را به مطنور در نظر گرفتن استهلاک اقلام مذکور بین اول تیر ۱۳۵۸ [۲۲ ژوئن ۱۹۷۹]، تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، تاریخ ارزش‌گذاری، رو به پایین تعدیل کند. دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای اقلام ز-۱۷۴ سیجبراش،[۱۳۶۴] مقرر می‌دارد که اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ در آن ماه‌ها به میزان ۸/۴۳ درصد استهلاک یافته است.

---

[۱۳۶۱] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

[۱۳۶۲] *بنگرید به* بند ۲۵۲۹، بالا.

[۱۳۶۳] *بنگرید به* بند ۱۳۹۶، بالا.

[۱۳۶۴] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

**۲۵۳۷ -** بر این اساس، ارزش منصفانه بازار اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۵۵۸/۱۵ دلار آمریکا بوده است. مضافاً، به منظور جبران کامل خسارت ناشی از نقض بیانیه‌های الجزایر توسط ایالات متحده، ایران مستحق هزینه‌هایی نیز می‌باشد که بابت حمل آن اقلام داخل ایالات متحده پرداخت کرده، که دیوان فرض می‌گیرد که ۳۷/۹۱ دلار آمریکا باقی مانده است.[۱۳۶۵] با این حال، ایران بر اساس ادعای خود در ارتباط با اقلام سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ خواهان حداکثر مبلغ ۵۷۰/۹۱ دلار آمریکا می‌باشد. بر این اساس، دیوان بابت آن اقلام به مبلغ ۵۷۰/۹۱ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

*نتیجهٔ کلّی*

**۲۵۳۸ -** در پرتو مراتب بالا، دیوان در خصوص ادعای ز-۱۷۴ مجموعاً ۸۸۳/۸۳ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

*(۱۶) ادعای ۱۹۹۶-ث/ج (خارک/ویلسون اینداستریز اینک.)*

*(الف) مقدمه*

**۲۵۳۹ -** دیوان در حکم شماره ۵۲۹ مقرر داشت که «در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرد و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است».[۱۳۶۶] دیوان دریافته است که اقلام خریداری‌شده توسط خارک از ویلسون اینداستریز ذیل سفارش‌های خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ و کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ - به ترتیب، اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ و اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، - و اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ در واقع از دستورالعمل انتقال دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ به

---

[۱۳۶۵] *بنگرید به* بند ۲۵۳۲، بالا.

[۱۳۶۶] حکم شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، ج ۲۸، ص ۱۳۹.

واسطهٔ بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری مستثنا شده بوده‌اند، و در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص آن اقلام نقض کرده است.[۱۳۶۷] دیوان حکم می‌کند که در این اوضاع و احوال، بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب اصلی عدم انتقال اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، و اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۱۲۳ به ایران - و نهایتاً بازفروش آن‌ها به ویلسون ایندااستریز بوده است. بدین ترتیب، ایالات متحده در مورد خسارات به ایران بابت نقض بیانیه عمومی در خصوص آن اقلام دارای مسؤولیت است.

**۲۵۴۰ -** ایران مطابق جدول اختصاری دعاوی، در ادعای ۱۹۹۶-ث/ج خواهان مبلغ ۱۲،۳۷۸/۰۴ دلار آمریکا به عنوان غرامت بابت ارزش اقلام خریداری شده توسط خارک ذیل سفارش‌های خرید شماره‌های کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، و کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ است. به نحو مشخص‌تر: (یک) ایران بابت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ مدعی ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا، علی‌الإدعا نشان‌دهندهٔ قیمت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ است؛[۱۳۶۸] (دو) ایران بابت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ مدعی ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا، علی‌الإدعا نشان‌دهندهٔ قیمت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ است؛[۱۳۶۹] و (سه) ایران بابت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ مدعی ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا، علی‌الإدعا نشان‌دهندهٔ قیمت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ است.[۱۳۷۰]

---

[۱۳۶۷] *بنگرید به* بندهای ۱۷۵۴، ۱۷۶۸، ۱۷۸۱ و ۱۷۸۵، بالا.

[۱۳۶۸] *بنگرید به* بند ۱۷۴۰، بالا.

[۱۳۶۹] *بنگرید به* بند ۱۷۵۷، بالا.

[۱۳۷۰] *بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا.

*(ب) اظهارات طرفین*

*(یک) اظهارات ایران*

**۲۵۴۱ -** استدلال‌های کلی ایران در ارتباط با ارزش‌گذاری اقلام اختلافی در ادعاهای خارک به شرح بالا[۱۳۷۱] مطرح شده است.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶*

**۲۵۴۲ -** همان‌طور که گفته شد، ایران ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ خواهان ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا است که نشان‌دهندهٔ مبلغی است که ویلسون اینداستریز برای خارک بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ صورت‌حساب صادر کرده است.[۱۳۷۲] ایران در تأیید ادعای خود، از جمله به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) چک به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا که خارک در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] به نفع ویلسون اینداستریز صادر کرد؛[۱۳۷۳] و (دو) صورت‌حساب صادرشده توسط ویلسون اینداستریز در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ [۱۶ مارس ۱۹۸۱] برای خارک به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶.[۱۳۷۴]

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴*

**۲۵۴۳ -** همان‌طور که گفته شد، ایران ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ خواهان ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا، یعنی مبغلی است که ویلسون اینداستریز در تیر/مرداد ۱۳۵۸ [ژوئیه ۱۹۷۹] بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴

---

[۱۳۷۱] *بنگرید به* بندهای ۲۴۷۴-۲۴۷۶، بالا.

[۱۳۷۲] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (پ)، بالا.

[۱۳۷۳] *بنگرید به* بند ۱۷۴۱، بالا.

[۱۳۷۴] *بنگرید به* بند ۱۷۴۳ (پ)، بالا.

اعلام بها نموده است.[۱۳۷۵] ایران در تأیید ادعای خود، از جمله، به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) «اعلام بهای شماره H1-61-85461-9H» ۲۷ تیر ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ویلسون انداستریز که قیمت اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ را ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا اعلام نموده است؛[۱۳۷۶] و (دو) چک به مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا که خارک در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] به نفع ویلسون ایندااستریز صادر کرده است.[۱۳۷۷]

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳*

**۲۵۴۴-** همان‌طور که گفته شد، ایران ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ خواهان ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا است که نشان‌دهندهٔ مبلغی است که ویلسون ایندااستریز برای خارک بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ صورت‌حساب صادر کرده است.[۱۳۷۸] ایران در تأیید ادعای خود، از جمله، به مدارک آتی ارجاع می‌دهد: (یک) فاکتور سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] ویلسون ایندااستریز، که برای خارک مبلغ ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ صورت‌حساب صادر کرد؛[۱۳۷۹] (دو) چک به مبلغ ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا که خارک در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ [سوم سپتامبر ۱۹۷۹] به نفع ویلسون ایندااستریز صادر نمود؛[۱۳۸۰] و (سه) «گزارش وضعیت مواد مشتری» آموکو اینترنشنال ۱۱ آذر ۱۳۵۹ [دوم دسامبر ۱۹۸۰]، دال بر این‌که تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ تا ۲۶ مهر ۱۳۵۸ [۱۸ اکتبر ۱۹۷۹] توسط شرکت بسته‌بندی آموکو اینترنشنال در هیوستون دریافت شده بوده است.[۱۳۸۱]

---

[۱۳۷۵] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (الف)، بالا.

[۱۳۷۶] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۷۷] *بنگرید به* بند ۱۷۵۷، بالا.

[۱۳۷۸] *بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا.

[۱۳۷۹] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۸۰] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۸۱] *بنگرید به* بند ۱۷۷۳ (الف)، بالا.

*(دو) اظهارات ایالات متحده*

**۲۵۴۵ -** استدلال‌های کلی ایالات متحده در ارتباط با ارزش‌گذاری اقلام اختلافی در ادعاهای خارک به شرح بالا[۱۳۸۲] مطرح شده است.

**۲۵۴۶ -** آقای مارتنز در شاخص‌گذاری هزینه‌های تاریخی اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ و اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ شاخص قیمت تولید کننده (طبق نوع کالا) را برای فلزات و محصولات فلزی: ابزارهای دستی و برش (WPS1042) («شاخص تولیدکننده ابزارهای دستی و برش») اعمال کرد. آقای مارتنز در شاخص‌گذاری هزینه‌های تاریخی اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ شاخص قیمت تولید کننده (طبق نوع کالا) را برای «فلزات و محصولات فلزی: پیچ، مهره، پرچ، و واشر» (WPS1081) («شاخص قیمت تولیدکننده پیچ، مهره، پرچ، و واشر») اعمال کرد.

**۲۵۴۷ -** در حالی‌که آقای مارتنز یک ارزش منصفانه بازار کلی برای تمام اقلام اختلافی در ادعاهای خارک پیش‌نهاد کرد، ارزش منصفانه بازار اختصاصی‌ای برای اقلام اختلافی در ادعای ۱۹۹۶-ث/ج پیش‌نهاد نکرد.

*(پ) تصمیم دیوان*

**۲۵۴۸ -** دیوان حکم کرده است که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، و قلم ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ ، نقض کرده، و تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ صدور مقررات غیرقانونی خزانه‌داری می‌باشد.[۱۳۸۳] بدین ترتیب، دیوان به تعیین ارزش منصفانه بازار آن اقلام در آن تاریخ

---

[۱۳۸۲] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۰-۲۴۸۳ و ۲۴۸۵، بالا.

[۱۳۸۳] *بنگرید به* بندهای ۱۷۵۴، ۱۷۶۸ و ۱۷۸۱، بالا. *همچنین بنگرید به* بندهای ۴۸۸، ۵۴۷، ۵۷۶، ۵۹۸، ۶۳۲، ۷۹۶، ۱۳۷۸، ۱۴۱۹، بالا.

می‌پردازد. دیوان در انجام آن تعیین، رویکرد هزینه را با پیروی از مراحل ترسیم‌شده در بالا[۱۳۸۴] اعمال خواهد کرد.

*سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶*

**۲۵۴۹ -** مجموع قیمت سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا بوده است.[۱۳۸۵] خارک در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] چکی به نفع ویلسون ایندااستریز در پرداخت آن مبلغ صادر کرد.[۱۳۸۶] مدارک مضافاً نشان می‌دهد که آموکو اینترنشنال پس از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ را به مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده، که ویلسون ایندااستریز این مبلغ را در مهر/آبان ۱۳۶۰ [اکتبر ۱۹۸۱] پرداخته است.[۱۳۸۷]

**۲۵۵۰ -** دیوان در پرتو مراتب بالا، و هم‌راستا با ملاحظات مستند خود به شرح بالا[۱۳۸۸] مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۵۱ -** دیوان پس از تعیین هزینه تاریخی اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانه بازار در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان در انجام آن ارزیابی، نخست، هزینه جایگزینی آن اقلام در آن تاریخ را با شاخص‌گذاری قیمت خرید اولیه از تاریخ خرید تا بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] تخمین می‌زند.[۱۳۸۹] دیوان مقرر می‌دارد که، برای اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، شاخص مناسبی که باید

---

[۱۳۸۴] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۸-۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۸۵] *بنگرید به* بندهای ۱۷۴۰ و ۱۷۴۳ (پ)، بالا.

[۱۳۸۶] *بنگرید به* بند ۱۷۴۱، بالا.

[۱۳۸۷] *بنگرید به* بندهای ۱۷۴۳ (چ)-(خ) و ۱۷۵۰، بالا.

[۱۳۸۸] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

[۱۳۸۹] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

در این خصوص اعمال شود، همان شاخصی است که آقای مارتنز شناسایی کرده، و توسط ایران مخدوش نشده است، یعنی شاخص قیمت تولیدکننده ابزارهای دستی و برش.[۱۳۹۰] دیوان با این فرض که تاریخ خرید اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ ، ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] بوده،[۱۳۹۱] و با تعدیل قیمت خرید اقلام مذکور رو به بالا به میزان ۲۱/۶۱ درصد به منظور در نظر گرفتن تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده ابزارهای دستی و برش بین شهریور/مهر ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [سپتامبر ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱] تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۵،۱۵۶/۲۹ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۵۲ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه تخمینی جابه‌جایی را رو به پایین به منظور در نظر گرفتن استهلاک اقلام مذکور بین ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹]، تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ، تاریخ ارزش‌گذاری تعدیل کند.[۱۳۹۲] دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶[۱۳۹۳] مقرر می‌دارد که اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ بین آن دو تاریخ به میزان ۷/۴۶ درصد استهلاک یافته است.

**۲۵۵۳ -** بر این اساس، ارزش منصفانه بازار اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۴،۷۷۱/۶۳ دلار آمریکا بوده است. با این‌حال، ایران بر اساس ادعای خود در ارتباط با آن اقلام خواهان حداکثر مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا می‌باشد.[۱۳۹۴] بر این اساس، دیوان بابت اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ مبلغ ۴،۲۴۰/۰۲ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۳۹۰] *بنگرید به* بند ۲۵۴۶، بالا.

[۱۳۹۱] *بنگرید به* بند ۱۷۴۰ و پانوشت ۸۴۶، بالا.

[۱۳۹۲] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۳۹۳] *بنگرید به* همانجا.

[۱۳۹۴] *بنگرید به* بند ۲۵۴۲، بالا.

**۲۵۵۴ -** مجموع قیمت ۴۸ قلم کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، چنان‌که در اعلام بهای ۲۷ تیر ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ویلسون اینداستریز برای سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ عنوان شده، ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا بوده است.[۱۳۹۵] خارک در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ [دوم سپتامبر ۱۹۷۹] چکی به نفع ویلسون اینداستریز در پرداخت آن مبلغ صادر کرد.[۱۳۹۶] فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی مبلغ صورت‌حسابی به مبلغ ۶،۹۱۰/۴۳ دلار آمریکا در ارتباط با اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ در انبار در هیوستون می‌باشد.[۱۳۹۷]

**۲۵۵۵ -** مدارک مضافاً نشان می‌دهد که آموکو اینترنشنال پس از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] بخش عمده، اما نه تمام، اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ را به ویلسون اینداستریز بازفروش کرد — به طور مشخص‌تری، آموکو اینترنشنال ۴۴ مورد از چنین اقلامی را بازفروش نمود.[۱۳۹۸] این مدارک عمدتاً عبارت است از فرم «انتقال مواد» آموکو اینترنشنال مورخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] دال بر این که ۴۴ قلم از سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ توسط آموکو دریلینگ به ویلسون اینداستریز مسترد شده بوده است.[۱۳۹۹]

**۲۵۵۶ -** با این‌حال، مدارک موجود در سابقه مساعدت کم یا هیچ مساعدتی به دیوان در احراز قیمت خرید اولیهٔ دقیق آن ۴۴ قلم نمی‌کند. در حالی‌که اعلام بهای ۲۷ تیر ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ویلسون اینداستریز حاوی قیمت‌های خرید تمام اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ (به جز قلم ۱۸[۱۴۰۰]) است، غیر ممکن است که بتوان از فرم «انتقال مواد» ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] آموکو اینترنشنال احراز کرد که کدام اقلام از ۴۸ قلم کی‌سی-

---

[۱۳۹۵] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (الف)، بالا.

[۱۳۹۶] *بنگرید به* بند ۱۷۵۷، بالا.

[۱۳۹۷] *بنگرید به* بند ۱۷۵۸، بالا.

[۱۳۹۸] *بنگرید به* بندهای ۱۷۵۹ (ث) و ۱۷۶۶، بالا.

[۱۳۹۹] *بنگرید به* بند ۱۷۵۹ (ث)، بالا.

[۱۴۰۰] *بنگرید به* پانوشت ۸۷۱، بالا.

۷۹۰۰۵۴ فهرست‌شده در آن اعلام بها به ویلسون ایندااستریز مسترد شده‌اند؛ به همین نحو، غیرممکن است که بتوان تعیین کرد که آیا تمام واحدهای سفارش داده شده از هر یک از ۴۴ قلم فهرست‌شده در فرم «انتقال مواد» ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ [چهارم ژوئن ۱۹۸۱] به ویلسون ایندااستریز مسترد شده‌اند یا فقط بخشی از آن واحدهای سفارش داده شده.[۱۴۰۱] دیوان با در نظر گرفتن این اوضاع و احوال، و هم‌راستا با ملاحظات اثباتی خود در بالا[۱۴۰۲] تعیین می‌کند که بهترین مدرک در دسترس برای تخمین قیمت خرید اولیه اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ که آموکو اینترنشنال به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده، فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] است. بر آن اساس، دیوان مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه آن ۴۴ قلم ۶،۹۱۰/۴۳ دلار آمریکا، یعنی مبلغ ثبت شده در فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] می‌باشد.[۱۴۰۳]

**۲۵۵۷ -** دیوان پس از تعیین هزینه تاریخی ۴۴ قلم کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ که آموکو اینترنشنال به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرد، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان در انجام آن ارزیابی، نخست، هزینه جایگزینی آن اقلام را در آن تاریخ با شاخص‌گذاری قیمت خرید اولیه اقلام مذکور از تاریخ خرید تا بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] تخمین خواهد زد.[۱۴۰۴] دیوان مقرر می‌دارد که، برای اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ شاخص مناسبی که باید در این خصوص اعمال شود، همان شاخصی است که آقای مارتنز شناسایی کرده، و مورد خدشهٔ ایران واقع نشده است، یعنی شاخص قیمت تولیدکننده ابزارهای دستی و برش.[۱۴۰۵] دیوان با این فرض که تاریخ خرید اقلام کی‌سی-۷۸۰۴۵۶ ۱۰

---

[۱۴۰۱] *بنگرید به* پانوشت ۸۷۳، بالا.

[۱۴۰۲] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

[۱۴۰۳] *بنگرید به* بند ۲۵۵۴، بالا.

[۱۴۰۴] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

[۱۴۰۵] *بنگرید به* بند ۲۵۴۶، بالا.

شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] بوده،[۱۴۰۶] و با تعدیل قیمت خرید اولیه اقلام رو به بالا به میزان ۲۱/۶۱ درصد به منظور در نظر گرفتن تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده ابزارهای دستی و برش بین شهریور/مهر ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [سپتامبر ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱]، تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ که آموکو اینترنشنال در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] به ویلسون اینداستریز بازفروش کرده، ۸،۴۰۳/۷۷ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۵۸ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه تخمینی جایگزینی آن‌ها را رو به پایین به منظور در نظر گرفتن استهلاک آن‌ها بین ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹]، تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، تاریخ ارزش‌گذاری، تعدیل کند.[۱۴۰۷] دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴[۱۴۰۸] مقرر می‌دارد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ بین آن دو تاریخ به میزان ۷/۴۶ درصد استهلاک یافته‌اند.

**۲۵۵۹ -** بر این اساس، ارزش منصفانه بازار ۴۴ قلم کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ که آموکو اینترنشنال در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] به ویلسون اینداستریز بازفروش کرد ۷،۷۷۶/۸۵ دلار آمریکا بوده است. با این حال، ایران براساس ادعای خود در ارتباط با اقلام کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ خواهان حداکثر مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا می‌باشد.[۱۴۰۹] بر این اساس، دیوان مبلغ ۷،۵۱۳/۸۹ دلار آمریکا را بابت ۴۴ قلم کی‌سی-۷۹۰۰۵۴ که آموکو اینترنشنال به ویلسون اینداستریز بازفروش کرده به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۰۶] *بنگرید به* بند ۱۷۵۷ و پانوشت ۸۶۹، بالا.

[۱۴۰۷] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۴۰۸] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۰۹] *بنگرید به* بند ۲۵۴۳، بالا.

**۲۵۶۰-** مجموع قیمت ۱۶ قلم کی‌سی-۷۹۰۱۲۳، چنان‌که در فاکتور سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] ویلسون ایندااستریز ذیل سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ آمده، ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا می‌باشد.[۱۴۱۰] خارک در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ [سوم سپتامبر ۱۹۷۹] چکی به نفع ویلسون ایندااستریز در پرداخت آن مبلغ صادر کرد.[۱۴۱۱] فهرست فروردین ۱۳۵۹ [آوریل ۱۹۸۰] حاوی مبلغ صورت‌حسابی به مبلغ ۶۲۴/۱۳ دلار آمریکا بابت اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ می‌باشد.[۱۴۱۲]

**۲۵۶۱-** دیوان دریافته است که آموکو اینترنشنال پس از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] هشت قلم از اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳، یعنی اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ را به ویلسون ایندااستریز بازفروش کرده است، و در نتیجه، ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص آن هشت قلم نقض کرده است.[۱۴۱۳] فاکتور سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] ویلسون ایندااستریز قیمت اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ را حدود ۲۰۳ دلار آمریکا اعلام کرده است.[۱۴۱۴]

**۲۵۶۲-** دیوان در پرتو این مدارک، و هم‌راستا با ملاحظات اثباتی خود در بالا[۱۴۱۵] مقرر می‌دارد که قیمت خرید اولیه اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶، ۲۰۳ دلار آمریکا بوده است.

---

[۱۴۱۰] *بنگرید به* بند ۱۷۷۱، بالا.

[۱۴۱۱] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۱۲] *بنگرید به* بند ۱۷۷۲، بالا.

[۱۴۱۳] *بنگرید به* بندهای ۱۷۸۰-۱۷۸۱، بالا. دیوان ادعای ایران در خصوص سفارش خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ را تا جایی رد کرده است که به باقی هشت قلم کی‌سی-۷۹۰۱۲۳، یعنی اقلام ۱-۴، ۶، و ۸-۱۰ از آن سفارش خرید مربوط می‌شود. *بنگرید به* بندهای ۱۷۸۳-۱۷۸۴، بالا.

[۱۴۱۴] برخی از اعداد سِنتی بر روی کپی فاکتور سوم مرداد ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹] موجود در مدارک ناخواناست.

[۱۴۱۵] *بنگرید به* بندهای ۲۴۸۹-۲۴۹۱، بالا.

**۲۵۶۳ -** دیوان پس از تعیین هزینه تاریخی قلم ۵، ۷، و ۱۱-۱۶، در ادامه به ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن‌ها در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، دیوان در انجام آن ارزیابی، نخست، هزینه جایگزینی آن اقلام را در آن تاریخ با شاخص‌گذاری قیمت خرید اولیه اقلام مذکور از تاریخ خرید تا بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [فوریه ۱۹۸۱] تخمین خواهد زد.[۱۴۱۶] دیوان مقرر می‌دارد که، برای اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶، شاخص مناسبی که باید اعمال شود همان شاخصی است که آقای مارتنز شناسایی کرده، و مورد خدشه ایران قرار نگرفته است، یعنی شاخص قیمت تولیدکننده پیچ، مهره، پرچ، و واشر.[۱۴۱۷] دیوان با فرض این‌که تاریخ خرید اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶، ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹] بوده،[۱۴۱۸] و با تعدیل قیمت خرید اولیه اقلام رو به بالا به میزان ۹/۷۳ درصد به منظور در نظر گرفتن تغییرات در شاخص قیمت تولیدکننده پیچ، مهره، پرچ، و واشر بین شهریور/مهر ۱۳۵۸ و بهمن/اسفند ۱۳۵۹ [سپتامبر ۱۹۷۹ و فوریه ۱۹۸۱] تخمین می‌زند که هزینه جایگزینی اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۲۲۲/۷۵ دلار آمریکا بوده است.

**۲۵۶۴ -** دیوان به عنوان گام نهایی در ارزیابی ارزش منصفانه بازار آن اقلام باید هزینه جایگزینی آن‌ها را رو به پایین به منظور در نظر گرفتن استهلاک اقلام مذکور بین ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ [اول سپتامبر ۱۹۷۹]، تاریخ خرید، و هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ، تاریخ ارزش‌گذاری، تعدیل نماید.[۱۴۱۹] دیوان با فرض عمر مفید ۲۰ ساله برای اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ [۱۴۲۰] مقرر می‌دارد که اقلام کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ بین آن دو تاریخ به میزان ۷/۴۶ درصد استهلاک یافته است.

---

[۱۴۱۶] *بنگرید به* بند ۲۴۹۲، بالا.

[۱۴۱۷] *بنگرید به* بند ۲۵۴۶، بالا.

[۱۴۱۸] *بنگرید به* بند ۱۷۷۱ و پانوشت ۸۸۳، بالا.

[۱۴۱۹] *بنگرید به* بند ۲۴۹۳، بالا.

[۱۴۲۰] *بنگرید به* همانجا.

۲۵۶۵- بر این اساس، ارزش منصفانه بازار اقلام ۵، ۷، و ۱۱-۱۶ در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] ۲۰۶/۱۳ دلار آمریکا بوده است، که دیوان آن مبلغ را به نفع ایران حکم می‌دهد.

*نتیجه‌گیری کلی*

۲۵۶۶- بنابر مراتب پیش‌گفته، دیوان مجموعاً مبلغ ۱۱،۹۶۰/۰۴ دلار آمریکا را در ادعای ۱۹۹۶-ث/ج به نفع ایران حکم می‌دهد.

**پنج - بهره**

*الف- ایران استحقاق دریافت بهرهٔ پیش و پس از صدور حکم را دارد*

۲۵۶۷- دیوان مقرر می‌دارد که به منظور جبران کامل خسارات متحملهٔ ایران در اثر تأخیر در پرداخت، ایران استحقاق دریافت بهرهٔ پیش و پس از صدور حکم را نسبت به مبالغی که وفق این حکم جزئی ایالات متحده مدیون شناخته شده است دارد.[۱۴۲۱]

۲۵۶۸- دیوان مدافعات طرفین را در خصوص نوع بهره (یعنی بهره ساده یا مرکب) و نرخ آن، بررسی کرده است، ولی حکم می‌کند که اوضاع و احوال پرونده‌های حاضر عدول از عملکرد اخیر دیوان را تجویز نمی‌کند. بر این اساس، دیوان نسبت به کلیه مبالغ حکم‌داده‌شده به نفع ایران به بهرهٔ ساده بابت ادعاهای جداگانه این دولت با نرخ سالانه (بر پایهٔ هر سال ۳۶۵ روز) معادل میانگین نرخ پایهٔ بهرهٔ بانکی در ایالات متحده طی دوره‌ای از

---

[۱۴۲۱] *برای نمونه بنگرید به جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۲۸۲ (۱۱ تیر ۱۳۹۳ [دوم ژوئیه ۲۰۱۴])؛ *سازمان انرژی اتمی ایران و ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره ۲۴۶-ب۷-۱ (۲۴ مرداد ۱۳۶۵ [۱۵ اوت ۱۹۸۶])، *منتشره در* گزارش آراء دیوان داوری، ج ۱۲، ص ص ۲۵، ۲۸.

تاریخ‌هائی که دیوان تعیین کرده که بهره به شرح زیر از آن زمان ما جاری خواهد شد تا و به انضمام تاریخ صدور این حکم جزئی حکم می‌دهد.[۱۴۲۲]

**۲۵۶۹** - بهره پس از صدور حکم بر همان مبنای بهرهٔ پیش از صدور حکم بابت دوره عدم پرداخت مبالغ به ایران بابت ادعاهای جداگانه‌اش محاسبه خواهد شد. بهرهٔ پس از صدور حکم بر مجموع مبلغ مورد حکم (یعنی تمام مبالغ مورد حکم به نفع ایران بابت ادعاهای جداگانه‌اش، به اضافه مجموع بهرهٔ پیش از صدور حکم بر آن مبالغ) از تاریخ صدور این حکم جزئی جاری خواهد شد. مگر این که دیوان به صراحت به نحو دیگری مقرر کند، این اصل که بهرهٔ پس از صدور حکم باید از تاریخ صدور این حکم جزئی جاری شود، تحت تأثیر رسیدگی‌هایی که ممکن است وفق مواد ۳۵ تا ۳۷ قواعد رسیدگی دیوان کلید بخورد، واقع نخواهد شد. مضافاً، هرگونه از چنین رسیدگی‌هایی در ارتباط با مسائل خاص در این حکم جزئی عدم تبعیت از بخش‌هایی از این حکم جزئی که تحت تأثیر چنین رسیدگی‌هایی نباشد را توجیه نمی‌کند.

**۲۵۷۰** - برای ادعاهائی که به ایالات متحده برای یافتن و انجام ترتیبات انتقال اموال مورد بحث به ایران مهلتی اعطا شده است، بهره پس از صدور حکم از تاریخ صدور این حکم جزئی جاری خواهد شد، اما در صورت جایابی و انجام ترتیبات انتقال اموال مورد بحث توسط ایالات متحده، بهره پس از صدور حکم قابل پرداخت نخواهد بود.

---

[۱۴۲۲] *بنگرید به جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۲۴/الف۱۵(چهار)-۶۰۲، بند ۲۸۸.

*ب. محاسبه بهره پیش از صدور حکم*

۱- ادعای ز-۱۸ (وزارت فرهنگ و هنر/فروغ)

**۲۵۷۱ -** در صورتی که استرادیواریوس ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان مبلغ ۵،۲۸۶،۵۸۳/۶۱ دلار آمریکا به عنوان خسارات ادعای ز-۱۸ به نفع ایران حکم می‌دهد.[۱۴۲۳] دیوان مقرر می‌دارد که بهره پیش از صدور حکم بر آن مبلغ از ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳]، یعنی از تاریخ شهادت آقای کین در جلسه استماع و تاریخی که دیوان خسارات قابل پرداخت به ایران را ارزیابی کرده، جاری خواهد شد. با این حساب، در صورتی‌که استرادیواریوس ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان مبلغ ۱،۳۶۸،۱۳۵/۱۱ دلار آمریکا به عنوان بهره پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد. بهرهٔ پس از صدور حکم از تاریخ صدور این حکم جزئی بر بهرهٔ پیش از صدور حکم جاری می‌شود.

۲- ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) (رادیو تلویزیون ملی ایران/کامران مشایخی)

**۲۵۷۲ -** در صورتی که سازهای موسیقی و آرشه‌ها ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان خسارات زیر را به شرح آتی به عنوان خسارت ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) به نفع ایران حکم می‌دهد:

- مبلغ ۱۳۹،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛[۱۴۲۴]
- مبلغ ۱۵۵،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛[۱۴۲۵]

---

[۱۴۲۳] *بنگرید به* بند ۱۸۷۳، بالا.

[۱۴۲۴] *بنگرید به* بند ۱۹۲۷، بالا.

[۱۴۲۵] *بنگرید به* همانجا.

- مبلغ ۶۴۳،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛[۱۴۲۶]
- مبلغ ۲۶،۲۵۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛[۱۴۲۷]
- مبلغ ۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.[۱۴۲۸]

**۲۵۷۳** - دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم بر این مبالغ از ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳]، یعنی تاریخ ارزش‌گذاری‌های آقای کین، که مورد پذیرش دیوان واقع شده، جاری خواهد شد. بر این اساس، در صورتی‌که سازها و آرشه‌های مورد ادعا ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان به بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران در این ادعا به شرح زیر حکم می‌کند:

- مبلغ ۳۵،۹۷۲/۳۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛[۱۴۲۹]
- مبلغ ۴۰،۱۱۳/۰۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛[۱۴۳۰]
- مبلغ ۱۶۶،۴۰۴/۴۲ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛[۱۴۳۱]
- مبلغ ۶،۷۹۳/۳۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛[۱۴۳۲]
- مبلغ ۳،۲۰۲/۵۷ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.[۱۴۳۳]

بهرهٔ پس از صدور حکم بر مبالغ بهرهٔ پیش از صدور حکم از تاریخ صدور این حکم جزئی جاری خواهد شد.

---

[۱۴۲۶] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۲۷] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۲۸] *بنگرید به* بند ۱۹۳۱، بالا.

[۱۴۲۹] *بنگرید به* بند ۱۹۲۷، بالا.

[۱۴۳۰] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۳۱] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۳۲] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۳۳] *بنگرید به* بند ۱۹۳۱، بالا.

۳- ادعای ز-۸ (وزارت راه و ترابری/گالف پورتس کریتنیگ کو.)

*(الف) ادعای کاهش ارزش اموال به دلیل آسیب‌دیدگی*

(۱) واحد خانه‌های پورتا-کمپ

**۲۵۷۴ -** دیوان مبلغ ۶۵۸،۶۰۰ دلار آمریکا به عنوان خسارات ناشی از آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های پورتا-کمپ بین ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ و ۲۶ بهمن ۱۳۶۲ [دوم مارس ۱۹۸۱ و ۱۵ فوریه ۱۹۸۴] به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۳۴] دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم نسبت به آن مبلغ از دوم شهریور ۱۳۶۱ [۲۴ اوت ۱۹۸۲]، یعنی میانهٔ آن دو تاریخ، تعلق خواهد گرفت. بنابراین دیوان مبلغ ۱،۶۶۳،۰۸۷/۲۳ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۲) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن

**۲۵۷۵ -** دیوان مبلغ ۱،۱۴۸،۳۰۰ دلار آمریکا بابت خسارات ناشی از آسیب‌دیدگی تجهیزات سنگ‌شکن مورگن در فاصله بین ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ و ۲۶ دی ۱۳۶۲ [دوم مارس ۱۹۸۱ و ۱۵ ژانویه ۱۹۸۴] به نفع ایران حکم داده است. دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم از ۱۷ ۱۳۶۱ [هشتم اوت ۱۹۸۲]، یعنی تاریخ میانه آن دو تاریخ، تعلق خواهد گرفت.[۱۴۳۵] بر این اساس، دیوان مبلغ ۲،۹۰۷،۱۵۰/۶۱ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم برای این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۳۴] *بنگرید به* بند ۲۰۲۳، بالا.

[۱۴۳۵] *بنگرید به* بندهای ۲۰۳۱-۲۰۳۲، بالا.

*(ب) ادعاهای «مخارج اضافی»*

(۱) مخارج انبارداری و بسته‌بندی مجدد و مخارج دور ریختن واحد خانه‌های غیرقابل مرمت پورتا-کمپ

**۲۵۷۶** - دیوان بابت ادعاهای ایران مبنی بر بازپرداخت مخارج انبارداری، بسته‌بندی مجدد، و مخارج دور ریختن واحد خانه‌های غیرقابل مرمت پورتا-کمپ مجموعاً مبلغ **۹۳۹،۰۹۱** دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۳۶] ایران بابت ادعاهای مخارج اضافی از دی/بهمن **۱۳۶۲** [ژانویه **۱۹۸۴**] به بعد بهره مطالبه کرده است. دیوان در این‌که این تاریخ برای تعلق بهره بابت این ادعاها معقول است با ایران موافق است. نتیجتاً، دیوان نسبت به مبلغ **۹۳۹،۰۹۱** دلار آمریکا از ۱۱ دی **۱۳۶۲** [اول ژانویه **۱۹۸۴**] حکم به بهره پیش از صدور حکم می‌دهد. بر این اساس، دیوان در این سرفصل از ادعا مجموعاً مبلغ **۲،۲۲۰،۳۴۸/۷۹** دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۲) هزینه‌های سفر وزارت راه و ترابری

**۲۵۷۷** - دیوان بابت بازپرداخت هزینه‌های سفر وزارت راه و ترابری مبلغ **۵۰،۰۰۰** دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۳۷] ایران بابت مخارج اضافی خود از دی/بهمن **۱۳۶۲** [ژانویه **۱۹۸۴**] مطالبهٔ بهره می‌کند. دیوان در این که این تاریخ برای تعلق بهره بابت این ادعاها معقول است با ایران موافق است. نتیجتاً، دیوان نسبت به مبلغ **۵۰،۰۰۰** دلار آمریکا از ۱۱ دی **۱۳۶۲** [اول ژانویه **۱۹۸۴**] حکم به بهره پیش از صدور حکم می‌دهد. بر این اساس، دیوان مبلغ **۱۱۸،۲۱۷/۹۸** دلار آمریکا را به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۳۶] *بنگرید به* بندهای ۲۰۴۰، ۲۰۴۹ و ۲۰۵۰، بالا.

[۱۴۳۷] *بنگرید به* بند ۲۰۵۳، بالا.

(۳) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده

**۲۵۷۸ -** دیوان مبلغ ۲۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا در ادعای بازپرداخت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های پرداختی وزارت راه و ترابری به وکلای آمریکایی‌اش به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۳۸] این مبلغ متشکل از ۱۱،۴۱۱/۵۵ دلار آمریکا برای آقای گوردون تیلمن،[۱۴۳۹] وکیل وزارت راه و ترابری در هیوستون و ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا بابت پرداخت به سایر مؤسسات حقوقی تحت خدمت وزارت راه و ترابری می‌باشد.[۱۴۴۰]

**۲۵۷۹ -** دو صورتحساب موجود در سابقه پرونده به مبلغ ۱۱،۴۱۱/۵۵ مربوط به آقای تیلمن فاقد تاریخ صدور است. دیوان وفق اهداف این حکم جزئی فرض می‌کند که: (یک) صورت‌حساب صادره به مبلغ ۸،۵۷۰ دلار آمریکا بابت خدمات ارائه‌شده طی دورهٔ دوم -۲۴ شهریور و ۳۱ شهریور-۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۲۴ اوت-۱۵ سپتامبر و ۲۲ سپتامبر-۱۵ نوامبر ۱۹۸۳]،[۱۴۴۱] در ۱۰ آذر ۱۳۶۲ [اول دسامبر ۱۹۸۳] صادر شده است؛ و (دو) صورت‌حساب صادره به مبلغ ۲،۸۴۱/۵۵ دلار آمریکا بابت خدمات ارائه‌شده از ۲۴ آبان ۱۳۶۲ [۱۵ نوامبر ۱۹۸۳] تا ۱۳ بهمن ۱۳۶۲ [دوم فوریه ۱۹۸۴][۱۴۴۲] در ۲۶ بهمن ۱۳۶۲ [۱۵ فوریه ۱۹۸۴] صادر شده است. در نبود ادلهٔ مغایر، دیوان فرض می‌گیرد که آن دو مبلغ در تاریخ‌های صدور صورت‌حساب‌ها بر پیش‌پرداخت‌های وزارت راه و ترابری به آقای تیلمن[۱۴۴۳] اعمال شده است. بر این اساس، دیوان بر آن دو مبلغ، از تاریخ‌های صورت‌حساب‌های مربوطه حکم به بهرهٔ پیش از صدور حکم می‌کند.

---

[۱۴۳۸] *بنگرید به* بند ۲۰۵۸، بالا.

[۱۴۳۹] *بنگرید به* بند ۲۰۵۶، بالا.

[۱۴۴۰] *بنگرید به* بند ۲۰۵۷، بالا.

[۱۴۴۱] *بنگرید به* بند ۲۰۵۴، بالا.

[۱۴۴۲] *بنگرید به همانجا*.

[۱۴۴۳] *بنگرید به* پانوشت ۱۰۷۶، بالا.

۲۵۸۰- دیوان در خصوص تاریخ شروع تعلق بهرهٔ پیش از صدور حکم بابت ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا که بابت مبالغ متحملهٔ وزارت راه و ترابری در ارتباط با سایر مؤسسات حقوقی ایالات متحده مورد حکم واقع گردیده، متذکر می‌شود که ایران بهره بر ادعاهای خود بابت مخارج اضافی را از دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] مطالبه کرده است. دیوان با این که این تاریخ برای تعلق بهره پیش از صدور حکم بابت این ادعاها معقول است موافق است. بر این اساس، دیوان به بهرهٔ پیش از صدور حکم از ۱۱ دی ۱۳۶۲ [اول ژانویه ۱۹۸۴] نسبت به ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا حکم می‌دهد.

۲۵۸۱- اجمالاً دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم بر مجموع ۲۱،۴۱۱/۵۵ دلار حکم‌داده‌شده تحت این سرفصل از ادعا به شرح زیر تعلق خواهد گرفت:

- بر مبلغ ۸،۵۷۰ دلار آمریکا از ۱۰ آذر ۱۳۶۲ [اول دسامبر ۱۹۸۳]؛[۱۴۴۴]
- بر مبلغ ۲،۸۴۱/۵۵ دلار آمریکا از ۲۶ بهمن ۱۳۶۲ [۱۵ فوریه ۱۹۸۴]؛[۱۴۴۵]
- بر مبلغ ۱۰،۰۰۰ دلار آمریکا از ۱۱ دی ۱۳۶۲ [اول ژانویه ۱۹۸۴].[۱۴۴۶]

۲۵۸۲- بر این اساس، دیوان مجموعاً مبلغ ۵۰،۶۶۱/۰۸ دلار آمریکا بابت بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۴) مخارج تمدید اجارهٔ انبارها

۲۵۸۳- دیوان در قبال ادعای ایران بابت بازپرداخت وجوه پرداخت‌شده توسط وزارت راه و ترابری به موجران در هیوستون و نیواورلئان بابت انبار مواد ز-۸ پس از انعقاد موافقت‌نامهٔ حل و فصل پنجم اسفند ۱۳۶۱ [۲۴ فوریه

---

[۱۴۴۴] *بنگرید به* بند ۲۵۷۹، بالا.

[۱۴۴۵] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۴۶] *بنگرید به* بند ۲۵۸۰، بالا.

۱۹۸۳] با گالف پورتس مبلغ ۱۰۸،۵۰۰ دلار آمریکا حکم داده است.[۱۴۴۷] ایران بابت ادعاهای مخارج اضافی خود از دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] مطالبهٔ بهره کرده است. دیوان با این‌که این تاریخ برای تعلق بهره بابت این ادعاها معقول است موافق است. نتیجتاً، دیوان به پرداخت بهرهٔ پیش از صدور حکم از ۱۱ دی ۱۳۶۲ [اول ژانویه ۱۹۸۴] بر مبلغ ۱۰۸،۵۰۰ دلار آمریکا حکم می‌دهد. بر این اساس، دیوان مبلغ ۲۵۶،۵۳۳/۰۱ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۵) مخارج نگهبانی انبار

**۲۵۸۴** - دیوان بابت بازپرداخت مخارج متحمله توسط وزارت راه و ترابری برای تأمین نگهبانی واحد خانه‌های پورتا-کمپ در نیمه دوم ۱۳۶۲ [اواخر ۱۹۸۳ و اوایل ۱۹۸۴]، مبلغ ۲۱،۰۰۰ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۴۸] ایران بابت ادعاهای مخارج اضافی خود از دی ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] تقاضای بهره کرده است. دیوان با این که این تاریخ برای تعلق بهره بابت این ادعاها معقول است موافق است. نتیجتاً، دیوان نسبت به مبلغ ۲۱،۰۰۰ دلار آمریکا از تاریخ ۱۱ دی ۱۳۶۲ [اول ژانویه ۱۹۸۴] حکم به بهرهٔ پیش از صدور حکم می‌دهد. بنابراین، دیوان مجموعاً مبلغ ۴۹،۶۵۱/۵۵ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۴۷] *بنگرید به* بند ۲۰۶۰، بالا.

[۱۴۴۸] *بنگرید به* بند ۲۰۶۳، بالا.

(۴) ادعای ز-۷ (وزارت راه و ترابری/بندر ونکوور)

*الف) ادعای کاهش ارزش ناشی از آسیب دیدگی*

(۱) واحد خانه‌های ترانس ورلد

**۲۵۸۵** - دیوان بابت ادعای خسارات ناشی از آسیب‌دیدگی واحد خانه‌های ترانس ورلد ایران بین تاریخ‌های ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ [دوم مارس ۱۹۸۱] و ۱۰ دی ۱۳۶۲ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۳] مبلغ ۲،۶۷۲،۴۰۰ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۴۹] دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم نسبت به این مبلغ از میانه آن دو تاریخ، یعنی ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ [اول اوت ۱۹۸۲]، تعلق خواهد گرفت. بر این اساس، دیوان مبلغ ۶،۷۷۳،۳۲۹/۸۹ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم در این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۲) تجهیزات سنگ‌شکن مورگن

**۲۵۸۶** - دیوان بابت ادعای خسارات ناشی از آسیب دیدگی تجهیرات سنگ‌شکن مورگن بین تاریخ‌های ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ [دوم مارس ۱۹۸۱] و ۲۵ دی ۱۳۶۲ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۴] مبلغ ۷۶۵،۵۳۳ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۵۰] دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم از میانهٔ آن دو تاریخ، یعنی ۱۷ مرداد ۱۳۶۱ [هشتم اوت ۱۹۸۲] تعلق خواهد گرفت. بنابراین دیوان مبلغ ۱،۹۳۸،۰۹۹/۵۶ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۴۹] *بنگرید به* بند ۲۱۴۸، بالا.

[۱۴۵۰] *بنگرید به*بند ۲۱۵۵، بالا.

*ب) ادعاهای «مخارج اضافی»*

(۱) مخارج انبارداری

**۲۵۸۷** - دیوان بابت ادعای بازپرداخت مخارج انبارداری ایران در ارتباط با مواد ز-۷ مبلغ ۱،۳۹۴،۰۰۰ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۵۱] ایران بهرهٔ بابت مبالغ ادعای مربوط به مخارج اضافی را از دی/بهمن ۱۳۶۲ [ژانویه ۱۹۸۴] مطالبه کرده است. دیوان با این که این تاریخ برای تعلق بهره بابت این ادعاها معقول است موافق است. نتیجتاً، دیوان بابت مبلغ ۱،۳۹۴،۰۰۰ دلار آمریکا به بهرهٔ پیش از صدور حکم، حکم می‌دهد. بر این اساس، دیوان جمعاً مبلغ ۳،۲۹۵،۹۱۷/۲۳ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

(۲) حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وزارت راه و ترابری در ایالات متحده

**۲۵۸۸** - دیوان بابت ادعای بازپرداخت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های پرداختی وزارت راه و ترابری به وکلای آمریکائی خود، مورسیون، دان، کارنی، آلن اند تانگ در ارتباط با مواد ز-۷، مبلغ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا حکم داده است.[۱۴۵۲]

**۲۵۸۹** - ادله ارائه‌شده به سادگی و با دقت کافی به دیوان امکان تعیین تاریخی را می‌دهد که در آن وزارت راه و ترابری مبلغ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا را به موریسون، دان، کارنی، آلن و تانگ، پرداخت. این ادله، به ویژه، شامل موارد آتی می‌باشد: (یک) نامه مورخ دوم شهریور ۱۳۶۲ [۲۴ اوت ۱۹۸۳] از دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران به موریسون، دان، کارنی، آلن و تانگ، با اشاره به چک منضم به آن به مبلغ ۱،۶۲۵/۹۸ دلار آمریکا؛[۱۴۵۳] و

---

[۱۴۵۱] *بنگرید به* بند ۲۱۶۲، بالا.

[۱۴۵۲] *بنگرید به* بند ۲۱۶۶، بالا.

[۱۴۵۳] *بنگرید به* بند ۲۱۶۵، بالا.

(دو) چک مورخ ششم دی ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳] به مبلغ ۳۱۰ دلار آمریکا صادر شده توسط دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران به نفع موریسون، دان، کارنی، آلن اند تانگ.[۱۴۵۴]

**۲۵۹۰** - نتیجتاً، دیوان مقرر می‌دارد که بهرهٔ پیش از صدور حکم بر مجموع مبلغ ۱،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا که تحت این سرفصل از ادعا حکم داده شده است به شرح آتی تعلق خواهد گرفت:

- مبلغ ۱،۶۲۵/۹۸ دلار آمریکا از دوم شهریور ۱۳۶۲ [۲۴ اوت ۱۹۸۳]؛[۱۴۵۵]
- مبلغ ۳۱۰ دلار آمریکا از ششم دی ۱۳۶۲ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۳].[۱۴۵۶]

**۲۵۹۱** - بر این اساس، دیوان مجموعاً مبلغ ۴،۶۴۰/۳۰ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

۵- ادعای ز-۱۳ (وزارت راه و ترابری/شیپ ساید پکینگ کو.)

*الف) ادعای مخارج انبارداری*

**۲۵۹۲** - دیوان مبلغ ۱۳۳،۶۲۳/۱۰ دلار آمریکا در ادعای ایران بابت مخارج انبارداری حکم داده است.[۱۴۵۷] همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، دیوان مخارج انبارداری را بر اساس موافقت‌نامه حل و فصل ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] با نرخ ماهانه محاسبه کرده و بر این اساس کل مبلغ مربوط به مخارج انبارداری را از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ [اول مارس ۱۹۸۱] تا ۱۱ بهمن ۱۳۶۲ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۴] محاسبه نموده است. دیوان تصمیم می‌گیرد که ۲۵ مرداد ۱۳۶۱ [۱۶ اوت ۱۹۸۲]، یعنی میانه این طیف تاریخی، تاریخ تعلق بهرهٔ پیش از صدور حکم خواهد

---

[۱۴۵۴] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۵۵] *بنگرید به* بند ۲۵۸۹، بالا.

[۱۴۵۶] *بنگرید به* همانجا.

[۱۴۵۷] *بنگرید به* بند ۲۲۰۰، بالا.

بود. بر این اساس، دیوان جمعاً به مبلغ ۳۳۷،۸۵۸/۳۴ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم در این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

*ب) ادعای مخارج بسته‌بندی مجدد*

**۲۵۹۳** - دیوان مبلغ ۴۴،۴۷۶ دلار آمریکا بابت ادعای بسته‌بندی مجدد ایران به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۵۸] مبنای این مبلغ مخارج مندرج در قرارداد مورخ ۱۴ آذر ۱۳۶۲ [پنجم دسامبر ۱۹۸۳] وزارت راه و ترابری و شیپ ساید جهت آماده‌کردن اموال برای حمل صادراتی است که پیوست شهادت‌نامهٔ آقای محمودی بود.[۱۴۵۹] این قرارداد پرداخت را به صورت هفتگی پیش‌بینی کرده که با پیش‌رفت کار، قابلیت تعدیل داشته و تخمین زده شده که تا ۲۰ دی ۱۳۶۲ [۱۰ ژانویه ۱۹۸۴] کار به اتمام می‌رسد و مستلزم پرداخت «فوری» هرگونه معوقات به محض اتمام کار است. دیوان همچنین متذکر می‌شود که برای رسیدن به این نتیجه گیری که مواد ز-۱۳ در نتیجه نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده باید بسته بندی مجدد می‌شد به موافقت‌نامه حل و فصل ۱۶ دی ۱۳۶۲ [ششم ژانویه ۱۹۸۴] استناد کرد. نظر به مراتب بالا، دیوان حکم می‌کند که بهره باید از ۲۰ دی ۱۳۶۲ [۱۰ ژانویه ۱۹۸۴]، یعنی تاریخی که وزارت راه و ترابری باید بیش‌تر، اگر نه همه، مخارج بسته‌بندی مجدد را وفق قرارداد با شیپ ساید به آن می‌پرداخت، تعلق بگیرد. بنابراین، دیوان مبلغ ۱۰۵،۰۲۵/۵۸ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم تحت این سرفصل از ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۵۸] *بنگرید به* بند ۲۲۰۳، بالا.

[۱۴۵۹] *بنگرید به* بند ۲۰۴۱، بالا.

۶- ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) (ایران ایر/پلسی دینامیکس کورپ.)

**۲۵۹۴ -** دیوان مبلغ ۱۲،۹۹۱/۸۰ دلار آمریکا به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار سه فعال‌کننده مورد اختلاف در این ادعا حکم داده است.[۱۴۶۰] دیوان تصمیم می‌گیرد که بهرهٔ پیش از صدور حکم بر این مبلغ از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ نقض تعهد بند ۹ توسط ایالات متحده تعلق خواهد گرفت. بنابراین، دیوان مبلغ ۳۶،۱۲۵/۱۱ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم در این ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

۷- ادعاهای ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲) (ایران ایر/گمرک ایالات متحده)

**۲۵۹۵ -** دیوان مبلغ ۱۴،۷۱۹/۴۸ دلار آمریکا به عنوان ارزش منصفانه بازار ۱۵ قطعه هواپیما به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۶۱] دیوان تصمیم می‌گیرد که بهرهٔ پیش از صدور حکم بر آن مبلغ از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ نقض تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده، تعلق خواهد گرفت. بر این اساس، دیوان مجموعاً مبلغ ۴۰،۹۲۹/۱۱ دلار آمریکا به نفع ایران به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم در این ادعا حکم می‌کند.

۸- ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) (ایران ایر/ایرسرچ منیوفکچرینگ کو.)

**۲۵۹۶ -** دیوان بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی که ایران در ارتباط با اموال مطروح در این ادعا متحمل شده بود، مبلغ ۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۶۲] دیوان صورت‌حساب وکلای ایران، کوندون اند فورسیث به تاریخ نهم آبان ۱۳۶۵ [۳۱ اکتبر ۱۹۸۶] را به عنوان مدرک مثبتهٔ این ادعا پذیرفته است. این صورت‌حساب آخرین تاریخ قابلیت پرداخت را مشخص نکرده است.[۱۴۶۳] دیوان فرض می‌کند که ایران ایر

---

[۱۴۶۰] *بنگرید به* بند ۲۲۶۸، بالا.

[۱۴۶۱] بنگرید به بند ۲۳۰۷، بالا.

[۱۴۶۲] *بنگرید به* بند ۲۳۵۹، بالا.

[۱۴۶۳] *بنگرید به* بند ۲۳۵۷، بالا.

باید صورت‌حساب را ظرف ۶۰ روز از تاریخ آن پرداخته و نتیجتاً متحمل مخارج شده باشد. بر این پایه، دیوان حکم می‌کند که بهره باید از نهم دی ۱۳۶۵ [۳۰ دسامبر ۱۹۸۶] تعلق گیرد. بر این اساس، دیوان مجموعاً ۷،۶۰۰/۴۷ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم در این ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

۹- ادعای ز-۱۰۵ (اداره آب و برق خوزستان/اکساید کورپ.)

**۲۵۹۷ -** دیوان به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام موضوع ادعا، مبلغ ۱۴،۹۷۲ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۶۴] خسارات در این ادعا بر پایه ارزش منصفانه بازار اقلام ز-۱۰۵ در هشتم مهر ۱۳۶۲ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۳][۱۴۶۵] محاسبه شده، و دیوان تصمیم می‌گیرد که بهره از آن تاریخ تعلق خواهد گرفت. بر این اساس، دیوان در این ادعا مبلغ ۴۰،۱۹۱/۵۷ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد.

۱۰- ادعای ز-۳۲ (موزه ایران باستان/مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو)

**۲۵۹۸ -** دیوان در این ادعا مجموعاً مبلغ ۸۲۵،۷۰۹/۷۵ دلار آمریکا را به نفع ایران حکم داده است. این مبلغ مشتمل بر حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی وکلای آمریکائی ایران در پرونده *روبین* و در ارتباط با آثار چغامیش بابت کارهای انجام شده بین تیر/مرداد ۱۳۸۵ و خرداد/تیر ۱۳۹۴ [ژوئیه ۲۰۰۶ و ژوئن ۲۰۱۵] است.[۱۴۶۶] دیوان تصمیم می‌گیرد که بهرهٔ پیش از صدور حکم نسبت به کل مبلغ صورت‌حساب‌های هر دسته از خدمات در هر سال بر اساس سال تقویمی (یا بخشی از سال) بین تیر/مرداد ۱۳۸۵ و خرداد/تیر ۱۳۹۴ [ژوئیه ۲۰۰۶ و ژوئن ۲۰۱۵]

---

[۱۴۶۴] *بنگرید به* بند ۲۳۸۶، بالا.

[۱۴۶۵] *بنگرید به* بند ۲۳۸۱، بالا.

[۱۴۶۶] *بنگرید به* بند ۲۴۶۴، بالا.

از تاریخ فرضی پرداخت توسط ایران تعلق خواهد گرفت.[۱۴۶۷] بر این اساس، بهره پیش از صدور حکم بر مبلغ حکم یعنی ۸۵۲،۷۰۹/۷۵ دلار آمریکا به شرح بالا[۱۴۶۸] به قرار آتی محاسبه شده است:

| دورهٔ زمانی | مبلغ صورت‌حساب به دلار | تاریخ فرضی پرداخت | بهرهٔ پیش از صدور حکم به دلار |
|---|---|---|---|
| ۲۰۰۶ (ژوئیه–دسامبر) | ۸۵،۳۵۰/۲۷ | نهم مهر ۱۳۸۵ [اول اکتبر ۲۰۰۶] | ۴۸،۲۸۴/۶۲ |
| ۲۰۰۷ | ۷۹،۶۷۸/۵۸ | ۱۰ تیر ۱۳۸۶ [اول ژوئیه ۲۰۰۷] | ۴۰،۲۹۶/۶۸ |
| ۲۰۰۸ | ۸۳،۹۷۵/۰۶ | ۱۱ تیر ۱۳۸۷ [اول ژوئیه ۲۰۰۸] | ۳۶،۹۳۶/۳۲ |
| ۲۰۰۹ | ۸۷،۴۲۳/۸۸ | ۱۰ تیر ۱۳۸۸ [اول ژوئیه ۲۰۰۹] | ۳۴،۸۰۷/۲۲ |
| ۲۰۱۰ (ژانویه–مارس، ژوئن–ژوئیه، اکتبر–نوامبر) | ۵،۸۱۱/۴۱ | ۱۰ تیر ۱۳۸۹ [اول ژوئیه ۲۰۱۰] | ۲،۱۲۴/۹۰ |
| ۲۰۱۱ (فوریه–دسامبر) | ۴۳،۴۱۷/۸۸ | ۱۰ تیر ۱۳۹۰ [اول ژوئیه ۲۰۱۱] | ۱۴،۴۶۴/۳۷ |
| ۲۰۱۲ (ژانویه–فوریه، آوریل، ژوئن–دسامبر) | ۱۱۶،۹۴۸/۵۶ | ۱۱ تیر ۱۳۹۱ [اول ژوئیه ۲۰۱۲] | ۳۵،۱۵۴/۵۵ |
| ۲۰۱۳ (ژانویه – نوامبر) | ۱۷۴،۷۷۲/۷۲ | ۱۰ تیر ۱۳۹۲ [اول ژوئیه ۲۰۱۳] | ۴۶،۸۶۴/۱۰ |
| ۲۰۱۴ (ژانویه، مارس، ژوئیه–سپتامبر، نوامبر–دسامبر) | ۱۲۶،۳۹۷/۹۸ | ۱۰ تیر ۱۳۹۳ [اول ژوئیه ۲۰۱۴] | ۲۹،۷۸۴/۸۱ |
| ۲۰۱۵ | ۴۸،۹۳۳/۴۱ | ۱۲ فروردین ۱۳۹۴ | ۱۰،۳۳۵/۷۷ |

[۱۴۶۷] به منظور محاسبهٔ بهرهٔ پیش از صدور حکم در این ادعا، دیوان فرض را بر این می‌گذارد که جمع مبلغ صورت‌حساب ارسالی در هر سال تقویمی (یا بخشی از سال) در تاریخ واحدی در میانه آن سال تقویمی (یا در بخشی از آن سال) پرداخت شده است.

[۱۴۶۸] *بنگرید به* بند ۲۵۶۸، بالا.

| | | |
|---|---|---|
| **جمع** | ۸۵۲،۷۰۹/۷۵ | ۲۹۹،۰۵۳/۳۴ |

**۲۵۹۹ -** بر این اساس، دیوان در این ادعا بابت بهرهٔ پیش از صدور حکم مبلغ ۲۹۹،۰۵۳/۳۴ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد.

۱۱- ادعای ز-۱۷۲ (خارک/میدلند پایپ اَند سوپلای کو.)

**۲۶۰۰ -** دیوان به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام موضوع ادعا مبلغ ۱۷،۲۰۴/۴۷ دلار آمریکا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۶۹] دیوان تصمیم می‌گیرد که تاریخ تعلق بهره پیش از صدور حکم بر این مبلغ هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ نقض تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده، می‌باشد. بر این اساس، دیوان در این ادعا مجموعاً مبلغ کل ۴۷،۸۳۸/۸۹ دلار آمریکا را به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد.

۱۲- ادعای ز-۱۷۴ (خارک/سِیجبراش پایپ لاین سوپلای کو. اند پروسس سیلز اینک.)

**۲۶۰۱ -** دیوان ۸۸۳/۸۳ دلار آمریکا به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام موضوع ادعا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۷۰] دیوان تصمیم می‌گیرد که هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ نقض تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده، تاریخ تعلق بهرهٔ پیش از صدور حکم بر آن مبلغ می‌باشد. بر این اساس، دیوان در این ادعا مجموعاً مبلغ ۲،۴۵۷/۵۹ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد.

---

[۱۴۶۹] *بنگرید به* بند ۲۵۱۵، بالا.

[۱۴۷۰] *بنگرید به* بند ۲۵۳۸، بالا.

۱۳- ادعای ۱۹۹۶-ث/ج (خارک/ویلسون ایندااستریز اینک.)

۲۶۰۲ - دیوان مبلغ ۱۱،۹۶۰/۰۴ دلار آمریکا به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام موضوع ادعا به نفع ایران حکم داده است.[۱۴۷۱] دیوان تصمیم می‌گیرد که هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ نقض تعهد مندرج در بند ۹ توسط ایالات متحده، تاریخ تعلق گرفتن بهرهٔ پیش از صدور حکم بر آن مبلغ می‌باشد. بر این اساس، دیوان مجموعاً مبلغ ۳۳،۲۵۶/۱۹ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم در این ادعا به نفع ایران حکم می‌دهد.

۱۴- نتیجه‌گیری کلی در خصوص بهرهٔ پیش از صدور حکم

۲۶۰۳ - دیوان در خصوص ادعای ز-۱۸، در صورتی‌که استرادیواریوس ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، مبلغ ۱،۳۶۸،۱۳۵/۱۱ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد.

۲۶۰۴ - دیوان در خصوص ادعای تکمیلی ۱۲-(۲)، در صورتی که سازها و آرشه‌های مورد ادعا ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، به شرح زیر به بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران حکم می‌دهد:

- مبلغ ۳۵،۹۷۲/۳۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛
- مبلغ ۴۰،۱۱۳/۰۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛
- مبلغ ۱۶۶،۴۰۴/۴۲ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛
- مبلغ ۶،۷۹۳/۳۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛
- مبلغ ۳،۲۰۲/۵۷ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.

---

[۱۴۷۱] *بنگرید به* بند ۲۵۶۶، بالا.

۲۶۰۵- دیوان در مورد ادعاهای باقی‌مانده به بهرهٔ پیش از صدور حکم مجموعی به نفع ایران به مبلغ ۲۰،۲۲۷،۹۷۳/۳۹ دلار آمریکا حکم می‌دهد.

## شش- هزینه‌ها

۲۶۰۶- هر یک از طرفین متحمل هزینه‌های داوری خود می‌باشد.

## هفت - مجموع مبلغ مورد حکم

۲۶۰۷- در پرتو مراتب بالا، دیوان مجموعاً مبلغ ۲۹،۱۱۵،۹۷۱/۶۹ دلار آمریکا به نفع ایران در ادعاهای ز-۸، ز-۷، ز-۱۳، تکمیلی ۵۵-(۲)، ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲)، تکمیلی ۵۶-(۲)، ز-۱۰۵، ز-۳۲، ز-۱۷۲، ز-۱۷۴، و ۱۹۹۶-ث/ج حکم می‌کند. این مبلغ شامل ۸،۸۸۷،۹۹۸/۳۰ دلار آمریکا، مجموع مبالغ قابل پرداخت تشخیص داده شده و در طلب ایران در خصوص آن ادعاها ذیل این حکم جزئی، و ۲۰،۲۲۷،۹۷۳/۳۹ دلار آمریکا، بهرهٔ مجموعی قبل از صدور حکم در خصوص آن مبالغ می‌باشد.

۲۶۰۸- مضافاً، دیوان در مورد ادعای ز-۱۸، در صورتی‌که استرادیواریوس ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، مجموعاً مبلغ ۶،۶۵۴،۷۱۸/۷۲ دلار آمریکا به نفع ایران حکم می‌دهد. این مبلغ شامل ۵،۲۸۶،۵۸۳/۶۱ دلار آمریکا بابت خسارات و ۱،۳۶۸،۱۳۵/۱۱ دلار آمریکا به عنوان بهرهٔ مجموعی پیش از صدور حکم بر آن مبلغ می‌باشد.

۲۶۰۹- مضافاً، دیوان در مورد ادعای تکمیلی ۱۲-(۲)، در صورتی‌که سازها و آرشه‌های مذکور ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، خسارات را به شرح زیر به نفع ایران حکم می‌دهد:

- مبلغ ۱۳۹،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛
- مبلغ ۱۵۵،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛

- مبلغ ۶۴۳،۰۰۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛
- مبلغ ۲۶،۲۵۰ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛
- مبلغ ۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.

به اضافه، دیوان در مورد ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) به بهرهٔ پیش از صدور حکم به نفع ایران به شرح زیر حکم می‌دهد:

- مبلغ ۳۵،۹۷۲/۳۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛
- مبلغ ۴۰،۱۱۳/۰۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛
- مبلغ ۱۶۶،۴۰۴/۴۲ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛
- مبلغ ۶،۷۹۳/۳۴ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛
- مبلغ ۳،۲۰۲/۵۷ دلار آمریکا در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.

۲۶۱۰- مضافاً، دیوان به بهره ساده پس از صدور حکم به نرخ‌های پایهٔ بهرهٔ بانکی رایج متوالی در ایالات متحده بابت مدت عدم پرداخت این حکم جزئی به نفع ایران حکم می‌دهد.

## هشت - حکم

۲۶۱۱- در پرتو مراتب بالا،

دیوان به شرح زیر مقرر می‌دارد:

*الف. مسائل کلّی*

۱) دیوان به تأیید تصمیم خود در *جمهوری اسلامی ایران* و *ایالات متحده آمریکا*، حکم شمارهٔ هیئت عمومی-الف۱۵-۵۲۹ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲]) می‌پردازد مبنی بر این که اصطلاح «تمام

اموال ایران» مندرج در بند ۹ به معنای اموال عینی‌ای است که منحصراً در تملک ایران یا نهادهای آن دولت بوده است.

۲) دیوان به منظور اعمال تصمیم متخذه خود در *جمهوری اسلامی ایران* و *ایالات متحده آمریکا*، حکم شماره هیئت عمومی-الف۱۵-۵۲۹ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲])، که اصطلاح «اموال ایران» به اموالی ارجاع می‌دهد که منحصراً در تملک ایران بوده‌اند، باید در خصوص کالاهای فروخته شده تعیین کند که آیا حق مالکیت حقوقی اموال ادعایی در این پرونده‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران منتقل شده بوده است یا خیر.

۳) دیوان به منظور تعیین این‌که آیا، در یک مورد خاص، حق مالکیت حقوقی نسبت به یک قلم منفرد از اموال ادعایی در این پرونده‌ها در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به ایران منتقل شده بوده است یا خیر، تا بر آن اساس آن قلم از اموال مشمول محدودهٔ اصطلاح «اموال ایران» در بند ۹ تلقی شود، هر جا قابل شناسایی باشد، به اعمال حقوق ملّی مربوطه حاکم بر انتقال حق مالکیت می‌پردازد.

۴) حقوق ملّی مربوطه حاکم بر انتقال حق مالکیت بر یک قلم منفرد از اموال ادعایی در این پرونده‌ها باید مطابق اصول کلی حقوق بین‌الملل خصوصی احراز شود.

۵) قانون محل وقوع مال یک اصل کلی حقوق بین‌الملل خصوصی است و حقوق ماهوی حاکم بر انتقال حق مالکیت بر یک قلم منفرد از اموال ادعایی در این پرونده‌ها باید وفق آن اصل احراز شود.

۶) تعهد ایالات متحده ذیل بند ۹ در ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] محقق شده است.

۷) در مواردی که مقررات غیرقانونی خزانه‌داری سبب عدم انتقال اموال ایران به ایران محسوب نمی‌شوند، دیوان، در پرتو اوضاع و احوال خاص هر یک از ادعاهای جداگانه، تحلیلی مورد به مورد به عمل آورده

است تا تعیین کند که ایالات متحده چه زمانی باید به محض دادن اطلاع توسط ایران گام‌هایی برمی‌داشته تا تضمین کند که دارندگان اموال ایران چنین اموالی را به ایران منتقل کنند.

۸) علی‌الأصول، این‌که ایالات متحده تعهد خود مبنی بر برداشتن گام‌ها به منظور تضمین انتقال اموال ایران موجود در قلمرو قضایی آن دولت به ایران توسط دارندگان را انجام داده است یا خیر، بستگی دارد به: (یک) این‌که ایران دستورالعمل‌های لازم، یعنی اطلاعات لازمی برای آن‌ها به منظور عملی کردن انتقال، را به دارندگان داده بوده است یا خیر و (دو) این‌که آیا ایران اطلاع لازم را به ایالات متحده داده بوده است یا خیر، یعنی آیا ایران به آگاهی ایالات متحده رسانده بوده است که دارندگان، اموال ایران که باید وفق دستورالعمل انتقال مندرج در دستور اجرایی شماره ۱۲۲۸۱ منتقل می‌کردند را منتقل نکرده‌اند. این‌که در یک مورد خاص، دستورالعمل ایران به دارندگان یا اطلاع به ایالات متحده در واقع غیرضروری یا بی‌فایده بوده، باید در هر ادعای جداگانه بر اساس مدارک ارائه شده تعیین گردد.

۹) دیوان به صورت انتزاعی عناصر موجدهٔ دستورالعمل‌های کافی توسط ایران به دارندگان، یا عناصر موجدهٔ دادن اطلاع توسط ایران به ایالات متحده را تعریف نکرده است. همچنین دیوان تلاش نکرده تا روشی را که ایالات متحده به وسیلهٔ آن باید «ترتیبات ... انتقال» اموال را به ایران می‌داد توصیف کند. در عوض، دیوان این مسائل را در سیاق و اوضاع و احوال خاص هر ادعای جداگانه تعیین کرده است. در انجام این کار، دیوان به بررسی مورد به مورد در این خصوص پرداخت که آیا ایالات متحده هر آن‌چه را که به نحو معقول به منظور انجام تعهد خود ذیل بند ۹ در راستای برداشتن گام‌ها برای تضمین این که اموال ایران به ایران منتقل شود، با در نظر گرفتن اطلاعاتی که ایالات متحده دربارهٔ اموال مشمول ادعاهای ایران داشته، انجام داده است یا خیر.

۱۰) ادعای جایگزین ایران مبتنی بر بند ۸ بیانیه عمومی رد می‌شود.

۱۱) ادعای جایگزین ایران مبتنی بر اصل کلی الف بیانیه عمومی رد می‌شود.

*ب) ادعاهای جداگانه*

۱۲) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۸ ایالات متحده را ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ مبنی بر انجام ترتیبات انتقال استرادیواریوس به ایران از نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳] یعنی زمانی می‌داند که ایالات متحده نخستین بار آگاه شد که استرادیواریوس در اختیار آقای فروغ و واقع در ایالات متحده بوده است.

بر این اساس، دیوان به ایالات متحده دستور می‌دهد که در عرض چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی، ترتیبات انتقال استرادیواریوس را به ایران به عمل آورد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید اقداماتی به منظور تضمین این امر انجام دهد که متصرف یا متصرفین استرادیواریوس این ساز را ظرف آن دورهٔ زمانی به ایران انتقال خواهند داد.

در صورتی که استرادیواریوس ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان مبلغ پنج میلیون و دویست و هشتاد و شش هزار و پانصد و هشتاد و سه دلار و شصت و یک سنت آمریکا (۵،۲۸۶،۵۸۳/۶۱ دلار آمریکا) به عنوان خسارت، به اضافهٔ بهرهٔ ساده پیش از صدور حکم از ۲۲ مهر ۱۳۹۲ [۱۴ اکتبر ۲۰۱۳]، مجموعاً به مبلغ یک میلیون و سی‌صد و شصت و هشت هزار و صد و سی و پنج دلار و یازده سنت (۱،۳۶۸،۱۳۵/۱۱ دلار آمریکا)، محاسبه‌شده به شرح بالا به نفع ایران حکم می‌کند.[۱۴۷۲]

[۱۴۷۲] *بنگرید به* بندهای ۲۵۶۸ و ۲۵۷۱، بالا.

۱۳) دیوان در خصوص ادعای تکمیلی ۱۲-(۲) ایالات متحده را ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ در انجام ترتیبات انتقال چهار ساز گالیانو و دو آرشه به ایران از هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی می‌داند که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان به ایالات متحده دستور می‌دهد که در عرض چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی ترتیبات انتقال چهار ساز گالیانو و دو آرشه را به ایران به عمل آورد. بدین ترتیب، ایالات متحده باید اقداماتی به منظور تضمین این امر انجام دهد که متصرف یا متصرفین چهار ساز موسیقی و دو آرشه آن‌ها را ظرف آن دورهٔ زمانی به ایران انتقال خواهند داد.

در صورتی‌که این چهار ساز موسیقی و دو آرشه ظرف چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی به ایران منتقل نشود، دیوان مبالغ زیر را به نفع ایران حکم می‌کند:

- یک‌صد و سی و نه هزار دلار و صفر سنت آمریکا (۱۳۹،۰۰۰ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛
- یک‌صد و پنجاه و پنج هزار دلار و صفر سنت آمریکا (۱۵۵،۰۰۰ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛
- شش‌صد و چهل و سه هزار دلار و صفر سنت آمریکا (۶۴۳،۰۰۰ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛
- بیست و شش هزار و دویست و پنجاه دلار و صفر سنت آمریکا ۲۶،۲۵۰ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛
- دوازده هزار و سی‌صد و هفتاد و پنج دلار و صفر سنت آمریکا (۱۲،۳۷۵ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.

به علاوه، دیوان به بهره پیش از صدور حکم، که به نحو مشخص‌شده در بالا محاسبه شده است، به شرح زیر حکم می‌کند:[۱۴۷۳]

- سی و پنج هزار و نه‌صد و هفتاد و دو دلار و سی و چهار سنت آمریکا (۳۵،۹۷۲/۳۴ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولن جوزپه گالیانو ۱۷۸۰ به ایران؛
- چهل هزار و یک‌صد و سیزده دلار و چهار سنت آمریکا (۴۰،۱۱۳/۰۴ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولن نیکولو گالیانو ۱۷۳۸ به ایران؛
- یک‌صد و شصت و شش هزار و چهارصد و چهار دلار و چهل و دو سنت آمریکا (۱۶۶،۴۰۴/۴۲ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولن‌سل نیکولو گالیانو ۱۷۷۴ به ایران؛
- شش‌هزار و هفتصد و نود و سه دلار و سی و چهار سنت آمریکا (۶،۷۹۳/۳۴ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال ویولای یوئنس گالیانو ۱۸۰۴ به ایران؛
- سه هزار و دویست و دو دلار و پنجاه و هفت سنت آمریکا (۳،۲۰۲/۵۷ دلار آمریکا) در صورت عدم انتقال دو آرشه به ایران.

۱۴) دیوان در خصوص ادعای ز-۸ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهد خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص مواد ز-۸ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان مبالغ زیر را به نفع ایران حکم می‌دهد:

---

[۱۴۷۳] *بنگرید به* بندهای ۲۵۶۸ و ۲۵۷۲-۲۵۷۳، بالا.

الف. شش‌صد و پنجاه و هشت هزار و شش‌صد دلار و صفر سنت آمریکا (۶۵۸،۶۰۰ دلار آمریکا) به عنوان خسارت ناشی از کاهش ارزش خانه‌های پورتا-کمپ رخ داده پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ تا بهمن/اسفند ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۱ تا فوریه ۱۹۸۴]؛

ب. یک میلیون و صد و چهل و هشت هزار و سی‌صد دلار و صفر سنت آمریکا (۱،۱۴۸،۳۰۰ دلار آمریکا) به عنوان خسارت ناشی از کاهش ارزش تجهیزات سنگ‌شکن مورگن رخ داده پس از ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ تا اواخر دی ۱۳۶۲ [اول مارس ۱۹۸۱ تا نیمه ژانویه ۱۹۸۴]؛

پ. یک میلیون و صد و چهل هزار و دو دلار و پنجاه و پنج سنت آمریکا (۱،۱۴۰،۰۰۲/۵۵ دلار آمریکا) بابت ادعاهای ایران بابت «هزینه‌های اضافی».

۱۵) دیوان در خصوص ادعای ز-۷ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص مواد ز-۷ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان مبالغ زیر را به نفع ایران حکم می‌دهد:

الف. دو میلیون و شش‌صد و هفتاد و دو هزار و چهارصد دلار و صفر سنت آمریکا (۲،۶۷۲،۴۰۰ دلار آمریکا) به عنوان خسارت ناشی از کاهش ارزش واحد خانه‌های ترانس ورلد رخ داده بین ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ و ۱۰ دی ۱۳۶۲ [دوم مارس ۱۹۸۱ و ۳۱ دسامبر ۱۹۸۳]؛

ب. هفت‌صد و شصت و پنج هزار و پانصد و سی و سه دلار و صفر سنت آمریکا (۷۶۵،۵۳۳ دلار آمریکا) بابت خسارات ناشی از کاهش ارزش تجهیزات سنگ‌شکن مورگن رخ داده بین ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ و ۲۵ دی ۱۳۶۲ [دوم مارس ۱۹۸۱ و ۱۵ ژانویه ۱۹۸۴]؛

پ. یک میلیون و سی‌صد و نود و پنج هزار و نه‌صد و سی و پنج دلار و نود و هشت سنت آمریکا (۱،۳۹۵،۹۳۵/۹۸ دلار آمریکا) در خصوص ادعاهای ایران بابت «هزینه‌های اضافی».

۱۶) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۳ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص مواد ز-۱۳ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان یک‌صد و هفتاد و هشت هزار و نود و نه دلار و ده سنت آمریکا (۱۷۸،۰۹۹/۱۰ دلار آمریکا) به نفع ایران در خصوص ادعاهای ایران بابت «هزینه‌های اضافی» حکم می‌دهد.

۱۷) دیوان در خصوص ادعای تکمیلی ۵۵-(۲) مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی در خصوص سه فعال‌کننده مربوط به این ادعا را نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خرانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان دوازده هزار و نه‌صد و نود و یک دلار و هشتاد سنت آمریکا (۱۲،۹۹۱/۸۰ دلار آمریکا) به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار سه فعال‌کننده حکم می‌دهد.

۱۸) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۱ و ادعای تکمیلی ۶۷-(۲) مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص ۱۵ قطعه هواپیما مربوط به این ادعاها را نقض کرده است. دیون مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان چهارده هزار و هفت‌صد و نوزده دلار و چهل و هشت سنت آمریکا (۱۴،۷۱۹/۴۸ دلار آمریکا) به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار ۱۵ قطعه هواپیما حکم می‌دهد.

۱۹) دیوان در خصوص ادعای تکمیلی ۵۶-(۲) مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص عملگر دَوَرانی و مجموعه‌های پنکه مربوط به این ادعا نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که نقض ایالات متحده در هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی شروع شده که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳- ۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده و در اسفند ۱۳۶۵/فروردین ۱۳۶۶ [مارس ۱۹۸۷] متوقف شده است.

بر این اساس، دیوان سه هزار و شش‌صد و هشتاد و شش دلار و سی سنت آمریکا (۳،۶۸۶/۳۰ دلار آمریکا) به نفع ایران بابت حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی متحملهٔ ایران در ارتباط با اموال مورد اختلاف حکم می‌کند.

۲۰) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۰۵ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را با قصور در برداشتن تمام گام‌های معقول در تضمین انتقال اقلام ز-۱۰۵ به ایران توسط اکساید نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده نهم شهریور ۱۳۶۲ [۳۱ اوت ۱۹۸۳]، یعنی زمانی است که ایالات متحده از ادعای ایران بابت اقلام ز-۱۰۵ آگاهی یافته است.

بر این اساس، دیوان چهارده‌هزار و نه‌صد و هفتاد و دو دلار و صفر سنت آمریکا (۱۴،۹۷۲ دلار آمریکا) به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام ز-۱۰۵ حکم می‌دهد.

۲۱) دیوان در خصوص ادعای ز-۳۲ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را با قصور در برداشتن تمام گام‌های معقول در تضمین انتقال آثار چغامیش به ایران نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که ایالات متحده ناقض آن تعهدات در دوره‌های آتی بوده است: (یک) بین ۱۸ مهر ۱۳۶۴ و ۱۷ شهریور ۱۳۷۹ [۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ و هفتم سپتامبر ۲۰۰۰]؛ و (دو) بین ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ و ۱۷ مهر ۱۳۹۳ [۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ و نهم اکتبر ۲۰۱۴].

بر این اساس، دیوان هشت‌صد و پنجاه و دو هزار و هفت‌صد و نه دلار و هفتاد و پنج سنت آمریکا (۸۵۲،۷۰۹/۷۵ دلار آمریکا) در ازای حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های حقوقی‌ای که وکلای آمریکایی ایران بین تیر/مرداد ۱۳۸۵ و خرداد/تیر ۱۳۹۴ [ژوئیه ۲۰۰۶ و ژوئن ۲۰۱۵] بابت کارهای انجام شده در دادرسی *روبین* در ارتباط با آثار چغامیش طلب کرده‌اند حکم می‌کند.

۲۲) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۷۲ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص اقلام سفارش‌های خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۰۴، کی‌سی-۷۹۰۰۰۹، و کی‌سی-۷۹۰۰۶۷ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان هفده هزار و دویست و چهار دلار و چهل و هفت سنت آمریکا (۱۷،۲۰۴/۴۷ دلار آمریکا) به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام مورد اختلاف حکم می‌کند.

۲۳) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۷۴ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص اقلام سفارش‌های خرید شماره کی‌سی-۷۹۰۰۹۹ و کی‌سی-۷۹۰۰۳۴ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان هشت‌صد و هشتاد و سه دلار و هشتاد و سه سنت آمریکا (۸۸۳/۸۳ دلار آمریکا) به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام مورد اختلاف حکم می‌کند.

۲۴) دیوان در خصوص ادعای ۱۹۹۶ ث/ج مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص اقلام سفارش‌های خرید شماره کی‌سی-۷۸۰۴۵۶، کی‌سی-۷۹۰۰۵۴، و کی‌سی-۷۹۰۱۲۳ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

بر این اساس، دیوان یازده هزار و نه‌صد و شصت دلار و چهار سنت آمریکا (۱۱،۹۶۰/۰۴ دلار آمریکا) به نفع ایران به عنوان ارزش منصفانه بازار اقلام مربوطه حکم می‌کند.

۲۵) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۳۱ مقرر می‌دارد که ایالات متحده تعهدات خود ذیل بیانیه عمومی را در خصوص مواد ز-۱۳۱ نقض کرده است. دیوان مضافاً مقرر می‌دارد که تاریخ نقض ایالات متحده هفتم اسفند ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخی است که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بخش ۳۳۳-۵۳۵ مقررات غیرقانونی خزانه‌داری را صادر کرده است.

دیوان تمام ادعاهای ایران بابت خسارات در ادعای ز-۱۳۱ را به جهت فقدان ادله رد می‌کند.

۲۶) دیوان در خصوص ادعای ز-۱۱۵ مقرر می‌دارد که ایالات متحده از ۱۰ اسفند ۱۳۶۳ تا ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ [اول مارس ۱۹۸۵ تا ۱۳ ژوئن ۱۹۸۹] ناقض تعهد خود ذیل بند ۹ در خصوص انجام اقدامات به منظور تضمین این امر بوده است که ماتریس‌ها و فسیل‌های استخراج شدهٔ در تصرف دکتر لی به ایران منتقل شود.

دیوان درخواست ایران بابت غرامت در ادعای ز-۱۱۵ را به جهت فقدان ادله تماماً رد می‌کند.

۲۷) باقی ادعاهای ارائه شده توسط ایران در این حکم جزئی رد می‌شود.

۲۸) دیوان مضافاً به بهرهٔ پیش از صدور حکم در خصوص مبالغ مورد حکم در ادعاهای ز-۸، ز-۷، ز-۱۳، تکمیلی ۵۵-(۲)، ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲)، تکمیلی ۵۶-(۲)، ز-۱۰۵، ز-۳۲، ز-۱۷۲، ز-۱۷۴، و ۱۹۹۶ ث/ج به مبلغ جمعی بیست میلیون و دویست و بیست و هفت هزار و نهصد و هفتاد و سه دلار و سی و نه سنت آمریکا (۲۰،۲۲۷،۹۷۳/۳۹ دلار آمریکا) به نفع ایران حکم می‌دهد.

۲۹) بر این اساس، ایالات متحده، خوانده، بر اساس حکم جزئی حاضر، در خصوص ادعاهای ز-۸، ز-۷، ز-۱۳، تکمیلی ۵۵-(۲)، ز-۱۱ و تکمیلی ۶۷-(۲)، تکمیلی ۵۶-(۲)، ز-۱۰۵، ز-۳۲، ز-۱۷۲، ز-۱۷۴، و ۱۹۹۶ ث/ج متعهد است که مجموع مبلغ بیست و نه میلیون و صد و پانزده هزار و نهصد و هفتاد و یک دلار و شصت و نه سنت آمریکا (۲۹،۱۱۵،۹۷۱/۶۹ دلار آمریکا)، به اضافهٔ بهرهٔ ساده به نرخ‌های پایهٔ بهرهٔ بانکی رایج متوالی در ایالات متحده را برای دورهٔ عدم پرداخت این حکم جزئی به جمهوری اسلامی ایران، خواهان، پرداخت نماید.

۳۰) همان‌گونه که در بالا گفته شد، در خصوص ادعای ز-۱۸ و ادعای تکمیلی ۱۲-(۲)، در صورتی که ایالات متحده نتواند در عرض چهار ماه از تاریخ صدور این حکم جزئی ترتیبات انتقال استرادیواریوس و چهار ساز گالیانو و دو آرشه را به ایران فراهم آورد، دیوان خسارات و بهرهٔ پیش از صدور حکم را به مبالغی که در بالا گفته شد[۱۴۷۴] به نفع ایران مورد حکم قرار می‌دهد. بهرهٔ سادهٔ پس از صدور حکم بر آن مبالغ به نرخ‌های پایه بهرهٔ بانکی رایج متوالی در ایالات متحده برای دورهٔ عدم پرداخت این حکم جزئی از تاریخ صدور این حکم جزئی جاری خواهد شد.[۱۴۷۵]

*پ) هزینه‌ها*

۳۱) هر یک از طرفین متحمل هزینه‌های داوری خود خواهد شد.

*ت) ادامهٔ رسیدگی‌ها*

۳۲) محض کارآیی، دیوان موارد زیر را برای تصمیم‌گیری‌های بعدی جدا می‌کند:

الف. ادعاهای اقامه شده توسط وزارت پست، تلگراف و تلفن ایران، سازمان انرژی اتمی ایران، سازمان برنامه و بودجهٔ ایران، و ایران ایر که درگیر در اموال مشمول کنترل صادرات - یعنی ادعاهای تکمیلی ۳۸-(۲)، ز-۱۹، ز-۱۰۲، ز-۱۰۳ و ز-۱۱۲، می‌باشند؛ و

ب. هرگونه ادعای معلّق که «در برنامه جلسات استماع مرحلهٔ دوم این رسیدگی‌ها گنجانده نشده»[۱۴۷۶] و در حکم جزئی حاضر به آن پرداخته نشده است.

---

[۱۴۷۴] *بنگرید به* بندهای ۲۵۶۸، ۲۵۷۱-۲۵۷۳ و ۲۶۱۱ ب.۱۲) - ب.۱۳)، بالا.

[۱۴۷۵] *بنگرید به* بندهای ۲۵۷۱ و ۲۵۷۳، بالا.

[۱۴۷۶] *بنگرید به* بند ۵۰، بالا.

۳۳) در پرتو تاریخچهٔ رسیدگی‌ها در پرونده‌های حاضر،[۱۴۷۷] و به منظور احتراز از تصمیم‌های بالقوّه متعارض در پرونده‌های حاضر و پروندهٔ شمارهٔ ب-۶۱، تمام مسائل راجع به مقررات غیرقانونی خزانه‌داری تا جایی که مربوط به اموال مشمول کنترل صادرات ایران مورد اختلاف در پرونده‌های حاضر است نیز برای تصمیم‌گیری بعدی جدا می‌شوند. دیوان در موقعی مناسب دستوری در مورد اقدامات مربوط به رسیدگی‌ها که در این خصوص باید انجام شود صادر خواهد کرد.

---

[۱۴۷۷] *بنگرید به* بندهای ۴۵-۴۹، بالا.

لاهه، بتاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۹۸ برابر با ۱۰ مارس ۲۰۲۰

هانس فان هوته
رئیس دیوان
موافق

هربرت کرونکه

برونو سیما
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش

به نام خدا

حمیدرضا نیکبخت فینی
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش

چارلز ان. براوئر
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش

به نامه خدا

میرحسین عابدیان کلخوران
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش

او. تامس جانسن
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش

به نام خدا

سید جمال سیفی
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش

روزمری بارکت
موافق در یک بخش و
مخالف در یک بخش